فهرست

کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار

جلد دوم

کتب خطی فارسی - عربی - ترکی

تألیف

ابن یوسف شیرازی

چاپخانه مجلس

کتب خطی فارسی و عربی و ترکی

تألیف

ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از خرداد ۱۳۱۶ تا دیماه ۱۳۱۸ چاپ شد

تهران

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

یگانه خداوندی را سپاسگزارم که این کشور باستانی را

زیر سایه یگانه پیشوای توانا

اعلیحضرت همایون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه

رو به بزرگي برده و مردمان آنرا هم از خواری نادانی بسرافرازی دانائي رسانیده است.

یکي از گامهائیکه برای پیشرفت کارهای فرهنگی در پرتو دلبستگي

شاهنشاهزاده و ولیعهد جوانبخت

والاحضرت همایون شاهپور محمد رضا

برداشته شده توجه بکتابخانه های کشور بوده که دربردارندهٔ افکار عالي وآثار مهم نیاکان وموجب افتخار آیندگان میباشد وشاید بتوان با کمال جرئت گفت کتابخانه مدرسه عالي سپهسالار ازلحاظ دربرداشتن نسخه های کهن سال و کمیاب و ممتاز ، از جهت خط و تذهیب و جلد در ردیف کتابخانه‌های خوب جهان قرار گرفته ونگارنده در مقدمهٔ جلد نخستین تاریخچهٔ آنرا نگاشته است.

کتابهای نفیس این کتابخانه در اثر نداشتن فهرست جامعي مانند بهترین کتابخانه های کشورهای اروپا ، بر دانشمندان پوشیده بود

ومسلم است که استفاده از کتاب وکتابخانه بدون وجود اینگونه فهرستها که در حقیقت کلید وراهنمای جویندگـان و متتبّعین میباشد امکان پذیر نیست وگذشته ازاین ، فهرستهائي کـه مشتمل برشرح حال وآثاربزرگـان علم وادب است وتمام یابیشتر آنان ایراني بوده اند بهترین وسیله برای معرّفي يك کشور باستاني بجهان میباشد .

دراین فهرست گذشته از اینکه خصوصیات کتب ادبي و نسخ آنها نگارش یافته شرح حال وآثار ومؤلفات دویست و پنجاه نفر از ادبا وشعرا ودانشمندان نگاشته شده و تقریباً سه هزارمؤلفهٔ دیگررا بمناسبت معرفی نموده ودر آخر ، چون اعلام ونام شهرها ، آنهارا بترتیب حروف تهجی مرتب نموده ایم .

این مجلد که شامل بخشي از کتب ادبي کتابخانه است بادقت زیاد تألیف گردیده مؤلف و یاران وی در تألیف و تنظیم آن رنجهای فراوان برده اند وبررسي ودقت درمندرجات آن، ادعا را ثابت میکنند وزبان حال نگارنده این بیت است :

بدانی چو نیکو در او بنگری که جان کنده ام تاتو جان پروری

درمجلد پیشین چندگراور ازنسخ مهمه گذارده شد ولی دراین مجلد چون بیشتر نسخه ها از حیث خط و کمیابي و تذهیب و نقاشي دارای اهمیت زیادی میباشند ترجیح هریك را بردیگری بدون مرجح دانسته واز این کار برکنارشدیم .

گذشته ازمآخذیکه درمقدمه جلداول یادآوری شده بیش‌ازپنجاه مجلد از کتب تاریخ ورجال و ادب درهنگام نگارش‌این‌مجلد نیزمورد مراجعه بوده وعموماً درمواقع خود مآخذ نگارش مطالب را نگاشته ایم .

درخاتمه متذکر میشود که نگارش این‌مجلد چون مجلّد پیشین بمعاونت و مساعدت و همراهي دانشمندان محترم آقای عبدالحسین امین عراقی و آقای محمد جعفر واجد که هردواز بهترین دانشجویان و فارغ‌التحصیلهای دانشکده معقول و منقول میباشند صورت گرفته و تصحیح آنرا هم آقای سید حسن نوربخش عهده دار بوده وبدین وسیله از ایشان شکر گزاری مینمایم .

تهران ٥ دیماه ١٣١٨ ضیاءالدین حدائق ـ ابن یوسف شیرازی

فهرست مندرجات

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

خطب و منشآت

چنانکه در مقدمه جلد اوّل نگاشته شد مجلّد دوّم فهرست این کتابخانه شامل کتب ادبی میباشد و نخستین فصل آن بنام « خطب و منشآت » نامیده شد .

[۳۰۱] آداب‌المشق (فارسی)

مؤلف این کتاب میر عماد حسنی قزوینی (۹٦۱-۱۰۲٤)(۱) خطّاط معروف میباشد که در عالم خوشنویسی مخصوصاً خطّ نستعلیق گوی سبقت از همه ربوده و چنین معمول گردیده که هر کس را خواهند بخوبی خط تعریف نمایند گویند میراست و یا مثل میر مینویسد و گذشته از این صنعت زیبا دارای طبع شعر هم بوده و میرزای سنگلاخ در جلد اوّل از کتاب « تذکرة‌الخطاطین » یا « امتحان‌الفضلا » در ذیل شرح حال میر مذکور پاره ای از قطعات و ابیات وی را نقل کرده و در آخر مجلّد دوم از کتاب نامبرده این کتاب یا رساله را که در طریقهٔ نگارش خط نستعلیق و مقدمات آن تألیف نموده با رساله **سراط‌السطور** (۲) **سلطانعلی** مشهدی و رساله « مداد‌الخطوط » خواجه میرعلی هروی که این دو نیز

---

(۱) ج ۱ تذکرة‌الخطاطین سنگلاخ ، پیدایش خط وخطاطان ۱٦۳ و ۱۷۳ و تتمه روضة‌الصفا .

(۲) نام این رساله را درجلد دوم تذکرة‌الخطاطین باین طرز ثبت نموده ودرحاشیه نوشته شده : سراط همان صراط معروف است و این رساله نیز بنظم و آغاز آن این است :

بسمله با این همه بی حاصلی بوالهوسی درمانده به نارسائی و هیچ کسی ،

از معاریف این فنّ میباشند و رسالهٔ آنها در طرز نگارش است ثبت نموده و به طبع رسیده و آداب المشق مستقلاً نیز چاپ شده است .

مؤلّف نام این رساله را آداب المشق نهاده و بدیباچه و شش فصل مرتب گردانیده بدین تفصیل :

فصل اول : در اینکه کاتب از صفات ذمیمه باید احتراز کند . **فصل دوم :** دربیان اجزای خط . **فصل سوم :** درتعریف مشق وآداب آن . **فصل چهارم :** در بیان چگونگی قلم و تراشیدن آن . **فصل پنجم :** در آداب مرکّب ساختن . **فصل ششم :** در تربیت کردن کاغذ و اقسام آن و طریقهٔ رنگ آمیزی و آهار ومهره کردن آنها . و این رساله در حدود (۲۰۰) بیت میباشد .

آغاز : بسمله صبا بعطر آمیزی رقم مشکین بسم‌الله که سردفتر ارقام مشکفام دیوان حمد و ثنای خالق بیچون است الخ .

انجام : وخوبی مهره آنستکه همچنان روشن شود که عکس روی در وی نماید والله اعلم تم .

(۷۴۷)

آداب المشق

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، در سال ۱۲۹۶ داخل در کتابخانهٔ اعتضادیّه شده و پشت صفحهٔ اوّل بنام « رساله در قواعد خط از میر عماد » یاد داشت گردیده است .

جلد تیماج . کاغذدولت آبادی . واقف‌سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔاوراق (۲۵) . صفحه (۹) سطر . طول (۱۱ سانتیمتر) ، عرض (۶ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۶۴۸) .

(۷۴۸)

آداب المشق

این نسخه بخط نستعلیق خوب در سال ۱۲۶۱ نگاشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و جای عناوین و فصول را سفید گذارده اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۱) . صفحهٔ (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷٦۷) .

[۳۰۲] ادب الکاتب (عربی)

مؤلف این کتاب ابن قتیبه دینوری ره است (ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کوفی ۲۱۳-۲۷۰/۲۷۱/۲۷٦[1]) که از علماء فقه و لغت و نحو بوده و بغریب قرآن و حدیث و معانی آن اطّلاع کامل داشته ، مولدش کوفه است و غلّو در طریقهٔ بصریّین داشته و اقوال کوفیّین را در کتب خویش نقل نموده و در گفتار خویش راستگو و طرف اعتماد بوده و چندی مقام قضاوت دینور (۲) را داشته و بدین سبب مشهور به دینوری گردیده ، ابن الندیم که در قرن چهارم میزیسته پس از بیاناتی که عبارات گذشته ترجمه پاره‌ای از آنهااست مؤلّفاتیکه ذیلاً نام میبریم باو نسبت داده و ابن خلّکان نیز همین معانی را در کتاب وفیات خویش آورده و گوید که بمرگ ناگهانی در گذشت و اختلافات فوق را درسال وفات او وی نقل نموده و گوید که پسر وی **ابو جعفر احمد بن عبدالله** در سال ۳۲۱ قاضی مصر گردید و تمام مصنّفات پدر را روایت نمود و بسال ۳۲۲ همانجا در گذشت و اینست مؤلّفات ابن قتیبه :

کتاب **معانی الشعر** (کتابی بزرگ ومشتمل بر دوازده کتاب است) ، **کتاب الفرس** (در چهل و شش باب) ، **کتاب الابل** (درشانزده باب) ، **کتاب الحرب** (در ده باب) ، **کتاب العرور** (در بیست باب) ، **کتاب الدیار** (در ده باب) ، **کتاب الریاح** (در سی و یك باب) ، **کتاب السباع والوحوش** (درهفده باب) ، **کتاب الهوام** (درچهارده باب) ، **کتاب الایمان والدواهی** (درهفت باب) **کتاب النساء و الغزل** (فقط در یك باب) ، **کتاب النسب و اللبن** (درهشت باب) ، **کتاب تصحیف العلماء** (دریك باب) ، **کتاب عیون الشعر** (این کتاب بگفته ابن الندیم مشتمل برده کتاب است واز آنها کتاب المراتب ، کتاب القلائد ، کتاب المحاسن ، کتاب المشاهد ، کتاب الشواهد ، کتاب الجواهر ، کتاب المراکب ، میباشد) . (در کشف الظنون بدین نام کتابی ضبط نگردیده ولی از این مؤلف کتابی بنام «طبقات الشعراء» نقل نموده که بقرائنی توان آنرا همین کتاب (عیون الشعر) دانست ج ۲ کشف الظنون

(۱) شرح حال این مؤلف ازابن خلکان ج ۱ ص (۲۵۱) و فهرست ابن الندیم ص ۱۱۵ و معجم المطبوعات ص ۲۱۱ تا ۲۱۳ گرفته شده .

(۲) دینور یکی ازشهرهای مغرب ایران و درنزدیکی کرمانشاهان فعلی بوده است .

ص ۹۳ و ابن‌خلکان طبقات الشعرا را از ابن مؤلف دانسته و درفهرست ابن الندیم این کتاب ذکر نشده‌است) ، **کتاب‌عیون‌الاخبار** (این کتاب‌مشتمل بر ده کتاب‌ذیل میباشد :

کتاب السلطان ، الحرب ، السئودد ، الطبایع ، العلم ، الزهد ، الاخوان ، الحوائج ، الطعام و **کتاب النساء** (بروکلمان آلمانی و مصریین بچاپ کتاب النساء پرداخته اند) ، **کتاب التقفیه** (ابن ندیم گوید که سه جزواز این کتاب رادرششصدورق بخط بر ٔك (۱) دیده امو تقریباً دوجزء آن ناقص بود ازجمعی که اهل خط بودند پرسش نمودم چنین گمان دارند که اینك موجودمیباشدواز کتابهای **بنلنیجی** بزرگتراست) ، ونیزابن‌الندیم پس‌ازاین گوید که ازبهترین کتابهای‌وی‌اینهااست : **کتاب‌الحکایة‌والمحکی** ، **کتاب‌ادب‌الکاتب** (همین کتاب) ، **کتاب الشعر و الشعراء** (این کتاب درمصر چاپ شده وآنرا باطبقات الشعراء که‌ازمؤلفات ابن مؤلف است‌صاحب معجم المطبوعات یکی‌دانسته است) **کتاب الخیل** ، **کتاب جامع النحو** ، **کتاب مختلف الحدیث** ، **کتاب اعراب القران** . **کتاب دیوان الکتاب** ، **کتاب فرائد الدر** ، **کتاب خلق الانسان** ، **کتاب المراتب و المناقب** از عیون الشعر ، **کتاب التسویة بین العرب والعجم** ، **کتاب الانواء** ، **کتاب المشکل** **کتاب دلائل النبوة** ، **کتاب اختلاف تأویل الحدیث** ، (ظاهراً همین کتاب است که بنام «تاویل‌مختلف الحدیث» چاپ شده ،) **کتاب المعارف** ، **کتاب جامع الفقه** ، **کتاب‌اصلاح‌غلط‌ابی‌عبید** درغریب‌حدیث ، **کتاب‌المسائل والجوابات** ، **کتاب‌العلم** (درحدود پنجاه‌ورق است) ، **کتاب‌المیسر والقداح** ، **کتاب‌حکم‌الامثال** ، کتاب الاشربه (این کتاب بسال ۱۰۹۷ م درمجله المقتبس‌طبع گردیده) ، **کتاب‌جامع النحو الصغیر** ، **کتاب‌الردعلی المشبهه** ، **کتاب‌آداب العشره** و **کتاب‌غریب الحدیث** ،

ابن خلّکان در وفیات الاعیان پاره ای از مؤلّفات فوق را ذکر نموده و کتابی بنام مشکل القران و اصلاح الغلط نام برده ظاهراً همان کتاب المشکل و اصلاح غلط ابی عبید است که ابن ندیم ذکر نمود و کتاب **طبقات الشعراء** و کتاب **غریب القرآن** را نیزازمؤلّفات‌ابن‌قتیبه دانسته و صاحب‌معجم المطبوعات کتاب **الامامة والسیاسه** و **الرحل والمنزل** و **اللباء واللبن** راکه طبع شده‌اند از مؤلّفات ابن قتیبه دانسته است .

این کتاب (ادب الکاتب) یکی از کتب مهمّه ادب میباشد و ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸) در مقدّمه تاریخ خویش ذیل علم الادب دربارهٔ آن چنین گفته: هنگام استفاده از مدرسین خویش چنین یاد دارم که میگفتند : اصول فن ادب وارکان آن این چهار دیوان است : **ادب الکاتب ابن قتیبه** ، **کامل مبرد** ، **البیان و التبیین جاحظ** و**نوادر ابوعلی قالی بغدادی** و جز این چهار کتب‌دیگر فرع و تابع اند . (مقدمه ابن خلدون ص ٤٨٦) .

---

(۱) درفهرست ابن الندیم چاپ‌اروپا و مصر بهمین نحوضبط گردیده است .

ابن قتیبه پس از آنکه شرحی در خطبه و دیباچه کتاب از روزگار خویش و کساد بازار علم و ادب و نا رواجی فضل و دانش شکایت نموده گوید : چون کتّاب و فضلاء معاصر از شرائط کتابت عاری و بری اند واگر برین منوال پیش رویم از ادب جز نامی و از ادبا جز آثاری نخواهیم یافت ، ناچار گردیدم برای اشخاصی که تاحدّی تحصیل نموده واز دانش بی بهره نیستند کتابی تألیف کنم که آنها رادر انجام وظائف خویش آگاه نماید واغلاطی راکه عامّه استعمال میکنند بیاورم تا آنان از آن غلط در گفتار و کتابت محفوظ مانند و نیز در این خطبه آنچه راکه ادیب ونویسنده بایستی بداند از فقه واصول و حدیث و نجوم وغیر ذلك بدانها اشاره نموده وطریقه نگارش را بدست میدهد .

این کتاب دارای مطالب بسیارمفیدلغوی ، نحوی ، صرفی ،طبیعی ودینی است ودر (۱۲۷) باب میباشد ، بعضی از مطالب‌هم بدون عنوان باب مدکور گردیده و در تمام مطالب باشعار فُصحا و بُلغا استشهاد شده است .

مؤلّف خود نامی برای این کتاب نگذارده ولی چنانکه دانستیم ابن الندیم که قریب بیك قرن پس از ابن قتیبه زندگانی مینموده آن را « ادب الکاتب » معرّفی کرده و تمام علماء سیر آنرا بهمین‌نام یاد کرده اند جز اینکه **ابو محمدعبدالله** بن محمّد بن سید بطلیوسی اندلسی (٤٤٤ - ٥٢١) شرحی بر این کتاب بنام « الاقتضاب فی شرح ادب الکتّاب » نگاشته وچنین وانمود کرده که نام این کتاب « ادب الکتّاب » است ولی چنانکه‌دانستیم یك قرن پس از این شارح ، این کتاب به « ادب الکاتب » معروف بوده و تغییرش جائز نبوده و صاحب کشف‌الظنون‌درذیل ادب‌الکاتب گوید (ج ۱ ص ۷۳) :

بعضی گفته‌اند ادب‌الکاتب خطبه‌ای است‌بدون کتاب درصورتی که مشتمل برهمه‌چیزاست و بر آن شروحی نوشته شده که از آنجمله**الاقتضاب**میباشدو این شرح‌مشتمل برسه‌قسمت است اول شرح خطبه وبیان اقسام منشیان و آنچه‌ایشان را لازم است ، دوم‌اشتباهاتیکه مؤلف کرده ، سوم شرح ابیاتی که دراین کتاب آورده‌شده است . (الاقتضاب بسال ۱۹۰۱ م . در بیروت چاپ‌شده) .

کشف الظنون درج ۱ ص ۷۳ و ۷٤٤ پس از اینکه ادب‌الکاتب ابن قتیبه را ذکر نموده شروح ذیل‌را برآن یاد آور شده (۱) ، **الاقتضاب** که شرح آن داده شد (۲) شرح

ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی متوفی بسال ٤٦٥ - (۳) شرح **سلیمان بن محمد** زهراوی . (٤) شرح ابی علی **حسن بن محمد بطلیوسی** متوفی بسال ٥٧٦ . (٥) شرح **احمد بن داود** جذامی متوفی بسال ٥٩٨ (٦) شرح **اسحق بن ابراهیم فارابی** متوفی بسال ٣٥٠ .

و نیز گوید که بعضی فقط خطبهٔ این کتاب را شرح نموده اند و از آنها (۱) **ابو القاسم عبد الرحمن** بن اسحق الزجاجی متوفی بسال ۳۳۹ . (۲) **مبارك بن فاخر** نحوی متوفی بسال ٥٠٠ را نام برده (علت اینکه بعضی فقط بشرح خطبهٔ آن اکتفا کرده اند این است که بتفصیل دارای مطالب مهمه ای میباشد که اند کی از آنها را یاد کردیم و بهمین سبب بعضی بغلط افتاده و تصور نموده اند که ادب الکاتب خطبه ایست بدون کتاب) و بعضی فقط **ابیات این کتاب را شرح** نموده و صاحب کشف الظنون از آنها **احمد بن محمد خاز رنجی** متوفی بسال ۳٤۸ را ذکر نموده است .

در ص ۷٤ ج ۱ کشف الظنون کتب ذیل بنام نیز ادب الکاتب با مؤلّفین آنها ثبت شده :

(ادب الکاتب) تألیف امام ادیب **ابو بکر محمد بن القاسم** بن الانباری متوفی بسال ۳۲۸ .
(ادب الکاتب) تألیف **ابو جعفر احمد بن محمد النحاس** نحوی متوفی بسال ۳۳۸ .
(ادب الکاتب) تالیف **ابو عبد الله محمد بن یحیی الصولی الکاتب** متوفی بسال ۳۳٥ (۱) .
(ادب الکاتب) تالیف **ابن درید محمد بن الحسن** اللغوی متوفی بسال ۳۲۱ .
(ادب الکاتب) تالیف **صلاح الدین خلیل** بن ایبك الصفدی متوفی بسال ۷۹٤ .

ادب الکاتب ابن قتیبه در اروپا و اسلامبول و مکرراً در مصر چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال ابو محمّد عبدالله بن مسلم بن قتیبه رحمه الله تعالی **اما بعد** حمد الله بجمیع محامده و الثّناء علیه بما هو اهله و الصّلوة علی رسوله المصطفی و آله فانّی لمّا رأیت اکثر اهل زماننا الخ .

(۷٤۹)

ادب الکاتب این نسخه بخطّ نسخ بسال ۱۲۸۲ نگاشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب است و عناوین را با سرخی نوشته و چند ورق ننوشته در اوّل آن است .

(۱) درفهرست ابن الندیم نام این کتاب را چنین ثبت نموده «ادب الکاتب علی الحقیقه» و گوید دراثر اینکه خبری درباره علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نموده شیعه و سنی درصدد کشتن وی بودند پنهان شد و دربصره بحالیکه ازنظرها مخفی بود بمرد و بهتر ازهر کس شطرنج را بازی میکرد و تاسال (۳۳۰) زندگی میکرد انتهی . (ص ۲۱٥) .

جلدمیشن‌ضربی . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔاوراق (۱۷۱) . صفحهٔ (۱۷)سطر. طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۳) .

(۷۵۰)

ادب الکاتب

این نسخه بخطّ نسخ نگاشته شده ومشتمل بر بیشتر ازنصف ازاین کتاب‌میباشد (از ابتداء کتاب تاآخر باب ماجاء محرّکا و العامّه تسکنه) و آخرین سطر نسخه این است: (الذّبحه بالضّم واسکان الباء و ذهبَ دَمه هَدراً بفتح الدّال.) از کاتب نامی در نسخه نیست به سال ۱۲۸۷ بنام «ادب الکاتبین» داخل کتابخانه اعتضادیّه شده و پشت صفحهٔ اوّل یادداشت گردیده و برگهای آن بجدول بطلا و سرخی وکاغذ آن فرنگی و بر تمام اوراق شیر وخورشید بر آمده ایست.

جلد تیماجی . کاغذفرنگی‌آبی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری شمارهٔاوراق (۱۸۰) صفحهٔ (۱۱)سطر . طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۲) .

[۳۰۳] اطباق الذهب (عربی)

مؤلّف این کتاب شرف الدّین شفروه اصفهانی ره است (شرف الدّین محمّد (۱) اصفهانی‌شفروه متوفی در حدود ۶۰۰).

---

(۱) در تعلیمات استادعلامهٔ قزوینی ذکر شده که‌درفهرست اسپرنگر بنقل‌ازتقی‌الدین کاشانی نام این‌مؤلف‌شرف الدین‌عبدالمؤمن صمط گردیده ، پشت صفحهٔ اول نسخه چاپ شده مؤلف نیز شرف‌الدین‌عبد المؤمن بن‌هبة الله مغربی‌اصفهانی ضمط گردیده ، ولی با تتمع مقدور ندانستیم بچه مناسبت ایشانرامغربی معرفی کرده‌اند و در تذکره آتشکدهٔ آذرذیل‌شعراء اصفهان نام ایشان‌شرف‌الدین‌فضل‌الله‌ثبت گردیده‌ولی درلباب‌الالباب ج ۱ ص ۲۶۸ وتذکرهٔ هفت‌اقلیم درذیل اصفهان‌شرف الدین‌محمدودر تذکرهٔ دولتشاه نسخه خطی‌این کتابخانه‌ص ۷۹ شمارهٔ (۲۷۲۷) شرف الدین سفروه‌اصفهانی باسین مهمله و درنسخه تاریخ گزیده مصحح قدیمی این کتابخانه شرف الدین شفروه‌اصفهانی و درمجمع الفصحاء ج ۱ص ۳۰۲ بنام شرف ضبط گردیده‌ولی جز آتشکده این کتاب را هیچیک‌ازتذکره‌نویسان از تألیفات و انشاآت او نشمرده اند در ص ۱۶۵ ملحق‌دوم‌ازجزوسوم‌فهرست‌دار الکتب‌المصریه‌نام‌مؤلف‌اطباق الذهب‌نیزشرف الدین عبدالمؤمن‌المغربی‌الاصفهانی‌ضبط شد وصاحب‌معجم المطبوعات ص ۱۳۰۰ وی را شرف‌الدین عبدالمؤمن بن هبة لله‌المغربی الاصفهانی المعروف بشفروه یا شفروه معرفی‌نموده و در ذیل آن گوید که دراواسط قرن دهم هجری معروف گردیده پشت نسخه خطی که اخیراً باین کتابخانه رسیده و بسال ۱۱۱۵ نگاشته‌شده نام‌مؤلف چون‌نسخ‌چاپی با حذف کلمه مغربی است و اطباق الذهب درمصر وبیروت ولاهور چاپ شده است

عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان بمؤلّف و معاصر با وی میباشد در لباب الالباب (ص ۲٦۸ ج ۱) وی را « از اماثل اصفهان‌واعیان جهان معرّفی نموده و گوید که در علم تذکیر شهرتی داشت و مواعظ و نصایح او عقل را مرشد شافی و مصقلهٔ وافی بود فامّا لطف طبع مروی را باعث و محرّض آمد بر آنك گاه گاه نظمی چون آب زلال وشعری چون سحر حلال بپردازد ودرغزل ومدح لطائف و ظرائف نظم مرتّب گرداند و دیوان اشعار او مشهور است» و شصت و هفت بیت از اشعاراو را در ذیل شرح حال وی آورده ونامی از این کتاب نبرده‌و آذربیگدلی در « آتشکده » ذیل شعراء اصفهان این شخص‌را نام برده و گوید که معاصر با رفیع الدّین لنبانی (متوفی بسال ٦۰۳) و جمال الدّین عبد الرّزاق بوده و مجیر بیلقانی (۱) (متوفی سال ۵۹٤) راهجا گفته شاهد فضلش رساله اطباق‌الذّهب کافیست که درمقابل‌اطواق‌الذّهب‌زمخشری‌مشتمل‌برصد پندوموعظه و شرح حال اصناف خلائق نوشته . ودر آتشکده ۲۵ بیت از اشعار این‌مؤلّف نقل گردیده ، در تذکرهٔ دولتشاه نام این دانشمند مذکور و اشعاری از مدیحه وی دربارهٔ سلطان طغرل بن ملکشاه نقل گردیده ودر تاریخ گزیده درذیل شعراء نام وی و چند بیتی از او هست ، صاحب مجمع الفصحاء ایشان را بنام « شرف اصفهانی » و از اهالی شفروه از قراء اصفهان که اینك آنرا پژوه میگویند معرّفی نموده ولی برحسب تحقیق استاد علاّمه آقای میرزا محمّد خان قزوینی مدّظله‌در تعلیقات بر لباب الالباب(ج ۱ ص ۳۵٦ - ۳۵۹) شفروه باشین و فاء وراء مهمله و واو و هاء با ضمّ دو حرف اوّل و سکون راء یا فتح آن دو و سکون راء نام یکی از اجداد شرف الدّین بوده و « شرف » تخلّص مینموده و در حدود سال ٦۰۰ وفات یافته است .

برای شناسائی بیشتری ازاین‌دانشمند به‌تعلیقات مذکور که‌مفصّل تر وجامع‌تر

(۱) مجیر الدین بگفته‌استاد معظم آقای بدیع الزمان بسال ۵۵۱ یا ۵۵۲ باصفهان آمده ومردمان آنجا راهجا گفته ایشان‌وی‌واستادش خاقانی‌را هجو کرده‌اندو بهمین جهت‌خاقانی‌قصیده‌معروف بردیف «صفاهان» در مدح‌اصفهان‌سروده‌واز کارمجیر الدین عذر خواسته است .(ج ۲ سخن و سخنوران ص ۲٦٤) .

از همه نگاشته اند مراجعه شود و دیوان این شاعر درموزه بریطانیا موجود است.

و چنانکه خود درمقدّمه نگاشته تألیف اطباق الذهب برحسب امر **احمد بن محمود** بن علی الخوّی ، زاده الله توفیقاً بوده واز ایشان چنین خواستار شده که صد مقاله (۱) در وعظ و نصیحت و خطب بهمان نهج کـه علاّمه زمخشری در اطواق الذهب برداشت کرده اند بنگارد . و گوید که پس از زمخشری کسی نتواند چون وی قلم بدست گیرد و عباراتی چنان نگارش دهد ولی چون امر معظم لـه واجب بود شروع نموده واین مقالات را نوشته و آنهـا را مرتّب ساخته و از آن پس « اطباق الذهب » نام گذاردم و هر یك از مقالات را بآیه ای از قرآن کریم ختم نمودم تا ختام آن مسك باشد .

از مطالعهٔ مقالات اطباق الذّهب قدرت مؤلّف و منشی آن بخوبی واضح میگردد و آنرا توان بر اطواق الذّهب ترجیح داد .

ودر ص ۱٦٥ ملحق دوّم از جزء سوّم فهرست دار الکتب المصریّه نسخه ای از شرح **بر اطباق الذهب** که بسال ۱۱۰۰ تحریر یافته میباشد و آغاز آن این است : (اعلم انّ فی التّسمیه و البسمله مباحث الاوّل فی لغتها الخ) و در ذیل آن نگاشته شده که شارح آن معلوم نشد .

شیخ یوسف افندی النبهانی الفاظ مشکله و لغات غریبه این کتاب (اطباق الذّهب) را شرح و نسخه منطبعهٔ در بیروت آنرا داراست .

آغاز: بسمله اللّهمّ انا نحمدك علی اما اسبلت من جلابیب نعمائك الخ .

انجام : و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهن .

(۱) اطباق الذهب چنانکه مؤلف در مقدمه تصریح نموده مشتمل برصد مقاله است ولی در نسخه چاپ بیروت شمارهٔ مقالات را به (۱۰۲) رسانده باین طریق که مقاله ودم را دو مقاله نموده و خاتمه راهم یك مقاله شمرده و ترتیب مقالات این نسخه بادو نسخه خطی کتابخانه بدین نحو که مذکور میشود اختلاف دارد . ۹۰ خطی = ۹۲ و ۹۳ چاپی و ۹۱ = ۹۲، ۹٤ - ۹۳، ۹۵ = ۹٤، ۹۱ = ۹۷ و ۹۵ = ۹٦، ۹٦ = ۹۸، ۹۷ = ۹۹، ۹۸ - ۹۰، ۹۹ - ۱۰۰، ۱۰۰ = ۱۰۱ وخاتمه خطی = ۱۰۲ چاپی است .

(۷۵۱)

اطباق الذهب این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب **حسن بن عبد المجید** واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶ نوشته و در دو صفحهٔ پس از ختم کتاب بخط شکسته نستعلیق همین کاتب شرحی مبنی بر اینکه این کتاب را برحسب امر **سیف الملك** برشته تحریر در آورده مرقوم داشته اند ، ترجمه پاره ای از لغات از کتب لغت نقل و در حاشیه صفحات ثبت گردیده ، صفحات نسخه مجدول بطلا و لاجورد وشمارهٔ مقالات را با لاجورد و برخی را باشنجرف نگاشته ، بعضی از کلمات دو صفحهٔ پیش از ورق آخر را آب ضایع کرده و پشت آخرین صفحه شرحی مقامه مانند نوشته شده و در حاشیهٔ آن چند بیت عربی در مذمّت معاویه ازاینکه زیاد را برادر خود معرّفی کرده است میباشد .

ضمیمه اطواق الذهب میباشد . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق این کتاب (۱۰۱) . صفحه (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۸) .

(۷۵۲)

اطباق الذهب این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، کاتب از خود نامی نبرده و سال کتابت را ننگاشته ولی بقرینه قطع و اینکه ضمیمهٔ مقامات بدیع الزّمان است که بسال ۱۲۷۷ نوشته شده و نسخهٔ اطواق الذهب که نیز ضمیمه این نسخه است چنانکه می آید ظاهراً ازروی نسخه ایکه بسال ۱۲۷۶ نگاشته شده تحریر یافته ، بنابر این تاریخ نگارش این نسخه سال ۱۲۷۷ بوده و اطواق الذّهب زمخشری و مقامات را در جاهای خود شرح خواهیم داد . این نسخه دارای سر لوحی زیبا و صفحات آن مجدول بطلا و شماره مقالات آن بخط ثلث بالاجورد و بعضی باشنجرف است .

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق اطباق (٤٤) اوراق اطواق (۱۸) مقامات (۱۲۰) صفحه (۹ و ۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۳۵۰) .

[۳۰٤] **اطواق الذهب** (عربی)

مؤلّف این کتاب جار الله زمخشری رهاست (٤٦۷ - ۵۳۸) که در جلد اوّل فهرست

ص ۱۵۸ بشرح مختصری از حالات و مؤلّفات ایشان پرداخته شده و این کتاب از آن جمله است .

اطواق الذّهب کتابی است مشتمل بر یکصد (۱) مقاله که هر یك ازمقالات مواعظ و نصایح سودمندی را در بر دارد و مؤلّف میان هر دو جملهٔ از مقالات سجع را رعایت نموده وبا نهایت ایجاز و اختصاروفصاحت وبلاغت این کتابرا خاتمه داده و چنانکه مذکور گردید **اطباق الذهب** را مؤلّف آن در اقتداء به جارالله زمخشری تألیف نموده است .

در خود کتاب نامی ازمؤلّف واسم کتاب نیست ولی درمقدّمه اطباق‌الذهب مؤلّف آن تصریح نموده که صدمقاله زمخشری موسوم به اطواق الذهب میباشد و کشف‌الظنون درذیل همین‌نام‌این مقالات‌را نسبت بزمخشری داده ودر آنجااست که مؤلّف در ابتداء هر مقاله خود را مخاطب ساخته و پس از گفتن یا ابا القاسم مطالب ومواعظی را آورده است‌ومؤلّف معجم‌المطبوعات وتبع او نیز این‌مطلب را در ص ۹۷۳ ذکر نموده در صورتیکه در دو نسخه خطّی این کتابخانه و نسخهٔ چاپ وین که بضمیمهٔ ترجمه آن بزبان اطریشی است و در این کتابخانه در تحت شمارهٔ (۳۳٤۹) موجود است و نسخهٔ چاپ بیروت چنین نیست و با مطالعه مقالات این کتاب ثابت میشود که طرز دخول در موضوع هم تناسبی ندارد جملهٔ یا ابا القاسم ویا عبارت دیگری که بیان کند مطالب این مقاله ازلحاظ خطاب بخود جامع باشد دارا بوده است و کشف الظنون آغاز این کتاب راباین جمله نقل نموده : (احمده علی ما ادرج لی من الائه) (۲) در صورتیکه نسخ مذکورهٔ فوق ابتدابعبارتیکه‌ذیلاً نقل‌میشود گردیده‌است . و این کتاب چنانکه در

(۱) درنسخه چاپ‌وین‌مقالاترا ۹۹ دانسته ولی‌درنسخهٔ چاپ بیروت ونسخ‌خطّی این کتابخانه قسمت‌اخیرمقاله ۹۹ چاپ‌وین‌رامقالهٔ‌صدم دانسته‌اندوازبیانات‌مؤلف اطباق‌الذهب درمقدمه کتاب معلوم میشود که این کتاب هم صدمقاله بوده و کشف الظنون نیز آنرا صدمقاله دانسته است .
(۲) این نیز ازاشتباهات حاجی‌خلیفه در کشف‌الظنون است که مقالات زمخشری را که دارای پنجاه مقاله است به اطواق الذهب او اشتباه کرده و این آغاز را که نقل نموده آغاز مقالات پنجاه‌گانه او است واین مقالات‌است که ابتداء‌به یا اباالقاسم گردیده وخود زمخشری مقالات آنرا شرح کرده و باهمین شرح دوبار درمصر بسال ۱۳۱۲ و ۱۳۲۵ چاپ شده است .

معجم المطبوعات است بزبان ترکی و آلمانی و اطریشی ترجمه گردیده و با ترجمها در اروپا طبع شده و چاپ بیروت آن مشتمل بر شرح لغات و کلمات مشکله آن بقلم شیخ یوسف افندی اسیر است و آقای دکتر رضا زاده شفق استاد معاصر درص ۱۹۳ تاریخ ادبیات نوشته اندکه : شاعر شهیر وصال شیرازی (متوفی بسال ۱۲۶۲) اطواق الذّهب را بفارسی ترجمه کرده اند .

آقای یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای ملی ایران که از نویسندگان شهیر این دوره میباشند و نوشتهای ایشان سرمشق نویسندگان عصر است این کتاب را شرح و بنام « قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب » مسمّی گردانیده و بسال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده و طرز این شرح آنستکه پس از نقل عبارات اطواق بشرح الفاظ و عبارات مشکله آن پرداخته و در تأیید مطالب به اشعار و کلمات بزرگان از ادبا و حکما متوسل شده و در بیشتر از صفحات عباراتی مناسب مقام از اطباق الذّهب آورده اند .

آغاز : بسمله اللّهمّ انّی احمدك علی ما اذللت الیّ من نعمتك الخ .

انجام : فکیف رضیت لدینك بالقذی ، والمؤمن لایرضی لدینه بذا .

(۷۵۳)

اطواق الذهب

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده ، و کاتب آن **حسن بن عبد المجید الحسینی** واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶ میباشد و پشت آخرین صفحه و صفحهٔ مقابل آن بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب شرحی در معرّفی از این کتاب و مؤلّف آن و اینکه بر حسب امر **سیف الملك** بکتابت آن پرداخته نگاشته است .

مقاله ۴۳ و ۴۷ را کاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرّفی کرده و چهار مقالهٔ آنرا (از ۹۱ تا ۹٤) ننوشته و پس از این کتاب نسخهٔ اطباق الذهب مذکور تحت شمارهٔ (۷۵۱) درص ۱۱ این فهرست میباشد ، صفحات آن بجدول بطلا و لاجورد است و بر ورقی که پیش از ورق اوّل است اشعاری بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق دو کتاب (۱۳۹) اوراق این کتاب (۳۸) . صفحهٔ (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۸) .

(۷٥٤)

اطواق الذهب این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده ، مقاله ۴۳ و ٤۷ را کاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار مقالهٔ آنرا از ۹۱ تا ۹٤ چون نسخه سابق ننگاشته‌اند بقرائنی که در ص ۱۱ ذیل نسخهٔ (۷٥۲) اطباق الذهب نگاشتیم در سال ۱۲۷۷ تحریر یافته ، دارای یك سرلوح زیبا میباشد ومیان سطور صفحهٔ اول تذهیب برگ موئی دارد ، تمام اوراق مجدول بطلا وشمارهٔ مقالات بخط ثلث بالاجورد نوشته شده و کتاب اطباق الذهب مذکور و مقامات بدیع الزمان که در این فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمهٔ این نسخه است .

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۸) صفحهٔ (۱٥) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) ، ضمیمهٔ شمارهٔ (۳۳٥۰) کتابخانه است .

[۳۰٥] ترجمه و شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

مترجم این عهد نامه که از معروفترین انشاآت حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السّلام میباشد و شروح بسیاری بر آن نگاشته شده و در ذیل شروح کتاب نهج البلاغه از آن نیز یادخواهیم نمود ملاّ **محمد صالح** بن [illegible] معروف بروغنی رحمة الله علیه میباشد که از علماء قرن یازدهم هجری بوده و ما در جلد اوّل این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲٥ دو مؤلفهٔ ایشان را ذکر نموده و در آنجا متذکّر شده که در سال ۱۰۸۰ بترجمه [illegible] مفصّل پرداخته اند ولی تا کنون بتحقیق بدست نیاورده‌ایم که پس از آنسال چند سال در این جهان زیسته اند و در ذیل شرح نهج البلاغهٔ همین مؤلف، بپاره‌ای از مؤلفات ایشان که در [illegible] از آنها نام و نشانی نیافته اشاره خواهد گردید و از بعض موجود در [illegible] نسخ این ترجمه چنین معلوم میشود که در سال ۱۰۹٤ بجلد [illegible] عهد نامه خاتمه یافته است .

مترجم این عهد نامه را که مشتمل بر دستور حکمفرمائی و فرمانروائی است

با نهجی خوب و اسلوبی متین ترجمه و شرح نموده و در ضمن باشعار عربی و فارسی و حکایات مناسب تمثّل جسته و پیش ازشروع بترجمه عهد نامه دیباچه‌ای مشتمل بر حمد و ثنا و علّت ترجمهٔ این عهد نامه و شرح مختصری از حالات و مقامات **مالک اشتر** و معنی لغوی اشتر و لزوم تعیین حاکم و امام برای نگهبانی مردمان ، انشاء و پس از آن شروع بترجمه وشرح نموده ودردیباچه نگاشته‌اند : این ترجمه و بیانی است ازعهد نامه . و بنابر اینکه بیان عهد نامه باشد بایستی این کتاب را شرح **عهد نامه** معرّفی نمود وبا مراجعه بخود کتاب مسلّم میشود که مؤلّف کاملاً بشرح وبسط وبیان مراد حضرت ع پرداخته وقناعت بترجمهٔ عبارات ننموده است .

این ترجمه وشرح عین آنست که مؤلّف در **شرح نهج البلاغه** خویش که در همین فصل از آن یاد خواهیم نمود آورده جز اینکه در هر صفحه ای تقریباً دو یا سه بیت ودر بعضی از صفحات بیشتر بر مطالب افزوده ومقدّمه‌ای چنانکه مذکور شد بر آن نگاشته و در حدود پنجاه بیت نیز در آخر اضافه نموده و چنانکه از قرائن بدست میآید این ترجمه و شرح را مؤلّف پس از**شرح نهج البلاغه** خویش مرتّب کرده و انتشار داده ولی در هیچ جا اشاره‌ای بدان ننموده است .

آغاز : بسمله سپاس و ثنا خداوندی را رواست که ذاتش از وصمت فنا و زوال [معرّا است] کذا الخ .

انجام : وآنکه ختم کند از برای تو بسعادت و شهادت بدرستیکه ما بسوی او تعالی را غبیم وسلام بر رسول خدا ص (۱) .

---

(۱) نسخهٔ مدرسه ترجمهٔ آخرین فقرهٔ عهد نامه را ندارد و کاتب پس از نقل عبارت آن دست از نگارش کشیده وما عبارت فوق را ازروی شرح عهدنامه که در**شرح نهج البلاغه** مؤلف میباشد نقل نمودیم ولی در نسخه‌ایکه جناب آقای **حاج محتشم السلطنه اسفندیاری** از این ترجمه عهدنامه دارند واینك نزد نگارنده است پس از عبارت فوق درحدود پنجاه بیت درشرح وتوضیح فقرات مذکوره اضافه دارد و آخر آن این بیت میباشد : **فارغت من تسوید هذا المختصر • فی اربعا یومان من اقبل الصفر**) و بحساب جمل مصرا ع اخیر سال ۱۰۹٤ را بیان مینماید وظاهر این است که اینسال تاریخ تألیف این ترجمه نباشد ، چراکه تاریخ کتابت نسخهٔ **شرح نهج البلاغه** مؤلف که اینك در این کتابخانه است بسال ۱۰۸۸ بوده واگرتاریخ مذکور دراین بیت ازقلم وانشاء مترجم باشد تا آنسال درحیات بوده و درآن تجدید نظر کرده و ازاسلوب عبارت **امل الامل** که درسال ۱۰۹۷ تألیف شده (امل ج ۱ ص ۲٤) نیزحیات مؤلف را در این تاریخ میتوان استنباط نمود (**امل الامل** ج ۲ ص ٦٤)

(۷۵۵)

ترجمه و شرح عهدنامه مالك اشتر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده و کاتب از خود و سال کتابت نامی نبرده ولی ظاهراً در اوائل قرن یازدهم نوشته شده ، ورق اوّل کتاب که مشتمل بر شش بیت بوده افتاده و صفحات بجدول بطلا و زنگار میباشد و اوّلین سطر موجود آن این است :

(جز در تو قبله نخواهیم ساخت گر نه نوازی تو که خواهد نواخت)

و درسال (۱۲۸٤) داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و کنار اوّلین صفحهٔ موجود یاد داشت شده و از آخر هم موافق نسخهٔ مذکور در فوق بیش از پنجاه بیت نوشته نشده و آخرین سطر نگاشته شده اینست : (انا الیه راغبون والسّلام علی رسول‌الله صلی الله علیه و آله) .

جلد سوخته . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰) . صفحهٔ (۱۱) سطر . طول (½ ۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۳۰۹٦) .

[۳۰٦] ترجمه نهج‌البلاغه یا تنبیه‌الغافلین (فارسی)

مترجم و مؤلّف این کتاب ملافتح‌الله کاشانی ره مفسّر معروف و متوفی بسال ۹۸۸ میباشد که بشرح حال ایشان در (ص ۱۲۳ تا ۱۲٦ ج ۱) پرداخته شده ، و چنانکه خود در مقدّمه بدان تصریح کرده اند نام این ترجمه را « تنبیه‌الغافلین و تذکرة‌العارفین » نهاده و از ترجمه های بسیار مختصر این کتاب بزرگ میباشد و بعضی این ترجمه را شرح گفته اند ولی از حدّ ترجمه تجاوز ننموده و از کتاب نهج‌البلاغه در این فصل مفصّلاً صحبت خواهیم نمود . این ترجمه دو بار بسال ۱۲۷۵ و ۱۳۰۵ در طهران چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله الّذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لولا ان هدانا الله ...

* . . . اما بعد برذوی بصائر ثاقبه و خواطر باهره مخفی نیست که ترّقی بمدارج قرب الهی الخ .

(۷۵۶)

ترجمهٔ نهج البلاغه یا تنبیه الغافلین

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخطّ نستعلیق در سال (۱۰۱۶) هجری نگاشته شده و پشت ورق اوّل یادداشت هائی است که کهنه ترین آنها مورّخ بتاریخ (۱۰۲۷) هجری میباشدو بخطّ عبدالواهب مشتهر بواعظ ملکی اصفهانی است ، حواشی ورق آخر از بین رفته و وصّالی شده است.

جلد چرمی روغنی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۸۷) صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۱) .

(۷۵۷)

ترجمهٔ نهج البلاغه یا تنبیه الغافلین

این نسخه را بخطّ نسخ خوب صالح بن سعید بحرانی درسال (۱۰۷۸) نگاشته و پس از ختم کتاب خطبهٔ شقشقیّه را نیز همو نوشته ، متن نهج البلاغه باشنجرف تحریر گردیده ودر حواشی صفحات تعلیقاتی بامضاء شیخ علی و بدون امضاء نوشته شده و بر دو ورقی که پیش از نسخه است مطالب متفرّقه ای یاد داشت و پاره‌ای از اوراق وصّالی گردیده و مطالبی از پشت ورق اوّل محو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۷) . صفحهٔ(۲۷) سطر . طول (۲۷سانتیمتر) . عرض (۱۶سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۰۷۳) .

[۳۰۷] ترجمه نهج البلاغه یا شرح محمد باقر لاهیجی (فارسی)

محمّد باقر لاهیجی مشهور بنوّاب (۱) رحمةالله علیه که ازعلماءعصر فتحعلیشاه قاجار بوده و علوم معقول و منقول را در اصفهان تدریس مینموده و از علم نجوم نیز با خبر و در علم تفسیر دست مخصوصی داشته و قرآن کریم را بنام

(۱) درروضات درص (۱۲۲) ج ۴ و قصص العلماء در ذیل محمد علی نجفی فقط بمناسبت نام ایشان برده شده و از مؤلفات وسال وفات ایشان تاکنون خبر و اثری نیافته ام .

« تحفهٔ خاقانی » بطرزی خاص تفسیر نموده (در ج ۱ ص ۹۷ و ۹۸ شرح این کتاب گذشت) کتاب نهج البلاغه را بامر پادشاه مذکور بفارسی ترجمه کرده ودرمقدّمهٔ آن خود علّت شروع بترجمه را نگاشته ودربعضی ازفقرات برخلاف بنا که فقط ترجمهٔ کلمات و عبارات بوده بشرح و بسط پرداخته و از این جهت برخی این ترجمه رابنام شرح نیز ذکر ومعرّفی نموده اند وخود مترجم درمقدّمه هم اشارتی بشرح بودن آن مینماید و آن اینست : (بی ترجمه وجیزه مشتمله بر فوائد عالیه وفرائد غالیه که شروح مبسوطه سلف خالی از آن بود اقدام نمود الخ .) و نیز در مقدّمه گوید : (چون کلام آن حضرت در منتهی مرتبه فصاحت و بلاغت میباشد برای اثبات فصاحت و بلاغت آن کلام معجز نظام باشعار شعرا و کلمات بلغا استشهاد نگردید) .

مترجم چنانکه در آخر مجلّد اوّل و دوّم تصریح نموده اند در سال ۱۲۲۵ ترجمه مجلّد اوّل و سال ۱۲۲۶ ترجمه مجلّد دوّم نهج البلاغه را انجام داده و از ترجمه های خوب یکی این ترجمه میباشد ودر حدود (۲۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسمله سپاس موفور و ستایش نامحصور مخصوص ... الخ.

انجام: باتمام رسید ترجمه این کلام معجز نظام در عصر روز جمعه غرّه شهر جمادی الاولی سنه یکهزار و دویست و بیست و شش ... و ما توفیقی الابالله ....وانا .... الجانی محمّد المدعو بباقر اللاهیجانی عفی الله عن جرائمه و الحقه بالصّالحین بمحمّد و عترته الطّاهرین صلوات الله و سلامه علیه وعلیهم اجمعین .

(۷۵۸)

ترجمهٔ نهج البلاغه باشرح محمد باقر لاهیجی

این نسخه که مشتمل بر خطب اوّل کتابست در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ محمّد باقر بن محمدعلی حسینی ... اصفهانی نگاشته شده و عناوین خطب را کاتب با شنجرف نوشته و از ابتداء ترجمه تا ترجمهٔ کلامیست که حضرت در مذمّت اهل کوفه انشاء فرموده و اوّل آن اینست : (فقال علیه السّلام بعدما

لهم كما بعدت ثمود).

جلد تيماجي . كاغذ فرنكي . واقف سپهسالار . قطع خشتي . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحهٔ (۲٤) سطر . طول ۲۱ ۱/۲ سانتيمتر) . عرض (۱۵ سانتيمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۵) .

[۳۰۸] درّة الغوّاص في اوهام الخواص (عربي)

مؤلّف اين كتاب حريري رهاست (ابو محمّد قاسم بن علي بن محمد بن عثمان البصري ٤٤٦ - ۵۱۵/۵۱٦) (۱) که از علماء علم ادب بوده و در فنّ انشاء سر آمد اقران و امثال خود شده و مقامات او بسرحدّ كمال اشتهار رسيده وشروحي چند بر آن نگاشته شده و دو شرح آن در اين فصل ذکر خواهد شد و نيز در حرف ميم اين فصل بشرح کتاب مقامات مفصّلاً خواهيم پرداخت .

در وفيات الاعيان ابن خلّکان مذکور است که حريري را مؤلّفات نيکوئی است از آنها مقامات مشهورهٔ او و **ملحة الاعراب** بنظم در علم نحو و شرح آن ، **ديوان رسائل** ، ديوان شعر و **درة الغواص** في اوهام الخواص (همين کتاب) و سه کتاب اوّليّه و کتاب اخير مؤلّف چنانکه در ص (۷٤۸) معجم المطبوعات مذکور است مکرّر درمصر واروپا وغيره چاپ شده ونگارنده تاکنون بمؤلّفات ديگري از حريري دست نيافته ودر کتابي نام آنها را نديده است .

ابن خلّکان آورده که حريري از اهالي مشان (به ميم مفتوحه و شين پس از آن الف) بوده که شهر کوچکي درنزديکي بصره است وحريري منسوب بحرير ميباشد که اين شخص يا اشتغال ساختن و عمل آوردن آن داشته وخود يايکي از پدرانش فروشنده آن بوده است .

درة الغواص کتابي است که اغلاط مستعملهٔ درعبارات وکلمات و ابيات دانشمندان در آن جمع آوري شده و مؤلّف ادلّهٔ خود را در غلط بودن آن الفاظ ذکر و پس از آن صحيح آن را نيز با ذکر ادلّه از اشعار بزرگان نقل نموده و تقريباً مشتمل بر تصحيح دويست و پنجاه کلمه از کلمات غير صحيحه در

(۱) ابن خلکان ج ۱ ص (٤۱۹) ، روضات الجنات ص (۵۲٦) ، بغية الوعاة درحرف قاف ،

استعمال و کتابت میباشد و در حدود (٤٢٠٠) بیت کتابت دارد و از کتب بسیار خوب ادب است .

نظام الدّین حکیم الملک گیلانی این کتاب را مختصر نموده (۱) باین معنی که شواهد را انداخته و اقتصار بر کلمات مستعمله و صحیح آنها کرده و در مقدّمهٔ آن گوید که در کمتر از چهار ساعت این انتخاب را انجام داده و نیز اغلاط مستعملهٔ دیگری که حریری بذکر آنها نپرداخته بآخر آن افزوده و نسخه‌ای از آن را که در زمان حیات مؤلّف تحریر گردیده بضمیمه دوازده رسالهٔ دیگر از آن مؤلّف آقای تربیت (محمّد علی) دارند و در این جوّلد ذیل **حکایات غریبه** از مؤلّفات این مؤلّف نام خواهیم برد .

آغاز: بسمله قال الشّیخ الرّئیس ابو محمّد القسم بن علی بن محمّد بن عثمان الحریری البصری رضی الله عنه امّا بعد حمدالله الذی عمّ عباده بوظائف العوارف الخ .

(۷۵۹)

درة الغواص این نسخه را بخطّ نسخ در سال ۱۰۵۰ حاج بن منصور احسائی نوشته و نیز همین کاتب رساله ای که در ردّ بر ظاهریّه و مجسّمه و مشبهه است در حواشی کتاب نگاشته و پس از اتمام کتاب منظومه جزری در درایه که مسمّی به «الهدایه» میباشد تحریر و چون منظومه بپایان میرسد شرحی در طریق وصول بحق از شیخ نجم الدّین کبری نگارش یافته و بعد از آن مطالب متفرّقه ای نیز همین کاتب نگاشته ولی قسمت هائی از ضمائم و چند سطری از صفحات اخیر کتاب پاره شده و در حواشی نیز مطالب متفرّقه ای موجود است .

جلد تیماج ، کاغذ اصفهانی ، واقف سپهسالار ، قطع بیاضی ، شمارهٔ اوراق (۹۷) ، صفحه (۱٦) سطر ، طول (۱۹ سانتیمتر) ، عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۱ سانتیمتر) ، شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸۷) .

---

(۱) صاحب کشف الظنون جمعی از دانشمندان را که براین کتاب حاشیه نوشته ویا آنرا شرح نموده و یا مختصر کرده و بانظم بسته و یا بر آن تکمله نگاشته اند در ص (٤٨٤ و ٤٨٥ ج ۱) نام برده ولی این اختصار حکیم الملک در آنجا ذکر نشده است .

(۷۶۰)

درة الغواص این نسخه را بخط نسخ خوب، محمّد تقی بن شاه محمّد در سال ۱۱۰۰ نگاشته، در حاشیهٔ صفحات معنی بعضی از لغات متن یاد داشت شده و پس از اتمام نسخه **شرح قصیده برده** تألیف مهلّب بن حسین بن برکات موجود است و شرح آن درفصل دواوین واشعار مذکور خواهد شد، پشت صفحه اوّل مطالب متفرّقه ویاد داشتهائی موجود است.

جلد چرمی. کاغذسمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق کل (۱۷۷) اوراق درّه (۱۲۷). صفحهٔ (۱۹) سطر. طول (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸۸).

[۳۰۹] دستور الکاتب فی تعیین المراتب (فارسی)

مؤلّف این کتاب بنا بتصریح در ابتدا وانتهاء آن شمس منشی نخجوانی پسر هندو شاه مؤلّف تجارب السّلف است که در دستگاه شیخ اویس بهادرخان که از سال ۷۵۷ تا ۷۷۶ سلطنت داشته، منشی بوده ودرك سلطنت پدرش شیخ ابوسعید را نیز نموده است وبگفته ریودرذیل فهرست موزه بریتانیاص ۱۲۳ این مؤلّف کتاب «صحاح العجم» را بنام خواجه غیاث الدّین رشیدی تألیف نموده و یکی از مطّلعین گوید اینك نسخه ای از آن در کتابخانه حاج حسین آقای ملك در طهران موجود و مانند سایر کتب آن کتابخانه راهی برای دیدن آن نیست.

درتعریف کتاب نویسنده خود در دیباچه گوید:

وچون دراین عصر میمون وروز گارهمایون، اکابر وقت بر تتبع فن انشا اقبال نموده اند واز مجموع منشآت منشیان معاصرترا کیب این ضعیف و هو الفقیر الی الله الغنی المغنی محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشی النخجوانی غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما و الیه بنا بر حسن ظنی که درحق اودارند والظن یخطی و یصیب ملحوظ نظر گردانیده اند وباستدعاء مسوّدات عربی و پارسی او رغبت نموده و تسمع بالمعیدی خیر من ان تراه و تمسك این معنی را ساخته که ضابطهٔ ترا کیب بر حسب هر عصر وزمان مختلف ومتفاوت می شود وترا کیب منشیان سابق وافاضل وجود واستادان جهان، رشید الدین وطواط وبهاء الدین محمد بغدادی و نور الدین منشی ورضی الدین

خشاب سقی الله ثراهم وجعل فرادیس القدس مثواهم با وجود تفوق درمراتب فصاحت و رجحان درمعارج براعت و بلاغت مصطلح ابناء روزگار درلواحق اعصار نیست (۱) البته آن قاعده مهمل و آن ضابطه غیر مستعمل مینماید الخ .

ونیز در دیباچه است که در ایّام سلطنت سلطان ابوسعید صاحب سعید شهید خواجه غیاث الدّین محمّد رشیدی و دیگر ارکان دولت و اعیان حضرت حکم یرلیغ بتصنیف چنین کتابی رسانیدند بواسطهٔ کثرت اشتغال و تعاقب حوادث میسّر نشد و تقدیر ازلی این بود که این کتاب بالقاب همایون پادشاه [illegible] (مراد شاه اویس است) مطرّز و موشّح شود بنا بر این تالیف این کتاب در [illegible] سلطان اویس و مسلّماً پس از سال (۷۵۷) بوده است .

این کتاب که مؤلّف آن را « دستور الکاتب فی تعیین المراتب » نامیده در یك مقدّمه و دو قسم و خاتمه مرتّب گردیده و از دیباچه [illegible] فهرست تفصیلی مطالب هر یك از آنها را ذیلاً میآوریم :

مقدمه : در کیفیت این کتاب و شرط شروع متامل در آن **قسم اول** : در [illegible] سلاطین که بیکدیگر نویسند والقاب و ادعیه ایشان وخواتین سلاطین و اولاد ایشان [illegible] پادشاه یعنی آنکه مکتوب ازقبل او نویسند و احوال که بدان متعلق خواهد شد و این مرتبه [illegible] است بر دوضرب (ضرب اول بسه صورت وضرب دوم به بیست فصل تقسیم گردیده) .

مرتبه دوم : درمکاتبات امراء الوس ووزراء وخواتین واولاد ایشان و نقیب السادات ومشایخ ومریدان و قاضی القضاة ودیگر قضاة و ابناء ایشان ونوایب دیوان [illegible] و وزارت و امراء اولکا و تومانات وایناقان واتابکان ووکیل حضرت سلطنت و [illegible] بزرگ ودیگر ارکان مملکت مشتمل بر دوضرب (ضرب اول در بیست وشش فصل وضرب دوم در [illegible] فصل است) **مرتبه سوم** : درمکاتبات اشراف الناس وعلما وحکما [illegible] ومعیدان ومحدثان و ائمه وخطبا ووعاظ و اطبا وفقها [illegible] و مقتدیان و گوشه نشینان ومحتسبان ومنجمان وشعرا واستادان [illegible] وخاله و برادران بزرگ و کوچك و خواهران وپسران [illegible] و دختران و خواجه سرایان و دوستان وندما و تجار و ابطال وشجعان و اسفهسالاران و کوتوالان [illegible] ومقدمان

(۱) صاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ۴۹۲) و بتبع او [illegible] فهرست [illegible] (ص ۱۲۲ ذیل فهرست) ، و استاد معظم آقای اقبال آشتیانی درمقدمه حدائق السحر (ص [illegible]) این کتاب را از منشات رشید وطواط ورضی الدین خشاب وغیره [illegible] مقدمه برخلاف آن ناطق وتصریح دارد که از انشاء آت [illegible] است .

طوائف ومهندسان ومعماران و صدور واعیان والقاب وادعیه ایشان و اوساط الناس وغیر هم و این مرتبه‌مشتملست بر دوصنف و مضمونات که بعد از القاب وخطاب بدین دوصنف نویسند (صنف‌اول‌مشتمل برسی و هشت‌فصل‌وصنف دوم‌مشتمل بر دوازده‌فصل‌است) **مرتبه چهارم :** در مکاتبات مقربان سلاطین وامراء و وزراءوخوانین و خدم و ارکان دولت و ملوك ولایات وسادات و مشایخ وقضاة و غیر هم ومضمونات آن وعرضه داشت رعایا بسلاطین وجواب آن ومحاضر و اجوبه و شرطنامه که نواب وعمال بسلاطین‌دهندوجواب وتذکرهٔ که بامراووزرا و اعاظم مملکت نویسند واجوبه آن (این‌مرتبه مشتمل بر بیست فصل وهرفصلی بر دوصورت مکتوب وجواب وهرصورتی مشتمل برسه نوع است) .

قسم دوم : دراحکام دیوانی وتفویض‌اعمال بامراء مغول‌ووزراءونواب‌وبواب سلطنت‌واستیفاء ممالك و الغ تبیکچی‌ونظارت واشراف وحکمی وانشاء ونیابت وزارت و دفترداری وحکومت ومتصرفی ولایات وقانون یاسامیشی‌و تمدیلی وخرز و تخمین و احصاء مواشی و اسفهسالاری و امارت عسس وملك التجاری‌وحکومت دارالضرب‌و معیری‌وصاحب جمعی‌اموال ومناصب قلمی ولایت و عمارت بایران وکاروان سالاری و ریاست و تولیت قضایاء شرعی ازقاضی القضاتی ممالك و قضایاء ولایات و نقیب‌النقبائی وحکومت اوقاف سادات واوقاف‌ممالك و امارت محمل و وفد حجاج و تدریس وخطابت و احتساب و اعادت و فقاهت وشیخی خانقاه وانبات صوفی درخانقاه‌وساغوری بیمارستان‌وکتابت دارالقضا وامین آنجا و مورخین حجج و قبالات وعامل زکوات وحکومت بیت المال‌ومتصرفی جزیه و تفویض‌امامت و اذان واحسان ورعایت مصلحین وتهدید وسیاست مجرمان ولوازم و لواحق آن (این‌قسم دوم مشتمل بردوباب ، باب اول آن درسه ضرب و مجموعاً در پنجاه و شش فصل و باب دوم در دو ضرب در بیست و دوفصل مرتب گردیده‌است) .

مطالب فوق چون مشتمل بر بیان مندرجات وطرز کتاب بود عینا نقل گردید تا مطالعه کنندگان بخوبی دریابند کــه در این کتاب چه مباحثی هست و برای دانستن و پی بردن به کیفیّت انشاء و القاب و اطّلاع بر تشکیلات آن عصر و حتّی حدود و ثغور دولت شیــخ اویس از کتب خوب و نفیس میباشد و مؤلّف در طیّ منشآت به اشعار عربی و فارسی بسیار تمثّل جسته و در خاتمهٔ کتاب قصیده ای در مدح شاه اویس از انشاء خویش ضبط نموده و این کتاب تقریباً در حدود (۲۳۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله تحمیدی که‌ستّار فهم دوربین بمراحل ومنازل‌آن راه نیابد الخ .

(۷٦۱)

دستور الکاتب فی تعیین المراتب

این نسخه نستعلیق بد خطّی است ، یك یاچند صفحه از آخر آن افتاده ، نام کاتب و سال کتابت در صفحات موجود نیست ولی از رسم الخط چنین بر می آید که در قرن هشتم یا اوائل قرن نهم نگاشته شده و اوراق آن بدون ترتیب صحافی گردیده وچنانکه در آن مطالعه شد پاره‌ای ازاوراق هم افتاده است و از ابتداء و انتهاء آن هم پاره ای از برگها و صالی دارد ، پشت صفحهٔ اوّل‌از حسن‌بن محمّد مدعوّ بحکمی که از نویسندگان دستگاه سلطنتی بوده یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۱۲ نوشته شده و قسمت اوّلیّهٔ آن محو گردیده و فقط نام نگارنده‌وسال تحریر خوانده‌میشود ونیز در ذیل آن یاد داشتی است که قسمتی از آن‌رادست‌روزگار محونموده وعبارات‌خوانای آن اینست : (مت‌انعاره الدهر علی افقر عباد الله ..... المدعوّ بمحسن احسن الله تعالی ....) و چنین بنظرمیرسد که نویسندهٔ آن مرحوم ملاّ محسن فیض رحمه‌الله بوده و آخرین سطر نسخه این بیت از قصیده ایست که مؤلّف در مدح پادشاه در خاتمه گذارده است :

بدخواه‌تست همچوخزان ای بهار ملك وزبادسرد خویش‌چو برگست درخزان

جلد تیماجی‌مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف‌سپهسالار ، شمارهٔ اوراق (۲۲۸) . صفحهٔ (۲۵) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۳) .

[۳۱۰] رسم الخط آخوند زاده (فارسی)

این رساله یکی‌ازنوشتهای آخوند زاده آذربایجانی ره میباشد (میرزافتحعلی‌بن میرزا محمّد تقی بن حاجی احمد ۱۲۲۷ - ۱۲۹۵)(۱) که یکی از دانشمندان ایران و ساکن تفلیس بوده و همانجا وفات کرده ، چندی تحصیل علوم قدیمه

(۱) شرح حال آخوند زاده‌را فقط ازص ۲ تا ۸ دانشمندان آذربایجان تالیف آقای تربیت گرفته ام و درمکتوب‌خود بوزارت علوم ومعارف ایران که‌درحرف (م) همین فصل‌آن‌را خواهیم‌نگاشت خودرا شیعه معرفی‌میکند وآن جمله اینست : مکتوب‌من که از متوطنین خاك قفقازم و از جهت‌اسلامیت ومذهب‌باملت ایران‌برادری دارم الخ .

جدید نموده و در اواخر عمر مترجم السنه شرقیّه در پیشگاه جانشین قفقاز بوده و در همین اوقات چنانکه از ابتداء این رساله و کتاب معلوم میشود بدین خیال افتاده که ملّت اسلام از سایر ملل خصوصاً غربی ها عقب افتاده و بایستی آنهارا آشنا بتمدّن غربی نمود و در این خصوص شروع بنگارش کرد و آداب واخلاق و رسوم ملل اسلامی را مورد بحث و انتقاد خویش قرار داد و نوشتهای او بزبان فارسی و عربی و ترکی بود و از آنجمله یکی کتاب« **تمثیلات** » بزبان ترکی میباشد که مشتمل بر هفت نمایش یاداستان است و نسخه ای از آنرا که خود آخوند زاده در تفلیس باعتضادالسّلطنه علیقلی میرزا اهداء نموده و پشت آن یادداشت کرده اینك در این کتابخانه در تحت شمارهٔ (۲۸۸۸) موجود است و چنانکه در « دانشمندان آذربایجان » نگاشته شده میرزا جعفر قرچه داغی آنرا بفارسی ترجمه و در سال ۱۲۸۸ در طهران چاپ شده و بزبان روسی وانگلیسی و فرانسوی و آلمانی نیز ترجمه گردیده است .

ودیگری از مؤلّفات آخوندزاده خطابه هائی نظیر **صدخطابه** میرزا آقاخان کرمانی است که سرمشق کرمانی بوده و نسخه ای از آن بگفته آقای تربیت در کتابخانهٔ مرحوم نصیرالدّوله وزیر معارف در طهران موجود میباشد . ودیگری « **تلقین‌نامه** » بعربی که از منشآت سیاسی مؤلّف در آخر عمر بوده و در قسمت فارسی روزنامه ارشاد در باکو (بادکوبه) چاپ شده ودیگری مکتوبی است که درنقد و انتقاد مطالب روزنامهٔ ملّتی درسال ۱۲۸۳ نوشته ونسخه ای از آن تحت شمارهٔ (۲۷۷٦) در این کتابخانه میباشد و نیز در حرف میم این فصل آنراذکر خواهیم‌نمودودیگری‌رساله‌ایست که درانتقادازانشاءمجلّدات‌سه‌گانه روضةالصّفای ناصری در سال ۱۲۷۹ نوشته و نسخه ای از آنرا آقای تربیت دارند و دیگری همین رساله درمعائب خط اسلام ومقدّمه ومؤخّره آنست که ذیلاً از آن‌نام میبریم و بهتر آن‌دیدم که‌عین عبارت دانشمندان‌آذربایجان‌را که مطالب مذکوره‌منحصراً از آنجا گرفته شده در اینجا بیاورم و آن اینست :

زبدهٔ آثار آخوند زاده‌الفبای‌اختراعی اوست که‌بجای الفباء حاضرهٔ اسلامی درسنهٔ (۱۲۷٤)

از ترتیب و تألیف آن فراغت یافته‌ودورساله دیگری هم‌درتاریخ خطوط ومعائب الفبای حاضره ومحاسن‌الفباء اختراعی خوددرسنوات ۱۲۸۰ و۱۲۸۵ بزبان ترکی وفارسی تصنیف نموده در اول رساله‌ثانی شمارهٔ (۷۶۳ ذیل) چنین گفته است : «بنابرقصورات الفبای اسلام سیاقی که در دیباچهٔ کتاب اول‌خود تصریح کرده‌ام من الفباء جدیدی بروضع خط قدیم اختراع ونقطه‌هارا کلاً ساقط واعراب رادرپهلوی حروف صامته مرقوم نمودم ، اول این رسم جدید را بواسطه قنسول دولت علیه ایران در تفلیس میرزا حسینخان بنظر اولیاء دولت علیهٔ ایران معروض داشتم وبعد یك جلد دیگر از آن رسم‌جدید برداشته درسنهٔ ۱۲۸۰ عازم اسلامبول شدم ...... » آخوندزاده درتاریخ مزبور که بشهراسلامبول سفر کرده است پیشنهادی در این باب با نامهٔ مورخهٔ ۲۰ صفر ازهمان سال میباشد به فؤاد پاشاصدراعظم دولت‌عثمانی تقدیم‌داشته ، این نامه در ۱۴ مجموعه فنون جمعیت عثمانی منتشره در این تاریخ چاپ شده است . ازقرار معلوم میرزا حسینخان مرحوم که در آن وقت سفیر ایران درپایتخت عثمانی بوده است این اقدام آخوند زاده را دردربار عثمانی عقیم گذارده و آن‌مرحوم بدون احتیاط [illegible] منظومهٔ هجو آمیزی قریب بهشتاد بیت راجع باین مسافرت خود منظوم ساخته و در آن چنین گفته است :

که ناگاه یك مردك زرد چهر — بهنگام مرادم بر آمیخت زهر
به پیش وزیران ورا راه بود — مرا دشمن دین و دولت نمود
ازو هیچ شد رنج ده ساله ام — شنید آسمان از زمین ناله ام
بنا چار برگشتم از خاك روم — که ماندن در آنجا مرا بود شوم

از کتاب ثانی آخوند زاده چنان مفهوم میشود که پس ازمراجعت از اسلامبول بواسطهٔ فوت پسرش مدتی پریشان حال گشته ودیگر به پیشرفت الفباء خود اقدامی نکرده است . [illegible] در آن اوان نسخه ای از الفباء اختراعی میرزا ملکم خان که در پاریس طبع رسانیده بوده او را به آخوند زاده فرستاده بوده است‌دو باره اورا بحرکت انداخته ورسالهٔ الفباء اختراعی خود را با دورسالهٔ دیگر که یکی از آنها پیشنهاد اولی و صورت خطابهٔ مفصلی [illegible] و فرمان سلطان عبدالعزیز بوده و دیگری عبارت ازتاریخ مختصر خطوط قدیم ومحاسن الفباء اختراعی خود او میباشد همه را باخط و امضای شخصی درسنهٔ ۱۲۸۵ بوزارت معارف ایران تقدیم داشته‌است که الحال این نسخه هاعیناً درضمن کتب موقوفهٔ اعتضادالسلطنهٔ مرحوم که بکتابخانهٔ سپهسالار (دانشکدهٔ معقول ومنقول) افزوده اند موجود بوده و قابل استفاده است . انتهی .

(کتب مرحوم اعتضادالسلطنه را مرحوم سپهسالار خریداری [illegible] آنها را وقف کرده است وخصوصیّات نسخ مذکوره چنانست که ذیلاً مینگاریم).

آغاز: بوزارت علوم اعلیحضرت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه — از مصنف الفبای جدیدهٔ شرقیّه درخدمت حضرت افخم جانشین قافقاز میرزا فتحعلی آخوند زاده معروض ـ

نامه است بنابر قصورات الف باء اسلام بسیاقیکه در دیباچهٔ کتاب اوّل خودم تصریح کرده ام الخ .

(۷۶۲)

رسم الخط جدید آخوند زاده

این نسخه که بخط نستعلیق در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده، ازقرائن بدست میآید که خط خود آخوند زاده است و در آخر امضاء اورا دارد ومشتمل بر کاغذو مکتوبی است که آخوند زاده ازتفلیس در خصوص تغییر خطّ بوزارت علوم آن عصر نگاشته ، چند ورق کاغذ ننوشته در ابتداء وانتهاء نسخه میباشد و آغاز آن چنانست که در بالای این نسخه نقل گردیده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲۰). صفحه (٦) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۸) .

(۷۶۳)

رسم الخط جدید آخوند زاده

این نسخه مشتمل بر اشکال حروف جدید وترکیبات آن میباشد، کاتب ازخود وسال کتابت نام نبرده ولی پیداست که نویسنده همان کاتب نسخهٔ سابق میباشد و در سال ۱۲۹۲ داخل کتابخانهٔ اعتضادیّه شده وچند ورق کاغذ ننوشته دراوّل وآخر دارد ولی این نسخه دارای مقدّمه ایکه در مقدّمه نسخه فوق بدان اشاره نموده نیست و اگرچه بایستی این این نسخه را مقدّم ذکر نمود چراکه مؤلّف این را کتاب اوّل معرّفی نموده امّا نظر باینکه نسخه فوق مقام مقدّمه این نسخه را دارد مقدّم گردید .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری بزرگ . شمارهٔ اوراق (۷) . صفحه (۱۲) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۹) .

(۷٦٤)

رسم الخط جدید آخوند زاده

این نسخه که بخطّ نستعلیق نگاشته شده و کاتب آن نویسندهٔ دو نسخه پیش است مشتمل بر سواد تقریر مطبوع جمعیّت علمیّه عثمانیّه در خصوص الف باء و رسم الخطّ آخوندزاده

و سواد فرمان سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و سواد شرحیکه مؤلّف بجمعیّت علمیّه عثمانیّه در جواز شرعی تغییر خطّ اسلام و تاریخچهٔ مختصری از خطوط اسلامی است میباشدو در ذیل سواد تقریر مذکور سرتیپ دوّم علیخان ژنرال قنسول دولت ایران در تفلیس مطابق بودن آنرا با اصل بخطّ خوب خود نگاشته و در آخر نسخه میرزا فتحعلی آخوند زاده امضاء کرده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۲) صفحه (۱۲) سطر . طول (۱/۲ ۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۲) .

[۳۱۱] سفینة الانشاء یا تذکرة الشباب (فارسی)

این کتاب پاره ای از انشاآت فروغ اصفهانی‌ره است (میر محمد مهدی بن محمدباقر اصفهانی نائینی) که از شعراء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری بوده (از اوائل سلطنت فتحعلیشاه تاچندسال از سلطنت ناصرالدّین گذشته) و در دربار نویسندگی اشتغال داشته و از این کتاب معلوم میشود که شاگردی آقا محمدکاظم واله اصفهانی متوفّی بسال ۱۲۲۹ را نموده و از کتاب « صحائف العالم » وی معلوم میشود که باصطلاحات حکما آشنائی داشته و پیرو مرحوم شیخ احسائی و مرحوم سیدکاظم رشتی بوده است .

چنانکه در دیباچهٔ کتاب نگاشته شده اسدالله منشی نائینی با اجازهٔ خود فروغ بنظم و ترتیب نگارشات ایشان پرداخته و آنرا بفصول ذیل تقسیم و نام آنرا « سفینة الانشاء » گذارده و در اینجا نام فروغ را میرزا محمّد منشی نائینی نوشته و در آخر اشعار تخلّص وی فروغ ثبت شده ولی در ذیل کاغذی که فروغ بمیرزا محمد تقی فرزند خویش نگاشته (ص ۲۵۷ سفینه) اصفهان را وطن خود خوانده بنا براین معلوم گردید که فروغ اصفهانی است و مرتّب کتاب چون خود نائینی بوده افتخاراً ایشان را بنائین که شاید وطن اصلی فروغ بوده نسبت داده است .

درص ۲۰۶ کتاب المآثر والآثار که فقط تاریخ چهل سال سلطنت ناصرالدّین شاه از (۱۲٦٤ تا ۱۳۰۵) میباشد و مجمع الفصحاء (ج ۲ ص ۳۹٦) ذیل شعرای معاصر

متخلّص بفروغ را فقط میر محمّد مهدی اصفهانی دانسته و گویند با منصب استیفا بتألیف رسائل و نظم اشعار روزگار میگذرانیده و در مجمع‌الفصحا کتاب «صحائف‌العالم»(۱) را با داشتن در حدود دویست هزار بیت کتابت و «تذکرة‌الشّباب» را با اشتمال آن برنامهای تازی و پارسی و قصائد عربی و عجمی و محتوی بودن بر حالات او بوی نسبت داده و بعقیدهٔ نگارنده «سفینة‌الانشاء» مرتّب شدهٔ همین تذکرة‌الشّباب میباشد و جملهٔ ذیل این اعتقاد را تأیید و اثبات مینماید (در ص ۳۰) درذیل تاریخ فتحعلیشاه گوید: (اگرچه استیفاء تمام انواع نیز ممکن‌نیست بذکر بعضی این‌تذکره را مطرّز میدارد الخ.) و کتاب دیگری‌را نگارنده ازاین فروغ بنام «فروغستان» درعلم سیاق با مقدّمات خوبی درمطالب‌متنوّعه باشرح وبسطی نیکو سراغ دارد که نسخه‌ای از آن درکتابخانهٔ معارف ونسخهٔ دیگر درکتابخانهٔ این مدرسه موجود ولی دو نسخه اندك تفاوتی دارند باین معنی که نسخهٔ مدرسه پس از نسخهٔ اوّلی نوشته شده و درتقسیمات و مطالب آن تجدید نظر گردیده و تاریخ تألیف آن سال ۱۲۵۸ و بنام محمّدشاه قاجار میباشد ونسخهٔ کتابخانه معارف بسال ۱۲۵۹ نوشته شده و مؤلّف در آنجا خود را محمّد مهدی بن محمّد باقر اصفهانی متخلّص بفروغ معرّفی کرده است.

اسدالله مذکور نام‌فروغ‌را چنانکه گذشت درابتداء کتاب میرزا محمّدنوشته و پشت صفحهٔ اوّل بسال ۱۲۹۷ بنام کتاب انشاء میرزا مهدی منشی وقف شده واین دو اختصار درذکراسم موجب‌شبهه در نام‌اصلی فروغ نخواهد بود و امثال این اختصار از نویسندگان بسیار و معلوم است که اگر در یك عصر دو شاعر

---

(۱) یك‌دفتر ازدودفتر (باستثناء یك‌قسمت از آخر آن) صحیفهٔ پنجم از کتاب‌صحائف‌العالم‌فروغ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی تحت شمارهٔ ۲۰۹ کتب خطی موجود است و از مطالعهٔ این کتاب اطلاعات تاریخی ودینی و فلسفی مؤلف بدست میآید واز فحوی کلام معلوم میشود که از پیروان مرحوم شیخ احسائی ره‌بوده و ازمرحوم سیدکاظم رشتی‌مکرراً نقلهائی نموده‌است و نسبت بصوفیه تاخت آورده و در ذیل شرح حال بزرگان آن طریقه چون مولوی و شیخ عراقی و کرمانی مخالفت آنها را با ظواهر شرع یاد آور شده و در ابتداء کتاب ادیان وملل غیر از اسلام و شعب مسلمانان را یاد آور گردیده و پس از فراغ ازبیان فرق اسلام دو مناظره را که یکی‌مناظره فضال با ابوحنیفه امام اعظم اهل سنت‌ودیگری مناظره شیخ‌حسین‌بن عبدالصمد عاملی پدر حضرت شیخ بهائی را که‌باعلماء حلب میباشد و بسال ۹۵۱ اتفاق افتاده نقل نموده است.

فروغ تخلّص و هر دو اصفهانی و مستوفی دربار سلطنتی وجود داشت مورّخی چون صاحب‌المآثر والآثار که مخصوصاً بنایش بر معرّفی از این گونه افراد میباشد و حتّی دربانان و چراغچیان آندوره را نام برده و تذکره نویسی چون صاحب مجمع‌الفصحاء که هردو نیز درباری و معاصر بوده‌اند بذکر او و بیان آثارش مبپرداختند و بسیار دور است که منشی توانائی چون فروغ را با وجود شاعری و نویسندگی این دو نویسنده معاصر وی نام نبرند ، بنا براین میرزا محمدمهدی فروغ را که نام برده‌اند صاحب و منشی منشآت سفینة‌الانشا است .

تذکّری را که باید داد این است که در مجمع‌الفصحا، تولّد فروغ را بسال ۱۲۲۳ نوشته در صورتیکه در این کتاب (سفینة‌الانشاء) انشاآتی بسال ۱۲۱٤ و ۱۲۱٦ و ۱۲۱۹ در ص ۳٤-۳۷ ، ۲٤٤ - ۲٤٦ و ۲۵۵ موجود و گذشته از آنها فروغ سال ولادت خودرا دراین بیت معین نموده :

شمار عمر ز هفتادوشش گذشت و مرا ٭٭ نظر هنوز بخوبان چهارده ساله است

و پس از یکی دو بیت نیز گوید:

بماتمند خلایق ز نالهای فروغ ٭٭ مگر بماتم فتحعلی شهنشاه است

و چون میدانیم که این پادشاه بسال ۱۲۵۰ وفات یافته است معلوم میشود که تولّد فروغ بسال ۱۱۷۳ بوده است و دو مؤلّف مذکور فوق سال وفات وی را ضبط نکرده‌اند ولی در مجمع‌الفصحا این بیت که میرساند تا سال ۱۲۶۷ فروغ زنده بوده ثبت است :

بنگاشت فروغ بهر تاریخ ٭٭ این کاخ لقا بشاه میمون ۱۲۶۷

وتاریخ تحریر نسخهٔ سفینة‌الانشاء سال ۱۲۶۹ میباشد و بقرینه اینکه کاتب در ابتداء کتاب پس از نام منشی آن (فروغ) مدظلّه‌العالی نگاشته و پس از ختم کتابت چون خواسته که عناوین را با سرخی چنانکه معمول کتّاب میباشد بنگارد پیش از بسمله چنین نگاشته : (کتاب منشآت مرحوم جنّت مکان آقا میرزامحمّد منشی نائینی .) و پس از این همه جا در عناوین مطالب را او ترحیم نموده و در کتاب گنج شایگان که در تذکره شعرائی است که میرزا آقاخان صدر اعظم نوری را مدح گفته اند و بسال ۱۲۷۳ تألیف گردیده نام این شاعر و شرح حال او با دو

قصيدهٔ فارسی و عربی در مدح صدر اعظم مذکور و تهنیت عید اضحی ذکرشده و قطعه ای هم‌دربنای‌عمارت‌نظامیّه درشهرطهران‌بسال ۱۲۷۲ که‌اینك مهمانخانه ای بنام «لقانطه» در آن دائر است ازوی ثبت گردیده و مادّه تاریخ آن این است:

تاریخ زانجام گرفتیم‌خرد گفت ☆ ازقصرنظامیّه شکست‌اوج‌جنانی= ۱۲۷۲ ·

و در آنکتابست:

«از آنجا که آنجناب (مراد میرزا آقاخان است) مراتب فضل وی نیکومیدانست بحضرت خویش بخواست و پایهٔ جاهش باندازهٔ که شایست برافزود و برجوع خدمتی بزرگ ومهمی خطیر از دیوان مامور و سپردهٔ جناب‌جلالت نصاب اجل امجد نظام‌الملك (پسر میرزا آقاخان صدراعظم است) آمد و هم اکنون در آن درگاه درپناه نعمت و راحت وآسوده فراغت واستراحت است.»

سفینةالانشاء یکی‌از کتب ادبی و تاریخی است وبعقیدهٔ نگارنده ازنسخهای نفیس این کتابخانه میباشد و بسیاری از اطلاعات تاریخی را متضمّن و قدیمترین انشاء با تاریخ فروغ در این کتاب انشائی است که بسال ۱۲۱٤ نگاشته (ص ۳٤- ۳۷ سفینه) وآخرین‌انشاء باتاریخ وی مقدّمه ایست که بر وصیّت نامه (ص۱٥٤- ۱٥٦ سفینه) میرزاابوالحسن‌خان‌شیرازی وزیردول‌خارجه‌بسال ۱۲٦۰ نگاشته‌است و فهرست مطالب و فصول کتاب چنانکه‌مرتّب درمقدمه گفته اند این است:

فصل‌اول: پاره‌ای‌از وقایع بطرزتاریخ مرقوم داشته‌اند‌در این فصل‌شرح‌مبسوطی ازتاریخ فتحعلیشاه و قسمتی از اشعار او و تاریخچهٔ ایل قاجار و کیفیت سلطنت آنها تا مردن این پادشاه ووقائع مهمه وعهد نامها و بعضی از منشآت که در آن اوان انشاء کرده است ثبت‌شده·

فصل‌دوم: نامه ها و مراسلاتی‌است که از جانب سلاطین‌واولیای دولت‌ابدمدت قاهره ایران بدول خارجه نگارش یافته.

فصل سوم: قبالجات و دیباجه و شروحی چند که در عنوان و ظهر پاره ای کتب و غیره مرقوم شده·

فصل چهارم: رسائل وفرامین سلاطین‌دولت علیه (دراین فصل فرمان ولیعهدی محمدشاه و ناصرالدین شاه که هردو از منشآت فروغ میباشد ثبت گردیده و جوابهائی که فتحعلیشاه بعلماء اعلام‌معاصر خویش بقلم‌فروغ نوشته نیزدر این فصل است و از آنها جوابی است که به جناب شیخ احسائی ره بعربی نوشته است (ص ۱٤٦ و ۱٤۷ سفینه)(از اینکه تاریخ بعضی

از فرامین که با نشاء فروغ نگارش یافته سال ۱۲۲۵ میباشد و از انشا ئیکه در فصل اول بود دانستیم که در سال ۱۲۲٤ در اصفهان بوده واز طرف مرحوم واله مراسله‌ای نگاشته معلوم میشود ابتداء ورود وی بانشاء دردستگاه سلطنتی سال ۱۲۲۵ بوده است).

فصل پنجم: مراسلات و عریضجات (دراین فصل آنچه از طرف خود و دیگران نگاشته مندرج است).

فصل ششم: اشعاری چند برسبیل نمودار (در این فصل اشعار تاریخی و ترجیع بند موشح باسم‌فتحعلیشاه وغزلیاتی که نیز درمدح وتعریف‌این‌پادشاه گفته‌واشعار متفرقهٔ دیگری‌است).

از آثارشعری فروغ در دورهٔ محمّد شاه وناصرالدّین‌شاه چیزی دراین کتاب نیست ولی در مجمع الفصحاء وگنج شایگان مختصری موجود است.

این کتاب درحدود (۱۱۰۰) بیت کتابت دارد(۱).

آغاز: بسمله منشیان فصیح‌اللّسان را فروغ انجمن مرتیان ستایش فرماندهی است الخ.

انجام: عروس ملك بامّید رجعتش تاحشر

نشسته چشم براه خطیب و دلاله است(۲)

اللهمّ‌اغفرلی‌ولوالدیّ ولاخوانی‌المؤمنین والمؤمنات درروز پنجشنبه‌دوازدهم شهر ذی‌قعدة‌الحرام هزار و دویست و شصت و نه ۱۲۶۹ مسلك مسمایه(۳) بنده ذلیل اسدالله نائینی.

(۷۶۵)

سفینة‌الانشاء این‌نسخه را بخطّ شکسته نستعلیق خیلی خوب جامع‌و مرتّب آن اسد الله نائینی در سال ۱۲۶۹ نگاشته و عناوین مطالب بشنجرف نوشته شده وبا تفحّص ممکن نسخهٔ دیگری از آنرا نیافتم.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهرهزده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱۲۹). صفحهٔ (۱۷) سطر. طول (۱/۲ ۳۵سانتیمتر). عرض(۱/۲ ۲۱سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۲۷۶۹).

---

(۱) مطالب راجعه‌بفروغ ازالماثر والاثار ص (۲۰۶) ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص (۳۹۶) وگنج شایگان ص (۳۵۲ - ۳۵۸) و خود سفینة‌الانشاء استفاده شده است.
(۲) این آخرین شعر غزلیست که دو بیت آن نیز در ص (۳۰) نقل گردیده است.
(۳) عین عبارت آخر نسخه‌است.

[۳۱۲] شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

این شرح از ملاّ ابوالحسن عاملی رحمة الله علیه است (ابوالحسن بن محمّد طاهر بن عبدالحمید بن موسی بن علی بن معتوق بن عبدالحمید عاملی اصفهانی نجفی) که از علماء و فقهاء امامیّه در قرن دوازدهم هجری بوده و جدّ مادری صاحب جواهر میباشند و مادر ایشان خواهر امیر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی بوده و بدین سبب در اجازات و آخر مؤلّفات خود را شریف معرّفی نموده اند و از مؤلّفات این عالم جلیل یکی **فوائد غرویه** است که مشتمل بر دو مقصد و هریك دارای دوازده فائده از مسائل اصول دین و اصول فقه میباشد و قسمت دوّم آنرا که بخط مؤلّف بوده صاحب روضات داشته و تاریخ تألیف آن قبل از ظهر روز ۱۷ جمادی الثانیه سال (۱۱۳۱) (۱) ضبط شده است بنابراین معلوم میشود که تا این سال شارح در قید حیات بوده و دیگری کتاب « **مشكوة الانوار** » در تفسیر قرآن کریم میباشد که پس از مجلّد اوّل آن که در مقدّمات تفسیر و علوم متعلّقه بقرآن میباشد جز اندکی از آن تألیف نگردیده و بنای مؤلّف بر آن بوده که قرآن را بنحوی که در اخبار امامیّه وارد شده تفسیر نماید و دیگری **رساله دررضاع** میباشد که صاحب حدائق بگفته خود ردّی بر آن نگاشته و شرحی بر کفایه سبزواری نگاشته و این شرح از ابتداء کتاب متاجر تألیف گردیده چنانکه در ذیل شرح کتاب کفایه در ص (۵۰۵) ج ۱ گذشت و شرحی بر مفاتیح فیض بنام « شریعة الشیعه و دلائل الشریعه » نگاشته اند و بگفته صاحب لؤلؤتی البحرین که قسمتی از آنرا دیده بوده تاریخ تألیف آن سال ۱۱۲۹ میباشد و دیگری این شرح است (شرح عهدنامه مالك اشتر) که بنا بتصریح مؤلّف در ص (۹) نسخهٔ ذیل نام آن « نصایح الملوك و آداب السّلوك » گذارده شده و آنرا بنام شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده و چنانکه از تاریخ کتابت نسخهٔ ذیل نیز معلوم میشود بسال

(۱) تاریخ تالیف را صاحب روضات درحاشیهٔ ص ۱۱۹ ج ٤ از آخر نسخه چنین نقل نموده: فی الثلث الثانی من الیوم الثانی من النصف الثانی من الثلث الثانی من الشهر الثانی من الثلث الثانی من السنة الثانیه من بعد الثلثة الثانیة من العشر الثانی من الالف الثانی من الهجره .

۱۱۱۸ یا پیش از آن تألیف گردیده و هیچیك از صاحب روضات (ج ٤ ص ۱۱۹) و صاحب لؤلؤ (ص۷۳) که بشرح حال ومؤلفات ایشان پرداخته و مطالب فوق بامراجعه بآنها نگاشته شده از این شرح نام نبرده‌اند و مؤلف این شرح را در مقدمه‌ای و پنج باب مرتب نموده وهریك از مقدمه و ابواب را در ذیل نصائحی بانجام رسانده و فقط بترجمهٔ فارسی عهد نامه آن هم قسمت قسمت اکتفا نموده وبرای ایضاح مطالب گاهی حکایاتی آورده است ودرحدود (۳۲۵۰) بیت کتابت این شرح میباشد .

آغاز : بسمله حمد بیحد وثنای بیعدد قادریرا رواست الخ .

انجام : واگر نفعی از آن برند این محرم عاصی‌را بدعائی یاد آورند انه القریب المجیب والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً فی ۱۱۱۸ .

(۷٦٦)

شرح عهد نامه مالك اشتر

این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۱۱۸ نگاشته شده پشت صفحهٔ اول و بر خود آن یادداشت هائی بوده آنهارا محو کرده اند ، ورق اول و آخر وصالی گردیده ، پاره ای از کلمات سیاه و چرك شده و صفحات بجدول بطلا میباشد .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰) سطر (۱۱) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹٤٦) .

[۳۱۳] شرح غرر الحکم و درر الکلم (فارسی)

این شرح را بفارسی آقا جمال خونساری ره متوفی بسال ۱۱۲۵ که از علماء نامی امامیه بوده ودر ص ۱۸ و ۳۹۱ و ٥٦٤ ج ۱ این فهرست بشرح حال خونساری از ایشان وپاره‌ای ازمؤلفاتشان پرداخته شد بر کتاب غرر الحکم ودرر الکلم آمدی که در همین فصل از آن نام خواهیم برد و معرفی کامل از آن خواهیم کرد نگاشته اند .

بعضی این کتاب را ترجمه معرفی نموده و مؤلف خود نیز در خاتمه قسمت

دیگر این کتاب که ذیلاً از آن نام میبریم آنرا ترجمه نامیده ولی درمقدّمه مجلّد اوّل گفته است:

«ودر عبارات غامضه و فقرات مشکله آن که محتاج باشند بکشف و بیان اکتفا بترجمه ننموده وبروجهی که باید تقریر و تفسیر مراد و ایضاح و افصاح مقصود نماید ، لاجرم با وجود عدم استطاعت و قصور بضاعت بحکم المأمور معذور بشرح کتاب مزبور بر نهجی که منظور خاطر ملکوت ناظر والا و مطمح نظر اندیشه جهان پیما بود پرداخت» .

و گذشته ازاین چون بخود کتاب مراجعه می کنیم معلوم میشود که مؤلّف پس از نقل عبارات وکلمات و بپارسی ترجمه کردن کلمات بشرح وبسط وتحقیق در آنها پرداخته واز کتب خوب فارسی است .

صاحب روضات در ص ۱۵۵ ج ۱ نگاشته‌اند که این شرح دردو مجلّد است ولی در آنجا وجای دیگر نیافته‌ام که آیا شارح موفق باتمام این شرح شده اند یانه فقط دونسخه از این شرح را نگارنده دیده یکی نسخه ذیل است که متعلّق باین کتابخانه است‌ودیگری‌متعلّق بآقای تربیت (محمدعلی) میباشد که ازابتداء شرح حرف‌الباء تا آخر حرف‌الکاف میباشد و درخاتمه آن چنین نگاشته شده :

وسیلهٔ رستگاری ودست آویز رحمت کردگاری‌نصیب‌شده باتمام این اجزا که مجلدثالث (۱) ترجمه کتاب مسطور است کام تمنا یافته چون بنا بر عزم سفر حج بیت‌الله حرام از سعادت ادراک‌ما بقی که‌وجههٔ همت است‌بازماندرجاء واثق وامل صادق است که بعون‌الله وحسن تأییده ادراک هریک از مقصدین میسر و محصل گردد کتب ذلک حامداً لله رب‌العالمین ومصلیاً علی خاتم‌النبیین‌وآله‌الطیبین‌الطاهرین فی‌اواخر شهرشعبان‌المعظم‌من شهورسنة ۱۱۱۳ من‌الهجرة النبویه علی هاجرها اکمل‌الصلوة واشرف‌التحیة . انتهی .

و بقرائن مذکوره فوق‌احتمال میدهم که شارح موفّق باتمام این شرح نفیس نگردیده وکلیّه این دو مجلّد موجود در حدود (۵۵۰۰۰) (۲) بیت کتابت دارد و ظاهراً کاتب نسخه آقای تربیت همین نویسندهٔ نسخه مدرسه است .

---

(۱) درنسخه مذکور فوق مجلد ثالث نوشته شده‌ولی ظاهراً کاتب سهو کرده و صحیح آن مجلد ثانی باشد چرا که باتفحص بسیار در خود کتاب ابتداء مجلد دوم را نیافتم و صاحب روضات‌هم دومجلد بودن آن را تصریح کرده‌اند .

(۲) شمارهٔ ابیات مجلد اول تقریباً (۴۲۸۰۰) و مجلد دوم (۱۲۲۰۰) میباشد .

آغاز: بسمله غرر و درر الفاظ و معانی و سلسله آرای شاهد زیبای حمد وسپاس الخ .

(۷۶۷)

شرح غررالحکم و دررالکلم

این نسخه مجلّد اوّل و مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا آخر حرف الف میباشد بقرینه اینکه در حاشیه پاره ای از صفحات آن حاشیه هائی از مؤلّف بخط کاتب نسخه نگاشته شده و در ذیل آنها کلمه « منه سلّمه‌الله تعالی » یا « منه مدّ ظلّه‌العالی » تحریر یافته مسلّماً در زمان حیات مؤلّف یعنی پیش از سال ۱۱۲۵ نوشته شده ، ولی کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده ، عبارات غررالحکم (اصل کتاب) بخط نسخ و شرح آن بخط نستعلیق است ، محمّدحسین بن نورالدّین موسوی حسینی جزائری درلکنو از شهرهای هند بسال ۱۱٤۸ شرحی مبنی براینکه این نسخه قسمتی از ترجمهٔ غررالحکم آمدی و تألیف آقا جمال است پشت ورقیکه پیش از ورق اوّل کتاب است مرقوم داشته و نیز برورقیکه در آخر نسخه است شرحی مبنی بر تشرّف بزیارت این کتاب بدون امضاء بسال ۱۲۸۹ نوشته شده و شبیه بخط مرحوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله است و نیز در پشت نسخه یادداشتی مورّخ بسال ۱۲۷۳ بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب و بامضاء نصرالله موجود است .

جلدتیماجی . کاغذسمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۳٤۱) . صفحه (۲۱ و ۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۳۰۷) .

[۳۱٤] **شرح مقامات حریری ـ شریشی** (عربی)

این شرح مقامات ازشریشی‌ره است (ابوالعبّاس احمدبن عبدالمؤمن‌بن‌موسی‌بن عیسی بن عبدالمؤمن قیسی شریشی نحوی ٥٤۷ - ٦۱۹) (۱) که ازمشاهیر علماء

(۱) معجم‌المطبوعات تولد این مؤلف را در سال ٤٥۷ و وفات را سال ٦۱۹ ضبط نموده بنابر این عمر مولف ۱٦۲ سال خواهد بود ولی ظاهراً عدد چهار وپنج مقدم ومؤخر شده و سال تولد شارح ٥٤۷ بوده که بنا بر این عمر ایشان ۷۲ سال خواهد بود واین نزدیك تر بواقع است لذا بدینگونه آنرا ثبت نمودیم .

[به سطر صفحهٔ بعد رجوع شود]

ادب است و به شارح مقامات نیز در میان فضلاء معروف میباشد ، در نحو ولغت و ادب و عروض و انشاء دستی قوی داشته و مردی بلیغ و ثقه بوده از جمعی دانشمندان روایت نموده و بسیاری نیز از او روایت کرده اند ومؤلّفات او عبارتست از سه شرح بر مقامات بزرگ و متوسط وکوچك که نسخهٔ ذیل یکی از آنهاو همانست که چندبار در مصر چاپ شده وشرح **الایضاح** وشرح عروض الشّعر و **علل القوافی** و شرح الجمل و **مختصر نوادر القالی** و قصائد مشهورهٔ عرب **والتعلیقات الوفیه** که شرح **الدرة الالفیه** ابن معط میباشد ودر آن تمام الفیّه مذکور را نقل نموده وغیر از اینها .

و در شریش (۱) در ماه ذیحجه ٦١٩ وفات نمود نمود این شرح چند بار در دو مجلّد طبع گردیده است (۲) چنانکه از نسخهٔ ذیل معلوم میشود شرح اوّل شریشی است و در حدود (٤٢٦٠٠) بیت کتابت دارد و مشتمل بر حکایات و اشعار خوب فصحاء عرب و بیان معانی لغات مشکله و کلمات مستعمله در مقامات است و مطلبی را که محتاج بشرح و بسط بوده از آن نگذشته و چنانکه خود اشاره نموده از شروح دیگر استفاده‌ها نموده وچون چاپ شده محتاج بتعریف بیش از این نیست .

صاحب کشف الظنون گوید مختصر شرح مقامات شریشی ازشیخ شهاب الدّین احمدبن محمّد حجازی متوفی سنهٔ ۸۷۵ است و میتوان گفت که این مختصرشرح بر شرح شریشی است (ج ۲ ص ٤٩٨) .

[بقیه از ذیل صفحه قبل]
ونیز شارح را احمدبن عبدالمؤمن بن عیسی بن موسی بن عبدالمؤمن ضبط نموده در صورتی که درنسخ بغیة الوعاة وروضات الجنات که نقل از بغیه نموده موسی بن عیسی ثبت شده ولی درنسخه ذیل عیسی مقدم بر موسی ثبت گردیده است - معجم المطبوعات ص ۱۱۲۱ ، بغیة الوعاة در حرف الف روضات ص ۸٤ ، کشف الظنون ج ۲ ص ٤٩٨ .

(۱) شریش که اول و آخرش شین معجمه است بفتح اول وکسر راء مهمله و یاء مثناة تحتانیه شهر بزرگی است از کوره شذونه ومرکز آنست واینك آنرا شرش گویند ، شذونه بفتح اول و پس از واو ساکنه آن نون شهری است در آندلس که متصل میشود اطراف آن بحدود موزور از توابع آندلس ، معجم البلدان ج ۳ ص ۲٦٧ و ۲۸۵ .

(۲) مطالب فوق فقط از بغیة الوعاة ومعجم المطبوعات ترجمه گردید .

و صاحب کشف‌الظنون گوید که شرح متوسط این شارح بر مقامات مزجی و مشتمل برشرح لغات غریبه آنست و آنرا برحسب درخواست اهالی سجلماسه با عباراتی سهل نگاشته ، و آغاز آن این است : بسمله الحمدللّه‌الذی علّمنا ما لم نکن نعلم الخ . واز شرح سوّم نام ونشانی ذکر نکرده معلوم میشود که از نظرش نگذشته بوده .

آغاز : بسمله (۱) الحمدللّه‌الذی اختص هذه‌الامه بافصح‌الالسنه الخ .

انجام: اذا فکّرتُ في نَدَمی علیها * عَضضْتُ انامِلی و قَرعْتُ سِنّی و هذا آخر شعر قاله ابوالعتاهیه و آخر شعر ختمت به‌الشّرح راجیا من‌ربی صفحه‌وعفوه والحمدللّه‌اوّلاً و آخراً کما یجب‌بجلاله‌غفرانك اللهم‌تبارکت‌و تعالیت والحمدللّه رب‌العالمین وصلّی‌الله علی سیّدنا محمّد و آله و صحبه و سلم .

(٧٦٨)

شرح مقامات حریری شریشی

این نسخه که مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پشت صفحهٔ اوّل شرحی نظما و نثرا بخط شکسته نستعلیق خوبی مبنی بر تعریف وتوصیف کتاب تحریر گردیده ، کاتب‌خودرا یکی ازعمّال دیوان و مستخدمین دولت معرّفی کرده و در آخر شرح مهری بنام « موسی » زده شده و از تاریخ آن مهر معلوم میشود که از رجال قرن سیزدهم هجری بوده ، نسخه در سال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت ورق اوّل یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی‌مهره زده . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۲٦) . صفحهٔ (۲٥) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲٥٥) .

(۱) در نسخهٔ ذیل‌پس‌از بسمله نگاشته‌شده : قال‌الشیخ الاستاد‌اللغوی‌النحوی ابوالعباس احمدبن عبدالمؤمن بن عیسی بن موسی بن عبدالمؤمن‌القیسی‌الشریشی رحمه‌الله‌علیه و رضوانه الحمدلله الذی اختص الخ . و نسخه چاپ شده ابتداء آن عینا ابتداء این نسخه است .

[۳۱۵] شرح مقامات حریری ـ مطرزی (عربی)
(الایضاح)

این شرح مقامات از مطرّزی ره است (۱) (ابوالفتح ناصربن ابی‌المکارم عبدالسّیدبن علی مطرّزی $\frac{۵۳۶}{۵۳۸}$ ـ ۶۱۰) که یکی ازفقهاء حنفی مذهب بوده و از ادباء نامی و نحویّین معروف و لغویّین مشهور می باشد و دراصول معتزلی است در خوارزم متولّد ودر همانجا بدرود زندگی گفته و اورا خلیفه زمخشری خوانند چرا که وفات او درسال ولادت این مؤلّف یعنی بسال ۵۳۸ بودو وابن خلّکان گوید که مطرّزی بضمّ میم و فتح طاء مهمله و راء مشدّده مکسوره‌و راء و یاء منسوب به کسی است که لباس را طرح زند و آنرا نقّاشی کند و نمیدانم آیا خود او بدین‌کار مشغول بوده یا یکی از اجدادش مطرّز بوده‌اند وخدا داناست. ولی سیوطی در بغیه گوید علی پسر مطرّز علم است نه وصف و پاره‌ای مؤلفات او عبارت است از **الاقناع** لماحوی تحت‌القناع در لغة، **المعرب** (لغة فقهی)، **المغرب** فی ترتیب‌المعرب **ومختصر اصلاح‌المنطق** (اصلاح‌المنطق تألیف‌ابن سکّیت‌است)**ومصباح**(۲)درنحو**و شرح مقامات‌حریری** که آنراالایضاح(۳)نام‌نهاده

شارح پیش از آنکه شروع بشرح کلمات و عبارات مقامات نماید مقدّمه ای در مطالب معانی وبیان و بدیع ذکر وبرای هریك از مطالب مثالهائی از کلمات فصحاء و بلغاء سابق آورده و مخصوصاً مقیّد شده که از عبارات حریری

---

(۱) ابن خلکان چاپ طهران ج۲ ص (۲۸۰)، روضات‌الجنات ج۴ ص ۲۲۳، الفوائدالبهیه ص ۲۱۸، بغیة‌الوعات ص (۴۰۲)، معجم‌المطبوعات ص ۱۷۶۰، کشف‌الظنون ج ۱ ص ۱۱۲ و ۱۳۲ ج ۲ ص ۴۴۸ و ۴۷۱ و ۴۹۷، کنیه ولقب شارح در نسخهٔ کهنهٔ این کتابخانه مخالف آنچه موافق بامؤلفین سابق ثبت گردیده نگاشته شده ودرذیل اولین‌نسخه آنرا نقل کرده‌ایم وصاحب کشف‌الظنون دردوجای مجلد اول اسم مؤلف را ناصرالدین و در سه جای ازمجلد دوم مؤلف را ناصربن عبدالسید ضبط نموده است.

(۲) فقط در بغیه نام این کتاب «مختصر المصباح» ثبت شده است.

(۳) کشف‌الظنون در ج۲ ص ۴۹۷ در ذیل‌شروح مقامات‌حریری نام این‌شرح را«الافصاح» نقل نموده و مسلماً غلط و تصحیف الایضاح است ودرحرف الف بعده الفا و الف بعده الیاء از آن کتاب مراجعه گردید این نام را در آنجا نیاورده بود درنسخه چاپ شده نام شرح ثبت نگردیده است ودر تاریخ آداب‌اللغه‌العربیه ج ۳ ص ۴۸ نیز نام‌این‌شرح**الایضاح**است.

در مقامات حتماً استشهاد نماید پس ازاتمام این مقصود چند سطری در معنی مقامه نگاشته آنگاه شروع درشرح خطبه کتاب نموده واز آن پس بشرح مقامات پرداخته (مقدّمات کتاب که آنرا رسالهٔ خوبی در فصاحت وبلاغت توان دانست ودر حدود (۱۰۰۰) بیت میباشد) وچون داخل در شرح مقامات شده کلمات مشکله راشرح کرده و امثال و حکایاتی را که حریری بدانها تمثّل جسته و با نقل آنها پرداخته تشریح نموده و برای توضیح کامل بعبارات صاحب صحاح و دیگر دانشمندان متوسل شده وبسیاری ازاشعار و کلمات بزرگان عرب را برای تأیید نظریه خویش آورده است و کلیّهٔ این شرح درحدود (۸۸۰۰) بیت میباشد

سال تألیف را شارح در آخر کتاب سنهٔ (۵۶۳) معین نموده ، در معجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکّر داده نشده ولی بسال ۱۲۷۲ در طهران چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله المحمود علی جمیع الآلاء المشکور بحسن البلاء الخ .

انجام : فاحمدالله علی الآلائه المتظاهره واصلّی علی محمّد وعترته الطاهره و اسلم تسلیماً کثیراً .

(۷۶۹)

شرح مقامات حریری مطرزی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده و بذکر آخرین عبارت مصنّف قناعت نموده ولی در حاشیهٔ آخرین صفحه نوشته شده : (بلغت المقابله بخط المصنّف) و از حروف آخر کلمه مصنّف اندکی محو شده وازطرز کتابت وکاغذ نیز بدست می آید که در قرن هفتم نگارش یافته وپشت صفحهٔ آخر وبراوراقیکه در آخر کتاب است یادداشتها ومهرهای قدیمی واشعاری عربی بخط نسخ و نستعلیق تحریر یافته ویکی از یادداشتها را محو کرده اند وهیچیك جز یادداشت اعتضادالسلطنه تاریخ نداشته وبیشتر از خطوط قرن هفتم هجری است ، و سجع مهر مدوّری که بردوّمین ورق کتاب زده شده اینست . (حبیب الله محمود است از جان غلام شیخ ابراهیم سلطان) پشت صفحهٔ اوّل کاتب نسخه چنین نوشته : (کتاب الایضاح فی شرح المقامات الحریریه تصنیف الشیخ الامام العالم الاجل برهان الدین

ابی المظفّر ناصربن المطرّزی رحمة‌الله تعالی علیه .)و در آخر کتاب در آنجا که شارح میخواهد کلام خود را خاتمه دهد و میگوید قلت ، دراین نسخه کاتب نوشته : قال الامام الاجل برهان‌الدّین ابو المظفر ناصر بن المطرّزی رحمه‌الله قلت . واز اینجا معلوم میشود که یکی از پدران شارح به مطرّزی مشهور بوده و در نسخه مطرّزی بضم‌اوّل وفتح‌ثانی و کسر ثالث با تشدید وزای معجمه با یاء نسبت مشدّد تشکیل شده است و در نسخه دیگرپس ازبسمله اینست : یقول عبدالله‌المفتقر الیه ناصربن ابی المکارم المطرّزی تجاوز الله عنه،الحمدلله‌المحمود الخ.و نیز یادداشتی است که بخطّ شکسته نستعلیق نگاشته شده و امضاء آن غیاث الدین بن محمّد حسنی حسینی است‌و سجع مهر آن یاغیاث‌المستغیثین است وسال ۱۰۰۷ بر آن نقش شده و مسلّماً غیاث الدّین منصور دشتکی شیرازی نیست چراکه بنص روضات (ج٤ ص١٢٩) وی بسال ٩٤٨ وفات یافته وسجع مهر او« ناصرالشریعه منصور » بوده بنا براین صاحب این‌یادداشت و مهر دیگری است .

جلدچرمی کهنه .کاغذختائی . واقف‌سپهسالار .قطع‌رحلی. شمارهٔاوراق (١٦٩) .صفحه(٢١) سطر . طول (٢٦ سانتیمتر) . عرض (١٩ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(٣٢٥٤) .

(٧٧٠)

شرح مقامات‌حریری مطرزی

این نسخه در سال ۱۱۰۰ بخط نسخ احمد بن علی حسینی نگارش یافته ، حاشیه دو ورق از اواسط کتاب پاره شده یکی را وصّالی کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢٠٩) . صفحه (١٨) سطر . طول (٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٥ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٣) .

[٣١٦] شرح‌نهج البلاغه ـ ابن ابی الحدید (عربی)

مؤلّف این‌شرح‌ابن‌ابی‌الحدیدره است (عزّالدّین عبدالحمیدبن‌هبةالله (١) بن

---

(١) نام پدر شارح در معجم‌المطبوعات ص ٢٩ و کشف‌الظنون ص ٣٩٣ و ٦٢٢ ج ٢ و فوات‌الوفیات ص (٢١٧ ج ١) هبةالله ضبط گردیده ولی درروضات بنقل ازعبدالرزاق‌غوطی بهاءالدین ثبت شده و دراینجا نیز پس از محمد دوم جد مؤلف حسین بن ابی‌الحدید نقل شده در صورتیکه‌در کتب فوق‌نام‌حسین‌نیست ودرتجارب‌السلف (ص ٣٥٨ و ٩٥٩) شارح فقط بنام عزالدین‌عبدالحمیدبن‌ابی‌الحدیدذکر گردیده ومطالب‌مرقومه‌از آن کتب گرفته‌شده‌است .

محمّد بن ابی‌الحدید مدائنی معتزلی ٥٨٦ - ٦٥٥) که از معاریف ادباء متکلمین قرن هفتم هجری و معاصر با آخرین خلیفهٔ عبّاسی بوده و هنگام تصرّف مغول شهر بغداد را گرفتار آمده و بجوانمردی ابن علقمی وزیر و شفاعت خواجه نصیرالدّین او و برادرش موفق الدّین از کشته شدن نجات یافتند (ذیلاً شرح قضیّه ذکر میگردد) . صاحب روضات (ص ٤٢٢ تا ٤٢٤) بشرح حالات و معرّفی ایشان مفصّلاً پرداخته و مؤلفات ذیل را بنقل از نوشته های شیخ ابوالفضل عبدالرزاق الفوطی مورخ بایشان نسبت داده : از مؤلفات ابن ابی‌الحدید یکی کتاب **العبقری الحسان** میباشد که در آن قسمتی از کلام و تاریخ و اشعار و پاره‌ای از انشاآت و مراسلات خود را جای داده و دیگری کتاب **الاعتبار** و این کتاب در سه مجلّد و نظر مؤلف در آن بر کتاب **الذریعه فی اصول الشریعه** سید مرتضی ره میباشد و دیگری کتاب **الفلک الدائر علی المثل السائر** (این کتاب چنانکه در ص ۳۰ معجم المطبوعات چاپ شده است و کتاب **المثل السائر** تألیف ضیاء الدّین بن الاثیر جزری متوفی سنه ٦٣٧ میباشد و در فن انشاء و کتابت است کشف الظنون ص ۳۷٥ ج ۲) و دیگری شرح محصّل امام فخر رازی است که در حقیقت نقض و رد بر آن میباشد و دیگری کتاب **نقض المحصول** (محصول در کلام و نیز از امام فخر است) و دیگری شرح **مشکلات الغرر** مانند کتاب **غرر الادله** تألیف شیخ ابوالحسن محمّد بن علی بصری متوفی سنه ٤٦٣ که از علماء معتزله بوده‌اند میباشد (کشف الظنون ج ۲ ص ۱٥۳) و دیگری شرح **یاقوت** ابن نوبخت و **قصائد هفتگانه** در مدح حضرت علی علیه‌السّلام که بعلویات سبع معروف است و در ص ٤٥ شیخ رضی استرابادی و صاحب مدارک بشرح آن پرداخته اند و دیگری شرح نهج البلاغه (همین کتاب) میباشد که از معاریف کتب و موجب شهرت مؤلف گردیده است .

این شرح نهج البلاغه یکی از شروح مفصّل و مبسوط است که در آن داد اطلاع و فضیلت و تحقیق را داده و چون طریقهٔ انصاف را پیش گرفته و چنانکه شایسته است خطب و کلمات را شرح و تفسیر نموده ، اهل سنت را پسندیده افتاده ولی از خود کتاب

بر می آید که سنّی و معتزلی است ، بسیاری از اخبار و معتقدات شیعه را هم نقل و ردّ آنها پرداخته و بسیاری از مطالب بر خلاف عقائد امامیّه دارد که آنها را صاحب حدائق جمع نموده و ذیلاً از آن نام می بریم ، ولی در دوستی حضرت علی و اولاد آن بزرگوار علیهم السّلام بی اختیار بوده و ما ترجمهٔ پاره‌ای از دیباچه این شرح را که شارح از روی راستی بی کم وکاست کتاب و اسلوب آنرا معرّفی نموده در اینجا می آوریم :

چون امر حضرت وزیر بزرگوار محمد بن احمد بن محمد علقمی که خدایش مشمول عنایات کاملهٔ خویش دارد واورا ازین مقام ارجمند بالاتر برد بنام این بنده درگاه برشرح کتاب نهج‌البلاغه که بر صاحب آن بهترین‌صلوات و پاکیزه‌ترین تحیات بادصادر گردیده ، مانند کسیکه خود پیش پیش بنا بر کاری داشته و فرمانی جازم اورا ازجا برانگیزاندشروع در انجام خدمت نمود و بشرحی پرداخت که در آن بذکر غرائب لغات و اسالیب عبارات و بیان مرادقناعت نموده بود اما چون چندی بدین منوال گذشت اندیشیدم دانستم که‌این‌مختصر تشنهٔ حقائق را سیراب نمیکند وسرگردان را جز سرگردانی نمی افزاید بنابراین آن‌روش را گذاشتم و بشرحی مفصل پرداختم که مشتمل بود بر غریب لغات و اسالیب و قواعد معانی و بیانی وچون کامه‌ای ممکن باشد ازلحاظ اعراب وتصریف اشکالی پیدا کند ببیانش‌پرداخته و در موارد بسیار بنقل نظم ونثرهائی نظائر عبارات کتاب همت گماشتم ، حکایات و مطالب تاریخی را که درالفاظ اشارتی بدانها رفته بودآورده ، دقائق توحید و عدل که اشاره بدانها نموده تشریح کرده ، آنچه از انساب و امثال نکتها و مواعظ و زواجر دینی وحکم‌وآداب اخلاقی‌ومسائل‌فقهی بودشرح‌وبسط‌داده ، مقامات‌عارفین‌را که انحضرت درکلمات‌خویش‌بطریق رمز یاد فرموده بیان نمودم ، درصورتیکه همه کس توانائی بر آن ندارد واین کار را کسی نتواند جز دانشمندان و روحانیان مقرب ، پردهٔ سائر مقاصد را از روی عباراتیکه حضرت علیه‌السلام بطریق کنایه واختصار و اشاره وشکایت بیان فرموده برداشته وبرهان اقامه کرده که بسیاری ازفصول این کتاب‌داخل در معجزات محمدیه ص‌است‌چرا که مشتمل بر اخبار بغیب میباشد و از قوه بشر خارج است که اینگونه حقائق را در قوالب الفاظ درآورد

(بهمین جهت است که در میان خاصه این کتاب **اخ القرآن** نامیده شده)

و چنانکه امید بود کتابی در فن خود کامل و یگانه در میان امثال گردید و هیچ شگفت نخواهد بود که بوسیله این کتاب که بهترین کتابها است کسی بسر پادشاهان تقرب جوید و بواسطهٔ یگانهٔ زمان به یگانهٔ روزگار نزدیك شود چرا که همه چیز بمانند خویش بایستی متصل شود وهرچیزی نظیر خودرا بخود می کشاند و تا آنجا که میدانم پیش از من کسی

بشرح این کتاب نپرداخته جز سعید بن هبةالله بن حسن فقیه معروف بقطب راوندی که یکی از فقهاء امامیه بوده لیك وی مرد این میدان نبوده چرا که همه عمر خویش را صرف فقه کرده و کجا فقیهی که بس عالم این یك‌رشته است تواند بحقائق این کتاب که دارای فنون متعدده وعلوم متشعبه میباشد پی برد ، بنابراین حال شرح او بر دانا مخفی نیست ومن در چند جا مطالب متناقضهٔ آنرا در این کتاب نقل نموده و از بسیاری از آنها که چندان فائده‌ای در ذکر آن ندیده در گذشته‌ام ، و پیش از آنکه شروع بشرح کتاب نمایم اقوال اصحاب خودمان معتزله رحمهم‌الله را درباب امامت وتفصیل بغاة و خوارج وذکر نسب و مختصری از فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام وشرح مختصری از نسب وحالات رضی‌ابی‌الحسن محمدبن حسین موسوی رحمه‌الله نقل پس از آن شروع بشرح خطبه کتاب که ازمنشآت سید رضی ره است می نمایم . **انتهی** .

سید هاشم بحرانی متوفی‌بسال ۱۱۰۷ که در ج ۱ ص ۸۹، ۲۲۱، ۲۸۶، ۳۰۳، ۳۰۳ و ۳۱۰ مؤلفاتی ار ایشان را باشرح حال مختصری ذکر کرده‌ایم آنچه از فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام وسائر ائمه هدی در شرح ابن ابی‌الحدید بوده جمع آوری نموده و آنرا « **سلاسل‌الحدید** » نامیده است .

صاحب حدائق متوفی بسال ۱۱۸۸ (ج ۱ ص ۳۹۹) ردّی بر شرح مذکور نگاشته و نام آنرا « **سلاسل‌الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید** » گذاشته و در آخر لؤلؤتی‌البحرین ذیل مؤلفات خود در معرّفی از این کتاب گوید :

این کتاب رد بر شارح نهج‌البلاغه است که بخیال خویش آنرا بررأی معتزله واصول مذهب ایشان نگاشته و در ابتداء آن مقدمهٔ مفصلی در معنی امامت نوشته‌ام که اوخود شایسته است کتابی مستقل باشد پس از آن آنچه راجع بامامت و احوال خلفاء و مطالب مناسب باین مبحث بود از شرح مذکور نقل و خلل و مفاسد هریك را کاملا تشریح نموده‌ام ومجلد اول آن خاتمه یافته ودرحدود یك ثلث ازمجلد دوم را نیز تالیف نموده ولی اشتغال بتالیف کتاب حدائق مرا از بپایان رسانیدن آن بازداشته است . **انتهی** .

این شرح ابن ابی‌الحدید را شمس‌بن محمّد بن مراد درسال ۱۰۱۳ (۱) شرح

(۱) فقط در آخرشرح جزء اول نسخهٔ این‌ترجمه نام‌مترجم‌وشارح ذکر شده آنهم بدینگونه که در اینجا ثبت میگردد : تمام شد ترجمه جزء اول از شرح نهج‌البلاغه که مترجم آن الفقیر الی رحمة ربه‌الجواد شمس‌بن محمدبن مراد فی یوم‌الاحد من شهر ربیع‌المولود سنه ۱۰۱۳ ، ۱۸ شهرمذکور وصلم تم .

و ترجمهٔ فارسی نموده و نسخه‌ای از آنرا جناب حاج محتشم‌السّلطنه اسفندیاری رئیس دورهٔ دهم مجلس شورای ملّی دام ظلّه دارند و مدّتی نزد نگارنده بود از قرائن چنین بنظر میرسد که نسخه بخط شارح و مترجم میباشد ومشتمل بر ترجمه و شرح شش جزء از شرح ابن ابی‌الحدید وشرح جزو هفتم آن تا خطبه ای که آغاز آن این است میباشد : امّا بعد حمد للّه والثنآء علیه ایهاالنّاس فانّی نقأت‌عین الفتنه الخ .

شارح و مترجم پس از نقل این خطبه از شرح ابن ابی‌الحدید چیزی نقل ننموده وشروع بنقل مطالب تاریخی راجع بمعامله عبّاسیّین باامویّین وقبور اموات ایشان نموده پس از آن درتحت عنوان خاتمه احادیث واخباری درفضائل حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السّلام پرداخته وقسمتی ازآخرآن افتاده ولی ظاهراً بیش از یك ورق نبوده است .

این شارح ومترجم در بسیار از موارد نسبت بمخالفین امامیّه وحتّی‌بزرگان آنها ازطریق ملایمت واخلاق خارج گردیده است .

ترجمهٔ دیگری‌ازاین کتاب‌درزمان سلطنت ناصرالدّین‌شاه قاجار حاج‌نصراللّه بن ملاّ فتحعلی دزفولی نموده وچنانکه درخاتمه آن مذکور است درسال ۱۲۷۸ بامر آن پادشاه شروع و درسال ۱۲۹۲ ترجمهٔ کتاب را بانجام رسانیده ودر سال ۱۲۹۵ تصحیح وپاکنویس شده است ، مترجم پس ازاینکه عبارات نهج‌البلاغه را قسمت‌قسمت نقل نموده بترجمه تحت‌اللفظی عبارات‌شرح‌ابن ابی‌الحدیدپرداخته وچون خود در آن مورد نظریه ای داشته باشد پس از آن تحت عنوان اقول ذکرکرده‌وبانتهی‌خاتمه‌میدهد وتمام ترجمهٔبیست جزءرا در چهار مجلّد گذارده و آنرا « مظهرالبیّنات و مظهرالدّلالات» (۱) نامیده و اجزاء (۱،۱۰،۹،۸،۶،۵،۴ ۲۰،۱۹،۱۸،۱۷،۱۶) این کتاب را درپنج مجلّد استاد این‌دانشکده‌آقای مشکوة بیرجندی دارند و نگارنده آنهارا دیده است ودر حواشی آن مترجم خودمقابله

(۱) نام کتاب در آخر بعضی از اجزاء « و مظهرالایات » و در بعضی«و مظهرالدلالات » ثبت شده است .

و تصحیح را نوشته ومهر کرده و حواشی مفیدی هم بخط خود تعلیق نموده سجع مهر مترجم اینست : (لااله الاالله الملك الحقّ المبین عبده نصرالله .) واز سایر اجزاء این کتاب خبری بدست نیاوردم و از ترجمه‌های خوب و دارای مزایای زیاد و تحقیقاتی است .

درامل الامل ج ۲ ص۷ آورده که سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که از معاصرین بود شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

فخرالدّین عبدالله بن المؤید بالله نیز این شرح را مختصر نموده و آنرا « العقد النضید یا الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه‌ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نگاشته شده در کتابخانه مجلس موجود است (فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۱٦۷) .

هندوشاه نخجوانی در تجارب السّلف مؤلفه بسال ۷۲٤ که ٦۹ سال پس از وفات ابن ابی الحدید است راجع باین کتاب ومؤلف آن شرحی نگاشته که نقل آنرا بیمورد نمیدانم و آن اینست :

و عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید نهج البلاغه بنام او شرح کرد وچون بعرض رسانید بغایت بپسندید و از مجلس برخاست ودر خزانهٔ کتب رفت و هزار و ده تخت جامه که لائق مردان و زنان باشد و کنیز کی ترك وخوب صورت و خادمی حبشی کوچك وفرش و زیلو و اوانی نقره کوفت حاضر گردانید و بفرمود تا بر در سرای استری زینی با آلات نیکو حاضر کردند و غلامی دیگر حبشی جامه‌های نو پوشیده جهت رکابداری بداشتند وچون این مجموع تمام شد عزالدین عبدالحمید رابخواند و خلعت بپوشانید و تفصیل اجناس ونقد و غلام تسلیم کرد (در این کتاب مقدار نقدی معین نشده ولی درص ۲ ۲ ٤ روضات بنقل از کتب عبدالرزاق عوطی نوشته شده که صد هزار دینار بوده است) عزالدین چون این مکرمت و مروت بدید ، ران وزیر را بوسه داد و گفت ای خداوند بنده را این همه توقع نبود و بر گمانی که بنده داشت مبرات وزیر باضعاف زائد است . وزیر گفت این سخن بگذار که منتی بر گردن من نهاده‌ای که بشکرانه آن قیام نتوانم کرد و بخدای که تا زنده باشم این حق را رعایت کنم ، آنگاه عزالدین شاکر وشادمان بیرون آمد و فراشان اجناس رادر خدمتش میبردند واو بر استر سوار شد و بخانه رفت وزبان روزگار میگفت :

آن خسروان که نام نکو کسب کرده اند ٭ رفتند و یادگار از ایشان جز آن نماند
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود ٭ جز نام نیك از پس نوشیروان نماند

و در واقعهٔ بغداد عزالدین مذکور و برادرش موفق الدین را بیرون آوردند تا بکشند

و **ابن علقمی** را پادشاه نواخته بود ومهمات عراق و بغداد باو تفویض کرده ودردل پادشاه مقامی تمام داشت ، چون حال عزالدین بن ابی‌الحدید بشنید دودبسر اودر آمد درحال بخدمت خواجه افضل‌العالم **نصیرالدین طوسی** قدس‌الله روحه رفت ودامن‌او بگرفت و گفت‌دو کس از افاضل بغداد که بر بنده حقوق عظیم دارند خواهند کشت والتماس دارم که‌خواجه ببندگی پادشاه شتابد و بنده در خدمت باشد و در باب این دوبزرگ شفاعتی کند . خواجه بی توقف روان شد و وزیر هزار دینار بمو کلان مغول داد و مهلت خواست و بدرگاه رفت چون پادشاه ایشان را بدید دانست که بکاری آمده اند وزیر برسم مغول زانو زد و گفت دو کس را ازشهر بیرون آورده‌اند و یرلیغ پادشاه نافذ شده‌است که ایشانرا بیاسا رسانند بنده کمترین را آرزو آن است که پادشاه مرا عوض ایشان بکشد و ایشان را آزاد کند . خواجه اینمعنی را در بندگی پادشاه بعرض رسانید پادشاه بخندیدو گفت اگر من خواستمی ترابکشم تا این غایت نگذاشتمی و درحال عاطفت بفرمود و هردو را باو بخشید . وزیر بتعجیل بیرون آمد و ایشانرا خلاص داد و با عزالدین بن ابی‌الحدید گفت بخدای که اگر در قبول شفاعت توقفی میرفت نفس خود را فدای تو خواستم کرد تامکافات آن لطف باشد که توبامن کردی ونام مرا بسبب شرح نهج‌البلاغه مخلد گردانیدی .

و رغبت وزیر **ابن علقمی** در کتب بغایت بوده ده هزار مجلد کتب نفیس داشت‌چون از مهمات فارغ میشدبمطالعه مشغول می بود ودر همان سال که از جانب پادشاه حاکم بغداد شد وفات یافت در جمادی‌الاولی سنهٔ ست‌وخمسین وستمائه . (تجارب‌السلف چاپ آقای‌اقبال آشتیانی از ص ۳۵۸ تا ۳۶۰) .

ابن ابی‌الحدید این شرح را در بیست جزء و چنانکه خود در آخرتصریح کرده در مدّت چهارسال وهشت ماه ازغرّه رجب ۶۴۴ تاسلخ صفر ۶۴۹ باتمام رسانیده ودرآخر هرقسمت خاتمهٔ هرجزء را تصریح نموده و تمام اجزاءدرایران و مصر مکرّر چاپ شده و پس از شرح آخرین عبارت نهج‌البلاغه هزار کلمه از کلمات‌قصار که بسیاری ازآنها مسلّماًازحضرت امیرالمؤمنین‌علی علیه‌السّلام میباشد وبرخی باحتمال چه مشابهت‌بکلمات آن‌حضرت داشته وسید رضی‌ره ذکرنکرده بدون شرح وبسط آورده است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الواحدالعدل ؛ الحمدلله الذی تفرّد بالکمال فکل کمال سواه منقوص الخ .

(۷۷۱)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر ده جزء اوّلیه کتاب است ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی در آخر جزء اول **شیخ صنعان** نام در سال ۱۰۳۳ چنین نگاشته‌اند : بانسخه‌ایکه بخط **مرندی** بوده است مقابله گردیده . و در آخر بعضی از اجزاء آن نیز نوشته‌اند : در مکّه معظمه استکتاب شده . و این مطالب اخیر را شیخ مذکور بفارسی تحریر نموده است .

قسمتی از جزء ششم این نسخه افتاده و محمّدتقی نام استرابادی در سال ۱۲۹۴ پشت ورق اوّل و بر موضعی که از آنجا افتاده است یادداشت کرده اند . و نیز پشت ورق اوّل یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۴۳ حضرت **خلیفة السلطان** (سلطان العلماء) مبنی بر مالکیّت کتاب بخط خویش مرقوم فرموده اند ، چند ورق آخر و اوراقی از اوائل کتاب وصالی شده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۶۹۷). صفحه (۲۵) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۶).

(۷۷۲)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء شانزدهم تا آخر کتاب میباشد (ربع چهارم) ، دو ورق از آخر و یك ورق از اوّل آن را در سال ۱۲۳۳ نگاشته‌اند ولی خط اصلی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری بوده و در آخر اوّلین جزء نسخه (جزء شانزدهم) عبارات ذیل نگاشته شده : (تم تصحیحه علی ید مالکه **لطف الله** بن محمّد بن عبدالمهدی البحرانی ولکن علی نسخة غیر طاهرة الصحّة و ذلك بخامس عشر من شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۶۴) .

ابتداء هر جزء سر سوره مطلاّ ئی است که نام هر جزئی با سفیدآب بر آن نگاشته شده و صفحات کتاب بجدول بطلا و لاجورد است ، فهرست بعضی از مطالب مندرجه در آن جزء را باذکر صفحات آن پشت ورق اوّل نگاشته اند و بعضی از صفحات وصّالی شده است .

جلد میشن . کاغذ خانبالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۴۰۰) . صفحه (۲۵) سطر . طول . (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۸) .

(۷۷۳)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل برجزء چهاردهم تا آخر کتاب است ، کاتب نامی ازخود وسال کتابت درهیچ جای از کتاب نبرده ولی ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری است ، پشت ورق اوّل فهرست قسمتی ازمطالب مندرجه در این نسخه نوشته شده و در حاشیهٔ بعضی از صفحات حواشی مختصری نوشته‌اند .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲۵۳) . صفحه (۳۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۷) .

(۷۷۴)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ **عبدالکریم** بن معصوم در سال ۱۲۵۵ نگاشته شده وشامل ازابتداء کتاب تاآخرشرح کلام حضرت علی علیه‌السّلام در جنگ صفّین (در جزء (   ) از این شرح است) وهنگام بازداشتن اصحاب معویه اصحاب آن حضرت را از آب فرات میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۲) . صفحه (۲۱ سطر) . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۹) .

[۳۱۷] شرح نهج البلاغه ـ ابن میثم (عربی)

این شرح بزرگ ابن میثم رحمة الله علیه است (کمال‌الدّین میثم بن علی بن میثم بحرانی متوفی بسال ۶۷۹) (۱) ومؤلف این کتاب یکی ازعلماء امامیّه وحکماء

---

(۱) مطالب راجعهٔ باین مؤلف واین کتاب بامراجعه بروضات ص (۱۴۲ تا ۱۴۴) ولؤلؤص (۱۶۱ تا ۱۶۶) ، امل‌الامل ج ۲ ص (۷۲) و کشف‌الظنون ج ۲ ص (۶۲۳) ومجالس‌المؤمنین و محبوب‌القلوب‌اشکوری نگاشته شده ودر کشف‌الحجب سال وفات شارح ۶۹۹ ثبت گردیده درصورتیکه در کشکول شیخ بهائی وروضات ولؤلؤ و کشف‌الظنون و هدیةالاحباب سنه ۶۷۹ معین‌شده و در کتب مذکورهٔ دیگر سال وفات ذکر نشده و درآخر شرح صغیر ابن میثم چنانکه‌در کشف‌الظنون است (ونسخه‌ایکه‌متعلق بمجدالدین خواجه‌نصیری نیز چنانست) فراغ از آن درسال ۶۸۱ بوده اگر این تاریخ را مُصحَّف ندانیم باید گفت که شارح درسال‌مذکور فوق وفات نیافته و قول صاحب کشف‌الحجب را که در اینگونه امور چندان اعتماد بصحت طبع نسخه آن نتوان نمود قبول کرد و یا در غیراین دوسال وفات ویرا قائل شویم .

و عارفین قرن هفتم هجری بوده و از محضر خواجه نصیرالدین طوسی ره استفاده علوم حکمت و کلام نموده و ایشان شهادت بر کمال فضل و بسط اطلاع وی در این دو رشته داده اند و گذشته از آن خود این شرح بهترین گواه بر مراتب علمی و اطلاعات گرانبهای این عالم جلیل میباشد و گویند خواجه از ابن میثم مطالب فقهی را فرا میگرفته است. و در نزد علما ابن میثم به «**عالم ربانی**» ملقب و مشهور میباشد.

در بحرین شهرت فضائل ایشان بپیچید و از آنجا بخارج سرایت نمود ولی گوشه گیری را اختیار نموده واز مردم کناره میکرد، علماء حله که در آنوقت مرکز دانشمندان امامی مذهب بود چون براین حال وقوف یافتند نامه ای بوی نگاشته واو را بدین خوی و رفتار سرزنش نمود ند وی این دو بیت را پاسخ آنان نگاشت:

طَلَبتُ فنون العلم ابغی بها العلی ... فقصّر بی عمّا سموت به القلّ

هر گونه دانشی را جستجو کردم تا بدانها به بزرگی رسم ... لیک بی چیزی مرا از آنچه بدان بلندی می جستم باز داشت

تَبَیّن لی انّ المَحاسِنَ کُلّها ... فروع و انّ المال فیها هُو الاصل

و آشکار شد برایم آنکه تمام دانشها برای رسیدن بمقصود ... فرع و شاخه اند و مال دانشمن اصل است

آنها باز در جواب وی نگاشتند که ار چون تو دانشمندی این سخن است که دارائی را اصل دانسته ودانش را فرع وشاخه شمارد. وی باز در نامه‌ای این ابیات را از شعرای سابق نگاشت و بدانها فرستاد:

قَدْ قالَ قَومٌ بِغَیْرِ عِلْم ... ما الْمَرْءُ اِلاّ بِاَکْبَرَیْه

گروهی بدون تحقیق گفته اند ... که عظمت آدمی بدل دانا و زبان گویا است

فَقُلْتُ قَولَ امْرِئٍ حَکیم ... ما الْمَرْءُ اِلاّ بِدِرْهَمَیْه

ولی من چون گفتار مردی فرزانه بپاسخ گفتم ... بزرگی مرد جز بدارائی او نیست

مَنْ لَمْ یَکُنْ دِرْهَمٌ لَدَیْه ... لَمْ تَلْتَفِت عِرْسُهُ اِلَیْه

آنکس که پول نداشته باشد ... حتّی زن او توجهی بوی ننماید

پس از آن خود بعزم زیارت قبور ائمّهٔ هدی علیهم السّلام بعراق حرکت نمود و وارد شهر حلّه گشت با لباس مندرس و ناشناس بیکی از مدارس در آمد که جمعی از علماء و طلاّب گرد هم بر آمده و مشغول بحث بودند سلام داد با کمال خونسردی بوی جواب گفتند و در پائین مجلس بنشست اتفاقا در فهم معنی و مطلبی ماندند، ابن میثم آنرا بأنه وجه حلّ نمود ولی کسی بگفتارش گوش نداد، چون ناهار حاضر شد وی را برسر سفره راه ندادند و خوردنی برایش جدا فرستادند، روز دیگر با لباس پاکیزه و عمّامه بزرگ بهمان مجلس در آمد، همه از جای برخاسته وی را بسی احترام نموده و درصدر مجلس جای دادند، چون صحبت علمی بمیان آمد مطالبی بیهوده و بی معنی آغاز کرد، همه تصدیق بر صحّت و درستی آن کردند و خوردنیهای نیکو مهیّا ساختند، چون برسر سفره نشستند، ابن میثم آستین خویش را در غذا فرو برد و همی گفت آستین تو بخور، که این پذیرائیها همه از بهر تو است، حاضرین از این رفتار و گفتار بشگفت آمدند، شیخ گفت آقایان من همان شیخ دیروزیم که بامن آن معامله را کردید و چون امروز با این لباس بمحفل شما در آمدم اینگونه احترام و تجلیل از من نمودید، درصورتیکه دیروز مطالب صحیح و درستی را حلّ نمودم همه منکر شدید و امروز آنچه مهمل گفتم همه تصدیق کردید، آیا این رفتار بواسطه لباس فاخر من نیست ؟! و آیا آنچه را در آن کاغذها بشما نگاشتم و مال را اصل داستم خلاف حقیقت بود ؟! حضّار مجلس چون بر این مطالب آگاه گشته معذرت خواسته از قدوم ایشان اظهار خورسندی نمودند.

این عالم بزرگ گذشته از این شرح بر نهج البلاغه که پس از این از آن معرّفی خواهیم نمود بنا بگفتهٔ بعضی از رجالیین و اهل سیر دو شرح دیگر یکی صغیر و دیگری وسیط بر این کتاب دارد و یکی از این دو را که بنا بگفتهٔ خویش در مقدّمه آن برای دو پسر علاء الدّین عطاملك جوینی ازشرح بزرگ خود (همین کتاب) مختصر نموده در کتابخانه مدرسهٔ فاضلیّه خراسان بنام شرح متوسط ثبت گردیده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسهٔ مروی در طهران موجود و نسخهٔ دیگر از آنرا مجد الدّین خواجه نصیری و بعضی دیگر دارند و با مراجعه و مطالعهٔ این شرح مختصر بدست آمد که در حدود

دو ثلث یا سه ربع متن (نهج البلاغه) کتابت دارد و بگمان نگارنده از این مختصرتر شرحی بر نهج البلاغه تصور نشود و در صورت وجود نتیجه‌ای نخواهد داشت و اینکه بعضی ابن میثم را دارای سه شرح بر نهج البلاغه دانسته‌اند شاید شرح مائة کلمه آنحضرت را (که در ذیل آن کتاب در این فصل بخصوصیّات آن نیز تذکّر داده خواهد شد) سوّمین شرح دانسته و شرح معروف را کبیر و مختصر آنرا متوسط اراده کرده اند. و اینکه صاحب لؤلؤ البحرین (جز آنچه از رساله «السّلافة البهیة فی التّرجمة المیثمیّة» نقل نموده) و کشف الظنون و جمعی دیگر جز دو شرح مذکور را نام نبرده‌اند بیش از دو شرح نداشتن این شارح تأیید میشود و آغاز شرحیکه از شرح کبیر اختصار گردیده اینست: بسمله سُبْحانَ مَنْ حَسُرَتْ اَبْصارُ الْبَصائِرِ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ وَ قَصُرَتْ اَلْسِنَةُ الْبُلَغاءِ عَنْ اَداءِ مِدْحَتِهِ الخ

از مؤلفات ابن میثم **شرح اشارات** استادش شیخ علی بن سلیمان بحرانی ، **قواعد المرام** در کلام ، **شرح مائة کلمه** ، البحر الخضم ، **نجاة القیامه** فی تحقیق امر الامامه ، **استقصاء النظر** فی امامة الائمة الاثنی عشر . **المعراج السماوی** و غیر از اینها است و رسائل این عالم جلیل بی نظیر و از آنها رساله‌ای **در وحی و الهام** ، رساله ای در **علم** و رساله‌ای در **آداب بحث** میباشد .

این شرح نهج البلاغه را ابن میثم در سال ۶۷۷ بنام خواجه علاء الدین عطا ملک جوینی وزیر متوفّی بسال (۶۸۰) تألیف نموده و از شروح بسیار خوب این کتاب و بزرگترین شرح های این شارح میباشد ، پیش از شروع بشرح کتاب مقدّمهٔ بسیار مفید و جامع و مفصّلی در حدود (۳۳۸۰) بیت مشتمل بسه قاعده بدین تفصیل نگاشته : **قاعده اولی** در مباحث الفاظ . **قاعده ثانیه** در مبادی خطابه و موضوع خطابه **قاعده ثالثه** در آنکه علی علیه السّلام مجمع جمیع صفات کمال انسانیه بوده و هریك از قواعد فوق مشتمل بر مباحث زیادی میباشد و این شرح به پنج مجلد بدین طریق تقسیم شده : **مجلد اول** : مشتمل بر مقدّمه و شرح خطب تا آخر شرح خطبه‌ایکه پس از شنیدن اینکه طلحه و زبیر بیعت او را شکسته‌اند ایراد فرموده است .
مجلد دوم : پس از شرح خطبه مذکوره تا ابتدای خطبه که در حمد

و ثناء الهی است (نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا الی ما یکون) . **مجلد سوم:** از ابتداء شرح خطبه مذکور تا ابتداء خطبه ایکه در هنگام دفن حضرت فاطمه زهراء سلام‌الله علیها انشاء گردیده است . **مجلد چهارم** : از ابتداء شرح خطبه فوق تا ابتداء شرح وصیّت آنحضرت بحضرت امام حسن علیهما السّلام . **مجلد پنجم** : ازابتداء شرح وصیّت مذکور تا آخر کتاب .

مؤلف به تقسیمات فوق در ابتداء کتاب ودر آخر آن اشاره‌ای ننموده و نام خودرا هم جز در آخر کتاب ذکر نکرده ونامی‌هم برای این شرح در مقدّمه و خاتمه نیست ولی در آخر مختصر این شرح شارح گوید : و هذا اختیار مصباح السّالکین لنهج‌البلاغة من کلام امیرالمؤمنین . بنا برین نام این شرح را خود «**مصباح السالکین**» گذارده وطرز این‌شرح اینستکه پس‌ازنقل قسمتی از کلمات، درتحت عنوان‌اقول ، معانی‌لغویّه آنها را با اشاره‌ای‌بقواعدصرفی ونحوی ومعانی‌و بیانی ببان و قواعد ومطالب کلامی‌وحکمی‌راجعهٔ بآنهارا ذکر نموده و بهمین نحو تاباآخرنهج البلاغه راشرح نموده وچون از کتب‌متداوله ومعروفه‌ودردسترس‌عموم میباشد وبعلاوه بسال ۱۲۷٦ در طهران‌چاپ شده محتاج بمعرّفی‌بیش‌ازاین‌نیست .

نظام‌الدّین گیلانی ملقّب بحکیم‌الملك همین شرح کبیر ابن‌میثم را مختصر کرده و برآن اضافاتی نموده و نسخهٔ آن را که ظاهراً بخط مؤلف میباشد آقای تربیت (محمّد علیخان) دارند و چندی نزد اینجانب‌بوده ومؤلف نام آنرا «انوارالفصاحه واسرارالبراعه» گذارده‌وسال تألیف آن‌در آخر کتاب سنهٔ (۱۰۳٦) ضبط گردیده و آغاز آن اینست : الحمدلله الّذی دَلّ عَلی ذاتِه بِذاتِه وَ جَلَّ عَنْ مُلائَمَةِ کَیْفیّاتِه ، تَوَحَّدْتَ فی ذاتِكَ فَلا یُدْرِكُكَ عارِفٌ وَتَفَرَّدْتَ فی صِفاتِكَ فَلا یَبْلُغُ مِدْحَتَكَ واصِفٌ الخ .

صاحب امل‌الامل (ص ٤۰ ج ۲) درذیل مؤلفات حضرت علاّمهٔ حلّی کتابی بنام «مختصر شرح نهج‌البلاغه» ذکر کرده وصاحب کشف‌الحجب (ص ٤۹٦) این مختصر رامختصر شرح ابن‌میثم تعیین‌نموده ومؤلف فهرست کتابخانهٔ معارف (ج ۱

ص ۱۴۲) نسخه ای از آنرا نزد میرزا محمّد باقر خونساری نشان داده و چنین بنظر می آید که این شخص در نجف اشرف اند .

آغاز: بسمله سبحانك اللّهم و بحمدك توحدت فی ذاتك فحسر عن ادراكك انسان كلّ عارف الخ.

(۷۷۵)

شرح نهج البلاغه ابن میثم

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نسخ خیلی خوب عبدالقادر بن محمّد شریف مکّی درسال ۱۰۴۰ نگاشته شده، دارای پنج سرلوح زیبا است، دو صفحهٔ اوّل کتاب حواشی آن تذهیب گردیده تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد است عناوین مطالب باشنجرف نگاشته شده، ورق اوّل [illegible] دارد و یادداشتهائی داشته بعضی از آنها را محو کرده اند و یکی از آنها اینست: کتبت الباعث علی استکتاب هذا الکتاب المبارك لنفسی و ـــ الله ـــ الفقیر الی الله الغنی بهاءالدین بن محمّد العاملی، مهر بادامی (بهائی ۱۰۴۳) وبعضی از کلمات موقع مهر از آثار خط نقل گردیده و در امل الآمل نام این شخص نیست و مسلّماً تمیز بهائی [illegible] خواهد بود.

جلد ساغری ضربی. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۷۱۲)، صفحه (۲۳) سطر. طول (۳۳ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر)، شمارهٔ کتابخانه (۳۰۶۹).

(۷۷۶)

شرح نهج البلاغه ابن میثم

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء اوّل و تقریبا سه ربع از جزء دوّم کتاب میباشد و چون صفحات آن ناقص مانده نام کاتب و سال کتابت معلوم نیست ولی شاید از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد و آخرین سطر صفحه اینست:
(وقوله فانها لاتعمی الابصار ولکن تعمی القلوب التی فی الصدور ـ وفائدة هذه المتممات تحریك النفوس الی الاعتبار کیلا یعدّ التارك له).

جلد میشن مطلا. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۳۵)، صفحهٔ (۲۱) سطر. طول (۲۶½ سانتیمتر). عرض (۱۶½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰۶۷).

[۳۱۸] شرح نهج البلاغه ـ امام جمعهٔ طهران (فارسی)

این شرح چنانکه بسال ۱۲۷۰ از طرف مرحوم اعتضادالسّلطنه پشت نسخهٔ ذیل نگاشته شده تألیف میر محمّد مهدی امام جمعهٔ طهران رحمةالله علیه است (میر محمّد مهدی بن سید مرتضی بن میر محمّدمهدی بن میر محمّد حسین حسنی حسینی ۱۱۸۵ - ۱۲۶۳) (۱) که از خانواده‌های معروف و پدران ایشان بیشتر از علماء شهیر بوده‌وچنانکه‌درالمآثروالآثار(ص ۱٤۱)مذکوراست‌سببأبمرحوم‌علاّمه‌مجلسی میرسند و منصب امامت جمعه دراصفهان وطهران‌تاکنون‌دراین‌خانواده برقراراست ومرحوم فتحعلیشاه پس از اتمام مسجد شاه طهران امامت آنرا بمرحوم میر محمّد مهدی برگذار و در تتمهٔ روضةالصّفا مذکور است که بیست وشش سال ودوماه باین مقام منصوب و بوظائف آن اشتغال داشت و در ج ۱ نامهٔ دانشوران‌ص٤۸۹ نگاشته شده که چون میرمذکور اولاد ذکور نداشت بامر فتحعلیشاه آقا میرزا ابوالقاسم برادر زادهٔ خویش راکه بسال ۱۲۳۷ باتفاق‌علمای اصفهان برای‌تعزیت پادشاه بفوت‌شاهزادهٔ محمّد علی میرزا بطهران آمده‌بود نائب امام مسجدشاه‌نمود ودختر خود رانیز بوی داد (مرحوم‌حاج‌میرزا زین‌العابدین متوفی بسال (۱۳۲۱) والد آقای حاج‌سید محمّد امام جمعه فعلی‌طهران از آن دختر بوجودآمده است).

نگارنده از مرحوم میر محمّد مهدی مؤلفهٔ دیگری تاکنون ندیده واز آقای امام جمعهٔ طهران که نوادهٔ ایشان اند پرسش نموده مؤلفه‌ای سراغ نداشتند و از مطالعهٔ این شرح بدست می آید که میر محترم درتاریخ دستی قوی‌داشته‌وبدبختانه چنانکه‌تحت‌خصوصیّات‌نسخه‌خواهیم‌نگاشت این‌شرح‌ناقص وفقط برسه‌چهارخطبه

(۱) درجلد دهم‌روضةالصفا درذیل ذکرشهر مشهد مقدس وبنای آن نام ونسب وعمر وامامت ایشان چنانکه نگاشته شد ضبط گردیده است ودر کتاب «نخبةالتواریخ» تألیف مرحوم‌میرزا اسمعیل خان دبیر که یگانه نسخهٔ خطی آنرا آقای ابوالقاسم سحاب دارند و از لحاظ اینکه درحدود دوهزار ماده تاریخ وفات در آن درج گردیده از کتب نفیس میباشد دو بیت ذیل که مصراع اخیر آن تاریخ وفات این عالم جلیل‌است درج گردیده:

رهبر خلق جهان حبر امام جمعه — گل باغ نبوی میر محمد مهدی
گشت واصل چوبحق گفت‌بتاریخ دبیر — زجهان رفت‌علوی میر محمد مهدی = ۱۲٦۳

از اوّل و اواسط نهج‌البلاغه بیش نیست و شارح در موقع نوشتن این شرح بیشتر بشرح ابن میثم و ابن ابی‌الحدید مراجعه مینموده و در صفحات آن ترجمه عین عبارات آندو کتاب مذکور دیده میشود و در قسمت های تاریخی از کتب تواریخ خصوصاً تاریخ طبری بسیار نقل نموده و در بین شرح و بسط باشعار فارسی و عربی و آیات و اخبار تمثّل جسته‌اند و این قسمت موجود در حدود (۸۰۰۰) بیت میباشد و با تجسّس نسخهٔ دیگری از آنرا در کتابخانه‌های سراغ نیافتیم.

آغاز: بر ضمایر صافیه اخوان‌الصفّای خلاّن ایمانی و خواطر زاکیه نکته‌سرایان رموز بیان و معانی الخ. (کاتب بسمله را ننگاشته و نسخه بعبارت مذکور فوق ابتدا گردیده‌است).

(۷۷۷)

شرح نهج‌البلاغهٔ امام جمعهٔ طهران

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، از قبل مرحوم اعتضادالسّلطنه بسال ۱۲۷۰ پشت صفحهٔ اوّل شرحی مبنی بر اینکه این شرح تألیف مرحوم آقا میرمحمّد مهدی امام جمعهٔ سابق طهران میباشد نوشته شده و پس از دیباچه و شرح خطبهٔ کتاب شروع بشرح نخستین خطبهٔ نهج‌البلاغه گردیده و پس از شرح جملهٔ: **والسنة الی رسله** که از جمل همان خطبه است (در ص ۷۵ نسخه) کاتب از نوشتن بقیهٔ شرح بازمانده و در ص ۷۶ شروع بشرح کلامیکه در احتجاج بر خوارج انشاء فرموده و اوّل آن اینست: (فَاِنْ اَبَیْتُمْ اَنْ تَزْعُمُوا اِلاّ اَنّی اَخْطَأْتُ) کرده ولی قسمتی از شرح اوائل این کلام نیز در این نسخه نوشته نشده و چنین تصوّر میرود که بیش از این از مسوّدات بدست نیامده و پس از شرح بقیّهٔ این کلام شروع بشرح خطبه‌ای فرموده که در آن از وقایع جنگهای آتیه بصره اشاراتی است و ابتداء آن این است: (یا اَحْنَفُ کَاَنّی بِه) و میان آن قسمت اولی و این خطبه در حدود شرح ثلث خطب افتاده و شرح هفت بیت از این خطبه اخیر هم نوشته نشده و در شرح این جمله:

(إِنَّ اللّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السّاعَةِ) که تقریباً شش بیت بآخر خطبه مانده است خامهٔ کاتب ایستاده ودرشرح این خطبه کلیّهٔ وقایع تاریخی ومطالب راجعهٔ **بصاحب الزنج** که حضرت در خطبهٔ خویش از آن نام برده، ازاین طرف و آنطرف جمع آوری نموده و درحدود (۴۸۰۰) بیت شده و مدّعی گردیده‌اند که درهیچ جا جز تاریخ طبری وشرح ابن ابی‌الحدید آنهم باختصار این قضایا مرتباً نوشته نشده و مقصود من ازاین اطناب «کشف نقاب از عذار عذرای مخطوبه فصل فضل خطیب منبر فصل الخطاب والی ملك ولایت دین بوتراب نه شرح حال زنك ضلالت مآب است» و آخر نسخه این است : وشارح ابن ابی‌الحدید باقلمی چون حدید این امر تبدید (کذا) بر این صفحه چنین تسوید میکند . . . . . وما بچشم خود دیدیم و بدیدهٔ تعجّب بر آن امور غرابت آثار وظهور چنان حکایات عجائب دثار که وعدهٔ آنرا از کلام (۱).

عبارات نهج‌البلاغه بخط نسخ نگاشته شده و پس از آخرین صفحه سه ورق و نیم ننوشته میباشد و کاغذ نسخه فرنگی مهره زده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۹۷). صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۷۰) .

[۳۱۹] شرح نهج البلاغه ـ عز الدین آملی (فارسی)

این شرح ازعزّالدین آملی رحمةالله علیه‌است (عزالّدین بن جعفر بن شمس الّدین آملی)(۲) که ازعلما ودانشمندان قرن دهم هجری ومعاصر وهمدرس محقّق کرکی ره (متوفی بسال ۹۴۰)بوده اند ، نگارنده نام ایشان را جزدر تذکرهٔ هفت اقلیم ذیل شهر آمل و مستدرك‌الوسائل ج ۲ ص ۵۱۴ بنقل‌ازریاض‌العلماء نیافتم ، در امل‌الامل و روضات و رجال ممقانی ولؤلؤتی‌البحرین تفحّص کامل شد نام و نشانی از عزّالدین نبود در مستدرك این شرح و **رساله حسنیه** را از مؤلّفات ایشان نام

(۱) ترجمه از شرح ابن ابی‌الحدید میباشد واصل عبارات آن تقریباً در یك خمس بآخر جزء (۸) آنست بدانجا مراجعه گردد .

(۲) در نسخه مدرسه کلمه ابن میان عزالدین وجعفر نـگـاشته نشده ولی درنسخهٔ کتابخانه حضرت رضا علیه السلام و نسخه متعلقهٔ بآقای مشکوة استاد محترم این دانشکده عزالدین بن جعفر ثبت گردیده و در دو مأخذ مذکور فوق هم فقط مؤلف عزالدین آملی معرفی شده است .

برده ودرهفت‌اقلیم فقط رساله حسنیّه را یادآور شده و این کتاب را ریاض العلماء در اصول دین و فروع عبادات معرّفی کرده و هردو مؤلّفه را برای آقا حسن که نماینده و وکیل(۱) آقا محمّد سلطان و وزیر مازندران بوده تألیف کرده اند .

این شرح را شارح در مقدّمه « ترجمه نهج‌البلاغه » معرّفی نموده ولی چون بدان مراجعه و مطالب آن مطالعه شود دانسته خواهد شد که از حدّ ترجمه تجاوز نموده وبشرح وبسط کلمات و عبارات پرداخته است و شاید بهمین مناسبت صاحب ریاض ومستدرك بتبع ایشان سید هبة‌الدین شهرستانی در «ما هو نهج‌البلاغه» وصاحب فهرست معارف این کتاب را شرح نهج‌البلاغه معرّفی نموده‌اند .

بر نگارنده پس از مطالعه این شرح مسلّم گردید که عزّالدّین بترجمهٔ شرح ابن‌میثم با کمی اختصار پرداخته ودربسیاری ازموارد هم تصریح کرده‌اند که در شرح ابن میثم بحرانی چنین آورده شده (۲) و در بیشتر از مطالب دیگر هم که تصریح ننموده عیناً ترجمه آن شرح است ولی درمقدّمه وخاتمه جلد اوّل ومقدّمهٔ کتاب تا جائیکه مراجعه شد اشاره به اینکه تمام مطالب را از شرح ابن میثم ترجمه کرده‌اند نیافتم و شاید تسمیه کتاب بترجمه بهمین لحاظ بوده که اگر چون مطالعه‌کننده‌ای این دقت را کند راه عذری بازباشد که من بدین جهت آنرا ترجمه معرّفی کرده‌ام .

عزّالدّین قبل‌از شروع درشرح وترجمه خطب نهج‌البلاغه مقدّمه‌ای درمعنی فصاحت و بلاغت و فروع واجزاء آن و خصوصیات الفاظ و معانی و تعریف‌خطابه و شروط آن و شرحی درفضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام و معرّفی‌از سیّد رضی ره جامع نهج‌البلاغه و شرح خطبه کتاب نگاشته . پس از مطالعه معلوم گردید که این مطالب نیز کلمه بکلمه ترجمه مقدّمات شرح ابن میثم ولی با اندك تصرّف واضحی در بعضی از مطالب آن میباشد . آخر این جلد آخر خطبه دوّم

---

(۱) این معنی را عزالدین در ص ۳ و ۶۹۴ (از نسخه مذکوره) ذکر کرده است .

(۲) در صفحات ۴۸ ، ۶۳ ، ۶۶ ، ۲۱۷ ، ۲۵۰ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ و ۲۸۳ (از نسخه مذکوره و صفحات دیگر) .

شرح ابن میثم است بنابر آنچه گفته شد این شرح چون اصل مترجم از آن شرحی خوب و ومفیداست وچنانکه از آخر نسخ مجلّد اوّل آن بدست میآید شارح درسال (۹٤٤)(۱) از تألیف این مجلّد فراغت یافته و تاکنون با تفحّص زیاد از مجلّدات دیگر خبری نیافته‌ام و شاید بیش از این هم از قلم مترجم صادر نشده باشد و این مجلّد مشتمل برشرح از ابتداء نهج‌البلاغه تا ابتداء خطبه حمد و ثناء میباشد که ابتداء آن این است : نَحْمَدُهُ عَلىٰ ما كانَ وَ نَسْتَعِينُهُ مِنْ أمْرِنا عَلىٰ ما يَكونُ الخ. ومشتمل برشرح کمتر از نصف خطب نهج‌البلاغه و در حدود (۱۶۰۰۰) بیت است .

آغاز: بسمله راجیاً منك الاعانة یا کریم عزّ من علّم الانسان نهج‌البلاغه وانعم..... **امابعد** این کتابیست مشتمل بر لطائف فوائد محتوی بر ظرائف فرائد در ترجمه کتاب نهج‌البلاغه که در دریای الخ .

انجام: یعنی بدرستیکه حق سبحانه وتعالی ازفضل خود اجر صابرانرا مستوفی خواهد داد بی‌حساب تمّ بالخیر ، تمّت الكتاب بعون الملك الوهاب . . . . . . هذا آخر المجلّد الاوّل من ترجمة كتاب نهج‌البلاغه ...... وقد اتّفق الفراغ من كتبه ظهيرة يوم الاثنين تاسع العشر الثالث من الشهر الحاد يعشر فى شهور السنة الرّابعة الكائنة فى العشر الخامس الواقع فى المائة العاشره الداخله فى السنوات الهجريه صلوات الله على مشرّفها على يد مترجمه العبد الفقير الحقير الرّاجى عبد الموالى عزّ الدّين بن جعفر بن شمس الدّين الاملى بدّل الله سيّاتهم حسنات وغفر لهم ولساير المؤمنين والمؤمنات انّه مجيب الدّعوات و واهب العطيّات .

(۷۷۸)

شرح نهج البلاغه
عزالدین آملی

این نسخه بخطّ نستعلیق وعبارات متن آن بخط نسخ وعناوین باشنجرف نوشته شده ، در حاشیه ص۶۹۳ نوشته شده که در سال ۱۰٤۶ مقابله وتصحیح گردید ، ولی بدبختانه با مراجعه

---

(۱) تاریخ تألیف و ترجمه را در مقابل انجام از خط مترجم وشارح نقل نموده ایم و در فهرست رضویه ص۲۵ ج ۱ سال ۹۷۲ نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلّما غلط و تاریخ مذکور سال کتابت نسخهٔ آن کتابخانه است .

بآن دانسته شد که دقت کامل در تصحیح نشده .

صورت خطّ شارح بر آخر مجلّد اوّل که قسمتی از آنرا در مقابل انجام نیز نقل نمودیم بقسمی نوشته شده که ممکن است در نظر اول تصوّر شود که نسخه بخطّ خودشارح و یا فقط این قسمت اخیررا ایشان نوشته اند ولی مسلّما خطّشارح نیست و اغلاط نسخه نیز این نظریّه را تأیید مینماید و پس از کلمه **واهب العطايات** مذکور در فوق نوشته شده : والسّلام علی کاتبه بمحمّد و عترته الطّاهرین آمین یا ربّ العالمین . و این قسمت در نسخهٔ دیگر نیست ، ورق اول نسخه وحالی و پشت آن یاد داشتهائی در معرّفی از این کتاب و مطالب متفرقه نوشته شده و یکی از آنها را محو کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۷) . صفحهٔ (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۳) .

[۳۲۰] شرح نهج البلاغه ـ علاءالدین گلستانه (عربی)

(حدائق الحقایق)

این شرح از علاءالدّین گلستانه رحمة الله علیه است (علاء الدّین محمّد بن الامیر شاه ابوتراب محمّدعلی الحسنی متوفی بسال ۱۱۰۰) (۱) که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده وصاحب تنقیح المقال (ص ۳۵۸ ج ۲) مطالبیکه ذیلاً ترجمه آن نگاشته میشود در تعریف شارح از جامع الرّواة که مؤلف آن معاصر ایشان بوده نقل نموده : این عالم جلیل از سادات گلستانه جلیل القدر و عظیم الشّأن وبزرگوار و ثقه و عادل وزاهد و پارساترین اهل زمان و دورهٔ خویش است وجامع جمیع خصال پسندیده و علوم معقوله و منقوله اند دوبار منصب صدارت رابوی تکلیف کردند ، دراثر کمال خرد ونهایت زهد نپذیرفت ، خداوند سایهٔ ایشانرا مستدام

(۱) در هدیة الاحباب ص ۲۰۱ و در فهرست کتابخانه [illegible] ج ۱ ص ۱۴۵ و در حاشیهٔ ص ۱۹۸ وقایع الایام بنقل از تاریخ [illegible] ۱۱۰۰ ضبط شده ولی درحاشیه ص ۳۸۴ ج ۳ وقایع الایام نوشته شده که وفات ایشان درحدود ۱۱۱۰ بوده است

بدارد وازخطرها نگاهدارد، ایشان را تصنیفاتی است از آنها **حدائق الحقائق** (۱) (همین کتاب) و **بهجة الحدائق** که هردو در شرح نهج البلاغه است و **روضة الشهدا** و **منهج الیقین** (۲) و غیرازاینها . انتهی . ایشانرا نیز شرحی براسماءالله الحسنی است ونسخه آنرا آقای تنکابنی دارند .

برای معرّفی از این شرح بجا است که بترجمهٔ قسمتی ازمقدّمهٔ آن بپردازم، شارح درمقدّمه فرماید :

پیش ازاین برنهج البلاغه شرحی مختصر که پاره‌ای ازمشکلات آنرا حل مینمود نگاشته (بنابراین معلوم گردید که تألیف بهجة الحدائق شارح پیش ازسال ۱۰۷٤ که تاریخ اتمام مجلداول این شرح است بوده و آن شرح مختصر برتمام نهج البلاغه است) ولی چون دیدم که حقائق وانوارآن کتاب مستطاب ازپس پردهٔ خفا ظاهر وآشکار نگردیده وآن شرح ریزه کاری ومطالب دقیقهٔ آن معدن فصاحت وبلاغت را هویدا ننمود ، برآن شدم که دیگر باره بشرح آن پردازم ولی این لیاقت و قابلیت را در خود نمیدیدم و خویشتن را شایستهٔ این بلند پروازی نمیدانستم، تا آنکه توفیقات وتأییدات ربّانی شامل حال گردید وتوسل بذیل عترهٔ طاهره علیهم السلام را بهترین وسیلهٔ برای موفقیت دانسته بدامان آنها چنگ زده و شروع بشرح با تفصیل کامل نموده و در مطالب مهمه مذاهب و اقوال را نقل و بیان وچون مقام اقتضا نموده از تفصیل و طول دادن باك نداشته و چون لازم شده برای ایضاح و اثبات مطابی و محو باطلی چون ناچار باطناب درکلام گردیده ازآنهم دریغ نشده ودرمباحث امامت مخصوصاً جستجوی کامل نموده و شبهه‌های مخالفین را یك بیك نقل و راه حق و راست را برای جویندگان واضح وآشکار نموده و بامخالفین باخباریکه در نزد خود آنها صحیح و معتبر است احتجاج کرده و ازترس اینکه تهمت افتراء بدامن نویسنده بندند به مآخذ هریك درجای خود تصریح نمودم و چندان بذکر قصص و حکایات نپرداختم جز آنجائیکه مطالب مهمی مبتنی برآن بوده ونیز از انشاد اشعارمناسب مقام خودداری کردم (گاهی ابیاتی در این شرح دیده میشود ولی خواسته اند بگویند که چون شرح ابن ابی الحدید نیست) و در هرجا که مطالبی بنظر شارحین پیش ازمن رسیده و مرا استنباط دیگر بود آنها را با نظر خویش نقل نموده و امیدوارم که توفیق رفیق و در فهم کلمات مبارکات بر دیگران برتری داشته باشم ونام این شرح را «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق»

---

(۱) بتصریح صاحب روضات در ص ۶۵ ج ٤ نام شرح نهج البلاغه قطب الدین کیدری «حدائق الحقائق فی فسر دقائق احسن الخلائق» میباشد وکتابی در فقه بنام «الاصباح» نیز تألیف کرده‌اند انتهی . و در مستدرك الوسائل ج۳ ص ۵۱۳ نام شرح نهج کیدری را الاصباح ضبط کرده اند و قول صاحب روضات ترجیح بر قول ایشان دارد چرا که نقلهای دیگری هم از آن شرح نموده و میرساند که از روی تحقیق و مراجعه بخود کتاب نام آنرا یاد داشت کرده اند .

(۲) اینکتاب بفارسی ودر بحث امامت است ونسخه‌ای ازآنرا آقای مشکوة اسناد این مدرسه دارند .

گذاردم و ازنگاه کنندگان و خوانندگان امیدوارم که ازنهج وطریقهٔ انصاف وعدالت تجاوز ننمایند و ازدیدهٔ کینه ورزی ودشمنی برآن ننگرند. **انتهى ترجمة ملخص كلامه رحمه الله.**

چون باین شرح مراجعه گردید آنچه را مؤلف وشارح درمقدمه بیان نموده بودند درآن یافتم وبلحاظ اثبات امامت چنانکه درمقدمه بآن اشاره نمودند خطبهٔ شقشقیّه را بانهایت تفصیل تقریباً در (۱۶۸۰۰) بیت شرح وچنانکه در آخر مجلّد دوّم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته و مجلّد دوم را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند و مجلّد اوّل را که درحدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل برشرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه شقشقیّه قرار داده اند و صاحب روضات در ج ٤ ص ٦٥ نگاشته‌اند این شرح نهج‌البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی‌الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبهٔ اخباری دارد شارح بجنبهٔ ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات ومقصود از جمل و عبارات نهج‌البلاغه بنقل اقوال ائمّه ادب مبادرت نموده و گذشته ازین تتمّه کلمات و خطب را که سیّد رضی مختصر آنهارا نقل نموده ازکتب معتبره نقل وپس از شرح آنچه در نهج‌البلاغه است نیز بشرح وبیان آنها پرداخته‌اند.

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زیرا ثانی شارح آن بشرح ... و از مجلّد سوّم بیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت آقا ... دربسال ۱۱۹۵ بیت نسخه‌ایکه اینک متعلّق بحضرت استاد آقا میرزا محمّد طاهر تنکابنی دام ظلّه العالی میباشد نوشته‌اند فقط بشرح نهج‌البلاغه تا ... (کنتم جند المرئة و اتباع البهیمه) که درمذمّت اهل بصره میباشد توفیق بر شرح یافته‌اند وتمام این شرح بشماره نگارنده درحدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و ... این شرح در بیست مجلّد است ولی در مقدمه نیست.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ.

انجام: فقال ابان بن تغلب لعبدالله بن شریك هذه سیرتان مختلفتان قتال اهل الجمل قتل طلحة والزّبیر وان معاویة كان قائما بعینه وكان قائدهم.

(۷۷۹)

شرح نهج البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه قسمتی از جلد دوّم این کتابست (مبحث اوّل و دوّم) و بانسخه ذیل تمام جلد دوّم را شامل و یك سطر از آخر مبحث دوّم در ابتداء نسخهٔ دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی و در اینجا تاریخ را ننگاشته است.

جلد تیماجی. کاغذ اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۷۵). صفحهٔ (۲۳) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۳۴۲).

(۷۸۰)

شرح نهج البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه بقیه جلد دوّم است و در سال ۱۰۸۱ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده و بانسخه پیش یکی بوده برای آنکه ضخیم نشود بدینگونه تقسیم شده و عناوین مطالب را باشنجرف نوشته است.

جلد تیماجی. کاغذ اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۰۷). صفحهٔ (۲۳) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۳۴۳).

[۳۲۱] شرح نهج البلاغه ـ محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح را بفارسی محمّد صالح روغنی ره که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند و در مجلّد اوّل این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲۵ و مجلّد دوم ص ۳۳ سه مؤلّفه باشرح مختصری از حالات و مؤلّفات ایشان راذکر کرده ایم، بر کتاب نهج البلاغه نگاشته اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است، بعضی آنرا بنام «ترجمه نهج البلاغه» نامیده اند، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرا بنام ترجمه معرّفی میکند: (چون دید که همّت ...... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثر بترجمه کتاب نهج البلاغه .... معطوف است، همّت گماشت بتوفیق ملك وهّاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلّف و تصلّف الخ.) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چراکه در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده و حکایات مناسبی

گذاردم و ازنگاه کنندگان وخوانندگان امیدوارم که ازنهج وطریقه انصاف وعدالت تجاوز ننمایندو ازدیده کینه ورزی ودشمنی برآن ننگرند. **انتهی ترجمة ملخص کلامه رحمه‌الله**.

چون باین شرح مراجعه گردید آنچه‌را مؤلف وشارح درمقدّمه بیان نموده بودند درآن یافتم وبلحاظ اثبات امامت چنانکه درمقدّمه بآن اشاره نمودند خطبهٔ شقشقیّه‌را بانهایت تفصیل تقریبا در (۱۶۸۰۰) بیت شرح وچنانکه در آخر مجلّد دوّم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته و مجلّد دوّم را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند و مجلّد اوّل راکه درحدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل برشرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه شقشقیّه قرار داده اند و صاحب روضات در ج ٤ ص ۶۵ نگاشته‌اند این شرح نهج‌البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی‌الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبهٔ اخباری دارد شارح بجنبهٔ ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات ومقصود از جمل و عبارات نهج‌البلاغه بنقل اقوال‌الائمّه ادب مبادرت نموده وگذشته ازین تتمه کلمات و خطب راکه سیّدرضی مختصر آنهارا نقل نموده ازکتب معتبره نقل وبعد از شرح آنچه در نهج‌البلاغه است نیز بشرح وبیان آنها پرداخته اند.

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زندگانی شارح آن باخر رسیده واز مجلّدسوّم بیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت آقا محمدعلی بهبهانی ره بسال ۱۱۹۵ پشت نسخه‌ایکه اینك متعلق بحضرت استاد آقا میرزا محمّد طاهر تنکابنی دام‌ظلّه‌العالی میباشد نوشته‌اند فقط بشرح نهج‌البلاغه تا آخر خطبه: (کنتم جندالمرئه و اتباع‌البهیمه) که‌درمذمّت اهل بصره میباشد توفیق بر شرح یافته‌اند و تمام این شرح بشماره نگارنده‌درحدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و گویند این شرح در بیست مجلّد است ولی در مقدمه نیست.

آغاز: بسمله الحمدلله‌الذی رفع لنا اعلام‌المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ.

انجام: فقال‌ابان‌بن تغلب‌لعبدالله‌بن شریك هذه سیرتان مختلفان فقال اهل‌الجمل قتل طلحة والزّبیر وان معاویة کان قائما بعینه وکان قائدهم.

(٧٧٩)

شرح نهج البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه قسمتی ازجلددوّم این کتابست (مبحث اوّل‌ودوّم) وبانسخه ذیل تمام جلددوّم را شامل‌و یك‌سطر از آخر مبحث دوّم در ابتداء نسخهٔ دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی ودراینجا تاریخ را ننگاشته است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۷۵) . صفحهٔ (۲۳) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۲) .

(٧٨٠)

شرح نهج البلاغه حدائق الحقایق

این نسخه بقیه جلد دوّم است و در سال ۱۰۸۱ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده وبانسخه پیش یکی بوده برای آنکه‌ضخیم‌نشود بدینگونه تقسیم شده وعناوین‌مطالب‌را باشنجرف نوشته است .

جلدتیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف‌سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۰۷). صفحهٔ(۲۳) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳٤۳) .

[۳۲۱] شرح نهج‌البلاغه ـ محمد صالح روغنی (فارسی)

این‌شرح رابفارسی‌محمّد صالح روغنی‌ره که ازعلماء ودانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند ودرمجلّد اوّل این‌فهرست ص ۲۲۳ و۲۲۵ ومجلّد دوم ص۳۳ سه مؤلّفه‌باشرح مختصری‌ازحالات‌ومؤلّفات‌ایشان‌راذکر کرده‌ایم ، بر کتاب‌نهج‌البلاغه نگاشته اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج‌البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرابنام ترجمه معرّفی میکند : (چون دید که همّت ...... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثربترجمه کتاب نهج‌البلاغه .... معطوف‌است ، همّت گماشت بتوفیق‌ملك وهّاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلّف و تصلّف الخ .) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چراکه در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده‌و حکایات مناسبی

هم در بعضی موارد نقل کرده ، شارح خود در آخر باب خطب فرماید : (تمت الخطب و شرحه حامداً الله تعالی و مصلیاً علی عبده و رسوله محمد المصطفی و آله ائمة الهدی و انا الفقیر الی الله الغنی محمد صالح ابن محمد باقر القزوینی و پیش از من سه کس(۱) از علماء طاب الله لهم المثوی بفارسی شرح کردند و هر یك طرزی و اسلوبی آوردند و امیدوارم که این اسلوب و بیان از آنها نافعتر و در نظر دوستان صحیح تر و مقبول تر افتد و المرجو هو الله تعالی و علیه المعوّل فی کل حال ، عجب مدار اگر خدای عزوجل کار بی بضاعتان راست آورد و دشوار به بیدست و پایان آسان سازد به)(۲) .

واز این کتاب بدست میآید که سالك یکی از مسالك طریقت بوده و نسبت بعلماء ظاهر چندان خوش بین نبوده است

در مطالعه نسخه بسه مؤلفه از مؤلفات این شارح که در کتب سیر نامی از آنها دیده نشده برخورده ام یکی در ص ۱۲۱ در ابتداء شرح وصیت حضرت علی بحضرت حسن علیهما السلام گوید :

و از این پیش این وصیت جامعه را شرحی کرده بودم مبسوط مشتمل بر ... و ... تا رساله ای باشد برأسه در باب خود جامع وعدیم المثل مسمی به « منشور الادب ... کار آگاهی » آنرا باندك تخفیف اینجا داخل کرده

و نیز در ص ۴۲۳ در ذیل نصائحیکه حضرت علی علیه السلام (انی اخاف علیك من الفقر) بفرزند خویش محمد حنفیه رضی الله عنه ... :

ومن در این باب و محاکمه میان فقر و غنی که کدام یك افضل است رساله ای ...

(با تفحص تاکنون بوجود این دو نسخه آگاه نشدم)

و در ص ۲۱۶ تا ۲۹۳ (از نسخه ذیل) عین ترجمه و شرح عهدنامه آنحضرت (ع) بمالك اشتر که در ص ۳۳ و ۳۴ همین مجلد بذکر و توضیح آن پرداختم بدون مقدمه و پنجاه بیت آخر آن و با اختصار در بعضی از عبارات و اضافات در پاره ای دیگر آورده شده است .

---

(۱) ظاهرا مراد شارح ازسه نفر ۱ ـ ملا فتح الله کاشانی و ۲ ـ علی بن حسن زواری و ۳ ـ ... آملی میباشد که ازعلماء امامیه و پیش از این شارح بوده اند و شرح فارسی موسوم ... که در ذیل نهج البلاغه در این فصل از آن نام خواهیم برد ، مسلما ازشروحی است که پیش از این شرح تألیف گردیده است .

(۲) نسخه مدرسه این قسمت را ندارد و از روی نسخهٔ حضرت آقای ... نقل گردید .

نسخی که نگارنده ازاین کتاب سراغ دارد ازاینقرار است :

۱ ـ نسخه‌متعلّقه بجناب آقای حاج سیدنصرالله تقوی اخوی رئیس محترم این دانشکده که‌فقط مشتمل‌برشرح خطب میباشد(۱)وسال تحریر ندارد ولی ازقرائن بدست میآید که در همان قرن یازدهم نوشته شده ووجود این نسخه کمك خوبی به نگارنده‌نمودومؤلّف این شرح‌راکه بقرائن شناخته بودگمانش‌به‌یقین پیوست .

۲ ـ نسخه متعلّقه بجناب آقای حاج محتشم‌السّلطنه (حسن اسفندیاری)رئیس کنونی (دورهٔ دهم) مجلس شورای ملّی ایران که آن نیز مشتمل بر دو ثلث از شرح خطب میباشد و بسال ۱۲۷۰ نوشته شده است .

۳ ـ نسخه ایست که دانشمند محترم آقای جواهر کلام (عبدالعزیز) در ج۱ فهرست کتابخانه معارف‌نوشته اند نجف‌اشرف‌در کتابخانهٔ خونساری موجوداست بوسیلهٔ دوست محترم ودانشمند معظّم آقای ثقةالاسلامی تبریزی (میرزا عبدالله) خصوصیّات آن نسخه را خواستم در پاسخ نگاشتند که درب آن کتابخانه بسته شده و بکتب آن اینك دسترسی نیست .

٤ ـ نسخهٔ این کتابخانه است که خصوصیّات آن ذیلاً درج میشود وبانسخهٔ آقای تقوی یك شرح کامل بدست میآید .

٥ ـ نسخهٔ دیگری است که اخیراً باین کتابخانه وارد شده و در آن نام و نشانی از مؤلّف نیست و پس از تحقیق معین شد که قسمت اخیر (شرح کلمات قصار یاباب سوّم) از این شرح است و چون هنوز بتنظیم و ترتیب کتبی که این نسخه جزء آنها است پرداخته نشده خصوصیّات آن نوشته نمیشود .

چنانکه درابتدا نگاشته شده بعقیدهٔ نگارنده این شرح ازبهترین شروح‌فارسی نهج‌البلاغه است و در آن گاهی نقل قول از شارح‌کاشی و شارح بحرانی وشرح ابن ابی‌الحدید وتحقیق در آنها شده و درحدود (۳٤۰۰۰) بیت کتابت دارد.

---

(۱) این نسخه ونسخهٔ مدرسه آخرین مطالب باب خطب را خطبه ای‌که درذکر آل محمد صلی الله علیه وآله وآغاز آن اینست: (هم عیش‌العلم و موت‌الجهل) دانسته وبشرح آن پرداخته وپس ازآن شرح مذکور فوق (ص ٦٤) را نوشته اند ولی در نسخ چاپی و بعضی از نسخ خطی پس از این خطبه مطالب دیگری نیز موجود است .

وطرز این شرح اینست که پس از نقل جملی از نهج البلاغه بترجمه و شرح آن مبادرت شده و از اشعار مولوی رومی و سعدی و حافظ و قصص و حکایات در آن زیاد دیده میشود.

آغاز: بسمله و به ثقتی الحمدلله علی ماوالینا من نعمآئه وانعم علینا من الائه......

وبعد این فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت محتاج برحمت رب غنی محمّدصالح ابن حاجی باقر قزوینی عفی‌الله عن سیّآتهما الخ.

انجام: بالجمله صحبت محتشمان با مراعات حشمت ایشان موجب وحشت و ضجرت باشد نه التیام و مودّت حکیمی گفته: نصف غمهای دنیا در دل افکندم بمعاشرت دوستان که از ایشان حشمتی ندارم.

(٧٨١)

شرح نهج البلاغه محمد صالح روغنی این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمّد رحیم بسال ١٠٨٨ نگاشته‌، پشت صفحهٔ اوّل عبارات ذیل نوشته شده: باب سوّم شرح نهج البلاغه داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردید و از ورثهٔ میرزا داود خان خریداری شده. بفارسی ترجمه شده و مترجم معلوم نشد.

و نیز در همین صفحه است: بخشیدم بفرزندم وزیر لشکر میرزا داود خان شهر رجب ١٢٧٩. وفقط بنام شرح نهج البلاغه براین کتابخانه وقف شده و مشتمل بر شرح خطبهٔ همّام تا آخر نهج البلاغه است (قسمتی از باب اوّل و تمام باب دوّم و سوّم) و عبارات اصل بخط نسخ و برخی از آنها با شنجرف نگاشته شده و دارای دو سرح لوح بسیار زیبا در ابتداء نسخه و در اوّل باب سوّم (ص ٢٢١ نسخه) میباشد و صفحات آن بجدول بطلا و لاجورد است.

جلد سوخته. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (٢٤٢). صفحهٔ (٢٥) سطر. طول (٣١ سانتیمتر). عرض (١٩ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٣٠٩٣).

[٣٢٢] شیخ و وزیر (فارسی)

این رساله یکی از نوشتهای ملکم خان ارمنی اصفهانی ملقّب به ناظم الدّوله است و چنانکه ازمقدّمه ربیع‌زاده مورّخ بسال ١٣٢٥ و نگاشته شدهٔ بر رسائل این مؤلف که ذیلاً از آن نام میبریم معلوم میشود مؤلف تا آن تاریخ در قید حیات بوده و بگفته آقای دبستانی کرمانی بسال ١٣٢٦ در کشور ایطالیا با مقام سفارت ایران

وفات‌نموده‌و این‌مرد یکی از رجال‌منوّرالفکر دورهٔ سلطنت ناصرالدّین شاه قاجار بوده ودر راه آزادی و تمدّن و اصلاحات، مقالات ورسائلی نگاشته و بهمین‌جرم ازسفارت اورا معزول کردند ولی دردورهٔ مشروطیّت مجدّداً رونقی یافت وبانجام امور دولتی اشتغال داشت ومختصری از شرح حال او در ایّام حیاتش نوشته‌شده وآن اینست : (المآثر والاثار ص ۱۹۷) **میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله** در فنّ دیپلوماسی و شعب سیاسی مسلّم است و در غالب فضائل مشرق زمینی و اروپی مقام استادی دارد و برخی اعمال عجیبه و علوم غریبه‌را بسرحدّ کمال رسانیده ترجمه او در این مختصرات کجا میگنجد **انتهی** . از نوشتهای ملکم خان بر میآید که نسبت بعقائد و قوانین اسلام خوش بین بوده ودرمقدّمه گلستان که با حروف اختراعی خود درسال ۱۳۰۳ طبع نموده صریحاً این عقیده را اظهار کرده ومعتقد بوده که قوانین دیانت اسلام بهترین قوانین است ولی یکی از علل انحطاط شرقیها و عقب ماندن آنها از ملل غربی مخصوصاً ایرانیان و مسلمین خط آنها است که خواندن وفهمیدن آن بسیار مشکل میباشد، چرا که اعراب جزء کلمات گذارده نمیشود و بدین جهت هرجمله و عبارتی بچندین قسم خوانده میشود و بایستی این خط را تغییر داد و یا اصلاح نمود و برای این مقصود چندین قسم الفباء خود اختراع نموده وآنهارا باولیاء اموربپیشنهاد کرده و گلستان سعدی و کلمات قصار حضرت‌علی علیه‌السّلام (مأئةکلمه الجاحظ) و ضروب امثال ترکی را در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ درلندن با یکی‌از آن حروف طبع نموده والفباء مطبوع او بنام «رسم‌الخط جدیدملکم» بشمارهٔ (۲۷۷۵) دراین کتابخانه‌موجود است وهمین رساله (شیخ‌ووزیر را) دربیان معائب‌وادلّهٔ بدی خطّ فعلی بزبان‌شیخ ووزیر انشاء کرده امّا نامی ازمؤلّف‌در آن نیست ودر تحت‌عنوان سه مجلس‌مذاکرات شیخ و وزیر خاتمه‌یافته وچنانکه از نسخهٔ ذیل معلوم میشود تألیف‌آن‌پیش‌ازسال ۱۲۸۷ بوده وچنانکه‌در ذیل« رسم الخطّ آخوندزاده» در ص ۵ نگاشته‌شده‌دراین‌سالهای اخیر قرن‌سیزدهم‌هجری خیال‌اصلاح‌خط فعلی‌دردماغ بسیاری‌ازافراد افتاده و درصفحهٔ (۵) دانشمندان آذربایجان نام جمعی از آنها ضبط گردیده است.

ازنوشتهای ملکم‌خان رسالهای ذیل‌درتحت عنوان «کلیّات ملکم»بسال ۱۳۲۵ در طهران‌چاپخانهٔ‌مجلس‌چاپ‌نموده‌وناشر آن (هاشم ربیع زاده) در آخر آن وعده داده که در مجلّد دوّم نگاشتهای دیگر مؤلّف را چاپ کند ولی جز این قسمت که نام میبریم وشامل رسالهای ذیل است چاپ نشده :

حرف غریب ، رساله غیبیّه ، رفیق ووزیر ، شیخ ووزیر (همین رساله است)، پولتیکهای دولتی ، تنظیم لشکر و مجلس اداره ، سیّاحی گوید ، توفیق امانت ، اصول آدمیّت و اصول مذهب دیوانیان .

مقالاتی متوالی بنام قانون نیز خودملکم‌چاپ‌نموده و در مشروطیّت آنها را باز طبع و منتشر کرده اند .

آغاز: وزیر ـ هرگاه دول خارجه بر دولت اسلام حمله بیاورند دفاع بر ما لازم خواهد بود یا خیر .

(۷۸۲)

شیخ و وزیر این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده و شرح ذیل را پشت صفحهٔاول آن نوشته‌اند: رساله ایست که درباب پیدا کردن معایب خطّ عثمانی وایران در اسلامبول نوشته شده و این بنده **تقی عبقری**منشی ممالی‌نسخهٔ آن را اینك برای‌تفنّن خاطرجناب آقائی منشی حضور همایون استکتاب کرده و پیشنهاد حضورایشان کرده ام انشاء اللّه‌بمرور این‌نسخه خاطرخودشان را هر وقت مجال داشته باشند مشغول خواهند کرد ،در این نسخه شیخ ووزیر اشاره است بمعلّم و متعلّم شیخ معلّم است و وزیر متعلّم سنهٔ ۱۲۸۷ .

جلد تیماج .کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۱۲) . صفحهٔ (۲۷) . سطر . طول ($۲۰\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۱) .

[۳۲۳] صد کلمه یا ترجمهٔ مائة کلمه (فارسی)

این ترجمه که بصدکلمه مشهور گشته ترجمه منظوم مائة کلمةالجاحظ است که‌در حرف میم از همین فصل آنرا ذکر خواهیم کرد و ناظم آن چنانکه درذیل فقرهٔ **افقرالفقر الحمق** بدان‌تصریح شده **عادل** نامی‌است :

(بد ترین‌درویشئی حمق‌است‌ای‌جان‌جهان ☆ بشنواز عادل کلام شاه مردان‌را بیان)

این شاعر هر یك از کلمات قصار را بیك بیت فارسی ترجمه نموده(۱) ودر کتب تذکره شعراو سیر بنام عادل این چند نفر ضبط گردیده‌اند: ۱ـ شاه طهماسب صفوی(۲)(۹۱۹-۹۸۴). ۲ ـ شاه عادل (۳) پادشاه لارفارس که بسال ۹۸۳ کشته شده . ۳ ـ عادل نام یکی از شعراء خراسان است که در قاموس الاعلام ترکی(٤) نام آن برده شده . ٤ ـ عادل بن علی که شرحی برقصیده ابو الفتح بستی دارد (۵) . ۵ ـ عادل بن مراد اردستانی که از شاگردان مرحوم میر داماد بوده وآقای شهابی (محمود) استاد محترم این دانشکده درکتاب «مسرح الفؤاد»(٦) که در شرح حال مرحوم میر داماد ره نگاشته اند از او نام برده اند وجزاین پنج نفر متخلّص به عادل را تا کنون نیافته ام و همین عادل کتاب نثر اللآلی راکه نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت علی علیه‌السّلام است ودر همین فصل آنرا ذکرخواهیم نمود به نظم درآورده ونسخهٔ آن بسال ۱۳۰٦ درطهران چاپ ومنتشر شده وآغاز آن این است :

هر که درهر کار بسم‌الله‌الرحمن‌الرّحیم ☆ گوید ایمن گردد ازوسواس شیطان رجیم
گفتهای شاه مردان و امیر مؤمنان ☆ یاد گیر ومبدء خویش ومعاد خود بدان

---

(۱) درفهرست رضویه این صدکلمه را باحتمال نسبت بعبدالباقی صوفی تبریزی داده اند درصورتیکه ایشان باقی تخلص میکرده اند (دانشمندان آذربایجان ص ۱٤٤) و گذشته از این مذاقش عرفانی وحکمی بوده و این عادل ظاهری و مخالف با حکمت و فلسفه میباشد چنانکه در ذیل کلمه : **الحکمة ضالة المؤمن** . گوید :

حکمت و ایمان محرم شد بهم روز الست ☆ زان نمیجویند حکمت مؤمنان حق پرست .

(۲) در تذکره آتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحاء ج ۱ ص۳۹ در ذیل سلاطین شاعر ، تخلص شاه طهماسب **عادل** تصریح شده ودر تحفهٔ سامی که سام میرزا برادر این پادشاه نوشته شعری از وی نقل کرده ولی تخلص اورا ضبط ننموده است .

(۳) در هفت اقلیم و تحفهٔ سامی نام این پادشاه و ابیاتی از او ثبت شده .

(٤) در قاموس الاعلام ترکی (ص ۳۰۳۷ و ۳۰۳۸) در حرف عین فقط یکنفر **عادل** را ذکر نموده که خراسانی و شاعر بوده و دو بیت فارسی از او نقل کرده است .

(۵) نسخه ای ازاین شرح راکه بسال ۹۰۳ نگارش یافته حضرت آقای حاج سید نصرالله نقوی مدظله دارند و درمقدمه شارح خودرا اینگونه معرفی میکند : چون فقیر حقیر مقصر بتقصیر اصغر العباد جرماً واکثرهم جرماً **نظم** :

آنکه نعت نبی ومدح ولی ❀ بعبارات واضحات جلی ❀ گوید ازصدق نیت واخلاص ❀ افقر خلق **عادل** بن علی

غفر الله ذنوبه الخ . وازمقایسهٔ اشعار صدکلمه بااشعار این شرح بخوبی معلوم میشود که ناظم آنها یکی نیست .

(٦) این کتاب تا بحال چاپ نشده واین نقل ازنسخه خطّی مؤلف محترم گردیده است .

و انجام آن این است :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء ☆ ختم کن برصدق ای‌عادل کلام اولیاء

ونسخهٔ چاپی این ترجمه متعلّق به ۲۵۸ کلمه و در ۲۶۰ بیت میباشد وهر کلمه ای‌را بیك‌بیت ترجمه نموده و از مراجعه باین اشعار معلوم میشود که ناظم مردی دین‌دار و مقدّس مآب بوده ، و با قرآن سروکار داشته چنانکه در ذیل این کلمه شِفٰاءُالْجِنٰانِ فِي قِرآئةِ القرآن . گوید : هر که قرآن خواندن اورا ورد چون عادل شود ٭ عاقبت درد دل اورا شفا حاصل شود . و نیز در ذیل این کلمه : كَلامُ اللّٰهِ دَواءُ اَلْقَلْبْ . گوید : درد دل را از کلام حق تعالی جو دوا ٭ خود تو را در سینه محفوظ است قرآن عادلا . و نیز از اسلوب اشعار بخوبی معلوم میشود که ناظم هردو یکی و از شعراء دورهٔ صفوّیه بوده است .

جز این عادل شعراء دیگر هم بترجمه این‌کلمات قصار پرداخته اند و مناسب است که دراینجا چندتن از آنها راکه نگارنده تاکنون یافته بیاورد اول رشیدالدّین وطواط متوفی بسال ۵۷۳ که ازسخن سرایان شهیراست ، بدواً این کلمات قصار را بنثر عربی و پس‌ازآن به نثرفارسی‌و از آن پس‌هر کلمه ای‌را بدو بیت فارسی‌ترجمه وشرح نمودهوچنانکه آقای محمّد علی تربیت درص ۱۰ شماره اوّل گنجینهٔ معارف که بسال ۱۳٤۱ درتحت مدیریت ایشان درشهر تبریز منتشر میشده مرقوم داشته‌اند نسخهٔ کامل این ترجمه و شرح درکتابخانه ولیّ‌الدّین در اسلامبول بوده و شمارهٔ آن در آن کتابخانه (۲٦۳۹) است و آنرا « مطلوب کل‌طالب» نام گذارده وریو در فهرست موزهٔ بریتانیا سال این ترجمه و شرح را ۵۵۹ دانسته و آقای اقبال آشتیانی درص ند مقدّمهٔ حدائق‌السّحر نگاشته اند که این کتاب در اوروپا وایران چاپ شده وترجمه یکی‌از کلمات‌را بهمان‌سه نحو که گذشت عیناً نقل‌نموده چنانکه پیش از ایشان در همان شماره گنجینهٔ معارف آقای تربیت ترجمه یکی از کلمات قصار دیگررا آورده اند و ترجمهٔ نظمی رشید مکرّر در ایران چاپ شده وتاهنوز درمکاتب قدیمه‌از کتب درسی بچههاست ولی‌چاپ‌شدن‌مطلوب کل طالب راکه سه ترجمه رشیدالدین باشد تاکنون آگاهی نیافته ام .

دوم : در ص ۱٤۷ دانشمندان آذربایجان است که درویش اشرف در سال ۸۳۸ صد کلمهٔ حضرت امیر علیه‌السّلام را بقطعات فارسی ترجمه نموده است .

سوم: نیز آقای تربیت درگنجینهٔ معارف نوشته اند که جامی (عبدالرّحمن متوفی بسال ۸۹۸) نیز این کلمات قصار را بفارسی ترجمه کرده .

چهارم : نیز در گنجینه معارف نگاشته تربیت است که بسال ۱۲۵۵ با ترجمه ترکی آن در بولاق مصر چاپ شده .

پنجم : فلایشر این کلمات را بآلمانی ترجمه نموده و با ترجمه فارسی رشیدوطواط بسال ۱۸۳۷ م . درلایبزیك چاپ گردیده (آقای اقبال درمقدّمهٔ حدائق السّحر ص ند) چون نسخه آن را بدست نیاوردم ندانستم که آیا آنچه در اروپا از ترجمه رشید چاپ شده همان ترجمه نظمی و یا تمام مطلوب کلّ طالب و یا ترجمه نثری اواست .

ششم : ترجمه بنظم فارسی ازعبدالواحداست که بگفته صاحب ریاض العلماء (وقایع الایام درحاشیه ص۳۹۳ ج۳) عالمی متصوف ومفسر و متکلم دردوره صفویه بوده است .

صدکلمهٔ عادل بسال ۱۲۵۹ درتبریز وبسال ۱۲۷۲ درآخر شرح باب حادیعشر در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسمله بهترین هر کلام ای نورچشم مردمان * هست نام خالق بسیار بخش مهربان

انجام: مٰا اَضْمَرَ اَحَدٌ شَیْئاً اِلاّ ظَهَرَ فی فَلَتٰاتِ لِسٰانِه وَ صَفَحٰاتِ وَجْهِه

گرنهان دارد کسی سرّی توان دریافتن * در کنار روی آنکس یا در اثنای سخن

اللّهم اغفرلنا رمزات الالحاظ وسقطات الالفاظ وهفوات اللّسان وشهوات الجنان

یاالهی بیرضایت گرزبان و چشم و دل * زشت گوید یا ببیند یا رود جائی مهل .

(۷۸۳)

صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ

این نسخه ضمیمهٔ مجموعه ایست که بسال ۱۰۷٤ نگاشته شده وکاتب هریك ازابیات را بخطّ نستعلیق درمقابل اصل کلمات که بخط نسخ نوشته شده نگاشته و ترجمه بسمله را که در مقابل آغاز نقل نمودیم نیاورده و ابتداء بترجمه لَوْ کُشِفَ اَلْغِطاء ما اِزْدَدْتُ یَقِیناً که نخستین کلمه ازمائة کلمه و این بیت میباشد نموده :

(گراجل بردارداز پیشم حیات مستعار * در یقین من نیفزاید بحق کردگار)
وبترجمهٔ این کلمه : لِسانُ الْعاقِلِ وَراءَ قَلْبِهْ که این بیت میباشد : (بی تأمّل دم مزن اوّل بدل اندیشه کن ٭ تا نیندیشد بدل دانا نیاید درسخن) نسخه را ختم کرده است .
خصوصیّات دیگر نسخه بمجموعه شمارهٔ (۲۷۹۹) این کتابخانه مزاجعه گردد و این نسخه از ص ۳۱ تا ۳٦ این مجموعه را حائز است .

(۷۸٤)

صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب **علی نائینی** درسال ۱۲۷٤ با طلا ولاجورد نگاشته و ترجمهٔ کلمات را هریك بیك بیت درذیل آنها تحریر نموده و ترتیب کلمات نسخه چاپی این ترجمه و نسخ خطّی آنها یکدگر مطابق نیست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸) . صفحهٔ (۹) سطر . طول ($۲۳\frac{1}{2}$ سانتیمتر) عرض ($۱۷\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰٤۹) .

[۳۲٤] الطراز الموشی فی الانشاء (عربی)

این کتاب مجموعه ای از مراسلات و انشاآت رسمی و دوستانه است وچنان که پشت نسخهٔ این کتابخانه نگاشته شده مؤلّف وگردآورندهٔ آنها شیخ شمس الدّین محمّد بن حسن نواجی رضی الله عنه است وصاحب معجم المطبوعات در ص ۱۸۷۲ بمناسبت کتاب «حلبة الکمیت» وی که چاپ شده شرحی در معرّفی از ایشان از کتب : حسن المحاضره ۱ - ۲۷٤ و ابن ایاس جزء۲ ص ۳۲ و ٤۹ وطبقات الشافعیّه اسدی ورق ۱۱۳ و الخطط الجدید ۱۷ - ۱۳ نقل نموده ودر آنجا است : وَقالَ الشِّعْرَ الْفائِقْ وَالنَّثْرَ الرّائِقْ وَجَمَعَ الْمَجامِیعْ . ولی نام نبرده که یکی از آن مجموعات موسوم به « الطّراز الموشّی » میباشد .

درکتاب شذرات الذّهب ص ۲۹۵ ج ۷ که ذیلاً شرح حال این مؤلّف را ازآنجا ترجمه خواهیم نمود نامی از مجامیع نیست و این کتاب را از مؤلّفات نواجی نشمرده ولی از قرائنی که ازخود این مجموعه بدست می آید صحّت انساب جمع این مؤلفه بدانشمند مذکور واضح میشود .

شمس‌الدّین محمّد بن حسن بن علی بن عثمان نواجی(۱) شافعی مصری بسال ۸۵۹ درگذشت علم ادب را امام ودانشمند فرزانه ای بوده ، در « عنوان‌الزّمان» آمده که پس‌ازسال ۷۸۵(۲) درقاهره تولّد یافته‌ودرقرائت‌شاگردی ابن جزری (۳) معروف را نموده و علوم ادب و فقه و اصول و معقول را از اساتید آن عصر استفاده کرده و بعلوم ادبیّه توجه خاصی نمود و چنان در آن مستغرق شد که سرآمد اهل زمان گردید و ازمصنّفات وی **حاشیه توضیح**(٤)، حاشیه جاربردی، **کتاب تاهیل‌الغریب** (این کتاب‌مشتمل برقصائداست)، **الشفا فی بدیع الاکتفا**، خلع‌العذارفی‌وصف‌العذار، **صحائف‌الحسنات**، روضة‌المجالس فی بدیع‌المجانسه، **مراتع‌الغزلان** فی‌وصف‌الحسان من‌الغلمان و کتاب **حلبة‌الکمیت** فی‌وصف‌الخمر است انتهی . **الطرازالموشی** مشتمل‌برانشاآت‌رسمی‌ودولتی‌وشخصی‌است‌وبیشتر مکاتباتی‌راکه سلاطین‌وامراءممالك‌بپادشاهان‌مصرنگاشته اندد رآنست وعهد نامهای آنهارا نیزداراست‌وانشاآت‌شخصی‌وغیررسمی آن هم‌ازنویسندگان‌مصرمیباشدودر این کتاب‌مراسلاتی‌ازچنگیزیان‌خصوصاًاحمدمورّخ‌بسال ۶۸۱ وامیر تیمور گورکانی و شاهرخ بپادشاه مصر و جواب او بآنها موجود است و پاره ای از منشآت برهان‌الدّین باعونی(٥) شافعی متوفی بسال ۸۷۰ را دارا میباشد و از انشاات زمان خلفاء بنی عبّاس و اعصار بعد نیز چند نسخه داراست و از مجموعات خوب ادبی و تاریخی بشمار میرود .

سه کتاب‌دیگررانگارنده بنام‌الطرازمیشناسدوممکن‌است‌یکی از آنهابااین کتاب

(۱) نواج یکی از دهات کشور مصر و در ناحیه مدیریّه غربیه آن میباشد (معجم‌المطبوعات) .
(۲) در معجم‌المطبوعات تولد نواجی بسال ۷۸۵ یا ۷۸۸ بتردید ثبت شده .
(۳) شرح حال ابن جزری در (ص۱۹۱ ج۱) این فهرست نوشته شده و در آنجا است که‌بسال ۸۳۳ وفات یافته و همین نواجی در رثاء او دو بیت گفته و آنرا در آنجا ثبت کرده‌ایم .
(٤) توضیح تألیف ابن هشام نحوی معروف است که شرح حالش درفصول بعد نوشته میشود و این کتاب شرح الفیّه ابن مالك مشهور است و نام اصلی آن « اوضح‌المسالك الی‌الفیّة ابن مالك » میباشد ولی‌مشهور بتوضیح گردیده است .
(٥) در ص ۳۰۹ ج ۷ شذرات‌الذهب ذیل وفیات سال ۸۷۰ گوید : در این سال برهان‌الدین ابراهیم بن احمد بن ناصربن خلیفه مقدسی شافعی ناصری باعونی دمشقی وفات یافت و دانشمندی بزرگ وسال عمرش نزدیك بصد سال بود (عن بضع و تسعین سنه) و درحاشیه همین صفحه است که تولد وی در صفد بوده و بشام آمده ، از مشایخ آن کسب فضیلت نموده و **کتاب‌الضوء** را تصنیف کرده است و دراین‌نسخه الطرازالموشی باغونی با غین معجمه ضبط شده است .

اشتباه شود یکی «**الطراز**» در علوم بلاغت که تألیف یحیی بن حمزه العلوی ره امام زیدیّه است و مؤلّف آن در سال ۷٤۹ وفات یافته و در ص ۱۰ کتاب «ماهو نهج البلاغه» جناب سیّد هبة الدّین شهرستانی آنرا ذکر کرده و چاپ شده است . و دیگری «الطراز الموشی» فی صناعة الانشاء » تألیف شیخ محمّد نجّار معلّم عربی در مدرسه محمّدیّه امیریّه مصر میباشد که بسال ۱۸۹٤ م . چاپ شده و در ص ۱۷۰۰ معجم المطبوعات ذکر گردیده و مسلّماً غیر از این کتاب است . و دیگری « الطراز فی الحقیقة و المجاز » تألیف حجة الاسلام رشتی ره میباشد و نسخه آنرا آقای تنکابنی دارند .

الطراز الموشی نواجی در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله وصلی الله علی سیّدنا محمّد و آله وصحبه اجمعین ـ نسخة کتاب ورد علی الابواب الشریفة الملکیّة الظاهریّه خشقدم من الشّیخ برهان الدّین الباعونی الشّافعی یقبل الارض الّتی یودّلو ظفر بقربها و کحّل جفونه بتربتها الخ .

(۷۸۵)

الطراز الموشی این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده ، پشت ورق اوّل سیّد حسین نام مصری در سال ۱۱۸٤ یاد داشتی مبنی بر اینکه این کتاب بتملّك او در آمده نوشته است .

جلد مقوائی . کاغذ قدیمی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۷۷) . صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۱۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹۵).

[۳۲۵] عیون الحکم و المواعظ (عربی)

این کتاب که بتصریح مؤلّف در مقدّمه موسوم به « عیون الحکم و المواعظ وذخیرة المتعظ و الواعظ » میباشد ، بنابر آنچه علاّمه مجلسی ره در باب ماجمع من کلمات علی علیه السّلام (در مجلّد ۱۷ ص ۱۳۶ چاپ کمپانی (۱)) نگاشته اند جامع

(۱) عین عبارت بحار الانوار اینست : وکذا الشیخ علی بن محمد اللیثی الواسطی فی کتاب عیون الحکم و المواعظ و خیرة المتعظ و الواعظ الذی قد سمیناه بکتاب العیون و المحاسن و هو یشتمل علی کثیر من کلماته و کلمات باقی الائمه علیهم السلام. چنانکه بنقل از مقدمه دانستیم **و ذخیرة المتعظ** است و ذال آن در این نسخه افتاده **و خیرة المتعظ** شده و مندرجات آن از حضرت مولی علی امیر المؤمنین است نه از ایشان و سائر ائمه علیهم السلام . صاحب کشف الحجب در ص ۳۸۹ این کتاب را بنام « العیون و المحاسن » که اسم اختراعی علامه مجلسی برای این کتاب است ذکر نموده است و علامه مجلسی در مجلد ۱۷ ص ۱۱۲ نیز بنقل کلمات قصاری از نسخه قدیمی این کتاب مبادرت نموده است .

ومؤلّف آن علی بن محمّدالليثي الواسطی رحمةاللّهعلیه است و از مقدّمه آن بخوبی معلوم میشود که از علماءامامیّهبوده وچنین بنظر میرسد که درقرنششم یاهفتمهجری میزیسته اند ، در کتب سیر و رجال چون روضات و لؤلؤتی البحرین و رجال ممقانی و امل الامل نامی از ایشان نیافتم .

این کتاب رادر مجلّداوّل این فهرست (ص۲۸۳-۲۸۶) در فصل اخبار بانقل قسمتی ازدیباچه آن نام بردهام ولیدر آنهنگام که مشغول بنگارش ومعرّفیاز آن بودم بنام مؤلف آن برنخورده وعدم اطلاع خویش رااظهار نمودم اخیراً کهمؤلف وجامع آنرا شناختم چون دراین فصل کلمات قصار حضرت مولی علی امیرالمؤمنین علیهالسّلام و خطب ومنشآت آنحضرت وشروح آنهانقل گردیده وبشرح ومعرّفی آنهاپرداخته شدهومیشود مناسب آن دیدم که این کتابرا باز دراینجا بیاورم و نظر باینکه در شمارهٔ کتب مجلّد اوّل اختلافی رخداده ودرذیل صفحهٔ (ح) ازمقدّمه آن مجلّدبدان اشارتی رفته و شمارهٔ مسلسل را دراین مجلّد موافق آخرین شمارهٔ مجلّد اوّل قرار داده ام لذا این تکرار بشمارهٔ مسلسل خللی وارد نمیسازد .

این کتاب (عیونالحکمو المواعظ) بتصریحجامع درمقدّمه ۱۳۶۲۸ کلمهاز کلمات قصار راکه در سی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب گردیده شامل و در باب سی ام مختصراتی از بیانات توحیدی و وصایا و مواعظ و عباراتی در مذمّت دنیا و ادعیّه و مکاتبات آنحضرت راکه بنظر جامع لطیف و فوقالعاده تر ازسائر کلماتبوده آوردهولی دونسخه ذیل و نسخهصاحبوقایع الایام فاقد اینباب میباشدو شاید تألیف نشدهاست واین بیستونه بابدرحدود (۶۸۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحمد لله فالقالحبّه و باریءالنّسم ، موجدالاشیاء بعدالعدم الخ .

انجام: فليحذرالذين يخالفون عنامرهان تصيبهم فتنةٌ او يصيبهم عذابٌ اليم.

(۷۸۶)

عیون الحکم والمواعظ و — این نسخه بخط نسخ خیلیخوب نوشته شده ، در سال ۱۰۷۹ محمّد هادی نام مقابله شدن آنرا بانسخه دیگر نوشته ومطالبی که کاتب ازمتن انداخته بوده در حاشیه نگاشته شده است .

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۸۵) . صفحهٔ (۱۴) سطر . طول (۲۰½) سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸۵) .

(۷۸۷)

عیون الحکم و المواعظ و ذخیرة المتعظ و الواعظ

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب محمّدقلی در سال ۱۰۸۵ بنا بدستور علم‌الهدی فرزند حضرت فیض رحمهماالله نوشته و خودایشان در آخر نسخه یادداشتی درشش سطر نگاشته‌اند .

جلد چرمی اعلا . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۳۷) صفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸۴) .

[۳۲۶] غرر الحکم و دُرر الکلم (عربی)

جامع این کتاب که نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام میباشد **آمدی** ره است (ناصح الدّین ابوالفتح عبدالواحدبن محمّد بن عبد الواحدالتمیمی الامدی) که بتصریح صاحب روضات (درص ۴۶۴) معاصر سیّدرضی ره متوفی (۴۰۶) وسیّدمرتضی ره متوفی (۴۳۶) و شیخ طوسی ره متوفی (۴۶۱) بوده و نیز از ابن شهرآشوب نقل نموده که از علماء امامیّه بوده و گوید روایتی در کتب امامیّه بدو نمیرسد و هم از قاموس و تقویم‌البلدان نقل کرده است که **آمد** شهری‌است میان‌دجله وفرات ازدیاربکر و دارای باغها واراضی زراعتی است و بفتح وضم وکسر میم قرائت شده . و صاحب معجم‌المطبوعات (در ص۹۱) وفات این مؤلف را بسال ۵۱۰ ضبط نموده و مأخذ خودرا هم ننگاشته بنا بر آنچه نقل شد بسیار دور بنظر میآید که تا این تاریخ زندگانی کرده باشد .

آمدی در مقدّمه این کتاب گوید :

آنچه مرا وادار بر جمع آوری این کتاب کرد افتخاری است که ابو عثمان جاحظ در جمع آوری مائة کلمه نموده است و بسی موجب تعجب میباشد که این مرد با اینکه علاّمه روزگار خویش بوده

و در دانش و بینش یگـانه عصر خود شمرده میشود و بمبدء نزدیکتر بوده چگونه عظمت کلمـات دیگر آنحضرت بر او مخفی شده و از آن همه کلمات بیشمار بدین شمارهٔ اندك قناعت نموده و من با اینکه شایستگی این مقام را ندارم بسیاری از کلمات آنحضرت را جمع نموده، گر چه در مقـابل حکم و مواعظ و کلمات آنحضرت اندکـی از بسیار و یکی از هزار است و آنرا بترتیب حروف معجم مرتب ساختم و اسانید آنرا برای اختصار انداختم و آخر کلمات را هم چون ذوق و طباع مائل بسجع بودو بگوش خوشترمی آمدمسجع قراردادم وآن را «**غررالحکم ودررالکلم**» نامیدم .

این کتاب بیش از چهار هزار بیت کتابت دارد و در مصر و بمبئی چاپ شده و عبدالکریم بن محمّد یحیی قزوینی آنرا به نود و نه باب تقسیم و مطالب متفرقه راجعهٔ بیك موضوع را جمع ودرابواب مذکوره منظم کرده پس از آن بشرح وی پرداخته و آنرا «نظم الغرر ونضد الدّرر» نامیده ودراین فصل آنرا مفصلاً ذکر خواهیم وچنانکه درمقدّمه مجلّددوّم این کتاب نگاشته شده همین مؤلّف «غررالحکم» رانیز بفارسی ترجمه نموده و آنرا «اصداف الدّرر» نام نهاده و آقاجمال خونساری بر غررالحکم شرحی فارسی نگاشته که در ص (۳۴-۳۶) این فصل بتفصیل از آن نام برده شد . ونیز این کتاب را برحسب خواهش آقامیرزا احمدتبریزی متوطن شیراز میرزامحسن خوشنویس (عمادالفقرا) متخلّص بحالی که ازاهالی اردبیل و فضلاء آن سامان اند بفارسی ترجمه نموده و قسمتی از آن ترجمه ذیل قسمتی از غررالحکم در ضمن مجموعه ای که بنام «**انهار جاریه**» در شیراز میرزا احمد مذکور درمطبعهٔ خویش بسال ۱۳۴۴ طبـع نموده اند مندرج گردیده است .

آغاز: بسمله الحمد لله الّذی هدانا بتوفیقه الی جادّة طریقة الخ.

(۷۸۸)

غررالحکم ودررالکلم

این نسخه بخط نسخ خوب در مدینه طیّبه بسال ۹۹۵ نگاشته شده و در سال ۱۰۴۹ معزّالدّین مخاطب **بمعزالملك** بخطّ خود شرحی مبنی براینکه این کتاب را بهسیّد **امیر محمد زمان** بنام یادگار داده نوشته و بنا براین سیّد مذکوراز علماء آنعصر بوده و در ذیل

این شرح مهر مدوّری است که بر آن چنین نقش گردیده : بندهشاه جهان پادشاه غازی معزّ الملك .

ورق اوّل و آخر کتاب وصّالی گردیده ، کلمات افتاده از متن در حاشیه نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن سالم مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۶) . سفحهٔ (۲۱) سطر . طول (۱۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض . (۱۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۴۲) .

[۳۲۷] مائة کلمه (عربی)

جامع و انتخاب کننده این کلمات جاحظ ره است (ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لیثی بصری متوفی بسال ۲۵۵)(۱) که از معاریف دانشمندان اسلام بوده و روش اعتزال داشته و خود در اصول دین دارای آراء و عقاید خاصی میباشد ، شهرستانی در ملل و نحل بذکر برخی از آنها پرداخته و پیروان این مرد را **جاحظیه** مینامند .

جاحظ چون کتب فلاسفه را زیاد مطالعه مینمودهٔ افکار آنها دروی بی اثر نمانده و ابن‌الندیم در بارهٔ وی در فهرست خویش تحت عنوان « الفتح بن خاقان » چنین آورده : (ابوهفان گوید : ندیده و نشنیده ام کسی در دوستی بکتاب و علم بپایهٔ جاحظ و فتح بن خاقان و اسمعیل بن اسحق قاضی برسد امّا جاحظ هیچگاه کتابی بدست او نرسید مگر آنکه سرتا پا آنرا خواند و گاهی دکان کتاب فروشها را اجاره میکرد و در آنجا میماند و مطالعه مینمود الخ) .

یکی از برمکی‌ها گوید (ترجمه از ابن‌خلّکان ج ۱ ص۳۸۸) :

وارد بصره شدم شنیدم جاحظ دچار بفلج گردیده ، با خود گفتم وی‌را دیداری کنم ، بدرب خانه وی

(۱) مطالب راجعهٔ بجاحظ از این کتب اقتباس شده : ابن خلکان ص۲۸۸ و ۳۸۹ ج ۱ ، فهرست ابن الندیم ص ۵۷ و ۱۶۹) ، روضات ص ۵۰۲ و ۵۰۵ معجم المطبوعات ص ۶۶۶ - ۶۶۸ و بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ورق ۴۷۹ ب . باتفاق همه مورخین وفات جاحظ در محرم سال ۲۵۵ بوده و ابن خلکان از وی نقل نموده که فلج و دردیکه بواسطه سنگ مثانه دارم مرا بزحمت انداخته است و عوارض نود و شش سالگی بدتر از همه میباشد و اگر فرض کنیم که در همین سال وفات کرده باشد تولد وی بسال ۱۵۹ یا ۱۵۸ خواهد بود و در معجم المطبوعات تولد جاحظ سال ۱۶۰ ضبط گردیده مآخذ آنرا ندانستم و بنا بر آنچه گفته شد مسلماً پیش از سال ۱۶۰ تولد یافته است .

رفتم ، در کوفتم ، کنیزکی زرد رو بیامد ، پرسید کیستی ، گفتم مردی غریبم ، میخواهم از دیدار صاحبخانه بهره مند شوم ، کنیزك گفتهٔ مرا بجاحظ رساند ، شنیدم بدو گفت او را بگوی چه میخواهی از دیدار کسی که یکطرف بدن وی بیحس شده و آب از دهانش فرو میریزد و رنك رخسارش تیره گشته (ماتَصْنَعُ بِشِقٍّ مائِلٍ وَلُعابٍ سائِلٍ وَلَوْنٍ حائِلٍ) چون کنیزك باز گشت گفتم من آمده ام که جاحظ را به بینم و چاره ای از آن نیست ، چون این بار کنیزك حاجت را عرضه داشت جاحظ گفت این مرد از بصره گذر میکرده و بیماری مرا شنیده تصور نموده خوبست پیش از مرگ اورا دیدار کنم و بگویم که من هم درمرض موت جاحظ را دیده ام . پس از آن بار داد باطاق وی در آمدم سلام کردم با طرزی نیکو جواب داد و اصل و نسبم را پرسید خاندانم را گفتم گفت خدا رحمت کند پدران دست بازنورا که روزگار آنها بهشت بود و بواسطهٔ آنها شکسته مردمان بسیاری بسته میشد و پروردگار آنانرا از آب رحمت خویش سیراب کند و در آنسرای آنها را دستگیری کامل نماید ، من نیز ویرا دعا نمودم و گفتم خواهشمند چنانم که از شعر خویش اندکی برایم بخوانی گفت :

لَئِنْ قَدمتُ قَبْلي رِجالٌ فَطالَما مَشَيْتُ عَلى رِسْلي فَكُنْتُ الْمُقَدَّما
وَلكِنَّ هذا الدَّهرَ تأتِى صُروفُه فَتُبْرِمُ مَنْقوضاً وَ تَنْقُضُ مُبْرَما

مؤلفات ذیل منسوب بجاحظ است : : **البخلاء** ، **البیان والتبیین** ، **التاج فی اخلاق الملوك** ، **الحنین الی الاوطان** ، **کتاب الحیوان** (دمیری صاحب حیاة الحیوان از این کتاب بسیار نقل نموده) **سلوة الحریف** بمناظرة الربیع والخریف **المحاسن والاضداد** ، و رسائل ذیل : **حاسد و محسود** ، فضائل الاتراك ، **فخر السودان علی البیضان** ، التربیع و التدویر ، **تفضیل النطق علی الصمت** ، مدح التجار وذم عمل السلطان ، **العشق والنساء** ، الوکلاء ، **استنجاز الوعد** ، بیان مذاهب الشیعه **وطبقات المغنین** ، (رسائل فوق یکجا بسال ۱۳۲٤ درمصر چاپ شده ورساله دوم آن جداگانه نیز چاپ گردیده است) و کتب مذکوره پیش از این رسائل نیز چاپ شده ونیز از مؤلفات جاحظ یکی **الاصنام** است که صاحب معجم المطبوعات گوید چاپ نشده واینکه در اکتفاء القنوع نوشته شده بطبع رسیده غلط است و دیگری **نظم القرآن** میباشد که ابن ندیم بوی نسبت داده است (ص ۵۷) ودیگری کتاب **المرجان** والبرصان **والقرمان** میباشد که سیوطی بدو نسبت داده است .

واین مجموعه از کلمات قصار که عنوان این ترجمه است در مآخذ فوق بجاحظ نسبت داده نشده جز اینکه صاحب روضات گوید : درفصول الائمه ذیل شرح حال واوصاف حضرت

علی بن ابیطالب علیه‌السّلام مدکور است که آن بزرگوار راکلماتی است که جاحظ دربعضی از مؤلفات خود آنها را جمع آوری نموده ومشتمل بر مطالب حکمیست وهرکلمهٔ از آن هزار کلمه میباشد الخ ودرذیل کتاب غررالحکم (ص ۷٦)نگاشته شد که آمدی درمقدّمه‌این کتاب گفته که‌سبب‌وباعث برجمع این‌کلمات‌افتخاری‌است که جاحظ درجمع‌مأئة کلمه از کلمات‌قصار آنحضرت نموده‌وبسی شگفت‌است که علامهٔ روزگاری چون وی ازیم به نم‌و از بسیار باندك‌قناعت نموده است ونیز در مقدّمه « عیون‌الحکم والمواعظ » (ص۷٤ - ۷٦) ازاین‌انتخاب‌نام‌برده شده‌است .

نگارنده با تفحّص ندانست که این انتخاب را در کدام یك ازنوشتهای خود گنجانیده است .

این کتاب یاکلمات‌قصاردرطهران‌وبسال۱۳٤۱دردمشق‌شام‌ودریکی‌ازشهرهای هندوستان و در لندن با حروف اختراعی ملکم و در سال ۱۳۲۵ ضمیمهٔ مقالات زمخشری‌درمصرچاپ شده‌وشرحی ابن‌میثم در حدود (٥٤۷۰)بیت‌بر این کلمات نگاشته و نسخه ای از آنرا استادمحترم‌این مدرسه آقای مشکوة بیرجندی دارند ومشتمل برسه قسم است **قسم اول** : در مبادی و مقدماتیکه بیان آنها لازم‌میباشد از قبیل تعریف نفس حیوانی و تحقیق در آن وبرهان بوجود آن وغیر از اینها . **قسم دوم** : در شرح کلمات قصار (مائـة کلمه‌الجاحظ) . **قسم‌سوم** : در لواحق ومتممات ودراین قسم‌شطری ازفضائل وکمالات حضرت علی‌علیه‌السلام و آنکه آنحضرت مستجمع جمیع صفات کمالیه انسانیه بوده اند میباشد .

و در ص ٥٦٦ کشف‌الحجب والاستار نام این شرح را « منهاج‌العارفین فی شرح کلام امیرالمؤمنین ع » معرفی کرده ولی در خود کتاب این نام نیست .

آغاز این‌شرح‌این : بسمله اللهم یاذاالجلال‌والاکرام یاحی یاقدوس یاسلام‌الخ .

وانجام آن اینست : اللهم وفقنا لفهم هذه‌الکلمات‌والعمل بمقتضاها کما تحب و ترضی واجعل‌عواقب امورنا خیرا واعذنا من شرور انفسنا وسیآت اعمالنا و قبائح افعالنا بحق محمد و آله وعترته‌الطاهرین آمین یارب‌العالمین .

قطب راوندی را نیز براین‌کلمات قصار (مائة کلمة‌الجاحظ)شرحی میباشد .

این کلمات قصار مکرّر بنظم و نثر فارسی ترجمه شده و در ذیل « صد کلمه » در ص (۶۸-۷۲) همین مجلّد پاره ای از آنها را نقل نموده ایم .

آغاز: بسمله لو کشف الغطاء ما ازددتُ یقیناً .

انجام: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه . (۱) اللّهم اغفر رمزات الالحاظ وسقطات الالفاظ وشهوات الجنان وهفوات اللّسان .

(۷۸۹)

مائة کلمه این نسخه را بخطّ بسیار خوب آقا زین العابدین اصفهانی در سال ۱۲۷۶ نگاشته و پس از اتمام آن مناجات منسوب به حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام که اوّل آن این است : (لك الحمد یاذاالجود والمجد والعلی) نیز همین کاتب نگاشته ودر آخرین قسمت رقم کرده واوراق نسخه متن و حاشیه است و دارای یك سرلوح کوچك میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ متن حنائی ، حاشیه آبی فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۷) . صفحهٔ (٤)سطر . طول(۱۷½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه(۹۹۷).

[۳۲۸] مختصر تقویم اللسان (عربی)

تقویم اللّسان کتابی است چون درّة الغواص حریری که درص (۱۹-۲۱)این مجلّد بشرح و معرّفی آن پرداخته ایم و موضوع آن تصحیح اغلاطی است که نویسندگان وگویندگان از خواص و عوام استعمال میکنند و مؤلّف آن **ابوالفرج ابن جوزی** واعظ معروف بغدادی متوفی بسال ۵۹۷ (۲) میباشد و در نامه دانشوران (ج۱ ص۲۷٤) این کتاب در ذیل مؤلّفات ابن جوزی آورده شده، شیخ بهائی ره در کشکول نیز این کتاب را بدونسبت داده وازآن نقل کرده است

(۱) آخر بیشتر نسخها چنان است که نقل گردید ولی آخر نسخهٔ ذیل این جمله است : البخیل مستعجل للفقر یعیش فی الدنیا عیش الفقراء و یحاسب فی الآخرة حساب الاغنیاء اللهم اغفر رمزات الخ و آخر نسخه صد کلمه پیش از اللهم اغفر الخ مااضمر احد شیئاً الا ظهرفی وجهه وفلتات لسانه میباشد و در تقدیم و تاخیر سائر جمل با یکدیگر مختلف اند .

(۲) روضات ص ٤۲۷ و ٤۲۸ ، ابن خلکان ج ۱ ص۲۷۹ - ۲۸۰ . نامه دانشوران ج ۱ ص ۲۶۲ - ۲۷۵ وشذرات الذهب در ج ٤ ص۳۲۹ .

و صاحب روضات بنقل از کشکول مطالبی که ذیلاً ذکر خواهیم نمود از این کتاب آورده(۱) و در کشف‌الظنون (ج ۱ ص ۳۲۱) بنام تقویم‌اللّسان سه کتاب ذکر شده : **اول** تقویم‌اللّسان در نحو تألیف محمّد بن ابی‌القاسم بقالی خوارزمی حنفی متوفی بسال ۵۶۲ . **دوم** تقویم‌اللّسان در نحو تألیف زین‌الدّین قاسم بن قطلوبغا حنفی متوفی بسال ۸۷۹ . **سوم** تقویم اللّسان تألیف ابن قتیبه . در ص ۱۷۸۸ ج ۳ فهرست آصفیّه نیز کتابی بنام «تقویم اللّسان» تألیف محمّد ذکاءالله نام برده شده و گوید که بسال ۱۸۹۳ م بچاپ رسیده و موضوع آن معیّن نگردیده‌است. در ص (۴-۷) این مجلّد از فهرست مؤلّفات ابن قتیبه ذکر شد و در کتب سیر و مآخذ نسبت کتابی بدین نام به ابن قتیبه دیده نشد ، نگارنده تصوّر میکند که مؤلّف ابن جوزی بوده و کاتب نسخه‌ایکه مأخذ کشف‌الظنون چاپ اسلامبول بوده اشتباهاً ابن قتیبه نوشته و یا در چاپ غلط چیده شده و مصحّح بدان متوجه نشده به نسخه کشف‌الظنون چاپ فلوگل مراجعه شد در آنجا نیز مؤلّف ابن‌قتیبه ضبط گردیده ، در مقدّمه این کتاب که مختصر تقویم اللّسان میباشد تقویم‌اللّسان‌را تألیف ابن جوزی معرّفی کرده ونامی از این مختصر در کشف‌الظنون و مآخذ دیگر نیافتم ، مختصر کننده هم تا کنون شناخته نشده ودر مقدّمه وخاتمه نسخهٔ ذیل نیز نامی و اثری از او دیده نمیشود و چنانکه خود نیز بدان تصریح نموده و فقط کاری که کرده از آن کتاب جملی را انداخته و مقدمه ای بر آن نگاشته ولی بدان چیزی نیفزوده و ترجمهٔ مقدّمه نسخه این است :

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان : سپاس وستایس مر خداوند را سزااست ودرود پروردگار برروان پاك سرور ما **محمد** ع و کسان با کیزه‌او باد ، نگارنده چون « کتاب تقویم‌اللسان » را که از گرد آورده های پیشوای بزرگ ودانشمند فرزانه ، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن **بن جوزی** که خدایش بیامرزاد ، نگارشی سودمند یافت و دید که درآن بسیاری از آنچه مردمان ، نادرست بر زبان یا خامه‌می آورند گردآورده وبسیاری از نمونهای گفتارمردم را برای گواه خویش برآن افزوده و در این باره سودی چندان جز بد نامی آنانکه بر زبان رانند ندید برآن شد که آنرا

---

(۱) صاحب روضات‌الجنات درص ۴۲۸ نام این کتاب را باستناد بکشکول شیخ بهاءالدین عاملی ره «تقویم غلط‌اللسان» معرفی نموده درصورتیکه‌در کشکول (در حدود ۱۳۰۰ بیت بآخر مجلد سوم مانده) نام کتاب « تقویم‌اللسان » ضبط گردیده و در مقدمه همین مختصر و نامه دانشوران نیز « تقویم‌اللسان » نوشته شده است .

از این پاره تنگ سازد و از آن بیندازد و بس آنچه که سودی در دانستن آنست بگذارد، تا یادگیرنده‌اش بآسانی بر درستی و نادرستی در گفتار و نگارش آگاه شود و خداوند یاری دهنده بر توانائی نیکو است .

بنا بر آنچه از مقدّمه نسخهٔ ذیل که بترجمهٔ آن پرداختیم معلوم گردید ابن جوزی شواهد و امثله ای از کلمات و بیانات عوام را در تقویم اللّسان آورده بوده و آنچه شیخ بهائی ره در کشکول از این کتاب نقل نموده اند بدون امثله و شواهد میباشد بنا بر این احتمال دارد که ایشان هم نسخه دیگر مختصر شدهٔ از تقویم اللّسان را در دست داشته اند و از آن نقل نموده اند و اصل این کتاب مأخذ ایشان نبوده و گرنه یا در هنگام نقل بنام نقل باختصار از تقویم اللّسان جمل را ذکر میفرمود و یا اشاره ای مینمودند که من از آن کتاب این قسمت را انتخاب نمودم و ما برای تسجیل تصوّر خویش عین نقل ایشان را که در اواخر مجلد سوّم از کشکول است در اینجا میآوریم : من کتاب تقویم اللّسان لابن الجوزی :

جَوابٌ لا یُجْمَعُ وَ قَوْلُ الْعامَّةِ اَجْوِبَةُ کُتُبِی وَ جَواباتُ کُتُبِی غَلَطٌ وَ الصَّوابُ جَوابُ کُتُبِی * حاجاتٌ وَ حاجٌ جَمْعُ حاجَةٍ وَ حَوائِجُ غَلَطٌ . یُقالُ حَمَیْتُ اَلْمَرِیضَ لا اَحْمَیْتُهُ . یُقالُ لِلْقائِمِ اُقْعُدْ وَ لِلنّائِمِ اِجْلِسْ وَ الْعَکْسُ غَلَطٌ . یُقالُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کانَ کَذا لا الَّذی کانَ کَذا . اَلْعَروس یُقالُ لِلرَّجُلِ وَ اَلْمَرَةِ لا لِلْمَرْأَةِ فَقَطْ . لا یُقالُ کَثُرَتْ عَیْلَتُهُ اِنَّما یُقالُ کَثُرَتْ عِیالُهُ وَ الْعَیلَةَ اَلفقر . اَلْمَصْطَکی بِفَتْحِ الْمیمْ وَ الضَّمُ غَلَطٌ .

این بود آنچه شیخ در کشکول از این کتاب نقل نموده اند و چون باین نسخه که مختصر تقویم اللّسان میباشد مراجعه مینمائیم می بینیم که همین جمل با اندك تفاوت در وی موجود است و جمل فوق در این نسخه بدینگونه است :

وَجَواباتُ وَ اَجْوِبَةُ کُتُبِكَ خَطاءٌ فَلا یقالُ الاّ جَوابُ کُتُبِكْ لِأَنَّهُ لا تَجْمَعُ وَ جَمْعُهُ مُوَلَّدٌ قالَه سیبویه وَجَمْعُ حاجَةٍ حاجاتٌ او حاجٌ او حَوَجٌ وحوائِج

خَطَاءٍ . وَحَمِيتُ المَرِيضَ بِغَيْرِ اَلِفٍ وَتَقُولُ لِلْقَائِمِ اُقْعُدْ وَ لِلنَّائِمِ اَوالسَّاجِدِ اِجْلِسْ لِأَنَّ القُعُودَ انْتِقَالٌ مِنْ عُلُوٍّ اِلٰى سِفْلٍ وَالْجُلوسُ عَكْسُه وَ مِنْهُ قِيلَ لِنَجْدٍ جِلْسٌ لِارْتِفَاعِهَا . وَكَثُرَ عِيَالُه وَ كَثُرَتْ عَيْلَتُه وعائِلَتُه خَطَاءٍ . وَالعَرُوسُ لِلْمَرْأَةِ وَالرَّجُلِ اَيّامَ البِنَاءِ . وَالمَصْطَكِيُّ وَحَبُّ المَحْلَبِ وَ المَنَارَةُ وَالمِرْقَاةُ بِفَتْحِ المِيمِ .

بهر حال نگارنده تاکنون تقویم‌اللّسان را ندیده و بمعجم‌المطبوعات هم مراجعه شد در آنجا نامی ازاین کتاب نبود از فضلاء طهران که دارای کتابخانه و اطلاع بکتب میباشند پرسش شد آنها هم تاکنون ندیده وسراغ نداشتند و نسخهٔ ذیل که بتصریح در آن «مختصر تقویم‌اللّسان» است در حدود (٦٠٠) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله رب‌العالمین . . . .

باب‌الالف تقول اُشْتُهِرَ فُلانٌ بِكَذا بِتائَيْنِ الاُوْلٰى مِنْهُمَا مَضْمُومَةٌ وَالاُخْرٰى مَكْسُورَةٌ عَلٰى مَالَمْ يُسَمَّ فاعِلُه الخ .

انجام: وَالْيَوْمَ فَعَلْتُ مَادَامَتِ الشَّمْسُ طَالِعَةً فاذا غَرُبَتْ فَاَمْسِ الاحدث (کذا) لانَّ اليَوْمَ انقضى .

(۷۹۰)

مختصر تقویم‌اللسان

این نسخه بخطّ نسخ بسیار خوب نوشته شده ، قسمتی از آخرین صفحه بریده‌شده وبا کاغذی‌شبیه بکاغذ اصل وصّالی گردیده ، شاید بر آن قسمت نام کاتب و سال کتابت بوده ، بسیار شبیه بخط یاقوت‌مستعصمی خطّاط‌معروف‌نگارش یافته و توان گفت از میان بردن‌رقم کاتب وسال کتابت برای آن بوده که بنام یاقوت‌قلم داد گردد ، بهر حال چنین بنظر میرسد که از خطوط قرن هفتم هجری باشد ، پشت صفحهٔ اوّل این

عبارت نوشته شده : این کتاب تقویم‌اللّسان خط مولانا صیرفی (۱) مجموع اوراق سی و هشت ورق است قیمت ..... پس از لفظ قیمت کلماتی بوده محو گردیده و مهر بادامی نیز داشته که آنهم محو شده است و پشت آخرین صفحه نیز یاد داشتی بوده که قسمتی از آن محو گردیده و آنچه از آن خوانده میشود این است : تاریخ ولادت بنده درگاه شب یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام سنهٔ ۱۱۳۱ و یادداشتهای مختصر دیگر در دو جای مذکور موجود است . وچنانکه ترجمه گردید در مقدّمه تصریح شده که این نسخه مختصر تقویم‌اللّسان است ، نه خود تقویم‌اللّسان میباشد ولی کاتب پس از جمله لِأَنَّ الیَوْمَ اَنْقَضی که در مقابل انجام ذکر شد گوید : نجز کتاب تقویم‌اللّسان آخر نهارِ الخمیس الخامس من شهر شعبان المبارك من سنه . (تاریخ ندارد)

جلد تیماجی مذهب . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۳۸) . صفحه (۱۱) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۰۲) .

[۳۲۹] مقامات بدیع الزمان همدانی (عربی)

مؤلّف و منشی این مقامات بدیع الزّمان همدانی رحمه‌الله است (ابوالفضل احمد بن حسین بن یحیی بن سعید همدانی ۳۵۸ - ۳۹۸) (۲) که یکی از معاریف ادباء و شعراء و دانشمندان و در درجهٔ اوّل نویسندگان و منشیان بزبان عربی میباشد و این مقامات وی از آفتاب پیش اهل دانش شهرتش بیشتر و فائدهٔ آن در فنّ ادب کمتر از آن نیست و نخستین کس است (۳) که بدینگونه مطالبی را از زبان مرد مجهولی (ابوالفتح اسکندری) ساخته و پرداخته و بنام راوئی که وی نیز ساختگی است

(۱) صیرفی چنانکه آقای تربیت در ص ۲۳۸ و ۲۳۹ دانشمندان آذربایجان مرقوم داشته اند معروف بخواجه عبدالله و یکی از شاگردان ششگانه یاقوت مستعصمی است و از مشاهیر خطاطین میباشد و بسال ۷۴۲ وفات یافته و در مقبرهٔ چرنداب که یکی از محلات تبریز میباشد دفن گردیده است .
(۲) یتیمة‌الدهر ج ۴ ص ۱۶۷-۲۰۴ چاپ دمشق ، معجم الادبا ص ۹۴ ج ۱ ، روضات ص ۶۶ ج ۱ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۵۰ ، کشف الظنون ص ۴۹۴ ج ۲ ، ابن خلکان ج ۱ ص ۳۹ ، معجم المطبوعات ص ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ ، امل آمل ص ۳۲ ج ۲ ، منتهی المقال ص ۳۴ ، هدیه الاحباب ص ۱۰۴
(۳) گویند نخستین کس که بانشاء مقامات پرداخته ابن فارس استاد همدانی است ولی در دست نیست (تاریخ الادب العربی ص ۳۹۶) .

(عیسی بن هشام)(۱) روایت نموده و **حریری** چنانکه خود در دیباچهٔ تصریح نموده باقتداء این دانشمند مقامات را ساخته و در آنجا نیز تصریح شده که بدیع الزّمان همدانی نخستین کس میباشد که این روش را برگزیده و از من خواسته شد وی را پیروی کنم : (ذُکِرَ المَقاماتُ الّتی اِبْتَدَعها بَدیعُ الزَّمانِ وَ عَلّامَةُ هَمَدان .... اِلی اَنْ اُنْشِئَ مَقاماتٍ اَتْلو فیها تِلْوَ البَدیع الخ) .

و آخرین همدانی که تا امروز بانشاء مقامات پرداخته و مطالبی علمی و ادبی و اخلاقی و فکاهی را بزبان اهل ادب در آورده و تصنّع را در آن وارد نموده مرحوم میرزا جعفر **همدانی** متخلّص **بریاض** میباشد (بنا بضبط آقای تربیت بسال ۱۲۶۸ وفات نموده و نیز از مقدمه ایکه آقای تقوی مد ظله بر غزلیات ریاض مرقوم داشته اند معلوم میشود که تا اندکی پس از عزل امیر کبیر (۱۲۶۸) حیات داشته است.) که چون بدیع الزّمان مقاماتی ساخته و او نیز از عهده بر آمده و مقامات وی بیست و یك مقامه است و آغاز آن این : (بسمله الحمدلله مبدع الانسان و مودع اللّسان انشاء الکلام و علّم بالقلم الخ .) و انجام آن این است : (او غارفی الماء او اُلقیَ فی جنح الظلماء او ابتغی نفقا فی الارض او سُلّما فی السّماء تمّت المقامَة بالخیر و العافیه)(۲) و در کشف الظنون (ج ۲ ص ٤۹٤ - ٤۹۹) آنانکه بدین سبك و بنام مقامه یا مقامات نگارشی دارند نام برده شده و آخرین مقامات نگارش یافته «لمعه مظفریه» است(۳).

ثعالبی که از دانشمندان و مؤلّفین معاصر با بدیع الزّمان بوده در کتاب یتیمة الدّهر (ص ۱۶۷-۲۰٤ ج ٤) وی را بنهایت ستوده و در اینجا بترجمه مختصری از آن میپردازیم :

« احمد بن الحسین ، بدیع زمان و یگانه روزگار و معجزه همدان و نادره فلك و روشنائی زمانه ، کسی بود که در هوش و قریحه نظیر نداشت ، طبعی شریف و ذهنی با صفا و نفسی قوی داشت ؛ در نثر و نظم مانند وی را کس ندیده و نخوانده دید ، گویا سحر مینمود و یا معجزه داشته ، حالانی

---

(۱) مقامات بدیع الزمان چنین شروع شده : حد ثنا عیسی بن هشام قال . . . . و در بیشتر از مقامات بدین گونه : فاذا هو و الله شیخنا ابو الفتح الاسکندری و یا بعبارتی نظیر این عبارت تصریح گردیده که مطالب از زبان ابو الفتح است .

(۲) نسخه ای از این مقامات که بخط منشی آن مرحوم میرزا جعفر ریاض و شامل ۲۰ مقامه میباشد و در سال ۱۲۶۹ نوشته شده است اینك نزد جناب آقای تقوی رئیس این دانشکده موجود و نسخه ای آقای تربیت (محمدعلی) دارند که بسال ۱۲۹۰ نگارش یافته و نسخه ای دیگر نیز آقای تقوی دارند که بسال ۱۲۹۷ نوشته شده است . (۳) نسخه این کتاب در کتابخانه منیر السلطنه میباشد .

بس شگفت انگیز داشت ، از آنها این است : چون قصیده ای که بیش از پنجاه بیت داشت یکبار می شنید همه در حافظه اش جای گزین میشد و از آغاز تا انجام آنرا بدون اینکه یك حرف از آن پس یا پیش شود میخواند ، هرگاه چندین ورق از کتابی که هرگز ندیده بود یکبار بر آن گذر میکرد مقصود آنرا ادراك وعبارات آنرا نیز حفظ میشد و درآن بحث و تحقیق مینمود ، درهر موضوع بنثر یا نظم از وی پرسش یا درخواستی میکردید بی درنگ بپاسخ و انجام آن مبادرت مینمود ، بسیار از او دیده شد که کاغذی را از آخر شروع میکرد وبآغاز انجام میرسانید(۱) مشکلات نظم و نثر راوی حل میکرد ومرجع دانشمندان زمان و دورهٔ خویش بود

در سال ۳۸۰ همدان را ترك گفت واز ابوالحسین بن فارس (از ایشان درفصل بعد ذیل کتاب مجمل اللغه که ازمؤلفات نفیس ابن فارس است نام خواهیم برد) آنچه دانائی داشت فرا گرفت و بسدهٔ سنیه صاحب بن عباد در آمد و ازآن بوستان پربر میوه ها چید ، پس ازآن بجرجان آمد وبابی سعید **محمد بن منصور** اختصاص یافت و سرمایه خویش را عرضه داشت و وی بنا بعادت دیرین که اهل فضل و دانش را مینواخت وی را بهره‌ای زیاد بخشید و چون خواست که از آنجا رخت بندد و بشهر دیگر رود وسائل سفروی را آماده ساخت و بسال ۳۸۲ بشهر نشابور رسید، دراین شهر سرمایه خویش را کاملاً آشکار و قماش خودرا پراکنده کرد وچهار صد مقامه(۲) که درآن آنچه دل میخواهد و چشم ازآن لذت میبرد گداره شده ، ارزبان ابوالفتح اسکندری بساخت ومیان وی **وابو بکر خوارزمی** مکاتبات و مناظرات ومفاضلات زیاد رد وبدل گردید و دانشمندان معاصر آنها جمعی با خوارزمی و گروهی طرفدار بدیع الزمان شدند وهردسته یکی را ترجیح میدادند و همین معارضات موجب شهرت کامل همدانی گردید و سلاطین و امراء معاصر نام و آوازهٔ ویرا شنیدند و طالب

(۱) صاحب روضات در ج ۱ ص ۶٦ گوید که در بحار الانوار از خط شهید اول ره نقل شده که از اصحاب ما امامیه ابو عبدالله حسین بن ابراهیم در اینکه از آخر کاغذی شروع و باول آن ختم میکرد نظیر بدیع همدانی است و نیز چون وی مقاماتی پرداخته است . انتهی (نام این مقامات و منشی آن در کشف الظنون نیست).

(۲) در یتیمة الدهر اربعمائه ثبت شده ولی چنانکه ذکر میشود نسخه ذیل و نسخه چاپ طهران مشتمل بر چهل مقامه است ، دانشمند فقید سعید مرحوم شیخ محمد عبده رضی الله عنه که از افاضل عصر اخیر کشور مصر بوده در مقدمه ای که بر این مقامات نوشته گویند : مشهور است که شمارهٔ مقامات بدیع الزمان بچهار صد میرسد ولی امروز جز پنجاه و چند مقامه آن که در اسلامبول چاپ شده دردست نیست (لکن لم یظفر الناس منها الیوم بغیر عدد قلیل ینیف علی الخمسین طبع مجموعه فی الاستانه) ودراقرب الموارد ج ۲ ص ۱۳٦۰ در ذیل لغت « نیف » از ابوالعباس نقل شده که آنچه ما ازدانشمندان مسلم بصره وکوفه بدست آوردیم ینف ازیك تا سه وبضع ازچهار تا نه را گویند ونیف استعمال نشود ومگر پس ازعقدی چون « عشرة و نیف و مائة و نیف والف ونیف » وپیش ازاین نقل صاحب اقرب الموارد گوید : نیف چون سیّد وگاهی بتخفیف خوانده میشود زیادتی را گویند چون « عشرة و نیف » و آنچه از عقد تجاوز کند تا بعقد دیگر رسد نیف گویند .) و شمارهٔ مقامات چاپ عبده (۵۱) میباشد واز مقدمه ایشان معلوم میشود که شمارهٔ چاپ اسلامبول (۵۲) بوده چرا که در آنجا است که بجهتی مقامه شامیّه را که درآن نسخه بودمن نقل نکردم .

دیدارش شدند ، در این میان خوارزمی از میان برخاست و عرصهٔ میدان و جولان در آن مخصوص بدیع الزمان شد و از آن پس سفر های بسیار نمود و از شهر های خراسان و سجستان و غزنین جائی نماند که بدآنجا نرود و بهرهای بسیار نبرد ، پادشاه و امیر و وزیری نبود که از آسمان بخشش او بروی باران نعمتی نبارد ، چون از این کارتا اندازه ای بهره کامل گرفت ، بار اقامت را در شهر هرات انداخت و در آنجا اقامت گزید ، خانواده ای جستجو نمود که دانش را با نجابت و شرافت جمع کرده باشند، توفیق باوی رفیق گردید و خداوند دامادی **ابوعلی حسین بن محمد خشنامی** را که فاضلی کریم و شریف بود نصیب وی نمود ، از این پس حال وی بهتر از پیش شد و دیده و دل وی خنك و قوی و توانائی او افزوده گردید و بکمك و مشورت وی املاك بسیار مجلل و خوب تهیه نمود و با کمال خوشی زندگانی کرد و بسال ۳۹۸ در چهل سالگی دعوت حق را اجابت گفت و بجوار خدای شتافت و عالم علم و ادب را داغدار کرد و دانشمندان وی را مرثیه ها گفتند و در مفارقتش ناله ها نمودند ولی چون وی کسی، که دارای چنین فضایل و کمالاتی بوده نمرده و هرگز نخواهد مرد .

پس از بیاناتیکه ترجمه فوق مختری از آنها بود ثعالبی قسمتی از منشآت و رسائل و اشعار وی را نقل نموده واز آنها چندین مکاتبه شیرین ومتین میباشد که میان بدیع و **خوارزمی** ردّ و بدل شده و کاغذی است که باستاد خویش **ابن فارس** نوشته و خود واهل خراسان را نثراً هجا کرده و یاقوت درمعجم الادباء ج ۱ ص ۹٤ مطالبی **را** کـه ثعالبی در باره بدیع الزّمان نگاشته مختصر کرده و آورده و قسمتی از آثاری که در آن کتاب است نیز در این کتاب میباشد و بر مطالب آن چندان چیزی نیفزوده جز اینکه گوید : در نقل حدیث ثقه بوده ، و باشعری بودن متّهم گردیده و اهل حدیث و سنّت را متعصّب بوده و همدان پس از وی چون او را بوجود نیاورده ودر ۱۳ جمادی الاخر سال ۳۵۸ تولّد یافته است .

و در ابن خلّکان است که گویند بمرض سکته دفن گردید و درقبر بهوش آمد ناله و افغان آغاز نمود چون قبر را شکافتند دیدند که دست بر ریش خویش گرفته و جان داده است .

و بعضی نوشته اند که آخر عمر دیوانه شد و در همان حالت بمرد .

مؤلّفاتی که از ایشان مشهور است یکی **دیوان اشعار** و دیگری رسائلی که بنام رسائل بدیع الزّمان معروف میباشد (در ج ۱ کشف الظنون ص ۱٤۸ کتابی بنام «امالی بدیع الهمدانی» میباشد ظاهراً همین رسائل باشد واسمی از رسائل وی چون دیوان او در این کتاب نیست) و این مقامات است که همه را درمصر چاپ کرده اند .

مقامات بدیع الزّمان چنانکه ذکر گردید قدیمترین مقاماتی است که انشاء شده(۱) و همه دانشمندان برتری آنرا ایمان دارند و مشتمل بر مقاماتی شیرین و روان و متضمّن مطالب عالیه و مضامین بسیار لطیف میباشد و در آنهااشعاری صاحب مقامات از خود آورده و نیز باشعار دیگران استشهاداتی نموده‌است ومکرّر در ایران ومصروهندوستان وقسمتی از آن دراروپا چاپ شده‌ومرحوم‌شیخ محمّد عبده که از افاضل قرن اخیر کشور مصر بوده بشرح کلمات و عبارات مشکله آن پرداخته و در ذیل اصل آن مکرّر چاپ شده و نیز با ترجمهٔ انگلیسی آن بسال ۱۹۱۳ م . در مدرس که یکی از شهرهای هندوستان میباشد چاپ گردیده‌است .

آغاز : بسمله المقامة الاولی حدّثنا عیسی بن هشام قال دخلت البصرة وانامن سِنّی فی فناء و منالزّیّ فی حبرٍ ووشاء الخ (۲) .

انجام : ان یقم یحك لنا خُرطوم فیلٍ فی انتصابه (۳) .

(۷۹۱)

مقامات بدیع الزمان همدانی

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب‌علی محمّدبن ابوالقاسم در سال ۱۲۷۷ برحسب‌امر سیف‌الملك عباسقلیخان نوری‌نوشته ترجمه پارسی پاره‌ای از کلمات در ذیل آنها نیز بخطّ نسخ نگاشته‌شده، دارای‌سرلوح‌بسیارزیبائی‌میباشدو صفحات‌مجدول‌بطلاوشنجرف‌وزنگار گردیده وزیرسطوربرای‌ترجمه‌با طلاسطربندی‌شده‌و پیش ازحدّثنای‌مذکوردرفوق

(۱) صاحب روضات‌الجنات در باره بدیع‌الزمان همدانی گوید : از اجله شعرا و نویسندگان امامیه بوده ، درصورتیکه جز صاحب امل الامل‌ومنتهی المقال وبس‌ازایشان صاحب هدیة الاحباب اورا ازاین دسته وطائفه ندانسته و خود صاحب روضات هم چون وبرادر فصل علماء مخالفین ذکر کرده معلوم‌میشودباین‌مطلب ایمان نداشته ودر کتابی دیگرهم‌این‌نسبت‌را ندیده‌ام حتی‌صاحب‌مجالس المؤمنین هم که‌بادقت‌وموشکافی ازآثار اشخاص‌تشیّع وامامی‌بودن‌آنهارا بدست‌آورده‌و برهمهٔ آقایان مقدم‌است اثری از تشیّع‌بدیع‌الزمان نیافته و ازاین‌رووبرا درعدادعلماءشیعه ذکرنکرده‌است .

(۲) این آغاز را از روی نسخه خطی ذیل و نسخه چاپ طهران نقل نمودیم ولی آغاز نسخه در چاپ شیخ محمد عبده اینست : القامةالقریضیّه حدثنا عیسی بن هشام قال : طرحتنی النوی مطارحها حتی اذا وطئت جرجان الاقصی الخ .

(۳) انجام نسخه‌مدرسه‌اینست : مقامةاخری قال‌رای‌الحجاج اعرابیاً واقفاً علی‌مزرعة فقال‌تعیب وهذا الوجه فضحك وولاه‌ضیاعه بالطائف تم . وانجام نسخه چاپ شیخ محمد عبده این‌عبارتست : (وحلف لاارکب حِصاناً ولا تزوج حَصانا . تم زوج ابنة عمه لابنه) و این آخرین جمله از مقامه **بشریه** است و عبارتی که در مقابل انجام بالا نوشته شده از نسخه چاپ طهران نقل گردیده است .

این جمل نوشته شده : بسمله الحمدلله علی جزیل نعمائه ، ممّا املاها الاستاد ابو الفضل احمد بن الحسین الهمدانی ورواها عن عیسی بن هشام عن ابو الفتح الاسکندری مقامة حدثنا الخ.
جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۲۰). صفحهٔ (۹) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). ضمیمهٔ شمارهٔ (۳۳۵۰) کتابخانه است .

[۳۳۰] مقامات حریری (عربی)

منشی این مقالات حریری ره است که در ص ۱۹-۲۱ بشرح حال ایشان پرداخته ایم و این کتاب یکی از کتب معروفه و بااینکه چندان بزرگ نیست مشتمل بر بسیاری از لغات و امثال ورموز و اسرار کلام عرب میباشد و جارالله زمخشری مفسّر و ادیب معروف در وصف این کتاب گوید :

أُقْسِمُ بِاللهِ وَ آیاتِهِ وَمَشْعَرِ الْحَجِّ وَمِیقاتِهِ
اِنَّ الْحَرِیرِيَّ حَرِیٌّ بِاَنْ تُکْتَبَ بِالتِّبْرِ مَقاماتُهِ

ابن خلّکان در سبب تألیف کتاب گوید :

(ص ۴۱۹ ج ۱) فرزند حریری ابو القاسم عبدالله گفته روزی پدرم درمسجد بنی حرام نشسته بود ناگاه پیرمردیکه خود را با دو پلاس کهنه پوشیده بود داخل گردید ، بر او آثار سفر پیدا بود و آشفتگی احوال داشت ولی کلامش فصیح و نیکو بیانی داشت ازاو پرسیدند ازکجائی گفت از سروج ، گفتند کنیهٔ تو چیست ، گفت ابو زید ، پس از این پیش آمد ، پدرم مقامه معروفه بحرامیه را که مقامهٔ چهل و دوم از این مقامات میباشد بنام ابو زید ساخت ، در میان دانشمندان خبر آن منتشر گشت تا بگوش شرف الدین ابونصر **انوشیروان** بن محمد بن خالد بن محمد کاشانی وزیر المسترشدبالله رسید ، چون آن مقامه را ازنظر گذرانید در نظرش جلوه ای بسزا نمود و پدرم را وادار کرد که مقامات دیگری برآن بیفزاید او امتثال نمود ودر پنجاه مقامه باتمام رسانید (اشاره بهمین وزیر است که حریری خود درخطبه مقامات گوید: فَاَشارَ مَنْ اِشارَتُهُ حُکْمٌ وَطاعَتُهُ غُنْمٌ اِلَیَّ اَنْ اُنْشِیٴَ مَقاماتٍ اَتْلُو فِیها تِلْوَ الْبَدِیعِ وَاِنْ لَمْ یُدْرِكِ الظّالِعُ شَأْوَ الضَّلِیعِ .) ابن خلکان گوید آنچه نقل کردید در چندین تاریخ دیده ام ولی در سال ششصد و پنجاه و شش درشهر قاهره (مصر) نسخه ای از این کتاب مقامات را مشاهده نمودم که تمام آن بخط حریری بود و در پشت آن بخط خود نگاشته بود که این کتاب را برای جمال الدین عمیدالدوله ابوعلی حسن بن ابو العزعلی بن صدقه وزیر المسترشد تصنیف نموده ام . و شکی در آن نیست که این مطلب راست تر از این است که برای انوشیروان وزیر تصنیف شده باشد چراکه این را مؤلف بخط خویش نگاشته است و جمال الدین وزیر مذکور در سال ۵۲۲ وفات کرده است .

و در بعضی از مجموعات دیده ام که مؤلف بدوا این کتاب را درچهل مقامه مرتب نمود و آنرا با خود ببغداد آورد و بردانشمندان عرضه داشت، جمعی از اهل دانش ورا منکر شدند که از تو نیست و تألیف یکی از فضلاء مغرب بوده وبدست تو افتاده وی گفت نه چنین است و خود بتألیف

آن پرداخته ام، وزیر اورا خواست و از وی پرسید چه کاره ای گفت منشی ام، وی برای آزمایش قضیه ای را بدو گفت و خواست که آنرا انشائی کند، دوات وقلم را برداشت وبگوشه‌ای ازعمارت رفت و آنچه قلم را گردانید، اهمیت مجلس اورا گرفت و نتوانست چیزی بنگارد.

آری چه نیکو گفته است سعدی:

اگر هر هفت سبع ازبر بخوانی — چو آشفتی الف از با ندانی).

چون ببصره برگشت ده مقامه دیگر بر آن چهل مقامه اضافه نمود وببغداد فرستاد و از آن حادثه که در اثر مهابت مجلس برایش پیش‌آمد کرده بود معذرت خواست و انوشیروان وزیر مذکور مردی دانشمند وبزرگ بود ویرا کتابی درتاریخ بنام «صدور زمان‌الفتور و فتور زمان‌الصدور» میباشد و عماد اصفهانی درکتاب «نصرة الفترة وعصرة‌القطره» که در تاریخ دولت‌سلجوقی میباشد از آن نقلهای بسیار نموده‌و این وزیر درسال ۵۳۲ وفات یافته است

و بر این مقامات شروح بسیار نوشته شده که بعضی از آنها مختصر و پاره‌ای مفصّل اند. انتهی کلام ابن خلکان.

صاحب کشف‌الظّنون (درص۴۹۶ تا۴۹۸ ج۲) بذکر شروح این کتاب پرداخته وحضرت استادی آقای میرزا محمّد طاهر تنکابنی‌دام ظلّه فرماید که در پاره ای از کتب نقلهائی ازشرح مقامات حریری تألیف مظهرالدّین‌شیرازی‌معاصر قاضی‌عضدایجی (متوفی بسال ۷۵٦) دیده اند. صاحب کشف‌الظّنون‌نامی‌ازاین‌شرح نبرده است.

صاحب بغیة الوعاة گوید که یکی از شاگردان در موقعیکه خدمت حریری مقامات را میخواند کلمه شعثامغبّراً را در این شعر:

یا اَهْلَ ذَاالْمَغْنی وُقیتُمْ شَرّاً — وَلا لَقَیتُمْ ما بَقِیتُمْ ضُرّاً

قَدْ رَفَعَ اللَّیْلُ الَّذی اکْفَهَرّا — الی ذَراکُمْ شَعِثاً مُغْبَرّا

بدین نحو «سغباً معترا» خواند که معنی مصراع اخیر بطرز اصلی این است: بآستان مرتفع وبلند شما ژولیده حال گرد آلودی‌را آورد. وبطور تصحیف شده چنین است: گرسنه‌ای را که سئوال نمیکند بآستان بلند شما کشاند.

حریری مقداری اندیشه نمود پس از آن گفت حق باتو است و بدینگونه که تو تصحیف کرده ای بهتر از اصل است ولی چون تاکنون هفتصد نسخه از این کتاب‌را بر من خوانده اند وبر تمام آنها تصدیق نوشته ام آن راتغییرنمیدهم

نخستین کس که بشرح مقامات حریری‌پرداخته‌ابوالحسن بیهقی میباشد و در فهرست‌مؤلفات‌او تذکّر داده‌شده است.

و در ص۲۳۹ تاریخ‌الآداب العربی نوشته شده که‌بیش ازبیست نفر ازمستشرقین فرانسوی وآلمانی و انگلیسی مقامات حریری‌را ترجمه کرده‌اند وترجمه انگلیسی آن بسال ۱۸۵۰ و ترجمه‌لاتینی

بسال ۱۸۳۲ م چاپ شده وبسال۱۲۶۳ بفارسی (وپیش از اینسال ترجمه شده)ونیز بترکی ترجمه ودر اسلامبول چاپ شده است واینك باشرحیکه رئیس مستشرقین سلف سلفستر(سیلوستر)دساسی بسال ۱۸۲۲ برآن نوشته در مدارس عالیه اروپا تدریس میگردد .

مقامات حریری در مصر و ایران و اروپا و هندوستان باترجمه فارسی آن مکرّر چاپ شده

آغاز : بسمله اللهم انا نحمدك علی ما علّمتنا من البیان والهمت من التبیان الخ.

(۷۹۲)

مقامات حریری این نسخه که نیز مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خیلی خوب در سال ۱۲۳۶ نگاشته شده و ترجمهٔ فارسی عبارات درذیل آنها بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب باشنجرف نیز درهمان سال تحریر گردیده ، کاتب از خود نام نبرده و نام کسیکه این نسخه بامر او نوشته شده در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند و در حاشیه پاره‌ای از صفحات مطالبی که شارح مشکلات کتابست بدون امضاء میباشد .

جلد روغنی زر افشان . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۶۲) . صفحه(۱۴سطر) . طول(۲۸سانتیمتر) . عرض(۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳۲۵۸) .

(۷۹۳)

مقامات حریری این نسخه را که مشتمل بر تمام کتاب است در سال ۱۲۵۵ بخط نسخ خوبی عبدالله المحمّدیه نگاشته ، پس از آن درسال ۱۲۵۷ سیدابوالقاسم نائینی ترجمهٔ فارسی آنرا درزیر هر سطر بخط نستعلیق تحریر نموده ، پشت صفحهٔ آخر و ورق بعد از آن آیاتی از قرآن کریم نقل گردیده و شرح قصیدهٔ برده که در فصل دواوین ازآن یاد خواهیم نمود ضمیمه این نسخه میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۶۳) . اوراق مقامات (۱۴۹) . صفحه (۱۲) سطر . طول ($\frac{1}{2}$۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۵۷) .

(۷۹۴)

مقامات حریری این نسخه که مشتمل بر چهل مقامه میباشد بخط نسخ بدی در سال ۱۲۶۷ نگاشته شده وکاتب نامی ازخود نبرده ، ترجمهٔ پاره‌ای از لغات وکلمات بخط نستعلیق در زیر آنها تحریر گردیده و پشت صفحهٔ

اوّل کتاب شرحی بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۴۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۵۶) .

(۷۹۵)

مقامات حریری این نسخه بخط نسخ و نستعلیق نوشته شده ، در حدود ده بیت از اخر آنرا کاتب ننوشته و پشت آخرین صفحه عباراتی نگاشته شده و چنین تصوّر میرود که جزء مقامات است ولی از آن نیست ، کاتب نام خود و سال کتابت را تذکر نداده ولی ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده و بسال ۱۲۳۲ بر مدرسه صدر وقف گردیده و جزء (۳۲۱) شماره کتابهائی استکه از آن مدرسه باین کتابخانه آورده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۳۸) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ (۳۰۹) کتب مدرسهٔ صدر .

[۳۳۱] مقامات حمیدی (فارسی)

مؤلف این کتاب قاضی حمیدالدّین محمودی مشهور بحمیدی بلخی ره است (ابوبکر حمیدالدّین عمربن محمودالمحمودی متوفی بسال ۵۵۹) (۱) که از قضات عالیجناب و نویسندگان شهیر نیمهٔ اوّل قرن ششم بوده و عوفی در ابتداء فصل دوّم از لباب الالباب ویرا بینهایت ستوده و در آنجا است :

« اشارات او مقبول و عبارات او منقول در فقه و اصول و نظر بی نظیر و در دقائق رموز فضلیات ناقد بصیر و چند رسائل را وسائل حصول مقاصد ساخته است و هریك درمتانت بمنابتی است که آب طراوت سحر برده است و بازار حلاوت عسل بدست کساد سپرده یکی از آن جمله مقامات است (همین کتاب) و دیگر « وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة » و دیگر « حنین المستجیر الی حضرة المجیر » و دیگر « روضة الرضا فی مدح ابی الرضا » ودیگر « قدح المغنی فی مدح المعنی » ورساله « الاستغاثه الی الاخوان الثلاثه » و « منیة الراجی فی الجوهر التاجی » ودرهریك داد فضل بداده است و برهان هنر فـرا نموده و اگرچه درسخن مراعات سجع کرده چنانکه **اهوازی** در نثر تازی وامام **رشیدالدین** وطواط درترسل فاما جائی که سخن ازحد تکلف میگذرد ولطافتی دارد بغایت واشعار او بغایت لطیف است » .

عوفی پس از بیانات فوق و مختصر دیگری که درمقدّم ومؤخر آنست چند

(۱) تاریخ وفات مؤلف درتاریخ ابن اثیر ج ۱۱ ص ۱۲۷ ثبت شده واسم و لقب وکنیه مؤلف چنانکه نوشته شده در ص ۱۹۸ ج ۱ لباب الالباب چاپ اوقاف گیب مسطور است .

بیت از قصیده‌ایکه درمدح **شرف‌الملك** رضی‌الدّین‌ابوالرّضا فضل‌الله گفته وچند بیت که درواقعهٔ‌انهزام حشم سلطان‌سنجر ازخطائیان درسمرقندسروده آورده‌است وصاحب مجمع‌الفصحاء در ص ۱۹۷ ج ۱ قسمتی‌از اشعار سفرنامه مرورا که گفتهٔ حمیدی است با ابیاتیکه درواقعه لشکر سنجر عوفی آورده بود نقل نموده‌و در مقامات اشعار عربی وفارسی ازمؤلف دیده میشود.

مقامات حمیدی بیست وچهار مقامه (۱) ویکی از کتب نثر فارسی است که‌از بدو انشاء شهرتی بسزا یافته ونخستین کس که از آن معرّفی نموده **نظامی‌عروضی** در چهار مقاله است که در مقالهٔ اوّل خویش خواندن این کتاب را چون مقامات بدیع‌الزّمان وحریری برای دبیر و نویسنده لازم شمرده (ص ۱۳ طبع برون) و چنانکه از تحقیقات استاد **علامه قزوینی** دام ظله برمی‌آید تألیف چهار مقاله در سالهای ۵۵۱ و ۵۵۲ بوده و چنانکه پس ازاین خواهیم گفت در آن سالها هنوز این مقامات بآخر نرسیده‌بوده‌ودیگری **سعدوراوینی** درمقدّمه مرزبان‌نامه (ص ۲ چاپ طهران) است که آنرا کاملاً ستوده و بنا بتحقیق **علامه قزوینی**

---

(۱) صاحب کشف‌الظنون در ص ج ۲ شماره مقامه های مقامات حمیدی را ۲۳ تعیین نموده در صورتیکه این کتاب مشتمل بر مقدمه و بیست و چهار مقامه و خاتمه‌ایست، در جمل و کلمات این مقامات رعایت سجع گردیده و درآخرین مقامه که اختصاص بذکر خلفا و جانشینان حضرت‌پیغمبر خاتم صلی‌الله علیه و آله وسلم دارد وقسمت اخیر آن نظم عربی و فارسی است خلیفه عصرخودرا المستنجد بالله عباسی (از سال ۵۵۵ تا ۵٦٦ خلافت نموده) معرفی کرده وآن ابیات این است:

إِمَامُ الأَنَامِ اَلْيَوْمَ اَظْهر مفتخر و مستنجدٌ حُرٌّ كَرِيمٌ جَنابُهُ

ونیز بپارسی گوید :

وز بعد آن رسید بمستنجدآن سریر وامروز هست عالم ازو پرجمال‌وفر

وچون دانستیم که ابن‌الاثیر وفات حمیدی را بسال ۵۵۹ ثبت نموده و در مقدمه مقامات شروع بتألیف را مؤلف خود جمادی‌الاخری ۵۵۱ معین کرده بنابراین ازنقل فوق بدست می‌آید که فراغت ازانشاء این مقامات میان سال ۵۵۵ و۵۵۹ بوده است واینکه نظامی عروضی درچهار مقاله که بنا بر تحقیق آقای قزوینی بسال ۵۵۲ تألیف شده نامی از این مقامات برده تولید اشکالی نخواهد نمود چرا که ممکن است عروضی قسمتی از مقامات را که تا آنوقت از قلم نویسنده بیرون شده بوده مشاهده نموده وچون آنرا چنانکه هست متین و شایسته تقلید دیده بآنانکه طالب دبیری اند مراجعه بدانرا توصیه کرده ومؤلف پس‌ازآن بچندسال مقامات را خاتمه داده است .

تاریخ این مقدّمه و اصلاح مرزبان‌نامه درمیان سال ۶۰۷و۶۲۲ بوده است (ص یز مقدّمه قزوینی چاپ طهران) و دیگری شاعر مشهور انوری متوفی بسال (۵۷۵) است که این کتاب را چنین ستوده :

هر سخن کو نیست قرآن یا حدیث مصطفی
از مقامات حمیدی گشت اکنون ترّهات

و نیز حمیدی را مدائح بسیار گفته چرا که وی انوری را پس از آن حکم نجومی معروف وعدم وقوع آن که مورد حملهٔ عمومی گردیده نگاهداری کرده واز آزار مردمان نجات داده است .

مقامات حمیدی درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و چند بار در ایران وهندوستان چاپ شده و چون سائر مقامات حکایات آن جعلی و اگرچه بظاهر از دیگری نقل گردیده ولی همه از منشآت خود قاضی حمید الدّین بلخی است .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرفنا بالعلم الراسخ . . . و سلّم تسلیماً کثیراً کثیرا سپاس وستایش حضرت خداوندی راکه بیاراست ارواح مارا بوجود اصل وبپیراست اشباح مارا الخ .

انجام : ایزد تعالی مارا و دوستان مارا از عیب جستن یاران و طعن و قدح همکاران نگاهدارد و هذیانات این افسانه های نابوده و سرگذشت های ناشنوده از ما درگذراناد بحق المصطفی محمّد و آله الطّاهرین وسلّم تسلیماً کثیراً .

(۷۹۶)

مقامات حمیدی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و از ابتداء کتاب تا یکصفحه از مقامهٔ نوزدهم گذشته میباشد و آخرین سطر موجود نسخه این است : (وهر که علّمناه من لدّنا علماً دانست داند که اساس علم از مدار عرش رفیعتر واز جدار فرش منیع تر .) صفحات بجدول بطلا و لاجورد ودر ابتداء هر مقامه سرسورهٔ ظریفی میباشد و ورق اوّل و آخر نسخه وصالی شده و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد و بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحهٔ (۱٦) سطر . طول (۱۸½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲٦۰).

[۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسندهٔ این کاغذ را در ص (۲٤-۲۸) این مجلّد نگاشته‌ایم، این مراسله چنانکه درابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامهٔ ملّت (۱)نوشته ، از مطالعه‌آن معلوم‌میشود که‌موجب‌نگارش آخوندزاده اعتراضی‌بوده که فیشر معلّم اوّل السنهٔ شرقیّه‌درغرمآنیا (ظاهراً معرّب جرمانیااست که مملکت‌جرمن یاآلمان باشد) بر یکی ازابیات‌قصیدهٔ سروش شمس‌الشّعراداشته که درشمارهٔ اوّل این روزنامه درج شده وآن اینست :

(مطاوعان وی‌و پیروان‌عترت وی بمعنی آدمیاند ودیگران‌حشرات)

وگفته‌است چرا سروش مارا حشرات دانسته واین‌اعتراض درآخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه‌آمده روزنامه‌را مطالعه کرده‌واعتراضات ذیل را بروزنامه ونویسندهٔ آن‌نموده‌است : **اولاً** چرادرابتداء این‌روزنامه که‌ملّی‌است عکس‌مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است وبایستی شعار ملّیت ایرانی یانقوش تخت‌جمشید ویا تاج دوازده ترک که از یادگارهای سلاطین‌صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامهٔ ملّی شرح حال شعرارا می نویسی ومطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه‌ایست که بامر ناصرالدّین شاه قاجار در طهران منتشر شده وتاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی‌الاخری‌سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره‌آن انتشار یافته و در هرشماره شرح حال و ذکر بعضی ازآثارشعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده ومقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام‌روزنامه علمی ودیگری بنام روزنامهٔ دولتی وبگفتهٔ دانشمند معاصرآقای تربیت درص۷دانشمندان‌آذربایجان تحت نظرمرحوم اعتضادالسلطنه بوده‌است ومرحوم‌اعتضادالسلطنه پشت نسخهٔ این‌مکتوب‌بسال ۱۲۸۵ نوشته‌اند : رساله‌ایست که ملافتحعلی آخوند زاده بمرحوم‌حکیم سامانی‌نوشته‌داخل کتابخانه .... گردید. ودرص۲۰۳ ج۲ مجمع الفصحاء وص٤۲۰۴ المآثر والآثارسامانی را محمد حسن بن قاآنی شیرازی معرفی کرده‌اند‌وگوینده جوانی خوش قریحه‌وباذوق بود ودرجوانی بسال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت. وازمکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود کهمرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. نسخه‌ای از شماره‌های روزنامه ملت بشمارهٔ (۱٤۸۱) وشماره‌های روزنامه دولتی‌بشماره (۱٤۷۹) وشماره‌های روزنامه علمی شماره(۱٤۸۰) در این کتابخانه موجود است .

عام‌المنفعه که موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید .
ثالثاً چرا سروش شمس‌الشعراء نسب خود را با میر نجم ثانی منتسب میداند ، و شرحی مبتنی بر عدم لیاقت امیر نجم باستشهاد از تاریخ حبیب‌السّیر و متمّم روضة‌الصّفا نگاشته .
رابعاً در بیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی از جنبهٔ اعتدال و صحّت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عزّ وجل ، علیهم‌الصّلوات ، عزّی ولات ، مرآت ، مابقی ، ترّهات ، عقارب و حیّات ، خیرات ، تحرّك ، حشرات ، ده‌ودو ، معترف ، هدیه و **بضاعت مزجات** و بعضی از ابیات قصیده سروش را که بنظر او خلل وزنی داشته درذیل این بیانات نقل نموده و در پایان این قسمت اعتراض کرده که چرا چنین شخصی را شمس‌الشّعراء لقب دهند تا عصر و دوره را ننگین کنند و آنانکه این آثار را مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانهٔ سنگی چاپ شده و بایستی با حروف باشد و این مکتوب درحدود (۵۷۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : قریتکا بمنشی روزنامه ملّت سنیّهٔ ایران مکتوب است برادرمکرّم من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع‌الاوّل سنهٔ ۱۲۸۳ در شهر تفلیس روزنامهٔ ملّت ایران واصل شده بتقریبی که درذیل ذکر خواهد شد الخ .

انجام : هم خودت بمنافع وافره نائل خواهی شد و هم بملّت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ تو باد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ئیل ۱۲۸۳ در تفلیس تحریر شد .

(۷۹۷)

مکتوب آخوندزاده

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده و با نسخه اصل مقابله گردیده ، در سال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و در سال ۱۲۹۷ سپهسالار آنرا براین کتابخانه وقف کرده‌اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۵) . صفحه (۱۲) سطر . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۶) .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحهٔ (۱۶) سطر . طول (۱۸½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۶۰) .

[۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسندهٔ این کاغذ را در ص (۲۴–۲۸) این مجلّد نگاشته‌ایم، این مراسله چنانکه درابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامهٔ ملّت (۱)نوشته ، از مطالعه آن معلوم میشود که موجب نگارش آخوندزاده اعتراضی بوده که فیشر معلّم اوّل السنهٔ شرقیّه در غرمانیا (ظاهراً معرّب جرمانیا است که مملکت جرمن یا آلمان باشد) بر یکی از ابیات قصیدهٔ سروش شمس الشّعرا داشته که درشمارهٔ اوّل این روزنامه درج شده و آن اینست :

(مطاوعان وی و پیروان عترت وی بمعنی آدمیانند و دیگران حشرات)

و گفته‌است چرا سروش مارا حشرات دانسته و این اعتراض در آخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه آمده روزنامه‌را مطالعه کرده و اعتراضات ذیل را بر روزنامه و نویسندهٔ آن نموده‌است : **اولاً** چرا در ابتداء این روزنامه که ملّی است عکس مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است و بایستی شعار ملّیت ایرانی یا نقوش تخت جمشید و یا تاج دوازده ترك که از یادگارهای سلاطین صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامهٔ ملّی شرح حال شعرارا می نویسی و مطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه‌ایست که بامر ناصرالدّین شاه قاجار در طهران منتشر شده وتاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی‌الاخری سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره‌آن انتشار یافته و در هرشماره بشرح حال و ذکر بعضی از آثارشعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده ومقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام روزنامه علمی ودیگری بنام روزنامهٔ دولتی و بگفتهٔ دانشمند معاصر آقای تربیت درص۷ دانشمندان آذربایجان تحت نظارمرحوم اعتضادالسلطنه بوده‌است ومرحوم اعتضادالسلطنه پشت نسخهٔ این مکتوب سال ۱۲۸۵ نوشته‌اند : رساله‌ایست که ملافتحعلی آخوند زاده بمرحوم حکیم ساما نی نوشته‌داخل کتابخانه .... گردید. ودرص۲۰۲ ج۲ مجمع الفصحاء وص۲۰۴ المآثر والآثارسامانی را محمد حسن بن قاآنی شیرازی معرفی کرده‌اندو گویند جوانی خوش قریحه‌وباذوق بود ودرجوانی سال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت. وازمکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود که‌مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. نسخه‌ای از شماره‌های روزنامه ملت بشمارهٔ (۱۴۸۱) وشماره‌های روزنامه دولتی بشماره (۱۴۷۹) وشماره‌های روزنامه علمی شماره(۱۴۸۰) در این کتابخانه موجود است .

عام‌المنفعه که‌موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید.
ثالثاً چرا سروش شمس‌الشعرآء نسب خود را بامیر نجم ثانی منتسب میداند، و شرحی مبتنی بر عدم لیاقت امیر نجم باستشهاد از تاریخ حبیب‌السّیر و متمّم روضة‌الصّفا نگاشته.
رابعاً در بیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی ازجنبهٔ اعتدال و صحّت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون: عزّ وجل، علیهم‌الصّلوات، عزّی ولات، مرآت، مابقی، ترّهات، عقارب و حبّات، خیرات، تحرّك، حشرات، دەودو، معترف، هدیه و **بضاعت مزجات** وبعضی از ابیات قصیده سروش را که بنظر او خلل وزنی داشته درذیل این بیانات نقل نموده ودر پایان این قسمت اعتراض کرده که چرا چنین شخصی را شمس‌الشّعراء لقب دهند تا عصر و دوره‌را ننگین کنند و آنانکه این آثار را مشاهده می‌کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود. اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانهٔ سنگی چاپ شده و بایستی باحروف باشد و این مکتوب درحدود (۵۷۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: قریتکا بمنشی روزنامه ملّت سنیّهٔ ایران مکتوب است برادرمکرّم‌من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع‌الاوّل سنهٔ ۱۲۸۳ در شهر تفلیس روزنامهٔ ملّت ایران واصل‌شده بتقریبی که درذیل ذکرخواهدشد الخ.

انجام: هم‌خودت بمنافع وافره نائل خواهی‌شد وهم بملّت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ توباد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ئیل ۱۲۸۳ درتفلیس تحریرشد.

(۷۹۷)

مکتوب آخوندزاده

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده وبا نسخه اصل مقابله گردیده، درسال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضادالسّلطنه شده و در سال ۱۲۹۷ سپهسالار آنرا براین کتابخانه وقف کرده‌اند.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۵). صفحه (۱۲) سطر. طول (۲۱$\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷۶).

[۳۳۴] مکتوب مرتضی قلیخان (فارسی)

مرتضی قلیخان پسر میرزا علیمحمّد خان نظام‌الدّوله و از حفیده محمّد حسینخان صدراعظم اصفهانی است که درطهران متوطن بوده وبسال ۱۳۰۶ درهمانجا وفات نموده و در فنون ادبیّه و علوم عربیّه ونظم ونثر عربی وفارسی ازدانشمندان و اساتید بشمار میآمده وکتاب **جمرات** و اشعهٔ قدسیّه از او است (المآثر والآثار ص ۲۲۶).

چنانکه مرحوم اعتضادالسّلطنه پشت نسخهٔ ذیل در ۱۲۸۵ که همان سال نگارش این مکتوب است نگاشته‌اند ، این مکتوب بقلم مرتضی قلیخان است . وما با تفحّص و استعلام یقین کردیم که دراواخر قرن سیزدهم مرتضی قلیخان دانشمند و ادیب همین شخص است که ترجمه اورا از المآثر والآثار نقل نمودیم . و این مکتوب جواب مکتوب آخوند زاده است که پیش از این بشرح آن پرداختیم ومنشی این مکتوب بردّ مندرجات آن اقامه دلیل وبرهان نموده وثابت کرده که آخوند زاده ندانسته اعتراض نموده و پس از جواب یك بیك اعتراضات وی را با دلیل و برهان دفع کرده واغلاط مکتوب اورا درجدولی باذکر صحیح آنها مرتب نموده واین مکتوب درحدود (۵۰۰) بیت است .

آغاز : بسم‌الله عزّ سبحانه ـ درجواب مکتوب کاتب قافقاز برسبیل عجلت و ایجاز مرقوم شده ، بتاریخ روز پنجشنبه دوازدهم شهر صفر ۱۲۸۵ لاَزالَ مَقْرُوناً بِالْأَمْنِ وَالظَّفَرْ ، نگارش محبّت گذارش حاوی مراتب مشفقانه ونصائح دوستانه که محض مودّت و خلوص طویّت از مخزن فکرت جلوهٔ ظهور نموده برده ورود گشود . الخ .

انجام : ولی داعی کلی براین التزام وتطویل کلام هدایت حیرت زده صحرای لاغ سرائی وارشاد گم گشته بادیه خودنمائی است که من بعد گرد چنین کاری نگشته تحصیل علوم را الزام داشته خود و دیگران را ازصرف عمر بادعوی فرهنگ و هوش باعتراض وطرد ازشعر شمس‌الشّعراء سروش محفوظ ومصون داشته باشند ،

هٰذا وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُ اللهَ العَظِيمَ اَلوَهّابَ مِنْ اَنْ اَكُونَ مِمّا رَسَمْتُهُ فِي هٰذَا البابِ . .
وَ لَوْلا ما قَصَدْتُ بِهِ مِنَ الاِرْشادِ اِلى نَهْجِ النَّجاحِ وَالاِصْلاحِ ما اسْتَطَعْتُ
وَما تَوفِيقِي اِلاّ بِاللهِ لَتَرَكْتُ اِرْسالَ الجَوابِ عَنْ هٰذَا الكِتابِ وَحَسَمْتُ
الكَلامَ عَنْ مِثْلِ هٰذَا المَرامِ وَالسَّلامُ عَلى اَهْلِ السَّلامِ .

(۷۹۸)

مکتوب مرتضی قلیخان

این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، درسال ۱۲۸۵ که همان سال انشاء آن است داخل کتابخانهٔ اعتضادالسّلطنه گردیده ، قسمتی از شواهد مطالب نگاشته نشده وچنین بنظر میرسد که مخصوصاً برای مرحوم اعتضادالسّلطنه این نسخه را نوشته اند .

جلد مقوائی . کاغذفرنگی . قطع خشتی . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۳۱) . صفحه(۱۲) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸۰) .

[۳۳٤] مناظر الانشاء (فارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه خوددرمقدّمه بدان تصریح نموده محمودبن شیخ محمّد گیلانی ره است که از فضلا ودانشمندان معاصر با عبدالرّحمن جامی شاعروادیب وعارف معروف بوده وراجع باین مؤلف فقط شرحی ذیل شهر گیلان در تذکرهٔ هفت اقلیم یافت شد که مختصرش این است : خواجه نجم الدّین مشهور بخواجه جهان درجوانی سیاحت را بر اقامت رجحان داده وبسیاری ازشهرهای کشورهارا گردش نموده تا درخدمت سلطان محمّد لشکری که بر سریر سلطنت دکن متّکی بود رسید ، در اندك روزی اعتبار بسیار بهم رسانیده بخطاب **خواجه جهانی** ممتاز گردید وبتدریج مهمّش بجائی انجامید که محسود همگان گشت وبکاغذی ساختگی اورا ازنظر شاه انداخته و بکشتن دادند ،

از آن وزیر نیکوتقریر رساله ایست درانشاء که امروز بین الجمهور متداول و مشهور است ودرطبقات اکبری آمده که خواجه محمود درایام دولت خود

بافاضل عراق و خراسان همیشه هدیه و تحفه میفرستاده و وقتی بجهت مولانا عبدالرّحمن جامی ارمغانی چند فرستاده بود مولانا شکر عطیّهٔ او را بقصیده‌ای مقابله کرده که مطلعش این است :

مرحبا ای قاصد ملك معانی مرحبا   الصّلا کاین جان و دل نزل تو کردم الصّلا .

و براثر آن خواجه جهان غزلی برای جامی فرستاده که این دو بیت از آنجمله است :

جامی اشعار دلاویز تو جنسی است نفیس
بود از حسن ادا لطف معانی یارش
همره قافلهٔ هند روان کن که رسد
شرف مهر قبول از ملك التّجارش . **انتهی** .

صاحب کشف الظّنون (ج۲ ص ۵۲۵) این کتاب را نام برده و در بارهٔ وی و مؤلف آن گوید :

« مناظر الانشاء » فارسی مختصری است و مؤلف آن محمود بن شیخ محمّد گیلانی معروف بخواجه جهان میباشد و آن را بر مقدّمه و دو مقاله و خاتمه‌ای ترتیب داده و از کتابهای سودمند است صاحب آن از مشاهیر دنیا و دارای مال و دارائی زیاد بوده و بخشش‌های او از هند بدانشمندان روم و ایران میرسید و در آنجا مقام وزارت داشته است . **انتهی** .

و جز در این دو مأخذ از این مؤلف نامی و ترجمه‌ای نیافته‌ام و از اینکه در این کتاب از جامی (عبد الرّحمن ۸۱۷- ۸۹۸) مکرّر با ترحم بر وی نام برده و از رساله عروض و قافیه وحیدی تبریزی متوفی سال ۹۴۲ هم نقل نموده و مؤلف آنرا بنام « مولانا وحیدی » بدون ترحم بر وی ذکر نموده، معلوم میشود که تألیف این کتاب در اوائل قرن دهم هجری و ظاهراً پیش از سال ۹۴۲ بانجام رسیده و از سید محمّد عصّار تبریزی متوفی بسال ۸۹۲ نیز یاد نموده (ص ۹۶ نسخهٔ ذیل) و ظاهراً خواجه جهان چنانکه از مطاوی این کتاب مستفاد میشود بر طریقه‌ای از طرق چهارگانه اهل سنّت میرفته و تا اواسط این قرن حیات داشته است . (در یادداشتهای دانشمند محترم

و متتبّع معاصر آقای تربیت (محمّدعلی) چنین دیدم که شیخ محمود معروف به خواجه جهان بسال ۹۶۲وفات یافته ودرجای دیگر این ضبط‌را نیافته‌ام).

از سایر حالات ومؤلفات این مؤلف اطلاع کافی دردست نیست جز اینکه‌در ص ۲۲٤ نسخهٔ این کتابخانه تفصیل مطالب را بکتاب « ریاض‌الانشاء » حوالت نموده وصاحب کشف‌الظّنون نیز این کتاب را ازمؤلفات وی دانسته و از کیفیّت عبارات صفحهٔ مذکور این نسبت تأیید میشود . و نیز در ص ۱۸۹ همین نسخه مؤلف گوید : این فقیر درعنفوان شباب ابکار اشعار انوری وکمال اسمعیل‌وسلمان را حلل نثر پوشانیده است وطبع سقیم خودرا ازجام تنثیر شعر ایشان صهبای‌قوّت وقدرت انشا نوشانیده .

مناظر الانشاء چنانکه صاحب کشف‌الظنون بیان نمود برمقدّمه و دو مقاله وخاتمه‌ای مرتب شده ودرفنّ انشاء است ، مؤلف بمناسبت بسیاری از مطالب علم معانی و بیان و بدیع را ذکر نموده و باشعار و کلمات بزرگان گذشته و معاصر از عرب وعجم چون متنبّی وحریری‌وسعدی وحافظ وظهیر فاریابی‌وغیرهم استشهاد نموده وگاهی از نثر ونظم خویش آورده واین دوبیت ازاوست :

علم است چـون حیات ابد ای پسر بکوش
وز چشمه حیات خود آب حیـات نوش .

. . . .

از هر دوکون جانرا مأوی دهان اوبس
آری بلا مکان جان دارد همیشه منزل .

وفهرست مطالب‌این کتاب‌را ازروی خود نسخه ذیلاً مینگارم : **مقدمه** : در بیان‌ماهیّت علم‌انشاء وموضوع وفائدت آن وغیراز اینها ودر آن هشت‌فصل‌است . **مقاله ولی** : درتقسیم کلام بنابرطریقه وروش منشیان ودرآن‌چهار **منظر**است. **مقاله‌دوم** . دربیان اقسام ارکان وشرائط آنچه مردم بیکدیگر مینویسند و در آن پنج **منظر** است . **خاتمه** دربیان‌ماهیّت خطوط‌وقواعد نگارش‌کلمات‌واین‌مطالب‌را در ذیل هفت قاعده آورده است .

این کتاب درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و بااختصارش مشتمل برمطالبی سودمندواز کتب نفیس این فن میباشد و چنانکه درمقدّمه است مؤلف خود آنرا «**مناظر الانشاء**» نامیده ووجه تسمیه تقسیم دومقاله آن برمناظری چند میباشد .

آغاز : بسمله یامبدء الانشاء ببسط نورالوجود . . . امابعدچنین گویدفقیرجانی محمودبن شیخ محمّد گیلانی که برخاطرپاك وضمیردرّاك صدرنشینان محافل ادراك ظاهر وهویدا است که علم انشاء رسائل وخطب از جلائل اقسام اثنی عشرعلم ادبست الخ .

انجام : ولفظ قفص که درپارسی بسین مینویسند وبصاد نیز جائز است و در عربی بحرف صاد مینویسند وبسین (۱) قدتمّ .

این کتاب بدون تاریخ در اسلامبول چاپ شده است .

(۷۹۹)

مناظر الانشاء

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد ، بر کنار صفحهٔ دوّم محمّد کاظم بروجردی بعربی نوشته است : یکی از دوستان در سال (۱۲٤۰) این کتاب را بمن بخشید . برگ اول نسخه وصّالی گردیده وبر ورقیکه پس از ختم کتاب سفید بوده اشعاری از صائب نوشته شده و بنام رساله درانشاء بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وبهمین نام وقف بر این کتابخانه گردیده است .

جلد جرمی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۳) صفحه ای (۱۳) سطر . طول ($17\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۹۷) .

[۳۳۵] نثر اللآلی (عربی)

این کتاب نیز منتخبی از کلمات قصار حضرت مولی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام میباشد و درسی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب شده وهریك ازابواب دارای چندین کلمه ازکلمات حکمت آمیز است ، جامع و مرتب آن چنانکه پشت نسخهٔ چاپی ودر مقدّمه بعضی از نسخهای خطی مشاهده میگردد حضرت شیخ ابوعلی

---

(۱) در نسخه و بسین نوشته شده وظاهرا بلکه مسلماً « نه بسین » بوده وکاتب غلط نوشته و در نسخه نظائری دارد و بنابراین واو «ودرعربی» در عبارت فوق نیز زائد است .

طبرسی صاحب مجمع البیان رحمة‌الله علیه‌است که بسال ۵٤۸ وفات یافته و در ج ۱ ص۱۰۸ این فهرست بترجمه وشرح بعضی ازمؤلفات ایشان پرداخته شده ولی صاحب روضات (ص ۵۱۲) در ذیل شرح حال شیخ طبرسی گوید: ونیز از مؤلفات این عالم جلیل بنابر آنچه با یشان نسبت میدهند کتاب نثر اللالی است که رساله‌ای مختصر و چون غرر و درر آمدی مرتب بترتیب حروف تهجّی است ودر آن کلمات حضرت علی ع جمع آوری شده ولی گمان من این است که این کتاب گرد آوردهٔ سید علی بن فضل الله حسینی راوندی باشد و بر هر تقدیر با « **نثر اللالی** » مؤلفهٔ شیخ محمّد بن جمهور الاحسائی که موضوع آن مسائل فقهیّه واخبار می باشد نبایستی آنرا اشتباه نمود **انتهی**.

و صاحب کشف الحجب والاستار این کتاب را (نثر اللالی - کلمات قصار) جزماً به عزّ الدّین سید علی بن فضل الله راوندی نسبت داده است و شرح حال این سید جلیل را فقط در هدیة الاحباب (ص۱٤۰) در ذیل **راوند** ونام پدر وی یافتم وترجمه آن این است: سید ابوالحسن عزّ الدین علی بن ضیاء الدّین عالمی دانشمند و فقیهی راستگو و ادیبی اریب و شاعری ادیب است و صاحب تصنیفات زیاد می باشد و سیّد علیخان در « الدرجات الرّفیعه » وی را بدینگونه معرّفی میکند: وی بچه شیریست که شیر روش وی را پیروی میکند و دانش بوی پا برجا است وآنکس که بپدر خویش اقتدا نماید جای دوری نرفته. ونیز در آنجا نوشته شده وی را مدرسه‌ای بزرگ در کاشان است که بر روی زمین مانندی ندارد ودر آن بسیاری از علما و دانشمندان و پرهیزکاران و عابدان مسکن دارند و این سید جلیل (سیّد علی بن فضل الله) تا سال ۵٤۸ زندگانی میکرده است. **انتهی**.

صاحب وقایع الایّام در حاشیه ص ٤۰۹ ج ۳ بنقل از ریاض العلما گوید که جامع کلمات قصار موسوم به نثر اللالی قطب راوندی است.

چنانکه در ذیل صد کلمه در ص(٦۹) گذشت این کلمات قصار را **عادل** هریك بیك بیت فارسی ترجمه نموده و آغاز و انجامش نیز در آنجا ثبت شده بدانجا مراجعه شود.

در تحفهٔ سامی کتابی بنام «نثر اللالی» به **امیر علیشیر نوائی** نسبت داده‌شده‌واین امیر کلمات قصار (نثر اللالی) را هریك بیك رباعی ترکی ترجمه‌نموده و آنرا « نظم ـ الجواهر » نامیده و یك رباعی از آنرا در « بدایع اللّغه » ذیل لغت « ایلدام » یافتم.

و نیز این کتاب بنثر فارسی ترجمه گردیده و نسخهٔ خوبیکه بخطّ سیّد محمّد بقا بسال ۱۳۱۲ با سفیداب نوشته شده و اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده دارای آن است و نامی از مترجم در آن نیست و چون هنوز نظم و ترتیب کتب اخیر تمام نشده خصوصیّات آن نسخه را در اینجا نمی آوریم. وبسال ۱۳۱۸ با ترجمه فارسی آن که انشاء کاظم بن محمد گیلانی (فیلسوف الدوله) درهمانسال میباشددر طهران چاپ شده است.

نثراللآلی بسال ۱۳۱۲ بضمیمهٔ «اربعین شهید اوّل» و «شرح حدیث کسا» و «اربعین میرفیض‌الله حسینی تفرشی» نیز درطهران چاپ سنگی شده است (۱).

آغاز: بسمله حرف الالف. إِيْمانُ الْمَرْءِ يُعْرَفُ بأَيْمانِهِ.

انجام: يأس القلبِ راحةُ النَّفسِ، يَسْعَدُ الرَّجُلُ بمصاحَبَةِ السَّعيد (۲).

(۸۰۰)

نثر اللالی

این نسخه بخطّ نسخ نوشته‌شده، کاتب ازخود و سال کتابت نام نبرده، از اینکه جزء مجموعه ایست که بیشتر رسائل آن بسال ۱۰۷٤ نوشته شده بایستی این نسخه نیز در آن سال نگارش یافته باشد.

خصوصیّات دیگر این نسخه را بمجموعهٔ شمارهٔ (۲۷۹۹) کتابخانه مراجعه نمائید و این کتاب در ص ۲۶ تا ۲۹ آن مجموعه نوشته شده است.

[۳۳۶] نصایح حضرت امیر (ع) (عربی)

کتاب یا رساله ایکه بدین نام در این کتابخانه میباشد عبارت است از کلمات وعبارات منتخبه‌ای از نهج‌البلاغه ونثراللالی و غررالحکم که در نصیحت وموعظه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام مأثور است و ظاهراً جامع آن همان

---

۱ ـ در کشف الحجب آغاز این کتاب پس از بسمله اینگونه نوشته شده: الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین هذا کتاب نثر اللالی الخ. و در نسخهٔ چاپی پس ازبسمله‌چنین است: الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمدخیرالمرسلین وآله‌الطیبین‌الطاهرین اما بعد فهذه کتاب نثراللالی من کلام امیرالمؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین و خلیفةرسول رب العالمین اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام علی ترتیب حروف الهجا حرف الالف ایمان المرء یعرف بایمانه.

۲ ـ در نسخهٔ چاپی ترجمه نثر اللالی عادل ازکلمات قصاری که ابتداء بیاءشده فقط این کلمه ذکر شده: (یبلغ المرء بالصدق منازل الکبار) ولی انجام نثراللالی چنان است که ملاحظه میشود.

محمّدعلی جرّاح نظام نویسندهٔ نسخه است و درحدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : نصائح حضرت امیر ع بسم‌الله خیرالاسمآء – اوصی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب ولده الحسین صلواةالله علیهما وعلی الائمّة الاطهار من ذرّیتهما وسلامه فقال یا بنی اوصیك بتقوی الله الخ .

انجام : لاتتمّ مروّة الرّجل حتی لایبالی ایّ طعام اکل و ایّ ثوب لبس ، حرّره الفقیر الحقیر محمّدعلی جرّاح‌النظام خلف مرحوم عبدالله بیك جرّاحباشی نظام فی عشر الثّالث من شهر رمضان المبارك سنة ۱۲۸۵ .

(۸۰۱)

نصائح حضرت امیر (ع) این نسخه‌را بخطّ نستعلیق خیلی خوب محمّدعلی جرّاح‌نظام بسال ۱۲۸۵ نوشته و در همین سال چنانکه پشت صفحهٔ اوّل یاد داشت گردیده داخل کتابخانهٔ اعتضاد السّلطنه شده وبهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده‌ومجدول بطلا ولاجورد وشنجرف‌است.

جلدمقوائی. کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵) . صفحه (۸)سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵۰) .

[۳۳۷] نظم الغرر و نضد الدرر (فارسی)

عالم‌جلیل عبدالکریم‌بن محمّد یحیـی(۱)قزوینی رحمة الله علیه که‌ازدانشمندان دورهٔ سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بوده وبشهادت مندرجات این کتاب و تصریح خود در مقدّمه مجلّد دوّم آن سالها بمطالعه و مباحثه و دقّت در اخبار

(۱) بنا بضبط در مقدمه مجلد دوم و مجلد اول که در تبریز موجود است و صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۶ ج ۲ از آن نقل نموده و ضبط درمقدمه نسخه کتابخانه حضرت رضاسلام‌الله‌علیه و نسخه مجلس‌شورای ملی نام پدر عبدالکریم ، **محمدیحیی** بوده ولی درفهرست‌رضویه ص ۱۰۱ ج ۱ فصل اخبارخطی **محمدبن‌یحیی** ثبت شده بنابر آنچه گفته شد کلمه ابن میان محمد و یحیی غلط‌است وبامراجعه بکتب روضات و تنقیح المقال ولؤلؤتی‌البحرین وجامع الرواة وفیض القدسی و مستدرك الوسائل و غیره بنام و شرح حال این عالم و محدث بر نخوردیم . درحاشیه‌نظم‌الغرر نسخه مجلس رساله‌ای نیز از این مؤلف « راجع به ذوالقرنین » میباشد و دارای مطالب زیاد و افسانهائی در حدود (۲۵۰) بیت‌میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله‌بدانکه خلافست‌درمیان مفسرین وارباب سیر که آیاذوالقرنین اسکندر رومیست یاغیر اوالخ . انجام : و ملوك آفاق را مملوك ساخت چگونه خوابید که بیدار نمیکردد و چون خاموش شد که هیچگونه سخن نمیگوید .

ائمّهٔ اطهار علیهم صلوات‌الله فی کل لیل و نهار اشتغال داشته ، هنگامیکه تشرّف بآستان حضرت مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه سلام الله را یافته (۱) بر آن شده که کلمات قصار آنحضرت را که آمدی ره در غرر الحکم (از این کتاب و مؤلّف آن در ص ۷۶-۷۸ همین مجلّد معرّفی کرده ایم) بترتیب حروف تهجّی مرتّب نموده و بترتیب و مناسبت معنوی میان آن کلمات مبارکات منظّم نماید ، خوشبختانه بنا بگفته خویش در مقدّمه های مجلّدات موجوده موفقیّت باین امر یافته و در نود و نه باب بشمارهٔ اسماءالله الحسنی این کتاب را تألیف و درذیل پاره‌ای از کلمات آیه‌ای یا آیاتی ازقرآن کریم وخبری یا اخباری را که ازمعصومین ع مناسب‌مقام بوده نقل‌نموده و پس ازاین کار برای استفاده فارسی زبانانیکه‌استفاده ازکتب عربی نمیتوانند کرد بترجمه وشرح آن بزبان فارسی پرداخته و گذشته از بیان مراد و معنی آنها قصص وحکایات وابیات مناسبه‌ای‌آورده است و تا اینجا که نگارنده تحقیق نموده و بدست آورده پنج مجلّد از این شرح و ترجمه که مشتمل بر (۲۰) باب میباشد مسلّماً از قلم شارح خارج شده و ذیلا مجلّدات و ابواب آنها ذکر خواهد شد .

فهرست مجلّدات و ابواب این کتاب تا حدّیکه پیش نگارنده مسلّم است :

مجلد اول مشتمل بر سه باب وبدین تفصیل است : **باب اول** در علامات ثبات دول و بقای آن . **باب دوم** در منافع عدالت ومضارّ جور . **باب سوم** در آداب سلوك در خدمت ملوك .

این تقسیم از مقدّمه مجلّد دوّم که اینك دراصفهان موجود است و مالك آن آقای محسن نعمت اللّهی دامت توفیقاته بتمامه آنرا بخطّ خویش استنساخ نموده و برای نگارنده فرستاده و رهین امتنانم فرموده اند استفاده گردید و قسمتیکه مبیّن‌این‌ابواب است از مختصر مقدّمه‌آن‌که ذیلا نقل میگردد‌معلوم خواهد شد و بنابراین مسلّم میشود که مجلّد اوّل دارای این مطالب است و ابواب نسخهٔ

(۱) در مقدمه نسخه خراسان باین مطلب تصریح شده و چنانکه در صفحه بعد بذکر داده‌خواهد شد بعقیده نگارنده این مقدمه مجلد اول و خود نسخهٔ نیز مجلد اول از این کتابست و کاتب و مستنسخ اسامی ابواب را غلط نوشته است .

خراسان اگرچه بنام سادس و سابع و ثامن نامیده شده ولی پس از دقّت معلوم میشود که نویسنده اوّل و ثانی و ثالث را تصحیف نموده و برای تأیید خویش فهرست ابواب نسخه خراسان را ذیلاً نقل مینمائیم :

الباب السادس: فی الدُّوَلِ وَ عَلاماتِ اِقْبالِها وَ اِدْبارِها وَ زَوالِها وَ اِنْتِقالِها وَ ما قارَبَها .

الباب السابع: فی مَنافِعِ العَدْلِ وَ الاِنْصافِ وَ مَضارِّ الجَوْرِ وَ الْبَغْیِ وَالاِعْتِساف .

الباب الثامن: فی تَعْلِیمِ السُّلُوكِ فی خِدْمَةِ الْمُلُوكِ وَالرِّیاسَة وَمایَتَعَلَّقُ بالسِّیاسَة .

و از آنچه صاحب وقایع الاَیّام در حاشیهٔ ص ۳۹۶ ج ۳ نگاشته اند بدست میآید که نسخهٔ تبریز نیز قسمتی از مجلّد اوّل و یا تمام آنست و در مرقومه ایکه بنگارنده نگاشته‌اند تصریح نموده، که تاریخ تحریر این نسخه‌سال ۱۱۱٤واز کتب کتابخانهٔمرحوم حاج سیّد علی آقای ایروانی واینك متعلّق به آقای سیّدعبدالحجّه ایروانی دام عمره میباشد و عبارت وقایع الاَیّام اینست :

و عالم جلیل میرزا عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی از علما عهد شاه سلطان حسین صفوی در کتاب نظم الغرر ونضد الدرر بعضی ازکلمات معجزات (کذا) آیات آنحضرت را آنچه‌متعلق باستقرار دوات و استحکام معدات است با ذکر بعضی از حکایات مختصره و ابیات رائقه نقل کرده و حقیر در مجلد دوم منتخب المقاصد درج کرده‌ام **انتهی** .

مجلد دوم چنانکه مؤلّف‌درمقدّمه‌بدان تذکّرداده‌اند این مجلّد فقط‌مشتمل بر دو باب است : **باب چهارم** در خصائص و اسرار پیغمبر (محمّد ص) واهل بیت اطهر آنسرور علیهم صلوات‌الله الملك الاکبر . **باب پنجم** در علم و جهل و علامات عالم و جاهل و فضائل عالم عامل .

نسخه این مجلّد را فقط در اصفهان نزد آقای محسن نعمت اللّهی دام عمره و توفیقه سراغ دارم .

مجلد سوم و چهارم مشتمل بر باب ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است و از این ابواب بس **باب دهم** که در منافع دوستی و آنانکه شایستگی آنرا دارند و آنانکه نبایستی بدانها دوستی کرد است و **باب یازدهم** که در خوشی و خوشروئی و خلق نیکو است و بضمیمهٔ باب چهاردهم که ذیلاً از آن نام میبریم در کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی در تحت شمارهٔ (۲۹۲) کتب خطّی (خارج از شمارهٔ جلد اوّل فهرست کتب خطّی است)موجود است و بر وجود دیگر ابواب این مجلّد وموضوعات آنها تا کنون اطلاعی نیافته ام و در ص (۱۰۶) این فهرست ذیل همین کتاب تذکّر داده شد که آنچه در فهرست کتابخانه حضرت رضا علیه السّلام (ص ۱۰۱ ج ۱ اخبار خطی) در ذیل خصوصیّات نسخه آنکتابخانه نوشته شده که مشتمل بر باب ششم تانهم میباشد ، موافق با واقع نیست .

مجلد پنجم مشتمل بر هفت باب بتفصیل ذیل میباشد : **باب چهاردهم** در شجاعت و مذمّت جبن و تهوّر وعجز و تعلیم آداب حروب و دستور بر گزیدن سرداران لشکر و علامات نیك و بد ایشان و طریق محافظت ثغور ممالك وسلوك باسپاه و رعیّت و غیر آن . **باب پانزدهم** در جهاد اصغر و جهاد اکبر . **باب شانزدهم** درنیکوئی اقتصاد وحسن تدبیر ونهی از اسراف وتبذیر . **باب هفدهم** در تقدیر ارزاق عباد . **باب هیجدهم** در نهی از سؤال از مخلوق و بیان مذمّت آن و محو شدن رزق بسبب آن . **باب نوزدهم** در منافع قضای حوائج مؤمنین . **باب بیستم** در مذمّت تکبّر و مدح تواضع و ثمرات آن [چون آمدی بعضی از فقرات خطبه قاصعه را که در موضوع تکبّر بوده نقل کرده است مؤلف پس از نقل آن حمل بر آن شده که در این باب (باب بیستم) بشرح تمام آن خطبه بپردازد و پس از آن سائر کلمات واخبار و آیات واردهٔ دراین باب راشرح نماید] .

بدبختانه ازاین مجلّد جز باب چهاردهم که اشارت رفت نسخهٔ آن در کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی موجود است و این فهرست ابواب از آنجا استنساخ گردیده و باب بیستم آن که در این کتابخانه است و ذیلاً بخصوصیّات آن خواهیم پرداخت بدست نیاورده و ازوجود سائر ابواب وحتّی از فهرست آن خبری نداریم .

نگارنده تاکنون نام این کتاب‌را جزماً نمیداند چیست چرا که مؤلف خود در مقدمه مجلدات موجوده هر یك بنحوی آنرا معرفی کرده ولی از اسم کتاب و توجه بموضوع آن بنظر میرسد که بایستی « نظم الغرر و نضدالدرر » نام مرتب شده غرر الحکم آمدی در نود و نه باب باضافه اخبار و آیات مناسبه هرباب که بزبان عربی است بوده باشد و این کتاب فارسی را که باب بیستم آن‌در این کتابخانه و ابواب دیگر آنرا نشان دادیم شرح یا ترجمه نظم الغرر و نضد الدرر نامید اما بمتابعت فهرست کتابخانه رضویه وصاحب وقایع الایام ما نیز آنرا بنام نظم الغرر و نضدرالدرر در این فهرست ذکر و ذیلاً بنقل عبارات مؤلف از مقدمه‌های مجلدات موجوده میپردازیم.

در مقدمه نسخهٔ کتابخانهٔ رضویه که مسلماً مجلد اول است چنین نگاشته شده :

اما بعد جون بمساعدت توفیقات ربانی و معاضدت تأییدات یزدانی دیده بصیرت خاك قدم شیعیان ائمه اطهار علیهم صلوات الله‌الملك الغفار المفتاق الی عفور به‌الغنی المغنی **عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی** بمطالعه‌و تتبع کتاب‌مستطاب‌غرر و درر که منتخب حکم‌مختصره و مواعظ موجزهٔ‌حضرت امیر المؤمنین ع . . . . . . رسید و آن کنز رایگان وگنج شایگان که شمهٔ‌آن(ازظ) کنوزعالم‌غیبی وشرزهٔ‌ازمعادن اسرارلاریبیست ازنظراکثر ابنای‌زمان‌خصوصاسکان متوطنین عرصه‌وسیع فضای ایران جنت نشانراکه‌تکلم‌بلغت فارسی‌واقع‌میشودوهریك‌از ایشانرا‌تعلم بلغت عرب مقدور نیست نهان و باین جهت بسیاری ازشیعیان‌اخباراز انتفاع . . . . . . تصمیم‌عزیمت‌نمود که‌شرح‌واضحی بزبان فارسی برفقرات اعجاز سمات‌آن نکارد . . . . . وبعون‌الله تعالی و حسن توفیقه یك‌مجلد آن‌شرح‌مذکوربروحه منظور سمت‌اختتام یافت . . . . و جون جامع کتاب‌مستطاب غررو درر بنارا بر ترتیب حروف‌هجا دراوائل آن‌فقرات اعجازآیات گذاشته و تناسب معنوی را مرعی نداشته بود درطی مطالعه و مراجعه بهدایت الهام غیبی ودلالت توفیق لاریبی بخاطر قاصر رسید که دردیده بینش معنی شناسان بنای ترتیب آنها بر تناسب‌معنوی نظر بفضل معنی بر لفظ انسب و بسهولت انتفاع ناظرین وطالبین اقرب بنماید . . . . . متوکلاً علی‌الله مشغول باین نظم و ترتیب گردید ودر اندك زمانی بعون عنایت سبحانی و امداد باطن فیض مواطن ناظم درر غرر آن کلمات اعجاز سمات ربانی این کتاب مستطاب بر نود و نه باب بعدد اسماءحسنی‌مرتب گشته بانجام رسانید و موسوم **بنظم الغرر و نضد الدرر** گردید و بعد از انجام و اتمام‌این مهم خیر اختتام بخاطر فاتر رسید که عجالةً ترجمه مختصری که قریب بفهم عام و خاص باشد ولمی شود تا جنانکه منظور و مقصود است این نسخهٔ شریفه موجب انتفاع عموم مؤمنان خصوصا اخوان دینی گردد ودعائی بجهت این سراپا تقصیر از مؤمنین بظهوررسد

و جون مطابقت فارسی با سیاق عربی موجب وحشت عبارت میگردد و مقصد (مراد مقصود است و شاید غلط استنساخ شده است) از آن قسم عبارتی بفهم هر کس نمیرسد لذا در ترجمه اکثر فقرات طیبات بحاصل معنی اکتفا نمود و درترجمهٔ آیات و احادیث آنچه که مذکور شده یابعنوان نقل از مفسرین و شارحین یا بطریق اظهار احتمال نگارش پیرا گردید . . . .
و همت والا نهمت پادشاه جمجاه . . . . . . شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی . . . . . .
مصروف بر ترویج احادیث ائمه ع . . . . . . لازم و واجب دانست که این مختصر را هدیه مجلس بهشت آئین و منظور نظر فیض مظهر ایستادگان پایه سریر معدلت قرین گرداند امید که بحلیه استحسان خاطر ملکوت ناظر متحلی گشته ثواب آن بروزگار فرخنده آثار واصل و متواصل و عامه ناس را انتفاع باین کلمات اعجاز سمات حاصل گردد **و من الله الاستعانه فی کل باب و علیه التوکل فی المبدء والمعاد .**

و نیز در حاشیهٔ نسخهٔ کتابخانه رضویّه است :

توقع آنکه ارباب بصیرت نظر بر گهر گماشته صدف را در میان نه بینند و در مقام تدبر وتفکر در آمده بربساط اعراض واعتراض ننشینند چه مترجم را دراین تحریر نصیبی بجز منصب ترجمانی نیست و بهرهٔ غیر از شیوهٔ سخن رانی نه .

(از نقل این قسمت از مقدمه نیز بخوبی واضح و آشکار است که مقدمه مجلد اول کتابست و الا چون در سائر مقدمات اشاره بمجلدات پیش آن مینمود.)

و در مقدّمه مجلّد دوّم است :

الحال مدتی است که لآلی شاهوار کتاب درر غرر را که حاوی کلمات موجزه حضرت سید ازهر و آفتاب انور و کلام ناطق خدا و مترجم آیات حضرت حقتعالی حضرت امیر المؤمنین حیدر علیه صلوات الله الملك الاکبر و مشحون بدراری سپهر معرفت و لآلی زلال بحر دانش و حکمت است روشنی بخش سراحه دل و وسیلهٔ انحلال در مشکل نموده و از مطالعه و تتبع آن مفاتیح باب مدینه علم ابوی ابواب معرفت برروی خاطر ناقص خود گشوده است و بعد از آنکه در ذیل شمهٔ از فقرات آن کتاب مستطاب برای فارسی زبانان از ایران و اصحاب سوحی بلغت فارسی بقلم ضعیف نال این شکسته بال مرقوم و **باصداف الدرر** موسوم شد نظر بآنکه فنون حکمت بدون رعایت تناسب در ابواب آن کتاب متفرق بود آنرا نه بود و نه باب که در باب مشتمل بر کلمات متعلقه بفنی از فنون حکمت بالغه باشد با انضمام احادیث مناسب ذی باب ترتیب داد واین وضع و ترتیب در نظر علمای عصر کثرالله امثالهم مستحسن افتاد و ثانیا درشرح آن کلمات اعجاز طرازبترتیب معروض شروع شده **بنضد الدرر** موسوم گردید و بمیامن توفیقات ملك علام وحمدوچهل تمام یك مجلد آن که مشتمل بر علامات ثبات دول و بقای آن ، و منافع عدالت و مضار جور ، وآداب سلوك درخدمت ملوك بود باتمام رسید . . . رغبت طبع همایون بملاحظه تتمه شرح مذکور بر زبان الهام بیان آنخسرو قضا فرمان گذشته . . . . . و در اوان فرمان قدر توامان مجلدی دیگر از **نضد الدرر** چنانچه باید سمت انجام نگرفته و حلیه تمامی نپذیرفته بود لهذا نسخه **اصداف الدرر** که سابقا در سلك انتظام آمده بود معروض سدّه سنیه والا شد و در در اینوقت که مجلد دیگر از **نضد الدرر** مشتمل بر باب خصائص و اسرار پیغمبر و اهل بیت

اظهار آن سرور علیهم صلوات الله الملك الاکبر و باب علم و جهل صورت انجام یافت الخ .

و در مقدّمه مجلّد پنجم چنین نگاشته شده :

و در این ایام چنانچه در مجلدات سابقه بعرض ناظرین رسانیده بالهام غیبی و اشارهٔ لاریبی بعد از ترتیب معنوی مشغول ترجمه و شرح کتاب نظم الغرر و نضد الدرر گردید وچهار مجلد ازآن بعون الله الملك المنان صورت انجام پذیرفت و بنظر خیر منظر ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر رسیده پذیرائی حسن قبول یافته و حسب الفرمان قضا جریان باتمام سائر مجلدات و انفاذ آن بدرگاه عرش اشتباه مأمور گشته ودراین وقت یکمجلد دیگراز آن که مشتمل بر . . . . (فهرست ابواب را کهقبلاً نقل نمودیم دراینجا ذکر نموده است) صورت انجام پذیرفته بود واجب دانست که هدیه سده والا ودرگاه معلی نماید الخ .

مقدّمه مجلّدیکه در تبریز است بوسیلهٔ آقای حاج ملاّ علی واعظ خیابانی دام علاه خواستم ازشرحیکه مالك مذکورآن بایشان نوشته وعیناً آنرابرای نگارنده فرستاده بودند معلوم شد که آن نسخه را کسی عاریه گرفته و نداده لذا نقل مقدّمه آن ممکن نشد ولی بقرینه نقلیکه صاحب وقایع الایام کرده و در ص (۱۰۷) گذشت در آنجا نیز نام این کتاب « نظم الغرر و نضدالدرر » ثبت شده است .

آغاز سه مجلّد فوق را ذیلاً مینگاریم :

آغاز مجلد اول : بسمله حمد و ثنائیکه جمیع مخلوقین و ملائکه سموات و ارضین بامداد مداد بحار و اقلام اشجار از عهده نگارش برخی از آن عاجز آیند مالك الملکی را سزاوار الخ .

آغاز مجلد دوم : بسمله شکر وسپاس بیقیاس مخصوص حضرت قادرعلیم و صانع حکیمی است که نضد درر کواکب در اصداف افلاك بدست قدرت کامله او انتظام گرفته الخ .

آغاز مجلد پنجم : بسمله و به ثقتی حمد و سپاسی که جنود نامعدود معتکفان معابد فلك و صاحبان مفاخر نحن نسبّح بحمدك ونقدّس لك از اقدام بآن عاجز آیند الخ .

انجام مجلد پنجم : اگر برزللی یاخللی واقف شوند بر مترجم خرده نگیرند و باصلاح آن منّت نهند

شعر

به بینند مهر علی درمیان نگیرند بر شارح بیزبان

و علی الله التکلان .

(۸۰۲)

نظم الغرر و نضد الدرر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، ورق اوّل را ندارد ، اوراق آن مجدول بطلا و زنگار میباشد ، چنانکه در ص (۱۰۸) تذکّر داده‌شد این‌نسخه‌باب پانزدهم از این کتابست و بجهتیکه نیز در همان صفحه ذکر شد مشتمل بر شرح خطبه قاصعه میباشد و براوّلین صفحهٔ موجود ازطرف مرحوم اعتضاد السلطنه این نسخه بنام « شرح خطبه قاصعه بانضمام صد کلمه و شرح آن » معرّفی گردیده و بر حاشیه دوّمین صفحه بنام « شرح کلمات حضرت امیر ع » وقف و در دفاتر سابق کتابخانه نیز بدین نام ثبت گردیده و پس از اتمام شرح و ترجمه کلمات و عبارات این باب مؤلف وشارح خاتمه ای در حدود (۷٤) بیت درآخر آن گذارده واتمام مجلّد پنجم‌را ضمناً تذکّر میدهدو نخستین سطر نسخه اینست :

و بهر کس که شریک‌سازد در عبادت بخدای برحق خدای دیگر را الخ .

در کنار آخرین صفحه اشعاری در تعریف از این کتاب نوشته شده و ذیلا بنقل آن پرداخته میشود

نگاهی ز عبرت گرفتم بوام	سراپای‌این نسخه دیدم تمام
عیان گشت در دیدهٔ اعتبار	محیطی پر از گوهر شاهوار
بملک سخن در جهان خیال	بآن باغبان باغبانی حلال
[که‌بدن‌میوه‌کاخ‌این‌باغ‌چید] کذا	بهکر بلند از سر شاخ چید
چنان خط و معنیش‌خوا افتاد	که‌هر کورفهمست‌روشن‌سواد
عروسی چنین‌چشم‌لیل‌و‌نهار	ندیداست در حجله روزگار
خوشاروبق‌بخت‌آن‌جوهری	که دریا درش‌راشود‌مشتری

زنگار اوراق نسخه‌را پاره نموده و ورق اوّل و آخر وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خان‌بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه(۱۲) سطر . طول (۱۹½ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵۱) .

[۳۳۸] نهج البلاغه (عربی)

کتابیکه بدین نام نامیده شده یکی ازمشاهیر کتب اسلامی ومنتخبی ازخطب ومکاتیب وکلمات حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه است و دارای اهمیّت علمی و ادبی و تاریخی میباشد ، علماء امامیّه رضوان الله علیهم اجمعین آنرا تالی قرآن میدانند و **اخ القرآن** مینامند و بسیاری از بزرگان علماء عامّه نیز بعظمت آن معترف اند و اینك کـه این شرح در معرّفی از آن نگاشته میشود ۹۵٦ سال تمام از جمع وتألیف آن گذشته و ازبدو انشاء و تألیف تاکنون هماره مورد نظر و دقّت و مطالعهٔ فضلا و دانشمندان بوده و هست .

نهج البلاغه را در کتابخانها و فهرستها بمناسبت اینکه منقول از امام علیه السّلام است و اطلاق اسم حدیث و روایت بر آن صادق میباشد در عداد کتب اخبار و احادیث و بعضی در اثر اشتمال آن بر مواعظ و حکم در ضمن کتب مواعظ واخلاق و پاره‌ای بواسطه دارا بودن دستور های اجتماعی وسیاسی و مشتمل بودن بر مباحث اثبات مبداء ومعاد درشمار کتب حکمت و کلام و برخی چنانکه اسم کتاب بر آن دلالت دارد، آنرا سرمشق فصحا و بلغا شناخته واز کتب ادب دانسته و در این ردیف و دسته گذارده و در اطراف آن بحث کرده اند .

نگارنده بااعتراف وتصدیق براینکه هریك درنظریّه وروش خویش راه صواب را پیموده ، نتوانست یکی از آن روشهارا رجحان دهد و بنظر وی چنین رسید که در این فهرست فصلی مستقلّ بنام « خطب و منشآت » ایجاد و چون قسمت اعظم این کتاب منتخبی ازخطب حضرت مولی ع میباشدوقسمت دوّم آن مشتمل بر مکاتیب ودستورهای سیاسی و اجتماعی آنحضرت ع، و قسمت سوّم کلمات موجزه و حکم مختصره ایشانست آن رادراین فصل جای دهدوترجمهاوشروح آنرانیزچون اصل آنها در همین فصل گذارد و کتب دیگریکه در این فن تألیف گردیده و نسخه ای از آن دراین کتابخانه است بتبع نیزاز آنهایاد شود ، توفیق رفیق شد و کتب دیگر که فرع و فرع فرع بودند لجّاره وار در این فصل ثبت گردید اینك این کتاب که مقصود اصلی از این نظم و ترتیب بود شاه وار در آخر فصل قرار گرفت .

جامع این کتابیکه بنام نهج البلاغه معروف و مشهور گردیده باتّفاق تمام علماء امامیّه و علماء عامّه جز چند نفر سیّد رضی (٣٥٩-٤٠٦) رحمةالله علیه است که پس از این بشرح حال ایشان خواهیم پرداخت ولی برخی از عامّه این جمع وترتیب رابتردید نسبت بسیّدمرتضی علم الهدی ویاسیّدرضی داده اند، نگارنده نخستین کس که این تردیدرا نقل نموده ابن خلّکان متوفی بسال ٦٨١ رادید (وفیات الاعیان ج ١ ص ٣٣٦) وباتفحّص قائل آنراهم بدست نیاوردو آنچه متأخّرین این تردیدرا در کتب خویش آورده ابن خلّکان‌را اقتدا وازاو پیروی کرده اند، چون یافعی ابو محمّد عبدالله یمنی ٦٩٨ - ٧٦٨ در مرآت الجنان و حاجی خلیفه متوفی بسال ١٠٦٧ در کشف الظنون و عبدالحیّ بن عماد متوفّی بسال ١٠٨٩ در شذرات الذهب وادوارد فاندیك درص ٣٥٦ اکتفاء القنوع مؤلّفه و مطبوعه بسال ١٣١٣ ه. وفرید وجدی در دائرة المعارف خویش ص ٢٦٠ ص ٤

بعضی ازعامّه تردیدراترك کرده واین جمع وترتیب‌را جزماً به سیّدمرتضی نسبت داده اند ازآنها جرجی زیدان متوفّی بسال ١٩١٤م . درص ١٩٥ ج ١ وص ٢٨٨ ج ٢ تاریخ آداب اللّغة العربیّه وکلمان هوار مستشرق فرانسوی (دانشمند مرحوم اعتصام الملك (یوسف اعتصامی) درص ٣٤٨ ج ١ فهرست کتب خطّی مجلس شورای ملّی این نسبت را باین مستشرق داده اند) میباشند وبعضی ازعامّه اصلاً نسبت مطالب این کتاب را بحضرت علی بن ابی طالب ع منکرشده اند وابن خلّکان نیز بدان اشاره نموده وصاحب کشف الظنون نیز گوید که ذهبی در میزان الاعتدال صریحاً گفته که این مطالب از آنحضرت نمیباشد و گویند جامع و نسبت دهندهٔ آن بدان حضرت منشی و واضع آنست وجرجی زیدان نسبت قسمتی ازنهج البلاغه را بحضرت ع تصدیق نموده است.

وبعضی ازمعاصرین سیّدین (رضی ومرتضی) چون خطیب بغدادی متوفّی بسال ٤٦٣ درتاریخ بغدادوبرخی ازمورخین چون ابی الفداء متوفی بسال ٧٣٢ درتاریخ خویش و ابن اثیر متوفی بسال ٦٣٠ درکامل التّواریخ وغیر ازاینها بااینکه نام هردو برادر را برده انداز شدّت تعصّب یا بعلّت دیگر نام این کتاب را نبرده اند.

دراینجا مناسب دیدم که این بحث‌را تشریح نموده وپس از آن ادلّهٔ خویش‌را

در بطلان تردید و نسبت تألیف آن به سیّد مرتضی بنگارم :

عمده چیزیکه موجب و باعث شده که پاره‌ای از متعصّبین اهل سنّت و جماعت مطالب مندرجهٔ در نهج البلاغه‌را از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام ندانند مخصوصاً خطبهٔ شقشقیّه است که حضرت در آنجا درد دل خود را اظهار و معاملهٔ صحابه را با خود با همهٔ آن سوابق درخشان و خدمات نمایان در راه پیشرفت اسلام و وصایای حضرت پیغمبر ص نسبت بایشان، بیان کرده و گفتنیها را گفته و استحقاق و اولویّت خود را در خلافت و جانشینی پیغمبر ص ثابت نموده و بهترین شرحیکه حلّ رموز و کنایات و بیان مراد و مقصود آنحضرت را در این خطبه نموده « حدائق الحقائق » شرح بزرگ علاء الدّین گلستانه است (در ۶۰-۶۳ این مجلّد از این کتاب معرّفی کرده ایم) و بهمین سبب بعضی از متعصّبین که خجالت کشیده اند خطب و کلمات و مکاتیب نهج البلاغه را که چون آفتاب نسبت آنها بحضرت علی ع روشن و آشکار است فقط این خطبه‌را جعل و ساختهٔ سیّد رضی دانسته‌اند والّا کدام منصف است که بتواند گفت فصیح و بلیغی جز علی بن ابی طالب میتواند اینگونه خطابه هارا القا کند و حقائق را بگوید ، جمعی دیگر از عامّه اعتراف نموده اند که سالها پیش از تولّد پدر و جدّ سیّد رضی این خطبه وجود داشته و در کتب مؤلّفه پیش از وجود سید رضیّ مندرج گردیده و چون بادلّه منکرین نسبت مطالب نهج البلاغه به امام علیه السّلام مراجعه نمائیم ادلّه و امارات وقرائن آنهارا بسیار سست واوهن من بیت العنکبوت مییابیم و سیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی در کتاب « ماهو نهج البلاغه » آنها را نقل و بردّ ایشان پرداخته و نیز تن در داده اند که خطبهٔ شقشقیّه در نهج البلاغه وسایر کتب که قبل از سیّد تألیف گردیده اندك تفاوتی در الفاظ دارد و آنهارا عیناً از مآخذ آن نقل نموده اند .

در آخر شرح خطبهٔ شقشقیّه ابن ابی الحدید مطالبی نگاشته و عین آنرا با اندك اضافه ابن میثم نیز در آخر شرح این خطبه از شرح نهج البلاغه خویش آورده و بی مناسبت نیست که در اینجا بترجمهٔ عبارات ابن ابی الحدید پرداخته شود :

واما گفتار ابن‌عباس . ما آسِفْتُ علی کلامٍ قطّ کأسَفی علی ذلك الکلام ألّا یکونَ امیرالمؤمنین بَلَغَ مِنْهُ حَیْثُ أَراد ، استادم ابوالخیر مصدّق بن‌شبیب واسطی(۱) بسال ۶۰۳ گفت که این خطبه‌را پیش شیخ ابومحمد عبدالله بن احمد معروف به **ابن الخشاب** (۲) میخواندم چون بدینجا رسیدم چنین گفت : هر گاه در آن هنگام که ابن عباس این جمله را ادا کرد آنجا میبودم بوی میگفتم : آیا در دل پسرعمویت چیزی نگفته ماند ؟ وآیا دراین خطبه چیزی فرو گذار نمود ؟! تاتومتأسف‌باشی که چراخاتمه داد ورازهای نهفته خودرا نگفته گذاشت وساکت شد ، بخدا سوگند که از اولین و آخرین نگذشت و کسی دردلش باقی نماند که از او یادی‌نکرد مگر رسول الله صلی‌الله علیه وآله را

مصدّق گویدابن الخشاب مردی شوخ طبع و مزّاح بود تصور نمودم که در این مورد هم شوخیش جنبیده بدو گفتم آیا این خطبه را ساختگی میدانی و از حضرت علی ع نمیدانی گفت : نی بخداسوگند یقین دارم که این خطبه کلام خود آنحضرت میباشد چنانکه میدانم تومصدّق هستی

مصدّق گوید: بوی گفتم بسیاری ازمردم میگویند که از منشآت‌رضی میباشد ۰ گفت : کجا رضی و امثال وی دارای چنین روح واسلوبی درنگارش توانند بودومن برسائل رضی دست یافته وطریقه وروش اورا درنثر میشناسم و میان این دوفرق بسیار میباشد ، بخدا سوگند که این‌خطبه را در کتابهائیکه دویست سال پیش از آنکه رضی بدنیا آید تالیف گردیده، یافته‌ام ونیز آنرابخط جمعی ازعلما که خط آنهارا میشناسم وبرآنها خطوط بسیاری از علماء ادب که نیز بدانها آشنا هستم دیده وزمان اینهانیز سالها پیش از تولد نقیب ابو احمد پدر رضی بوده است .

پس از این ابن ابی الحدید گوید : من خود نیزبسیاری از مطالب این خطبه را درمصنفات استاد ابوالقاسم بلخی (۳) امام بغدادیین که از معتزله بود یافتم و این عالم جلیل در زمان خلافت المقتدر (۲۹۵-۳۲۲) بوده سالها پیش‌ازآنکه رضی‌متولدشود ونیز بسیاری از آنهارا

---

(۱) شرح حال ابوالخیر مصدق بن شبیب واسطی را بدست نیاوردم .

(۲) ابو محمد عبدالله بن احمد بن احمد بن عبدالله بن نصر بغدادی معروف به ابن خشاب از علماء عامه بوده ودرنحو وادب دستی قوی داشته ودرسائر علوم ادبی وریاضی وفقهی وغیره توانا بوده و اشعاری از او بیادگار مانده وعبد الحیّ بن عماد در شذرات الذهب ج ٤ ص ۲۲۰ - ۲۲۲ بشرح حال و نقل اشعاری از ایشان پرداخته و گوید بسال ٤۹۲ متولد و در ۵۶۷ وفات کرده ولی صاحب معجم المطبوعات در ص ۹۳ وفات ویرا بسال ۵۶۸ نقل کرده است .

(۳) شیخ ابو القاسم بلخی بسال ۳۱۷ وفات کرده است.

در کتاب « الانصاف » ابو جعفر ابن قبه (۱) که یکی از متکلمین امامیه و از شاگردان شیخ ابو القاسم بلخی رحمه الله بوده دیده ام و ابن قبه پیش از آنکه رضی دراین جهان آید از این جها ن رفته است .

شارح بحرانی پس از نقل مطالب فوق گوید :

این خطبه‌را من نیز بخط ابوالحسن علی بن‌محمد بن الفرات (۲) وزیر المقتدر بالله که شصت وچند (۳) سال پیش از تولد رضی بوده دیده ام .

سیّد شهرستانی دام ظلّه در ص ۲۹ - ۳۱ « ما هو نهج البلاغه » بنقل‌عبارات ابن ابی‌الحدید راجع باین کتاب که در جزء ۱۰ ص ۵۲۶ پس از خطبهٔ مشهورهٔ به ابن ابی الشحناء میباشد و اظهار نظر خویش مبادرت نموده ، برای آنکه این مختصر جامع نظریّات راجع باین کتاب باشد ملخّص آنرا ذیلاً ترجمه مینمایم و مطالب ابن ابی الحدید اینست :

گروهی هوا وهوس داران گویند بسیاری ازمطالب نهج البلاغه ساختگی وازکلمات حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام نیست وشیعیان فصیح آنها را ساخته وبدانحضرت نسبت داده اند و بسیاری از آنهارا ریخته قلم سید رضی ابوالحسن میدانند ، ایشان کسانی هستند که عصبیت چشم آنها را کور کرده و از نهج حق بر گشته اند ، چرا که اگر میگویند مطالب مندرجهٔ در نهج البلاغه همه ساختگی است و از آنحضرت نیست ، این نظریه و عقیده بضرورهٔ باطل است برای آنکه میدانیم وبتواتر بمارسیده که بسیاری ازاین خطب وکلمات ومکاتیب ازمنشات آنحضرت میباشد وبسیاری ازعلماء عامه وخاصه‌ازمحدّثین ومورخین در کتب خویش ازصدر اول تا زمان سید رضی ره با انتساب آنها بحضرت ع بنقل آنهاپرداخته اند و این ناقلین‌در میان عامه وخاصه موثّق وقول آنهامقبول وحجت است

ویامیگویند که‌پاره‌ای‌ازخطب‌ومطالب نهج البلاغه ساختگی و باقی‌آن از امام‌علی‌ع میباشد ، این قول نیز مردود است چرا که هر کس بکتب ادب اندك آشنائی و با ادبیات سر و کار داشته باشد بخوبی‌تشخیص‌تواندداد که درهرمؤلفهٔ منسوب‌بنویسنده‌یاشاعری چه مطالب‌یاابیاتی از او و گفته وی و نوشته او است و کدام یك ازعبارات یا ابیات از اونیست ، مثلا چون دیوان ابونواس ویاابوتمام را مراجعه کنیم ازخود افکار واشعار بدست می آوریم کدام بیت از آنها

---

(۱) ابن قبه ابوجعفر محمد بن عبد الرحمن بن قبه رازی فقیه ومتکلم معروف شیعه و صاحب کتاب الانصاف درامامت میباشد وابن قبه استاد شیخ محمد بن نعمان معروف به مفید متوفی بسال ۴۱۳ بوده است .

(۲) ابو الحسن بن فرات وزیر المقتدر بوده و بسال ۳۱۲ وفات کرده است .

(۳) بنابرآنکه وفات ابن الفرات بسال ۳۱۲ چنانکه در ص۲۶۴ ج ٤ شذرات الذهب ضبط شده صحیح‌باشد بایستی عبارت شارح‌چهل وچند سال باشد نه‌شصت وچندسال .

و کدام یك از آنها نیست ولی چون بنهج البلاغه مراجعه می کنیم تمام مطالب را درعرض یکدیگر می یابیم واختلافی در روح قائل و منشی آن نمی بینیم تاشك کنیم که خطبه یا کلام یامکتوبی شاید از آنحضرت نباشد . انتهی کلام ابن ابی الحدید .

وسید شهرستانی در این باب فرماید:

برادران شیعه ما معتقدند که خطب و کلمات و مکاتیب موجودهٔ در نهج البلاغه پیش ماچون خطب مرویه ازحضرت پیغمبر صلی‌الله علیه و آله میباشد که پاره ای از آنها متواتر وقطعی الصدور و بعضی غیر متواتر وظنی السنداند و با وجود این ماحکم نمیکنیم که آنها ساختگی است مگر پس از آنکه دلیل برآن اقامه شود ، چنانکه بصحت آنها نیز حکم نمی نمائیم مگر آنکه دلیل و برهانی بر آن قائم گردد و هر کس جز این بما نسبت دهد برخلاف حقیقت گفته است .

وچگونه منصفی تواند نسبت بشیعه دهد که جزماً آنچه‌در نهج البلاغه است بدون شك وتردید از امام علیه السلام میباشد درصورتیکه در این کتاب آنچه مخالف با اصول ایشانست بسیار میباشد و از آنجمله است مدح فوق العاده ایکه از خلیفه ثانی عمر بن الخطاب رض نموده (ظاهراً مراد سید شهرستانی دام ظله خطبه ایستکه به **لله بلاد فلان** ابتدا شده و ابن‌ابی‌الحدید درشرح آن نوشته که‌در نسخه نهج‌البلاغه‌ایکه بخط سیدرضی بوددرذیل‌کامه فلان نام «عمر» نوشته شده) و اگرمغرضین ازشیعه میخواستندتصرفی در کلمات و آثار آنحضرت کنند ودستی در آنها برند و زیاد و کمی نمایند امثال این مقالات را ازآن برمیداشتند

اعتدال وحقیکه شایسته پیروی میباشد اینستکه برای‌نهج البلاغه همان قیمتیکه برای کتب صحاح و سائر کتب دینی معتبر قائل هستیم معتقد باشیم و بقدر و قیمت ادبی آن و برتریش برهر کتابی پس‌از کتاب خدا(قرآن کریم) معترف گردیم انتهی .

- در معرّفی از نهج البلاغه شرّاح آن و علماء رجال و فهرست نویسان هریك بیاناتی دارند، دراینجا بترجمهٔ عبارات ابن میثم ره درمقدّمهٔ شرح بزرگ خویش واشعاریکه ابومحمّد بن‌شیخ صنعان کاتب نسخه شماره (۳۰۸۵) کتابخانه در آخر آن انشاء و تحریر نموده نیز مبادرت مینمائیم :

کلام حضرت علی‌بن ابی طالب ع که درآن آثاری از کلام الهی و بوئی از بیانات نبوی‌ص میباشد ، هماره درسینه راویان پراکنده و دردست موافقین ومخالفین وجود داشت ، دشمنان وی بر آن شدند که آن کلمات مشهوره را پنهان کنند ولی خداوند نخواست که نوراو را پنهان دارند ، از این رو اسلام را بوجود سید امام شریف رضی محمد بن الحسین الموسوی قدس‌الله‌سره ونورضریحه‌تقویت‌فرمودواین بزرگوارکلمات جدش‌را که‌خورد و کهنه شده‌بود زنده کرد و آنچه از آنها درشرف پراکنده شدن بود جمع آوری نمود ودرجمع بهترین آن کلمات باندازهٔ توانائی خویش کوشش فرمود و آنرا نهج البلاغه نامید و اسم باهسمی ولفظ بامعنی مطابق آمد **فجزاه الله عن العلماء خیرالجزاء** . انتهی .

و آن اشعار اینست :

نهج البلاغه روضة ممطورة — بالنور من سبحات وجه الباری
او حكمة قدسية جليت بها — مر آة ذات الله للنظـار
او نور عرفان تلالا هادیاً — للعالمین مناهج الا برار
اولجة من رحمة قد اشرقت — بالعلم فهی تموج بالانوار
خطب روت الفاظها عن لؤلؤ — من مائه بحر المعارف جار
و تهللت كلماتها عن جنة — حفت من التوحید بالنوّار
وكانها عین الیقین تفجرت — من فوق عرش الله بالانهار
حكم كامثال النجوم تبلجت — من ضوء ماضمنت من الاسرار
كشف الغطاء بیانُها فكانها — للسّامعین بصائر الابصار
وتری من الكلم القصارجوامعاً — یغنیك عن سفر من الاسفار
لفظ تمد من الفؤاد سواده — والقلب منه بیاض وجه نهار
وجلی عن المعنی السواد كانه — صبح تبلج صادق الاسفار
من كل عاقلة الكمال عقیلة — تشتاف فوق مدارك الافكار
عن مثلها عجز البلیغ واعجزت — ببلاغة هی حجة الاقرار
و اذا تاملت الكلام رایته — نطقت به كلمات علم الباری
و رایت نهراً بالحقائق طامیاً — من موجه سفن العلوم جواری
ورایت ان هناك براً شاملا — وسع الانام كدیمة مدرار
ورایت ان هناك عفو سماحة — فی قدرة تعلو علی الاقدار
ورایت ان هناك قدراً ماشیاً — عن كبریاء الواحد القهار
قدر الذی بصفاته وسماته — ممسوس ذات الله فی الاثار
مصباح نور الله مشكوة الهدی — فتاح باب خزائن الاسرار
صنوالرسول وكان اول مؤمن — عبد الاله كصنوه المختار
و به اقام الله دین نبیّه — واتم نعمته علی الاخیار .

پیش از این گفته شد کــه جمعی جمع و تألیف نهج البلاغه را بسیّد مرتضی نسبت داده اند و این نسبت بر خلاف حقیقت است و گویندگان حتّی یك دلیل و برهان هم برمدّعای خویش ندارند ولی گذشته از اتفاق همه شراح در ازمان و اعصار مختلفه و تمام امامیّه بر اینکه این جمع و انتخاب از سیّد رضی موسوی ره میباشد خود این سیّد جلیل درتفسیر قرآن کریم که « حقایق التّأویل » نام دارد نظیرمطلبی رابه کتاب نهج البلاغه مؤلّفهٔ خویش که موضوع آن خطب و مکاتیب وکلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علی بن ابـی طالب علیه السّلام میباشد حواله نموده

(بصفحه (۱۶۷) این تفسیر که اخیراً در نجف اشرف چاپ شده مراجعه گردد)
و نیز در کتاب « المجازات النبویّه » مکرّر نظائری برای کلام مقدّس نبوی به
این کتاب نهج البلاغه که مؤلّفه خویش میباشد حواله نموده (بصفحه ۲۲ ، ۴۱ ،
۱۲۷ ، ۱۶۱ ، ۲۵۲ چاپ بغداد مراجعه شود) و از علماء رجال نخستین کس که
تألیف نهج البلاغه را در ذیل شرح حال با مؤلّفات دیگر بسیّد رضی نسبت
داده **نجاشی** متوفی بسال ۴۵۰ میباشد که خود معاصر ایشان بوده و در ذیل
شرح حال علم الهدی سیّد مرتضی ره (ص ۱۹۳ چاپ هند) نگاشته که علم الهدی بسال
۴۳۶ وفات نمود و من متولّی غسل ایشان گردیدم و شیخ طوسی ره که نیز معاصر
با این دو برادر بوده وبنقل روایاتی از آنها پرداخته در فهرست خویش فقط نام
سیّد مرتضی علم الهدی را برده و شرح حال و مؤلفات ایشانرا نگاشته و ندانم
چرا نامی از سیّد رضی نبرده و نامی هم از نهج البلاغه در مؤلّفات سیّد مرتضی
نیاورده و این نیز بهترین دلیل بر اینست که این کتاب تألیف این سیّد جلیل
نیست و الّا با اهمیّت زیادیکه دارد و توجّهی که امامیّه مخصوصاً باین کتاب
دارند اگر ازمؤلّفات سیّد مرتضی بود ممکن نبود که شیخ آنرا یاد ننماید و پس ازنجاشی
ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ درمعالم العلماء (ص ۴۴ چاپ آقای اقبال آشتیانی)
نیز سیّد رضی را نام برده و تألیف نهج البلاغه را بایشان نسبت داده است .

سیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی در « ماهو نهج البلاغه » نگاشته‌اند که سیّد
(محمّد بن الحسین) رضی و سیّد (علی بن الحسین) مرتضی بمناسبت لقب جدّشان
ابراهیم مرتضی هردو به لقب **مرتضی** خوانده میشدند ولی چون محمّد ملقب به **الرضی**
گردید علم الهدی بلقب **مرتضی** اختصاص یافت و بدان مشهور گردید و پیش
از ایشان شیخ محمّد عبده ره در آخر شرح خویش بر این کتاب این مطلب را
ذکر کرده اند و این عبارت قسمی نگاشته شده که تصور میشود نقل از تاریخ
ابو الفدا میباشد ولی در آنجا ذیل نام سیّدین این مطلب نیست واحمد بن مهنّا متوفی
بسال ۸۲۸ در ص ۱۷۵ عمدة الطالب ومامقانی در ص ۳۵ ج ۱ تنقیح المقال لقب
ابراهیم جدّ رضی را مرتضی ضبط نموده اند.

چیزیکه مناسبت دارد در اینجا تذکّر داده شود اینست که ادوارد فاندیك
مؤلّف کتاب « اکتفاء القنوع عما هو مطبوع » در ص ۳۵۶ آن کتاب ، تألیف

نهج البلاغه را به سیّد مرتضی یا سید رضی نسبت داده و تصوّر نموده (در ص ۱۰۸) که بنام نهج البلاغه دو کتابست یکی در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت مولی علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام که گرد آوردهٔ سیّد مرتضی علم الهدی متوفی بسال ۴۳۶ یا سید رضی میباشد و دیگری نهج البلاغه در احادیث امامیّه تألیف سیّد رازی متوفی بسال ۴۰۶ در صورتیکه در میان مسلمین جز نهج البلاغه مشتمل بر خطب و مکاتیب و کلمات قصار مورد نظر و اهمیّت نیست و حتّی بدین نام کتاب دیگری نداریم و همین نهج البلاغه سیّد رضی است که علاّمه مجلسی رحمه الله در مقدّمه مجلّد اول بحار الانوار تذکّر داده که یکی از مآخذ اخبار کتاب ایشان بوده و پیش از فاندیك کسی دیگر سیّد رازی نام مؤلّف نهج البلاغه در اخبار امامیّه و متوفّی بسال ۴۰۶ را نشان نداده و تا کنون هم چنین کس و چنین کتابی درمیان ما امامیّه و دیگران مشهور نبوده و نیست و با کمال جرئت میتوانم گفت که فاندیك در این نسبت اشتباه کرده و نهج البلاغه مشهوریکه این شروح در تحت عنوان آن نگاشته میشود همان خطب و منشآت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است که بلحاظ کلام و بیان امام بودن اطلاق نام حدیث و خبر بر آن صادق میباشد و شیعه عبارات و جمل آنرا حدیث مأثور میدانند و بدان ترتیب اثر میدهند (فاندیك در ص ۱۸۰ نیز اشتباهاتی در مؤلّفین کتب حدیث امامیّه دارد و گوید که امامیّه صحاح ست را قبول ندارند و خود پنج کتاب در حدیث دارند و از آنجمله نهج البلاغه را بنحو فوق ذکر نموده، در صورتیکه ما چهار کتاب مهم در اخبار داریم و در این چهار قرن اخیر چهار کتاب دیگر در اخبار جمع آوری شده که بنام اربعه متأخّره معروف میباشند و در این موضوع در ص ۲۳۴ ج ۱ فهرست این کتابخانه شرحی نوشته ام.

دانشمند فقید فرید وجدی در «کنز العلوم واللّغه» از اشتباه فاندیك باشتباه افتاده و نهج البلاغه ای در حدیث امامیّه به سیّد رازی متوفّی بسال ۴۰۶ نسبت داده است.

عالم جلیل آقا شیخ علی اکبر نهاوندی دام عمره که اینك در مشهد مقدّس حضرت رضا سلام الله علیه مجاوراند نیز در ص ۱۲۵ جزء اوّل کتاب «الجنّة العالیه

والجعبة الغالیه » بنقل از « کنزالعلوم » فرید وجدی دو نهج البلاغه قائل شده واز اشتباه ایشان باشتباه افتاده اند .

سیّد جلیل هبةالدّین شهرستانی دام‌ظلّه در« ما هونهج البلاغه» (ص ۲۸)از « کتاب علی علیه السّلام » تألیف احمد صفوةالمورخین نقل نموده : آنانکه پیش از سیّد رضی میزیسته اند گفته اند که چند صد خطبه از این امام (علی بن ابی طالب ع) مأثور است . و نیز گوید : مسعودی متوفی بسال ۳٤٦ نوشته که‌از حضرت علی ع چهار صد و هشتاد و چند خطبه منقول است .

و نیز در ص (۳) « ماهو نهج البلاغه » نوشته شده مطالبیکه در نهج‌البلاغه جمع آوری گردیده عبارتست از (۲٤۲) خطبه یا منتخبی از آنها و بیاناتیکه بمنزله ونظیر خطبه میباشند . و (۷۸) مکتوب ووصایا . و (٤۹۸) کلمه از کلمات قصار.

سیّدرضی درمقدّمه نهج‌البلاغه‌چنین نگاشته اند : چون کتاب‌خصائص‌الائمّه‌را تألیف‌ودرانجام فصلی که راجع بحضرت‌علی بن ابی‌طالب علیه‌السّلام بودکلمات‌قصار وحکم منتخبه‌ای‌از آنحضرت مندرج ساختم، جمعی آنرا ازنظر گذرانیده وخواستار شدند کسه بجمع آوری خطب و دیگر آثار آنحضرت ع نیز مبادرت نمایم ، با استمداد و تکیه بخداوند شروع‌بجمع آوری شد و درسه باب بدین ترتیب مرتّب گردید : **باب اول** : در خطب و آنچه نظیر آنست . **باب دوم** : در نامه ها و وصایای آنحضرت بعمّال خویش و بدیگران . **باب سوم** : در کلمات قصار . و آنرا **نهج البلاغه**(۱) نام نهاده ودرآخر هر باب کاغذهای ننوشته گذارده ام تا اگر پس ازاین بر آثاری از آنحضرت دست یابم‌درجای مناسب آن گذارم(۲).

در آخر کتاب تاریخ این جمع و ترتیب را در ماه رجب سال ٤۰۰ هجری معیّن فرموده و این شرح راجع باین کتاب (نهج‌البلاغه) نیز در ماه رجب از

(۱) صاحب معجم‌المطبوعات در ص ۱۱۲٤ نام این کتاب را « نهج البلاغه و مشرع الفصاحه » ثبت نموده و ندانستم از کجا جمله « و مشرع الفصاحه » را بر نام اصلی کتاب افزوده است .
(۲) نسخ شماره (۲۹۲ و۲۹۳) کتابخانه رضویه که درص۹۶ و۹۷ فصل‌اخبار ج ۱ فهرست‌آن کتابخانه‌خصوصیات آنها ذکر گردیده و اولی بسال ۹٤۸ وآخری بسال ۷۲۹ نوشته شده ونسخه شمارهٔ (۳۰۸۳) این کتابخانه دارای اضافاتی‌استکه درنسخ دیگر نیست و کاتب آنها تصریح‌نموده که از روی نسخه‌ایکه در زمان مؤلف نگارش یافته استنساخ گردیده است .

سال ۱۳۵۶ ه . نگاشته شد .

چنانکه در ابتداء این بحث تذکّر داده شد نهج البلاغه از بدو تألیف مورد نظر و دقت دانشمندان عامّه و خاصّه بوده و گروهی از آنان بشرح و بسط آن پرداخته اند اینك هنگام آن شد که شروح آنرا ذکر و شرّاح را نام بریم .

در اینکه نخستین شارح نهج البلاغه کیست سه قول تا بحال بود و اینك قول چهارم را بنده افزود . ۱ ـ ابن ابی الحدید در مقدّمه شرح خویش گوید که فقط پیش از من قطب راوندی بشرح این کتاب پرداخته و در ص۴۴۳و۴۴۴ همین مجلد ترجمهٔ عین عبارات ایشانرا نقل کرده‌ام . ۲ ـ محدّث نوری ره در ص ۵۱۳ ج ۳ مستدرك الوسائل بیهقی را نخستین شارح معرّفی کرده و صاحب وقایع الایّام و سیّد شهرستانی بایشان اقتدا کرده اند . ۳ ـ سید اعجاز حسین در ص ۵۳ کشف الحجب علی بن ناصر معاصر سید رضی را نخستین شارح دانسته و آقای عبدالعزیز جواهر الکلام در ص ۱۴۴ ج ۱ فهرست معارف ایشانرا پیروی کرده اند .

نگارنده در کتب رجال و سیر شیعه و خصوصاً فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی که تا علماء قرن پنجم شیعه را شامل میباشند و در سائر کتب رجال چون روضات ، لؤلؤ ، تنقیح المقال ، امل الآمل ، مجالس المؤمنین و غیره بدین نام عالمی را معاصر سید رضی نیافت ولی نزدیك بآنعصر فقط بنام **علی بن ناصر** در طبقات الشافعیه سبکی (ج ۴ ص ۲۸۴) یکی را دیده که نامی از مؤلّفاتشان برده نشده و بترجمه عبارات آن کتاب مبادرت میشود:

علی بن ناصر بن محمّد بن ابی الفضل بن حفص النوقانی (۱) متولّد بسال ۴۷۶ و متوفی بسال ۵۴۹ ازفقهای شافعی مذهب و مدرّس در شهر مشهد بوده است .

۴ ـ قول نگارنده است که نخستین شارح **امام وبری** میباشد که معاصر با بیهقی بوده و ایشان در شرح خویش از آن شرح نقلهائی دارند و عین عبارات بیهقی در شرح خود اینست:

وَ مِمَّنْ سَمِعْتُ خَبَرَه وَ عایَنْتُ آثَرَهْ وَلَمْ اَرَهْ الامام احمد بن محمّد الوبری اَلْمُلَقّب بالشیخ الجلیل وَ قَدْ شَرَحَ مِنْ طَریق مُشْکِلاتِ

(۱) نوقان یکی از محلات شهر مشهد فعلی میباشد که پیش از بنای شهر یکی از دهات طوس بود و یاقوت گوید نیز بدین نام دهی در نیشابور است .

نَهجِ البَلاغهْ شَرحاً آنا اوردُه و اُنسبه اِلَیْه وَ اُثنی عَلَیْه وَاللّه تعالی ولیٌّ التّوْفیقْ وَ مُعینُ اَهْلِ التّحْقیق .

و از عبارات فوق برمیآید که شرح وبری بر تمام نهج البلاغه نیست و اختصاص به جمل و مطالب مشکله آن دارد و این اختصاص موجب عدم ذکر آن در شمار شروح نخواهد بود ونظائری دارد.

پس از محدّث نوری رحمة الله علیه عالم متتبّع محمّد محسن طهرانی ایّده الله تعالی مشهور به شیخ آقا بزرگ ساکن سامراه در «الذریعه الی تصانیف الشّیعه» وسیّد جلیل هبة الدّین شهرستانی وحاج ملاعلی واعظ تبریزی در وقایع الایّام وجواهر الکلام در فهرست معارف شروح نهج البلاغه را نام برده وهر متأخّری بر شروحی چند دست یافته که متقدّم بروی از آن خبری نداشته ما برای اینکه این شرح که در اطراف این کتاب نوشته میشود تاحدّی جامع باشد تمام شروح را بترتیب تألیف نام میبریم وهر یك را که فقط در یکجا نام برده شده تصریح خواهیم نمود .

۱ ـ شرح امام وبری

احمد بن محمّد الوبری، چنانکه گذشت معاصر بیهقی بوده ودر شرح وی و شرح ابن عتائقی قسمتهائی از این شرح دیده میشود وفقط نگارنده به آن آگاهی یافته است .

۲ ـ شرح بیهقی

ابو الحسن علی بن ابو القاسم زید بن الحاکم متوفی بسال ۵٦٥، وبنا بتصریح شارح در آخر شرح در جمادی الاولی سنه ۵۵۲ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه‌ای از این شرح اینك در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و در معجم الادباء (ج ۵ ص ۲۱۱) نوشته شده : بیهقی در **مشارب التجارب** گوید: ونیز از مؤلفات من «معارج نهج البلاغه وهو شرح الکتاب» میباشد الخ .

۳ ـ شرح قطب راوندی

ابو الحسین سعید بن هبة الله متوفی بسال ۵۷۳ ، این شرح در دو مجلّد و نام آن « منهاج البراعه » و نسخه ای از آن بگفته آقای جواهر الکلام در کتابخانه سلطنتی طهران موجود است .

۴ ـ شرح قطب کیدری

ابو الحسن محمّد بن الحسین بیهقی معروف به قطب الدّین کیدری ،

این شرح بسال ۵۷۶ تألیف شده و نام آن « حدائق الحقائق فی فسر دقایق احسن الخلائق » میباشد و نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و درمقدّمه آن نوشته شده که این شرح‌را پس از دوشرح معارج و منهاج تألیف کرده ام ، صاحب روضات در ص ۶۵ ج ٤ قسمتی از مقدّمه این کتاب را نقل و این‌شرح‌رادوازده هزار بیت دانسته و گوید که این‌دوشرح (معارج ومنهاج) از قطب راوندی‌است‌و کسی‌جز ایشان‌و مؤلّف فهرست معارف‌تألیف‌دو شرح‌را بقطب راوندی‌نسبت‌نداده‌و صاحب‌مستدرك‌الوسائل‌معارج‌را باتصحیف بصورت «معراج» نقل‌نموده‌وفرماید که منهاج‌نام شرح‌قطب راوندی‌است ومعراج‌را ندانم‌از کیست .

چنانکه دانسته شد معارج نام شرح بیهقی است و جز سه شرح مذکور فوق مقدم‌برقطب راوندی‌شرحی دگرسراغ‌نیافته‌ایم که بتوان آنرا بنام « معراج » دانست .

۵ ـ شرح فضل‌الله راوندی

ابو الرضاضیاءالدین‌سیّدفضل‌الله‌راوندی که‌معاصرسمعانی مولف‌الانساب(۵۰۲- ۵۶۲) بوده، ابن عتائقی درشرح خود شرح عبارات ومطالبی ازنهج البلاغه را ازایشان‌نقل نموده وصاحب روضات درص ۳۰۲ درذیل قطب راوندی از ریاض العلماء آورده که بعضی‌اشتباه کرده‌وتألیف شرح‌نهج البلاغه‌را بهابی‌الرضا فضل‌الله بن علی حسینی راوندی نسبت داده‌اند .

نگارنده معتقد است که ایشان‌را نیزشرحی برنهج بوده وابن‌عتائقی به‌تصریح خود مطالبی‌را از آن کتاب گرفته ونسبت اشتباه صاحب روضات راجع بوجود این شرح اشتباه‌است .

٦ ـ شرح مهابادی

افضل الدّین ابو الحسن بن علی بن احمد المهابادی ، بنا بضبط مؤلف فهرست معارف مؤلف آن بسال ۵۸۵ وفات یافته است .

۷ ـ شرح امام فخر رازی

قفطی درص۱۹۲ تاریخ‌الحکما بدین‌تألیف تصریح نموده و صاحب مستدرك ودیگران نیز آنرا ذکر و امام در سال ٦۰٦ وفات کرده است .

۸ ـ شرح ابن ابی‌الحدید

از این‌شرح درص ٤۱ تا ٤۷ همین مجلّد معرّفی کامل شده وبسال ٦٤۹ تألیف آن خاتمه یافته است .

۹ ـ شرح سید بن طاوس

رضی‌الدّین علی متوفی بسال ٦٦٤ در کشف الحجب ذکرشده وحاجی نوری نیزدرمستدرك آورده اند .

۱۰ - ۱۱ - ۱۲ ـ شروح ابن میثم

کبیر ، متوسط و صغیر ـ از این شروح در ص ٤٩ تا ٥٤ همین مجلّد معرّفی کامل شده و آقای شیخ جواد عراقی که‌ازوعاظ معروف طهران میباشندمدّعی‌اند که شرح صغیر ابن میثم را در بروجرد دیده اند ولی عقیدهٔ نگارنده همانست که در آنجا نگاشت و تألیف شرح کبیر بسال ٦٧٧ میباشد .

۱۳ ـ شرح علامه حلی

حسن بن یوسف بن مطهرحلّی‌ره‌متوفی‌بسال ٧٢٦ ، درفهرست معارف آمده چنانکه از خلاصة الاقوال بر می آید شرحی است مختصر و در بعضی ازنسخه‌های خلاصه‌بنام « مختصر شرح نهج البلاغه » ذکر گردیده و مؤلّف کشف الحجب گفته که از شرح ابن میثم بحرانی مختصرشده . و بگفته‌آقای‌جواهر الکلام‌نسخه آن نزد میرزا محمّد باقرخونساری موجود است .

۱۴ ـ شرح یحیی بن حمزه

سیّدشهرستانی‌این شرح را نام برده وگوید : یحیی‌بن حمزةالعلوی‌امام زیدیّه بوده و بسال ٧٤٩ وفات یافته و این شرح شامل تفسیر لغات نهج البلاغه است .

۱۵ ـ شرح بنام « نفائس »

این‌شرح ازعلماء عامّه ونسخه‌ای از آن که بسال ٧٥٩ نوشته شده درکتابخانه حضرت رضا ع در مشهد موجود است (ج ۱ فهرست ص ۹۹ فصل‌اخبارخطی) .

۱٦ ـ شرح تفتازانی

سعدالدّین مسعود بن عمر تفتازانی ٧١٢ / ٧٢٢ — ٧٩١ / ٧٩٢ / ٧٩٣ ، که از علما و ادباء معروف قرن هشتم هجری و عامّی مذهب بوده اند .

۱۷ ـ شرح ابن عتائقی

عبد الرّحمن بن محمّد بن ابراهیم المشهور به ابن عتائقی ، که از علماء قرن هشتم هجری بوده و مذاق حکمی و عرفانی داشته و نسخه‌ای از این شرح را که مشتمل برشرح ثلث نهج البلاغه میباشد نگارنده دارد (از ابتداء شرح‌خطبه‌ایکه

دراستسقاءایراد فرموده و آغاز آن اینست : اَلاٰ وَ اِنَّ الْاَرْضَ اَلَّتِي تَحْمِلُكُمْ و چند سطری ازشرح خطبه سابق بر آن خطبه‌را نیز دارا است‌تاآخر شرح وصیّة و دستوریکه به یکی ازمتصدّیان صدقات مرقوم گردیده وبدین عبارت سیّدرضی‌ره آنرا شروع‌فرموده:وانّما ذَكَرنا جُمَلًا هٰهُنا لِيُعْلَمَ بِهٰا اَنَّه علیه‌السّلام الخ) .
شارح بمناسباتی درچندمورد ازاین قسمت سال شرح هرقسمت ازاین کتابرا تذکّر داده ونخستین تاریخ آن‌بسال ۷۷۷ ودرذیل کلمه « وانه سیأتی زمان» ازخطبه‌ایکه آغازآن‌این‌عبارت : «فبعث محمّداً صلی‌الله‌علیه وآله بالحق‌لیخرج به عباده» میباشد و آن اینست : « فان خفاء الحق وظهور الباطل امر ظاهر ولا سیّما فی زماننا هذا و هوسنةسبع وسبعین وسبعمائه فانه ظهر فیها الخ» . وآخرین آنها بسال ۷۸۶میباشد وآن درذیل شرح خطبه ایستکه درذکر ملاحم میباشد و اغاز آن خطبه اینست : «الا بابی وامّی هم من عدّة الخ» وعبارت مشتمل برتاریخ این : « ومن سنة سبع وسبعین وسبعمائه وقع فی‌بلاد العراق والعجم تشویشات‌ووقوع اشیاء لایعبر عنهاولا یحصی کثرة الی هذه السنة التی نحن فیها و هی سنة ست و ثمانین فان الحرام صار خالصاًغیر ممزوج بالحلال الخ » .

نگارنده با مطالعه مکرّر در بیشتر ازصفحات آن چنین یافت که این‌دانشمند درهنگام‌تألیف این‌شرح شروحی چند ازنهج البلاغه را در دست داشته‌وگذشته از آنها کتب دیگر چون صحاح ست و الاستیعاب تألیف ابن عبدالبر و تاریخ کبیر محمّدبن جریر طبری و کتاب‌شفاومقامات‌العارفین‌ازاشارات ورساله‌الاضحویه (رساله معادیه) از تألیفات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا و ربیع الابرار زمخشری و کتاب‌المعارف‌وکتاب‌غریب‌الحدیث‌ابن‌قتیبه ومقاتل الطالبیّین ابوالفرج اصفهانی و کتاب الحیوان جاحظ وغیرازاین کتب درجلوچشم‌وی‌بوده‌وازآنهامطالبی‌رانقل و بدانها استشهاد کرده و از اخبار ائمّه اثنی عشر علیهم سلام الله الملك الاکبر در آن یافت میشود و شرح‌هائیکه شارح از آنها مطالبی را نقل نموده عبارتنداز شرح ابن ابی‌الحدید ، شرح ابن‌میثم ، شرح بیهقی ، شرح امام وبری ، شرح‌قطب کیدری ، شرح قطب راوندی وشرح سیّد فضل‌الله راوندی، بنابراین تحقیق معلوم

گردید آنچه صاحب ریاض العلما چنانکه در ص ۳۸۱ وقایع‌الایام از آنجا نقل شده از نوشتهٔ پشت نسخه ای از این کتاب که بدست ایشان رسیده نقل کرده و باستناد بآنجا تشکیل این شرح را از شروح ابن‌ابی‌الحدید و ابن میثم و قطب کیدری و قاضی عبدالجبّار شیعی دانسته‌اند مقرون بصحّت وتحقیق نیست چراکه **اولا**ـ این‌شارح‌مطالبی راکه از شروح و کتب‌مذکوره فوق‌نقل‌نموده کمتر از عشر کتاب میباشد واقوال آنهارابعنوان استشهاد و تأیید خویش آورده نه‌اینکه‌شرحی ساخته باشد که مطالب آن منتخبی از شروح مذکوره باشد چنانکه از آن‌عبارت نوشته شده‌بر نسخه صاحب ریاض بر میآید و **ثانیاً** اینکه‌دراین نسخهٔ نگارنده‌برای نمونه یك بار هم نامی از عبدالجبّار نیست بنابر این تصوّر میکنم یادداشت کننده بدون‌دقت دراوراق کتاب‌مراجعه مینموده ونام «ابن‌عبدالبر» مؤلّف‌الاستیعاب‌را دیده‌درابتداء‌نظر تصوّر نموده که‌عبدالجبّار بوده وهمان‌تصوّر خویش‌را نگاشته است وگرنه چرا در نسخهٔ نگارنده که تقریباً ثلث شرح نهج البلاغه ابن عتائقی میباشد ابداًنامی‌ازاین‌شرح‌وشارح‌آن (بادقت ومطالعه مکرر) دیده نشد **ثالثاً** اگر نویسنده پشت آن نسخه این شرح‌را مطالعه کرده بود‌بمطالبیکه از شروح دیگرو کتابهای نام برده شده در این کتاب موجوداست نیز خبری میداد.

بنا بر آنچه گفتیم و اینکه صاحب ریاض العلما نوشته و صاحب روضات بایشان اقتدا نموده و محدّث نوری شهادت داده اند در کتب رجال و سیر نامی از عبدالجبّار شارح نهج البلاغه نیست و مدرك آنهائیکه یکی از شروح را شرح عبدالجبّار دانسته‌اند فقط نوشته پشت آن نسخه بود که آنرا رد کردیم بنابراین بر آنم که عبدالجبار شیعی‌نداریم تااو را شرحی بر این کتاب باشد ودراینجا نامی از آن نخواهیم برد.

ابن عتائقی در این شرح تفصیل مطلبی را به کتاب تفسیر خویش که بنام «الوجیز» بوده حوالت داده، شاید این تفسیر «مختصر تفسیر علی‌بن ابراهیم» باشد که صاحب‌روضات آنرا ازمؤلّفات ایشان دانسته و یا کتابی دکر ازمؤلّفات ایشانست چنانکه ظاهر هم نظر دوّم را تأیید میکند.

۱۸ - شرح محمد بن حبیب الدین

شرح محمد بن حبیب الدین احمد حسنی حسینی بگفته مؤلف فهرست معارف در ص ۱٤٦ بسال ۸۸۱ تألیف آن خاتمه یافته (این تاریخ در الذریعه است) و نگارنده نسخه آنرا سراغ ندارد

۱۹ - شرح الهی اردبیلی

جلال الدّین حسین بن خواجه شرف الدّین عبدالحق اردبیلی معروف به الهی معاصر شاه اسمعیل صفوی بوده و نهج البلاغه را بسال ۹۰۵ بفارسی شرح و ترجمه نموده و بگفته آقای تربیت (ص ٤۸ دانشمندان آذربایجان) نسخه‌ای از این شرح در کتابخانه اسعد پاشا در شهر اسلامبول موجود و نام آن « منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه » میباشد .

۲۰ - شرح قوام الدین شیرازی

قوام الدّین یوسف شیرازی معروف به قاضی بغداد از شاگردان ملاّ جلال دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ بوده و در اوائل سلطنت سلیم خان(۹۱۸-۹۲٦) وفات کرده و این شرح را صاحب وقایع الایام از شقائق النعمانیه نقل نموده و در ص ۳۵۳ کتاب شقائق مذکور نوشته شده که پس مرگ مؤلّفات وی چون فرزندانش کوچك بودند از میان رفت .

۲۱ - شرح عز الدین آملی

معاصر شیخ عبدالعالی کرکی متوفی بسال ۹٤۰ میباشد که نیز بفارسی و در ص ۵۷ تا ۵۹ معرفی آن گردید .

۲۲ - شرح زواری

علی بن حسن زواری نهج البلاغه را بفارسی شرح و خود آنرا «روضة الانوار» نامیده و بسال ۹٤۷ در دو مجلّد تألیف آن خاتمه یافته و نسخه آن در کتابخانه رضویه در مشهد مقدس و کتابخانه مدرسهٔ مروی در طهران موجود است .

۲۳ - شرح عمادالدین استرابادی

مولی عماد الدّین علی قاری استرابادی از معاصرین شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸٤) بوده و مؤلف فهرست معارف از صاحب ریاض العلما نقل نموده که این شرح مانند حاشیه و تعلیقه بر نهج البلاغه میباشد .

۲۴ - شرح ملافتح‌الله کاشی

این شرح بفارسی و آنرا ترجمه نیز خوانند ومؤلّف بسال ۹۸۸ وفات یافته و در ص ۱٦ معرّفی از آن شد .

۲۵ - ترجمه شرح ابن ابی‌الحدید

چنانکه در ص ۱٤ و۱۵ گذشت شمس بن محمّدبن مراد بسال ۱۰۱۳ بترجمه شرح ابن‌ابی‌الحدید پرداخته وبر آن اضافاتی نموده ، صاحب وقایع‌الایام ازصاحب ریاض العلما نقل نموده که وی گوید : شمس‌بن محمد بن مراد از علمای عصرما بلکه در عصر خود ما بوده وشرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را در زمان شاه سلیمان بامر **درویش بن مظفر** بفارسی ترجمه کرده و ترجمه مجلّد اوّل آنرا در اصفهان دیده‌ام . از کیفیّت عبارت نویسی صاحب ریاض نگارنده را بنظر میرسد که اطلاع درستی از این مؤلّف نداشته و نسخه‌ای از این ترجمه را که در عصر سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) بامر درویش بن مظفّر نویسانده بوده‌اندیده وتصوّر نموده که‌مؤلّف درهمان زمان بوده وتاریخ تألیف‌فوق که نسخهٔ آقای حاج محتشم السّلطنه (حسن اسفندیاری) دارای آنست بهترین‌مؤیّد نویسنده است ونام این‌مترجم (شمس بن محمّدبن‌مراد) را که‌مسلّماًشیعه بوده‌در کتب‌رجال نیافتم .

۲٦ - شرح و ترجمه نور محمد

نور محمّدبن قاضی عبدالعزیزبن قاضی طاهر محمّد محلّی که ازعلماء عامّه بوده، چنانکه درآخر شرح خود تصریح نموده‌بسال ۱۰۲۸ نهج البلاغه را بفارسی‌شرح و ترجمه کرده و شارح بکتب فلاسفه و آراء آنها آشنائی داشته و بمناسبت در ذیل شرح بعضی از فقرات از خطب و کلمات بنقل آنها پرداخته و با عرفان نیز سر وکار داشته ومطالبی عرفانی دراین شرح جا داده و مطالبی از قطب‌راوندی نقل کرده و بردّ آن مبادرت نموده ، نسخه‌ای از این شرح اخیراً جزء کتب‌این کتابخانه شده و قسمتی از اوائل آن افتاده و چون کتب دیگریکه با این نسخه واردشده،نظم‌وترتیب آنهاانجام‌نیافته،خصوصیّات‌نسخه رادراین‌جلد ذکرننمودیم.

۳۷ - شرح نظام‌الدین گیلانی

این شرح چنانکه ذیل شرح ابن میثم در ص ۵۳ گذشت نسخه آنرا آقای تربیت دارند و مختصر شرح ابن میثم بحرانی میباشد، نظام‌الدین گیلانی ملقّب به حکیم‌الملك باختصار آن پرداخته و مختصر اضافاتی نیز ازخود درشرح وبسط نهج البلاغه دارد وبسال ۱۰۳۶ این اختصار خاتمه یافته و آنرا «انوارالفصاحه واسرارالبلاغه» نامیده است.

۳۸ - شرح عبد الباقی صوفی

این شارح از خطّاط های معروف عصر شاه عباس کبیر بوده و بگفته آقای تربیت در ص ۱۴۴-۱۴۶ دانشمندان آذربایجان ازاهالی تبریز و **دانشمند** تخلّص میجسته و بسال ۱۰۳۹ وفات یافته و صاحب مستدرك الوسائل ازریاض العلما نقل نموده که این شرح فارسی و مفصّل میباشد ولی توفیق براتمام آن نیافته و مؤلّف را میل زیادی بمسلك تصوف است.

درفهرست رضویه قسمتی ازاوائل شرحیکه بنام «منهاج الولایه» نامیده شده موجود و باین دانشمند نسبت داده شده، نگارنده سه نسخه دیگر از این کتاب را دیده یکی از آنها که مشتمل بریازده باب ازاین کتابست واندکی ازباب یازدهم وباب دوازدهم راندارد، متعلّق بحضرت آقای حاج میرزاعبدالحسین ذوالرّیاستین شیرازی دام‌عمره قطب فعلی سلسله نعمت اللّهی میباشدو نسخه دیگر یکه باب دوازدهم راکه درادعیه نهج البلاغه میباشد، بدون شرح دارا بود دیده و آنرا آقای امیری فیروزکوهی که جوانی صاحب ذوق وشاعر میباشد خریداری کرده‌اندو نسخهٔ سوّم راکه مشتمل برسه باب اوّلیّه این کتاب میباشد دانشمند معاصر آقای سید عبدالرّحیم خلخالی دارندو ازلحاظ خط نفیس است.

شارح مطالب نهج البلاغه را دوازده نوع بتفصیل ذیل نموده و هریك را در بابی قرار داده و بشرح آن پرداخته و در آن بنقل عین کلمات محقّقین از عرفا چون صدرالمحقّقین (صدرالدین قونوی) وابن العربی و سیّد علی همدانی مبادرت نموده و باشعار سعدی و حافظ و ابن فارض و قاسم (ظاهراً قاسم انوار باشد) و عطّار و گلشن راز تمثّل جسته و از تفسیر کشّاف و کتب عرفانی و غیره نقلهائی دارد.

فهرست ابواب این شرح اینست : ۱ ـ در توحید ذات و اسماء و صفات و تحمیدالله . ۲ ـ در مناقب حضرت پیغمبر وآل وی علیهم السلام . ۳ ـ در شرف علم وهدایت و اصناف علما . ٤ ـ در تقوی و صفات متقین وشعار اولیاء و صالحین . ٥ ـ در ظرائف حکم ولطائف امثال آداب و شیم . ٦ ـ در وصایا و نصایح شافیه و مواعظ و زواجر . ٧ ـ دراعراض از دنیای فانی و اقبال به آخرت که باقی است . ٨ ـ در مذمت از تکبر وتفاخروحسد وسرزنش متکبرین و متفاخرین . ٩ ـ در بدگوئی از ستم و ستمکاران وهرکس که مخالف راه نمائی وآئین است . ١٠ ـ در قوانین عدالت و سیاست ومملکت داری . ١١ ـ در معادن و احوال مرگ و قبر و حشر و قیامت ودرآمدن به بهشت . ١٢ ـ دعاهائیستکه در نهج البلاغه از انشاء آنحضرت ع میباشد و این شرح بدعا ختم گردیده است .

این شرح بفارسی است ولی شارح عباراتیکه از کتب عرفا نقل نموده بعربی است و در مقدمه نامی ازمؤلف نیست، بامطالعه مختصری که در خودشرح گردید آثاری دیگر ازمؤلف بدست نیاوردم وبقرینه اینکه شرحی است موافق مذاق عرفان و تصوّف و باب آخر آنهم بدون شرح مانده و نشانه ایکه صاحب ریاض العلما از شرح عبدالباقی داده بود، نگارنده احتمال مؤلف فهرست رضویّه را در نسبت این شرح (منهاج الولایه) به عبدالباقی صوفی قوی دانست واین شرح را که فهرست ابواب آن گذشت از او میداند . ولی بر نسخه آقای امیری نوشته شده که این شرح از کاشفی است و دلیلی براین نوشته درخود نسخه نگارنده نیافت .

۲۹ - شرح طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که ازشاگردان مرحوم مجلسی (ظاهراً مجلسی اوّل) بوده و صاحب رساله در رجعت بفارسی میباشد شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

۳۰ - شرح شیخ حسین عاملی

در امل الآمل نگاشته شده که شیخ حسین بن شهاب الدّین عاملی کرکی متوفی بسال ۱۰۷۷ شرحی بزرگ برنهج البلاغه نگاشته است .

۳۱ - شرح فخرالدین

فخرالدین عبدالله بن المؤیدبالله شرح ابن ابی الحدید را مختصر نموده وآنرا « العقدالنضید ـ یا ـ الدّر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است .

۳۲ - شرح محمد صالح روغنی

این شرح در ص ۶۳ تا ۶۶ مفصّلاً از آن معرّفی شد و پیش از سال ۱۰۸۸ تألیف یافته‌و بهترین شرح‌فارسی بر نهج‌البلاغه است .

۳۳ - شرح سید ماجد بحرانی

سیّد ماجد بن محمّد حسینی بحرانی ره از علمای عصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و معاصر صاحب امل‌الآمل بوده وازعبارات امل‌چنین برمیآید که پیش از اتمام امل‌الآمل (سال ۱۰۹۷) وفات یافته و ایشان گویند این شرح ناتمام مانده است .

۳۴ - شرح کجکجی

این شرح را شیخ محمّد مهدی بن ابی تراب مشهدی کجکجی بفارسی تألیف و در سال ۱۰۹۷ خاتمه یافته و بگفته آقای جواهرالکلام در فهرست معارف نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا ع موجود است .

۳۵ ، ۳۶ - دو شرح گلستانه

سیّدعلاء الدین محمّد گلستانه متوفی‌بسال ۱۱۰۰ دوشرح بر نهج‌البلاغه نگاشته یکی مختصر و تمام که نام آنرا « بهجةالحدائق » گذارده‌ودیگری مفصل‌وناتمام که نام آن «حدائق‌الحقایق» میباشد ودرص ۶۰ تا۶۲ معرّفی کامل از شرح‌بزرگ گلستانه گردید .

۳۷ - شرح جرموزی

سیّدحسن‌بن مطهر بن‌حسین جرموزی یمانی متوفی بسال ۱۱۱۰ نهج‌البلاغه‌را شرح نموده وسیّد شهرستانی آنرا از کتاب « الذریعه الی تصانیف الشّیعه » بنقل از کتاب نسمة السّحر نقل نموده است .

۳۸ - شرح سید جزایری

شرح سیّد نعمت‌الله جزائری متوفی بسال ۱۱۱۲ بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف، در سه‌مجلّد میباشد .

۳۹ - شرح محمد رفیع جیلانی

رفیع‌الدین محمّدبن فرج گیلانی متوفی بسال ۱۱۶۰ یکی ازعلما و زهّادبوده ودرشهر مشهدمقدّس‌تدریس‌مینموده‌و صاحب فهرست‌معارف نوشته‌اند که‌این‌شرح

جامع میان شرح ابن ابی‌الحدید و شرح ابن میثم بحرانی است .

۴۰ ، ۴۱ - دو شرح شبر

سیّد عبدالله شبّر متولّد بسال ۱۱۸۸ و متوفی بسال ۱۲٤۲ از علماء امامیّه و دانشمندان ومفسّرین قرن‌سیزدهم هجری بوده ودر کاظمین وفات یافته، دوشرح بر این کتاب نگاشته‌و گفته‌اند یکی چهل‌هزار بیت‌و دیگری سی‌هزار بیت کتابت‌دارد.

۴۲ - شرح لاهیجی

این شرح از محمد باقر لاهیجی مشهور به‌نواب و بفارسی است ، تألیف آن بسال ۱۲۲٦ خاتمه یافته وبنام ترجمه‌نیز خوانده‌میشود ودرص۱۷و۱۸معرّفی از آن گردید.

۴۳ - شرح امام جمعه طهران

میرمحمّد مهدی امام جمعه طهران ره متوفی بسال ۱۲٦۳ شرحی بر نهج‌البلاغه دارند و درص ۵۵ و ۵٦ معرّفی‌از آن نمودیم .

اخیراً استاد محترم این دانشکده آقای سیّد محمّد مشکوة پنج مجلّد از شرح فارسی بر نهج البلاغه نزد نگارنده فرستاده‌اند که در آن دقت نموده وبگویم‌از کیست، پس از مدتی مطالعه ازخود کتاب بدست آمدکه مؤلف آن از طرف مادر بحضرت علامهٔ مجلسی منتسب میباشند و ازلحاظ اینکه بیشتر ازمطالب‌ترجمه عین عبارت شرح ابن عتائقی میباشد بی اهمیّت نیست وازمقایسه این مجلّدات‌با قسمتی‌ازشرح‌امام‌جمعه طهران که‌دراین کتابخانه‌موجوداست‌ونسبت‌ایشان‌ازطرف مادربه‌مجلسی ثابت‌میشود که این مجلّدات بقیّه‌آن‌شرح‌میباشد ودریکی‌ازاین مجلّدات دیدم‌که مؤلف‌گوید مراکتابی‌درامامت وغزوات بنام «تکملة الحیات» میباشد و مطالبی‌را بدانجا حوالت نموده‌ولی این کتاب وحتی‌نام آنر جائی نیافتم واین‌پنج مجلّد درحدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد .

۴۴ - شرح سید محمدتقی

محمّد تقی بن الامیر مؤمن قزوینی متوفی بسال ۱۲۷۰ بر نهج البلاغه شرحی نوشته و مؤلف فهرست معارف گوید که بسال ۱۲٦۸ مجلّد اوّل آنرا باتمام رسانیده است .

۴۵ - شرح محمد صالح برغانی

حاجی محمّد صالح برغانی قزوینی برادر ملاّ محمّد تقی شهید ثالث و پدر قرّة العین معروفه است که پیرو میرزا علی محمّد باب گردید ، پدر و عمو را بکشتن داد و ازاین رو عمویش معروف به شهید ثالث گردید و صاحب روضات گویند که هردو برادر درحدود سال ۱۲۷۰ بمردن و کشته شدن دعوت حق را اجابت گفته‌اند ، مؤلف وقایع الایام فقط این شرح را نام برده و درجای دیگر نامی از آن نیست ، آقای تربیت گویند که این شرح بفارسی میباشد و محمّدعلیشاه قاجار در هنگام ولیعهدی خویش با حروف سربی در شهر تبریز آنرا چاپ و مجّاناً بعلما و دانشمندان داده است ، ولی بدبختانه با تفحّص زیاد نگارنده در طهران نسخه‌ای از آنرا نیافت .

۴۶ - شرح خوئی (الدرة النجفیه)

مؤلف این شرح میرزا ابراهیم بن حسین بن علی خوئی میباشد که بسال ۱۳۲۵ در مشروطیّت کشته شده و صاحب مستدرك ازایشان به «الفاضل المعاصر» تعبیر نموده و بسال ۱۲۹۱ تألیف آن خاتمه یافته و بسال ۱۲۹۳ در تبریز چاپ شده و نام آنرا « الدرة النجفیّه » گذارده است . و کتابی این مؤلف در رجال بنام « تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال » دارند .

۴۷ - شرح دزفولی

چنانکه در ص ٤٥ و ٤٦ گذشت حاج نصرالله بن ملاّ فتح الله دزفولی بامر ناصرالدّین شاه قاجار شرح ابن ابی‌الحدید را بفارسی ترجمه نموده و پس از هر قسمت از ترجمه کلمات نظریه خویش را درشرح آن کلمات بیان نموده و بسال ۱۲۹۲ این ترجمه و شرح خاتمه یافته و در صفحات مذکوره این فهرست برخی از مجلّدات این شرح را در کتابخانه استاد آقاسیّد محمدمشکوة نشان دادیم .

۴۸ - شرح شیخ محمد عبده

شیخ محمّدعبده مصری متوفی بسال ۱۳۲۳ از افاضل عصر اخیر و ازشاگردان سید جمال‌الدین اسدآبادی همدانی ایرانی معروف به افغانی بوده و این شیخ جلیل از مشاهیر علماء عامّه‌اند وشرح ایشان حلاّل الفاظ مشکله ولغات غریبه نهج البلاغه میباشد ونخستین بار بسال ۱۸۸۵ م دربیروت چاپ و تا کنون بارها درذیل نهج البلاغه چاپ گردیده است .

۴۹ - شرح خوئی

سید حبیب‌الله بن محمّد هاشم هاشمی علوی موسوی خوئی شرحی بر نهج‌البلاغه نگاشته و نام آنرا نیز « منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه » گذارده و شش مجلّد از این شرح چاپ شده و مجلّد ششم آن تا شرح دویست و نهمین کلام یا خطبهٔ حضرت که باین جمله آغاز شده : (ان فی ایدی الناس حقاً و باطلا) میباشد و تاریخ اتمام مجلّد پنجم را مؤلف بسال ۱۳۱۷ ضبط نموده و مجلّد ششم بی تاریخ مانده و این مجلّد در سال ۱۳۵۲ و مجلّدات دیگر پیش از این تاریخ چاپ گردیده و از مجلّدات دیگر این شرح خبر و اثری نیافتم و این شرح یکی از شروح مفصّله نهج‌البلاغه میباشد و ترجمه فارسی نهج البلاغه را نیز داراست .

۵۰ - شرح شیخ جواد طارمی

شیخ جواد بن محرم علی طارمی متوفی در زنجان بسال ۱۳۲۵ میباشد و صاحب وقایع‌الایام گویند که نام این شرح « شرح الاحتشام علی نهج بلاغة‌الامام » است .

۵۱ - شرح جهانگیرخان قشقائی

قشقائی یکی از ایلات ترك ایران است که در فارس متوطن میباشند و جهانگیرخان از علما و حکمای اخیر ایران بشمار میرود و اصفهانرا برای تحصیل اختیار کرد و تا آخر عمر در آنجا بود و از اساتید حکمت در این عصر شمرده میشد و شیخ اسدالله گلپایگانی در کتاب « شمس‌التواریخ » وفات ایشانرا بسال ۱۳۲۸ ثبت کرده است .

۵۲ - شرح مرصفی

محمّدحسن نائل مرصفی نیز از فضلاء اخیر کشور مصر میباشند و شرح ایشان بسال ۱۳۲۸ در مصر در ذیل نهج البلاغه چاپ شده و متکفل بیان و شرح لغات مشکله این کتابست و گاهی بمناسبت اشاره ای به قواعد علم معانی و بیان شده و اشعاری را بمناسبت مقام آورده‌اند و پیش از شروع بشرح ، مقاله مختصری راجع بلغات خصوصاً لغت عربی انشا نموده‌اند و چون دقت گردید مطالب و عبارات این شرح عین عباراتی است که مرحوم شیخ محمّد عبده مرقوم داشته‌اند ، در معجم المطبوعات ص ۱۷۳۳ مؤلفات دیگر این مؤلف (مرصفی) که چاپ گردیده‌اند ذکر داده شده ولی نامی از این شرح در آنجا نیست .

۵۳ - شرح شهرستانی

عالم جلیل معاصر سید هبةالدین شهرستانی دام ظلّه وزیر سابق معارف عراق که از مفاخر عالم تشیّع میباشند، چنانکه خود در « ماهو نهج البلاغه » آورده‌اند ، بر نهج‌البلاغه شرحی بنام « بلاغ المنهج » نگاشته و پس از ایشان کسی را سراغ نداریم که برتمام این کتاب شرح نوشته باشد.

٭٭٭

شروح مذکوره چنانکه پیدا است بترتیب سالهای تألیف مرتب گردید اینك شروحی دیگر را که مؤلف آن شناخته نشده و یا زمان تألیف آنرا بدست، نیاورده‌ایم مینگاریم :

۵۴ - شرح مختصر قدیمی

حاجی نوری ره در خاتمه مستدرك‌الوسائل نگاشته‌اند که شرحی بسیار کهنه و مختصر بر نهج‌البلاغه در مشهدمقدس ملاحظه فرموده ولی چون اوراقی ازاوّل آن افتاده بوده مؤلف آنرا نشناخته‌اند .

۵۵ - شرح المولوی الهندی

این شرح را سید شهرستانی در « ماهو نهج البلاغه » و در فهرست معارف آقای جواهرالکلام ذکر فرموده‌اند ، نام‌وزمان مؤلف را بدست نیاوردم .

۵٦ - شرح سید ذاکرالحسین

سیدذاکرالحسین اختر هندی‌دهلوی بتصریح‌مؤلف «الذریعه‌الی‌تصانیف‌الشیعه» بنام « نیرنلمت فصاحت » (کذا) بر نهج البلاغه شرحی دارد و سید شهرستانی وعبدالعزیزجواهرالکلام‌نیز آنرا نقل کرده‌اند .

۵۷ - شرح (منهاج الولایه)

شرحی نیز بنام « منهاج الولایه » بر نهج‌البلاغه نگاشته شده و سید شهرستانی بنقل از«الذریعه» گویند که مؤلف‌آن‌خطب نهج‌البلاغه‌را سه‌دسته‌نموده **قسم اول** در توحید و اصول دین . **قسم دوم** درمواعظ و عبادات . **قسم سوم** در اخلاق . نگارنده نیز بر نام مؤلف و عصر ایشان دست نیافت و آقای جواهرالکلام در فهرست معارف ج ۱ ص ۱٤٤ ذیل شروحی که بر اجزاء نهج‌البلاغه نوشته شده

این شرح را نام برده و گویند که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ نجف آبادی در نجف اشرف موجود است

۵۸ - شرح مختصر

شرح مختصری که جامع جمل مفیده از شروح قدیمی نهج‌البلاغه میباشد و سید شهرستانی از «الذریعه» نقل کرده‌اند که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ حضرت رضاعلیه‌السلام موجود است ولی نگارنده در فهرست آنجا نیافت .

۵۹ - شرح مزجی

سید شهرستانی از « الذریعه » نقل نموده که شرحی مزجی بر نهج البلاغه در کتابخانهٔ حضرت علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام موجود است .

۶۰ - شرح تحفة‌العلویه

فقط آقای جواهرالکلام درفهرست معارف این شرح را نام برده و گویند مؤلف آن **افصح‌الدین** میباشد تاریخ وزمان شرح وشارح بدست نگارنده نیامد .

۶۱ - شرح ابن‌العتقاء

مؤلف وقایع‌الایام از ریاض‌العلماء نقل نموده که ابن عتقاء ازعلماء عامّه بوده و این شرح را از چهار شرح جمع آوری کرده و در این جهت نظیر شرح ابن‌عتائقی است . نگارنده برنسخهٔ آن وزمان وعصرمؤلفش دست نیافت .

۶۲ - شرح اصفهانی

مؤلف وقایع‌الایام نیز ازریاض‌العلماء بنقل از کتاب «تحفة‌الابرار » تألیف سید حسین‌بن مساعد حائری گوید : اصفهانی را شرحی بر نهج‌البلاغه میباشد و او از علماء عامه بوده . عصروزمان مؤلف ونام وی واین‌شرح نیزبدست نگارنده نیامد .

۶۳ - شرح صنعانی

مؤلف وقایع‌الایام نیز از ریاض‌العلماء بنقل از « تحفة‌الابرار » مذکور گوید : صنعانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و چنین معلوم میشود که از علماء عامه بوده است . نام مؤلف وزمان حیاتش را بدست نیاوردم .

۶۴- شرح علی بن ناصر

مؤلف کشف الحجب و محدث نوری ره وسید شهرستانی و مؤلف وقایع الایام و مؤلف فهرست معارف شرحی بنام «اعلام نهج البلاغه» به علی بن ناصر نام نسبت داده اند ونگارنده چنانکه درص ۱۲۳ نگاشت باتفحص وتجسّس بزمان مؤلف و مکان نسخهٔ این شرح دست نیافت ولی از اینکه در کشف الحجب آغاز آن نقل گردیده معلوم میشود که مؤلف آن نسخه ای ازاین شرح را دردست داشته اند .

۶۵ - شرح محی الدین خیاط

محیی الدین خیّاط مطالبی را از شرح ابن ابی الحدید انتخاب و در بعضی از موارد نادراً اظهار نظر کرده و این شرح منتخب از شرح ابن ابی الحدید درذیل نهج البلاغه در دو مجلد دربیروت بدون تاریخ چاپ شده است .

۶۶ - شرح محمد محی الدین

محمد محیی الدین عبدالحمید که یکی از مدرسین و اساتید فعلی جامع الازهر وفضلاء کنونی کشور مصر میباشند ، نهج البلاغه را اخیراً (بدون تاریخ) با طرزی نیکو بضمیمهٔ شرح مرحوم شیخ محمد عبده چاپ نموده وجمله هائی که سیّدرضی آنها را در نهج البلاغه نیاورده و ابن ابی الحدید در شرح خویش آورده، دراین چاپ بر نهج البلاغه افزوده شده و این استاد محترم شرح و توضیحی که بعضی از جُمل و کلمات لازم داشته وشیخ محمد عبده در شرح خویش از آنها صرف نظر نموده باداء آن پرداخته‌اند .

☆☆☆

اینک هنگام آن رسید که ترجمه‌ها و شروحیکه فقط بربعضی ازخطب یا اجزاء دیگرنهج البلاغه نوشته شده در اینجا یاد شود :

دو شرح بر خطبةالبیان

خطبةالبیان یکی از خطب منسوبه بحضرت مولی علی بن ابی طالب سلام الله علیه است ، سید رضی ره آنرا معتبر ندانسته و در نهج البلاغه نیاورده ولی بعضی از دانشمندان آنرا ازآنحضرت میدانند ، از آنها شیخ رجب برسی است که‌ازعلماء

قرن نهم هجری میباشد، نگارنده دو شرح بر این کتاب را دارد ۱ - بفارسی تألیف محمد بن محمود دهدار فارسی است که بچاپ نرسیده و نام آن « خلاصة الترجمان فی تأویل خطبة البیان» است - ۲ - نیز بفارسی و تألیف میرزا ابو القاسم بن مجد الاشراف شیرازی متوفی بسال ۱۲۸٦ قطب سلسلهٔ ذهبیّه میباشد و بسال ۱۳٤۳ در مطبعهٔ احمدی شیراز چاپ شده و نام آن «معالم التأویل و التبیان فی شرح خطبة البیان » است .

شروح خطبه شقشقیه

این خطبه چنانکه در اوائل بحث راجع به نهج البلاغه نوشته شد از خطب مهمّهٔ حضرت مولی سلام الله علیه است و بعربی و فارسی شروح بسیار بر آن نوشته شده و نگارنده بر شروح ذیل دست و خبر یافته :

۱ - شرح سید محمد عباس شوشتری که از علماء قرن سیزدهم هجری و در هندوستان بوده و بفارسی میباشد و بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است .

۲ - تعلیقات و حواشی همین مؤلّف بر این خطبه بعربی است که در حاشیهٔ نسخه چاپ شده نگاشته شده .

۳ - شرح سیّد مرتضی علم الهدی علی بن الحسین رحمة الله علیه متوفی بسال ٤۳٦ .

شروح عهدنامهٔ مالك اشتر

این دستور حکمفرمائی یا عهدنامه یکی از ابلاغ های تاریخی و مهمّی است که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام درحالیکه مالك اشتر نخعی را والی کشور مصر نموده انشاء فرموده و چون مشتمل بر مطالب سودمندی است و بعظمت نویسنده و منشی آن گواهی میدهد بسیاری از دانشمندان بشرح و بسط و ترجمهٔ آن پرداخته اند:

۱ - شرح سید ماجد بحرینی معاصر شیخ حرّ عاملی ره میباشد که پیش از سال ۱۰۹۷ وفات یافته و بفارسی و در تحت شصت مقاله و بنام « تحفهٔ سلیمانیه »میباشد و در سال ۱۳۰۱ در طهران چاپ شده است .

۲ - شرح یا ترجمه محمد صالح روغنی قزوینی از علماء اواخر قرن یازدهم هجری میباشد که نیز بفارسی است و در ص ۱٤-۱٦ معرفی کامل از آن گذشت .

٣ ـ ترجمه و شرح میرزای وقار پسر مرحوم وصال شیرازی متوفی به سال ١٢٧٤ که بنظم فارسی است و در شیراز چاپ شده .

٤ ـ در مؤلفات فارسی علامه مجلسی (محمد باقر بن محمدتقی) شرحی بر این عهدنامه نام‌برده شده است .

٥ ـ محمد باقر بن محمد تقی نام‌رارساله ای‌استکه درسلوك ولاة از اخبار ائمة اطهار ع بفارسی تألیف شده وتمام‌این عهدنامه‌را که بفارسی ترجمه‌وشرح کرده‌اند در آن گذارده ونسخهٔ آن‌اخیراً جزء کتب‌این کتابخانه گردیده، شاید این رساله همان شرح وترجمه مجلسی‌ره‌باشد .

٦ ـ مرحوم‌شیخ محمدعبده‌مفتی‌دیارمصرمتوفی به سال١٣٢٣این‌عهدنامه را شرح نموده و « مقتبس‌السیاسیّه » نام نهاده وبسال ١٣١٧ درمصرچاپ‌شده‌است.

٧ ـ مرحوم حاج شیخ‌محمد سلطان متوفی بسال ١٣٥٤ که عالمی واعظ وواعظی عالم بودند بر این نامه شرحی نگاشته و نسخه آن نزد فرزند خلف ایشان آقای ملك خلاقی در طهران موجود ونام آن « اساس‌السیاسیه فی‌تأسیس‌الریاسه » است .

٨ ـ شیخ محمد هادی‌بن محمد حسین قائنی بیرجندی که از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی (محمد حسن) ره و از معمّرین علمای فعلی ایران میباشند بسال ١٣٢٣ این عهدنامه‌را بفارسی ترجمه وباترجمهٔ ادب‌الکبیر تألیف ابن مقفع که نیز خود ایشان ترجمه نموده اند بسال ١٣١٥ شمسی در طهران چاپ شده است .

٩ ـ محمدحسین‌بن‌علینقی همدانی این خطبه‌را بسال١٣٠٨ که زین‌العابدین‌خان حسام‌الملك والی ایالت کرمانشاهان بوده بنام وی بفارسی ترجمه و شرح نموده بدین مناسبت آنرا « هدایات الحسام فی عجائب الهدایات للحکام » گذارده و گوید که مجموع این اسم موافق با تاریخ کتاب است ، نسخه‌ای از این شرح را آقای اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) رئیس محترم دورهٔ یازدهم مجلس‌شورای‌ملی دارند وبسال ١٣١١ نوشته شده و ضمیمهٔ آن رساله‌ای ازهمین مؤلف بفارسی در علم فراست یاقیافه میباشد که برحسب خواهش شاهزادهٔ عزالدوله عبدالصمد میرزا تألیف گردیده و آغاز این رساله اینست : بسمله الحمدلله وسلام‌علی عباده‌الذین اصطفی، فراست بردوقسم‌است الٓهیّه نوریه وطبیعیّه مزاجیّه‌اما فراست الٓهیه الخ .

۱۰ - در المآثروالاثارص ۱۸٦ نگاشته شده که میرزا ابراهیم‌بن محمد مهدی بدایع نگار را شرحی برعهدنامهٔ مالك اشتر میباشد که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از شرح این عهدنامه در کتابخانه حضرت رضا (ع) موجود و مؤلف فهرست آنجا نوشته که بسال ۱۲٦۲ وقف گردیده ودیباچه وخطبه ندارد ومحتمل‌است که‌همان ترجمه مذکور در المآثر والاثار باشد وآغاز آن این :

(هذا ماامربه عبدالله امیرالمؤمنین مالك‌بن الحارث الخ) و آنجام آن‌اینست:
(و درود فرستد خدای براو درود فرستادن بسیار) .

۱۱ - نسخه‌ای از ترجمه این عهدنامه در کتابخانه مجلس موجود ودر مقدمهٔ آن مترجم‌خودرا فقط بدایع‌نگار معرفی‌نمودهو سال‌تألیف را ۱۲۷۳ معین کردهو فارسی بسیار سلیس و روانی است و آغاز و انجام آن با نسخه پیشین مختلف میباشد وآغاز نسخه این‌جمله : بسمله چون درسال چهلم هجرت رسول صلوات‌الله وسلامه علیه مصر واعمال مصر برمحمد ابی‌بکر برآشفت واورا بدان صفت که‌در تاریخ‌مغازی عرب مسطور است بسوختند الخ .

و آغاز ترجمه عهدنامه این : بسمله این‌فرمان بنده خداامیرالمؤمنین علی‌است بسوی مالك بن حارث‌النخعی در آن عهد که بدو نبشت الخ . و انجام نسخه اینست : و در قبول این عهود و امضاء این حکم که یکان یکان بر تو شمردم و هریك‌را دلیلی روشن وحجتی قاطع آورده سعی خویش بکاربری وشرط اجتهاد مرعی داری و انا اسئل‌الله بسعة رحمته و عظیم قدرته علی اعطاء کل رغبة ان یوفقنی و ایاك . . . . والسلام علی رسول‌الله صلی‌الله علیه‌و آله‌الطاهرین، الهم اغفرلراقمه الفقیر عبدالغفار التوسرکانی . . . . . فی سنة ۱۲۹۷ .

بنا بر اینکه آغاز و انجام این ترجمه با نسخه کتابخانهٔ رضویه اختلاف دارد معلوم میشود که دوترجمه‌است وشاید که ترجمهٔمیرزا ابراهیم بدایع نگارنسخه مجلس باشد وترجمه ایکه در کتابخانه رضویه‌است‌ازدیگری وتواند بود که‌عکس‌این‌باشد

ومانعی ندارد دو نفر که ملقّب به بدایع نگار بوده‌اند این عهدنامه را ترجمه کرده باشند وبدایع نگار مقام ولقبی بوده و اکنون هم بدین نام ولقب دانشمندی در طهران میباشد .

۱۲ ـ محمد جلال الدین این عهدنامه را بترکی نظم بسته وبسال ۱۳۰۴ در اسلامبول چاپ شده .

دو شرح بر خطبهٔ همام یا خطبة المتقین

۱ ـ تألیف میر آصف قزوینی که در ایام فتنهٔ افاغنه در اصفهان وفات یافته است .

۲ ـ تألیف آقاشیخ مهدی قمشه‌ای متخلّص به الهی دام ظلّه است که اینك یکی از اساتید فلسفه در دانشکدهٔ معقول و منقول میباشند و از مفاخر این عصر شمرده میشوند وگذشته از فضائل صوری دارای معنویات بسیار پسندیده‌ای هستند و توان ایشان را خداوند اخلاق خواند واین شرح وترجمه بنظم فارسی است چند بیتی از آغاز آنرا در اینجا میآوریم :

بنام ایزد پیدا وپنهان — روانبخش تن، افروزندهٔ جان

خداوندی که عالم آفریده — جهان در جان آدم آفریده

. . . .

شنیدم عاشقی پروانه خوئی — بآئین محبت راست گوئی

رفیق خلوت آنسلطان دین را — حریف صحبت آنعشق آفرین را

شرح خطبهٔ قاصعه

چنانکه در ص ۱۰۸ گذشت عبد الکریم بن محمد یحیی قزوینی بمناسبت جمله‌ای از این خطبه که در مذمت کبر وحسد بوده در کتاب نظم الغرر ونضد الدرر تمام این خطبه‌را نقل نموده وبشرح وترجمه آن پرداخته‌ونسخه آنرا فقط در کتابخانه مدرسه سپهسالار سراغ دارم .

شرح خطبه طتنجیه

خطبه ایکه بنام طتنجیه معروف گردیده در نهج البلاغه نیست و آنرا سید کاظم رشتی متوفی بسال ۱۲۹۵ که از شاگردان مرحوم شیخ احمد احسائی متوفی بسال ۱۲٤۰ و یکی از رؤسای شیخیه بوده اند، شرح نموده وبسال ۱۲۷۰ چاپ شده است .

شرح و ترجمهٔ بعضی از خطب ومکاتیب

۱ - در فهرست معارف نوشته شده که شیخ محمد علی بن شیخ ابی طالب زاهد جیلانی اصفهانی متوفی دربنارس بسال ۱۱۸۱ بعضی ازخطب حضرت‌علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را بفارسی شرح کرده‌اند.

۲ - محمد تقی لسان‌الملك در ذیل شرح حال و وقایع تاریخی حضرت مولی امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام از کتاب ناسخ‌التواریخ (مجلّد دوّم) خطب ومکاتیبی از آن حضرت را نقل و بترجمه فارسی آنها پرداخته است.

۳- میرزا جهانگیرخان‌ناظم‌الملك آذربایجانی متخلص به‌ضیائی متوفی بسال ۱۳۵۲ که ازاهالی آذربایجان بوده بسال ۱۳۲۹ سه‌وصیّت‌نامه حضرت‌مولی‌امیرالمؤمنین‌ع خطاب به‌فرزندخویش‌حضرت حسن‌مجتبی‌علیهما السلام رابه نظم‌فارسی‌ترجمه‌وشرح کرده و درهمان‌سال در اسلامبول درذیل اصل وصیّت نامها چاپ گردیده است.

***

بیش از آنچه در اینجا نام برده شد نگارنده بر شروح و ترجمهای قسمتهائی از نهج‌البلاغه و خطب و مکاتیب حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام دست نیافت، اینك بر آنچه از شروح و ترجمه‌های کلمات قصار آن حضرت دست و خبر یافته در اینجا تذکر میدهد که تاحدی این شرح ومطالب که در اطراف نهج‌البلاغه نوشته شده جامع باشد.

***

۱ - نخستین کس که بجمع‌کلمات قصار حضرت علی ع مبادرت نموده جاحظ متوفی بسال ۲۵۵ بوده که بنام «مائة کلمه» مشهور گردیده و در ص ۷۸ تا ۸۱ معرفی از آن و دو شرحی که دارد شد و نیز در ص ٦۹ تا ۷۱ ترجمه‌های آنرا نیز تذکر دادیم و مکرّر باترجمه وبی‌ترجمه چاپ گردیده است.

ودر کشف‌الظنون ص ۷۸ ج۲ آمده که مصطفی بن محمد معروف به‌خواجکی‌زاده صد کلمهٔ امام علی‌بن ابیطالب‌ع را بترکی شرح کرده است.

۲ - نثر اللآلی است که مؤلف آنرا ابوعلی طبرسی یا علی بن فضل‌الله‌راوندی یا قطب راوندی نوشته‌اند و راجع باین کتاب و ترجمه‌های آن درص ۱۰۲ تا ۱۰٤

شرحی نگاشته شد و این مجموعه بترتیب حروف تهجّی در سی باب مرتب شده وهر بابی مشتمل برچندین کلمه از کلمات قصار میباشد وبسال ۱۳۱۲ چاپ شده است .

شیخ عبدالسّلام احمدالقویسنی که از دانشمندان نیمه اول قرن چهاردهم هجری بوده اند در ص ۱۳ تا ۲۲ کتاب « مراقی النّجابه فی قواعدالکتابه» کلمات قصاری از حضرت علی ع نقل و آنکلمات نثراللآلی میباشد و کتاب مذکور بسال ۱۳۲۸ در مصر چاپ شده است .

جز آنچه درصفحات مذکوره بالا از شروح و ترجمه های این مجموعه نامبرده شده نثراللآلی ترجمه های ذیلرا نیز دارد :

۱ - ابن ساوجی ابوالمحاسن محمدبن سعدبن محمدبن نخجوانی بسال ۷۳۲ هریك از کلمات قصار نثراللآلی را بیك بیت فارسی ترجمه نموده ومؤلف کتاب دانشمندان آذربایجان در ص ۲۱ آورده که نام آن « بدرة المعانی فی ترجمة اللآلی » میباشد و بسال ۱۳۱۵ در اسلامبول چاپ شده است .

۲ - در فهرست کتب عربی لندن نوشته شده که **یوسف نصیب** نثراللآلی را بترکی ترجمه نموده ونام آنرا « رشتهٔ جواهر » گذارده وبسال ۱۲۵۷ دراسلامبول چاپ شده است .

۳- نیزدرفهرست مذکوراست که **معلم ناجی** کلمات قصارفوق رابترکی ترجمه نموده وبنام «امثال علی» بسال ۱۳۰۳ دراسلامبول چاپ گردیده است .

سوّم از کلمات قصار

غرر الحکم و دررالکلم آمدی است که نیز در ص ۷۶ تا ۷۸ معرّفی از آن گذشت ، این مجموعه بیش از (۴۰۰۰) بیت کتابت دارد و آقا جمال خونساری (ره) بر آن شرحی فارسی نوشته و در ص ۳۴-۳۶ معرّفی از آن گردید و آقا میرزا محسن خوشنویس (عمادالفقرا) متخلّص بحالی که از معاصرین و فضلاء کنونی و از مردمان اردبیل وساکن آنشهر میباشند آنرا بفارسی ترجمه کرده اند .

۴ - عیون الحکم والمواعظ وذخیرة المتّعظ والواعظ استکه درص ۷۴-۷۶ همین مجلّد معرفی از آن گردید، این کتاب مشتمل بر (۱۳۶۲۸) کلمه ازکلمات قصار میباشد

و درج ۱فهرست ص ۳۸۳-۳۸٦ مقدمه آنرا نقل نموده‌ام، لسان‌الملك سپهر در آخر یکی از مجلدات ناسخ‌التواریخ (جلد دوم - احوال حضرت امیر ع) با ترجمهٔ فارسی پاره‌ای از آن کلمات بدون نام و اشاره به مؤلف، عیون‌الحکم را نقل نموده و این مجلد بسال ۱۲۸۹ چاپ گردیده است.

مؤلف عیون‌الحکم چنانکه پیش دانسته شد علی بن محمد اللیثی الواسطی میباشد ولی مؤلف وقایع‌الایام تصور نموده اند که لسان‌الملك خود بجمع آن کلمات موفق شده و عباراتی که ناشر در ابتداء آن کلمات نگاشته نیز موهم این تصوّر هست ولی نگارنده آنرا شناخت و با نسخه این کتابخانه مطابقه و مقابله نمود، عین آن کتاب بود، و این خود موجب خورسندی است که این کتاب نفیس (عیون الحکم) بچاپ رسیده است.

٥ - عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی معاصر شاه سلطان حسین صفوی کلمات قصار موجوده در غررالحکم را درتحت ۹۹ باب که هر بابی راجع بیکی از مباحث و موضوعات خاص میباشد مرتب نموده و پس از آن بفارسی شرح کرده اند و در ص ۱۰۵-۱۱۲ بنام «نظم الغرر و نضدالدّرر» معرفی از آن گذشت.

٦ - ابن ابی‌الحدید پس از شرح کلمات قصار موجوده در باب سوّم نهج‌البلاغه هزار کلمه قصار از آن حضرت ع جمع و بدون شرح و بسط در آخر شرح خویش گذارده و جداگانه بسال ۱۳۲۹ در بیروت چاپ گردیده و خود جامع درمقدمه آن گفته اند که بسیاری از این کلمات مسلّماً از آن حضرت و برخی هم گرچه کلام آنحضرت بودن آنها مسلّم نیست ولی چون مشتمل بر حکمی بود بنقل آنها مبادرت گردید.

محدّث معاصر آقای حاج شیخ عباس قمی سلّمه الله صد کلمه از این کلمات را انتخاب و آنها را بفارسی شرح و ترجمه نموده، بسال ۱۳۵۳ بنام «صدکلمه» در طهران چاپ گردیده ودر مقدمه آن مذکور است که تمام هزار کلمه را نیز بفارسی ترجمه و شرح کرده‌اند.

۷ - سید شهرستانی نگاشته اند که برحسب خواست جمعی امین نخله که از فضلاء میباشند نیز صدکلمه از کلمات قصار حضرت (ع) را انتخاب کرده ودرمقدمهٔ

آن اظهار عجز نموده که متحیرم از این دُرر شاهوار کدام یك را برگزینم .

۸ ـ حسین بن یوسف هروی که بگفتهٔ مؤلف کتابخانهٔ رضویه از علماء قرن دهم هجری بوده چهل کلمه از کلمات قصار حضرت ع راهریك بیك رباعی فارسی ترجمه نموده و نسخهٔ آن که بسال ۹۵۲ نوشته شده در آن کتابخانه موجود است .

۹ ـ مکتبی شیرازی که لیلی و مجنون او مشهور است شصت کلمه از کلمات قصار حضرت را بفارسی نظم بسته و پس از ترجمه، تمثیلی نیز بنظم برای توضیح هریك آورده و مجموع اشعار آن (۱۵۰۰) بیت میباشد و نسخهٔ آن که بسال ۱۰۳۶ نگارش یافته در کتابخانهٔ استاد معظم آقای ملك الشعراء بهار موجود و بنام « کلمات علیّه غرّا » بهمّت آقای کوهی کرمانی بسال ۱۳۱۳ شمسی در طهران چاپ گردیده ونسخهٔ چاپی آن در تحت شمارهٔ (۴۰۰۰) در این کتابخانه میباشد .

۱۰ ـ در وقایع الایام نوشته شده که مولی میرالقاری الکوکبی الجیلانی از معاصرین شاه عباس بوده و کتابی بنام « زبدة الحقائق » دارد که مشتمل برابوابی چند بعربی و فارسی است و یکی ازابواب آن بنام «باب کلمات حضرت پیغمبر ص و الفاظ حضرت علی بن ابیطالب ع »است و تألیف این کتاب برای سلطان احمدخان حاکم گیلان میباشد و قسمتی از آنرا مؤلف وقایع الایام در تبریز دیده‌اند .

۱۱ ـ الفرائد والقلائد نیز مجموعه ای از کلمات قصار حضرت علی (ع) میباشد و جامع آن چنانکه درمقدمه عیون الحکم والمواعظ ثبت گردیده قاضی ابو یوسف یعقوب بن سلیمان الاسفرائنی است و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ مدرسه مروی درطهران موجود ونگارنده آنرازیارت نموده وباحتمال دانشمندفرزانه آقای امین عراقی رئیس محترم آن کتابخانه از خطوط اواخر قرن ششم هجری است .

۱۲ ـ کمال الدوله محمد حسن قاجار در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار پاره‌ای از کلمات قصار حضرت راکه جنبهٔ اخلاقی واجتماعی داشته بفارسی ترجمه کرده و آنها را بحروف تهجی مرتب نموده و مجموع آن کلمات (۴۳۰) جمله میباشد و آنرا « ابواب الحکم » نامیده و بسال ۱۳۱۹ در طهران چاپ شده و در آخر برای تیمّن وتبرك عین الفاظ یکی از کلمات حضرت (ع) رانقل نموده و آغاز آنجمله اینست : ثمانیة ان اهینوا فلا یلوموا الّا انفسهم الخ.

۱۳ ـ آقای حاج سید عبدالله بهبهانی دام عمره که از علماء فعلی ایران وساکن‌بندر بوشهر میباشند نیز پاره‌ای از کلمات قصار را انتخاب و بترجمهٔ فارسی آنها مبادرت نموده و نام آنرا « محفظةالانوار » گذارده و بوسیله دانشمند معظم آقا شیخ عبدالکریم سعادت بسال ۱۳٤۳ درشیراز چاپ شده‌است .

۱٤ ـ آقای مورخ‌الدوله (احمد علی سپهری) دسته ای از کلمات قصار را که جنبهٔ عملی و اخلاقی داشته (در حدود ۵۷۰ کلمه) بنظر خویش انتخاب کرده ، پس از آن بفارسی بسیار فصیح و روان و فرانسه ترجمه نموده و مقدمهٔ شیوائی درمعرفی از صاحب‌آن کلمات،آفتاب جهان دانش و پادشاه پرهیز کاران حضرت‌مولی‌الموالی امیرالمؤمنین‌علی‌علیه‌السلام نیز بفارسی‌وفرانسه‌نگاشته و تاکنون درطهران بنام «کلمات قصار» چندبار چاپ گردیده است .

در خاتمه این قسمت لازم است نیز تذکر داده شود که حضرت‌سید رضی رضی‌الله عنه و اعلی‌الله مقامه چنانکه خود در مقدمهٔ نهج‌البلاغه‌تذکر داده اند و در ص ۱۲۲ ترجمهٔ آن‌گذشت قسمتی از کلمات قصار و آثار آن حضرت (ع) را درآخر بابی از ابواب کتاب خصائص الائمه که شامل حالات و فضائل حضرت‌ع میباشد نقل نموده وچنانکه گذشت درنهج‌البلاغه‌هم ٤۹۸کلمه از کلمات قصار را باشرح موارد‌لازمه‌ای ازآنها جمع آوری فرموده‌اند .

آقا شیخ احمد کاشانی که اینك در حدود شصت سال دارند و در مدرسهٔ نجم‌آبادی واقعه در محلهٔ‌سنگلج طهران‌ساکن میباشند ازبیست سال پیش تا کنون فهرستی بر نهج البلاغه بنام «کشف السّتاره عن نهج البلاغه» تألیف و آنرا در مقدمه‌ای و دو مقصد مرتب نموده و مقدمه را در تطبیق اصول ابن ابی‌الحدید با نهج‌البلاغهٔ فعلی قرار داده ومراد از این تطبیق اینست که در شرح ابن‌ابی‌الحدید خطب و مطالب نهج البلاغه مقدم و مأخر است و از اینرو محی‌الدین خیاط در شرح خویش تصور نموده که ابن ابی الحدید بعضی از خطب را شرح نکرده ، آقای کاشانی‌باین تقدیم و تأخیر برخورده ودراین‌مقدمه‌تمام مندرجات نهج‌البلاغه و شرح حدیدی را با ذکر اینکه هریك در کدام صفحه واقع شده تذکر داده اند و **مقصد اول** در مطالبی است که در اصول دین و مذهب (توحید و نبوت و معاد و عدل وامامت) در نهج‌البلاغه موجود است . **مقصددوم** در سائر مطالب

از فروع و مواعظ و غیره است که بترتیب حروف تهجی مرتب شده و نگارنده پاکنویس آنرا تا حرف ع دیده ، و گذشته از تعیین صفحات نهج البلاغه در بسیاری از مواردعین عبارات نهج‌البلاغه‌ویامختصری‌از آنرا نیز درج نموده‌اند .

نگارنده بیش از آنچه در اینجا مندرج گردید از شروح نهج البلاغه واجزاء آن‌وکلمات‌قصار سراغ‌نیافت(درذیل‌شروح عهدنامه مالك‌شرح‌ملاّ ابوالحسن‌عاملی که‌ازعلماء قرن دوازدهم بوده وجدّ صاحب جواهراند ودرص۳۳ و ۳٤ معرّفی از آن گذشت بعلت فراموشی تذکرداده نشد بنا براین، این‌شرح سیزدهمین شرح و ترجمه ایستکه ازاین عهدنامه معرفی نموده ایم و چهاردهمین شرح‌وترجمه‌بنام «دستورحکومت»است که بخواست میرزامحمودخان طباطبائی‌تبریزی (علاءالملك) شیخ احمد ادیب کرمانی مؤلف « سالار نامه » بفارسی نوشته و مرحوم محمد حسین فروغی (ذکاءالملك) آنرالانشاء وبسال۱۳۲۱ درطهران‌چاپ‌شده است) امیداست که این خدمت کوچك‌درنظر صاحب کلمات مورد قبول ودرنظر دانشمندان‌مقبول‌افتد .

اینك به وعده‌ای که در آغاز بحث‌داده ام‌وفا وشروع بنگارش شرح مختصری ازحالات جامع محترم نهج‌البلاغه میگردد :

سیدرضی رحمةالله‌علیه (ابوالحسن،ذوالحسبین،الشریف‌الاجل،نقیب‌العلویّین، **محمد**بن‌الطاهرذوالمناقب ابی‌احمد**الحسین** بن‌موسوی بن‌محمدبن ابراهیم المرتضی ابن‌موسی‌بن جعفر بن‌محمد بن علی‌بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب سلام الله‌علیهم اجمعین) ازاعاظم‌سادات موسوی ومفاخرعلم‌وادب واز پرهیزکاران و نوابغ دوره و زمان خویش‌بوده، بسال ۳۵۹ دربغدادمتولد شد، چندماهی بیش ازده‌سالگی‌وی نگذشته بود، که‌زبان‌بسرودن‌اشعار گشود، دراندك مدت گوی‌سبقت از گذشتگان ربود،دانشمند شهیر ثعالبی در یتیمةالدهر باانکه‌درهنگام‌تألیف آن کتاب‌بیش‌از ۲۵ سال‌ازعمر **رضی** نگذشته‌ودرعنفوان‌جوانی‌بوده‌برای‌نخستین‌بارویرابنهایت‌ستوده‌و منتخبی‌ازاشعارش‌رازینت‌بخش‌مؤلفهٔ‌خویش‌نموده‌است‌و گوید: ابوالحسن‌الموسوی محمدبن حسین‌امروز برومند ترین جوانان این عصر ونجیب‌ترین سادات عراق میباشد وازهمه‌طالبیّین گذشته و کنونی‌درشاعری‌برتری‌دارد باآنکه درآنهاشعرای بسیار بزرگی بوده واگربگویم اشعرقریش می باشدازراستی برکنارنرفته‌ام‌الخ .

تاکنون آنانکه بنوشتن رجال علم وادب مبادرت نموده نام‌سید رضی (ره) را

در آن دفتر ثبت و بشرح مکارم اخلاق وصفات وعظمت روحی و ادبی و علمی این بزرك پرداخته اند، جزچند نفری که بواسطه تألیف نهج البلاغه و نقل شکایات آن حضرت از معاصرین در آن کتاب، بر وی خشم ورزیده و کوچکترین یادی از او نکرده اند (مراجعه بصفحهٔ ۱۱٤ همین فهرست شود).

بسال ۳۸۰ (۱) مقام نقابت علویین وامارهٔ حاج ونظر درمظالم راکه ار مشاغل پدربود درزمان حیاةاوداراشد وبگفته ثعالبی بقصیده‌ای (انظرالی الایام کیف تعود) پدررا از این برگذاری شکرگزاری کرده و گویند از هیچکس حتی از پدرخویش هدیه‌ای (۲) نپذیرفت وپیش خلیفه الطائع (۳۶۳-۳۸۱ه) والقادر (۳۸۱-۴۲۲ه) محبوب بود، فخرالملك وزیر بهاءالدوله و دیگر اعیان دولت بنظر احترام وتجلیل بی نهایت بایشان می نگریستند، (بمقدمهٔ شرح ابن ابی الحدید مراجعه شود)

در حرّیت ضمیر و عظمت روحی نظیرنداشته با اینکه آل بویه الطائع را از خلافت معزول وتا بمرد محبوس داشتنددرتأسف ازعزل ورثاءاودوقصیده عالیجنابانه انشاء وازنکبت وی اظهار تأسف وتلهّف کرده است (ص ۳۷٦ - ۳۷۹ دیوان مراجعه شود) ودر قصیده‌ایکه القادر خلیفه‌را مدح گفته وبدین شعرابتداء کرده :

لمن الحدوج تهزهنّ الانیق والرکب یطفوفی السراب ویغرق (۳)

علوّ همت وعظمت خویش‌را اظهار وچندبیت آخر آنراکه حاکی از آنست دراین‌جا نقل میکنم :

عطفا امیر المؤمنین فاننا فی دوحة العلیاء لا نتفرق
ما بیننا یوم الفخار تفاوت ابدا کلانا فی المعالی معرق
الا الخلافة میّزتك فاننی اناعاطل منها وانت مطوّق

نوشته‌اند چون خلیفه این شعر اخیررا شنید گفت : علی رغم انف الشریف.

(۱) در یتیمة‌الدهر و تمام کتب سال نقابت سید ۳۸۰ ثبت شده ولی جرجی زیدان در تاریخ الاداب اللغةالعربیه ج ۲ ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و بتبع وی فرید وجدی در دائرة المعارف ج ٤ ص ۲۵۱ نقابت اورابسال ۳۸۸ نوشته‌اند و ظاهراً ازوفیات الاعیان گرفته‌اند صحت تاریخ اول مسلم است.

(۲) استاد وی بالطائف الحیل خانه‌ای بایشان هدیه کرد به مقدمه تفسیر سید و ابن ابی الحدید یا روضات مراجعه شود

(۳) ابتداء این قصیده را جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۲٦۷ همین شعر که نقل گردید دانسته و در تاریخ آداب العربی ص (۲۷۹ - ۲۸۱) آغاز این قصیده این است : لله یوم اطلعت به العلا علما یزاول بالعیون و یرتق

میان سید با ابواسحق صابی متوفی بسال ۳۸٤ که از پیر مردها و ادباء شهیر بود دوستی فوق العاده برقرار و با اینکه صابی مذهب بود و آنچه دلیل و برهان اقامه و وسیله انگیخته شده بود مسلمان نگردید و بدیانت اصلی خویش پایدار بود بپاس احترام دوستی و مقام علمی و ادبی وی را رثائی بسیار فصیح گفته و ثعالبی در ذیل شرح حال صابی بسیاری از آن قصیده را آورده و چون بر قبر او گذر کرده ابیاتی نیز انشاء نموده که در دیوان سیّد موجود است .

میان اشعار سیّد و مهیار دیلمی شاعر مشهور ایرانی متوفی بسال ٤۲۸ که از شاگردان سید بوده و بدست رضی از مجوسیّت بقبول دیانت اسلام مفتخر گردیده (وفیات الاعیان ج۲ ص ۱٤۹) مقایسه کنند و گویند که اشعار خوب مهیار بهتر از اشعار خوب سید رضی است جز اینکه اشعار سید همه خوب و یك نواخت است .

اگرچه سید رضی (ره) مشهور به ادب و شعر گردیده ولی بگفتهٔ یکی از دانشمندان : سید رضی عالمی است که شعر وی بر علمش غلبه نمود و سید مرتضی شاعریست که علمش بر شعر وی چیره شد و هریك بدان مشهور گشته‌اند .

تفسیر حقائق التأویل وی که جزء پنجم آن فقط تا بحال بدست آمده و بهمت انجمنی علمی بنام « منتدی النشر » در نجف اشرف منتشر شده بهترین گواه برسعه اطلاع و معلومات غیر ادبی او نیز میباشد و چنانکه در کتب سیر نگاشته شده پیش حضرت شیخ مفید محمد بن نعمان ره متوفی بسال ٤۱۳ و جمعی دیگر از بزرگان که در تفسیر مذکور بمناسبت نام برده شده‌اند بتحصیل اشتغال داشته و چنانکه نیز نگاشته‌اند محفلی خاص و مدرسهٔ شبانه روزی بنام « دار العلم » در خانهٔ وی بوده که تمام احتیاجات مادّی و معنوی طلاب آنرا سید خود متکفل بوده است .

و چنانکه ازاین بیت سیّد برمی‌آید ازاینکه بشعر و شاعری مشهور گشته خود راضی نبوده و آن اینست :

مالكَ ترضی ان تکونَ شاعراً ‌ ‌ ‌ ‌ بُعداً لها فی عدد الفضائل

بهر حال علوّ مقام و عظمت سیّد رضی بیش از آنستکه نویسندهٔ کوچکی چون نگارنده بتواند بزرگی ایشان را نگارش دهد مفصل ترین شرح حال و ترجمه‌ای که برای این عالم جلیل نگاشته شده بقلم دانشمند معاصر و عالم جلیل شیخ عبد الحسین

حلّی بلغت عربی میباشد که در مقدمهٔ تفسیر مذکور ایشان اخیراً در نجف اشرف در ۱۱۲ صفحه چاپ گردیده و در آنجا است که بهاءالدوله بسال ۳۸۸ سید رضی را «شریف اجل» لقب داد و در سال ۳۹۲ از **واسط** امر کتبی داد که وی را «ذی المنقبتین» بخوانند و درسال ۳۹۸ اورا «الرضی ذی الحسبین» لقب داد وسیّد رضی بهاءالدوله را بدان سبب در قصیده ای مدح گفته است.

پیش از آنکه بیکی از القاب فوق ملقّب گردد «موسوی» را پس از نام وی میآورده‌اند و مخصوصاً در یتیمة الدهر بنام ابوالحسن الموسوی محمّد بن الحسین نام برده شده‌اند.

مؤلفات سیدرضی را نجاشی، ابن شهر آشوب، مؤلف تاریخ بغداد، صاحب روضات، صاحب لؤلؤ البحرین، صاحب شذرات الذهب، یافعی، ابن خلکان و صاحب عمدة الطالب هر یك بعضی را ثبت نموده ولی دانشمند فرزانه شیخ عبدالحسین حلّی همه را نام برده وبهمان ترتیب که ایشان نام برده اند مانیز دراینجا آنهارا میآوریم:

۱ - نهج البلاغه (همه آنرا نام برده‌اند). - ۲ - خصائص الأئمه (بعضی آنرا بنام خصائص نامیده اند). - ۳ - مجازات الآثار النبویه. - ٤ - تلخیص البیان عن مجازات القرآن. - ٥ - حقائق التأویل فی متشابه التنزیل (۱). ٦ - سیرة والده الطاهر

---

(۱) ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ این کتابرا بهمین نام در ص ٤٤ معالم العلما (چاپ آقای اقبال آشتیانی) ذکر نموده و نجاشی متوفی بسال ٤٥٠ در رجال خویش (ص ۲۸۳ چاپ بمبئی) و صاحب روضات و امل الآمل بنقل ازنجاشی آنرا بنام «حقائق التنزیل» نامیده‌اند و در عمدة الطالب مؤلفه بسال ۸۰۲ نام این تفسیر نیست ولی در آنجا کتابی بنام «المتشابه فی القران» ذکر شده و صاحب لؤلؤ البحرین نیز آنرا ذکر نموده و صاحب روضات از آن دو پیروی نموده و گویند که سید رضی خود در کتاب مجازات الحدیث مطلبی راجع بعصمت انبیاء (ع) بتفسیر خود که بنام «متشابه القرآن» میباشد حوالت داده است، نگارنده را عقیده آنست که نجاشی نام تفسیررا مختصراً بحذف قسمت اخیر آن نقل نموده و «متشابه القرآن» نیز نام همین تفسیر است با تبدیل کلمهٔ «تنزیل» به «القرآن» وعدم ذکر قسمت اول اسم کتاب.

آقای شیخ عبدالحسین حلی درص ۱۳ مقدمهٔ این تفسیر که بسال ۱۳۵۵ درنجف اشرف چاپ شده تاریخ تالیف آنرا در حدود دوسال پیش از سال ۳۹۲ دانسته‌اند در صورتیکه مؤلف درهمان تفسیر (ص ۱٦۷) مطلبی را حواله بکتاب نهج البلاغه که در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت (ع) میباشد حواله داده و میدانیم که نهج البلاغه بسال ٤۰۰ تالیف یافته بنابر این چون برنسخه‌ای ازاین تفسیر که ماخذ چاپ میباشد عبارتی از سید بتاریخ ٤۰۲ نقل گردیده بدست میاید که تالیف آن تفسیر میان سال ٤۰۰ و ٤۰۲ بوده ولی نگارش آن نسخه بسال ۵۳۳ میباشد.

(در عمدة الطالب و لؤلؤ ذکر شده) . ۷ - رسائل رضی (فقط آقای حلّی در مقدمه تفسیر مذکور در ذیل شمارهٔ (۵) این مؤلفه‌را به سیدرضی نسبت‌داده‌اند و در مؤلفات‌دیگر نامی ازاین کتاب‌نیافتم جز درشرح ابن‌ابی‌الحدید بنقل‌از ابن‌الخشاب در ذیل خطبه شقشقیّه که در ص ۱۱۶ ترجمه آن گذشت و شاید مراد ابن‌خشاب از « رسائل‌رضی » نسخه ذیل‌باشد) . ۸ - مادار بینه و بین ابی اسحق الصابی (در عمدةالطالب و لؤلؤالبحرین نگاشته‌شده که درسه‌مجلّداست) . ۹- کتاب الزیادات فی شعرابی‌تمام (صاحب‌روضات این کتاب را ذکرننموده ولی کتابی بنام «الجیّد من شعر ابی تمام » از مؤلفات سیّد شمرده و شاید مرادش از این نام همین کتاب باشد) . ۱۰ - مختار شعر ابی اسحق‌الصابی . ۱۱- منتخب شعر ابن‌الحجاج بنام « الحسن‌من‌شعرالحسین » . ۱۲- اخبارقضات بغداد (این کتاب‌فقط درعمدةالطالب نام آن موجود است) . ۱۳- تعلیق خلاف‌الفقهاء . ۱۴- حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی . ۱۵ - دیوان شعر(۱) . **۱۶ - معانی القران**(۲) .

---

(۱) چنانکه ابن‌خلکان و دیگران نوشته‌اند جمعی بجمع‌آوری اشعارسیدرضی مبادرت نموده‌اند و بهتر از همه آنست که ابوالحکیم خبری در چهار مجلد جمع آوری کرده است خبری منسوب به خبر باخاء معجمه‌مفتوحه و باء‌موحده تحتانی‌وراء‌مهمله است‌واصطخری‌در کتاب خود گفته که خبر نام دوجااست یکی جزء کوره‌استخر و دیگری تابع کوره دارابجرداست . پس از معاشرت عرب با عجم پاء فارسی به فاء بدل گردیده چون پارس = فارس . اسپهان = اصفهان . پسا = فسا وغیره ودرفارسنامه ناصری گفتار۲ ص ۱۹۶ نوشته شده که خفر واقع در نواحی اصطخر اصل آن خپر با پاء فارسی است .

و بعقیدهٔ نگارنده آنکه جزء کوره دارابجرد بوده بایستی قصبه « خیر » با یاء مثناة تحتانی‌باشد که بگفتهٔ فارسنامه ناصری در گفتار۲ ص ۱۷۸ درشمال اصطهبانات‌واقع شده و دهات شمالی اصطهابات در او افتاده است .

شرح‌حال‌ابو الحکیم درج ۳ طبقات‌الشافعیه سبکی‌ص۳۰۲ بدین نحو ذکر شده است : ابوالحکیم خبری عبدالله بن ابراهیم بن عبدالله فقه را از شیخ ابواسحق شیرازی فرا گرفت و در فرائض و حساب بسیار دانا شد و در آنها تألیفهای خوب نموده و کاملا آشنا بقواعد عربیت بود و خط بسیار خوبی داشت و املائش در کمال صحت و درستی بود بشرح حماسه و دواوین چندی چون دیوان بحتری متنبی ورضی موسوی وغیر از اینها پرداخت و احادیث بسیار استماع نمود و بوقایع تاریخی آشنا بود و آنها را نقل مینمود وسبط وی ابوالفضل محمد بن ناصر السلامی الحافظ‌ازایشان‌روایت نموده‌وابو الحکیم کتابت قرآن‌مینموده‌و گویند

(بقیه در زیر صفحه بعد)

وفات سیّدرضی را ابن ابی الحدید و شیخ طریحی در مجمع البحرین در کتاب الالف باب الرّاء و شیخ محمد عبده و مؤلف تاریخ الادب العربی بسال ۴۰۴ و دیگران چون نجاشی معاصر رضی و تمام شراح و مورّخین درششم محرم الحرام سال ۴۰۶ ثبت نموده‌اند و این تاریخ اخیر صحیح و اشعاریکه با تاریخ در دیوان سیّد میباشد مؤید ما است.

نهج البلاغه مکرّر در ایران و مصر با شرح و بدون آن چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله امّا بعد حمدالله الذی جعل الحمد ثمنا لنعمائه و معاذا من بلائه و سبیلاً الی جنانه الخ.

انجام: و قال ع اذا احتشم المؤمن اخاه فقد فارقه. یقال حشمه و احتشمه اذا اغضبه و قیل اخجله و احتشمه طلب ذلك له و هو مظنة مفارقته و هذا حین انتهاء الغایه بنا الی

(بقیه از حاشیه صفحه قبل)

روزی چون آیه‌ای از قرآن کریم را نوشت قلم را از دست انداخت و گفت بخدا سوگند بدین طرز مردن بسیار خوب و گوارا است و همان وقت جان بجان آفرین تسلیم نمود و این در ذیحجه سال ۴۷۶ بوده انتهی.

ونیز در ص ۵۱۳ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده که یکی از ادبا، دیوان سید رضی را مختصر کرده و نام آنرا «انشراح الصدر» گذارده و چنانکه در ص ۲۰۸ ج ۴ فهرست کتابخانه خدیویه نوشته شده نسخه ای از این مختصر که بسال ۱۰۲۰ نگارش یافته در آن کتابخانه موجود و نام انتخاب کننده آن را بدست نداده اند و جرجی زیدان در ص ۲۵۷ - ۲۵۸ ج ۲ تاریخ آداب اللغه گفته که سید رضی را کتابی بنام «انشراح الصدر» میباشد که نسخه آن در کتابخانه خدیویه است و نسبت این کتاب به سید رضی بی اشکال نیست و نیز در همان صفحات مذکوره نوشته اند که در کتابخانهٔ اسکوریال مجموعه اشعاری بنام «طیف الخیال» منسوب به سید رضی است. و ابو الحکیم را خیری با خاء معجمه و یاء مثناة تحتانی ضبط کرده چنانکه فریدوجدی و یراحیری باحاء مهمله و یاء مثناة تحتانی ثبت نموده است.

(۲) آقای شیخ عبدالحسین حلی نام این کتاب را نبرده و در ذیل معرفی از «حقائق التاویل فی متشابه التنزیل» در ص ۸۴ مقدمه آن نوشته اند: و کفی بقول معاصریه فیه: انه یتعذر وجود مثله» و در معالم العلما ابن شهر آشوب و شذرات الذهب و مرآت الجنان این عبارت راجع به «معانی القرآن» از ابن جنی استاد سید رضی نقل گردیده و در معالم العلما چنانکه گذشت حقائق التاویل فی متشابه التنزیل و معانی القرآن را بنام دو مؤلفه از سید رضی ذکر نموده است و صاحب لؤلؤ البحرین غیر از کتاب حقائق التاویل و کتاب المتشابه فی القرآن که گفتیم هر دو یکی است کتابی بنام «تفسیر القرآن» به سید نسبت داده و نگارنده را عقیده آنست که مراد ایشان از آن تفسیر همین «معانی القرآن» است.

قطع المختار من کلام امیر المؤمنین علیه السّلام و ذلك فی رجب سنة اربعمائه من الهجره و صلی الله علی سیدنا محمد خاتم الرسل والهادی خیر السبل و آله الطاهرین و اصحابه نجوم الیقین . (نگفته نگذریم که سیّد رضی بشرح مطالب مشکله نهج البلاغه پرداخته و بدین سبب خود وی اوّل شارح است) .

این بود آنچه نگارنده اینك توانائی یافت راجع باین کتاب بزرگ که مشتمل بر مطالب دنیوی و آخری است بنگارد و تا کسی آنرا با دقت مطالعه ننماید نخواهد دانست که در این گنجینه چه دُرر شاهوار و چه حقائق و اسرار بودیعت گذارده شده **وفقنا الله و جمیع المؤمنین للاستضائة من انواره الباهره بحق صاحبه والعترة الطاهرة.**

(۸۰۳)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و از نسخ قدیمی این کتاب میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً درقرن پنجم یااوائل ششم نوشته شده و در آخر هر باب مطالبی که در نسخ دیگر موجود نبوده با ذکر اینکه این موضوع از روی نسخه‌ای که در زمان مصنّف نگارش یافته نوشته شده است ، تحریر شده و برکنار صفحات و اوراقی که در بین آنها الصاق گردیده مطالب زیادی در شرح و توضیح عبارات کاتب نسخه نوشته است و بعضی ازاوراق اوائل واواخر کتاب وّصالی گردیده است .

جلد تیماجی ضربی. کاغذ قدیمی حنائی. واقف سپهسالار. قطع رحلی کوچك. شمارهٔ اوراق (۳۳۰). صفحه (۱۳) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر) ، عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۳).

(۸۰۴)

نهج البلاغه این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب ابو محمد بن شیخ صنعان در سنه (۱۰۷۲) نگاشته و درحاشیه تمام صفحات مطالبی در توضیح مطالب کتاب از شرح ابن‌میثم بخط شکستهٔ خیلی خوب و در بعضی ازصفحات شکسته نستعلیق نوشته شده و برکنار صفحه ای که مشتمل بر بیان معنی انصار است کاتب حواشی چنین رقم نموده است : (کتبه هوشنگ بن ابوالملك بن فتحعلی شاه) و پس از ختم اصل کتاب و اضافاتی که منقول از نسخه مکتوبه در

عهد مصنّف است کاتب اشعاری درمدح نهج‌البلاغه بعربی سروده و مرقوم‌داشته که در ص۱۱۹ نقل گردید و پس‌از‌این بعضی از مطالبی که درشرح ابن‌ابی‌الحدید و کافی و بعضی از کتب دیگر راجع خطب ومطالب این کتاب بوده کاتب متن‌نقل نموده چنانکه قبل از شروع بکتابت اصل کتاب هم خطبی و مطالبی را که در کافی وغیره نقل‌شده کاتب متن نگاشته‌است . دارای‌یك سرلوح زیبا و تمام‌صفحات مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد و عناوین مطالب نیز با شنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خانبالغ . قطع وزیری . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲۵٤) . صفحه (۱۵ سطر) . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۵) .

(۸۰۵)

نهج‌البلاغه این نسخه را محمد رضا بن علیخان الطریشی بخط نسخ خوب در سال (۱۰۹۳) نگاشته و مشتمل بر تمام کتاب است‌درذیل تمام‌سطور ترجمه فارسی آنها بخط‌نستعلیق نگاشته شده و در حاشیه صفحات‌تعلیقاتی تحریر گردیده‌است و صفحه‌اوّل و دوّم و صفحه آخر کتاب و تصالی‌شده . وبرورقی که بعدازورق آخر است در سال (۱۲۷۵) شرحی‌از کتاب اقبال راجع باعمال اولین جمعه ماه رجب‌عبدالکریم بن میرزا محمد سعید اردستانی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذدولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۸) . صفحه (۱٤) سطر . طول (۱/۲ ۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۸٦) .

(۸۰٦)

نهج‌البلاغه این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب‌است پس ازختم کتاب کاتب کلمات و عباراتی نیز از حضرت علیؑ نقل نموده و قسمتی از آن افتاده لذا نام کاتب بدست‌نیامد ولی کاتب پشت‌نخستین برگ شروع به تحریر را سال (۱۰۹٦) نوشته است . در حاشیه صفحات تعلیقات و حواشی بسیار بامضاء علاءالدین محمد که ازمعاصرین کاتب‌بوده از کتب‌لغة وتفسیر

وغیره نقل شده وظاهراً امضا کننده سیّد گلستانه شارح نهج البلاغه (حدائق الحدائق) متوفی بسال ۱۱۰۰ میباشد بنابرین این نسخه نفاست دارد و آخرین سطر موجود آن اینست : (و قال اشدّ الذّنوب ما استخفّ صاحبه وقال ما اخذالله علی اهله) .

جلد میشن . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۸۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۲) .

(۸۰۷)

نهج البلاغه

این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده مابین سطور آن بقسمی فاصله گذاشته شده که شرح و ترجمه ملاّ فتح‌الله کاشی زیر هرسطر آن نوشته شود وقسمتی از آن شرح هم بر اوراق اوّلیه این نسخه مرقوم گردیده و در صفحاتی که مطالب ترجمه و شرح جای بیشتری میخواسته بر اوراق خارج نوشته و بکتاب ملحق شده و مقدمه این شرح را قبل ازشروع بکتابت اصل کتاب درچهار ورق بخط نستعلیق کاتب شرح نگاشته ولی ورق اوّل راکه ظاهراً مشتمل بر سرلوحی بوده پیش از سال (۱۲۷۷) که تاریخ دخول این کتاب در کتابخانه اعتضادیه است بیرون آورده اند . پس از ختم کتابت متن بعضی از مکاتبات حضرت درجواب معویه با نقل نامهٔ او و داستان طرماح با ترجمه فارسی آنها کاتب نسخه نگاشته و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است . عناوین و بعضی ازمطالب با طلا و شنجرف تحریر گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (٤٦٥) . صفحه (۹ سطر) . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (½ ١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه . (۳۰۸۱) .

(۸۰۸)

نهج البلاغه

این نسخه را بخط نسخ خوب سیدمرتضی بن نورالله کازرونی ازروی نسخهٔ که درسال (۵۸۷) به تصحیح محمدبن ابی‌نصر نام رسیده‌بوده بسال (۱۱۰۷) نگاشته و مشتمل برتمام کتاب میباشد در حاشیهٔ اوراق اوّلیه و بعضی از اوراق دیگر تعلیقاتی نگاشته شده و بر کنار صفحهٔ اول شاهزاده

فرهادمیرزا درسال (۱۲۵٦) یادداشتی نموده . ورق اوّل و ورقی از اواسط وصّالی گردیده کنار و پشت ورق آخر مطالب و ادعیّه ای بخطّ نسخ نگاشته شده ودارای یك سرلوح و تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱٦٤) . صفحه (۱۹) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱٦ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸٤) .

(۸۰۹)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ خوب محمدتقی درسال ۱۱۱۲ هجری نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است درحاشیه بعضی از صفحات مطالبی از شرح ابن میثم نقل گردیده تمام صفحات بجدول بطلا است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۷۱) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹) سانتیمتر . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۹) .

(۸۱۰)

نهج البلاغه این نسخه کامل بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پس از ختم کتاب عهد نامه حضرت ع بمالك اشتر ودعاهائی ، همان کاتب نگاشته ، درآغاز و انجام نسخه چند ورق کاغذ ننوشته است پشت آخرین ورق تولد دختریکه بسال ۱۲٦۳ بوده یادداشت شده ، وخود نسخه بسال ۱۲٦۲ نگارش یافته و بنام خصائص الائمّه بر این کتابخانه وقف شده و برحاشیه نخستین صفحهٔ کتاب تذکر دادهشده ولی مسلّماً نهج البلاغه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۸۵۸) .

(۸۱۱)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲٦۳ نگاشته شده و کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب میباشد ، همان کاتب پس از اتمام کتاب عهدنامه حضرت را بمالك اشتر نخعی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۱٦۸) . صفحه (۱۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۸۷) .

(۸۱۲)

نهج البلاغه

این نسخه کامل را بخط نسخ علی‌بن‌احمد حسینی بسال ۱۲۶۸ بر حسب امر سلطان حسین میرزا نوشته و عناوین خطب و مطالب با شنجرف است .

جلد چرمی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹٤) .

(۸۱۳)

نهج البلاغه

این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن محمد در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۰۳) صفحه (۱۵) طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۰) .

فصل لغات

[۳۳۹]　**بدایع اللغة**　(ترکی بفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه خود درمقدّمه تصریح نموده **ایمانی** متخلّص به **طالع** است ، وی بر آن شده که لغاتِ جغتائی و مغولی را که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده بفارسی ترجمه نماید و درهنگام شروع تصمیم نموده که پس از ترجمه هر یك از لغات یك یا چند بیت ترکی باستشهاد آورد و تا بآخر چنین کرده و گذشته ازاین گاهی باشعار عربی تمثّل جسته و این کتاب را خود « بدایع اللّغة » نام گذارده و لغات را موافق حروف الفباء مرتّب نموده و در (۳۵۰۰) بیت خاتمه داده است .

در فهرستهای موجود نزد نگارنده و مجمع الفصحاء و آتشکده و تحفه سامی و کشف الظنون و کشف الحجب و دیگر کتابها نام این کتاب و مؤلف آن را نیافتم ولی چنین بنظر میرسد که درهمان عصر و زمان امیر مذکور و سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (۹۰۸ - ۹۱۱) تألیف گردیده و در مقدّمه عبارت ذیل تصریح بدان دارد : خصوصاً در اوان عنفوان بهار سلطنت خلاصه خاندان گیتی ستانی و نقاوهٔ دودمان صاحبقرانی بلکه اسم اعظم نگین خاتم سلیمانی . . . .

شهی کزوی جهان را زیب و زین است　　　شهنشاه جهان سلطان حسین است
شه انجم حشم دارای دوران　　　نخستین وارث ملك سلیمان

میرزا مهدیخان منشی نادرشاه درمقدّمه کتابیکه بنام « سنگلاخ » نیز درترجمه فارسی لغات ترکی جغتائی و مغولی است که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده، گوید: **طالع** نام هروی نیز بجمع و ترجمه پاره‌ای ازاین کتاب پرداخته‌است

[نسخه خطّی « سنگلاخ » تحت شمارهٔ (۱٤۱۲۰) دفتر و (۷۰۰) پشت نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود و چاپ نشده است].

در ص ۳٦۷ ج ۲ فهرست رضویّه نسخه ای بنام « ترجمهٔ لغات ترکی بفارسی » تألیف امیر علیشیر نوائی موجود است ، ولی مسلّماً این کتاب (بدایع اللّغه) نیست چراکه آغاز و انجام آن که در آنجا نقل گردیده با این کتاب موافقت ندارد و در تحفهٔ سامی که بسیاری از مؤلفات امیر نام برده‌شده چنین کتابی به امیر علیشیر نسبت داده نشده است.

پشت نسخهٔ ذیل ، ازطرف مرحوم اعتضاد السلطنه بنام « لغت نوائی » معرّفی گردیده ، و بهمین نام وقف براین کتابخانه شده و با تصریح مؤلف بتسمیهٔ آن به کتاب بدایع اللّغه ، مسلّماً این نام غلط است.

آغاز : بسمله طوطی شیرین مقال ، سخنی که از آشیان نیشکر قلم بال گشا گردد الخ .

انجام : ذاتی که خلایققه تیار فیض آندین   عالم اهلی انچون سلامت بولسون .

(۸۱٤)

بدایع اللغة این نسخه بخط نستعلیق نگاشته‌شده ، نام کاتب و سال نگارش ذکر نگردیده ، پشت آخرین ورق صفحه ای مشتمل بر لغات ترکی و ترجمه آن بفارسی است ، از کلمهٔ پائین صفحه ایکه برای ربط کلام بصفحهٔ بعد نوشته‌شده برمیآید که رساله ای در این قسمت ضمیمه بوده و آنرا برداشته اند ، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه اوّل یاد داشت گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٤۲) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱٤) .

[۳٤۰]   برهان قاطع   (فارسی).

این کتاب یکی از فرهنگهای مشهور فارسی و مؤلف آن محمّد حسین بن خلف تبریزی متخلّص به « برهان» میباشد که ازشعرای قرن یازدهم هجری بوده ومتوطّن

هندوستان گردیده و از دیگر آثار وی اثری نیافتم ، در این مؤلفه گذشته از لغات فارسی لغات ترکی و عربی و پهلوی و دری و غیره که در زبان فارسی استعمال میشوند آورده شده و نیز شامل کنایات و استعارات مستعملهٔ در محاورات فارسی است و مؤلف در مقدمه تصریح کرده که لغات موجوده در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ «مجمع الفرس» سروری و «سرمهٔ صفاهانی» و «صحاح الادویه» حسین انصاری را که هریك حاوی لغات چندین کتاب اند جمع آوری کرده وشواهد ومکررات آنرا انداخته و این کتاب را پرداخته و **برهان قاطع** نامید و این تألیف را بنام سلطان عبدالله قطب شاه بن قطب شاه ، که از سلاطین قطبشاهیه هند میباشد موشح کرده است .

پیش از شروع در اصل کتاب که در بیست و نه **گفتار** و هر گفتاری در چندین **بیان** میباشد مطالبی را در نه **فائده** ذکر نموده و فهرست آن فوائد این است : **فائده اول** در بیان معرفت زبان دری و پهلوی و فارسی **فائده دوم** در بیان چگونگی زبان فارسی . **فائده سوم** در بیان تعداد حروف تهجی و تفرقه میان دال و ذال و صیغهائیکه در فارسی مقرر است . **فائده چهارم** دربیان تبدیل هر یك از حروف بیست و چهارگانه فارسی بحروف دیگر . **فائده پنجم** در ضمائر و آن در چند حرف بهم میرسد . **فائده ششم** در بیان حروف مفرده که در اوائل و اواسط و اواخر کلمات بجهت دریافت کلمات و معانی مقصوده بیاورند . **فائده هفتم** در ذکر حروف و کلماتیکه بجهت حسن و زیب کلام می آورند . **فائده هشتم** در معانی حروف و کلماتیکه در آخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی گوناگون آورند . **فائده نهم** در بیان توصیف آنچه صاحبان املا را از دانستن آن گزیر نیست .

چنانکه هر مؤلفی را این بلا دست میدهد مؤلف برهان قاطع را اشتباهاتی در این جمع آوری رخ داده و جمعی برد او پرداخته و جمعی هم بحمایت وی برخاسته و این دو دسته کتابها نگاشته اند و دانشمند متتبع معاصر آقای تربیت درص ۶۸ و ۶۹ دانشمندان آذربایجان آنها را ذکر نموده و مناسب این است که در اینجا بنقل عین عبارت ایشان مبادرت نمائیم :

« برهان قاطع جامعترین فرهنگهای پارسی است مؤلف آن بعضی کلمات اجنبی و غیر پارسی را نیز که در نظم و نثر پارسی معمول بوده و هست همه را جمع آوری کرده و در این مجموعه مندرج ساخته است ولی مانند سائر فرهنگها محتاج به تنقیح و تصحیح است ولـذا بعضی از ادبای نامی هند مانند غالب دهلوی و غیر او در خصوص این کتـاب حواشی و تعلیقات عدیده بعناوین مختلفه مثل قاطع برهان و ساطع برهان و رافع هذیان(۱) ومحرق قاطع برهان وتیغ تیز و تیغ تیز تر وغیر آنها مشتمل برود وانتقاد یکدیگر نوشته و نشر کرده اند

سید احمد عاصم عنتابی ازفضلای عثمانی نیزدراوائل قرن سیزدهم هجری این مجموعه را باسم تبیان نافع نقل بترکی کرده و درضمن ترجمه بفرهنگهای معتبر موجوده نیز رجوع نموده و پس از اصلاح اغلاط و رفع شبهات مبلغی از لغات بر آن افزوده است و این تالیف او در تاریخ ۱۲۵۱ در قاهره مصر چاپ شده است . انتهی .

شمارهٔ لغات و کنایاتیکه در گفتارهای بیست و نه گانه برهان قاطع موجود است (۱۹٤۱۷) میباشد و بسال ۱۰۶۲ مؤلّف از تألیف و جمع آوری آن فراغت یافته و خود در مقدّمه تاریخ اتمام آنرا سروده و آن اینست :

چو برهان از سر توفیق یزدان مر این مجموعه را گردید جامع
پی تاریخ اتمامش قضـا گفت کتاب نافع برهان قاطع =۱۰۶۲

این کتاب مکرّر در ایران و هندوستان چاپ شده و بهترین چاپهـای آن چاپ سربی است که با کمال دقت تصحیح و در کلکتّه بسال ۱۲۳۳ چاپ شده و ملحقاتی نیز دارد ، نسخهٔ شمارهٔ (۶۹) این کتابخانه از روی آن نسخه نوشته شده در ص (۱۶۵) این فهرست خصوصیّات آن نگاشته شده مراجعه شود .

آغاز : بسمله :

ای راه نما بهر زبان در افواه یزدان و کرسطوس چو تکری و آله
از نام تو بردند زبانها بتوراه لا حول و لا قوّة الاّ باللّه

انجام: یعقوب بفتح یای حطّی و عین بینقطه وقاف بواو کشیده و بیای ابجد زده نام پیغمبری بوده مشهور و نام مردی بوده صاحب مذهب و مجتهد نصاری و کبک نر را نیز گفته اند که جفت کبک ماده باشد .

---

(۱) این کتاب را مرحوم اعتصام الملك در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۷۱ « دافع هذیان » ثبت نموده واین صحیح است ومؤلف آنرا نجفعلی خان حجری معرفی نموده . و نیز در همین صفحه مؤلف قاطع برهان را اسد الله غالب دهلوی ومؤلف ساطع برهان راشیخ رحیم هندی شناسانده اند .

(۸۱٥)

برهان قاطع

این نسخه بخط نسخ سیّد محمود بن یوسف در سنه ۱۲۰٥ نگارش یافته ، لغات با سرخی نوشته شده و دارای یك سر لوح و صفحات آن مجدول بطلا میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲٦) . صفحه ای (٤۱) سطر . طول (۳۸ سانتیمتر) . عرض (½ ۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷٦) .

(۸۱٦)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق عبدالحسین اصفهانی در سنهٔ ۱۲۲۷ نوشته شده ، کلماتی را از میان سطور آخر کتاب محو کرده‌اند و صفحات نسخه مجدول بسرخی و لاجورد و زردی میباشد .

جلد روغنی مستعمل . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۷۳) . صفحه ای (۲٥) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (½ ۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦۸) .

(۸۱۷)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق در سنهٔ ۱۲۳٤ نوشته شده ، کاتب نامی از خود نبرده و لغات را با سرخی نوشته است .

جلد مرغش . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٥۱۷) . صفحه‌ای (۲٥) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (½ ۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦٦) .

(۸۱۸)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق محمد مهدی بن محمد علی در سنه ۱۲٤۲ نوشته شده ، دارای یك سر لوح و صفحات آن مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳٥۷) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦۷) .

(۸۱۹)

برهان قاطع

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در آخر کتاب کاتب نام خود را میرزا بابا ابن میرزا محمّد معرفی نموده و سال کتابت را

سنه (۱۲۵۲) تعیین کرده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۷۲). صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۳٤½ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۷٤).

(۸۲۰)

برهان قاطع این نسخه را بسال ۱۲۸٤ مراد علی قمشه ای بنا بخواست میرزا علی اکبر نام از روی نسخه‌ایکه بسال ۱۸۱۸ میلادی درکلکتّه چاپ سربی شده وبهترین وجامعترین نسخ مطبوعه میباشد ونسخهٔ آن بسیار کمیاب بوده و هست، بخطّ نسخ نوشته وآن نسخه چاپ شده نخستین چاپ این کتاب‌است ودرمقدّمهٔ آن خصوصیات‌وامتیازات‌وشرح سیزده نسخه‌ایکه‌ازاین کتاب درموقع تصحیح وچاپ‌دردست‌بوده‌و کتب دیگری که‌موردنظر ودقّت در تصحیح‌این‌نسخه‌بوده‌واسامی آنانکه متصدّی تصحیح وتنقیح بوده‌اند وآنها: مولوی حیدرعلی، مولوی‌نظام الدّین حیدر، با بوتا ر بیخزن متر، مولوی‌غلام قادر، مولوی کاظم‌علی‌نصیرآبادی، منشی امام‌علی‌خیرآبادی‌ومولوی‌محمد اکبرعظیم‌آبادی،میباشند حسین‌الحسینی بلگرامی که خود نیز از مصحّحین میباشند نوشته و پس از ختم کتاب، لغاتیکه در فارسی استعمال میشود ودر برهان نبوده از کتب لغت جمع و بنام ملحقات برهان قاطع نگاشته شده و این قسمت مشتمل بر (۳۷۱۷) لغت و کنایهٔ مستعملهٔ در زبان فارسی است ودرمقدمه‌نیز گوید: پاره ای ازلغات که در فرهنگهانبوده از زبان دانهای معاصر که عبارتنداز: ۱ ـ سیدعلی شیرازی متخلّص به نیاز ۲ ـ فضل‌مولی‌خان متخلّص به فضل، ۳ ـ حاج میرزا شفیع شیرازی ، ٤ ـ نظام‌الدین‌حیدرمتخلص‌به‌اوباش، گرفته‌شده و بنام‌خود آنهاضبط گردیده‌است .

این نسخه چون اصل مطبوع آن بسیار مطبوع ودارای یك سرلوح میباشد ، صفحات آن بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف و لغات آن نیز با شنجرف نگاشته شده است .

جلد ضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۷۷) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۱½ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه(٦۹) .

[۳٤۱] تنقیح الصحاح (عربی)

محمود بن احمد زنجانی (۱) صحاح اللّغه جوهری را که در همین فصل معرّفی آن خواهد شد و از کتب مهمّهٔ لغت میباشد بدواً از نظر گذرانیده و مطالب صرفی و نحوی و بعضی از مکرّرات و امثال و شواهد آن را که بمناسبت در آن ذکر شده بوده انداخته و آن را «ترویح الارواح فی تهذیب الصّحاح» نامیده وپس از آن چون همّت معاصرین را درحفظ و ضبط باقی کم دیده بقیّه شواهد وامثال موجودهٔ در آنرا حذف کرده «تنقیح الصحاح» نام گذارده ودرمقدّمه این کتاب گوید که مختصر اوّل در حدود خمس اصل و این مختصر عشر صحاح و بیش از عشری هم از اصل لغات صحاح اللغه حذف نشده است.

آغاز: بسمله الحمدلله حقّ حمده والصّلوة علی خیرخلقه محمّدو آله وصحبه الخ.

(۸۲۱)

تنقیح الصحاح این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پشت صفحهٔ اوّل نام کتاب ومؤلّف آن ومطالب متفرّقه نگاشته شده، درحاشیهٔ بیشتر از صفحات تعلیقات مختصری تحریر گردیده، نسخه آب دیده ولی خطوط آن ضایع نگشته از آخر آن یکی دو صفحه افتاده و آخرین سطر نسخه که در معانی کلمه وقیا میباشد این است: فی مامضی وامّا الیوم فهی عشرة دراهم و خمسة اسباع درهم والجمع الاواقی. نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در سنه (۱۲۸۷) داخل کتابخانهٔ اعتضاد السلطنه شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمر قندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۱۷)، صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) ، عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹٤).

[۳٤۲] تهذیب اللغه (عربی)

این کتاب که یکی ازمشاهیر کتب لغت میباشد تألیف ازهری رضی الله عنه است

---

(۱) در روضات الجنات و طبقات الحنفیه و طبقات الشافعیه سبکی و شذرات الذهب و فهارس موجوده و دانشمندان آذربایجان نام این دانشمند و شرح حال و سایر مؤلفات ایشان را نیافتم در کشف الظنون ذیل صحاح اللغه (ص۷٦ ج ۲) نام این مختصر و مختصر سابق و مختصر کننده آنها بدون ذکر سال وفات ثبت شده است.

(ابومنصور محمدبن احمدبن ازهربن طلحة الازهری الشافعی الهروی ۲۸۲–$\frac{۳۷۰}{۳۷۱}$)(۱)
که‌از کبار فقهای این‌طایفه و از معتمدین و متورّعین بشمار میرود، درفقه وحدیث
مهارتی بسزا داشته ودر زهد وعبادت انگشت نما بوده ، بسیاری ازعلما ازوی
روایت نموده وجمعی‌هم پیش وی بتحصیل‌علم‌لغت اشتغال‌داشته‌اند، خودازهری
در مقدّمه این کتاب گوید : در جنگ قرامطه بدست اعراب بدوی اسیر شده و
مدّتی بسیار در میان آنها زندگانی‌نموده و از آنها لغات‌و الفاظ فراوانی‌دریافتم
و در خلال این کتاب گنجانیدم .

ازهری را مؤلّفات بسیار است از آنها التّقریب در تفسیر قرآن کریم، شرح
الفاظ المزنی ، علل القراآت ، کتاب الرّوح (در این کتاب آنچه راجع بروح
درقرآن کریم و اخبار وارد شده جمع کرده) ، شرح اسماء الله الحسنی ، شرح
اصلاح المنطق ابن سکیّت ، شرح دیوان ابی تمّام و تهذیب اللغه (همین کتاب) .

تهذیب‌اللغه یکی‌از کتب مهمّه لغت ونادرهٔ علم‌ادب میباشد ومؤلّف دربیان
لغات و تنظیم مفردات طریقه ای انتخاب نموده که خطا و خلل کمتر درآن‌راه
یابد و ازتصحیف‌و تحریف نسبةً مصون باشد .

لذا« کتاب‌العین »خلیل‌راپیروی‌وازحرف عین‌شروع‌وبحرف‌الف‌وهمزه‌خاتمه‌داده
موافق‌مخارج‌حروف‌است که تمام آنهارابه نه‌دسته‌بااین‌طریق‌تقسیم‌وتسمیه کرده‌اند :
حلقیه (ع ح ه خ غ) ، **لهویان** (ق ك) ، **شجریه** (ج ش ض) ، **اسلیه**
(ص س ز) ، **نطعیه** (ط د ت) ، **لثویه** (ظ ذ ث) ، **زلقیه** (ر ل ن) ،
شفویه (ف ب م) ، **هوائیه** (ی و ا) . و در مقدمه این کتاب یکباب راجع
باین تقسیم و وجه تسمیهٔ آنها نگاشته اند .

سبکی در طبقات الشّافعیّه گوید : تهذیب‌اللّغه ده مجلّداست (عشرمجلّدات)
ولی در نسخهٔ کامل این کتابخانه با تفحّص بسیار اثری از این تقسیم در مقدّمه

(۱) طبقات الشافعیه سبکی ج ۲ ص ۱۰۶ ، طبقات الحنفیه حاشیه ص ۲۱۸ ، کشف الظنون
ج ۱ ص ۱۱۲ و ۳۵۱ .

و خاتمه و اواخر کتاب ومباحث وابواب آن دیده نشده جز اینکه فقط درآخر کتاب الکاف (نسخه شماره (۸۲٤) این فهرست) این کتابخانه نوشته شده : تمّ الجزء الثانی عشر ویتلوه فی الثالث عشر کتاب الجیم .

در فهرست کتابخانه خدیویه مصر (ج ٤ ص ۱۶۹ و ۱۷۰) و فهرست دارالکتب المصّریه (ج ۲ ص ۱۰) چند نسخه از این کتاب که مشتمل براجزائی ازاین مؤلّفه است موجود وتاریخ نگارش یکی از آن نسخ سال ۶۳۳ودیگری بسال ۶۸۷ وتاریخ کتابت یك جزء آن بسال ۷۵۳ میباشد و تقسیمات ذیل ازآن دو فهرست استفاده گردید : **جزء هشتم** شامل قسمتی از حرف الهاء (ظاهراً از ابتداء ماده مَهر) تا ابتداء باب الخاء و الّزای . **جزء نهم** از ابتداء باب الخاء والّزای تا باب الغین و الزای . **جزء یازدهم** تا ابتداء باب القاف و الیاء . **جزء دوازدهم** از ابتداء کتاب الکاف تا آخر . **جزء شانزدهم** از ابتداء باب السین والّتاء تا ابتداء کتاب الظّاء . **جزء هفدهم** ازابتداء کتاب الطّاء تا ابتداء کتاب الذّال .

بنا بر این از ابتداء کتاب تا قسمتی ازکتاب حرف الهاء هفت جزء (۱تا۷) و از باب الغین و الزای تا ابتداء کتاب القاف (ظاهراً) یك جزء (جزء ۱۰) و از ابتداء کتاب الجیم تا ابتداء باب السّین والتاء سه جزء (۱۳ و ۱٤ و ۱۵) و از ابتداء کتاب الذال تا آخر نیز مشتمل بر سه جزء (۱۸و۱۹و۲۰) میباشد و بنا بر این تقسیم بایستی گفت شمارهٔ اجزاء تهذیب اللّغه راسبکی نیز درطبقات الشافعیّه عشرین نوشته بوده و در چاپ یا در نسخه ایکه از روی‌آن این نسخه چاپ شده‌است به « عشر » تصحیف گردیده لیکن لفظ « مجلّدات » این احتمال‌را تزییف میکند جزآنکه آنرا نیز محرّف بدانیم .

ازهری در این کتاب هر یك از حروف را بنام کتابی خوانده و در ابتداء آن بسمله گذارده و آن‌را باین ابواب (ابواب‌المضاعف ، ابواب الثلاثی الصّحیح، ابواب المعتلّ، ابواب اللّفیف ، ابواب الرّباعی ، ابواب الخماسی وابواب الملحق

بالخماسی تقسیم کرده و کلیّه لغاتیکه یکی از حروف حلقیّه یا شغویه و یا غیر از آنرا دارد بمناسبت در یکی از ابواب مذکوره جای داده و ترتیب ابواب نیز موافق ترتیب کتب بر حسب اعتبار مخارج آنها است و چون بخواهیم لغتی را که ازسه یا چهار حرف ترکیب شده بدست آوریم بایستی دانست که آن حروف از کدام یك از دسته های نه گانه میباشد و از آن پس در کتابی که شامل آنحرف بترتیب مذکور فوق میباشد جستجو نمود باین طریق که اگر آن کلمه شامل یکی ازحروف حلقی است این لغت را در کتب راجعه باین حروف و اگردارای یکی ازحروف لهوی باشد در کتاب آن و بهمین طریق است سایر حروف ، و یکی از کارهای مهمّ مصنّف این کتاب این است که کلیّه صور متصوّره از ترکیب چند حرف را با یکدیگر در جای خود متذکر شده و مهمل و مستعمل آنها را بیان نموده و در اکثر لغات شواهدی از آیات و اخبار و اشعارفصحاوکلمات لغویّین آورده است .

مؤلف پیش از شروع در بیان لغات حرف عین که نخستین کتابی از کتب تهذیب است تحت عنوان بابُ ذِکر الأئِمّة الّذین اِعْتَمَدْتُهُم فی مـا جَمَعْتُ فی هٰذ الکِتابْ ، شرح مفصلی درمعرّفی بسیاری ازلغویین سابق و معاصر نگاشته و پس از آن دوباب بنام : باب القاب الحروف و مدارجها وباب ایجاز الحروف . نیز تحریر نموده وتقسیمات حلقی وغیره حروف را مفصّلا در این دوباب آورده و در اطراف آن بحث کرده اند .

تهذیب اللّغه در حدود (۱۳۵۰۰۰) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نشده و نسخهٔ کامل آنرا جز در این کتاب خانه سراغ نداریم ، جرجی زیدان در ص ۳۰۸ ج ۲ تاریخ آداب اللّغه گوید که نسخی از تهذیب در کتابخانه ایاصوفیا و نورعثمانیه وکوبرلی درآستانه و نسخه‌ای درکتابخانه احمدیه در حلب موجود است ، و از لباب الالباب عوفی برمی‌آید تاهنگام تألیف آن کتاب (درصفحهٔ یط مقدمه چاپ اوقاف گیب آقای قزوینی نوشته اند که ظاهر آمیان این دو سال ۶۱۷ - ۶۲۵ تألیف شده است) نسخه اصل تهذیب وجود داشته ومناسبت دارد که دراین جا عین عبارات عوفی را نقل کنیم و آن اینست :

عوفی در ص۲۱۱ ج اول لباب الالباب درذیل قطب الدین سرخسی که ازمعاصرین خویش بوده آورده است که قطب الدین در آغاز خوشی خویش گوید : بعد از مدت اندك شنیدم که بجهت کتابخانه سرپل بازارچه (علامهٔ قزوینی نگاشته اند که سرپل یاسرپل وزیران چنانکه از جهانگشا در حکایت خروج تارابی معلوم میشود قریه ایست از نواحی بخارا بکمتر از سه فرسنگ یا ازارباض بخارا ست) تهذیب از هری بخط مصنف از دار الکتب مرو آورده اند و کاتبی بجمال فضل می طلبند چون هیچکس را آن قوت نبود که اورا چه اگر فضلا بودند که آن را نیکو بدانستند از خط حظ ایشان وافر نبودی و اگر خط نیکو بودی اهلیت آن نداشتند بدو ارسال کردند و صدراجل مجیر الدین اورا بخدمت خود خواند و از فضل و هنر او معلوم کرد و دانست که ذات او جهان علم وکان فضل است اورا بخدمت صدر سعید عبد العزیز[بن]عمر بن سیدسادات بردفرمودند تو این رادیدهٔو ازاینجا لغت استخراج توانی کرد او تبسم کرد چه اورا فضل آن بود که مثل این تالیف کند فرمودند که صفحهٔ از این کتاب بنویس تا خط تو صدر جهان مطالعه کند بر بدیهه فصلی در فضل این کتاب و استخراج لغات آن تحریر کرد و شعری بر ترتیب حروف که بناء استخراج آن بدانست انشا کرد و بخدمت فرستاد و چون این فضل وافر بدیدند آن کتاب بدو دادند و اورا راتب نیکی مهیا گردانیدند و بتدریج محل او عالی و رتبت او سامی شد وکار او بالا گرفت و دبیر صدر جهان شد کتابخانه سرپل بازارچه اورا دادند و پیش از آن در بخارا اشتغال محصلان در شرعیات بود و بفضلیات کس التفات نکردی و در آن خوض نکردی چون اقبال او بدیدند خلق بتحصیل آن شیوه اقبال نمودند ومن درخدمت او تحصیلها کرده‌ام وقتی از سمرقند نامهٔ نوشته بود به نزدیك خواجه امام ناصرالدین پسرخود الخ).

مؤلّف در مقدّمه بیان کرده که پس از آنکه هفتاد سال از عمر وی گذشته باین تألیف مبادرت نموده و چون دانستیم که تولد وی بسال ۲۸۲ بوده بدست می‌آید که اینك که سال هجرت ۱۳۵۷ قمری است بیش از هزار سال از تألیف این کتاب گذشته است .

چنانکه صاحب کشف الظنون درص۸۳ ج ۲ نوشته اند تاج الدین محمود بن ابی الحواری لغوی که تا سال ۵۸۰ زنده بوده کتابی بنام « ضالّة الادیب فی الجمع بین الصّحاح والتهذیب » تألیف نموده و در آن بر جوهری انتقاداتی دارد .

این کتاب را نبایستی بکتاب « تهذیب الاسماء والکنات » تألیف محیی الدین ابی زکریا یحیی بن شرف شافعی نوادی شامی (۶۳۱ - ۶۷۶هـ) اشتباه نمود .

عبدالکریم بن عطاء الله اسکندری متوفی بسال ۶۱۲ تهذیب اللّغة ازهری را مختصر کرده است (کشف الظنون ج ۱ ص ۳۵۱) .

آغاز : بسمله الحمدالله بکل‌ماحمده به‌اقرب عباده الیه واکرم‌خلایقه علیه‌الخ .

انجام : و اعلم ایها الناظر فی کتابی انی لاادّعی انی حصّلت لغات العرب کلها ولا طمعت فی ذلك غیر انّی حرصت ان یکون مادوّنته مهذّبا من آفة التّصحیف منّقاً من فساد التّغییر ومن نظر فیه من ذوی المعرفه فلا یعجلنّ الی الردّ والانکار .... وایّاه اسئل مبدئاً ومعیدا ان یصلّی علی محمدالنبیّ وآله‌الطّیبین اطیب الصّلوات و ازکاها وان یحلّنا دار کرامته و مستقر رحمته انّه اکرم مسئول و اقرب مجیب و الحمد لله ربّ العالمین حمداً کثیرا جلیّاً مبیناً .

(۸۲۲)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، نامی از کاتب وسال کتابت در این نسخه و سائر مجلّدات نیست ، کتابت بیشتر از اوراق این نسخه بایستی در قرن نهم شده باشد اوراق دیگر هم که نو نویس میباشد بسیار شبیه با اوراق سابقه نگارش یافته و اوراق اوّلیّه متن وحاشیه است .

پشت اوّلین ورق نسخه تقسیمات نه گانه حروف ولغاتیکه دراین مجلّداست (حرف العین من الحاء الی الیاء و حرف الحاء مع القاف و الفاء) تذکّر داده شده و پشت اوّلین صفحه کتاب مطالبی راجع بترتیب تهذیب و کیفیّت استفاده از آن نوشته شده و بنام مجلّد اوّل تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشمل بر کتاب العین وقسمتی از کتاب‌الحاء میباشد و صفحات آن مجدول بشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۱۰) صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵۷) .

(۸۲۳)

تهذیب اللغه این نسخه بخط نسخ نگارش یافته ، کاتب نامی از خود وسال کتابت نبرده ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده، و بنام مجلّد

دوّم تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر بقیّه لغات کتاب **الحاء** و تمام کتاب **الخاء** ازغین تاسین (تامادهٔ بخس) میباشد، فهرست مندرجات بر اوّلین ورق نسخه بخط نسخ نوشته شده و برنخستین ورق کتاب مهراسمی بوده آن را محو کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۲۵) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۸) .

(۸۲۴)

تهذیب اللغه این نسخه چون نسخهٔ اولی بخط نسخ خوب نوشته شده ، بعضی از اوراق آن کهنه و متن و حاشیه میباشد ، کنار سه ورق از آن سوخته ولی خطوط ضایع نشده ، پیش از شروع بماده قبو یك ورق کاغذ ننوشته گذارده شده و مطالب ورق پیش پیداست که تا تمام مانده و شاید بیش از همین یك ورق افتاده نداشته باشد ، بنام مجلّد سوّم بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر کتاب **الخاء** (از زاء تا آخر) و کتاب **الغین** و کتاب **القاف** و کتاب **الکاف** میباشد و فهرست مندرجات بخط نسخ خوب پشت اوّلین ورق نسخه نگاشته شده و در آخر این نسخه تصریح شده که جزء دوازدهم تهذیب باینجا ختم گردید .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۲۵) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۹) .

(۸۲۵)

تهذیب اللغه . این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و در آخر کتاب حرف الجیم تاریخ فراغ از کتابت سال ۵۷۰ تذکر دادشده چنانکه پیش‌ازاین نیز گفته شد ازخود نسخه معلوم میشود که این تاریخ راجع بکتابت این نسخه نیست و بایستی تاریخ نسخه ای باشد که این‌نسخه را از روی آن نوشته اند و مشتمل بر کتاب **الجیم** و کتاب **الشین** و کتاب **الصاد** وقسمتی

ازکتاب **السین** (از حرف زاء تا میم) میباشد و درکتاب الجیم از حرف اللام تا آخر کتاب(۵۰ ورق) مکرّر نوشته شده، این نسخه بنام مجلّد چهارم تهذیب بر این کتابخانه وقف شده و تمام صفحات بجدول بشنجرف میباشد و فهرست موادیکه این نسخه مشتمل بر آنهـا است بخط نسخ خوب پشت اوّلین صفحه نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول . (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۶۰) .

(۸۲۶)

تهذیب اللغه این نسخه که بر کنار صفحه اوّل بنام مجلّد پنجم بر این کتابخانه وقف گردیده مشتمل بر کتاب السّین (بقیّه نسخهٔ پیش) و کتاب **الزاء** و کتاب **الطاء** و کتاب **الدال** و کتاب **التاء** و کتاب **الظاء** و کتاب **الذال** و کتاب **الثاء** و کتاب **الراء** و کتاب **اللام** و کتاب **النون** و کتاب **الفاء** و کتاب **الباء** و کتاب **المیم** و کتاب **الجوف** (ی ، و ، ا) میباشد و تهذیب بآخر این نسخه بانجام میرسد و برنخستین ورق، فهرست مندرجات نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ومهر اسمیکه دراوّلین صفحه کتاب بوده دراینجا نیز بوده وهمچنان محو گردیده و پاره ای از اوراق متن و حاشیه و بجدول بشنجرف است ، نـام نویسنده و سال نگارش ندارد و ظاهراً خط کاتب مجلّدات پیشین میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۸۹) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۶۱) .

[۳۴۳] **خلاصهٔ عباسی** (ترکی بفارسی)

این کتاب مختصر سنگلاخ تألیف میرزا مهدیخان منشی معروف نادر شاه میباشد . نسخهٔ سنگلاخ را(در ص ۱۶۰) درکتابخانه مجلس شورای ملی ایران نشان دادیم ، مؤلف ومختصر کننده در مقدّمه خود را محمّد خوئی معرّفی کرده و گوید :

چون خاطر ملکوت ناظر بندگان اسکندرشان نائب‌السلطنة العلیه والخلافة البهیه‌ولی‌النعم الجلیله(ن‌مج‌الخایله)الجلیله مجاهد کفار،غازی کرار،حافظ بیضهٔ اسلام . . . . . . السلطان‌ابن السلطان (۱) شاه عباس قاجار ادام الله عهده ومهد ممالك حکمه و مهده بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ که مرحوم میرزا مهدیخان درلغات ترکی نوشته وتار وپود آن نسج‌را مانند برهان‌قاطع درلغت فارسی‌رشته مشتمل‌است بر زیادات در بیان‌معانی‌اشتقاقات‌و بیان‌معانی بعضی لغات وحاوی بود برابحاث (ن‌مج : برنصیری) وغیره ازشارحان‌لغت ترکی‌درفهم‌اشعارنوائی وغیره تصرفی در آن کتاب نظیرالمحکم والعباب (۲) شود بطوریکه همه لغات که در آن کتاب است درآن مختصر درج لهذا کمترین دعاگویان واقل منسوبان ؟ محمد خوئی برخی‌ازاوقات‌را به‌آن خرج کرده مشتقات‌را حذف ومعرا ازشواهدساخته وابحاث وتکریرات از او انداخته اکتفا به‌بیان معانی مصادر و جوامد نمود چه بعد از دانستن معنی النصر مثلا درلغت عربی معانی مشتقات آن بمقایسه معلوم گردد ومعهذا برای غایت توضیح در ذیل یك مصدر کیفیت اشتقاقات را بیان نمود تا به‌آن قرار درهمه مصادر معلوم شود وعلاوه بر آن‌در مقدمهٔ کتاب قواعد و ضوابط لغت ترکی بیان شده و از آن هم کیفیت اشتقاقات واضح است و بعد از اتمام مرام کتاب مختصری شد گذاشته شده درطرف تمام آن بحسب حجم و کتابت عشری از اعشار سنگلاخ نیست و همه لغات که در سنگلاخ است فعلاً و قوةً در آن مختصر است وآن کتاب را بجهة تیمن و تبرك موسوم به خلاصه عباسی نمود والاستعانه من الملك المعبود مقدمه .

از اینکه نسخه ذیل بسال ۱۲٤۰ نوشته شده و قرائنی که در عبارات مذکور بالا موجود میباشد تألیف آن در سال تحریر نسخه و یاکمی پیش از آن است .

چنانکه گفتیم در این کتاب مؤلف خود را محمد خوئی معرّفی کرده ودر

(۱) در نسخه این مدرسه بدین نحو که بالا نقل شد نوشته شده و در نسخهٔ دیگری که بسال ۱۲٤۵ از این کتاب نگاشته شده ودر کتابخانهٔ مجلس شورای ملی موجود است عبارت در اینجا چنین است : ابوالنصر شاه عباس ادام الله عهده‌ومهد ممالك حکمه مهده بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ الخ . واین شاه عباس همان عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار است که بسال ۱۲٤۹ پیش از پدر بمرد و بشاهی نرسید وپادشاه پسر وی محمد شاه را ولیعهد کرد وبسال ۱۲۵۰ دراصفهان بدرودزندگی کرد ونوه اش محمدشاه مزبور بسلطنت رسید .

(۲) محکم درلغت و تالیف ابن سیده وعباب نیز درلغت وتالیف حسن ابن محمد الصنعانی متوفی بسال ٦۵۰ میباشد ودر ص ٤۰۱ ج ۱ کشف الظنون است که تاج الدین المعروف بابن المکتوم متوفی بسال ۷٤۹ کتابی بنام « الجمع بین‌العباب والمحکم » تالیف و نیز آنرا مختصر نموده و نام آنرا « المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب و المحکم » گذارده است .

مقدمهٔ کتاب« مجمع الحکمتین و جامع الطبین »(۱) و کتابیکه در علم تشریح وقواعد طبیه بنام « انوارناصریه» (۲) تألیف نموده خود را محمد بن عبد الصبور معرفی کرده ودر کتاب اول گوید مشهور به طبیب و پشت کتاب دوم نوشته شده تألیف حکیم باشی است، آقای تربیت در ص ۱۲۲ دانشمندان آذربایجان ایشانرا در تحت عنوان **حکیم قبلی** (۳) ذکرودرص ۲۰۳ المآثر والاثار این مؤلف بنام **ملا محمد قبلی** نام برده شده و در دو کتاب فوق سال وفات وی نگاشته نشده ، از اینکه انوار ناصریه رابسال ۱۲۷۲ تألیف نموده و اینکه در المآثر والاثار مؤلفه بسال ۱۳۰۶ نوشته شده : حکیم باشی حضورمبارك بود معلوم میشود که میان این دو تاریخ وفات یافته است و در دانشمندان نوشته شده کتاب « تعلیم نامه‌درعمل آبله زدن» تألیف دکتر کارمك انگلیسی را بفارسی ترجمه نموده و بسال ۱۲٤٥ در تبریز باحروف سربی چاپ شده است .

از مؤلفات فوق بر می آید که مردی جامع علوم قدیم و جدید بوده و در ادبیات دستی قوی داشته و در دستگاه عباس میرزا نائب السلطنه و محمد شاه وناصرالدین شاه مقرب و طبیب رسمی بوده و بالاخره حکیم باشی شده است .
برای معرفی ازاین کتاب عین عبارات قسمتی از دیباچه را نقل نمودیم و مؤلف مقدمه را که در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد در قواعد و ضوابط متعلقهٔ بلغت ترکی وصرف ونحوآن زبان قرار داده و برحسب تصدیق ترکان دانشمند باکمال اختصارش بسیار جامع نوشته شده است و این مختصر بشمارهٔ حروف

---

(۱) نسخه ای از این کتاب که بسال ۱۲۵۰ نوشته شده و از مقدمه آن بر می آید به امر عباس میرزا نائب السلطنه تالیف ودر زمان محمد شاه خاتمه یافته وزبان انگلیسی را میدانسته و از کتب طبی آنها ترجمه و در این کتاب آورده تحت شماره (۷٦۹) در این کتابخانه موجود است .

(۲) این کتاب بسال ۱۲۷۲ در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری تالیف گردیده و همانسال درتبریز چاپ سنگی شده و نسخه‌آن تحت شماره (۷۹۷) دراین کتابخانه موجوداست .

(۳) دروجه تسمیه ولقب این‌طبیب دانشمند به قبلی آقای تربیت فرمایند که این‌طبیب برسم اعیان واشراف آن‌روزگار با جلالی تمام‌در کوچه وبازارحرکت میکردوبقلیان‌هم‌علاقه‌زیادی داشته ویکی ازتعینات وی این بود که‌نوکری‌سوار با قبل‌ومنقل که لوازم قلیان وآتش افروخته درآن گذارده میشود همواره ملازم داشت بدین سبب معروف به حکیم قبلی گردید .

تهجّی بکتابهائی تقسیم شده و از کتاب‌الالف شروع گردیده و حرف دوّم هم درترتیب ذکر لغات معتبر و مشتقّات را نخست و پس از آن جوامد را آورده است و تمام کتاب در حدود (٦۰۰۰) بیت کتابت دارد و در آخر کتاب اشعاری‌را ازامیرعلیشیرنوائی که معانی آنها معلوم‌نشده بنام خاتمه نقل نموده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل النّاس شعوباً و قبائل الخ . . . . امّا بعد چون خاطر ملکوت الخ .

(۸۲۷)

خلاصهٔ عباسی این نسخه را بخطّ نستعلیق خیلی خوب محمد صادق سبزواری بسال ۱۲٤۰ بگفته میرزا محمد ابراهیم سبزواری که از القاب مرقومه معلوم میشود از رجال دربار بوده نوشته است و مراتب را در آخر نسخه تذکّر داده و اصل لغات بخطّ نسخ نگاشته شده و اسامی کتب و عناوین دیگر را با شنجرف تحریر نموده و پشت نخستین برگ یادداشت شده که بسال ۱۲٦۲ داخل کتابخانه اعتضاد السّلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۹) . صفحه‌ای (۱٦)سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۹۱).

[۳٤٤] دستور اللغة (عربی وفارسی)

مؤلّف این کتاب ذواللّسانین بدیع الزّمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی(۱) متوفّی بسال ٤۹۷ (۲) میباشد که یکی از ادباء نامی قرن پنجم هجری

(۱) نطنز شهر کوچکی است میان اصفهان و کاشان وفاصله آن موافق تعیین اداره پست به اصفهان(۱۲۸٫٦) کیلومتروبه کاشان (٦۰) کیلومتر میباشد ومیوه‌جات مخصوصا گلابی آنجا بخوبی معروف است .

(۲) سمعانی (۵۰۲ - ۵٦۲) که معاصر و شاگرد سبط وی بوده وفات اورا بسال ٤۹۷ نوشته (ص ٤٦٤ چاپ عکسی الانساب) و یاقوت که در اوائل قرن هفتم زندگانی مینموده وی و دختر زاده اش ابوالفتح را که نیز از ادباء نامی و استاد سمعانی بوده نام برده (ج ٤ ص ۷۹۳ معجم البلدان چاپ اروپا) و گوید که ابوالفتح بسال ٤۹۷ درگذشته و این قول غلط است چرا که سمعانی متولد ۵۰۲ در الانساب ابوالفتح‌را استاد خود معرفی نموده و در وقت نوشتن این کتاب زنده بوده است . و سیوطی در بغیة‌الوعاة (ص ۲۳۱) وفات ذواللسانین را در جمادی الاخری بسال ٤۹۹ ثبت‌نموده و گوید که‌ابن‌جماعه نوشته درمحرم سنه ۷ مرده وصاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ٤۹۲) قول سیوطی‌را معتبر دانسته درصورتیکه قول‌سمعانی مقدم‌میباشد چرا که‌نزدیك بعصروی بوده است .

بوده و در ادب مؤلّفاتی داشته و بعربی و فارسی شعر میگفته و سیوطی در بغیة الوعاة این سه بیت را از اشعار او آورده است :

اَلْعِزُّ مَخْصُوصٌ بِهِ الْعُلَمَآءُ ‌‌ ‌ ‌ مَا لِلْاَنَامِ سِوَاهُمُ مَا شَاءُوا

اِنَّ الْاَکَابِرَ یَحْکُمُونَ عَلَی الْوَرَی ‌ ‌ ‌ ‌ وَ عَلَی الْاَکَابِرِ یَحْکُمُ الْعُلَمَآءُ

اَسْوَءُ الْاُمَّةِ حَالًا رَجُلٌ ‌ ‌ ‌ ‌ عَالِمٌ یَقْضِي عَلَیْهِ جَاهِلٌ

در دستور اللّغة نیز اشعاری که مشتمل برقواعد صرفی و نحوی است از ایشان دیده میشود و درجای دگر باشعار این دانشمند دست نیافته‌ام، چنانکه ازمؤلّفات دیگر ایشان هم اطّلاعی بدست نیاوردم جز اینکه دانشمند فقید یوسف اعتصامی (اعتصام الملك)(۱) مؤلف فهرست کتب خطّی مجلس شورای ملی درص ۲۷۲-۲۷٤ کتابی بنام «مرقاة»(۲) نیز باین مؤلّف نسبت داده اند.

کتابی کـه اینك بنام مشهور آن (دستور اللّغه) در این جا نام برده شده یکی‌از کتب خوب لغت میباشد و با اختصاریکه دارد بسیارمفید و دارای ارزش و اهمیّت خاصی است، در پاره ای از موارد لغات عربی را بفارسی دری(۳) نیز

(۱) این دانشمند یگانه رحمةالله علیه شب یکشنبه ۲۹ شوال ۱۳۵٦ زندگی را بدرود گفت و قلوب دوستداران علم و ادب را جریحه دار کرد.

(۲) در کشف الظنون (ج ۲ ص ٤۱۸) بدین نام سه کـتاب نام برده شده: ۱ - **مرقاة الادب** لغتی‌است فارسی ومنظوم‌ازاحمدی کرمانی متوفی‌بسال ۸۱۵ . -۲ - **المرقاة** که نیز در لغت و دارای دوازده باب و بفارسی است و آغاز آن این است: الحمدلله مبدع الاشیاء بقدرته الخ. ومؤلف آن ذکر نشده بنا برصحت انتساب کتابی بدین نام باین‌مؤلف ممکن است همین نسخه که آغاز آنرا مؤلف کشف‌الظنون نقل کرده‌اند ازنطنزی بدانیم و یا مؤلفهٔ اورا غیرازاین بدانیم . -۳- **مرقاة اللغه** مؤلف آن‌چهارده‌هزارلغت‌ازصحاح‌جوهری و شانزده هزار ازقاموس درآن جمع کرده و اصل آن بعربی میباشد و مؤلف خود آنرا به ترکی ترجمه نموده است . بنا براین مسلماً این کتاب از نطنزی نخواهد بود .

(۳) سروری درمجمع‌الفرس گوید : دری زبان پارسی‌است‌ومحمد هندوشاه گفته که بواسطهٔ آن این‌زبان‌را دری میگویند که درزمان بهمن‌بن‌اسفندیار چون مردم ازاطراف‌عالم بدرگاه او می‌آمدند وزبان یکدیگررا نمیدانستند پادشاه فرمود تادانشمندان‌زبان فارسی‌وضع کردند یعنی زبانیکه بردرگاه شاه به‌آن تکلم کنند وحکم کرد تا درجمیع ممالك به‌آن زبان‌سخن کنند، جهانیان‌را این‌وضع‌خوش‌آمد وبمرور ایام منقح وپاکیزه‌شدحکیم‌انوری گوید بیت :

سمع بگشاید زشرح بسط او جذر اصم ‌ ‌ ‌ ‌ چون زبان نطق‌بگشاید بالفاظ دری.

ترجمه نموده و گذشته از تفسیر لغات مهمّه و مستعمله در کتب و اشعار و بیانات فصحاو بلغا درمقدّمهٔ آن قواعد مهمّه صرفی و نحوی واوزان زبان عرب را بابهترین طرز (بانظم بسیاری از آن قواعد(۱) واوزان) آورده و گذشته ازاین درجداولی(۲) صیغ مشتقّة از ابواب را ضبط نموده تا برای طلاب کار آسان گردد و در آخر مقدّمه درچند بیت تصریح نموده که نام این کتاب را « الخلاص » گذارده و وجه تسمیهٔ آنرا هم بیان کرده‌اند و دراینجا باقسمتی ازابتداء کتاب نقل میشود و آن این است :

وَ سَمَّيْتُهُ بِكِتابِ الخَلاص لِخلاصة كُلِّ لَفْظٍ مُعادِ وَكَلامٍ مُعْتاصٍ بِما لابُدَّ مِنْهُ العامُّ وَ الخاصُّ ثُمَّ لِلتَّفأُلِ بِخَلاصِ نَفْسِيَ المُسيئَةِ القِصاص كما قالَ القائِلِ :

كِتابُ الخَلاصِ كِتابٌ بِه	خَلاصُ النَّطَنْزِيِّ يَوْمَ الحِساب
أَراحَ بِه الخَلْقَ عَنْ كَدِهِم	فَجاءَ بِمَقْصودِهِم فِي كِتاب
إذا ما تأَمَّلْتَ مَضْمونَه	و فَكَرت فی کُلِّ . . . . . وَ باب
عَلِمْتَ حَقيقَةَ ما قُلْتُه	وَ قُلْتَ احفَظوهُ كَأُمِّ الكِتاب
فَحافِظُه عَنْ قَليلٍ بِهِ	يَعُودُ مَلِيّاً بِفَصْلِ الخِطاب
جزى اللهُ خَيْراً مَنْ تَأَمَّلَ صَنْعَتِي	وَ قابَلَ ما فيها مِنَ السَّهْوِ بالْ... (۳)
وَ أَصْلَحَ ما أَخْطَأْتُ فيهِ بِفَضْلِهِ	وَ فِطْنَتِهِ وَ اسْتَغْفَرَ اللهَ مِنْ سَهْوِي .

(۱) نطنزی گوید : جميع اصول الفعل سبعة اضرب . لها انا فی بيت على الوجه واصف . صحيح و مهموز مثال و اجوف . لفيف و منقوص البناء مضاعف .

(۲) نویسندهٔ نسخه این کتابخانه این اشتقاقات را در جداول نگذاشته و بترتیب کتاب نگاشته ولی نگارندهٔ نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس بعضی از آنهارا درجداول گذارده و بعضی راهم نگذاشته است .

(۳) درنسخه دستوراللغه متعلق بمجلس که عبارات فوق از آن استنساخ گردیده دراین دوجا (سه سطر پیش و اینجا) جای کلمه ای را خالی گذاشته ولی از قرینه بدست می آید .

کتاب الالف من الاسماء الالف‌المفتوحه **آس**: مورد. **آسان**: للجبال(۱). **آلاء**: نیکیها . **آل**: خویشان، بالا، کوراب. **آصره**: خویشاوندی . [وللعاطفه](۲) **آصوت** : [و](۳) شجرمرّ . **هوعلی آسان‌وآسال** من ابیه‌ای شبه. **هو آبل‌الناس**: ای اشدّهم تأنّقاً فی رعیة الابل . . .(٤) بیننا و بین مکّه عشر لیال . **آنسات** : ای مودعات . **آسات** : ای تارکات . **آرك** : یرعی‌الاراك . **کبش آذن** و نعجة آذناء : بزرگ گوش . آنسه زنی نیکو حدیث الخ.(۵)

از جمله ایکه در مقدمه نسخه ذیل نگاشته شده : « حررّها الشیخ الادیب ذواللّسانین اسعده الله فی الدّارین للمجلس الشّریف النّظامی(٦) لازال قصر عمره عامرا الخ». بدست می آید که این کتاب بنام‌خواجه نظام‌الملك متوفی بسال٤٨٥ تألیف گردیده بنا بر این تألیف آن پیش از سال مذکور بوده است.

مؤلّف خود در مقدّمه گوید : این کتاب را به بیست و هشت کتاب وهر کتابی را به دوازده باب تقسیم کرده . و ترتیب تنظیم‌وطریقهٔ استفاده از آن را خود متذکّر شده اند .

دستور اللّغه ، یاکتاب « الخلاص » درحدود (۷۵۰۰) بیت کتابت‌دارد.

آغاز: بسمله الحمدلله الّذی ابدع العالم بقدرته و خصّ بنی‌آدم بکرامته‌الخ.

انجام: جزی الله ذالفظ یعاضد قائلاً ـ تطوّع آغث شخص الحسین برحمتك،

---

(۱) در نسخهٔ ذیل للحبال باحاء مهمله نوشته شده ولی چنانکه در فهرست معارف ضبط شده در نسخه آن کتابخانه با جیم میباشد ودرنسخه کتابخانه‌مجلس هم که این قسمت (از سمیته تا الخ .) از آنجا نقل گردیده للجبال با جیم ابجد است .

(۲) درنسخه‌ها این‌کلمه‌را نوشته‌اند وما مراد آنرا ندانستیم .

(۳) واو ، دراینجا زیاد بنظر می‌آید ودرنسخه این کتابخانه اصلا این لغت نوشته نشده است .

(٤) درنسخه مجلس بجای سه نقطه ظاهراً کلمهٔ بوده ولی در نسخه ذیل فاصله نیست ، بنا بر این بایستی ترجمهٔ لغت آبل باشد ویا کلمه‌ای بوده‌ونوشته‌نشده‌است .

(۵) برای نشان دادن طرز کتاب این مقدار از ابتداء آن نقل گردید واین نقل بانسخهٔ ذیل تقدیم و تاخیر و اختلافی دارد.

(٦) درنسخهٔ ذیل بهمین نحو نوشته شده ولی در ص ۱۳ ج ۲ فهرست دارالکتب‌العربیه مؤلف آن گوید : الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی الخ . و بنظر نگارنده جمال الملك نظام الملك بوده و کاتب نسخه « دارالکتب العربیه » یا مطبعه آنرا تحریف کرده اند .

تمّت و الحمدلله الخ (۱) .

(۸۲۸)

دستور اللغه این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۲ نوشته شده و کاتب نامی از خود نبرده ، قسمتی از آخر کتاب ناقص بوده ، نویسنده بد خطّی بسال ۱۲۷۱ آن را نوشته‌است، عناوین مطالب کتاب و ابواب و پاره‌ای از لغات با سرخی نوشته شده و ورق اوّل و وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی . واقف آقای درخشان (۲) . قطع خشتی. شماره اوراق (۱۶۸). صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه (٤٤٥٦) .

[۳٤٥] دیوان‌الادب (عربی)

مؤلّف این کتاب ابو ابراهیم اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی در حدود ۳۵۰ یا ۳۷۰ (۳) میباشد ، جوهری صاحب صحاح اللّغه پسر خواهر این دانشمند بوده و درمآخذ قدیم وجدید بس‌در کتاب معجم‌الادباء (ارشادالاریب الی‌معرفةالادیب) و بغیةالوعاة سیوطی و بنقل از آن دو ، در روضات الجنّات نام ابو ابراهیم و مختصری از حالات او که ذیلاً نقل خواهیم نمود دیده شد .

---

(۱) درنسخهٔ مجلس آخر نسخه چون عبارت بالا میباشد و در نسخه این کتابخانه «قاتلا و «یطوع» نوشته شده و درفهرست معارف آخر این نسخه را این بیت فارسی نقل کرده اند :
گرچه زخاك دست نطتزی شود تباه یك چند یادگار بود زو خط سیاه

(۲) آقای محمد درخشان رئیس امور اداری مدرسه عالی سپهسالار بر حسب وصیت دانشمند مرحوم آقای شیخ محمدعلی کاتوزیان وصایت‌آن فقیدرا دارا وبایستی ثلث ایشان‌را درخیرات ومبرات‌مصرف نمایند ، ایشان‌هم بهترین‌مواردمصارف بریه‌را تهیهٔ کتب‌واهداء بیکی از کتابخانه های‌مهم عمومی دانسته و کتب خودآن مرحوم‌را خریداری وموافق‌شروط مندرجه دروقفنامهٔ مدرسه وقف ودرشهریور ۱۳۱۵ تحویل کتابخانه داده اند و درقفسه ای بنام خود آنمرحوم گذارده شده و شماره این کتب (۱۳٤) مجلد و در دفتر کتابخانه از شمارهٔ (٤۳۳۰ تا ٤٤٦٤) ثبت گردیده است .

(۳) معجم الادباء ج ۲ ص ۲۲٦ تا ۲۲۹ ، بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ص آ ورق ۲٤٦ و روضات الجنات ص ۱۱۱ ج ۱ مراجعه‌شود وسال‌تقریبی‌وفات مؤلف درمعجم‌الادباء ٤٥۰ ثبت شده وناشر درذیل ۳۵۰ تصحیح کرده ولی‌در بغیةالوعاة ۳۵۰ و ۳۷۰ بتردیدنقل گردیده‌است .

اسحق بن ابراهیم فارابی (فاراب درنزدیکی خراسان وازشهرهای ترکستان است) میباشد و بنقل از قفطی بکشور یمن مسافرت نموده و در زبید(۱) که از توابع آن است مسکن گزیده و دیوان الادب را در آنجا تألیف نموده ولی کسی توفیق نیافت که پیش وی آن را بخواند ومرگ او را در ربود .

یاقوت درذیل بیانات قفطی مطالبی نگاشته که معلوم میشود بعضی پیش مؤلف توفیق بر خواندن این کتاب را یافته و از وی روایت نموده اند و کتاب بیان الاعراب و شرح ادب الکاتب را نیز از مؤلفات ابو ابراهیم نقل نموده است .

سیوطی چیزیکه برمطالب یاقوت افزوده تردید درسال وفات این مؤلف است که بسال ۳۵۰ یا ۳۷۰ بوده و از شرح مطالب دیگر هم بمختصری از نوشتهای یاقوت قناعت کرده است .

از دیباچه و مقدّمهٔ دیوان الادب نگارنده استفاده میکند که مؤلف آن شیعی مذهب بوده و مسافرت بیمن و توقّف درآنجا که از اوائل اسلام مرکز شیعیان بوده این احتمال را قوّت میدهد و چون قسمت عمده ای از شیعیان یمن زیدی مذهب اند شاید این دانشمند هم بر این مذهب بوده و نبودن نام ایشان در کتب رجال امامیّه و عامه ممکن است بهمین جهت اخیر باشد وعبارات مقدّمه وطرز آن احتمال تشیّع اورا تأیید میکند و آن عبارات این است :

صلّی الله علي خیر البریّه المخصوص بالرّفعة و الفضیلة الّذي اقسم بعمره و غفرله ما تقدّم مِنْ ذنبه و ما تأخّر محمد خاتم النّبیّین وعلي آله اجمعین امّا بَعْد . . . . . و کان من قضائه تفضیل المصطفي علیه السلام علي الخلیقه ادّخر له کل فاضل وابتدأ له کل نفیس من زمان وبلد واصحاب واسم وترکیب وخلق وسمت ونسب وعترة وامة ولسان و اما الزمان فهو زمان العلم . . . .

(۱) زبید بفتح اول و کسر ثانی بایاء مثناة تحتانی نام شهری است در یمن (معجم البلدان ج ۲ ص ۹۱۵) . وقاموس درباب دال وفصل زاء .

......واماالعترةفهي السفينة التي من ركبها نجا و من تباعدعنها تردی وهوی.

و نیز در آخر هر یك از کتب ششگانه چنین نگاشته : (انقضي کتاب . . .

والحمدلله رب العالمين وصلي الله علي محمد و آله الطيبين و سلّم تسليما).
و میدانیم که اهل سنّت هماره در این موارد صحابه را هم عطف به آل مینمایند ولی شیعه و امامیّه در صلوات نامی از صحابه نمیبرند و چون عموماً کتّاب هم خلاف امانت نمیکنند و در عبارت مؤلّف تغییری نمیدهند بنابر این عبارت مذکور از خود مؤلف ودالّ بر تشیّع او است .

مؤلّف ، دیوان الادب را به شش کتاب بدینطریق تقسیم نموده : (الاوّل) **كتاب السالم** . (الثانی) **كتاب المضاعف** . (الثالث) **كتاب المثال** . (الرّابع) **كتاب ذوات الثلاثه** و هو ماكان في وسطه حرف من حروف العلّه. (الخامس) **كتاب ذوات الاربعه** وهو ماكان آخره حرف علة . (السادس) **كتاب الهمزه** .

و در مقدّمه پیش ازشروع باصل کتاب مطالبی نافع نگاشته و طرز کتابرا هم تذکر داده است . اگر چه پیداکردن لغات ازدیوان الادب بی زحمت نیست و تا کسی اصل و ریشه و باب و وزن هر کلمه را درست نداندنمیتواندآن راپیدا کند و بهمین جهت متروك مانده ولی بدین نظم و ترتیب خدمت بزرگی بادب و ادبیّات شده ومؤلّف راه تحریف وتصحیف را بر کلمات بسته و نظر بکثرت اسماء در هر کتاب ذکر آنها بر افعال مقدّم گردیده و میزان در ترتیب کلمات حروف اواخر بترتیب حروف ابتث (ا ب ت ث الخ) میباشد و درموارد لازمه استشهاد بآیات قرآن کریم واحادیث واشعار فصحا و کلمات بلغا و حکم و امثال گردیدهو ما برای بصیرت کامل مراجعه کنندگان قسمتی ازاین کتابرا برای نشان دادنطرز و روش آن در اینجا نقل مینمائیم :

باب فعل بفتح الفا وضم العين . ث يقال رجل حَدُث وحَدَث اي كثير - الحديث . ح يقال رجل فرح و فرح بمعني د العَبُد استعمله الشاعر في

موضع العبد قال الفرّا هو من ضرورة الشعر و هوقوله :

اَبَني لبيني اِنَّ اُمُّكُمُ اَمةٌ و اِنَّ اَبُاكُمُ عَبدٌ

ويقال رجل نُجد ونجْدای شجاع ر يقال رجل بكرفي حاجته وبكرو رجل حذر و حذر والسمن من العضاه ويقال وظيف عَجُر وعَجْر للغليظ و يقال رجل نكرو نكر ز هوالعجز يذكرو يؤنث س يقال رجل ندس و ندس ای فهم و نطس و نطس للمبالغ في الشي ش يقال مكان عطش و عطش لقليل المآء ع هوالسبع وهي الضبع و الضبع ايضاً السنة الجديه يقال اكلتهم الضبع وذالك اذا اجدبوا قال الشاعر: اباخراشة اما كنت (كذا) ذانفر : فانّقومي لم تأ كلهم الضبع . ويقال رجل طمع وطمع ل الرجل واحد الرجال ويقال رجل عجل و عجل بمعني ن يقال رجل فطن وفطن بمعني. وممّاالحقت الها من هذاالبنآءِ: الصدقة الصداق قال ابن الجريح و كان من افصح الناس قضي ابن عباس لها با الصدقه ل المثله العقوبه باب فعل بفتح الفا و كسر العين الخ.

صاحب كشف الظنون درص ۵۰۳ ج ۱ ديوان الادب را نام برده ودر ذيل آن شرحی نوشته كه مشتمل بر اغلاط فاحشی ميباشد و در اينجا ترجمهٔ آن عبارات با تذكر باغلاط و اشتباهات آن آورده ميشود :

ديوان الادب در لغت تاليف اسحق بن ابراهيم فارابی دائی جوهری است كه نزديك بسال ۳۵۰ وفات يافته و اين كتاب را برای انسز بن خوارزمشاه تاليف ودر خطبه آن نام وی را آورده كتابی معتبر و مشتمل بر پنج قسم است بدين تفصيل **اول** دراسماء **دوم** درافعال **سوم** در حروف **چهارم** در تصريف اسماء **پنجم** در تصريف افعال . **قفطی** گويد تاليف اين كتاب در شهر زبيد گرديده و مؤلف پيش از آنكه اين كتاب از وی روايت شود بمرد وسيوطی آنانرا كه از وی روايت كرده اند نام برده، بنابراين گفتار قفطی غلط است . ديوان الادب را حسن بن مظفر نيشابوری متوفی بسال ٤٤٢ تلخيص و تهذيب كرده ونيز گويد كه **ياقوت** گويد امام **ابوسعيد محمد بن جعفر** ديوان الادب فارابی را تهذيب نموده و مطالبی بر ابواب آن افزوده وچيزهائيكه مطالب را زينت ميدهدنيز درآن گنجانيده وآنرا در ده مجلد بزرگ گذارده و كتابی مفيد گرديده است انتهی .

صاحب کشف الظنون اوّلاً نسبت داده که در مقدّمهٔ این کتاب نام **اتسز بن خوارزمشاه** موجود و تألیف آن بنام وی گردیده در صورتی که در مقدّمه چنین مطلبی نیست و بعلاوه چنانکه در کتب تواریخ ضبط گردیده اتسز بن خوارزمشاه مؤسس سلسلهٔ خوارزمشاهیّه متوفی بسال ٥٥١ میباشد و بنا بضبط خود حاجی خلیفه و یاقوت و سیوطی مؤلّف دیوان الادب در حدود سال ۳٥۰ وفات کرده و دویست سال مقدّم بر اتسز زندگانی میکرده و بنام اتسز کسی را در قرن چهارم سراغ ندارم ولی در ص ۲۰٦ ج ۳ معجم الادبا نوشته شده : حسن بن محمد بن ابی الشحناء شکست خوردن اتسز بن اوق غزی را که بسال ٤٦۹ روی داده در مراسله ای بپادشاه عصر تهنیت گفته و این اتسز نیز غیر از اتسز مؤسس سلسه خوارزمشاهیه میباشد . و نیز در تقسیم مطالب کتاب چنانکه دانستیم مرتب ساخته و تقسیمات آن چنانکه گذشت غیر از تقسیمات این کتابست و نیز خود او گفته کسی که بسال ٤٤۲ وفات یافته باختصار آن پرداخته است .

نگارنده احتمال میدهد که بنام دیوان الادب در زمان اتسز نیز کتابی مشتمل بر پنج قسمت تألیف گردیده و حاجی خلیفه آنرا دیده و نام مؤلف در آن نبوده و با عدم توجه بخصوصیّات تاریخ و زمان تصوّر نموده که همان دیوان الادب فارابی میباشد و این کتاب را ندیده است بنا بر این اختصار فوق از دیوان الادب فارابی خواهد بود .

دیوان الادب از کتابهای نفیس این کتابخانه میباشد و در کتابخانهای ایران نسخهٔ کاملی از آن نیافتم و قسمتی از ابتداء این کتاب در کتابخانه فاضلیه خراسان موجوداست . در فهرست دار الکتب المصریه چند نسخه کامل و ناقص از این کتاب نام برده شده که تاریخ کتابت آنها یکی بسال ٥۷٤ و دیگری ٦۱۱ و دیگری ٦۱۷ ه‍ . است و کیفیت خط (چنانکه ذیلاً ذکر خواهد شد) حاکم بر این است که نسخهٔ این کتابخانه پیش از کهنه ترین نسخ آن کتابخانه نوشته شده و در حدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد و ظاهراً تألیف آن مقدّم بر تهذیب اللّغه ازهری است .

بنام « دیوان الادب فی نوادر شعراء العرب » کتابی است که « الحلو نسیم » استاد دانشگاه صیدا از اشعار شعرای عرب که در کتب معروفه موجوداست انتخاب و جمع آوری نموده و بسال ۱۹۱۲ م در صیدا از کشور شام چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال اسحق بن ابراهیم تولاّه الله بعصمته فی الدّارین الحمدلله رب العالمین حمداً یبلغ رضاه و یمتری المزید منه و یستوجب به ما اعدّ من الکرامة الخ .

(۸۲۹)

دیوان الادب این نسخه بخط نسخ با شیوهٔ مخصوصی نوشته شده .کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن پنجم هجری میباشد بعضی از اوراق این نسخه وصّالی و مطالب تصحیح شده و مشتمل بر کتاب اوّل (کتاب سالم) تا آخر باب تفعیل است ، و ورق آخر دارای قسمتی از باب مفاعله بوده با مهارت تمام آنرا دو پوسته کرده و اینقسمت را بر ورقی حنائی رنگ چسبانیده و در اوّل نسخهٔ دوّم که پس از این ذکر میشود گذارده اند ، پشت ورق اوّل یادداشتی مؤرخ بسال (۶۰۸) میباشد و نیز در همانجا یاد داشتی مبنی بر اینکه حسین بن حاجی محمد کاشانی این کتاب را وقف بر اولاد خود نموده ، نوشته شده و بر تمام صفحات کلمه وقف نیز نگاشته شده ، فهرست ابواب کتاب را بر سیزده ورق کاتب دیگری نوشته و در ابتدای کتاب گذارده و این نسخه ضمیمهٔ نسخهٔ بعد بوده ، اوراق و سطور هر دو نسخه متوالی است و شاید مرحوم اعتضاد السّلطنه که درسال (۱۲۷۰) دارندهٔ این کتاب شده اند آنرا در دو جلد گذارده اند .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۴۳) صفحه‌ای (۱۹) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۵) .

(۸۳۰)

دیوان الادب این نسخه بخط کاتب نسخهٔ پیش و تتمّهٔ آنست . و مشتمل بر قسمتی از کتاب سالم (از باب مفاعله تا آخر کتاب) و کتاب دوّم و سوّم و چهارم و پنجم و ششم میباشد ولی قسمتی از آخر کتاب ششم آن افتاده و پاره‌ای از اوراق آن وصّالی شده و آخرین سطر موجود این است :

باب الفعللة ص بالاص الرّجل ای فرّ ن طامن ظهره و طمان بمعنی . باب .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۴۳) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۰۶) .

[۳٤٦] رساله در الفاظ مفرده (عربی بفارسی)

این رساله در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف نامی از خود نبرده و با تفحّص او را نشناختم، ومرتب بحروف تهجّی است.

آغاز: بسمله و به ثقتی باب‌الالف «ابتداء وافتتاح» آغاز کار کردن، «انتها» بپایان بردن کار، «انشاء» ازخود پیدا کردن، «التجا» پناه گرفتن، «التقا» بهم رسیدن و یکدیگر را دیدن، «احصا» شمردن، «استقامت» راست ایستادن، «استعانت» یاری خواستن، الخ.

انجام: «یمامه» کبوتر، «یقطین» درخت کدو، والله اعلم بالصواب تمّت‌الالفاظ.

(۸۳۱)

رساله در الفاظ مفرده — این‌نسخه رابخط نستعلیق‌خوب محمّدامین بسال ۱۱۰۹ نگاشته و در حاشیه دو ورق اوّل آن لغات مثلثه که درحرف لام‌از همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود نگاشته شده وخود این رساله هم پس از کنزاللّغه میباشد، خصوصیات دیگر نسخه درذیل کنزاللّغه که در تحت شماره (۱۰۷) کتابخانه‌است، ذکر خواهد شد.

[۳٤۷] رساله در الفاظ مفرده و مرکّبه (عربی بفارسی)

این رساله نیز درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد، در خود کتاب نامی از جامع نیست و درجای دگرهم گردآورندۀ آنرا نیافتم، ولی در آخر نسخه کلمه «الراقمه» موجود است بنا بر این شاید محمّدامین کاتب نسخه‌مؤلّف باشد ومقصود وی‌ازاین تألیف ازعبارت مقدّمه معلوم میشود:

اما بعد بدانکه این الفاظ چنداست از مفردات و مرکّبات که بر زبانها متداولست و درنامه های تازی وپارسی مستعمل، مبتدی چون اینقدر بخواند ویاد گیرد و در استعمال آرد عبارات او در محاورات ومکاتبات مهذّب گردد انشاءالله تعالی فصل الخ.

این رساله در پنج فصل مرتب گردیده و مؤلّف نظم و ترتیب صحیحی برای

آن در نظر نگرفته و فصل آخر آن در اضداد است برای نمونه قسمتی از یکی ازفصول آنرا نقل میکنیم : **فصل** « معزّز » عزیز کننده ، « مغیث و غیاث » فریادرس ، « رکن » گوشه ، « عضد » یار و بازو ، « فلك » آسمان ، « قطب » آنچه آسیا بر او گردد ، « قیام » آنکه ایستادگی بدو بود ، « عدّه » ساخته ازجهت حوادث ، « زین و زینت » آرایش ، « مجد و شرف » بزرگواری ، الخ .

آغاز : بسمله حمد وثنا مبدع بی آلت ومخترع بیغرض وعلّت را و درود بسیار بر سیّد انبیا الخ .

انجام : « راجی و خاطی » امید دارنده و گناهکار ، « میمون و همایون » مبارك و خجسته ، « ابتدا وانتها » اوّل و آخر والله اعلم بالصّواب و الیه المرجع و المآب تمّت .

(۸۳۲)

رساله در الفاظ مفرده و مرکبه این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نامی از خود وسال نگارش نبرده ولی ازقرائن معلوم میشود که بخط محمّد امین کاتب رساله پیش از اینست که بسال ۱۱۰۹ نگاشته شده است، خصوصیّات دیگر بشمارهٔ (۱۰۷) کتابخانه مراجعه شود .

[۳٤۸] شرح نصاب (عربی و فارسی)

نصاب الصبیان یکی ازمنظومه هائی است که ترجمهٔ لغات مهمّهٔ عربی را بپارسی در بردارد وبسیار مشهور است و دارای شروح زیاد میباشد وما در اواخر همین فصل از این کتاب و شروحی از آن معرّفی کامل خواهیم نمود ؛

این شرح که خصوصیّات نسخه آنرا پس ازاین خواهیم نگاشت یکی ازشروح خوب نصاب است ولی بدبختانه صفحهٔ اوّل و قسمتی از آخر آن افتاده و نسخهٔ دیگری ازآنرا هم سراغ نداریم ، لذا نام مؤلّف را نمیتوان بدست داد ، ازمطالعه نسخه هم مؤلّف شناخته نشده ، امّا ازقرائن معلوم میشود که هندی وحنفی مذهب بوده است .

این کتاب طرزخاصّی دارد وآن اینست که مطالب مندرجهٔ در دیباچهٔ نصاب

را یك یك بنام **سؤال** ذکر نموده و در تحت عنوان **جواب** بشرح آن پرداخته پس از آن معانی حروف را در تحت سه باب و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند بدینگونه ذکر نموده : **باب اول** درمفردات . **باب دوم** درمرکّبات **باب سوم** در حروف عوامل . پس از این شروع بشرح قطعات کتاب یك بیت یك بیت نموده و پس از نخستین بیت هر قطعه بدواً آنرا تقطیع میکند و آنوقت بشرح یك بیك لغات مندرجهٔ در آن میپردازد و گاهی معادل هندی آنرا هم ذکر میکند .

بمناسبت شرح بیت نخستین که مشتمل برنام خدایتعالی میباشد منظومه ای در (۱۰۲) بیت دربیان اسمآء الله الحسنی از **صدرالممالك** نام نقل نموده ودرذیل بیت دوّم (۵۰) بیت راجع بمعنی آسمان و زمین و خلقت آنها از پدر خویش آورده است .

برای نشان دادن طرز کتاب قسمتی از آنرا در اینجا میآوریم :

بیت : «عرش» سقف و «بیت» خانه «کحل» سرمه «رمل» ریك
«حسن» خوبی «قبح» رشتی «جاف» خشك و «رطب» تر .

العرش : بفتح العین المهمله وسکون الراء المهمله وبالشین المنقوطه **تخت ملك** کقوله تعالی : ایکم یأتینی بعرشها قبل ان یأتونی مسلمین وسقف ، و«بیت» «خانه» بفتح الباء الموحده و «عیال» را نیز بیت گویند و «دومصراع» را نیز بیت گویند و جمعه البیوت والابیات و جمع الجمع الابابیت والبیوتات وتصغیره بییت بالضم وقد جاء بالکسر وقس علی هذا تصغیر امثاله کالشیخ والشیئ والعین . «**الکحل**» بضم الکاف وسکون الحاء المهمله «سرمه ومال بسیار» وبفتح الکاف «سال قحط» **والرمل** بفتح الراء المهمله وسکون المیم «ریگ» والرمله قلیل منه وجمعه الرمال والرمل بالفتحتین **بحری از عروض است** ونوعی از رفتن شتروانکی ازباران » الخ .

این شرح تقریباً دوازده برابرمتن نصاب میباشد وچون اوّل و آخر آن افتاده و نسخهٔ دیگری از این شرح بدست نیاوردم آغاز و انجام آن نقل نگردید .

(۸۳۳)

شرح نصاب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اوّل آن افتاده نویسنده ای قسمتی از ابتداء شرح نصاب محمد بن فصیح دشت بیاضی را استنساخ و بآن ملحق نموده ولی بامطابقه با نسخهٔ چاپ شدهٔ شرح دشت بیاضی دانسته شد که نویسنده تقلّب نموده و این شرح غیر از آنست . آغاز ورق

اوّل اصل نسخه اینست: مشهور بکنیت بود وغرض ازنام امتیاز است پس بچیزیکه سخت امتیاز حاصل شود اولی بود بذکر و دیگر آنکه نصر دلالت بر نصرت میکوند (کذا) پس چنانستکه مصنّف میگوید اللّهم اجعلنی نصیراً للصّبیان الخ.

یك ورق پیش از ورق آخر نوشته مانده و آخرین بیت کـه در ورق آخر نسخه شرح شده هفت بیت بآخر قطعهٔ ۳۸ میباشد وآخرین سطر نسخه این است: و الخیاض من باب نصر یعنی در آب شدن و در کاری شروع کردن و **الغیل** بفتح الغین المعجمه و سکون **الیاء** التّحتانیّه.

بسال ۱۲۶۱ بنام شرح نصاب دشت بیاضی(۱) داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردیده و بهمین نام در دفاتر مدرسه ثبت شده است.

جلد تیماج. کاغذ دولت آبادی. واقف‌سپهسالار. قطع‌وزیری. شماره اوراق(۱۱۹). صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۹۲).

[۳٤۹] شرفنامهٔ منیری (عربی و فارسی و ترکی)

مؤلّف این کتـاب چنانکه در مقدمـهٔ آن بنظم و نثر (و نیز در ذیل لغت دوستکانی) نگاشته شده **ابراهیم قوام فاروقی** ره است که شاعری متتبّع بوده واز اشعارخویش درذیل بعضی از لغات ابیاتی آورده وبمناسبت‌لقب شرف الدّین احمد منیری که از مشاهیر مشایخ هندوستان (ظاهراً مراد و مرشد مؤلف است) و صاحب مکاتیب مشهوره و شرح آداب المریدین ومؤلّفات دیگرند که در ص ۸-۱۰ نزهة الخواطر ذکر شده وبسال ۷۸۲ جهان‌را وداع گفته اند، این مؤلّفه‌را

(۱) **دشت بیاضی** چنانکه در فرهنك عباسی نوشته‌شده‌ازتوابع خراسان‌است ودرص ۵۰ ج۲ مجمع‌الفصحا در ذیل نام ولی‌دشت بیاضی که از شعرای متاخرین‌بوده نوشته شده: دشت بیاض از توابع قائن است و بسبب سفیدی خاك آنجا را دشت بیاض گویند.

واز رساله ای خطی که متعلق به آقای صادق انصاری ودرشرح حالات و اشعار ولی دشت بیاضی میباشد معلوم میشود که معاصر شاه طهماسب صفوی بوده و پس از وفات آن پادشاه (سال ۹۸٤) زنده بوده و باحتمال مالك محترم، این رسالـه جزئی از تذکره تقی‌الدین کاشی است وطرزنگارش هم این احتمال را تایید میکند.

شرفنامـه مَنیری (۱) نام نهاده و چنانکه در ذیل فرهنگ میرزا ابراهیم خواهیم نگاشت این شاعر شرفنامه را در دست داشته و در عبارات آن اندك تصرّف واضافاتی نموده و بنام خود جلوه داده است .

در کتب رجال و تذکره و سیر نامی از ابراهیم قوام فاروقی نیافتم ، از معاصر بودن با شرف الدین احمد منیری که این فرهنگ بنام وی تألیف گردیده وایشان بتصریح در تذکرهٔ علمای هند طبع لکنهو ص ۸٤ ونزهة الخواطر ص ۸ - ۱۰ پس از یکصد وبیست سال زندگانی بسال ۷۸۲ وفات یافته‌اند ، عصر وی قرن هشتم هجری دانسته شد واز آنچه در ذیل پاره ای از لغات نگاشته شده نیز زمان مؤلف استفاده میشود ولی اشکالی که داریم اینست که نسخهٔ ذیل در بیان معنی طهماسب گوید نام پادشاه ایران زمین که هفت سال خراج رعایا را بخشیده بود وپنجاه سال ملك رانده، ومیدانیم که شاه طهماسب صفوی معروف از سال ۹۳۰ تا ۹۸٤ یعنی پنجاه و چهار سال سلطنت کرده وجز این پادشاه طهماسب آنهم پنجاه سال سلطنت کرده ای در تاریخ نیافتیم (۲) وگذشته از آنچه گفته شد نسخه ای از شرفنامه که بسال ۸۷۹ یعنی پیش از تولّد شاه طهماسب نوشته شده در کتابخانهٔ آصفیّهٔ دکن موجود است واحتمال میدهیم که این لغت از اضافات متأخرین باشد و در فرهنگ میرزا ابراهیم عین این الفاظ را در ذیل کلمهٔ **طهماسپ** می بینیم و خواهیم دید که وی اضافاتی بر شرفنامه دارد بنا بر این حکم میکنیم که این لغت جزء اصل کتاب شرفنامه نبوده واشکال تقریباً رفع خواهد شد .

---

(۱) از این دو بیت که در دیباچه کتاب است :

مغیث جهان سرور منیر است ❊ که خاك در روضه اش عنبر است

سمی نبی احمد منیری ❊ که دارد بدو دین حق برتری

بدست آمد که منیر نام محلی است ، در ص ۹ نزهة الخواطر آنرا بفتح میم و کسر نون ضبط و در ص ۲ ٥ معجم الا مکنه نزهة الخواطر گوید که منیر از توابع ولایت بهار هندوستان است وعارف شهیر شیخ شرف الدین احمد بن یحیی المنیری بدانجا منسوب است .

(۲) در شاهنامه فردوسی زو پدر گرشاسپ را پسر طهماسپ معرفی کرده و آن اینست :

ز تخم فریدون بجستند چند ❊ یکی شاه زیبای تخت بلند

ندیدند جز پور طهماسپ زو ❊ که زور کیان داشت فرهنگ او

مؤلّف پس‌از دیباچه ایکه بنظم‌در حمدوثناء الهی ونعت حضرت‌رسالت پناهی و مدح شرف الدّین احمد منیری ودر ۸۶ بیت میباشد مقدّمه‌ای بنثر در بیان معنی حروف‌مفرده‌ومرکبه‌فارسی وترکی‌باشواهد ذکر کرده پس‌ازآن‌دربیان معنی‌لغات عربی‌وفارسی بفارسی پس از آن‌لغت ترکی‌بفارسی بترتیب حروف‌تهجّی برآمده وحرف‌اوّل‌را باب و آخر رافصل‌قرارداده‌وبرای معانی‌لغات‌باشعارقدماچون‌سعدی ، حافظ ، خاقانی ، سلمان ، ظهیر ، نظامی ، فردوسی ، انوری ، خواجو ، سوزنی ، کمال اسمعیل ، سنائی ، منصور شیرازی ، عمادی ، بدرشاهی ، خجندی ، عنصری ، عبد الواسع جبلی ، همای همایون ، عماد فقیه ، وباشعار کتاب تاج المآثر و مدخل منظوم وبسحق اطعمه و نگارشات فرهنگنامهٔ اسدی طوسی و عجائب البلدان و لسان الشعراء واداةالفضلاء ومسموعات‌از دانشمندان معاصرچون امیرشهاب‌الدّین‌حکیم کرمانی وشیخ واحدی محقّق‌وغیر ازاینها مکرّرا تمثّل‌جسته‌ودرذیل **دوستکانی** نام‌حسنخان امیر زین‌الدّین هروی ملك الشعرا راکه نیزمعاصروی بوده برده‌است .

اینکتاب درحدود (۱۶۸۰۰) بیت کتابت دارد ونسخه ای ازآنرا درطهران و سائر کتابخانه های ایران نیافتم و در فرهنگهای موجوده فقط نسخه ای را در دکن‌یافته‌ام (ص۶۱۶ ج ۳ فهرست آصفیّه‌مراجعه شود) ومؤلّف کشف‌الظّنون درص۵۸ ج ۲ گوید : شرفنامه درلغت فارسی واز منیری‌است .

وچنانکه‌دانستیم مؤلّف آن‌منیری‌نیست واین نیزازاغلاط کشف‌الظنون‌است.

آغاز بسمله : بنام خداوند گیتی بهست   سر آغاز هر نامهٔ را که .....

خداوند انس و خداوند جان   خداوند جسم و خداوند جان

انجام: الترکی«یارکی» دارنده «یخشی» نیکووخوب ویخشی‌مثله ، «ترنقچی» رحمت کننده، «یرتلی » گناه کار، «یلنحی»بالا «یلقی»سجده کرد، «یلغی» کله «یویری» ازاینسوی . وپس ازاین درنسخه ذیل بعنوان باب بحورواوزان اشعارو مطالبی در (۱۰۰) بیت میباشد که طاهراً خاتمه کتاب قرار داده شده و در مقدّمه نامی از آن نیست .

(۸۳٤)

شرفنامهٔ منیری

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته ، لغات ومآخذ اشعار با شنجرف میباشد ، پشت نسخه بسال ۱۲۶۱ بنام «منتخب شرفنامه» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و درهمانجا بهمین نام وقف گردیده ولی از دیباچه ومقدمهٔ نسخه بدست نمیآید که منتخب شرفنامه باشد بلکه تصریح دارد که شرفنامهٔ احمد منیری است، چند ورقی از اوائل نسخه و ّصالی گردیده وپس وپیش‌شده اوراقی هم از آن میان افتاده است از اینکه اشعارشواهد لغات بیشتر ازمتن خارج و در حاشیه نوشته شده احتمال میدهم که مرحوم اعتضاد السلطنه یا مالك پیش از ایشان تصوّرنموده اند که این کتاب منتخب شرفنامه میباشد و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار ، قطع ربعی . شماره اوراق(۳۸۱) . صفحه‌ای (۱۱) سطر . طول(۱٦سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸٦) .

[۳۰۰] صحاح اللغه (عربی)

مؤلّف‌این کتاب جوهری ره است (ابونصراسمعیل بن حماد الفارابی‌الجوهری متوفی بسال ۳۹۳(۱)) این دانشمند (۲) با اینکه زبان مادری وی ترکی بوده از ائمّه لغت عرب شمرده میشود و نخستین کس میباشد که لغات عربی را بترتیب حروف تهجّی مرتب نموده و تا آنوقت تدوین لغت بطرز تهذیب اللغه

(۱) در تعیین سال وفات جوهری اختلاف کرده اند و صاحب روضات آنها را بدینگونه نقل کرده : جوهری چنانکه در کشکول و غیره است بسال ۳۳۳ یا ۳۰۳ وفات یافته وچنانکه درمجمع البحرین درباب ها اوله‌الجیم از کتاب الرآء تالیف طریحی نوشته شده مرك وی درحدود سال چهارصد(٤۰۰) بوده واین قول‌مناسب است فاضل شمنی‌درحاشیه مغنی وسیوطی در طبقاتش بنقل از ابن فضل‌الله درمسالك وی نیز ذکر نموده اند . و از شیخ عبدالله یافعی مورخ مشهور (صاحب مرآت الجنان) نقل گردیده که جوهری بسال ۳۹۳ وفات یافته و این‌قول گویا راست باشد(درشذرات الذهب ج۳ص۱٤۲و کشف الظنون ج ۲ص٧٤ وفهارس مصر نیز این تاریخ ثبت شده) ویاقوت درمعجم‌الادباء گوید آنچه تحقیق و تجسس نمودم بسال تولد ووفات جوهری دست نیافتم .

(۲) این شرح در اطراف جوهری بامراجعه به یتیمة الدهر ج ٤ ص ۲۸۹ ، شذرات‌الذهب ج ۳ ص ۱٤۲ ، روضات ص ۱۱۰و۱۱۱ و کشف‌الظنون ج ۲ ص ٧٤ تا ٧٦ وبغیة الوعاة ومعجم المطبوعات ص ٧۲۳ نگاشته شده است .

ودیوان‌الادب (درصفحه۱۶۷و۱۸۲طرزآنهابیان‌گردید) معمول‌بوده وگذشته‌از تحصیل‌علوم‌ادب درنزد اساتیدبزرگ‌چون **ابوعلی فارسی** و **سیرافی** و دائی خود ابو ابراهیم اسحق مؤلف دیوان الادب ، و اتقان و تعمّق در آنها چنانکه خود در مقدمه همین کتاب نگاشته ومعاصروی ثعالبی دریتیمة الدّهرودیگران‌در کتابهای دیگر شهادت داده اند بقبائل عرب چون ربیعه و مضر رفته و چندی درمیان آنها زندگانی نموده ولغات و اصطلاحات آنهارادریافته و در این کتاب جاداده‌است .

جوهری‌چون‌ازعربستان برگشت وبه دامغان رسید ابوعلی‌الحسن بن علی(۱) که‌ازمعاریف دانشمندان‌ونویسندگان بود ویرابخانه‌خودبرد و اورا‌پذیرائی شایان وهمراهی نمایان نمود و از ادب وخط او بهره ای برداشت وباهمراهی‌زیاد بنشابور فرستاد وهماره درآنجا بتدریس و تألیف ونگارش قرآن کریم و کتب ، روزگار میگذرانید تا زندگانی وی با آثار نیکو ونام نیك سپری گردید .

گاهی شعر میسروده و ثعالبی درباره وی گفته : وَلِلْجَوهَرِيِّ شِعْرُ العُلَمَاءِ لاشِعْرُ مُفْلِقِي الشُّعَرَاءِ و از اشعار وی آنچه را نقل نموده ما نیز در اینجا میآوریم :

لو کان لی بدّ من النّاس قطعت حبل النّاس بالیاس
العزّ فی العزلة لکنّه لا بد للنّاس من النّاس

و از اوست

فها انا یونس فی بطن حوت بنیسابور فی ظلل الغمام
فبیتی والفؤاد ویوم دجن ظلام فی ظلام فی ظلام
رأیت فتی اشقرآ ازرقا قلیل‌الدماغ کثیر الفضول
یفضل من حمقه دائما یزید بن هند علی بن البتول

و نیز از اوست

یا صاحب الدعوة لا تجز عن فکلنّا ازهد من کرز

(۱) در یتیمة الدهر نام این راد مرد بدین نحو ثبت شده ولی صاحب روضات (ص ۱۱۰) وسیوطی در بغیة الوعاة این دانشمند را بنام ابوالحسین بن علی بنقل از معجم الادباء یاقوت معرفی کرده اند .

و الماء کالعنبر فی قومس | من عزّة یجعل فی الحرز
فسقّنا ماءً بلا منّة | وانت فی حل من الخبز

در یتیمة الدهر ودیگر کتابها نوشته شده که جوهری خط را خوب مینوشته و درعرض ابن مقله و مهلهل و یزیدی شمرده میشود .

یاقوت در معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب) مؤلفات وی را کتابی درعروض ، و مقدمة النحو ، وصحاح اللّغة دانسته و درروضات بنقل از بغیة الوعاة شرح ادب الکاتب و بیان الاعراب نیز بجوهری نسبت داده شده‌است و درنسخه خطی بغیة الوعاة که در این کتابخانه میباشد این نسبت موجود ولی مؤلّف شذرات‌الذهب که مطالبی راجع بجوهری ازبغیة الوعاة نقل‌نموده این دو کتاب را نام نبرده وچنانکه در ص ۲۸۱ گذشت دانستیم که این دو کتاب را یاقوت از مؤلّفات ابو ابراهیم فارابی دائی جوهری دانسته است .

صحاح اللّغه که اینك مورد بحث ما میباشد یکی از کتب مهمّهٔ لغت عرب است وثعالبی که خود از بزرگان ادب وشهسواران میدان دانش وصرّافان‌سخن بوده یکچند سال پس ازتألیف « صحاح » که یتیمة الدهر را تألیف نموده دربارهٔ آن گفته : جوهری را کتابی بنام « الصّحاح » درلغت میباشد که بهتراز « جمهره » و دلنشین تر از « تهذیب اللّغه » میباشد و ازآن زودتر نتیجه توان گرفتن تا از « مجمل‌اللّغه » و ابومحمّد اسمعیل بن محمّد نیشابوری که این کتاب صحاح بخط مؤلف نزد او موجود است در باره وی گفته :

هذا کتاب الصحاح سیّد ما | صنّف قبل الصّحاح فی‌الادب
یشمل انواعه و یجمع ما | فرّق فی غیره من‌الکتب

مؤلف معجم‌المطبوعات این کتاب را بنام « تاج‌اللّغه وصحاح العربیّه » نامیده وگوید درنسخهٔ خطی کهنه ای که بسال ۸۵۱ نوشته شده نام این کتاب بدینگونه نوشته شده : « تاج اللّغه و سرالعرّبیّه » و یعرف بالصحاح (او) کتاب‌الصحیح فی‌اللّغه روایة الشیخ ابی محمّد اسمعیل‌بن محمّدبن عبدوس‌النّیسابوری .

چنانکه دانستیم دریتیمةالدّهر که تألیف آن بسیار نزدیك بسال تألیف صحاح بوده این کتاب بنام « صحاح » ذکر شده وابومحمّد آن را در نظم خویش بااین نام تعریف کرده ویاقوت درمعجم الادبا نیز آنرا بهمین نام آورده وآخر نسخه ایکه بسال ۸۴۳ﻫ. نوشته شده و دراین کتابخانه میباشد (شماره ۸۳۵ همین فهرست) کاتب تصریح نموده که نام این کتاب « الصحاح » میباشد. ندانم از کجا نام «تاج اللّغه» براین کتاب گذارده شده که نویسندگان بعضی از نسخ که پس از سال ۸۴۳ نوشته شده آنرا تذکّر داده‌اند.

مؤلف خود در مقدّمه و خاتمه نامی برای کتاب نگذارده و آن را بدین سبب صحاح گویند که مؤلف خوددرمقدمه گفته: امّابعد فانی قداودعت هذالکتاب ماصح عندی من هذه اللّغه الخ. و صاحب روضات گوید: ابن صلاح در «مشکل الوسیط» گفته: آنچه را صاحب صحاح تنها نقل نموده وهمه اهل لغت آنرا انکار کرده‌اند نباید پذیرفت چرا که فقط جوهری بصحت آن معتقد است. واین قول ابن صلاح مردود میباشد چرا که تقریری و جوالی (درروضات جوالی نوشته شده ولی ظاهراً مراد جوالقی یاجوالیقی لغوی معروف باشد) وغیر ازایشان صحت لغات صحاح را گردن گرفته اند و خلاصه اینکه همه دانشمندان کتاب صحاح را باعتبار پذیرفته وبنوشته‌های در آن ترتیب اثر میدهند وبعضی از بزرگان بدین اعتبار تصریح کرده‌اند.

جمعی ازدانشمندان مطالب مدرجه در صحاح اللّغه را دقت نموده و باغلاط آن پی‌برده اند و دراطراف آن کتابها نوشته اند، از آنجمله « الاصلاح للخلل الواقع فی الصحاح » تألیف علی بن یوسف بن ابراهیم قفطی متوفی بسال ۶۴۶ میباشد که سیوطی آنرا نام برده ودیگری « نورالصّباح فی اغلاط الصحاح » میباشد ودر معجم المطبوعات است که بسال ۱۳۲۸ در هندوستان در آخر « صراح اللّغه » بچاپ رسیده و دیگری « ضالة الادیب » است که در جمع میان لغات صحاح وتهذیب میباشد ودر آن اغلاط جوهری را تذکّر داده‌است.

وبسیاری این کتاب را (صحاح اللّغه) مختصر نموده ویا بر آن اضافاتی نموده ویابر آن حاشیه نگاشته ویا بتکلمه ای آنرا تکمیل کرده اند ونام آنها درص ۷۴

تا ۷٦ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۱۰ و ۱۱۱ روضات و در بغیه و معجم الادبا وشذرات‌الذهب وامل‌الآمل ودیگر کتب میباشد برای اختصار نام آنهارا نیاوردیم یکی ازاختصارات صحاح « ینابیع‌اللّغه » تألیف‌ابوجعفراحمدبن علی‌بیهقی معروف به جعفرك متولد ومتوفی بسال ۴۷۰-۵۴۴ میباشد که شواهدآنرا انداخته ولغاتی از تهذیب ازهری والشامل ابو منصورجبان و مقاییس ابن فارس بر آن افزوده و حجم آن ازصحاح بیشترنشده است (معجم الادبا ج ۱ ص ۴۱۴-۴۱٦) ودیگری بنام « الراموز فی‌اللّغه العربیه » است وچنانکه درص ۱۴ ج ۲ فهرست دارالکتب نوشته شده مؤلف آن سید محمّد بن سید حسن است و نسخه ای از آن که بسال ۹۸۸ نوشته شده در کتابخانه یکی جامع در آستانه موجود است . و دیگری « صفوالراح من‌مختارالصحاح » تألیف عبدالرحمن بن عیسی‌است ونسخه‌ای‌ازآن درکتابخانه خدیویه مصر موجود است (ج ۴ ص ۵ ۱۷ فهرست خدیویه) . و در این کتابخانه دومنتخب و مختار ویك ترجمه از صحاح میباشد که در این فصل آنها را معرّفی مینمائیم .

جمعی خواسته اند که از اغلاط واشتباهات صحاح‌اللّغه عذر خواهی کنند و گویند که تا باب ضاد معجمه این کتاب برمؤلف خوانده شده در این هنگام وسوسه وجنونی عارض وی شدو بخیال پرواز در هوا افتاد (۱) و برای خویش دو بال از چوب بساخت و بربام مسجد جامع نیشابور رفت و از آنجا بزیر افتاد و بمرد وکتاب او پاکنویس نشده بماند ، شاگرد وی **ابراهیم بن صالح وراق** بقیّه را پاکنویس و صحاح را تمام نمود . این گفتار درست نیست برای آنکه اغلاط موجوده دراین‌کتاب منحصر بابواب اخیرآن نیست وثانیاً چنانکه صاحب روضات متذکر شده اند حضرت علامهٔ حلّی رحمه الله این کتاب را از اساتید خویش ازمؤلف آن جوهری نقل وروایت نموده اند وثالثاً چنانکه دیدیم ثعالبی

---

(۱) جزاین فکر وخیال مورخین برای جوهری آثاری ازدیوانگی نشان نداده اند وآنانکه درقرن بیستم میلادی زندگانی میکنند و موفقیت پرواز درهوا را برای نوع بشر مشاهده مینمایند قطع خواهند یافت که وی دارای فکری صحیح بوده ولی روزگار وسائل کار را برای وی چنانکه‌بایدمهیا ننمود ونادانی معاصرین بجنون‌ونادانیش متهم ساخت .

معاصر مؤلف صحاح نسخه آن را بخط مؤلف آن نزد ابو محمد اسمعیل‌بن محمد نیشابوری نشان داد .

صحاح اللّغه بگفتهٔ صاحب روضات (۴۵۰۰۰) چهل وپنجهزار بیت کتابت دارد وچنانکه دراوائل این بحث گفته‌شد ترتیب تنظیم آن مخالف کتب لغتی است که پیش از آن تألیف گردیده ومؤلف لغات موجوده در آن را در بیست و هشت باب وهربابی را دربیست و هشت فصل بشمارهٔ حروف تهجّی مرتب نموده و مناط در تنظیم ابواب را حرف آخر گرفته و فصول‌را حرف اوّل مثلاً لغت عشق را درباب القاف وفصل‌العین باید دید و دیگر لغات را بهمین طرز بایستی پیدا نمود و مؤلف در صحت معانی لغات باشعار فصحا و کلمات بلغا استشهاد کرده اند .

صحاح اللّغه را مولی محمّدبن مصطفی الوانی معروف به « وان قلی » متوفی بسال ۱۰۰۰ بترکی ترجمه نموده و بسال ۱۱۴۱ در قسطنطنیّه در دو مجلد چاپ شده و نسخهٔ آن در تحت شمارهٔ ۳۵ و ۳۶ در این کتابخانه موجود است و ترجمهٔ فارسی صحاح بنام « صراح اللّغه » میباشد که پس ازاین معرّفی خواهد شد . و در ص ۲۹۲ جزء ۷ معجم الادبا نوشته شده زین الدین مغربی زواوی« یحیی‌بن معطی بن عبدالنّور » که ازمعاصرین می‌باشد وبسال ۵۶۴ متولّد شده مؤلّفاتی‌دارد و از آنها نظم صحاح جوهری میباشد که ناتمام مانده است .

کتاب صحاح مکرّر در مصر و ایران وهندوستان چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله شکرا علی نواله ، والصّلوة علی محمّد و آله ، امّا بعدفانّی اودعت هذالکتاب ماصح عندی من هذه اللّغة الخ .

انجام: قال ذوالرّمّه :

اَلا یا اَسْلَمی یادارَمَیَّ عَلی البِلی   وَلازال مُنهلّاً بِجَرْعائِكَ القَطْرُ . تم .

(۸۳۵)

صحاح اللغه

این نسخه بخط نسخ [illegible] الدین مکرّم‌بن یحیی بن مکرم در سنهٔ (۸۴۳) نوشته شد، و شامل تمام کتاب است، دارای یك

سرلوح و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد، بیشتر از صفحات را موریانه سوراخ کرده و پارهٔ از اوراق وصالی شده ، حواشی صفحات آب دیده ولی خطوط آن سالم مانده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۶۸۵) صفحهٔ (۲۱) سطر . طول($\frac{1}{2}$۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۲۹) .

(۸۳۶)

صحاح اللغه این نسخه که از نسخه های نفیس میباشد عبدالکریم بن علی کاتب حلبی بخطّ نسخ خوب در سال ۸۶۳ نگاشته و دارای یك سرلوح زیبا است ، عناوین فصول و ابواب باطلا نوشته شده و ابتداء هر باب سرسورهٔ ظریفی دارد ، صفحات آن مجدول بطلا میباشد ، پشت ورق اوّل تذهیب و میناکاری بسیار زیبای مدوّری است ، نسخه کمی آب‌دیدگی دارد و بعضی از خطوط آنهم ضایع گردیده ، بنام مرحوم اعتضادالسلطنه در پشت صفحهٔ اول یادداشتی مشعر براینکه این کتاب داخل کتابخانه ایشان گردیده نگاشته اند و برورقیکه پیش ازورق اوّل کتاب میباشد نیز یادداشتهائی ازمالکین سابق نسخه و اشعاری نوشته شده است.

جلد سوخته بسیارخوب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۲۷) . صفحهٔ (۳۳) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳۴) .

(۸۳۷)

صحاح اللغه این نسخه بخطّ نسخ بدی بسال ۸۶۷ نوشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل برتمام کتابست پشت صفحه اوّل شرحی بخط نسخ کهنه مبنی براینکه این نسخه را سیّد محمّدبن سیّد حاج مصطفی برمدرسه ایکه پدرش ساخته وقف [illegible] شده ، بعضی از مطالب آن را محو کرده اند و بسال [illegible] پشت همان صفحه شرحی بدین مضمون که مرحوم

شیخ محمّد پسر حاجی محمّد ابراهیم طهرانی این‌نسخه را نیز وقف کرده اند نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سید محمد مذکور . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۰۲) صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۷سانتیمتر). عرض (۱/۲ ۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۳۹) قفسه مدرسه صدر .

(۸۳۸)

صحاح اللغه

این نسخه بخطّ نسخ ابراهیم بن محمّد حسین‌الغفّاری بسال (۹۸۷) نوشته شده و شامل جلد اوّل(از ابتدای کتاب تا آخرباب عین) میباشد ، پاره ای از اوراق کتاب وصالی شده و پشت ورق‌اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو کرده اند ونیز اشعاری در تعریف کتاب وطریقه استخراج لغت از آن و نیز یادداشتهائی موجود است .

جلد چرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شماره اوراق (۲٤٦) . صفحهٔ (۳۱) سطر. طول(۳۰سانتیمتر) .عرض(۱/۲ ۲۱سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳۱) .

(۸۳۹)

صحاح اللغه

این‌نسخه بخطّ نسخ خوب درسنهٔ (۱۲٤۱) نوشته شده ، در آخرنسخه کاتب خود را سمّی امام سادس جعفرالصّادق‌ع بن امام رابع علی بن زین‌العابدین علیهماالسّلام نام برده و شامل تمام کتاب است ، صفحات نسخه باسرخی جدول کشی شده و در پشت صفحهٔ اول روایتی از ابن عباس نقل گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(۵۷۹) . صفحه (۲۵) سطر . طول (۱/۲ ۳۰سانتیمتر). عرض (۱/۲ ۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۲)

(۸٤۰)

صحاح اللغه

این نسخه جلد اوّل و بخطّ نسخ بد نوشته شده از ابتداء باب همزه تا اواخر فصل میم از باب ظاء میباشد ، آخر نسخه افتادگی دارد و آخرین سطر آن این است : (الملظّ الرّمان‌البرّی قال ابوذویب

زیصف عسلاً فجاء بمزج لم یرالناس) اوراقی ازاوّل وآخر کتاب وصّالی شده و سخه قدیمی است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی قدیمی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۳۶) . صفحهٔ (۲۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۳) .

(۸٤۱)

صحاح اللغه . این نسخه مجلّد دوّم و ازابتدای باب سین تااواخر فصل عین از باب لام میباشد وآخرین سطر آن این است : (والعتلّه واحدة العتل وهی القسیّ الفارسیّه وجدیلة طی تقول للاجیر عتیل والجمع عتلاء) ، بخط نستعلیق نوشته شده و آخر آن افتادگی دارد ، اسم کاتب و سال کتابت معلوم نشد ، در آخر فصل هاء از باب غین عبارتی بوده ولی انرا محوکرده اند ، دو ورق کاغذ ننوشته در وسط کتاب میباشد و حواشی مختصری از کتب لغت با اشعاری فارسی درحاشیه دارد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شماره اوراق (۳۳۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۳۵) .

[۳۵۱] **صراح اللغه = الصراح من الصحاح** (عربی وفارسی)

مؤلف این کتاب جمال قرشی (۱) رضی الله عنه است (جمال الدین محمد بن عمر بن خالد قرشی (۲)) که از دانشمندان اواخر قرن هفتم هجری بوده و این مؤلف یکی از مختصر کنندگان « صحاح اللغه » میباشد و آن مختصر را خود « الصراح من الصحاح » نامیده و دانشمندان آن را « صراح اللّغه » خوانند و بدین نام مشهور گردیده .

---

(۱) قرش در معجم البلدان و آثار البلاد نام قرش نیست و در اکتفاء القنوع نوشته شده که جزء ماوراء النهر است .

(۲) ترجمه وسایر مؤلفات وتاریخ تولدووفات مؤلف را در کشف الظنون ، معجم المطبوعات ، بغیة الوعاة ، شذرات الذهب ، طبقات سبکی ، الفوائد البهیه نیافتم درص ۱٤۳٦ ج ۲ فهرست آصفیه وفات مؤلف بسال ٦۸۱ که سال تالیف صراح میباشد ثبت شده و در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۹۳ سال ۹٦٦ نقل شده ومسلما این تاریخ غلط است چرا که عادةً کسیکه بسال ٦۸۱ کتابی تألیف کرده باشد تاسال ۹٦٦ که ۲۸۵ میشود و شاید سی چهل سال هم هنگام تالیف داشته نخواهد ماند و شاید مؤلف محترم آن فهرست در مآخذی سال ٦۹٦ را دیده باشند و درچاپخانه شماره غلط چیده شده است .

این مختصر شامل تمام لغات صحاح اللّغه میباشد و مختصر کننده آن فقط اشعاری را که جوهری برای استشهاد پاره ای از لغات آورده بود جز چند بیتی را انداخته ولی امثال و آیات و اخبار مستشهده را در این مختصر باقی گذارده و در این قسمت نیز تاحدّی که ممکن بود اختصار را مراعات کرده مثلاً از آیات موجودهٔ در « صحاح » بس محلّ شاهد را نقل نموده و باقی را ترك کرده است .

گذشته از آنچه گفته شده مؤلّف پس از بیانات صاحب صحاح در بیان مراد از لغات مذکوره برای استفادهٔ آنانکه ازعربیّت بهرهٔ وافی ندارند ترجمهٔ فارسی آن لغات را نیز نقل و گذشته ازاین بواسطهٔ علامات و آثاری که بر لغات و پس از آنها گذارده شده و زن و باب و جمع و مصدر هریك از آنها رانیز بعلامات و شماره ها معین کرده‌اند .

این کتاب در حدود (٤٠٠٠) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۶۰ درکلکتّه و بسال ۱۲۸۶ در طهران و در سال ۱۲۷۹ ظاهراً نیز در هند چاپ گردیده و در ص ۷۰۷ معجم المطبوعات نوشته شده که بسال ۱۳۲۸ درهند صراح اللّغه چاپ شده و دارای دو ضمیمه است **اول** : « القراح بتکمیل الصحاح » . **دوم** « نور الصّباح فی اغلاط الصّحاح » .

آغاز: بسمله قال الفقیر الی مولاه الغنی عمّن سواه الواثق بالمتعالی عن الولد و الوالد، ابو الفضل محمّد بن عمر بن خالد المدعوّ بجمال القرشی جمل الله احواله وحصّل آماله ، احمدالله وهو المحمود بکل اللّغات وجلّها واشکره وهو المشکور علی کثر الهبات وقلّها الخ .

انجام : قال ذوالرّمّه شعر .

الا یا اسلمی یادارمیّ علی البلی　　ولازال منهلاً بجرعائك القطر (۱)

(۱) این بیت چنانکه درص ۱۹۷ گذشت درانجام کتاب صحاح اللغه میباشد که قرشی عیناً در اینجا آورده ، درنسخهٔ صراح اللغه شماره (۸٤۲) این فهرست که بسال ۱۰۶۰ نوشته شده نویسنده آن پس از این شعر شرحی مبنی برنام خویش و سال نگارش نوشته و چنین وا نمود کرده که آخر کتاب همان بیت میباشد ونیز نسخهٔ دیگری از این کتاب که بسال ۱۰۹۲ درلاهور هند نوشتهٔ شده ودرذیل شماره (۸٤٤) معرفی میشود بهمین شعر ختم گردیده

(بقیه درذیل صفحه بعد)

(۸۴۲)

صراح اللغه این نسخه را بخطّ نسخ صدرالدین محمّدبن ملاّ حسین سالکدهی درسنهٔ (۱۰۶۰) نوشته ، حواشی مختصری از برهان درحاشیهٔ کتاب نگاشته شده و حاشیهٔ یکی ازصفحات وسط را پاره کرده اند .

جلد چرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۲) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۱) .

(۸۴۳)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ درسنهٔ (۱۰۷۳) ترقیم یافته ، کاتب نام خود را در آخر کتاب احمدبن ملاّ حامد معرّفی کرده ، حواشی مختصری بدون امضاء بندرت در کتاب مشاهده میشود ، تصحیح گردیده وکلمات افتاده درحاشیه نوشته شده ، صفحات بجدول بسرخی ولاجورد میباشد ، درصفحه آخر پس ازاتمام تاریخ بیش ازیك سطر نوشته بوده آنرا پاك کرده‌اند

(بقیه از ذیل صفحه قبل)
و نسخه ایکه در تحت شماره (۸۴۳) خصوصیات آن ذکر خواهد شد وبسال (۱۰۷۳) استنساخ شده پس از شعر مذکور این عبارت است : (وکان الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق‌الله وحسن تاییده ظهیرة الثلثاء السادس عشرمن صفر سنة احدی وثمانین وستمائه بکاشغر حرسهاالله تعالی وعمر .) و در آخر نسخه خطی شمارهٔ (۸۴۵) این فهرست پس از شعر مذکور عبارتی است که در آخر نسخه ایکه در طهران بسال ۱۲۸۶ چاپ شده موجود است و ذیلا نقل می‌شود و قسمتی از آن در نسخ دیگر نیست و آن این است :[تم الکتاب ولله نحمد نحمد (کلمهٔ دوم مکرر شده و درچاپی نیست) حمداً لا یحویه العدوالحساب علی تتمیم هذه النسخة انتساخاً ضحوة اثنین (در چاپی الاثنین ثبت شده) الثالث والعشرین من ذی‌القعده لسنة سبعمائه هجریه وکان (درچاپی واتفق الفراغ است) الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق‌الله وحسن تاییده ظهرالثلثاء السادس عشرمن صفر سنة احدی و ثمانین و ستمائه بکاشغر .] و در ص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از صراح اللغه را نام برده که دارای همین تاریخ تالیف میباشد و در مقابل آن نوشته شده که بخط مصنف است . بهرحال از نقل عبارات فوق چنین بدست می‌آید که مؤلف تاریخ تالیف را در آخر کتاب تصریح نموده ولی برخی از استنساخ کنندگان در نقل آن اهمال کرده اند وسال ۷۰۰ که در آخر یکی از نسخ خطی این کتابخانه و نسخهٔ چاپی تذکر داده شده سال نسخه برداری نسخه ای است که این نسخهٔ خطی وچاپی از روی آن نوشته شده وشاید که چاپی را از روی همین نسخهٔ خطی نوشته باشند .

وبجای آن شمارهٔ اوراق کتاب ونام آنرا نوشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۰۳) . صفحه‌ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۳۰) .

(۸۴۴)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ محمّد هاشم بن محمّد قاسم درسنهٔ (۱۰۹۲) درشهر لاهورهندوستان درمحلّهٔ تلبغه درعهد اورنگ‌زیب عالمگیر نگاشته شده ، دارای یک سرلوح وصفحات مجدول بطلا ولاجورد ، لغات باشنجرف نوشته شده ، اوراق اواخر کتاب را موریانه خورده و وصالی گردیده پشت ورق اوّل چند یادداشت ودرحواشی اوراق حاشیه های مختصری بفارسی وعربی نگاشته شده است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۳۵) . صفحه ای (۲۴) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۴ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۲۸) .

(۸۴۵)

صراح اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نامی ازخود و سال کتابت نبرده ، وبنگاشتن عباراتی که درحاشیهٔ ص ۲۰۲ نقل گردیده اکتفا نموده تاآنانکه بخطوط هرقرنی آشنائی ندارندآنرا ازخطوط آخر قرن هشتم و کهنه پندارند ، درصورتیکه پرآشکار است که ازخطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد وتذهیب سرلوح آنهم دارای اهمیّتی نیست، لغات باشنجرف نوشته شده وصفحات مجدول بطلا ولاجوردوشنجرف است ، پشت صفحهٔ اوّل یاد داشتی بوده آنرا محو کرده اند ، اثر نام فتحعلیشاه قاجار و برخی ازکلمات دیگر باقی و قابل دیدن است وتاریخ این نوشته بسال ۱۲۳۳ میباشد و چند یادداشت موجود است و پشت ورق آخر نیز یادداشتی بوده که جز سطر اوّل وآخر آن همه را محو کرده اند درحاشیه بعضی ازصفحات مطالب سودمندی نگاشته شده است .

جلد تیماجی وسط پارچه . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق

(٣٤٣) . صفحه ای (٢٢) سطر . طول (٢٧ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١١٢).

[٣٥٢] طراز اللغة (عربی)

مؤلّف این کتاب سید علی خان کبیر رحمة الله علیه میباشد (صدرالدّین علی بن الامیر نظام الدّین احمد بن الامیر محمد معصوم الحسینی الحسنی (١) دشتکی شیرازی معروف بمدنی متوفّی بسال ١١١٨) (٢).

درج(١) همین‌فهرست برخی ازمؤلّفات ایشان‌نامبرده شده (٣) ولی طرازاللّغه ومؤلّفات دیگر ایشان که ذیلاً نام میبریم در آنجا نیست .

سیّد علیخان که ویراکبیر لقب داده اند و بهمین نام هم مشهور گردیده از مفاخر قرن یازدهم ودوازدهم هجری میباشد و شیراز هم بوجود چنین دانشمندی

---

(١) در فارسنامه حسینی حسنی نوشته شده ولی در روضات حسنی حسینی ثبت گردیده وخود ایشان هم تصریح بتقدم حسینی برحسنی دارند وما در جلد اول قول روضات را اقتدا کرده ولی چون فرزند زاده ایشان بدین نحو خودرا معرفی کرده اند ما نیز در این مجلد ایشان را پیروی نمودیم و جرجی زیدان در ص ٢٨٥ ج ٣ تاریخ آداب اللغه این دانشمند را بدین گونه معرفی نموده (صدر الدین بن معصوم الحسینی المدنی علی خان المتوفی سنه ١١٠٤) چند نام از اجداد مؤلف را انداخته و سال وفات وی را هم غلط نقل نموده و از طراز اللغه او هم نامی نبرده است .

(٢) درص ٢٨ ج ١ فهرست سال‌وفات این‌عالم جلیل‌چنانکه درص ٤١٣ روضات و در ذیل صفحهٔ ٨٣ آثارالعجم‌تالیف مرحوم‌فرصت‌الدوله‌بدان‌تصریح‌شده‌درسال ١١٢٠ ضبط گردید ولی نبیره این بزرگ مرحوم حاج میرزاحسن‌مؤلف‌فارسنامهٔ‌ناصری‌درص ٨٦ گفتاردوم ازفارسنامه وفات سید علی خان پدر جد خود را در ذیحجه سال ١١١٨ نوشته و در ص ٢٩ از همان گفتار نوشته اند که محدث کامل شیخ یوسف بحرانی تاریخ وفات سید علیخان را در جمله «سرمقر شیراز» یافته است .

(٣) در ص ٢٨ ج ١ فهرست ریاض السالکین یا شرح صحیفه سجادیه این دانشمند و نیز درص ٤٥ ج ١ الکلم الطیب ایشان را معرفی کردیم ودرص ٢٨ بجای‌انوارالربیع که درعلم بدیع می باشد و بسال ١٣٠٤ در طهران چاپ شده است زهر الربیع در علم بدیع نوشته شده اصلاح گردد و زهر الربیع از مؤلفات سید نعمت الله جزائری است و در غلطنامه هم بدین غلط تذکری نیست ودیگر مؤلفات ایشان که در آن صفحه تذکر داده ام سلافة العصر ، ومخلاة نظیر کشکول ، و سه شرح بر صمدیه است که صغیر و کبیر آن چاپ شده و شرح وسیط آن را آقای میرزا سید احمد مهذب خلف مؤلف فارسنامهٔ ناصری و نواده مؤلف شرح دارند.

مفتخر بوده وهست ، این عالم جلیل از سادات عظیم القدر شیراز و معروف بدشتکی میباشند و اجداد ایشان همه اهل فضل و دانش بوده و از معاریف اند ، از آنجمله سید صدرالدّین و فرزند ایشان سیّد غیاث الدّین منصور هستند که از بسیاری اشتهار محتاج بمعرّفی نیستند و در این فهرست بیاری خداوند شرح حال و مؤلّفات این پدر و پسر نگاشته خواهد شد .

بمناسبت اینکه در مدینهٔ طیّبه متولّد گشته اند بمدنی معروف شده و چندی هم در حیدر آباد دکن هندوستان مسکن گزیده و بپادشاه آنجا نزدیك بوده و در سال ۱۱۱٦ از مکّهٔ معظّمه بشیراز مراجعت کرده و پس از دو سال برحمت ایزدی پیوسته و در بقعهٔ امامزاده بزرگ حضرت میرسیّد احمد بن موسی الکاظم علیه السّلام که مشهور بشاه چراغ میباشند پهلوی قبر عالم جلیل سیّد ماجد مجتهد بحرینی که قاضی شیراز بوده بخاك سپرده شده اند ولی در زلزله ایکه در یکقرن پیش آمده و قسمتی از بقعه را خراب نموده قبر محو گردیده است مؤلّفات دیگر ایشان عبارتند از **شرح ارشاد** در نحو (در روضات آمده که نام این شرح موضح الرشاد است) ، الدرجات الرّفیعه فی طبقات الشیعة الامامیّه (جرجی زیدان در ص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللّغه نسخه‌ای از این کتاب را در برلن نشان داده اند و در طهران آقای ارگانی نمایندهٔ خورستان در مجلس شورای ملّی نیز نسخه ای از آنرا دارند) ، سلوة الغریب و اسوة الادیب (این کتاب مسافرت نامه سیّد بحیدر آباد میباشد و جرجی زیدان در ج ۳ تاریخ آداب اللّغه نوشته که این مسافرت بسال ۱۰٦٦ بوده و نسخه آنرا نیز در برلن نشان داده و دانشمند معاصر آقای تربیت نسخه ای از این کتاب را دارند) ، احوال الصّحابه و التّابعین (صاحب روضات در ص ٤۱۳ بنقل از ریاض العلما گوید این کتاب بآخر نرسیده و فقط یك مجلّد آن در احوال بعضی از صحابه تألیف گردیده است) ، رساله در اغلاط قاموس فیروز آبادی (در روضات نیز بنقل از ریاض العلماء گوید که این رساله ای نیکو است) ، الزّهره (صاحب روضات و فارسنامه گویند در نحو است) ، التذکره

فی الفوائد النادره(۱) (صاحب روضات گوید ظاهراً این کتاب غیر از کتابی است که بنام مخلاة و نظیر کشکول تألیف کرده اند و در فارسنامه فقط بنام کتاب تذکره نام برده شده است) نظم کافیه، دیوان شعر (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه استاد معظم آقای تنکابنی موجود است)، رسائل متفرقه (این سه کتاب اخیر در فارسنامه ذکر شده است)، غنیمة الاغانی درمعاشرت اخوان (نسخهٔ این کتاب را صاحب فارسنامه داشته اند و از آن قسمتی را نقل نموده و این چند بیت از آنجا گرفته شد:

یقول راجی الصّمد علیّ بن احمد ... حمداً لمن هدانی بالنّطق والبیان

فقال الصدیق من صدق فی حبّه ومامذق ... وقیل من لم یطعنا فی قوله انت انا.)

ودیگر از مؤلّفات گرانبهای این عالم جلیل طراز اللّغه است.

طراز اللغه چنانکه مندرجات آن شهادت میدهد یکی از کتب بسیار ذیقیمت میباشد ومصنّف در دیباچه تصریح نموده اند که نام آن را «الطراز الاوّل» نهادم و در ص ۴۱۳ روضات بنقل از ریاض العلما نام این کتاب «الطراز الاوّل فیما علیه من لغة العرب معوّل» ضبط شده و درفارسنامه ناصری «الطراز اللّغه» ودر نسخهٔ این کتابخانه در آخر باب الهمزه و باب الباء بدین نحو از خط مؤلف نقل گردیده: تمّ باب الهمزه (باب الباء) من الطّراز الاوّل والکناز لما علیه من کلام العرب المعوّل» نوشته شده ، خلاصه اینکه پیش از این مؤلف بدینگونه کسی لغت ننوشته وصاحب

---

(۱) حضرت استاد آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظله العالی ضمن مجموعه‌ای رساله‌ای از سید علیخان کبیر دارند که شامل پنج حدیث مسلسله به آباء میباشد وجامع گوید: در احادیث امامیه کم اتفاق افتاده که مسلسل به آباء به ۲۷ واسطه باشد ومن توفیق یافته ام که این پنج حدیث را جمع نمایم وبرای آن دیباچه و خاتمه ای با تصریح باسم مؤلف بر آن اضافه کرده و از درایه شهید نقل نموده که در آنجا پس از حدیثی که مسلسل به ۱۴ پدر بوده فرموده: این حدیث بیشترین حدیث مسلسل به آباء است که بدست ما رسیده پس از آن سید گوید: و اتفق توضیح ما لعله یحتاج الی التوضیح عجالة حالما رقم هذه الاخبار فی هذه التذکره ولم اقف علی شیئی من ذلك لاحد من السلف فان اصبت فببرکات اهل البیت و الله یقول الحق و هو یهدی السبیل والیه المرجع و المآب. (بنظر نگارنده از کلمه فی هذه التذکره، محتمل است که این رسالهٔ جزء کتاب تذکره باشد و مانعی ندارد که خود رساله ای جداگانه باشد چنانچه ظاهر این را مقتضی نیست. و آغاز رساله این است: بسمله الحمد لله الذی اکمل بنبیه احمد نظام الدین و شرح بوصیه علی صدر الدین صلی الله علیهما وعلی ابنائهما الهادین ائمة الامة و الخلفاء الراشدین الخ و رساله در حدود (۱۵۰) بیت است.

روضات در ص ۴۱۲ از ریاض‌العلما که مؤلّف آن معاصر بامؤلّف طرازاللّغه بوده نقل نموده که تألیف طرازاللغه از نصف نگذشته و بآخر نرسیده بود که زندگانی مؤلّف آن بآخر رسید و گوید که نزد ما ازاین کتاب نسخه ای است که گویا تاحرف صاد مهمله باشد **مراجعه گردد** انتهی . بدبختانه نمیدانم کتب کتابخانه صاحب روضات کجا رفت و از این کتاب نفیس که طرز آنرا زیر همین سطرها خواهیم گفت بیشتر از آنچه) تاحرف سین مهمله) نسخه ای‌از آن‌دراین کتابخانه‌است سراغ نداریم و درکتابخانه های عمومی ایران ومصر نسخ این کتاب نیست و در کتابخانه های شخصی بعضی ازدانشمندان پاره ای از مجلّدات آن یافت میشود از آنجمله مجلّد اوّل آن در کتابخانهٔ شخصی جناب آقای حکمت وزیر محترم معارف واوقاف درطهران موجود وبسال۱۱۱۳ از روی نسخهٔ مؤلّف نوشته شده وپشت صفحهٔ اوّل‌بسال ۱۱۱۴ مقابله وتصحیح آن نوشته شده وظاهراً این‌تصدیق بر تصحیح، خطّ مؤلّف است و این نسخه از ابتداء کتاب تاآخر حرف ذال معجمه میباشد ومجلّد دوّم کتاب ازحرف راء مهمله شروع شده است .

روش این‌مؤلّف در تألیف این لغت این‌است که بدوا لغات را موافق صحاح‌اللّغه وقاموس بترتیب حروف اواخر قرارداده و ابتداء بحروف همزه بنام **باب‌الهمزه** نموده و هریك از ابواب را برفصولی بشمارهٔ حروف تهجّی تقسیم نموده است و چون لغتی را نام برد معانی‌آن را در ذیل آن مینگارد و در بعضی موارد باشعار فصحاء واقوال ائمّهٔ لغت هم استشهاد میکند پس از آن اگر این لغت و یامشتقات آن در قرآن‌کریم استعمال شده و درذیل عنوان **الکتاب** آن آیه یا آیات را نقل و بشرح و تفسیر آنها میپردازد وپس از آن اگر این لفظ یا مشتقّی از آن در اخبار واحادیث آمده باشد در زیر عنوان **الاثر** آنها را نیز ذکر وببیان آنها مشغول ودرمرتبهٔ چهارم اگراین لغت یایکی ازمشتقّات آن اصطلاح خاصی‌ازقبیل فقهی یااصولی یامنطقی‌یاریاضی‌یا حکمی ویاغیرازآنهاشده باشد درذیل‌عنوان **المصطلح** آنها را یاد میکند وچون‌آن لغت یایکی ازشاخه هاویاریشه‌های‌آن درمثلی یاامثالی باشد درتحت عنوان **الامثل** آنها را نیزنقل ومراد ومعنی آنرا هم میگوید وچون

لغتی دریکی ازعناوین پنجگانه نیامده باشد درذیل آن لغت عنوان مذکور نوشته نشده است و چنانکه خود در مقدّمه گفته اند بیشتر درذکر لغات عرب توجه بغریب آنها داشته ودر موارد بسیاری باغلاط فیروز آبادی در قاموس تصریح نموده است .

اگراین کتاب بهمین‌نحو که برداشت شده بآخر میرسید توان گفت که دارنده آن گنجی بزرگ داردولی بمصداق مالایدرك كلّه لایترك كلّه وقاعدهٔ مسلّم نزدعقلا که وجود ناقص بهتر از عدم صرف است این مؤلّفه باهمین نقص بسیار ذیقیمت ونافع است وبقول شاعر **باین شکستگی ارزد بصد هزار درست** و امید است که دوستداران دانش بچاپ آن همت گمارند و نسخ آنرا در دسترس دوستداران فضیلت گذارند .

این کتاب (تافصل عین از باب سین) که اینك در این کتابخانه موجود است در حدود (۷۲۰۰۰)(جلداوّل ۴۵۰۰۰ دوّم ــ ۲۷۰۰۰) بیت کتابت داردو مقدمهٔ آن یکی از شاهکار های ادبی است و تاریخ تألیف آن در آخر باب الهمزه سال ۱۱۰۷ و در آخرباب‌البآء درسال ۱۱۰۹ یاد داشت شده است .

آغاز : بسمله انّ ابلغ مانطقت به البلغآء بادی بدا و افصح مابدأت الفصحاء به‌الکلام مابدا حمدالله‌الذی انطق‌العرب باعرف لسان الخ .

(۸۴۵)

طراز اللغه این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۲۵۷ نوشته شده،ازاوّل کتاب تاماده عبد از فصل العین از باب الدال را دارامیباشد، لغات و آیات واخبار و مصطلحات با سرخی نگارش یافته و چندورق از ابتداء نسخه مجدول بطلا ولاجورد و سرخی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی‌مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۴۲) . صفحه ای (۳۷)سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) ، عرض (۲۱ ½ سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانهٔ(۲۹).

(۸٤٦)

طراز اللغه

این نسخه بخط نسخ آقا باباشاهمیرزائی در سنهٔ (۱۲۸۳) نوشته شده و شامل از اوّل کتاب تالغت عبد از فصل عین از باب دال میباشد ، لغات را باسرخی نوشته‌اند و دانسته شد که از روی نسخه‌ایکه پیش از این معرّفی از آن کردیم نوشته شده و این نیز چون اصل آن بی غلط نیست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۰) . طول (۳٦ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۳) .

(۸٤۷)

طراز اللغه

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و شامل از باب حرف الراء فصل الالف (جلد دوّم) و تاشرح لغت «عبقس» که از باب السّین وفصل العین میباشد و آخرین سطر موجوده آن این است : والعبقسی نسبةٌ الی عبدالقیس و تعبقس انتسب الیه والعبنقس کعضنفر النّاعم الطویل .

شواهد و لغات را باسرخی نوشته‌اند و در آخر باب الرّاء سال تحریر را سنهٔ ۱۱۲٤ معیّن نموده ولی نام کاتب نگاشته نشده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۸۳) صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) شمارهٔ (۲٤۳) قفسه مدرسه صدر .

[۳۵۳] فرهنگ بشیرخانی (فارسی)

این فرهنگ در حدود (٤۲۵۰) بیت کتاب دارد، شرح حال مؤلّف را در تذکره‌ها و کتب رجال و نسخهٔ این فرهنگ را در فهرستها نیافتم ، مناسب دیدم که قسمتی از مقدمهٔ آن را که مشتمل برنام مؤلّف و غرض تألیف میباشد و چند سطر از ابتداء آن در اینجا بیاورم و آن این است :

« بندهٔ ضعیف الی الرب القوی المجید الملقب ببشیر خان برمزید غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما والیه، چون دید که یاران با فرهنگ وقت قرائت دیوان خواجه حافظ و شرفنامهٔ جامی وبوستان و گلستان سعدی ودیوان کمال وقاسم انوار وسلمان ومسعودبیك (کذا) وسلسلة الذهب و طوطی نامه و یوسفی و مغربی و شامی و خمسه نظامی و خسرو و شاهنامه و غیر هم از کلام اکابر قدس الله سرهم العزیز بسوی لغات حاجتمند میشوند واحضار کتابها هریك بنوعی

تعلدیر هینما یقد وچون بعضی یاران که مصاحب فقیر بودند بکرات و مرات برای جمع لغات علی فصل الغایات فوق الطاقات التماس نمودند بنا بر این رهی کتابهای مذکور و بعضی لغات متفرقه از کتابها و معنیها کشیده بر ورقی مثبت کرده تا ادراك معانی به آسانی دست دهد ونام این مجموعه «فرهنك بشیر خانی» نهاد و بالله التوفیق علی التطویق **فصل الالف** **استفتا** بالکسر طلب گشایش کردن وفتوی خواستن . **ایعا** نگه داشتن چیزی . **انشا** بالکسر **انگیختن از خود** . **اصغا** شنیدن . **ایذا** بدخوئی و بیفرمانی الخ » .

از مطالعه مندرجات این فرهنك چنین بدست می آید که مؤلف ایرانی نیست و از روی قرائن موجوده در عبارات کتاب و نقل معانی لغات هندی احتمال قوی میرود که هندی و یا افغانی بوده و نام مؤلف هم خود یکی از مؤیدات میباشد .

از عبارات مندرجه ذیل لغات **ری** ، سپاهان ، **ارمن** ، باد صبا ، **قم** ، هیرمند ، **قلاب گازلان** و بسیاری دگر و مطابقه کامل با عبارات شرفنامه منیری در ذیل آن لغات معلوم میشود که آن فرهنك را در دست داشته است .

زمان تألیف این فرهنگ را نگارنده در اوائل قرن یازدهم هجری میداند چراکه در آن ازشیخ فیضی که بگفتهٔ هفت اقلیم مؤلّفه بسال ۱۰۰۲ درآن عصر ملك الشّعراء بوده شعر نقل نموده (درشمس التّواریخ و مجمع الفصحا وفات شیخ فیضی بسال ۱۰۰٤ ضبط شده و آدوارد برون (ص۱۳۲ ترجمه ادبیات ج٤) بسال ۱۰۰٤ نوشته است) ونیزدر ذیل لغت **محابا** گوید : ازشیخ محمّد خضری بمعنی دریغ مسموع است .

و در تذکره خشگو در حرف خاء فقط خضری خوانساری و خضری لاری را نام برده و گوید هردو معاصر و اکثر در ملازمت اما مقلیخان حاکم فارس می بودند . در تذکره های دیگر خضری نام یاتخلّص نیافتم و از قرائن هم مسلّم میشود که غرض بشیرخان یکی از این دو خضری است و نگارنده احتمال میدهم که چون شاه صفی بسال ۱۰٤۳ اما مقلیخان و پسرانش را در قزوین بکشت و فرمان داد که اولاد و نزدیکان او را هم که در شیراز بودند بکشند (۱) این دو شاعر که سمت ملازمت اما مقلیخان راداشته اند از ترس بهندوستان گریخته و بشیر خان بیکی از آنها رسیده و استفاده هائی کرده است .

طرز این فرهنگ این است که لغات را باملاحظهٔ حروف اوّل و آخر مرتب

(۱) در گفتار دوم ص ۲۸۷ فارسنامهٔ ناصری خضری لاری نام برده شده و در ص ۱٤٦ گفتار اول شرح کشته شدن امامقلیخان و پسران و کسانش مختصرا نگاشته شده است .

نموده و حرف اوّل را باب وحرف آخررا فصل قرار داده مثلاً لغت **قباب** رادر باب القاف وفصل الباء ولغت **قباد** را درهمین باب و فصل الدّال ذکر نموده است واستشهاد باشعار در بعضی موارد کرده ودر آن از شاهنامه فردوسی و گرشاسب نامه اسدی و دواوین سعدی و حافظ و جامی (متوفی بسال ۸۹۸) و خاقانی و فضولی وقاسم انوار (متوفی بسال ۸۳۷) ونظام استرآبادی (متوفی بسال ۹۲۱) و منصور شیرازی و ظهیر فارابی و غیر ازاینها ابیاتی دیده میشود و ازنقل لغات وجُمل بسیار واضح بدست میآید که مؤلّف آن چون نگارنده ازعلم ودانش بهره‌ای نداشته از آن جمله است : **علم ریاضی** علمی است در حکمت . **عالم علوی** آنجهان . **لاادری** نمیدانم . **مشاهیر** مشهوران. **قاض** حاکم بود. **قابض** گیرنده و ترك كننده . **لاینصرف** نیست تصرّف . **صنادیق** جمع صندوق . **فویل ثم ویل للمساکین** پس هلاکی و بسیار هلاکی برمسکینان .

آغاز : بسمله حمد بیغایت و ثنای بی‌نهایت خالقی را که طبیعت انسان راالخ .

انجام یادگی مجال و خجل و انـدازه و زمره و مرتبه . **یباهی** فخر میکنند تمام شد کتاب فرهنگ .

(۸٤۸)

فرهنگ بشیرخانی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام برده ، ابواب وفصول ونام کتب وشعرا باشنجرف نوشته شده ، صفحات مجدول بلاجورد و شنجرف میباشد و پشت ورق اوّل از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه جمل ذیل نگاشته شده : لغتی است موسوم بلغت بشیرخانی که تازه جمع شده(گفته شد که بنظر نگارنده ازمؤلّفات اوائل قرن یازدهم است) نوّاب مستطاب اشرف والا معتمد الدّوله حکمران مملکت فارس در شیراز استنساخ نموده و برسم هدیه از برای حضرت اشرف امجد والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم ومعادن دام اجلاله فرستاده و مبارکی داخل کتابخانه مبارکه شد فی شهر رمضان سنه ۱۲۹۷ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱٤۲) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانهٔ (۱۳) .

[٣٥٤] فرهنگ جهانگیری (فارسی بفارسی)

مؤلّف این فرهنگ جمال‌الدّین حسین انجواست (عضدالدّوله جمال‌الدّین حسین‌بن فخرالدّین حسن (١) انجو (٢)) و چنانکه خود در مقدّمه این فرهنگ تصریح نموده سی سال بعضی اوقات و برخی از عمر خود را صرف تحقیق لغات پارسی ودری وپهلوی و اصطلاحات وغیرآن نموده و از بسیاری تتبّع و تفحّص چندان لغات و مصطلحات بهم رسید که هیچ صاحب فرهنگی را دست نداده بود لیکن نظم و ترتیب آن بعللی چند بتأخیر می‌افتاد. وازبس دراین رشته تتبّع کرده وزحمت کشیده قول او پیش اهل فن مقبول و بیان او در معانی لغات ومصطلحات برهان قاطع وقاطع برهان بود واین شهرت بگوش جلال‌الدّین محمّد اکبر پادشاه کشمیر رسید در ذیقعدهٔ سال ١٠٠٥ باحضار مؤلّف فرمان داد وفرمود از آنزمان که عرب بربلاد عجم چیره گردید زبان پارسی باعربی آمیزش پذیرفته اکثر لغات پارسی و دری و پهلوی متروك بل نابود گشته ومعانی اشعاری کـه شعرای باستان

---

(١) درص ٤٤ گفتار دوم فارسنامه ناصری درذیل‌عنوان‌سادات انجو که درفارس میزیسته‌اند گوید : و از اعیان این سلسله جناب محامد اکتساب شاه حسن انجوی شیرازی که بعد از تحصیل کمالات علمیه بهندوستان رفته درمملکت گجرات توقف نمود و در سال نهصد وبیست و هشت برهان نظام‌الدین شاه هندوی اورا از گجرات بولایت احمدنگر خواسته مسائل و احکام مذهب اثنی عشریه‌را از او بیاموخت انتهی . شاید مؤلف فرهنگ فرزند این عالم جلیل باشد و صاحب فارسنامه از این مؤلف نام نبرده است .

(٢) نیز در ص ٤١ و ٤٢ گفتار دوم فارسنامهٔ ناصری است : انجو لغت مغولی و بمعنی املاك خالصه است و جدّ اول سادات انجو زید اسود ازاولاد زاده های حضرت حسن مجتبی علیه السلام بوده وبسال ٣٥٢ که عضدالدوله دیلمی ازمکه مراجعت مینموده برحسب خوابیکه سید دیده و برایش نقل نموده و با خوابیکه چندی پیش در شیراز خواهرش دیده و برای او در همان هنگام نقل کرده بود (شرح این خواب در فارسنامهٔ مراجعه شود) سید را از مدینـه طیبه بشیراز آورد و خواهر خود را بوی داد پس از چندی چون خواهرش بمرد دختر خودرا نیز بسید تزویج نمود واملاك زیادی را وقف کرد وتولیت آن را باولاد ذکور این سید جلیل که دختر زادگان او بودند بر گذار نمود ، درفتنهٔ مغول این موقوفات خالصه دولت یا بزبان مغولی انجو گردید ، متولی وقت سعی نمود و پس از سالها نیمی از آن‌ها را گرفت و چون نام انجو بران املاك گذارده بودند از آن پس این سادات را انجوی گفتند (تا بحال هم این طائفه در شهر شیراز مسکن دارند و بانجوی مشهور اند) .

بزیور نظم آراسته اند در پردهٔ خفا وستر حجاب مخفی ومستور مانده و پیش از این چند نفر از دانشمندان را بترتیب کتابی مشتمل بر جمیع لغات باستانی و مصطلحات امر فرمودیم هیچکدام چنانکه شاید و باید اداء این وظیفه را ننمودند ، اینك تو بایستی این کار را در زمان من انجام دهی .

مؤلّف بگفتهٔ خویش همگی همّت خود را بر تصحیح و ترتیب لغات و مصطلحات پارسیان مصروف داشته در جمع کتب و نسخی که در این فن ساخته شده بیشتر از پیشتر مبالغه نموده ، از هر جائی کتابی و نسخه ای در لغت و تاریخ وغیره بدست آورده و از روی آنها بتألیف این فرهنگ پرداخت و نیز خود گوید که در این تألیف چهل و چهار فرهنگ که نام آنها را درمقدّمهٔ فرهنگ آورده و نه فرهنگ دیگر که نام نداشته و مؤلّفین آنهم معلوم نگردید مأخذ وی بوده وفرهنگهای نامدار که مأخذ لغات این کتاب بوده عبارتند از :

۱ - فرهنگ ابوالحفص سغدی ، ۲ - فرهنگ ابوالمنصور علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ، ۳ - فرهنگ ابراهیمی ، ٤ - فرهنگ اداة الفضلا تصنیف قاضی خان بدرمحمد دهلوی المعروف به ٥ - فرهنگ استادی عبدالله نیشابوری ، ٦ - فرهنگ اسکندری ، ۷ - فرهنگ تحفة الاحباب تصنیف اوبهی ، ۸ - فرهنگ جامع اللغات منظوم نیازی حجازی ، ۹ - فرهنگ حسین وفائی ، ۱۰ - فرهنگ حسنی ، ۱۱ - فرهنگ حکیم قطران ، ۱۲ - فرهنگ دستور ، ۱۳ - فرهنگ دستور الافاضل ، ۱٤ - فرهنگ دستور الفضلاء ، ۱٥ - فرهنگ رسالة النصیر ، ۱٦ - فرهنگ زبان گویا و جهان پویا مشهور بهفت بخشی تصنیف بدر الدین ، ۱۷ - فرهنگ سروری کاشی ، ۱۸ فرهنگ سعد بن نصیر [سعید بن نصیر طوسی نسخه] بن طاهر تمیم الغزنوی که بنام خواجه نظام الملك نوشته و آن یکهزار ودویست و پنج لغت است ومسمی است بسخن نامه نظامی ، ۱۹ - فرهنگ شرفنامهٔ احمد منیری مشهور (۱) با براهیم فاروقی ، ۲۰ - فرهنگ شیخ زاده عاشق ، ۲۱ - فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهاری ، ۲۲ - فرهنگ شیخ محمود بهاری ، ۲۳ - فرهنگ ضمیر [ضمیری نسخه] ۲٤ - فرهنگ عاصمی ، ۲٥ - فرهنگ عالمی ۲٦ - فرهنگ عجائب ۲۷ - فرهنگ علی نیك بی ، ۲۸ - فرهنگ فوائد برهانی ، ۲۹ - فرهنگ قاضی ظهیر ، ۳۰ - فرهنگ فتنة الطالبین ، ۳۱ - فرهنگ فتنة الفتیان ، ۳۲ - فرهنگ لسان الشعراء ، ۳۳ - فرهنگ لغات دیوان خاقانی ، ۳٤ - فرهنگ لغات شاهنامه ،

---

(۱) در نسخه چنین ضبط شده و دانستیم که مؤلف فرهنگ ابراهیم فاروقی بوده وبنام شرف الدین احمد منیری که مرادوی بوده تألیف شده است .

۳۵ - فرهنگ محمدبن قیس ، ۳۶ - فرهنگ محمدبن هندو شاه منشی که بنام خواجه غیاث‌الدین رشید تصنیف کرده ، ۳۷ فرهنگ مختصر ، ۳۸- فرهنگ میرزا ابراهیم‌بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، ۳۹ - فرهنگ معیار جمالی ، ٤۰ - فرهنگ مولانا الهداد سرهندی[سرهدی نسخه]، ٤۱- فرهنگ منصورشیرازی ، ٤۲- فرهنگ مولانامبار کشاه غزنوی [مشهور بفخرقواس نسخه] ، ٤۳- فرهنگ موید‌الفضلاء تصنیف محمد لاد (دهلوی است) ، ٤٤ - فرهنگ فوائدالفؤاد .

مؤلّف نیزدرمقدّمه تصریح نموده که نظم و ترتیب این فرهنگ بآخر نرسیده بود که زندگانی جلال‌الدّین محمّد اکبربسال ۱۰۱٤ بآخر رسید و نوبت سلطنت بفرزند وی جهانگیر افتاد ودراوائل‌سلطنت این پادشاه این تألیف انجام پذیرفت و بنام نامی او مطرز گشت و آنرا فرهنگ جهانگیری نامیدم و مادّهٔ تاریخ اتمام تألیف آنهم : زهی فرهنگ نورالدّین جهانگیر - ۱۰۱۷ یافتم .

فرهنگ جهانگیری را مؤلّف در بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجّی که نزد پارسی زبانان معمول میباشد مرتّب نموده و مقدّمه ای مشتمل برمطالب مفیده در دوازده‌آئین که ذیلاً ازآنها نام میبریم برآن افزوده وخاتمه ای بآخرش ملحق ساخته و کنایات و اصطلاحات واستعارات ولغات مرکبه از پارسی و عربی ولغات عربیّه که دانستن آنها ضروری بود و از آن گریزی نبود و آنها را داخل اصل کتاب که مشتمل برفرس قدیم است نمودن مناسب نلمود هر کدام را دردری علیحده درج نمودم و هردری را بـرچند جلوه مرتب گردانیدم و در خاتمه **در** را بجای باب و **جلوه** را بجای فصل استعمال کرده است (در جهانگیری چاپی و سه نسخه از نسخ این کتابخانه خاتمه ذکر نشده و در حدود (٤۵۰۰) بیت کتابت خاتمه است) وفهرست مطالب آئین‌ها این است :

آئین اول : دربیان‌اطلاق اسم فارس برملك ایران وآنکه در زمان قدیم وعهد باستان از کجاتا کجا را فارس می نامیده‌اند وتعداد زبان فارسی که‌چند است وذکرفصاحت‌و تفضیل آن بردیگر زبانها . **آئین دوم :** در چگونگی زبان فارسی . **آئین سوم :** در تعـداد حروف تهجی که نزد پارسی زبانان متداول است و بیان تفرقه حرف **دال** و **ذال** منقوطه و تعیین صیغ آن که چند است . **آئین چهارم :** در ذکر ترتیب این کتاب که برچسان و چند باب است . **آئین پنجم :** در بیان ذکر تفرقـه میان حروف و علامات هر حرفی . **آئین ششم :** در بیان تجوز تبدیل هریك از حروف بیست و چهار گانه بحروف دیگر در

بعضی از مواضع برای آسانی منشیان و شاعران . **آئین هفتم :** در بیان ضمائر . **آئین هشتم :** در ذکر حروف و کلماتی که بجهت ترتیب و حسن کلام بیاورند و آن را در معنی مدخلی نباشد . **آئین نهم :** در بیان حروف و کلماتی که باواخر اسماء و افعال بجهة حصول معانی گوناگون در آورند و بدون ترکیب افادهٔ معنی نکند . **آئین دهم :** در بیان حروف مفرده ایکه در اوائل و اواخر کلمات بیاورند بجهة در یافت معانی مختلفه . **آئین یازدهم** در املاء . **آئین دوازدهم :** در بیان عقد انامل .

فرهنگ جهانگیری بسال ۱۲۹۳ دردو مجلّد در لکنهور (هندوستان) بدون خاتمه چاپ شده است .

تألیف و تنظیم فرهنگ جهانگیری بدینگونه است که حرف دوّم هرلغت را باب و حرف اوّل را فصل قرارداده مثلاً لغت **دغل** را درفصل دال از باب غین گذارده و عموما برای معانی لغات باشعار فصحا و بلغای فارسی زبان استشهاد کرده است .

آغاز : بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر

آنکه بر لوح زبانها حرف اوّل نام اوست

این همی گوید اله آن ایزدو آن تنگری

دیباچهٔ فرهنگ خود از نام تو سازم

تا هر ورقی گیرد از آن قیمت دیباج .

حمد بیحد وسپاس بیقیاس مرصانعی را سزا هست که کاخ دماغ صدر نشینان محفل سخندانی را بنقوش خیالات رنگارنگ رشك ارتنگ مانی ساخت الخ .

انجام : لغات فرهنگ بلغت هبون خاتمه یافته و پس از شعر ناصر خسرو که شامل لغت مذکور میباشد قطعه‌ای از مؤلّف که مادّه تاریخ تألیف فرهنگ جزء آن است شده وانجام خاتمه فرهنگ این است :

هیلاج با اول مفتوح بثانی زده این لغت یونانی است و معنی آن چشمه زندگانی است و آنرا منجّمان فارس کدبانو گویند بسبب آنکه در برابر کدخدا واقع شده وشرح ابن درذیل لغت مرقوم گشت والله اعلم بالصّواب. قدتمّ الکتاب بعون الملك الوهّاب .

(۸۴۹)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه چنانکه در آخر لغات تصریح شده است بخطّ نستعلیق میرزا کاظم ولد میرزا صادق در سنهٔ (۱۲۳۹) نگاشته شده و دارای خاتمه فرهنگ است کـه درنسخ دیگر خطی این کتابخانه ونسخهٔ چاپی نیست . پشت ورق اوّل یادداشتی بقلم فخری قاجارمیباشد در آن یادداشت ورود ناصرالدّین شاه در تاریخ ۲۵ رجب سال ۱۲۶۷ بقریه آوه است واز گرمی هوا وترس ازحشرات گزنده راحت نبوده واین رباعی بنظم نویسنده یادداشت شده :

گـویند قـدیم آوه شهری بوده است
جاری دروی بـزرگ نهری بـوده است
هر کس که در آن شهر گرفته است وطن
شك نیست که مستوجب قهری بوده‌است.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۹۰) . صفحه (۲۶ و ۲۷) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر) . عـرض (۲۱ سانتیمتر) شمـارهٔ کتابخانه (۸) .

(۸۵۰)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه بخطّ نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراًازخطوط قرن دوازدهم هجری است ، پاره ای از اوراق نسخه وصّالی گردیده است و لغات با شنجرف نوشته شده و در آخر نسخه دو مهر بوده آنهارا محو کرده اند و خاتمه کتاب را هم ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۱) . صفحهٔ (۲۷) سطر . طول(۲۷سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷) .

(۸۵۱)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه را بخط نستعلیق یوسف بن شیخ اویس چشتی ساکن کول جلالی که از نقاط هندوستان

میباشد نوشته و خاتمه را چون سال نگارش ندارد ، چهارده ورق ابتداء نسخه نونویس و اصل نسخه کهنه و آثار تصحیح ومقابله در آن مشاهده میشود و ورق اوّل بجلد چسبانیده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٤٦٠) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۵) .

(۸۵۲)

فرهنگ جهانگیری این نسخه بخط نستعلیق در سنهٔ (۱۲٤٤) بقلم جمعی برای میرزا فضل‌الله مستوفی نوشته شده ، محرّرین هیچیك اسمی از خود نبرده اند ، ازشیوهٔ خط وشرحی که درآخرنسخه درحاشیه نگاشته شده معیّن میشود که ثلث اصل لغات این نسخه را با سرخی حسن‌نامی در سال (۱۲٥٤) تحریر نموده صفحات کتاب بجدول باسرخی وسیاهی است .

جلد تیماجی بیمضربی . کاغذفرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار . قطع‌رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (٤۹٤) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول . (۳٦ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲٥) .

[۳٥٥] فرهنگ رشیدی (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ عبدالرّشیدبن عبدالغفورالحسنی‌مدنی تتوی(۱) ره میباشد وچنانکه خود درمقدّمه تصریح نموده این کتاب درجمع میان فرهنگ جهانگیری وسروری است . این مؤلف استشهادات و توضیحات راجعهٔ بلغات را که در آن دو فرهنگ موجود است زیاد دانسته و آنها را دارای نواقصی میداند چون‌عدم تصریح بضبط لغات و عدم تذکر فارسی نبودن پاره ای ازآنها و یك لغت را که بواسطهٔ تخفیف و اضافه وعلل دیگر بچند قسم خوانده میشود در چند جا ذکر

(۱) در خاتمة الطبع این فرهنك عزیزالرحمن نوشته اند : عبد الرشیدبن سید عبدالغفور تتوی در عهد سلطنت شاه جهان و عالمگیر از اجله فضلا بوده و در حضرت سلطان و حلقه علما و اعیان اعتبار تمام داشته ، مولد او در بلده تته من مضافات سند است و اصلش از سادات کبار مدینه منوره ، از اینجا است که حسنی و مدنی در لقب خود می آورد .... الخ ودر آنجااست که تاریخ جلوس‌عالمگیررا که بسال۱۰٦۸ بوده آیهٔ کریمهٔ اطیعوالله واطیعوالرسول الخ یافته است بنابراین تاسال ۱۰٦۸ در حیات بوده و پس از این از وی خبری نداریم .

نمودن و گذشته از اینها گوید درضبط معانی والفاظ لغات آنها را اشتباهاتی رخ داده که بهریك در جای خود اشاره خواهدشد . ودر آخر دیباچه این بیت را که شامل تاریخ تألیف کتاب است آورده : **بیت**

گشت تاریخ وی ازروی قبول | باد فرهنگ رشیدی مقبول= ۱۰٦٤

و پس از این گوید این کتاب مشتمل است بریك مقدّمه وچند باب وخاتمه .

مقدّمه را در بیان جمیع حروف تهجّی وبیان بعضی کلمات مرکّبه ودیگرفوائد وضوابط صرفی وغیره چون عقد انامل ووجه تسمیه کتاب لغت بفرهنگ ومعنی و مراداز کلمهٔ پارس واقسام زبان فارسی قرارداده واگربگوئیم کهاین مقدّمه مختصری از مقدّمات فرهنگ جهانگیری میباشد که در دوازده آئین گذارده ، بخطا نرفته ومراجعه بهردو کتاب مارا بهترین مؤید است .

ابواب این کتاب بشماره حروف تهجّی ۲٤ باب میباشد ودر آخر هرفصل از هرباب استعاراتی که در آن فصل موجود است نیز درج گردیده واثری ازخاتمه در نسخ موجوده نیست (۱)

طرز پیدا کردن لغت را از این فرهنگ مؤلّف خود در دو بیت نظم بسته و آن این است :

ای فهم کنندهٔ معانی | ترتیب لغات اگر بدانی
از باب بگیر حرف اوّل | وازفصل بگیر حرف ثانی

از مؤلّفات این مؤلّف یکی منتخب‌اللّغات شاهجهانی است که نیزدرلغت‌ودر همین فصل از آن معرّفی میشود دیگر رساله **معربات** میباشد که در خاتمة الطبع این فرهنگ عزیزالرّحمن مدرّس عربی و فارسی مدرسهٔ عالی‌کالکته نوشته اند .

نسخه ای از این فرهنگ که سه سال پس از تألیف نوشته شده در کتابخانهٔ مجلس‌شورای ملّی ایران موجود است، (ص۲۷۱و۲۷۲) فهرست خطی مجلس ج۲ .

این فرهنگ بسال ۱۲۹۲ در کلکته چاپ شده است .

---

(۱) درخاتمة الطبع این کتاب نوشته شده : اما در آخر هیچکدام از نسخهای هشتگانه که مدار تصحیح بر آن بوده و دیگر نسخها که باوقات مختلف بنظر رسیده ازخاتمه اثری‌نیست (نسخهٔ این کتابخانه نیز خاتمه را ندارد) .

آغاز: بسمله ستایشی که آرایش سرنامهٔ هرسخن‌وپیرایش‌دیباچه هرنووکهن وپروازش‌خامه وآمه خردمندان وتزارش‌نامه وخامه دانش‌پسندان‌تواند بود الخ .

(۸۵۳)

فرهنگ رشیدی این نسخه را بخط نستعلیق حاجی امامقلی در شهرلاهور در سنهٔ (۱۱۳۳) نگاشته ، آخرین صفحه نسخه مرحوم رضاقلیخان هدایت مؤلف مجمع الفصحاء نوشته اند که بسال ۱۲۵۶ آنرا خریداری وپشت صفحهٔ اوّل نیز یادداشتی‌بسال ۱۲۵۸ کرده وبرورق حنائی که پیش ازورق اوّل‌کتاب میباشد بسال ۱۲۸۱ یاد داشتی نموده و برورق سفید رنگی که پیش‌از ورق حنائی است نیز نگاشته اند : هوالباقی حرکت ازباغ شمال تبریز بجای‌چمن داش تپه رحمت آباد مشهور بمیان دواب از مراغه در رکاب ظفر مآب نوّاب مستطاب‌ولیعهدسلطان مظفرالدّین‌میرزا ایدالله بقاءدرروزجمعه۲۵ شهرربیع الاولی سنه ۱۲۸۲ حرره رضاقلی هدایت . ونیزهدایت بر بسیاری ازصفحات این‌فرهنگ حاشیه های سودمندی نگاشته اند و پشت ورق اوّل اشعاری ترکی و پشت ورق آخر اشعاری فارسی نوشته شده وچند ورقی ازنسخه وصّالی گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ سمر قندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۸۶) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول(۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۵).

[۳۵۶] فرهنگ سروری - مجمع الفرس (فارسی‌بفارسی)

این فرهنگ ازکتب مشهورهٔ لغت میباشد و مؤلف آن محمّد قاسم بن حاجی محمّد کاشانی متخلّص بسروری است که از شعرای اوائل قرن یازدهم هجری بوده وبگفته ریو در ص ۴۹۸ ج ۲ فهرست موزهٔ لندن پس از سال ۱۰۳۲ بهندوستان رفته ونیز از « مرآت‌العالم » و « ریاض الشعراء » نقل نموده که بسال ۱۰۳۶ بـه لاهور رسیده و سیّد علی حسن در کتاب « صبح گلشن » (بسال ۱۲۹۴ تألیف و بسال ۱۲۹۵ درهند چاپ شده) که تذکره ایست مختصردرص ۲۰۳ نام سروری وفرهنگ او را برده و گوید که درلاهور قیام نموده . ودر « سفینه خشگو » در

ذیل نام سروری معرّفی از این شاعر متتبّع و فرهنگ مجمع الفرس وی گردیده و گوید : از نوشته نصر آبادی مستفاد میشود که در ایران فرهنگی مختصر از اودر میان است چون در عهد جهانگیری بهندوستان رسید و فرهنگ جهانگیری که میرجمال الدّین انجو نوشته بنظر آورد فرهنگ مبسوطی نوشت و مؤلّف کشف الظّنون در حرف لام ج ۲ ص ۳۵۹ در ذیل علم لغت اسامی قاموس ها و فرهنگ هائیرا بترتیب حروف تهجّی ذکر نموده ودرذیل حرف **واو** گوید : وجیز لغت سروری عجم(۱) فارسی و مرتب برحروف است و قسمتی از ابتداء ومقدّمه آن را نقل و اسامی مآخذ شانزده گانه را نیز آورده است واین آغاز و خصوصیّات مجمع الفرس را نشان میدهد وحاجی خلیفه بغلط نام این فرهنگ را وجیز گذاشته درصورتیکه مؤلّف نام آنرا در مقدّمه مجمع الفرس معیّن کرده است .

دانشمند معاصر آقای **سعید نفیسی** یادداشت ذیل را بنگارنده داده اند :

سروری پس از مجمع الفرس که بسال ۱۰۰۸ بنام شاه عبّاس کبیر تألیف کرده چون درسال ۱۰۲۸ فرهنگ جهانگیری بایران آمده وشامل اللّغه تألیف قراحصاری که درلغت فارسی بترکی است و فرهنگ تحفة السّعاده تألیف ملاّ محمود بن شیخ ضیاء الدین محمّد را مطالعه کرده تألیف سابق خود را کامل کرده است .

نگارنده فقط بنا براعتماد بقول دانشمند محترم شرح بالارا نگاشت و مدرك دیگری جز سفینه خشگو بر این ادّعا نیافت .

سروری درمقدّمه فرهنگ مجمع الفرس نگاشته که بسال ۱۰۰۸ دراثر ممارست باشعار و دیوانهای شعرا ونبودن فرهنگی پارسی که جامع لغات واستعارات فارسی باشد این کتاب را ازروی شانزده فرهنگ پارسی که هریك خصوصیّتی را دارابوده که دیگران آنرا نداشته اند تنظیم و نام آن نسخه ها را بدین گونه ذکر کرده است : ۱ ـ شرف نامهٔ احمد منیری تألیف ابراهیم قوام فاروقی (در ص ۱۸۹-۱۹۲ از این فرهنگ معرفی کامل گردید). ۲ـ معیار جمالی افصح المتکلّمین شمس فخری. ۳ـ تحفة الاحباب

(۱) صاحب کشف الظنون سروری را مقید بعجم ذکر نموده چرا که مصطفی بن شعبان متوفی بسال ۹۶۹ نیز متخلص بسروری و ترك نژاد بوده است .

حافظ اوبهی . ٤- نسخهٔ حسین وفائی . ٥ - رسالهٔ ابونصر علی بن اسدالطوسی . ٦ - نسخهٔ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی (بنام فرهنگ میرزا ابراهیم در این فصل معرّفی میشود) . ٧ - رسالهٔ محمد هندوشاه . ٨ - مؤیدالفضلاء تألیف محمّدلاد. ٩ - شرح سامی فی الاسامی میدانی. ١٠- رسالهٔابوحفص سوزی(کذا) . ١١- اداةالفضلا تألیف قاضیخان بدر محمّد دهلوی . ١٢ - جامع اللغات منظوم نیازی حجازی و چهار رساله دیگر که اسم مصنّف معلوم نبوده .

مؤلّف در این فرهنگ لغات عربی را نیاورده و نیز لغات سادهٔ فارسی را انداخته و از اشعار قدماء برمعنی بیشتر از لغات شاهد آورده و برای طرز تلّفظ لغات نظیر مشهوری آورده مثلاً گوید :

رُنبه چون دنبه و چون درمعنی یا لفظ لغتی میان دانشمندان اختلاف باشد آنرا که بنظر وی صحیح است بدواً ذکر و پس از آن معانی یاتلفّظات دیگر را می‌آورد مثلاً درلغت **تکوك** گوید : ظرفی باشد که ازرز یانقره سازند برصورت شیر یاازسفال سازند و بدان شراب خورند رودکی گوید :

می گسار اندر تکوك شاهوار   خور بشادی روزگار نوبهار

و در نسخ این لغت مختلف واقع شده : بلوك و بکوك و تکوك و تلوك.

در این فرهنگ یك لغت را که بچند جور تلفّظ شده در چندین باب ذکر نموده مثلاً لغت اسپر غم راکه سبر غم و شاهبسرم و شاد اسپرم و خوش اسپرم نیز گفته شده درباب الف وسین وشین می‌یابیم . (چنانکه گذشت در فرهنگ جهانگیری امثال این لغت فقط دریك باب باتذکّر بسائر وجوه ذکر گردیده است .)

مجمع الفرس دارای دیباچه‌ای در ٨٧ بیت و بیست و چهار باب(١) مشتمل بر(٦٠٠٠) لغت وفصلی درآخر بنام باب استعارات مشتمل بر (١٠٣) (٢) کلمه و معانی آنها وخاتمه ای در ١٨ بیت است .

(١) چون حروف : ث ، ح ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، ق ، مختص بعربی‌است در این فرهنك لغاتی که ابتدا بیکی از این حروف شده باشد نیست وشمارهٔ لغاتیکه در دو نسخه ذیل از این فرهنك است مطابق نیست و نسخه دیگر ٢٠٠ لغت کمتر دارد .

(٢) شماره استعارات نسخهٔ دیگر از این فرهنك ٨٦ میباشد .

طرز این فرهنگ این است که حرف اوّل را باب قرار داده وحرف آخررا فصل بنابراین چون لغت پرند را بخواهیم بایستی در باب پاء فارسی و فصل دال بجوئیم وجزحرف اوّل و آخر ملاحظهٔ سائرحروف نشده است . برای نشان‌دادن طرز کتاب ، لغت نخستین و آخرین فرهنگ را نقل میکنیم :

افدستا بفتح همزه ودال مهمله وسکون فاوسین حمد خدای‌عزّوجل‌وستایش شگفت ونیکو چه این کلمه مرکّب است از **افد** که بمعنی شگفت است و **ستا** که ستایش باشد مثالش‌استاد دقیقی فرماید : **بیت**

جز ز ایزد توام خداوندی   زان کنم برتو از دل افدستا

وصاحب معیار جمالی **شمس‌فخری** نیز فرماید :

براین کتاب اعانت نمودطبع مرا   که جمله بندگی شاه راست افدستا

یزدادی بفتح یاوسکون زاء معجمه وکسر دال قیمه و تخم مرغ که باهم پزند (۱) .

سروری خود مجمع الفرس را مختصر نموده و دیباچه آنرا بنام اعتمادالدوله حاتم بیك وزیرشاه عبّاس موشح کرده ونسخه ای از آنراکه بسال ۱۰۱۸ نگارش یافته جناب‌آقای اسفندیاری دام ظلّه العالی دارند ودر مقدّمه‌آنست : «بنده‌مذنب جانی سروری‌کاشانی چون ازتألیف مجمع الفرس باز پرداخت دید که بعضی‌ازیاران بواسطهٔ اینکه ایجاز درکلام مطلوبست یا بجهة آنکه در اجرت کاتب تخفیفی شود درنوشتن آن ابیات استشهاد واعراب که صحّت لغت بدان‌منوط ومربوطست حذف میکنند و چهرهٔ شاهد این نسخه را ازحلّی ربط عاطل میسازند بنا برتمهید این مقدّمات بخاطر این ضعیف رسید که با تصحیح حروف و مراعات (کذا) خلاصه بنویسم ومجملی مرقوم گردانم از آن نسخه که مؤلّفست از شانزده کتاب که اسامی ایشان اینست (پس ازاین اسامی مآخذ شانزده‌گانه را ذکرنموده ۱۲ کتاب آن همان‌کتاب های نام برده بالا است واسامی چهار نسخه دیگر راکه در آنجا

---

(۱) آخرین لغت موافق یکی از دو نسخهٔ این کتابخانه آنستکه نقل گردید ولی در نسخهٔ دیگر اینست : **ینافی** یعنی پاسبان . و میان این لغت ولغت **یزدادی** دولغت دیگر میباشد .

مجهول بوده اینجا بدینگونه ثبت کرده است : معجم‌البلدان، فرهنگ زفان گویا ، لسان‌الشعرا و ترجمه صیدنه ابی ریحان بیرونی .) (۱) تا جمعیکه معانی آن لغات را مفصل و لغات را مستشهد خواهند به مجمع الفرس رجوع فرمایند و بعضی که مجمل و محذوف الاستشهاد خواهند باین خلاصه توجه کنند و زبان قلم را از انتخاب وقلم زبانرا ازاعتراض قاصر و کوتاه سازند و این نسخه‌را موسوم به «خلاصه المجمع» ساختیم امید که‌الخ» .

بدبختانه تابحال این دو فرهنگ چاپ نشده و از نسخه خلاصه آن جز یکی سراغ نداریم .

آغاز : بسمله ـ ابتدای کلام هردانشمند سخنور و انتهای سخن هرخردمند هنرپرور الخ .

انجام : از لطف عمیم و کرم جسیم جمعیکه کتابت این نسخه کنند آن است که تقصیر و تهاون در نوشتن دیباچه این نسخه نکنند که در ننوشتن آن نه همین براین ضعیف ستم میکنند بلکه برخود نیز جور کرده چه خود را محروم ساخته از کتاب توحید و نعت و منقبت و ازمرتبه انصاف و مرحمت و شفقت

من آنچه شرط بلاغ است باتومیگویم تو خواه از سخنم پند گیرو خواه ملال

تمّ بالخیر.

(۸۵٤)

فرهنگ سروری

این نسخه را بخط نستعلیق محمّد صالح بن عبدالوهاب جوشقانی بسال ۱۰٤۷ که سی و نه سال پس ازتألیف میشود ، نوشته ، ابواب و لغات با شنجرف نگاشته شده ، درذیل آخرین صفحه اخباری از حضرت رسول‌ص نقل گردیده ورق اوّل نسخه وصالی ودو ورق آخر وصالی لازم دارد .

---

(۱) ظاهراً مراد از معجم‌البلدان غیر ازمؤلفه یاقوت است ودر کشف‌الظنون جز آن کتابی بدین نام از سبکی نقل نموده ولی مؤلف وموضوع آن را تعیین نکرده و بنا برسیاق عبارت در این دیباچه ، بایستی در لغت باشد و فرهنك زفان گویا بافاء ثبت شده و مراد همان زبان گویا وجهان پویا است که از ماخذ فرهنك جهانگیری بوده است .

جلد چرمی‌ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۰) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (½ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳) .

(۸۵۵)

فرهنگ سروری

این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، درحدود ۲۹ ورق از ابتداء کتاب که شامل ۲۸۸ لغت و دیباچه بوده افتاده و صفحه اوّل موجود لغت اسبرغم را بیان نموده و از آخرهم یك ورق افتاده که شامل دو سطر بوده و آن دوسطر ازروی نسخه بالا درحاشیه آخرین ورق نوشته شد ، لغات وابواب را باشنجرف نگاشته اند ، شماره لغات این نسخه بیشتر از دیگری میباشد وظاهراً نو تر از آن نسخه است کنار ورق اوّل یادداشتی بوده قسمتی از آن محو گردیده ونیز یادداشتی ازاعتضاد السلطنه است که بسال ۱۲۸۳ نسخه داخل کتابخانه ایشان شده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٤۰۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (½ ۱۸ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱) .

[۳۵۷] **فرهنگ عباسی** (فارسی)

مؤلّف این فرهنگ چنانکه دردیباچه بدان تصریح گردیده نایب الصّدر تبریز ابن محمد رضا محمّدالمدعوّ بصدرالدّین التبریزی میباشد، دانشمند معاصر آقای تربیت در ص ۳۷۰ دانشمندان آذربایجان گوید: «**نائب‌الصدر** خلف محمّد رضا المدعوّ بصدرالدّین تبریزی بوده کتاب لغتی درتاریخ ۱۲۲۵ برای عبّاس‌میرزا نائب‌السلطنه بعنوان فرهنگ عبّاسی تألیف کرده نسخه ای از آن در دانشکده معقول‌ومنقول دیده ام.» جز آنچه نقل شد اطلاعی‌راجع باین‌شخص اظهار نداشته‌اند ودرص ۲۲۸ همان کتاب بنقل‌ازنگارستان‌دارا گوید: « **صدرالدین محمد** تبریزی خلف ملاّ رضا قاضی عسکر متخلّص **بشفاء** تبریزی است درعلوم شرعیّه وفنون ادبیّه و لغت عرب ید طولائی داشت و تحصیل علم و ادب را اوّل در خدمت والد ماجد و بعد از آن در عتبات عالیات از آقا سیّد مهدی بروجردی و آقا سیّد علی مجتهد وسایر مجتهدین عظام کرده و دراطلاع از مسائل شرعیّه و آگاهی از

فنون ادبیّه بی‌نظیر است وطبعی موزون دارد و نظم ونثری باحلاوت بلغت پارسی وعربی دارد **وله** :

اَنِیسُ الصَّبِّ فِي الْحُبِّ الْعَنَاءُ	فَلَیْسَ عَنِ الْعَنَاءِ لَهُ الْفِنَاءُ
فَاِنْ شِئْتَ اَحْیِنِی اَوْ شِئْتَ فَاقْتُلْ	فَعَیْشُ الصَّبِّ وَالْمَوْتُ سَوَاءٌ
اَیَا مَرْضَی الْهَوٰی مُوتُوا بِغَمٍّ	فَدَاءُ الْحُبِّ لَیْسَ لَهُ دَوَاءٌ

ونیز آقای تربیت در ص ۱۹۸ در ذیل **شفا - ملارضا** ، پدر مرد نامبردهٔ بالا گوید: درحوالی سنهٔ ۱۲۰۸ برحمت ایزدی پیوسته‌است . ومیدانیم که وفات آقا سید مهدی بروجردی (بحرالعلوم) بسال ۱۲۱۲ و وفات آقا سیّد علی (صاحب ریاض) بسال ۱۲۳۱ بوده‌است بنابراین معلوم میشود از علماء قرن سیزدهم هجری بوده و از تصریح خود مؤلّف فرهنگ عبّاسی در دیباچه میدانیم که بسال ۱۲۲۵ شروع بتألیف این کتاب نموده و از اطلاع بر اینکه صدرالدّین محمّدبن ملاّ رضای مذکور در « لغت یدطولائی داشته » و « در اطلاع از مسائل شرعیّه بی‌نظیر است » گمان نزدیك بیقین پیدا میکنیم که مؤلّف این فرهنگ همین صدرالدّین محمّدبن ملاّ رضا میباشد ومؤلّف نگارستان از این فرهنگ وی خبر نداشته که در کتاب خود آنرا یاد نکرده و یا تألیف کتاب او پیش از این فرهنگ بوده است .

چنانکه نیز از دیباچه معلوم میشود تألیف این کتاب بامر نائب‌السّلطنه عبّاس میرزا بوده ومشتمل برلغات فارسی وموافق حروف آخر کلمات مرتّب شده ولغات مترادفه را در ذیل یکی از مشاهیر آنها ذکر نموده و در ترتیب کتاب گوید :

ترتیب کتاب من چنین است	ای عدل تو درزمانه ظاهر
از فصل بگیر حرف اوّل	وز باب بگیر حرف آخر

برای لغات شواهدی نیاورده وکتاب را برمقدّمه وابواب وخاتمه ای ترتیب داده است . **مقدمه** در کلّیّات وقواعد حروف وزبان پارسی در شش نمایش است **باب اول** - دررجحان زبان فارسی پس از عربی برتمام لغات. **باب دوم** - درچگونگی زبان فارسی وشمارهٔ حروف. **باب سوم** - دربیان ضمائر لغت فارسی. **باب چهارم** -

در حروف زائده ایکه در اوایل و اواخر کلمات آورند . **باب پنجم** ـ در الفاظ و حروفی که برای زینت کلام آورند . **باب ششم** ـ در بیان جواز تبدیل حروف بیکدیگر
ابواب فرهنگ بشمارهٔ حروف تهجّی است و **خاتمه** چنانکه در دیباچه نوشته شده مشتمل بر استعارات و کنایات و لغاتی که مشتمل برحروف هشتگانه یعنی ث ، خ ، ص ، ط ، ظ ، ع ، ق ، که در اصل زبان فارسی نیامده است الّا بندرت، میباشد ولی نسخهٔ ذیل خاتمه راندارد، چون نسخهٔ دیگر از این فرهنگ تابحال نیافته ام نمیدانم که مؤلّف توفیق بر تألیف خاتمه نیافته یانویسندهٔ این نسخه آنرا ننوشته است و این فرهنگ درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: آرایش گفتاردانشوران وپیرایش کردار سخن گستران ستایش خداوند جهان آفرین الخ .

انجام: یك روئی بروزن بدگوئی بمعنی بی ریائی و یك جهتی باشد تمّت الکتاب الخ .

(۸۵٦)

فرهنگ عباسی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۳۰ نگاشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، درپایان آخرین صفحه یادداشتی است که بسال ۱۲٦۰ این کتاب سه تومان (سی ریال کنونی) خریده شده، مهراسم یادداشت کننده را محو کرده اند وتمام لغات کتاب باشنجرف نوشته شده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۱). صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٦) .

[۳۵۸] فرهنگ مثنوی = لطائف اللغات (فارسی وغیره بفارسی)

مؤلّف این فرهنگ چنانکه درمقدّمه تصریح شده عبداللّطیف بن عبدالله کبیر(۱) میباشد که در تحصیل و تصحیح و مقابلهٔ مثنوی مولانا جلال الدّین رومی رنج فراوان کشیده و دوازده سال این کتاب عالیجناب را بتلمّذ و تتبّع خوانده

(۱) درديباچه مثنوی ترتیب داده خویش خود را عبداللطیف بن عبدالله العباسی معرفی نموده و در مقدمه فرهنگ بدانگونه که نقل گردید .

ونسخه ای از آن که تقریباً باهشتادنسخه مقابله گردیده ترتیب داده (۱) وشرحی بنام لطائف المثنوی بر آن نگاشته وازمندرجات لطائف اللّغات برمی آید که ازعلم نجوم واصطلاحات آن باخبر بوده وبمناسبت بدان اشاره نموده و در هنگام تألیف این فرهنگ بقاموس و صراح و جهانگیری و کشف اللغات عبدالرّحیم سوربهاری ومدارالافاضل شیخ الله داد سرهندی ومؤیّدالفضلاء و فرهنگهای دیگر مثنوی که پیش از وی نوشته اند مراجعه نموده است . (در ذیل لغت نبید و چاپلوس از فرهنگ میرزا فتح‌الله رازی نام برده ولی نام این فرهنگ در دیباچه نیست) وپس ازلغات عربی رمز (ع) و فارسی (ف) وترکی (ت) و سریانی (س) وپس از کلماتیکه میان فارسی‌وعربی‌مشترك است (عف) وآنچه میان ترکی‌وفارسی مشترك است (تف) ولغتی که میانه فارسی وهندی مختلط است (فه) والفاظیکه میانه عربی وهندی است (عه) علامت گذارده که مراجعه کننده گذشته از معنی، بداند که این لفظ ازچه لغت وزبان است .

ازدیباچه ایکه برمثنوی مرتب کردهٔ خویش بسال ۱۰۳۲ نگاشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این لغت را ترتیب داده (۲) وازآنچه درمقدّمهٔ این‌فرهنگ آورده (۳) معلوم میشود که این لغت را مخصوصاً برای نسخهٔ ناسخهٔ مثنوی که

(۱) نسخه ای از این مثنوی که دفتر اول آن بسال ۱۰۸۳ و دفتر دوم آن بسال ۱۰۸۶ نوشته شده ودر کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود ونگارنده آنرا دیده شامل‌شش‌دفتر وهفت دیباچه و شش فهرست ومقدمه ای است که آنرا « مرآت المثنوی » نامیده وفهرستها هریك مشتمل بر حکایات و مندرجات دفاتر بتفصیل میباشند مرحوم اعتصام الملك در ص ۲۸۰و۲۸۱ فهرست کتب خطی آن کتابخانه این نسخه را معرفی وقسمتی ازمقدمه آنرا هم نقل کرده اند . نسخه‌ای ازاین مثنوی‌را نیزحضرت حاج سیدنصرالله تقوی دارند.
(۲) ازمندرجات مقدمه معلوم میشود که این تصحیح وترتیب نسخهٔ مثنوی درسال ۱۰۳۱ در برهانپور هندوستان خاتمه یافته است .
(۳) درمقدمه فرهنگ است : هرچه درمثنوی واقع شده عموما بتحریردرآمده باوجودآنچه برمبتذل وزبان زد عوام وخواص بود ازآن احترازنموده ومیتوانند بود که دراین‌جمع بعضی لغات از این عالم داخل شده باشد که درنسخهٔ ناسخهٔ مثنوی که این فرهنگ بجهة آن ترتیب یافته یافته نشود اما چون درلغات مثنوی که بعضی‌ازسلف نوشته اند داخل بود بملاحظه‌آنکه شاید درجائی نسخه‌ای باشد یادر کتاب دیگری یافته شود وبعد ازتفحص دربن‌فرهنگ نیابند ترك آن لایق ندانست الخ .

خود ترتیب داده تألیف کرده بنابراین تألیف این فرهنگ درسال ۱۰۳۱ بایستی خاتمه یافته باشد.

این فرهنگ بمناسبت اوّل لغات مشتمل برابواب وبمناسبت اواخر آنها منقسم بفصول میباشد و در بسیاری ازموارد باشعار شعرای معروف استشهاد گردیده ودر حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد.

در ص ۱٤٥۸ ج ۲ فهرست آصفیّه نسخه ای ازاین کتاب که بسال ۱۸۷۷م. چاپ شده موجود است.

چنانکه مؤلّف درمقدّمهٔ فرهنگ نوشته پیش از این فرهنگ بـرای مثنوی فرهنگ هائی تهیّه شده ونسخه‌ای‌ازیکی ازآنها که آغاز آن این‌است : ربّ انعمت فزدانت حبیبی اللّهم اجعلنی فی‌الحقائق‌موجودا الخ ، وتاریخ کتابت وتألیف ونام مؤلّف را نـدارد در کتابخانهٔ مجلس موجود است (بفهرست کتب خطّی ج ۲ ص ۲۷۷ مراجعه شود).

احمدبن‌مصطفی‌اللّبابیدّی‌الدّمشقی بسال۱۳۲۱ کتابی‌درلغت بنام«لطائف‌اللّغه» تألیف نموده و بدون تاریخ چاپ شده و آنرا ازلغات دستگاهی توان شمرد.

آغاز: بسمله این فرهنگ مشتمل بر حلّ لغات غریبه عربیّه و الفاظ عجیبه عجمیّه مثنوی مولوی معنوی الخ.

وابتداء لغات آن این است: باب الالف فصل‌الالف استثناء چیزی ازجمله ای بیرون آوردن وانشاءالله گفتن.

انجام: «یوفی» ف بمعنی یافه گوی (است   نسخه) یعنی بیهوده گوی.

(۸۵۷)

فرهنگ مثنوی لطائف اللغات این‌نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰٤٥ نوشته شده ، کاتب نامی ازخود نبرده ، از کیفیّت نگارش ورسم‌الخط معلوم است که نویسنده آن هندی بوده واز غلط هم بی بهره نیست ، در مقدّمه نـام کتاب «لطف‌اللغات» ثبت شده ولی مسلّماً لطائف بوده و کاتب غلط نوشته است ، صفحهٔ اوّل کتـاب افتـاده و نخستین‌سطرموجود آن‌این‌است : شیخ

لاددهلوی که الحق در حلّ لغات مؤیّد الفضلای وعلما است الخ .

لغات وابواب وفصول را با شنجرف نوشته اند ونسخه در آب افتاده ولی خطوط ضائع نشده، یادداشت اعتضادالسلطنه ووقف نامه درحاشیه ورق اوّل موجوداست.

جلد میشن مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۰۶) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۹ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۴) .

(۸۵۸)

فرهنگ مثنوی لطائف اللغات این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته ، لغات و ابواب و فصول باسرخی میباشد وبرگ نخستین نیازمند چسبانیدن است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۴۴) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۹) .

[۳۵۹] فرهنگ میرزا ابراهیم = نسخهٔ میرزا (فارسی وعربی وترکی بفارسی)

میرزا ابرهیم، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی (۱) است ودر «عالم آرا» ذیل خوشنویسانی که در عهد شاه طهماسب شهره بوده‌اند، نام وشرح حال مختصری‌از ایشان ثبت گردیده‌و گوید: درشعرفهمی وتتبّع لغات فرس دعوی انفرادنمود، رساله‌ای که درلغات فرس تصنیف نموده‌اکنون‌درعراق شایع است. ونیزدرتذکرهٔ هفت اقلیم درذیل‌نام پدر اسم این پسر وبرادروچندشعرازاوموجودواین دوبیت از آنهاست :

رندان گاهی ملك جهان میبارند گاهی بنگاهی دل و جان میبازند

اینقسم قماررانه چنداست ونه چون هرنوع برآید آنچنان میبازند

دردوجای دیگر نام این‌مؤلّف‌وفرهنگ‌وی ثبت شده یکی درمقدّمهٔ فرهنگ سروری (مجمع الفرس) که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده، وسروری یکی ازمآخذ خودرا بنام « نسخهٔ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی » معرّفی نموده و دیگری

(۱) میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل صفوی بوده و در سال ۹۲۶ مهترشاه قلی در دیوانخانه اورا کشته و وزیری کریم الطبع بوده است .

در مقدّمه فرهنگ جهانگیری مؤلّفه بسال۱۰۱۷ میباشد که در آنجا بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی » درشمارهٔ مآخذ کتاب آمده است .

دونسخه از این فرهنگ را نگارنده در این کتابخانه دید که بنام « رساله در لغات فارسی وعربی وترکی »وقف وثبت وضبط گردیده ودرمقدّمه وخاتمهٔ آن نامی ازمؤلّف نیست ، پس ازمطالعه ودقّت زیاد برآن شد که این فرهنگ همان شرفنامهٔ منیری مذکوردرص۱۸۹-۱۹۲ این فهرست میباشدولی اندك تصرفی در آن شده و کتابی جداگانه معرّفی گردیده است ومراد سروری ازنسخهٔ میرزا ابراهیم نیزهمین رساله بوده ازاینرو برای اثبات مدّعای خویش چندنمونه مختصر از آنهارا نقل مینمائیم :

عبارت شرفنامه : انج بوزن رنج بیرون روی وبیرون کشیدن .

عبارت رسالهٔ میرزا : انج بوزن رنج گرداگرد روی و بیرون کشیدن .

عبارت فرهنگ سروری : انج بوزن رنج بمعنی گرداگرد روی و بیرون کشیدن باشد . درنسخه میرزا .

عبارت شرفنامه : کدست بضم یکم و کسردوم بدست که بتازی شبروجب گویند

عبارت رساله : کدست بضم کاف و کسر دال بدست و بعربی شبر ووجب است .

عبارت فرهنگ سروری : کدست بضم کاف و کسر دال در نسخهٔ میرزا بدست باشد که بعربی شبر ووجب گویند .

عبارت شرفنامه : هو زردآب وریم .

عبارت رساله : هو بفتح چرکی که از زخم وغیره آید .

عبارت فرهنگ سروری : هو بفتح ها در نسخهٔ میرزا چرکی باشد که ازجراحت رود اما در سامی فی الاسامی آن باشد که آب درجراحت افتد گویند که این جراحت هو کرده است یعنی آب دراندرونش رفته است .

با دقّت مختصر در این سه نمونه که ازسه کتاب نقل گردید دیگرجای تردید باقی نیست وبنظرنگارنده میرزاابراهیم تاسال۱۰۰۸ که سال تألیف فرهنگ سروری است زنده بوده وخود او تقاضا کرده که این فرهنگ را بنام نسخهٔ میرزا ابراهیم معرّفی کند تا اگر اصل حقیقت واضح و آشکار شود خجل نگردد ولی سروری این رساله را در مقدّمه تألیف میرزا ابراهیم دانسته و نیز در ذیل معنی کلمهٔ ژاژ گوید : و میرزا ابراهیم بمعنی علفی آورده که تخمش نباشد و عبارت شرفنامه در ذیل لغت ژاژ این است : هرسبزه که تخمش نبود . وعبارت رساله این است : علفی .

که تحمش نبود . وبا تفحّص ندانستم که میرزا ابراهیم تا چه سالی زنده بوده ولی ازطرزعباراتی که اسکندربیك در عالم آرا بسال ۱۰۲۵ دربارهٔ وی نگاشته بدست می آید که در آنموقع زندگانی را بدرود گفته بوده است .

میرزاابراهیم چندان تصرّفی درعبارات شرفنامه ننموده وحتی قسمتی ازمقدّمات آنرا هم باتصرّف کمی درمقدّمهٔ این فرهنگ کورده و لغاتی چند بر آن افزوده وازشرفنامهابیاتیکهازمؤلّفبوده نیاورده وشرح چندلغتی راچوندوستکانی واصفهان باختصار آورده است وبقرینهٔ اینکه درلغت طهماسپ نوشته که پنجاه سال پادشاه بوده و در دو نسخه(۱) پنجاه نوشته شده ومیدانیم که سلطنت این پادشاه از ۹۳۰ تا ۹۸٤ یعنی پنجاه و چهار سال بوده احتمال میدهیم که میرزا ابراهیم این رساله را بسال ۹۸۰ که پنجاهمین سال سلطنت شاه طهماسپ بوده منظّم نموده باشد .

این رساله درحدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله(۲) بدانکه عرب بچیم وبا وگاف وژامثل چه وپا وگردن وگژ تنطق ندماید . الخ

انجام : « یویه » بضم آرزو ، « بوزه» بفتح تنهٔ درخت ، « یزدادی » (۳) قیمه وتخم مرغ که درهم پزند .

(۸۵۹)

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود وسال کتابت نام نبرده . پشت ورق اوّل یادداشت شده : هو الله تعالی شأنه در دارالخلافهٔ طهران داخل دارالکتب گردید بتاریخ ربیع المولود ۱۲۷۲ . ودرذیل آن مهری بدین

---

(۱) در نسخه شماره (۸۷) کتابخانه نوشته شده نام پادشاه ایران که هفت سال مال رعیت بخشید وپنجاه وچهار سال پادشاه بود .

(۲) آغاز دو نسخه این کتابخانه همین است که نقل گردید ولی تنظیم مطالب آن باشرفنامه پس وپیش شده و قواعد مختصره اینکه اززبان ترکی درآنجانگارش یافته چون قسمت هائی از قواعد زبان فارسی که نیز درآنجا است دراین نسخه نیست وآغاز لغات آن این است : آرا آرایش وآراینده وبمعنی دوم اسم فاعل مستعمل شود چون سخن آرا وبزم آرا .

(۳) در دو نسخه این کتابخانه یزدادی که در فرهنگهای دیگر بادو دال نوشته شده در یکی یزداری بادال وراء و در دیگری یزدارج بادال وراء وجیم درآخر نوشته شده ومسلما هردو غلط از کاتب است .

سجع است : عبدالله بن غلامعلی آل محسن ونیزدرهمین صفحه نوشته شده که بسال ۱۲۹۶ لغت بزبان فارسی و عربی وترکی داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردید وبسال ۱۲۹۷ وقفیّت آن براین کتابخانه بهمان نام مذکورنگاشته شده ، کتابت نسخه پیش‌ازقرن سیزدهم هجری نیست. صفحات بجدول بطلا و شنجرف ولاجورد ولغات وفصول وابواب باسرخی است .

شانزده ورق میان ورق اوّل ودوّم نسخه ازچند جای کتاب است که صحّاف نادان جای خود نگذارده است .

جلد روغنی گل و بوته دار . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۷) .

(۸٦۰)

فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، کاتب از خود نام نبرده ، بدبختانه مصداق این شعر میباشد : آدمی زاده نادان بچه ماند دانی ؟ نسخهٔ معتبر (مختصر) خوش خط بسیار غلط . لغات را باسرخی نوشته اند ، ولغات جوك که درحرف لام همین فصل ازآن نام خواهیم برد ضمیمه آن است و پشت ورق اوّل بنام فرهنگ زبان فارسی وعربی وترکی داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه واین کتابخانه گردیده ودردفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، سه ورق کاغذ نانوشته درآخر ومیان دونسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۵) . اوراق این فرهنگ (۹٤) . صفحه‌ای (۱۹) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷) .

[۳٦۰] قاموس المحیط (عربی)

مؤلف این کتاب که از معاریف کتب میباشد فیروزآبادی است (ابوطاهر

مجدالدّین محمّدبن یعقوب بن محمّد (۱) شیرازی شافعی ۷۲۹ ۸۱۶/۸۱۷ هـ.) (۲) که نیز از مشاهیر دانشمندان و ادبا و لغویین قرن هشتم و نهم هجری بوده و شهرت ایشان بواسطهٔ همین قاموس گردیده ومؤلّفات دیگر در تفسیر وشرح احادیث دارند .

دانشمند معاصر آقای سلطانی نمایندهٔ بهبهان درمجلس شورای ملّی ایران درسال ۱۳۱۶ شمسی در دانشکدهٔ معقول و منقول خطابهٔ مفصّلی در حیاة و خدمات این دانشمند ایراد و مجلّهٔ مهر ازشمارهٔ فروردین ۱۳۱۷ شروع بچاپ آن نموده و بهترین وجامع ترین شرح حال از این عالم جلیل میباشد و بیانات ایشان که در دسترس عموم گذارده شده ما را بی نیاز از تفصیل نموده وباختصار میکوشیم .

فیروزآبادی **درکارزین** که از توابع فیروزآباد فارس است واینك نیز بدین نام مشهور میباشد در سال ۷۲۹ متولّد شده وخود در ماده کرز قاموس متذکر گردیده که مولد مؤلّف در آنجا بوده وسخاوی بااینکه خود تصریح بدین موضوع نموده باز او را کازرونی(۳) و مولد او را در آنشهر دانسته و صاحب روضات وسیوطی فقط او را کازرونی ثبت کرده اند وسیوطی دربغیه از ابن حجر نقل نموده که گویند نسب خود را به ابواسحق شیرازی میرسانده باآنکه گویند شیخ بلاعقب بوده است و از این انتساب هم بالا رفته وخود را به خلیفهٔ اوّل ابوبکر صدّیق منسوب نموده است .

---

(۱) در اول و آخر قاموس مؤلف خود را محمدبن یعقوب بن محمد معرفی نموده و مسلما کنیه او ابوطاهر و لقبش مجدالدین بوده و در منقول از « الضوءاللامع » نام ونسب ایشان بدینگونه است : محمدبن یعقوب بن محمدبن ابراهیم بن عمربن ابی‌ابکربن احمدبن محمودبن ادریس بن فضل‌الله بن الشیخ ابی اسحق ابراهیم الکازرونی المشتهر بمولانا الشیخ مجدالدین الفیروزآبادی الشیرازی اللغوی الشافعی . (صاحب شذرات‌الذهب بعضی از آباء مجدالدین را ذکر ننموده است وآنچه نقل گردید از روی ضمیمهٔ دونسخه ازقاموس این کتابخانه است) .

(۲) این شرح حال با مراجعه به شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۲۶ — ۱۳۱ و کشف‌الظنون و فهرستهای کتابخانهای ایران وهندوستان ومصرومعجم‌المطبوعات ص ۱۴۶۹-۱۴۷۱ وشقائق نعمانیه ص ۳۲ ج ۱ وروضات ج ۴ ص ۲۰۷ وبغیه‌ذیل محمد وتاج‌العروس وغیره نگاشته‌شده است .

(۳) کازرون شهری است درنزدیکی خرابهای شاپوروميان شيرازوبوشهرواقع شده وتقريبا ۱۲۰ کیلومتر تاشیراز مسافت دارد .

سخاوی در کتاب « الضوء اللامع فی اعیان القرن التّاسع » (۱) گوید در هفت سالگی قرآن را حفظ نمود و پس از اینکه هشت سال از عمر وی گذشت برای کسب معارف و علوم بشیراز آمده و در آنجا از پدرخویش و علما و دانشمندان کسب فضائل نموده و بعراق رفت واز بزرگان آنجا بهره هائی گرفت و مدّرس مدرسهٔ نظامیّه بغداد گردید و بسیاری از شهر های ایران و شام و روم و مصر را گردیده و بادانشمندان هرجا ملاقات کرده واز آنها سود ها یافت و پیش سلاطین و امراء و حکّام هرجا محترم و مکرّم بوده ، امیرتیمور گورکانی وشاه منصور پسر شاه شجاع هریك ورا جائزهٔ قابلی داده اند و در رمضان سال ۷۹٦ وارد زبید یمن گردید و در آنجا مورد عنایت و توجه اسمعیل مشهور باشرف پادشاه یمن شد و بیست سال در آن شهر بود و مکرّر بمکّه معظّمه و مدینه منوّره مشرف شده و درهردو شهر مدرسه‌ای ساخته و آرزو داشت درمکّه دعوت حق را اجابت گوید و تألیف قاموس را هم در آنشهر خاتمه داده و خود در آخر آن تصریح کرده است ولی بآرزوی خود نرسیده و درشب بیستم شوّال سال ۸۱۷ در نودسالگی در زبید یمن بااینکه حواس وی کاملا بجا بود درگذشت .

و درسیره او نوشته اند که شبی براو نگذشت که پیش ازخواب دویست بیت حفظ ننماید و بفارسی وعربی شعر میسرود ولی ازاشعار و آثارفارسی او اثری نیافتیم در مقدمهٔ نسخه شماره (۵۷۸) مدرسهٔ مشیرالسّلطنه ابیاتی از مؤلّف قاموس نقل گردیده و گوید اگر اشعار وی جمع آوری شود دیوانی میشود و این چند بیت از آنجا نقل گردید :

الاّ انما القرآن تسعة احرف	اتیت به (۲) فی نظم شعر بلا خلل
حلالٌ حرامٌ محکمٌ متشابه	بشیرٌ نذیرٌ قصة عظة مثل

(۱) درحاشیه صفحه ۱۰۱۲ معجم المطبوعات نسخه خطی این کتاب را که در پنج مجلد میباشد، مصر در بیت السعاده و دمشق در کتابخانه ظاهریه نشان داده . و آقای محیط طباطبائی گویند اخیراً درمصرچاپ شده است .

(۲) نگارنده ازمرحوم حاجی ملا محمد حسین عموی مادرخویش رحمه الله این دو بیت را در ایام صبا شنیده وبجای « اتیت به » کلمه « ابینها » بخاطر دارم واین اصح وانسب بنظرمی آید .

ونیز در آنجا است که قاضی علی بن محمّد بن الناشری چون از ایشان اجازه طلب نمود نوشت :

یقول محمد المدعوّ مجدا — وملتجیا الی الحرم العزیز
اجزت له روایه ما رواه — لنا الاشیاخ بالشرط الوجیز
وخیرت الاجازه بامتداح — فیا عجبا لممدوح مجیز

ودر شذرات الذهب بنقل از «الضوء اللامع» ابیاتی است واین دوبیت نیز در آنجا است :

احبّتنا الاماجدان رحلتم — ولم ترعوا لنا ودّاً والاّ
نودعکم ونودعکم قلوبا — لعل الله یجمعنا والاّ

مؤلّفات فیروز آبادی بسیار ، سیوطی در بغیه ومؤلّف شذرات الذهب بنقل از الضوء اللامع وصاحب روضات ودیگران بنقل آنها پرداخته وما نیز در اینجا آنچه را بدو نسبت داده شده میاوریم :

تیسیر فاتحة الاهاب بتفسیر فاتحة الکتاب (در یك مجلد بزرگ)، **الدر** النظیم الی فضائل القرآن العظیم (نسخه آن در کتابخانه مجلس است)، **حاصل** کورة الخلاص فی فضائل سورة الاخلاص، **شرح** خطبة الکشاف، **بصائر** ذوی التمیز فی لطائف الکتاب العزیز، **تنویر** المقباس فی تفسیر ابن عباس (در چهار مجلد) (۱)، **منح الباری** بالسیح الفسیح الجاری فی شرح صحیح البخاری. (در شذرات و کشف الظنون و دیگر کتابها از الضوء اللامع نقل گردیده که از این کتاب بس ربع عبادات تالیف شده ودر بیست مجلد است ولی در مقدمه نسخهٔ ۵۹۸ ذیل از نفیس الدین سلیمان بن ابراهیم علوی نقل نموده که وی گوید : یادداشتی از قاضی صفی الدین احمد بن ابی بکر المرتهی یافتم که شیخ مجدالدین تا باب الصیام صحیح بخاری را در بیست و چهار مجلد شرح نموده ونداستیم که دیگر چقدر از آنرا شرح کرده است)، **شوارق** الاسرار العلیه فی شرح مشارق الانوار النبویه (در چهار مجلد)،

---

(۱) در چند جا مقباس با باء ابجد ضبط شده ولی در معجم المطبوعات و کشف الظنون با یاء حطی است وصحیح با باء موحده است ومؤلف معجم مذکور در ص ۱۴۷۰ گوید که نسبت این کتاب به مجدالدین غلط و مؤلف آن ابن عباس رضی الله عنه است . وعلماء رجال این کتاب را از مؤلفات فیروز آبادی دانسته اند و از نام کتاب هم برمی آید که این کتاب غیر از تفسیر ابن عباس میباشد ونسخه ایکه در هند بنام تفسیر ابن عباس چاپ شده عین آنستکه بنام فیروز آبادی درمصر چاپ ومشهور گردیده، بنا بر این نگارنده را عقیده اینستکه فیروز آبادی اخباریکه ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر سور و آیات قرآن کریم نقل نموده، جمع آوری کرده و آنرا «تنویر المقباس فی تفسیر ابن عباس» نام گذارده و خود ابن عباس رحمة الله تفسیری تدوین نکرده است .

الصلات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر، **الوصل** والمنی فی فضل منی ، **عمدة** الحکام فی شرح عمدة الاحکام (در دو مجلد) ، **محاسن** الطائف فی محاسن الطائف، **تحبیر** الموشین فیما یقال بالسین والشین(۱) ، **الروض** المساوف فیماله اسمان الی الوف ، **امتضاض** السهاد فی افتراض الجهاد ، **البلغه** فی تراجم ائمة النحاة واللغه(۲)، **النفحه** العنبریه فی مولد خیر البریه، **نزهة** الاذهان فی تاریخ اصبهان ، **اللامع** المعلم العجاب الجامع بین المحکم والعباب وزیادات امتلا بها الوطاب (مؤلف در مقدمه قاموس خود این کتاب را نام برده و گوید تخمینا درشصت مجلد خواهد بود ولی چون مفصل میشد طلاب ودانشجویان خواستار شدند که مختصر بنویسم شواهد و زوائد آن را انداختم وهرسی جلدی را در مجلدی گنجانیدم، ولی در شذرات و کشف الظنون ومقدمه های نسخ بنقل از سخاوی نوشته شده که تمام آن صد مجلد تخمین زده شده که هریك مجلد باندازه صحاح جوهری باشد و پنج مجلد آن تالیف گردیده است ، نگارنده این اجتهاد مخالف نص مؤلف را ندانست علماء رجال بچه دلیل کرده اند ومدرك آنها چیست)، **الاسعاد** بالاصعاد الی درجة الاجتهاد (سه مجلد است) ، **المغانم** المطابه فی معالم طابه ، **تهییج** الغرام الی بلد الحرام، **اثارة** الحجون فی زیارة الحجون (۳) (گویند در یك شب تالیف گردیده)، **فصل** الدره من الخرزه فی فضل السلامة علی الخبزه (در یکی از نسخ است که این دو، نام دو قریه از طائف می باشند) ، **روضة** الناضر فی ترجمة الشیخ عبدالقادر ، **المرقاة** الوفیه فی طبقات الحنفیه ، **الفضل** الوفی فی العدل الاشرفی ، **تعیین** الغرفات للمعین علی عین عرفات ، **منیة** السؤل فی دعوات الرسول ، **التجاریح** فی فوائد متعلقة باحادیث المصابیح ، **تسهیل** طریق الوصول الی الاحادیث الزائدة علی جامع الاصول ، **الدر الغالی** فی الاحادیث الغوالی ، **سفر** السعاده ، (٤) **المتفق** وضعا المختلف صقعا ، **مقصود** ذوی الالباب فی علم الاعراب ، **المثلث** الکبیر (در پنج مجلد) ، **تحفة** القماعیل فیمن یسمی من الملائکة والناس باسمعیل ، **اسماء** السراح فی اسماء النکاح ، **الجلیس** الانیس فی اسماء الخندریس (۵) **انواء** الغیث فی اسماء اللیث ، **ترقیق** الاسل فی تضعیف العسل (چند جزو است) ، **زاد المعاد** (بروزن بانت سعاد است) ، شرح زاد المعاد ، **النخب** الطرائف فی النکت الشرائف ، **الصراط** المستقیم (این کتاب در

---

(۱) در ص ۱٤٦۹ معجم المطبوعات نوشته شده که این کتاب چاپ گردیده و نسخه ای خطی نفیس از آنرا در کتابخانه شخصی آقای تربیت دیده ام .

(۲) دانشمند معاصر آقای تربیت گویند : نسخه ای از این کتاب را در برلن دیده ام و از بغیه سیوطی بهتر است .

(۳) این کتاب درحدیث می باشد و از جمله کتب سیره حضرت پیغمبر (ص) شمرده می شود و نسخهٔ ای از آن در کتابخانه خدیویه در ۲۰۰ صفحه موجود است (آداب اللغه).

(٤) خندریس شراب است و در این کتاب آنچه درقرآن کریم واحادیث واقوال علماء در موضوع شراب آمده آورده شده و تالیف آن بنام ملك اشرف گردیده و نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه در ۲٤۲ صفحه موجود است (آداب اللغه ج ۳ ص ۱٤٦).

آخرقاموسی که بسال ۱۲۷۰ بچاپ رسیده(ظاهراً درهندوستان) ازمؤلفات‌فیروزآبادی‌شمرده شده است)، **المرقاة** الارفعیه فی طبقات الشافعیه (در کشف الظنون و مقدمه تاج العروس از مؤلفات این مؤلف شمرده شده) ، **الاشارة** الی مافی کتب الفقه من الاسماء والاماکن واللغات (این کتاب‌را جرجی زیدان نقل نموده و گوید نسخه ای از آن در کتابخانه ملایشر میباشد) ، **تحفة**الابیه فی من نسب الی غیر ابیه (نیز جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است) ، **مجمع** السؤالات من صحاح الجوهری (جرجی زیدان نسخه ای ازآن را در کتابخانه کوپرلی نشان داده است) ، **رسالة** فی حکم‌القنادیل‌النبویه (جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائرموجود است) ، **المثلث** المتفق المعنی (جرجی زیدان نسخه ای از آن را درخزانهٔ تیموریه‌نشان داده) ، **مقامات** فیروزآبادی (در مقدمه نسخهٔ شماره ۵۷۸ مدرسهٔ مشیر السلطنه بدین تصریح شده ، **الغرر المثلثه** والدرالمبثثه(نسخه‌ای‌ازاین کتاب‌را آقای تربیت‌بخط عبدالرحیم‌پسرفیروزآبادی دارندو بسال ۷۷۳ نوشته‌شده‌است)،**والقاموس‌المحیط والقاموس‌الوسیط فی‌جمع لغات‌العرب الذی‌ذهب شماطیط** (۱) (همین کتاب که مشهوربه **قاموس** است) .

قاموس‌ازمشاهیر کتب‌لغت میباشد وازهنگام تالیف تاکنون همواره‌مورد استفاده مراجعه کنندگان بکتب عربی و ادبیات آن زبان بوده‌و از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۲ در چهار جزء درکلکته (ظاهراً برای نخستین بار) باحروف سربی چاپ شده و تاکنون مکرر در ایران ومصر وهندوستان چاپ شده است .

جمعی بردوانتقاد قاموس پرداخته وآنچه‌بغلط نقل‌وترجمه شده‌ویا بایستی‌ذکر شودو نشده است متذکر شده اند وجمعی دیگرهم بشرح ویا ترجمهٔ آن پرداخته اند وما آنان را که بنام ومؤلفهٔ آنها دست یافته ایم دراینجا میاوریم :

۱ ـ « **ابتهاج** النفوس بذکر مافات القاموس » نسخه‌آن‌در کتابخانه خدیویه‌میباشد ،

۲ ـ « **الدرالقیط** فی‌اغلاط‌القاموس‌المحیط» تالیف‌محمد بن‌مصطفی‌مشهوربه‌داودزاده متوفی بسال ۱۰۱۷ و نسخه ای از آن در کتابخانه ایاصوفیا است ، ۳ ـ « **الجاسوس**

---

(۱) مؤلف خود درمقدمه گوید : **واسمیته بالقاموس المحیط** . و درآخر کتاب جملهٔ : **والقاموس‌الوسیط** . رابرنام‌مذکوراضافه‌نموده‌ودرآخرماده‌وجد (به نسخه‌شماره ۵۵۶۳ این کتابخانه وشمارهٔ (۵۷۸) مدرسه‌مشیرالسلطنه مراجعه‌شود) ازکلمهٔ‌فی **جمع** تا **شماطیط** نیز بنقل از نوشته مؤلف برجمله های سابق اضافه شده ، و قاموس چنانکه در قاموس نوشته شده بمعنی محل عمیق دریا وقابوس بمعنی مرد نیکومنظر است و مراد ازوسیط معتدل‌القامه میباشد ، وشماطیط بمعنی پراکنده شده ها است وطولانی بودن نام کتاب چون نظائرآنرااز مؤلف نقل نمودیم موجب انکار نخواهد بود .

علی القاموس» تالیف احمد فارس معروف به یاقی متوفی بسال ۱۸۸۶ م. که انتقادات خود را بر قاموس در ٤۲ بقد مرتب نموده و کتابی مفید و شامل مطالب مهمه است، و بسال ۱۲۹۹ که ظاهراً همان سال اختتام تالیف آن است چاپ گردیده است، ۴ ـ « اضاءة الادموس و ریاضة الشموس من اصطلاح صاحب القاموس » تالیف عبدالعزیز حلی است و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الجزائر میباشد، ۵ ـ « اضائة الراموس وافاضة الناموس علی اضائة القاموس » تالیف ابوعبدالله محمد بن الطیب بن محمد الفاسی المغربی میباشد و این کتاب شرح قاموس و در سه مجلداست و نسخه‌ای از آن در کتابخانه دار الکتب المصریه موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دار الکتب مراجعه شود)، ۶ و ۷ ـ « اضائة الادموس و ریاضة النفوس من اصطلاح صاحب القاموس » تالیف ابو العباس احمد بن عبدالعزیز بن الرشید الهلالی السجلماسی المغربی است و آن را ذیل کتاب خود که در شرح خطبهٔ قاموس و بنام « فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس » میباشد در سه رکن ترتیب داده و نسخه ای از آن در کتابخانه دار الکتب موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دار)، ۸ ـ « تاج العروس من جواهر القاموس » تالیف سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی (۱۱٤۵ ـ ۱۲۰۵)، شرح قاموس و در ده مجلد میباشد و خود در آخر کتاب مدت تالیف را چهارده سال و چندروز معین نموده و از شروح بسیار خوب قاموس میباشد و گذشته از شرح قاموس مستدرکاتی را هم از لغات دارا است و دو بار تا کنون در مصر چاپ شده است، ۹ ـ « الاقیانوس البسیط فی ترجمة القاموس المحیط » ترجمه ترکی قاموس میباشد و مترجم آن احمد عاصم افندی است که بسال ۱۲۲۵ ترجمه شده و مکرر در آستانه و مصر چاپ شده است، « ۱۰ ـ القابوس » ترجمه فارسی قاموس و تالیف محمد حبیب‌الله در زمان محمد شاه (ظاهراً پادشاه هند) ترجمه شده و دومجلد است و نسخه ای از آن در دومجلد که بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ نوشته شده در کتابخانه آصفیه موجود است (ج ۳ ص ٦۱۸ فهرست آصفیه) و نسخه‌ای از آن نیز در موزهٔ لندن است، ۱۱ و ۱۲ ـ « القول المانوس فی تحریر القاموس » و القول المانوس بشرح مغلق القاموس » تالیف بدر الدین قرافی (۹۳۹ـ۱۰۰۸) و کتاب اول در حاشیهٔ قاموس بسال ۱۳٤٤ در مصر چاپ شده و نسخهٔ آن بخط مؤلف در کتابخانهٔ خدیویه بگفته جرجی زیدان موجود است، ۱۳ ـ « شرح خطبة ـ القاموس » تالیف مناوی تاج الدین عبدالرؤف بن علی المناوی القاهری الشافعی (۹۵۲ـ۱۰۳۱) میباشد و نسخهٔ آن در دار الکتب العربیه موجود است، ۱۴ ـ « رجل الطاووس فی اغلاط القاموس» صاحب روضات در ص ۱۱۱ نوشته‌اند : بعضی از متاخرین نوشته است (۱)، ۱۵ ـ «رساله در اغلاط قاموس» تالیف سید علیخان کبیر (متوفی بسال ۱۱۱۸). در مقدمه تاج العروس مؤلف آن جمعی که بشرح خطبهٔ قاموس و خود کتاب پرداخته‌و یا در اطراف مندرجات قاموس صحبت

---

(۱) مؤلف تاج العروس در ذیل آنهائیکه اعتراضاتی برقاموس دارند « رجل الطاووس » را نام برده و گوید مؤلف آن سید محمد بن رسول البرزنجی است.

وبحث کرده اند یاد شده، جز آنهائیرا که قبلا نام برده ایم دیگران را در اینجا می آوریم :
۱۶ ــ « شرح خطبه قاموس » تالیف محب بن شحنه ، ۱۷ ــ « ایضاً تالیف ابوالروح عیسی بن عبدالرحیم گجراتی ، ۱۸ ــ « ایضاً تالیف علامه میرزاعلی شیرازی ، ۱۹ ــ « شرح قاموس » تالیف نورعلی بن غانم المقدسی (حاجی خلیفه گوید : نورالدین علی بن غانم مقدسی متوفی بسال ۱۰۰٤ بر قاموس حاشیه ای نوشته است) ، ۲۰ ــ « شرح قاموس » تالیف سعدی آفندی ، ۲۱ ــ « شرح قاموس » تالیف عبدالله بن الامام شرف الدین الحسنی پادشاه یمن متوفی بسال ۹۷۳ شارح « نظام الغریب » و این شرح قاموس موسوم به « کسر الناموس » است ، ۲۲ ــ محمد بن یحیی القرافی نیز بر این کتاب شرحی بنام « بهجة النفوس فی المحاکمة بین الصحاح والقاموس » نوشته واین شرح را از نوشته های عبدالباسط بلقینی و سعدی افندی وامام لغوی ابوالعباس احمد بن عبدالعزیز فیلالی که اینك (تاریخ تالیف تاج العروس ۱۱۷٤-۱۱۸۸) درقید حیا تند جمع کرده، وصاحب تاج العروس گوید: ازهمه شرحهائی که دیده وشنیده ام بهتر « شرح محمد بن الطیب بن محمد فاسی متولد بسال ۱۱۱۰ درفاس ومتوفی بسال ۱۱۷۰ در مدینهٔ منوره می باشد (نام آن درص ۲۳۸ گذشت) و این شرح در دو مجلد بزرك گذارده شده ونسخه ای از آن درنزد من (صاحب تاج العروس) است

وجمعی آنچه ازلغات را صاحب قاموس نیاورده جمع نموده ودرحقیقت بر آن ذیل نوشته اند از آنها ۲۳ ــ علی بن محمد معصوم حسینی فاسی ، ۲۴ ــ امام لغوی عبدالله بن المدی حوالی حمیری ازعلماء یمن متوفی بسال ۱۰۶۱ می باشد ۲۵ ــ « الناموس » تالیف ملاعلی بن سلطان الهروی، ۲۶ ــ ابوعبدالله محمد بن احمد المناوی برقاموس ردی نیکو نوشته ، ۲۷ ابن حجر مکی در « التحفه » با صاحب قاموس مناقشات و ایرادات خوب کرده ، ۲۸ ــ شهاب الدین خفاجی در « العنایه » باموٴلف قاموس محاورات و مطارحات دارد ، ۲۹ ــ صاحب تاج ـ العروس گوید : شنیده ام که البرهان ابراهیم بن محمد الحلبی متوفی بسال ۹۰۰ قاموس را مختصر کرده است .

تا اینجا ترجمه مندرجات مقدمه تاج العروس بود وپس ازاین نام آنانکه باختصار این کتاب پرداخته ویا بشرح وترجمه آن مبادرت نموده اند وپیش ازاین نام آنهارا نبرده ایم میپردازیم
۳۰ ــ « ترجمان اللغه » ترجمهٔ قاموس بفارسی است ومترجم آن محمد یحیی قزوینی بنام شاه سلطان حسین صفوی می باشد وبادعاء خویش درآخر ترجمه سی ویکماه و ده روز این کار را بانجام رسانیده (دهم شعبان ۱۱۱٤ تابیستم ربیع الاول ۱۱۱۷) واین ترجمه دوبار یکی مستقلا بسال ۱۲۷۳ ودیگری درحاشیه قاموس بسال ۱۲۷۷ درطهران چاپ شده است ، ۳۱ ــ « مختصر قاموس » صاحب روضات ج ٤ ص ۲۰۷و۲۰۸ از تقی الدین کرمانی نقل نموده که برحسب خواهش پدرش، فیروزآبادی قاموس را دریك مجلد بزرك مختصر کرده است ولی کشف الظنون در ج ۲ ص ۳٤۷ درذیل کتاب « اللامع المعلم العجاب » این گفتار تقی الدین

را نقل نموده بنا براین اختصار کتاب مذکور یعنی تالیف قاموس اللغه برحسب خواهش پدر تقی‌الدین بوده است .

صاحب کشف الظنون گذشته از اینکه بعضی از مذکورات بالا را نام برده نسخ ذیل را هم یادآور شده است :

۳۲ ـ «**حاشیه قاموس**» سعدالله بن عیسی المفتی معروف به سعدی چلبی بر قاموس تعلیقاتی نگاشته شاگرد وی عبدالرحمن بن علی الاماس آنها را جمع آوری نموده وجامع بسال ۹۸۳ مرده است، ۳۳ ـ **جواب** اعتراضات قاموس «**مرج البحرین**» اویس بن محمد متوفی بسال ۱۰۳۷ بجواب اعتراضات فیروزآبادی برجوهری پرداخته است ، ۳۴ ـ «**الباپوس**» ترجمه ترکی قاموس و مترجم آن احمد بن مرکز میباشد ، ۳۵ ـ «**حاشیه قاموس**» یا القول المانوس تالیف شیخ عبدالباسط بن حلیل حنفی متوفی بسال ۹۲۰ ، ۳۶ ـ «**مختصر القاموس**» تالیف شیخ علی بن احمد الهیتی است ونسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود میباشد (ج ۲ ص ۳٦ فهرست دار) ، ۳۷ ـ **سیوطی** لغاتیکه صاحب قاموس برصحاح افروده جمع آوری نموده و آنرا «**الافصاح** فی زوائد القاموس علی الصحاح » نامیده است، ۳۸ ـ «**القول** المانوس فی صفات القاموس » تالیف مفتی محمد سعدالله مرادآبادی متوفی بسال ۱۲۹۳ میباشد که بگفته مؤلف فهرست آصفیه (ج ۲ ص ۱٤٤۰) بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است ، ۳۹ ـ **عبدالرحیم** بن عبدالکریم صفی پوری بسال ۱۲۵۲ قاموس را بفارسی ترجمه نموده و آن را بترتیب حرف اول و دوم مرتب ساخته(۱) وچون لغت یالغاتی دریکی ازمواد در قاموس نموده از کتب معتبره چون صحاح ودیوان الادب وتاج المصادر و دیگر کتابها ترجمه نموده و بر آن افزوده و نام آن را «**منتهی الارب** فی لغات العرب » گذارده وبدواً در کلکته وبسال ۱۲۹۸ درطهران چاپ شده است ، ٤۰ ـ محمد یحیی بن شفیع قزوینی رساله ای بنام الجموع والمصادر که درفصل بعد از آن نام خواهیم برد تالیف و آنچه صاحب قاموس در مصادر و جموع اهمال کرده ویا اشتباه نموده تذکر داده شده است .

٤۱ ـ «**الوشاح** وتثقیف الرماح فی رد توهیم المجد علی الصحاح» تالیف ابوزید شیخ عبدالرحمن بن عبدالعزیز میباشد و بسال ۱۲۸۱ در بولاق مصر و بسال ۱۲۹۲ درحاشیه صحاح نیز درمصر چاپ شده است ٤۲ ـ **ترجمه** «فارس وشرح قاموس» نسخه‌ای ازاین کتاب را دانشمند معاصر آقای تربیت دارند که ازقرائن بدست میاید خط مؤلف است وتاشرح ماده قراح را شامل میباشد و آغاز آن اینست : باب الهمزه فصل الهمزه مخفی نماناد که مؤلف در بصائر ذکر کرده که الف

(۱) کشف الظنون (ص ۲۱۵ ج ۲) گوید که شروح وحواشی قاموس را (که ما آنها را در اینجا ذکرخواهیم نمود) از « تلخیص القاموس » تالیف شیخ ابراهیم بن محمد حلبی متوفی بسال ۹۵٦ نقل کرده‌ایم ودر اینجا کلمه البرهان که ظاهراً مختصر برهان‌الدین میباشد نیست وسال فوت مؤلف هم با آنچه مؤلف تاج العروس ضبط کرده ودر ص ۲۳۹ ذکر شد مخالف است.

اصل وهیولای سائر حروف است وجمله کلمات ولغات از آن متخالفند الخ. وباحتمال خود ایشان این ترجمه وشرح تالیف محمدبن حسن شیروانی مشهور به ملامیرزای شیروانی متوفی بسال ۱۰۹۸ میباشد و در ص ۳۳۲ دانشمندان هم یکی از مؤلفات این دانشمند را ترجمه وشرحی مبسوط برقاموس شمرده اند. **۴۳ـ « حاشیه قاموس »** بقلم مرحوم شمس العلماء گرکانی متوفی در اوائل دهه ششم از قرن چهاردهم هجری که از دانشمندان شهیر طهران بوده و نسخه ای از قاموس که دارای آن حواشی بخط محشی است اینك در کتا بخانه شخصی آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس محترم دانشکدهٔ معقول و منقول در طهران موجود است.

قاموس چنانکه مؤلّف در دیباچهٔ آن تذکّر داده دوبرابر صحاح اللّغه دارای لغت میباشد وبعضی گفته اند که باندازهٔ ثلث صحاح اضافه دارد ومؤلّف تاج العروس گوید: قاموس مشتمل بر شصت هزار مادّهٔ لغت میباشد وبیست هزار بر صحاح اللّغه افزوده است چنانکه ابن منظور الافریقی درلسان العرب بیست هزار لغت بر صحاح اللّغه افزوده است (۱). فیروزآبادی درمقدّمهٔ قاموس گفته آنچه راکه در صحاح نیست و دراینجا آورده شده با سرخی نوشته است.

این بود آنچه نگارنده برنام کتب راجعهٔ بقاموس دست یافت و چون این کتاب مکرّرچاپ شده وهرکس اندك آشنائی بادبیّات عرب داشته باشد آنرا بخوبی میشناسد از بیان طرز آن خود داری و بنقل دو بیت از مقدّمهٔ تاج العروس که درطرز استفادهٔ ازقاموس میباشد قناعت میکنم:

إذا رُمْتَ في القامُوسِ كَشْفاً لِلَفْظَةٍ فَآخِرُها لِلْبابِ وَالْبَدْءُ لِلفَصلِ
وَلا تَعْتَبِر فـي بَدْئِها وآخِرِهـا مَزِيداً وَلٰكِنَّ اعْتِبارُكَ لِلْأَصْل

(۸۶۱)

قاموس المحیط این نسخه بخطّ نسخ خوب نگاشته شده و مشتمل برتمام کتاب است. کاتب ازخود وسال کتابت نام نبرده، اوراقی از اوّل وآخر نسخه نونویس میباشد وبعضی ازاوراق دیگر کتاب وصّالی شده،

(۱) پشت نسخه (۸۶۳) این فهرست از شهاب الدین خفاجی ازخط فیروزآبادی نقل شده که صحاح مشتمل بر پنجهزار ماده لغت میباشد ومن بر آن بهمین اندازه افزوده ام. وچون این بیان با نوشته مؤلف تاج العروس مخالفت زیاد داشت نگارنده مواد لغات صحاح را شماره نمود درحدود (۵۰۰۰) ماده لغت بود بنا براین نقل خفاجی صحیح خواهد بود ووجه جمع این دوقول اینست که کلمهٔ ماده در تاج العروس زیاد باشد.

پشت ورق اوّل از جزء دوّم حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله نوشته اند که در سنه (۱۲٥٦) در شیراز این کتاب خریده شد و در ذیل آن بعربی نگاشته اند که آنرا بمیرزا فضل‌الله نصیرالملك در روز غدیر سال مذکور بخشیدم و در چندین جای از نسخه جلال نام پسر خضر بن داود درسنه (۹٤۳) نوشته اند که این نسخه متعلّق بایشان گردیده ، نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده و دارای یك سرلوح تازه‌است که ازقرن سیزدهم میباشد وجدول بسرخی است .

جلد ساغری ضربی مینا شده . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۸۲۲) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٥۲) .

(۸٦۲)

قاموس المحیط

این نسخه بخطّ نسخ عبدالرّزاق بن محمّد الیمنی در سنهٔ (۹٥٥) نوشته شده وبانسخهٔ اصل مصنّف مقابله گردیده ومشتمل بر تمام کتاب است، صفحات بجدول بطلا ولاجورد وصفحه اوّل وآخر نو نویس میباشد ، تمام اوراق کتاب بانهایت مهارت متن وحاشیه شده و چند ورق ازاوّل وآخر وصّالی گردیده است .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٥٦۷) : صفحه‌ای (۳٥) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۷ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٥٦) .

(۸٦۳)

قاموس المحیط

این نسخه بسال ۹٦۲ نگاشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته و مشتمل بر تمام کتابست ، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه‌هائی ازعبدالباسط وسعد مفتی وعمادالدین کاشی وقطب‌الدّین حنفی مکّی در توضیح مطالب کتاب میباشد ونیز مطالبی از کشاف وکشف‌الکشاف و شرح موجز ومغرب‌اللغه وعقدالفرید ومصباح‌المنیر والفتن والملاحم ودیگر کتابها نوشته‌شده ، پیش‌ازشروع بنگارش کتاب‌نویسنده‌ای بر حسب‌امر یکی از قضات معاصر خویش که از وی چنین تعبیر نموده : (نقل ذالـك برسم القاضی العلام البحر الهمام زین الدّین نسیمی بن صالح عامله الله تعالی بخفی لطفه وجعله من اهل محبته والفه بحقه علیه آمین.)،

شرح حال فیروز آبادی را مفصل تر از آنچه در الضوء اللامع و دیگر کتابها میباشد از تاریخ شیخ عفیف الدّین عبدالوهاب بن وجیه الدّین عبدالرحمن بربهی(از قرائن بدست میآید تاریخ راجع به علماء زبید یمن است) نقل نموده است ، از یادداشتیکه پشت صفحهٔ اوّل قاموس میباشد و عبارت آن اینست : (آخوند ملاّ صدرای مرحوم بخداوندگاری برسم هدیه دادند) و مهر اسم مربعی که سجع آن اینست : (المذنب محمدالمدعوّ بصدرالدّین)معلوم میشود که این نسخه متعلّق بحضرت آخوندبوده و جمله هائی بخط شکسته نستعلیق پشت صفحه اوّل و آخر نسخه و در حاشیه بعضی از صفحات میباشد و با آشنائی بخط آخوند و قرائن بالاتوان گفت جزماً نگاشته ایشانست، یادداشتهای دیگر بـر این نسخه نیز یافت میشود، در ابتداء قاموس سرسورهٔ موجود و صفحات بجدول بشنجرف میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۲۱) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۷سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۷۸) قفسه مدرسه مشیرالسلطنه .

(۸٦٤)

قاموس المحیط این نسخه بخطّ نسخ نوشته شده وشامل تمام کتاب است . نویسنده ذکری ازنام خود وسال نگارش ننموده ، چند ورقی ازفصل عین تامیم از باب طاء جابجا شده ، صفحات بجدول بسرخی میباشد ، پشت برگ نخستین اشعاری درمعرّفی ومدح قاموس بسال ۱۰۵۲ نوشته شده ، ورق اوّل وآخر وصّالی گردیده وبیشتر اوراق را موریانه سوراخ کرده وظاهراً نسخه درقرن نهم نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق(٦۷۱) . صفحه‌ای (۳۳) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۵) .

(۸٦۵)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده واز نسخ نفیسهٔ این کتاب است ، نویسنده ذکری ازنام خود و سال نگارش ننموده ، پس از اتمام معانی لغت وجد عباراتی ازنسخه مؤلّف که حاکی از ختم جزو اوّل

کتاب است نقل نموده، و حاشیه صفحهٔ اوّل و دوّم گل و بوته طلائی دارد و تمام صفحات جدول بطلا است . چندورق از فصل تاء تا حاء از باب باء عرضاً پاره شده و قابل وصّالی است ، پشت آخرین ورق شرح حال مؤلّف را نوشته اند و این قسمت برخی از مطالبی است که در الضوء اللّامع میباشد و دوورق آخر مختصر وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۷۰۵) . صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۶۳) .

(۸۶۶)

قاموس المحیط

این نسخه بخط نسخ یوسف بن خضر بحیری در جامع الازهر مصر نوشته شده و شامل جزء اوّل کتاب تا آخر باب ضاد میباشد . کاتب ذکری از سال کتابت نکرده و ظاهرا از خطوط قرن دهم بنظر میرسد، پشت صفحهٔ اوّل نسخه تذهیب شده و مقابل صفحه آخر ترنجی است که بر آن اتمام جزء اوّل قاموس نگارش یافته، چهار صفحه از اوّل و یك صفحه از آخر کتاب جدول بطلا ولاجورد و عنوان ابواب باطلا نوشته شده است .

جلد چرمی . کاغذ نباتی ضخیم . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲٤) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱) .

(۸۶۷)

قاموس المحیط

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، صفحهٔ اوّل و آخر آن نو نویس است، نویسنده کتاب را بدین ترتیب چهار قسمت نموده (۱) از باب همزه تا فصل زاء از باب راء. (۲) از فصل سین از باب راء تا فصل سین از باب عین. (۳) از فصل شین از باب عین تا فصل الظاء از باب اللّام . (٤) از این فصل تا آخر کتاب و فاصله هر یك از این قسمتها یك دو صفحه کاغذ نوشته میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت در هیچیك از قسمتهای کتاب نام نبرده ، صفحات مجدول بسرخی ولاجورد ، نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن نهم است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۰۵) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۷) .

(۸٦۸)

قاموس المحیط

این نسخه بخط نسخ درسال (۱۰۳۲) نوشته شده ومشتمل برتمام کتاب است ، پشت ورق اوّل تذهیب شده و باسفیداب نام کتاب ومؤلّف را نوشته اند ، درابتدای کتاب بروورقی دوبیت دروصف قاموس در چهار سطر میباشد ، نخستین برگ کتاب دارای دو سرلوح میباشد ، صفحات بجدول بطلا وسرخی است ، درحاشیهٔ اوراقی که یکی از بابها در آن میباشد و برگ مقابل آن دوایر کوچك تذهیب شده‌ای رسم‌شده ، هشت ورق‌کاغذ نوشته‌در آخر کتاب میباشد ، اوائل ابواب سر سوره ای میباشد واوّل جزء دوّم کتاب نیز دوسرلوح کوچك است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٤۷۰) . صفحه‌ای (۳٥) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۲) .

(۸٦۹)

قاموس المحیط

این‌نسخه بخط نسخ درسال (۱۰٥۸) در مکّه معظمه نوشته شده وشامل تمام کتاب است ، کاتب نامی از خود نبرده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی میباشد یکی از آنها بسال ۱۲۰۱ بخط محمّد کاظم بروجردی است که نسخه را از محمّد کاظم شروانی خریده است ، مهری در آخر کتاب بوده آنرا محو کرده اند ، صفحات بجدول بسرخی است ، اولین و آخرین برگ نسخه وصّالی شده ونویسنده ای پشت آخرین ورق مختصری از شرح حال مؤلّف را نگاشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳٤٤) . صفحه ای (۳٥) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٤۳) .

(۸۷۰)

قاموس المحیط

این نسخه بخط نسخ خوب محمّد یوسف بن محمّد قاسم نطنزی در سال (۱۰۷۸) نوشته شده و درسنهٔ (۱۰۸۱) مقابله و تصحیح کردن آنرا بانسخه ایکه بانسخهٔ مصنّف مقابله شده پشت صفحهٔ اوّل ودر حاشیه آخرین صفحه تذکر داده اند ، ورق اوّل کتاب بطرزی بد وصّالی گردیده ،

صفحات مجدول بطلا وسرخی ومشتمل برتمام کتاب میباشد ودر آخر کتاب عباراتی که میرساند این نسخه از روی نسخه ایکه بسال ۸۷٦ نگارش یافته ، نوشته شده وپس از ختم کتاب شرح حال مصنّف از کتاب « الضوء اللّامع » سخاوی ملخّصاً در دوصفحه نوشته شده است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق (۵۳۵) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۹ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۵) .

(۸۷۱)

قاموس المحیط این نسخه که بخط نسخ نوشته‌شده مشتمل برسه قسمت از قسمت های چهارگانه قاموس میباشد وازباب همزه تافصل سین ازباب عین مهمله است هریك ازقسمتهای سه گانه دارای یك سرلوح میباشد ، صفحات مجدول بطلااست ، سال کتابت ونام کاتب نگاشته نشده ولی پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهائی ازمالکین این کتاب میباشد که قدیمی ترین آنها درسنهٔ (۱۱۹۳) نگاشته شده ، فاصله بین سطور صفحهٔ اوّل و دوّم را باطلا خط کشیده اند .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤۰۱) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹) .

(۸۷۲)

قاموس المحیط این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و بقیّه نسخه قبل میباشد (فصل سین از باب عین مهلمه تاآخر کتاب) سال کتابت ونام کاتب ذکر نشده ولی بقرینه معلوم میشود که خط کاتب نسخه سابق که تحت شمارهٔ (۸۷۱) این فهرست وشمارهٔ (۳۹) کتابخانه از آن نام بردیم میباشد ودارای یك سرلوح و صفحات مجدول بطلا است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۸۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۰) .

(۸۷۳)

قاموس المحیط این نسخه را بخط نسخ فتح محمّد بن محمّد صالح لاهوری نگاشته ولی سال کتابت را ذکر ننموده ، مشتمل بر تمام

کتاب است، قسمتی از اوّل کتاب تصحیح گردیده لغات باسرخی نوشته شده، قسمتی از اوراق را موریانه سوراخ کرده و صفحات آن مجدول بسرخی وزنگار است، پشت نسخه نوشته شده : این کتاب قاموس مبلغ هفتاد روپیه .

جلد چرمی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۸۲۷) . صفحه‌ای (۲۷) سطر . قطع رحلی کوچك . طول (۲۸ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٤) .

(۸۷٤)

قاموس المحیط این نسخه درسال (۱۲٤۷) بخط نستعلیق نصر الله بن ابو القاسم نوشته شده و شامل تمام کتاب است و صفحات آن بسرخی وزنگار مجدول شده .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۵۵۳) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (٤٦) .

[۳٦۱] قانون الادب (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب حبیش (۱) تفلیسی است (ابو الفضل حبیش بن ابراهیم بن محمّد التفلیسی) که از دانشمندان قرن ششم هجری و باقلج ارسلان بن مسعود (از سال ۵۵۹ تا ۵۸۸ سلطنت نموده) (۲) از سلاجقه روم معاصر بوده و بدبختانه شرح حالی از ایشان در کتابی نیافته ام ، مؤلّفاتی بپارسی و عربی دارد .

از آنها «بیان الطب» (۳) «ملحمه دانیال» (٤) «بیان الصناعات» (۵) «صحة الابدان» (٦)

---

(۱) حبیش بضم حاء حطی و باء ابجد مفتوح و یاء آخر حروف وشین قرشت میباشد و درمقدمهٔ قوافی همین مؤلف ، نام وی بدین گونه تشکیل شده است .

(۲) تاریخ سلطنت و مختصری از حالات قلج ارسلان در ص ۳۷ ج ۲ تاریخ کامل ابن اثیر است .

(۳) نسخه ای از این کتاب که بفارسی است درتحت شماره (۸۲٦) دراین کتابخانه میباشد .

(٤) ملحمه دانیال که بنام اصول الملاحم نیز نامیده میشود، بفارسی است وترجمهٔ این مؤلف است نه تالیف .

(۵) درمقدمه بیان الطب تالیف این کتاب را بخود نسبت داده است .

(٦) درمقدمه کامل التعبیر خود این کتاب را نام برده .

«کتاب القوافی» (۱) «کاملة التعبیر»(۲)، «کفایة الطب»(۳)، «بیان التصریف»(٤) وقانون الادب میباشد .

قانون الادب یکی از کتابهای نفیس وقابل مطالعه ومفید درمعانی پارسی لغات عربی میباشد ، مؤلّف در مقدمهٔ آن سعهٔ اطلاع ادبی خود را نشان داده ومآخذ خود را نام برده وقسمتی از مقدّمه راکه مبیّن طرز کتاب وانشاء مؤلّف ومطالب مندرجهٔ درآنست ذیلاً مینگاریم :

اما ترتیب این کتاب چنان نهادم وساختم که نخست حرف الف را به آغاز کتاب بر دو نوع نهادم چنانکه دو نوع نخستین کلمتهای که آخرش حرف الف بود مفتوح و فتحهٔ ناقصه بود جمله را بترتیب حروف بروزن قافیه بنسق یاد کردم ودرنوع دوم کلمتهای که آخرش حرف الف ممدود بود جمله را هم برطریق نوع نخستین بازنمودم چنانکه نخست اسما را درهر نوعی نبشتم بعدش جمع وحرف را بعدش افعال را و در مقدمهٔ هر نوعی کلمتهای که آن ثنائی بود یعنی دوحرفی بود معنی هریك بزیر کلمتش بپارسی شرح کردم بعد آن کلمتهای ثلثی را یعنی سه را بعدش رباعی را یعنی چهار حرفی را بعدش خماسی را بعدش سداسی را و باخر هر نوعی کنیتها وکلمتهای که دو بهم جمع بودند این جمله را بیان کردم وبالای هر کلمتی که از افعال بود علامتی از حروف حساب هفد سیاهی بکردم و این علامتها از تصریف افعال است مقصودم ازاین علامتها آن بود تاخواننده وآموزندهٔ این کتاب تصریف هر فعلی را درست صرفی بتواند کردن الخ .

و در اواخر مقدمه گوید :

ونیز در اواخر کتاب سه فصل بنهادم یکی اندر دانستن نامهاء بزرگان وشعراء عرب ازمرد و زن و آنچه در کتابهای لغت و در شعر های شعراء عرب موجود یافتم و دوم فصل در معرفت بنیاد مصادر و اوزانش که از هر بابی مصدر برچند وزن حاصل شود وسیم فصل اندردانستن وحدان جمعهاء قیاسی و طریق اوزان هریکی که استخراج آن را چگونه توان دانستن تا کتاب بغایت کمال باشد وخواننده ازمقصود بازنماند الخ .

ازنقل عبارات بالا طرز این کتاب بدست آمد وبامراجعه بکتاب دیوان الادب معلوم خواهد شد که این مؤلّف آن مؤلّفه را پیروی نموده است .

---

(۱) نسخهٔ آن دراین کتابخانه است وپس از قانون الادب ذکر میشود .

(۲) نسخه ازاین کتاب در کتابخانه معارف موجوداست (ج ۲ ص ۱۳ ٤) ودرفهرست آصفیه تذکر داده شده که بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است .

(۳) بعربی است ودر مقدمه بیان الطب ازآن نام برده وتفصیل مطالب را بدان حوالت داده .

(٤) درمقدمه دیوان الادب از آن نام برده است.

قانون‌الادب تا کنون چاپ نشده، ودرحدود(۲۸۰۰۰)بیت کتابت‌دارد وسعدالدّین مستقیمزاده آنرا بترکی ترجمه نموده و نام آن را «السنه ثلاثه» گذارده و این نام خود ماده تاریخ شروع به ترجمهٔ آنست = ۱۱۸۳ .

آغاز: بسمله سپاس خدای را که قادربر کمالست ودرود بر محمّد علیه‌السّلام که برگزیده وخوب خصالست و بریاران واهل بیت و هر که مصطفی را قرابت وآلست الخ .

(۸۷۵)

قانون‌الادب این نسخه بخط نسخ نوشته‌شده، قسمتی از فصل سوم آن افتاده ، نویسنده وسال نگارش در جای دیگر از نسخه تذکر داده نشده ، ظاهراً خط قرن یازدهم هجری میباشد ، پیش از کتاب فهرست انواعیکه این کتاب بر آنها مرتب‌شده، بوده،ولی ورق اوّل آن نیست و پشت ورق‌اوّل نسخه یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند ویادداشت دیگری بسال ۱۲۳۳ بر همان صفحه موجودو یادداشت مرحوم اعتضادالسلطنه جای یادداشت محوشده نگارش یافته، بعضی از اوراق نسخه وصّالی شده وعناوین مطالب باشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۶) . صفحه ای (۲۵) سطر. طول . (۱/۲ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۱۰).

(۸۷۶)

قانون‌الادب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، خاتمه کتاب که در سه فصل میباشد نگاشته نشده و آخر نسخه اینست : سقیی کندم باب پرورده ، هو ابن عمة دنیا او پسرعم وی است نزدیك ؛ قانون ادب تمام اولدی مشقه عهدی بن شمس البغدادی فی سنة ۹۶۸ .و نیز این یادداشت در کنار آخرین برگ نسخه نوشته شده : الحمد لله والصّلوة علی رسول الله ترجمت تلك النسخه المنقّحه من اوّلها الی آخرها مع ابقاء معانیها فصارت السنة ثلاثه فسمیّتها بذلك فوقع تاریخها السنة ثلاثه ۱۱۸۳ لابتدائنا بترجمتها فاتممنا فی سبع سنین بعون القوی المعین تعالی

وبهمة الامیر نوری نور الله قلبه وعمّره مع اولاده الامجاد الذینهم للسلطان احمد الثالث احفاد ووفقه لامثالهما آمین بالنبی الامین حرّره مترجمها الفقیر ابو المواهب سعد الدین سلیمان امین الله العریف بمستقیمزاده زاده الله زاده فی الدّارین بالسعاده سنة ۱۱۹۱ .

دارای یك سرلوح کوچك میباشد که اندکی چرك شده و نسخه تصحیح گردیده و بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد ضربی خوب طلائی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۳٤). صفحه‌ای (۲۷) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۷ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۱) .

[۳٦۲] قوافی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب حبیش تفلیسی است (ص۲٤۷) [۳٦۱] و بر حسب امر پادشاه عصر خویش بتألیف آن پرداخته و آن را بنام پسروی قطب الدین ، موشح نموده، مقدمه آن را که مبیّن سبک نگارش آن روزگار بوده و کتابرا معرفی مینماید در اینجا می آوریم :

بسم الله الرحمن الرحیم رب تمم بالخیر سپاس وشکر خدایرا که ازعلم ودانش مارا بهره داد و راه راست نمود و دین اسلام بارزانی داشت و درود خدای بر محمد باد علیه السلام و بر یاران واهل بیتش چنین گوید حکیم ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد الکمالی التفلیسی که ملك اجل عادل عالم کبیر قطب الدین عماد الاسلام ونظامها ، جلال الملة وجمالها ، نجم الملة وتاجها ، شمس الملوك والسلاطین ، ناصر جیوش المسلمین ، فخر الانام عز المجاهدین ، قاتل الکفره والمشرکین ، قاهع المتمردین ، ابوشجاع قلج ارسلان بن مسعود ، یمین امیر المومنین ، اطال الله بقاه ، وادام فی الدولة ارتقاه ، واباد حساده واعداه ، بحق محمد وآله ،

از آنجا که بزرگ همتی و رغبت او بعلم و دانش بند (کذا) را اشارة فرمود که باید که (کذا) از بهر من کتابی سازی در قوافی چنانك کلامهای را (کذا) مشکل تازی که شعر را (کذا) در قوافی شعر ها بکار برند بپارسی شرح کنی ، و ترتیب کتاب خراسان نهی ، ودر تصنیف کتاب اختصار نگاهداری ، تا کتاب دراز نکشد ، وخواننده را ملال نفزاید ، وما را یادگار بود، پس بنده برحسب طاقت خویش جهد کرد و فرمان بجای آورد و برقدر دانش خویش این کتاب مختصر تصنیف کرد و آخر هرقافیه را بترتیب برحروف معجم پیدا کرد ، چنانك اگر کسی را قافیهٔ باید نگاه کند که آخر حرف آن قافیه را (کذا) از جمله حروف معجم کدامست و از کدام نوعست و از هر کدام که بود وی را

طلب کند تا معنی آن بداند و هر قافیهٔ که دو حرف بود وی را در اول هرحرفی مقدم کردم و بعدش سه حرفی راوعلامتش حرف ج ۳ بکردم و بعدش چهارحرفی را د۴ وپنج حرفی را ه۵ وشش حرفی را و۶ وهفت حرفی را ز۷.

واما قافیهائی (کذا) که بپارسی بودو آسان، دراین کتاب یادنکردم که کتاب درازشدی بپارسی بر کس پوشید نبودو بجایی که قافیهای (کذا) پارسی مشکل بکردم حرف س بالای او بنوشتم، تا کسی گمان نبرد که بپارسی است (عبارت بی اشکال نیست) وبداند که هر کسی که شعر گوید وهوس شاعری دارد یا بخواهد که معنی قافیهای مشکل داند از دانستن اینقدر ناچار بود تا در علم قافیه شاعر جاهل نباشد و شعر گفتن بر وی آسان شود زیرا که اصل شاعری قافیه بود باید که قافیها (کذا) نیك بداند بس کتاب باسم قطب الدین زاداللّٰه عمره تمام کرده شود انشاءاللّٰه تعالی تاهر کسی که بخواند وفایده بگیرد خداوند را و مصنف را بدعا یادآرد وحسبنااللّٰه ونعم الوکیل

قوافی حرف اول یا ای ، لا نه ، ما نه ، ما آب و جه ، ما ای ، دا درد ، ذا آن الخ .

این کتاب در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۸۷۷)

قوافی

این نسخه بخط نسخ و ترجمهٔ آن بخط نستعلیق بسال ۹۲۸ درشهر بروسه نگارش یافته، نویسنده در آخر این نسخه نام خودرا نیاورده، ولی محمدبن عبدالکریم بیکسماتی نویسند نسخه‌ایکه ضمیمه این نسخه است نویسنده آنست، ترجمه فارسی قوافی درذیل کلمات نوشته شده وعناوین باشنجرف است .

خصوصیات نسخه به « مختصرالصحاح » شمارهٔ (۱۱۰) کتابخانه که در فصل میم همین فصل درص ۲۸۲ زیر شمارهٔ (۹۰٤) از آن نام میبریم مراجعه شود .

[۳۶۳] **کنزاللغات** (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه درمقدمه تصریح شده : محمدبن عبدالخالق بن معروف میباشد که در قرن نهم هجری در زمان سلطنت کارکیا سلطان محمد پسر کارکیا ناصر کیا پادشاه گیلان (ازسال ۸۵۱ – ۸۸۳ پادشاهی نموده) (۱) زندگانی میکرده واین کتاب را بنام آن پادشاه موشح کرده است .

(۱) تاریخ گیلان تالیف میرظهیرالدین مرعشی ص ۲۶۰–۲۸۱ ومجالس المؤمنین ص ٤۱۱ مراجعه شود .

مؤلّف ، لغات قرآن کریم و احادیث شریفه را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها در بیست و هشت باب مرتب نموده وهربابی را مشتمل برفصولی چند قرار داده وازلغات مشتقّه بذکر مصادر آنها قناعت کرده وپس از آن غیرمشتقّه‌را ذکر نموده و درمقدّمه گوید که این کتاب را بـمراجعه به صحاح ، مجمل ، دستور ، مصادر ، اختیارات بدیعی ، لغات‌القرآن و شرح نصاب تألیف کرده ام وکلیّاتی‌را دربیان مطالب لغوی وصرفی در۱۶ ماده بنام مقدّمه آورده وگاهی بآیات واخبار استشهادکرده است .

این کتاب در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر در ایران چاپ شده است .

آغاز : بسمله ابتدی هرسخن آن خوبتر در هرمقام
کو بود باحمد معبود خدای‌لاینام(۱) ،

جواهر کنوز لغات حمد و سپاس نثار بارگاه حضرت متکلمی که زبان اصناف آدمیان را کلید گنج خانه سخن گردانید الخ .

(۸۷۸)

کنز اللغات

این نسخه را بخط نستعلیق بامرمحمد اکبربیک، محمد سلمان‌بن عبدالباقی در سال (۱۰۷۹) نوشته ، لغات را باسرخی نگاشته وصفحات مجدول بطلا میباشد ، پشت صفحه نخستین یادداشتی بخط آقا محمد علی پسر آقای بهبهانی موجود و سجع مهریکه درذیل آن میباشد اینست : عبده محمد علی‌بن محمد باقر ۱۲٦۵ . شعر نقل شدهٔ بالا ابتداء نسخه نوشته نشده واز عبارت : جواهر کنوز لغات حمد وسپاس الخ. شروع شده است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱٤) . صفحهٔ (۲٦) سطر . طول (۳۱سانتیمتر) . عرض (۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۸) .

---

(۱) دربعضی از نسخه ها « نیك نام» و در بعضی « پاك نام » و در برخی « لاینام » نوشته شده است .

(۷۷۹)

کنز اللغات

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۹۷ محمد اشرف نوشته ، دارای سرلوحی زیبا میباشد ، میان سطرهای دو صفحهٔ ابتداء نسخه تذهیب شده ، دیگر صفحات مجدول بطلا ولاجورد وابواب و فصول ولغات باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (   ) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ قفسه مشیرالسلطنه (۵۷۹) .

(۷۸۰)

کنز اللغات

این نسخه بخط نستعلیق متوسط میر محمد امین نوشته شده ، سال کتابت را کاتب سنه ثمانمائه بعدالالف نگاشته و اعداد آنرا هم مغشوش رقم نموده ولی در آخر رسالهٔ که بلا فاصله بعد از این نسخه بقلم آمده سال کتابت (۱۱۰۹) قید شده ومعلوم میشود که سال نگارش این نسخه ثمان ومأئه بعدالالف بوده (۱۱۰۸) وکاتب بغلط ثمانمائه بعدالالف نوشته دو رساله در الفاظ مفرده ومرکّبه ضمیمهٔ این نسخه میباشد که در ص ۱۸۶ و ۱۸۷ همین فصل از آنها نام برده شده .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۳۷۶) . اوراق این نسخه (۳۶۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۷) .

(۷۸۱)

کنز اللغات

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اوّل و دوّم کتاب باخط زیبا تری از بقیه کتاب نگارش یافته ، بنظر میآید که کاتب آن دیگری است ، در آخر نسخه کاتب نام خود را عبدالرزاق الویری ابن محمد هاشم معرّفی وسال کتابت را سنهٔ (۱۲٤۵) معین نموده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۰۹) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۹) .

۳۶۴ لغات ثلثه = ترجمان معارف (ترکی عربی وفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه درمقدّمه آن بترکی نگاشته شده: **حاج حسن** میباشد که مقام مترجمی لغات سه گانهٔ عربی و ترکی وفارسی را در بغداد داشته و این کتاب را در سه مجلّد بدین ترتیب در آنشهر مرتب نموده که درهریك از مجلّدات یکی از لغات زبانهای مذکور را اصل قرار داده وموافق حروف تهجّی هریك ازفصول آنها را مرتب نموده و بدوزبان دیگر مراد از آن لغت را بیان کرده و هریك از مجلّدات را در ده فصل بترتیب زیرین گذارده:

فصل اول مصدر . ۲- فعل ماضی . ۳- فعل مضارع . ٤- فعل امر . ٥- فعل نهی . ٦- در بیان اعضاء انسان وخویشان او و آلات جنگ و اسماء . ۷- در بیان حیوانات وطیور . ۸- دراسامی واشجار ونباتات . ۹- درنامهای پیشه ها و ابزار آنها . ۱۰- درنامهای افلاك وستارگان و روزها و سالها و خواندن و نوشتن و آنچه بدین دو متعلق است ومعادن و آنچه بدانها مربوط میباشد وغیر از اینها .

نام این کتاب رامؤلف «**ترجمان معارف**» گذارده تا سال تألیف هم ازحروف نام کتاب بدست آید ، بنا براین بسال ۱۰۸۵ تألیف گردیده ونیزمؤلّف درمقدّمه گوید که این لغات ثلثه را ازکتابهای لغت : اختری ، شاهدی ، حلیمی ، نصاب ، نعمة اللّه وسائر کتب معتبره انتخاب کرده‌ام و این مؤلّفه نخستین کتابی استکه در لغات ثلثه (عربی وفارسی وترکی) تألیف گردیده (۱) .

نسخه این کتابخانه فقط مشتمل بردو مجلّد (عربی بترکی و فارسی - ترکی بعربی وفارسی) میباشد و مجلّد سوم را ندارد واین دو مجلّد در حدود (۸۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله حمد بیقیاس وسپاس لایقاس ، اوّل خالق ملکوت و آسمان ، وآفرینندهٔ جهان وجهانبانه که فرمان کن برله عالمی پیدا الخ .

---

(۱) در کشف الظنون ج ۱ ص ۲۷۹ نوشته شده : « ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب » تالیف شهاب الدین احمد بن محمد بن عربشاه دمشقی حنفی متوفی بسال ۸۵٤ میباشد . (بنا براین کتاب مذکورمقدم برترجمان معارف تالیف گردیده و نام این کتاب هم در کشف الظنون نیست) .

(۸۸۳)

لغات ثلثه یا ترجمان معارف

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵ نوشته شده، کاتب نامی از خود نبرده، لغات وعناوین فصول وابواب را با سرخی نگاشته، مرحوم رضا قلیخان هدایت در سال ۱۲۷۱ دارای این نسخه شده وپشت صفحه اوّل بنام لغت ترکی ترجمه بلغت عربی وفارسی آن را معرّفی کرده ودر زیرنوشتهٔ خویش مهربادامی رضا قلی زده شده وبسال ۱۲۹۰ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی کوچك. شمارهٔ اوراق (۱۷۸). صفحه ای (۳۰) سطر. طول ($30\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳٤).

[۳٦۵] لغات جوك (سانسکریت بفارسی)

کتاب جوك چنانکه در مجلّد سوّم از آن معرّفی خواهدشد یکی از کتب عرفانی ومؤلّف آن پندت کشمیری میباشدودرزمان ولیعهدی سلطان‌سلیم ازسلاطین عثمانی که از سال ۹۱٦ تا ۹۲٤ سلطنت کرده، بامر وخواست وی نظام الدّین پانی‌پاتی(۱) آنرا بفارسی ترجمه نموده وحضرت میرفندرسکی ازآن ترجمه انتخابی کرده وبرآن اضافاتی نموده ونسخهٔ آن در آخر یکی از مجموعات (شمارهٔ ٦٤۰ فهرست خطی ج ۲) درکتابخانهٔ مجلس شورای ملّی میباشد.

نظام الدّین‌مذکورپاره‌ای‌ازلغات‌را بهمان‌نحو که‌دراصل‌سانسکریت بوده‌نقل، در بعضی از موارد، معنی آنها از تفسیر و بیانات وی معلوم میشود ولی پارهٔ از مطالب‌را باجمال وابهام گذاشته‌وگذشته‌است. مرحوم‌میرفندرسکی‌درضمن‌منتخب خویش بشرح آن الفاظ ولغات پرداخته و یکی از دانشمندان که با تفحّص زیاد بنام ایشان دست نیافتم‌برخی‌ازبیانات نظام وپارهٔ ازتفاسیرمیر را جمع نموده، ونسخهٔ ذیل را بنام «لغات جوك» ترتیب داده وبعضی ازنویسندگان نسخ آن را ضمیمهٔ ترجمه جوك کرده اند(۲).

---

(۱) پانی پت از نقاط مشهور هندوستان است ودرهفت اقلیم نام چند نفر از مشاهیر آنجا ثبت است.

(۲) نسخه ترجمه جوك متعلق بدانشمند محترم آقای تربیت ونسخه مجلس‌شورای ملی این‌لغات را ضمیمه دارد ولی نسخهٔ این کتابخانه ندارد.

این کتاب مشتمل بر (۴۶۰) لغت و در حدود (۵۴۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله باب‌الالف آتمان هستی مطلق و اصل آفرینش و آنچه همه را آفریده الخ .

انجام : « یاسدیو » پادشاه عالم ، « یرته » معبد ، « بشن‌دنار » اسم یك ذاتست تمّ بالخیر .

(۸۸۳)

لغات جوك این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، لغات باشنجرف میباشد، آخر نسخه‌را در بالا از روی نسخه ضمیمهٔ ترجمه جوك کتابخانه مجلس نقل کرده‌ام و اندك مخالفتی باانجام این نسخه دارد و پس از آخرین لغت باین شعر ختم گردیده : عالم ضمند دوات ما ئیم در کنسه و سومنات ما ئیم.

ضمیمهٔ نسخه (۱۷) کتابخانه و شمارهٔ (۸۶۰) این فهرست میباشد خصوصیّات آن در ص ۲۳۲ گفته شد .

[۳۶۶] لغات دساتیر (فارسی)

این کتاب که بدین نام نامیده شده مشتمل بر معانی لغاتی استکه در دساتیر میباشد ، مؤلّف ازخود در مقدّمه وخاتمه نامی نبرده ، ازمطالعه کتاب هم مؤلّف بدست نیامد ، موجب آنهم آشکار است که چون در کشور مسلمانان باغلبه عوام برخواص اظهار فضل واطلاع بر کتب ادیان دیگر موجب نقص بوده، جامع خود را نشناسنده، ولی‌ازمندرجات کتاب بدست میآید کـه صوفی مسلك بوده و بکتب واصطلاحات عرفا وحکما آشنائی داشته و از مزایای این کتاب یکی ترجمه لغات واصطلاحات حکمی میباشد ، ازلغت برهان قاطع که بسال ۱۰۶۲ تألیف شده بسیار نقل‌دارد ، عبارات آن بسیار سلیس ومتین است برای‌نمودار پاره ای از آنـرا در اینجا می آوریم :

مهین‌نامه یزدانی نزد عارفان واصل ومحققان کامل‌تمام عالم کتاب حضرت حق‌است چه پیوسته ایشان از اوراق ذرات موجودات احکام اسرار تجلیات الهی عزاسمه میخوانند و مجموع عالم از غیب و شهادت را کتاب حق تعالی میدانند که مشتمل بر تمامی اسما وصفات الهیت ومطابق این معنی یکی از عرفا منظوم فرموده ، رباعی :

از لوح جهان خط الهی خواندن — خوشتر بود ازحرف و سیاهی خواندن
در صفحهٔ کائنات خطیست کز آن — اسرار ازل توان کماهی خواندن ،

نشیبسار بفتح اول و کسر ثانی اسم مرتبه فرق است از مراتب ثلثهٔ ایزد شناسی باصطلاح هیربدان یعنی صوفیه صفیه که مشاهدهٔ کثرت باشد بدون وحدت وجدا دانستن وحدت از کثرت وویژه دورونان فارس این مرتبه فرق را **فرجند شای** نیز گویند چنانکه در **باب الفا** گذشت .

این لغت در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد وشامل (۷۹۳) لغت است .

آغاز : بسمله باب الف ممدوده **آاب** بسکون بای ابجد نام یکی از عناصر اربعه وبمعنی آبرو وعزت ودولت وقدرت الخ .

انجام : والحاق‌های هوّز درآخر بجهت حرکت حرف آخراست چه پیوسته آخرکلمات فارسی ساکن میباشد .

(۸۸٤)

لغت دساتیر این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش‌را ننگاشته ، لغت زندوپازند ضمیمهٔ آن میباشد و بسال ۱۲۷۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (٤۲) .
این نسخه (۲۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) .
شمارهٔ کتابخانه (۹۰) .

[۳٦۷] لغات رامند قزوین (فارسی)

رامند(۱) یکی ازبلوك قزوین میباشد وتقریباً ۱۲۰/۱۸ کیلومترمربع مساحت دارد وازسی کیلومتری قزوین شروع ودر٤۸ کیلومتری خاتمه میبابد ، اهالی آنجا بیشتر بفارسی گفتگودارند ، برحسب خواست مرحوم اعتضادالسلطنه وزیرعلوم آن عصر یکی از اهالی آنجا لغات مستعملهٔ در آن بلوك را در شش مبحث گرد آورده و از خود نام نبرده است : ۱ ـ لغات راجعهٔ بانسان و اعضاء او . ۲ ـ در

(۱) دهات رامند عبارت از : سیاه دهن ، آك ، اسفرورین ، شال ، خیارج ، قرقه ، نرجه ، خروزان ، تزرك ، شارین ، ولازیگرد ، محمودآباد ، حسین آباد و دان اصفهان میباشد.

عمارات و بعضی ابزار خانه ازلباس و ظروف وغیره . ۳ ـ در خوراکیهای انسان و حیوان . ٤ ـ در نامهای مرغها وحیوانات و حشرات . ٥ ـ در اسامی روز ها و ماهها و سالها و اقسام حرفه ها و ابزار های آنها . ٦ ـ در کلمات وافعال مفرده و مرکّبه درهنگام گفتگو .

این رساله در حدود (۲٥۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّد و آله الطّاهرین. **امابعد** این شطری‌است ازلغات واصطلاحات فرس معمولی اهالی رامند که حسب‌الفرمایش نواب اشرف امجد والااعتضادالسلطنه وزیرعلوم وصنایع و تجّار دام اجلاله العالی جمع آوری گشته هرچه‌در مقام خود نوشته و مختلف فیه هرقریه از قراء فارس(۱) را هم بسمت تحریر برآورده و درمقام خود قلمی نموده و کلام درشش مبحث است .

انجام: مخفی نماند چیزهائیکه نوشته نشده یکی آنکه گنجایش ندارد ویکی آنکه اکثر چیزها فارسی مصطلح است الهم اختم بالخیروالسّعاده بجاه محمّد وآله صلّ علی محمّد وآله وارزقنا زیارت‌الحسین تمام شد .

(۸۸٥)

لغات رامند قزوین

این‌نسخه بسال ۱۲۸٦ نگارش یافته ، دررمضان ۱۲۸۷ داخل کتابخانه اعتضادبه شده و پشت ورق اوّل یادداشت شده و بنام لغات اهل قزوین در همان صفحه براین کتابخانه وقف گردیده وپس از اتمام نسخه صورت صرف افعال بزبان فرس قدیم بامعادل آنها بفارسی کنونی درهفت ورق نوشته شده واین‌نگاشته شده بخط نسخ غیرازنویسنده نسخه است وهردونویسنده نام خود را ننگاشته اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف‌سپهسالار . قطع رزیری . شمارهٔ اوراق (۱٤) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۳½ سانتیمتر). عرض (۱٤½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۹٦).

---

(۱) دهات نام برده رامندبعضی ترك وبرخی فارس اندومراد از قراء فارس مذکور درمقدمه، بعضی از دهات رامند است که بفارسی گفتگو مینمایند و در رساله نام شال و سیادهن و اسفرورین مکرر دیده‌میشود .

[۳٦۸] لغات زند و پازند و اوستا (پارسی بفارسی)

این رساله چنانکه از عبارت ذیل که برسر نخستین صفحهٔ آنست ، برمیآید ، یك باب از کتابی میباشد ولی با تفحّص ندانستم چه کتابی بوده و آن عبارت اینست : درچهارم مشتمل است برلغات زند و پازند واستا(۱) جلوه الف ازدرالف .

مؤلّف ظاهراً بهمان سبب که درذیل «لغات دساتیر» درص ۲۵٦ گفته شد نامی از خود نبرده وپس ازبیان معنی بیشتر ازلغات ابیاتی از «زراتشت بهرام» که متضمّن آن لغت میباشد آورده وترتیب تنظیم این لغت مراعات حرف اوّل ودوّم میباشد وحرف دوّم را باب واوّل را فصل قرار داده است .

این رساله مشتمل بر (٤۳٦) لغت و درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: (پس از عبارت بالا در چهارم تا از در الف) **آبهی** بابای مکسور نام رود آموست زراتشت بهرام گوید **شعر** .

در آنوقت نزدیك دریا رسید یکی ژرف دریای بن ناپدید
بوستا درون نام آن آبهی که قعرش نبودست هرگز بهی .

(۸۸٦)

لغات زند و پازند واستا

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون ذکر تاریخ و نویسنده نوشته شده و ضمیمهٔ نسخهٔ شمارهٔ (۹۰) کتابخانه میباشد خصوصیات دیگر درص ۲۵۷ ذیل شماره (۸۸٤) این فهرست مراجعه گردد .

[۳٦۹] لغت فارسی بترکی دقائق الحقائق (فارسی بترکی)

مؤلّف در مقدّمه نام خود را نبرده، مؤلّف کشف الظنون درص ٤۹٤ ج ۱ قائق الحقائق را نام برده گوید :

مؤلف این کتاب مولی احمد بن سلیمان مشهور به **ابن کمال** پاشا متوفی بسال ۹٤۰ میباشد الیف آن بترکی وبنام ابراهیم پاشای وزیر موشح گردیده ونام آن را « دقائق الحقائق »

۱) زند واوستا دو کتاب دینی زردشت وپازند شرح زند است .

گذارده (۱) چرا که مشتمل بر دقیقه ای متعلق بلغات متشابهه میباشد
و احمد بن خضر اسکوبی شاعر معروف به علوی آنچه لغت مفرد و مرکب در آن کتاب
بوده بترتیب حروف تهجی مرتب نموده واول آن اینست : حمد بیهمال و مدح بی‌مثال الخ .

ابن کمال پاشا یکی از ترکهای بسیار دانشمند و معروف میباشد و مؤلّفات بسیار
دارد ، شرح حال ایشان در شقائق النعمانیّه ص ۴۲۰ - ۴۲۴ و شذرات ج ۸
ص ۲۳۸ و معجم المطبوعات ص ۲۲۷ نگاشته شده و در شقائق بسیاری از مؤلّفات
وی نام برده شده و گوید مقام قضاوت داشته و در قسطنطنیّه مقام افتاء یافته
و شعر بترکی و فارسی میسروده و بیش از صد کتاب و رساله تألیف نموده و تفسیری
بسیار خوب نوشته که مرگ اجازه اتمام آنرا نداد و کتابی بفارسی چون گلستان
بنام نگارستان تألیف نمود و تاریخ آل عثمان را بترکی ادبی نگاشته و کتابی در
لغت فارسی و حاشیه ای بر کشاف و حاشیه‌ای بر هدایه و کتابی در علم کلام و شرحی
بر آن بنام « تجرید التجرید » و کتابهای دیگر دارد .

اگرچه در کشف الظنون آغاز این کتاب نقل نشده ولی بقرائنی که بدست داد
و تصریح در مقدّمه این نسخه، که در زیر معرّفی و خصوصیّات آن ذکر خواهد شد نام
کتاب « دقائق الحقائق » میباشد و موضوع آن لغات مترادفه و متشابه و متقاربه زبان
فارسی است و مؤلّف چند لغت را بیکی از جهات مذکوره بایکدگر ذکر و بشرح
و ترجمه آنها بترکی پرداخته و شواهدی از مصرع ها و ابیات و رباعی های فارسی
بر مدعای خویش آورده مثلاً لغات سخن و گفتار ، بوم و کوچ و جغد ، چنگ و
چنگل و چنگال ، روزن و پنجره ، کلان و بزرگ و بزرگوار و سترگ ، مردمك و مردم
و مرد وزن ، سراسر و سرتاسر و سربسر ، سخت و درشت و زفت ، پادشاه و پادشای ،
هما و همایون ، خرگوش و خرچنگ ، خار و خارا و خاشه و خاشاك و خس و خسك ،
اسب و ستور ؛ را بهمین نحو که نقل شد بیان و بشرح و ترجمه آنها پرداخته و نظم
و ترتیبی را در ذکر لغات نه از حیث ترتیب حروف اوائل یا اواخر و نه از حیث

(۱) نام کتاب « دقائق الحقائق » گذارده شده و بایستی درحرف دال ازاین فصل از آن
معرفی نمود ، چون غفلت شده بود ودر آنجا ذکر نشد ودر لغت فارسی بترکی بود از اینرو بدین
نام دراینجا معرفی گردید .

موضوع وغیره ملتزم نگردیده و بشرح لغت سخن و گفتار ابتدا و بشرح لغات اسب وستور کتاب را خاتمه داده و لغات دیگرهم میان این دو عنوان شرح گردیده است .

این کتاب درحدود (٤۰۰۰) بیت کتابت دارد وبشهادت عبارت آن وتصدیق ترك زبانان ادیبانه نوشته شده است .

آغاز : سپاس بی‌قیاس خدای بی همتایه که گلزار بدیع الاثار بیانلده ازهار الخ .

(۸۸۷)

لغت فارسی بترکی دقائق الحقائق

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، ازطرز خط معلوم میشود که ترك بوده ، رساله ای در اقسام **یاء** که در آخر کلمات زیاد میشود ، نیز بزبان ترکی موجود و در فصل نحو و صرف از ان معرفی خواهد شد ، ودارای سرلوح کوچك ودوصفحه اوّل بجدول بطلاولغات باشنجرف نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کاید (۱۰٦) این نسخه (۹۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۱۸سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۱) .

[۳۷۰] لغت فارسی و عربی (بفارسی)

نسخه ایکه خصوصیات آن درزبراین سطرها نگاشته خواهدشد مشتمل بر لغات عربی وفارسی میباشد که بترتیب اواخر آنها مرتب گردیده وفارسی وعربی آنان‌از یکدیگر مجزّی‌وفرهنگ تازه‌ایست .

مؤلّف پس از اینکه کلمات ولغات‌را از الف تا یا منظّم نموده دوباره باث‌باث آن لغات را ذکر وبشرح وبیان آنها پرداخته و برای اثبات معنی مذکور شعری ازیکی ازشعرای معروف شاهد آورده واشعار : ابن یمین ، خاقانی ، دقیقی ، فردوسی ، سید حسن غزنوی ، رشید وطواط ، آذری ، مجدهمگر ، سعدی ، مولوی ، اسدی ، امیرمعزی ، انوری ، عمادی ، کمال اسمعیل ، خواجوکرمانی ، حافظ ، اوحدی ، امامی‌هروی‌وبسیاری دیگراز متقدمین ومتأخرین به استشهاددر آن دیده‌میشودواز اشعار صباملك‌الشعرا متوفی بسال ۱۲۳۸ ومیرزا ابوالقاسم قائم‌مقام‌متوفی بسال ۱۲۵۱

و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب تخلّص متوفّی بسال ۱۲۵۶ و محمد حسین عندلیب تخلّص پسر ملك الشعرا در آن مکرّر دیده شد .

در اوّل و آخر کتاب مؤلف نامی از خود نبرده و در ذیل مطالب کتابهم با جستجوی زیاد اثری از وی نیافتم ، بالای صفحه اوّل و دوّم نسخه نوشته شده :

« این مسوده باطلهٔ کتابست خدمت قبله گـاهی حکیم باشی دادم که اگر لغتی ضرور شود در اینجا پیدا کنند تا کتاب صحیح شود انشاء الله و این را در آب بشویند وصحیحش را نگاه دارند وشرط کردند که احدی ازروی آن ننویسد که ناقص است و بدنامی کتاب صحیح » .

پشت صفحه نخستین ازطرف اعتضادالسلطنه چنین نوشته اند :

« هو کتاب درلغت است شخصی جمع کرده است چون زحمتی درجمع کردن آن کشیده و گفته است به آب بشویند ازبابت کثرت زحمت او شایسته نبود محوشود در کتابخانه مبارکه نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اعظم افخم اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اقباله ضبط شد فی شهر رجب ۱۲۹۷ » .

ازقرائن بالا بدست می آید که تألیف این کتاب در اواخرقرن سیزدهم هجری ودرهنگام پادشاهی ناصرالدین شاه انجام ودرالمآثروالآثارچهار نفر بعنوان حکیمباشی معرفی شده اند :

۱ ـ درص ۲۰۳ گوید : میرزا محمدحسین طبیب کاشانی ازحکیمباشیان مشهور این عهد جاوید مهد است .

۲ ـ ص ۲۱۰ نگاشته : میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی مقیم دارالخلافه از حکیمباشیان معتبر بود الخ .

۳ ـ ص ۲۱۹ نوشته : میرزا محمد حکیمباشی شیرازی در ایران چنانست که ارسطو در یونان معالجاتش بنتائج دم عیسوی میماند الخ . (این حکیمباشی جدّ پدری جناب آقای حکمت وزیر معارف است) .

٤ ـ محمدقبلی که درص ۱۷۳ و ۱۷٤ در ذیل خلاصه عباسی بشرح حال وی پرداخته‌ایم .
ونیز درص ۲۰۲ المآثروالآثار نگاشته شده :

« میرزا عبدالمطلب کاشانی مشهور بادیب درشعب ادب وعلم طب رنج بسیار برده وخون جگرخورده و در فن ادب واحاطه بلغت عرب وتفسیر وطب مسلم است .

ودر کتاب مذکور که شامل حال دانشمندان چهل سال اوّل سلطنت ناصرالدّین شاه میباشد جز عبدالمطلّب در فنّ ادب و احاطهٔ بلغت کسی معرفی نشده بنابراین

احتمال قوی میدهیم که این کتاب تألیف وی باشد وحکیم باشی مذکور که مؤلف نسخه، کتاب خودرا پیش اوفرستاده بایستی میرزا محمد حسین باشد که مقیم طهران وتاهنگام تألیف المآثر والآثار زنده بوده است .

این کتاب هنوزناقص بوده ، شواهد بسیاری ازلغات آن نگاشته نشده ، نظم وترتیب آنهم چنانکه بایست ، نیست وشامل دوقسمت است : قسمت اوّل لغات بترتیب حروف اواخر ازالف تا یا . قسمت دوّم همان لغات با ترجمه وشواهد آنست و تمام آن در حدود (۱۰۷۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : قسمت اوّل : بسمله آلا ، آسا ، آوا ، آشنا ، آشنا ، آسیا الخ .
قسمت دوّم : بسمله **اسا** (۱) بکسر الف بمعنی خمیازه و بمعنی شبه و نظیرهم آمده .

انجام : یمنی دست راست و قسم و مبمنت ، **یتامی** یتیمان ، یتمطی خرامان میرود .

(۸۸۸)

لغت فارسی و عربی این نسخه بخط نسخ و نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، از قرائن بخوبی واضح میشود که خط مؤلف میباشد وتألیف آن خاتمه نیافته ، لغات قسمت دوّم باشنجرف وبسیاری از شواهد درحاشیه صفحات نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۴۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۶) .

[۳۷۱] **لغت کبیر اختری** (عربی بترکی)

مصلح الدین مصطفی بن (۲) شمس الدّین قره حصاری مشهور به اختری از

---

(۱) مؤلف قسم دوم را بترتیب ذکر لغات درقسم اول نیاورده وآسارا برآسا و آلا و غیره مقدم داشته وتاباخر هم بهمین نحو پیش رفته است .

(۲) در کشف الظنون و اول و آخر نسخه چاپی نام پدر مؤلف شمس الدین ضبط شده ولی در مقدمه نسخهٔ خطی این کتابخانه بدینگونه است : المحتاج الی رحمة ربه اللطیف الشهیر بالاختری مصطفی بن اختری بن شمس الدین القره حصاری مولداً والکوتاهیوی محتداً الخ .

دانشمندان قرن دهم هجری بوده وبگفته کشف‌الظنون (ج ۱ ص ٦۳) دو کتاب در لغت عربی بترکی دارد یکی کبیر ودیگری صغیر وچنانکه در آخر همین‌لغت کبیر مؤلّف خود تصریح نموده بسال ۹٥۲(۱) تألیف آن خاتمه یافته و نیـز در مقدّمهٔ کتابست که این کتاب را درلغاتیکه مورد احتیاج عموم بود و درك معانی آنهـا مشکل مینمود از صحاح اللّغه ، دستور ، مجمل ، تکمله والمغرب گرفته وبرای استفاده عام وخاص اهالی کشورخویش بترکی ترجمه کرده است .

در این کتاب فقط بترجمهٔ لغات پرداخته شده وشواهد ندارد وبترتیب حرف اوّل ودوّم مرتب گردیده وحرف اوّل باب وحرف دوّم را فصل ، موافق حروف تهجی قرارداده ودرحدود (۲٦۷۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲٤۲ درقسطنطنیه بنام « اختری کبیر » چاپ سربی شده است .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی شرّفنـا بالنّطق والبیـان ، و فضّلنـا بالفصاحة والتّبیان الخ .

انجام: البهماء صحرا مفازه کبی ، البهمور الرجل الکثیرالکدو یری کوترن بالق .

(۸۸۹)

لغت کبیر اختری

این نسخه بخط نسخ محمد بن حـاج قرط بسال ۱۱۲٤ نوشته شده ، فصول وابواب باشنجرف میباشد ، پس از اتمام نسخه محمد داودالحسینی قصیده انشاء وبخط خویش نگاشته ومطلع آن اینست : العین‌من‌فقدالشباب تدمع ـ والقلب‌من تدکاره یتوجع . نسخه در آب افتاده ولی خطوط ضایـع نشده برگ اوّل وآخر وصّالی گردیده و پشت هردو یادداشتهائی است .

جلد چرمی ضربی ، کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۳۹۸) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۲۹سانتیمتر) . عرض (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۳٦) .

(۱) در آخر نسخه چاپی این کتاب (شمارهٔ ۳۷ کتابخانه است) پس از آخرین لغت که در مقابل انجام نقل گردیده عبارتی از مصنف که حاکی از سال تالیف می باشد نگاشته شده ولی در آخر نسخه خطی نیست .

[۳۷۲] لغت نعمة الله رومی (فارسی بترکی)

در مقدّمه این کتاب مؤلّف خود را « نعمة الله بن احمد بن مبارك رومی » معرّفی نموده و گوید که این کتاب را باکوشش بسیار ازچندین لغات جمع کردم، همچون اقنوم عجم و قائمه لطف الله حلیمی ووسیلة المقاصد ولغة قره حصاری و صحاح عجم دیرینه مختصر وصحاح عجم جدید کبیر (۱) و جزاینها ازبسیار کتب چیدم و برسه قسم مرتب ساختم. **اول** مصادر آوردم که اصل است **بعد** از آن قواعد این زبان دری ایراد کردم **بعد** از آن اسماء جامده ومشتقّه وترتیب حروف را برقاعدهٔ اقنوم عجم مرتب کردم اوّل بامفتوحه ثانیاً بامکسوره ثالثاً مضمومه تا یافتن لغت مطلوب آسان شود .... و نامش را بنام خود اضافت کردم یعنی **لغت نعمت الله** نهادم.

در ص ٦۰۷ ج ۲ کشف الظنون وفات این مؤلّف بسال ۹٦۹ ثبت گردیده ودرص ۱۲۵ « العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم » (۲) نوشته شده : مولی نعمة الله الشهیر بروشنی زاده پدرش قاضی پاره ای از قصبات بود ، چون لبیك حق را اجابت گفت اموالی زیاد برای پسر گذاشت وی دراندك زمان درهوا وهوس آنها را صرف نمود ، از آن پس درطلب دانش افتاد وبسیار از محافل درس را حاضر شد ومدرس مدارس روم گردید وبمرتبه قضاوت حلب وبغداد ومدینهٔ منوره رسید و در این شهر اخیر بسال ۹٦۹ جهان را وداع کرد و گویند در علم کلام دستی توانا داشته وداستان زیرین را برخی از ثقات از وی نقل نمودند و آن اینست :

در روزگار قضاوت بغداد جمعی از اهالی یکی از محلات آنجا توسعهٔ مسجد جامع خودرا خواستار شدند خواهش آنها را بعرض پادشاه رساندم جواب مساعد رسید چون شروع بکارشد دراطراف جامع قبرهائی کهنه یافت شد که یکی از آنهاقبرشریف مرتضی علی بن طاهر

(۱) کشف الظنون گوید : اقنوم درلغت فارسی است وقائمه لطف الله حلیمی در توضیح کتاب بحرالغرائب وی درلغت فارسی بترکی است و وسیلة المقاصد درلغت فرس تالیف خطیب رستم مولوی میباشد وصحاح العجم تالیف محمد هندو شاه ودومختصر است معروف بدیرینه وجدید . و لغت قره حصاری همان اختری مؤلفه بسال ۹۵۲ میباشد که در ص۲٦۳، ۲٦٤ معرفی از آن گردید .

(۲) این کتاب در حاشیه وفیات الاعیان ابن خلکان (ج ۲ ص۹۵ تا ٤۲٤) بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حقیقت ذیل شقائق النعمانیه است .

بود ، بر آن شدیم آنها را برداریم چون قبر شریف را گشودیم او را چنان دیدیم که گویا دیروز بخاك سپرده شده ، یکی از همراهان کفن‌را بالا زد پیرمردی نیکومنظر آشکار شد که دارای ریشی زیاد بود وابداً در او تغییری پیدا نشده و گویا زنده و خوابیده است ، برما ترس وهیبت حکمفرما شد واقدام بر بیرون آوردن ونقل آن ننمودیم قبر را پوشیده واو را واگذاشته وقبر او در مسجد شریف ماند و این مرد از فرزندان علی‌بن‌ابی‌طالب کرم الله وجهه میباشد که امام در کلام وادب وشعر بوده الخ .

نظیر این حکایت و داستان را از معمّرین و موثّقین طهران راجع به صدوق محمد بن علی بن بابویه متوفی بسال ۳۸۱ که اینك قبر وی در جنوب طهران در حوالی شهر ری میباشد نگارنده شنیده و حکایت نبش قبر حرّ بن یزید ریاحی رحمه‌الله نیز مشهور است .

نگفته نماند که جز این نعمت‌الله درقاموس‌الاعلام ترکی وشذرات‌الذهب ج ۱ وشقائق نعمانیه والعقدالمنظوم نعمت الله رومی نیافتم و عدم ذکر نام پدر در این کتاب اخیر موجب شبهه دردو نفر بودن مؤلّف باروشنی زاده نخواهد بود .

برمؤلّفهٔ دیگر از این مؤلّف دست وخبر نیافته و این کتاب که مقدّمهٔ آن بپارسی و ترجمه لغات آن بترکی است درحدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد و گاهی برای لغات شواهدی از اشعار فارسی آورده است .

آغاز: بسمله حمد بی‌قیاس وشکر باسپاس آن مالك بی‌همتائی را که ملکش بی انبازست الخ .

انجام: «یویو» بویمل قوشی ، « یویه » آرزومند ، « یهه » مثله ، «یهره» مثله .

(۸۹۰)

لغت نعمة‌الله رومی

این نسخه بخط نستعلیق فضل الله نام بسال ۱۰۵۸ نوشته شده ، نام پدر کاتب را و نام شهریکه در آنجا نگارش یافته محو کرده‌اند ، شرحی بسال ۱۲۸٤ رضاقلیخان هدایت در تبریز مبنی بر اینکه این نسخه را خریده اند بر ورق ننوشته ایکه پیش از ورق اوّل نسخه میباشد یادداشت کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۰۳) . صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲) .

[۳۷۳] لغت نوائی (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی ازوزرای دانشمند دانش گستر قرن نهم هجری بوده و گذشته ازاینکه مؤلفات نظم ونثرازخود بیادگار گذارده ، مشوق تألیفهای گرانبهائی میباشد که در این فهرست بسیاری از آنها معرفی خواهد گردید ، در اشعار امیرمذکور لغات ترکی جغتائی بسیار وجود دارد ، جمعی بر آن شده که آنها را گرد آورند وبفارسی یاترکی تفسیر نمایند ، میرزامهدیخان منشی نادرشاه که خودیکی ازعلاقمندان باشعار امیر علیشیر میباشد لغات نام برده را جمع و بشرح آن پرداخته ونام آن را « سنگلاخ » گذارده ونسخه آن در کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد ، درمقدمه آن اشاره بآنهائیکه بتفسیر لغات امیرمبادرت نموده اند مذکور و عین آن را در اینجا می آوریم :

اما بعد چون بنده حقیر محمد مهدی غفر ذنوبه ، از مبادی حال بخواندن اشعار امیر نافذالامر کشور بلاغت گستری و سخن آرائی امیرعلیشیر نوائی ، شوقی تمام وبدانستن آن کلام میل مالا کلام داشت ، بعد از آنکه فی‌الجمله تتبعی حاصل شد ، منوی خاطر گشت که لغات مشکلهٔ آنها را جمع سازد وبرمعانی آن لغات کتابی بپردازد ، اگرچه دونفر رومی که اسمشان درتالیفشان مذکور نیست وطالع نام هروی (۱) وفراغی وندرعلی ومیرزا عبدالجلیل نصیری ازلغت فهمان این فن کتابها برلغت نوائی مدون ساخته اند الخ .

نسخه ذیل فاقد نام مؤلف میباشد و ازقرائن مؤلف شناخته نشد ، چون نسخه سال ۱۰۵۱ نوشته شده وامیر در سال ۹۰۶ وفات یافته تألیف کتاب میانه این دو سال بوده ودر حدود (۱۶۸۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله عشق و محبت میخانه سپینوبك رند قدح پیمای وشعر و بلاغت کاشاسنوبك الخ .

انجام: « یولداماق » یول کوسترمك بیت :

اول زمان لطف پرلاقولداقولوم واخی اوزجانبکغه بولدایولوم .

تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

---

(۱) لغت این مؤلف بدایع اللغه نام دارد و در ص ۱۶۰ و ۱۶۱ شرح آن گذشت .

(۸۹۱)

لغت نوائی این نسخه را بخط نستعلیق رجب بن محب علی شاملو بسال ۱۰۵۱ بفرمان زال بیك قورچی خاصه نوشته ومهرزال بیك زیر آخرین سطر نسخه میباشد ودو صفحه اوّل تذهیب شده و لغات باشنجرف و صفحات بجدول بطلا است ، پشت آخرین صفحه وورق سفیدیکه پس از آن بوده ابیاتی از امیرنوائی ودیگران نوشته شده ، مجالس النفائس امیرعلیشیر ورساله ای در معرفت تقویم ازقاسمعلی ضمیمه داردکه هریك درمحل خود معرّفی خواهد شد .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق نسخه (۴۰) تمام اوراق(۱۱۸) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹سانتیمتر) .عرض (½ ۱۲سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰) .

[۳۷٤] مبانی اللغه = مقدمه سنگلاخ (فارسی)

در ذیل « بدایع اللّغه » در ص ۱٦۰ و ۱٦۱ و « خلاصهٔ عبّاسی » درص ۱۷۳ و ۱۷٤ و «لغت نوائی» در ص ۲٦۷ گفته شد که میرزا مهدیخان منشی نادر شاه لغات ترکی جغتائی راکه امیر علیشیر در اشعار ومؤلّفات خویش آورده و آن را « سنگلاخ » نام گذارده و نسخهٔ از آن در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است (۱) .

مؤلّف در سنگلاخ پیش ازشروع بنقل لغات و ترجمه فارسی آنان مقدّمه ای درقواعد زبان ترکی بفارسی نگاشته ودر ابتداء آن تصریح نموده که نام این مقدّمه را مبانی اللغه نهادم ، وموجب این تألیف آن بود که جنین مشهور گردیده وفراغی درمؤلفه خود نوشته که زبان ترکی دارای قواعد ونحو وصرف نیست . پس از تتبع و مطالعه بر آن شدم که آنچه ازقواعد بدست آورده ام دراین مقدّمه بنگارم .

بنابراین بایستی این کتاب را درفصل صرف ونحو جای دهم ولی جون حقیقة جزء ومقدّمهٔ کتاب سنگلاخ میباشد و آن کتاب درلغت است دراین فصل گذارده شد .

مؤلّف مبانی اللّغه میرزا مهدیخان منشی نادرشاه مؤلّف دره نادری وجهانگشای

---

(۱) خلاصه عباسی مختصر همین کتابست و در ص ۷۳ . و ۱۷٤ معرفی کامل ازآن گردید .

نادری و منشآت معروف میباشد و این سه کتاب چاپ گردیده و بگفته آقای تربیت مبانی اللّغه نیز درتبریز چاپ شده. ومیرزا مهدیخان گذشته ازمقام منشی گری در سال آخر عمر نادرشاه (۱۱۶۰) بسفارت روم (ترکیه فعلی) رفته و نیـز بگفته آقای تربیت که خودرا ازنواده های ایشان میدانند پس‌ازمرگ نادر به تبریز آمده وبا فاصله کمی درآنجا وفات یافته و تاریخ روزانه نادر را نوشته ولی نسخه آن در دست نیست .

این کتاب یامقدّمهٔ سنگلاخ در حدود (۲۸۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله الذی لایستقصی حمده بلغات مختلفه والسنة شتی . . . . وصعوبت لغات آنرا سنگلاخ موسوم ساختم و بعضی از اشتباهات سلف را . . . مقدمه اگرچه نظربقاعدهٔ لغت نویسی بایست که همه جا حرف پ و چ و گ قید عجمی وعربی . . . . . . از آنجا که دانستن آنها برطالبان لازم بود آن ضوابط و قواعد را درضمن یك ترصیف ونش مبنا مرقوم و بشواهد و حجج مبرهن و معلوم ساخته و آنرا بمبانی اللغه موسوم وچون الی الآن کتابی بدین نحو بصرف همت احدی برصرف ونحو لغت ترك تألیف نگشته الخ .

مؤلّف هم مبنائی را برابواب وهربابی را برفصول یااقسام یا رسم هائی منقسم نموده است .

(۸۹۲)

مبانی اللغه یا مقدمهٔ سنگلاخ این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننوشته ، بسال۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضادیه شده ورق اوّل وآخر وصّالی گردیده وچند ورق کاغذ ننوشته درابتداء نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰) . صفحه ای (۲٤) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۲۰سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۸) .

[۳۷۵] مثلثات قطرب با ترجمه فارسی (عربی و فارسی)

لغات عربی راکه ازحیث لفظ یکی‌وازلحاظ حرکات سه قسم خوانده میشود

و معانی آنها متعدد میشود مثلث گویند و نخستین کس که بجمع آن مبادرت نموده قطرب ابوعلی محمدبن المستنیر بن احمد بصری متوفی بسال ۲۰۶ میباشد که شاگرد سیبویه بوده واو ویرا از اینرو کـه صبح بسیار زود بخانهٔ استاد می آمده قطرب لقب داده است و این مثلّثات را بسیاری شرح نموده‌اند ، نام جمعی از آنها درص ۳۷۶ ج ۲ کشف‌الظنون ثبت گردیده وفیروزآبادی صاحب قاموس نیز بر این کتاب شرحی دارد و نسخه آن در دارالکتب میباشد و پس از قطرب دانشمندان ولغویین دیگر بجمع بسیاری ازلغات مثلثه پرداخته اند .

نسخه ذیل شامل (۱۰۷) لغت ازلغات مثلّثه بترتیب حروف تهجّی بلحاظ اوائل کلمات میباشد و در ابتداء آن این عبارت نوشته شده : بسمله قال الشیخ الامام قدوة الفضلاء سیّد الادباء افتخار العلماء قطرب بن احمد البصری نور الله مضجعه هذا کتاب المثلّث الفته علی وجوه الثلاث من الفتح و الکسر و الضم و بالله التوفیق .

بنابر تصریح کشف‌الظنون و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب و جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللّغه العربیّه ص ۱۲۵ مثلّثات قطرب بصری مشهور بنظم و چنین ابتدا شده : یامولعاً بالغضب ـ فی الهجر والتجنب ـ فی جده واللعب . ولی در نوشته شده که مثلث قطرب بنثر وبعضی آنرا نظم بسته اند و آغاز مذکور منظوم رانقل کرده‌اند این نسخه بنثر میباشد و آغاز آنهم نقل خواهد شد و چنانکه نقل شد مؤلّف درنسخه قطرب بن احمد بصری معرفی گردیده وبدین نام در کتب رجال کسی را نیافتم و بنظر نگارنده این کتاب مثلث نثر از قطرب نحوی مذکور فوق میباشد وکاتب باء قطرب را با نام پدر وی ذکر ننموده و نام جدّ اورا آورده است .

درشذرات الذهب مؤلّفات زیرین به قطرب نسبت داده شده : معانی القرآن الاشتقاق ، القوافی ، النوادر ، الازمنه ، الصفات ، العلل فی النحو ، الاضداد ، خلق الانسان ، خلق الفرس ، غریب الحدیث ، کتاب الهمز ، کتاب فعل وافعل ، الرد علی الملحدین فی متشابه القرآن و مثلث و غیره است .

آغاز : الاَثر ، الاِثر ، الاُثر ، الاَسر ، الاِسر ، الاُسر .
روایت کردن ، رفتن از بعد چیزی ، نشان . اسیر ، آفریدن ، بول بستنك .

(۱) این شرح با مراجعه به ص ۳۷۶ ج ۲ کشف‌الظنون وص ۱۵۱۶ و ۱۷ معجم المطبوعات و ص ۷۸ فهرست ابن ندیم و ص ٤۹٤ ج ۱ و فیات الاعیان و ص ۱٤ ملحق سوم جزء ۲ دوم فهرست دارو بغیة الوعاة سیوطی درتحت عنوان محمد بن المستنیر نوشته شد .

انجام: الوِجد ، الوُجد ، الوجد . الوَرد ، الوِرد ، الوُرد .
اندوه یافتن ، آفت ، فراخ دستی . گل ، نماز ودعا ، شیرسر خ .

(۸۹۳)

مثلثات قطرب این نسخه ضمیمه کتاب « مختصر الصحاح » میباشد که بشمارهٔ (۱۱۰) دراین کتابخانه میباشد و در حرف میم آنرا معرّفی خواهیم نمود ونویسندهٔ آن و این کتاب مثلث محمدبن عبدالکریم بسال ۹۲۸ است وترجمهٔ فارسی هریك از لغات نیزدرزیر آنها نگاشته شده ، مترجم نام خود رانبرده و خصوصیّات دیگر در ذیل مختصر الصحاح درص ۲۸۲ گفته خواهد شد .

[۳۷٦] مثلث منظوم (عربی بفارسی)

مثلّثات قطرب را با ترجمهٔ فارسی آنها بدیعی در (۹۸) بیت بنظم در آورده ومکرراً بانصاب الصبیان وبسال ۱۲٦۵ بانصاب مثلث چاپ شده است در تذکره هفت اقلیم بنام **بدیعی** دو نفر نام برده شده ، در ص ۱۱۵۳ نسخه خطی این کتابخانه درذیل سمرقند گوید :بدیعی مشهور بمولانازاده دروسعت مشرب واطلاع برعلم تاریخ و وقوف درعلوم غریبه ازهنرمندان آن خطّه بوده . و در ص ۱۰۲٦ نسخه مذکوردرذیل تبریز گوید : ازشعرای غیرمشهوراست واحوالش بنظر نیامده .
در ص ٦۵ دانشمندان آذربایجان در تحت عنوان **بدیعی حکیم** گوید : دیوان غزلیات کوچکی از این بدیعی نزد نگارنده هست وباغلب احتمال منظومهٔ مثلّثات لغت نیز باید از آثار همین بدیعی باشد الخ .

آغاز : از پس حمد خداوند زمین و آسمان
در لغت نظمی کنم همچون لآلی عمان
ازیکی لفظ ارسه معنی خواهی ای صاحب کمال
اوّلش را فتح و کسر وضم بدین ترتیب دان
رَبّ دان پروردگارو رِب دان جمعی زخلق
رُبّ آب خالص ازانگوروسیب و ناردان

انجام:

اینچنین نظم بدیعی را **بدیعی** کرد نظم تابوددرروزگار ازوی‌همی نام‌و نشان
هست‌دروادی‌عصیان‌تشنه‌زآب‌مغفرت ساز سیرابش الهی یاآله انس‌و جان .

(۸۹٤)

مثلث منظوم این نسخه‌در حاشیه کنزاللّغه‌ایستکه بشمارهٔ (۱۰۷) در این کتابخانه میباشد و محمد امین‌بسال ۱۰۹۰ نویسندهٔ آنست، نویسنده نسخه‌نام برده نوشته ، خصوصیات نسخه بشماره (۷۸۰) این فهرست در ص ۲۵۳ مراجعه شود .

[۳۷۷] مجمع البحرین (عربی)

مؤلّف این کتاب شیخ طریحی ره است (فخر الدّین بن محمّد بن‌علی بن احمدبن طریح النجفی متوفی بسال ۱۰۸۵) (۱) کـه از علماء امامیّه در قرن یازدهم هجری ومعاصر باشیخ حرّ عاملی بوده و اودرامل‌الآمل‌نام‌وی را برده و گویدفخرالدین‌بن محمّد .... طریحی‌مردی فاضل وپرهیزکار وعابد وفقیه وشاعرمیباشد ودیگران همین صفات را دربارهٔ وی نوشته ومؤلّفات اورا ذکر نموده‌اند ، صاحب روضات اقوال علماء رجال رادر بارهٔ وی نقل نموده و آنچه هریك راجع بمؤلّفات ایشان نوشته‌اند ذکر کرده و در آخر گویند که صفی الدّین طریحی پسر فخرالدّین در پاره‌ای از اجازات خود مؤلّفات پدررا بدین تفصیل آورده : کتاب **جامع المقال** فی تمییزالمشترک من الرّجال (۲) واین کتاب‌برای‌رفع حاجت‌محدّثین‌بی‌مانند‌است،

---

(۱) روضات ص ۵۱۰ ، لؤلؤالبحرین ص ٤۵ ، امل‌الامل ص ٥٦ ج ۲ ، هدیة الاحباب ص ۱۹٤ برای نوشتن این شرح مراجعه شده و جز لؤلؤ که فقط ایشان را بنام فخر الدین طریح نام برده همه اجداد مؤلف را چنانکه ما نیزذکر نموده ایم آورده اند ولی مؤلف در آخرجلد اول ودوم‌مجمع‌ودیگر مولفات‌خود را بدین‌نحومعرفی نمود : فخرالدین ولدمحمد علی طریح النجفی.

(۲) در لؤلؤ بنام جامع المقال کتابی نام‌برده شده و گوید از مؤلفات وی کتاب تمییزالمتشابه من اسماء الرجال میباشد وخالی از اجمال هم نیست .

و در روضات بنقل از صفی الدین پسر طریحی دررجال کتاب « جامع المقال فی تمییز المشترک من‌الرجال» بشیخ طریحی نسبت داده شده و بمصداق اهل البیت ادری بمافی‌البیت این نام صحیح‌و آنچه صاحب لؤلؤ نقل کرده‌اند مختصر این نام باا‌ندك نصرفی در آنست .

کتاب **فخریه** کبری و **فخریه** صغری فتاوی راجعهٔ بطهارت و صلوة است ، و **الضوء اللامع** فی شرح مختصر الشرایع ، شرح رساله شیخ حسن بن الشهید الثانی (صاحب روضات نقل نموده که شرح **اثنی عشریه** درصلوة شیخ حسن بن الشهید ثانی از او است) ، **حاشیه** بر معتبر محقق حلّی ، کتاب **اللامع** فی شرح الجمع ، **اثنی عشریه** الاصول ، **فوائد** الاصول ، **شرح** المبادی للعلاّمه ، **الاحتجاج** فی مسائل الاحتیاج ، **کشف** غوامض القرآن ، غریب القرآن (۱) ، **جواهر** المطالب فی فضائل علی بن ابیطالب ، الکنز المذکور فی عمل الساعات والایام واللیالی والشهور ، **مراثی الحسین** سه مجلّد کبیر وصغیر ووسیط (۲) ، **تحفة** الوارد وعقال الشارد ، **مجمع** الشتات ، **النکت** اللطیفه فی شرح الصحیفه ، **مستطرفات** نهج البلاغه ، **عواطف** الاستبصار للشیخ الطوسی ، **جامعة** الفوائد ردّ بر محمّد امین ، **ترتیب** خلاصة العلامه ، ومجمع البحرین ومطلع النیّرین (همین کتاب) وغیراز اینها است .

صاحب روضات کتابی بنام **الاربعین** بنقل ازلؤلؤ البحرین بشیخ طریحی نسبت داده ولی در نسخهٔ چاپی لؤلؤ نگارنده نیست ودر امل الامل است که طریحی را رسائل واشعار بسیار میباشد .

مجمع البحرین طریحی یکی از کتب مشهورهٔ درلغت میباشد ، مؤلّف در مقدّمهٔ آن گوید : چون توفیق برتشرّف و مجاورت مکّهٔ معظمه و مشهد مقدّس حضرت رضا علیه آلاف التحیّة والثناء یافتم کتابهای بسیاردر لغات غریب قرآن کریم و احادیث غیر امامیّه یافتم و دیدم لغتی که مشتمل برلغات غریبه احادیث

---

(۱) صاحب روضات پس از نقل مؤلفات طریحی ازاجازه صفی الدین ولؤلؤ وامل ورياض العلماء گوید : و این مؤلف را مؤلفه دیگری بنام « نزهه الخاطر و سرور الناظر » درغریب قرآن می باشد که بیشتر از هفتاد هزار بیت کتابت دارد . وقسمتی از مقدمه آنرا هم ذکر نموده اند .

صاحب روضات تصور کرده اند که مؤلفهٔ تازه‌ای ازطریحی بدست آورده‌اند درصورتی که این کتاب همانست که صفی الدین بنام « غریب القران » آنرا معرفی نموده است

(۲) در لؤلؤ کتابی بنام « المنتخب فی الزیارة والخطب» به این مؤلف نسبت داده شده و صاحب روضات گوید : بر این کتاب (المنتخب) دست نیافتم وتصور میکنم که این همان کتاب مقتل وی باشد چرا که آنرا «المنتخب فی جمع المراثی والخطب» نامیده‌است.

امامیّه باشد تألیف نگردیده بر آن شدم در این موضوع تألیفی نمایم برای آنکه فائده آن اتم باشد لغات غریب القرآن را هم بآن اضافه نموده و آن را « مجمع البحرین و مطلع النیّرین » نامیدم و ترتیب آنرا موافق صحاح جوهری که بهترین طریقه در تنظیم لغت میباشد مبتنی بر آخر حروف ساختم و الف و همزه را برای آنکه استفاده از آن آسان باشد یك باب قرار دادم . و در آخر کتاب خود تصریح نموده که بسال ۱۰۷۹ تألیف آن خاتمه یافته است .

صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نموده که طریحی خود و پسرش بر مجمع البحرین حاشیه نگاشته اند .

و شیخ یوسف بحرینی در لؤلؤ گوید : مجمع البحرین و مطلع النیّرین در تفسیر غریب قرآن و احادیثی استکه درمیان ما امامیّه صحیح و معمول به میباشد جز اینکه چنانکه باید و شاید شامل تمام غریب نیست و این امر بر آنانکه در این کتاب تتبّع کرده اند مخفی و پوشیده نیست .

صاحب روضات گوید صفی الدّین پسر مؤلف را گذشته از حواشی مجمع «ملحقاتی» بر آن کتابست و فخرالدّین پیش از مجمع کتاب « غریب الحدیث » را تألیف کرده و در آنجا که خود ایشان مؤلّفات پدر را از پسر نقل نمودند دیدیم که بدین نام کتابی نبود و دیگری هم ندیدیم که تألیف چنین کتابی را بایشان نسبت داده باشد ، نگارنده تصوّر میکند که عبارت طریحی درمقدّمه مجمع که ترجمهٔ پارسی آن گذشت ایشان را بدین تصوّر انداخته که اوّل غریب احادیث امامیّه را جمع پس از آن غریب القرآن را بآن اضافه نموده . و نام آنرا مجمع البحرین گذارده و ظاهراً از مقدّمه این نتیجه گرفته نمیشود .

پشت نخستین صفحه نسخه ای از مجمع که بیست سال پس از تألیف نوشته شده و اینك در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است ابیات زیرین به پسر فخرالدّین نسبت داده شده چنین مناسب دید که آنها را در اینجا نقل نمائیم :

دع کتاب الصحاح و القاموسا و بهذا الکتاب کن مأنوسا

فهو النور لم یشبه ظلام اطلع الفکر فی سماه شموسا

کم حوی شرح آیة وحدیث بمعان تسرّ منها النفوسا
فخلیق ان یبذل العلماء العمر فیقرؤه دروسا
و حقیق ان یکتبوه بتبر ویشیبوا به اللحی والرؤسا
لمّا رأینا مجمع البحرین تقذف بالدرر
ویحیط علماً بالکتاب والحدیث والخبر
شرحاً وایضاحاً وجمعاً بالکلام المختصر
حقاً مؤلّفه عرفنا انه بحر زخر
قد فاز بالقدح الرقیب و بالمعلی قد ظفر
فی کلّ حرف من مؤلّفك الجزاء غداً یسرك
فقت الاوائل والاواخر یا ابی لله درك

بنام «مجمع البحرین» کتب زیادی در علوم مختلفه تألیف شده و نام جمعی از آنها در ص ۳۸۳ تا ۳۸۵ ج ۲ کشف الظنون ثبت است.

مجمع البحرین در حدود (۲۶۸۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر در ایران چاپ شده ومؤلّف آنرا دردو مجلّد گذارده (جلد اوّل تا آخر حرف الراء جلد دوّم از حرف الزاء تا آخر کتاب) وفوائدی درمطالب متفرقه در آخر بیشتر نسخ میباشد.

آغاز: بسمله الحمد لمن خلق الانسان وعلّمه البیان والتّبیان و اوضح له الهدی والایمان الخ.

(۸۹۵)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال (۱۱۶۰) نگارش یافته و مشتمل بر تمام کتاب بافوائد ملحقه بآنست، کاتب در آخر کتاب وقبل ازفوائد نام خود را بهاء الدّین بن علی النجفی الشهیر بالغطاوی معرّفی کرده و در آخر قسمت فوائد نیز تصحیح ومقابله آنرا تصدیق نموده است، پشت صفحه اوّل سیّد عبدالله بن محمد رضا شبّر متوفّی بسال ۱۲۴۲ شرحی بخط خویش مبنی بر اینکه این کتاب متعلق بشیخ احمد زین عاملی بوده و نزد ایشان عاریه است نوشته اند و خط شیخ مذکور و بعضی از علماء دیگر نیز در این صفحه موجود

ویکی از یاد داشتهای پشت صفحه‌را محو کرده اند ، چند ورق از اوّل و آخر نسخه وصّالی شده است .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۸) . صفحه‌ای (۳٤) سطر . طول (۳۸ سانتیمتر) . عرض (۳٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۸٤) .

(۸۹٦)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب باقسمت فوائد ان میباشد ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته و فقط بتاریخ تألیف آن قناعت کرده پشت صفحهٔ اوّل یادداشت هائی مشتمل براخبار و مطالب متفرقه نوشته‌شده ودر آنجا است که بسال ۱۲٤۰ داخل کتابخانه یکی از شاهزادگان گردیده ومهری بدین سجع در ذیل آنست : (الواثق‌الراجی محمد رضا) . ودرحاشیهٔ چند ورق اوّل‌مطالبی‌بخط مرحوم اعتضادالسلطنه موجود وزیر بعضی را بعنوان « وزیرعلوم » امضاء کرده است .

جلد چرمی روغنی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۷۰) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷۷) .

(۸۹۷)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ محمد تقی بسال ۱۲٤۱ نوشته شده وشامل مجلّداوّل کتاب است(از اوّل تا آخر حرف راء) ورق‌اوّل وصّالی شده ولغات آنرا باسرخی‌نگاشته‌اند .

جلد ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۹٤) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (½ ۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷۹) .

(۸۹۸)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنهٔ (۱۲۲٤) نوشته شده وشامل‌تمام کتاب(بدون فوائد) میباشد ، یك صفحه از اوّل کتاب افتاده و اوّلین سطر موجود این است : (سواء علیهم استغفرت لهم ام‌لم تستغفرلهم وللانکار الابطالی‌فتقتضی بطلان مابعد ها الخ) . ورق‌اوّل و آخر وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۵۶) . صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۰) .

(۸۹۹)

مجمع البحرین — این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنهٔ (۱۲۵۹) تحریر یافته وشامل تمام کتاب بافوائد آن است ، درپشت صفحه اوّل یادداشت هائی ازمالکین نسخه‌درهروقت نوشته شده وقبل از آن سه ورق کاغذ ننوشته است که برروی صفحهٔ اوّلی محاسبهٔ باسیاق و صورت رملی یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۹۸) صفحهٔ (۳۱) سطر . طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۷۸) .

(۹۰۰)

مجمع البحرین — این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵٤ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، مجلّد اوّل کتابست ، لغات در متن و حاشیه باشنجرف نگاشته شده وصفحات بجدول بدانست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳٤۳) صفحه‌ای (۲۰و۲٤) سطر . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۰۳) .

(۹۰۱)

مجمع البحرین — این نسخه مجلّد دوّم ونگارش نویسنده نسخه بالا بسال ۱۲۵٦ میباشدونیز لغات درمتن وحاشیه باشنجرف وبجدول بآنست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره‌زده . واقف سپهسالار . شمارهٔ اوراق (۲٦۲) . صفحه ای (۲٤) سطر . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰٤) .

(۹۰۲)

مجمع البحرین — این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، شامل تمام کتابست (فوائد را ندارد) ، لغات باشنجرف وظاهراً ازخطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، وقفنامهٔ آن پشت

ورق اوّل نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۹۰) صفحه ای (۳۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۸۱) مدرسه مشیرالسلطنه .

[۳۷۸] مختارالصحاح (عربی)

این کتاب از آنهائی است که از صحاح اللّغه (در ص ۱۹۲-۱۹۷ معرّفی شده) مختصر شده ، مختصر کننده زین‌الدّین محمّدبن شمس‌الدّین ابی بکررازی حنفی از علمای قرن هشتم هجری میباشد و تنظیم آن نیز بترتیب صحاح‌اللّغه مبنی بر حروف آخر لغاتست .

درص ۹۱۷ معجم المطبوعات بدون ذکرمأخذ نوشته شده : محمدبن ابی بکر رازی ازعلماء قرن هشتم هجری وتا سال ۷۶۸ زنده بوده و مؤلّف کتاب « الذّهب الابریزفی تفسیرالکتاب‌العزیز » و « روضة الفصاحه » درعلم بیان و « شرح مقامات حریری (۱) » میباشد و این اخیرچاپ نشده ونسخه ای ازاین شرح در کتابخانهٔ دارالکتب‌المصریّه و نسخه ای در کتابخانهٔ تیموریه میباشد و « انموذج جلیل فی اسئلة واجوبة من غرائب آی‌التنزیل » که درحاشیه تفسیر عکبری چاپ شده و « مختارالصّحاح » میباشدکه مکرّر چاپ گردیده و محمود خاطربیك آنرا بترتیب حروف اوائل مرتب نموده و آن نیز بسال ۱۳۲۳ بچاپ رسیده است .

مختارالصحاح یکی از کتب معروفه ومختصرهٔ لغت میباشد ، مؤلّف درمقدّمه آن بمعرّفی کتاب پرداخته وگوید :

این مختصری‌است، درعلم لغت که‌از کتاب صحاح‌جوهری جمع گردیده، چرا که صحاح بهترین وناقعترین کتب لغت میباشد ونام آنرا « مختارالصحاح » گذاردم ودر این اختصار اقتصار برلغاتی شده که هرفقیه و حافظ و محدث و ادیب ناچار بدانستن وحفظ آن است و زبان زد ایشان میباشد و مراعات لغات مهمه مستعمله ، خصوصا درقرآن عزیز واحادیث نبویه ... گردیده و از ذکر لغات مشکله و غریبه برای اختصار خود داری شده وگذشته از آنچه درصحاح بوده ازتهذیب‌اللغه ازهری ودیگر کتابهای مهمه لغت دراین کتاب لغاتی نقل گردیده وآنچه پس ازلفظ : قلت ذکر شده از فوائدی است که براصل کتاب اضافه شده و ازآنهائی است که خدای دانش آن را بمؤلف ارزانی داشته الخ .

(۱) این شرح مقامات حریری را حاجی خلیفه در کشف الظنون نام نبرده است .

پیش ازشروع بذکر لغات مطالب مهمّه ایکه دانستن آنها مراجعه کننده بلغت را لازم است درسه قاعده آورده شده و گذشته از آنچه درمقدّمه ذکر شده شواهد صحاح را هم برای اختصار نیاورده و چنانکه در آخر کتاب تصریح کرده بسال ۷٦۰ این اختصار خاتمه یافته است .

آغاز : بسمله الحمد لله بجمیع المحامد علی جمیع النعم والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّدالمبعوث الی خیرالامم وعلی آله وصحبه مفاتیح الحکم ومصابیح الظلم قال العبدالفقیر الی رحمةالله ومغفرته محمّدبن ابی بکربن عبدالقادر الرّازی رحمةالله علیهم هذا مختصر فی علم اللّغه .... وسمیّته **مختار الصحاح** واقتصرفیه الخ .

(۹۰۳)

مختار الصحاح این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، از کیفیت خط معلوم میشود که نویسنده ترك نژاد بوده و در قرن یازدهم هجری نگاشته شده در حاشیه از کتب مجمل اللّغه ، قاموس ، اختری ، مغرب ، صحاح ، ودیگر کتابها مطالبی نقل گردیده و برچهارورقیکه پیش ، و یك ورقیکه در آخر نسخه است مطالب متفرقه ای از تفسیر واشعار ولغت وغیره یادداشت شده وپشت صفحهٔ اوّل نسخه یادداشتهائی از مالکین نسخه پیش از وقف براین کتابخانه میباشد و از آخر درحدود دوورق افتاده و آخرسطر آخرین صفحه موجود که درذیل لغت **ما** میباشد نوشته شده :

قال ابو عبید تنسب القصیده الّتی قوافیها علی ماماویّه وقول الشّاعر اماتری یعنی ان تری و تدخل تمّ الکتاب تم پس ازلغت **ما** لغات چندی است که بیان راجع بآنها در این نسخه نیست

وبامراجعه نسخهٔ چاپی مختارالصّحاح دانستیم کـه قسمتی از آخر کتاب در حدود (۲۰۰) بیت این نسخه ناقص است وتمّ الکتاب هم دراین نسخه الحاقی است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۹۱) صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲٤سانتیمتر) . عرض (۱٦سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹۵) .

|۳۷۹| **مختصر الصحاح** (عربی)

نسخه ایکه خصوصیات آن درزیراین سطور گفته خواهد شد یکی از مختصرات

صحاح اللّغه جوهری است که معرّفی از آن گذشت، در اوّل و آخر نسخه نامی از مختصر کننده نیست و جز مقدّمه‌ای در چند سطر بر مطالب صحاح چیزی زیاد نگردیده که در آن زوائد اشاره‌ای و دلیلی بر مختصر کننده باشد و چنانکه در مقدّمه تصریح شده آیات و احادیث و ابیات استشهاد شده و قواعد صرفیّه و نحویّه را که صحاح شامل بود جز بسیار کمی از آنها در این مختصر نیست . و در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت این مختصر است .

مختصر کنندگان صحاح را که بر نام آنها دست و خبر یافته ام در اینجا می آورم واحتمال میدهم که این مختصر از آثار ابن صائغ دمشقی (شمس الدّین محمّد بن حسن بن سباع متوفّی بسال ۷۲۰) بوده باشد ولی جازم بر آن نیستم و مختصر کنندگانیکه حاجی خلیفه در ص ۷۵ ج ۲ کشف الظنون یاد نموده اینانند :

۱ ـ شمس الدین محمد بن حسن بن سباع المعروف با بن الصائغ الدمشقی متوفی بسال ۷۲۰ ودر این مختصر شواهد حذف گردیده است .

۲ ـ محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی متوفی پس از سال ۰۰۰ مختصر خویش را که بسال ۷۶۰ انجام یافته «مختار الصحاح» نامیده (این کتاب را در ص ۲۷۸ و ۲۷۹ معرفی کامل نمودیم) .

۳ ـ مولی محمد معروف به العیشی متوفی بسال ۱۰۱٦ نیز از مختصر کنندگان میباشد و گفته میشود که اختصار وی سود مندتر و بهتر از مختار الصحاح است ولی این مؤلفه مشهور نشده .

٤ و ٥ ـ محمود بن احمد زنجانی متوفی بسال ۰۰۰ . از مختصر کنندگان کتاب صحاح میباشد ودر کشف الظنون عبارت مذکور در مقدمه « تنقیح الصحاح » را که در ص ۱٦٦ معرفی از آن نمودیم بدون ذکر ماخذ آورده وما از مقدمهٔ تنقیح نقل نمودیم که مؤلف آن بدواً مختصری در حدود پنج یك $\frac{1}{5}$ صحاح بنام « ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح » تالیف پس از آن باز آنرا مختصر نموده ونام آنرا « تنقیح الصحاح » گذارده واین مختصر ده یك $\frac{1}{10}$ اصل کتاب گردیده است .

٦ ـ و دیگر از مختصرات صحاح بنام « نجد الفلاح » و مانند مختار بحذف شواهد می باشد (نامی از مؤلف مختصر نبرده است) .

ونیز در ص ۷٦ ج ۲ کشف الظنون نگاشته شده :

۷ ـ پیر محمد بن یوسف الانقروی صحاح اللغه را ترجمه کرده ودر آن ذکر نموده که چون از کتاب « ملتقط الصحاح » فراغت یافتم گروهی را بترجمه آن مائل دیدم از اینرو بر آن شدم و آن را ترجمه کرده و « الترجمان » نامیدم

و در ص ٥١٤ ج ۲ درحرف میم نوشته :

« ملتقط الصحاح الجوهری و الملتحق بمختار الصحاح » تالیف پیر محمد بن یوسف القرمانی (کذا فی النسخه والصحیح الانقروی کماصرحنا به آنفا - ابن‌یوسف) الارکلی اوله : الحمدلله بکل‌ماحمده اقرب عباد الیه الخ :

و در ص ۲۷۹ ج ۱ گوید :

« ترجمان » تالیف پیر محمد بن یوسف الانقروی ، لغت ترکی ودر سه مجلد میباشد وآنرا ازجوهری و مغرب وجزاین دو جمع کرده ودر بیست وهشت باب مرتب شده‌است.

تناقض این‌بیان کشف‌الظنون باآنچه پیش‌ازاین دربارهٔ « الترجمان » از وی نقل گردید ، آشکار و محتاج بیان نیست .

صاحب روضات در ص ۱۲۷ ج ٤ بنقل از امل الامل « مختصر الصحاح » را به شیخ مفلح صیمری مؤلف شرح شرایع و شرح موجز و منتخب الخلاف وجواهر الکلمات‌فی العقود والایقاعات که معاصر شیخ علی بن‌عبدالعالی کرکی بوده نسبت داده و نیزدرذیل آن گوید پسر وی حسین بن مفلح معاصر صاحب « مشایخ الشیعه » بوده واو را بی‌نهایت ستوده وگوید که از وی استفاده علمی نموده و بسال ۹۳۳ در حالیکه بیش از هشتاد سال عمر داشت جهان را وداع گفت .

بنابر این این مختصر در قرن نهم هجری تنظیم شده است ونیزصاحب روضات گوید : صیمر چون حیدر وگاهی هم آن‌رامضموم خوانند وصاحب قاموس درماده صمر پس از بیان بالا گوید ونیز نام‌رودخانه‌ایستکه‌دربصره است که بر کنار آن‌دهاتی‌است وصیمره چون‌هیمنه شهری است در نزدیکی دینور و نیز نام بخشی است از بصره که در دهانه رود خانه معقل قرار گرفته و مردمان آنجا مردی‌عاصم نام و پس ازوی پسران اورا پرستش میکنند الخ.

۹ - در امل الامل « مختصر الصحاح » به علی بن یونس عاملی نباطی نسبت داده شده و مادر ص ۲۷۵ درج ۱ فهرست این کتابخانه مؤلفات دیگر این مؤلف را نقل نموده وسال وفات ایشان را سنهٔ ۸۷۷ پیدا کرده ایم .

باتفحص و تجسس در فهارس چاپ شده و استفسار از دانشمندان‌معاصر وفهرست هـای کتابخانهای شخصی که در دسترس نگارنده است مختصر دیگری برای صحاح بدست نیاورده ام .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی فضّل لسان‌العرب علی جمیع اللسان الخ .

انجام : وقد یحذف حرف‌النداء نحو یوسف اعرض عن هذا اذا کان‌المراد معلوما والحمد لله علی‌الاتمام بعون‌الملک العلاّم والصّلوة والسّلام علی‌رسوله‌الانام محمّد وآله‌الکرام وصحبه‌العظام صلوة جامعة بین‌الاسم والمسمّی ومزلفة‌بین‌المکشوف والمعمّی .

(۹۰٤)

مختصر الصحاح این نسخه را بسال ۹۲۸ بخط نسخ محمدبن عبدالکریم بن محمود مشهور به بکسماتی نوشته و پس از اتمام این مختصر مثلثات قطرب که درص ۲۷۰ و ۲۷۱ از آن معرفی شد و پس از آن قوافی تألیف حبیش تفلیسی که نیز درص ۲۵۰ و ۲۵۱ آنرا معرفی کردیم نگاشته شده ، قسمتی از لغات نوشته نشده (بقیه تفسیر ماده رجز تاقسمتی ازماده مرز) دو ورق کاغذ ننوشته بجای آن گذارده شده و در حاشیه بسیاری از صفحات حاشیه هائی از کتب قاموس وصحاح ومغرب و کتب فقه وغیره نوشته اند لغات وابواب وفصول را باشنجرف نگاشته اند ، پشت ورق اوّل یاد داشتهائی از مالکین کتاب در هرعصر ومطالب متفرقه ای میباشد .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰۵) اوراق این مختصر (۲۰٦) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۱۰) .

[۳۸۰] المصادر زوزنی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی(۱) قاضی است و سیوطی در بغیة الوعاة بنقل از عبدالغافر گوید در لغت ونحو وعربیّت امام عصر خویش بوده و بسال ٤۸٦ زندگی را بدرود گفته است (در کشف الظنون نیز همین تاریخ ثبت شده) .

چنانکه در ابتداء دو نسخه زیر و در کشف الظنون ص ٤٤٥ - ٤٤٦ ج ۲ نگاشته شده کتاب «المصادر» از مؤلّفات او میباشد وقصائد « سبعه معلّقه » را هم شرح نموده واین کتاب درایران بسال ۱۲۸۲ ودرمصر و لبنان مکرّر چاپ شده وشرح

---

(۱) در ص ۹۵۸ ج ۲ معجم البلدان نوشته شده : زوزن (بضم و بعضی بفتح اول و سکون دوم وفتح سوم و سکون نون) نام شهری است که میان نیشابور و هرات واقع شده و چون بسیاری از دانشمندان از آنجا برخاسته اند آنرا « بصرة الصغری » نامند و از بیهقی نقل نموده که زوزن نام رستاق وقصبه آن نیز زوزن نامیده میشود ومشتمل بر ۱۲٤ ده میباشد .

ولی نام ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی مؤلف مصادر در این کتاب نیست و در کتابی دیگر جز بغیةالوعاة سیوطی و روضات در ص ۲۳۸ ذیل حسین ابن الحائك ومعجم المطبوعات ص ۹۱۱ و ۹۱۲ واین دو بنقل از بغیه و تاریخ آداب اللغه جرجی زیدان ج ۳ ص ٤٤ نام زوزنی را نیافتم و در ابتدا دو مؤلفه وی بلقب سید معرّفی شده است .

قصیده امرءالقیس آن بسال ۱۸۲۰ م . در پاریس چاپ شده وجرجی زیدان در ص٤٤ ج۳تاریخ آداب اللّغه کتابی بنام «ترجمان القرآن» بعربی وفارسی ، اززوزنی دانسته ونسخه‌ای از آنرا درغوطا نشان داده جزاین سه مؤلّفه از این مؤلّف اثری نیافتیم .

زوزنی مؤلّف مصادر درمقدّمهٔ این کتاب گوید :

این مصادری است که آنها را ترجمه نموده و آنانرا پیراسته‌ام و از اینرو آن را بی شواهد از حدیث وامثال واشعار قرار دادم که اندازهٔ آن کوچك شودواز بر کردن آن آسان گردد و در آغاز هر بابی مصادر افعال صحیحه آن را قرار دادم وپس از آن مصادر معتله را آوردم و تاباخر چنین کردم (مصادر مهموزه را پس از معتله ذکر نموده) و در ترتیب هر نوعی از مصادر صاحب دیوان الادب را اقتدا و متابعت نمودم الخ .

مصادرهریك ازفعلهای سالم ومعتل ومهموز را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها مرتب کرده وابتدا بافعال ثلاثی مجرد نموده پس از آن ثلاثی مزید و از آن پس رباعی مجرد و درآخر مصادر رباعی مزید را آورده است .

این کتاب « مصادر » برای دانستن ترجمه فارسی کلمات عربی مفید ونگارنده برآنم که ابوجعفر احمد بن علی المقری البیهقی معروف بـه جعفرك متوفی بسال ٥٤٤ همین مصادر زوزنی را تهذیب و تنقیح نموده و نام آنـرا « تاج المصادر » گذارده ولی درمقدّمه نامی از زوزنی و کتاب وی نبرده ولی بادقت این معنی را از عبارات آن توان دریافت و آن عبارت از مقدّمه اینست : اما بعد فان هذا مصادر هذّبت فارسیّتها وعرضت علی کتب الائمّة اعربیّتها وجردتها عن الامثال والاشعار الخ .

وگذشته ازاین بخش ازآغاز وانجام لغات هردو کتاب را دراینجا می آورم تاخود مؤید این ادعا باشد وآن اینست :

عبارت آغاز لغات تاج المصادر :

باب فعل یفعل من السالم بفتح العین فی الماضی وضمها فی الغابر :

(۱) نسخه خطی کامل این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و بسال ۱۳۰۱ قسمتی از آن در هندوستان چاپ شده است .

ب « الثقب » سوراخ کردن . « الثقوب والثقابه » افروخته شدن آتش. «والثقوب» بسیار سیر شدن اشتر . « الجلب » گوسفندو اشتر و برده بجای بردن برای فروختن . والغابر یجلب ویجلب « الخلب » چیزی باخویشتن گرفتن و بانگ برستور زدن تا از پیش بشنود . «الجنابه» در میان بیگانگان فرود آمدن . « الجنب » کشیدن اسب و اشتر .

عبارت آغاز لغات مصادر :

باب فعل یفعل بفتح العین فی الماضی و ضمّها فی الغابر من السالم :

ب « الثقب » سوراخ کردن . «الثقوب» افروخته شدن آتش وجز آن . « الجلب » گوسفند و شتر و برده از جای بجای بردن برای فروختن . « الجنب » دور کردن (و بر پهلو زدن - نسخه) . « الجنوب » دور شدن و باد جنوب آمدن یقال جنبت الرّیح ای تحولت جنوباً « الجنب » کشیدن اسب .

عبارت انجام لغات تاج المصادر :

ن « الاقثینان : رمیدن پس بیارامیدن . « الاطبینان والاطمینان والطمانینه » اسم اقیم مقام المصدر . « الاقبئنان الاکبئنان الاقسئنان » سخت تاریك شدن شب ، اقسان الرجل کبر وعسا . « الاکبئنان » واهم آمدن نوع منه . «الاکوینان » کوتاه شدن واکوان الشیخ ارعش والله اعلم .

عبارت انجام مصادر زوزنی :

ن « الاقثینان » بیارامیدن . « الاطمئنان » مثله . « الاقسئنان» سخت شدن از پیری . « الاکبئنان » باهم (فاهم نسخه) آمدن . تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

مصادر زوزنی تاکنون چاپ نشده و درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله علی سوابغ الائه المتسابقه افواجا الخ .

(۹۰۱)

المصادر زوزنی این نسخه را بسال ۷۰۰ ، نظام الدّین افضل بن قاضی محمد بخط نسخ نوشته، ابواب وفصول آنهم باشنجرف نگاشته شده وپشت نسخه بنام تاج المصادر براین کتابخانه وقف گردیده ولی مسلّماً مصادر زوزنی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) عرض (۱۴ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۸۸).

(۹۰۶)

المصادر زوزنی این نسخه را بسال ۱۰۹۹ محمدکاظم بن عبدالغفور برای خود بخط نسخ استنساخ نموده و در آخر و پشت صفحه اوّل یادداشتهائی از مالکین این نسخه درهر عصروزمان نوشته شده برورقیکه درآخر کتاب بوده مطالبی لغوی ونحوی نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن محو نشده و دو ورق اوّل و ّصالی مختصری میخواهد وتصحیح گردیده و بهتر از نسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی شمارهٔ اوراق (۱۲۲) ، صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۹۹).

[۳۸۱] مقاییس اللغه (عربی)

مؤلّف این کتاب ابن فارس میباشد (ابوالحسین(۱) احمدبن‌فارس‌بن‌زکریابن محمد بن حبیب القزوینی الهمدانی الرازی متوفی بسال ۳۱۵)(۲) که ازمعاریف لغویّین ونحویّین قرن چهارم هجری بوده ودرحاشیه ص۸۵ گذشت که بدیع الزمان همدانی شاگرد وی بوده ومقامات خود را در پیروی از او ساخته است .

---

(۱) کنیه ابن فارس درتمام مآخذ ابوالحسین ثبت شده ولی در نامه دانشوران ابوالحسن میباشد و مسلما این دومی غلط است .

(۲) این‌شرح بامراجعه به معجم‌الادبا ج ۲ ص ۶ ـ ۱۵ ، وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۵ و۳۶ ، بغیة‌الوعاة ذیل احمد ، تاریخ آداب‌اللغه العربیه ج ۲ ص ۳۰۹ ، روضات ج ۱ ص ۶۴ و ۶۵ ، معجم‌المطبوعات ص ۱۹۹ و۲۰۰ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۳۲ و ۱۳۳ ، کشف‌الظنون ج۲ ص ۷۳ ، نامه دانشوران ج۲ ص۵۱۱ـ۵۱۵ نوشته‌شده‌ودریتیمةالدهر ازابن‌فارس‌معرفی نشده فقط در آخر قسم سوم بمناسبت نامی از او برده شده و وفات ابن فارس را یاقوت از ابن‌جوزی بسال ۳۶۹ و از خط حمیدی بسال ۳۶۰ نقل نموده و گوید این دو تاریخ را اعتباری نیست چرا که من خط ابن فارس را بر کتاب الفصیح که تالیف خود او بود مورخ بسال ۳۹۱ دیده ام و در آخر نسخه ای از مجمل‌اللغه دیدم که نوشته بود ابن فارس درماه صفر سال ۳۹۵ در ری وفات یافت (قبراو اینك در این شهر معروف نیست) .

در شذرات‌الذهب وفات ابن فارس درذیل وفیات سال ۳۹۰ ثبت شده وسیوطی ازذهبی نقل نموده که بسال ۳۹۵ بدرود جهان گفته است و در کشف‌الظنون ومعجم‌المطبوعات این قول پیروی شده است .

ابن فارس گذشته از اینکه دربسیاری از علوم امام و پیشوا بوده و درلغت ونحو تخصّصی بسزا داشته و در مکارم اخلاق وسعهٔ صدر وبسط ید هم مشهور میباشد ، یاقوت وسیوطی و دیگران درسیره او نوشته اند :

جوانمردی کریم بود ، بسا میشد که لباس و فرش خانه خود را هم بکسی که ازوی چیزی میخواست میبخشید .

ابن‌فارس را ازهمدان برای‌تعلیم ابوطالب بن فخرالدّوله دیلمی به ری خواستند یاقوت گوید : چون‌بدین‌شهر آمد ، مردم آنجارا شافعی یافت، از آن‌مذهب‌صرف‌نظر کرد و مالکی گردید و گفت دلم بحال امام احمدبن مالك سوخت کـه در چنین شهری پیرو نداشته باشد .

سیوطی نیز همین معنی را نگـاشته ولی در نـامه دانشوران مسطور است که چون به ری درآمد جمعی ازمردم آنجارا شافعی وگروهی را حنبلی دید وعبارت مذکـور را برزبان برد و مالکی گردید و این روایت بهتر از روایت اولی بنظر میآید .

محدّث نیشابوری وبعضی‌دیگررا عقیده‌اینستکه‌ابن‌فارس شیعه بوده‌وحکایتی راکه‌صدوق درا کمال‌الدّین وسیّدبحرینی‌درغایة المرام‌و صاحب‌بن‌عبّاددرمؤلفه‌ای ازخودراجع بـاینکه‌جدّطائفه بنی‌راشدمتوطن درهمدان حضرت‌قائم آل‌محمد ص را زیارت نموده از وی نقل کرده اند ، دلیل این مدّعی گرفته اند وترجمه فارسی آن داستان درنامه دانشوران موجود است .

صاحب بن عباد نزد ابن فارس تحصیل نموده و گویند که در باره وی گفته است : استاد مـا از اشخاصی استکه تصنیف نیکو نصیب اوگردیده و کـریم وجوانمرد بود .

درمآخذ مذکوره اشعاری عربی به ابن‌فارس نسبت داده شده واز آنهاست :

اذا کنت‌فی‌حاجة مرسلاً وانت بهـا کلف مغـرم

فارسل حکیماً ولاتوصه — وذاك الحكيم هوالدرهم(۱)

ونیز این اشعار که سه بیت آنرا درص ۵۰ ذیل شرح حال ابن میثم بحرینی نقل نمودیم بدین نحو به ابن فارس نسبت داده شده :

قدقال فیما مضی حکیم — ماالمرء الاّ باصغریه
فقلت قول امرء لبیب — ماالمرء الاّ بدرهمیه
من لم یکن معه درهماه — لم تلتفت عرسه الیه
وکان من ذلّه حقیراً — تبول سنّوره علیه

درمعجم الادباء نوشته شده که ابن فارس دو روز پیش از مرگ این دوبیت را گفت :

یاربّ انّ ذنوبی قد احطّت بها — علماً و بی وبا علانی و اسراری
اناالموحد لكنّي المقرّبها — فهب ذنوبی لتوحیدی و اقراری

ودرنامه دانشوران بنقل ازسیوطی مصرع اوّل وآخررا بایکدگر جمع نموده و یك بیت ترتیب داده و به ابن فارس نسبت داده و دربغیه هم این بیت ونسبت نیست .

مؤلّفات ابن فارس را که دانشمندان یاد نموده اند در اینجا می آوریم :

---

(۱) چندین سال پیش از این در یکی از کتب ادب این دوبیت را بدینگونه دیده ام .

اذا کنت فی حاجة مرسلا — فارسل حکیما ولا توصه
و ان باب امر علیك التوی — فشاور حکیما ولا تعصه

و نیز این دوبیت فارسی را که ظاهراً از فردوسی ویادیگری ازقدما وتقریبا ترجمه آن میباشد بخاطر دارد :

فرستاده باید که دانا بود — بگفتن دلیر و توانا بود
همه گفته خویش انشا کند — بدانسان که مجلس تقاضا کند

وبنظرنگارنده چنین میرسد که دوبیت عربی مذکورازدیگری بوده وابن فارس موافق نظریه حق و صواب : که پول حلاّل مشکلات است ، در آن تصرف نموده باینمعنی که دو مصرع یك بیت از آنرا دو مصرع از دوبیت قرار داده و آن حکیم را درقول شاعر تفسیر کرده که پول است ودر این معنی شاعری فارسی زبان گوید :

خواهی که دل دلبر تو نرم شود — ازخانه برون آید و بی شرم شود
زاری مکن و زورمزن زر بفرست — زر بر سر فولاد نهی نرم شود .

۱ـ فقه اللّغه = الصاحبی(۱) ، ۲ ـ الاتباع والمزاوجه ، ۳ ـ الحجر(۲) ، ٤ ـ مقدمة فی النحو ، ٥ ـ ذم الخطاء فی الشعر (جرجی زیدان نسخه آنرا در برلن نشان داده) ، ٦ ـ فتاوی فقیه العرب ، ۷ ـ اختلاف النحویین (۳) ، ۸ ـ الانتصار لثعلب ، ۹ ـ اللیل والنهار ، ۱۰ ـ خلق الانسان ، ۱۱ ـ تفسیر اسماء النبی ص ، ۱۲ ـ حلیة الفقهاء ، ۱۳ ـ تقدمة دارات العرب ، ۱٤ ـ غریب القرآن ، ۱٥ ـ الفرق(٤) ، ۱٦ ـ تقدمة الفرائض ، ۱۷ ـ ذخیرة الکلمات ، ۱۸ ـ کتاب الثلاثه (فقط جرجی زیدان این کتاب را به ابن فارس نسبت داده و نسخه آنرا در اسکوریال نشان میدهد) ، ۱۹ ـ کتاب الحماسه المحدثه (٥) ، ۲۰ ـ شرح رساله زهری الی عبدالملك بن مروان ، ۲۱ ـ سیره النبی ص ، ۲۲ ـ کتاب

---

(۱) درمعجم الادبا و نامه دانشوران صاحبی یا فقه اللغه دو کتاب شمرده شده درصورتیکه این هر دو یك کتابست و بسال ۱۳۲۸ ازروی نسخه ایکه بسال ۳۸۲ نوشته شده و درقسطنطنیه میباشد چاپ شده است وچون این کتاب را بنام صاحب بن عباد تالیف کرده بصاحبی معروف شده و حاجی خلیفه در ج ۲ ص ۷۳ قسمتی ازعبارت ابن فارس را از مقدمه فقه اللغه نقل نموده و آن نیز مؤیداستکه صاحبی و فقه اللغه یکی است وجرجی زیدان هم بدین معنی تصریح کرده است .

(۲) ثعالبی در یتیمة الدهر ذیل شرح حال صاحب بن عباد گوید : ازابوالحسین (در نامه دانشوران ابوالحسن ثبت شده ولی در یتیمه ابوالحسین) نحوی شنیدم که ابن فارس کتابی بنام « الحجر » ازهمدان برای صاحب فرستاد ، چون ابن فارس از منتسبین به ابن العمید و متعصبین در باره وی بود او را بوی توجهی وعنایتی نبود و گفت حجررا بهمانجا که از آنجا آمده بر گردانید ولی پس از آن گفتار طبعش حاضر نشد که رد احسان کند آنرا گرفت ومطالعه نمود وابن فارس را صله فرستاد .

یاقوت درمعجم الادباء نیز این کتاب را نام برده ولی در کشف الظنون ذکر نشده است .

(۳) نام این کتاب را یاقوت « کفایة المتعلمین فی اختلاف النحویین » ثبت نموده ولی سیوطی وحاجی خلیفه و دیگران بنام اختلاف النحویین خوانده اند .

(٤) درنسخه چاپی معجم الادبا این کتاب بنام «العراق» باعین مهمله و در نامه دانشوران « الفراق » بافاء ثبت شده وحاجی خلیفه این کتاب را یاد نکرده است .

(٥) ابن ندیم با آنکه معاصر ابن فارس بوده ازاو ومؤلفاتش نام نبرده فقط در ذیل آنهائیکه درنحو مذهب کوفی و بصری را مخلوط کرده اند گوید : ابن فارس وله من الکتب کتاب الحماسه (ص ۱۱۹ چاپ مصر) و در کشف الظنون نام این کتاب نیست .

العم والخال، ۲۳ ـ اخلاق النبی ص (۱)، ۲٤ ـ الشیات والحلی، ۲۵ ـ اصول الفقه، ۲٦ ـ کتاب صغیر الحجم (کذا)، ۲۷ ـ جامع التأویل فی تفسیر القرآن (در چهار مجلد)، ۲۸ ـ الفصیح (۲)، ۲۹ ـ مجمل اللّغه، ۳۰ ـ نقد الشعر (جرجی زیدان گوید: در المزهر نام آنرا برده ولی دیده نشده)، ۳۱ ـ مسائل فی الفقه (۳)، ۳۲ ـ مقاییس اللّغه.

مقاییس اللّغه یکی از کتاب های بسیار خوب و کمیاب میباشد، باوجود این هیچیك از آنهائیکه بشرح حال و ذکر مؤلّفات ابن فارس پرداخته اند این کتاب را از مؤلّفات او ندانسته اند جز یاقوت در معجم الادبا که از این کتاب در دوجا نام برده یکی از نقلهای او را در ص ۱۹٦ این جلد آورده ایم و دیگر در ذیل

(۱) درمعجم الادباء ونامه دانشوران سه کتاب بنام « تفسیر اسماء النبی ص » و « سیرة النبی ص و « اخلاق النبی ص » نام برده شده ، نام اخلاق النبی وسیرة النبی در کشف الظنون نیست ودر حرف الف ذیل اسماء النبی گوید : ابن فارس کتابی در این موضوع تالیف نموده و آن را «المغنی» نام نهاده است سیوطی دربغیه فقط تفسیر اسماء النبی ص را نام برده که باحتمال قوی همان اسماء النبی مذکور میباشد وبایستی اخلاق النبی وسیرة النبی نیز هردو یکی باشد .

(۲) کتاب « الفصیح » را یاقوت در ضمن شماره مؤلفات ابن فارس نیاورده ولی در ذیل شرح حال، این کتاب را بدو نسبت داده وترجمه آن گذشت ودر کشف الظنون ج ۲ ص ۱۹۷ کتابی در لغت بنام فصیح ذکر شده و گوید در مؤلف آن اختلاف میباشد واضح اینستکه تالیف ثعلب باشد وبر آن شروحی زیاد نوشته شده الخ ، ودر ص ۱۱۱ فهرست ابن ندیم به ثعلب متوفی سال ۲۹۱ کتابی بدین نام نسبت داده شده است . و کتاب « الشیات والحلی » و « کتاب صغیر الحجم » و «جامع التاویل فی تفسیر القرآن » و « متحیز الالفاظ » و « العلم والحال » را نیز یاقوت نام برده و در مآخذ دیگر مخصوصا در کشف الظنون نام آنها نیست.

(۳) سیوطی پس از ذکر این جمله گوید : یفالی بها الفقهاء ومنه اقتبس الحریری صاحب المقامات ذلك الاسلوب ووضع المسائل الفقهیه فی المقامة الحربیه وهی مائه مسئله . صاحب روضات نام این مقامه را طیبیه ذکر نموده و ظاهراً مراد مقامه ۳۲ حریری باشد که درنسخه چاپ ایران « مقامه فقهیه » معرفی شده و در شرح مطرزی « مقامه حربیه » نامیده شده و بنظر نگارنده چون در ابتداء آن تذکر داده که عزم مسافرت مدینه طیبه داشته بعضی آن را طیبیه نامیده اند و آنهائیکه این مقامه را « حرمیه » نه حربیه، خوانده اند شاید بدین لحاظ باشد که بحث از حرمین مکه معظمه و مدینه منوره در آن گردیده و احتمال دیگر که بنظرم میرسد اینستکه این مؤلفه (مسائل فی الفقه) با مؤلفه ایکه بنام « فتاوی فقیه العرب » در مؤلفات ابن فارس نوشته شده یکی است چرا که حریری که دراقتداء به ابن فارس این مقامه را انشاء نموده ومطالب آنرا از زبان فقیهه عرب بیان کرده بنابراین بایستی ابن فارس هم این مسائل را از زبان فقیهه عرب ذکر کرده باشد وبنام « فتوی فقیه العرب » مشهور شده باشد .

شرح حال ابن فارس میباشد ودر اینجا گوید : **مقاییس اللغه و هو کتاب جلیل لم یصنف مثله.** ممکن استکه بعضی تصور کنند که این کتاب ومجمل اللّغه ابن فارس که از کتب مشهوره وابن فارس بیشتر بدان مشهور میباشد یك کتاب است ولی بیانات یاقوت که حاکی از اینستکه هردو کتاب را در دست داشته این تصوّر را دفع میکند وما برای توضیح و اثبات مدعی دیباچه آن را کـه مبیّن طرز کتاب وقدرت مؤلّف درانشاء ومآخذ آنست می آوریم .

بسمله الحمدلله وبه نستعین وصلّی الله علی محمّد وآله اجمعین، قال **احمد** اقول وبالله التوفیق ، انّ للغة العرب مقاییس صحیحه واصولاً یتفرع منها فروع وقد اختلف الناس فی جوامع اللّغه ماالّفوا ولم یعربوا فی شیئ من ذلك عن مقیاس من تلك المقاییس ولا اصل من الاصول والذی اومانا الیه باب من العلم جلیل وله خطر عظیم وقد صدّرنا کل فصل باصله الذی یتفرع منه مسائله حتی تکون الجملة الموجزه شاملة للتفصیل ویکون المجیب عمّا یسئل عنه مجیباً عن الباب المبسوط باوجز لفظ واقربه وبناء الامر فی سائر ماذکرنـاه علی کتب مشهوره عالیة تحوی اکثر اللّغه ، فاعلیها واشعرفها کتاب ابی عبدالرحمن **الخلیل بن احمد** المسمی بکتاب العین اخبرنـا به علی بن ابراهیم القطان فیما قرأت علیه اخبرنا ابوالعباس احمد بن ابراهیم المعدانی عن ابیه ابراهیم بن اسحق عن بندار بن لوّة الاصفهانی و معروف بن حسان عن اللّیث عن الخلیل **ومنها** کتابا ابی عبید فی غریب الحدیث و مصنف الغریب حدثنا بهما علی عن عبدالعزیز عن ابی عبید **ومنها** کتـاب المنطق و اخبرنی به ابی **فارس** ابن زکریا عن ابی نصر اخت اللیث بن ادریس عن اللیث عن بن السکیت **ومنها** کتاب ابی بکر بن درید المسمی **الجمهره** واخبرنا به ابوبکر محمد بن احمد الاصفهانی وعلی بن احمد الساوی عن ابی بکر فهذه الکتب الخمسه معتمدنا فیما استنبطنا من مقاییس اللغه ومابعد هذه الکتب فمحمول علیهما وراجع الیها حتی اذا وقع الشیئ النادر نصصناه الی قائله انشاء الله فاوّل ذلك کتاب الهمزه باب الهمزه فی الذی یقال له المضاعف الخ .

مؤلّف مقاییس را چون کتب لغت متداولـه امروز بترتیب حروف هجاء اوائل بامراعات حرف اوّل و دوّم مرتب نموده و بدواً لغات دوحرفی را ازالف

تا یا پس از آن لغات سه حرفی را نیز از الف تا یا و پس از آن لغاتیکه از سه حرف بیشتر است ذکر نموده وشواهدی ازاشعار و گاهی از آیات واخبار بر آنها اقامه نموده و در حدود (۳۷۰۰۰) بیت کتابت دارد.

انجام: قال الشیخ الامام الاجل السعید ابوالحسین احمد بن فارس رحمة الله علیه واجزل له الثواب قد ذکرنا ماشرطنا فی صدر الکتاب ان نذکره وهو صدر من اللّغه صالح فاما الاحاطه بجمیع کلام العرب مما لایقدر علیه الّا الله تعالی اونبی من انبیائه علیهم السلام بوحی من الله تعالی وغیرذلك الیه والحمدلله اوّلاً وآخراً وباطناً وظاهراً والصّلوة والسّلام علی رسوله محمد وآله اجمعین الطیّبین الطاهرین.

(۹۰۷)

مقاییس اللغه این نسخه را بخط نسخ علم الهدی بن صفی بسال ۱۰۹٤ بنا بخواست عبدالرضا بن محمد بن مبارك موسوی درشیرازنوشته وا ین معنی را عبدالرّضای مذکور پشت صفحهٔ نخستین و بر آخرین صفحه نسخه باتذکر به مقابله وتصحیح آن در تکیه نور ازتکایای شیراز بخط خود بسال ۱۰۹۵ نگاشته (تکیه نام برده اینك درشیراز معروف نیست) ونیزپشت آخرین صفحه تولد فرزند خود را که عبدالله نام داشته بسال ۱۱۰۱ معین نموده ونویسنده نسخه پشت صفحه اوّل این کتاب را بنام **مجمل اللغه** ابن فارس معرّفی نموده وبر صفحهٔ اوّل شاهزاده فرهاد میرزا مختصری از شرح حال ابن فارس را از کتاب ابن خلکان بخط خویش نگاشته. وبراین صفحه نیزتصریح شده که این کتاب مجمل اللّغه میباشد وبهمین نام نیزوقف نامه آن درهمین صفحه نگارش یافته ، هر کس که درهر هنگام مالك این نسخه بوده یادداشتی براین صفحه نموده ویکی ازیادداشتهاازمحمدمعصوم حسینی منصوری دشتکی بسال ۱۱۳۷ ودیگری ازسید مفید استرابادی است که بسال ۱۱٤۷ نگارش یافته ودیگری ازمحمد کاظم پسرسید مفید مذکوراستکه بسال ۱۱٦٤ نوشته شده ونیزقطعه ای دروفات پدرخویش که شامل ماده تاریخ آن میباشد و سال ۱۱۵۱ را معین میکند نگاشته ویادداشتهائی دیگری هم در این صفحه است.

نگارنده چون خواست خصوصیّات این نسخه را در فهرست بنگارد بمقدّمه مراجعه نمود و عبارات آنرا بادقت از نظر گذرانید دید که مؤلّف گوید : وقد الّف النّاس فی جوامع اللغة ماالفوا ولم یعربوا فی شیئ من ذلك عن مقیاس من تلك المقاییس و نیز گوید :

فهذه الکتب الخمسه معتمدنا فیما استنبطناه من مقاییس اللّغه و ما بعد هذه الکتب الخ .

باهمهٔ قرائن موجوده که مجمل اللّغه بودن نسخه‌را ثابت مینمود بر آن شد که مجمل اللّغه نیست و مقاییس است خوشبختانه نسخه‌ای از کتاب مقاییس را در کتابخانه مدرسه مروی در تهران سراغ داشت و در ایران ظاهراً تا کنون منحصر بفرد بود و چند سال پیش دانشمندان کشور مصر بوجود آن خبردار شده و نسخه‌ای از روی آن استنساخ نموده و بکشور خویش بردند و پانصد مجلّد از کتابهای چاپ آن کشور را در عوض بان کتابخانه فرستادند دو نسخه را با یکدگر مقابله نمود هردو را یکی دید و از این کشف خویش مانند یك مخترع و کاشف مطلب و موضوع علمی خورسند شد برای اینکه کاملاً تردید او رفع شود و این تصوّر هم دور شود که گویند آن نسخه مجمل اللّغه میباشد و بغلط مقاییس ثبت و معرفی شده در جستجوی دلیلی بر ردّ این احتمال شد خوشبختانه نسخه‌ای از مجمل اللّغه را در کتابخانه مجلس یافت و دو نسخه را بر یکدگر عرضه داد آنهارا یکی ندید و نیز در فهرست کتابخانه رضویه ع (ج ۲ ص ۳۷۷ و ۳۷۸) نسخه ای از مجمل اللغه را نشان یافت که از ابتداء کتاب تا آخر باب الراء بعده المیم بود و قسمتی از ابتداء دیباچه آن را نقل نموده و آن اینست : اَمَّا بَعْدُ وَلِيَكَ ٱللهُ بِصُنْعِه وَجَعَلَكَ مِن عَلِتِ (کذا فی الفهرست والظاهر ممّن علت) فِي ٱلْخَيْرِ .

و نیز قسمتی از آخر نسخه را نقل نموده و آن اینست : واُمّ رمال فیما ذکره ابن السیت الضبع تم المجلّد الاوّل .

و این هردو عبارت را در مقدّمه و دیباچه کتاب و در باب الراء بعده المیم نیافت و باکمال جزم توانست بگوید که این کتاب مقاییس است نه مجمل اللّغه .

ابواب و فصول و لغات باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۱۹) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۷۲).

[۳۸۲] منتخب اللغات شاهجهانی (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب عبدالرشیدبن عبدالغفور حسنی مدنی تتوی است که در ص ۳۱۷ - ۲۱۹ بمناسبت فرهنگ رشیدی مختصری از حالات ایشان ذکر گردید و این منتخب را بنام شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) از پادشاهان هندوستان که از نواده های امیر تیمور گورکان بوده تألیف کرده وخود برای معرّفی از کتاب در مقدّمه آن گوید :

«این کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیرةالاستعمال منتخب از کتب معتبره چون قاموس و صحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند و تحقیق الفاظ وتنقیح معانی و اعتبارحرف ملفوظ نه مکتوب درعنوان باب وفصل بارعایة حرف اوّل ودوّم وآخر چنانکه حرف اوّل باب وحرف آخر فصل باشد بی رعایة مأخذ اشتقاق و اسقاط حروف زواید تاهرقاصی ودانی از آن بهره ور شود الخ» .

و در آخر کتاب تاریخ اتمام تألیف راکه بسال ۱۰۴۶ بوده باذکر مآخذ آورده و آن اینست :

نسخه جامع ز لغات عرب ... از نسخ معتبره ، منتخب
نسخه قاموس و مهذب صحاح ... کنز واسامی و مصادر صحاح
یافته اتمام بعهد شهی ... از حق وازخلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالك ستان ... شاه جهان ، ثانی صاحبقران
از پی تاریخ اش بی قال و قیل ... گفت خرد «منتخب بی بدیل»

منتخب اللغات بشمارهٔ حروف تهجّی مشتمل برابواب وفصول میباشد .

این کتاب بسال ۱۲۲۳ه و ۱۸۰۸م در کلکته باحروف سربی نستعلیق چاپ شده ، مقدّمه نسخه چاپی بانسخ خطی مختلف واضافاتی دارد ودرحدود (۳۷۷۰۰) بیت کتابت این کتابست .

آغاز : بسمله ستایش وسپاس مالك الملکی که تذکار آلای بی احصای بی منتهایش الخ .

(۹۰۸)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳٤ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، صفحات مجدول وابواب وفصول باسرخی ولغات بخط نسخ نگاشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی : واقف سپهسالار . قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱٦٥) . صفحه‌ای (مختلف السطور). طول (۱/۲ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱) .

(۹۰۹)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن حسنقلی بسال ۱۲٤۹ نوشته شده ، قسمتی از مقدّمهٔ کتاب (ازابتدا تا امّا بعد) را نویسنده ننوشته و از امّا بعد شروع کرده است ، پشت صفحه اوّل یادداشتی از محمد حسین بن فضل الله حسینی میباشد که درهمان سال نگارش نسخه نوشته شده و از قرینه عبارت آخر نسخه که مقدّمه برای نوشتن نام کسی استکه نسخه را نویسنده برای وی نوشته وناتمام مانده معلوم میشود که برای سیّد نام بردهٔ بالا که ازعلماء آنعصر بوده نگارش یافته ودرآخرین صفحه مقابله و تصحیح آن نیز یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۱) . صفحه ای (۲٦) سطر . طول (۱/۲ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲) .

[۳۸۳] مهذب الاسماء (عربی بفارسی)

مؤلّف این کتاب چنانکه در دیباچه تصریح گردیده محمودبن عمربن محمد بن منصور قاضی الزنجی السنجری العربی ازقبیله شیبان میباشد .

در کتب سیرورجال نام وشرح حال این دانشمند را باتفحص نیافتم ، درنسخ این کتاب ، مؤلّف **الزنجی** بازاء معجمه و نون وجیم ثبت شده ونیز **سنجری** باسین مهمله ونون وجیم وراء نگاشته شده ، دانشمند شهیر آقای علی اکبر دهخدا (مؤلّف کتاب مشهور «امثال وحکم» ونویسندهٔ توانای ایران‌اند که اینك رئیس دانشکده

حقوق وسیاسی میباشند و درلغت توانائی زیادی دارند ودرهمین نزدیکی ها کتاب لغت بزرگ ایشان ازچاپ بیرون خواهدآمد) دونسخه که یکی بسیار کهنه‌ودیگری برحسب احتمال از نسخه این کتابخانه کهنه تراست، دارا میباشند ودرآن دونام مؤلف نیز بهمین نحو که نقل گردید ضبط شده ولی ایشان را عقیده اینستکه کلمهٔ اوّل زنجی‌نیست و **ربنجنی** (باراء مهمله وباء ابجد ونون وجیم ونون) است وکلمهٔ دوّم هم سنجری نیست و**سجزی** باسین مهمله و جیم ابجد و زاء معجمه که معرب سکز باشد .

در ج ۲ معجم البلدان ص۷۵۲ نوشته‌شده : ربیخن بفتح اوّل ودوّم وسکون سوم وخاء معجمه ونون و اربیخن‌نیز گفته‌شده، شهر کوچکی‌از سغد سمرقنداست ونامی ازربنجن یااربنجن دراین کتاب نیست .

ونیزدر ج ۳ معجم البلدان ص ۳۹٤ درذیل صغد (سغد)گوید گفته‌اند قصبه آن اشیتخن‌است و نامی دراینجا از اربنخن یاربیخن نیست تصوّر میکنم که الزنجی مذکور دراین مؤلفه مصحّف ومحرف ، ربیخن یا اربیخن بوده است .

درالانساب سمعانی‌ص‌ب‌ورق ۲٤۸بنقل‌ازتاریخ‌بغداد**ربنجن** باجیم میان‌دونون ضبط‌شده‌وگوید شهری ازسغد سمرقند استوآنرا اربنجن باهمزه‌نیزتلفظ میکنند ودرحرف همزه گویدکلمهٔ اربنجن باحذف نون دوّم یافت میشود وتصورمیکنم که همان نام‌سابق است که در تاریخ بغدادکاتب آنرااین گونه نوشته است .

و در ص ۲٤۹ ج ۱ مجمع الفصحا در ذیل عنوان سنجری خراسانی نوشته شده از قدما و شعرابوده، مدّاحی سلطان سنجر سلجوقی (این پادشاه چنانکه در کتب تاریخ ثبت شده درسال ٤۷۹ درسنجار شام متولّد شده وپدر بدین مناسبت او را سنجر نامیده ، پس ازاینکه بیست سال ازطرف برادران خود (برکیارق وسلطان محمد) در خراسان حکومت کرده و چهل و یکسال در پنجنوبت دراکثر ممالک معموره جهان سلطنت کرده بسال۵۵۲ وفات یافته است) مینموده، وی‌بین‌الشعرا مشهورومعروف استودرزمان‌سلطان‌نهایت جلالت داشته، چنانکه‌حکیم انوری (در ج ۱ ص ۱۵۲ و ۱۵۳ مجمع الفصحا وفات انوری بسال ۵۷۵ ثبت

شده است) در جائی ازاشعار خود گوید :

اینکه پرسد هرزمان اینکون خران ریش گاو

کانوری‌به‌یا فتوحی‌درسخن‌یا سنجری . انتهی .

مسلّماً دراین شعر قافیه سنجری‌است واحتمال سجزّی بودن نمیرود زیرا که این بیت درقصیده‌ایستکه‌نیز درشکایت‌از روزگارخویش‌سروده‌و مطلع آن‌اینست :

ای برادر بشنوی رمزی ز شعر شاعری

تا زما مشتی گدا کس را بمردم نشمری

وسنجری‌رابا شاعری و نشمری ومستکبری‌وسرسری وپیغمبری‌و گستری وانگشتری وغیره هم قافیه نموده بنا براین مسلّم گردید که سنجری است نه سجزّی امّا اشعارسنجری از میان رفته این رباعی را بجهة آبله گفته :

گر بر رخ چون ماه تو ای جان جهان

از آبله چون ستارگان هست نشان

حسن تو نهان نگردد ای ماه بدان

هرگز ز ستاره مه نگشته است نهان

وجز این سنجری در کتب سیر کسی را نیافتم از قرینه انشاء و مآخذیکه در مقدّمه نقل شده احتمال اتحاد این مؤلّف بااین سنجری شاعر تأیید میشود .

مهذب الاسماء شامل اسمائی‌ازلغت عرب میباشد که بفارسی‌ترجمه شده وشواهد ندارد ، مؤلّف خود گوید که آنرا ازکتب ائمه ادب چون السّامی فی‌الاسامی (تألیف ابوالفضل احمدبن محمد میدانی متوفّی‌بسال ۵۱۸ میباشد) ، الاسمی‌فی‌الاسما (تألیف سعیدبن احمدبن محمد میدانی پسر میدانی نام برده بالااست‌وبسال ۵۳۹ فوت کرده) ، کتاب الاسامی موسوم به سعیدی (در نسخه مدرسه بدینگونه که نقل‌شد ثبت شده ودر کشف‌الظنون ج ۲ ص۵۷۵ بنام «الشهاب السعیدی» نام برده شده ونگارنده تصورمیکند که سعیدی‌نام کتاب‌لغت پسر میدانی‌مذکوراستکه‌سعید نام داشته) ، بلغة‌المترجم فی‌اللّغه (درج ۱ ص ۲۰۲ کشف‌الظنون تألیف‌نوح بن مصطفی مفتی قونیه ثبت شده است) ، کنزالاسامی ، ترجمان القرآن ، الروضه

(ندانستم این سه کتاب تألیف کیست) و کتابهائیکه پیش از اینها تألیف گردیده
چون اصلاح المنطق (تألیف ابن سکیت متوفّی بسال ۲۴۴)، غریب المصنف
(تألیف ابی عمرو اسحق بن مرادالشیبانی متوفّی بسال ۲۰۶)، دستورالّلغه (تألیف
نطنزی متوفّی بسال ۴۹۷ میباشد که در ص ۱۷۶ تا ۱۸۰ معرّفی از آن شد) و کتب مشاهیر
و غیر از اینها گرد آورده ام و پیش از شروع بذکر اسامی اسماءالله الحسنی را
موافق حروف تهجی بترتیب اوائل ذکر و بترجمه فارسی آنها پرداخته و پس از آن
شروع در نقل لغات و اسامی نموده و کتاب در بیست و هشت باب منظّم شده
و هریك بسه باب (مفتوح و مضموم و مکسور) تقسیم گردیده و پس از اتمام
در آخر، بابی دراسماء متفرقه نیز بر آن افزوده و نام کتاب را خود «مهذب الاسماء
فی مرتب الحروف والاشیاء» نامیده است ودرحدود (۹۶۰۰) بیت کتابت آنست.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی خلق الاسماء بقدرته وخصّ بنی آدم بعزّته الخ.

(۹۱۰)

مهذب الاسماء این نسخه که لغات آن بخط نسخ و ترجمهٔ آنها بخط نستعلیق خوب میباشد آنرا محمّد باقر نام بسال ۱۰۸۷ نوشته، اسامی کتابها
و ابواب و فصول باشنجرف میباشد، در حاشیه صفحات مطالبی از کنزالّلغه و فرهنگ
ابراهیم شاهی که همه بفارسی بوده اند نوشته شده و حاشیه هائی در بیان معانی لغات
بپارسی نیز تحریر یافته، ورق اوّل و آخر وصّالی شده و پشت هردو یادداشتهائی
از مالکین سابق آن دیده میشود.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۵۹).
صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۹ ½ سانتیمتر) شمارهٔ
کتابخانه (۳۳).

[۳۸۴] النهایة فی غریب الحدیث والخبر (عربی)

مؤلّف این کتاب ابن اثیر جزری است (ابوالسعادات مجدالدّین مبارك بن

محمّدبن‌عبدالکریم ٥٤٤ - ٦٠٦) (۱) که ازمشاهیرعلما ومفسّرین وفقها ولغویّین قرن ششم هجری ودرنحوشاگرد ابن‌الدهان‌ویحیی‌بن سعدون‌القرطبی بوده وبرادر وی عزالدّین ابن اثیر صاحب تاریخ کامل میباشد و او وفات برادر را درحوادث سال ٦٠٦ ثبت (ص ١٢٠ ج ١٢) و در باره وی گوید : در این سال برادرم مجدالدّین ابوالسعادت المبارك بن محمّدبن عبدالکریم کاتب بدرود زندگانی گفت وتولّد وی در یکی‌از دو ربیع سال چهل و چهار بوده و در بیشتر از علوم دست داشت از آنجمله فقه واصول دین و اصول فقه ونحو وحدیث و حساب، واو را رسائل زیادیست ونویسنده‌ای‌زبردست بودبدین پایه که‌دراین‌فن بوی مثل‌میزدند و مردی‌بود درآئین استوار وره رو راه‌راست‌خدای اورا رحمت کناد وازوخشنود باد ووجود او زیور زمانه بود، شاید هرکس این نوشته را بخواند مرا متهم کند که برادری وی مرا براین گفتار وادار نموده ولی آنانکه در این عصراند و او را دیده ومعاشرت کرده بودند تصدیق خواهند نمود که آنچه در باره وی گفته‌ام اندکی ازبسیار ویکی از هزار است .

شرح بسیار لطیف ومبسوطی درمعرّفی این دانشمند بنقل ازمآخذی چند در ج ۱ نامۀ دانشوران (از ص ٦٣٤ تا ٦٣٩) نگاشته شده اگر از حدّ عادی در معرّفی از مؤلّفین بیرون نمیرفتیم همۀ آنها را دراینجا می‌آوردم وبا همۀ اینها در نقل این قسمت از آن، چون‌شامل مطالبی سودمند میباشد خود را موظف میدانم :

ابناء اثیر الدین بباید دانست که عنوان این ترجمت نیز مانند عنوان بنی بابویه وابناء طاوس‌ازمشترکاتست چه فرزندان‌اثیرالدین‌ابوالکرم محمدبن‌محمدبن‌عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی‌هرسه مابین‌العلماء بابن‌اثیراشتهار دارند و درالسنه ارباب ادب جز بدین‌عنوان مذکور نیایند ولعل بسیاری از مبتدئین ومتوسطین محصلین آن سه دانشمند بی‌مانند را یکی پندارند و « نهایه ابن اثیر » و « کامل ابن اثیر » و « مثل‌السائر ابن اثیر» هرسه را تصنیف یك‌عالم

(۱) تاریخ کامل ابن‌اثیر ج ١٢ ص ١٢٠ ، نامۀ دانشوران ج ١ ص ٦٣٤ - ٦٣٩ ، بغیةالوعاة درحرف میم ، معجم‌الادباء ج ٦ ص ٢٣٨ ، کشف‌الظنون ج ٢ ص ٦٢١ و معجم المطبوعات ص ٣٤ و ٣٥ .

انگارند با آنکه هریك از آنها تصنیف یکی از ایشان است پس تعیین مراد و رفع اشتباه را گوئیم :

بنی اثیر سه محقق بی نظیر اند که در ادب و حسب ونسب و عصب برادراند، درفنون فضل و شجون کمال سرآمد دانشوران عهد خویش بودند ، از معاصرین آن سه دانشور یگانه ستایشها درحق ایشان بنظررسید شیخ شهاب الدین ابوالدر یاقوت حموی درذیل جزیرهٔ ابن‌عمر گوید : **بنو الاثیر العلماء الفضلاء الادباء کل منهم امام** . قاضی شمس‌الدین احمدبن خلکان در ذیل ترجمت ابوالفتح نصرالله گوید : **و کان الاخوة الثلاثه فضلاء نجباء رؤساء لکل واحد منهم تصانیف نافعه** .

مهتر ایشان ابوالسعادات مجدالدین مبارك است که در غریب حدیث کتاب نهایه تصنیف کرده و کهتر ازوی ابوالحسن عزالدین علی‌است که در علم تاریخ کتاب کامل تالیف نموده و کهتر از ایشان ابوالفتح ضیاء الدین نصرالله است که در صناعت انشاء کتاب المثل السائر نوشت ولادت هرسه برادر در جزیره ابن عمر اتفاق افتاد چه ابو الکرم پدر ایشان در آنجا توطن وحکومت داشته و از اینروی هرسه را ابن اثیرجزری گویند وجزیره ابن عمرشهری است در سه منزلی موصل بر کنار دجله از آنکه آب بشکل هلال از سه جانب بر آن محیط شده علی‌الاستعاره بنام جزیره اشتهاریافته اکنون بشرح اخبارآن سه عالم لبیب علی‌الترتیب (ص ٦٣٩ تا٦٥٧ ج ١ نامه دانشوران شرح‌حال دوبرادر ابن‌اثیرصاحب نهایه‌را دربردارد .) اشتغال جوئیم و گوئیم مبارك بن محمد ازارکان‌اساتید واعیان مشایخ‌است الخ .

پس از شرح بسیار جالبی ازحالات وسیره این دانشمند که از لحاظ انشاء نیز فوق العاده و حاکی ازقدرت بیان و بنان مؤلّفین نامه دانشوران میباشد مؤلّفات این دانشمند بدینگونه نام برده شده است :

کتاب **جامع الاصول** فی‌احادیث‌الرّسول و آن کتاب جامع احادیث صحاح سته اهل سنّت است ، کتاب **المصطفی والمختار** فی‌الادعیه والاذکار ، کتاب **الانصاف** فی‌الجمع‌بین‌الکشف والکشاف(آنرا ازتفسیر ثعلبی وتفسیر زمخشری فراهم آورده) ، کتاب **البدیع** فی شرح‌الفصول فی‌النحولابن‌الدهان ، کتاب **الشافی** فی‌شرح مسندالامام الشافعی، دیوان‌الرسائل والمکاتیب و کتاب **النهایه** فی‌غریب الحدیث که پنج مجلد است واورا نیزرساله ایست سودمند درصنعت کتابت .

سیوطی‌دربغیه کتاب ١و٣و٤و٥ نامبرده‌را ازمؤلّفات ابن‌اثیرنام‌برده ونیز کتاب **الباهر** فی‌الفروق فی‌النحو، **تهذیب فصول** (فصول‌ازاستادش ابن الدهان است)،

البنین والبیان والآباء والامهات والاذواء والذوات را نام برده و گوید این کتاب را دیده ام و کنیه های آن را در کرّاسه ای ملخص کرده ام و در معجم الادباء (ج ۶ ص ۲۳۸) این کتاب بنام المرصع فی الاباء والامهات والبنین والبنات والاذواء والذوات ثبت شده و چنانکه در معجم المطبوعات نوشته شده جامع الاصول و کتاب المرصع وی چاپ شده است .

النهایه فی غریب الحدیث والاثر تألیف ابن اثیر شامل لغات غریب احادیث میباشد و مشهور به نهایه اثیّریه ، نهایة اللّغه و نهایه ابن اثیر شده است و در مقدّمه آن بسیاری از آنانکه تا زمان و عصر وی غریب قرآن و احادیث را جمع آوری و تفسیر کرده اند نامبرده شده و مختصری از خصوصیّات و طرز هریك بیان گردیده و در آخر گوید :

غریب القرآن والحدیث ابی عبید احمد بن محمّد بن محمّد هروی صاحب امام ابی منصور ازهری لغوی را و تتمه ایکه ابوموسی محمّد بن ابی بکر بن عیسی اصفهانی بر آن نوشته جامعتر از همهٔ آن کتب دیدم ولی باز در این دو همهٔ لغات غریبهٔ کتب صحاح بخاری و مسلم وغیره را نیافتم ، از اینرو بر آن شدم کتابی جامع آن دو کتاب و لغات دیگر تألیف کنم و آنهارا بترتیب حروف تهجی مرتب ساختم و نشانه لغاتیکه ازهروی نقل شده «ها» و آنهائیکه از لغت ابوموسی آورده شده «سینا» و آنهائی را که خود یافته ام بدون علامت آوردم و غریب لغات قرآن را که در آن دو کتاب بود در اینجا نیاوردم و این مؤلّفه را مخصوص غریب الحدیث قرار دادم و آن را « النهایه فی غریب الحدیث والاثر » نامیده ام .

در ابتداء حرف صاد نهایه اثیریه که بسال ۱۲۶۹ در طهران چاپ گردیده نوشته شده : القسم الثانی من نهایة اللّغه . ولی درجاهای دیگر از آن نسخه ذکر دیگر قسمتهای این کتاب نشده و در مقدمه هم از آن نامی نیست امّا از نسخه شمارهٔ (۹۱۲) این فهرست تقسیمات زیرین بدست می آید :

جزء اول : از اوّل کتاب تا آخر حرف الشین . **جزء دوم** حرف الصاد تا

آخر حرف الفاء . **جزء سوم** حرف القاف تا آخر حرف الكاف . **جزء چهارم:** ازحرف لام تا آخر کتاب .

تألیف این کتاب چنانکه مؤلّف در آخر تصریح کرده در اوائل قرن هفتم گردیده وبسال ٦٠٤ پاکنویس شده وتنظیم آن موافق حروف اوائل کلمات میباشد ، ومکرّر در مصر وایران چاپ شده و در حدود (٥٢٠٠٠) بیت کتابت دارد .

در کشف الظنون (ج ۲ ص ٦٢١) ذیل این کتاب نوشته شده که صفی الدّین محمود بن ابی بکر ارموی متوفّی بسال ۷۲۳ نهایه را تذیل نموده وعیسی بن محمّد صفوی متوفّی بسال ۹۵۳ وجلال الدّین سیوطی متوفّی بسال ۹۱۱ وشیخ علی بن حسام الدّین هندی مشهور به متّقی هریك نهایه را مختصر نموده اند و از آن سیوطی بنام « الدرالنثیر » میباشد و اورا نیز براین کتاب ذیلی است .

آغاز: بسمله احمدالله علی نعمه بجمیع محامده واثنی علیه بالائه الخ .

(۹۱۱)

نهایه اللغه این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نام نویسنده و سال نگارش را از آخر محو کرده اند ، در آخر جزء دوّم سال نگارش سنهٔ ۱۰۷۰ ثبت شده و ازاینجا نام کاتب نیز محو گردیده است وجزء اوّل نسخه هم دراین مجلد نیست و مشتمل برچند سطر پیش ازحرف الصاد تا آخر حرف الیاء (آخر کتاب) میباشد .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) .شمارهٔ کتابخانه (۳۰) .

(۹۱۲)

نهایه اللغه این نسخه بخط نسخ نوشته شده و مشتمل برسه جزء اخیر کتابست (۲و۳و٤) کاتب نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، مجدول بطلا و لاجورد و دارای سرلوح ظریف کوچکی میباشد ، لغات و ابواب باشنجرف نوشته شده ، میان سطرهای دوصفحه اوّل نسخه و حاشیه آنها تذهیب

برگ موی است ، ورق اوّل و آخر وصّالی شده وقفنامه را هم پشت صفحه اوّل نوشته اند وظاهراً تاریخ کتابت آن پیش از نسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۴۰۸) صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$-۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ(۲۴۹) وقفسه مدرسهٔ صدر.

فصل نحو و صرف

[۳۸۵] الفیه ابن مالك = الخلاصه (عربی)

مؤلّف وناظم این کتاب ابن مالك نحوی مشهور است (جمال الدّین ابوعبدالله محمّدبن عبدالله بن مالك الطائی الجیّانی (۱) الشافعی ۶۰۰/۶۰۱ — ۶۷۲) (۲) که ازمشاهیر علماء نحوولغت میباشد وچنانکه خود درمقدّمه این کتاب گفته پیش از ایشان ابن‌معط (یحیی بن عبدالمعطی ۵۲۴-۶۲۸) الفیّه ای در نحو انشاء نموده (نام آن «الدّرة الالفیه فی علم العربیّه» میباشد وبسال ۱۹۰۰ م. درلیپزیك چاپ‌شده است) و این کتاب ، الفیه ابن معط را نسخ نمود و بـر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده ، در کشف‌الظنون (ج۱ ص ۱۳۹ - ۱۴۲) و روضات در ص۲۰۲ ج ٤ ذیل ابن‌ناظم‌نام بسیاری از آنهاثبت‌شده ومشهورترین شرح‌وی‌شرح ابن‌ناظم وسیوطی و ابن عقیل و ابن هشام میباشد که در این فصل از آنها معرفی خواهیم نمود .

سیوطی سی وسه مؤلّفه از ابن مالك را نام برده وابن ناظم و سیوطی بنقل از ذهبی درتاریخ الاسلام‌شرحی برالفیه بخودابن مالك نسبت داده‌اند وحاجی خلیفه نیز آنرا تذکر داده ونیز سیوطی ودیگران نوشته اند که ابن مالك شافعی مذهب بود وبه این صفت وخصلت حسن خلق وکرم بامغربیها مخالفت داشت .

---

(۱) جیانی منسوب به جیان بفتح جیم ابجد ویاء تحتانی مشدد ونون میباشد که یکی ازشهر های اندلس بوده است .

(۲) بغیة الوعاة ذیل‌محمدبن عبدالله ، معجم‌المطبوعات ص۲۳۲-۲۳٤ ، روضات ص۱٤۶ ج٤ ، شذرات‌الذهب ص ۳۳۹ ج ۵ وتاریخ آداب اللغه جرجی‌زیدان ج ۳ ص ۱٤۰-۱٤۱ .

چنانکه در معجم المطبوعات نگـاشته شده از مؤلّفات ابن مالك **الاعلام** یا اکمال‌الاعلام بمثلث الکلام بسال ۱۳۲۹ در مصر و **تحفة المورود** فی‌المقصور والممدود نیز بسال ۱۳۲۹ه‍یا۱۸۹۷ م **والخلاصه** یا الفیه مکرّر درایران‌ومصر و بیروت و پاریس باشرح سلوستر دساسی بفرانسه وباترجمه ایطالیائی مسیو ویتو Evitto قنصل ایطالیا در بیروت وبا حواشی و تعلیقات بزبان فرانسه مسیو کوکه A.goguer نیزدربیروت چاپ شده جرجی زیدان در آداب اللّغه العربیّه گوید : بنتو مستشرق‌فرانسوی الفیه‌را بفرانسه ترجمه نموده ودر آستانه چاپ‌شده است **وشواهدالتوضیح** والتصحیح لمشکلات‌الجامع الصحیح (شرح‌احادیث مشکله واعراب‌صحیح بخاری است) بسال ۱۳۱۹ درهند **ولامیة الافعال** یاالمفتاح یابنیة الافعال در پطرز بورغ (لنین گراد) بسال ۱۸٦٤ م. چاپ شده است .

جرجی زیدان سیزده مؤلفه ابن مالك را درتاریخ آداب اللّغه نام برده ومحل وجود نسخ آنرا تذکر داده است . از هزار بیت الفیه (۹۱۳) بیت درعلم نحو و (۸۷) بیت در علم صرف میباشد ومؤلّف در این بیت که سه بیت بآخر کتاب مانده است تصریح بنام خلاصه نمود وآن اینست : احصی من الکافیة **الخلاصه** .

آغاز : بسمله قال محمّد هو ابن مالك احمد ربّ الله خیرمالك

انجام: وآله الغرالکرام البرره و صحبه المنتجبین الخیره

(۹۱۳)

الفیه ابن مالك این نسخه بسال۱۱۸۷ بخط نسخ خوب نوشته شده ، دوورق ازاوّل آن که مشتمل برسیزده بیت اوّل بوده افتاده ونخستین بیت نسخه اینست : والا مران لم یك للمنون محل . ترکیب ابیات اولیّه نسخه درذیل آنها نگاشته شده وتعلیقاتی مختصر درحواشی آنست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (٥) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (½ ۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۷) .

(۹۱٤)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگـاشته ، تمام سیوطی « بهجة المرضیّه »

درحاشیه صفحات نسخه بخط شکسته نستعلیق نیز نوشته شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۷۳). صفحه ای (۷) سطر. طول (۱/۲ ۳٤ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۱) .

(۹۱۵)

الفیه ابن مالك اين نسخه را بخط نسخ خوب عبدالحمید موسوی بسال ۱۲۰۱ نوشته ، سی و پنج بیت از اوائل الفیه بفارسی ترجمه و ترکیب شده و زیر آن نگاشته شده دو ورق از اوّل و دو ورق از آخر وصالی گردیده وبنام شرح الفیه فارسی وقف شده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه‌ای (۷) سطر و اوائل دو سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱٦ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۹) .

(۹۱٦)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ ابوطالب نام بسال ۱۲۵۷ در مدرسه حاج محمد حسینخان مروی درطهران نوشته شده وترکیب ابیات اولیّه در ذیل آنها نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۷۱) . صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸٦) .

(۹۱۷)

الفیه ابن مالك این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را تذکّر نداده ولی مسلّماً از خطوط اواخر قرن سیزدهم هجری میباشد ، پشت ورق اوّل را چسبانیده اند و دارای یك سرلوح وجدول بطلا ولاجورد وشنجرف است .

جلد تیماج. کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع بغلی. شمارهٔ اوراق (۵۳) . صفحه ای (۱۰) سطر. طول (۱۳ سانتیمتر) عرض (۱/۲ ۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۱) .

(۹۱۸)

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نام نویسنده وسال نگارش را ندارد ، قسمتی از اوّل آن افتاده کاغذ ننوشته گذارده اند ، در آب افتاده ومحتاج و صّالی است .

جلد تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۳) . صفحه ای (۱۰) سطر. طول (۱/۲-۱۹سانتیمتر) . عرض (۱/۲-۱۲سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۵) .

[۳۸٦] اوضح المسالک الی الفیة ابن مالک (عربی)

التوضیح = شرح الفیه

مؤلّف این کتاب ابن هشام نحوی انصاری است (جمال الدّین ابو محمد عبدالله بن یوسف بن احمد بن عبدالله بن هشام انصاری نحوی حنبلی ۷۰۸-۷٦۱) (۱) که از علماء مشهور نحو وادب بوده و سیوطی بنقل از الدّرر الکامنه از ابن خلدون نقل نموده که چون در مغرب بودم خبر آوردند در مصر عالمی بعلوم عربیّت ظهور کرده و او را ابن هشام نامند و از سیبویه نحوی تراست . ودربارهٔ وی نوشته اند که باابی حیّان بسیار مخالفت میکرد واز عقائد او منحرف بود و یگانه کس بود که فوائد غریبه ومطالب دقیقه واستدراکات عجیبه وتحقیق کامل وتوانائی بر تصرف در کلام وملکهٔ برایراد آنرا بابهترین طرز وروش پسندیده وفروتنی واحسان و مهربانی ونرمی اخلاق ورقت قلب جمع کرده بود .

مؤلّفات ابن هشام نحوی عبارتند از: **مغنی اللبیب** عن کتب الاعاریب ، **قطر الندی وبل الصدی** ، شرح قطر الندی ، **الغاز نحویه** ، شذور الذهب فی معرفة کلام العرب ، شرح **شذور الذهب** ، شرح بانت سعاد ، **موقد الاذهان وموقظ الوسنان** . که همه بچاپ رسیده و **عمدة الطالب** فی تحقیق تصریف ابن الحاجب در دو مجلّد ،

(۱) بغیة الوعاة در حرف العین ، شذرات الذهب ج ٦ ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۱۴۳ ومعجم المطبوعات ص ۲۷۳ - ۲۷۵ .

رفع الخصاصه(۱) عن قراء الخلاصه (در چهار مجلّد)، الجامع الکبیر، الجامع الصغیر(۲)، شرح الشواهد الکبری و الصغری (۳)، التحصیل و التفصیل لکتاب التکمیل و التذییل(٤) (در چند مجلّد میباشد و شرح کتاب تسهیل الفوائد و تکمیل المقاصد تألیف ابن مالك است) ، شرح الملحه(٥) تألیف ابی حیّان، حواشی علی الالفیّه، مسائل سفریّه، الاعراب عن قواعد الاعراب(٦) ، مسائلی که سیوطی آنهارا در اشباه و نظائر درج نموده (۷) **و اوضح المسالك الی الفیة ابن المالك** وغیر از اینها است .

اوضح المسالك چنانکه از نام آن بر می آید شرح مشکلات و بسط مطالب مختصرهٔ الفیّه ابن مالك و در نحو است و این نام را مؤلّف خود بر آن گذاشته و چون در توضیح و تبیین مطالب الفیّه میباشد مشهور **بتوضیح** نیز گردیده و بسال ۱۳۰۲ و ۱۳۱٦ در مصر و بسال ۱۸۳۲ م. در کلکتّه چاپ شده و در حدود (۲٥۰۰) بیت کتابت دارد و کتاب التصریح بمضمون التوضیح تألیف خالد ازهری که در همین فصل ذکر خواهد شد شرح بر این کتاب میباشد و چنانکه در ص ۱٤۳ و ٥۷٥ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده کتاب «رفع الستور و الارائك عن مخبّئات اوضح المسالك»

---

(۱) در بغیه و معجم المطبوعات رفع الخصاصه ضبط گردیده ، ولی در ص ۱٤۲ و ٤۹۳ ج ۱ کشف الظنون دفع با دال مهمله است .

(۲) جرجی زیدان نسخهٔ این کتاب را در پاریس نشان داده .

(۳) جرجی زیدان کتابی بنام « الروضة الادبیه فی شواهد علوم العربیه » با بن هشام نسبت داده و گوید نسخهٔ آن در برلن میباشد. ولی بدین نام و نام شواهد کبری و صغری در کشف الظنون کتابی ذکر نشده ، احتمال دارد که این کتاب موجود در برلن یکی از دو کتاب مذکور باشد .

(٤) سیوطی این کتاب را بنام «شرح تسهیل» ذکر نموده و گوید مسوده آن پاك نویس نشده است.

(٥) ملحه در نحو و تالیف ابوحیان محمد بن یوسف اندلسی متوفی بسال ۷٤٥ میباشد (ظنون ج ۲ ص ٥۱٦) .

(٦) سیوطی در بغیه « القواعد الکبری و الصغری » را با بن هشام نسبت داده و مؤلف خود در مقدمه یکی از آنها تصریح نموده که آنرا «الاعراب عن قواعد الاعراب» نامیده این کتاب الاعراب « قواعد الاعراب » نیز خوانده میشود و بایستی این کتاب یکی از دو قواعد مذکور باشد (قواعد کبری) و بر الاعراب شرحی از خالد ازهری در این فصل ذکر خواهد شد .

(۷) در معجم المطبوعات بدینگونه شرح داده شده : ۱ - مسائل فی النحو واجوبتها . ۲ - مسالة لاعتراض الشرط علی الشرط . ۳ - کتاب الشهداء فی احکام هذا . ٤ - شرح القصیده فی المسائل النحویه .

تألیف محیی‌الدّین عبدالقادربن ابی‌القاسم السعدی المالکی المکّی متوّفی بسال ۸۰۸ ثمان و ثمانمائه حاشیهٔ براوضح‌المسالك میباشد .

تذکّری که در اینجا بنظر لازم می آید اینستکه نباید این ابن‌هشام نحوی‌انصاری را باابن هشام بصری مؤلّف سیرهٔ رسول‌الله ص اشتباه نمود و صاحب کشف‌الظّنون برخلاف همهٔ مآخذ سال وفات ابن هشام نحوی را بسال ۷۶۲ ضبط کرده است .

آغاز : بسماه الحمدلله رب‌العالمین .... قال الشیخ الامام .... اما بعد حمدالله مستحق‌الحمد و ملهمه ومنشی الخلق و مقدمه الخ

(۹۱۹)

اوضح المسالك این‌نسخهٔ بخط نستعلیق نصیربن فرج نوشته شده ، سال‌نگارش را ننوشته ، پشت نخستین برگ یادداشتی بسال ۱۲۸۰ نوشته شده قسمتی از آن را محو کرده اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۸) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۰ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۲) .

(۹۲۰)

وضح المسالك این‌نسخه را بخط نسخ احمدبن محمّد رضا بسال ۱۲۶۸ نوشته ، همین نویسنده « المقدمة الجزریّه » را که منظومه ای درعلم قرائت میباشد و در ص ۱۹۱و۱۹۲ ج ۱ فهرست از آن معرّفی گردیده ، پیش از شروع بنگارش اصل کتاب نوشته است .

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار. قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۸۳) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۹) .

[۳۸۷] ترکیب کافیه (عربی)

این کتاب در اعراب وترکیب کافیه ابن حاجب میباشد که از آن درحرف کاف همین فصل معرّفی کامل خواهیم نمود ، قسمتی از ابتداء نسخه ذیل افتاده از اینرو نمیتوان گفت تألیف کیست ، بنام « ترکیب کافیه » براین کتابخانه وقف گردیده ، ما نیز بهمین نام از آن معرّفی مینمائیم ، از مطالعهٔ مطالب مندرجهٔ هم نتوانستم مؤلّف را شناخت فقط در ورق چهاردهم نسخه این عبارت را یافتم :

وهذا ماافاده الشیخ العلامه اسحق بن محمود القرشی رحمه الله . درمآخذیکه در دست داشتم این دانشمند را هم نشناختم و ندانستم که در چه عصری بوده است .

در کشف‌الظنون (ج ۲ ص ۲۵۱ و۲۵۳) سه کتاب دراعراب کافیه نام برده شده آنهارا دراینجا می آوریم :

۱ ـ معرب الکافیه لمحمدبن ادریس بن الیاس المرعشی اوله : الحمدلله القدیم الباری الخ . ۲ ـ (درذیل کافیه ابن حاجب) وفی اعرابها کتاب مسمّی **بالافصاح** لواحد من علماء الدولة المرادیّه قدم فی اوّله تفسیرسورة الفاتحه صنعه لولد الشیخ احمدبن یوسف السلانیکی باشارته ٤ ـ اعرابُ حاجی باباالطوسی المتوفی سنه . . . . (در فهرست کتابخانه رضویه ج ۳ ص ٤ نسخه ای از اعراب کافیه موجود و به حاجی باباالطوسی نسبت داده شده است) .

ونیز درص ١٦٤٠ ج ۲ فهرست کتابخانه آصفیه کتاب زیرین دراعراب کافیه نام برده شده :

تعلیل الاعراب الشافیه فی حل التركیب الكافیه ، ودر مقابل آن نوشته شده که بسال ۱۸۷۱ دراروپا چاپ شده ونامی ازمؤلّف وزمان حیات او نبرده است .

(۹۲۱)

ترکیب کافیه

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۵ نوشته شده ، از ابتداء آن اوراقی افتاده ، اوّل موجود آن اینست ، ماهیّة وهی واحدة وان کان الاسم العموم و ذلك عارض ولاینافیه تاءالوحده **واللفظ** خبرها وهومصدر یستوی فیه المذکّر والمؤنث **وضع** ماض مجهول والمستکن فیه مفعول مالم یسمّ فاعله راجع الی اللفظ الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) ، شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦٦) .

[۳۸۸] **التصریح بمضمون التوضیح** (عربی)

این کتاب شرح اوضح المسالك الی الفیة ابن مالك میباشد که درص ۳۰٦

معرّفی از آن گردید و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است (زین الدّین خالد بن عبدالله بن ابی بکر المصری الازهری متوفّی بسال ۹۰۵) که از علماء نحو معاصر با جلال الدّین سیوطی و عبدالرّحمن جامی آن دو عالم نحوی بزرگ بوده و صاحب شذرات الذهب (۱) در زیر مردگان در سال ۹۰۵ نام و نسب او را چنانکه نقل نمودیم ذکر نموده و گوید: کار وی روشن ساختن چراغهای یکی از مدارس بود، روزی فتیلهٔ وی بر جزوهٔ یکی از طلاّب افتاد، او را ناسزا گفت و بنادانی نسبت داد، این نسبت بر وی سخت آمد، با اینکه سی و شش سال از عمرش گذشته بود، شروع بتحصیل نمود و در آن موفقیّتی یافت و مردم را بخویشتن مشغول کرد و شرحی جامع بر توضیح نگاشت که مانند ندارد و دیگر از مؤلّفات وی اعراب الفیه ابن مالك و شرح سودمندی بر جرومیه (۲) و شرحی بر قواعد الاعراب ابن هشام (۳) و شرحی بر مقدّمه جزریه در تجوید (٤) و شرحی بر قصیده برده (٥) و مقدّمه ازهریه و شرح آن (٦) میباشد و از مؤلّفات او مردم بسیار سودمند میشوند چرا که بی زوائد و واضح و آشکار بدون تعقید تألیف گردیده است.

صاحب روضات گوید نسبش به ابو منصور ازهری (صاحب تهذیب اللّغه) میرسد و بسال ۸۹۶ تألیف تصریح خاتمه یافته و مشتمل برسی و چند هزار بیت و مورد توجه و عنایت طلاّب و مدرسین در این زمان است.

در مقدّمهٔ آن خود گوید: ابن هشام را در خواب دیدم بوی گفتم کتاب توضیح شما محتاج بایضاح است تصدیق نمود و گفت بر آنم که در مشکلات آن

---

(۱) شذرات الذهب ج ۸ ص ۲٦ ، روضات ج ۱ ص ۲۷۰ ، معجم المطبوعات العربیه والمعربه ص ۸۱۱ .

(۲) بنام: شرح الاجرومیه دو بار درمصر چاپ شده .

(۳) در معجم المطبوعات بنام «موصل الطلاب الی قواعدالاعراب» که نام آنست ثبت شده و گوید در حاشیه تمرین الطلاب مکرر چاپ شده است .

(٤) بنام الحواشی الازهریه فی حل المقدمه الجزریه دوبار چاپ شده .

(٥) بسال ۱۲۸٦ چاپ شده است .

(٦) بنام شرح الازهریه این شرح دوبار چاپ شده است .

چیزی بنگارم چون بیدار شدم خواب خود را بدوستان و دانشمندان نقل نمودم گفتند که این خود تورا اجازه ایست که بدین کار اشتغال جوئی باستخاره از خداوند توانا شروع باین کار نمودم و نام آنرا « التصریح بمضمون التوضیح » گذاردم الخ.

تصریح بسال ۱۲۸٤ درایران چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمدلله الملهم لتحمیده حمداً موافیا لنعمه مکافیاً لمزیده الخ.

(۹۲۲)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه را بخط نسخ محمد بن حسین بسال ۱۰۸۱ نوشته، چند ورق از اوّل و آخر آن وصّالی شده و پشت صفحه اوّل یاد داشتهائی و مطالب متفرقه ای نگاشته اند و این نسخه سال فراغت از تألیف را مطابق آنچه صاحب روضات نقل کرده بود داراست.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۸٤). صفحه‌ای (۲۹) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$۲۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۵).

(۹۲۳)

التصریح بمضمون التوضیح

این نسخه بخط نسخ خوب محمد باقر بن ملاّ ولی استرابادی بسال ۱۰۹٦ نوشته شده، عبارات متن را در همهٔ صفحات باشنجرف نگاشته، از کلماتیکه درحاشیه صفحات نوشته شده معلوم میشود که تصحیح و مقابله با نسخی گردیده و کتاب الجوهرة الثانیه فی الشعر و علل القوافی تألیف ابوعمر واحمد بن محمد بن عبدربّه که در این مجلّد از آن معرّفی خواهم نمود ضمیمهٔ آنست و فهرست مطالب تصریح در دو ورق اخیراً نوشته شده و پیش از کتاب گذارده اند.

جلد ساغری. کاغذ خان بالغ. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کلیه (۳۰۵). اوراق ضمیمه (۱۸). صفحه ای (۲۱) سطر. طول ($\frac{1}{2}$۲۸ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱٦).

(۹۲٤)

التصریح بمضمون التوضیح این نسخه را بخط نسخ محمد شریف ابهری نوشته ، روی متن کتاب خطّی باشنجرف کشیده شده ، بقرینه یادداشتیکه پشت ورق سفیدیکه پیش از کتاب بوده وبسال ۱۱۸٦ محمد صالح بن محمد کاظم هزار جریبی نوشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این نسخه نوشته شده ولی ازقرن یازدهم پیشتر نیست . بر اوراق زیادی اوّل و آخر گذشته ازفهرست مطالب کتاب مطالب متفرقه‌ای نگاشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱٦) صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲٤ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۲) .

(۹۲٥)

التصریح بمضمون التوضیح این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۲٦ نوشته شده ، کاتب نام خودرا نبرده ، براوراقیکه پیش از ورق اوّل بوده فهرست مطالب کتاب را نگاشته و پشت ورق نخستین نسخه بخط شکسته نستعلیق بسیار خوب چند کلمه در بیان قضا و قدر تحریر یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۸) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱۷) .

(۹۲٦)

التصریح بمضمون التوضیح این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب آن محمد حسین استرابادی میباشد ، از سال نگارش نام نبرده ، و ظاهراً از خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۹۸) . صفحه‌ای (۲٥) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۱٤) .

[۳۸۹] تصریف = العزی فی التصریف (عربی)

مؤلّف این کتاب عزّالدّین زنجانی است (عزّالدّین عبدالوهاب بن ابراهیم بن عبدالوهاب بن ابی المعالی الخزرجی الزنجانی متوفی پس از سال ٦٥٥) (۱) که از دانشمندان قرن هفتم هجری بوده و این مؤلّفه وی درعلم صرف از مشاهیر کتب

(۱) بغیة ذیل عبدالوهاب ، کشف الظنون ج۲ ص ۱۱٥ و۲۲۲ ومعجم المطبوعات ص ۹۷۷ .

این فن میباشد و شروح بسیار بر آن نوشته ، صاحب کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۱۵) بسیاری از شروح آن را نام برده و این مؤلف کتاب «هادی» (۱) مؤلفه خود را که در نحو و صرف بوده بنام «**کافی فی شرح الهادی**» شرح نموده و «تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس» در علم عروض ، که شرح **قسطاس** زمخشری است و بسال ۶۵۵ از تألیف آن فراغت یافته نیز از او و «المظنون به علی غیر اهله» (۲) را که مشتمل بر مجموعهٔ اشعار منتخبهٔ از جاهلیین و مولدین تا روزگار خود او است و بسال ۱۹۱۳ م با شرح عبیدالله عبیدی که بسال ۷۲٤ بر آن نوشته چاپ گردیده ، تألیف نموده و مشهورترین مؤلفات وی همین کتاب تصریف اوست که بنام «العزی فی التصریف» نیز مشهور میباشد .

تصریف درحدو (۳۰۰) بیت کتابت دارد و **ریموندوس** آنرا به لاتینی ترجمه نموده و بسال ۱۶۱۰ م. چاپ گردیده و اصل متن هم مکرر در ایران و آستانه و مصر و تونس و غیره بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله اعلم انّ التصریف فی اللغه التغییر الخ .

(۹۲۷)

تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، آخر آن افتادگی دارد و انجام نسخه اینست : (المرة من مصدر الثلاثی المجرد علی) . در حاشیه صفحات تعلیقاتی از تفتازانی و غیره نوشته شده و چند برگ اوّل وصّالی شده است.
جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۸۷) . صفحه ای (٤) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۳) .

[۳۹۰] تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب (عربی)

این کتاب در بیان اعراب و ترکیب الفیه ابن مالك میباشد و مؤلف آن خالد بن عبدالله ازهری است [۳۸۸] ص (۳۰۹) ، مشهور به ترکیب یا اعراب الفیه شده

(۱) در ص ۲۰٤ و ٦٤٥ کشف الظنون و بغیه تصریح شده که هادی متنی متوسط از عزالدین است و خود بر آن شرحی بنام کافی در دو مجلد نوشته ولی در ص ۳۷۱ کشف الظنون در ذیل «مبادی فی التصریف» نوشته شده که عزالدین زنجانی بر این مولفه خود شرحی نوشته و آن را الهادی نام نهاده و جاربردی درشرح شافیه بسیار از آن نقل نموده وسیوطی نیز این نقل جاربردی را تذکر داده و از مندرجات ص ٦٤٥ کشف الظنون خلاف این نوشته معلوم میشود.
(۲) این کتاب در کشف الظنون نام برده نشده ولی بدین نام کتابی درمطالب حکمی منسوب به ابی حامد غزالی است و نیز در آنجا تذکر داده شده که نبایستی از او باشد .

صاحب روضات تألیف آنرا بسال ۸۸٦ دانسته و معجم المطبوعات ایشانرا پیروی کرده و این کتاب درحدود (۱۸۵۷۵) بیت کتابت دارد.
بنام اصلی خویش مکرّر درمصر چاپ شده است.
آغاز: بسمله (۱) الحمدلله الّذی رفع قدرمن اعرب بالشهادتین الخ.

(۹۲۸)

تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۱ نوشته شده کاتب نام خود را ذکر نکرده، در صفحهٔ آخر یادداشتی بوده قسمتی از انرا محو کرده اند و پشت صفحهٔ اوّل صیغ نکاح نوشته شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۵۵). صفحه‌ای (۱٦) سطر. طول. (۲۰ سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۹).

[۳۹۱] الجمل = جرجانیه (عربی)

مؤلّف این کتاب مختصر عبدالقاهر جرجانی است (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرّحمن جرجانی متوفی بسال $\frac{٤٧١}{٤٧٤}$) (۲) که از علماء بزرگ نحو و مؤسس علم معانی و بیان بوده و شاگردی ابوالحسین محمّد بن حسن فارسی پسر خواهر ابوعلی فارسی را نموده و مؤلّفاتی گرانبها بیادگار گذارده، دراصول اشعری ودرفروع شافعی مذهب بوده، گویند ورع و پرهیزکار وخرسند (قانع) بوده، آورده اند که دزدی بخانه وی در آمد او درنماز بود آنچه بدستش آمد برداشت و برد، جرجانی میدید و نماز خود را نشکست، شعر میسروده و این دوبیت از او است:

کبر علی العلم لاترمه (۳) ومل الی الجهل میل هائم

(۱) در نسخه این کتابخانه پس از بسمله چنین نوشته است: یقول الفقیر الی عفو ربه الغنی خالد بن عبدالله الازهری عامله الله بلطفه الخفی الحمدلله الذی رفع الخ.
(۲) شرح حال و مؤلفات جرجانی از طبقات سبکی ج ۳ ص ۲٤۲، شذرات الذهب ج ۳ ص ۳٤۰، بغیة الوعاة ص ۳۰۸ نسخه خطی، معجم المطبوعات ص ٦۸۱، روضات الجنات ص ٤٤۳، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ٤٤ و کشف الظنون ص ٤۰۲ وصفحات دیگر گرفته شد.
(۳) در طبقات سبکی بدینگونه که نقل شد نوشته شده و در بغیه بجای لاترمه، یاخلیلی ودر شذرات الذهب مصراع اول بدینگونه: کبر علی العقل لاترضه نقل گردیده و بر دانشمندان پوشیده نیست که درمقابل جهل موجود درمصراع دوم علم اولی و لاترمه بهتر از لاترضه میباشد.

وعش حماراتعش سعیدا فالسّعدفی طالع البهائم (۱)

مؤلّفات عبدالقادر، کتاب **المغنی** که شرح ایضاح ابوعلی فارسی (درسی مجلّد)، **المقتصد** (۲)، اعجاز القرآن کبیر و صغیر (۳)، **العمده** در صرف، **عوامل المائه**، التتمه (٤)، **المفتاح**، تفسیر فاتحة الکتاب، دلائل الاعجاز، اسرار البلاغه (این دو کتاب درعلم معانی و بیان میباشد و بسال ۱۳۲۰ و ۱۳۳۱ در مصر چاپ شده اند)، شرح الجمل، الجمل (همین کتاب) و غیرازاینها است.

جمل که بنام جرجانیه نیز مشهور میباشد یکی از مؤلّفات مفیده و مختصرهٔ در علم نحو میباشد، درحدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف خود بر آن شرحی نگاشته و دانشمندان نیز بشرح آن پرداخته‌اند درص۴۰۲ ج ۱ کشف‌الظنون نام جمعی از آنها ثبت گردیده و مشتمل بر پنج فصل بدین تفصیل میباشد: ۱ - در مقدمات. ۲ - درعوامل ازافعال. ۳ - درعوامل ازحروف. ٤ - در عوامل از اسماء. ٥ - دراشیاء منفرده.

بنام **جمل** درعلم نحو جزاین کتاب در کشف‌الظنون کتب ذیل نام برده شده:
۱ - جمل درنحو تألیف ادیب فاضل حسین بن احمد معروف به **ابن خالویه** نحوی همدانی متوفی بسال ۳۷۰، ۲- الجمل الکبیره نیزدرنحو تألیف ابی القاسم عبدالرّحمن بن اسحق الزجاجی النحوی متوفی بسال ۳۳۹. ۳ - جمل درنحو تألیف ابوعبدالله محمدبن

(۱) اشاره بقاعده ای نجومی است که چون کوکب اشخاص دربرج حمل و ثور وازاینگونه مواقع باشد سعد است.

(۲) سبکی این کتاب را بنام المقصد فی شرح الایضاح در سه مجلد معرفی نموده و سیوطی پس از کتاب مغنی که شرح بزرگ ایضاح است گوید: المقتصد فی شرحه و کشف‌الظنون در ص ۱۷۷ ج ۱ درذیل الایضاح گوید که جرجانی شرح بزرگ خویش برایضاح را دریك مجلد مختصر نمود و نام آن را المقتصد گذارده.

(۳) در ص ۱۲۰ ج ۱ کشف‌الظنون استکه: اعجاز القرآن تالیف ابی عبدالله محمدبن زید واسطی متوفی بسال ۳۰۶ میباشد وعبدالقاهر جرجانی آن را دوشرح کرده وشرح بزرگ آن بنام المعتضد میباشدولی دربغیه‌اعجاز القرآن کبیر وصغیر وسبکی فقط اعجاز القرآن صغیر را بجرجانی نسبت داده اند.

(٤) این کتاب را فقط جرجی زیدان بجرجانی نسبت داده و گوید نسخه آن در موزه لندن موجود است و در کشف‌الظنون بنام «تتمة فی النحو» کتابی نام برده شده ولی مؤلف آن را معین نکرده است.

احمدبن هشام نحوی متوفی بسال ۵۷۰ .

آغاز : بسمله الحمدلله حمد الشاکرین والصلوة علی نبیّه محمّد و آله اجمعین قال الشیخ الامام ...... هذه جمل رتبتها ترتیباً قریب الخ .

(۹۲۹)

الجمل

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پیش از شروع باین کتاب همین نویسنده عوامل المائه جرجانی را که در همین فصل از آن یاد میکنم بدون ذکر تاریخ نگاشته ، یك یاچند ورق از آخر کتاب جمل افتاده و آخرین سطر نسخه اینست : والمکسورة فی فعلت و فعلتما و فعلتم . در میان سطور و حواشی نسخه تعلیقاتی بفارسی بامضاء ح در توضیح و بیان مطالب کتاب نوشته شده و مطالب را گاهی بنظم فارسی ذکرنموده ودر حاشیه یکی ازصفحات همین محشی تولّد فرزند خود محمّد را بسال ۱۱۹ که یا ۱۰۱۹ ویا ۱۱۰۹ بوده یادداشت نموده وخط اصل نسخه پیشتر ازسال ۱۰۱۹ کهنه تر بنظر میآید ، پشت نسخه ودر دفاتر کتابخانه بنام « مجموعه نحو در مقدّمات » ثبت شده و اوراقی از آن وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۱۱) : این نسخه (۹۸) . صفحه ای (۵) سطر . طول (½ ۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۲) .

[۳۹۲] الجموع والمصادر (عربی)

این کتاب متضمن جموع ومصادریستکه فیروزآبادی آنها را ترك نموده و درقاموس نیاورده است ، مؤلّف آن درمقدّمه‌خودرا محمدالمدعوّ بیحیی بن الشفیع القزوینی معرفی کرده و گوید: درهنگامیکه اشتغال به تصحیح قاموس داشتم دیدم که مؤلف پاره ای ازجموع ومصادر راآورده و بسیاری را نیاورده ، بر آن شدم که آنچه در آنجا نباشد گرد آورم ، چنین کردم و آنرا در دومقصد گذاردم و هرمقصدی را به ابوابی تقسیم نمودم که برای مراجعه کنندگان وجویندگان ، کار آسان باشد .

در کتب سیر و رجال این مرد را نیافتم ، چنانکه در ص ۲۳۹ گذشت مؤلّف « ترجمان اللّغه » محمّد یحیی قزوینی و نیز چنانکه در ص ۱۰۵ گذشت پدر مؤلّف نظم الغرر و نضد الدرر محمّد یحیی قزوینی بوده و این دو مؤلّفه در زمان شاه سلطان حسین صفوی تألیف گردیده ودرص ۶۰۴ روضات ذیل میرزا رفیعا النائینی (محمّد بن سیّد حیدر) گوید: واین مرد غیر از مولی رفیع الدّین محمّد بن مولی فتح الله قزوینی معروف به واعظ مؤلّف ابواب الجنان است که بسال ۱۰۸۹ وفات یافته و چنانکه از امل الامل بر می آید اورا پسری بنام محمد شفیع بن رفیع الدّین محمّد واعظ قزوینی است که فاضل وعالم وزاهد وصالح وواعظ جامع قزوین بوده وابواب الجنان پدر را که ناتمام بوده تکمیل کرده است .

ازقرائن موجوده درعبارات نقل شده بالا محتملاً بدست میآید که شفیع یا محمّد شفیع پدر یحیی مذکور است این کتاب در حدود (۱۳۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل الجموع باطالیلا بل جموح المفردات الخ .

(۹۳۰)

الجموع والمصادر

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را نبرده ، بسال ۱۲۷۰ داخل اعتضادیه گردیده و دارای اغلاطی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۶) . صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۰).

[۳۹۳] حاشیه برشرح تصریف تفتازانی .. (عربی)
دده جنگی

نسخه ایکه خصوصیّات آن زیر این سطرها نگاشته میشود بنام « حاشیه برشرح تصریف » وقف و داخل دراین کتابخانه شده ، در خود نسخه و پشت آن و در دفاتر کتابخانه نامی از مؤلّف و خود کتاب نیست ، نگارنده چون بمطالعه آن پرداخت بسیاری از مطالب نحوی و تفسیری وادبی ورجالی در آن دید ، درحاشیهٔ برشرح

تصریف بودن آن شك نمود، متن آنرا باشرح تصریف (از این کتاب درص ۳۱۲ و ۳۱۳ همین مجلّد معرّفی شد) مطابقه نمود عین آن بود بکشف الظنون مراجعه کرد، درص ۱۱۵ و ۱۱٦ ج ۲ ذیل «العزّی فی التصریف» شروح آن و حواشی وشروح برشرح آنرا مطالعه نمود، درآن یازده شرح وحاشیه (۱) برشرح تفتازانی یافت، ودرآنجا نیزاین عبارات را دید: (وجمع کمال الدّین دده خلیفه المعروف بقره دده شیئاً کثیراً علی شرح السّعد بالاستطرادفصار مجموعة لطیفة مفیده یقال لها دده جنگی توفی المذکور سنة ۹۷۳ ثلث وسبعین وتسعمائه.) و در شذرات الذّهب (ج ۸ ص ۳۷٤) از آنهائیکه بسال ۹۷۳ مرده اند کمال الدّین دده خلیفه را نام برده

---

(۱) ۱ - سیوطی را حاشیه‌ای برشرح تفتازانی بنام «التوصیف حاشیة علی شرح التصریف» میباشد و در فهرست مؤلفات خویش بدان تصریح نموده. ۲ - حاشیهٔ شمس الدین محمد بن علی حلبی عرضی معروف به «ابن هلال نحوی» متوفی بسال ۹۳۳ بنام التطریف علی شرح التصریف» (محمد بن ابراهیم حلبی معروف به «ابن الحنبلی» متوفی بسال ۹۷۱ حاشیه ای براین حاشیه نوشته و نام آن را «التعریف علی تغلیط التطریف» گذارده). ۳ - حاشیه ابن الحنبلی مذکور بالا بنام «مستوجبة التشریف بتوضیح شرح التصریف». ٤ - حاشیهٔ شیخ ناصرالدین ابی عبدالله اللقانی (براین حاشیه شاگرد وی شهاب الدین احمد عبادی حواشی نوشته و شاگرد او احمد بن محمد خفاجی خطیب آنها را گرد آورده است). ٥ - شیخ ابراهیم اللقانی متوفی بسال ۱۰٤۱ برشرح تفتازانی حاشیه ای بنام «خلاصة التعریف بدقائق شرح التصریف» نگاشته. ٦ - کمال الدین خلیفه معروف به قره دده مطالب زیادی را استطراداً برشرح تفتازانی گردآورده و مجموعه ای لطیف شده و آن را «دده جنگی» گویند و کمال الدین مذکور بسال ۹۷۳ مرده است. ۷ - شرحی بنام «شرح الشرح» نیز در ذیل «العزی فی التصریف» (ذیل همین شروح و حواشی) نام برده شده و ظاهراً این شرح برشرح تفتازانی باشد چرا که مشهورترین شرح های تصریف این شرح است ومطلق منصرف به فردا کمل میگردد و مؤلف این شرح را سعدالدین طبلاوی معرفی کرده است. ۸ و ۹ و ۱۰ - پس از شروح و حواشی نام برده بالا گوید، و برسعدالدین حاشیه ای از سعدالله بردعی و حاشیه ای از محمد بن قاسم غزی و حاشیه ای از قاسم بن قطلوبغا الحنفی متوفی بسال ۸۷۹ میباشد، (ممکن است که مراد کشف الظنون از این سعدالدین، طبلاوی باشد که بلافاصله پیش ازاین بیان، شرح او را نام برده و ممکن است که مراد خود تفتازانی باشد به هردواحتمال این حواشی نیز برتفتازانی خواهد بود). ۱۱ - شرح شمس الدین محمد بن شیخ زین الدین قاسم بن علی بنام «نزهة الناظر بالطرف فی شرح علم الصرف» میباشد.

وگوید درذیل شقائق‌النعمانیه (۱) از او معرفی گردیده ومؤلّفات او عبارت است از : حاشیه ای برشرح تفتازانی که درآن بسط کلام داده . و منظومه ای در فقه ورسائل زیاد درفنون مختلفه نیزداردواورا دستی توانا درفقه و تفسیر بوده است .

دراین حاشیه اقوال بسیاری ازعلما ودانشمندان ازمفسّرین‌ونحوییّن وصرفیّین وادبا ولغوییّن وعرفا وفقها دیده میشود ونزدیکترین آنها به این عصر ابن کمال پاشا متوفی بسال ۹٤۰ میباشد .

بقرائن ونشانه‌های‌نام برده بالاگمان نزدیك بیقین بلکه قطع پیدا کردم که این حاشیه همان نگاشته دده خلیفه است کـه بگفته کشف الظنون بـه آن **دده جنگی** گویند وبامراجعهٔ بآن چنانکه گفته شد جنگ بودن آن ثابت میشود .

طرز این حاشیه اینستکه در تحت عنوان قوله قسمتی از عبارت تفتازانی را نقل مینماید پس از آن مطالبی از کتب‌سابقین ادرفنون مختلفه بمناسبت ذکر و نام بسیاری ازدانشمندان ومؤلّفات ایشان دراین حاشیه دیده میشود وبعضی از آنهارا چون نام برده بشرح حال مختصروذکر مؤلّفات آنان نیز مبادرت نموده واز کتب تفتازانی نقل های بسیار دارد وبگفته دوست محترم آقای‌امین عراقی که این شرح بکمك فکری وتتبّع ایشان نگارش یافته اگر نام مؤلّفین و مؤلّفات مذکوره در این حاشیه راگرد نمائیم خود رجال و فهرستی میشود و تمام حاشیه در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد وشایسته است که بچاپ آن مبادرت شود .

آغاز : بسمله ابتدا بالبسمله اقتداءً بکتاب‌الله‌العلیم‌وامتثالاً بقول رسوله‌الکریم کل امر ذی‌بال‌الخ .

---

(۱) مراد مؤلف شذرات از ذیل شقائق النعمانیه کتاب « العقدالمنظوم فی‌ذکرافاضل‌الروم » میباشد که حقا ذیل شقائق‌النعمانیه میباشد و درحاشیه ج ۲ و فیات الاعیان ازص ۹٥تا٤٢٤ بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حاشیه ص ١٦٤-١٦٧ کتاب مذکورشرح حال این دانشمند بنام دده خلیفه بدون تصریح به لقب کمال‌الدین که مؤلف شذرات و حاجی خلیفه تذکر داده اند نوشته شده ومؤلفات وی در اینجا همانست که صاحب شذرات نقل نمود و در اینجا شرح مفصلی در سیره وی میباشد که مؤلف مذکور مختصر آنرا ذکر نموده و مطالعه آن برای تشویق دانشجویان بسیارسودمند ومشوق‌است ودراینجا است که دده‌خلیفه دباغ بودو دربزرگی‌اندیشه تحصیل‌را یافت و کوشش کرد تابهره ای کافی یافت .

انجام: الطعم بالفتح والضم مصدر طعم الشئ ای اکل وذاق الّا ان المفتوح هوالشهور بین الجمهور والفقهاء والله اعلم .

(۹۳۱)

حاشیه بر شرح تصریف یا دده جنگی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۰ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، درمیان نسخه دوجا چند برگ کاغذ ننوشته دارد ولی رشته مطالب بایکدگر پیوسته است وافتاده ندارد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی تقریبا . شمارهٔ اوراق (۱۶۰) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۹) .

[۳۹٤] حاشیه بر شرح جامی از اسفراینی (عربی)

این حاشیه نگارش عصام الدّین اسفرائنی است (۱) (عصام الدّین ابراهیم بن محمّد بن عربشاه حنفی اشعری متوفی بسال ۹۴۳/۹۵۱ (۲)) که ازشاگردهای جامی بوده، و در منطق و نحو و ادب دستی قوی داشته ، در جلد اوّل فهرست (ص ۱۲۰) حاشیه ای از ایشان برتفسیر بیضاوی معرّفی گردید ، شذرات الذهب ویرا از اولاد ابواسحق اسفراینی (یاقوت درص۲٤۷ج۱ معجم البلدان وفات ابواسحق رابسال ٤۱۸ در روز عاشورا معین کرده) معرّفی نموده و در روضات جز حاشیه نام بردهٔ بالا مؤلّفات زیرین بوی نسبت داده شده : **الاطول** درشرح تلخیص المفتاح درمعانی

(۱) شرح حال این مؤلف بامراجعه به شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۹۱ و روضات ص ۵۰ ومعجم المطبوعات ص۱۳۳۰ و کشف الظنون ج ۲ ص ۲۵۰ وفهرست دارالکتب ج۲ ص ۹۹ نگاشته شد .

(۲) درروضات بنقل از تاریخ اخبارالبشر ودر کشف الظنون وفات عصام الدین بسال ۹٤۳ ثبت شده ولی در شذرات وفات وی در حدود سال ۹۵۱ معین گردیده و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب وی را پیروی کرده‌اند وصاحب شذرات گوید در اواخرعمر از بلخ بسمرقند آمده وپس ازبیست ودوروز ناخوشی درهفتاد و دو سالگی بدرود زندگانی گفت وآخرین کلمه ایکه برزبان راند الله بودوصاحب روضات از ریاض العلما نقل نمود که عصام الدین دراواخر عمر ببلاد روم رفت و در آنجا بودتا بمرد .
اسفرائن یا اسفرآیین ازنواحی نیشابور است ویاقوت اصل آن را اسپرآئین یعنی مرکب از کلمهٔ « اسپر » وکلمهٔ « آیین » دانسته است .

وبیان وبدیع ، **شرح شمسیه** درمنطق ، **حاشیه** برشرح شمسیه قطبی ، **حاشیه** برحاشیه میر سید شریف برشمسیه ، **حاشیه بر کبری** که تقریباً شرح فارسی برآنست، **شرح آداب البحث** قاضی عضد ایجی ، **شرح** رسالة الاستعاره ابوالقاسم سمرقندی ، **شرح عبارت** قدجرت عادة المصنفین ، **رساله درشرح** کل ج ب (این دومؤلّفه در شرح عبارت شارح شمسیّه است)، **رساله** دربیان نسب میان قضایا ، **رساله** درتحقیق محصورات اربع، **رساله** درمبحث تقسیم قضیه، **رساله** دراستعارات بدیعیه و حقیقة و مجاز بفارسی، **حاشیه** برشرح عقائد نسفی تفتازانی و**حاشیه برشرح جامی** (همین کتاب) .

درمعجم المطبوعات چاپ شدن کتاب ۱و۳و۷و۱٤و۱۵ عصام الدّین تذکر داده شده و نیزدرآنجا کتابی بنام **میزان الادب** مشتمل برنحو و صرف و بیان به عصام الدّین نسبت داده شده و گوید بسال ۱۲۸٦ درآستانه تمام آن وبسال ۱۲۹۰ درمصر باب صرف آن چاپ شده ونیز حاشیه بررساله وضعیّه که آن نیز بسال ۱۲۷٤ درآستانه چاپ شده و کتابی بنام شرح عصام برفریده که بسال ۱۲۷٦ چاپ شده بایشان نسبت داده شده و مؤلّف در حاشیهٔ برشرح جامی نامی از این کتاب برده است .

این حاشیه برشرح جامی برکافیه ابن حاجب است ودرنحو میباشد ، ازشرح جامی وکافیه درهمین فصل معرفی خواهد شد ، وفضلا حاشیه غفور را که پس از این معرفی میشود براین حاشیه ترجیح میدهند و برمطالب مهمّهٔ از اوّل تا بآخر شرح جامی میباشد ، وبسال ۱۲۷٦ مستقلاً درآستانه چاپ شده ونیز درحواشی شرح جامی قسمتهائی از آن چاپ شده و در حدود (۱۰٦۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز : بسمله یاهادیا لسالك مسالك حامدك ویاسامعاً لجامع الخ .

(۹۳۳)

حاشیه اسفراینی برشرح جامی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته ، از خطوط قرن دهم هجری است ، در آخرین صفحه یادداشت مشعر بر تملك ابوالشرف بن صفی الدّین محمّد زواری که از علماء امامیّه بوده موجود است .

و یاد داشت دیگری نیز پشت صفحهٔ اوّل داشته زیر وصله صحاف رفته
و تاریخ آن که سال ۹۹۵ را میرساند و برخی از عبارات آن قابل خواندن میباشد ،
قسمتی ازنسخه تصحیح گردیده ، پشت آخرین صفحه نیز مطالبی ازتفسیر امام‌فخر
بخط ابوالشرف مذکور نوشته شده و پشت صفحهٔ اوّل یاد داشتهای دیگری
نیز بوده قسمتی از آنها محو شده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۱٤) .
صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ
کتابخانه (۳۱٦۹) .

(۹۳۳)

حاشیه اسفراینی بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ خوب مسیح شیرازی نوشته شده ، ظاهراً
ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، یاد داشتهائی ازعلماء
قرن دوازدهم وسیزدهم بامهرهای ایشان (بعضی باتعیین سال)
پشت ورق اوّل و آخر موجود و یادداشتی در آخرین صفحه
بوده آنرا محو کرده اند ، دارای سرلوحی زیبا و صفحات آن مجدول بطلا است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۹) .
صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ
کتابخانه (۳۱٦۷) .

(۹۳٤)

حاشیه اسفراینی بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ورق آخر که
ظاهراً مشتمل برنام نویسنده و سال نگارش بوده بریده شده
وباورقی دیگر وصّالی شده ، ازنسخهٔ پیش از این نوترمیباشد ،
پشت صفحه اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو و بجای آنها
یادداشتهای دیگری نگاشته‌شده درابتداء صفحه اوّل هم آثار محو موجود است .

جلد چرمی مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری شمارهٔ اوراق (۳۲۱) .
صفحه ای (۱۷) سطر . طول (½ ۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه
. (۳۱٦۸)

[۳۹۵] حاشیه برشرح جامی ازعبدالغفور (عربی)

منشی این حاشیه ملاعبدالغفور لاری(۱) متوفی بسال ۹۰۵ یا ۹۱۲(۲) میباشد که از شاگردان جامی بوده وشهرت وی بواسطهٔ همین حاشیه شده ، در مآخذیکه در دست نگارنده است شرح حال این دانشمند یافت نشد ، صاحب روضات در ذیل عصام الدّین اسفراینی (ابراهیم) فقط بهمین اندازه که ترجمهٔ آن اینست در اطراف این دانشمند بحث نموده :

اسفراینی مذکور معاصر فاضل‌هوشیار مولی عبدالغفورلاری بوده که وی نیز شاگردجامی است‌وسی‌وهشت‌سال پیش‌ازوفات‌اسفراینی (پیش‌ازین‌وفات‌اسفراینی‌را سال۹٤۳ رامعین کرده)وفات یافته و بعضی ازدانشمندان حاشیه غفوررا برحاشیه اسفرائنی ترجیح میدهند . انتهی درمعجم‌المطبوعات‌درص ۱۵۸٤ تحت‌عنوان‌اللاری مصلح‌الدین‌متوفی بسال ۹۷۹ رانام برده وحاشیه غفوررایکی ازمؤلّفات‌وی‌دانسته‌و درنگارش این بحث مآخذ خود را یکی‌العقد المنظوم ودیگری ذیل شقائق‌نعمائیه (بتصریح خود این مؤلّف درص ۱۳۵۷ معجم کتابی ترکی ومؤلّف آن عطائـی میباشد و ازعطائی درمعجم مؤلّفه ای نیست) معرفی نموده در ص ۲٤۷ - ۲۵۲ العقدالمنظوم شرح حال مصلح الدّین لاری مذکور ثبت شده وهمهٔ مؤلّفاتیکه در معجم نام برده شده دارا است ولی‌حاشیه برشرح جامی آنهم منسوب به غفور در آنجا نیست و مؤلّف این حاشیه وآن مؤلّفات مسلماً دونفراند ، ازعبدالغفور هم ابداً نامی نبرده است و در هفت اقلیم (ص ۲۱٤ نسخه خطی این مدرسه) درذیل عنوان لار این دو نفر را جداگانه نام برده و مؤلّفه عبدالغفوررا همین حاشیه واز مؤلّفات مصلح الدّین بس حاشیه برشرح هدایه (۳) را نام برده است .

---

(۱) لار در جنوب غربی شیراز واقع شده و بخلیج فارس منتهی میشود و جـزء فارس میباشد .

(۲) ۹۰۵ راصاحب روضات بنقل‌ازتاریخ اخبارالبشر نقل نموده‌و۹۱۲ را صاحب کشف‌الظنون ضبط کرده و در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۹۸) ۹۱۲ ثبت است واگروفات اسفراینی مذکور را بسال ۹۵۱صحیح بگیریم و از آن ۳۸ را جدا سازیم ۹۱۳ میشود .

(۳) درالعقدالمنظوم تصریح شده که این حاشیه برشرح هدایه اثیریه میبدی است .

این حاشیه برابتداء این شرح تاآخر مبحث اسماء افعال واوّل مبحث اصوات شرح جامی است و عمر منشی آن بآخر رسید و تا آخر نرساند و مکرّراً بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰٦ و ۱۳۰۹ درآستانه و بسال ۱۲۹۲ و ۱۳۱۳ درهندوستان و در حاشیه شرح جامی مکرّراً چاپ شده ، عبدالحکیم سیالکوتی متوفی بسال ۱۰٦۷ و مولی نور محمد علی براین حاشیه حاشیه ای دارند و در آن اقوال علماء نحو خصوصاً شیخ رضی شارح کافیه را در بسیار از موارد نقل و برد آن پرداخته وشاید کمتر صفحه ایست که نامی از او نداشته باشد .

حاشیه غفور درحدود (۳۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله قوله الحمد مصدر معلوم واللاّم للجنس او للاستغراق ای کل حمد الخ .

انجام: قوله وجه الاکثرین انّ ای ان وجه البناء فی ذی الراء قصد الاماله اذهی امر مستحسن والمصحح للاماله کسر الراء وهی لایتصل الّا بتقدیر البناء لانّه اذا اعرب منع الصرف لم یکسر .

(۹۳۵)

حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، آخرورق آخرین را که شاید مشتمل برنام نویسنده و سال نگارش بوده ، پاره کرده اند و پس از آن وصّالی گردیده ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد وورق اوّل هم وصّالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱٤٦) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۱) .

[۳۹٦] حاشیه برشرح جامی از سید جزائری (عربی)

سیّد نعمة الله جزائری(۱) یکی ازمشاهیر علماء قرن یازدهم هجری و صاحب تألیف های زیاد میباشد ، وفات وی بسال ۱۱۱۲ درقریه جایدر اتفاق افتاده ،

(۱) شرح حال این سید جلیل با مراجعه به روضات ج ٤ ص ۲۲۰-۲۲۳ ، لؤلؤ ص۷۵ ، هدیة الاحباب ص ۱۵٤ امل الامل ص ۷۲ و ۷۳ ج ۲ نگاشته شد .

صاحب روضات بعنوان السيّد السند المعتمد الجليل الاواه نعمة‌الله بن عبدالله الحسينى الموسوى الجزائرى الشوشترى معرّفى کامل از ایشان و مؤلّفاتشان نموده و گوید الجزائر دراطراف شط العرب واقع شده نخست در آنجا بکسب دانش مشغول گردید پس از آن بشیراز آمد و از دانشمندان آنجا بهره گرفت و باصفهان شتافت بشرف شاگردی آقا حسین خونساری و ملا محسن فیض کاشی و علاّمه مجلسی و بسیاری از معاصرین ایشان نائل شد و چنانکه نوهٔ ایشان سید عبدالله بن نورالدّین بن نعمة‌الله در یکی از اجازات خود گفته تولّد این سیّد جلیل در ده صباعیه از جزائر درحدود سال ۱۰۵۰ (۱) بوده و مؤلّفات این سیّد عبارت است از : شرح تهذیب الاحکام کبیر و صغیر ، شرح صحیفهٔ سجّادیه کبیر و صغیر ، شرح ملحقات صحیفه ، الانوار النعمانیه ، شرح غوالی اللالی ابن ابی جمهور احسائی ، رساله ای بنام التحفه در نماز ، شرح عیون اخبار الرضا ، شرح توحید صدوق ، شرح احتجاج بنام قاطع اللجاج ، شرح کافیه ابن حاجب ، شرح روضهٔ کافی (درفهرست معارف ج ۱ ص ۶۷ نوشته شده که دو شرح یکی مختصر و دیگر مفصّل بر این کتاب نگاشته) ، زهر الربیع ، غرائب الاخبار و نوادر الآثار ، شرح تهذیب شیخ بهائی در نحو ، قصص الانبیاء ، ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار ، شرح اسماء الحسنی (این شرح تا حرف ضاد تألیف شده و بسیار مفصل است) ، شرح استبصار (آقای جواهر کلام در ص ۵۵ ج ۱ فهرست معارف دو شرح بر استبصار بایشان نسبت داده اند یکی بنام «غایة المرام» در هشت مجلّد و دیگری در دوازده مجلّد و گویند از این شرح چند مجلّد در کتابخانه امام جمعه کرمانشاهان دیده ام . ولی بتصریح در ص ۳۲۸ کشف الحجب غایة المرام شرح تهذیب الاحکام میباشد و نیز در ص ۳۲۲ تصریح شده که شرح استبصار بنام کشف الاسرار میباشد و در قصص العلماء نیز شرح تهذیب را در هشت مجلّد و

(۱) در روضات تاریخ تولدرا فی حدود الخمسین والماة بعد الالف نوشته و نیز در همین کتاب وفات ایشان را بسال ۱۱۱۲ ضبط نموده واساتید او پیش از این تاریخ تولد ووفات یافته اند بنا بر این کلمه الماة زائد خواهد بود . و در ترجمه ج ٤ تاریخ ادبیات برون ص ۲۳٤ و کشف الحجب والاستار ص ۳۲۸ وفات سید جزائری بسال ۱۱۳۰ ثبت شده ولی در هدیه الاحباب نیز بسال ۱۱۱۲ تعیین شده است .

شرح استبصار را بنام کشف‌الاسرار در دو مجلّد بنقل ازنوشته سیّدمؤلف معرّفی نموده‌است) ، شرح نهج‌البلاغه (ص ۵۱٤ مستدرك) حواشی و تعلیقات بر قرآن کریم یا تفسیر آن در سه مجلّد بزرگ (حاجی نوری در ص ۵۱٤ ج ۳ مستدرك نام این تفسیر را «العقود والمرجان» معیّن کرده اند) ، حاشیه برمغنی ، حاشیه بر استبصار و حاشیه برشرح جامی (همین کتاب) و کتب و رسائل دیگر.

این حاشیه و تعلیقات بر ابتداء شرح جامی تا آخر مبحث اسم میباشد و بر مبحث افعال و حروف در نسخه چاپی شرح جامی حاشیه ای نیست و دو نسخه خطی زیرین این کتابخانه و نسخه خطی کتابخانه حضرت رضاع (بسال ۱۲۵۳ نوشته شده) نیز شامل همین اندازه حواشی برشرح جامی است و در فهرست آن کتابخانه (ص ۹ ج ۳) نوشته شده که بیش ازاین را ننوشته اند و بقرینه اینکه صاحب امل‌الآمل متوفی بسال ۱۱۰٤ که معاصر سید نعمة الله بود در امل‌الآمل که بسال ۱۰۹۷ تألیف شده این حاشیه را درضمن مؤلّفات ایشان ذکر نموده تألیف آن پیش از سال مذکور بوده و محشّی در این حاشیه اشاره‌ای باقوال شارح رضی نموده و بردّ آنها پرداخته‌است.

کتابت نسخه ذیل درحدود (۶۶۰۰) بیت میباشد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی جعل علم النحو نوراً یهتدی به الی فهم القرآن المبین الخ .

انجام : (۱) هذا مایتعلق بشرح الاسم کتبناه مع تفرق البال و تشتت الحال و نتبعه انشاء الله بشرح القسمین الاخیرین قاله بلسانه وحرّره ببنانه مؤلّفه الحقیر الفقیر الی الله الغنی نعمة‌الله بن عبدالله الحسینی الجزائری عفی‌الله عنهما .

(۹۳۶)

حاشیه جزائری بر شرح جامی

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، چهار ورق اوّل آن و ۲۸ ورق ازآخر آن باکمال تناسب بخط اصلی نسخه بسال ۱۲۲۵ نوشته شده ، کاتب این قسمت نام خود را ننگاشته ، درحاشیه دو صفحه از صفحات قدیمی اوائل نسخه حاشیه هائی

(۱)

درتوضیح وبیان محشی، تعلیقاتی بامضاء وخط محمدحسین بن محتشم موجود ومسلّماً این نویسنده پسر محتشم معروف متوفی بسال ۹۹۲ یا ۱۰۰۰ نخواهد بود و حاشیه‌هائی بامضاء منه درقسمت قدیمی نسخه موجود وظاهراً بخط خود مؤلّف ومحشی میباشد وبرورقیکه پس از آخرین ورق نسخه است مطالبی نوشته شده است .

جلدتیماجی . کاغذ سمرقندی وفرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۹٤) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۷) .

(۹۳۷)

حاشیه جزائری بر شرح جامی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، نام نویسنده را ندارد ، ورق اوّل وصالی شده ، پشت ورقیکه درآخر نسخه بوده ، نسخهٔ معجونی نوشته شده است.

جلدتیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷٦).

[۳۹۷] حاشیه برشرح کافیه (عربی)

این حاشیه چنانکه در آخر آن تصریح شده ودرفهرست رضویه(ج ۳ ص۸) نیز معیّن گردیده ، نگاشتهٔ ، ملااحمدابیوردی میباشد ، در کتب سیر و رجال بنام و شرح حال وی دست نیافتم ، بقرینه اینکه از محقّق تفتازانی متوفی بسال ۷۹۱ یا۷۹۲ یا۷۹۳ دراین حاشیه نقل نموده وخود نسخه بسال ۹۰۱ نوشته شده زمان تقریبی حیاة و زندگانی وی معلوم میشود که میان ۷۹۳ و ۹۰۱ بوده ومسلماً توان او را از دانشمندان قرن نهم هجری دانست .

این نسخه دارای دیباچه ومقدّمه نیست وپس ازبسمله شروع بمطلب مینماید ، درآخر هم تصریح نشده که این تعلیقه برچه کتابی میباشد ، پشت صفحه اوّل نسخه ذیل ، ابوالحسن نام اصفهانی نوشته اند که این حاشیه برشرح جامی است . ودرفهرست رضویه حاشیه ای از احمد ابیوردی موجود (۱) وبنام حاشیه برشرح

(۱) نسخه آن کتابخانه آغاز آن مطابق این نسخه‌میباشد ونقص آن ازاین نسخه فقط هفت بیت است .

متوسط برکافیه معرّفی شده ، نگارنده چون بتحقیق آن پرداخت وازاوّل تاآخر آنرا مطالعه نمود ازمندرجات آنهم نتوانست بدست آرد که حتماً این تعلیقه برچه شرحی است چراکه بیشترعناوین مطالب از متن(کافیه) نقل شده ، جزدرجاهای بسیار معدودی که پس ازلفظ قوله عباراتی ازشرح متوسط کافیه نقل گردیده ودراطراف آن بحث نموده ودرجاهای متعدّد نیز پس ازلفظ قوله عباراتی است که نه ازمتن (کافیه) ونه ازشرح متوسط میباشد (۱) بنابراین احتمال میدهم کـه این حاشیه برشرح کبیر کافیه تألیف سیدرکن الدّین است وما درهمین فصل ازشرح متوسط کافیه مفصلاً معرّفی خواهیم نمود وازشرح کبیرهم بمناسبت نامی خواهیم برد .

این حاشیه درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد وبرابتداء کتاب (شرح کافیه) تاآخر آنست وبنای محشی بر آن نبوده کـه برتمام مطالب تعلیقه ای داشته باشد ودر بسیاری ازمباحث بیش از یك یادوحاشیه ننگاشته است .

آغاز: بسمله قوله مایتلفظ به الانسان الاحسن ترك لفظ الانسان لانه قیدلافائدة فیه الخ .

انجام: لاثبات ماانتفی عن الاول للثانی (۲) .

(۹۳۸)

حاشیه بر شرح کافیه

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۰۱ نوشته شده ، در آخر آن فضل الله بن ابراهیم انصاری نام، بخط خود که بسیار شبیه بخط نویسنده نسخه است و شاید خود وی کاتب آن بوده مالکیت خویش را تصریح نموده وپائین دوورق بآخر نسخه مانده مهر اسم دائره ایست کـه در وسط آن نوشته شده :

---

(۱) در مبحث منع صرف این حاشیه حاشیه ای براین مطلب است : قوله قدس سره ودل علی ان اصلها تاء التانیث الخ و این عبارات در شرح متوسط ومتن کافیه نیست ، و نیز در مبحث تثنیه وجمع ، حاشیه ای بدینگونه است که درشرح متوسط نیست : قوله المثنی ما لحق الخ فیه ان هذاالتعریف لا یصدق علی المثنی لان آخر المثنی هوالنون ولم یلحق باخره الف الخ .

(۲) پس از عبارت بالا درنسخهٔ این کتابخانه نوشته شده : تمت الحاشیه لمولانا احمد ابی وردی فی خامس عشرین شهررجب المرجب سنة احدی تسعمایه .

فضل‌الله بن الفقیه ابراهیم الانصاری . و در اطراف آن آیة‌الکرسی بخط نسخ نوشته شده است . از نوشته های در اطراف صفحات نسخه معلوم میشود که تصحیح گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۶۲) . صفحه ای (۱۲ و ۱۶ و ۱۷) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۹½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۰) .

[۳۹۸] حاشیه شرح سیوطی بر الفیه - (عربی)
حاشیه میرزا ابوطالب

نگارندهٔ این تعلیقه و حاشیه حاج میرزا ابوطالب اصفهانی از علماء قرن سیزدهم هجری و معاصر بافتحعلیشاه قاجار بوده و بسال ۱۲۲۳ تألیف آن بپایان رسیده ، ودرمقدّمه گوید که مطالب شرح الفیه جلال‌الدّین سیوطی که مشهور به **سیوطی** گردیده دربسیاری ازموارد مشکل و مندمج میباشد وفهمیدن مرادآن بسی دشوار است گروهی از دانش جویان خواستار شدند که من بحلّ مشکلات آن پردازم برای اجابت آنها بنگاشتن این حاشیه مبادرت نمودم .

در کتب رجال و سیر بشرح حال این مؤلّف و مؤلّفات ایشان دست نیافتم چیزیکه لازم است در اینجا تذکر داد اینستکه معاصر این مؤلّف میرزا ابوطالب اصفهانی پسر میرزا علیرضا بن محمّد علی بن میرزا کوچك بن حکیم داود استکه اسلافش از مشاهیر حکما و اطباء بوده اند و از مقام طبابت بتولیت آستان قدس رضوی سلام الله علیه رسید و سی وهفت سال دارای این منصب بزرگ بوده وبسال ۱۲۱۶ بدرودزندگانی گفته بنابراین، این دو راکه هردو اصفهانی ویك نام داشته ومعاصر بوده اند یکی نباید دانست (ازص ۴۱۶ ج ۲ مطلع الشمس نقل گردید) .

این حاشیه درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۸۲ مستقلاً در طهران و درحواشی سیوطی مکرّر چاپ شده است .

آغاز : بسمله ربّنا ربّنالك الحمد لما ترفعنا نحوك الخ .

(۹۳۹)

حاشیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۶۰ نوشته شده ، کاتب نام
میرزا ابوطالب خودرا ننگاشته، تصحیح گردیده ، فقط چند حاشیه ازمؤلّف
حاشیه بر سیوطی بر این تعلیقه درحاشیه صفحات نوشته شده است .
جلد تیماجی نقاشی شده . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع خشتی شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲۵) سطر. طول(½ ۲۰ سانتیمتر) عرض (½-۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۲۰). قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

[۳۹۹] شافیه (عربی)

این کتاب درعلم صرف و مؤلّف آن ابن حاجب است(جمال‌الدّین ابوعمرو عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس مالکی ۵۷۰ - ۶۴۶) (۱)که ازمشاهیر دانشمندان قرن‌هفتم هجری ومعاصر ابن خلکان بوده وچنانکه دروفیات الاعیان نوشته مکرّر برای اداء شهادت پیش وی آمده و او را در مسائل ادبی امتحاناتی نموده و بخوبی ازعهده جواب برآمده است ، وگوید او را ابن الحاجب گویند چراکه پدرش حاجب (دربان) امیرعزالدّین موسك صلاحی بوده ، ابن حاجب درقاهره قرآن کریم را چون بخواند بدیدن فقه بر مذهب امام مالك پرداخت پس از آن علوم عربیّه وقراآت را یادگرفت و درهمهٔ آنها سرآمد اقران گردید ، پس از آن به دمشق مسافرت نمود و در جامع آنجا شروع بتدریس نمود ، بسیاری بروی گردآمدند ، دربسیاری ازعلوم وفنون متبحّر بود ولی‌عربیّت وادبیّت وی برسائر دانشها برتری داشت ، مصنفات وی عبارت است از: مختصری در مذهب خود (مختصراً فی‌مذهبه) (۲) ، مقدّمه ای مختصر درنحو بنام کافیه ، مقدّمه ای مختصر درصرف بنام شافیه (همین کتاب) ، شرح هردو مقدّمه وکتابی دراصول

(۱) شرح حال ابن حاجب را از ص ۳۱۴ ج ۱ و فیات الاعیان ابن خلکان ترجمه نموده و به ص ۵۳ ج ۳ تاریخ آداب‌اللغه جرجی زیدان و ص ۲۳۴ ج ۵ شذرات‌الذهب که مطالب آن عینا نوشته های ابن خلکان بامختصر اضافه ای از یافعی است و بغیة‌الوعاة در حرف عین (ذیل عثمان)ومعجم‌المطبوعات ص۷۱ و۷۲ و کشف‌الظنون درموارد متعدده مراجعه‌شده‌است .
(۲) ابن خلکان بدین نحو این مؤلفه را نام برده وسیوطی گوید: (وصنف فی‌الفقه مختصراً و فی‌الاصول مختصراً و آخرا کبر منه سماه المنتهی .) و ظاهراً مراد ابن خلکان اینستکه بمذهب امام مالك‌فقهی نگاشت .

فقه (۱) نیز دارد وهمهٔ تألیف های او درنهایهٔ نیکوئی وخوبی است وبانحویّین درمواردی مخالفت دارد وبرقواعد ایشان اشکال های مهم وارد نموده که جواب از آنها بسیار دور است .

جرجی زیدان این سه مؤلّفه دیگر را بانشان دادن جای آنها از ابن حاجب دانسته : قصیده‌ای بنام : **المقصد الجلیل فی علم الخلیل** درعروض است ونسخه آن درلیدن وبرلن واکسفورد موجود وبر آن شرح هائی نوشته شده . **الامالی النحویه** که حاشیه هائی برپاره ای ازمطالب مفصّل وکافیه میباشد ودردمشق آنها رانگاشته ونسخه ای از آن در ٤٦٦ صفحه درکتابخانه خدیویه مصرونسخه‌ای دیگردرپاریس میباشد . **القصیدة الموشحه** بالاسماء المؤنثه نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ خدیویه است .

وسیوطی شرح مفصل بنام « **الایضاح** »(نسخه کهنه‌ای ازاین کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجوداست) ونظم کافیه راگذشته از آنچه نام برده شد ، به ابن حاجب نسبت داده و تولّد ویرا بسال ۵۷۰ یا ۵۷۱ بتردید دانسته وبنقل از ذهبی گوید قرآن را حفظ داشت . و در کشف الظنون هم این دو کتاب نام برده سیوطی ذکرشده است .

گذشته از اینکه وفات ابن حاجب پیش از فتح بغداد بوده ازبیانات ابن خلکان معاصر ابن حاجب نیز بدست آمد که آنچه راجع بکشته شدن ابن حاجب در بغداد بسعایت حضرت خواجه نصیرالدّین طوسی بعضی نوشته‌اند عاری ازحقیقت است .

شافیه مختصری درعلم صرف ودر آخر آن قسمتی ازقواعدنگارش کلمات میباشد ، از بدو تألیف تاکنون مورد توجه و نظر دانشمندان و دانشجویان بوده ، بر آن حواشی و شروحی بعربی وفارسی وترکی نگاشته اند ، حاجی خلیفه نام بسیاری از آنها را در ص ٤٤ ج ۲ ذکر نموده وما نیز نام بعضی را در این مجلّد بمناسبت خواهیم برد و از سه شرح آن که در این کتابخانه میباشد معرّفی کامل مینمائیم .

شافیه درحدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد ومکرّر درایران وهندو مصر و آستانه

---

(۱) این کتاب بنام : «منتهی السئول والامل فی علمی الاصول والجدل » میباشد ومختصر الاصول ابن حاجب ازاین کتاب مختصرشده وما درص ۵۸٦ ج ۱ این فهرست بمناسبت نام شروح مختصر وخود منتهی و مختصری از شرح حال ابن حاجب را داده ایم .

بدون شرح چاپ شده است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیّدنا محمّد خاتم النبیّن وعلی آله واصحابه اجمعین **وبعد** فقد سألنی من لایسعنی مضایقته ولا یوافقنی مخالفته الخ .

(۹٤۰)

شافیه

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننوشته ، ظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بنام حاشیه عصام الدّین پشت نسخه معرّفی ووقف گردیده وبجدول بطلا است .

جلد مقوائی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی شمارهٔ اوراق (۵۱) . صفحه ای (۱۱) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۵) .

[٤۰۰] شرح الاعراب عن قواعد الاعراب (عربی)

این کتاب شرح بر « الاعراب عن قواعد الاعراب » ابن هشام میباشد و شارح آن خالدبن عبدالله ازهری است ص ۳۰۹ [۳۸۸] وشارح آنرا « موصل الطلاب الی قواعد الاعراب» نامیده وشرحی مزجی ودرحدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۹۹ درمصر درحاشیه تمرین الطلاب تألیف همین شارح چاپ شده است .

آغاز : الحمدلله والصّلوة والسّلام علی سیّدنا محمّد رسول الله وعلی آله وصحبه وجنده وبعد فیقول العبد الفقیر الی مولاه الغنی خالد بن عبدالله الازهری هذا شرح لطیف الخ .

(۹٤۱)

شرح الاعراب عن قواعد الاعراب

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری میباشد، ضمیمهٔ شرح شافیه تألیف نظام الدّین است که درهمین فصل از آن معرّفی خواهیم نمود خصوصیّات دیگر درذیل شرح مذکور ذکر ، بهخصوصیّات کتاب شمارهٔ (۳۱۲۶) کتابخانه درص ۳۵۰ ، ۳۵۱ مراجعه گردد .

[۴۰۱] شرح الفیه = شرح ابن عقیل (عربی)

این شرح الفیه از ابن عقیل است (بهاءالدین عبدالله بن عبدالرّحمن بن محمّد بن عقیل القرشی الهاشمی العقیلی الهمدانی الاصل ثم البالسی (۱) المصری ۶۹۴/۶۹۷/۶۹۸ — ۷۶۹) (۲) که از مشاهیر دانشمندان قرن هشتم هجری بوده ومقام قاضی القضاتی یافته ونسب وی به عقیل بن ابی طالب (رض) برادر حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السّلام میرسد، وی دوازده سال شاگرد ابوحیّان نحوی معروف بوده و او در حق ایشان گفته: (زیر خرگاه آسمان درنحو کسی برتر از ابن عقیل نیست.) وفقه را از زین بن الکنانی وغیرازاو واصول فقه و دین را از علاء قونوی و قرآآت را برتقی صائغ خوانده واحادیث را از محدثین استماع نموده و در زاویه شافعی درمصر مدرّس گشته و درجامع طولونی مدرس تفسیر شده واز اوّل تاآخر قرآن را باتفسیر در بیست و سه سال آنجا القا نمود وباز ازاوّل شروع کرد و در اثنای این بار مرگ او را در آغوش گرفت، دولت و امراء برای او خاضع بودند، پیش کسی نمیرفت، مردی پردل ودارای حشمة بود ومؤلّفات وی عبارتست از تفسیر بزرگ برقرآن که تا اواسط سورهٔ نساء رسیده (۳) و تفسیر دیگری که آن را «التعلیق الوجیز علی الکتاب العزیز» نامیده واین نیزبآخر نرسیده است وشرح تسهیل بنام «المساعد» (سیوطی گوید براین شرح حاشیه ای بنام «السیف الصقیل» نگاشته ام)، مختصر الشرح الکبیر والجامع النفیس وشرح الفیه ابن مالك (همین کتاب).

این شرح را چنانکه سیوطی و دیگران نوشته اند برای فرزندان قاضی القضاة جلال الدّین قزوینی نوشته ولی خود مقدّمه‌ای بر آن ننوشته که در آنجا تذکر دهد واین شرح از شروح معروفه الفیه میباشد.

---

(۱) منسوب به بالس میباشد که بگفته یاقوت در معجم البلدان (ج ۱ ص ۴۷۷) میان حلب ورقه واقع شده است.

(۲) ماخذ نگارش این شرح روضات ص ۴۵۸، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۱۴، بغیه نسخه خطی مدرسه ص ۳۶۲، تاریخ آداب اللغه العربیه ج ۳ ص ۱۴۰ ومعجم المطبوعات ص ۱۸۷ میباشد.

(۳) کشف الظنون در ص ۳۰۴ ج ۱ تذکر داده که تاآخر آل عمرانست ونامی از تفسیر دیگر ابن عقیل نبرده است.

بر این شرح ، سجاعی متوفی بسال ۱۱۹۷ شرحی بنام « فتح الجلیل علی شرح ابن عقیل » نگاشته و چاپ شده است و برشواهد مذکوره درشرح ابن عقیل دو شرح نوشته شده : ۱ ـ عبدالمنعم جرجاوی متوفی درحدود سال ۱۱۹۵ و ۲ ـ بنام « فتح الجلیل شرح علی شواهد ابن عقیل » تألیف محمد قطه العدوی متوفی بسال ۱۲۸۱ (۱) واین هردو شرح بایکدگر چاپ گردیده است .

جرجی زیدان گوید : مشهورترین شروح الفیّه شرح ابن عقیل میباشد که مکرّر چاپ شده وبه آلمانی ترجمه گردیده و این ترجمه بسال ۱۸۵۳ م. دربرلن چاپ شده است .

آغاز : بسمله (۲) ش الکلام المصطلح علیه عندالنحویین عبارة عن اللفظ المفید فایدة الخ .

(۹٤۲)

شرح الفیه (ابن عقیل) این نسخه مشتمل برتمام این شرح میباشد ، سه ورق اوّل آن نونویس میباشد ، اوراقی از ابتداء آن نیز بخط نستعلیق و قسمت عمده اخیر آن بخط نسخ است ، نویسنده نسخه نام خود وسال نگارش را نبرده احتمال دارد که ازخطوط قرن یازدهم هجری باشد ، اوراق آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲٤٤) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (½۱۸ سانتیمتر) . عرض (½۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۵۱۱۳) .

(۹٤۳)

شرح الفیه (ابن عقیل) این نسخه بخط نسخ علی نقی بن بهرام بسال ۱۱۰۸ نوشته شده ، یک درمرتبه آحادهزار رامحو کرده‌اند ، قسمتی ازابتداء آن افتاده وچند برگ کاغذ نونوشته درجلو آنست ، نخستین

---

(۱) نام این دو شارح و تاریخ وفات ایشان در ص ۱۰۰۷ و ۱۶۸۹ معجم المطبوعات مذکوراست .

(۲) ابن عقیل پس از بسمله نه بیت از الفیه رانقل پس از آن درزیرعنوان «ش» که مختصر شرح میباشد بشرح مطالب پرداخته است .

سطر موجود آن اینست : وهوالمنصرف کزید وعمروو الی متمکن. چند ورق اوّل وچندین برگ از آخر نسخه وصّالی شده است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۷۸). صفحه ای (۱٤) سطر . طول (۱/۲-۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱٤).

(۹٤٤)

شرح الفیه (ابن‌عقیل)

این نسخه قسمت اوّل آن بخط نستعلیق و بقیه آن بخط نسخ نگارش یافته ، قسمتی از آخر را ندارد (در حدود ۱۲۰ بیت) عبارت آخرین سطر آن اینست : نقلت حرکة الواو الی القاف ثم قلبت الواو الفالمجانسة الفتحه .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱/۲-۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱٦) .

[٤۰۲] شرح الفیه = شرح ابن ناظم (بفارسی)

این شرح تألیف ابن ناظم میباشد (بدرالدّین محمدبن محمدبن مالك مشهور به ابن ناظم متوفی بسال ٦۸٦) (۱) که این پسر چون پدر از مشاهیر علماء نحو و امام در ادبیّت (معانی، بیان ، بدیع ، عروض ، صرف ، لغت ومنطق) میباشد ، چندی ازپدر استفاده علمی نمود ودراو آخراورا ترك گفت ودربعلبك رحل اقامت انداخت ودر آنجا بافاضه اشتغال داشت ، چون پدرش زندگی را بدرود گفت او را بجای پدر به دمشق خواستند ، و برمسند افاضه و تدریس برقرار گردید تاششم محرم سال نام برده بدرد قولنج درگذشت .

سیوطی گوید : بازی ومعاشرت کسانیکه شایستگی نداشتند بروی غلبه داشت وتوانای برنظم یك بیت نبود. مؤلّفات وی عبارتست از : **شرح کافیه** ، شرح لامیه پدرش درصرف ، **تکمله** در شرح تسهیل که ناتمام مانده ، **المصباح** مختصر

(۱) روضات ص ۲۰۲ ج ٤ ، شذرات الذهب ص ۳۹۸ ج ٥ ، بغیة الوعاة ص ۱۳۱ نسخه خطی مدرسه و کشف الظنون در نگارش این شرح حال مراجعه شده .

مفتاح درعلم معانی است (۱) ، **روض الاذهان فی البیان** (۲) شرح ملحة الاعراب ، **مقدمة فی العروض** ، مقدّمة فی المنطق ، شرح شافیه ابن حاجب (۳) و شرح الفیه پدرش (همین کتاب) وغیرازاینهاست .

شرح الفیه ابن ناظم که بنابر اختصار از آن به **ابن ناظم** یا **ابن المصنف** نیز تعبیر میگردد چنانکه در ص ۱۹ ج ۳ فهرست رضویه تذکر داده بسال ۶۷۶ تألیف گردیده و در چند جای ازمباحث کتاب بخطای مؤلّف و ناظم الفیه اشاره نموده و بنظر نگارنده گذشته ازشرح خود ابن مالك این شرح نخستین شرح الفیه میباشد وبسال ۱۲۷۶ درایران وچاپ گردیده است .

آغاز : بسمله قال الشیخ الامام العالم الصدر الکامل حجة العرب لسان الادب افصح الفصحاء قدوة البلغاء بدرالدّین ابوعبدالله محمّدبن شیخنا جمال الدّین ابی عبدالله محمدبن محمدبن عبدالله بن مالك الطائی **بعد** حمدالله سبحانه بما هواهله و ناله من المحامد الخ .

(۹۴۵)

شرح الفیه (ابن ناظم)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب علی اکبر نام برای خود نوشته ، صفحات اولیّه نسخه حاشیه هائی علی اکبر نگاشته و زیریکی از آنها سال ۱۲۴۷ معین شده و پشت صفحهٔ اوّل تاریخ تولّد پسری بسال ۱۲۴۵ یادداشت گردیده ، از آخر کتاب قسمتی نگارش نیافته و آخرین سطر موجود آن اینست : (یقول بناء اسم الفاعل من الفعل الثلاثی علی وزن فاعل فمثل ذلك ما کان علی فعل اوفعل اوفعلا) . و پشت صفحهٔ اوّل بنام « کتاب

(۱) صاحب روضات نوشته اند که این مختصر را (المصباح) محمدبن یعقوب بن الیاس دمشقی معروف به **ابن النحوی** شارح الفیه ابن معط شرح کرده است .
(۲) در بغیه پس ازروض الاذهان **کلمه فیه** نوشته شده وصاحب روضات عینا آن را نقل نموده و در بغیه پیش از این کتاب ، المصباح درمعانی ذکر شده بنابراین فیه راجع بمعانی خواهد بود ولی در کشف الظنون بااضافه البیان بان ذکرشده ازاینرو ما آن را توضیح دادیم .
(۳) در بغیه این شرح بنام « شرح حاجبیه » نام برده شده وشرح کافیه هم جداگانه ذکر گردیده و در شذرات بنام « شرح غریبه تصریف ابن الحاجب » نامیده شده و روضات عین عبارت سیوطی را نقل نموده در کشف الظنون هم نام این شرح ذکرنشده است .

«ابن مصنّف» داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه و بهمین نام که مرادف باابن‌ناظم میباشد براین کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) .صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰۰).

[۴۰۳] شرح الفیه = سیوطی = البهجة المرضیه (عربی)

این شرح الفیه ابن مالك (درنحو) یکی ازمؤلّفات سیوطی است (جلال‌الدّین عبدالرّحمن بن کمال بن ابی بکرالخضیری (۱) القاهری الشّافعی السیوطی(۲) ۸۴۹-۹۱۱) (۳) که از مشاهیر علما و دانشمندان قرن نهم هجری بوده ودراوائل قرن دهم وفات یافته است ،

سیوطی دربسیاری از علوم وفضائل متبحّر بوده خصوصاً در تفسیروحدیث وفقه ونحو ومعانی وبیان وبدیع ولغة که همه برآن شهادت داده اند ودر این‌فنون و سائر علوم مؤلّفات دارد ، جرجی زیدان بنقل از « حسن‌المحاضره » مؤلّف مؤلّفات او را ازکتاب ورساله بیشتر ازسیصد (۳۰۰) دانسته و تقسیم زیرین‌در تاریخ آداب‌اللّغه میباشد : ۲۳ مؤلّفه درتفسیر ومتعلّقات آنست و۹۵ در حدیث و ۲۱ درلغة و ۴۳ در اجزاء مفرده و ۳۵ درعلوم عربیّه و ۲۱ در اصول وبیان تصوف و ۵۰ در تاریخ وآداب و غیر از این دو میباشد و خوشبختانه بیشتر از مؤلّفات وی باقی است و صاحب معجم المطبوعات ۹۲ مؤلّفه چاپ شده او را نام برده و ازطمان‌هوار شمارهٔ مؤلّفات سیوطی‌را ۴۱۵ وازفلوگل ، ۵٦۰ و از جمیل بك درکتاب وی که بنام « عقدالجوهر » میباشد مؤلّفات سیوطی را ۵۷٦ کتاب ورساله

---

(۱) جرجی زیدان گوید که سیوطی جداعلی خود را اعجمی معرفی کرده شاید بهمین‌جهت او را خضیری گویند که منسوب به « الخضیریه » باشد که محله‌ای ازبغداد است .

(۲) سیوطی منسوب به اسیوط یاسیوط استکه یکی ازنواحی کشور مصر میباشد وبررودنیل واقع شده و دانشمندانی بانجا منسوب اند صاحب معجم المطبوعات جهارنفررا بدین نسبت نام برده است .

(۳) این شرح بامراجعه به معجم‌المطبوعات ص ۱۰۷۳ تا ۱۰۸۵ وج ۳ تاریخ آداب اللغه ص ۲۲۸-۲۳۳ و روضات ص ۴۳۲-۴۳۷ نگاشته شده .

دانسته و تذکرداده استکه‌سیوطی در« حسن‌المحاضره » شمارهٔ مؤلّفات خودرا ۳۰۰ معیّن نموده است .

جرجی زیدان نام ۵۰ مؤلّفه سیوطی راکه مهم بوده اند از چاپ شده و نشده ذکرنموده وما حیرانیم که ازمؤلّفات وی کدام یك را بردیگری‌ترجیح دهیم بدین سبب نامی ازمؤلّفات وی نمیبریم ودر این فصل واین مجلّد از این فهرست چندین مؤلّفه از ایشان معرفی خواهد شد .

این شرح الفیه رامؤلّف خود « البهجة المرضیة فی‌شرح الالفیه» نامیده ومیان طلاب‌ودانشجویان بمناسبت اشتهارمؤلّف‌وشارح،به‌نام« **سیوطی** »مشهور گردیده وازشروح مزجی بسیارمفید میباشدوازبدو تألیف‌تاکنون‌تدریس وتعلیم آن معمول وبرآن حواشی متعدد نوشته شده وباحواشی و بدون آن مکرّر در ایران ومصر وهندوستان چاپ شده است .

آغاز : بسمله احمدك اللّهم علی‌نعمك و آلائك واصلی واسلم علی محمّد خاتم انبیائك وعلی آله وصحبه والتابعین الی یوم لقائك اما بعد الخ .

(۹۴۶)

شرح الفیه (سیوطی) این نسخه بخط نسخ حیدر علی بسال ۱۲۰۱ نوشته شده ، درحاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از میرزاابوطالب وکتاب تصریح وجامع الشواهد وابن عقیل و چلبی و بدون امضاء موجود است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۷) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۷)

شرح الفیه (سیوطی) این نسخه اوائل آنرا بخط نسخ و اواخر آنرا بخط نستعلیق محمّدبن محمّد شریف بسال ۱۲۰۷ نوشته ، درحاشیه بعضی‌از صفحات حاشیه هائی ازجامع الشواهد نیز نگاشته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذفرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۸)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بر صفحه اوّل نسخه دومهر یکی بادامی باین سجع «عبده محمّد سنجر الحسینی» . و دیگری مربع باین سجع : « عبده سنجر الحسینی ۱۱۰۶ » زده شده ، چندین حاشیه هم بر صفحات اولیّه میباشد احتمال دارد که نویسندهٔ آن صاحب دومهر مذکور باشد ومتن (الفیه) با شنجرف نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱/۲ ۱۵ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۴) .

(۹۴۹)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ محمّد بن میر ذوالفقار کرمی بسال ۱۲۳۸ نوشته شده ، قسمتی از اشعار الفیه بر صفحات اولیّه نیز نگارش یافته وکاغذ نسخه ساخت سال ۱۸۱۵ م میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۶) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۱۲ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۶ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۴) .

(۹۵۰)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نستعلیق علی بن حسین کزازی بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ، در حاشیه صفحات اولیّه مطالبی از ابن عقیل وابن ناظم وخالد ازهری وجامی وبدون امضاء نگاشته شده واوراق اولیّه نسخه وصّالی گردیده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱/۲ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۵) .

(۹٥۱)

شرح الفیه (سیوطی)

اصل این نسخه ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته ، چند ورق از اوّل و آخر ان افتاده بسال ۱۲۲٤ آنرا نوشته اند و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح تسهیل وابن ناظم وابن عقیل وابوطالب وانموزج وکشاف و رضی و تصریح واشباه ونظائر و غیر ازاینها در توضیح مطالب کتاب نگاشته شده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳٦) . صفحه ای (۱٥) سطر . طول (۱٦ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۳) .

(۹٥۲)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده کتاب را بآخر نرسانده ودرشرح کلمه **وآله الغر** تاجمله و« یجوزان یکون » دست نگاه داشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹٦) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض(½ ۱٥ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۲) .

(۹٥۳)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ابتداء آن افتاده واوّل موجود اینست : (بما ذکر وقدّ قی التسهیل الحم وهو قریب الزوج) و نیز از آخر آن یك ورق افتاده و آخر موجود اینست : (اذا ماالليل جنّ متحریاً اوجز العباره) . و شش ورق کاغذ فرنگی سفید در اوّل نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۰٦) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (½ ۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۱) .

(۹٥٤)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، در حدود خمس کتاب را از آخر ندارد ، باین معنی که در اواخر مبحث جمع تکثیر نگارش ان خاتمه می یابد و آخرین سطر موجود آن اینست : (مع ماضاهاهما ککوز

و کیزان و تاج و تیجان وقل فی غیرهما کغزال وغزلان وفعلان بفتحة فسکون) ، نسخه آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نشده پشت صفحه اوّل و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالب سودمندی از شرح لباب وحاشیه هائی بامضاء سیّد محمد و ازابن ناظم وجامی وغیره نگارش یافته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٦٤) . صفحه‌ای (۱۹) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۹۰) .

(۹۵۵)

شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننوشته ، چند ورق از اوّل کتاب افتاده ونخستین سطر نسخه که درشرح این بیت (بالجرّوالتنوین والنّداوال ومسند للاسم تمییز حصل) میباشد اینست : الرّحمن الرّحیم و زید وصه ٍ بمعنی طلب سکوت ما ومسلمات ٍ وحینئذ ٍ وکل ٍ وجوار ٍ .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف نامعلوم . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۱٤) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۷۲) قفسه مدرسه صدر .

[٤۰٤] شرح الفیه توسرکانی (فارسی)

این شرح چنانکه در مقدّمه آن تصریح گردیده تألیف محمّد علی بن مولانا بابای توسرکانی(۱) میباشد ، از کیفیّت دخول وخروج معلوم میشود که شیعی مذهب بوده ، در کتب سیر که در دست بود نام ایشان را نیافتم ، ازطرز و روش انشاء بایستی مؤلّف ازدانشمندان قرن یازدهم هجری باشد ، مطالعه وخواندن این شرح مبتدیان را سودمند است .

این شرح در حدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمد لله ربّ العالمین والعاقبة للمتقین وصلی الله علی سیدنا الاوّلین والاخرین محمّد واهل بیته الطیبین الطّاهرین **امابعد** برضمائر اصحاب سخن وابصار

(۱) در نسخه کلمه باین قسم (سرکانی) نوشته شده وظاهراً **توسرکانی** بوده ونویسنده نسخه ، کلمه «تو» را ازعبارت انداخته است . وگویند که«تو» و«سرکان»نام دومحل میباشد

ثاقبة (۱) ارباب حکم پوشیده نیست که اساس علوم دینیّه علم صرف و نحو است الخ .

(۹۵۶)

شرح الفیه توسرکانی

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۱۲۲ محمد زمان بن حاجی عبد اللطیف تبریزی نوشته ، برگ هائی از اوّل و آخر نسخه وصّالی گردیده ، پشت ورق اوّل و آخر و ورقیکه پیش و پس نسخه میباشد حواشی و یادداشتهائی بنظم و نثر موجود است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۸۰). صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۸) .

[٤۰۵] شرح الفیه = ترجمه الفیه (فارسی)

نسخه ایکه زیر این سطور خصوصیّات آن را خواهم نگاشت شرحی فارسی و یا ترجمه ابیات الفیه ابن مالك میباشد ، شارح یامترجم نامی از خود در آغاز وانجام کتاب نبرده و پس ازبسمله نخستین شعر الفیه را نقل وبترجمه آن پرداخته و در آخر هم چون از ترجمه آخرین بیت الفیه فراغت یافته قلم را از دست انداخته است .

از مندرجات نسخه نتوانستم قرینه ای برمؤلّف و زمان وعامّی وخاصّی بودن او بدست آورم ، در کشف‌الظنون که شروح الفیه را نامبرده شرحی فارسی تذکّر نداده ولی در کشف الحجب والاستار دو شرح فارسی از علماء امامیّه بر الفیه ابن مالك نام برده شده :

۱ ـ شرح عبدالله بن‌شاه منصور قزوینی طوسی که معاصر شیخ حرّعاملی بوده (نسخه ای از این شرح در کتابخانه حضرت رضا ع موجود و در ص ٤۹ ج ۲ امل‌الامل مؤلّفه بسال ۱۰۹۷ ؛ نام این دانشمند برده شده واز معاصرین بودوشرحی فارسی بر الفیه و رساله ای در اثبات خلافت حضرت علی بن ابیطالب ع بنام « غدیریه » تألیف کرده است) .

---

(۲) درنسخه ثابقه نوشته شده ولی بایستی ثاقبه باشد .

۲ ـ شرح محمّدبن سلیم گیلانی که بسال ۱۱۸۵ از تألیف آن فراغت یافته است .
و درفهرست کتابخانه حضرت رضا ع (ج ۳ ص ۱۹) شرحی فارسی برالفیه تألیف سلطان محمّد بن علی کاشانی موجود و درآنجاست که آنرا بنام پسرخود محمّد جعفر تألیف نموده است .

این شرح مسلماً شرح قزوینی وشرح کاشانی وشرح توسرکانی که پیش ازاین از آن معرفی شد نیست ، شاید شرح محمّدبن سلیم ویاشرح دیگری باشد .
این شرح بامتن درحدود (۳۸۰۰) بیت کتابت دارد وگذشته ازترجمه ابیات متن توضیح ها ومثالهائی برای بیان مقصود آورده‌است .

آغاز: بسمله قال محمّد هوبن مالك احمد ربالله خیر مالك گفته پسر مالك است حمد میگویم پروردگارخودرا که‌این‌صفت دارد که بهتربن مالکان است الخ .

انجام: وبر صحابه او که این صفت دارند که برگزیده شده اند یااین صفت دارند که اختیار کرده شده اند واین صفت دارند که مختار اند تم .

(۹۵۷)

شرح یاترجمه الفیه

این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده‌نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، از اینکه بسیاری از مطالب درحاشیه نگاشته شده و درمتن هم اصلاحاتی شده احتمال میدهم که خط شارح باشد ، چند ورق از اوّل وآخر وصّالی گردیده ، از مبحث منع صرف ونواصب هریك در حدود دو ورق افتاده و پشت ورق اوّل دعاهائی نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۱۸) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۱۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۸سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۸۰) .

[۴۰۶] شرح انموزج ـ شرح اردبیلی (عربی)

مؤلّف این شرح جمال‌الدّین محمّدبن عبدالغنی اردبیلی است انموزج کتابی مختصر در علم نحو و تألیف جارالله زمخشری متوفی بسال ۵۳۸ میباشد ، صاحب معجم المطبوعات در ص ۴۲۳ گوید بسال ۶۴۷ این اردبیلی وفات یافته و این

شرح وی درضمن مجموعه ای در ایران چاپ شده ومرادش از مجموعه آنستکه بنام «جامع المقدمات» مشهور و مکرّر چاپ گردیده ، در مآخذ دیگر نامی از این شارح و زمان وی بدست نیاوردم و معجم مذکـور مأخذ خود را درنقل تاریخ وفات وی معین ننموده است ، حاجی خلیفه درکشف‌الظنون زیر عنوان انموزج فی‌النحواین شرح و مؤلّف آنـرا بدینگونه معرفی میکند : وشرحه الفاضل الشهیر بزین‌العرب وجمال‌الدّین محمّدبن عبدالغنی الاردبیلی المتوفی سنه (سال وفات را ذکرنکرده است) اوله الحمد لله الذی جعل‌العربیه مصباحاً (درنسخه خطی ذیل و نسخ چاپی مفتاحاً میباشد و این صحیح است) للبیان الخ و چنانکه درمقدّمه مذکوراست که این‌شرح برای علاءالدّین‌احمد ابن‌اقضی‌القضاة عمادالملة والدینّ مفضل کاشانی تألیف شده وشرحی قولی است .

آغاز : بسمله الحمد لله‌الذی جعل العربیة مفتاح البیان و صیّرها آلة یحترزبها عن‌الخطاء فی‌اللسان الخ .

(۹٥۸)

شرح انموزج (اردبیلی)

این نسخه را بسال ۱۰۸۳ مراد علی فومنی بخط نسخ نوشته ، درحاشیه بیشتراز صفحات ترجمه عبارات شرح بفارسی نگاشته شده‌واعراب‌بعضی‌ازجمل‌وعبارات‌شرح‌نیزنگارش یافته، پشت ورق اوّل و آخر مطالبی علمی بعربی و فارسی تحریر یافته و چند ورق از اوّل و آخر وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغـذ فرنگی و چند برگ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق(۱٥٤) . صفحه‌ای (۱۰) سطر . طول ($\frac{1}{2}$۲۰سانتیمتر) . عرض (۱٥سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۷) .

[٤۰۷] شرح تصریف (عربی)

این شرح نخستین مؤلّفهٔ تفتازانی است (سعدالدّین مسعودبن عمرالتفتازانی الشافعی $\frac{۷۱۲}{۷۲۲}$ $\frac{۷۹۱}{\frac{۷۹۲}{۷۹۳}}$) که مختصری‌ازشرح حال ومؤلّفات ایشان رادرذیل کتاب «التلویح» در فصل اصول فقه در ص ٥٥۹ ج ۱ فهرست این کتابخانه تذکـر داده ایم

و تصریف که از آن به **العزی فی التصریف** نیز تعبیر میشود و در ص ۳۱۲-۳۱۳ همین مجلد از آن معرفی گردید ، مختصری است در علم صرف تألیف عزالدّین زنجانی و تفتازانی بر آن این شرح را نگاشته و صاحب کشف الظنون در ص ۱۱۵ ج ۲ تاریخ تألیف این شرح را بسال ۷۳۸ معین نموده و نام حاشیه هائیکه بر این شرح و بر آن حواشی نوشته شده نیز در این صفحه از کتب موجود و این شرح نیز در ضمن مجموعه ایکه بنام « جامع المقدمات » نامیده میشود مکرّر چاپ شده است .

آغاز : بسمله ان اروی زهر تخرج فی ریاض الکلام من الاکمام الخ .

(۹۵۹)

شرح تصریف این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۳۰ نوشته شده ، حواشی صفحات بسیار چرکین شده ، بربعضی ازصفحات حاشیه هائی موجود وبعضی را هم محوکرده اند ، باب حادی عشر (متن شرح معروف به « النافع یوم الحشر » درفن کلام از آن نام برده خواهد شد ضمیمه به اوّل این نسخه است وشش ورقیکه درمیان این نسخه رنگ آنها با رنگ کاغذ سائر اوراق نسخه مختلف است از این نسخه نیست .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۹) . این شرح (۹۹) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۰) .

(۹۶۰)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پنج ورق از اوّل وسه ورق از آخر آن نونویس واصل نسخه از خطوط قرن یازدهم هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱٤۲) . صفحه‌ای (۱۷ و ۱۰) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۱) .

(۹۶۱)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ محمّد صادق نام نگارش یافته ، سال نگارش نام برده نشده ، حاشیه سعدالله چلبی برتمام اوراق

وجود دارد وظاهراً ازخطوط قرن دوازدهم هجری میباشد و بورقیکه پیش از این شرح است وپشت ورق آخر، مطالب متفرقه ای نوشته اند .
جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق(۱۰۸) . صفحه‌ای (۱۱) سطر. طول (۲۱½ سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۲).

(۹٦۲)

شرح تصریف این‌نسخه بخط نسخ وچند ورق‌آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را نبرده ولی واضح است که در قرن سیزدهم هجری نگاشته شده و کتاب «الفوائدالصمدیه» که در همین فصل معرفی خواهد گردید پیش از این شرح گذارده شده است .
جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار. قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه(۱۲۸) . این نسخه (۱۰٦) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱½سانتیمتر) . (عرض۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱٤٦) .

[٤۰۸] شرح جمع الجوامع = همع الهوامع (عربی)

این شرح ومتن آن (جمع الجوامع)هردو تألیف جلال‌الدّین سیوطی میباشد که در ص ۳۳۷ و۳۳۸ همین مجلّد شرح حال ایشان نگاشته شد .

جمع الجوامع مختصری است درنحو وصرف وتألیف آن بطرزی مخصوص شده‌وآن اینست : **مقدمات** در مباحث کلّیه چون معنی کلمه و کلام ، اعراب وبنا منصرف وغیرمنصرف ، انواع اعراب، تثنیه وجمع ، ضمائر ، موصولات، حرف تعریف وغیرازاینها (این قسمت درحدود ربع کتابست .) **کتاب اول** در عمد وآن مرفوعات وآنچه مشابه آنهاست ازمنصوبات نواسخ میباشد . **کتاب دوم** در منصوبات‌است‌واز آن‌به **فضلات** تعبیرمینماید. **کتاب سوم** در مجرورات‌وآنچه‌برآن حمل میگردد ازمجزومات وتوابع آنست. **کتاب چهارم** درعوامل انواع مذکوره است وآن فعل وملحقات بآنست ودر این کتاب مبحث اشتغال وتنازع ذکرشده است . **کتاب پنجم** در توابع انواع نامبرده بالا و عوارض ترکیب از تغییر اعراب‌است‌مانند‌اخبار‌بحکایت وتسمیه وضرورت‌شعر واین کتابهای پنجگانه‌درنحو است . **کتاب ششم** درابنیه‌است. **کتاب هفتم** درتغییر کلمات مفرده چون زیادتی

یك یاچند حرف وحذف وابدال و نقل وادغام . خاتمه درخط و طرز نگارش همزه و غیره است .

شارح درمقدّمه‌شرح گوید: « که جمع الجوامع را بدین طرز بدیع تألیف نموده ام ومطالب آن را ازیکصد کتاب گردآورده ام وبهمین مناسبت آن را « جمع الجوامع » نامیده ام و بر آن بودم که براین کتاب شرحی مبسوط و مفصل که حاوی اقوال وادلّه موافقین و مخالفین و شرح شواهد و توضیح کامل بوده باشد نگارش دهم ولی روزگاررا برای‌این‌مقصود تنگ دیدم و دانشجویان همواره خواستار شرح این مؤلّفه میشدند لذا این شرح راکه راهنمای بمقاصد کتابست وایشان را بر مسائل ومطالب غریبه ومشکله آگاه مینماید تألیف نموده و آنرا « همع الهوامع فی‌شرح جمع‌الجوامع »نامیدم » .

براین شرح‌احمد بن‌امین شنقیطی‌متوفی‌بسال ۱۳۳۱ بنام«الدرراللوامع‌علی‌همع‌الهوامع» شرحی‌نگاشته‌و بسال۱۳۲۸ دوبارچاپ گردیده‌است (ص‌۱۱۴۸ مطبوعات)

این شرح درحدود (۳۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۲۷ در مصر در دو مجلّد چاپ شده وطرز آن اینگونه‌است که بدواً قسمتی از عبارت جمع الجوامع نقل گردیده پس از آن شروع بشرح و بسط مطالب آن نموده تاباآخر این‌قسمت میرسد وباز قسمتی دیگر متن را نقل نموده و بشرح آن پرداخته تا بآخر کتاب میرسد .

جمع الجوامع بگفتهٔ مؤلّف معجم المطبوعات نیز بسال ۱۳۲۷ در دو مجلّد چاپ شده و آغاز آن اینست : بسمله احمدك اللّهم مااسبغت من‌النعم الخ .

آغاز : (شرح جمع الجوامع): بسمله یقول عبدالرّحمن بن ابی بکرالسیوطی الشّافعی لطف‌الله به تعالی سبحانك لااحصی ثنا علیك انت کمااثنیت علی نفسك واصلی واسلم علی محمّدافضل من خصیصته بروح قدسك و بعد فانّ لنا تألیفاً فی‌العربیّه جمع دناها واقصاها الخ .

(۹٦۳)

شرح جمع الجوامع (همع الهوامع)

این نسخه را بخط نسخ خوب جلال الدّین ابن شریف حسن عباسی نجفی شهیر به **آل ظفر** بسال ۱۰۷۸ نگاشته ، متن کتاب با شنجرف نوشته شده ، صفحات مجدول بطلاو لاجورد و شنجرف میباشد و درابتداء نسخه سرلوح زیبائی است ، ورق آخر و اوراقی ازاوّل نسخه وصّالی گردیده و چند یادداشت از آنهائیکه پشت ورق نخستین بوده محو گردیده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۲۸۸) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲٦ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵۲) .

[٤۰۹] شرح شافیه = شرح جاربردی (عربی)

این کتاب شرح شافیهٔ ابن حاجب درعلم صرف میباشد که در ص ۳۳۰-۳۳۲ معرفی از آن گذشت ، این شرح یکی از معروفترین شرح های آن کتاب و شارحش **جاربردی** (۱) است (فخرالدّین احمد بن حسن بن یوسف جاربردی متوفّی بسال ۷٤٦) (۲) که از معاریف علماء شافعی مذهب وادباء در قرن هشتم هجری بوده و میانه وی باقاضی عضدایجی (بسال ۷۵٦ مرده وشرح حال و مؤلّفات او را در ص ۵۸٦ ج ۱ فهرست نگاشته ام) مکاتبات درمسائل علمی ردّ و بدل شده (یکی از مکاتبات این دو دانشمند در ص ۱۰۸ تا ۱۱۱ ج ٦ طبقات سبکی موجود است) وبریکدگر ردهائی نوشته اند ، پس ازمرگ جاربردی پسرش محقّق فاضل ابراهیم بن احمد نیز کتابی بر ردّ قاضی عضد درحلّ بعضی از مشکلات کشاف نوشته ونام آنرا « السیف الصارم علی عنق عضد الظالم » گذارده است ، جاربردی رامؤلّفاتی دگر چون **شرح منهاج** قاضی بیضاوی دراصول فقه و**شرح الهادی الصغیر** تألیف عبد الغفار بن عبدالکریم قزوینی شافعی متوفی بسال ٦٦۵ در فقه (صاحب

(۱) در ص ٤۱٦ ج ۱ و ص ٤٤ ج ۱ کشف الظنون چاربردی باجیم وباء پارسی نوشته شده ولی در جاهای دیگر همه باجیم وباء عربی ثبت کرده اند .

(۲) با مراجعه به روضات ص ۹۱ و شذرات ج ٦ ص ۱٤۸ و بغیه ص ۱۷٦ نسخه خطی و معجم المطبوعات ص ٦۷۰ این شرح نوشته شده .

کشف‌الظنون در ص ٤١٦ ج ١ گوید بآخر نرسیده و آنرا **الهادی** نامیده و آغاز آن را ذکر نموده است) و حواشی و تعلیقات بر کشاف و رسالهٔ در نحو بنام **المغنی** در نحو میباشد [این کتاب را بسال ٨٠١ بدرالدّین محمّدبن عبدالرّحیم العمری‌البلالی بگفته کشف‌الظنون (ص ٤٧٣ ج ٢) شرح کرده وصاحب روضات شارح را شاگرد مؤلّف و او را میلانی بدون ذکر لقب وی ذکر نموده است].

شرح شافیه جاربردی از کتابهای درسی درعلم صرف میباشد و از بدو تألیف تاکنون هماره مورد مراجعه علما واستفادهٔ دانشجویان بوده وازهمهٔ شروح برتری دارد ، شارح درهنگام شرح به شرح مصنف برشافیه نظر داشته ومشکلات شافیه و شروح پیشین آن را بدون اطناب مملّ وایجاز مخلّ حل نموده وتألیف آن بنام سعدالدّین(١) ابی‌المکارم محمّدبن تاج الدّین علی ساوی وزیر وبرای تقرب بوی گردیده و دارای مطالبی‌است که در کتب دیگر کمتر یافت میشود . و درحدود (١٢٠٠٠) بیت کتاب دارد ، بسال ١٢٧١ در ایران و ١٣١٠ در آستانه ضمن مجموعه ای چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله نحمدك یامن بیده الخیر والجود و لیس فی الحقیقة غیره بموجود الخ .

(٩٦٤)

شرح جاربردی این‌نسخه بخط نسخ بدون نام نویسنده وتاریخ نوشته شده، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بسال ١٢٦١ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده‌و تجلیدشده ، متن‌شافیه بالای‌صفحات‌نسخه نوشته شده و درحاشیه بیشتر ازصفحه ها حاشیه هائی بخط نویسنده نسخه وغیراو موجود است .

جلد میشن‌مطلا . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (١٣٠) . صفحه ای (١٩) سطر . طول(٢٨½ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣١١٧) .

---

(١) در روضات اسعدالدین نوشته شده ولی درنسخه سعدالملة والدین میباشد .

برمیآید تألیف آن درشیراز بنام رکن‌الدّین ابومحمّد یحیی شده که ازعلماء آنشهر درآن‌روزگار بوده‌است ، وشرح‌نظام مکرّر درایران چاپ گردیده ودر حدود (۵۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: احمدك اللّهم علی ان وفقتنی لصرف ریعان الشباب فی اقتناء العلوم والآداب الخ .

(۹۶۵)

شرح شافیه (شرح نظام) این نسخه‌را بسال ۱۱۱۵ محمّدبن حاجی جمال اردستانی بخط نسخ نوشته ، شامل تمام شرح میباشد ، روی عبارات متن باشنجرف خط کشیده شده واز شرح جدا گردیده، ورق اوّل و دوّم وصالی شده ونویسنده حمد وصلوة را ازاوّل نسخه انداخته وازجمله وبعد شروع کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار ، قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۵۸) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۵ ½ سانتیمتر) . عرض (۹سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۳۲) .

(۹۶۶)

شرح شافیه (شرح نظام) این نسخه را بسال ۱۱۱۲ امامقلی استرابادی نوشته ، ورق اوّل کتاب که شامل قسمتی از دیباچه بوده افتاده ، ونسخه در آب افتاده وبعضی از کلمات آن محو گردیده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۱٤) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۸ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲۷) .

(۹۶۷)

شرح شافیه شرح (نظام) این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیباچه را ندارد و از ابتداء شرح عبارات شافیه شروع گردیده و دو ورق از آخر آن افتاده و آخرین سطر موجود آن اینست : (ونحوالدین فی التثنیه نصبا وجرا بالامین للفرق بینه وبین الجمع لنقله اولی .)

شرح قواعدالاعراب یا موصل‌الطلاب که در ص ۳۳۲ و ۳۳۳ معرفی از آن گردید ضمیمه این شرح میباشد ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی بامضاء

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۸) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۱۸) .

[۴۱۲] شرح شرح جامی (فارسی)

نسخه زیرین که خصوصیّات آن نگاشته خواهد شد ، شرحی فارسی برشرح جامی برکافیه است که آنرا پس از این معرّفی خواهیم نمود ، ورق اوّل نسخه افتاده لذا نام مؤلّف و شارح بدست نیامد از مطالعهٔ نسخه هم شارح شناخته نشد ولی دانستیم که شرح قولی برشرح جامی است و در حدود (۴۰۰) بیت کتابت آنست .

(۹۶۹)

شرح شرح جامی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۵۵ (در آخر نسخه چنین نوشته شده : ۱۵۵) نوشته شده ، ازقرائن چنین بدست میآید که خط شارح میباشد ، ورق اوّل آن افتاده ونخستین سطر نسخه اینست : خاصه خدای تعالی است الحال جواب میگوئیم که شما این راه را قبول دارید که جنس حمد خاصه خدای تعالی است الخ .

اوراق نسخه بواسطهٔ آبدیدگی بعضی از سطور آن محو شده وبرخی وصّالی گردیده است .

جلد تیماج مستعمل . کاغذ کاهی . واقف حاج سید محسن و آقا سید اسدالله . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۷۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۱۸) قفسهٔ مدرسه قنبرعلیخان .

[۴۱۳] شرح فوائد الصمدیه (عربی)

الحدائق الندیه في شرح الفوائد الصمدیه شرح کبیر سید علیخان

چنانکه درص ۲۰۴ – ۲۰۸ زیرشرح حال سید علیخان کبیر گفته شد ایشانرا سه شرح برفوائدالصمدیه شیخ بهاء الدّین عاملی ره میباشد ودرهمین‌فصل‌ازصمدّیه وشروح آن معرفی خواهد شد ، شرح کبیر سیّد این کتابست که خصوصیّات آن در اینجا نوشته میشود وبسال ۱۰۹۹ تألیف آن بآخر رسیده وپس‌ازاین‌شرح صغیر

(۹۷۱)

شرح صغیر صمدیه (الفرائدالبهیه) این نسخه بخط نسخ محمّد جعفر بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ، شامل تمام کتابست ، در حاشیهٔ اوراق اولیّه نسخه حاشیه ها و تعلیقاتی در مطالب نحوی از شارح و دانشمندان متقدّم ومتأخر بروی و مؤلّفات ایشان موجود است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۴۵) .

(۹۷۲)

شرح صغیر صمدیه (الفرائدالبهیه) این نسخه را محمّد هادی بن معصوم بروجردی بسال ۱۲۵۹ بخط نسخ نوشته ، رسالهٔ مختصر بعربی در علم معانی وبیان وبدیع که اوراقی از اوّل وآخر آن افتاده ضمیمهٔ آنست .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۷۶) . این نسخه (۱۶۱) . صفحه ای (۱۶ و ۲۰) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۴۹) .

(۹۷۳)

شرح صغیر صمدیه (الفرائدالبهیه) این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نگارش آن خاتمه نیافته و شامل از ابتداء کتاب تاقسمتی از مبحث مبنیّات میباشدو آخرین سطر نسخه اینست : (فیکتب بالیاء وهوالمعاقل غالباً ودون غیره قوله والعیش فی اولاذات الایام وقدیق) . متن این شرح (الفوائدالصمدیه) ضمیمهٔ این نسخه است و دراین فصل آن را ذکرخواهم نمود .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۰۲) . این شرح (۶۱) . صفحه‌ای (۱۶ و ۱۱) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۴۷) .

۴۱۵ | شرح فوائد الصمدیه شرح صمدیه عبدالعظیم (عربی)

این شرح نیز برفوائدالصمدیه و در نحو میباشد ، مؤلّف خود را در دیباچه «محمّدبن عبدالغنی المشتهر بعبدالعظیم الحسنی» معرّفی نموده ، درمآخذیکه دردست

شرح قطر و با «مجیب الندی الی شرح قطر الندی» (۱) در مصر چاپ شده و این شرح قطر ابن هشام در حدود (۳۶۰۰) بیت کتابت آنست .

حاجی خلیفه در ص ۲۳۸ ج ۲ کشف الظنون قطر الندی را نام برده و چند شرحیکه بر آن نوشته شده ذکر نموده است .

آغاز : بسمله قال الشیخ الامام . . . جمال الدّین ابو محمّد عبدالله بن هشام الانصاری فسح الله فی قبره **الحمدلله** رافع الدرجات لمن انخفض بجلاله و فاتح البرکات لمن انتصب لشکر افضاله الخ .

(۹۷۵)

شرح قطر این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، طرز نگارش صفحات آن یک نواخت نیست و نویسنده نام خود را نبرده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۱۵) مختلف السطور . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۴) .

| ۴۱۷ | شرح کافیه = شرح جامی = (عربی)

(الفوائد الضیائیه)

این شرح یکی از مؤلّفات **جامی** است (نورالدّین عبدالرّحمن بن احمد ۸۱۷-۸۹۸) (۲) که از مشاهیر شعرای قرن نهم هجری بوده و برخی را عقیده ایستکه از آن قرن تا کنون بپایه وی شاعری یافت نشده و در عرفان و ادب دست داشته و مؤلّفات وی بهترین شاهد و گواه براین مدعی است ، جدّ وی شمس الدّین محمد

---

(۱) «مجیب الندی الی شرح قطر الندی» تالیف جمال الدین یا عفیف الدین عبدالله بن احمد بن علی الفاکهی المکی الشافعی النحوی (۸۹۹-۹۷۲) میباشد و بسال ۱۲۶۴ در بولاق مصر چاپ شده است (ص ۱۴۳۱ معجم المطبوعات) .

(۲) برای اطلاع بر شرح حال جامی به ص ۳۸۴ روضات ، ص ۸۶ الفوائد البهیه ، ص ۲۹۳-۲۹۶ شقائق نعمانیه ، ص ۳۶۰ ج ۷ شذرات الذهب ، شرح حال جامی تالیف آقای تربیت ضمیمه تقویم ۱۳۰۸ تربیت ، ص ۵۶۹ هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ، تکملهٔ نفحات الانس نسخه خطی مجلس شورای ملی و معجم المطبوعات ص ۶۷۱-۶۷۲ مراجعه شود .

مناقب مولانای روم، **مناقب** خواجه عبدالله انصاری، **الدرة الفاخره**، تحقیق مذهب الصوفیه (۱) **رساله در وجود**، مناسك حج، رساله در کلمه لااله‌الاالله، رساله در عروض، رساله در موسیقی، سه رساله در معما، تفسیر آیه فارهبون، تفسیر قرآن کریم (این تفسیر بطریقه عرفانی وبیش ازیك حزب آن پاك نویس نشده است)، دیوان قصائدو شواهدالنبوه بفارسی، شرح کافیه ابن‌حاجب (همین کتاب) وغیرازاینها.

این شرح ازمشاهیر شروح کافیه میباشد و توان گفت که آنچه نکات شروح پیش دارا بوده بااضافاتی دراین کتاب میباشد و از بدو تألیف تاکنون در مدارس قدیمه کتاب درسی بوده و خواننده آن از کتب دیگر درعلم نحو بی‌نیاز میگردد وبرآن حواشی وشروح زیاد نوشته شده (ص ۲۵۰ و ۲۵۱ ج ۲ کشف الظنون) وشیخ محمد بن عمر معروف به قورد آفندی متوفی بسال ۹۹۶ این‌شرح جامی‌را بترکی ترجمه نموده وشارح این شرح را بمناسبت نام پسر خویش ضیاءالدین «الفوائدالضیائیه» نامیده وبنابرتصریح در آخر در ۱۱ رمضان سال ۸۹۷ (سال پیش‌از مرك) تألیف آن خاتمه یافته ومکرّر چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمد لولیّه والصلوة علی نبیه و علی آلـه و اصحابه المتادبین بآدابه الخ.

(۹۷٦)

شرح جامی این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۷۵ محمدبن کمال‌الدّین حسین انصاری شموچی نوشته و رساله ای درصرف بفارسی که بنام «صرف فارسی» دراین فصل از آن معرّفی میشود ضمیمه آنست، دو کتاب دارای دو سرلوح زیبا و صفحات جدول بطلا ولاجورد وزنگار میباشد وزنگاربرخی از اوراق را پاره کرده و درحاشیه بعضی از ورقها تصحیحاتی شده است.

جلد تیماج. کاغذ متن و حاشیه خان بالغ وسمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق کلیه (٦۹). شرح جامی (٦٤) صفحه ای (۲۷) سطر. طول (½ ۳۵ سانتیمتر). عرض (½ ۲۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۵٤).

(۱) این کتاب بسال ۱۳۲۸ چاپ شده است.

[۴۱۸] شرح کافیه. شرح رضی (عربی)

این شرح از رضی استرابادی است (نجم الائمّه رضی الدّین محمّد بن حسن استرابادی متوفی بسال ۶۸۷) (۱) که از مشاهیر علماء امامیّه بوده و در نحو مخصوصاً توانائی زیاد داشته و این شرح کافیه وی خود شاهدی بزرگ بر این مدّعی است، چنانکه در آخر شرح شارح خود تصریح نموده بسال ۶۸۶ (۲) تألیف این شرح درجناب غروی (نجف اشرف) خاتمه یافته وسیوطی که از مشاهیر ائمّه نحو میباشد دربغیه بنام الرضی این شارح را نام برده و گوید: امام مشهور وصاحب شرح کافیه ابن حاجب میباشد که مانند آن نه شرحی برکافیه نوشته شده ونه درعلم نحو کتابی تألیف گردیده و مورد اعتماد علماء معاصر و پیشین بوده و هست و در مؤلّفات خویش بر مطالب این شرح اعتماد نموده وروی آن بحث کرده و برنام وترجمه‌حال وی دست نیافته ام انتهی.

شیخ رضی در اثر همین شرح معروف به **شارح رضی** گردیده و صاحب روضات گویند نخستین کس که ملقب به لقب نجم الائمّه گردید این دانشمند بود این شرح وی بیش از سی‌هزار بیت (۳۰۰۰۰) کتابت دارد، مؤلّفات دیگر این شارح نیز شرحی بر شافیه ابن حاجب درعلم صرف وشرحی بر قصائد سبعه ابن ابی‌الحدید درفضائل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام میباشد.

شرح رضی برکافیه مکرّر چاپ شده ومؤلّف خود آنرا در دو مجلّد گذارده (جلد اوّل درمعربات دوم درمبنیّات) وپس از اینکه شارح ازشرح کافیه فراغت یافته وتاریخ تألیف را تذکر داده در حدود دویست بیت راجع به: هاء السکت، حرف التذکر، حرف الانکار، شین الکشکشه وسین الکسکسه باین شرح ملحق نموده است.

---

(۱) مجالس المؤمنین ص ۲۴۴، امل الامل ج ۲ ص ۶۱، روضات ص ۲۸۷، کشف الحجب ص ۳۴۸، بغیة الوعاة درحرف الراء، فهرست رضویه ج ۳ ص ۱۲ کشف الظنون ج ۲ ص ۲۴۹ در ذیل کافیه.

(۲) در مجالس المؤمنین وروضات وکشف الظنون و معجم المطبوعات تاریخ تالیف این شرح سال ۶۸۳ ثبت شده ولی درآخر نسخه خطی این کتابخانه ونسخه چاپ ایران (درسال ۱۲۷۵) سال ۶۸۶ نوشته شده است.

وقسمت دوّم آن که از طرز وروش خط از خطوط اوائل قرن هشتم بنظر میآید، ازمبحث عدد شروع و تا آخر شرح آنرا داراست ومیان مبحث اسماء اشاره تاعدد که درحدود ۵۰۰۰ بیت میشود افتاده دو ورق کاغذ ننوشته میان این دو قسمت گذارده شده وتمام قسمت دوّم متن وحاشیه است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی وخان بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٤٤) . صفحه ای (٣١) سطر . طول (٣٠ سانتیمتر) . عرض (٢٠ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٧) .

(٩٨٤)

شرح رضی این نسخه و نسخه زیرین شامل تمام شرح (دو مجلّد) بوده ، برای اینکه از زیادی حجم آن کاسته شود در دو مجلّد گذارده شده ، بخط نستعلیق نگارش یافته وظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری میباشد ، ورق اوّل این نسخه افتاده ونخستین سطر آن اینست : وقیل انّ اشتقاق الکلمة والکلام من الکلم الخ . وتا قسمتی از مبحث ضمیر متّصل ومنفصل که جزء قسم دوّم شرح است در این نسخه گذارده شده وبیشتر ازصفحات آب دیدگی دارد ومتن کتاب (کافیه) باشنجرف نگارش یافته وبرپاره ای از صفحات تعلیقاتی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٧٨) . صفحه ای (٢٠) سطر . طول (٢٥ ½ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٣) .

(٩٨٥)

شرح رضی این نسخه بقیّه نسخه پیشین میباشد ، یك ورق پیش ازآخرین ورق موجود ویکی پس از آن نسخه افتاده ، اوراق اواخر وصّالی شده ونیز آثار آبدیدگی در اوراق نسخه موجود است .

جلد تیماجی کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٧٩) . صفحه‌ای (٢٠) سطر . طول (٢٥ ½ سانتیمتر) . عرض (١٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٢٠٤) .

[٤١٩] شرح کافیه شرح متوسط رکن‌الدین = (عربی)

الوافیه فی شرح الکافیه

این شرح تألیف سیّد رکن الدّین استرابادی است (رکن الدّین حسن بن محمد بن

شارح این شرح را که پس ازشرح مفصل و مختصر خویش تألیف نموده «الوافیه فی‌شرح الکافیه» نام نهاده وشامل بسیاری‌ازمطالب‌سودمند میباشدوتاکنون مورد عنایت و توجه دانشمندان و اعتماد ایشان بوده وتاکنون چاپ نشده و در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بنام وزیر، یحیی بن ابراهیم بن یغرش بیلکا پادشاه ختن آنرا موشح نموده ،وبر آن حاشیه‌هائی نوشته‌شده، صاحب کشف‌الظنون چند حاشیه آنرا نام برده و گوید شرح کبیر آن **البسیط** نام دارد و ابیات شواهد شرح متوسط را اسمعیل بن علی شرح نموده و اوّل آن اینست : لك الحمد یامن صرف قلوبنا فی بحرالمعانی والبیان الخ .

باید دانست که سید رکن‌الدّین استرابادی صاحب این‌شرح غیراز رکن‌الدّین محمّد بن علی استرابادی استکه فصول نصیریّه را تعریب نموده و در ص۷۰ ج ٤ روضات نام برده شده ومؤلّف روضات دربارهٔ وی گوید که زمان‌وحیوة وی‌نزدیك بزمان و عصرخواجه بوده‌است .

(۹۸٦)

شرح متوسط (الوافیه)

این‌نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۵۰ نوشته شده ، کاتب نام خود را ننگاشته ، ورق اوّل که شامل چند سطر ازمقدمه بوده افتاده و نخستین سطر نسخه اینست : (الکبیرالعالم الفاضل‌الکامل سلالةالامراءالوزراء . . . یحیی بن‌المخدوم‌المعظم. . . ابراهیم‌بن‌یغرش‌بیلکاملك‌الختنی الخ) در حواشی صفحات آثار تصحیح وگاهی حاشیه هائی در توضیح مطالب دیده‌میشود ، ورق اوّل و ثّانی [?] صالی شده وبعضی از اوراق آن آثار آبدیدگی دارد . جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲٤۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦٤) .

(۹۸۷)

شرح متوسط (الوافیه)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، متن کتاب (کافیه) باشنجرف میباشد ، از اوّل کتاب تاقسمتی ازمبحث **عدول** از بحث غیر منصرف آن افتاده ونخستین سطر موجود آن‌اینست : (صحراء

علی صحاری او صحراوات فقیاس جمعاء ان یجمع علی جماعی الخ .) ورق آخر نسخه نونویس است و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی ازشرح رضی ، شرح خبیصی ، شرح کبیرمؤلّف و تعلیقاتی بامضاء سعیدی ، نعمة الله ، کمال‌الدّین،عصمت وحاشیه هائی ازخودِ شارح دارد و بعضی از اوراق وصّالی گردیده وپشت آخرین ورق نسخه (نونویس) یادداشتی بامضاء محمّد حسن‌حسینی مورخ بسال ۱۲۶۵ ومطالب متفرقه ای‌ازدیگران‌میباشدوخود نسخه ظاهراً درقرن‌نهم‌هجری‌نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۵۰) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۵) .

(۹۸۸)

شرح متوسط (الوافیه)

این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نوشته شده ، اوراق اوّل نسخه (۷ ورق) مشوش گذارده شده پس ازدقت روی آنها صفحه گذاری شد ، چند سطر از دیباچه را ندارد و از این عبارت :(ترکیباته ومبانیه الاّ نادراًمع ذکر علل اکثرها وجعلته لرسم خدمة الامیرالکبیر سلالة الامراء الخ .) دیباچه نسخه شروع شده وازآخرهم ناقص وتاقسمتی ازمبحث حروف‌جاره‌را دارد ، ورق آخر باطرز بسیار بدی وصّالی گردیده برورق اوّل فعلی نسخه بنام : **لباب بر کافیه** براین کتابخانه‌وقف گردیده و در دفاتر هم بهمین‌نام ثبت شده ولی مسلماً شرح متوسط کافیه است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی واقف‌سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۲۲۱) . مختلف‌السطور . طول(۱۹سانتیمتر) . عرض (۱۱سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۲) .

[۴۲۰] شرح کافیه : شرح میرسید شریف (فارسی)

شرح کیبائی

بقرائنیکه زیر این سطرها نگاشته میشود این شرح تألیف میرسید شریف جرجانی است (علی بن محمد بن علی جرجانی حنفی یاشیعی استرابادی ۷۴۰–$\frac{۸۱۶}{۸۱۶}$) (۱) که

(۱) این شرح با مراجعه به بغیة الوعاة ص ۲۵۹ نسخه خطی مدرسه ، مجالس المؤمنین ص ۳۴۵ – ۳۴۷ در مجلس هشتم ، روضات ص ۴۹۷–۴۹۹ ، کشف‌الظنون ، فهرست رضویه ومعجم‌المطبوعات ص ۶۷۸–۶۸۱ نوشته شده .

از مشاهیر علماء علم ادب و دانشمندان و حکما بوده و صاحب معجم المطبوعات ازاو به **عالم اهل المشرق** تعبیر کرده‌اند، بسال ۷۷۹(۱) که شاه‌شجاع در قصر زر استراباد بود، سیّد بخدمت پادشاه رسید و مورد عنایت و توجه گردید، باخود بشیرازش آورد و تدریس مدرسه دارالشفاء مؤسسه خویش را بدو تفویض نمود و چون امیر تیمور گورکان شیراز را فتح نمود فرمان داد که سیّد بسمرقند رود و باسعدالدّین تفتازانی مناظرات داشته و تا مردن این پادشاه در آنجا بود و پس از آن بشیراز آمد ودر آنجا بدانسرا اشتافت و قبروی درجائیکه آنرا اکنون دارالشفا گویند مزار دانشمندانست.

صاحب مجالس المؤمنین و روضات بادلّه ایکه از مؤلّفات این سیّد بیرون آورده اند تشیّع او را ثابت کرده ولی مشهور به حنفی بودن است و مؤلّفات وی عبارت از: شرح مواقف قاضی عضد ایجی در کلام، شرح مفتاح العلوم (قسمت بلاغت در حدود ده هزار بیت)، تعریفات العلوم، رساله در تحقیق معنی حرف، کتاب در معمّا (درحدود پانزده هزار بیت است)، حاشیه بر کشاف (۲)، حاشیه برشرح متوسط کافیه (این حاشیه ناقص ماند و پسرش باتمام آن پرداخت)، حاشیه برشرح رضی بر کافیه، حاشیه بر شرح اصفهانی بر تجرید (سیوطی شرحی بر تجرید بوی نسبت داده وشاید مراد وی همین حاشیه است)، حاشیه برمطول، حاشیه برشرح مطالع، حاشیه بر شرح شمسیه منسوب قطب الدّین رازی، شرح تصریف العزی، شرح مختصر الاصول عضدی، شرح حکمة العین، حواشی بر فوائد شیخ میثم بحرانی، رساله درفن اصول الحدیث، شرح فرائض سراجیه، الاصول المنطقیه، الرسالة الشریعیه (در آداب بحث است)، مقدمة الشّمانی فی مختصر الجرجانی، و مؤلّفات فارسی وی عبارت از صرف میر که از کتب مختصر و مشهوره در علم صرف میباشد و کتاب کبری و صغری(۳) در علم منطق وجواب مسائل امیر اسکندر خان و ترجمان القرآن در

(۱) این تاریخ درمجالس المؤمنین ثبت شده ولی در روضات این‌تاریخ را ۷۸۷ سبع و ثمانین وسبعمائه نوشته است.

(۲) در ص ۱۲۳ ج ۱ فهرست این کتابخانه معرفی از این کتاب گذشت.

(۳) شمس‌الدین محمد پسر سید شریف متوفی بسال ۸۳۸ کبری وصغری را بنام «الدّره» و «الغرّه» تعریب نموده است.

ترجمه فارسی لغات قرآن کریم(۱) وغیراز اینهاست .

این‌شرح‌مشهور به **کیپائی** است‌و کیپا درزبان‌فارسی‌بمعنی کلّه‌پز است ودروجه تسمیه این شرح بدین نام در فهرست رضویه نوشته شده که سیّد در اوائل جوانی که مدرسه نشین بوده بتعلیم پسر کلّه پزی مشغول بود وپدرش هرروز ناهاراستاد فرزند را تهیه مینمود و سیّد این شرح را برای او نگاشت بنابراین مشهور بشرح کیپائی شد و درحدود (۶۰۰۰) بیت کتابت آنست .

در اینجا مناسب است که گفته شود جز سیّد جرجانی بر کافیه شروح فارسی نوشته‌اند واز آنها شرح محمّد امین هروی (ج ۲ کشف الظنون ص۲۵) میباشد .

آغاز: بسمله (۲) **الکلمه** معنی کلمه در اصل لغة یك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی الخ .

انجام: آنکه اعراب فعل جاری برحرف شود که کلمه دیگراست حقیقةً تمّت الکتاب .

(۹۸۹)

شرح کافیه
شرح کیپائی

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۰ نوشته شده ، از خود نسخه مؤلّف و نام شرح معلوم نشد ، پشت صفحهٔ اوّل بنام « شرح کیپائی » معرّفی شده و آغاز وانجام آن با شرحیکه در ص ۱۵ ج۳ فهرست رضویه بنام شرح کیپائی از آن معرّفی گردیده یکی‌است، متن کافیه در ۸۲ ورق بیش ازاین شرح گذارده شده ودرهمین فصل خصوصیّات آن ذکرخواهد شد .

جلدتیماجی، کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کتاب(　　)این‌شرح(۱۷۶) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (½ ۱۹ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۳) .

(۱) نسخه ای از ترجمه لغات قرآن کریم بشمارهٔ (۲۰۱۵) دراین کتابخانه میباشد ، چنانکه درص۱۸۵ ج ۱ فهرست گفته شد بایستی همین کتاب باشد واز مؤلفات نام برده بالا اول و ۳ و۶و۱۰و۱۲و۱۳و۱۴و۱۷و۱۸و۱۹و۲۰و۲۱و۲۲و۲۳و۲۴ آن چاپ شده است .

(۲) نسخه کتابخانه رضویه واین کتابخانه بدون مقدمه ودیباچه است وشاید که مؤلف بدون مقدمه شروع بشرح کرده باشد .

[۴۲۱] شرح لب الالباب = العباب (عربی)

این شرح تألیف نقره کاراست (سیّد جمال الدّین عبدالله بن محمّد بن احمد(۱) الحسینی متولّد و متوفی بسال ۷۰۶–۷۷۶) (۲) که از علماء قرن هشتم هجری بوده و بسال ۷۳۵ از تألیف این شرح فراغت یافته و شرحی نیز برشافیه ابن حاجب بسال ۷۷۲ نگاشته وشرح اخیر مکرّر در آستانه چاپ شده است.

لب الالباب یا **الباب** درعلم نحو و تألیف تاج الدّین محمّد بن محمّد بن احمد بن السیف معروف به **فاضل اسفراینی** متوفی بسال ۶۸۴ میباشد و در ص ۳۷۲ بشرح حال ایشان پرداخته میشود و از کتب مشهوره در این علم میباشد و شروح چندی بر آن نوشته شده و مشهور ترین آنها همین شرح نقره کاراست.

صاحب معجم المطبوعات در ص ۷۷۵ زیر عنوان : **الحسینی «عبدالله»** گوید: عبدالله بن محمّد بن احمد الحسینی النیسابوری الشریف. جمال الدّین. المعروف بنقره کار: ابن حجر گوید: در اصول و عربیّة سر آمد اقران بود و در اسدیه حلب تدریس مینمود و یکی از ائمّه معقول میبود و ریش وی سفید و نیکو وشیعی مذهب بود (۳). و این عبارت با اسقاط جمله المعروف بنقره کار و مات سنة ۷۷۶ وتغییر مختصری دراواخر عبارت که درزیر این سطور نقل میشود عیناً دربغیة الوعاة موجود و در شذرات الذهب در ذیل وفیات سال ۷۷۶ نیز عبارات بغیه با اضافه اینکه چندی در دمشق و مصر نیز اقامت نموده و مقام شیخی بعضی از خانقاه ها را یافته و هفتاد سال زندگانی نموده و گوینده این سه بیت زیرین میباشد آورده شده :

---

(۱) در کشف الظنون و فهرست دارالکتب العربیه فقط نام پدر نقره کار نقل گردیده ولی در بغیه و معجم المطبوعات نام جد او احمد نیز ذکر شده و در شذرات این جد او محمد نامیده شده است.

(۲) بغیة الوعاة در ذیل عبدالله بن محمد، کشف الظنون ج ۲ ص ۴۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۱، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۴۲، معجم المطبوعات ص ۷۷۵، فهرست دارالکتب العربیه ج ۲ ص ۱۳۴ وفهرست خدیویه ج ۴ ص ۷۸ و ۷۹.

(۳) عبارت منقول در معجم المطبوعات اینست: «حسن الشیبة یتشیع». وعبارت بغیه اینست: «حسن الشیبة یتشیع مات سنة ۷۷۶». و عبارت شذرات بدینگونه میباشد: «وکان یتشیع وکان احد ائمة المعقول حسن الشیبة».

هَذِّبِ النَّفْسَ بِالعُلُومِ لِتَرْقٰى ‌‌‌‌‌‌ وَتَرىَ الكُلَّ وهو لِلْكُلِّ بَيْت

اِنَّما النَّفْسُ كَالزُّجاجَةِ والْعَقْـــلُ سِراجٌ وَ حِكْمَةُ اللّهِ زَيْت

فَاذا اَشْرَقَتْ فَاِنَّكَ حَيٌّ ‌‌‌‌‌‌ وَ اِذا اَظْلَمَتْ فَاِنَّكَ مَيْت

چنانکه درمقدّمه شرح نقره کار (همین شرح) تذکرداده شده ودر کشف الظنون نقل گردیده شارح تصورنموده که لباب اسفراینی پیش ازوی شرح نشده درصورتیکه محمدبن مسعود (سعید) بن محمودبن ابی الفتح السیرافی القالی بسال ۷۱۲ درشیراز براین کتاب شرحی نوشته و دو نسخهٔ از آن که هردو بسال ۷۳۲ نگاشته شده اند در دارالکتب العربیّه درمصر موجود (ج ۲ فهرست دارد ص ۱۳٤) و نسخه ای از آن کـه بسال ۷٦٤ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضا ع نیز وجود دارد و آغاز آن اینست : الحمدلله الذی هدانا الی معرفة اعجاز القرآن الخ . وبنابردو تاریخ نام برده بالا ۲۳ سال این شرح مقدّم برشرح نقره کار تألیف گردیده است .

درکشف الظنون تصریح گردیده که نام این شرح **العباب** میباشد و درفهرست خدیویه بنام : « **العباب فی شرح اللباب** » نام برده شده ولی شارح در مقدّمه نامی برای این شرح نگذارده ودرآخر نسخه این کتابخانه‌هم نامی برای آن دیده نمیشود وتاکنون چاپ نشده وازشروح بسیار نافع وسودمند میباشد و در حدود (٤٤۰۰) بیت کتابت دارد .

درکشف الحجب والاستار(ص ۳۷۹) کتابی بنام «**العباب فی علم الاعراب**» تألیف سید محمد تقی بن سیّد حسین نصیرآبادی که از علماء اواخر قرن سیزدهم ومعاصر بامؤلف کشف الحجب بوده یاد شده و گوید که مرتّب بر پنج باب میباشد وآغاز آن اینست : الحمد من حمد ما ازهراسمه واعزّشأنه الخ .

آغاز : بسمله الحمدلله قاشع غمام الغموم وقاصع همام الهموم الخ .

انجام: بخلاف المتذکّر فانّه لایقصد الوقف وانما عرض له ما اوجب قطع کلامه من النسیان .

(۹۹۰)

شرح لب‌الالباب (العباب)

این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالجلیل بن حسن بسال ۷۹۰ نوشته ، مقابله وتصحیح گردیده ، درحاشیه پاره ای ازصفحات تعلیقاتی‌مفید بخط نسخ و بیشتر بخط شکسته نستعلیق تحریر یافته و پشت صفحه نخستین فهرست مطالب با تـذکر باینکه در چه صفحه ای میباشد نگارش یافته و در همین صفحه میرزا آقا خان صدر اعظم نوری بسال ۱۲۷۳ بخط خود نوشته که بفرزند مکرّم نظام الملك هبه کردم وبنام «لب‌اللباب» درعلم نحو داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۱۱) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) عرض (۱۶½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۳) .

[۴۲۲] شرح مراح الارواح = المفراح (عربی)

مراح الارواح مختصری معروف درعلم صرف میباشد و در همین فصل ازآن بحث ومعرّفی خواهد شد ، این‌شرح که بنابرتصریح درآخربنام « المفراح فی‌شرح مراح الارواح » نامیده شده تألیف **حسن پاشا** بن علاء الدین اسود است که ازعلماء عصرسلطان بایزیدبن سلطان مراد (۷۹۱-۸۱۶) ازسلاطین عثمانی میباشد وشرحی هم برمصباح درنحو بنام‌الافتتاح دارد (۱) .

این‌شرح مراح شرحی قولی وچون اصل‌آن مختصرمیباشد ودرحدود(۶۵۰۰) بیت کتابت‌دارد ودرمعجم المطبوعات چاپ شدن‌آن تذکرداده‌نشده تصور نمیکنم که چاپ شده باشد .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی صرف افکارقلوبنا الی صراط‌المستقیم الخ .

انجام : هذا آخرما اردنا بیانه من کتاب‌المفراح فی‌شـرح مراح الارواح فمن وصل‌الیه من‌علماءالاصحاب وفضلاء الاحباب . . . . والحمدلله علی‌الاتمام یاالله انت‌المستعان .

---

(۱) شقائق‌النعمانیه ج ۱ ص ۳۵ .

(۹۹۱)

المفراح شرح مراح الارواح این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۸ نوشته شده ، پشت ورق نخستین اتمام عوامل ملا محسن که اوراق این نسخه ضمیمهٔ آن بوده بسال ۱۱۲۲ یادداشت گردیده، عبارات متن را از شرح بخطیکه در بالای آن کشیده شده تمیز داده اند ، چند برگ آخرین وصّالی گردیده و آثار آبدیدگی در نسخه پیداست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۷۸) . صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۱۰۹).

[٤۲۳] شرح المصباح الضوء (عربی)

مصباح مختصری درعلم نحو وتألیف ناصرالدّین مطرزی متوفی بسال ۶۱۰ میباشد و در ص ۳۹ و ٤۰ همین مجلّد بشرح حال و مؤلّفات ایشان پرداخته ایم و این کتاب مشتمل برپنج باب میباشد : ۱ - دراصطلاحات نحویه . ۲ - درعوامل لفظیّه قیاسیّه. ۳ - درعوامل لفظیّه سماعیّه. ٤ - درعوامل معنویّه. ۵ - فصولی چند درمطالب راجعهٔ بعربیّت (دراین فصل از معرفه، نکره، تذکیر، تأنیث، توابع پنجگانه، اعراب اصلی وغیراصلی ، اضمار معمول و عامل وغیره بحث گردیده است) .

براین کتاب(مصباح)شروح وحواشی زیاد نوشته شده و درص ٤٤٨ و ٤٤۹ ج ۲ کشف الظنون نام بسیاری از آنها دیده میشود .

این شرح مصباح تألیف تاج الدّین محمدبن محمدبن احمدبن سیف معروف به **فاضل اسفراینی** متوفی بسال ۶۸٤ است(۱) ومختصری از شرح بزرگ وی میباشد که نام آن « **المفتاح** » بوده واین مختصر را « **الضوء** » نامیده و درحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۸۵۰م در لکنو هندوستان چاپ شده و در ص ۳۶۹ گذشت که « اللباب فی علم الاعراب » یا «لب الالباب» نیز از مؤلّفات ایشانست .

برضوء حواشی و تعلیقاتی نوشته شده و در ص ٤٤۹ ج ۲ کشف الظنون نام آنها موجود وسودی ضوء را بترکی ترجمه کرده است .

(۱) سیوطی دربغیه گوید شرح حال وترجمه این دانشمند دست نیافتم ودر کشف الظنون هم سال وفات وی معین نشده وما این تاریخ را از فهرست خدیویه (ج ٤ ص ۷۸ و ۹۰) ومعجم المطبوعات ص ٤۳۶ نقل نموده ایم .

آغاز: بسمله (۱) ان احق ما تتوشح بذكره صدور الكتب والدفاتر الخ .

آغاز كتاب پس از خطبه: بسمله اما بعد حمدالله امّا كلمة فيها معنى الشرط فلذلك كانت الفاء لازمة لها قال سيبويه اما زيد فمنطلق معناه الخ .

(۹۹۲)

الضوء (شرح المصباح) این نسخه بخط نستعلیق بد خطّی بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، در حاشیه صفحات مطالبی از شروح مصباح چون: اصباح وافتتاح و مفتاح وحواشی و تعلیقات بر خود این كتاب و مطالبی ازشرح جامی و شرح لباب و غیره نگاشته شده و پشت نسخه بنام «ضوء سیبویه» وقف گردیده و در دفاتر كتابخانه هم بهمین نام ثبت شده ، پس از تحقیق و تتبع بدست آمد كه شرح مصباح و تألیف تاج الدّین اسفراینی است .

جلد تیماج . كاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۶سانتیمتر) شمارهٔ كتابخانه (۳۱۰۱).

[٤٢٤] شرح مغنی اللبیب = اغناء الادیب (عربی)

این شرح یاحواشی را برمغنی اللبیب ابن هشام كه درهمین فصل معرّفی خواهیم نمود محمّد مهدی بن علی اصغر قزوینی (۲) كه از معاصرین شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰٤) واز دانشمندان شیعی و امامی مذهب بوده تألیف نموده و بنا برتصریح در امل الآمل ، مؤلف باایشان مكاتبه داشته و مؤلّفات دیگر ایشان **عین الحیوة** در ادعیه **الانتقاد** درنحو **شرح جمل** ملاّ خلیل ، **شرح شواهد الانتقاد** ، رساله در تحقیق لفظ جلاله و علم نبودن آن ، رساله **غنیة الطلاب** در اباحه و تخییر **فهرست كافیه بدیعیه** صفی حلّی ، **رساله** در مؤنثات سماعی و احكام آن ، **حاشیه** بر شرح عربی توحید

(۱) نسخه این كتابخانه خطبه ندارد وازابتداء شرح كتاب شروع شده واین آغاز ازفهرست حدیویه نقل شد و در كشف الظنون آمده كه برخطبه ضوء رضی الدین خوارزمی شرحی بنام «درة النوء فی شرح خطبة الضوء» دردو ورق نوشته است .

(۲) فقط شرح حال این دانشمند را درص ٦۹ ج ۲ امل الامل وبنقل از اینجا در ص روضات یافته ام وبقرینه اینكه نخستین نسخه زیرین بسال ۱۱۲۲ نوشته شده و درحاشیه نیمهٔ اول آن حاشیه هائی موجود و در زیر آنها نوشته شده منه دام ظله بدست میاید تا این تاریخ تقریبا زندگانی میكرده است .

ملاّ خلیل قزوینی است و درمقدّمه این شرح مغنی گوید: پدرم(۱) حماه الله عن المکاره والمکاید (معلوم میشود تاهنگام تألیف این کتاب حیوة داشته) بر نسخه مغنی اللبیب خویش که بر آن درس خوانده بودم و نیز بر آن درس میگفتم تا اواسط جهت دوم از باب پنجم آن منتخباتی از شرح شمنّی و زبده ای از شرح شواهد خبیصی و مطالب مناسبه ای از کتب لغت و تفاسیر و تحقیقاتیکه در حلّ مشکلات بر خاطر خطیر خود ایشان گذشته بود نگاشته بودند و من نیز درهنگامیکه این کتاب را درس میگفتم آنچه دربیان مراد وشرح مطالب آن بنظرم رسید در حواشی نگاشتم و از سخنان پیشینیان نیز در آنجا آوردم و چون بآخر رسید بر آن شدم که همهٔ آن مطالب مندرجهٔ درحواشی را باقید باینکه هریك از کی و کجا است درمجلّدی مرتب نمایم و این کارشد و آنرا « اغناء الادیب فی فهم مغنی اللبیب » (۲) نامیدم . و پیش ازشروع درمطلب، مختصری ازتاریخ نحووشرح حال ابن هشام را بیان واشارات ورموزیکه دراین کتاب آورده شده ذکر و پس از آن **فهرست شواهد مغنی** را که پدرمؤلّف بترتیب حروف اوائل موافق ترتیب حروف تهجی مرتب نموده گذارده و در هنگام یافتن آن در کتاب کمك بزرگی میباشد و چون این بخش بپایان میرسد اصل کتاب شروع میشود و درحدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت تمام این کتابست .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی رفع لواء الکلام و الخطب الخ .

(۹۹۳)

شرح مغنی اللبیب (اغناء الادیب) این نسخه را محمد نبی بسال ۱۱۲۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته ، طرز نگارش صفحات آن بر خلاف عادت حمائلی میباشد ، حاشیه ای بر شرح مختصر ، تلخیص المفتاح که درهمین جلد از آن معرّفی خواهد شد و مطالب متفرقه ای از احادیث و غیره و شرح ترجمه فارسی

(۱) درامل الامل ج ۱ ص ۱۰ شرح حال ومؤلفات این عالم نقل گردیده وگویا از معاصرین میباشند و درص ٤١٤ روضات ذیل ترجمه دیگری نیز بنقل از آن کتاب نام وشرح حال ایشان موجوداست .

(۲) در نسخه کهنه این کتابخانه نام کتاب **غناء الادیب** نوشته شده چون موافق قواعد غنا مقصور است نه ممدود و در اینجا همزه گذارده شده و در نسخه دیگر کتابخانه صریحا اغناء ضبط شده وبمناسبت تتمه نام کتاب که کلمه مغنی را داراست انسب واقرب بواقع اینستکه نام کتاب را « اغناء الادیب فی فهم مغنی اللبیب » بدانیم ازاینرو بهمین نحو از آن معرفی گردید .

زیارت رجبیّه ائمّه اطهار علیهم السلام اللهّ فی کل لیل و نهار تألیف میرزا محمّد بن محمد رضای مشهدی را نیز در آخر این نسخه ، همین نویسنده نوشته است .
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۸۶) . صفحه‌ای (۳۰) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۱) .

(۹۹٤)

شرح مغنی اللبیب (اغناء الادیب) این نسخه را بخط نسخ محمّد بن عبدالرّحیم حسینی بسال ۱۲۶۸ نوشته ، و بسال ۱۲۷۰ بنام اغناء الادیب فی فهم مغنی اللبیب » داخل کتابخانه ایشان شده و بالای نام کتاب پس از الادیب نوشته شده : عن کتب الاعاریب و پیداستکه از الحاقات نویسنده است و در مقدمه نسخه نام کتاب چنین نیست .
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۲۲۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۰) .

[٤۲٥] شرح مغنی اللبیب = تحفة الغریب (عربی)

این شرح از معاریف شروح مغنی اللبیب میباشد و مؤلّف آن **دمامینی** است (بدرالدّین محمّد بن ابی بکر بن عمر بن ابی بکر قرشی مخزومی مالکی ۷۶۳-۸۲۷(۱)) (۲) که نیز از مشاهیر ائمّه ادب و علماء قرن هشتم و نهم هجری بوده و تدریس بسیاری از مدارس مصر و یمن و هند و غیره را دارا شده و مقام تدریس نحو در الازهر را یافته و بقضاوت مصر معین گردید ولی عملی نشد ، از راه کسب روزگار میگذرانید و شرکت بافندگی بزرگی در قاهره تأسیس نمود ، ولی آتش

(۱) در نسخه خطی بغیة الوعاة این کتابخانه و تاریخ آداب اللغه و معجم المطبوعات تولد دمامینی بسال ۷۶۳ معین گردیده ولی در روضات و شذرات بنقل از بغیه سال ۷٦٤ معین شده و قول اول ترجیح دارد و سال وفات وی را سیوطی مردد بسال ۸۲۷ و ۸۲۸ دانسته و حاجی خلیفه در تمام موارد ۸۲۸ و صاحب شذرات و جرجی زیدان جزماً بسال ۸۲۷ گفته اند .

(۲) این شرح بامراجعه به بغیه الوعاة درذیل محمد بن ابی بکر و شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۸۱ و روضات ج ٤ ص ۲۰۹ و تاریخ آداب اللغه ج ۳ ص ۱٤۳ و ۱٤٤ و معجم المطبوعات ص ۸۷۹ و ۸۸۰ و کشف الظنون درذیل مغنی اللبیب در ص ٤۷٤ ج ۲ و دیگر صفحات وی نگاشته شد .

گرفت و زیان بسیاری بدو رسید از آنجا به صعید (ظاهراً همین پرت سعید فعلی باشد) گریخت طلبکاران در پی وی رفتند وبخواری اورا بقاهره برگردانیدند، شیخ تقی‌الدّین بن حجّه باوی‌مساعدت کرد وباناصرالدّین بارزی سرآ مکاتبه نمود وکار او اصلاح شد.

سیوطی در بغیه مؤلّفات زیرین رابدین مؤلّف نسبت داده و دیگران چون شرح حال وی آنهارا از کتاب بغیه نقل نموده‌اند: **شرح بخاری**، شرح تسهیل، **شرح خزرجیه** (۱)، جواهر البحور فی‌العروض (ابن لؤلؤ زرکشی براین کتاب شرح نوشته ونسخه از آن در الجزائر موجود است)، **الفواکه البدریه** (منتخبی از اشعار و منظومات اوست)، **نزول الغیث** (این کتاب رد برشرح لامیة‌العجم صفدی میباشد و نسخهٔ آن‌در کتابخانهٔ خدیویه موجود است. تاریخ آداب‌اللّغه)، **مقاطع الشرب** (۲) مختصر حیاةالحیوان دمیری بنام **عین الحیاة**، وتحفة الغریب (همین کتاب) وجرجی زیدان این کتابها را نیز ازمشاهیر مؤلّفات دمامینی معرفی کرده است **کتاب‌القوافی** (ابن عمر بلخی بر آن شرح نوشته ونسخه‌ای‌از آن درلیدن ومکتب هندی موجوداست) الفتح‌الربانی‌فی‌الرد علی البنبانی (این کتاب ردّ برمنهاج بنبانی میباشد و نسخه آن در لیدن است)، شمس المغرب فی‌المرقص والمطرب (نسخهٔ آن در برلن موجود است).

مؤلّف کشف‌الظنون در ذیل معرفی از کتاب مغنی گوید: دمامینی بدرالدّین محمّدبن ابی‌بکرشرحی برمغنی‌اللبیب درمصر تألیف نمودوچون بهند رفت‌در آنجا نیز شرحی قولی بزرگتر از شرح پیشین براین کتاب نگاشت و بسال ۸۱۸ (۳) از

(۱) این شرح در معجم المطبوعات بنام «العیون‌الفاخرة‌الغامزه علی خبایاالرامزه» و در علم عروض معرفی شده وبسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است.

(۲) در کشف الظنون این کتاب «مقاطیع الشرب» بایاء میان طاء وعین ضبط شده ولی در بغیه وسائر ماخذ که همه ازبغیه گرفته‌اند بدون یاء میباشد.

(۳) ازمندرجات بغیه بدست میاید که پس از سال ۸۲۰ دمامینی بهند رفته و از مقدمه خود شارح بدست میاید که چون عازم بر گشتن بوطن خویش بوده پادشاه ازاوخواسته که چندی دیگر توقف نماید و بتدریس مشغول باشد ودر آن هنگام بتالیف این شرح پرداخته و تصور میکنم که مراد کشف‌الظنون سال ۸۲۸ بوده و بیست آن ده نقل شده ودر آخر نسخ این کتابخانه سال فراغت از تالیف نیست.

آن فراغت یافت و پس از آن بشرحی مزجی برمغنی اشتغال یافت وتاحرف الفاء آن تألیف گردید ولی بآخر نرسید واگر تمام آن ازقلم وی بیرون آمده بود بهترین شروح بود.

شرح دمامینی (تحفة الغریب) در میان دانشجویان بسیار مشهور وبرسائر شروح آنرا ترجیح میدهند و این همانست که مؤلف درهندوستان بتألیف آن مبادرت نموده و مقدمه آنرا بنام احمد شاه بن محمد شاه بن مظفرشاه از سلاطین هندوستان موشح کرده و شمنی در مقدمه شرح خویش از آن تجلیل نموده ودر حدود (۳۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .

صاحب معجم المطبوعات در ۸۸۰ نوشته شده که تحفة الغریب بشرح مغنی اللبیب بسال ۱۳۰۵ در حاشیه شرح شمنی در مصر چاپ گردیده وآغاز آن اینست : الحمدلله الذی لاافتقار الی مغن سواه الخ .

ولی چنانکه می بینید آغاز این کتاب غیرازعبارت بالا میباشد ونسخه چاپ مصر هم دردست نگارنده نیست تابا آن مقابله شود ولی گمان میکنم که نسخه چاپ شده شرح مختصر دمامینی باشد که درمصر تألیف گردیده و در ص ۱۳۵ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه در ذیل عنوان شرح دمامینی برمغنی اللبیب نوشته : شرح مصری است ومؤلف تاحرف **فاء** رسیده و اول آن اینست : اما بعد حمدالله علی افضاله . وچنانکه میدانیم این جمله ابتداء مغنی اللبیب میباشد ومعلوم میشود که خطبه ودیباچه شرح را آن نسخه ندارد لذا نمیتوانیم حکم کنیم کهاین نسخه موجود دردارالکتب کدام یك ازشروح این مؤلف است ولی بقرینه گفته کشف الظنون شاید شرح سوم وی باشد .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی منح من لسان العرب الایادی(۱) الحسنه الخ .

انجام: ولیکن انفصالی من الکلام فی الشرح علی هذا الوجه الحسن ولنکف القلم عن شوطه .... والصلوة علی خاتم النبیین ...... محمد ص بدر التمام ومسك الختام وآله وصحبه مصابیح الظلام والتحیات الطیبات واصلة الیه والیهم السلام .

(۱) این کلمه دردونسخه ذیل الایادی نوشته شده ودردیگری که بنظر نگارنده اصلی است الادیان ضبط شده است .

(۹۹۵)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بخط نسخ عمربن بهاءالدین بشیطی شافعی بسال ۱۰۱۱ ازروی سه‌نسخه باکمال دقت‌استنساخ گردیده، متن و حاشیه‌شده و عناوین متن و شرح با شنجرف میباشد ومجدول به زنگار وسرخی است و پشت صفحهٔ اوّل اردشیر قاجار بسال ۱۲٦۸ یاد داشت نموده که این کتاب را فرمانفرما فریدون میرزا به علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) داده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی‌وسمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲٤۳) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۱/۲ ۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۱سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۵) .

(۹۹٦)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بسال۱۰۹۹ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهائی بوده آنها را محو کرده اند و یادداشتهای دیگری اینك میباشد ، ورق اوّل ودو ورق آخر وصّالی شده و از نسخه پیشین صحیح تر میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸٤) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۱/۲ ۲۵سانتیمتر) . عرض(۱/۲ ۱۷سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲٦) .

(۹۹۷)

شرح مغنی اللبیب (تحفة الغریب) این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۲ نوشته شده ولی شامل ازابتداء شرح تااوّل‌مبحث مسوّغات ابتداء بنکره (اواسط باب چهارم مغنی) میباشد و در حاشیه ۱۸٤ صفحهٔ آن مغنی اللبیب تا آخر حرف لام همین نویسده نوشته و یادداشتی از پشت صفحه نخستین محو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲۰) صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۱/۲ ۲۵سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۹سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۷) .

[٤٢٦] شرح مغني اللبيب = شرح ابن ملا = (عربی)

(منتهي امل الاديب من الكلام علي مغني اللبيب)

مؤلّف این شرح ابن‌ملا است (احمدبن محمّدبن علی‌بن‌احمد مشهور به ابن ملاّ متوفی بسال ۹۷٤ یا درحدود ۹۹۰) (۱) که از علما وادباء قرن دهم هجری بوده وشاگردی رضی‌الدّین ابوالبقا محمّدبن ابراهیم بن یوسف بن عبدالرّحمن بن حسن حلبی حنفی متوفی‌بسال ۹۷۱ (۲) را نموده و ازاین شرح او معلوم میشود که در علم ادب دستی قوی داشته و بکتب سابقین آشنا بوده و در این شرح خویش مطالب مهمّه‌ای ازدانشمندان پیشین گرد آورده وخصوصاً مطالب دمامینی وشمنّی در شرح مغنی و شرح شواهد سیوطی را بر آن کتاب ذکر نموده وتحقیقاتی ازخود دارد و گذشته ازشرح مطالب مغنی‌اللبیب بمناسبت نام اشخاص، شرح‌حال ومؤلّفات ایشان را نیز بیان نموده وصاحب روضات گوید که شرح ابن ملاّ بزرگ است ومن بر مجلّد اوّل آن که بخط مؤلّف بود دست یافتم .

نگارنده بیش از این از مؤلّف و مؤلّفه او در کتب اطلاعی بدست نیاورد و در فهارس موجوده هم نسخه ای از این شرح را نیافت و نمیداند که مؤلّف موفق باتمام شرح شده ویا بیش از این مقدار که نسخه زیربن شامل آنست و در حدود (۱۷۰۰۰) بیت کتابت داردازقلم او بیرون نیامده و این شرح مزجی میباشد ودرمقدّمه آنرا « منتهی امل(۳)الادیب من‌الکلام علی‌مغنی‌اللبیب » نامیده است .

آغاز: بسمله حمداً لمن شرح صدورنالفهم اسرارالعربیه الخ .

---

(۱) در ص ۹۳ روضات نام مؤلف و اجداد وی چنانکه نقل گردید ضبط شده و گوید که بروفات او دست نیافته ام و صاحب کشف‌الظنون در ص ٤۷٥ ج ۲ ذیل مغنی‌اللبیب گوید : واین کتاب را احمدبن محمد حلبی معروف به ابن‌ملا متوفی در حدود ۹۹۰ شرح نموده و شش سطر پس از این نیز گوید : و ازشروح این کتاب شرح عالم احمدبن منلا محمد حلبی متوفی بسال۹۷۹ میباشد . نگارنده احتمال قوی میدهد که این هردو یکی میباشند ودرنسخه زیربن و روضات ابن ملا بدون نون ضبط گردیده وتاریخ وفات غلط ثبت‌شده‌است .

(۲) صاحب روضات این تاریخ را ازشرح ابن ملا نقل نموده است .

(۳) درنسخه زیربن نام کتاب « منتهی اصل‌الاریب من‌الکلام علی‌مغنی‌اللبیب» ثبت گردیده‌ولی صاحب‌روضات بدینگونه که دراینجاعنوان‌شده ضبط کرده‌اند، گذشته براینکه‌این تسمیه بهتر بنظر میاید وچون نقل‌ازنسخه خط مؤلف کرده‌اند مورد قبول بیشتراز نامی استکه دراین نسخه‌است .

(۹۹۸)

شرح مغنى اللبيب (منتهى امل الاديب) این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده برعبارات متن باشنجرف خط کشیده شده و از شرح ممتاز گردیده ، شامل شرح از ابتداء مغنی تااواخر مبحث امّای مفتوحه میباشد ، از آخر افتادگی دارد و آخرین سطر آخرین ورق نسخه اینست : و امّا الباء ففی متعلقه نظر لایکون حالاً من الشرّ ای بتقدیر کائناً لانه‌مبتداء والمبتداء) چندورق کاغذ نوشته دراوّل و آخر نسخه میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۷۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (½ ۲۸ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۹) .

[۴۲۷] شرح مغنى اللبيب شرح شمنى (عربی)

(المنصف من الكلام على مغني ابن هشام)

این شرح از شمنی است (تقی الدّین احمدبن محمّدبن محمّدبن حسن بن علی بن یحیی بن محمّدبن خلف‌الله بن خلیفه الشمنّی القسطنطنی الحنفی ۸۰۱-۸۷۲) (۱) که از مشاهیر شرّاح مغنی اللبیب میباشد و استاد جلال الدّین سیوطی بوده ، وی او را دربغیة الوعاة تجلیل بسیار نموده وقسمتی از اشعار او را نقل وقصائد واشعاریکه درمدح ورثاء او،خودسروده بود (سیوطی) ویادیگران انشاء کرده بودند آورده و گوید مؤلّفات شمنی عبارتست ازشرح مختصر الوقایه ، شرح نظم النخبه هردو در فقه ، حاشیه برشفا وشرح برمغنی اللبیب و اورا مقام تفاوت دادند نپذیرفت و در تفسیر و فقه و اصول وحدیث و معانی وبیان وغیره استاد بود ، قسمت زیادی از مطول سعدالدّین و توضیح ابن هشام را بادقت پیش ایشان خوانده ام و برشرح الفیه وجمع الجوامع تألیف من تقریظ نگاشته وبامن بنظر لطف و رحمت نگاه میکردند .

شارح گوید : درهنگام تدریس مغنی ومراجعه بشرح دمامینی (تحفة الغریب)

(۱) بغية الوعاة ذیل احمدبن محمد (نسخه خطی مدرسه ص ۲۱۲-۲۱۷) ، روضات (عبارات بغیه بااختصار) ص ۹۲ و معجم المطبوعات ص ۱۱۴۳ .

دیدم که اعتراضات زیاد در آنست واشکالاتی داراست که حل نگردیده وخداوند برمن منّت گذاردو آن مطالب مشکله برمن کشف شدواعتراضات را وارد ندیدم مطالب نام بـرده متفرق بود یکی از اصحاب خواستار شدند که آنها را در کتابی گذارم و شرح شواهد مذکوره درمغنی را برآن افزایم و مشکلاتی را هم کـه دیگران شرح نکرده اند شرح نمایم ، خواهش ایشان را پذیرفتم وباکمال انصاف بتألیف این کتاب پرداختم وآنـرا « المنصف من الکلام علی مغنی ابن‌هشام » نامیدم و از خداوند راه راست را خواستارم .

شرح یا حاشیه شمنی بسال ۱۲۷۳ در طهران و بسال ۱۳۰۵ در مصر چاپ شده ومیان طلاب و دانشجویان بسیار مشهور میباشد و سیّد علیخان کبیر کـه ازمشاهیر ادباء قرن دوازدهم هجری بوده برنسخه زیرین شهادت‌داده اند که این حاشیه بسیار مفید وسود مند است . و در حدود (۲۶۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خصّ کتـابه بعدم المعارضة وبالاعجاز تبیاناً لکل شیئ فهو مغنی‌اللبیب بالحقیقه لابطریق‌المجاز الخ .

(۹۹۹)

شرح مغنی اللبیب المنصف من الـکلام این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شـده ، پشت صفحه اوّل این عبـارت نوشته شـده : استکتبته لنفسی ولمن شاءالله من بعدی و کتبه الفقیرعلی صدرالدّین بن احمدالحسینی عفی عنهما آمین . و در ذیل آن آقـا محمد مهدی عبدالرب آبادی بخط خویش بعربی نوشته اند که احتمال قوی میدهم کـه این خطّ خطّ شارح صحیفه سجادیه سید علیخان میباشد . نگارنده با آشنائی بخط مرحوم سیّد این احتمال را تصدیق مینمایم و در این کتابخانه چند قطعه خط ایشان میباشد بنابراین بـاشهادت خط وکاغذ این‌نسخه در اواخر قرن یازدهم یااوائل قرن دوازدهم هجری نوشته شده است .

بر ورقیکه پس از کتاب سفید بوده ابوالحسن جهرمی چند غزل ازخودنوشته ومطلع یکی از آنها اینست :

عشق آمد و عقل نکته دان رفت شمس آمد و شمع از میان رفت

جلد تیماجی کهنه . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۰۹) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۲۸) .

[۴۲۸] شرح مفصل = المحصل (عربی)

این شرح بر کتاب المفصل زمخشری درعلم اعراب ونحو میباشد که در همین فصل از آن معرّفی خواهد شد ومؤلّف آن اندلسی است (ابوالقاسم یا ابومحمّد علم الدّین قاسم بن احمد بن موفق بن جعفر المرسی اللورقی الاندلسی ۵۷۵-۶۶۱) (۱) کهازقراء ونحویّین ومتکلّمین قرن‌ششم وهفتم‌هجری‌بوده و آشنائی کامل به اصولین وعربیّت و قرائت داشته ، شاگردی تاج الدّین کندی (۵۲۰-۶۱۳) (۲) را نموده و ریاست قراء شام را دارا بوده و درآنجا بتدریس وتصنیف اشتغال داشته و شاطبیه را شرح نموده و این شرح مفصل که المحصل(۳) نام دارد نیزازاواست .

نسخه ذیل‌شرح بر $\frac{1}{16}$ مفصل‌میباشد و (۸۶۸۰) بیت کتابت آنست ودر آخر آن تصریح شده که مجلّداوّل‌این کتاب خاتمه یافته وپس‌ازاین مجلّددوّم‌شروع خواهدشد، بنابراین بایستی تمام شرح درحدود (۱۴۰۰۰) بیت کتاب داشته باشد از سائر

(۱)شرح حال این‌شارح ازص۳۰۷ ج ۵ شذرات‌الذهب نقل گردید ودر اینجا لقب شارح فقط العلم ذکرشده و در کشف الظنون ص ۴۸۹ ج ۲ علم‌الدین تصریح گردیده وشذرات گفته که ورقی منسوب به لورقه بافتح دو حرف اول و سکون سیم نام شهری در اندلس‌است و یاقوت برخلاف این تشکیل گفته .

(۲) این تاریخ از ص ۵۴ ج ۵ شذرات نقل شد و شرح حال ایشان در آن صفحه و صفحه ۵۵ نگاشته شده است .

(۳) درنسخه ذیل که نزدیك بزمان شارح نوشته شده نام این‌شرح با کمال وضوح وآشکارائی « المحصل فی شرح المفصل » ضبط گردیده ولی در ص ۴۸۹ ج ۲ کشف الظنون موصل معین گردیده و نیز در ۴۸۹ ج ۲ همین کتاب در ذیل مفصل گوید از شروح آن شرح منتخب‌الدین محمدبن سعدالمروزی الدیباجی متوفی بسال۶۰۹ بنام **المحصل** شرحی برمفصل نوشته و فخراسفندری (ابوعاصم علی بن عمر بن خلیل‌بن‌علی فقیهی) متوفی بسال ۶۹۸ نیز شرحی برمفصل بنام « المقتبس فی توضیح ماالتبس » نگاشته و مطالب آن مقتبس از شروح مفصل میباشد و از آنجمله ابن محصل دیباجی است .

مجلّدات آن در فهارسیکه در دست نگارنده است نامی و نشانی نیافتم ، مؤلّف در مقدّمه تصریح نموده که این تألیف را به پیشگاه پادشاه دانشمند **شرف‌الدین عیسی** بن ملك‌العادل ابی‌بکر بن ایوب تقدیم داشته و درص ۱۱۵ ج ۵ شذرات‌الذهب درزیر مردگان سال ٦٢٤ نام این پادشاه را برده وگوید بسال ٥٧٦ در مصر متولد شده وقرآن را حفظ نموده ودرفقه عالم شده وجامع کبیر را درچند مجلّد شرح نموده و اشعار بسیار دارد و حنفی متعصبی بود ، هرکس که مفصل زمخشری را حفظ مینمود صد اشرفی وخلعتی باو جائزه میداد بدین سبب بسیاری آن کتاب را حفظ نموده اند ، واین شارح درست گفته که هیچکس را شایسته تر از ایشان ندیده که شرح خود را بوی تقدیم نماید .

شارح پیش ازشروع بشرح مفصل مختصری ازشرح حال زمخشری را نگاشته پس ازآن بشرح خطبه پرداخته و در این شرح اقوالی ازتاج‌الدّین کندی متوفی بسال ٦١٣ و صدرالافاضل قسم بن حسین خوارزمی که بگفته کشف‌الظنون (ص٤٨٩ ج٢) بسال ٦١٧ مرده وسخاوی و ابوالبقا وسیبویه وجرجانی وسیرافی وابن‌جنی ومشاهیر دیگر آورده وشرحی بسیار روان وشامل مطالب سودمندی است وچون نام تاج‌الدّین را بالفظ ترحیم ذکر نموده وشرف‌الدین عیسی بسال ٦٢٤ مرده تألیف این شرح میان سال ٦١٣ و ٦٢٤ بوده است .

آغاز :(۱) شرح مافی الخطبة من‌الغریب افتتح رحمه‌الله خطبته بقوله‌الله احمد مقدّماً لاسم‌الله تعالی تبرکا واهتماماً علی‌عادة العرب فی‌تقدیم ماهوالا هم الخ .

(۱۰۰۰)

شرح مفصل (المحصل)

این نسخه بخط نسخ نوشته‌شده، اگر خط مؤلّف نباشد از آنعصر هم‌چندان دورتر نگارش نیافته، وتاابتداء شرح جواز حذف مبتدا یاخبر را دارا میباشد ، ورق نخستین آن افتاده واولین سطر موجودش اینست : کتاب المحصّل فی‌شرح‌المفصّل (این‌قسمت بالای صفحه نگاشته

(۱) چون ورق اول نسخه افتاده آغازاصل شرح پس ازبسمله بدست نیامد بدین سبب ما آغاز شرح را دراینجا آوردیم .

شده) ثم لم ازل اجوب به الى البلاد وانفق الطارد والتلاد واطلب عالماً يعرف قدر ماتحملته في تحصيله الخ . برورقيكه پيش از برگ نخستين ميباشد يادداشتهائي است .
جلد تيماجي . كاغذ قديمي حنائي . واقف سپهسالار . قطع وزيري . شمارهٔ اوراق (۲۳٦) صفحه اى (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتيمتر) . عرض (١٦ سانتيمتر) . شمارهٔ كتابخانه (۳۱۵۱) .

[٤۲۹] شرح شواهد سيوطى (عربى)

اين كتاب كه خصوصيّات نسخه آنرا زير اين سطرها مينگاريم مشتمل برشرح شواهد ابياتى استكه درشرح سيوطى برالفيه ابن مالك (بهجة المرضيه) بآنها استشهاد گرديده ، بسيارى از مطالب وعبارات آنرا باعباراتى كه از شرح شواهد عينى در حاشيه سيوطى هاى چاپ ايران نوشته شده مطابقه نمودم عين آن عبارات بود باحذف جملى از آنها ، بنابراين توان اين كتابرا « مختصرى ازشواهد عينى » دانست باين معنى كه آنچه از ابيات سيوطى در شرح خود برالفيه شاهد آورده در شروح چهارگانه (١) ايكه عينى شواهد خودرا براى ابيات مستشهده در آنها ترتيب داده وجود داشته و اين انتخاب كننده كه نام آن درخود كتاب نيست و درجاى دگر هم بدان آگاهى نيافته ايم بترتيبيكه ابيات در سيوطى قرار گرفته مختصرا آورده وخود كتابى مستقل گرديده است .

طرز كتاب اينست كه شعر استشهاد شده را ذكر و گوينده آنرا در صورت امكان معين نموده و دربعضى موارد مقدم ومؤخر آنرا هم بيان نموده وپس از آن محل شاهد را نشان داده وگاهى بتركيب بيت هم مى پردازد و درحدود (۲۵۰۰) بيت كتابت آنست .

---

(١) كشف الظنون درص ١٤٢ ج ١ و ٧١ ج ۲ نوشته كه بدرالدين محمودبن احمد مشهور به عينى متوفى بسال ۸۵۵ شواهد شروح چهارگانه الفيه را (شرح ابن عقيل ، شرح ابن ناظم ، شرح ابن هشام وشرح ابن ام قاسم) جمع نموده و بسال ۸۰٦ شرح بزرگى برآن بنام «المقاصد النحويه فى شرح شواهد شروح الالفيه» نگاشته پس از آن برحسب خواست جمعى آنرا مختصر نموده ونام آنرا « فرائد القلائد فى مختصر شرح الشواهد » ناميده (بسال ۸۱۷ تاليف آن تمام شده) وابن ام قاسم را شيخ شمس الدين حسن بن قاسم المرادى النحوى متوفى بسال ۷٤۹ معرفى كرده است .

آغاز : بسمله اقائلن احضروا الشهودا قالهرؤبه وقبله: اريت ان جأت به املودا مرجلاً ويلبس البرودا اقائلن الخ اريت اصله ارايت والا ملود بضم الهمزه الناعم والمرجل بالجيم المزين و قيل بالحاء المهمله وهوبرد يصورعليه الرحال والشاهد فى قوله اقائلن حيث ادخل فيه نون التأكيد وهواسم الفاعل وهذانادرالخ.

(۱۰۰۱)

شرح شواهد سيوطى

اين نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتى از اواخر كتاب (چهار پنج ورق) افتاده ، ظاهراً نسخه ازقرن يازدهم هجرى يادگار مانده ، پشت نخستين صفحه ابياتى در بحور اشعار نگارش يافته ، بسال ۱۲۷۰ بنام شواهد سيوطى داخل كتابخانه اعتضاد السلطنه گرديده وبهمين نام براين كتابخانه وقف و در دفاتر آن ثبت شده ، اوراقى از اوائل واواخر نسخه وصالى شده ، آثار مقابله وتصحيح برصفحات موجود ، در حاشيه بيشتر از صفحات تعليقاتى نوشته شده و آخرين سطر آن اينست :

(الحق بهمزتين الاولى للاستفهام والثانية همزة اداة التعريف وفيه الشاهد فانه) .

جلد تيماج . كاغذ كاهى . واقف سپهسالار . قطع ربعى . شمارهٔ اوراق (۸۲) . صفحه‌اى (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتيمتر) . عرض (۱۲½ سانتيمتر) . شمارهٔ كتابخانه (۳۱۸۸) .

[٤۳۰] شرح شواهد مغنى اللبيب (عربى)

جلال الدين سيوطى كه درص ۳۳۷-۳۳۸ بشرح حال و بيان مؤلفات ايشان پرداخته ايم اشعاريكه ابن هشام درمغنى اللبيب بآنها استشهاد نموده گردآورده و پس از آن بشرح آنها پرداخته و درمقدمهٔ همين شرح گويد در حاشيه ايكه بر مغنى اللبيب بنام « الفتح القريب » نگاشتم شواهد آنرا نيزشرحى مختصر كرده ام پس از آن برآن شدم كه جداگانه درشرح شواهد كتابى سازم كه مشتمل برتمام قصائدى باشد كه يك بيت ياابياتى از آن استشهاد گرديده وفوائد ولطائف ديگرى برآن افزايم وشرح حال گوينده ومحل شاهد از آن بيت وبيان معانى كلمات مشكله آنها را متكفل باشد، چون بتأليف آن دست زدم ديدم كه در حدود چهار مجلد ميشود واتمام

این کار بسیار طول خواهد کشید وخوانندگان ملول خواهندشد ، از بانجام رسانیدن آن گذشتم وطرزی میانهٔ شرح نخستین و شرح دومین برگزیدم و در اینجا پس از اینکه بیتی را عنوان مینمایم بقیه ابیات آن اگر از ده نگذرد همه را می آورم واگر بیش از ده باشد ابیاتی که در این کتاب مؤلف بآنها استشهاد نموده ویا از لحاظ ادبیت وعربیت ومحسنات لفظی و معنوی از دیگران بیشتر باشند می آورم وبشرح کلمات ولغات مشکلهٔ آنها میپردازم ومحل شاهد را هم معین مینمایم ومینگارم که این ابیات از کیست و شرح حال او چیست و در چه مورد و هنگام آن را سروده است .

مؤلف درمقدمه نیز مأخذ خود را نام برده وتا بآخر بهمین نهج که گفته بود پیش رفته و این مؤلفهٔ او نیز گنجینه ای ادبی و بسی گرانبهاست و در حدود (۱۸۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۷۱ در ایران و بسال ۱۳۲۲ درمصرچاپ شده است(۱) .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی فتق السن العرب العاربه بالفصاحه الخ .

(۱۰۰۲)

شرح شواهد مغنی

این نسخه را بخط نسخ عبدالعلی بن ملا علی زنوزی بسال ۱۲۸٤ نوشته ، عناوین ابیات دراوراق اولیه باشنجرف نوشته شده و در اواخر جای آنها باز مانده وبرگ نخستین آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۵۲). صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤٤) .

[٤۳۱] صرف منظوم ـ رساله درصرف (فارسی)

چنانکه در ص ۳۵۹ زیرشرح جامی شمارهٔ (۹۷٦) این فهرست گفته شد

(۱) در ص ۱۰۸۱ معجم المطبوعات نام این کتاب « الفتح القریب بشواهد مغنی اللبیب من کتب الاعاریب » ثبت شده ولی در خود این شرح این نام نیست تصور میکنم که نام حاشیه مؤلف که درمقدمه برده شده مؤلف معجم مذکور را بخطا انداخته است .

کتاب یا رساله ای در صرف بفارسی ضمیمهٔ آنست و بر وسط سرلوح زیبای آن نوشته شده : **رسالة فی الصرف**. مؤلّف مطالب مهمّه صرفی را که برای فارسی زبانان نوآموز، یادگرفتن آنها لازم است درتحت عناوین مختلفه بنظم آورده و مطالبیکه بیان آنها بنظم مقصود را چنانکه بایـد وشاید ادا نمینموده چون صیغ افعال ماضی ومستقبل وغیره آنهارابه‌نثر بیان کرده ومؤلّف در آغاز وانجام‌نام‌خودرا نیاورده نگارنده هم باجستجو نگارندهٔ آن را نشناخت ، ازطرز تألیف وانشاء آن بایستی درقرن نهم تألیف شده باشد و کتابت آن در حدود (۲۵۰) بیت است .

آغاز : بسمله وبه ثقتی صرف اللسان نحو ثنائك اولی وعطف البیان الی نعت خاتم انبیائه اجزی یعنی گردانیدن آلت زبـان بثنای خداوند جهان بهتر می‌آید وتافتن عنان بیان بنعت خاتم پیغمبران سزاوارتر مینماید **تقسیم کلمات عرب :**

کلمات عرب سه قسم بود   نامشان حرف وفعل واسم بود
همچو باللّه اقسم ای فرزند   بخداوند میخـورم سوگند

(۱۰۰۳)

صرف منظوم رساله (فی الصرف) این نسخه بسـال ۹۷۵ بخط نستعلیق محمدبن کمال الدّین حسین انصاری طسوجی نوشته شده وضمیمهٔ‌شرح جامی‌است کـه خصوصیّات آن را یاد نمودیم ، دارای یك سر لوح زیبا وصفحات آن مجدول بطلا وزنگار است .

خصوصیّات دیگر نسخه شمارهٔ (۹۷٦) این فهرست درص۳۵۹ همین مجلّد و شمارهٔ (۳۱۵٤)کتابخانه مراجعه شود .

[٤۳۲] عوامل جرجانی = العوامل المائه (عربی)

شیخ عبدالقادر نحوی جرجانی کـه از معاریف علماء علم ادب میباشد و در ص ۳۱٤ - ۳۱٦ همین مجلّد بشرح حـال و معرّفی ایشان پرداخته ایم مؤلّف این کتابست و این مؤلّفه باکمال اختصاریکه دارد دارای فوائدیستکه در کتابهای بزرگ یافت نمیشود و بر آن شروحی بسیار بفارسی و عربی و ترکی بنظم ونثر نگاشته شده و برخی از آنها در ص ۱٤۰ ج ۲ کشف‌الظنون نام برده شده و در

حدود (٤٠٠) بیت کتابت دارد وبسال ۱٦۱۷ م. درلیدن و ۱۸۰۳ م. درکلکته و ۱۲٤۷ درمصر چاپ شده است.

(۱۰۰٤)

عوامل جرجانی (العوامل المائه)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده ، نویسنده نام خود وتاریخ نگارش را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد، درحاشیه اوراق نسخه ومیان سطرهای آن تعلیقاتی بفارسی در ترکیب و توضیح جمل کتاب نوشته شده است وضمیمه باوّل کتاب جمل همین مؤلّف استکه در ص ۳۱٦ زیر شمارهٔ (۹۲۹) خصوصیّات آن بیان شد بدانجا یاکتاب شمارهٔ (۳۱۱۲)کتابخانه مراجعه گردد.

(۱۰۰۵)

عوامل جرجانی (العوامل المائه)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمیمهٔ سوم مجموعه ایستکه بشمارهٔ (۳۱۱۳) دراین کتابخانه ثبت شده و هیچیك تاریخ ندارد ولی از قرائن پیداستکه دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است.

[٤۳۳] عوامل ملامحسن (عربی)

این کتاب تألیف ملاّ محسن فیض کاشانی است (محمّدبن مرتضی بن شاه محمود کاشانی ۱۰۰۷-۱۰۹۱) که از مشاهیر علماء امامیّه و محدثین و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده‌اندودرص ۲٤ و ۸۰ و ۱۳٤ و ۳۲۳ و ۳۳۱و ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۵۱ و ۵۲۵ و ۵٤۹ ج ۱ همین فهرست ده مؤلّفه ایشان را معرّفی کرده ایم.

بعضی تألیف این کتاب را به ملاّ محسن بن محمد طاهر قزوینی نسبت داده اند، از مطالبیکه صاحب قصص العلما در آخر شرح حال و مؤلّفات فیض نگاشته اند بطلان این نسبت واضح میشود و ایشان گویند که ملاّ محسن قزوینی فرزند محمد طاهر قزوینی استکه مؤلّف شرح الفیه ابن مالك درچهار جلد بنام « زینت المسالك » میباشد وعوامل ملاّ محسن فیض را تاآخر عوامل سماعیّه شرح کرده ومن(صاحب

قصص العلما) شرحی بفارسی در نه روز برعوامل فیض وشرحی برشواهد عوامل وبرفقرات چند بیتیکه در آخر مبحث عوامل سماعیّه آن کتاب میباشد نگاشته ام و آقای عبدالعزیز جواهر کلام در ص ۱۲۱ ج ۲ فهرست کتب خطی کتابخانه معارف نوشته اند که ملاّ محسن از اجداد طائفهٔ نحویّه قزوین بوده و دراواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است وایشان نیز تصور نموده اند که عوامل ازاین ملاّ محسن قزوینی است ودر آن کتابخانه ترجمه وشرح شواهد آنرا بقلم عبدالرّزاق بن شیخ داود نشان داده اند .

عوامل ملاّ محسن فیض (همین کتاب) درضمن مجموعه ایکه بنام « جامع المقدمات » نامیده شده مکرّر چاپ شده واین نام (عوامل) درمقدّمه وخاتمهٔ آن نیست .

آغاز : بسمله احمدك یامن یرفع صالح العمل واصلّی علی نبیّك محمّد صم الخ .

(۱۰۰۶)

عوامل ملامحسن این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۳۷ نوشته شده ، درحواشی صفحات ومیان سطرهای آن تعلیقاتی بامضاء شرح ملاّ محسن ونظرعلی ودیگران وترکیب فارسی شواهد دیده میشود ، مراح الارواح وتعلیقه ای بر آن که درهمین فصل از آنها معرّفی میشود ضمیمه آنست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۲۲) . اوراق عوامل (٤۸) مختلف السطور . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۰۹۹) .

[٤۳٤] الفوائد الصمدیه = صمدیه (عربی)

این کتاب یکی از مؤلّفات شیخ بهائی است (بهاء الدّین محمّد بن حسن بن عبدالصمد حارثی جبائی عاملی ۹۵۳-۱۰۳۰) که ازمشاهیر علماء امامیّه وفقهاء اثنی عشریه بوده ودربیشتر ازعلوم ومعارف دست داشته ودر آن کتاب ورساله ای پرداخته وشیخ الاسلام ایران بوده و درنظر شاه عباس کبیر مقام ومرتبتی بزرگ داشته و موفق بتربیت دانشمندانی بسیار گردیده و در ص ۷۱ و ۱۱۷ و ۱۹۹ و ۲٤۸ و ۲۵۱ و ۳۷۷ و ٤۱۹ و ۵۰۲ و ۵۲۲ و ۵۶۹ و ۵۷۸ جلد اوّل فهرست یازده مؤلّفه ایشانرا معرّفی کامل کرده ایم .

این کتاب را برای برادرش عبدالصمد درنحو بنام « الفوائدالصمدیه » تألیف و آنرا بر پنج حدیقه بدین تفصیل : (۱ ـ درمقدمات . ۲ ـ در آنچه متعلق باسم میباشد . ۳ ـ در آنچه متعلق بافعال است . ٤ ـ درجمل وتوابع آن . ۵ـدرمفردات). تألیف نموده وبنام صمدیه مشهور گردیده وبر آن شروحی نوشته شده ازسه شرح آن درص۳۵۳-۳۵٦ معرفی شده و جز آنهادر فهرست کتب خطی معارف ج ۲ ص ۱۲۰ آقای جواهر کلام چهارشرح دیگر را هم نام برده اند .

الفوائدالصمدیه از کتب مختصر و مفیده در علم نحو میباشدو در میان آنانکه علم نحو را خواستارشده اند بسی مشهور و مکرر بدون شرح و باشرح در ایران چاپ گردیده است.

آغاز : بسمله احسن کلمة یبتدء بها الکلام وخیرخبر یختتم به المرام حمدك اللّهم الخ .

(۱۰۰۷)

الفوائدالصمدیه این نسخه را بسال ۱۲۲۳ بخط نسخ نوشته اند وبا شرح تصریف که در ص ۳٤٦ معرفی خصوصیات آن گردید دریك مجلد میباشد خصوصیات دیگر به کتاب شمارهٔ (۳۱٤٦) کتابخانه که زیر شمارهٔ (۱٦۲) دراین فهرست معرفی گردیده ، مراجعه شود .

(۱۰۰۸)

الفوائدالصمدیه این نسخه را بخط نستعلیق محمد صالح بن محمد رفیع طبیب رشتی بسال ۱۲٦۱ نوشته وباشرح صغیرصمدیه « الفوائدالبهیه» دریك مجلدمیباشدبشمارهٔ (۳۱٤۷) کتابخانه مراجعه شود و خصوصیات آنها درزیر شمارهٔ (۹۷۳) درصفحه ۳۵ گذشت .

[٤۳۵] کافیه ابن حاجب (عربی)

مؤلف این کتاب که از مشاهیر کتابهای نحو میباشد **ابن حاجب** نحوی معروف استکه درص ۳۳۰ - ۳۳۲ همین مجلد معرفی ازایشان گردید واین کتاب بنام « مقدمة فی النحو » نیز نامیده میشود ومؤلف خود بر آن شرحی نوشته ودراین شرح حسن بن محمدالبوربنی شافعی متوفی بسال ۱۰۳٤ شرحی نگاشته و نیزمؤلف

کافیه را بنام «الوافیه» منظوم نموده و بر کافیه شروح و حواشی بسیار نوشته شده ، شمارهٔ زیادی از آنها را حاجی خلیفه درص۲۴۹ - ۲۵۴ ج ۲ کشف الظنون نام برده ، چندین شرح و حاشیهٔ آنرا در این جلد فهرست معرفی کرده ایم .

کافیه درحدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد و نخستین بار بسال ۱۵۹۲ م. دررم ومکرّر درهند و روسیه و اروپا ومصر چاپ شده است .

آغاز: بسمله الکلمة لفظ وضع لمعنی مفرد وهی اسم وفعل وحرف الخ .

(۱۰۰۹)

کافیه این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری ونزدیك بزمان ملاّ جامی متوفی بسال ۸۹۸ میباشد ، درحاشیه ومیان سطور نسخه مطالبی ازشرح جامی وابیاتی از این شاعر وتعلیقاتی ازچلبی و ازشرح هندی (در ص ۲۵۰ ج ۲ کشف الظنون شهاب الدّین احمدبن عمرهندی متوفی بسال ۸۴۹ شارح کافیه معرفی شده است) و از وافیه وبدون امضاء نقل شده ، سه ورق از اواخر نونویس و دو ورق اوّل واوراقی ازآخر وصّالی گردیده ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند وبرورقیکه پس از آخرین برگ کتابست یك رباعی درتعریف از قصر احمد بهمن شاه و یك دو بیت دیگر نوشته‌اند .

جلد میشن نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۶) . صفحه ای (۵) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۲سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۰) .

(۱۰۱۰)

کافیه این نسخه بخط نسخ محمّد تقی ابن حاجی باقر بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، درکنار بیشتر ازصفحات تعلیقاتی ازشرح جامی و بدون امضاء نگاشته شده ، پشت صفحه اوّل و آخر مطالبی متفرقه نگارش یافته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۹۳) . صفحه ای (۶) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۵۵) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

(۱۰۱۱)

کافیه

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح جامی وشرح گیپائی و بدون امضاء موجود و درآخر یادداشتی بسال ۱۲۶۰ عبدالصانع ابن حاج علی خونساری نوشته و مهر مربعی که سجع آن عبده محمّد صانع میباشد زیر آن زده شده ، ظاهراً اصل نسخه در قرن دوازدهم هجری نوشته‌شده، اوراقی از اوّل نسخه و برگ آخر آن وصّالی گردیده وپشت آخرین ورق یادداشتهائی‌استکه یکی از آنها دارای‌تاریخ ۲۲۹ میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۱۲). صفحه ای (٦) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض(۱۲$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱٦۱) .

(۱۰۱۲)

کافیه

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پس از آن شرح گیپائی برکافیه که درصفحهٔ ۳٦۸همین مجلّد از آن معرفی شد گذارده شده ، پشت صفحهٔ نخستین مطالبی بوده آنهارا محوکرده اند ویادداشت وقفیّت آن از طرف سپهسالار برجای آنها نگارش یافته است ، بایستی درقرن دوازدهم نوشته شده باشد .

خصوصیّات دیگر زیر شمارهٔ (۹۸۹) در صفحهٔ۳٦۸نوشته شده وبا ضمیمهٔ آن درکتابخانه دارای شمارهٔ (۳۱٦۳) میباشد .

(۱۰۱۳)

کافیه

این نسخه بخط نستعلیق بدخطّی نوشته شده ، حاشیه ای از مصلح الدّین لاری برهدایه ضمیمهٔ آنست (ازاین حاشیه‌درفصل حکمت‌وفلسفه معرفی‌میشود)، ونویسنده این‌نسخه‌اخیر که نیزنویسندهٔ‌نسخه پیشین میباشد محمودبن سلیمان است وسال نگارش را ننگاشته وطرز نوشتن میرساندکاتب ازترکان عثمانی بوده ، همین کاتب درحاشیه بیشترازصفحات آخر تعلیقات وحواشی بر کافیه را از دانشمندان نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۲۰) . صفحه‌ای (۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۶۲) .

[۴۳۶] مراح الارواح (عربی)

این کتاب ، مختصری درعلم صرف و بنا برتصریح در مقدمهٔ آن تألیف **احمدبن‌علی‌بن‌مسعود** میباشد ، سیوطی در بغیه ذیل این نام گوید مؤلف مراح بوده که مختصری در تصریف و کتابی مشهور است و بر شرح حال وی دست نیافتم(۱). و صاحب روضات درص ۵۱ ج ۱ احتمال داده اند که مؤلف مراح همان احمدبن علی بن مسعودبن عبدالله معروف به **ابن السقا** باشد که بسال ۶۱۳ مرده وشاگرد ابن خشاب بوده ودربارهٔوی نوشته اند (۲) که مردی ادیب وفاضل ودرنحو دستی نیکوداشته ولی سیره اش ممدوح نبوده است .

مؤلف درمقدمه نام این کتاب را « مراح الارواح » گذارده ، درحدود (۹۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۱۲۳۳ درآستانه و ۱۲۴۴ وسالهای دیگر درمصر چاپ گردیده ، بر آن شروح چندی نوشته‌شده ، بعضی درص ۴۱۵ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در ص ۳۷۱-۳۷۲ یکی از شروح آن معرفی گردید و در ص ۹۰۶ معجم المطبوعات ذکر شده که شرح مراح تألیف شمس الدین احمد معروف به دیکنقوز که از علماء قرن نهم هجری بوده وشرح ابن کمال پاشا بنام « الفلاح لشرح المراح » بسال ۱۳۰۹ چاپ شده است .

آغاز : بسمله قال المفتقر الی الله الودود احمد بن علی بن مسعود غفر الله له ولوالدیه واحسن الیهما والیه اعلم ان الصرف ام العلوم والنحوابوها الخ .

---

(۱) در حاشیه ص ۳۷۴ معجم المطبوعات نسخه ای از مراح الارواح که بسال ۸۴۰ نوشته شده دردارالکتب المصریه نشان داده شده ومؤلف آن فهرست روی آن حدث زده که بایستی مؤلف از دانشمندان قرن هشتم یانهم هجری باشدولی ازاین راه این احتمال بسیارضعیف است.

(۲) سیوطی ابن السقا را درذیل مؤلف مراح در بغیه نام برده و شرحیکه عبارات بالا ترجمهٔ آنست دربارهٔ وی نوشته واحتمال یکی بودن این دونفر را نداده است .

(۱۰۱٤)

مراح الارواح این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۵ نوشته شده ، ورق اوّل نونویس میباشد ، درحاشیه بعضی ازصفحات مطالبی از یکی از شروح آن نوشته شده ومقابله وتصحیح گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرك . شمارهٔ اوراق (۲۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($12\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۸) .

(۱۰۱۵)

مراح الارواح این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمن مجموعه‌ایستکه مشتمل بر چندین کتاب فارسی و عربی است وهیچیك تاریخ ندارد ، ظاهراً ازخطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد .

این مجموعه بشمارهٔ (۳۱۱۳) دراین کتابخانه ثبت گردیده است .

(۱۰۱٦)

مراح الارواح این نسخه بسال ۱۲۳۷ بخط نسخ نوشته شده ، درحاشیه بعضی از صفحات مطالبی از دوشرح مراح (المفراح و الملاح) و تعلیقاتی بدون امضاء یافت میشود وپس ازاین کتاب تعلیقات وحواشی ملاّ نظرعلی جیلانی برعوامل ملاّ محسن ومطالب متفرقهٔ دیگر از او، یکی ازشاگردان وی در (۱۸) ورق دراواخر قرن سیزدهم نوشته وضمیمهٔ آنست .

خصوصیّات دیگر بشمارهٔ (۳۰۹۹) کتابخانه و شمارهٔ (۱۰۰٦) این فهرست در ص ۳۸۹ مراجعه شود .

[٤۳۷] مغني اللبيب عن كتب الاعاريب (عربی)

مؤلّف این کتاب که از کتابهای مشهور ومفید درعلم اعراب و نحو میباشد **ابن هشام نحوی** معروف استکه در ص ۳۰٦-۳۰۸ بشرح حال ومعرّفی ایشان پرداخته شد ، مؤلّف درمقدّمه تألیف آنرا بسال ۷۵٦ درمکّه معظمه پس ازکتاب «الاعراب عن قواعد الاعراب» که در همین موضوع وهمین شهر بسال ۷٤۹ تألیف نموده معیّن کرده است .

طرز این کتاب چون کتب نحوّیه متقدّمین ومتأخرین نیست ومؤلّف آن را به هشت باب تقسیم نموده و مطالب آنرا باشواهد از آیات و اخبار و اشعار فصحا وبلغا توأم نموده ، بر آن شروح وحواشی زیاد نوشته شده ، مؤلّف کشف الظنون در ص ٤٧٣ - ٤٧٦ ج ۲ بسیاری از آنها را نام برده و ابن هشام خود برشواهد این کتاب دو شرح نوشته(کبیر وصغیر) وسیوطی‌را نیز بر آنها دو شرح است که در ص۳۸۵و۳۸٦معرّفی گردیدو چون‌مغنی‌اللبیب‌مکرّر در ایران‌و مصرو هندوستان چاپ شده واز کتابهای بسیار مشهور ومتداول میان دانشجویان وطلاب علوم ادبیّه میباشد بیش از این از آن معرّفی جاندارد .

در ص ٤٧٥ ج ۲ کشف‌الظنون نیز تذکر داده شده که شیخ شمس‌الدّین محمّدبن ابراهیم بیجوری متوفی‌بسال۸٦۳بنام « قراضة الذهب فی‌علم‌النحو والادب » وشیخ محمّدبن عبدالمجیدالسامولی الشافعی السعودی بسال ۹٦۱ بنام « دیوان‌الاریب فی مختصر مغنی‌اللبیب » مغنی‌اللبیب را مختصر کرده‌اند .

آغاز : بسمله قال شیخنا وسیّدنا . . . . . . امّا بعد حمدالله علی افضاله والصّلوة والسّلام علی محمّد و آله واصحابه فانّ اولی ماتقترحه القرائح الخ .

(۱۰۱۷)

مغنی‌اللبیب

این نسخه بخط نسخ بسال ۹۰۵ نوشته شده ، در حاشیهٔ بیشتر از صفحات تعلیقاتی بدون ذکر مآخذ نگارش یافته و بقرینه جمله ایکه بهمین خط زیر آخرین سطر اصل کتاب نوشته نگارش تعلیقات بسال ۱۰۹۸ بوده (درنسخه چنین : ۱۹۸ نوشته شده است) ، برگ نخستین کتاب‌افتاده وسطر اوّل موجود اینست : و ترصیف و تتبعت فیه مقفلات مسائل الاعراب فافتتحتها الخ .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۷ ½سانتیمتر) . عرض (۱۸سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه . (۳۲۳۲)

(۱۰۱۸)

مغنی اللبیب

این نسخه را بخط نسخ محمّد امین نجفی بسال ۱۱۲۱ نوشته وفقط باب اوّل کتابست و در حاشیه برخی از برگها مطالبی ازشرح شمنّی نگارش یافته‌است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۹٤) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲٤۰) .

(۱۰۱۹)

مغنی اللبیب

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را نبرده ، ظاهراً در قرن دهم یا یازدهم نوشته شده ، در آخر نسخه محمّد علی نام بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۱۸ چنین نوشته :(بنابر رسم پیشینیان که صفر را میان اعداد نمیگذارده اند بایستی یا ۱۰۱۸ یا ۱۱۰۸ یا ۱۱۸۰ باشد) مالکیت نسخه را یادداشت نموده ، منتخبی از شرح شواهد سیوطی بر مغنی که در ص ۳۸۵ و ۳۸٦ معرّفی آن گذشت (از این منتخب پس از این معرّفی میشود) ضمیمه این نسخه میباشد ، در حاشیه اوراق و بر کاغذ هائیکه میان آنها گذارده شده مطالبی از دمامینی و شمنّی و غیره نقل گردیده و یادداشتهائی که از مالکین نسخه ، پشت ورق اوّل و آخر و بر اوراقیکه پیش از کتاب و پس از آن سفید بوده ، نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۳) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۵) .

(۱۰۲۰)

مغنی اللبیب

این نسخه را بخط نسخ محمّد عسکر بسال ۱۱۲٤ نوشته ، در حاشیه صفحات تعلیقاتی از کتب نحو و دانشمندان بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته ، پشت برگ اوّل و آخر یادداشتهائی موجود است .

جلد میشن وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۹۰) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳٦) .

(۱۰۲)

مغنی اللبیب

اصل این نسخه ظاهراً از خطوط قرن نهم هجری بوده ، دست روزگار بسیاری از اوراق آنرا پراکنده نموده ، ظاهراً در

اوائل قرن سیزدهم هجری اوراق گمشدهٔ آن نگارش یافته وبآن ضمیمه شده ، نام نویسنده و سال نگارش در آن نیست ، پشت ورق اوّل یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۲٤) . صفحه ای (۲۰و۲۳) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض ($\frac{۱}{۲}$۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۹) .

(۱۰۲۲)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، یادداشتی بتاریخ۱۲٤۱ برکاغذیکه پیش از ورق اوّل نسخه است نوشته شده و پشت ورق اوّل نیز یادداشت‌هائی موجوداست و یکی از آنهارا محو کرده‌اند ، بایستی نسخه‌را نیز درقرن سیزدهم نوشته باشند ودر حواشی صفحات اوراق اولیّه تعلیقاتی بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۵۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$۲٤سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳۳) .

(۱۰۲۳)

مغنی اللبیب این نسخه بخط نسخ میباشد ، ظاهراً درقرن دوازدهم نگارش یافته ، برگ آخر کتاب افتاده بوده بسال ۱۲٦۲ نوشته‌شده ، پشت ورق نخستین یادداشتهائی موجود ، کهنه ترین آنها که دارای تاریخ میباشد سال ۱۲۳۱ را داراست ، درحاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی از شروح این کتاب وغیره نگاشته شده ومحتاج بصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۲۳٤) .

[٤۳۸] مفصل (عربی)

این کتاب تألیف جار الله زمخشری وچون مؤلف از معاریف کتب نحو میباشد (درص ۱۵۸–۱٦۰ ج۱ فهرست مختصری از شرح حال زمخشری ذکر گردیده ودرص ۱۱–۱٤

همین مجلّد زیر عنوان اطواق الذهب ایشان را نیز معرّفی کرده‌ایم) صاحب کشف الظنون در ص ۴۸۸ - ۴۹۰ ج ۲ گوید در رمضان ۵۱۳ تألیف آن شروع و در غره محرم ۵۱۴ خاتمه یافته وشروح این کتاب وچند نفر را که باختصار آن مبادرت نموده ویا آنرا نظم بسته ویا برشواهد آن شرح نوشته‌اند نام برده وخود مؤلّف نیز آنرا مختصر نموده **وانموزج** نامیده است.

مفصّل مکرّر در مصر و اروپا و هندوستان چاپ گردیده و ترتیب آن بدینگونه است: **قسم اول** دراسماء. **قسم دوم** درافعال. **قسم سوم** درحروف. **قسم چهارم** درمشترکات میان اسم وفعل وحرف (در این قسم از اماله، وقف، قسم، تخفیف همزه، التقاء دوساکن ونظائر اینها که مشترك میان هرسه یا دوتای از اقسام کلمه میباشد ذکر گردیده است).

آغاز: بسمله (۱) احمدالله علی ان جعلنی من علماء العربیّة وجبلنی علی الغضب للعرب والعصبیّة و ابی' لی ان انفرد عن صمیم انصارهم الخ.

(۱۰۲۴)

مفصل این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۹۶ معصوم بن ابراهیم الخادم الحسینی برای فرزند خویش نوشته، درحاشیه صفحات اولیّه تعلیقاتی از اقلید وموصل که دوشرح مفصل اند بدون امضاء وذکر مأخذ، نگارش یافته، برسه‌ورق کاغذ نانوشته ایکه در آخر کتاب بوده رساله‌ای مختصر در محل اعراب جمله بعربی بدون تصریح باسم منشی آن و نسخهٔ ساختن مرکّب، بدوطریق، نگاشته شده ویادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده است.

جلد میشن مذهب. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۹۳). صفحه‌ای (۱۴) سطر. طول (۱۹ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰۰).

[۴۳۹] منتخب شرح شواهد سیوطی (عربی)

شرح شواهد سیوطی را بر مغنی درص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرّفی نمودیم، یکی از علماء قصائدیکه به یك یا چند بیت آن در مغنی استشهاد شده، وسیوطی آن قصیده را

(۱) درنسخه این کتابخانه پس از بسمله این جمله است: قال جارالله الامام الزاهد العلامه استاد الافاضل (الزمان خ د) شیخ العرب والعجم مفخر خوارزم ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری رضی الله عنه احمدالله الخ.

در شرح شواهد خویش نقل نموده (این انتخاب کننده که نام خود را در این منتخب نبرده) باتصریح باینکه محل شاهد درمغنی کدام بیت و کدام کلمه بوده از آن شرح مذکور انتخاب کرده و پس از آن مجدداً تجدید مطلع نموده و شواهد مغنی را موافق ترتیب آنها در آن کتاب باتذکر باینکه این بیت از قصیده یا غیر قصیده میباشد نقل نموده و پس از این ، فهرست ابیات شواهدیکه از قصائد شعراست با نام گوینده آنها معیّن کرده وجزجمع و ترتیب از خود تصرفی در آن ننموده و این کتاب بادوضمیمه ایکه دارد در حدود (۲۶۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله شواهدالهمزه طربت وماشوقاً الی البیض اطرب. هذا مطلع قصیدة الکمیت یمدح بها اهل البیت علیهم السّلام وبعده ولالعباً منّی وذوالشیب یلعب الخ.

(۱۰۲۵)

منتخب شرح شواهد سیوطی این نسخه که ظاهراً نسخه اصل ومنتخب آن همان نویسنده آنست ضمیمه مغنی اللبیب شمارهٔ (۳۲۳۵) این کتابخانه میباشد که درص ۳۹۶ خصوصیّات آنرا زیر شمارهٔ (۱۰۱۹) این فهرست ذکر نمودیم .

[۴۴۰] یائیه ابن کمال پاشا (ترکی)

این رساله در اقسام یاء زائده ایستکه در آخرکلمات فارسی بافت میشود ، مؤلّف درمقدّمه نام خودرا نبرده ، دریکی ازضمائم کشف الظنون چاپ فلوگل این کتاب یارساله بنام یائیّه ضبط گردیده و به **ابن کمال پاشا** نسبت داده شده ، در کشف الظنون نام آنرا نیافتم ،ضمیمه بودن بادقائق الحقائق این مؤلّف که درص ۲۵۹-۲۶۱ معرّفی وشرح حال مؤلّف آن گذشت وشباهت کامل انشاء این نسبت راتأیید مینماید.

مؤلّف درمقدّمه گوید : (۱) درمحفلی حاضر بودم بحث از یاء زائده درآخر کلمات فارسی بمیان آمد ، یکی ازحضّار آنرا منحصر در پنج قسم میدانست یکی از آن معانی را ردکرده و گفتم که انحصار در این اقسام که گفتی ندارد ، درهمان

(۱) مطالب مقدمه را دوست دانشمند آقای جلال محدث ارومی که از فارغ التحصیلهای سال (۱۳۱۷) خورشیدی این دانشکده میباشند ترجمه نموده ونگارنده را متشکر کرده‌اند.

هنگام ده مورد از موارد اصلی یاء زائده را باشواهد ازاشعار فصحا بیان نمودم، از من خواستار شدند که در این موضوع نگارشی نمایم. بخواست آنها بتألیف این مختصر پرداخته و پس از تمهید مقدّمه ای ادیبانه اقسام اصلی یاء زائده را باشعبات آن به بیست‌قسم‌رسانیده ویك‌بیك‌را بیان‌وباشعار شعرای‌بزرگ‌فارسی‌زبان استشهاد کرده ودر دیباچه تفاخر نموده وگوید همانقسم که زمخشری فائق را در مکّه معظّمه بیرون آورد وخطاب به اعراب کرد وگفت بیائید و لغت خود را از مردی غیر عرب گیرید من نیز بفارسی زبانان میگویم که بیائید لغت و قواعد زبان خویش را ازمن یادگیرید (ازاین عبارات معلوم میشود که طرف صحبت وبحث وی در آن محفل ایرانی بوده است).

این کتاب یارساله درحدود (۶۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بوصحایف پرلطایفك تسویدنه داعی و باعث مضمون مکنوننده الخ.

(۱۰۲۶)

یائیه

ابن کمال پاشا

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده، ضمیمهٔ دقائق الحقائق میباشد که درص ۲۶۱ خصوصیّات آن گذشت درابتداء این نسخه نیزیك سرلوح کوچکی است، خصوصیّات دیگر آن به کتاب شمارهٔ (۱۰۱) کتابخانه که زیر شمارهٔ (۸۸۷) دراین فهرست معرّفی شده مراجعه شود.

معانی و بیان و بدیع

[٤٤١] انوار الربیع فی انواع البدیع (عربی)

این کتاب شرح بدیعیّه سیّد علیخان کبیر میباشد که درص ٢٠٤ - ٢٠٩ معرّفی کامل از ایشان شد، و این کتاب از معاریف کتب در این فن است، شارح بسال ١٠٧٧ در دوازده شب قصیده‌ای در مدح حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلّم در ١٤٧ بیت انشاء نموده و آن قصیده مشتمل بر ١٥٣ نوع از صنایع بدیعیّه میباشد و در هر یك از ابیات که مشتمل بر صنعتی است نام آن نوع تصریح گردیده.

سیّد خود بشرح این قصیده بدیعیّه پرداخته و نام آنرا «انوار الربیع فی انواع البدیع» گذارده و در ذیل هر یك از ابیات بشرح و بسط کامل آن مبادرت کرده و به ابیاتی از شعرا و ادباء معروف استشهاد نموده و در بعضی از موارد شرح مختصری از سیره و تاریخ آن شاعر نگاشته و درحقیقت این کتاب را مجموعه ای ادبی یا گلستانی که گلهای آن همیشه تازه و معطّر میباشد، باید دانست.

درمقدّمه آنهائیکه پیش از ایشان بدیعیّه تألیف و یا انشاء کرده اند نام برده شده و زیر شرح بیت مطلع آن، مطالع سابقین را نقل نموده است.

درص ١٩٠ ج ١ کشف الظنون تاریخ پیدایش و تنظیم علم بدیع و مؤلفین در این موضوع نام برده شده و انوار الرّبیع بسال ١٣٠٤ درهند و ١٣٠٤ نیز در طهران چاپ شده است.

آغاز : بسمله الحمدلله بدیع السموات والارض والصلوة علی نبیّه و آله الهادین....

حسن ابتدائی بذکر جیرة الحرم   له براعة شوقی یستهل دمی   الخ .

(۱۰۲۷)

انوار الربیع — این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۲۴۴ عبدالله خونساری بخواست یکی از بزرگان که او را سمی امام کاظم ع معرّفی نموده نوشته ، ودرهمین‌سال محمدکاظم‌بروجردی بر کنار برگ دوّم تملك خویش را یاد داشت کرده اند ، بنابراین‌برای‌ایشان بوده ، عناوین باشنجرف‌نگاشته شده و برگ آخروّصالی گردیده است .

جلد میشن ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۴۲۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰سانتیمتر) . عرض (۱۹سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۴۸) .

[۴۴۲] حاشیه چلبی بر مطول (عربی)

مطول‌شرح بزرگ‌تفتازانی بر تلخیص‌المفتاح خطیب‌قزوینی است که درهمین فصل از آن معرّفی خواهیم نمود ، یکی ازحاشیه ها و تعلیقاتیکه بر آن نوشته شده حاشیهٔ زیرین وازچلبی است (حسن بن محمّد شاه بن محمّد بن حمزه الفناری الچلبی(۱) ۸۴۰ــ ۸۷۹/۸۸۶) (۲)که ازعلما وزهاد قرن نهم هجری بوده و عمر خویشتن را میان علم وعمل تقسیم نموده ومردی منصف بوده ، چون حاشیه‌ای برتلویح تألیف کرده ومقدّمه آنرا بنام‌سلطان بایزیدبن‌سلطان محمّدموشح‌نموده مورد غضب سلطان محمّد واقع گردید ولی چون از مصر برگشت نسبت بوی مهربان شدو تدریس در یکی دومدرسه‌رابدوبرگزارنمود وپس‌ازآن‌سلطان‌بایزیدروزانه‌هشتاددرهم برای‌ایشان معیّن‌نمود ودیگرازمؤلّفات او حاشیه‌ای بر مختصر تفتازانی وحاشیه برتفسیربیضاوی

---

(۱) درص ۶۴ الفوائد البهیه نوشته شده که سخاوی در «الضوء اللامع» این دانشمند را نام برده و گویند چلبی یعنی آقا و او را فناری گویند بدین مناسبت استکه یکی از اجداد او برای پادشاه روم فنرهائی هدیه آورده و پادشاه چون میخواست از او سؤوال کند میگفت فنری کجاست و صاحب معجم المطبوعات گوید در یکی از مؤافات خطی وی که بسال۸۷۳ نوشته شده نام او را چنین : (ملاحسن الفنری) یافتم .

(۲) این شرح با مراجعه به ص ۲۰۸ ــ ۲۱۱ شقائق ، ص ۷۵۷ و ۷۵۸ معجم المطبوعات، شذرات‌الذهب ج ۷ ص ۳۲۴وص ۴۶ الفوائدالبهیه فی‌طبقات‌الحنفیه و کشف‌الظنون نوشته شد و فقط در شذرات وفات وی بسال ۸۷۹ ثبت گردیده است .

وحاشیه برشرح مواقف سیدشریف جرجانی است وجز حاشیه مختصر وحاشیهٔ تفسیر بیضاوی او مؤلفات دیگروی چاپ شده است .

این حاشیه مطول مشتمل برفوائد بسیاری میباشد دانشمندان ودانشجویان بانظر اهمیت بدان نگاه مینمایند ، و در حدود (۱۹۵۰۰) بیت کتابت دارد و برمطالب مشکله هرسه قسمت (معانی وبیان وبدیع) مطول تعلیق گردیده ودرحاشیه مطول ومستقلاً مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسمله الحمد لله الذی شرح صدور ارباب الاذهان لایضاح معان الکلمه بدیع البیان . . . . . قوله الحمدلله الذی الهمنا . . . . الاقرب الی الفهم ان المراد بالالهام فی هذ المقام الخ .

انجام: قوله والتذکر للاحکام المذکورة فی علمی المعانی والبیان انما لم یتعرض للبدیع لکونه خارجاً عن البلاغه .

(۱۰۲۸)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه را بخط نسخ حافظ مصطفی القونوی بسال ۱۰۵۸ نوشته وازدیباچه تاآخر کتابست ، صفحات باشنجرف جدول کشی شده ، آبدیده ولی خطوط آن ضایع نشده وبرخی از برگهای آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳۹۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض(½ ۱۴ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۰) .

(۱۰۲۹)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق علی بن احمد سینکی رازی بسال ۱۰۱۳ نوشته ، دیباچه را ندارد ، پشت صفحهٔ اوّل یادداشت هائی مالکین مختلف که بیشتر آنها پدروپسر بوده اند بخط خود باتاریخ ومهر نگاشته اند وبیشتر از اوراق دارای حاشیه‌ای ازخود چلبی بر این حاشیه است .

جلد تیماجی وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (½-۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۱) .

(۱۰۳۰)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده وسال نگارش نگاشته‌نشده ، ظاهراً ازخطوط قرن‌یازدهم ونگارندهٔ آن‌هندی میباشد ، برگ نخستین نونویس ونیز دیباچه را ندارد .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۲) .

(۱۰۳۱)

حاشیه چلبی برمطول

این‌نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده، نام خود وسال نگارش را ننگاشته ، ظاهراً ازخطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۷۵ بکتابخانه اعتضادالسلطنه درآمده وپشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ، صفحات بجدول بطلا ولاجورد میباشد،بر کنار اوراق‌حاشیه هائی‌وجوددارد، دیباچه‌را نیزندارد وعبارات مطول باشنجرف است .

جلد رو پارچه و داخل نرکس روغنی . کاغذ فرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع‌رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۷۲) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (½ ۳۰ سانتیمتر) . (عرض۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۳) .

(۱۰۳۲)

حاشیه چلبی برمطول

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، فقط قسمتی از اول این حاشیه میباشد (اوائل حاشیه تا حواشی شرح دیباچه تلخیص المفتاح) ورق اوّل آنهم افتاده ونخستین سطرنسخه اینست : (والبدیع علم البیان فیجوزان یکون دقائق الخ) وآخرین سطر نسخه این : (ولما کان‌الحمل مفیداً فی‌الفن الثانی والثالث لبعد العهد اجری الفن الاول مجراهما سوقاً للفنون‌الثلاثه علی‌نسق واحد و) . ظاهراً نیز از خطوط قرن سیزدهم است .

جلد ندارد . کاغذ آبی فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۳۲) . صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۱سانتیمتر) .عرض (۱۷سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۹۷۴).

[۴۴۳] حاشیه حامد بر خطائی (عربی)

این حاشیه بر حاشیهٔ خطائی بر مختصر تفتازانی است که از هردو کتاب در این فصل معرّفی خواهیم نمود ، محشی خودرا حامدبن برهان بن ابی‌ذرالغفاری معرّفی نموده ، در کتب سیر و فهارس موجوده ، این مؤلّف و مؤلّفه‌را نیافتم ، چنانکه خواهیم دید خطائی در نخستین سال قرن دهم مرده و حاشیهٔ او در این قرن زیاد مورد بحث بوده و بر آن حواشی نوشته شده و نسخه زیرین بسال ۱۰۲۷ نگارش یافته و نویسنده مؤلّف را بدینگونه : (تمت هذه‌الحاشیة التی صنّفها الفاضل الکامل حامدالغفاری فی حاشیة خطائی بعون‌الملک‌الغفاری .) معرّفی نموده و ازطرز بیان وی استفاده میشود که تاهنگام نگارش این نسخه (اوائل قرن یازدهم) زنده بوده ومسلّم اینستکه‌ازدانشمندان قرن‌دهم‌هجری بوده‌و چنانکه‌دردیباچه مختصر همین‌حاشیه گفته تألیف آن دردوهفته بوده واشاره‌نموده پیش‌ازاین‌نیز حاشیه‌ای برحاشیه‌خطائی بر مطول‌نوشته و در آن خطائی‌را تأییدو میرسید شریف‌رارد کرده‌است.

این‌حاشیه‌حامدچون حاشیه خطائی برمطالب خمس‌اول مختصر تفتازانی است .

درص۵۸ ج۳ فهرست‌رضویه حاشیه‌ای برحاشیه خطائی (بنابرتصریح‌درمقدمه آن) به **حامد** نسبت داده شده و آغاز آنرا : الحمدلله‌المنزه عن‌تنزیه المتنزهین الخ وانجام آنرا : ان‌الوضع‌فیها تعیین بالقرینه لاتعیین‌بنفسه‌فتامل تمت . معین‌نموده ودر ذیل آن گفته‌شده‌احتمال‌دارد که‌حامدهمان‌حمیدالدین بن افضل‌الدین‌الحسین‌مذکور درکشف‌الظنون‌باشد . ولی محتمل‌استکه این‌احتمال‌دراثر تصور تحریف نام محشی بوده‌و چنانکه‌دانستیم‌پدرحامد بنابرتصریح‌خود او **برهان‌بن‌ابی‌ذرغفاری** بوده‌است وچون آغاز این نسخه بانسخه مدرسه مختلف است اگراحتمال ماهم چون‌احتمال مؤلّف فهرست رضویه نباشد حاشیه حامد برحاشیه خطائی برمطول‌استکه درمقدمه

حاشیهٔ برخطائی مؤلّف بدان تصریح نموده‌است.

این حاشیه حامد درحدود (۲۳۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: حامداً مصلیا مستمسکا بلطفه العمیم و بعد فیقول المتکل علی‌الله‌الباری حامدبن برهان بن ابی‌ذر الغفاری جعل‌الله سعیه سعیاً مشکورالخ.

(۱۰۳۳)

حاشیه حامد برخطائی

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ، حاشیه ملاعبدالله یزدی که نیز برخطائی میباشد و درهمین فصل از آن معرّفی میشود ضمیمه آنست ، برورق دوّم بنام حاشیه خطائی براین کتابخانه وقف گردیده پاره‌ای از برگها چرك شده و موریانه بعضی را سوراخ کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۶). این نسخه (۵۶). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۵).

[۴۴۴] حاشیه خطائی یا خطابی (عربی)

بر مختصر تفتازانی

حاشیه خطائی (خطابی) مشهور ترین حواشی برشرح مختصر تفتازانی بر تلخیص المفتاح میباشد، در کشف‌الظنون تصریح گردیده که‌این حاشیه فقط براوائل مختصر میباشدو مؤلّف آن نظام‌الدّین عثمان خطابی متوفی بسال ۹۰۱ استکه‌نیز حاشیه‌ای برمطول دارد(۱) و آغاز حاشیه مختصر اینست: لك‌اللهم الحمد والمنه الخ. و در ص ۴۸۴ ج ۲ گوید که برشرح سید شریف بر مفتاح حاشیه ها نگاشته شده ، از آنها یکی حاشیهٔ مولانا زاده خطائی است که اول آن اینست: لك‌اللهم الحمد والمنه الخ. نسخه هائیکه از حاشیه خطابی بر مختصر در دست میباشد آغاز آن چنانستکه زیراین سطرها می آوریم و آغازیکه مؤلّف کشف‌الظنون برای این‌حاشیه

---

(۱) نسخه‌ای ازاین حاشیه در کتابخانه مدرسه مروی درطهران موجود و آغاز آن اینست: لك‌الحمدوالمنه وعلی‌رسولك وآله‌واصحابه‌الصلاة‌والسلام‌والتحیه‌افتتح کتابه بعدالتیمن بالتسمیه‌الخ.

نقل نموده آغاز حاشیه مولانا زاده خطائی بر شرح مفتاح سید شریف استکه نسخهٔ خطی آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران میباشد و در ص ۱۴۶ ۱۴۷ ج ۱ فهرست آصفیه تذکر داده شده که حاشیهٔ مولانازاده دو بار بسال ۱۲۵۶ و ۱۲۶۵ در کلکته چاپ شده است .

درص ۲ ج ۸ شذرات الذهب نوشته شده که در حدود سال ۹۰۱ شهاب الدّین احمدبن عثمان مشهور به منلازاده سمرقندی خطابی که امام و علاّمه وفقیه وقاری عالی السند بوده وفات یافته و او را کتابی درجمع میان کتاب هدایه ومحرر (این دو کتاب از معاریف کتب فقه شافعی وحنفی میباشد، بصفحهٔ ۳۹۱ و ۶۴۷-۶۵۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود) و شرح هدایه درحکمت است وخطابی منسوب به خطاب جدّ اوست .

وجز این خطابی دیگری را در کتب سیر بدین نام یابنام خطائی نیافتم و در فهرست آصفیه وفات همین خطائی را بسال ۹۰۱ ثبت کرده است .

درص ۵۷ ج ۳ فهرست رضویه زیرعنوان این حاشیه نوشته شده : ازنظام الدّین عثمان خطابی بابای موحده چنانکه در کشف الظنون است یاازجلال الدین او بهی از تلامذه مولانا سعدتفتازانی است چنانکه معروف است واورا خطائی باهمزه گویندولی آنچه در کشف الظنون آورده اقرب به قبول است و او به قریه ایست از توابع هراة .

در فهرست آصفیه نظام الدین عثمان را خطائی باهمزه معرّفی نموده بهرحال این حاشیه عثمان خطائی یاخطابی بر تمام مختصر نیست وتامبحث تعریف مسندالیه بضمیر(۱) (تقریبا پنج یك مختصر) را بیشتر حاشیه ننگاشته و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت دارد .

در ص ۱۴۶ و ۱۴۷ ج ۱ فهرست آصفیه نسخه ازاین حاشیه خطائی که بسال ۱۲۵۶ درکلکته چاپ گردیده نشان داده شده و در ص ۶۹ ج ۳ فهرست رضویه

(۱) آخرین حاشیه خطائی براین جمله ازمختصر است : وقدیترك الخطاب مع معین . که درشرح این جمله از تلخیص المفتاح میباشد : و اصل الخطاب ان یکون لمعین و قدیترك الی غیره الخ .

نسخه ای از این حاشیه که بسال ۱۲۸۶ نیز در هندوستان چاپ شده نشان داده شده است .

برحاشیه خطائی بر مختصر حاشیه ای از ملاّ عبدالله یزدی و حاشیه ای از حامد غفاری است که در ص۴۰۵-۴۰۶ و ۴۱۱-۴۱۳ این فصل نام برده شده و میشود .

آغاز: بسمله نحمدك اللّهم علی ما اعطیتنا من سوابغ النعم و بوالغ الحکم . . . . قوله نحمدك، آثر الحمد علی الشکر لان الحمد یعمّ الفضائل والفواضل الخ .

(۱۰۳۴)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق در مدرسه خواجه تاج الدین حسین در کاشان نوشته شده، پیش از این حاشیه، حاشیه ای بر شرح کتابی در کلام بخط همین نویسنده که بسال ۱۰۰۹ نوشته شده موجود و از آن بیاری خداوند توانا درجلد سوم فهرست معرّفی خواهد شد ، درحواشی صفحات تعلیقاتی از حامد و ملاّ عبدالله نگاشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۴۳) این نسخه (۷۲) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۹½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۴) .

(۱۰۳۵)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۳ نوشته شده ، بر اوراق اوليّه تعلیقاتی از ملاّ حامد نگاشته اند ، اوراق آن آبدیده ولی خطوط محونگردیده و بنام حاشیه بر خطائی ثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۱۰) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۲) .

(۱۰۳۶)

حاشیه خطائی این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد مؤمن قائنی بسال ۱۰۹۹ نوشته ، بر کنار صفحات تعلیقات ملاّ حامد و ملاّ عبدالله یزدی بر این حاشیه نگاشته شده و حاشیه ملاّ عبدالله برخطائی را که پس از این معرّفی

خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۰۹۷ نوشته و در این مجلّد پس از این حاشیه (حاشیه خطائی) گذارده شده .

پشت نسخه و در دفاتر کتابخانه بنام « حاشیه خطائی برمطول » وقف و ثبت شده است .

جلد مقوائی‌دورتیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۸۶) . این نسخه (۹۳) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۱) .

(۱۰۳۷)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است ، برگ اوّل‌ودوبرگ از اخرنونویس ، دراثر آبدیدگی بعضی ازاوراق ضایع شده ومحتاج ترمیم ووصّالی میباشدودراین کتابخانه بنام حاشیهٔ میربرمطول وقف وثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۰۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۳) .

[٤٤٥] حاشیه زیباری برشرح سمرقندیه (عربی)

این حاشیه بنابتصریح درمقدّمه ازحسن بن محمّدزیباری(۱) برشرح عصام‌الدّین اسفراینی بر رساله استعارات سمرقندی (الفرائد والفوائد = سمرقندیه) استکه پس از این معرّفی از آن شرح خواهد شد ، پشت نخستین صفحهٔ نسخهٔ زیرین و درآخر آن نویسنده در هنگام درس گرفتن آن،تعلیقات و حواشی براین حاشیه نگاشته وتصریح نموده که این حاشیه معروف به « ملا حسن » میباشد .

درمعجم المطبوعات نام این حاشیه ومؤلف آن نیست و در فهرست هائیکه زیردست نگارنده است فقط در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۱۸۹) نسخه ای

(۱) در کشف‌الظنون (ج ۲ص۱۷۹) زیرعنوان « فرائد الفوائد » که همان رساله استعارات سمرقندی‌است که بنام «سمرقندیه» معروف گردیده ، نام این‌حاشیه ومحشی آن بدون ذکر تاریخ‌تالیف یاوفات مؤلف ثبت‌است ومؤلف‌صریحاً برای‌این رساله نامی‌نگذارده فقط گوید: **فنظمت فرائد عوائد** . وعصام‌الدین در شرح آن گوید : نیکوئی‌اضافه فوائددراین کتاب به عوائد مخفی‌نباشد ولی‌اگر گفته بود فرائد فوائد هرآینه بهتر میبود . و حاجی خلیفه این تسمیه بهتررا در کشف الظنون ذکرنموده است .

ازاین حاشیه که بدون تاریخ کتابت است نگاشته شده موجود، در آنجا از زمان مؤلف معرّفی نشده ولی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم بوده و در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی خلق الانسان علّمه البیان وجعله ذریعة الی معرفة دقائق القرآن الخ.

(۱۰۳۸)

حاشیه زیباری بر شرح سمرقندیه این نسخه را محی الدّین بن عبدالحی بسال ۱۱۰۷ هنگامیکه پیش استاد بخواندن آن مشغول بوده بخط نسخ نوشته، تعلیقاتی از کاتب و ملاّ عبدالله کردی الحسینی و خان احمد حریری بر شرح عصام الدّین و بر همین حاشیه نگاشته شده ورق اوّل و آخر وصّالی گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۴۷). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۰½ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۱۷۰).

[۴۴۶] حاشیه سمرقندی بر مطول و بر (عربی)

حاشیه میر سید شریف

این حاشیه بنابر تصریح در دیباچه تألیف ابوالقاسم بن ابی بکر لیثی سمرقندی بر مشکلات مطول بر حاشیه میرسید شریف میباشد و آنرا بنام امیر کبیر امیر علیشیر نوائی موشح نموده و نیز تصریح نموده که این مؤلّفه نخستین اثر اوست و در آخر فراغت از تألیف را بسال ۸۷۵ (۱) معین مینماید، بدین نام در دانشمندان این قرن در روضة الصفا و حبیب السیر و کتابهای دیگر دانشمندی را نیافتم، در فهرست دارالکتب ج ۲ ص ۲۰۲ زیر نام سمرقندیه که همان رساله استعارات یا فرائد العوائد (۲)

(۱) وقع الفراغ عن جمع هذه الفوائد و نظم هذه الفرائد و ضبط ما افتتحت له موارد الشهر فی ظلم الدیاجر واحتمات له مکاید الفکر فی ظماء الهواجر فی یوم الاربعاء التاسع عشر من خامس عشر الثامن من تاسع مائتی سنی الهجرة والحمد لله علی نعمه العظام ومنحه الجسام والصلوة علی نبیه محمد واصحابه البررة الکرام ومن تبعهم الی یوم القیام.

(۲) بحاشیه شماره (۱) در صفحه ۴۰۹ مراجعه شود وعصام الدین اسفراینی بر این کتاب شرحی نگاشته و در ص ۴۲۳ از آن معرفی میشود.

میباشد، نوشته شده تألیف ابو القاسم بن ابی بکر اللیثی السمرقندی استکه از علماء نیمهٔ دوّم قرن نهم هجری بوده است.

صاحب کشف الظنون درص ٣٢٤ ج ١ در ذیل «تلخیص المفتاح» نام این حاشیه و محشی آنرا برده ولی سال وفات وزمان او را معیّن نکرده است.

محشی در این حاشیه داد اطلاع و استعداد خود را داده و در آن نقلهای بسیاری از کتب ودانشمندان سابق دارد ودارای مطالبی سودمند میباشد، درحدود (١٠٥٠٠) بیت کتابت دارد، فقط حاشیهٔ برمعانی و بیان است و پاره ای ازمطالب این حاشیه درحاشیهٔ بعضی ازچاپهای مطول چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی انعمنا بتلخیص دقائق المعانی والبیان الخ.

(١٠٣٩)

حاشیه سمرقندی برمطول و حاشیه میرشریف این نسخه چنانکه پشت صفحهٔ نخستین سید علیخان کبیر (علی صدر الدّین بن احمد نظام الدّین) بخط خویش نوشته اند بامر ایشان نوشته شده، تاریخ تحریر درخود نسخه واین یادداشت نیست، بنابراین وشهادت رسم الخط ومرکب وکاغذ مسلماً درقرن یازهم یااوائل دوازدهم نگارش یافته، یادداشتی ازپشت صفحهٔ نخستین ومهری ازآخر نسخه محو گردیده است.

جلد میشن ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (١٩٢). صفحه ای (٢٧) سطر. طول (٢٣ سانتیمتر). عرض (١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٦٩).

[٤٤٧] حاشیه ملاعبدالله یزدی برخطائی (عربی)

ملاّ عبدالله بن شهاب الدّین حسین شهابادی یزدی از علماء امامیّه قرن دهم هجری وهمدرس مقدّس اردبیلی وملاّ میرزا جان باغنوی شیرازی پیش جمال الدّین محمود شاگرد ملاّ جلال دوانی بوده وچنانکه در ص ٣٢١ و ٤٥٠ ج ١ فهرست گفته شد صاحب معالم وصاحب مدارك پیش ایشان تحصیل منطق ومعانی وبیان مینموده اند.

این دانشمند دو حاشیه بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته که یکی از آنها بسیار معروف و از کتب درسی میباشد و مکرّر چاپ شده و دیگری نسخهٔ آن در کتابخانهٔ رضویه موجود است (ج ۱ ص ۱۱ فصل منطق خطی)، حاشیه بر حاشیه خطائی (همین کتاب)، حاشیه بر حاشیه ملاّ جلال بر تهذیب (در ص ۱۵ فصل منطق خطی فهرست رضویّه دو نسخه از این حاشیه معرّفی شده)، حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاّ جلال (نسخه ای از این حاشیه در ص ۲۶ فصل منطق ج ۱ فهرست رضویه نشان داده شده)، حاشیه بر مختصر شرح تلخیص، حاشیه بر شرح شمسیّه و حواشی دیگر بر کتب کلامی و ادبی است

بعضی گویند که این عالم در علوم شرعیّه دستی نداشته، امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص ۱۳۴ نسخه خطی کامل مدرسه) این مؤلّف (ملاّ عبدالله) را نام برده و گوید: و مهارتش در فنون علم فقه بغایتی بوده که میگفته: اگر متوجه بدان علم گردم بتوفیق الله تعالی برهان و دلائل عقلی بر مسائل فقهی گفته (کذا) چنان فقه را مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند.

صاحب روضات بنقل از امل الآمل به نقل از سلافة العصر گوید: شرحی بر قواعد علاّمه نوشته ولی صاحب روضات احتمال داده اند که شرح قواعد از ایشان نباشد و ملاّ عبدالله شوشتری شارح قواعد باین ملاّ عبدالله اشتباه شده باشد و ایشان از تاریخ حسن بیك روملو (احسن التواریخ) وفات ملاّ عبدالله یزدی را در عراق عرب درسال ۹۸۱ ضبط کرده اند.

ملاّ عبدالله بسال ۹۶۲ در مدرسه منصوریه شیراز از تألیف این حاشیه بر حاشیه خطائی فراغت یافته وسائر مباحث از مختصر را که خطائی حاشیه ننمود ایشان نیز متعرض نشده اند و درحدود (۳۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله حمدا لمن خلق الانسان وعلّمه البیان وشکراً لمن علّمه بدایع المعانی الخ.

(۱۰۴۰)

حاشیه ملاعبدالله برخطائی

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ، ضمیمهٔ حاشیه حامد برخطائی استکه زیر شمارهٔ (۱۰۳۳) در ص ۴۰۶ معرّفی از آن شد ودر کتابخانه شمارهٔ (۲۹۶۵) شامل این دونسخه است خصوصات دیگر بصفحهٔ نام برده بالا مراجعه شود .

(۱۰۴۱)

حاشیه ملاعبدالله برخطائی

این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۷ محمّد مؤمن قائنی نوشته ، ضمیمهٔ حاشیه خطائی‌استکه زیر شمارهٔ (۱۰۳۶) در ص۴۰۸و۴۰۹ معرّفی گردید ، ودر کتابخانه شمارهٔ (۲۹۶۱) شامل این دو نسخه است، خصوصات دیگر بصفحه‌نام برده بالا مراجعه شود، پشت صفحهٔ نخستین محمّد مهدی عبدالرب آبادی‌شرحی درمعرّفی این حاشیه ومؤلف آن ملاّ عبدالله بنقل از « احسن‌التواریخ» حسن بیك روملو نگاشته اند .

[۴۴۸] حاشیه میر سید شریف برطول (عربی)

این حاشیه برمطول نیز یکی از مؤلّفات میرسید شریف جرجانی‌استکه درص ۳۶۶-۳۶۸ معرّفی از ایشان گردید ، از مطول نیز درهمین فصل معرّفی مینمائیم ، پیش دانشمندان این حاشیه شهرتی بسزا دارد و مورد بحث و نظر گردیده و در تأیید وردّ آن تعلیقاتی نگاشته شده وچند باردر آستانه وایران مستقلاً ودرحاشیه مطول چاپ گردیده و در حدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی‌سیدالمرسلین محمّد وآله وصحبه اجمعین **امابعد** فهذه حواش علی‌الشرح المشهور لتلخیص المفتاح کنت قد قیدتها علیه بجملة حال ماقرء علی بعض احبتّی الخ .

(۱۰۴۲)

حاشیه میر برمطول

این نسخه را بسال ۸۳۶ محمد قاری رودآوری بخط نسخ خوب نوشته ، درحاشیه بیشتر ازبرگها حاشیه هائی بخطوط مختلف از اشخاص متعدد نگاشته شده ، تمام اوراق متن

وحاشیه گردیده و مجدول بطلااست ، یك سرلوح کوچك دارد، باطلا بر آن نوشته شده : حاشیه میرسید شریف بر مطول . قسمت پائین تمام برگها و ّصالی شده و بر آنها مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی وخان بالغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۱). صفحه ای (۲۳) سطر. طول(۱/۲-۱۹ سانتیمتر). عرض(۱۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۸).

(۱۰۴۳)

حاشیه میر بر مطول

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده (سال نگارش رانویسنده اینگونه : (۱۲۷) نوشته، از طرز نگارش و کاغذ مسلّم استکه ۱۰۲۷ بوده و موافق رسم قدما صفر در مرتبهٔ مآت را نگذارده است) سه ورق اوّل نونویس میباشد ، بر کنار پاره ای از صفحات حاشیه هائی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول . (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۷).

(۱۰۴٤)

حاشیه میر بر مطول

این نسخه را بسال ۱۰۷۰ محمد شریف بن حاجی حسن آملی بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته ، ورق اوّل و ّصالی گردیده در حاشیه بعضی از اوراق تعلیقاتی بامضاء ابی وردی ، چلبی ملاّ میرزاجان ، وغیره دیده میشود .

جلد تیماج . کاغذ کاهی و دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۲) . صفحه ای (۱٦) سطر. طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹٦٦) .

[٤٤۹] رساله در مجاز واستعاره (عربی)

این رساله چنانکه در آخر آن نگاشته شده تألیف جارالله زمخشری است که در ص ۱۵۸ - ۱٦۲ ج ۱ و ص ۱۱ - ۱٤ همین مجلّد معرّفی ایشان گردیده ولی در هیچیك از مآخذ تألیف رساله ای در این موضوع صریحا بایشان نسبت داده

نشده ولی هیچکس تمام مؤلفات وی را نام نبرده وعموماً پس ازنام برخی از آنها گویند **وغیر ذلك** بهرحال این نسخه رساله ای مختصر و پس ازمقدمه ای که در بیان معنی حقیقت و مجازمیباشد در یك باب سیزده قسم مجازمرسل ودرباب دیگر چهارده قسم استعاره را بیان نموده وتمام این رساله (١٥٠) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله الحقیقة ان یثبت لفظ فیما وضع له بعرف کائن من کان الخ.

(١٠٤٥)

رساله در مجاز واستعاره این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده، مجموعه ایکه بشمارهٔ (٩٦٨) در این کتابخانه ثبت شده از ص ١٦١-١٦٤ شامل این رساله میباشد، فهرست این مجموعه درص ٦١٩ ج ١ فهرست ذکرشده است.

[٤٥٠] رساله درمعانی و بیان و بدیع = الانموزج = موجز البیان (عربی)

مؤلف دراین رساله ازخود نامی نبرده، بامطالعهٔ اجمالی تمام آن جز بنام صاحب مفتاح وصاحب ایضاح برنخوردم، بقرینه وطرز حمد وصلوة درابتدا وانتهاء مسلماً تألیف یکی ازعلماء امامیّه میباشد و بسیارسلیس وروان است و در حدود (٣٥٠) بیت کتابت دارد.

مؤلف الذریعه الی تصانیف الشیعه در ص ٤٠٢ ج ٢ آن کتاب زیرعنوان **الانموزج** عباراتی دارد که مختصراً ترجمه آن اینست: تألیف عبدالوهاب بن علی استرابادی الحسینی است و نسخهٔ اصلی آنرا که مؤلف بخط خویش نوشته وتاریخ تألیف آن سال ٨٧٩ بود به ضمیمهٔ شرح وی برفصول نصیریه و حاشیهٔ او برشرح میرك بر هدایه اثیریّه دیده ام ومرتب برمقدّمه و فنونی چند و خاتمه ایست و نویسنده ای غیراز مؤلف براین نسخهٔ انموزج نوشته بود که نام آن «موجز البیان» میباشد.

گذشته از اینکه آغاز منقول در الذریعه با آغاز این رساله مطابق است این عبارت (وبعد فهذا انموزج من علم البلاغه الخ) که پس ازحمد وصلوة این رساله میباشد مؤید کاملی است که این رساله همان انموزج استرابادی یاموجزالبیان است.

و تفسیر آیة الکرسی تألیف عبدالوهاب حسینی استرابادی را آقای تربیت دارند.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان علّمه البیان واسبغ له الاحسان الخ.

(١٠٤٦)

رساله در معانی وبیان وبدیع

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ضمیمه مجموعه ایستکه در کتابخانه شمارهٔ (٩٦٨) را دارد و ص ٢٠٢-٢١٤ آن مجموعه این رساله است .

[٤٥١] شرح تلخیص المفتاح = مختصر (عربی)

این کتاب نیزیکی از کتب مؤلّفهٔ تفتازانی (ملاّ سعد) استکه درص٣٤٤-٣٤٦ بشرح حال ومؤلّفات ایشان پرداخته ایم .

این شرح را پس ازشرح بزرك خودکه مشهوربه **مطول** گردیده، برتلخیص-المفتاح بسال ٧٥٦ در**غجدوان** (١) تألیف وگذشته ازاینکه آن شرح اوّل را مختصر نموده، مطالبی تازه نیز دارد ومشهوربه **مختصر** گردیده ودانشمندان براین وآن حواشی و تعلیقات متعدد نوشته اند .

تلخیص المفتاح یکی از مختصرات قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی میباشد و خطیب چنانکه خود درمقدّمهٔ آن (تلخیص) تذکر داده ، گذشته از اختصار در توضیح وبیان مطالب آن اضافاتی نموده وترتیب آنرا هم بطرزیکه بهترازروش اصل بوده قرارداده و آنرا برمقدّمه ای وسه فن (معانی وبیان وبدیع) تقسیم کرده ودانشمندان بحفظ وتدریس آن پرداخته وچندین شرح بر آن نگاشته شده است (٢).

خطیب قزوینی (جلال الدّین محمّدبن عبدالرّحمن بن عمربن احمد عجلی قزوینی دمشقی شافعی ٦٦٦-٧٣٩) (٣) درموصل تولد یافته وچندی در روم مسکن گزیده وبتحصیل انواع علوم پرداخته پس ازآن مدرس شده ومقام نیابت قضاوت یافته وخطیب وقاضی دمشق گردیده ویازده سال قضاوت مصر را دارا شده و از آنجا

---

(١) غجدوان بضم غین معجمه وجیم ابجد ودال مهمله مضمومه نام دهی از بخارا میباشد(ص ٧٧٥ ج٣ معجم البلدان) .

(٢) کشف الظنون ج ١ ص ١٧٦ و ٣٢٣ - ٣٢٧ .

(٣) به ص ١٢٣ و ١٢٤ ج ٦ شذرات الذهب وص ١٥٠٨ معجم المطبوعات و ص ١٢٨ ج ٤ تاریخ ابوالفداء وطبقات الشافعیه ص ٢٣٨ و٢٣٩ ج ٥ وروضات الجنات ج ٤ ص ٢٠٣ مراجعه شود .

قضاوت شام را گرفته و بآنجا آمد و در این هنگام تلخیص المفتاح و شرح آنرا که الایضاح نام دارد تألیف نمود .

این شرح (مختصر) در حدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد، نخستین بار در کلکته بسال ۱۸۱۵ م. و پس از این در آستانه و بیروت چاپ شده است .

آغاز : بسمله نحمدك یا من شرح صدورنا لتلخیص البیان فی ایضاح المعانی الخ .

(۱۰۴۷)

مختصر این نسخه را بخط شکسته، سعیدبن محمد ابراهیم رازی، مسلماً درقرن یازدهم نوشته [در آخر سال نگارش اینگونه : (۱۰۶) نگاشته شده شاید هزار و ده (۱۰۱۰) باشد]، بیشتر از اوراق دارای تعلیقات میباشد و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی موجود و بعضی را هم محو کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۵ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶۰) .

(۱۰۴۸)

مختصر این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نگارش یافته ، برخود نسخه بنام مطول وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، پس از اتمام این کتاب « منظومه ابن الشحنه » در معانی و بیان و بدیع که در ص ۴۳۲-۴۳۴ این فصل معرّفی خواهد شد، نوشته شده ، چهار برگ نخستین نسخه از اواسط کتابست ، برگ اوّل کتاب و اوراقی از اواسط آن افتاده و برگهائی هم از آن وصّالی گردیده و تعلیقاتی بر کنار صفحات نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۴۳) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۵) .

(۱۰۴۹)

مختصر این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ نوشته شده و بسال ۱۰۷۵ مقابله و تصحیح گردیده ، بر کنار صفحات تعلیقاتی موجود ، دو یادداشت از پشت برگ نخستین نسخه محو گردیده و نیز بنام مطول بر این کتابخانه وقف شده است .

جلد تیماجی . کاغذ نباتی . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۰۹) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۸) .

(۱۰۵۰)

مختصر

این نسخه را بخط نسخ، محمدمهدی بن حاج محمد یوسف، بسال ۱۰۸۸ نوشته ، بر صفحات آن تعلیقاتی میباشد و برخی ازاوراق آن وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۵) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۰) .

(۱۰۵۱)

مختصر

این نسخه را بخط نسخ، علی‌نقی بن اسمعیل موسوی، بسال ۱۲۲۱ نوشته، بر کنار صفحات آن تعلیقاتی موجود، مقابله وتصحیح گردیده پشت ورق اوّل وآخر وبرگی که در ابتدا وانتهای نسخه میباشد مطالب متفرقه ای نگارش یافته واز آنجمله این مطالب است :

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

انکارکرد درپیوست واقف‌کرد سخن‌کرد زود بیاموخت تربیت‌کرد نگاه داشت تمام کرد.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۳۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۵سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۴).

(۱۰۵۲)

مختصر

این نسخه بخط نسخ، عباس بن نجف، بسال ۱۲۳۳ نوشته شده وپاره ای‌از صفحات دارای تعلیقاتی بخط شکسته میباشد .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۰۰) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۶سانتیمتر). عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۶) .

(۱۰۵۳)

مختصر

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، درحاشیهٔ صفحات (از اوّل تاآخر) شرح

بزرگ تفتازانی (مطول) را جعفر بن عباس مورانی(۱) بسال ۱۲۴۳ نوشته وظاهر اینستکه نویسنده مختصر هم همین شخص میباشد.

جلد نیم ضربی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۰۶). صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۰۹).

(۱۰۵۴)

مختصر این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده موفق بنوشتن نام خویش وسال نگارش نگردیده ظاهراً درقرن یازدهم ان را نگاشته اند، بر کنار برگها بیشتر ازنسخه های دیگر پیشین تعلیقاتی ازشیخ الاسلام میباشد و از دیگران نیز حاشیه هائی موجود وپارهٔ از اوراق وصالی گردیده

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۱۶) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر). عرض($\frac{۱}{۲}$ ۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵۷).

(۱۰۵۵و۱۰۵۶)

مختصر این نسخه بخط نسخ نوشته شده، ورق آخر آن افتاده، حاشیه هائی ازشیخ الاسلام وخطائی ودیگران بر کنار برگها نگارش یافته، برگ اوّل وصالی گردیده، **منظومهٔ مؤنثات سماعی** درعلم صرف که درص ۳۳۱ در ذیل مؤلّفات ابن حاجب نام برده شد پشت صفحهٔ اوّل نوشته شده وآغاز آن اینست:

نفسی الفداء لسائل وافانی   بمسائل فاحت کروض جنانی.

و ۲۳ بیت میباشد.

وآخرین سطر نسخه اینست: وکونها بین ادعیة ووصایاومواعظ وتحمیدات.

جلد میشن. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۱۸). صفحه ای (۱۳) سطر. طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵۳).

---

(۱) درص ۶۷۹ ج ۴ معجم البلدان نوشته شده که **موریان** بضم میم وراء مهمله وپس از آن یاء حطی نام دهی از نواحی خوزستان میباشد ونسبت بدان موریانی است وابو ایوب موریانی که وزیر منصور ونام وی سلیمان بن ابی سلیمان بن ابی مجالد بوده ومنصور او را کشته بدینجا منسوب است.

(١٠٥٧)

مختصر این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در حدود پانزده برگ از اوّل و قسمتی از فن بیان و تمام بدیع آن افتاده و آغاز نسخه اینست : خارج عن حدّ الاعتدال نافرٌ کل التنافر فانی علیه الخ . و آخر آن این : (وقد یکون حقیقة کما فی انبت الربیع، فصل فی شرائط حسن الاستعاره .) بر کنار بعضی از صفحات تعلیقاتی بامضاء خلخالی و نور الدّین و میرسید شریف و دیگران وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٧٣) صفحه ای (١٢) سطر . طول (١٩ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥٢) .

[٤٥٢] شرح تلخیص المفتاح مطول (عربی)

این کتاب چنانکه گفته شد نیز تألیف تفتازانی است (١) و بنابر ضبطی که در آخر نسخه شمارهٔ (١٠٦١) این فهرست و شمارهٔ ٢٩٧٧ کتابخانه گردیده ، در دوم رمضان سال ٧٤٢ تألیف آن شروع و در بیست و یکم صفر سال ٧٤٨ در هراة خاتمه یافته (٢) و از مشاهیر کتب در این موضوع میباشد، و دانشجویان و دانشمندان باستفاده و افادهٔ آن شوقی تمام داشته و دارند ، حواشی و تعلیقات بسیار بر آن نگاشته شده (ص ٣٢٣ - ٣٢٧ ج ١ و ص ٤٨٠ - ٤٨٤ ج ٢ کشف الظنون) و از چند حاشیهٔ آن در ص ٤٠٠ و ٤١٢ و ٤٩٦ این مجلّد معرّفی گردیده و مکرّر با حواشی در ایران و مصر و هندوستان چاپ گردیده .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی الهمنا حقائق المعانی و دقائق البیان الخ .

(١٠٥٨)

مطول این نسخه را سید احمد بن شیخ حمزة (کذا) بن شیخ (کذا) منصور ، بخط نستعلیق بد، بسال ٨٦٠ نوشته، بر کنار برگها تعلیقاتی از منلا زاده ، چلبی ، خطائی ، میرسید شریف و دیگران و مطالبی از شرح خطیب (الایضاح) و صحاح وغیره نگارش یافته ، پیش از ورود باین کتابخانه برگ

---

(١) در ص ٣٤٤ - ٣٤٦ همین مجلد شرح حال تفتازانی مؤلف این کتاب نگارش یافته .

(٢) در ص ٢٢٤ ج ١ کشف الظنون تاریخ اتمام این شرح مطابق آنچه در بالا یاد شده ضبط گردیده است .

نخستین نسخه افتاده واولین سطر آن اینست : سطر منه عقد من الدرروكان يعوقنى عن ذالك الخ .
جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار .قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۱۶۹). صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲۷ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۸ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۲) .

(۱۰۵۹)

مطول

این نسخه را بخط نسخ، صادق بن امین ، بسال ۱۰۵۰ درمدرسهٔ جعفریه اصفهان نوشته ، در حاشیهٔ برگها تعلیقاتی از مؤلف ابوالقاسم سمرقندی ، چلبی ، جمال الدین ، شیخ الاسلام ، سیّدشریف وغیر ازاینها موجود ومحتاج و ّصالی وصحافی است .
جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار. قطع وزیری .شمارهٔ اوراق(۳۱۱).صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۶سانتیمتر) . عرض (۱۴سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۸) .

(۱۰۶۰)

مطول

این نسخه را بخط نسخ،عبدالله بن عبدالعلی جزائری، بسال ۱۰۸۱ نوشته ، برحاشیه بیشتر از اوراق تعلیقاتی از چلبی ، ابوالقاسم سمرقندی ، میرزاجان ، سید شریف ، جمال الدین ، شرح مفتاح سید (الاطول) ، صحاح وکشاف وغیراز اینها نگاشته شده ، یادداشتی پشت برگ نخستین بوده آنرا محو کرده اند وبرخی ازبرگها جرب شده است .
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱۸) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۳۲ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۹سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۸) .

(۱۰۶۱)

مطول

این نسخه را بخط نسخ بسال۱۰۸۲ درمدرسه مقیمیّه شیراز(۱) نویسنده ای نوشته ، تعلیقات وحواشی زیادی از مصنّف واز

(۱) این مدرسه درجنوب غربی مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) شیرازمتصل بمسجد مذکور واقع ودریکی اززلزله های سخت شیراز منهدم شده بتشویق پدرنگارنده آقای حاج شیخ یوسف دام ظله العالی وآقای حاج سیدابراهیم انوار (حاج مدرس)دام عمره مرحوم حاج میرزاعلی محمد تاجر دهدشتی آن رادرحدودسی سال پیش مجددا ساخت و نخستین سنگ بنای نوین آن را دو نفر عالم نام برده بدست خویش گذاردند واینك از مدارس قدیمهٔ آباد این شهر است .

شرح مفتاح میرسیّد شریف ، چلبی ، شرح کشاف مصنّف ، صحاح اللغه ، ابوالقاسم سمرقندی وغیراز اینها بخط شکسته نستعلیق براوراق آن نگارش یافته ، پشت برگ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده ، وقفنامه کتاب جای آن نوشته شده وبردو ورق کاغذیکه درآخرنسخه بوده مطالب متفرقه ای نگاشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٨٦) . صفحه‌ای (٢١) سطر . طول (٢٣½ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٧) .

(١٠٦٢)

مطول

این نسخه را بخط نسخ ، محمّد ولی بن علی اصغر ، بسال ١٢٤٩ نوشته ، پاره‌ای از برگها دارای تعلیقاتی از چلبی ، شیخ الاسلام ، ابوالقاسم سمرقندی ، ابوتراب و خود مصنّف میباشد و بعضی از آنها هم محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٢٢١) . صفحه‌ای (٢١) سطر . طول (٣٢ سانتیمتر) . عرض (٢٢ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٨٣) .

(١٠٦٣)

مطول

این نسخه را محمد هادی بن محمد صادق حسینی ، بسال ١٢٥٩ بخط نسخ نوشته ؛ بر کنار آخرین برگ و پشت برگ نخستین یادداشتی بوده محوگردیده ، بعضی از صفحات حواشی بسیاری از چلبی ، میر سیّد شریف ، خواجه وخود مصنّف وغیره دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٠٤) . صفحه‌ای (٢٢) سطر . طول (٢٥ سانتیمتر) . عرض (١٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٨٠) .

(١٠٦٤)

مطول

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود وسال نگارش را تذکر نداده ، ظاهرا در قرن دهم نگاشته شده و برخی از برگها دارای تعلیقاتی از محشین نام برده بالا میباشد .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٩١) . صفحه ای (٢٠) سطر . طول (٢٥½ سانتیمتر) . عرض (١٧ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٩٧٩) .

(۱۰۶۵)

مطوّل

این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نگارش یافته ، نام خود و سال نوشتن را معیّن ننموده ، پشت نخستین صفحه قسمتی از آخر رساله سمرقندیه که پیش از وارد شدن این نسخه باین کتابخانه، بدان پیوسته بوده، موجود و تاریخ نگارش آن سال ۱۰۵۸ (۱۵۸ کذا) میباشدوخط این نسخه بدان تتمّه شباهت دارد، بنابراین نویسنده هردو یکی و از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد، برگ آخر کتاب افتاده و آخرین سطر آن اینست : وفیه تهکّم ولهذا وصفه بالرشید واراد به القوی . بر کنار صفحات حاشیه های زیاد از محشین وجود دارد .

جلد مقوائی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۰۳) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۷۶) .

(۱۰۶۶)

مطوّل

در حاشیهٔ شرح مختصر تفتازانی برتلخیص المفتاح (مختصر) که در زیر شمارهٔ (۱۰۵۳) در ص ۴۱۸ و ۴۱۹ آنرا نام بردیم و دارای شماره (۲۹۵۹) کتابخانه میباشد و بسال ۱۲۴۳ جعفر بن عباس مورانی آنرا بخط نسخ و نستعلیق نوشته است، این کتاب نگارش یافته خصوصیّات دگر نسخه در آن صفحه مراجعه گردد .

[۴۵۳]   شرح سمرقندیه   (عربی)

این شرح را بر رساله استعارات ابوالقاسم بن ابی بکر لیثی سمرقندی(۱) که به «سمرقندیه» مشهور است عصام الدّین اسفراینی که در ص ۳۲۰ و ۳۲۱ بشرح حال و معرّفی ایشان پرداخته‌ایم، تألیف نموده، چندین حاشیه نیز بر آن نگاشته‌اند (ج ۲ کشف الظنون ص ۱۷۹) و این شرحی مزجی و چون اصل آن مرتب در سه عقد و هر عقدی مشتمل بر فرائدی میباشد و در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد و تاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز : بسمله یقول العبد . . . . ان احسن ما یزاد به النعم الوافیه و یدفع به البلیّه الخ .

---

(۱) در ص ۴۱۰ و ۴۱۱ « حاشیه مطول » که یکی از مؤلفات ایشان میباشد معرفی گردید و زمان حیات مؤلف نگاشته شد .

(۱۰۶۷)

شرح سمرقندیه این نسخه را محمود بن سلیمان بخط بد خویش بدون تاریخ نوشته ، ظاهراً درقرن یازدهم نگارش یافته ، بربرگ سفیدیکه درآخرنسخه بوده چند دعاء بنقل ازاحیاء العلوم دردفع بلاء طاعون وغیره نوشته شده است .

جلد مقوائی ، کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۴) مختلف السطور . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۵½سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۱۲۴) .

[۴۵۴] شرح شواهد التلخیص (عربی)

(معاهد التنصیص)

مؤلّف این شرح عبّاسی است(بدرالدّین(۱)ابوالفتح عبدالرحیم بن عبدالرحمن احمد شریف قاهری اسلامبولی شافعی ۸۶۷/۸۶۸-۹۶۳) (۲) که ازدانشمندان وادباءنامی قرن نهم ودهم هجری بوده ، درمصرمتولد شده ، نزد دانشمندان آنجا علوم ادبیّه وحدیث وتفسیر را فراگرفت ، بایکی ازسفرای پادشاه آن هنگام مصر، به اسلامبول آمد ، شرحیکه برصحیح بخاری نوشته بود بسلطان بایزید خان پادشاه عثمانی اهدا نمود پادشاه جائزهٔ خوبی بوی عطا فرمود و مدرسه ایکه درقسطنطنیه خود بنا نموده بود بوی برگذارنمود ، که درآنجا بتدریس حدیث اشتغال ورزد، شریف نپذیرفت وبوطن خویش برگشت چون سلسله پادشاه مصر منقرض گردید دوباره به اسلامبول آمد و تا آخر عمر آنجا بود، وروزی پنجاه درهم حقوق تقاعد بوی میدادند ، درعلوم ادبیّه وحدیث وتفسیرتوانا بود وآشنائی کامل بتاریخ ومحاضرات وقصائد عربی داشت وخطی نیکو وانشائی بلیغ ونظم خوبی دارا بود در شذرات استکه شرحی مفصل برصحیح بخاری شروع کرد ولی ظاهراً بآخرنرسید وشرحی برمقامات حریری دارد [خود مؤلف هم در معاهد التنصیص در ذیل شرح حال حریری

(۱) درنسخه شماره (۲۹۸۶) این کتابخانه لقب مؤلف زین الدین ثبت شده ولی در شذرات ومعجم المطبوعات بدرالدین است .

(۲) شقائق النعمانیه ج ص ۴۵۹-۴۶۱ ج ۱ وفیات الاعیان ، شذرات الذهب ج ۸ ص ۳۳۵ و ۳۳۶ ومعجم المطبوعات ص ۱۲۶۷ ماخذ نگارش این شروح است .

(ص۳۴۶از نسخه خطی شمارهٔ ۱۰۶۸ این فهرست وشمارهٔ (۲۹۸۷) کتابخانه) بتألیف آن تصریح کرده] وحاشیه‌ای برقسمتی ازارشاد درفقه شافعی وشرح خزرجیه درعلم عروض و معاهدالتنصیص (همین کتاب) تألیف نموده واین کتاب اخیر را خود وی اختصار بسیار خوبی کرده است .

این کتاب را مؤلف خود « معاهدالتنصیص علی شواهدالتلخیص » نامیده ودر مقدّمه گوید : «ازجمله متن‌هائیکه بخاطرسپرده بودم تلخیص المفتاح استکه درباب خویش راحت روح میباشد وخداوند مؤلف آنرا بیامرزد ودر آن ازشواهدشعریّه اشعاری استکه بقدما ومولّدین نسبت داده میشود ولی بسیاری ازآنها مجهول مانده وبرخی بغلط بدیگری نسبت داده شده ، آنچه‌راکه برشواهدتلخیص تاکنون شرح نوشته اند اداکننده حق آن ندیدم، جزآنراکه جلال‌الدّین سیوطی رحمه‌الله نوشته که آنهم پاکنویس نشده ، هماره میخواستم که باینکار مبادرت نمایم ولی خویشتن را شایسته آن نمیدیدم تااینکه بالاخره تصمیم گرفته وبتألیف آن پرداخته و در انجام آن کوشش نمودم و در ذیل هریك از شواهد آنچه مناسب بود ازنظائر آن نیزآوردم وباتحقیق وتفحص بشرح حال وترجمه گویندهٔ ابیات شواهد پرداختم ، جزدرمواردیکه بترجمهٔ آنها دست نیافتم(در این کتاب شرح حال ۹۹ شاعردیده میشود وگذشته از مقام ادبیّت تذکره بسیار مفید خوبی است) و جد را باهزل توأم نموده ام» .

مقدّمه این کتاب را بنام سلطان سلیمان موشح نموده (۱) (ازسال۹۲۶تا۹۷۴ سلطنت نموده است) وپس ازنقل هریك ازشواهد، گوینده ومورد آنرا معین کرده وقسمتی ازتتمّه آنرا ذکرنموده ومحل شاهد را در آن بیت معین کرده ونظائر آنرا هم می‌آورد، پس ازآن بشرح حال وترجمه گوینده آن پرداخته وبآخر میرساندو بهمین

(۱) دیباچه دو نسخهٔ این کتابخانه با یکدیگر مختلف ونسخه شمارهٔ (۲۹۸۷) باسم سلطان سلیمان موشح گردیده ودیباچهٔ نسخه دیگر بنام ابوالبقا محمدبن‌شاکربن‌جیعان موشح‌شده و تصریح گردیده که برای کتابخانه‌ایشان تالیف گردیده وآغاز این‌دیباچه اینست : بسمله قال ـ الشیخ‌الامام ..... زین‌الدین‌عبدالرحیم بن وجیه‌الدین‌عبدالرحمن‌بن‌احمد العباسی‌القاهری الشافعی ..... الحمدلله‌الذی اطلع فی‌سماءالبیان اهلة المعانی الخ .

نحو تا آخر کتاب رفته است و بسال ۱۲۷٤ و ۱۳۱٦ دو بار در مصر چاپ شده است.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی جعل العقل مفتاح العلوم و مدرك معانی المنطوق والمفهوم الخ.

(۱۰٦۸)

شرح شواهد تلخیص (معاهد التنصیص) این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۲٦٥ نوشته شده، شواهد و اسامی شعراو عناوین مطالب را باشنجرف نوشته‌اند و بر ورقیکه پیش از برگ نخستین کتاب میباشد نام شعرائیکه در این کتاب شرح و ترجمه حالات آنها نگارش یافته باتعیین صفحات مندرجهٔ در آنها ثبت گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۳۱). صفحه ای (۲۹) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۷).

(۱۰٦۹)

شرح شواهد تلخیص (معاهد التنصیص) این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، کاتب نام خود وسال نگارش را معین ننموده، ولی مسلّماً در قرن سیزدهم هجری بوده و اسامی شعرائیکه شرح حالشان در این کتاب میباشد، بر درون جلد کتاب نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذفرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۳۱). صفحه‌ای (۲۸) سطر. طول (۳٤ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸٦).

[٤٥٥] شرح شواهد مطول (عربی)

این شرح را کمال الدّین محمّد بن معین الدّین محمّد فدشکوئی (۱) فسائی (۲) مشهور به میرزا کمالا که یکی از فضلا و علماء امامیّه در قرن یازدهم و دوازدهم (۳) هجری بوده و داماد علاّمه مجلسی میباشند، برابیات و شواهد موجودهٔ در مطول

(۱) فدشکو یکی از دهات فسا می باشد که از شهرهای کوچك فارس است.

(۲) روضات ص ۱۷۰ ج ۳، فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۲۳۰ والفیض القدسی در ذیل نام (ومختصر احوال) چهارمین دختر مرحوم مجلسی.

(۳) صاحب فارسنامه که خود نیز فسائی بوده وفات ایشانرا صریحا معین ننموده و گوید در حدود هزار و صدواند وفات کرده وصاحب روضات گوید از علماء اوائل سدهٔ دوم پس از هزار میباشد.

تفتازانی بسال ۱۰۹۶ (۱) نوشته و نظیر «معاهد التنصیص» مذکور در ص ۴۲۴-۴۲۶ میباشد، باین معنی که پس از نقل بیت یا مصراع استشهاد شده مختصری از شرح حال گویندهٔ آن نگاشته شده و پس از آن تتمّه بیت یا مصراع و اینکه در چه مورد انشاء گردیده و معانی لغات و الفاظ مشکلهٔ در آنها بیان گردیده است .

در روضات و فارسنامه ناصری و الفیض القدسی شرح شافیه ابن حاجب (۲) و در دو مأخذ اول شرح قصیدهٔ دعبل خزاعی نیز بهایشان نسبت داده شده و هیچیك این کتاب (شرح شواهد مطول) وی را تذکر ندادهاند و در مقدّمهٔ این کتاب حواشی و تعلیقاتی بر مطول، بخود نسبت دادهاند .

فهرست کلیّه ابیات اصلی و فرعی این شرح را دانشمندی (از خود نام نبرده) بترتیب حروف تهجی مرتّب نموده و نسخهٔ زیرین دارای آنست .

این شرح تاکنون چاپ نشده و در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله الذی نظم سلسلة الوجود نظماً کاملا لیس فیه انثلام الخ .

(۱۰۷۰)

شرح شواهد مطول

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود را نبرده ، ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده ، فهرست نام برده بالا در ده برگ پیش از اصل کتاب گذارده شده و برگهائی ننوشته اوّل و آخر نسخه و میان دو قسمت مذکور میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحه ای (۲۵) سطر. طول ($\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۸۹) .

[۴۵۶] شرح معانی و بیان و بدیع مختصر (عربی)

این رساله یا کتاب شرحی مختصر بر یکی از متون مختصرهٔ در علم معانی و بیان

---

(۱) این تاریخ در آخر نسخه این کتابخانه میباشد و نویسنده بان قناعت نموده و تاریخ کتابت را نگذارده ولی مسلما نسخه درقرن سیزدهم نگارش یافته است .

(۲) نسخهای از این شرح در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است .

وبدیع میباشد ، بادقت زیاد نام متن و شرح وماتن وشارح بدست نیامد مسلماً متن تلخیص المفتاح و میزان البلاغه ودو رساله ایکه ضمیمه مجموعه شمارهٔ (۹۶۸) کتابخانه میباشد نیست ، چنانکه ازنقل قسمتی از آن بدست می آید متن وشرحی لطیف و متین میباشد ، علم معانی را درچهار باب ذکر وهریك ازمعانی وبیان وبدیع را بنام علم معرفی کرده ، برای نمونه پاره ای از ابتداء علم بیان را باامتیاز متن ازشرح دراینجا می آوریم : **العلم الثانی علم البیان :**

التشبیه فی اللغة والاصطلاح **تشریك امر** وهو المشبه **لاخر وهو المشبه به فیما** ای فی وصف **له اختصاص بهما** لیخرج زید کالاسد فی الحیوانیه **وغیرها** من الصفات العامه وبقی له وجه الشبه **باداة** ای الکاف وکان ومثل وشبه **وغیرها** من الاسماء المشتقة منهما **یلیها الثانی** وهو المشبه به **غالباً** قید به لیخرج ما اذا کان المشبه مرکبا لم یعبر عنه بمفرد کقوله تع **واضرب لهم مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیماً تذروه الریاح.** فان المشبه به لیس هو الماء وحده بل حالها من انه اذا نزل نماء الارض وانبتت حتی یختلط بعضها مع بعض لکثرتها ثم یفنی النبات سریعا مع انه ولی الکاف **بخلاف قوله تع مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا** فان المشبه به وان کان مرکبا ولکن عبر عنه بمفرد وهو المثل **فکل من الاولین** و هو المشبه والمشبه به **اما مفرد حقیقی** الخ .

قسمتیکه نسخه زیرین شامل آن میباشد در حدود (۷۰۰) بیت و شاید تمام آن (۱۵۰۰) بیت بوده است .

(۱۰۷۱)

شرح معانی و بیان و بدیع مختصر

این نسخه در آخر شرح صغیر صمدیه سید علیخان کبیر میباشد که بسال ۱۲۵۹ نگارش یافته و در ص ۳۵۵ زیر شمارهٔ (۹۷۲) معرفی از آن شده و در کتابخانه زیر شمارهٔ (۴۹؛۳) میباشد ، قسمتی ازعلم معانی (تقریباً دو باب از چهار باب) و پاره ای از علم بدیع آن افتاده و آغاز نسخه اینست : اهل الدنیا والمتعسر للکثره نحو علماء العراق اوللزوم الترجیح .

وانجام این : ثم اعلم ان الطباق اما ان یکون اللفظین متوافقین فی الاسمیه والفعلیة .

[۴۵۷] مفتاح المفتاح = شرح مفتاح العلوم (عربی)

این کتاب تألیف قطب الدّین شیرازی است (ابو الثناء محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی الشافعی ۶۳۴-۷۱۰) (۱) که از مشاهیر حکما و اطباء قرن هفتم هجری بوده و شاگردی حضرت خواجه نصیر الدّین طوسی را نموده و در دستگاه هولاکو و اعقاب وی راه یافته و بنام سفارت او را بمصر و روم فرستاده اند ، مردی ظریف و خوش ادا بوده ، صاحب روضات از سلم السموات ابو القاسم کازرونی و صاحب هفت اقلیم نقل کرده اند که روزی اتابك سعد زنگی در عنفوان جوانی خویش بتماشای ساختمان مسجد جامع (۲) که خود او بانی آن بود ، رفت علما هم آنروز در آنجا جمع بودند ، قضارا ا ا دك گلی ازدست بنّا دررفت و بر رخسار سعد نشست ، قطب الدّین فوراً گفت : يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا . سعد رو بسعدی کرد که پسر خواهر قطب الدین بود ونیز از حضّار و پرسید که چه گفت ، شیخ نیز بی درنگ گفت : وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا . سعد از این سرعت انتقال و حاضر جوابی سعدی بسیار مشعوف شد و بر آن جسارت ترتیب اثر نداد . ونیز در روضات است : که چون قطب درشهری غریب بود و روزگارش سخت میشد خودرا کافر و طالب دین اسلام و دارای نور ایمان معرّفی میکرد ، مردم اطراف وی گرد می آمدند وهریك تحفه ها میدادند که دین مقدس اسلام را بپذیرد و ازاین رهگذر دارائی خوبی بدست میآورد ، یکبار پسر خواهرش شیخ سعدی گذارش بشهری افتاد که قطب در آنجا این نیرنگ را ریخته بود و آنچه از وی شنیده بود بچشم خویش بدید ، بزبان دهاتی شیراز ، که مردمان ندانند چه گفته شد ، بدو گفت ، **قطبو تو هرگز مسلمون نمي به** . یعنی ای قطب تو هرگز مسلمان نمیشوی .

---

(۱) در روضات ج ۳ ص ۱۸۳ ذیل قطب رازی وص ۷۱ ج ۴ ذیل خواجه نصیر طوسی و ص ۲۱۴ بنام محمود بن مسعود ، طبقات الشافعیه ج ۶ ص ۲۴۸ ، هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ص ۷۸ و ۷۹ ، طبقات الحنفیه درحاشیه ص ۱۲۶ ، بغية الوعاة زیر نام محمود بن مسعود ، تاریخ گزیده زیر نام قطب الدین محمود درفصل پنجم از باب پنجم شرح حال این دانشمند نگاشته شد .

(۲) این مسجد اینك از مساجد معمورهٔ شیراز و معروف بمسجد نو در مقابل مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) میباشد .

سیوطی در بغیه و دیگران بنقل از وی نوشته اند که قاضی سیواس وملطیّه گردید واز آنجا بشام آمده وبه‌تبریز رفته ودر آنجا بتدریس علوم عقلیه وحدیث پرداخته وجامع الاصول را از صدرالدّین قونوی ازیعقوب هذیانی از مصنّف آن روایت نموده وباآنکه باپادشاهان آمدورفت داشت‌از زیّ درویشی‌دست برنداشت وبازی شطرنج را بسیار دوست میداشت و چنگ را خوب می نواخت وشعبده را بخوبی میدانست وازهوشمندان جهان و دانشمندان دوران بود و فقها را فروتنی مینمود ونمازجماعت را ترك نمیگفت وچون کتابی تألیف مینمود روزه میگرفت وشبی‌را احیاء میداشت وهرچه مینوشت منقح بود وپاکیزه ومحتاج به پاك نویس نبوده انتهی (عجب مرد عجیبی بود و چگونه میان لهو و لعب و علوم وفضائل وعبادت‌وریاضت که ضِدّانِ مُفْتَرِقانِ اَيَّ تَفَرُّق میباشند جمع کرده است) صاحب روضات گوید گاهی شعر میگفته و ازاشعارعربی وفارسی وی چند بیت زیرین را نقل نموده :

ایا ربّ تَخْلُقُ ما تَخْلُق وَتَنْهي عِبادَكَ اَنْ يَعْشِقُوا
خَلَقْتَ المِلاحَ لَنا فِتْنَةً وَقُلْتَ اعبُدوا رَبَّكُم واتَّقوا
اِذاكُنْتَ اَنْتَ خَلَقْتَ المِلاح فَقُلْ لِلمِلاحِ بِنا يَرفَقُوا

☆☆☆

یك چند بیاقوت تر آلوده شدیم یك چند پی زمرد سوده شدیم
آلودگی بود ولیکن تن را شستیم بآب توبه وآسوده شدیم

واز مندرجات درمقدّمه شرح کلّیّات قانون معلوم میشود که در بیمارستانهای شیراز و فارس و دیگرجاها بتحصیل علم‌طب‌وعمل کحّالی اشتغال داشته است .

گذشته ازلقب قطب الدّین؛ این دانشمند درمیان‌فضلا به‌علاّمهٔ شیرازی‌معروف میباشد و دربارهٔ وی نوشته اند که درآخرعمر ازمراودهٔ باامراء خودداری نموده بفکرخویش افتاد وبعبادت وتلاوت قرآن کریم وتدریس آن وتفاسیر وامثال این امورپرداخت‌ودررمضان سال ۷۱۰ به‌تبریزدرگذشت‌ودرهمانجا بخاك سپرده‌شد .

مؤلّفات قطب‌الدّین شیرازی بدین تفصیل میباشد : **شرحی بر کلیات قانون** ابوعلی‌سینا (۱) که جامع مطالب چندین شرح میباشد و مقدّمه ای بسیار نفیس دارد ودرآنجا نسبت بحضرت خواجه‌نصیر تجلیل فراوان نموده و دیگر **شرح حکمت‌الاشراق** (۲) وشرح مختصر الاصول ابن‌حاجب، درةالتاج لغرة الدیباج(۳)، نهایةالادراك، تحفة الشاهیّه (۴)، شرح رساله‌ای‌درهندسه (۵)، شرح‌مفتاح العلوم (همین کتاب) وغیرازاینهاست (۶) .

مفتاح‌العلوم یکی از معاریف کتب ادبیّه ومؤلّف آن سراج‌الدّین ابو یعقوب یوسف بن محمّدبن علی‌السکاکی‌الخوارزمی (۵۵۵-۶۲۶)(۷) است که نیز ازمشاهیر علما وادبا بوده و مفتاح‌العلوم وی مشتمل بردوازده علم میباشد، قسم سوم این

(۱) نسخه‌ای بسیار نفیس از این شرح آقای استاد معظم تنکابنی دارند و نسخه‌ای از آن در این کتابخانه بشمارهٔ (۵۴۵ ۸) موجود است .

(۲) این کتاب در تهران بسال ۱۳۱۵ هجری قمری درطهران چاپ گردیده است .

(۳) در تاریخ گزیده و ص ۱۸۳ ج ۲ روضات نام این کتاب « غرةالتاج » ضبط گردیده ولی در مقدمهٔ خود نسخه تصریح گردیده که آنرا « درةالتاج لغرةالدیباج » نام نهاده واین کتاب‌را که شامل بسیاری‌ازعلوم‌معقوله‌ومنقوله‌بزبان‌فارسی‌است وزارت معارف ازسال ۱۳۱۶ شروع بچاپ نموده و امید است که بسال ۱۳۱۸ منتشر گردد .

(۴) نسخه این کتاب را استاد معظم آقای تنکابنی مد ظله‌العالی دارند .

(۵) نسخه‌ای ازاین مؤلفه در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی درمجموعه‌ایست که در ج ۱ فهرست خطی زیر شمارهٔ (۶۴۲) معرفی گردیده است .

(۶) صاحب روضات « رساله‌ای درتصور و تصدیق » بایشان نسبت داده و گوید که مطالب آن دال بر کمال اطلاع واحاطهٔ مؤلف برمباحث عقلی است ولی در این نسبت منفرد‌اند وظاهراً این رساله تالیف قطب‌الدین رازی معاصر قطب شیرازی است نه از این اخیر و حاجی خلیفه در ص ۵۴۴ ج ۱ این رساله‌رانام برده وگوید مؤلف‌آن مؤلف شرح مطالع است ومؤلف‌الفوائدالبهیه در حاشیه ص ۱۲۶ تالیف آنرا نسبت بقطب رازی داده و گوید آنرا مطالعه کرده‌ام . ونسخه‌ای ازاین‌رساله درابتداء مجموعه‌ایست که بشمارهٔ(۳۸۷۸)در این کتابخانه میباشد ونویسنده‌صریحا تألیف‌آنرا بهقطب رازی نسبت داده است .

(۷) بصفحه ۲۳۱ الفوائدالبهیه و ص ۱۲۲ ج ۵ شذرات مراجعه شود و در ماخذ اول وجه نسبت و معروفیت سراج‌الدین به سکاکی تصریح شده و ترجیح داده که از ماده سکه باشد .

کتاب درعلم معانی و بیان است، چند نفر این قسم سوم را تلخیص نموده و یکی از آن خلاصه‌ها تلخیص خطیب قزوینی است و بسیاری از علما و دانشمندان بشرح آن پرداخته وجمعی نیز بر آن شروح وحواشی و تعلیقات نگاشته‌اند (ص ۳۲۳-۳۲۷ ج ۱ وص ۴۸۰-۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود).

قطب الدّین شیرازی فقط برقسم سوم آن شرحی مزجی نگاشته و آن را «مفتاح المفتاح» نام گذارده و از شروح بسیار مفید وسودمند میباشد درحدود (۳۰۰۰۰) بیت کتابت دارد وتاکنون چاپ نشده ، حاجی خلیفه گوید بهترین شروح براین قسم سوم سه شرح است اوّل شرح قطب الدّین شیرازی ودوم شرح تفتازانی (مطول) سوّم شرح سید شریف جرجانی استکه بنام «مصباح» میباشد وبسال ۸۰۳ درماوراء النهر تألیف آن بانجام رسیده ونیز گوید که پشت نسخه ای ازشرح مفتاح نوشته شده نخستین کس که مفتاح العلوم را شرح کرده شمس الدّین معزی متوفی سنهٔ . . . بود وپس از آن شیرازی است .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی اختص نوع الانسان بالنطق والفصاحة الخ .

(۱۰۷۲)

شرح مفتاح العلوم (مفتاح المفتاح)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را معیّن ننموده ، بقرینه کاغذ وخط ازنسخ قرن هشتم هجری میباشد، حاشیهٔ بعضی از برگهادراثر رطوبت وموریانه ضایع وسوراخ گردیده‌ویاد داشتهائی بخط محمّدبن قطب الدّین که‌ظاهراً ازعلمای اوائل قرن نهم هجری بوده، پشت صفحهٔ نخستین موجود و متن کتاب باشنجرف نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۴۸) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۹۹۱) .

[۴۵۸] منظومهٔ معانی و بیان و بدیع (عربی)

این منظومه قسمتی ازالفیّه ابن الشحنه است که در ده علم میباشد ، و باکمال استادی ومهارت مطالب مهمّه علم معانی وبیان وبدیع را دریکصد بیت جا داده ،

ناظم ازخود نام نبرده ولی در « مجموع المتون الکبیر » که بسال ۱۳۴۰ درمصر چاپ گردیده این منظومه باتصریح باینکه ناظم آن ابن الشحنه است درص ۳۶۳- ۳۶۹ آن گذارده شده وبدین کنیه چهار نفر مشهوراند (در ص ۱۳۴-۱۳۷ معجم المطبوعات نام ومؤلفاتی ازایشان که چاپ گردیده تذکر داده شده است ودرشذرات الذّهب ج ۷ ص ۱۱۳ وص ۳۴۹ دو نفر از ایشان و در ج ۸ ص ۹۸ - ۱۰۰ یکی از آنها رانام برده وباتفحص دراین دو مجلّد که بایستی نام چهارمی ازاینها باشد آنرا نیافتم) و در اینجا شرح حال صاحب این منظومه را از شذرات (ص ۱۱۳ ج ۷) ترجمه مینمائیم :

محب الدّین ابو الولید محمّد بن محمّد بن محمد بن محمود بن غازی بن ایوب بن الشحنه محمود مشهور به ابن الشحنه ترکی الاصل وحلبی الموطن وحنفی المذهب، بسال ۷۴۹ متولد شده وقرآن وبسیاری از متون را حفظ نموده ودرفقه واصول ونحو وادب برجستگی داشته .... و خط نیکو مینوشته وشعر خوب میگفته (چهاربیت وی را نقل کرده) ونیز گوید که قاضی علاء الدّین در ذیل تاریخ حلب گوید : او را الفیه ای در رجز است که مشتمل برده علم میباشد و او را الفیهٔ دیگر است که منظومهٔ نسفی را در آن مختصر کرده ومذهب امام احمد را بدان ضمیمه نموده واورا تألیف دیگری درفقه واصول وتفسیر میباشد وبسال ۸۱۵ (۱) مرده است انتهی .

چنانکه درص ۹۸ - ۱۰۰ ج ۸ شذرات گفته شده: عبدالله بن محب الدّین محمّد بن محب الدّین معروف به ابن شحنه که نوهٔ ابن شحنه مؤلّف الفیه میباشد این الفیه وی را که درده علم انشاشده، شرح کرده است .

گذشته از اینکه این منظومه در « مجموع المتون الکبیر » درمصر چاپ شده

---

(۱) در حاشیه ص ۱۰۵ الفوائدالبهیه فی تراجم الحنفیه وفات این مؤلف (ابن الشحنه) را بسال ۸۱۷ معین نموده و گوید که ابن حجر گوید اورا تصنیفی درسیره پیغمبر اکرم ص وتاریخی لطیف میباشد ، مؤلف الفوائد گوید که تاریخ وی تا حوادث سال ۸۰۶ را دارد و در حوادث سال ۸۰۳ سئوال وجوابهائیکه میان او وامیر تیمور گورکان در هنگام غلبه وی برحلب رد و بدل شده ضبط گردیده است (این تاریخ بنام « روضة المناظر فی اخبار الاوائل والاواخر » میباشد وبسال ۱۲۹۰ در بولاق درحاشیه تاریخ کامل ابن اثیرچاپ شده است) .

بسال ۱۳۱۹ شیخ احمد شیرازی درطهران آنرا باچندرساله دیگرچاپ نموده ودر فهرست آن نوشته که ناظم آن مجهول است .

آغاز: بسمله الحمدلله وصلي الله   علي رسوله الذی اصطفاه[1]

انجام: براعة استهلال و انتقال   حسن الختام انتهي المقـــال .

(۱۰۷۳)

منظومه معانی و بیان و بدیع این نسخه بخط نسخ و بعضی ابیات آن بخط نستعلیق نوشته شده و ملحق بآخر نسخه‌ای از مختصر تفتازانی استکه در این کتابخانه دارای شمارهٔ (۲۹۷۵) میباشد و در ص ٤١٧ زیر شمارهٔ(۱۰٤۸)از آن معرّفی گردید.

[٤٥٩] میزان البلاغه و تبیان الرشاقه (عربی

این کتاب که بدین نام نامیده شده مختصری درمعانی وبیان وبدیع میباشد وبسیار ادیبانه است ، وبریك مقدّمه وسه باب وخاتمه ای تقسیم گردیده وهریك ازابواب نیزخاتمه‌ای دارا وتمام کتاب(۱۰۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلّف درمقدّمه خودرا چنین معرّفی کرده: فیقول العبد الودود للعلماء الربانیه . . . (۲) المدعو با کبربانه الله عن الهمزاة الشیطانیه الخ . ودر آخر کتاب تاریخ تألیف را چنین معیّن نموده : واتفق الفراغ فی الرابع من الثانی من الرابع من الثانی من الرابع من الرابع من الثانی من الثانی(۳) من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله خیر البریه بعدماالقانا ایادی القضا وحبائل الهوی

(۱) زیر این بیت بخط شکسته نستعلیق که ظاهراً خط ناظم آن قوام الدین فرویتی (در ج ۱ فهرست ص ٦۱۸ شرح حال مختصر ایشان نوشته شده) است این بیت نگاشته شده :
الحمدلله الذی هدانا   الی سبیل الحق والایمانا   وپس از بیت دوم نیز بهمان خط نگارش یافته :
و بعدالعبد قوام الدین   یقول المستنصر الامین .

(۲) درنسخه بجای این سه نقطه حالی مانده که باسرخی نوشته شود و ازقرینه معلوم میشود که علی بوده بنا براین مؤلف علی اکبر نام میباشد ولی بدین نام ونشان درعلما کسی را نیافتم وبنام محمد اکبردرتذکره خوشگو کسی نام برده شده و گوید که درزمان شاه عباس ماضی مستوفی الممالك بوده . ولی نگارنده تصور نمیکند که این شخص مؤلف این کتاب باشد .

(۳) بنابراین درساعت ٤ روز ۲ هفته ٤ ماه صفر ۱۱۲٤ تالیف گردیده است .

ایاماًالی الهرات فلذا فلیقل : لوسئلوا عنکم متی قد صنّفا انا ثبّت فی الهر قد الّفا (١) .
از مقدمه و آخر کتاب بخوبی معلوم میشود که مؤلّف از علماء امامیّه بوده وخود نام آنرا « میزان البلاغه و تبیان الرشاقه » گذارده است .

آغاز : بسمله الحمد لمن اخبرنا دقائق حقائق التبیین والشکر لمن ارادنا الخ .

(١٠٧٤)

میزان البلاغه

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، شاید خط مؤلّف باشد، زیر بیت نام برده بالا شماره ای روی کلمه سنه نوشته شده که ١١١٤ خوانده میشود و پائین صفحه این بیت بخط نویسندهٔ نسخه است :

در آن مدت که مارا وقت بد بود ز هجرت ده صد و ده چار و صد بود (٢)

وبنا براینکه مراد از ده چهار چهل باشد میتوان آنرا ١١٤٠ بحذف صفر مرتبهٔ آحاد آن (چنانکه درمیان نویسندگان گذشته بسیار شایع بوده است) دانست ویك درمرتبهٔ آخر را چنانکه اندکی هم ظاهر است دنبالهٔ هاء سنه تصور نمود .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (١٩) . صفحه ای (١٦) سطر . طول (١٦ سانتیمتر) . عرض (١٠ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٩٥١) .

(١) هرگاه الف انا ودویاء درثبت وفی را بحساب در نیاوریم ١٠٣٤ وگرنه ١٠٥٥ خواهد شد وبنابرآنچه ذکر نمود پس از این تاریخ تالیف شده است .

(٢) ظاهراینستکه مراد از ده چهار دراین بیت چهل میباشد بنابراین احتمال دومین مذکور بالا درست خواهد بود واگر بگوئیم مراد ازده چهار ، چهارده میباشد چنانکه منوچهری در قصیده ایکه مطلع آن اینست :

ای لعبت حصاری کاری دیگر نداری مجلس چرانسازی باده چرانیاری

گفته : من کیستم که برمن نتوان دروغ گفتن نه قرص آفتابم نه ماه ده چهاری

بنابراین تاریخ یکه سال ١١١٤ را میرساند درست ولی تاریخ مذکور بمبارتیکه مؤلف در تاریخ تالیف انشاء نموده درست درنمی آید ، بنا برین جمع میان این دو را بدانشمندان بزرگوار برگذار مینماید .

عروض و قافیه

کتب عروض و قافیه از جهتی بایستی در فصل پیشین گذارده شود و از لحاظ اینکه راجع باشعار میباشد بایستی آنهارا در ضمن فصل بعد گذارد ولی بهتر آنستکه آنهارا چنانکه در مقدّمهٔ جلد نخستین پیش بینی کرده ایم ، در فصل جداگانه و میان دوفصل نام برده جاداد ، نسخ عروض و قافیهٔ این کتابخانه (جز یکی دو نسخه آن) در چند مجموعه میباشد ، و بنابر آنچه در مقدّمهٔ نام برده گفته ایم بایستی مجموعات را در مجلّد چهارم معرّفی نمود ولی در این فصل این چند مجموعه را استثناءً در زیر عنوان « مجموعه عروض وغیره » معرّفی مینمائیم .

[٤٦٠] الجوهرة الثانیه فی اعاریض الشعر (عربی)

این کتاب یکی از اجزاء (١) کتاب « العقد الفرید » (٢) میباشد که از معاریف کتب ادبی و مؤلّف آن ابن عبد ربه است (ابو عمر احمد بن محمّد بن عبد ربه بن حبیب حدیر بن سالم قرطبی (٣) اندلسی ٢٤٦-٣٢٣) (٤) ، این دانشمند از آنهائی استکه

---

(١) در ابتداء جزء چهارم العقد الفرید میباشد و از چاپ سال ١٣٤٦ آن صفحات ٣٤-٨٧ شامل آنست .

(٢) و این کتاب تاکنون پنج بار در مصر چاپ شده و چاپ سال ١٣٤٦ آنرا که در چهار مجلد میباشد این کتابخانه دارد و در بیروت مختصر آن دوبار چاپ شده است .

(٣) قرطبی بنا بتصریح ابن خلکان بضم قاف وسکون راء مهمله وضم طاء مهمله و در آخر آن باء موحده باهاء ، منسوب به قرطبه استکه شهر بزرگ و پای تخت اندلس میباشد .

(٤) این شرح حال بامراجعهٔ به ص ٣٢ ج ١ وفیات الاعیان و بغیة الوعاة زیر نام احمد وشذرات ص ٣١٢ ج ٢ ومعجم المطبوعات العربیه ص ١٦٢ نگاشته شده .

محفوظات بسیار داشت و بر حالات و اخبار مردم اطلاعی بی شمار بدست آورده و از آنها درعقدالفرید نمونه هائی بیادگار گذارده واورا دیوان شعرخوبی است، ابن خلکان ابیاتی از ایشان دروفیات‌الاعیان آورده وخود درالعقدالفرید نیزابیات زیادی از خود نقل نموده و ارجوزه ای در فرش عروض دارد که درهمین کتاب (الجوهرة الثانیه) آنرا جای داده است.

این کتاب راکه درعروض وقافیه میباشد در (١٦) باب مرتب نموده وپس‌از هرمطلب‌مهمّی بشعری‌ازپیشینان که‌خلیل‌بن‌احمد(متوفی بسال ١٦٠ یا ١٧٠ یا ١٧٥ م باشد واولین کس‌استکه‌درعلم‌عروض تألیف‌نموده)بدان‌استشهاد نموده‌ویاازگفتارهای بزرگان‌ادب چون امرءالقیس ودیگرآن تمثل جسته وخود درمقدمهٔ آن گوید: تمام قواعد عروضی‌را دراین کتاب که آنرا دردو جزء قرار داده‌ام،گذارده‌شده، باین معنی که قسمت اوّل درفرش (١) و دوّم درمثال‌است.

این کتاب یارساله درحدود (١٦٠٠) بیت کتابت دارد.

آغاز: (فرش کتاب الجوهرة الثانیه فی‌اعاریض الشعر و علل‌القوافی) قال **ابوعمر** احمدبن محمّدبن عبدربه قدمضی‌قولنا فی‌فضائل‌الشعرومقاطعه وخارجه ونحن قائلون بعون‌الله وتوفیقه فی‌اعاریضه وعلله ومایحسن ویقبح وزحافه وما الخ.

(١٠٧٥)

الجوهرةالثانیه این نسخه ضمیمهٔ نسخه‌ای از کتاب تصریح میباشد که محمّد-باقربن ملاّ ولی استرابادی بسال ١٠٩٦ نگاشته و درص ٣١١ زیرشمارهٔ (٩٢٣) از آن معرفی گردید و در این کتابخانه دارای شمارهٔ (٣٢١٦) است وظاهراًبلکه مسلماً این نسخه نیزخط همان نویسنده است.

[٤٦١] حدائق‌الحقائق (فارسی)

این کتاب تألیف شرف‌الدّین رامی است (حسن‌بن محمّد رامی تبریزی متوفی

(١) فرش نیزاز اصطلاحات قرّاء قرآن کریم میباشد وچنانکه ازقاموس‌اللغه استفاده میشود (باب الشین فصل الفاء) درست تلفظ کردن وادا نمودن کلمات است.

بسال ۷۹۵) (۱) که ازشعرای نام دار ونثر نویسان باشتهار قرن هشتم هجری بوده وملك الشعرای شاه منصور (بسال ۷۹۵ درجنك باامیر تیمور کشته شده) (۲) آخرین پادشاه آل مظفر گردیده و کتاب لطیف **انیس العشاق** را که ازنفائس کتب فارسی میباشد واوصاف سرتاپای دلبرهارا بیان نموده، نیزازمؤلفات اوست ومداح خواجه فخرالدین ماستری بوده وقصائدی درمدح وی گفته ونیزیك رباعی که نام ولقب وی از آن بدست می آید انشاء نموده (۳).

این کتاب که بنابرتصریح درمقدمه آن وکتب تذکره بنام «حدائق الحقائق» (٤) نامیده شده وشرح حدائق السحر رشید وطواط شاعر معروف میباشد وبفرمان سلطان اویس ایلکانی (٥) تألیف گردیده (بنابراین پیش ازسال ۷۷٦ تألیف گردیده است) ولی شرح برتمام مندرجات آن کتاب نیست فقط ازهرموضوعی بخشی از آنرا باتغییر برخی ازالفاظ وعبارات آن ذکروپس از آن درتوضیح آن بیانی نموده وشواهدی

(۱) ص ۱۷۸ و۱۷۹ تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه خطی این کتابخانه وص ۱۸۹-۱۹۱ دانشمندان آذربایجان مراجعه شود و در این کتاب اخیر قسمتی از قصیدهٔ وی که درمدح فخرالدین ماستری میباشد نقل گردیده است.

(۲) این تاریخ را دولتشاه سمرقندی درتذکره خویش تصریح نموده (ص ۱۷۹ نسخه خطی این کتابخانه).

(۳) رباعی نام برده اینست:

خارست جهان پیش نوالت یکسر	فخراست زالقاب تودین را وخطر
تو کان محامدی و از فرط گهر	زالماس ضمیرت سپری شد خنجر

(٤) درمقدمه نسخه این کتابخانه و در تذکره دولتشاه و دانشمندان و مقدمه استاد دانشمند آقای اقبال آشتیانی برحدائق السحر نام این کتاب «حدائق الحقائق» ثبت گردیده ولی درمقدمه نسخه مجلس «حقائق الحدائق» نامیده شده و در ص ٤٤١ ج ۱ کشف الظنون نیز بدین نام نامیده شده ودرص ۲۱ ج ٤ ۱یز همین کتاب را معرفی نموده ولی نام آن را «شقائق الحقائق» ضبط کرده وگذشته ازاین اغلاطی چند دارد که بی اهمیت نیست ودر رساله «کشف العیون فی اغلاط کشف الظنون» آنهارا تذکر داده ام.

(٥) درص ۲٤۱ ج ٦ شذرات الذهب در شمار مردگان سال ۷۷٦ گوید از آنها اویس بن شیخ حسین بن حسن میباشد که پادشاهی عادل وباشهامت وشجاع وخیر ودوستدار کارهای نیك بود، نوزده سال سلطنت کردو سی و هشت سال زندگانی نمود الخ.

از اشعار پارسی خود و شعرای متقدم و معاصر آورده و در تمام آن بیتی عربی نیست و مطالبی هم بر مطالب رشید در اصطلاحات متأخرین در این فن اضافه نموده و در **قسم اول** گفته های رشید را در پنجاه باب شرح داده و در **قسم دوم** اصطلاحات متأخرین را در ده باب گذارده و در حدود (۱۲۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بعد از حمد بیحد و صلوات بیعد چنین گوید اقل شعرا شرف بن الخ .

انجام: همیشه تا بود افلاك وانجم ـ معزّ الدین اویس بن حسن باد .

(۱۰۷۶)

حدائق الحقائق این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نگارش نزدیکتر از قرن یازدهم هجری نیست ، در ص ۳۸ یاد داشتی بتاریخ ۱۱۵۴ دارد ، عناوین با شنجرف میباشد ، برگ نخستین این کتاب افتاده و نخستین سطر آن اینست :

مرصعت و بدان مفاخرت نموده که در عرب و عجم کس چنین قصیده انشاء نکرده الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف حاج میرزا محمدتقی وصی میرزا علیمحمد حکمی . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۶۷) . این نسخه (۳۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۲۶۸) . قفسه مدرسه صدر .

[۴۶۲] حدائق السحر فی دقائق الشعر (فارسی)

این کتاب از مشاهیر کتب ادبی فارسی و مؤلف آن شاعر شهیر رشید وطواط است (۱) (رشیدالدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری بلخی متولد میان سال ۴۸۰ و ۴۸۷ و متوفی بسال ۵۷۳ یا ۵۷۸ (۲)) که در فن انشاء بعربی و فارسی نیز شهرتی بسزا داشته و در عصر و زمان خویش در استادی این دو فن به دو زبان مسلّم بوده و این کتاب وی که در صنایع شعر به ساخته شده مورد قبول دانشمندان گردیده است .

---

(۱) گذشته از مقدمهٔ بسیار نفیس حدائق السحر (۷۳ صفحه) که دانشمند محترم آقای اقبال نگاشته‌اند ، به هفت اقلیم ص ۴۸۳ ، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۵۲ - ۶۰ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۲۲ ، معجم المطبوعات ص ۱۹۲۱ ، تاریخ گزیده ص ۶۵۰ و آتشکده آذر ص ۳۱۵ و معجم الادبا ج ۷ ص ۹۱ - ۹۵ مراجعه شود .

(۲) در تولد و وفات این شاعر نیز اختلاف میباشد ، آقای اقبال باادله ای تولد وی را میان این دو سال و وفات او را بسال ۵۷۳ ترجیح داده اند .

از آثار رشید آنچه باقی مانده یکی همین کتابست که بفارسی است ولی گذشته از شواهد فارسی که در آنست بنظم و نثر عربی در آن نیز استشهاد گردیده و دیگری شرح صد کلمه از کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بنظم فارسی و نثر عربی و فارسی بنام «مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب» استکه در اروپا چاپ شده (۱) و رسائل عربی اوست که بسال ۱۳۱۵ در مصر چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله الحمدلله علی ماافاض ..... چنین گوید مؤلف کتاب ...... کی روزی الخ.

(۰۷۷)

حدائق السحر این نسخه را محمد حسین بخط خوب بسال ۱۲۶۷ برای پیش کش به اعتضادالسلطنه نوشته و تزوک تیموری را نیز برای همین مقصد بسال ۱۲۶۸ بهمین خط نوشته و پیش از این نسخه گذارده شده است.

جلد تیماجی. کاغذ تزوك سمرقندی وحدائق السحر فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق کلیه (۱۹۱). این نسخه (۹۰). صفحه‌ای (۱۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۰۰۲).

[٤٦٣] عروض و قافیه وحیدی تبریزی (عربی)

وحیدی چنانکه معاصر وی سام میرزا در تحفه سامی (ص ٤۱۰-٤۱۱ نسخه خطی این کتابخانه) نگاشته از یاوه گویان قم بوده و تازنده بود با حیرتی معارضه داشته و یکدیگر را هجوهای رکیك میکردند.

و صاحب خلاصة الاشعار که از عبارات وی برمی آید او را ندیده ولی بدیدار آنانکه او را دیده اند موفق گردیده (۲)، درباره وی گوید: اصل وی از تبریز است اما در قم ساکن بوده و بیشتر مردم او را قمی میدانند..... رساله ای در عروض وقافیه نوشته، دراکثر بلاد عراق و آذربایجان مشهور است. وبعضی از ابیات او در این رساله جهت مثال مذکور و در دو مأخذ تصریح شده که بطمع بگیلان رفت و بسال ۹٤۲ جرعه مرگ را در آنجا نوشید.

(۱) حاجی خلیفه گوید (ص ۱۵٦ ج ۱): محمدبن محمد شهیر به وطواط متوفی بسال ۵۵۲ صد کلمه از کلمات قصار هریك از خلفای چهارگانه را شرح نموده و برای آنها نامی مخصوص گذارده وهمه آنها را درمجلدی دیده ام و بترتیب نام هریك آنها اینست:

تحفة الصدیق، فصل الخطاب، انیس اللهفان و ٤ ـ مطلوب کل طالب.

(۲) به ص ۳۹۳ و ۳۹٤ دانشمندان آذربایجان نگاه کنید.

واشعاری بنام شهرانگیز در مدح تبریز و تبریزیان گفته وچند بیت از آن در تحفه سامی ضبط و در دانشمندان آذربایجان از آنجا نقل گردیده و در تحفه مطلع دوغزل وی نیز نقل گردیده است .

آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان ص ۳۹۳و۳۹٤ نیز این مؤلف را بنام **وحیدی تبریزی** نامبرده و گویند که نام این رساله عروض و قافیه وی «مختصر وحیدی» میباشد و کتابی درلغت پارسی بنام « مفتاح البدائع » تألیف نموده و دیوانی دارد که نسخهٔ آن در کتابخانه اسعد پاشا دراسلامبول هست .

درمقدّمهٔ نسخهٔ زیرین نویسندهٔ آن نگاشته :

بسمله شکروسپاس واجب‌التعظیمی را که بتشریف نطق انسانرا مشرف ساخت و کلام موزون‌وعلم اوزان موهبت فرمود و درود فراوان بر محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله واولاده این مختصریست از منشات وحید (۱) تبریزی در علم عروض و قافیه و صنایع شعری که از برای برادرزادهٔ‌خود تالیف کرده تابدین مقدمه دراوزان‌مدخل کند وحدود قافیه وصنایع شعررا بداندواین‌را «جمع‌مختصر» نام نهادوبالله‌التوفیق اکنون بدانکه شعر کلامیست‌موزون الخ .

واینقسمت درنسخهٔ‌دیگری ازاین‌رساله که‌درص ۷-۳۲و۴۵-۵۱ مجموعهٔ‌شمارهٔ (۲٦۸)این کتابخانه که‌درص٤٤٩ از آنمعرفی‌میشود،نیست‌و بدینگونه‌شروع میشود:

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله‌الطاهرین امابعد برضمایر ارباب فصاحت وبلاغت و عندلیبان گلشن سخنوری وداستان سرایان داستانهای زبان آوری که انتظام نظم کلام بترکیب حروف سنجیده اند [مخفی] وپوشیده نماند ، آنچه باوزان درآید آنرا نظم خوانند و آنچه دراوزان درنیاید آنرا نثر نامند بدانکه شعر کلامیست موزون الخ .

این کتاب درحدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۱۰۷۸)

عروض و قافیه وحیدی

این نسخه‌بدون تاریخ‌و نام کاتب‌بخط نسخ‌نوشته‌شده و پیوسته‌به نسخه‌ای از کتاب « حدائق‌الحقائق » استکه‌درص۴۳۹ معرّفی گردید ، صورت شجره اخرب از آخرعروض و ۳۳ بیت از اوّل قافیه این نسخه افتاده ، خصوصیّات دیگر آن بصفحه نامبرده بالا ویا بشمارهٔ (۲٦۸) قفسهٔ مدرسهٔ صدر مراجعه گردد .

---

(۱) درنسخه وحید بدون یاء نسبت ضبط گردیده در کشف الظنون هم (ج ۲ ص ٤٧٩) نیزچنین است ولی درتحفهٔ‌سامی و دانشمندان با یاء است .

(١٠٧٩)

عروض و قافیه وحیدی این نسخهٔ ازاین کتاب در ص ٧- ٣٢ و ٤٥-٥١ مجموعه ایکه بسال ١٢٤١ نوشته شده موجود واین مجموعه بشمارهٔ (٣٨٦) دراین کتابخانه ثبت ودرص ٤٤٩-٤٥٠ معرفی از آن میگردد.

[٤٦٤] عروض محمد مؤمن حسینی (فارسی)

این رساله بنابرتصریح درابتداء آن تألیف محمّد مؤمن بن علی حسینی وموشح بنام محمّد قلی، قطب شاه میباشدکه فرمانفرمای مملکت دکن ومعاصر بااکبرشاه بوده ودر آخر آن سال تألیف سنهٔ ١٠٠٧ معیّن گردیده، باتفحص در کتب سیر وفهرستها بشرح حال مؤلّف ونسخهٔ دیگری ازاین مؤلّفه دست نیافتم ، از مطالعه این نسخه و مقدّمهٔ تعلیقه ایکه بنام « لعل قطبی » معاصر وی نصیرای همدانی بر آن نوشته بدست میآید که ازدانشمندان قرن دهم واوائل قرن یازدهم هجری بوده و گذشته از مراتب عالیه علمیّه مقام رسمی دولتی داشته وتاسال ١٠٢١ درقید حیات بوده است .

درآتشکدهٔ آذر (ص١٥٩) گوید : میرمحمد مؤمن از سادات و اکابر علماء استرابـاد بوده و مدتی معلّمی حیدر میرزای صفوی را نمـوده و در آخر عمر بهندوستان رفته (در تاریخ عالم آرا ج ١ استکه تا این سال (١٠٢٥ - ١٠٢٦) زنده است ـ مؤلف) از اوست :

ایکه گفتی عشق را درمان بهجران کرده اند

کاش میگفتی که هجرانرا چه درمان کرده اند

نگارنده احتمال قوی میدهد که مؤلف این کتاب همین محمد مؤمن است .

این مؤلّفه دریك مقدّمه و دو فصل وخاتمه ای بدین تفصیل تألیف گردیده :

مقدمه دربیان فائده ای چند (١٢ فائده است) که بجهت دانستن این فن معرفت بعضی ازین فوائد ضروری وبعضی ناصر ومعین است . **فصل اول** دربیان بعضی از بحرهای شعر کـه بطبایع سلیمه و اذهان مستقیمه قریب و نزدیکی آن بیشتر است وازین جهت اشعارشعرای مشهور مقصور برهمان بلکه بر بعضی از آن بحوراست . **فصل دوم** : دربعضی از بحور که نه برمنهاج مذکور است . **خاتمه**: دربیان بعضی ازاصطلاحات ومقرّرات اهل این فن . ودر حدود (١٥٠٠) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله بعد حمدوسپاس بیقیاس وصلوة و درود نامحدود چنین گوید راقم این سطور الخ .

(۱۰۸۰)

عروض محمدمؤمن حسینی

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده خود و سال نگارش را معیّن ننموده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده‌اند و بجای آن یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و در ابتداء آن کلمه « عیون‌الشرف » نوشته شده و بدین نام درهمین صفحه براین کتابخانه‌وقف گردیده ، درخود کتاب و تعلیقهٔ بر آن(لعل قطبی) که‌ضمیمهٔ این‌نسخه است‌این‌نام‌نیست‌و ندانم‌از کجا پیداشده‌است‌و ضمیمه‌راجداگانه معرفی‌خواهم‌نمود .
جلد تیماجی دور گرفته . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵۵) . این نسخه (۶۹) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر .) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۷).

[٤٦٥] لعل قطبی ـ حاشیه برعروض محمد مؤمن (فارسی)

این کتاب حاشیه و تعلیقه ای برعروض محمد مؤمن حسینی میباشد که در صفحهٔ گذشته‌معرفی‌از آن گردید ، وخودمؤلّف آنرا « **لعل قطبی** » نامیده وچون اصل کتاب موشح بـاسم محمّد قلی قطب شـاه (۱) است ، مؤلف این کتاب **نصیرای همدانی** (محمد الشهیر بنصیر الهمدانی) استکه ازاین مؤلفه ونامه ایکه درطلب اسطرلاب(۲) به‌دانشمندی‌نوشته ومثنوی وی(۳) معلوم میشود ازدانشمندان وشعرا وریاضی دانهای اوائل قرن یازدهم هجری بوده ونثروی چون نظمش منظّم

---

(۱) شرح‌حالی‌ازمحمد قلی قطب‌شاه‌اینك‌بدست نیاوردم ، فقط‌درتذکره خوشگوایشانرا معاصر اکبر شاه معروف‌وفرمانفرمای دکن معرفی‌نموده‌و دو بیت از وی نقل کـرده وازاین مؤلفه معلوم میشود تاسال ۱۰۲۱ که سال‌تالیف آن‌میباشد در‌حیات بوده وفـرمانفرمائی‌داشته‌است .
(۲) نسخه ای از این نامه درص ۲۵۲ ـ ۲۵۳ مجموعه شمارهٔ (۲۹۱۳) این کتابخانه موجود وبسیار استادانه نگارش یافته است .
(۳) نسخه ای ازاین مثنوی که‌آغازآن اینست : (کیم دیوانهٔ ازخود هراسان .) در کتابخانه مجلس درمجموعه‌ایستکه در ج ۱فهرست خطی‌زیرشمارهٔ (٤٤۲) از آن معرفی گردیده است .

ومتین وامامی مذهب بوده وگذشته از اینکه بشرح و بسط مطالب مختصرهٔ مؤلّفهٔ نام برده پرداخته، قواعد ومطالب زیادی ازخود دراین اثر بیادگار گذارده ومدعی شده که در جای دیگر این مطالب یافت نخواهد شد و انصاف توان داد که رساله ومؤلّفه ای جامع است وچنانکه در آخر آن تصریح گردیده تألیف آن بسال ۱۰۲۱ (۱) خاتمه یافته و تألیف آن هنگامی بوده که جمعی عروض محمّد مؤمن را پیش وی میخوانده اند ومؤلّف آن درقید حیات بوده و در دیباچه باشرح و بسطی باتجلیل زیاد از ایشان یاد کرده وتمام این تعلیقه درحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .

درص۱٦٦-۱٦۷ تذکرهٔ نصرآبادی استکه نصیرای همدانی بسال ۱۰۳۰ مرده ودیوان وی موافق نامهای الهی هزارویك بیت است .

آغاز : بسمله گوهری غریب بدیع که بدستیاری غوّاص فکر سریع ازبحر ضمیر کاملان اقلیم معنی متواتر مکشوف گردد سپاس صانع بی ابتداست الخ .

(۱۰۸۱)

لعل قطبی این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده وبآخرین عبارت مؤلّف آنرا خاتمه داده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن یازدهم هجری است ، بر کنار آخرین صفحه یادداشتی بدون تاریخ نوشته شده وضمیمهٔ کتاب شمارهٔ (۲۸۷) این کتابخانه است که در صفحهٔ ۴۴۳ زیر شمارهٔ (۱۰۸۰) معرّفی گردید .

[٤٦٦ - ٤٧٧] **مجموعه عروض و غیره** (عربی وفارسی)

۱ ـ عروض نجاتی ۲ ـ عراضة العروضیّتن ۳ ـ مصادر مخالف قیاس ٤ ـ عروض بحیدی ٥ ـ قصیده همام تبریزی در مدح حضرت ختمی مرتبت صم ٦ـ قصیده حرباویه ۷ـ سلوة الشیعه ۸ـ قصیده از بدرالدین خبوشانی ۹ـ ایضاً قصیده ای ازهمو ۱۰ـ بدایع الاسحار ۱۱ـ عروض اندلسی ۱۲ـ القاب العروض ودو اثر پنجگانه آن.

۱ ـ محمود بن عمر نجاتی بخواهش محمد بن علی مشهدی معروف به سیواك

(۱) عین عبارت آخر رساله که حاکی از سال تالیف میباشد اینست ، فارغ شد کلك جواهر سلك از گرداوری این در عزیز در تاریخ روز سه شنبهٔ دوم عشر سیوم ماه اول از سال اول از عشر سیوم ازمائهٔ اول از الف دوم من الهجرة النبویه المصطفویه علی الهاجر و آله الف الف صلوة وسلام وتحیه .

مختصری بفارسی در عروض و قافیه نوشته و آنرا « الکافیه فی العروض و[الصنعة القافیه(کذا)] »نام نهاده و مثالهای آنرا از اشعار پارسی آورده و در آن از متاخرین نام جمال الدّین محمّد عبدالرزاق اصفهانی وشعری ازوی و نام یوسف عروضی نیشابوری دیده میشود و از هردو بعنوان **استاذ** یاد کرده و در مقدّمه خود تصریح نموده که برای شناسائی صنایع شعریّه از کتاب حدائق السحر انتخابی نموده است .

در کتب رجال و تذکره نام و نشانی از نجاتی نیافتم جز اینکه در ص ۱۸۸ ج ۱ کشف الظنون زیر عنوان بدائع الاسحار نوشته شده که محمود بن عمر نجاتی نیشابوری آنرا شرحی فارسی نموده و به غیاث الدین وزیر اهداء کرده است و در حاشیه ص ۲۳۰ شمارهٔ ۳ مجلهٔ مهر سال پنجم (مرداد ۳۱۶) آقای تربیت نگاشته اند که «بساتین الفضلاء و ریاحین العقلا» در شرح تاریخ عتبی تألیف حمیدالدین ابی عبدالله محمودبن عمر النجاتی النیشابوری استکه درسنهٔ ۷۰۹ در تبریز خاتمه یافته است . ودر اصل ص ۲۳۰ مجلّهٔ نام برده عبارتی عربی از بساتین نقل نموده و میرساند که آن شرح بعربی ونسخهٔ آنرا آقای تربیت در دست داشته اند .

وبقرینه گذشته و اینکه نسخه این عروض بسال ۷۳۸ نوشته شده و نویسنده پشت صفحهٔ نخستین گوید : عروض نجاتی نیسابوری اصلح الله احواله و حقق آماله . بایستی تااواخر نیمهٔ اوّل قرن هشتم درقید حیاة وزندگانی بوده باشد و این رساله درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ونام این کتاب در کشف الظنون نیست .

این نسخه را در ۱۶ ورق محمد بن یوسف ابی عقیل بیهقی وحیدی بسال ۷۳۸ بخط نسخ خوب نوشته و بیهقی مذکور درحاشیه صفحات تعلیقاتی بر آن نگاشته وبسال ۷۳۹ آنرا مقابله نموده است .

آغاز: بسمله ربّ تمّم بالخیر الحمدلله کما هواهله والصلوة والسّلام علی نبیّه محمّد وآله چنین گوید محرراین اوراق نجاتی الخ .

۲ ـ عراضة العروضیّین تألیف ابوالفضل قرشی (محمدبن خالد) این رساله نیز بفارسی ومؤلّف خود آنرا بدین نام نامیده و در آن گذشته از ابیات فارسی انوری وفردوسی وخاقانی وغیره باشعار بعربی استشهاد نموده و در آن آورده که استاذ

کامل فاضل یوسف عروضی نیسابوری قدس‌الله روحه این شانزده بحر را در پنج دائره وضع کرده است و آن پنج دائره را هم در آخر رساله خویش رسم نموده ، ازطرز انشاء واینکه نویسنده که همان نویسندهٔ پیشین میباشد پس از ذکر نام جمله **نور مضجعه** نگاشته‌بنابراینهامسلّماً قرشی‌مؤلف‌دراین‌سال(۷۳۸)زنده‌نبوده‌است.

این رساله درحدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۲۸ - ۶۹ شامل آنست و در کشف‌الظنون نام آن نیست .

آغاز : بسمله الحمدلله . . . . چنین گوید . . . . . محمدبن خالد قرشی . . . بدان اسعدك الله کی عروض الخ .

۳ ـ مصادر مخالف قیاس را ابوعلی طبری در نه بیت عربی جمع نموده ، در حاشیه وپشت این ابیات ترجمه فارسی مصادر وتعیین ابواب آنها نوشته شده وبخط نویسنده دو رساله پیش است وصفحه ۷۰و۷۱ مجموعه شامل آنست .

آغاز : شفاعة رجعی شروع ظعن ذکری مآل لمعان معذره .

٤ ـ عروض وحیدی بیهقی چنانکه در ابتداء رساله تصریح شده مؤلّف آن محمد بن یوسف بن محمد بن یوسف ابی عقیل نوقارزی بیهقی ملقب به وحیدی میباشد و این شخص نویسندهٔ سه رساله پیشین میباشد و در این رساله مکرر از رساله عروض ادیب صابرواشعار وی ودیگرشعرا (درص ۹۳ دوبیت ازخواجه نصیرالدین طوسی متوفی بسال۶۷۲ دارد) استشهادگردیده ودرآخر آن تصریح نموده که بسال ۷۳۵ تألیف آن خاتمه یافته است .

این رساله بفارسی و درحدود (٤۰۰) بیت کتابت دارد ، بخط مؤلّف میباشد وصفحهٔ ۷۲-۹۶ مجموعه شامل آنست .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والسّلام علی سیدالمرسلین محمدو آله‌الطیبین الطاهرین چنین گوید مقرراین مقاله ومحرراین رساله محمدبن یوسف .... الملقب بالوحیدی الخ .

۵ ـ قصیده ای در مدح حضرت خیرالبشر محمد مصطفی ص از همام‌الدین تبریزی متوفی بسال ۷۱۲ یا ۷۱٤ که مشتمل بر ۲۳ شعر فارسی و ۸ بیت عربی

میباشد در ص ۹۷ - ۹۹ نگاشته شده ، برگیکه شامل صفحهٔ ۹۶ و ۹۷ نسخه میباشد، بجای ورق اصلی که افتاده بود ، گذارده شده ودو مصراع از قصیده را محو کرده اند، طرز خط اصل قصیده ثابت میکند که نویسندهٔ آن وحیدی بیهقی مذکور میباشد .

آغاز: ای کرده اقتدا بکمال تو انبیا   وی مهتدی بنور جمال تو اولیا .

انجام: گستاخی همام ضعیف از کرم ببخش   پیش کریم سهل بود ختم ماجرا .

۶ - قصیده حرباویّه این قصیده بعربی و ۱۲ بیت از آن در ص ۹۹ نسخه ذیل مانده واوراقیکه میان این قصیده وسلوة الشیعه بوده باقسمتی از این کتاب اخیر افتاده است .

آغاز: انّی امرء لایطبّینی الشادن الحسن القواما .

۷ - سلوة الشیعه مؤلّف کشف الحجب والاستار در ص ۳۱۲ در ذیل این نام نوشته : « للشیخ علی بن احمد الفنجکردی بفتح الفاء وسکون النون والراء وضم الجیم وکسر الکاف وآخره دال مهمله قریة من قری نیسابور علی حد الدرب المتوفی سنة ثلث عشره وخمسمائه ۵۱۳ ذکره البیهقی فی الوشاح وعبدالغفار فی تاریخه ویاقوت الحموی فی معجم الادباء جمع فیه اشعار مولانا علی بن ابی طالب علیهما السلام نحواً من مائتی بیت » .

این نسخه که در ص ۱۰۰ - ۱۱۱ این نسخه نگاشته شامل ۱۳۸ بیت از این کتابست وچنانکه گفته شد از اوّل افتاده دارد بنابر آنچه گذشت ۶۲ بیت آن افتاده است .

۸ و ۹ - دو قصیده از بدرالدین خبوشانی است که در اول (۲۸ بیت است) چهار طبع را ردیف آورده و آغاز آن اینست :

بحمد صدر جهان خاك و باد و آتش و آب
گشاده اند دهان خاك و باد و آتش و آب

و دیگری شامل ۳۰ بیت و از اول تا بآخر به صنعت تجنیس آراسته است و آغاز آن اینست :

برخیز جام می ز کف دلستان ستان   چون غافلان چه خسبی در بوستان ستان

این دو قصیده در ص ۱۱۲-۱۱۵ مجموعه میباشد و قصیده اخیر ناقص و تتمّه آن براوراقی بوده که از نسخه برداشته اند .

۱۰ - ص ۱۱۶ این مجموعه شش بیت از قصیده بدایع الاسحار را که بخط نسخ خوب عبدالله بن الحسن بن عبدالجبار بسال ۷۴۰ نوشته شامل است وقسمت اوّل این قصیده افتاده و « بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار » که ازمشاهیر قصائد فارسی ومشتمل بر صنایع بدیعیه میباشد ، منشی آن جمال‌الدّین محمّد بن ابی‌بکر قوامی مطرزی میباشد و نجاتی چنانکه گفته شد بر آن شرحی بفارسی نوشته است .

۱۱ - عروض اندلسی این کتاب بعربی ومؤلف آن ابوعبدالله محمد بن انصاری اندلسی معروف به ابی الجیش میباشد ومؤلف کشف الظنون در ص ۱۱۲ و ۱۱۳ ج ۲ زیر عنوان « عروض اندلسی » آنرا نام برده وچند شرحیکه بر آن نوشته شده تذکر داده وقسمتی ازمقدمه این کتاب را هم نقل نموده واین عروض در ص ۱۱۷-۱۲۹ این مجموعه میباشد ونویسندهٔ آن بیهقی و حیدی مذکور درماه صفر سال ۷۴۰ میباشد و در ماه رمضان همین سال در بحرآباد جوین شرحی زیر همین رساله نوشته که مدتی چند دراین کتاب بدقت مطالعه میکردم تا اینکه طریقهٔ تحلیل و استخراج رموز وکشف اسرار وگنجینهای آنرا بدست آورده ودرر شاهوار آنرا بیرون آوردم ودر آخر گوید : والسّلام علی محمد و آله خیر الانام والفراغ من التصفح الخ .
واین عروض درحدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

۱۲ - پس ازاتمام شرح بالا ازبیهقی زیر عنوان **القاب العروض** ۴۵ نام باشرح مختصر آنها درص ۱۳۰ و ۱۳۱ ونیز در ص ۱۳۲-۱۳۶ صورت پنج دائره عروضی که بگفته بیهقی مذکور درعروض خویش تألیف یوسف عروضی میباشد وشانزده بحرعلم عروض را درپنج دائره وضع نموده و آخرعروض خود (بیهقی) آورده است و در اینجا همان دوائر ولی بزرگتر با شرح و بسط بیشتری ترسیم گردیده و در ص ۱۳۷ مجموعه مطالب متفرقهٔ عروضی و ترجمهٔ فارسی چند لغت عربی نگاشته شده و بامقابله نسخ پیش مسلّم شد که خط بیهقی مذکور میباشد وظاهر اینستکه اینها نیز از انشآت اوست . (۱۰۸۳ تا ۱۰۹۳)

مجموعه عروضی و غیره

این نسخه چنانکه بیان گردید شامل دوازده نسخه میباشد ، وقسمتهائی از آن افتاده و از سال ۷۳۵ تا ۷۴۰ بتدریج نگارش یافته و کاتب آن فقط در یکجا عبدالله بن عبدالجلیل بوده

وباقی بخط وحیدی بیهقی است که مؤلف یکی دو نسخهٔ آن میباشد ، رطوبت دربرگها اثر نموده واندکی ازعبارات را محو کرده وپشت صفحه اول بخط بیهقی ابیاتی چند نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ حنائی . واقف حاج میرزا محمد تقی طهرانی (جاراللهی) وصی آقامیرزا علی محمد حکمی اصفهانی (از ترکه وی). قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۶۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ (۳۱۳) قفسه مدرسه صدر .

[۴۷۸-۴۸۰] مجموعهٔ عروض وقافیه وغیره (فارسی وعربی)

قافیه جامی - عروض وقافیه وحیدی تبریزی - تحفة الشعراء - قسمتی از کتابی دراصول فقه .

۱ - **قافیه‌جامی** ، عبدالرحمن‌جامی که‌درص۳۵۷-۳۵۹ مختصری درشرح‌حال ومؤلفات‌ایشان نگاشتیم ، این‌رساله را درقافیه نگاشته‌اند وبسال۱۸۷۲م. درپاریس بضمیمهٔ عروض سیفی چاپ گردیده و درحدود (۱۶۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه ازص ۱ تا ۷ شامل آنست .

آغاز : بسمله بعد ازتیمّن بموزون کلامیکه قافیه سنجان انجمن فصاحت بدان تکلّم کنند الخ .

۲ - عروض وقافیه وحیدی تبریزی‌استکه درص ۴۴۰-۴۴۱ معرّفی گردیده و چنانکه گفته شد این‌نسخه دارای دیباچه مختصری میباشد وصفحهٔ۷-۳۲ این‌مجموعه شامل عروض وصفحهٔ ۴۵ - ۵۱ دربردارندهٔ قافیه آنست .

۳ - تحفة الشعراء این رساله شرح ابیاتی استکه درعلم عروض انشاء گردیده و در آخر منشی خود را جوهری معرّفی کرده است : جوهری دریای معنی‌سفته است - شانزده بیت آخرینش گفته است . ودرحرف‌جیم‌تذکره خوشگو زیر نام : جوهری سمرقندی نوشته شده : « ازشعرای امیرعلیشیر نوائی بوده عروض وقافیه را نیکومیدانست ازاوست : «شور پروانه زبلبل طلبی شرمت باد - آتش‌ازدور بهشت است تماشائی‌را » . شارح درابتداء کتاب از صاحب ابیات نام نبرده فقط گوید : یکی ازفضلاء وعلماء عصر بروایت مسجّله چند بیتی در بیان القاب علل

که در فن عروض بود الخ. بگمان نزدیك بیقین این ابیات از همین جوهری سمرقندی است و شارح بنا بر تصریح خود صفی‌الدّین علاء بن صفی‌الدّین علی بسطامی میباشد و دیباچه را بنام شمس‌الدّین علی که حاکم و زمامدار بسطام بوده موشح کرده است وظاهر اینستکه شارح ازاهل‌سنّت و دراواخر قرن نهم زندگانی میکرده است

این رساله در حدود (۴۰۰) بیت وص ۳۳–۴۵ این مجموعه شامل آن میباشد.

۴ – قسمتی‌از کتابی دراصول فقه است‌واین قسمت دربحث اصالة حجیّت ظن و ظاهراً انشاء یکی از شاگردان شریف‌العلماء رحمه الله میباشد و درحدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد و از صفحهٔ ۵۴ – ۶۹ مجموعه را اشغال نموده‌است.

(۱۰۹۴–۱۰۹۶)

مجموعه عروض و غیره

این مجموعه شامل چهارقسمت مذکور میباشد وهمه را یکنفر بسال ۱۲۴۱ بخط نستعلیق نوشته و بر صفحهٔ ۵۲ اشعاری در اختیارات نجومی وبر صفحهٔ ۵۳ مطالب متفرقه ای نگارش یافته و پشت صفحهٔ اوّل مطالبی از کتاب عروضی میباشد که پیش‌ازین ضمیمهٔ این نسخه بوده است.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۳۵). صفحه‌ای (۱۷و۲۲) سطر. طول (۲۱سانتیمتر). عرض(۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۸۶).

[۴۸۱] مطلع (فارسی)

این کتاب تألیف رضی‌الدین محمّدبن محمّد شفیع میباشد که بتصریح خواهرزادهٔ ایشان محمّد شفیع طباطبائی که نویسنده نسخهٔ زیرین میباشد، ازمستوفیان خاصّه بوده وازعبارات مذکور دردیباچه کتاب نیزمسلّم میشود که مؤلف‌ازمستوفیان توانای قرن یازدهم وامامی مذهبی بوده وباقرینه سال تألیف بدست میآید که دردربار شاه عباس ثانی که از سال ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ سلطنت داشته، مستوفی‌بوده است.

مؤلف‌آنرا به دو مصراع تقسیم وهریك از آنها را به چهاررکن تقسیم‌نموده وعین عبارات کتاب راجع به این تقسیم بدین تفصیل است:

مصراع اول : متضمن عروض وقوافی براسلوب ارباب عروض و وزن مشتمل برچهار رکن هررکنی از ارکانش محتوی برسه حرف وهرحرفی راح روح برور معانی را ظرف . **رکن اول**: در تعریف شعر و تفصیل اقسام آن و حد عروض ووزن و تعداد اسباب واوتاد و شرح حروف و حرکات معین برسه حرف . **رکن دوم** : در حد تقطیع و بیان ازاحیف و تعداد فروعی که از استعمال ازاحیف متولد گردند مقرر برسه حرف . **رکن سیم** : در شرح بحوریکه از ترکیب ارکان منبعث کردند و ثبت دوائر وفلك بحور وتفصیل بحوراصلی و فرعی معین برسه حرف . **رکن چهارم** : محتوی برعلم قوافی مشتمل برسه حرف .

مصراع دوم : درصنایع وبدایع . **رکن اول** : دربیان آنچه بفن معانی وبیان اختصاص دارد . **رکن ثانی** : درصنایع معنوی که کالك بلاغت کیشان ازفن بدیعش میشمارند . **رکن ثالث** : درذکرصنایع مخصوصه بفن بدیع . **رکن رابع** : درذکرسائرآنچه ضرور است در دراتمام این بنای رفیع .

این کتاب بتصریح مؤلّف درآخر آن بسال ۱۰۶۳ تألیف گردیده و دراین موضوع مؤلفه ای جامع و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله ظلماء کامل غبار کلمات فصاحت سمات که در معادن خواطر خورشید نظائر الخ .

(۱۰۹۷)

مطلع

این نسخه را بسال ۱۱۰۶ بخط شکسته نستعلیق محمّد شفیع طباطبائی نوشته و در حاشیه برخی از صفحات تعلیقاتی در توضیح مطالب ازقاموس وصحاح وبدون امضاء موجود است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۴۸). صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض(۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۸۸) .

اشعار و تذکره ها و دیوانها

[۴۸۲] آتشکدهٔ آذر (فارسی)

آتشکدهٔ آذر یکی از تذکره های مشهور و مؤلّف آن حاج لطفعلی بیگدلی شاملو(۱) متخلص به آذر و پسر آقاخان است، متولد بسال ۱۱۳۴ و متوفی بسال ۱۱۹۵ میباشد(۲)، مؤلّف آنرا **آتشکده** نامیده و در آن از اشعار پیشینیان و معاصرین انتخابی بسلیقهٔ خویش کرده و مختصری از شرح حال آنها را هم بیان نموده و در آخر آن شرح حال مختصری باپاره ای از اشعار خود را گذارده و خصوصاً از «یوسف و زلیخا» (۳) (بنقل الذریعه از «تحفة العالم» سید عبداللطیف تستری مشتمل بر دوازده هزار بیت است) انشائی خود بخشی زیاد نقل نموده و این تذکره را بدو **مجمر** تقسیم نموده . **مجمر اول** : در ذکر اطوار و اشعار شعرای متقدّمین مشتمل بر یك **شعله** : (در ذکر اشعار شاهان و شاهزادگان و امرا که منسوب بولایتی نیستند) و سه **اخگر** : (در ذکر شعرای ایران و توران و هندوستان و هر اخگری

(۱) بنابتصریح خود در همین آتشکده بیگدلی ها طایفه ای از ترکان هستند که بایران کوچ داده شده اند وقسمتی از آنها را بشام برده اند و امیر تیمور آنهارا بایران آورده و بمناسبت بودنشان درشام بنام شاملو نیز خوانده میشوند .

(۲) شرح حال این مؤلف با مراجعه به آتشکدهٔ آذر وص ۷۳ ج ۲ مجمع الفصحا و ص ٤ ج ۱ الذریعه الی تصانیف الشیعه نوشته شده وخود وی گوید که درفتنهٔ افغان متولد شده وازاصفهان با خویشان بقم هجرت کردیم و در ابتداء سلطنت نادرشاه پدرم بحکومت لار و بنادر خلیج فارس منصوب گردید، باوی بشیراز رفتم وی پس از دوسال بدرود زندگانی گفت الخ .

(۳) تاریخ اتمام یوسف وزلیخا را در آخر کتاب بسال ۱۱۷۶ معین نموده است .

بچند **شراره** که اسم و لایت اقتضا کند تقسیم شده.) و یك **فروغ** : (در حالات ومقالات زنان دانشمندان دیار.) و **مجمردوم** : در بیان حالات وخیالات شعرای معاصرین مشتمل بردو **پرتو** اوّل در افکار یاران معاصر و **پرتودوم** در حالات وآثاری از مؤلّف. و در الذریعه استکه «دفتر نه آسمان» را که مخصوص به شعرای معاصر خوداوست و دیوان شعریکه در حدود ده هزار بیت کتابت دارد نیز ازمؤلفات آذراست وخود وی در زیر شرح حالش گوید که دیوان شعرم که هفت هزار بیت بوده در نهب وغارت اصفهان از میان رفت و مدتی طبعم گویا نشده و در انجمن خاقان استکه بطرز بوستان شیخ سعدی کتابی پرداخته که معروف به «گنجینة الحق» میباشد وشامل نصایح وحکایاتی است.

این تذکره درحدود (۲۲۰۰۰) بیت کتابت دارد، تألیف آن پیش ازسال ۱۱۸۵ بوده چراکه وفات اسحق بیك متخلص به عذری که تذکره اسحق را از اشعار نقل شده درآتشکده ترتیب داده بدینسال بوده است ولی مسلّماً مؤلّف تا آخر عمر بر آن اضافاتی نموده چراکه وفات آنهائیکه پس از اسحق بیك بوده چون عبدالمجید درویش خطاط معروف متوفی بسال ۱۱۹۰ ودیگران درآتشکده درج گردیده وبسال ۱۲۹۹ دربمبئی چاپ سنگی شده است.

آغاز : بسمله در طوف حرم دیدم دی مغبچه ای میگفت

این خانه بدین خوبی آتشکده بایستی

فروغ آتشکدهٔ دل و زبانه اخگر زبان سپاس بی قیاس قدیمی است الخ.

(۱۰۹۸)

آتشکده آذر این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب درمتن وحاشیه نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، مرحوم اعتضادالسلطنه پشت صفحهٔ نخستین نوشته اند «از خطوط خوب میرزا کوچك اصفهانی است که از شاگردان معتبر درویش عبدالمجید علیه الرحمه بوده و این کتاب داخل قطعات است الخ». ومیدانیم که درویش (عبدالمجید) استادمعروف خط شکسته بسال ۱۱۹۰ وفات یافته است بنابرین نگارش این نسخه دراواخرقرن

دوازدهم یا اوائل سیزدهم بوده ، سرلوحی بسیار زیبا دارد و اطراف صفحهٔ اوّل و دوّم نسخه باظرافت تمام تذهیب و نقاشی شده و صفحات بجدول بطلا وعناوین را باشنجرف نگاشته است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۹) ۰ صفحه ای (۱۷) سطر ۰ طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض(۱۸ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲٦) .

(۱۰۹۹)

آتشکدهٔ آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده خود را علی‌اصغر معرّفی کرده وسال نگارش را چنین نوشته (۱۲۷) . از آثار و علائم ظاهراستکه صفر در مرتبه عشرات را نگذاشته نه صفر درمرتبه آحادرا بنابراین درسال ۱۲۰۷ نگارش یافته ، عناوین مطالب برخی باطلا وپاره ای باشنجرف نگاشته شده ، دارای یك سرلوح زیبا میباشد ، اطراف دوصفحه نخستین و میان سطرهای آن دو تذهیب ونقاشی شده وعناوین مطالب واشعار در وسط سرسوره هائی نوشته شده وتمام صفحات بجدول بطلا است .

جلدروغنی بسیارظریف دورو، یك طرف شامل تصویرحضرت مریم وحضرت زکریا وحضرت عیسی علیهم السلام هنگام ولادت وپس از آن وبعضی ازیاران ودیگران وتصویر کلیسا وطرف داخل حضرت مریم و حضرت عیسی علیهما السلام در وسط و اطراف آن نقاشیهای ظریف میباشد . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۸٦) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۹سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۷٤) .

(۱۱۰۰)

آتشکدهٔ آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده ، نویسنده خود را محمد رضا کاتب اصفهانی معرفی نموده ، ماه و روز نگارش را نوشته ولی‌سال‌رامعین ننموده ، ولی مسلماً درنیمه‌اول‌قرن‌سیزدهم‌بوده ، بسال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده ودراینجا تذکر داده شده که دارای (۸) صفحه صورت است ، امّاباتفحص کامل بیش از هفت (۷) صورت ندارد ، در حاشیهٔ برگ (٦۹) اعتضادالسلطنه یادداشتی بخط خویش مبنی براینکه درکتاب رجال و بلدان که دربلو فرانسوی

بفرانسه تألیف نموده درشرح حال خواجوی کرمانی گوید : « لقب وی ملك الفضلا بوده وچون اشعارش آبدار و سلیس بوده مردم وی را نخلبندالشعرا میگفته اند .
ونیز گوید صاحب تذکره هفت اقلیم گوید : چون دراشعار خود همه تلاش الفاظ غیر متعارفه کرده است بدانجهت ویرا نخلبندالشعرا گفته اند » .

اسامی شعرا گذشته ازاینکه درمتن نوشته شده درحاشیه برروی برگهائی طلائی با شنجرف نیز نگاشته شده و دارای یك سرلوح است و اطراف دو صفحهٔ اول تذهیب ونقاشی برگ موی گردیده وتمام صفحات بجدول بطلاست .

جلد روغنی دورویك طرف گل وبوته وبلبل ودر اطراف روی دوجلد غزل دربارزبرك و از بادهٔ کهن دومنی، خواجه حافظ بخط نستعلیق خوب نوشته شده و درطرف درون یکی تصویر بستکه شاید ازیوسف وزلیخا باشد و دو زن بالا و پائین این تصویر نیز ترسیم شده ودرون دیگری در وسط تصویرلیلی ومجنون ونیز تصویر دوزن بالا وپائین آنست . **کاغذ** فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۶۳) صفحه ای (۲۱) سطر . طول($\frac{1}{2}$ ۲۹سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۲۶۷۶).

(۱۱۰۱)

آتشکدهٔ آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق و بسال ۱۲۲۹ نوشته شده ، نویسنده ازعباراتی که درآخر کتاب نوشته مردی ادیب بوده ولی نام خود را تصریح ننموده و شرحی که در بیان علت نگارش این کتاب بعباراتی ادیبانه مینوشته بانجام نرسیده، حرکت دست وی در نگارش آن بسکون مبدل گردیده ، پس از نام ابوالقاسم هجری و شرح حال مختصر و آثار منتخبهٔ از او که آخرین کس ازمعاصرین مؤلف میباشد، نویسنده نسخه بشرح حال محمّدصادق متخلص به زری واخیراً به زیور که درهنگام نگارش نسخه ۱۸ سال داشته بانقل قصائد ومقطعات و غزلیات و رباعیاتی از او در ص ۵۸۶ تا ۶۱۱ نسخه پرداخته وبنابرآنچه گذشت تولد این محمّد صادق ۱۶ سال پس ازفوت آذر مؤلف آتشکده بوده وکاتب الحاق نموده است .

در حاشیه ص ۱۶۶ مقابل نام خواجواعتضادالسلطنه عین یادداشت نام برده دراوّل این صفحه را نوشته اند، دارای یك سرلوح وچهارده مجلس نقاشی میباشد ،

کنار دوبرگ نخستین تذهیب گردیده ، و میان سطر های آن طلا اندازی شده وتمام صفحات بجدول بطلا وعناوین باشنجرف نگاشته شده است .

جلد روغنی دورو ، برون یکی حرکت فتحعلیشاه قاجار برای شکار نقاشی شده وبرون دیگر جلد حالت شکار او را نشان داده و درون جلد اول شیرین و فرهاد را رسم نموده و درون دیگری ملاقات فرهاد شیرین را درهنگام شستشو نشان داده وبیرون جلد محتاج باصلاح است .

کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۰) . صفحه ای (۱۹) سطر .طول (۳۰سانتیمتر) . عرض(۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۸۲) .

[۴۸۳] الابیات الحسان المجردة من وفیات الاعیان (عربی)

وفیات‌الاعیان تألیف ابن خلکان وشامل شرح حال جمعی از دانشمندان تاقرن هفتم هجری میباشد وچنانکه دیده اید یکی از مأخذ مطالب این فهرست میباشد ، مؤلف درذیل نام بعضی‌ازآنهائیکه بشرح حال ومعرّفی آنها پرداخته ابیات واشعاری از منشآت ایشانراآورده ، دانشمندی که‌ازخود نام نبرده (بنابرتصریح درمقدّمه) بنا بخواست مصطفی آغا پسر قاسم آغا (۱) نام از اشعار مذکور (بترتیب وقوع آن دروفیات) انتخابی نمود و خاتمه آنرا دوبیت ازامام شافعی که در ذیل شرح حال ابوموسی یونس بن عبدالاعلی در وفیات میباشد قرار داده است و در حدود (۶۴۰۰) بیت شعرمیباشد ونامی صریحاً برای این مجموعه نگذارده ، ولی ازعبارت مذکور درانجام نسخه که زیراین سطرها نقل میشود نام کتاب برمی آید ، ازاینرو بدان نام معرّفی گردید ، بنام « اشعاروفیات‌الاعیان » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام براین کتابخانه وقف گردیده ویادداشت این دو موضوع پشت صفحهٔ نخستین نگاشته شده وتاکنون درکتابی نام جامع آنرا نیافته ام ، بقرینه اینکه کتاب را به شعر امام شافعی خاتمه داده احتمال دارد که شافعی مذهب بوده است .

---

(۱) با مراجعه به دانشمندان آذربایجان وقاموس اعلام ترکی و روضات وهفت اقلیم وشقائق نعمانیه والعقدالمنظوم بنام این پسر وپدر برنخوردم و زمان و دورهٔ آنها را هم ندانستم .

آغاز: بسمله حمداً لمن شرح لمن تجلی بالبلاغة صدراً و منح اهل الفصاحة عزا الخ .

انجام:

ما حكّ جلدكَ مثل ظفرك فتولّ انت جميع امرك
و اذا قصدت لحاجـــــة فاقصد لمعترف بقدرك .

(۱۱۰۲)

الابيات الحسان این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۲ نوشته شده ، نویسنده نام خودرا معیّن ننموده وجای بعضی ازموارد که بایستی باسرخی نوشته شود سفید مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰۰) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۱۴) .

[۴۸۴] الاسعاف (عربی)

این کتاب که مؤلف آن خضر بن عطاء الله موصلی متوفی بسال ۱۰۰۷ میباشد، شرح ابیات استشهاد شدهٔ در تفسیر کشاف و تفسیر قاضی بیضاوی است (۱) و مؤلف آنرا « الاسعاف فی شرح ابیات القاضی والکشاف » نامیده و یکی از گنجینه های ادبی و کتابهای پربها میباشد و بدبختانه تاکنون چاپ نشده است .

تألیف آن چنانکه در مقدّمه آن و سلافة العصر (۲) و قاموس الاعلام ترکی (۳) ثبت شده بنام ابوعلی حسن (۴) بن ابی نمی بن برکات که شریف مکه معظمه بوده ، بسال ۱۰۰۳ (۵) انجام یافته و صاحب سلافه بعباراتیکه ترجمهٔ مختصری از آنها درج میگردد این کتاب را ستوده :

« این مؤلفه کتابی استکه دیده روزگار به مانند آن روشن نگردیده و گلستانی مانند گلها و شگوفه های الفاظ ومیوه های معانی آن بار نداشته ونخواهد داشت » .

---

(۱) از این دو تفسیر درص ۹۰-۹۴ و ۱۵۸-۱۶۷ ج ۱ معرفی کرده ایم .

(۲) ص ۳۸۵-۳۸۸ چاپ اول مصر مراجعه شود .

(۳) ج ۳ ص ۲۰۴۸ مراجعه گردد .

(۴) درقاموس الاعلام حسین بن نمی ضبط شده ولی چنانکه درمقدمه این کتاب وسلافه ثبت گردیده حسن بن ابی نمی صحیح است .

(۵) مؤلف خود جمله : قد انتهی کتابی را که سال ۱۰۰۳ را معین مینماید ماده تاریخ ختم کتاب معین نموده است .

مؤلف ابیات دوتفسیرنام برده را موافق ترتیبیکه دردوتفسیر مذکورمیباشند (از سورهٔ حمد تا سورهٔ ناس) ذکر وبشرح آنها پرداخته و خود درطرز این کتاب گوید :

« دراین‌شرح چندچیزرا گردن گرفته‌ام، نخست آنکه‌هر بیت که فقط صاحب کشاف آنرا استشهاد نموده به سرخی و آنچه را فقط بیضاوی شاهد آورده بزردی و آنچه هر دو بدانها استشهاد کرده اند به رنك سبز نویسم تا از یکدیگر ممتاز باشند و چون بیتی را ذکر نمایم اول محل شاهد را بیان پس از آن لغات واعراب و آنچه متعلق باین دوازقواعد ادبی وقواعد عروض وقافیه میباشد بابیانی شافی وکافی ذکر و بعد از اینها گوینده بیت را نام برده وتتمه آنرا هم نقل مینمایم وبشرح حال گوینده وسبب انشاء آن باعباراتی مختصر ولطیف پردازم».

مؤلف این گنجینه ادب‌را بهمین نحو که امید داشته وملتزم شده باندازه ایکه مقام وموقع اجازه داده توفیق برتألیف یافته وبشرح وبسط پرداخته و در حدود (۳۲۰۰۰) بیت کتابت این شرح است .

خضربن عطاء الله موصلی بشهادت این کتاب از علماء امامیّه بوده و بتصریح مؤلف قاموس‌الاعلام (ترکی) ارجوزه‌ای هم در فضائل اهل بیت علیهم السلام تألیف نموده ولی نام این‌ارجوزه واین‌شرح (الاسعاف) در کشف‌الظنون نیست (۱) ودرسلافةالعصر مقامات علمی‌ودینی واخلاقی این‌مؤلف ثبت گردیده ودر آنجاست که شریف مکه حسن‌بن ابی علی‌بن برکات جائزه تألیف «الاسعاف» راهزاراشرفی (دینار) بدوداد و به او بمنتهی‌درجهٔ آرزویش اقبال وتوجه نمود وتا درمکّهٔ معظمه بود مورد عنایت ولطف بود ، وزیر شریف تقی معروف به ابن‌عتیق که مردی ظالم وبی‌باك بود خضر راخواست‌واورا بشهادت مطلبی‌باطل‌ودروغ ، برای بردن مالی بدون‌حق‌وادارنمود،خضر ازاین‌کار خودداری کرد، وزیر کینه اورابدل گرفت ودربد گوئی وی خود داری نداشت ، بدین پایه که ویرا نصرانی‌لقب داد وپیش شریف او را متهم کرد و فرمان بیرون کردن او را از مکه گرفت و بدون تأخیر همانوقت که‌اجازه گرفت(بسال ۱۰۰۷) اورابیرون‌فرستاد، شیخ‌خضر هم رو بمدینهٔ طیّبه‌آورده‌هنوز ازمکّه دومنزل‌دورنشده بود که وزیرفرمان داد بخانه وی ریختند

(۱) فقط درص ۳۱۴ ج ۲ گوید : وشرح شواهدالکشاف فی‌مجلدات لخضر بن محمدالموصلی نزیل مکةالمکرمه ذکرهالشهاب .

و آنچه نفائس داشت خود برداشت و بقیّه را چون اموال مردگان حراج کردند
این خبر که بخضر رسید همواندم جان بجان آفرین داد .

آغاز : بسمله اللّهم یاکشاف صبابة الاوهام بشموس شواهدالعلوم الخ .

(۱۱۰۳)

الاسعاف این نسخه را بخط نسخ محمد حسین نیریزی بسال ۱۲۷۷ (۱) نوشته و شامل تمام کتابست ، اوراقی جدول کشیده پیش از کتاب گذارده اند که اسامی شعرای مذکور در این نسخه در آنها ثبت شود ولی توفیق براین کار حاصل نگردیده و بریکی از برگهای ننوشته ایکه آخر کتاب بوده عبدالله منشی طبری اسامی جمعی ازشعرائیکه شرح حالشان دراین کتابست با قید صفحهٔ آنها بسال ۱۲۷۸ ثبت کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرك . شمارهٔ اوراق (٥٣٦) . صفحه ای (٢٥) سطر . طول (٣٥سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$ ٢١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣١٨) .

[٤٨٥] انجمن خاقان (فارسی)

این کتاب یکی از تذکره های کاملی استکه درزمان فتحعلیشاه قاجار نوشته شده ومؤلف آن **راوی** گروسی بایندری است (محمد ملقّب به فاضل ومتخلص به راوی متولّد درگروس از توابع همدان و از طائفه بایندری ترکمان متولّد بسال ۱۱۹۸ ومتوفی بسال ۱۲۵۳) (۲) چنانکه خود وی در آخر همین کتاب گفته شانزده

---

(۱) نویسنده نسخه این کتابخانه ونسخه کتابخانه معارف (کتابخانه ملی) : بنا برتصریح در آخروشها دت سبك هردویکنفراست ولی نسخهٔ آن کتابخانه ازلحاظ جدول کشی ونظم وترتیب کامل‌تر ازنسخه‌این کتابخانه است وآن نسخه بسال ١٢٧٤ خاتمه یافته وکاتب درآخر نسخهٔ متعلق به‌این کتابخانه دوغلط درآخر نوشته یکی اینکه سال‌اتمام‌را که ۱۰۰۳ بوده سبع وثمانون‌ما ئه بعد الف (کذا) وسال نگارش نسخه را : سبع و سبعون بعدالالف نوشته و مسلما هردو غلط و درسال ۱۲۷۷ نوشته شده وبسال ۱۰۰۳ تالیف گردیده‌است ودراصل کتاب‌هم‌سقط‌وغلط‌دارد .

(۲) این‌شرح‌بامراجعهٔ بخاتمه‌خود کتاب و ج ۹ روضة‌الصفاومجمع‌الفصحا ج ۲ (ص ١٤٢)والذریعه ج ۲ ص ٣٦٥ نگاشته شد و تاریخ فوت نام برده ازمجمع‌الفصحا وروضة‌الصفا نقل گردیده ولی مولف‌الذریعه درحدود سال ۱۲٦۰ نقل کرده اند .

سال داشته که پدرش بدرود زندگانی گفته او نیز در آنسال گروس را بدرود کرده ودر شهرهای ایران گردش نموده ودر هنگام پادشاهی فتحعلیشاه بطهران آمده، بوسیله ملك الشعرا فتحعلیخان صبا حضور پادشاه چنین معرفی گردیده که جوانی است راوی اشعار دانشمندان و اورا جاحظ عجم توان دانست ودارای استعداد و لیاقت است . اجازه باریافتن یافته ومورد لطف ومرحمت گشته وبروایت اشعار (بگفته صاحب مجمع الفصحا : راوی مدائح خاقانی شده) اختصاص یافت و درسلك غلامان دربار منسلك ودر حضر وسفر ملازم بوده و مأمور به تکمیل تحصیلات ادبیّه گردیده وبسال ۱۲۳۴ بنگارش این تذکره مشغول وبگفته خود در پنج ماه آنرا تمام نموده وپس ازفتحعلیشاه قاجارخانه نشین گردید و آقا محمد شاه ماهیانه ای بدو میرسانید .

مؤلف خود این تذکره را که در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد « انجمن خاقان » نام گذارده و دارای مقدّمه و چهارانجمن وخاتمه ای بدین تفصیل میباشد : مقدّمه در ذکر شمّه ای از آثار شهریار گردون اقتدار . **انجمن اول :** در شرح حال فتحعلیشاه و اجداد وی و ایل قاجار و شمّه ای از اشعار و آثار وی و شمارهٔ کتب نفیسه دربار ایران و بیان چیزهای نفیس و گرانبها . **انجمن دوم :** در خلاصه احوال وافکار ملکزادگان ومعدودی از نوبینان (۱) عظام این سلسله و بعضی ازبزرگان سلسلهٔ قاجار (در این انجمن شرح حال ۱۶ نفر ومنتخباتی از اشعار آنان درج شده) . **انجمن سوم :** درشرح حال و منتخبی از اشعارشعرائیکه به دربار این پادشاه باریافته اند(دراین انجمن نام ۴۳ نفر واشعاری از آنها درج شده ودربارهٔ ملك الشعرا فتحعلیخان صبا که ولی النّعمه وی بوده شرحی مبسوط نگاشته است) . **انجمن چهارم :** در ذکر نام شعرای شهرهای ایران که معاصر یا نزدیك بعصر مؤلّف بوده اند (در این انجمن بشرح حال ۱۱۹ (۲) نفر شاعر

(۱) نوبینان : نوبین باثانی مجهول بروزن موبین بمعنی اول نویان است که پادشاه زاده باشد وملوك وسلاطین را که خویش وقوم وقرابت باشد نیز بدین نام خوانند (برهان قاطع) .

(۲) درالذریعه نوشته شده که این تذکره شامل حال پنجاه و پنج نفرازمعاصرین مؤلف میباشد درصورتیکه ازنقل شماره های بالا بدست آمد که بااضافه شرح حال پادشاه ومؤلف این تذکره شامل شرح حال وآثار ۱۷۸ شاعر است .

ونقل آثاری از آنها پرداخته). خاتمه درشرح مختصری ازحالات مؤلّف و ۲۷ بیت ازاشعار اوست .

آغاز . بسمله زیب انجمن خاقان که زینت بزم زمان بادء نام بدیعی‌است جلّ شأنه الخ .

(۱۱۰٤)

انجمن خاقان این‌نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳۶ نگارش یافته ، دو صفحه نخستین تذهیب شده و نیز آغازه. انجمن سرلوح وتذهیبی موجود وپیش از آن نام های آنانکه در آن انجمن نام برده میشوند درجدولهائی باشنجرف نوشته شده و در حاشیهٔ صفحه ایکه شامل پاره ای ازشرح حال و آثار سلیمان بیدگلی کاشانی‌متخلّص به صباحی میباشد بسال ۱۲۸۳ اعتضادالسلطنه بخط خود یادداشتی‌مبنی براینکه‌آنچه صاحب‌این‌تذکره وسحاب‌درتاریخ خود درباره سال وفات این‌مرد نوشته اند(سال۱۲۰۷) درست نیست چراکه وی درقصیده‌ایکه درخود این کتاب هم ثبت شده فتحعلیشاه را با تصریح بشاهی وی مدح نموده و جلوس این پادشاه بسال ۱۲۱۲ بوده واگربگوئیم درزمان حیات آغا محمد خان ویرا باخطاب شاهی مدح نموده زیاد مستبعد است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲٦٤) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($\frac{1}{2}$-۳۱ سانتیمتر) . عرض($\frac{1}{2}$-۲۱ سانتیمتر)شمارهٔ کتابخانه (۲۹۵) .

[٤٨٦] **تحفه سامی** (فارسی)

سام میرزا پسرشاه اسمعیل وبرادر شاه طهماسب صفوی میباشد (متولد بسال ۹۲۳ ومتوفی بسال ۹۷۵) (۱) ، شاهزاده ای دانشمند ودانش دوست بوده ، طبعی لطیف داشته ، حکومت قندهار یافته و بربرادر بارها خروج نموده وبخشیده شده ، بارآخر که خروج‌نمود درقلعهٔ قهقههٔ زندانی‌شد ودر آنجاباولاد خویش بسر میبرد درسال‌مذکور درهنگامیکه‌باد و پسرالقاص‌میرزا (سلطان‌احمدو سلطان‌فرّخ) در آن قلعه‌نشسته‌بودنددراثرزمین لرزه بسیارسخت‌منزل برسرایشان‌فرود آمدوروحشان از بدن پرواز نمود .

بسال ۹۵۷ تذکره‌ای بنام « تحفهٔ سامی » (در دیباچهٔ ادیبانهٔ آن که حاکی از قدرت کامل بر نثرنویسی وی میباشد بدین تسمیه تصریح شده) تألیف نمود و آنرا بر هفت صحیفه قسمت نموده:

صحیفه اول: در ذکر شمّه‌ای از احوال شاه اسمعیل و اولاد و احفاد او و پادشاهان معاصر وی. **صحیفه دوم**: در ذکر سادات عظام و علمای افادت اعلام (در این فصل سادات از علما معاصر نامبرده شده‌اند). **صحیفه سوم**: در ذکر علماء اگرچه شاعر هم نبوده اند. **صحیفه چهارم**: در ذکر وزراء مکرم و سائر ارباب قلم. **صحیفه پنجم**: در ذکر شاعران مقرر و فصحای بلاغت گستر (در این فصل از عبدالرحمن جامی متوفی بسال ۸۹۸ که درك حیاة شاه اسمعیل را کرده شروع و معاصرین خودرا نام برده است). **صحیفه ششم**: در ذکر طبقهٔ ترکان و شعرای مقرّر ایشان (در این فصل از امیر علیشیر نوائی متوفی بسال ۹۰٦ شروع نموده). **صحیفه هفتم**: در طرفه گویان مقبول الکلام و ایراد سائر عوام (در این صحیفه کارگران و خنیاگران و دیگران از معاصرین خود را که گاهی بیتی گفته اند نام برده است).

چنانکه در دانشمندان آذربایجان (ص ۱۷۷) بنقل از « احسن التواریخ » و « تکملة الاخبار » نقل گردیده این تذکره شامل ترجمه احوال ۷۱٤ نفر از شعرای معاصر مؤلف میباشد و دیوانی هم نزدیك به شش هزار بیت از ایشان دیده شده است.

این تذکره را آقای وحید دستگردی مدیر و مؤسس مجلهٔ ارمغان بسال ۱۳۱۵ خورشیدی در طهران چاپ کرده اند.

آغاز: بسمله لله الحمد قبل کل کلام   بصفات الجلال والاکرام
حمد او تاج تارك سخن است   صدر هر نامهٔ نو و کهن است.

(۱۱۰۵)

تحفه سامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش در آخر این نسخه نام نبرده ولی همین نویسنده « شبستان خیال » فتاحی را (در فصل ادبیات از آن معرّفی میشود) بسال ۹۸۳ در

ماه صفرالمظفر نوشته وپیش ازاین تذکره دریکجلد گذارده شده وجای هیچگونه تردیدی نیست در اینکه تحفه نیزخط نویسنده نام برده است ، دارای یك سرلوح کوچك زیبا وصفحات بجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشنجرف میباشد و زیر آخرین سطر نسخه آثار محو جمله ایست .

جلد چرمی ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك. شمارهٔ اوراق دو کتاب (۲٦۱) . تحفه سامی (۱۷٤) . صفحه‌ای (۱۵) سطر. طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱٤سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۱) .

[٤۸۷] تحفة العراقین (فارسی)

این مثنوی یکی ازمنشآت خاقانی شیروانی شاعرشهیر میباشد ، کمتر کسی استکه اندك سروکار به ادب و ادبیات داشته باشد و بخوبی این حکیم دانشمند و شاعر سخن سنج را نشناسد ، قصیده ایکه دراثر تأثر ازمشاهدهٔ آثار مدائن واظهار روح ایرانی‌خویش انشا نموده (۱) هرکودك دبستانی آنرا بخاطرسپرده وبدین اثر او را میشناسد، عرفا ودانشمندان او را بدیوان قصائد وغزلیات وتحفة‌العراقین میشناسند واطلاع برلغت فارسی وعربی ومباحث فلسفی وطبی وملل ونحل(۲) وفنون ادب وقدرت طبع وی از اشعار او بخوبی ظاهر وهویداست .

هرکس که تذکره‌ای نوشته‌درخورفهم‌خویش‌دربارهٔ این‌دانشمندچیزی نگاشته وبنابراطلاعیکه‌اینك‌نگارنده یافته‌نزدیکترین آنهابعصروزمان‌وی عوفی‌درلباب‌الالباب (ج۲ص۲۲۱)وپس‌ازآن‌قزوینی‌درآثارالبلاد ذیل‌شروان‌وحمدالله‌مستوفی‌درتاریخ گزیده (ص ٦۳۵ نسخهٔ کهنهٔ این کتابخانه) و دولتشاه سمرقندی درطبقهٔ دوم از تذکرهٔ خود (ص ۵۱ - ۵٤ نسخهٔ خطی این کتابخانه) و جامی در نفحات‌الانس وامین احمد رازی درهفت اقلیم (ص ۱۰۵۸ - ۱۰۷۳ نسخهٔ خطی این کتابخانه)

---

(۱) مطلع این قصیده اینست :

هان ای دل‌عبرت بین ازدیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان

(۲) درقصیده ایکه مطلع آن اینست :

فلك کجروتراست ازخط ترسا مرا دارد مسلسل راهب آسا

بسیاری از اصطلاحات نصارا را ذکر نموده وبسیارخوب سروده وبرآن‌شرح نوشته شده واز سائر اشعار وی اطلاعات دینی او بخوبی ظاهراست .

و قاضی شوشتری در مجالس‌المؤمنین (مجلس ۱۲ ص ۵۰۸) و آذر در آتشکده (ص۳۹) وهدایت درمجمع الفصحا (ج ۱ ص۲۰۰) و آقای تربیت درمجله گنجینهٔ فنون(شمارهٔدوم‌سال۱۳٤۱)ودردانشمندان آذربایجان(ص۱۲۹-۱۳۲)و آقای محمّد علی‌ناصح کارمند کنونی‌وزارت فرهنگ‌درمقالهٔ‌مفصلی‌و آقای‌میرزامحمّدخان‌قزوینی درحواشی چهارمقاله عروضی (ص۱۵۱) و آقای بدیع الزمان در سخن‌و سخنوران (بخش‌اوّل از جلددوّم ص۳۰۰-۴۰۳) ودرسال گذشته‌نیز آقای تربیت‌در مجلهٔ‌مهر (شمارهٔ ۷ سال پنجم ، آذرماه ۱۳۱٦ ص ٦۵٦ - ٦٦۱) در زیر عنوان « مثنوی و مثنوی گویان » آخرین کس‌اند که در بارهٔ این شاعر بزرگ شرح‌نگاشته اند .

اینك نگارنده مختصری دربارهٔ این دانشمند بزرگ درخور لیاقت واستعداد خویش مینگارد :

خاقانی چنانکه خود درهمین کتاب (تحفة‌العراقین)تذ کرداده **بدیل** (۱) نام داشته وپدروی چنانکه خود تصریح نموده شیخ‌علی نجارشروانی‌است (دراواخر تحفه گوید «ازسرخلایقم‌سبك‌بار - برمائدهٔ علی‌نجار » وپس ازچند بیت گوید : آیا پدری بود بدین سان - کزبهرجگرفدا کند جان) . و بر حسب تحقیق تولّد وی بدست نیامده ولی مسلما در اوائل قرن ششم بوده و در سال وفات وی اقوال زیاد است (۵۳۲ و۵۷٤ و۵۸۱ و۵۸۲و۵۹۵) محققین سال۵۹۵را ترجیح داده‌اند، در این‌موضوع بمآخذ نام برده بالا مراجعه شود که هریك سالی را معین کرده‌اند.

ونیز بنابرتصریح‌تذکره‌نویسان‌واشارهٔ‌خوددر دیباچهٔ‌تحفه ، پیش‌از آنکه خاقانی

---

(۱) خود در اوائل مقالهٔ پنجم گوید :

ور جزدرتست سجده جایم پس من نه بدیل بوالعلایم

ونیز درجای دیگر گوید :

بدل من آمدم اندر جهان سنائی را از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد

درسخن‌وسخنوران‌مصراع‌دوم : بدان‌دلیل پدر نام من بدیل نهاد . ثبت شده، جامی وامین‌احمد رازی‌نیزخاقانی‌را بنام بدیل معرفی کرده اند ولی بعضی‌اورا ابراهیم و پاره ای‌عثمان‌نامیده و دسته‌ای‌جمع‌میان بدیل‌وابراهیم کرده‌اند.

تخلص کند حقائقی تخلص میکرده وچون بوسیلهٔ پدرزن خویش ابوالعلاء گنجه‌ای(۱) بخدمت خاقان منوچهر شروانشاه (۲) پیوسته خاقانی تخلص نموده (۳) وسالها در این دربار بمدّاحی اشتغال داشته وچون ازاین کارخسته شد وروح عرفانی بروی چیره گردید ، پروانه گوشه نشینی وپرداختن بخویشتن خواست ، پادشاه نپذیرفت ازشروان به بیلقان فرار کرد ، چاکران پادشاه او را گرفته و بآستان آوردند ، خاقان او را در قلعهٔ شابران زندانی نمود ، هفت ماه درآنجا بسر برد ، چون از زندان درآمد رو به کعبه نمود . مادرش عیسوی مذهب بوده واسلام (۴) اختیار کرده ، خاقانی دراواخر تحفة اطلاعات سودمندی ازخانوادهٔ خویش بدست میدهد و در اینجاست که عمویم مرا **حسان العجم** لقب داده و در اواخر تحفة زیرعنوان تشکر ازالطاف عموی خویش گوید :

چون دید که درسخن تمامم حسان عجم نهاد نامم .

معاصرین وی وعموم تذکره نویسان او را به لقب افضل‌الدین ستوده ونام برده اند ودرزمان خویش شهرت زیاد یافته ومعاصرین بروی حسد ها برده‌واورا بزحمت و رنج فکری وجسمی انداخته اند .

بااین خصوصیات استادی وی پیش همه مسلّم وسبك او ممتاز وتاادب وادبیات درجهانست وی چنانکه خود گفته پادشاه سخن است .

---

(۱) این شاعر نیز از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد وچنانچه در ص ۳۳۹ بخش اول ج ۲ سخن وسخنوران نوشته شده بسال ۵۵۴ وفات یافته است .

(۲) راجع به نسب این پادشاه که بعقیدهٔ بعضی ازمورخین به **بهرام** چوبینه میرسد و برخی اورا ازاولاد انوشیروان میدانند ، درهفت‌اقلیم شرحی نگارش یافته ، وپدران اورا تاانوشیروان نام‌برده و گوید دوازده نفرازاولاد وی نیز درآنجا سلطنت کرده اندونام آنهارا نیز برده‌است .

(۳) چنانکه ازقطعه ابوالعلا درهجو وشکایت خاقانی برمیاید این تخلص را او به خاقانی داده :

چوشاعرشدی نزد خاقانت بردم لقب نیز خاقانیت بر نهادم

و درهفت اقلیم و تذکره دولتشاه زیرشرح حال ابوالعلا گوید درهجو خاقانی گفته :

تو ای افضل‌الدین اگر راست گوئی بجان عزیزت که از تو نه شادم

دروگر پسر بود نامت بشروان بخاقانیت من لقب بر نهادم

(۴) در اواخر تحفه درمدح و ستایش مادرخود گوید :

بس کرده گزین بعقل و الهام بر کیش کشیش دین اسلام

از آثار وی دیوان قصائد و غزلیات اوست که در حدود بیست و دو هزار بیت (۲۲۰۰۰) در آنست و دیگری همین مثنوی است که بنام « تحفة العراقین » مشهور میباشد و مثنوی دیگری بنام ختم الغرائب دارد که از آن معرفی میشود و مکاتیبی از او در دست است. (چند مکتوب ضمیمهٔ شمارهٔ ۶۰۰ کتابخانه میباشد و برخی در مجلّه ارمغان چاپ گردیده).

تحفة العراقین بوزن مثنوی ساخته شده، و چنانکه از خود کتاب و قرائن خارجی بدست میآید(۱) بسال ۵۵۱ انشاء گردیده و مسلّماً خاقانی در سفریکه از راه همدان بحجاز رفته در موصل بسرودن آن پرداخته و خود گوید چهل روز(۲) نظم آن طول کشیده و آنرا به شش مقاله (هریك بنامی) بدین تفصیل مرتب نموده: ۱ ـ عرائس الفکر و مجالس الذکر. ۲ ـ معراج العقول و منهاج الفحول. ۳ ـ سبحة الاوتاد، در وصف بلاد عراق و همدان و بغداد و وصف مردمان بزرگ و دانشمند این شهرها. ٤ ـ شوارد الاوراد و خزانة الاوتاد، در شرح کوفه و مکّه معظّمه و غیر اینها. ٥ ـ هدیة المهتدی الی الهادی در وصف مدینه طیّبه و نعت حضرت رسول ص. ٦ ـ (بدون نام است) در مدح شام و موصل و مدح جمال الدین وزیر و در این مقاله نیز بمدح جمعی از دانشمندان پرداخته و از خاندان خویش اطلاعاتی سودمند بدست میدهد و در ابتداء هریك از مقالات مقاله ای در وصف آفتاب انشا نموده و روح تصوّف خود راهم در تمام این مقالات جاداده ولی چنانکه امید بلکه گمان داشته (۳) بسنائی و شاید چند مرحله پائین ترهم نرسیده است.

خاقانی درمقدّمه این تحفه دیباچه ای به نثر با کمال قدرت ادبی انشاء نموده و ابیات تحفه در حدود (۳۲۷۱) شعر میباشد و بسال ۱۸۵۵ م در هندوستان چاپ شده است.

آغاز: بسمله خیر ما اعتصم المرء بحباله کلمة الحق المقصور باله .... **اما بعد** این تحفه تذکره ایست بل تبصرهٔ عقلاء عهد از این مجنون الهی ....

مائیم نظارگان غمناك   زین حقّهٔ سبز و مهرهٔ خاك   الخ.

---

(۱) به متن و حاشیهٔ ص ۳۲۷ بخش اول جلد دوم سخن و سخنوران مراجعه گردد.

(۲) دراواخر تحفه گوید: من اینهمه گوهر از سر کلك   راندم بچهل صباح از کلك.

(۳) این بیت خاقانی این آرزو را میرساند:

بدل من آمدم اندر جهان سنائی را   از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد.

انجام: این دعوات را بگاه تهلیل آمین آمین کناد جبریل .

(١١٠٦)

تحفة‌العراقین این نسخه درابتداء دیوان خاقانی گذارده شده ، بسال ١٠١٣ بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، نویسنده نام خود را رقم ننموده ، در ابتداء دیباچه سرلوح زیبائی است ولی قسمتی از آن ضایع گردیده و نیز در ابتداء مقاله اولی سرلوح ظریفی میباشد و دیوان خاقانی راضمیمه دارد و آن‌نیز دارای‌دوسرلوح میباشدوخصوصیات آن پس‌ازاین‌نگاشته‌خواهدشد، پشت برگ نخستین یادگار های بچه‌گانه و غیره است ، برگ هائی‌از اوّل و برگ آخر تحفه وّصالی شده و اوراق آن بجدول بطلا وزنگار وشنجرف است .

جلد روغنی گل و بوته دورو وهستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق کلیه (٢٨٤) این نسخه (٦٢) . صفحه ای (٢٠) سطر . طول (٢٤ ½ سانتیمتر) . عرض (١٥ ½ سانتیمتر) . ضمیمهٔ‌شمارهٔ کتابخانه (٤١٠).

(١١٠٧)

تحفة‌العراقین این نسخه را بخط نستعلیق خیلی‌خوب محمد مسیح ابن‌مولانا نویدی شیرازی بسال ١٠٦٣ نوشته و همین نویسنده « لیلی ومجنون » مکتبی را که درهمین فصل معرّفی خواهیم نمود ، نوشته وبدین نسخه پیوسته است ، درابتداءدیباچه‌واصل تحفه هریك‌سرلوحی‌زیباترسیم گردیده‌واطراف صفحهٔ سرلوح دار و صفحهٔ مقابل نیز تذهیب ظریفی شده ، صفحات بجدول بطلا ولاجورد وعناوین‌مطالب باطلانگارش یافته وپشت برگ نخستین‌وبرگیکه پیش ازآنست دویادداشت بخط شاهزاده فرهاد میرزا بامهر وامضاء وی موجود است .

جلد روغنی ظریف و در دوطرف خارج آن ترسیم لیلی مجنون و دوطرف داخل گل وبوته است . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق کلیه (١٧١) این‌نسخه (١٠٤) . صفحه ای (١٧) سطر . طول (١٦ سانتیمتر) . عرض (٨ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٦٣) .

(١١٠٨)

تحفة‌العراقین این‌نسخه رابسال ١٠٣٢ قادرك آقا بیوری (کذا) بخط شکسته نستعلیق نوشته ، دیباچه و ٨٥ بیت از ابتداء آن افتاده ،

نویسنده عناوین رانگاشته ، حواشی نسخه آب دیده ولی خطوط آن چندان ازمیان نرفته ، یکی دو برگ آن وصّالی گردیده ، پشت آخرین ورق ابن اولغ خان بك محمد ابراهیم طسوجی که بقرینه تاریخ مهراسم وی (۱۱۱٦) ازدانشمندان قرن دوازدهم هجری بوده ، مالکیت خودرا یادداشت نموده ونویسندهٔ دیگری قسمتی ازعوامل جرجانی منظوم را پس از ختم کتاب نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲٦۷) .

(۱۱۰۹)

تحفة العراقین این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمدبن عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۳۷ نوشته وپس از آن شروع بنوشتن « عبرت نامه» فتحعلیخان صبا نموده (درهمین فصل از آن معرفی خواهد شد) وبر کنار آخرین ورق تحفه وچندین ورق نوشته پس از آن واوراق آخر عبرت نامه ابیات ومطالبی بسال ۱۲۹۲ نگارش یافته وظاهراً نویسندهٔ آنها اعتضاد السلطنه است .

صفحات نسخه مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف وداراى یك سرلوح درابتداء دیباچه میباشد وعناوین را باشنجرف نوشته است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ کلیه اوراق (۹٦) . این نسخه (۸۳) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱۱) .

(۱۱۱۰)

تحفة العراقین این نسخه بخط نستعلیق در متن و حاشیه نوشته شده و نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده و ظاهراً خط اوائل قرن سیزدهم هجری است ، مقاله ای بوزن مثنوی و بنام « تحفة الغرائب » همین نویسنده نوشته و آنرا ضمیمه تحفه قرار داده و در ص ۲۰۵ و ۳۰۵ از آن معرفی میشود ، پشت صفحهٔ نخستین بخط شکسته نستعلیق شرح حالی از خاقانی نگارش یافته ، اطراف دو صفحه اوّل نسخه بازنگار نقاشی شده و عناوین را با شنجرف نوشته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (١٠٥) این نسخه (٨٨) . صفحه‌ای (١٠) سطر . طول(١/٢ ٢٠ سانتیمتر) عرض (١٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٢) .

(١١١١)

تحفة العراقین این نسخه بدون تاریخ ونام نویسنده است ، دیباچه و ٣٥ بیت ازابتداء نسخه افتادهٔ و آغاز کنونی آن اینست :

زرپاشی و ناگشاده گنجی - تب داری و ناکشیده رنجی . فقط چند عنوان اوائل نسخه باسرخی نوشته شده وبرورقیکه پیش از برگ نخستین نسخه است ، یادداشت شده که بسال ١٢٨١ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده ، اصل نسخه ظاهراً درقرن یازدهم هجری نگارش یافته ، برخی ازاوراق وصالی شده ودرتمام آنها آثارموریانه است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (١٣٣) . صفحه ای (١٢) سطر . طول . (١٨سانتیمتر) . عرض (١/٢ ١١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٦٨) .

[٤٨٨] تذکره اسحق (فارسی)

اسحق بیك ، برادر کوچکتر حاج لطفعلی آذر بیگدلی شاملو ، مؤلف آتشکده بوده و در جوانی در گذشته ، در غزلسرائی سلیقه خوبی داشته و **عذری** تخلص میجسته و بسال ١١٨٥ وفات یافته ، راوی گروسی که نزدیك بعصروی بوده درانجمن چهارم از انجمن خاقان زیر عنوان **عذری** ایشان را نـام برده و گوید : «گویند آدمی منش و سلیم النفس صبیح الوجه کریم الطبع بوده . . . . وقتی یکی از اصدقای او را بولایت خود اندر ، ادراك صحبت کردم ، گفتی بروز تشییعش که از خاص و عام پیرامن تابوت را ازدحامی بود ، مرا باحضرت آذر ضیق ممرقرب معبرداد ، شنیدم که باانین خفیف و حنین حزین این شعر برادر را که در قافیه لازم مذکور است همیخواند فرد کدامین ماه را یارب درین محمل بود منزل

که محمل میرود ازشهروشهری ازپی محمل !

رحمة الله علیهم جمیعاً جناب صباحی تاریخ وفاتش را گفت :

بادا دربهشت جاودان اسحاق بیك . = ١١٨٥ (١) » .

---

(١) آتشکده آذر ص ٤٢١ ، مجمع الفصحا ج ٢ ص ٤٥٣ وانجمن چهارم انجمن خاقان دیده شود.

آذر پیش از راوی نیز در آتشکده عذری را نام برده و ٤٦ بیت از او راهم انتخاب نموده و راوی ٢٥ بیت و هدایت در مجمع الفصحا ١٨ بیت از منتخب آذر را در تذکره خویش (آتشکده) نقل نموده اند .

راوی و هدایت در دو کتاب خود نگاشته اند که اسحق بیك اشعار آتشکده را بترتیب قافیه آنها فقط با ذکر نام شاعر بدون شرح حال آنها مرتب نموده (مراد همین تذکره است) و تذکره ای ساخته است .

اسحق بیك این تذکره را چهار بخش نموده : ١ ـ قصائد . ٢ ـ مقطعات . ٣ ـ غزلیات . ٤ ـ رباعیات . و در هریك از بخشها ابیات شعرای نام برده در آتشکده را بامراعات حروف اواخر آنها بترتیب حروف تهجی (از الف تا یاء) مرتب نموده و تقریباً در این تذکره (٧٢٠٠) بیت شعر وجود دارد و باد قتیکه نگارنده نمود بسیار کم اتفاق افتاده که شعری از آتشکده در این تذکره نباشد و برای اعتماد باینکه این تذکره مرتب شده از اشعار آتشکده میباشد اشعار منتخبه از حافظ شیرازی را از آن تذکره در این تذکره اسحق جستجو کرده بدون نقص یافتم .

آغاز: بسمله عاشق اصفهانی :

تاجر عشقم بکف مایهٔ سودم وفا　　تا که شود مشتری تا چه دهد در بها

انجام: مهستی گنجهٔ :

آنی که بهیچ کس تو چیزی ندهی　　صد چوب مغول خوری مویزی ندهی

سنگی که از آن روغن کنجد گیرند　　گر بر شکمت نهند تیزی ندهی .

(١١١٢)

تذکره اسحق

این نسخه بخط ستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، است ٤ /١٣٧ وارد کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده ، از طرز خط و تذهیب دو سر لوح زیبائی که در ابتداء تذکره و آغاز بخش غزلیات میباشد ، احتمال قوی میدهد که در اوائل نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری برای کتابخانه همین شاهزاده نگاشته شده و اطراف دو صفحهٔ

اوّل نسخه و اوّل بخش غزلیات تذهیب برگ موی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد است.

جلد تیماجی مذهب. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۲۳۲). صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر) عرض (۱۵ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۱۶).

(۱۱۱۳)

تذکره اسحق این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده، پیش از شروع بنگارش تذکره ساقی نامه (مثنوی) انشائی فتحعلیشاه را (۹۶ بیت) که آغاز آن:

چمن تازه شد باز چون روی یار بده ساقی آن بادهٔ خوش گوار

وآخر آن این بیت میباشد:

(زجان و دلت هست خاقان غلام سخن ختم کردم بدین والسّلام)

نویسنده تذکره نوشته و پس از این دیگری چهار بیت از منوچهری نگاشته، پشت صفحهٔ نخستین تذکره دخول این نسخه به کتابخانه یکی از شاهزادگان (نام اورا نبرده است) بسال ۱۲۲۷ یادداشت گردیده، ودر حاشیهٔ بسیاری از صفحات اشعاری از **آزاد کشمیری** و میرزا اسمعیل خان متخلّص به خرسند شیرازی و **ولی محمد میرزا** متخلص به **خسته** و محمد علیخان متخلص به مهر که ظاهراً بخط خود آنهااست نوشته شده و گوشهٔ اوراق نسخه سوخته و وصالی گردیده و پشت صفحه نخستین نسخه نیز بسال ۱۲۵۷ که تاریخ ورود آن به کتابخانه یکی دیگر از شاهزادگان (نام وی و مهر اورا محو کرده اند) را میرساند، نگاشته شده و از بخش رباعیات قسمتی ازردیف الف وقسمتی از ردیف حرف یاء و تمام قسمتهای حرف باء تا حرف هاء افتاده است.

جلد تیماج. کاغذ آبی رنگ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۲۰۲). صفحه‌ای (۱۳) سطر. طول (۲۱ ½ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۳).

(۱۱۱۴)

تذکره اسحق این نسخه بسال ۱۲۲۷ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده، برورقیکه پس از آخرین صفحه تذکره میباشد نویسنده خود را

عبدالمحمد همدانی معرفی کرده وگوید کـه این تذکره را بخواست شاهزاده شیخعلی میرزا درهنگام حکومت ملایر ایشان درسال نامبرده بالانوشته وقسمتی از برگ نخستین پاره شده وبرگ دوّم وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی آبی رنك . واقف سپهسالار. قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹). صفحه ای (۱۹) سطر . طول (½ ۳۳سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۲) .

[۴۸۹] تذکره حسن چلبی = تذکره قنالی زاده (ترکی)

مؤلف این تذکره حسن چلبی مشهور به قنالی زاده است (حسن بن علی بن امرالله متوفی بسال ۱۰۱۲) (۱) که از ادبا وشعرای قرن دهم هجری بوده و این مؤلفه بهترین گواه برعلوّ مقام ادبی اوست ، حاجی خلیفه گوید : در این تذکره آنچه دیگران در تذکره هـای خویش نوشته اند باانداختن زوائد آنها و اضافه لطائف وفوائدی، باانشائی لطیف تألیف گردیده وبهتر ازهمه شده . مؤلف فهرست کتابخانه خدیویه عین عبارت کشف الظنون را درمعرّفی این تذکره نقل نموده وآغاز آنرا که درکشف الظّنون نیست ذکر کرده است .

درآخر مقدّمه این تذکره (برگ ۲۵ نسخه زیرین) مؤلف گوید این تذکره را بدین ترتیب مرتب کرده ام : **فصل اول** دربیان حالات پادشاهان گذشته (از سلطان مرادبن سلطان محمد ۸۲۵ - ۸۵۵ شروع نموده) . **فصل دوم** در اوصاف شاهزادگان . **فصل سوم** در شرح حال علما وشعرا بترتیب حروف تهجّی .

ومقدمه‌ای درمعرفی از خود واین کتاب وپادشاه عصر (سلطان مراد ثالث) باکمال قدرت ادبی (بشهادت دانشمندان ترك نژاد) در ۲۰۰۰ بیت پیش از شروع به فصل نخستین، حاوی ابیاتی بعربی وترکی ازخود و دیگران انشاء نموده و تمام این تذکره در

---

(۱) مؤلف فهرست کتب ترکی کتابخانه خدیویه (ص ۱۸۱) نام این مؤلف و پدر و جد اورا بدینگونه که نقل نمودیم باتصریح شهرت وی به قنالی زاده وسال وفات وی ضبط نموده و چهار نسخهٔ که بسال ۱۰۱۰ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۸۷ نوشته‌شده‌اند در آن کتابخانه نشان داده شده ولی چنانکه می بینید نسخهٔ این کتابخانه کهنه تر از آنهاست و در قاموس الاعلام ترکی (ج ۳ ص ۱۹۵۰) مؤلف را فقط بنام حسن چلبی معرفی وسال وفات وی را ۱۰۱۳ نوشته و در کشف الظنون (ج ۱ ص ۲۷۵) نام وشهرت وی نوشته شده وسال وفات او را نیز ۱۰۱۲ معین کرده است .

حدود (۲۸۵۰۰) بیت کتابت دارد وچنانکه در آخر آن تصریح شده بسال ۹۹۴ تألیف این تذکره خاتمه یافته است .

آغاز : سرنامهٔ صحائف انّ هذه تذکرة که مفتاح خزائن تبصره در الخ .

(۱۱۱۵)

تذکره حسن چلبی

این نسخه را بخط نستعلیق ، **اولان رمضان** نام بسال ۱۰۰۲ نوشته ، دارای یك سرلوح ظریفی است که در میان ترنج آن **تذکرة الشعراء لحسن چلبی قنالی زاده** نگارش یافته ، برگ نخستین وچندین برگ ازاواخر وصّالی شده ، کناربسیاری ازاوراق آبدیده و مجدول بطلاست ، عناوین و اسامی اشخاص با طلا نگاشته شده ، پشت نخستین برگ یادداشتهائی است وبخشی ازیکی ازآنها را محو کرده‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۴۴) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۰) .

[۴۹۰] تذکرهٔ خوشگو = سفینهٔ خوشگو (فارسی)

این تذکره چنانکه جامع و مرتب کننده اخیر آن **دری شوشتری** تصریح نموده واز خود آن نیز برمی آید سفینه نام داشته وقسمت دوّم ازچهار قسم تذکره‌ای بوده که مؤلف آن شاعری **خوشگو** تخلص ، شاگرد میرزا محمد افضل متخلص به **سرخوش** (متولد بسال ۱۰۵۰ ومتوفی بسال ۱۱۲۶) بوده و این تخلص را ایشان بوی داده وآنرا درعصر محمدشاه هندی(مغلوب نادرشاه) درهندوستان تألیف نموده ودرهمان‌هنگام بدست قشون نادرشاه افشار افتاده ونصیب یکی ازبختیاریها گردیده وبسال ۱۲۲۸ که دراثر باران سیلی بزرگ درکوه های بختیاری جاری وبسیاری ازخاندانهارا بی‌خانمان کرده ، درشوشتر این کتاب روی اسبابهائی که سیل باخودمی آورده جای گرفته وبدست یکی از اهالی آنجا رسیده ، بالاخره بدست دری رسید وبرحسب خواست مرحوم سید محمدبن سیّد عبدالکریم موسوی که ازتعبیرهای دری معلوم میشود ازعلمای بزرگ آن شهر بوده ودرهنگام ترتیب وتنظیم این نسخه (سال ۱۲۴۰)

زندگانی را بدرود کرده بود ، نخستین بار بجمع و ترتیب آن پرداخته وبار دوّم بفرمان علیقلی خان گروسی که حاکم خوزستان گردیده مشغول تهیه فهرست ومقدّمه‌ای بر آن شده ولی بواسطه فوت شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه (۱۲۳۷) این کار بانجام نرسید ، بسال ۱۲٤۰ حکومت خوزستان بشاهزاده محمد حسین میرزا (حشمة الدوله) پسر دولتشاه برگزار وشوشتر را محل اقامت خویش قرارداد ودر آنجا بجمع آوری اشعار وبحث در آنها مشغول گردید ، میرزا اسمعیل خان ومیرزا احمدخان که از سادات بزرگوار ودرخدمت شاهزاده خدمت گذار بودند ، نسخه اصل آب آورد این تذکره را خدمت شاهزاده برده وداستان آنرا معروض داشتند ، پسند خاطر گشت و گفت : دور ازمروتست که چنین کتابی را بچنین وضع گذاریم الخ. آن دو عالیجناب دُرّی را معرّفی کامل کردند بحدّی که فرمودند گذشته از وضع فهرست وترتیب و تنظیم آن بایستی تصرفهائیکه لازم بداند نیز در آن بنماید وآنرا بنام ما مطرز و موشح گرداند .

تصرفهائیکه دُرّی در تذکره نموده چنانستکه بخوبی درهمه جا از اصل ممتاز است و در این مجلّد ازتذکره نام (۷۷۰) شاعر مرتب بحروف تهجی از الف تایا ثبت گردیده وفهرست هریك نوع ازحروف پیش از آن گذارده شده واین تذکره شامل شرح حال وآثار شعرای گذشته ومعاصر میباشد ودرحدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت آنست .

آغاز : بسمله ـ دراین زمانه رفیقی که خالی ازخلل است ـ صراحی می ناب وسفینه غزل است ، کشتی حیات را ناخدا حمد خدائیست که بنی نوع انسان را الخ .

(۱۱۱٦)

تذکرهٔ خوشگو این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، از شرحیکه یوسف نام **منظر** تخلّص در حاشیهٔ آخرین صفحه نسخه بسال ۱۲٤٤ نوشته بدست می آید که دُرّی تا آنزمان زندگانی مینموده واین نسخه متعلق بخود وی بوده ، درحاشیهٔ بعضی صفحات مطالبی بخط دُرّی جامع ومرتب کننده تذکره است ودر صفحه‌ایکه شامل شرح حال **نویدی** شیرازی است تصریح باسم خود کرده ومطالب

هم گواه است ، درصفحه ایکه شرح حال امیر ابو تراب رازی میباشد میرزا محمد حسن بروجردی شرحی بخط خویش دربیان احوال میرزا اشراق ، **اشراق** تخلص ونیزدرحاشیهٔ صفحه ایکه حرف **بیا** بآخر رسیده وشرح حال میرزا **تنها** در آن شروع شده هموشرحی راجع به احوال بیدل(میرزا حسن بروجردی) برحسب خواهش درّی در شوال سال ۱۲٤۳ در شوشتر نوشته وپاره ای از برگهای نسخه حواشی آنها وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۳) . صفحه ای (۲۰) سطر. طول(½-۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷٤) .

[٤۹۱] تذکره دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دولتشاه بن علاء الدین بختشاه سمرقندی که از ادباء قرن نهم هجری بوده (۸٤۲-۹۰۰) (۱) بسال ۸۹۲ تذکره ای مشتمل بر شرح حال جمعی از دانشمندان عرب وعجم گذشته ومعاصر ، باانتخابی از اشعار آنها وبسیاری از وقایع تاریخی زمان هریك ، پرداخته وچنانکه در دیباچه کتاب نگاشته تصور نموده که پیش از وی کس بدین کار مبادرت ننموده و او مبدع چنین تألیفی بوده ، درصورتیکه لباب الالباب عوفی تقریباً سیصد سال پیش ازوی در این فن تألیف شده است ونیز در دیباچه چندین بار تصریح نموده که در هنگام این تألیف پنجاه سال داشته(۲) و از آثار نظمی خویش بمناسبت ابیاتی آورده و پدران خود را هم به مقام ادب ستوده واین تألیف را بنام امیر کبیر امیرعلیشیر نوائی همان وزیر دانشمند دانش پژوه

---

(۱) درتحفه سامی وهفت اقلیم که نزدیك ترین تذکره بزمان دولتشاه میباشند و آتشکده آذر و مجمع الفصحا شرح حالی ازدولتشاه نیست ،فقط درمجالس النفائس امیرعلیشیر مختصری مذکورو از آنجا بدست می آید که پیش از وفات امیر مذکور (بسال ۹۰٦ مرده) جهانرا بدرود گفته وریو درص ۳٦٤ ج ۲ فهرست موزه بریتانیا است بنقل از «مرآت الصفا» وفات دولتشاه را بسال (۹۰۰) ضبط کرده ودرص ۲۱۸۳ ج ۳ قاموس الاعلام ترکی ازدولتشاه معرفی شده ولی تاریخ تألیف تذکره را بسال ۹۹۵ معین نموده ومسلما غلط است ودرشماره شعرای آن هم اشتباهی است .

(۲) بنابراین وتصریح در آخر تذکره که بسال ۸۹۲ تالیف آن خاتمه یافته وشهادت مندرجات مقدمه که پس ازاتمام نگارش یافته ، مؤلف بسال ۸٤۲ متولد شده است .

موشح نموده و امیر مذکور در مجالس النفائس خویش دولتشاه را نام برده واو را ستوده واز مندرجات تذکره دولتشاه معلوم میشود که مؤلف بعرفان و عرفا علاقه داشته است.

این تذکره به یك مقدمه و هفت طبقه و خاتمه ای تقسیم گردیده و شامل شرح حال ۱۵۰ نفر میباشد ، درمقدمه چند نفر ازمعاریف شعرای عرب را معرفی و در طبقات هفتگانه، ازشعرای گذشته و درخاتمه چند تن ازشعرای معاصرخود را نام برده و تذکره را بمختصری ازتاریخ سلطان حسین میرزا بایقرا ختم نموده واین تذکره نخستین باربسال ۱۳۰۵ درهندوستان و بسال ۱۳۱۸ باتصحیح و مقدمه فارسی وانگلیسی مستشرق شهیر آدوارد برون انگلیسی در اروپا چاپ شده و چنانکه در قاموس الاعلام ترکی و مقدمه برون نوشته شده درسفینة الشعراء ترکی که بسال ۱۲۹۵ در اسلامبول چاپ شده بسیاری از مطالب این کتاب بترکی نقل گردیده است.

آغاز: بسمله تحمیدیکه شاهباز بلند پرواز اندیشه بساحت وفضای آن نتواند رسید الخ .

(۱۱۱۷)

تذکره دولتشاه سمرقندی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۲ دوست علی بن قنبر نوشته ، در حدود ۲۵ بیت از ابتداء آن افتاده و نخستین سطر آن اینست : وغفران از دل وجان روشن راویان ایمان نثار روضهٔ منور الخ . عناوین کتاب با شنجرف نوشته شده ، چند برگ از اوّل و برگ آخر وصّالی گردیده و برگ آخر یادداشتهائی مورخ بسالهای اخیر قرن یازدهم و بدون تاریخ میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ چهار بغل اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرك . شمارهٔ اوراق (۱۳۹) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۷) .

(۱۱۱۸)

تذکره دولتشاه سمرقندی

این نسخه کامل ولی دو سه از آخر سطر آن نگارش نیافته ، بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراً از خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده

وعناوین را باجوهر قرمز نگاشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٩١) . صفحه ای (١٨) سطر . طول (٣١ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ١٧ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٢٥) .

(١١١٩)

تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی این نسخه از اوّل وآخر افتاده دارد ، ظاهراً ازخطوط قرن دهم هجری ونویسندهٔ آن هندی است ، آغاز نسخه بخشی از شرح حال خاقانی شروانی وانجام آن پاره ای از حالات سیّد ذوالفقار میباشد ، بسیاری از برگهای آن نیازمند وصّالی و برخی در حواشی آن اشعار ومطالبی بدون تاریخ نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ آبی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٢٢٤) . صفحه ای (١٥) سطر . طول (٢٥ سانتیمتر) . عرض (١٧ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٧١٧) .

(١١٢٠)

تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی نسخه ای از این تذکره ضمیمهٔ (جزء ١١) مجموعهٔ شمارهٔ (٢٩١٤) این کتابخانه میباشد که بسال ١٢٣٤ نوشته شده ، خصوصیات دیگر نسخه زیر معرفی آن مجموعه می آید .

[٤٩٢] تذکرة السلاطین ـ بزم خاقان (فارسی)

جامع این تذکره چنانکه خود تصریح نموده **سلطان محمد** پسر فتحعلیشاه قاجار میباشد که ملقب به **سیف الدوله** ومتخلص به **سلطان** بوده وبسال ١٢٢٨ (١) متوّلد شده و درسال ١٢٤٠ بحکومت وفرمانفرمائی عراق منصوب و ده سال در اصفهان اقامت گزیده وبادانشمندان شهیر آنجا معاشرت نموده و از خرمن هریك

(١) در ناسخ التواریخ (آخر جلد اول قاجاریه) زیرعنوان پسر سی وهشتم فتحعلیشاه گوید : سلطان محمد ملقب به سیف الدوله درشب پنجشنبه بیست و ششم جمادی الاولی سال هزارودویست بیست و هشت تولد یافته و اورا فرزند نباشد . ودرص ٣١ ـ ٣٤ ج ١ مجمع الفصحا معرفی نسبتا کاملی از این شاهزاده شده وچنان بدست می آید که درهنگام نگارش این تذکره زنده بوده و تولد او را بسال ١١٢٧ ضبط کرده و مطالب بالا از آنجا نقل شده و در این کتاب (مجمع الفصحا) ١٣٧ بیت از اشعار مختلفه شاهزاده ثبت گردیده است .

خوشه چینی نموده وپس ازوفات فتحعلیشاه بطهران آمده ومقام میرپنجه ای یافته وبسال ۱۲۷۹ بسعادت تشرف به مکّه معظّمه وسیروسیاحت قسمتی ازجهان نائل آمده ومسلّماً یکی دوسال پس از این زندگانی مینموده و از بیانات صاحب مجمع الفصحا برمی آید که تاهنگام تألیف این تذکره بزرگ (بسال ۱۲۸۸ خاتمه یافته) درحیات بوده و **هدایت** مؤلف مذکور گوید از مؤلفات او **ملوك الكلام** شامل نظم ونثر عربی وفارسی درعلوم مختلفه و**تحفة الحرمين** و**سيف الرسائل** ازمثنویات اوست ونامی ازاین تذکره وی درآنجا نیست .

چنانکه در دیباچه این تذکره تصریح کرده نام آنرا « تذکره السلاطین » گذارده (۱) وبسال ۱۲٤٥ (۲) دراصفهان تألیف گردیده وبریك مقدمه وسه باب بدین تفصیل تقسیم شده است : مقدمه در وصف سرتاپای محبوب (این مقدمه **انيس العشاق** شرف رامی است ومؤلف ابداً اشاره ای باین کتاب ومؤلف آن ننموده است). باب اول در اسامی شاهان وشاهزادگان واشعاری از ایشان. باب دوّم در مختصری ازشرح حالات فتحعلیشاه و اشعاری ازاو. باب سوم درشرح حال و اشعار مؤلف .

نسخه زیرین باب سوم را ندارد وباقی آن درحدود (۱٦۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله : حمد وثنای افزون ازحد شکر وسپاس بیرون از عدد پادشاهیرا سزاست الخ .

---

(۱) نسخهٔ دیگریکه از این تذکره در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است در مقدمه بجای « تذکره السلاطین » که در این نسخه است « بزم خاقان » نوشته شده و عین این کتابست جز اینکه تقسیمات آن برخلاف آنچه دراین نسخه تعیین شده ، میباشد باینمعنی که مقدمه را (چنانکه انیس العشاق تقسیم شده) دربیست مجلس مرتب نموده ومطالب کتاب را در پنج انجمن بدین تفصیل : انجمن اول دربعضی ازاشعار وحالات سلاطین وپادشاهزادگان پیشین دوم : در مناقب پادشاه عصر (فتحعلیشاه) واشعاری ازاو . سوم : دراشعاروحالات شاهزادگان . چهارم : در اشعار و احوال میرزادگان . انجمن پنجم : درذکر اشعار وحالات مؤلف واین نسخه فقط شرح حال مؤلف را بدون اشعار او داراست .

(۲) درنسخه مجلس سال تالیف چنین ثبت گردیده ولی نسخهٔ این کتابخانه ۱۲٥۰ وچهل وپنج هردوقسم نوشته شده است.

(۱۱۲۱)

تذکرة السلاطین یا بزم خاقان

این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده ، دارای یك سر لوح خیلی زیبا میباشد ، میان سطر های دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده و حواشی این دو نقاشی و تذهیب گردیده ، عناوین دیباچه و مقدّمه وباب اوّل باطلا نگارش یافته ، تمام صفحات آنقسمت نیز بجدول بطلاست ، بـاب دوم ناتمام مـانده ولی نویسنده‌ای ، دزد ، یك بیت بعنوان اینکه تتمه اشعار پیش‌است در آخر نوشته وپس از آن تمام شدن تذکره را بسال ۱۲۲۲ بنحویکه تصور شود نویسنده اصل‌نسخه نوشته ، نگاشته ولی گذشته ازاینکه مسلماً این خط ، ازغیر ازنویسندهٔ نسخه‌است تاریخ‌تألیف کتاب‌چنانکه‌در دیباچه‌تصریح‌شده بسال ۱۲۵۰ یا۱۲٤۵میباشدوچنانکه گذشت تولد مؤلف بسال ۱۲۲۸ بوده ، این دزدیرا ثابت میکند وازاینکه ازاول باب دوم صفحات جدول کشی نشده وعنوان باب واسم پادشاه وتخلص ویراکه در اوائل کتاب باطلا می‌نوشت ، دیگرننوشته ، معلوم میشود که درهمان سال ۱۲۵۰ که فتحعلیشاه زندگانی را بدرود گفته این نسخه را می نوشته اند و چون مؤلف درهمان وقت بطهران آمده نسخه این تذکره ناتمام را همراه آورده و دیگرموفق باتمام آن نگردیده ، پشت نسخه بنـام انیس العشاق و تذکرة السلاطین از رشید وطواط بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و بهمین نـام براین کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (½ ۲۵سانتیمتر) . عرض (۱۷سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۱) .

[٤۹۳] تذکره نصرت = خلاصه لطائف الخیال (فارسی)

امیر محمدصالح نواب رضوی‌پسر میرزا محسن‌نواب میباشد که بنابر تحقیق‌مرحوم آقامحمد باقرمدرس‌رضوی‌در کتاب « شجرهٔ طیّبه » (۱) ، بانی مدرسهٔ صالحیّه (بسال

(۱) این کتاب درمعرفی افرادی‌از سادات‌رضوی خصوصاً آنهائیکه‌درشهرمشهدمقدس بوده‌اند، میباشندونسخه‌منحصر بفرد آن نزد پسر دانشمندمؤلف آقای‌محمدتقی(مدرس‌رضوی)میباشدومأخذ نگارش این شرح بوده است .

۱۰۸۶) است که اینك مشهور به مدرسهٔ نواب ودرب آن مقابل ضریح مبارك حضرت امام علی بن موسی الرّضا علیه وعلی آبائه وابنائه الکرام آلاف التحیه والثناء درصحن قدیم باز میشود و نیز بانی مصلای ارض اقدس رضوی (بسال ۱۰۷۸) است که بیرون دروازه پائین خیابان واقع گردیده وبرکتیبهٔ آن مدرسه، بانی را بنثر، میرزا صالح و بنظم میرزا ابو صالح معرّفی نموده ودر کتاب نام برده استکه به لقب صدرالممالك مشتهر و مصدر خیرات و مبرّات بود و گذشته ازاملاك بسیار برای مصارف آن مدرسه، کتابهای زیادی برطلاب آن وقف نمود و رساله‌ای شامل رباعیاتی ازشعرای متقدمین ومتأخرین بترتیب قوافی موافق ترتیب حروف تهجی مرتب وهر رباعی‌را بنام گویندهٔ آن ثبت‌نموده وآنرا « دقائق‌الخیال » نامیده‌و گذشته ازآثار گذشته ابیاتی لطیف از این سید جلیل بیادگار مانده است .

درمقدّمه کتابیکه **لطائف الخیال** نامیده شده وشامل انتخابی ازاشعارمتقدمین و متأخرین نیز بترتیب قوافی برترتیب حروف تهجی میباشد، منشی آن محمد نصیر متخلص‌بنصرت نوشته که این‌انتخاب ازامیرمحمدصالح‌رضوی‌است . وچون این‌مقدمه دارای صنعتی‌ظریف میباشد، بخشی‌ازآنرا دراینجا می‌آوریم :

اعنی جناب مقدس القاب خلف‌الصدق دودمان مصطفوی و سلاله امجاد خاندان مرتضوی امیر محمد صالح الرضوی ادام الله تعالی ظلال اقباله الی یوم الدین با وجود کثرت مشاغل دنیوی وصرف همت عالی نهمت بکسب معارف حقهٔ اخروی در فواصل اوقات بقدر انتهاض فرصت از هر گلشنی گلی شگفته وازهرمرغزاری سنبلی تازه رسته وازهر نهالی ثمر نورس حالی‌فراهم آورده گلدستهٔ بسته بودند بخاطر دقائق ذخائرخدام والامقام معزی‌الیه رسید که آن گلدسته های رنگین را که هر برگ گلش آئینه بدن نمای صورت احوال انیسی و هر شاخ سنبلش نمودار رشتهٔ مواصلت صحبت جلیسی است یکجا جمع وترتیبی خاص که هر آینه باعث تسهیل شناختن مقام هریك از آنها تواند بود مرتب و **بلطائف‌الخیال** ملقب سازند لهذا جهت تبیین این‌مرام حسب‌الاشارهٔ خدام والامقام معزی‌الیه این‌فقیرحقیر بی بضاعت ابن محمد جعفرالبصری محمد نصیر متخلص بنصرت این شکسته بسته را که بطریق براعت استهلال محتوی است براسامی و تخاصات شعرائی که در این مجموعه اندراج یافته مقدمهٔ بیان ترتیب آن نموده بمضمون‌الاطاعة فوق‌الادب بقدم جرات وجسارت بساط پیمای این گلشن‌نشاط وسرورشد امید ازلطایف ارباب استعداد آنکه باستی کرلك اصلاح غبار ذلت وفساد از چهره مقاصد آن پاك و منظور نظر عنایت اثر میساخته باشند والله‌الموفق الصواب .

نصرت که خود از شعرای معاصر مؤلف بوده و ابیات زیادی از وی در لطائف الخیال مندرج است پس از مقدّمه دو فهرست برای بدست دادن شعرائیکه در این کتاب از آنها شعر نقل گردیده ترتیب داده یکی مبنی بر نام آنها بترتیب حروف تهجی و در ذیل نام هریك تخلص اورا نیز ثبت نموده و دیگری مبنی بر تخلص آنها با ذکر نام آنها بطرز فهرست اوّل.

تاکنون بر نسخهٔ کامل لطائف الخیال دست نیافته ام ، از آثاریکه بر نسخهٔ ناقص کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد ، بدست می آید که این کتاب در حدود (۲۶۰۰۰) بیت بوده است و از مقدّمه نسخه ایکه در کتابخانه ملّی ملك (در طهران است) موجود است معلوم میشود که همان نصرت نام برده باختصار لطائف الخیال پرداخته و آنرا « خلاصه لطائف الخیال » نامیده است و گذشته از این دو رسالهٔ دیگر نیز موافق قوافی حروف تهجی از لطائف الخیال انتخاب نموده و دیباچه کوچکی بر آن نگاشته : ۱ ـ در اشعاریکه دارای مصرعهای نفیس میباشد و گفتن مانند آنها مشکل و دارای معانی بلند است . ۲ ـ ابیاتیکه دارای معانی لطیف و مشکل میباشد .

نسخهٔ کتابخانهٔ ملّی ملك گذشته از مقدّمه نثری نصرت و دو فهرست نام برده دارای مقدمه ای منظوم از شاعر **خالص** تخلص میباشد که در آن تعریف و تمجید زیاد از این انتخاب شده و تاریخ انتخاب را هم که بسال ۱۱۰۴ بوده و میرساند که امیر محمد صالح تا آن هنگام زنده بوده دارد و در آخر آنست :

نسخهٔ با کمال رنگینی	تحفهٔ این چنین که می بینی
سعی بنمود میرزا صالح	جمع در مود میرزا صالح
آنکه او را بوصف حاجت نیست	هیچ وصفی به از سیادت نیست
خالص این تحفه تمام عیار	هست مجموعهٔ بهشت و بهار
خواهی از زبن کتاب تاریخش	شد **گل انتخاب** تاریخش

این انتخاب یا خلاصه لطائف الخیال بر حسب شماره ایکه نگارنده نموده در حدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد و مانند لطائف الخیال گوینده هریك از ابیات در مقابل آنها معین گردیده است .

نسخه این کتابخانه که زیر این سطرها خصوصیات آنرا خواهیم نگاشت قسمتی

ازهمین خلاصه میباشد جزاینکه مقدّمه مختصرنثری ودیباچه منظوم نام بردهٔ بالارا ندارد واوائل آنهم بااوائل نسخه کتابخانه ملك اختلاف دارد ولی مسلّماً همین خلاصه است وچنانکه ازآثارنسخه کتابخانه ملك بدست می آید نسخه اصل خلاصه میباشد وجامع خود درآن تجدید نظر کرده است .

آغاز : این نسخه پس ازمقدّمه مفصل ودوفهرست نام برده اینست : **خالصا** (۱)

ای شده نام توزیب هر کتاب گویم ازحسن تو دارد هر که تاب

(۱۱۲۲)

تذکرهٔ نصرت یا خلاصه لطائف الخیال

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، مسلماً دراوائل قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، نام شعرا بالاجورد وشنجرف نوشته شده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف وزنگاراست ، اوراق فهرست پیش و پس گـذارده شده و اوراق نسخه متن و حاشیه میباشد ، دوسرلوح یکی درابتداء مقدّمه ودیگری درآغاز کتاب میباشد وحاشیه دوصفحه اوّل کتاب تذهیب ونقاشی شده ، دارای مقدّمه ودیباچه مفصل نصرت ودوفهرست نام برده است ، پشت ورق نخستین نسخه یادداشتی بتاریخ ۱۱۲۸ موجود وبنام « تذکرهٔ نصرت » براین کتابخانه وقف گردیده و دراینجا یادداشت دیگری بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۴۷) . صفحه ای(۱۰و۱۱)سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۰) .

[۴۹۴] تذکره هفت اقلیم هفت اقلیم (فارسی)

این کتاب یکی ازتذکره های بزرك وکتابهای نفیس فارسی است که گذشته ازشرح حال وآثار شعری ۱۴۵۰ نفرازدانشمندان جهان شامل اطلاعات سودمند

(۱) الف درخالصا چون الف درشفیعا وصائبا ورفیعا برای تعظیم وتکریم میباشد ودرفهرست لطائف الخیال دونفر بتخلص خالص نام برده شده : ۱ـ خالص استرابادی که نام وی نجیبا بوده و ۲ـ خالص مشهدی که نام وی محمدرضا واورا ناظر تذورات معرفی کرده وظاهراً دراینجا دومی مراداست.

تاریخی وجغرافیائی موافق تقسیمات جغرافی نویس های پیشین (مراد تقسیم بندی شهرها به اقلیم های هفتگانه است) میباشد .

مؤلف آن **امین احمد رازی** درمقدمهٔ گوید که برحسب میل خویشتن واظهار دوستان بنقل آثار نظم ونثر دانشمندان مبادرت نموده ، درمدت شش‌سال ازخرمن هرکس دانه ای چیده و آنهارا دریکجا گرد کرده واین بیت را در وصف آن در دیباچه مندرج ساخته : بدانی چو نیکو دراو بنگری * که جان کنده ام تاتوجان پروری . وپس ازاین گوید :

« اگر چه نظار گیان از گل زمین آن بوستان دماغ جان را معطر ومنور میگردانند اما ازلذات نقل آن ثمرات بنا برافزونی عبارات وزیادتی کتابت بی منفعت ومحروم می‌مانند لاجرم بخاطر رسید که ازهرخرمن آن دانه وازهر کیلش پیمانهٔ جمع سازد ، کتابی علیحده تصنیف نماید تاهر کس را ازنقل و مطالعهٔ آن حظی وافر ونفعی متکاثر باشد .... وچون ماحصل این تذکره ذکرهفت اقلیم است هرآینه این نسخه را موسوم به **هفت اقلیم** گردانید تااسمی‌بامسمی باشد وتاریخش ازاین‌رباعی که بکرفکراست معلوم میشود **رباعی :**

این نسخه که هست همچوفردوس نکو تـا هو نشوی در او نـه بشکافی مو
گر از تو کسی سؤال تاریخ کند **تصنیف امین احمد رازی** گو »

بنابراین اتمام این تذکره بسال ۱۰۰۲ بوده و کلمهٔ **گو** را نبایستی درحساب آورد ، چراکه گذشته از حکم ذوق سلیم وجود نسخهٔ زیرین که بسال ۱۰۲۵ نگاشته خود بهترین مؤید است ودانشمند فرزانه شادروان ادوارد برون (حاشیهٔ ص ۲۹۷ ترجمه تاریخ ادبیّات چاپ تهران دیده شود) ومؤلف‌فهرست آصفیّه‌کلمه گورا را درحساب آورده وبدین سبب تاریخ تالیف را بسال ۱۰۲۸ گفته اند .

بدبختانه تاکنون از وجود نسخهٔ اولی این تذکره و شرح حال وآثار دیگر مؤلف این کتاب (**امین احمد**) اطلاعی بدست نیاورده ام ونمیدانم تاچه سالی زنده بوده و از دانستن تاریخ این تألیف معلوم شدکـه در اوائل قرن یازدهم هجری زندگانی مینموده .

خوشبختانه خود مؤلف در این مؤلفه (از ص ۹۰۰ تا ۹۱۰ نسخهٔ کامل این کتابخانه) درمیان دانشمندان شهر ری گروهی از خویشان خویش را نام برده و ازآثار شعری آنها هم اندکی آورده است ، پدر خودرا خواجه میرزا احمد معرّفی

نموده (بنابراین نام خود مؤلف **امین** بوده وچنانکه در زبان فارسی معمول است کلمه ابن میان نام پدر وپسر نگاشته وتلفظ نمیشود وبجای آن حرف آخر نام پسر را باکسره میخوانند نه اینکه نام وی مرکب از امین واحمد باشد) و از عبارات وی استفاده میشود که در زمان سلطنت سلطان محمد پسر شاه طهماسب (از سال ۹۸۶ تا ۹۹۶ سلطنت داشته) جهان را بدرود گفته و در زمان شاه طهماسب (۹۳۰ - ۹۸۵) مورد مرحمت وی بوده و در زمان هردو پادشاه کلانتری (حکومت) شهر ری وتصدی املاك خالصه را داشته و مردی کریم وخیرخواه و مهمان نواز بوده و در ایجادکاریزها و باغها دارای میلی زیاد وگذشته ازمقام رسمی، بازرگانی باجرأت و حوصله بودهاست وعموی وی خواجه محمد شریف استکه بسال ۹۸٤ وفات یافته و **هجری** تخلص داشته و در خراسان چند سال بوزارت **تاتارسلطان** واعقاب او اشتغال داشته وپس از آنها مورد نظر شاه طهماسب قرار گرفته وهفت سال وزارت یزد وابرقو وبیابانك را دارا و چون در انجام این خدمت امتحان خوبی داده مورد عنایت پادشاه شده ودارای وزارت اصفهان شد ودرهمین مقام بمقام ابدی شتافت (ص ۹۰۰ - ۹۰۲ نسخه کامل همین کتاب از نسخ این کتابخانه دیده شود).

جای بسی تاسف استکه تاکنون این تذکره که شامل مطالب خوب و اشعار دلکش (در ۳۰۰۰۰ بیت) میباشد چاپ نشده ولی از آغاز این کتاب تاشرح حال شیخ امین الدین که از علماء کازرون وجزء اقلیم سوم میباشد (در ۲۰۸ ص در دو مجلد) در هندوستان بسال ۱۹۱۸ م چاپ شده و نسخهٔ چاپی آن در کتابخانهٔ مجلس موجود استو امیداستکه دراین عصر درخشان که نهضت معارفی ایران شروع شده این گنجینه گرانبها چاپ و منتشر گردد.

آغاز: بسمله خرد هر کجا گنجی آرد پدید بنام خدا سازد آنرا کلید ...... حمد مرخدای را جل جلاله که عندلیب زبان در قفس دهان بذکر او رطب اللسان است الخ.

(۱۱۲۳)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه را بسال ۱۰۲۵ سیر کمال نهرندی درهندوستان نوشته ، برگهائی از نسخه افتاده و (ظاهراً) در اواسط قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، در صحافی اخیر که در تحت نظر نگارنده انجام یافت برگهای جدول داری برای نوشتن فهرست دانشمندان نام برده در این کتاب تهیه شده امیداستکه توفیق براتمام نگارش آنرا دریابم، در حاشیه و برکنار صفحه نخستین نسخه دو یادداشت است یکی بتاریخ ۱۲۵۴ و دیگری بسال ۱۲۸۶ و در ذیل دوّمی مهر مجدالدوله زده شده ودر این یادداشت نویسندهٔ یادداشت اوّل، مرحوم رکن الدوله معرّفی گردیده است وبرکنار برگ دوّم یادداشت اعتضادالسلطنه بسال ۱۲۹۲ وصورت وقف آن ازطرف مرحوم سپهسالار بسال ۱۲۹۷ نگارش یافته، پشت برگ نخستین وبر برگیکه پیش از آنست نیز یادداشتهائی است ، اوراق مجدول به لاجورد وشنجرف و زنگار ، عناوین نیز باشنجرف میباشد وبسیاری از آنها وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچك . شمارهٔ اوراق بافهرست (۶۶۹) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول(۲۸$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض(۱۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۳) .

(۱۱۲۴)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه که شامل سه اقلیم از هفت اقلیم میباشد بسال ۱۰۷۱ درشهر کشمیر بخط نستعلیق نوشته شده ، درحاشیهٔ آخرین صفحه بسال ۱۲۰۳ مقابلهٔ آن یادداشت شده ، پیش ازشروع بکتاب فهرست رجال وشهرهای سه اقلیم رابخط شکسته نستعلیق نظام الدین محمد نام نوشته ، سرلوحی ظریف داشته ولی اندکی محو شده ، مجدول بطلا ولاجورد و زنگار ، اوراق متن وحاشیه میباشد ، عناوین باشنجرف ودوبرگ از اوّل ویك برگ آخر وصّالی شده است .

جلد ساغری ضربی دورو . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۲۰) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۲۸).

(۱۱۲۵)

تذکرهٔ هفت اقلیم

این نسخه را اشخاص مختلف بخط نستعلیق نوشته اند ، تاریخ ندارد ، ظاهر اینستکه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، اوراق آن پیش و پس گردیده ، واوراقی از آن افتاده (شاید ده پانزده برگ) وبرخی از آنها وصالی شده وصفحهٔ نخستین کنونی آن درمعرّفی از تفرش استکه از اقلیم چهارم میباشد و بدین سطر آغاز گردیده : از چشمه و کاریزاست وهمه وقت در آن ولایت ارزانی بود وازمیوه وانگور وامرود وشفتالو خوب میشود الخ .

وبرگ آخرنسخه درمعرفی شهردکن (ازاقلیم دوّم است) وپادشاهان آنجا میباشد وآخرین سطر آن اینست :

اهل حرمش بدست مردم دکن گرفتار گردید سوار کرده بمندو فرستاد ودر سال هشتصدوسی وهشت مرضی برذات سلطان طاری گردید که بعزم درست ونیت صادق ازجمیع .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۲۴) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۴) .

[٤٩٥] جام جم (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور وناظم آن اوحدی مراغی اصفهانی است [چنانکه برلوح مزار وی ثبت گردیده پدر اوحدی حسین نام داشته و نام خود ایشان بدست نیامده (آقای تربیت اوحدی را بلقب رکن الدین معرّفی کرده اند) و بمناسبت ارادت به اوحدالدّین کرمانی (۱) که ازمشایخ معروف طریقت ومؤلّف

(۱) آقای تربیت دردانشمندان آذربایجان (ص ٥٥) وآقای اقبال آشتیانی درتاریخ مفصل ایران (تاریخ مغول) وفات ایشانرا بسال ٦٣٦ ضبط کرده اند ودرمجمع الفصحا (ص ٩٤) بسال ٥٦٢ ثبت گردیده ودر هفت اقلیم و کشف الظنون و نفحات الانس و تاریخ گزیده و آتشکده سال وفات اوحدالدین کرمانی معین نگردیده است .

« مصباح الارواح » (۱) میباشد، اوحدی تخلص میجسته وبهمین تخلص اشتهار یافته (آقای تربیت ازصحف ابراهیم نقل کرده اند که پیش از اینکه اوحدی تخلص گیرد « صافی » تخلّص میگرفته است) . وچنانکه از این کتاب جام جم بدست میآید بسال ۶۷۲ یا ۶۷۳ (۲) متولد شده وبسال ۷۳۷ (۳) درمراغه که مولدوی بوده وفات یافته است] (۴) اوحدی ازمشاهیر شعرا وعرفاو کتاب جام جم وی بهترین معرّف مقام ومرتبهٔ اوست وازابیات جام جم (۵) برتشیّع اومیتوان گواه گرفت .

گذشته ازجام جم اوحدی را دیوانی که تقریباً شامل ۱۵۰۰۰ (۶) بیت قصیده وغزل میباشد ، بیادگار مانده و جامی دربارهٔ آن گوید : ویرا دیوان شعراست در غایت لطافت وعذوبت . وشهادت کسی چون جامی آشکاراست که تا چه حد ارزش دارد .

وکتابی بنام « منطق العشاق » که نیز از آن « ده نامه » تعبیر میشود وآنرا بنام خواجه ضیاء الدّین یوسف بن خواجه اصیل الدّین بن خواجه نصیرالدّین طوسی بسال ۷۰۶ (۷) پرداخته وموشح نموده تألیف وجامی گوید: صاحب ترجیعات مشتمل

---

(۱) درهفت اقلیم (ص ۲۲۰) و کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۴۶) ونفحات الانس (ص ۶۹۳) وتذکرهٔ آتشکده (ص ۱۲۳) این کتاب بدین نام نامیده شده ودر کتاب اول وسوم وچهارم ابیاتی از آن نقل گردیده و آقای وحید دستگردی درمقدمهٔ جام جم که بهمت ایشان چاپ گردیده نوشته‌اند نسخهٔ آن دردست نیست .

(۲) در جام جم که بنا برتصریح خود بسال ۷۳۲ (در بعضی از نسخه ها ۷۳۳) تألیف گردیده گوید :

(جون زتاریخ بر گرفتم فال   هفصد رفته بودو سی و (دوسال)سه سال)

(اوحدی شصت سال سختی دید   تا شبی روی نیك بختی دید)

بنابر این ۶۰-۷۳۲ یا - ۷۳۳=۶۷۲ یا ۶۷۳ .

(۳) این تاریخ را حاجی خلیفه درص ۳۵۷ ج ۱ وجامی در نفحات ازنقش برقبروی درمراغه نقل نموده وآقای وحید نیزعین عبارات سنگ قبررا درمقدمهٔ جام جم نقل کرده‌اند ودرتذکرهٔ دولتشاه وصاحب هفت اقلیم ندانسته بتقلیدوی و کشف الظنون درص ۴۹۶ و ۵۰۰ ج ۱ وفات اوحدی را بسال ۶۹۷ نوشته‌اند و مسلماً غلط است .

(۴) شرح حال اوحدی مراغی را درنفحات جامی (نسخهٔ خطی مدرسه) وهفت اقلیم (ص ۷۲۳-۷۲۸) وتذکرهٔ دولتشاه (ص ۱۲۹-۱۳۲) و کشف الظنون درصفحات نام برده ومجمع الفصحا درج ۱ ص ۹۴ وآتشکده ص ۵۶ ودانشمندان آذربایجان ص ۵۵-۵۶ نگاه کنید که مأخذ نگارش این شرح میباشد .

(بقیه درصفحه ۴۸۸)

برحقائق است و دولتشاه گفته: ترجیع او درمیان موحدان شهرتی عظیم دارد .

جام جم از مثنوی های مشهور وشامل بسیاری ازمطالب اخلاقی و اجتماعی وعرفانی میباشد ودرحدود (٤٥٠٠) بیت‌شعراست، درتذکرهٔدولتشاه مسطوراست که‌یکماه ازنظم آن نگذشته که مستعدان چهارصد نسخه از روی آن برداشتند .

آقای وحید دستگردی مدیر و نویسندهٔ مجلهٔ ارمغان بسال ۱۳۰۷ خورشیدی هجری‌در طهران‌این کتاب‌را بامقدّمهٔ مختصری چاپ کرده اند .

آغاز : بسمله قل هوالله لمره قدقال من‌له‌الحمد دائماً متوال .

(۱۱۲٦)

جام جم این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمود کاتب بسال ۱۰۱۳ نوشته ، ازیادداشتهائیکه پشت نخستین برگ نسخه میباشد

(بقیه حاشیهٔ صفحه قبل)

(٥) در اوائل جامجم در بحث خطاب به پیغمبر صلی‌الله علیه وآله که آغاز آن اینست :

(ای بمهر تو آسمان بلند یاد من آن حومیدهم‌سو کند) گوید :

بحدیث حیوة پیوندت بجگر گوشگان دلبندت

بشهیدان کربلا ز فسوس بسته کشتگان مشهد طوس

بچهل مرد و چار مردانه بدو هم خانه و دو هم خانه

(٦) شمارهٔ ابیات دیوان اوحدی را هدایت در مجمع‌الفصحا گوید شش‌هفت هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه ورباعیات دیده شده و حاجی خلیفه (ص ٥٠٥ ج ۱ ظنون) و آقای وحید دستگردی در مقدمهٔ جامجم نه هزار و دولتشاه ده هزار بیت و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان پانزده هزار بیت ضبط کرده‌اند ، نگارنده دونسخه ازدیوان وی‌را در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی دیده‌ام که هریك دارای ۷۰۰۰ هفتهزار بیت بیشتر نیست .

(۷) این بیت را از انجام منطق‌العشاق یا ده نامه آقای تربیت و آقای دستگردی نقل کرده‌اند :

بسال ذال وواو از سال هجرت بپایان برده این در حال هجرت .

وآقای تربیت آغاز این کتاب را این بیت نقل نموده‌اند :

بنام آنکه ما را نام بخشید زبان را درفصاحت کام بخشید

و آقای وحید این چند بیت را از اول آن کتاب در مقدمه آورده‌اند :

وجیه دولت و دین شاه یوسف که دارد رتبت یحیی و یوسف

نصیرالدین طوسی را نبیره که عقل ازفطنت او گشت خیره

زمین‌راازشکوهش‌زیب‌وزین‌است سرور خلق وسرالوالدین است

و انجام آنرا این بیت معین کرده‌اند :

جودیدم در سخن‌خیرالکلامش نهادم منطق‌العشاق نامش

و حاجی خلیفه فقط در حرف دال بنام **ده نامه** این کتاب را نام برده و همه گفته اند که این کتاب یك هزار بیت است .

بدست می آید که از کتب پادشاهان صفویه بوده، یك سرلوح ظریف در آغاز کتاب میباشد ومیان سطرهای دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد است.

جلد ساغری ضربی طلا پوش و طرف داخل سوخته. کاغذ کشمیری. واقف‌سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۱۳۱). صفحه‌ای (۱۸) سطر. طول (۱۷ سانتیمتر). عرض (۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۳۹).

[۴۹۶] جنات‌الوصال (عربی)

این کتاب یکی ازمثنوی های عرفانی و شامل مطالبی آسمانی است و ناظم آن نور علیشاه عارف مشهور است (محمد علی بن میرزا عبدالحسین بن محمد علی رقّی طبسی متوفی بسال ۱۲۱۲) (۱) که شهرت بی نهایت دارد و از بزرگان سلسلهٔ صوفیّه نعمت‌اللهی است‌وطبع و قّادوی درانشاء نظم ونثر بسی توانا بوده، پدرش میرزا عبدالحسین ملقب به **فیضعلیشاه** وجدّش محمد علی امام جمعه تون (فردوس کنونی) بوده، پدر برای تحصیل علوم شرعیّه باصفهان آمده ونورعلیشاه دراین شهربدین جهان پای گذارده، بگفتهٔ صاحب طرائق: «فرزند را پس از سنّ بلوغ و اکمال فنون و علوم بشرف حضور سیّد (مرادش از سیّد سیّد معصوم علیشاه است) مشرف ساخت ودرمقام طریقت والد وولد برادر وهمقدم یکدیگرشدند،

والد ومولود گشته درطریق   یکدگر را هم برادر هم رفیق».

نورعلیشاه درهرشهر و دیارکه قدم میگذاشت هنگامه ها برمیخواست دسته ای براو و گروهی برای او قیام مینمودند، از آثار وی: دیوان غزلیات وقصائد ومقطعات (دراین فصل ازآن معرفی‌میشود)، رساله دراصول وفروع (۲) **جامع‌الاسرار** نظیر گلستان(۳)، تفسیرسورهٔ مبارکهٔ بقره منظوماً(۴)، **روضة‌الشهداء** منظوم دراحوال حضرت امام‌حسین ع، ترجمه‌وشرح خطبة‌البیان (۵)، رساله در

(۱) در طرائق‌الحقایق ج ۳ ص۸۹ نگارش یافته: ودراینجاست که تاریخ وفات‌اوراکه درموصل اتفاق افتاده کلمه **غریب** یافته اند و نزدیك قبر یونس پیغمبر ع دفن گردیده و در تذکرهٔ دلگشا و بستان السیاحة از این عارف دانشمند نام برده شده و معرفی گردیده است.

(۲ و ۳ و ۴ و ۵) نسخه ای از اینهادرنسخه شمارهٔ (۱۷۸) این کتابخانه موجوداست وشمارهٔ ۲ نیز در کتابخانهٔ مجلس بنام رساله در عشق میباشد (ص۲۱۶ ج۱ بفهرست کتب خطی‌مجلس مراجعه شود).

پند و موعظه ، (۱) نظم کبری منطق (۲) ، مشکوة النجات (در رسالهٔ اصول وفروع از آن نام برده و چنین می نماید که درفروع است) .

نورعلیشاه بنا داشته که این مثنوی را در هشت مجلد بشمار درهای بهشت تألیف نماید و بهمین مناسبت نام آنرا جنات الوصال گذارده ولی توفیق بر اتمام آنرا نیافته و چنانکه در ص ۹۱ ج ۳ طرائق است از مجلد سوّم بخشی بیشتر را انشاء ننموده و **رونق علیشاه** (بسال ۱۲۲۵ وفات یافته است ص ۹۲ ج ۳ طرائق) که از خلفای ایشان بوده دو مجلّد زیاده بر آن افزوده (۳) و **نظام علیشاه** که از خلفای **مجذوب علیشاه** بوده یك جلد دیگر بر آن افزوده است و در آخر مجلّد دوم تصریح شده که در بغداد (دارالسلام) تألیف آن انجام یافته است .

ونیز صاحب طرائق در ص ۱۱۹ ج ۳ بنقل از بستان السیاحة گوید :

«عارف معارف دین وسالك مسالك یقین مولی احمد بن الحاج عبدالواحد الکرمانی الملقب بنظامعلیشاه که از خاندان فضل و کمال واز کبرای اصحاب وجد وحال بود . . . . آخرالامر درسنهٔ هزار و دویست و چهل و دو (۴) داعی حق را اجابت فرمود . . . . . وطبع گرامیش موزون بود بگفتن

---

(۱) نسخه ای از این رساله ضمیمهٔ دیوان وی در کتابخانهٔ مجلس موجود است .

(۲) بسال ۱۲۷۰ درطهران چاپ شده و پس از آن کتاب صغری درمنطق و افاداتی از آقاعلی حکیم درمنطق و فلسفه است و نسخهٔ آن بشمارهٔ ۲۰۳۷ در این کتابخانه میباشد .

(۳) ازنسخهٔشمارهٔ ۱۷۹ این کتابخانه که زیرشمارهٔ ۱۱۲۷ از آن معرفی میشود و شامل پنج دفتر یا مجلد ازجنات الوصال میباشد قسمتی ناقص است و در آخر مجلد پنجم از نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس ابیاتی استکه صریح است از غیر ازرونق علیشاه میباشد و آن اینست : بعد شه نورعلی سلطان دین ـ آمده رونق علی شه جانشین ـ آنکه مرآت خدا پنهان بود ـ آنکه رونق بخش بزم جان بود . آنکه آمد شیخ راه این فقیر ـ آنکه گشتم در ره حق دستگیر ـ نام پاکش بد محمد با حسین ـ عاشقان را خاك راهش کحل عین . بنا بر این بدست می آید که رونق علیشاه نیز مجلد پنجم راتمام نکرده بدرود زندگانی گفته و بقیهٔ این مجلد را نظامعلیشاه تمام کرده است و این مجلد شامل شرح حال و مقامات ائمه طاهرین علیهم صلوات الله والملائکة اجمعین میباشد .

(۴) صاحب طرائق درص ۱۲۰ ج ۳ نقل نموده که بر قبر وی که درتکیه مشتاقیهٔ کرمان است این بیت نوشته شده :

یکی مصرع از بهر تاریخ گفت بجان از علی دیده احمد نظام - ۱۲۴۰ و رضا قلی هدایت صاحب ریاض العارفین نیز وفات ویرا بدین سال ثبت کرده است .

مثنوی رغبت مینمود تاآنکه دومجلد مثنوی جنات الوصال (۱) را بانجام رسانیده» .

ونیز صاحب طرائق ازاصول الفصول نقل نموده : «درنظر داشت که برمثنوی جنات الوصال که مرحوم نورعلیشاه وررونق علیشاه بانجام رسانیده اند بیفزاید تابهشت بهشت برسد» .

نگارنده درجائی ندید که ازمجلّد سوّم چند بیت انشاء نور علیشاه میباشد ولی پس از مطالعه ومراجعه ومقایسهٔ ابیات بایکدیگر بر آن شد که ۴۲۲ ببت ازابتداء مجلّد سوّم رانورعلیشاه گفته وررونق علیشاه متوفی بسال ۱۲۲۵ آنرا تکمیل(۲) ومجلّد چهارم و پنجم را نیز او ساخته است و دو نسخهٔ زیر شامل آنهاست ومجلّد ششم وهفتم را نظامعلیشاه انشاء نموده در کتابخانه مجلس موجود است .

آغاز : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم افتتاح کنز اسماء عظیم .

(۱۱۲۷)

جنات الوصال این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۶ صفا نام شاعر نوشته و درآخر هریك از مجلّدات اتمام را بابیتی ادا نموده وسال نگارش فقط درآخر مجلّد سوّم نگاشته شده ودارای پنج سرلوح بطرز های

(۱) نسخهٔ جنات الوصال که شامل دو مجلد نیز میباشد درکتابخانه مجلس موجود و مجلد ششم درشرح و ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقة منسوب بحضرت جعفرصادق امام ششم علیه السلام در صد لمعه میباشد ودرمجلدهفتم بمدح فتحعلیشاه قاجارو ابراهیم‌خان حاکم کرمان برداخته و در بیت ۲۸۰ ج ۷ گوید : در سنهٔ تاریخ آتیه بخیر کش بود هر سال آتیه بخیر غرفهٔ امن وامان زان یافتم جانب باغ جنان بشتافتم و بر کلمه سنه شمارهٔ ۱۲۲۸ نوشته شده وجمله آتیه بخیر همین سال را (۱۲۲۸) معین مینماید بنا بر این تاریخ نظم این مجلد در این‌سال بوده و ازعبارات بستان‌السیاحة بدست می‌آید که ابراهیم‌خان اورا از کرمان دور کرده بودهوپس‌ازمرگ وی بازبکرمان آمده‌است .

(۲) نگارنده این بیت (گفت ای یاران مرا یاری کنید میل جانم جانب باری کنید) راکه شعر ۴۳۰ از مجلد سوم میباشد از نور علیشاه و آغاز شعر رونق علیشاه را این بیت :

(هرچه کردم سیر در وادیّ میل هرطرف بود ازهوا ومیل سیل)

تصورمیکند و درآخرمجلدسوم ساقی نامه ایست و درمجلد چهارم این دو بیت (جنت سوم چو آمد زوبها با صفا و با بها و با ضیا چند بیتی جونکه آمد در مقال خوش روان شد سوی جنات‌الوصال) که نیز مؤید نقص مجلد سوم و عدم اتمام آن میباشد موجود است .

گوناگون میباشد، صفحات بجدول بطلا و لاجورد و ابیاتیکه عناوین مطالب را حاکی‌است باسرخی نوشته شده، مجلّد پنجم افتاده دارد وظاهراً یك برگ بیشتر نباشد وآخرین شعر نسخه اینست:

چونکه بنمودند غصب حقشان — این عداوت شد پدید اندرمیان

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۱۰۸) صفحه ای (۳۵) سطر درمتن وحاشیه. طول (۱/۲ ۱۸ سانتیمتر). عرض (۱/۲ ۲۹ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۷۹).

(۱۱۲۸)

جنات‌الوصال این نسخه شامل چهار جنّت از جنّات‌الوصال وآثاردیگری از نورعلیشاه میباشد و درجای دگر از آنها معرّفی خواهد شد، بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده وکتابت آن ناقص مانده، بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه شده و پشت برگ نخستین یاد داشت گردیده.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق کلیه (۴۲۷). صفحه‌ای(۱۵) سطر. طول (۱/۲ ۱۵ سانتیمتر). عرض (۱/۲ ۲۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۷۸).

(۱۱۲۹)

جنات‌الوصال این نسخه شامل دو مجلّد اوّل وقسمتی از مجلّد سوّم میباشد، نام نویسنده و تاریخ نگارش نداشته، ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم نوشته‌شده، پیش‌نگارنده‌شامل‌تاآخرین‌بیت انشائی نورعلیشاه است، پیش از این کتاب رساله‌ای‌عرفانی است(تصور میکنم ترجمه‌ای از جوك باشد ودرمجلّد بعد این فهرست معرفی خواهدگردید)واین‌دونسخه بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه گردیده و پشت برگ نخستین یادداشت شده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق کلیهٔ (۱۵۳). این نسخه (۱۰۲). صفحه ای (۲۹) سطر. درمتن حاشیه. طول (۱/۲ ۲۱ سانتیمتر). عرض (۲/۱ ۱۴ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۷۶).

[۴۹۷] حدیقة الحقیقه (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور و از آثار گرانبهای حکیم سنائی (ابوالمجد مجدود (۱) بن آدم غزنوی متولد بسال ٤٦٤ (۲) و متوفی بسال ٥٢٥ (۳)) (٤) استکه نیز از مشاهیر شعرا و عرفا میباشد و مندرجات این کتاب مقام و مرتبهٔ ویرا چون

---

(۱) درنسخ هفت اقلیم نام سنائی مجدالدین ثبت شده درصورتیکه درتمام دیوان وآثار او این نام یالقب برای وی دیده نشده وتذکره نویسان به تبع خود وی ومعاصرین اورا مجدود معرفی کرده اند بنابرین نام مجدالدین برای او مسلماً غلط خواهد بود .

(۲) تاریخ تولد سنائی را تا کنون کسی تعیین نکرده ، نگارنده تاریخ مذکور بالا را از این بیت سنائی : عمر دادم بجملکی برباد برمن آمد زشصت صد بیداد
که در اوائل باب غفلة (بنجم ، حدیقه ، نسخه چاپی) زیرعنوان **فی تبدیل الحال بعد الکمال** میباشد استفاده نموده چرا که میدانیم سنائی بسال ٥٢٤ مشغول بنظم حدیقه بوده وبنابرتصریح در این بیت در این هنگام شصت سال داشته (٥٢٤ ـ ٦٠ = ٤٦٤) بنا بر این بسال ٤٦٤ متولد گردیده است .

تذکری که دراینجالزوم دارداینست که دربعضی ازنسخه‌های خطی ونسخه‌چاپی حدیقه بجای **شصت** کلمه **شیب** نگارش یافته ولی مسلما این کلمهٔ اخیرمصحف شصت میباشد چرا که بیت دیگری ازسنائی که در آغاز همین مبحث میباشد گذشته ازاینکه درنسخ کهنه وصحیح حدیقه صریحاً شصت نوشته‌شده ، نیز شصت سالگی ویرامعین میکندو آن اینست : شیر یك سالگیم کرد اثر ٭ پس چل‌سال گرد عارض وسر . ومراد شاعر اینست که یکسال شیر سفیدیکه خورده‌ام موی سیاهیکه ازبیست سالگی دراطراف صورت داشتم چون رنك خود سفید کرده است .

(۳) در سال وفات این شاعر شهیر چندین قول است (٥٢٥ و ٥٤٥ و ٥٧٦ و ٥٩٠) ، متتبعین و دانشمندان ، بیشتر همین سال (٥٢٥) را که نگارندهٔ مقدمه ، حدیقه و مرتب کنندهٔ آن محمدبن علی الرقا معاصر وی (بامر بادشاه عصر بهرام شاه بن مسعود) تعیین نموده سال مرگ سنائی میدانند وعلامه نحریر آقای قزوینی درمتن وحاشیه خاتم الطبع تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی (ص ٦٣٥ ج ٥) دراین باب شرحی نگاشته واختلافات ودلیل تأیید این تاریخ را هم تذکرداده اند

(٤) شرح حال سنائی را در تاریخ گزیده (ورق ٢٩٤ و ٣١٩ نسخه مدرسه) ، تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی (ص ٦٢ ـ ٦٤ نسخه مدرسه) ، نفحات الانس (ص ٧٠٦ ـ ٧٠٧ نسخهٔ مدرسه) ، هفت اقلیم (ص ٢٥٣ نسخهٔ مدرسه) مجالس المؤمنین ص ٢٨٨ ـ ٢٩٦ (در مجلس ششم) ، حبیب السیر ص ٣٣ـ٣٤ جزء چهارم ازمجلد دوم چاپ‌هند ، کشف الظنون ج۱ ص ٤٢٧ـ٤٢٨ ، آتشکدهٔ آذر ، مجمع الفصحا ، ج ۱ ص ٢٥٤ ـ ٢٧٤ ، ریاض العارفین ص ١٩٦ ـ ٢١٠ ، سخن وسخنوران ج۱ ص ٢٦٧ ـ ٣٢٧ ومقالهٔ مفصل دانشمند معاصر آقای تربیت بنام مثنوی ومثنوی گویان ایران (ص ٥٤١ ـ ٥٤٤ شمارهٔ ششم سال بنجم مجله مهر (سال ١٣١٦ شمسی) نگاه کنید که مأخذ این نگارش میباشد .

آفتاب جهانتاب بر عالمیان آشکار نموده وهر کس بقدر لیاقت واستعداد خویش از آن بهرور میگردد ،

عارف شهیر مولانا جلال‌الدّین رومی با آن مقام و مرتبهٔ که در عرفان دارد خود را تابع و پیرو سنائی خوانده (عطار روح بود و سنائی دو چشم او ما از پی سنائی و عطار آمدیم) و مثنوی بی مانند خویش را بواسطهٔ آوردن و عنوان قرار دادن ابیاتی از سنائی در آن ، در حقیقت شرح بیانات ایشان معرفی نموده است .

سنائی در اوان جوانی بمداحی و هجوگوئی و غزلسرائی که لازمه این بخش از زندگانی ونا آزمودگی میباشد میپرداخته ولی نور عرفان چنانکه از آثار وی هویداست در اواخر عمر بردل وی تابیده و او را زنده جاوید ساخته است .

از آثار این حکیم یکی دیوان قصائد و غزلیاتست (در زیر عنوان دیوان سنائی معرفی میشود) و دیگری این مثنوی که « حدیقة‌الحقیقه وشریعة‌الطریقه »(۱) نامیده شده و دیگر « طریق‌التحقیق (۲) » و رسالهٔ « سیر‌العباد الی المعاد » (۳) ، عشق نامه ، حکایت بهروز و بهرام (٤) غریبنامه و عقل نامه (٥) و کار نامه

(۱) در خود کتاب تصریحی از مؤلف در تسمیه این کتاب بدین نام نیامده ولی در نزد دانشمندان بدین نام معروف و نیز آنرا فخری نامه میگویند و محمدبن علی‌الرفا در ص ۹ مقدمه حدیقه (نسخه چاپ هند) این کتاب را بدین دو نام معرفی کرده است .

(۲) طریق‌التحقیق بنا بر تحقیق آقای تربیت (در مقالهٔ مجلهٔ مهر) موسوم به **زادالسالکین** میباشد و بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در طهران و بمبئی چاپ شده و آقای قزوینی بیت آخر این کتاب را که دربارهٔ ای از نسخ موجود وسال ۵۲۸ را معین مینماید محرف یامجعول دانسته ودلیلی بر صحت آن نیافته اند .

(۳) این کتاب نظیر حدیقه میباشد و هدایت در ج ۱ مجمع الفصحا ص ۲٦۲ ـ ۲۷٤ تمام آنرا درج ومسلماً برحسب شمارهٔ دقیق هفتصد (۷۰۰) بیت است با مقدمهٔ ای بقلم دانشمند محترم آقای سعید نفیسی بهمت کوهی کرمانی بسال ۱۳۱٦ نیز در طهران جداگانه چاپ شده ، دراین نسخه شمارهٔ ابیات ۷۷۵ میباشد . وبنام **کنزالرموز** نیز نامیده میشود ودرهفت اقلیم کنزالرموز از مؤلفات سنائی شمرده شده ولی ازسیرالعباد الی‌المعاد نامی نبرده واتحاد این دو نامرا هم تذکر نداده است .

(٤) آقای تربیت در شمارهٔ ٦ مجله مهر سال پنجم (ص ۵٤۳) چند بیت از این مثنوی را نقل کرده اند .

(٥) نسخه ای از این کتاب در حرف عین همین فصل معرفی خواهد شد .

بلخ است(۱) و نیز از آثار نثری این حکیم مقدمه ایستکه بر دیوان خود نوشته و فهرست مطالب مندرجهٔ در آنرا آخر آن گذارده و نسخه ای از آن در کتابخانهٔ ملّی ملك درطهران موجود و نگارنده آنرا دیده وظاهراً خیلی نزدیك بزمان سنائی آن نسخه نگارش یافته است .

و دیگر مکتوبیستکه به بهرامشاه نوشته و از علمای غزنین شکایت نموده که نفهمیده این کتاب اورا برخلاف دین دانسته ، چراکه علی بن ابن ابی طالب ع را بردیگر اصحاب ترجیح داده و دشمنان خاندان رسالت ص را بدگوئی نموده واز این پادشاه استدعای عدل وتوجه کرده و دو نسخهٔ (شمارهٔ ۳٤٥ و ۱۹٦) این کتابخانه آنرا شامل میباشد و دیگر از آثار نثری وی دیباچه حدیقه است که بنا بر تصریح محمدبن علی الرّقا سنائی در بامداد روز یکشنبه ۱۱ شعبان سال ٥۲٥ که پس از نماز شام آن روز رحلت نمود آنرا انشاء وابوالفتح فضل‌الله بن طاهر حسینی آنرا املاء نموده است .

جای تردید وشك نیست که تمام این دیباچه ومقدمه حدیقه انشاء سنائی نیست چراکه گذشته از طرز مطالب و معانی آن که خود شاهد بزرگی برمدعی میباشد در سطر ٦ از ص ٦ و ص ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ (نسخه چاپی) محمدبن علی الرّقا تصریح نموده که وی منشی آنست ، نگارنده براینستکه از آغاز دیباچه تااینجاکه گوید : روزی من که محمدبن علی الرّقا . انشاء سنائی واملاء سیّد مذکور است .

ازقطعه ایکه دردیوان سنائی موجود است، بدست می آید که درزمان حیات مسعود سعد سلمان متوفی بسال ٥١٥(۲) سنائی بجمع و ترتیب دیوان وی مبادرت نموده و از اینکه در اثر غفلت اشعاری از دیگران را نیز در آن دیوان آورده

(۱) آقای تربیت این منظومه را مطایبه نامه سنائی معرفی کرده وگوید شبیه بمنظومهٔ مسعود سعد در همین موضوع میباشد ولی کمی بیشتر از آن کــه همه در وصف درباریان سلطان مسعود ثالث گفته شده است .

(۲) آقای قزوینی وفات این شاعر را در حواشی چهار مقالهٔ نظامی عروضی (ص ۱٤٥) محققاً دراین سال دانسته وگویند رساله ای درشرح حال این شاعرتألیف و ادوارد برون آنرا بانگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰٥ و ۱۹۰٦ در مجلهٔ انجمن همایونی آسیائی منتشر کرده است .

پوزش خواسته و آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله (ص ۱۴۲ - ۱۵۰) این کار سنائی را تذکر داده اند .

سنائی حدیقةالحقیقه را که شامل اشعار توحیدی و عرفانی و اخلاقی است و بنابرتعیین محمدبن علی‌الرّقا درمقدمه حدیقه وتصریح خود وی شماره ابیات آن ده هزار (۱) میباشد ، بسال ۵۲۵ بآخررسانید وانشاء آن ۱۳ ماه (۲) طول کشیده و در ده (۳) باب گذارده‌است .

نسخهٔ چاپی حدیقه باچهارنسخهٔ خطی از آن که در دست نگارنده است در تنظیم ابواب بایکدیگر مخالف ونگارنده نمیتواند یکی‌از آنها را ترجیح دهد وآنرا اصل قرار دهد ، در آخر مقدّمه نفیسیکه نسخهٔ مجلس شورای ملی دارد وغیراز مقدّمه محمدبن علی‌الرّقا میباشد(۴) و درفهرست آنجا خصوصیّات آن نگارش خواهد یافت وظاهراً آن نسخه درقرن نهم هجری نگاشته شده ودرحاشیه برگ ۴ نسخه این کتابخانه که بسال ۹۲۰ نوشته شده فهرست ابواب حدیقه بدینگونه که زیراین سطرها می‌آوریم تعیین گردیده ، ابیاتی درحدیقه موجود که دلیل برموافقت این ترتیب باخیال ناظم آنست و خود این ابیات میرساند که از سنائی میباشند :

باب اول بیان تحمید است   محض تنزیه و صرف توحید است

---

(۱) در ذیل باب دهم درمعرفی از کتاب گوید :

آنچه زین نظم در شمار آمد   عدد بیت ده هزار آمد

(۲) در آخر حدیقه است :

شد تمام این کتاب در مه دی   که در آذر فکنده آن را پی

پانصد و بیست و چار رفته ز عام   پانصد و بیست و پنج گشته تمام .

(۳) حاجی خلیفه درص ۴۲۷ ج ۱ کشف این کتابرا شامل بیست باب معرفی وانشاء آن را بسال ۵۲۴ معین نموده و مؤلف فهرست کتابخانه معارف در ص ۱۵۰ ج ۱ عینا اشتباه مذکور را نقل کرده اند .

(۴) بعضی تصور کرده اند که مقدمه نثری موجود درنسخه چاپی هند انشاء خود سنائی میباشد در صورتیکه نگارندهٔ آن محمدبن علی الرقا در چند جائی از مقدمهٔ تصریح بنام خود کرده و گذشته ازاین طرز انشاء آن بخوبی میرساند که منشی آن غیراز سنائی ناظم کتابست و در این موضوع شرحی در ص ۴۹۵ نگاشته شد .

باب ثانی ثنا و نعت رسول(۱) — و آن بهر چار یار گشته قبول
باب ثالث (۲) زعقل گویم من — ز آنکه گنجد در و مجال سخن
باب رابع (۳) زعلم وخواندن علم — گفت خواهم زروی دانش وحلم
باب خامس (٤) زعشق و تعبیرش — کز کجا تا کجا است تأثیرش
باب سادس (٥) زغفلت و نسیان — گر چه مستولیست بر انسان
باب سابع(٦) زحال دشمن ودوست — که بیابی هر آنچه سیرت اوست
باب ثامن (۷) زگشت افلاك است — که چنین جایز است و ناپاك است
باب تاسع (۸) ثنای شاه جهان — آنکه دشمن ز تیغ اوست نهان
باب عاشر (۹) صفات این تصنیف — که نه بینی دیگر چنین تألیف

(۱) در نسخهٔ مجلس ونسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این کتابخانه باب دوم در اوصاف قرآن معرفی گردیده درصورتیکه درآخر این باب این بیت : (جون بگفتی ثنای حق زاول بس بگو نعت احمدمرسل) است که خود مؤید اتمام باب اول میباشد و در این باب دس از نعت و ثنای بیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بمدح وثنای خلفای جهارگانه (رض) وحسنین علیهما السلام و امام شافعی وابوحنیفه (رض) و برخی دیگر از اصحاب برداخته و در عین حال که از اظهار عقائد مذهبی خویش تقیه میکرده مطالبیکه موافق عقیدهٔ امامیه میباشد مندرج ساخته و دابست بودن خود را بآنها آشکار نموده است .

(۲) نسخهٔ جاب هند وشمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه موافق این تقسیم ودرنسخهٔ (۳٤۷) این کتابخانه باب ٥ ودرنسخهٔ خطی مجلس باب جهارم درعقل است .

(۳) نسخهٔ جاب هند و شمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه موافق این تقسیم **در علم** میباشد ولی نسخهٔ مجلس بعلت مذکور علم را درباب بنجم ذکرنموده ودرنسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این باب جهارم را در مدح بهرامشاه که موافق تقسیم بالا باب نهم میباشد قرارداده است .

(٤) درنسخهٔ سمارهٔ (۳٤۷) این کتابخانه باب هفتم در عشق و صفت روح و درجات قلب معرفی گردیده ودرنسخهٔ جابی باب ۸ در این موضوع میباشد ودرنسخهٔ مجلس بخشی از این باب درآخر باب اول نگارش یافته است .

(٥) در نسخهٔ جابی و شمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه این موضوع در باب بنجم و در نسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷) این کتابخانه در باب هشتم و درنسخهٔ مجلس در باب ٦ گذارده شده و این دونسخه ابیات زیادی که در آن دونسخه در آخر باب علم گذارده شده در آغاز این باب دارد .

(٦) در نسخهٔ جابی این باب در حکم و امثال و زیر عنوان باب هفتم بت شده و در نسخهٔ شمارهٔ (۳٤٥) این کتابخانه نیز جون نسخه جابی دس از باب نسیان است ولی در نسخهٔ شمارهٔ (۳٤۷)

(بقیه حاشیه درصفحه ٤٩٨)

چنانکه از مکتوب حکیم سنائی به بهرامشاه غزنوی و مکتوب منظومی که به برهان‌الدین به بغداد نوشته و راجع باین کتاب، و صحّت مندرجات آن استفتاء کرده و آنچه محمدبن علی‌الرّقا درمقدّمه حدیقه نگاشته ، برمی‌آید ، پس از اتمام حدیقه و اطلاع جمعی برمندرجات آن (تصورمیکنم که اطباء و منجمین‌وعلماء که‌دردربار بوده و بیانات سنائی را در باب نهم در ذیل ثنای شاه مخالف منافع خود دیده ، تمایل‌به تشیّع‌وعلاقمندی سنائی رابخاندان‌حضرت پیغمبر ص ع که‌ازاشعار حدیقه آشکار است بهانه نموده وخواسته اند که اورا آزار کنند ، مکتوب و منظومه وی به بهرامشاه وبرهان‌الدین کاملاً صریح‌دراین مطلب میباشد) ناچارشده که‌نظر پادشاه ورئیس علماء اسلام (در آن دوره) را بخود جلب نماید ، نسخه ای ازحدیقه را پاکنویس وبه بغداد پیش ابوالحسن علی‌بن ناصرغزنوی (برهان‌الدین) مشهور به **بریان** فرستاد تافتوی برصحت مندرجات آن دهد .

نگارنده ازمقدّمه محمدبن علی‌الرّقا استفاده میکندکه درهمین روزها که سنائی این کار را انجام داد ونسخه را به بغداد فرستاد تب کرده وازاین جهان (تقریباً ۷ماه پس از انجام تألیف کتاب) بسرای باقی شتافت و دراین مقدمه استکه بامر بهرامشاه رقا از روی مسوّده ها بجمع وترتیب حدیقه پرداخته است .

(بقیه حاشیه ازصفحه ۴۹۷)

این کتابخانه و نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس این موضوع بعنوان باب ذکر نشده و در آخر باب افلاک (نسخهٔ مجلس ونهم نسخه شمارهٔ (۳۴۷) این کتابخانه) گذارده شده و جز تمام آن ابیات نیست .

(۷) درنسخه جابی و شمارهٔ (۳۴۵) این کتابخانه در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس باب افلاک جزاست که درشمارهٔ (۶) گفته شد .

(۸) در نسخهٔ جابی باب دهم و در نسخهٔ شماره (۳۴۵) این کتابخانه باب نهم و در نسخه شمارهٔ (۳۴۷) باب چهارم ودرنسخهٔ مجلس باب هشتم دراین موضوع معین گردیده و در این باب گذشته از مدح پادشاه ونصائح واندرز های سوده‌اند بمدح و ثنای دولتشاه بهرامشاه و صدور وامراء وبعضی از علما و وعاظ پرداخته وبرخی ازعلما نما و شعرا ومنجمین‌واطبای دروغی را هم مذمّت وسرزنش و هجا کرده است .

(۹) در نسخه جابی این موضوع در باب نهم و در نسخه شمارهٔ (۳۴۷) بقسمی از موضوع باب نهم (هجاء شعرا واطبا ومنجمین) بعنوان باب دهم ودرنسخه مجلس همین قسمت (معرفی از کتاب) بنام باب دهم معرّفی گردیده است .

سنائی خود از حدیقه انتخابی کرده و مجدداً برحسب خواست دوستان از آن انتخابی دگر نموده و این منتخب دوّم بشمارهٔ نامه‌های الهی ۱۰۰۱ بیت میباشد وشاید مراد حضرت مولوی ازالهی‌نامه سنائی همین منتخب باشد و بنابر تصریح خود وی درماه مرداد که برحسب احتمال همان ماه آخرعمروی بوده این‌انتخاب بانجام رسیده وبسال ۱۳۱۶ قمری علینقی ملقب به مؤتمن دیوان این منتخب را بنام جعلی «لطیفة العرفان» که‌بسلیقه‌خویش‌بر آن گذارده‌درطهران چاپ‌نموده و دیباچهٔ نثری بر آن نگاشته است .

تمام‌حدیقه بسال ۱۲۷۵ دربمبئی وباب اول‌آن بسال ۱۹۱۰ م باترجمه انگلیسی آن بقلم : .Magor. g. Stephenson در کلکته چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله ای درون‌پرور برون‌آرای ٭ ای‌خرد بخش بی خرد بخشای الخ .

(۱۱۳۰)

حدیقة‌الحقیقه این‌نسخه را بخط نستعلیق خالص‌بن کمال‌الدین‌بن‌محمود کرمانی بسال ۹۲۰ نگاشته ، نویسنده ای در حاشیهٔ ص ۷۳۶ - ۷۴۱ شرح حال سنائی را از تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی و در حاشیهٔ ص ۷۴۶ تا آخر **عقل نامه** سنائی راکه درهمین فصل از آن معرفی خواهد شد نوشته ، پشت صفحه نخستین و چند برگیکه پیش از آنست ابیاتی از سنائی و غیره و یادداشتهائی از مالکین سابق نسخه بفارسی و عربی و ترکی نگارش یافته و صفحات بجدول بطلا و عناوین باشنجرف و دارای یك سرلوح طلائی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۳۷۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۲ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۴۷) .

(۱۱۳۱)

حدیقة‌الحقیقه این‌نسخه را بخط نستعلیق خیلی‌خوب بخواست خواجه بیك در شهر هرات ، عبدالرشید دیلمی بسال ۱۰۱۷ نوشته و از خطوط ممتاز میباشد ، میان دو سطر آخر چند کلمه ای را محو کرده اند ، مکتوب سنائی به بهرامشاه درآخر نسخه نگاشته شده ، تمام صفحات بجدول‌بطلا و لاجورد وغیره میباشد و میان سطرها طلااندازی شده وعناوین مطالب بامرکبهای

گوناگون برسرسوره هائی طلائی نگارش یافته ودر ابتداء نسخه سرلوح ظریف کوچکی است .

تمام برگها متن وحاشیه میباشد وبسیاری از آنها جابجا شده وباصفحه ها هم اگرچه مطابق میباشد نظم وترتیب آن درست نیست و نیازمند ترتیب و تنظیم درستی است .

جلد ساغری . کاغذ متن خان بالغ حاشیه ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤١٩) صفحه ای (١٢) سطر . طول (٢٢ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (١٩٦) .

(١١٣٢)

حدیقة الحقیقه این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، برگهائی از آن نونویس میباشد ، طرز نگارش حکم میکند که نویسندهٔ آن هندی و در اواخر قرن نهم نگارش یافته ، عناوین ابواب ومطالب در چندین جا غلط نوشته شده وطرز تنظیم آن تقریبا بانسخهٔ چاپ بمبئی مطابق ، مکتوب سنائی به بهرامشاه نیز در آخر نسخه میباشد و بالای صفحه نخستین رضی کتابدار شاهزاده بهمن میرزا پسر نائب السلطنه ، عباس میرزا ، بودن آنرا در کتابخانه این شاهزاده بسال ١٢٤٨ یادداشت کرده است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٢٧٢) . صفحه ای (١٩) سطر . طول (½ ٢٣ سانتیمتر) . عرض (½ ١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٣٤٥) .

| ٤٩٨ | حلبة الکمیت (عربی)

مؤلف این کتاب نواجی است که در ص ٧٣ - ٧٤ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم .

حلبة الکمیت (١) چنانکه در مقدمهٔ آن مؤلف تذکر داده بانجواست کسیکه

---

(١) حلبه را (باحاء حطی و باء ابجد) درقاموس دسته ای [illegible] برای مسابقه معین نموده وعبارت آن اینست :

الحلبه بالفتح الدفعة من الخیل فی الرهان وخیل تجمع للنصرة [illegible] و کمیت اسب سرخ رنگ را گویند که مائل بسیاهی باشد ومؤلف خود دراوائل [illegible] که لفظ کمیت در آنست گوید

(بقیه در صفحه ٥٠١)

مخالفت وی او را میسّر نبوده تألیف گردیده وشامل بیست و پنج باب وخاتمه ای بتفصیل زیرین بنثر ونظم میباشد :

باب اول ـ درنامهای شراب . **۲** ـ در وصف شراب ونخستین کس که آنرا درست کرده و موجب ساختن آن . **۳** ـ در طبایع و خواص آن . **۴** ـ در استعمال آن موافق رأی حکما . **۵** ـ درآنچه براستعمال کننده آنست ازحقوق منادمة و ادب ندیم . **۶** ـ درندمائیکه مؤلف آنها را می پسندد و مختصری از لطیفه گوئی های آنها . **۷** ـ دراحسان به ندما و جائزه ها وصله‌های آنها . **۸** ـ دراشعار نیکو وافکار بلند ندما . **۹** ـ درآنهائیکه بآشامیدن شراب اصرار دارند . **۱۰** ـ در نثر ونظم هائیکه ادبا درخواستن شراب انشاء کرده اند . **۱۱** ـ در وصفهائیکه از آن باعبارات فصیح وبلیغ و شبیه های تازه وخوب گردیده . **۱۲** ـ دروصف ساقی وادب او . **۱۳** ـ در وصف مجلس بزم و آلات و ادوات آن . **۱۴** ـ در وصف نواها و آلات و ادوات آن . **۱۵** ـ در وصف شمع و فانوس و اقسام چراغها . **۱۶** ـ در وصف مجلس انس پس از اتمام و ترتیب وانتظام آن ومتعلقات بآن . **۱۷** ـ در وصف هریك از اقسام گلها و ریاحین ومیوه ها . **۱۸** ـ در وصف عمومی ازآنها وبحث در اطراف بهار . **۱۹** ـ دروصف جوی ها وگودالهای آب وچرخهای چاه و استخر ها و فواره ها . **۲۰** ـ در وصف رود نیل مصر و گردش گاههای آن بنظم ونثر . **۲۱** ـ در مناظر طبیعی شهرها . **۲۲** ـ درنسیم ولطافت آن . **۲۳** ـ درآواز کبوترها و کبوتران حاپار . **۲۴** ـ در وصف ابر و رعد و برق و آفتاب وماه و ستاره وبامداد وجزاینها . **۲۵** ـ در اشعار مطوله دراوصاف گلها وبهار وغیراز اینها .

خاتمه در توبه واخلاص ومذمت شراب و دور کردن طبایع از آن .

این کتاب درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد وبسال ۸۲٤ تألیف آن بآخر رسیده وابن حجه حموئی (تقی‌الدّین) برآن تقریظی نوشته و دوبار بسال ۱۲۷۶

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۰۰)

در لفظ کمیت انجا توریه است و از همینجا نام کتاب را حلبة الکمیت گذارده ام چرا که میدان مسابقه ای (اسدرس) برای شعرای رشید است (اما کان مضمارا لفحول‌الشعراء ومجری سوابق افکارهم فی‌التشابه‌الخمریه) و در شدرات و کشف‌الظنون نوشته شده که مؤلف نام این کتاب را الحبور والسرور فی‌وصف‌الخمور گذارد ، دوستان را این نام خوش نیامد وگویند که مؤلف دچار مرض ومحنت گردید از اینرو نام آنرا بر گردانید وبدین نام نامید ؟ ! .

ودر کشف‌الظنون ازالضوء‌اللامع نقل گردیده که دراثر این تألیف یکی از شعرا زنده ومردهٔ وی را هجا نمود ونام آنرا قبح الاهاجی فی‌النواجی گذارد و هنگامیکه نواجی در بازار کتاب فروشها نشسته بود بدست یکی از دلالهای کتاب داد برهمه عرضه داشت تابه نواجی رسید در آن مطالعه نمود وخواست که آنرا نگاهدارد صاحب آن از دلال آنرا بازخواست و نزدیك بود از این پیش‌آمد نواجی هلاك شود .

و ۱۲۹۹ چاپ گردیده و ازلحاظ ادبیّت مجموعه ای نفیس است .

آغاز : بسمله الحمدلله الذّی ادار کؤس الادب علی اهل الادب الخ .

(۱۱۳۳)

حلبة الکمیت این نسخه رابسال ۱۰۷۹ بخط نسخ علی یحی علی (کذا) حدید حسینی نوشته و تقریظ نامبرده پشت آخرین صفحه نسخه میباشد وچند برگ اوّل نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۱۶) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۹۰) .

(۱۱۳۴)

حلبة الکمیت این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را ننگاشته ازطرز خط و کاغذ مسلم استکه در اواخر قرن سیزدهم نگارش یافته وصفحات بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹۳) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۹۱) .

[۴۹۹] ختم الغرائب (فارسی)

حکیم خاقانی شروانی که درص ۴۶-۴۶۶ بمعرّفی وی و آثارش پرداخته ایم ، بنا برنسبت دادن نویسنده نسخهٔ زیرین منظومه ای بوزن مثنوی بنام **ختم الغرائب** انشا نموده و جز نسخهٔ زیرین و نسبت دادن نویسندهٔ آن با جستجوی زیاد در کتب سیر وتذکره ها وفهرستها چنین نسبت و آثاری از نسخه ای از آن نیافتم جزاینکه مجموعه ای که بسال ۱۰۳۵ نگارش یافته دراین کتابخانه زیرشمارهٔ (۶۰۰) موجود است و بمناسبت اینکه در ابتداء آن دیباچه تحفة العراقین را کاتب بنام **دیباچه ختم الغرائب** معرّفی نموده دردفاتر مدرسه بنام ختم الغرائب ثبت وبهمین نام وقف گردیده است ومسلّما این نام بغلط براین نسخه گذارده شده و باتتبّعیکه دراین موضوع نگارنده نموده تحفة العراقین بدین نام (ختم الغرائب) نامیده نشده واین جمله غلط احتمال را قوی میکند که خاقانی بدین نام اثری داشته و گذشته

از این راه طرز فکر وانشاء این منظومه که در تقلید حدیقهٔ سنائی میباشد صحت انتساب آنرا بخاقانی تأیید میکند :

برای اثبات مدعی چند بیت از آنرا دراینجا می‌آوریم :

فی حدوث العالم

اینها همه محدث اند و مجبور — در قبضهٔ قهر اسیر و مقهور

خلاق همه یکی قدیم است — رزاق همه یکی عظیمست

جبار مهیمن روان بخش — قهار قدیم ذات جان بخش

معبود جهان خدای بی عیب — بل جاعل عین و خالق غیب

از علت ناقص است صنعت (کذا) — پس مردم کاملست غایت (کذا)

تا کاملکی که آرد از خاک — زینگونه هزار آدم پاک

سبحان الله چه جای این است — کو ایزد ایزد آفرین است

گر ایزد نافریده بودی — کی آدم برگزیده بودی

گر دست تو را خدای عالم — در عالم کدخدای آدم

نه خانه نه کدخدای ماند — کد نیست شود خدای ماند

چون خانهٔ کدخدای دیدی — کدنیست شد و خدای دیدی

جون خانه و کدخدای خود نیست — در خانه بجز خدای خود نیست

بدبختانه فقط قسمتی ازاین مثنوی به نسخه ای از تحفةالعراقین (.درص ٤٦٨ ازاین نسخه زیر شمارهٔ ۱۱۱۰ معرّفی گردیده) پیوسته و (٦٤٤) بیت بیشتر نیست .

آغاز : بسمله بر کرّهٔ خاك تنگ میدان کم باش چو گوی اسیر چوگان .

انجام نسخه : آب از تشنگی روانست ور گرسنهٔ شفات نانست

ازپاصفحهٔ آخرین صفحه معلوم میشود که دراین نسخه برگهای دیگری بوده واز میان رفته است .

(۱۱۳۵)

ختم الغرائب این نسخه پیوسته به کتاب شمارهٔ (۲۷۲) کتابخانه میباشد که ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نوشته شده و در ص ٤٦٨ و ٤٦٩ زیر شمارهٔ (۱۱۱۰) آنرا معرّفی کرده ایم ، خصوصیّات دگر را بآن صفحه مراجعه فرمائید .

[٥٠٠] خريدة القصر وجريدة اهل العصر (عربی)

مؤلف این کتاب عماد کاتب اصفهانی است (ابوعبدالله عمادالدّین محمدبن محمدبن حامدبن محمد ٥١٩ - ٥٩٧) (١) که ازمشاهیرادباء نامدارووزرای والاتبار و در فقه شافعی صاحب اجازه بوده و درعلوم ادبیّه و خلاف دستی قوی یافته ، تولّدوی دراصفهان شده ودربغداد کسب کمال نموده ودردمشق موردتوجه وعنایت نورالدین قرار گرفته و او را برسالت به بغداد پیش المستنجد فرستاده و چون بدمشق بر گشته تدریس مدرسه ایکه بنام خوداو (مدرسهٔ عمادیّه) مشهورمیباشد بوی داده شد و پس از آن عماد را در محفل اشراف دیوانیان ووزراء وارد نمود وپس از نورالدین اسمعیل پسر وی بجای پدر نشست رقبا پادشاه را بدو بدگمان کردند عماد ناچار شد ، همه مقاماتیکه داشت ترك کرد وروی ببغداد آورد چون بموصل رسید درآنجا ناخوش شد در همین ایام شنید که **صلاح الدین** پادشاه مصر برای تسخیر دمشق حرکت نموده ، عماد از رفتن به بغداد منصرف شد و بطرف دمشق برگشت ، درماه شعبان سال ٥٧٠ درهنگامیکه سلطان صلاح الدین درحلب بوده و قلعه حمص را تصرف کرده بپادشاه نزدیك شد و قصیده ای طولانی انشا و بعرض رسانید ، مورد عنایت و قبول گردید و در حضر و سفر ملازم و مدّاح شد و بالاخره پس از نزدیك شدن زیاد به این پادشاه مقام وزارت یافت وتاآخر زندگانی صلاح الدین خوشی وعظمت عمادالدین هم بآخر رسید وابن خلکان گفته « پس ازمرگ وی دری را برخود بازندید و گوشهٔ خانه نشست وبتألیف وتصنیف مؤلّفات ممتازپرداخت ، وازمؤلّفات اوست : **البرق الشامی** (این کتاب بنابرمعرّفی ابن خلکان ، در تاریخ وهفت مجلّد است و در ابتداء شرح حال مؤلّف و کیفیّت حالات وی و انتجال خود را از عراق بشام تااواخر زندگانی وادبار روزگاربوی پس ازصلاح الدین مندرج ساخته و از کتب تواریخ منتخبه است) ، **دیوان** رسائل فارسی ، **دیوان** رسائل عربی **دیوان شعر** درچهار مجلّد ، **دیوان** دوبیتی (رباعی)،

(١) وفیات الاعیان ج ٢ ص ٧٤ - ٧٦ ، شذرات الذهب ج ٤ ص ٣٣٢ - ٣٣٣ معجم المطبوعات ص ١٣٧٥ مآخذ نگارش این مقالات است .

نصرة الفتره و عصرة القطره (۱) (در اخبار و تاریخ سلجوقیان میباشد و مختصر آن بنام زبدة النصره و نخبة العصره در لیدن بسال ۱۸۸۹ م چاپ شده و حاجی خلیفه در ج ۲ کشف ص ۷ و ص ۶۰۲ این مختصر رانیز تألیف خود عمادالدین کاتب معرّفی نموده و در مصر بسال ۱۳۱۸ بنام تاریخ دولة آل السلجوق تألیف عمادالکاتب اختصار شیخ امام فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی چاپ شده است)، الفتح القدسی فی الفتح القدسی (ابن خلّکان در وفیات الاعیان نام این کتاب بدینگونه که نقل شد ثبت گردیده و گوید که در دو مجلّد و شامل شرح فتح بیت المقدس میباشد و حاجی خلیفه در ص ۲۱۹ ج ۲ کشف گوید: «القدح القسی فی فتح القدسی در دو مجلّد تألیف عماد کاتب . . . میباشد و در خطبه آن مدح ناصر الدین احمد بن المستضییء بالله عباسی وصلاح الدین یوسف را نموده واین نام برپشت نسخه نوشته شده لیکن خود وی گفته که آنرا الفتح القدسی نامیدم و برقاضی فاضل آنرا عرضه داشتم مرا گفت آنرا «الفیح القسی فی الفتح القدسی» نام گذار».

و دیگر از مؤلّفات وی خریدة القصر وجریدة اهل العصر است.

این کتاب که مؤلف آنرا **خریدة القصر وجریدة اهل العصر** نامیده یکی از مشهور وشامل شرح حال و آثار ادبا وشعرای قرن ششم هجری (ازسال ۵۰۰ تا ۵۷۲) (۲) که مؤلف آنها را دیده ویا بیك واسطه از آنها شعر بلیغ ویانثر سلیس شنیده) میباشد و مؤلف در حقیقت آنرا ذیل «زینة الدهر وعصرة اهل العصر» تألیف ابی المعالی سعد بن علی وراق خطیری متوفی بسال ۵۶۸ که آن نیز ذیل بر **دمیة القصر**

(۱) در وفیات الاعیان نام این کتاب بدین املاء و در کشف الظنون فتره و قتره با ناء و در معجم المطبوعات فتره وقطره ضبط گردیده واین آخیر صحیح بنظر می‌آید.

(۲) ابن خلکان تصریح نموده که این کتاب شرح حال دانشمندانی استکه درسالهای ۵۰۰ تا ۵۷۲ وفات یافته و یا در قید زندگانی بوده اند، مراجعهٔ به نسخه این کتابخانه هم مؤید ایشانست و از عبارت زیرین که در ذیل معرّفی وشرح حال ابو المحاسن شنجی نوشته معلوم میشود که تألیف این کتاب هم بسال ۵۷۲ بوده وآن جمله اینست: وسمعت الان فی سنة اثنین وسبعین انه موسوم بالعطله الخ. مؤلف کشف الظنون درص ۴۶۱ ج ۱ گوید تاسال ۵۹۲ اثنین وتسعین وخمسائه را در این کتاب ثبت نموده ولی چنانکه دانستیم جلد اول را مسلماً درسال ۵۷۲ مینوشته ومکرر تصریح بسالهای پیش از سال مذکور (۵۷۲) را در این مجلّد کرده است.

وعصرة اهل العصر (۱) باخرزی متوفی بسال ۴۶۱ که این نیز ذیل **یتیمة الدهر** ثعالبی متوفی بسال ۴۲۹ یا ۴۳۰ میباشد، قرارداد و یتیمة الدهر ذیل **البارع** تألیف هارون بن علی منجم متوفی بسال ۲۸۸ میباشد و این کتاب اخیره نخستین مؤلفهٔ بدین طرز استکه نخبه‌ای از آثار نظمی ونثری گروهی در آن گرد شده و نویسندگان و مؤلفین نام بردهٔ بالا مؤلفات خود را بتقلید وی ساخته‌اند. و نیز بر خریدة القصر ذیلهائی نوشته شده است.

چنانکه ابن خلکان تصریح نموده مؤلف خود نخستین کس میباشد که بنام «السیل علی الذیل» (۲) بر خریدة القصر ذیلی نگاشته و ما در ذیل معرّفی از «سلافة العصر» از آنانکه بر این کتاب ذیلی نگاشته اند و از آن مؤلفات نام خواهیم برد.

خریدة القصر چنانکه ابن خلکان و پس از وی حاجی خلیفه گفته اند در ده مجلّد تألیف گردیده و صاحب شذرات الذهب (ج ۴ ص ۳۳۳) گوید که چون عماد کاتب این کتاب را در هشت مجلّد تألیف نمود آنرا پیش قاضی فاضل (عبدالرحیم بن علی بن حسن لخمی میسانی عسقلانی مصری ۵۲۹ - ۵۹۶ (۳)) فرستاد قاضی بدان وقعی نگذارد و گفت دو جلد دیگر آن کجاست چرا که مؤلف ، آنرا خریده نامیده وباین تعبیر کتاب را و آنانکه در وی نام برده شده اند تحقیر کرده است.

بنابراینکه این داستان راست باشد این کتاب در هشت مجلد تألیف گردیده و و چون تا اینجاکه نگارنده تحقیق کرده ام نسخهٔ کاملی از آن در دست نیست نمیتوان تقسیمات آنرا از روی قطع و یقین تعیین نمود ولی از اینکه «عودالشباب» که مختصر خریدة القصر میباشد و زیر این مختصرها مختصراً بمعرفی آن خواهم

(۱) حاجی خلیفه در ص ۴۶۰ ج ۱ کشف الظنون متعرض شده که خریدة القصر ذیلی بر زینة الدهر فی عصرة اهل العصر تألیف ابی المعالی سعد بن علی وراق الحظیری متوفی بسال ۵۶۸ (نام مفصل کتاب و مؤلف و تاریخ فوت اورا در ص ۱۷ ج ۲ نقل کرده و در ص ۴۶۰ مختصراً آنرا نام برده است) میباشد که آن ذیل بر دمیة القصر و آن ذیل بر یتیمة الدهر و این ذیل **البارع** تألیف هارون منجم است ولی مؤلف در مقدمه زینة الدهر را نام برده و اصلا مؤلف نیز در نسخه دارالکتب وارد نیست.

(۲) ابن خلکان گوید: شنیده بودم که این کتاب را عماد السیل علی الذیل تألیف ابن السمعانی که ذیل تاریخ بغداد خطیب میباشد، گمان نموده ولی چون آنرا دیده دانستم که ذیل بر کتاب خریدة القصر خود مؤلف است.

(۳) شرح حال این دانشمند را در ص ۳۲۴ - ۳۲۷ ج ۴ شذرات نگاه کنید.

پرداخت، شامل چهار قسمت میباشد و در مقدمهٔ خریده مؤلف گفته که آنرا به اقسامی چند تقسیم نموده ام: (وقد قسمت هذا الکتاب اقساماً) و قسم اول درفضلاء بغداد و نواحی آن میباشد، چراکه که آنشهر مرکز ودارالخلافه است (وبهمین مناسبت درابتداء آن بشرح حال وآثار چند تن ازخلفاء عباسی که معاصرویانزدیك بعصر مؤلف بوده اند مبادرت گردیده). وچنانکه از نسخهٔ این کتابخانه برمی آید قسم اوّل در دو جزء بوده و جزء اوّل از قسم اوّل در اواسط شرح حال وآثار ابو عبدالله البارع بن الدباس النحوی بآخر میرسد و اوّل جزء دوم قصیدهٔ ضادّیه البارع نحوی مذکور میباشد. ظاهراینستکه هریك ازاقسام چهارگانه را به دو جزء تقسیم نموده، بنابراین تمام کتاب در هشت جزء خواهد بود واین موافق آنستکه صاحب کشف الظنون وشذرات الذهب تعیین کرده اند.

علی بن محمد معروف به **رضائی رومی** متوفی بسال ۱۰۳۹ خریدةالقصر را مختصرنموده وبنام **عودالشباب** معروف میباشد وحاجی خلیفه در ص ج ۲ کشف زیرعنوان عودالشباب گوید که بنابرتسمیه خود وی این مختصر خریده «الشهاب بطردالذباب» نام دارد و آغاز آن اینست: الحمد لله الذی حمده عنوان کل جریده الخ.

دونسخه ازعودالشباب در کتابخانه برلن موجود و درص ۴۸۹ - ۴۹۱ ج ۶ فهرست کتب عربی آن کتابخانه معرفی کامل از آن گردیده و فهرست اقسام و ابواب آنرا مفصلاً معیّن کرده اند وما مختصری از آنرا دراینجا می آوریم:

قسم اول: درفضلاء بغداد وتوابع آن (در ۱۲ باب). **قسم دوم:** درفضلاء عجم وفرس (در ۲ باب). **قسم سوم:** درفضلاء معاصر و نزدیك بزمان مؤلف در دمشق (در ۵ باب). **قسم چهارم:** در فضلاء مصر وتوابع آن وبلاد مغرب (در ۱۰ باب).

بنابراین عودالشباب در ۲۹ باب میباشد وچون این کتاب مختصر خریدةالقصر است بایستی ابواب خریدةالقصر نیز ۲۹ بوده باشد.

چنانکه بالای این سطرها نگاشتیم نسخهٔ کاملی ازخریدة القصر در دست نیست

و چنانکه از مندرجات ص ۹۳ ج ۳ فهرست دارالکتب العربیّه بدست می آید نسخهٔ آن کتابخانه عکس نسخه ایستکه در کتابخانه اهلیّه پاریس وجود دارد و فهرست آن اجزاء را از آنجا نقل کردن کمکی به شناختن تقسیمات کتاب و مندرجات آن مینماید و آن اینست :

(نسخه عکسی دارالکتب شش جزء و در شش مجلّد است)

مجلد اول شامل محاسن شعراء عراق : بغداد ، واسط و بصره میباشد و در شرح حال حریری صاحب مقامات بآخر میرسد (از این عبارت معلوم میشود که از آخر این مجلّد نقص دارد) .

مجلد دیگر شامل محاسن شعراء مصر میباشد و از اول افتاده دارد .

دومجلد دیگر که پشت سر یکدیگر میباشد شامل محاسن شعراء شام وفلسطین وموصل وحجاز ویمن است ودر آخر آنها اتمام قسم سوم کتاب یادداشت گردیده (از فهرست عود الشباب نیز استفاده شد که قسم سوم شامل محاسن شعراء شام است).

دومجلد دیگر که اول آنها نوشته شده : « **الباب الاول من القسم الثانی من القسم الرابع** » در محاسن شعراء جزیرهٔ صقلیّه استکه جزء مغرب (اندلس) میباشد و در محاسن شعراء مغرب نزدیك : (قیروان وافریقا) وگروهی از اهالی مغرب استکه بشام آمده اند وگروهی از ایشان را سمعانی در ذیل اصحاب حدیث نام برده ودسته ای از آنها که بمصر وارد شده اند وذکر اعیان مغرب اقصی و اندلس وشعرائیکه در کتاب فتح بن خاقان (قلائد العقیان) نام برده شده اند وغیر از اینها .

ودر فهرست نام برده این دو مجلّد اخیر را بنام : **المجلد الحادیعشر والثانی عشر وهو آخر الکتاب** معرّفی کرده و ظاهر اینستکه این عبارت عین آنستکه برنسخه اصل موجود در کتابخانهٔ پاریس نوشته شده و با آنچه پیش گذشت این تعبیر را نمیتوان درست دانست .

آغاز : بسمله (۱) الحمدلله مودع ارواح المعانی اشباح الالفاظ الخ .

---

(۱) در نسخهٔ این کتابخانه پس از بسمله است : قال الشیخ الامام العالم الفاضل الرئیس الاوحد الامجد صدر الشام والعراق ذو البلاغتین عماد الدین محمد بن محمد بن حامد الاصفهانی الکاتب رحمه الله تعالی : الحمدلله مودع ارواح الخ .

(۱۱۳۶)

خریدة القصر این نسخه شامل قسم اول کتاب (در محاسن شعراء بغداد و نواحی آن) بوده ، برگهائی ازمیان و آخر آن افتاده ، در جاهای افتاده دار برگهای ننوشته ای گذارده شده ، ازطرز کتابت و کاغذ احتمال میدهم که در قرن نهم هجری نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی ازمالکین پیشین نسخه موجود و پیش ترین تاریخی که ثبت گردیده بسال ۱۰۹۹ بوده و از یادداشت دیگریکه بسال ۱۱۳۲ مرقوم گردیده معلوم میشود که در آنسال این نسخه در دمشق بوده و اوراق نسخه آب دیده ولی خطوط آن محو نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۴۸) . (۱۲ ورق ننوشته است) . صفحه‌ای (۲۵) سطر . طول (۱/۲ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۴ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱۸۳) .

[۵۰۱] خمسه حسینی = اشترنامه و وامق و عذرا (فارسی)

این مثنوی از آثار حسینی است (حاج محمد حسین بن محمد حسن مجتهد ۱۱۸۴(۱) - ۱۲۴۹) (۲) که اصل ایشان ازقزوین ولی در کربلاء معلّی متولّد شده و چون پدر(۳) ایشان در شیراز رحل اقامت انداخته و به بحث و تحقیق اشتغال

---

(۱) در مآخذیکه برای نگارش این شرح در دست نگارنده بود تصریحی برای سال تولدحسینی نیافتم ولی در آلهی نامه (۱۰۰ بیت بآخر مانده) که بسال ۱۲۲۹ منظوم گردیده گوید :

جل و پنجسالت بباطل گذشت ... بباطل بی خدمت دل گذشت

بنا بر این تولد وی بسال ۱۱۴۸ بوده است .

(۲) بامراجعهٔ بمقدمهٔ خمسه حسینی چاپ‌شده که نگارش خلیفه و برادر زادهٔ ایشان آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاستین قطب کنونی سلسلهٔ نعمت اللهی دام عمره میباشد و طرائق الحقائق ج ۳ ص ۱۶۰ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۹۵ - ۹۸ این شرح نگاشته شده است .

(۳) در ص ۵۶۱ ج ۱ این فهرست شرح حال مختصری ازحاج محمد حسن اصولی پدرحسینی را بمناسبت یکی از مؤلفات وی نگاشته ام و درآنجابتقلید صاحب روضات وفات ایشان بسال ۱۲۳۰ (وکانت وفاته فی العشر الثالث من‌هذه‌المائه) ثبت گردیده ولی آقای ذوالریاستین درمقدمه خمسهٔ حسینی ومرحوم نائب الصدر درص ۱۵۳ ج ۳ طرائق الحقائق وفات اصولی را بسال ۱۲۴۰ ثبت نموده‌اند و چون این دو نویسنده از خویشان و نزدیکان آنمرحوم میباشند و گفته اند اهل البیت ادری بما فی البیت قول ایشان متبع است بنا براین آن‌تاریخ مستفاد از روضات غلط و بایستی اصلاح شود و تذکر دیگر اینکه غلط درصفحه گذاری روضات موجب شده که درص ۵۶۱ ج ۱ فهرست بجای ص ۱۸۰ ص ۱۰۸ ثبت گردد ، بایستی این غلط نیز اصلاح شود .

یافت و آنجا را وطن ساخت ، خانواده را از عراق عرب خواست ، این فرزند نیز بشیراز آمد و با بهره هائیکه ازمعلومات معقولی و منقولی داشت بسیر و سلوك راغب گشت و درطلب کاملی که اورا دستگیرشود این طرف و آنطرف و باین دیار و آن دیار رفت، دستش بدامن بزرگی که اورادستگیرشود، نرسید، بشیراز باز گشت، دراین هنگام حاج میرزا ابوالقاسم متخلص به **سکوت** اورا ارشادو دستگیری نمود.

پس ازوفات پدر که درشیراز عالم ومقتدا بود ، رئیس اهل شریعت و طریقت گشت و ذوالریاستین حقیقی گردید.

افکاری بلند و قریحه ای سرشار داشته و بنظم قصائد و مثنویها میپرداخته و **حسینی** (۱) تخلص میجسته وخمسه وی که شامل مطالب عرفانی میباشد عبارت است از : الهی نامه ، اشترنامه ، مهروماه ، وامق وعذرا و **وصف الحال** و شرحی بفارسی بردیباچهٔ دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی (۲) نگاشته است.

ازاین خمسه اشترنامه ، وامق وعذرا ومهروماه آن ازسال ۱۳۲٤ تا ۱۳۲۸ در شیراز چاپ شده و در حدود ۲۰۰۰۰ بیت است . و نسخه ای از الهی نامه (۳) و وصف الحال که تاکنون چاپ نشده در کتابخانه آقای ذوالریاستین (حاج میرزا عبدالحسین) موجود و درحدود ۹۲۰۰ و ۷۰۰۰ بیت شعر دارند.

درمجمع الفصحا ازهریك ازاین خمسه انتخابی گردیده ومؤلف ملاقات خود را باحسینی تذکرداده و گوید قصائد و غزلیاتش مفقود گردیده است.

آغاز : اشترنامه : بسم‌الله الرّحمن الرّحیم قادر غفار و قدیم و قدیم.
تا که نشان ازدل و از دلبر است نام خدا زینت هر دفتر است.

(۱) این خانواده انتساب بحضرت امام حسن علیه‌السلام دارند و تخلص حسینی بمناسبت نام ناظم است که محمد حسین بوده.

(۲) شرح دفاتر ششگانه مثنوی پس ازخمسه حاوی پس از مقدمهٔ آن چاپ گردیده است.

(۳) در آخر الهی نامه گوید : ز تاریخ اگر پرسند یاران بگو شد ختم بدار القرار و این مصرع تاریخ سال ۱۲۲۹ را معین میکند درصورتیکه کلمه بگو را نیز حساب کنیم چرا که اگر آنرا درحساب نیاوریم سال ۱۲۰۱ بدست می آید و مسلم است که در این سال پدر حسینی از عراق به ایران نیامده بوده و اشعار الهی نامه دروصف میرزا ابوالقاسم سکوت هم میرساند است که پس از آمدن به شیراز و شرف خدمت [illegible] سروده گردیده است.

آغاز الهی نامه : بنام خداوند بالا و پست — که مخمور او یند هشیار و مست .
» وامق و عذرا : ای بنامت افتتاح نامها — ای بیادت گرمی هنگامها .
» مهر و ماه : خداوندا دلی ده سوز در سوز — بطور عشق بازی آتش افروز .
» وصف الحال : لله الحمد خالق المتعال — بر خلائق رئوف در همه حال .

(۱۱۳۷)

(خمسه حسینی) وامق و عذرا و اشتر نامه

این نسخه بخط نسخ بدون تاریخ و نام نگارنده نگارش یافته، ظاهراً در نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری نوشته شده، بسال ۱۲۹۰ بنام دیوان شاه نعمت الله ولی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه و در دفاتر ثبت شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده و مسلماً وامق و عذرا و اشتر نامه حسینی است ولی در حدود ۱۰۰۰ بیت از اول اشتر نامه ص ۱۸۰ - ۲۰۲ خمسه چاپی از سطر ۵) و در حدود ۱۳۰ بیت از آخر اشتر نامه موافق نسخه چاپی (ص ۲۶۳ سطر ۱۸ تا آخر کتاب) افتاده دارد و پس از آخرین بیت نسخه (صدره اگر طی کنی این مرحله ☆ باز بجوئی پی این قافله) مناجات نامه ایکه آغاز آن : الهی بر ندان دردی کشت ☆ که مستند از بادهٔ بی غشت . و انجام آن : دهد تا تن من ز در ماندگی ☆ بدر خواندگی یا ز در راندگی . میباشد موجود و مسلماً نیز از حسینی میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۸۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۵) .

(۱۱۳۸)

(خمسه حسینی) وامق و عذرا و اشتر نامه

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۲ نوشته شده، اشتر نامهٔ آن عیناً نسخهٔ پیشین از اول و آخر ناقص و پس از آن مناجات نامهٔ نام برده موجود و مسلماً نسخهٔ بالارا از روی این نسخه نوشته اند، برگ نخستین نسخه که شامل هشت (۸) بیت از وامق و عذرا بوده بواسطهٔ داشتن سرلوح برداشته شده، در اوّل اشتر نامه

سرلوح مختصر زیبائی میباشد ، اطراف صفحهٔ نخستین فعلی و دو صفحهٔ اول اشترنامه نقاشی شده ، تمام برگها مجدول به اکلیل ولاجوردو پشت آخرین برگ این نسخه را بنام وامق وعذرا معرفی وسال ۱۲۸٤ درذیل آن ثبت گردیده است.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۳٦) .

[۵۰۲] خمسه خواجو (فارسی)

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن‌علی کرمانی متخلص به **خواجو** (۱) (۶۸۹-۷۵۳) از اکابر شعرا و سخن سنجان زبان فارسی بوده وچنانکه خود در اواخر «گل و نوروز» معین نموده در ۲۰ ذیحجه سال ۶۸۹ (۲) در کرمان متولد شده

---

(۱) تاریخ گزیده که در حدود سال ۷۳۰ تألیف گردیده و بنا براین مؤلف آن معاصر خواجو بوده درفصل ششم ازباب پنجم (۸۱۸ چاپ عکسی) درزیرعنوان مشاهیر شعرای فارسی گوید : خواجو کرمانی شعر نیك دارد منها: نی‌زدود دل برآتش‌ما می‌نالد * تومپندار که از باد هوا مینالد الخ . وازآثاروحالات او چیزی بدست نداده ودرهفت اقلیم (ص۲۲٦ مدرسه) ومجالس‌المؤمنین (ص ۵۱۹ - ۵۲۳) وتاریخ مفصل ایران (قسمت مغول) آقای اقبال ص ۵٤۸ - ۵٤۹ ومقدمه دیوان‌خواجو (صنایع الکمال) ومقدمه روضة الانوار بقلم آقای حسین‌مسرور وشمع انجمن ص۱۳۹ و هفت آسمان ص ۷٦ و تذکره دولتشاه و مجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۱۵ و ریاض‌العارفین ص ۷۲ و طرائق‌الحقائق ج ۳ ص ۲۹۲ وفهرست کتب خطی مجلس تألیف مرحوم اعتصام ص ۲۳۲و۲٤۷ مقدمه آقای سعید نفیسی برمنتخبات اشعار خواجو (کوهی کرمانی بسال ۱۳۰۷ ش منتشر کرده) وخمسه خواجو مآخذ نگارنده بوده اند .

(۲) خواجو دراواخر گل و نوروز تولد خود را چنین معین نموده :

شب روز الف از مه شده کاف — فکنده آهوی شب نافه از ناف

رسیده ماه ذوالحجه بعشرین — بماه آورده گردون خشت زرین

ز هجرت ششصد و هشتاد و نه سال — شده پنجاه روز از ماه شوال

من از کتم عدم برداشتم راه — سمن زار وجودم شد چراگاه

بنابراین تصریح واینکه در ابیات دیگر میان دوبیت اخیر این سال را مطابق ۱٦۱۰ رومی و ٦۵۹ یزدجردی و ۲۱۲ مطابق زیج ملکشاهی دانسته مسلما تولد وی بسال ٦۸۹ و درماه ذیحجه بوده نه در پنجم ماه شوال و سال ٦۷۹ که در فهرست ریو ثبت گردیده و مراد از پنجاه روز ازماه شوال گذشته باقرینه بیت سابق وطرز تعبیر این ۲۰ ذیحجه خواهد بود نه پنجم شوال . و برحسب توجه دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه طهران این سنوات مطابق ۱٦۰۲ رومی است و نویسندگان **دو** را **ده** نوشته‌اند .

(در گاهنامه طهران سال ۱۳۰۸ تألیف سید جلال‌الدین طهرانی در ص ٦۷ - ۸۰ دربیان مبدء این تواریخ شرحی سودمند نگارش یافته است) .

و در آنشهر بکسب کمال اشتغال ورزیده و مدّاحی تاج‌الدّین عراقی (احمدبن محمدبن علی) وزیر امیر مبارزالدین مظفّری را نموده و مثنوی « **گل و نوروز** » را بنام وی ساخته و در بارهٔ وی قصائد و مدائح انشا نموده و این وزیر نسبت بوی عنایت و توجه زیاد داشته و گروهی از نویسندگان را بجمع و تدوین دیوان وی وادار کرده و مجموعه ای کـه شامل ۲۵۰۰۰ بیت (۱) گردیده از آثار او مرتب و آنرا **صنایع الکمال** نامیده اند و در آخر دیباچهٔ این دیوان تذکر داده شده که آنچه پس از این طبع وقاد وی طراوش نماید بنام **بدایع الجمال**(۲) نامیده خواهد شد.

در اواخر عمر خواجو بشیراز آمده و در دربار شیخ ابواسحق انجو بار یافته وبمدّاحی مشغول و کتابهائیرا بنام این پادشاه موشح نموده و گویند که درجشن ختان علی سهل بن شاه ابواسحق قصیده‌ای گفته پادشاه طبقی پراززر بوی بخشید از مشاهدهٔ آن نعمت فراوان درهماندم جان تسلیم نمود (۳).

خواجه حافظ از معاصرین وی بوده و در اشعار متابعت از خواجو مینموده واو را باستادی می‌ستوده و دیوان این دوشاعر درالفاظ ومعانی وافکار بایکدگر بسیار نزدیك است.

---

(۱) در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از این دیوان و سخنی ازآن که دردست میباشد معرفی خواهد شد واین شمارهٔ در مقدمهٔ نسخهٔ مجلس است بدانجا مراجعه گردد.

(۲) بدین نام درآخردیباچه دیوان اوّل خواجو (نسخه مجلس شورای ملی) تصریح گردیده ولی، در کشف‌الظنون نامبرده نشده، بخشی‌ازآن در کلیات خواجو کتابخانه‌ملّی‌ملك موجود و نسخهٔ کامل آنرا تاکنون سراغ‌نیافته ام.

(۳) درسال مرگ این شاعر بزرگ میان تذکره نویسان اختلاف است، دولتشاه وصاحب‌طرائق ومجالس‌المؤمنین بسال ۷۴۲ نوشته اند وبطلان این قول را مسلّم بودن تاریخ تألیف وانشاء منظومه های وی تأیید مینماید وهدایت در مجمع‌الفصحا سال ۷۵۳ ودرریاض‌العارفین ۸۴۲ نوشته ومرحوم اعتصام وآقای اقبال ومولوی آغا احمد علی احمد در کتاب هفت آسمان (در این کتاب نوشته شده که در ریاض‌الشعرا سال ۸۴۲ ودر مرآت‌العالم سال ۷۴۲ وفات خواجو دانسته شده) ودر شمع‌انجمن‌وفهرست ریوص ۶۲۰ ج۲ بسال ۷۵۳ نوشته اندوما این‌قول را نزدیك بصواب میدانیم ومردن‌وی از شادی صلهٔ زیاد درشمع انجمن مذکور است.

خواجورا نخلبند شعرا(۱) وملك‌الفضلا میگویند وآثار او که اینك دردست میباشد عبارت ازسام نامه (۲) وکلیّات (دو نسخه از آن‌در کتابخانه‌ملی‌ملك‌موجود یکی از آنها بسال ۷۵۰ در زمان حیواة خواجو نوشته شده ، مندرجات آن در فهرست مجلس نوشته میشود) اوست .

خواجو پس از امیرخسرو بتقلید نظامی پنج مثنوی ببحرهای مختلف نظیرخمسه نظامی انشا نموده وهریك را بنامی نامیده ونیزممدوح وی درهریك از کتب پنجگانه یکی از بزرگان بوده وما یکایك آنها را بترتیب سال انشاء دراینجا می آوریم :

۱ ـ همای وهمایون، این کتاب را چنانکه خود تصریح نموده در بغداد انشا وتقریباً شامل(۳۲۰۳) بیت میباشد وبسال ۷۳۲ (کنم بذل برهر که دارد هوس ٭ که تاریخ این نامه بذل است و بس) بانجام رسیده ودرمقدّمه آن ابوسعید بهادر خان وخواجه غیاث‌الدین محمدوزیررامدح گفته ودرخاتمه آن‌ازتاج‌الدین عراقی تشکر نموده که این مؤلفه را در هنگامیکه خدمت پادشاه مشرف میشده بعرض رسانیده ودراین هنگام خواجو درکرمان بوده است .

همای وهمایون بسال ۱۲۸۹ در هندوستان چاپ گردیده وآغاز آن اینست :

بنام خداوند بالا و پست ٭ که ازهستیش هست شد هرچه هست .

۲ ـ گل و نوروز، این کتاب را درمعاشقهٔ نوروز پسر پادشاه خراسان باگل دخترپادشاه روم بوزن‌خسروشیرین نظامی‌بسال۷٤۲(بروز جیم و ازمه دال‌رفته٭ زهجرت باو میم و ذال رفته) انشا وبنام تاج‌الدین عراقی موشح کرده ودرحدود (۲٦۱۵) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

---

(۱) درص ٤۵۵ این فهرست در این موضوع یادداشتی است داده شود ، خواجو درغزلیکه در وصف حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام سروده و این بیت از آنست : (وصی نفس محمد علی است آنکه بتیغ ـ جواهراز کمرتوأمان فرو ریزد .) ازخود نخلبند تعبیر کرده :

جونخلبند گل مدحت شود خواجو بسا که گل برباض جنان فرو ریزد .

(۲) نسخه ای از این کتاب که از اول وآخر ناقص میباشد در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود ودرص۲۳۲ فهرست کتب خطی آنجا مرحوم اعتصام شرحی درمعرفی ازآن نوشته اند وگذشته از اینکه سبك آن جا کم براینستکه انشاء خواجو میباشد در زیر عنوان رفتن سام بشکار و دیدن پسرعم خود تخلص خواجو دیده شد وباهمای وهمایون نامه خواجو هرگز اشتباه نخواهد شد ودر اوائل کتاب که میخواهد شروع بمطلب نماید گوید :

نه اکنون که دور سپهری گذشت سه ده سال از عمر من در نوشت .

بنابراین نظم این کتاب بسال ۷۱۹ بوده است .

بنـام نقش بند صفحهٔ خاك عذار افروز مه رویان افلاك

۳ ـ روضةالانوار، برابر مخزن‌الاسرار در بیست مقاله مرتب گردیده وشامل مطالبی عرفانی میباشد، بنام شمس‌الدین محمدبن صائن وزیرشاه شیخ ابواسحق بسال ۷۴۳ برشته نظم کشیده شده ودرتاریخ وی گوید : جیم زیادت شده برمیم وذال ☆ وآمده چون عین منعل هلال . بسال ۱۳۰۶ خورشیدی درطهران چاپ‌شده ودرحدود (۲۲۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

زینت الروضة فی الاول ☆ باسم الله الصمد المفضل .

۴ ـ کمال نامه، نیزمثنوی عرفانی ونظیر هفت پیکر نظامی انشا و بنام شاه شیخ ابواسحق موشح گردیده ودرتاریخ او گوید : شد بتاریخ هفتصد وچل وچار ☆ کاراین نقش آذری چونگار . ودرحدود (۱۸۷۹) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

بسم من لا اله الا الله صیغ لفظی وزین معناه

۵ ـ گهرنامه، این کتاب اصولاً بوزن مثنوی میباشد ولی در آن غزلهائی را مندرج و بنـام بهاءالدین وزیر (محمود بن عزالدین یوسف) که از نواده های خواجه نظام الملك طوسی بوده موشح ساخته و بیشتر مطالب آن در مدح اجداد بهاءالدین مذکور میباشد و در تاریخ انجام آن گوید :

مه تیر و ز مه یك نیم رفته زهجرت ذال و واو و میم رفته

(۷۴۶) وشمارهٔ ابیات آنرا موافق اسم نظام‌الملك باستثنای حرف نون ولام (۱۰۳۱) دانسته

حسابی از نظام الملك برساز وزآن مجموع لام و نون بینداز

وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده نسخه ذیل (۱۰۰۹) بیت میباشد وآغاز آن اینست:

بنام نام دار نام داران گدای درگه او شهریاران

خواجو دریکی ازمسافرتها خدمت شیخ علاءالدوله سمنانی متوفی بسال ۷۳۶ رسیده و درتحت تربیت ایشان درآمده واز آنوقت اثر عرفان درآثارش پدیدار گشته و روح دیگری یافته است .

خمسه خواجو از کتابهای پربها ودارای وقع واهمیت میباشدو درحدود (۱۰۹۰۶) بیت شعر میباشد و جز همای وهمایون و روضةالانوار آن، تاکنون چاپ نگردیده

وترتیب آن برحسب سال انشاء چنانستکه بالای این سطرها آوردیم ولی نسخه‌های خمسه راکه نگارنده دیده ، هریك بطرزی جز این ترتیب منظّم گردیده‌اند .

(۱۱۳۹)

خمسه خواجوی کرمانی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب مرشد کاتب شیرازی بسال ۹۵۳ نوشته ، دو صفحهٔ نخستین که شامل چند بیت از روضة‌الانوار میباشد طلا اندازی و نقاشی زیبائی گردیده ، چهار سرلوح ظریف که هریك بطرزی خاص ترسیم گردیده در ابتدای کتابهای دیگر خمسه میباشد وترتیب این نسخه اینست : ۱ ـ روضة‌الانوار . ۲ ـ گهرنامه . ۳ ـ کمال نامه . ٤ ـ همای وهمایون . ۵ ـ گل و نوروز .

عناوین مطالب بالاجورد و صفحات بجدول بطلاولاجورد میباشد ومهر اسمی که درچند جای نسخه بوده محو گردیده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت اعتضادالسلطنه مبنی براسامی کتابهای خمسه و دخول آن در کتابخانه ایشان ثبت گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۲۶) صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱/۲-۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۴۱۵)

[۵۰۳] خمسه دهلوی (امیرخسرو) (فارسی)

[هشت بهشت]

امیرخسرو دهلوی بنابرتصریح در تاریخ فرشته نام وی ابوالحسن بوده ولی تا حدیکه نگارنده آثاروی را مطالعه نموده ، تصریحی بدین نام ازخود وی نیافته‌ام ، پدر او امیر سیف‌الدین محمود از امیرزاده های هزارهٔ بلخ میباشد ، در فتنه مغول بهند رفته ودرآنجا نیز مقام امارت وریاست یافته وامیرخسرو درقصبه مؤمن‌آباد هند که به بیتالی شهرت یافته بسال ۶۵۱(۱) متولد شده وتاهفت سال در دامن پدر

(۱) درتذکره دولتشاه سمرقندی‌استکه سال عمراومعلوم نیست ولی در تاریخ فرشته گوید هفتاد و چهار سال عمر نموده بنا براین بسال ۶۵۱ متولد شده و در تأیید این قول خود امیر خسرو در دیباچه غرةالکمال گوید : بتاریخ سنهٔ خمسه و ثمانین وستمائه که سی و چهار ساله بودم الخ . ونیز درآینهٔ اسکندری که بنص خود وی بسال ۶۹۹ گفته شده گوید :

به پنجاه نزدیکم آمد جهان ❊ هنوزم نشد تو به زین ترجمان .

تربیت گردیده وچنانکه دردیباچه غرة‌الکمال یادآور شده دراین‌سن ازاین نعمت محروم شده است .

پس‌ازپدربرادران‌وی تاج‌الدین زاهدوعلاءالدین‌علی‌شاه درتربیت تعلیم وی کوشیده‌واوراتربیت علمی وعملی کردند در دیباچه غرة‌الکمال(ص ۷۰-۸۰ نسخه کتابخانه) که سوّمین دیوان این شاعر است اطلاعات سودمندی از تاریخ حیواة وزندگانی امیرخسرو و سلاطین معاصر وممدوح وی و استادان ومربیان اودیده میشود وچنانکه درتمام مآخذ ثبت گردید بسال ۷۲۵ درشب‌جمعه ۲۹ ذیقعدة‌الحرام که ششماه پس از مرگ مراد ومرشد وی نظام‌الدین اولیا باشد بسرای جاودانی شتافته و در جوار نظام‌الدین اولیا دفن گردید .

این شاعر در تمام آثار خود خسرو تخلص دارد ، گویند روزی بحضرت نظام اولیا عرضه داشت که خسرو نام بزرگانست خوش ندارم درآنسرا بدین نام نامیده شوم ، نامیکه‌صلاح میدانید براین‌بنده گذاریدایشانهم‌وعده‌دادند که‌درهنگام مناسبی‌نامی‌تقاضا میکنم . پس ازچندی ویرا **محمد کاسه لیس** خطاب‌فرمود وازآثار امیرخسرووبرمی آید که‌مراداورا **ترك‌الله** نیزخطاب کرده‌وبه‌این‌عنایت‌افتخاردارد .

امیرخسرو باشیخ سعدی معاصر بوده وشیخ آذری نوشته‌که شیخ درپیری‌برای دیدار امیرخسرو بهند رفته وازآثار امیر برمی‌آید که ویرا بسعدی اعتقادی تمام بوده،درقران‌السعدین گوید:نوبت‌سعدی که مبادا کهن☆ شرم‌نداری که‌بگوئی‌سخن . ودرجای‌دگر گوید: خسروسرمست‌اندرعاشقی‌معنی‌بریخت ☆ شیره‌از خمخانهٔ مستی که درشیراز بود . ونیز ازاوست : جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی .

گویند امیرخسرو نودونه کتاب تألیف نموده و ازوی نقل کرده اند که اشعار او از پانصد هزار کمتر و از چهارصد هزار بیشتر است ، سلطان سعید بایسنقر متوفی بسال ۸۳۸ (ص ۱۳۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب‌السیر) را ارادتی زیاد نسبت باین شاعر بوده وخمسه اورا برنظامی ترجیح میداده ، چنانکه الغ بیك متولد بسال ۷۹۶ و متوفی بسال ۸۵۳ (ص ۱۵۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب‌السیر) را عقیده‌ای کامل‌نسبت به نظامی بوده ومیان این دو برسراین دوعقیده هماره مشاجره بوده وبهمین مناسبت بایسنقر بجمع اشعارامیر پرداخته و یکصدوبیست هزار بیت

جمع کرده پس‌از آن دوهزاربیت ازغزلیات خسرو را درجائی یافتند که دردیوانهای وی نبود ، ازآن پس دانستند که جمع آوردن اشعار او متعذراست .

امیرخسرو پنج دیوان برای خود مرتب نموده واز همه آنها هم انتخابی کرده ومجلّدی ساخته ، درهمین فصل زیرعنوان دیوان امیرخسرو از آنها معرفی خواهد شد وآثار دیگر وی عبارتند از : تاریخ دهلی ، خزائن الفتوح (در تاریخ سلطان علاءالدین محمدشاه خلجی (۶۹۵-۷۱۶) ازسال جلوس تاسال ۷۱۱ و آنرا «تاریخ علائی» نیز گویند) ، قانون استیفا ، رساله‌درموسیقی و پنج رساله‌بنام اعجاز خسروی که بسال ۱۸۷۶ م دردو مجلّد درهندچاپ گردیده وهمه‌اینها بنثرمیباشد و آثار منظوم او عبارتند ازخمسه بتقلید نظامی ، قران سعدین (درهمین فصل آنرا معرفی خواهم نمود) ، نه سپهر (در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۶۸ معرفی شده) ، تعلق نامه (درسه هزاربیت) ، عشقیه یاعشیقه (درچهارهزاربیت ومسلماً غیرازقران سعدین میباشد و در کتابخانه آصفیه‌موجود است ص۱۴۸۸ ج ۲)، اشك و آه (مثنوی‌است ودرآصفیه موجود است ص۱۴۸۶ج۲) ، دول رانی خضرخانی (درفهرست مجلس معرفی‌میشود) ، لآلی‌عمان موسوم به‌جواهرخسروی‌بزبان‌اردو میباشدو بسال ۱۳۳۶ چاپ شده (ص ۶۳۶ ج ۳ فهرست آصفیه) وغیرازاینها .

دراینجا بترتیب سال‌انشاء هریك از کتابهای پنجگانه‌این خمسه را معرفی مینمائیم :

۱ - مطلع الانوار ، این کتاب رانظیر مخزن‌الاسرار دربیست مقاله تنظیم نموده و خود شمارهٔ ابیات آنرا ۳۳۱۰ وانشاء را بسال ۶۹۷ معین نموده و مولوی محمد ابوالحسن که از ادباء اوائل قرن چهاردهم هجری در هندوستان بوده شرح وحاشیه‌ای درتوضیح مطالب کتاب نوشته وبااین حواشی بسال ۱۳۰۲ درهندچاپ گردیده است .

آغاز : بسم‌الله الرحمن الرحیم ⁂ خطبه قدس است بملك قدیم .

۲ - شیرین و خسرو ، در مقابل خسرو شیرین نظامی است و دومین مثنوی

امیرخسرو میباشد وشمارۀ ابیات آنرا درآخر کتاب ۴۱۲۴ وسال انشاء آنرا ۶۹۸ معین نمود .

آغاز : خداوندا دلم را چشم بگشای ☆ به معراج یقینم راه بنمای .

۳ ـ مجنون ولیلی، این مثنوی‌را درداستان مجنون ولیلی انشاء ونام آنراچنانکه خودگفته بعکس اول(یعنی لیلی مجنون نظامی)گذارده (نامش که‌زغیب‌شدمسلسل ☆ مجنون لیلی بعکس اول) وشمارۀ ابیات آنرا درآخر کتاب ۲۶۶۰ وسال انشاء را ۶۹۸ ثبت نموده و در فهرست ریو تذکر داده شده که بسال ۱۲۴۴ در کلکته وبسال ۱۲۸۶ درلکناهو چاپ شده است .

آغاز : ای داده بدل خزینۀ راز ☆ عقل از تو شده خزینه پرداز .

۴ ـ آئینه اسکندری، این مثنوی را چون اسکندر نامه نظامی ساخته و شمارۀ ابیات آنرا خود در آخر تصریح ننموده و برحسب شماره دقیقیکه این نگارنده نموده ۴۲۳۵ بیت میباشد و برحسب تصریح خود مؤلف بسال ۶۹۹ انشاء آن خاتمه یافته است .

آغاز : جهان پادشاها خدائی تراست ☆ ازل تاابد پادشاهی تراست .

۵ ـ هشت بهشت، این کتاب‌را امیر خسرو در اوصاف بهرام‌گور برابرهفت گنبد نظامی ساخته ونیز برحسب تصریح خود وی درآخر کتاب بسال ۷۰۱ انشاء آن بآخر رسیده وشمارۀ ابیات آن ۳۳۵۰ میباشد وپس از حمد و ثنای الٓهی ونعت حضرت رسالت پناهی‌ص‌ع بمدح نظام اولیا وبعد از آن بمدح علاءالدین محمد شاه پرداخته است .

آغاز : ای گشانیده خزائن جود ☆ نقش پیوندکارگاه وجود .

امیرخسرو دراواخر این کتاب که مثنوی پنجم وی میباشدگوید :

شکر حق راکه از خزانۀ غیب	ریخت چندان جواهرم از جیب
که از آن نقد قیمتی بسه سال	کردم این پنج گنج مالا مال .

چنانکه دیدیم مطلع الانواررابسال ۶۹۷ و هشت بهشت را بسال ۷۰۱ بآخر رسانیده وباتصریح باینکه درسه سال این خمسه را بپایان رسانیده جمع میان این

دو قول اینستکه در آخر سال ۶۹۷ شروع و اول سال ۷۰۱ بآخر رسانده وسه سال میان این دو سال را مشغول نظم این پنج کتاب بوده و بنابر محاسبه بالا تمام آن ۱۷۵۷۹ بیت میباشد .

(۱۱۴۰)

هشت بهشت این نسخه را یکی از اساتید خط نستعلیق نوشته ، از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اواخر قرن دهم نگاشته شده، دارای یك سرلوح زیبا وهفت مجلس نقاشی ظریف چینی میباشد، تمام صفحات متن و حاشیه و اوراق حاشیه برنگهای مختلف و زرافشان و برگها بجدول بطلا و غیره و عناوین مطالب برقسمتهائیکه از طلا پوشیده شده با سفیداب نگـارش یافته، بسال ۱۲۷۰ بنام «بهرامیّه امیرخسرو دهلوی» داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و پشت برگ نخستین که نیز وقفنامه آن نگارش یافته یادداشت شده ، در اینجا و بربرگیکه پیش از آنست یادداشت هائی بوده محو کرده اند ، چند جای نسخه در اثر آب دهان ضایع و مرکب سطرهای دو صفحه اوّل آن بخودی خود محو شده و آثار کمی از آن مانده و با وجود این از نسخ بسیار نفیس شمرده میشود .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ متن خان بالغ حواشی الوان فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (½ ۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴) .

[۵۰۴] خمسه فیضی ـ نلدمن و مرکزادوار (فارسی)

ابو الفیض بن شیخ مبارك ناگوری از شعرای نامدار و دانشمندان والاتبار میباشد، چنانکه خود در اواخر نلدمن گوید(۱) بسال ۹۵۴ متولد شده و پیش پدر چندسالی درس خوانده و بشهادت آثار وی و نگارش تذکره نویسان درعلوم تفسیر ولغت وریاضی و طب وتاریخ ومعما و عروض و قافیه و خط و انشاء وغیره (۲) مهارت

(۱) شد مهدمن این بلند طارم ❀ درنهصد وپنجه چهارم .

(۲) نیز در اواخر نلدمن گوید : از درك ریاضی و طبیعی ❀ شد طبع حدیقه ربیعی ❀ نه طاق رصد نظاره کـردم ❀ تقویم و مه ستاره کـردم ❀ خط بصرم بظل ممدود ❀ نه دائره راست قصر و صعود ❀ در هفت مطب نشست دارم ❀ تشریح ناث بدست دارم ❀ سبابهٔ کلکم از خط ژرف ❀ شد نبض شناس معنی حرف .

یافته و بسال ۹۷٤ ملك الشعرای اکبر شاه گردیده و گذشته از این مقام ، مرتبه امیری یافته و خود در اواخر نلدمن گوید : (هم با امرا نظیر گشتم ☆ هم بر شعرا امیر گشتم).
و چنانکه از خاتمهٔ مرکز ادوار که برادر فیضی ابوالفضل مؤلف تاریخ اکبری نوشته و نگارش بدوانی که نیز باوی معاصر و نسبت بوی بی عقیده بوده و نیز از ضبط دیگران بدست می آید در دهم صفر سال ۱۰۰٤ جهانرا بدرود گفته است .

درهفت آسمان مؤلفه بسال ۱۲۸۵ در کلکته، مؤلف آن ، احمد علی احمد ، گوید صد و یك کتاب تألیف کرد . نگارنده تاکنون جز **سواطع الالهام** (۱) که تفسیر بی نقطه بر تمام قرآن کریم میباشد و راستی مؤلف قدرت ادبی و اطلاع کامل خود را بر لغت و توانائی زیاد برانشاء را بواسطهٔ تألیف آن نشان داده و **مواردالکلام** که نیز بزبان عربی و از حروف بی نقطه ترکیب یافته و **نیلادقی** (۲) و دیوان شعر (۳) و دو ترجمه فارسی از دو متن هندی (٤) و این دو قسمت از خمسه‌ای که بتقلید نظامی انشاء نموده برنام مؤلفات وی دست نیافته ام .

(۱) بسال ۱۳۰٦ درهندوستان چاپ گردیده و نسخهٔ آن درمجلس شورای ملی موجود است .

(۲) درص ۸۲۰ ج ۱ فهرست آصفیه درذیل کتب ریاضی فارسی این کتاب نام برده شده و گوید بسال ۱۲۷۱ چاپ شده است .

(۳) از دیباچهٔ دیوان فیضی که خود وی نگاشته ونسخه ای از آن در اوائل مجموعه خطی شمارهٔ ۶۲۱ کتابخانه مجلس موجود وبسال ۱۰۸٦ نگارش یافته بدست می آید که این دیوان ازمنتخبی ازاقسام اشعارتشکیل یافته و نه هزاروکسری بیت میباشد و ازقرینه نسخه ایکه درکتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا موجود وشرح آن در ص ۶۷۰ و ۶۷۱ ج ۲ فهرست ریو نگاشته شده و شامل قصائد وماده تاریخها وترکیب بند وغزلهاوقطعات ورباعی‌ها وبلدمن ومرکز ادوار وغیره میباشد ودرهفت آسمان بنقل ازبدوانی اسکه دیوان ومثنوی اوازبیست هزار بیت زیاده است ونیز ازخاتمه مرکز ادوار که بقلم برادر فیضی (ابوالفضل)میباشد نقل نموده که از شعر بیشین پنجاه هزار بیت از صفحه هستی سترده و بسال چهل ودوم آلهی (چنانکه درتاریخ اکبری مفصلا نگاشته شده سال جلوس اکبرشاه که نزدیك فروردین‌ماه بوده مبدءتاریخی بنام آلهی قرارداده شده وچهل‌ودومین‌سال آلهی مطابق‌سال ۱۰۰٦ هجری است) این برادر بر آن شده که برادرزادگان خویش‌را دریکجا گرد آورد وپنجاه هزار بیت از نثر و نظم وی جمع گردید (در ص ۲۹٤ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای چاپی از دیوان فیضی نشان داده شده ودر ص ۳۰۲ نسخه‌ای بنام کلیات فیضی که بسال ۱۰۳٤ نوشته شده ودرص ۷۳۰ ج ۱ آن‌فهرست ، غزلیات فیضی که بسال ۱۲۱۷ نوشته‌شده‌ودرص ۷٤۸ ج ۱ نسخه ای بنام « متفرق اشعار فیضی » که نیز بسال ۱۲۱۷ نوشته شده ، نشان داده شده است) .

(٤) درتذکرهٔ علماء هند نیز نام این دو کتاب برده شده است .

ابوالفیض در آغاز شاعری **فیضی** تخلص میکرده ولی در اواخر تخلص خود را **فیاضی** قرار داده (۱) و در پایان نلدمن خود بدین موضوع تصریح نموده :

زین پیش که سکه ام سخن بود — فیضی رقم نگین من بود
اکنون که شدم بعشق مرتاض — فیاضیم از محیط فیاض .

ازمطالعه اشعار فیضی و نگارش مورخین و تذکره نویسان معلوم شد که اکبرشاه درسال ۹۹۳ ویرا بنظم خمسه ای بسبك نظامی مأمور فرمود وی از همان هنگام شروع در طرح ریزی هر پنج کتاب نمود و از هریك بخشی انشا کرد و آنها را : مرکزادوار، سلیمان و بلقیس، نلدمن، هفت کشور و اکبرنامه (بدین ترتیب موافق پنج گنج نظامی) نام گذارد ولی تا سال ۱۰۰۳ هیچیك از آنها بانجام نرسید در این سال امر اکید بر انجام آن صادر و مقرر گردید که اول نلدمن را که از داستانهای قدیم هندی وعشق بازی **نل** نام با **دمن** را شامل است بآخر رساند وی امتثال امر نمود ودرمدت چهارماه این کتاب را در ۴۲۰۰ بیت بانجام رسانید وخود در تاریخ انجام آن گوید :

این جاوهزار گوهر ناب ☆ کانگیخته‌ام بآتشین آب ☆ بپذیر که آب گوهر تست ☆ از بهر نثار افسر تست ☆ گر بیشتری نثار کردم ☆ نی کسر در او شمار کردم ☆ سی و نهم از جلوس شاهی ☆ تاریخ مجدد الهی ☆ چون سال عرب شمار کردم ☆ الف و سه الف نگار کردم ☆ اکنون که جل و نهم درین دیر ☆ هفتاد ودو (سه) شعبه کرده‌ام سیر .

درص ۱۴۹۲ ج ۲ فهرست آصفیّه ثبت گردیده که نلدمن چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله ای در تك و پوی تو ز آغاز ☆ عنقای نظر بلند پرواز .

---

(۱) تاریخ این تغییر تخلص مسلما معلوم نیست در هفت آسمان از مرآت العالم وبدوانی نقل نموده که سالها فیضی تخلص میکرد ودر اواخر فیاضی تخلص نمود ولی سازگار نیامد و بعد از یك دوماه رخت حیات از این عالم بربست و این قول گذشته از اینکه گوینده آن بدوانی معاصر وی بوده قرینه دیگر دارد که امین احمد رازی درهفت اقلیم که بسال ۱۰۰۲ تألیف گردیده فقط اورا فیضی نامیده است و نیز در هفت آسمان از مرآت العالم نقل شده : در آخر بواسطهٔ موافقت وزن کلمه علّامی که خطاب شیخ ابوالفضل برادرش بود فیاضی تخلص کرد .
درهنگام مراجعهٔ بدیوان فیضی یافیاضی نگارنده بدین دو بیت بر خورد :
شنیدم درخراسان فیضئی بود ☆ که گفتی بلبل این بوستانم ☆ اگر او بود بلبل درخراسان ☆ کنون من طوطی هندوستانم . بدین دلیل علت تغییر دادن تخلص را این اشتراك میداند وبنابراین درسال ۱۰۰۳ که نلدمن را بآخر رسانیده این تغییر را هم داده است .

۲ ـ مرکز ادوار چنانکه دانستیم فیضی بدواً بنظم این کتاب شروع کرده ولی حسب الامر نلدمن را پیش از آن بآخر رسانیده و ظاهراً این کتاب را تمام نکرده عمرش تمام گشت و برادر وی در تاریخ اکبری تصریح نموده که مأمور بود مرکز ادوار را درسه هزار بیت بانجام رساند ، نسخه ایکه از این کتاب در دست نگارنده است در حدود (۱٤٦۲) بیت دارد و در زیر عنوان : **پیرایه آغاز** گوید :

چون شود این پنج گهر تابناك — غوطه خورد پنجه قلزم بخاك
آنکه چنین جنبش پرکار داد — نام ورا **مرکزادوار** داد .

و ریو دو بیت زیرین را که سال تألیف و عمر ناظم را میرساند از این کتاب نقل نموده :

این می بیغش که کشیدم بغور — دور نخستین بود از پنج دور
شوق کزین نامه پروبال داشت — عقل کمال چهلم سال داشت .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ☆ گنج ازل راست طلسم قدیم (۱)

باتفحص وجستجو از سه کتاب دیگر این خمسه آثاری بدست نیاوردم قطعاً در کلیات فیضی که نشان داده شد بخشهائی از آنها را خواهیم یافت .

معاصرین فیضی باوی میانه خوبی نداشته وبدینجهت اورا بی‌دین معرفی کرده و ماده تاریخهای بدی برای مرگ او ساخته اند ولی از مراجعه بتفسیر فیضی و مطالعۀ این دو مثنوی و قسمتی از دیوان وی و دیباچه آن که در دست نگارنده است جز فضل و دانش و طبع روان نقصی در او نمی یابم و از این آثار اگر

اِنَّ آثارَنا تَدُلُّ عَلَیْنا ☆ فَانْظُرو ا بَعْدَنا اِلَی الْآثار

درست باشد اعتقاد وی بمبدء و معاد ظاهر و بی عقیدگی از آن برنمی آید .

---

(۱) فیضی دیباچه دیوان خود را به سه بیت از مرکز ادوار افتتاح نموده و بس از آن گوید : وصلی الله علیه وآله وعترته ومدارج مرقات علمه وجواهر مرادات فطرته این ذره جندیست از ریك بیابان خیال که سراب جهان معنیست چون بادیه بیمایان تشنه لب وآبله پایان . . . . . سبحان الله کجا پایه من هندوستانی با اینهمه کجمج زبانی لاف بهلوانی و بهلوی دانی همانا سحرجادوگران هند تواند . . . . و این رطب و یابس که برطبق عرض نهاده ام نه هزارو کسریست نمونه ای از اقسام شعرمن الخ .

علاقمندی فیضی را به سك بعضی ازتذکره نویسان تذکر داده اند (این هم که امروز می بینیم ازعلائم و آثارتجدد است و زننگی ندارد) و گویند روزی عرفی شاعرشیرازی برفیضی وارد شد دید سگ بچگانی چند دراطراف وی گرد آمده اند ازروی شوخی گفت : **مخدوم زادگان چه نام دارند** . فیضی جواب داد : **عرفی** . عرفی گفت : **مبارك باشد** . واین جواب با بودن مبارك نام پدر فیضی لطفی دارد واین بیانات عرفی موجب تألم فیضی گردید .

(۱۱۴۱)

خمسه فیضی یا نلدمن ومرکزادوار این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نویسنده هندی و دراوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، یادداشتهائی بسال ۱۱۶۲ و ۱۱۷۱ و ۱۱۷۲ پشت هریك ازبخشهای آن دیده میشود ، پیش ازاین دومثنوی ، بخشی ازقطعات وماده تاریخ ها ورباعیات فیضی میباشد که زیر عنوان **دیوان فیضی** معرفی خواهد شد .

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق کلیه (۲۱۲) این دونسخه (۱۶۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۸-½ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۲۰) .

[۵۰۰] خمسه نظامی (فارسی)

این کتاب که چون ناظم آن در کمال شهرت میباشد از آثار بزرگ استاد عالیمقام امام و پیشوای مثنوی گویان نظامی گنجوی است (۱) (ابو محمد (۲)

(۱) گویند نظامی گنجوی اصلاً ازقریه تا ازتوابع تفرش ازمحال قم میباشد وابیاتی در این باب دربرخی ازنسخ خطی وجابی نظامی دیده میشود وشهرت وی به گنجه است ، بعضی تصور کرده اند که لقب وی نظام الدین بوده و بهمین مناسبت نظامی تخلص میگرفته ولی نگارنده دلیلی براین مدعی ازابیات خمسه نیافت وحاجی خلیفه درص ۴۷۵ ج ۳ لقب وی را جمال الدین معین نموده ودر این باب منفرد است .

(۲) ابیاتی چند دال براینکه نظامی فرزندی بنام محمد داشته در خمسه موجود ونزدیکترین کس که او را ابو محمد نظامی معرفی نموده قزوینی در آثارالبلاداستکه بسال ۶۷۴ تألیف گردیده و در

(بقیه حاشیه ۲ و ۳ درصفحه ۵۲۵)

ویس(۱)بن یوسف(۲) بن زکی(۳) بن مؤید مطرّزی) که ازشعرا و حکمای نیمه دوم قرن ششم هجری بوده ومسلماً پس ازسال ۶۰۷ (۴) وفات یافته ودرفن مثنوی کس بپایهٔ

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۲۴)

ذیل **جنزه** که معرب گنجه میباشد (در اقلیم پنجم ص۳۰۴ نسخه خطی این کتابخانه) فقط ویرا بدین نام نامیده وستوده است .

(۱) نظامی خود درلیلی مجنون درآخرمدح وستایش شروانشاه (ص ۳۵ چاپ آقای وحید) گوید :

یا رب توم راکه **ویس** نامم ... در عشق محمدی تمامم

زان شه که محمدی جمالست ... روزیم کن آنچه درخیالست

و در چند نسخه **کاویس نامم** نوشته شده ولی در نسخ کهنه که **ویس** نوشته شده وجای تعجب استکه دانشمند محترم آقای وحید هم کاویس ضبط کرده اند ودرحاشیه نوشته اند « یعنی من که درعشق محمد اویس وار مشهور شده ام » اگر بادقت نظر کنیم خواهیم دید که بیان ایشان اجتهاد مقابل نص است ونظامی صریحاً گفته نامم ویس است اگر میخواست بگوید مانند اویس عشق دارم کسیکه اینگونه مطالب دقیق و رقیق را برشته نظم کشیده توانا بود این معنی را هم بدان گونه بیان کند که معنی دیگر ازآن استفاده نشود .

نظامی در تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی نظام‌الدین ابومحمد بن یوسف (در ص ۱۲۸ چاپ اروپا « ابی یوسف » میباشد ولی در نسخه خطی کتابخانه یوسف است) بن مؤید . ودکتراسپرنگر نظام‌الدین احمدبن یوسف . ودر کشف‌الظنون جمال‌الدین یوسف بن م‌ؤید . و هدایت ابو محمد احمد الیاس بن ابی‌یوسف بن مؤید . وآقای تربیت ابومحمد نظام‌الدین الیاس بن‌یوسف بن مؤید معرّفی گردیده و در اشعار نظامی اشاره‌ای بنام **الیاس** نیز شده است .

(۲) نظامی خود در لیلی مجنون (ص ۴۸ چاپ وحید) گوید :

گر شد پدرم به نسبت(سنّت) جد ... یوسف پسر زکی مؤید

بنا بر این پدر وی یوسف وپدر پدر او زکی نام داشته واز این بیت استفاده میشود که **یوسف** بنام جد خود یعنی **مؤید** معروف بوده ، چنانکه ابن‌سینا ، شیخ‌الرئیس بنام جدّش **سینا** به ابو علی **ابن‌سینا** مشهور گردیده و نظائر بسیار دارد ، پس باید کلمه را نسبت خواند و سنّت نسخه بدل معنی ندارد .

(۳) از تاریخ انشاء ونظم چند کتاب از خمسه که مسلماً آن تواریخ از خود نظامی میباشد وقرائن حاکم استکه الحاقی نیست وما آنها را نقل میکنیم و دانستن زمان ممدوحین وی در این کتاب زمان و عصر او بخوبی واضح و هویداست .

(۴) قزوینی در آثار البلاد وفات نظامی را در حدود ۵۹۰ نوشته و دولتشاه سمرقندی درتذکره خود بسال ۵۷۶ و هدایت نیز مرگ نظامی را در همین تاریخ نوشته و مؤلف هفت آسمان از تقی‌الدین کاشی سال۶۰۶ وازمخبرالواصلین سال۶۰۲ را وفات نظامی نقل‌نموده‌وحاجی خلیفه در ص ۵۲۴ ج ۱ بسال ۵۷۶ ودر ص ۴۶۲ و ۴۷۵ ج ۱ بسال۵۹۶ ودر ص ۲۰۳ ج ۱ ظنون بسال ۵۹۹ نوشته وآقای تربیت‌در دانشمندان‌آذربایجان (ص ۳۸۱-۳۸۵) بنقل از نتائج‌الافکار و صبح صادق وفات نظامی را بسال ۶۰۲ نوشته اند

بطلان وفات نظامی پیش از سال ۵۷۹ را تاریخ انشاء مثنویات وی که در برخی مسلماً

(بقیه حاشیه درصفحه ۵۲۶)

وی نرسیده واورا درتشبیه واستعاره وتمثیل وخلق الفاظ ومعانی دست بزرگی است.

(بقیه حاشیه ازصفحه ٥٢٥)

خود نظامی بدانها تصریح نموده وبعضی‌هم ازتاریخ وزمان ممدوحین وی بدست می‌آید ، بخوبی واضح و محتاج باقامه دلیل و برهان نیست و نیز بطلان تعیین سال ٦٠٢ و ٦٠٦ را هم انشاء اقبال نامهٔ وی که بنام عزالدین مسعود پادشاه موصل انشاء گردیده ثابت میکند [دراقبال‌نامه است :

سر سر فرازان و گردنکشان ملک عزدین قاهر شه نشان
طرف دار موصل بفرزانگی قدر خان شاهان بفرزانگی

ودر آخر کتاب گوید :

چو نام شهش نام مسعود باد وزین داستان شاه محمود باد)

و بنا برضبط درشذرات الذهب (ج ٥ص ٦٢) عزالدین ابوالفتح مسعودبن سلطان نورالدین ارسلان شاه بن مسعود صاحب موصل بسال ٥٩٠ متولد شد وپس از پدر در ١٧ سالگی‌بسلطنت رسید و گویند در ربیع الاول سال ٦١٥ وفات یافت وچون پادشاهی عادل وخوش قیافه وسخی بود مرگ وی بررعیت گران آمد .

ودر این کتاب اشاره به کشته شدن نورالدین ارسلان نموده (در ابتداء اقبال نامه است :

چو شاه ارسلان رفت ودر خون بخفت سخن چون توان اندرین حال گفت
بطغرای دولت چو طغرل تکین ابوالفتح مسعود بن نور دین)

و میدانیم این پادشاه بسال ٦٠٧ کشته شده ، بنابرین انشاء اقبال نامه میان سال ٦٠٧ و ٦١٥ بوده و شاید در میان همین دو سال نظامی نیز وفات یافته باشد .

در اواخر اقبال نامه است :

بشصت آمد اندازهٔ کار من بگشت از خود اندازهٔ حال من

بنابراین ناظم ٦٠ ساله بوده که این کتاب را بآخر رسانیده ودر تمام نسخ خطی و چاپی چند صفحه پیش از این بیت در زیر عنوان انجامش کار نظامی این چند بیت میباشد :

نظامی چو این داستان شد تمام بعزم شدن تیز برداشت گام
نه بس روزگاری برین بر گذشت که تاریخ عمرش ورق در نوشت
فزون شش مه آمدزشصت وسه سال که بر عزم ره بر دهل زد دوال

و چون بیت بالا که در آخر نسخه است صریح در شصت سالگی شاعر میباشد وطرز انشاءچند بیت پیش حاکی است که از دیگری میباشدو خواسته وفات شاعر را در نیمه سال شصت وچهارمین معین نماید نگارنده تصور میکندکه این چند بیت ازدیگری است واز خود نظامی نیست وصاحب هفت آسمان عمر نظامی را از دکتر اسپرنگر شصت و سه سال و شش ماه واز مفتاح‌التواریخ ٨٤ سال نقل کرده است .

از اینکه در اوائل شرفنامه (ص ٣٦ چاپ وحید) که برحسب ضبط در بعضی از نسخ خطی و چاپی بسال ٥٩٧ انشاء گردیده گوید :

چو تاریخ پنجه برآمد بسال دگر گونه شد بر شتابنده حال

ودر اقبال نامه خودرا شصت ساله معرّفی نموده ، معلوم میشودکه انشاء این کتاب اخیربسال ٦٠٧ بوده و اگر وفات اورا درشصت وسه‌سال وششماهه‌ای بدانیم وفات او بسال ٦١١ خواهدبود وتولد او بسال٥٤٧ بوده است .

معرّفی ازچنین دانشمندی درخور هر کس نیست، بهتر آنست در اینجا شرحیکه عوفی معاصر وی چند سالی پس ازاین حکیم سخنور درلباب‌الالباب (ص۳۹۶ج۲ چاپ اروپا) نوشته عیناً نقل نمائیم :

« نظامی گنجهٔ که گنج فضائل رابدست بیان برپاشید وخزانهٔ لطائف را برفرق جهانیان نثار کرد ابکار لطائفی که وراء استار **مخزن اسرار** و متواری‌اند اگر رخ‌بنمایند دلهاء عشاق بربایند وتنگ‌چشمان‌معانی که‌درترکستان نظم **مجنون ولیلی** اندا گربرده ازرخ براندازندعقول عقلاء روزگار را شکار کنند چون درشیرین سخنی برسریر فضل خسرو بود **قصهٔ خسرو و شیرین** چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد و چون ممالك ممالك بلاغت بود قصهٔ **سکندر** چون آئینه در چشم سامعان نمود خطبه وسکه فضائلش (کذا والظاهر **فضائل**) بنام او ختم شد وجز این مثنویات ازوی شعر کم روایت کرده اند (۱) در نیسابور از بزرگی‌شنیدم که از وی نقل کرد الخ . (پس ازین ۱۵ بیت شعر از نظامی نقل نموده واز سال تولدومرگ وی نامی نبرده و چنانکه دیده میشود گویا از کتاب هفت پیکر وی بی خبر بوده که در شرح بالا اشاره‌ای بدان نکرده در صورتیکه بچهار مثنوی دیگر او اشاره ای کرده است) .

چنانکه زیر این سطرها نگارش خواهد یافت هریك از این کتابهای پنجگانه راکه‌سالها(۲) پس‌ازمرگ نظامی‌ازیکدگردور وجدا بودواینك برادروارپهلوی یکدگرقرارگرفته وبنام « خمسه » نامیده شده، بنام‌پادشاهی موشح نموده وهمه‌آنها موافق شمارهٔ زیرین که زیر هریك از کتابهای پنجگانه نگاشته میشود درحدود (۲۶۰۰۰) بیت شعر میباشد ولی تذکره نویسان شماره ابیات آنرا (۲۵۰۰۰) معین کرده اند .

۱ ــ مخزن‌الاسرار، این کتاب بنام بهرامشاه بن داود رومی ، موشح گردیده و در حدود (۲۲۰۲) بیت میباشد و در بیست مقاله مرتب شده و شامل نصائح وحکم و امثال و مواعظ میباشد ، تاریخ نظم آنرا درآخر نسخه چاپ‌سال ۱۹۰۸م.

---

(۱) از این بیان عوفی معلوم میشود که در آنوقت اشعار دیوان نظامی زیاد شیوع و انتشار نداشته ولی‌درآخر این قرن قزوینی‌درآثارالبلاد(مؤلفه بسال۶۷٤)وجود دیوانی ازنظامی وخوبی اورا تصریح نموده و دولتشاه سمرقندی شماره ابیات دیوان اورا بیست هزار ثبت نموده و جامی در بهارستان گوید که جزخمسه شعر از نظامی کم نقل کرده اند ، در هفت اقلیم از دیوان‌وی ۷۹ بیت نقل گردیده و آقای وحید اینك مشغول چاپ‌دیوان غزلیات وقصائدواسعار دیگرنظامی‌اند .

(۲) ازمطالب مندرجه درآثارالبلاد قزوینی معلوم میشود که تاهنگام تألیف آن کتاب (سال۶۷٤) این پنج گنج نظامی دریك مجلد نبوده است .

هند ۵۸۲ وچاپ آقای وحید ۵۷۲ و آقای تربیت بسال ۵۵۹ معین نموده اند ولی در نسخ کهنه خطی تاریخ وجود ندارد و ظاهراً این تاریخها الحاقی و از خود نظامی نیست .

بر مخزن الاسرار شروحی نوشته شده : ۱ شرح محمد بن قوام بن رستم بلخی (در کتابخانه مجلس موجود و درفهرست آنجا معرفی کامل میشود) .

۲ ـ شرح ابراهیم تتوی . ۳ ـ شرح امان‌الله (این دو شرح را مؤلف هفت آسمان در کتابخانه دهلی نشان داده و در کتابخانه آصفیه دکن ازشرح تتوی نسخه ای که بسال ۱۰۶۸ نوشته شده نیز موجود است ، ص ۱۴۸۲ ج ۲ فهرست آصفیه) . ۴ ـ شرح محمدرضا که درحاشیه نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م درهند چاپ شده و ۵ ـ شرحیکه بدون نام مؤلف درمقدمه شرح بلخی اشاره شده است .

آغاز : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم هست کلید درگنج حکیم .

۲ ـ خسروشیرین ، این کتاب‌را که از شاهکارهای نظامی باید شمرد و در آن دادقدرت و ادبیّت داده شده بنام طغرل بن ارسلان شاه سلجوقی که از سال ۵۷۱ (۱) تا ۵۹۰ سلطنت داشته موشح گردیده وپس از مدح وی به مدح اتابك محمد جهان پهلوان پرداخته و کنیه او را ابوجعفر معین نموده ودرتواریخ ثبت است که درزمان طغرل‌رشته کارها دردست‌وی بوده وچون بسال ۵۷۱ وفات‌یافت برادر وی قزل ارسلان جای اورا گرفت و او نیز بسال ۵۸۷ در رختخواب کشته شد وشروع بنظم این کتاب‌راسال‌جلوس طغرل(ص۱۵ چاپ‌وحیددیده شود)وانجام آنرابسال ۵۷۶ معین‌نموده وبرحسب‌شماره دقیق درحدود(۴۹۱۴)بیت شعر میباشدو خواهردانشمندنگارنده(رضیه‌ـحدائق)این کتابرابنام « افسانه‌شیرین » نثر کرده‌اند .

۳ ـ لیلی مجنون ، این‌داستان ازحکایت های عاشقی اعراب میباشد و درایران پس‌ازنفوذآنها انتشاریافته‌ونظامی چنانکه‌درابتداء این کتاب تصریح نموده ، انشاء ونظم آن برحسب‌امر کتبی‌شروانشاه اخستان بن‌منوچهر(جلال‌الدین‌ابوالمظفر)(۲)

---

(۱) درروضة‌الصفا (ج ۴)مرگ ارسلان‌بن طغرل بسال ۵۷۱ ثبت گردیده و درشذرات‌الذهب (ج ۴ ص ۲۴۴) بسال ۵۷۳ ضبط شده است .

(۲) در ص ۲۳۲ ج۲سخن وسخنوران وفات وی میان سال ۵۹۰ و۵۹۷ معین گردیده است .

بوده ونیزخود وی شمارهٔ ابیات آنرا بیش از چهارهزار وسال نظم را بسال ۵۸٤(۱) معین نموده وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده درحدود (٤٤۵۰) بیت است .

آغاز : ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

٤ ـ هفت پیکر این کتاب در شرح حالات رزمی و بزمی بهرام گور میباشد وبنام علاءالدین کرپ ارسلان(۲) پادشاه مراغه موشح گردیده وچنانکه درآن کتاب تصریح شده بسال ۵۹۳ بانجام رسیده

(از پس پانصد و نود سه قران گفتم این نامه را چو ناموران)

و شمارهٔ ابیات آن بامحاسبهٔ دقیق در حدود (٤۵۷۷) شعر میباشد .

آغاز : ای جهان دیده بود خویش ازتو هیچ بودی نبوده پیش از تو

۵ ـ اسکندرنامه این کتاب در داستان اسکندر و دوجزء میباشد ، بخش اول را چنانکه دراوائل کتابست شرفنامه نامیده (ازآن خسروی می که درجام اوست* شرف نامه خسروان نام اوست . ونیز گوید : شرف نامه را فرخ آوازه کرد* حدیث کهن رابدو تازه کرد) وآنرابه اتابك نصرةالدین ابوبکر پسر محمد جهان پهلوان تقدیم داشته ودرج ٤ روضةالصفا درآخرسلاجقه روم این اتابك را معرفی نموده وگوید پس ازعموی خویش قزل ارسلان (درص ۲۸۹ ج ٤ شذرات نوشته شده

---

(۱) این چهار هزار بیت و اکثر شد گفته بچهار ماه و کمتر
آراسته شد به بهترین حال در سلخ رجب به ث و ف دال
تاریخ عیان که داشت باخود هشتاد و چهار بعد پانصد

(۲) از این بیت
رسمی کز فلك سواری رخش هم بزرگ است وهم بزرگی بخش
که در ذیل دعای پادشاه و زیر نام کرپ ارسلان در ابتداء کتاب میباشد (ص ۳۲ چاپ وحید) و این بیت :
نامه بر مرغ نامه بر بستم تا رساند بشاه من رسم
که در اواخر کتابست (ص ۳٦٦ چاپ وحید) معلوم میشود که نام کرپ ارسلان رسنم بوده * تا کنون بتاریخ حیوة وی دست نیافته‌ام فقط در دانشمندان آذربایجان نوشته که هفت پیکر را به علاءالدین کرپ ارسلان فرمانفرمای مراغه تقدیم داشته و آقای وحید در ص ح مقدمه هفت پیکر نوشته‌اند که نامه هفت پیکر را حکیم نظامی بنام سلطان علاءالدین کرپ ارسلان اقسنقری منظوم داشته واقسنقر غلام سلطان ملکشاه سلجوقی بوده و نه تن از فرزندانش در حدود موصل و شامات حکمرانی کرده اند .

که بسال ۵۸۷ در رختخواب خود کشته شد) بیست سال بحکومت اران و آذربایجان قیام نمود و در سنهٔ ۶۰۷ در گذشت انتهی .

آغاز شرفنامه : خدایا جهان پادشاهی تراست ز ما خدمت آید خدائی تراست .

در آخر بعضی از نسخ خطی و نسخ چاپی (جز چاپ هند) این دو بیت :

(بتاریخ پانصد نود هفت سال که خواننده را زو نگیرد ملال
نوشتم من این نامه را در جهان که تا دور آخر بود جاودان)

که سال نظم را معیّن میکند موجود و در اواخر شرفنامه ناتمام بودن آنرا نیز تذکر داده (چو از نیمه نامه پرداختم سریری ببالین او ساختم) .

و بخش دوّم به اقبال نامه و خرد نامه مشهور گردیده ، تسمیه آن بخرد نامه ظاهراً اینستکه بیت اول از خرد صحبت داشته و لی اقبال نامه بودن آن ناشی از بیانی استکه در آخر این کتاب در ذیل مدح عزالدین ابوالفتح مسعود بن نورالدین ارسلان شاه (بنوبت گه شه دو هندوی بام یکی مقبل و دیگر اقبال نام فرستاده ام هر دو را نزد شاه که یاقوت را درج دارد نگاه) ولی چنانکه دانستیم بخش اوّل را خود شرفنامه نام گذارده و مکرّر از آن بدین نام تعبیر نموده از جمله در همین بخش دوم گوید : شرف نامه را تازه کردم نورد سپید آب را ساختم لاجورد

و چنانکه پیش از این در حاشیه گفته شد تاریخ انشاء این بخش دوم میان سال ۶۰۷ (۱) و ۶۱۵ بوده و برحسب شمارهٔ دقیق در حدود (۳۴۸۸) بیت است .

آغاز اقبال نامه : خرد هر کجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آنرا کلید .

---

(۱) از اینکه دانستیم شرفنامه را بسال ۵۹۷ انشاء نموده و در آنجا پنجاه سالگی خود را ند کرداده و در اواخر اقبال نامه شصت سالگی خود را اعلام نموده معلوم میشود که انشاء این کتاب بسال ۶۰۷ که سال اول سلطنت ابوالفتح عزالدین مسعود بن نور الدین ارسلان بوده بانجام رسیده و بودن این دو بیت : چو شاه ارسلان رفت و در خون بخفت سخن چون توان اندرین حال گفت مگر دولت شه کند یاری درآرد بمن تازه گفتاری . نیز مؤیداستکه در همان سال ۶۰۷ شروع بنظم شده که مردن پدر پادشاه را مانع از بکار انداختن قریحه و طبع خویش معرفی نموده و پیداستکه میخواسته بدین وسیله خودرا به این پادشاه معرفی نماید و از عمادخوئی که گاهی از او بنام نظام الملك ثانی معرفی میکند و پیداستکه وزیر عزالدین بوده مدح کرده و از آنهاست :

(عماد خوی آن خواجه ارجمند که شد قدر قابل باو سر بلند).

سخن بدینجا که رسید بران شدم که چند کلمهٔ دیگر در اطراف این دانشمند بزرگوار بیان نمایم :

از جمله غلطها یکی نسبت کتاب **ویس ورامین** به نظامی گنجوی میباشد و این قول را پیش از دولتشاه سمرقندی از کسی سراغ ندارم و این شخص هم در ذیل نظامی عروضی آنرا بتردید نسبت‌بوی یاگنجوی داده و درذیل گنجوی جزما گوید این کتاب تألیف اوست و مدرکی برای گفتار خویش واین نسبت اظهار ننموده بلکه آنچه را هم مؤید این نسبت ذکر نموده اشکال دارد و در سخن و سخنوران راجع به رد این نسبت شرحی نگارش یافته ، معاصر دولتشاه جامی در بهارستان فخرالدّین گرگانی را نام برده و کتاب ویس ورامین تألیف ویرا ستوده وگوید در این روزگار مهجور و نایاب است و چند بیت از آنرا هم در آنجا نقل کرده .

قزوینی در آثار البلاد که در اواخر قرنیکه در اوائل آن نظامی وفات یافته تألیف گردیده در ذیل جرجان فخر الدّین را نام برده واین کتاب را بوی نسبت داده وگوید: نظامی گنجوی خسرو شیرین‌خودرا بتقلید وی انشاء کرده.

حمدالله‌مستوفی‌درتاریخ گزیده‌نیزفخرالدّین‌جرجانی‌واین کتاب‌اورانام‌برده‌است‌و گذشته از آنچه گفته شد طرز فکر و روحیهٔ این دوکتاب با یکدگر مخالف باین‌معنی که ویس‌ورامین داستان عشقی‌است که‌درآن‌چندان‌عفّت‌راملحوظ‌نداشته ولی‌نظامی داستان خسروشیرین راباکمال عفت وپاکدامنی آغاز وبانجام میرساند .

نظامی چنانکه همه تذکره نویسان اشاره کرده اند درسیر وسلوك بوده وصاحب مجمع الفصحا نوشته که مرید اخی فرج زنجانی است .

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (فصل شعرای فارسی زبان) گوید : نظامی عروضی معاصر نظامی گنجه‌ای بوده و پیش از معرفی از عروضی گنجه‌ای‌را معرفی کرده و کتابی بنام حدیقه نیز بدو نسبت داده و ظاهرا بلکه مسلماً این نسبت غلط محض است و پس از عروضی عنوان نظامی دیگریراهم نوشته ولی در نسخهٔ کهن سالیکه در این کتابخانه میباشد و بنظر این نگارنده پس از وفات مؤلف از

روی نسخهٔ خود وی که هنوز ناتمام بوده نگاشته شده و بسیاری از موارد را که تحقیق میخواسته ننوشته گذارده و در حاشیهٔ آن مقابله و تصحیح شدن آن تصریح گردیده بجای آن کلمات نوشته نشده نقطه گذاری شده از آنجمله یکی جای نام نظامی گنجه ایست و دیگری نام و نشان از نظامی سوم میباشد.

حمدالله مستوفی تصور نموده که مراد از نظامی عروضی از آن شعر که در مجلس بزم ملك الجبال (قطب الدّین محمد) انشاء نموده (در جهان سه نظامیم ای شاه) یکی نظامی گنجوی است و بهمین دلیل ویرا معاصر عروضی دانسته و دیگری راهم تاهنگام تألیف تاریخ گزیده بدست نیاورده در صورتیکه این اندیشه نا درست میباشد چرا که عروضی خود تصریح نموده (ص ۵۲ چاپ اروپا) که این سه نظامی یکی نیشابوری است که اورا نظامی اثیری گویند و دیگری سمرقندی است که اورا نظامی منیری گویند و درشعر خود هم تصریح نموده که این دو در مرو پیش پادشاه اند و کسی نظامی گنجهٔ را در مرو نیافته و در آن روز گار اگر نظامی گنجوی هم بحدّ شاعری رسیده بوده ابداً شهرتی نداشته و نظامی عروضی اورا نمیشناخته والا میگفت چهار نظامی در این عصریم (۱).

پنج گنج یا خمسه نظامی مکرر در ایران وهندوستان واسلامبول واروپا تمام یا بعضی از آنها چاپ گردیده و انتخاباتی از آن گردیده است.

(۱۱۴۲)

خمسه نظامی این نسخه را که از نسخ نفیسه و گرانبهای بی مانند میباشد، بسال ۹۵۶ مرشد(۲) کاتب شیرازی بخط نستعلیق خوب نوشته،

---

(۱) مأخذ نگارش این شرح راجع به نظامی گذشته ازمندرجات خمسه، کتابهای زیرین است: چهار مقاله نظامی عروضی ص ۵۲ متن و ۱۹۲ حاشیه (چاپ اروپا)، لباب الالباب عوفی ص ۳۹۶-۳۹۷ ج ۲، آثارالبلاد قزوینی ص ۳۰۵ (نسخه خطی این کتابخانه)، تاریخ گزیده فصل شعرای فارسی زبان، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۱۲۸-۱۳۱ (چاپ اروپا)، بهارستان امی (آخر روضه هفتم) نفحات الانس، آتشکده آذر ص ۲۴۲-۲۴۴، هفت آسمان ص ۵۳-۶۳، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۶۳۷-۶۵۴، طرائق الحقائق ج ۲ ص ۲۷۹، قاموس الاعلام ترکی ص ۴۵۸۹ ج ۶ سخن وسخنوران ج ۱ ص ۸ و ۹

(۲) بی انصافی نام نویسنده را که مرشد بوده محو کرده ولی از اثر آن این نام بدست می آید و پس

(بقیه حاشیه درصفحه ۵۳۳)

خاور شناسانیکه باین کتابخانه آمده و آنرا دیده‌اند هریك بهای زیادی برای آن معیّن نموده که اظهار آن سودی ندارد، دارای سی مجلس بسیار ظریف نقّاشی و صورت‌سازی میباشد، اگر نویسندهٔ توانائی که از صنعت نقاشی هم بهرور باشد بخواهد در اطراف خصوصیات مزایای هریك از مجالس آن مختصری بنویسد، بایستی مطولی انشاء نماید، اگر ایرانی هیچگونه دلیل و برهانی بر لیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت جز سلیقه و صنایعیکه در این نسخه بکار برده از میناکاریها و جدول کشی‌ها و طلا اندازیها و نقاشی ها و ترنجها و رنگ آمیزی های مجالس و طرز نقاشی هریك از آنها که بخودی خود با نگاه کننده صحبت مینمایند، نیازمند بگواه دیگر نبود، نگارنده معترف است که در معرّفی از چنین نسخه‌ایکه چشم بیننده را خیره و عقول متفکرین را حیران مینماید، ناتوان، چرا که بنابر اصطلاح دانشمندان حسن و زیبائی را آدمی، می‌یابد ولی نمیتواند آنرا بزبان در آورد (**یدرك ولا یوصف**) وبقول یکی از یاران : چه گویمت تو که نادیده ای بیاو ببین.

گذشته از مجلس نقاشی که هریك بطول و عرض صفحهٔ کتاب میباشد پیش از شروع بکتاب دو صفحهٔ میناکاری ظریف میباشد که در وسط آنها مرغهای ماهی‌خوار چندی بشکلهای گوناگون رسم شده و در میان این مرغها در هر صفحه ترنجی است که در میان آن که از لاجورد پوشیده شده این رباعی :

گنجینه گشای گنجه، آن مؤید راد   کآمد ز ازل سخن ورانرا استاد

بقیه حاشیه از صفحه ۵۴۲

از کلمهٔ الشیرازی شهرت خود را تند گرداده بوده همان بی وجدان نیز محو کرده است، نسخه ای از خمسه خواجو که بسال ۹۵۳ همین نویسنده نوشته در این کتابخانه موجود وزیر شمارهٔ (۱۱۳۹) در ص ۵۱۶ معرفی گردیده، در ص ۶۱ تحفه سامی در صفحهٔ چهارم (چاپ آقای وحید) زیر نام **خواجه مرشد** گوید : پسر خواجه مبرك شیرازیست که سالها صاحب توجیه دفتر اعلی بود، علم سیاق را با صورت خط نستعلیق جمع کرده، اوند ولاابالی واقع شده طبعش در شعر خوبست این مطلع ازوست : پهلوی سك تو جاست مارا   جائی به ازین کجاست مارا.

بقرینه اینکه مرشد شیرازی نسخه خمسه خواجه را نوشته وخط آن نسخه بااین نسخه شباهت کامل دارد (اگرچه این نسخه را بهتر نوشته) ومطابقت زمان خواجه مرشد بازمان نگارش این نسخه بایستی نویسنده همو باشد ودرآخر این نسخه است :

دربن کتابت من گر نظر کنی روزی   بگو که کاتب این خط غریق غفران باد.

دریای معانی از گهر کرد تهی   روزی که بنای پنج گنجینه نهاد.

وبرترنج دیگر نیز این رباعی :

خمسه که به مخزنش بود زیب تمام   از خسرو شیرینش فرودست نظام

لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب   تاریخ سکندرش دهد ختم کلام.

بخط ثلث نگارش یافته و تمام دو صفحهٔ اول نسخه که هریك شش بیت از مخزن الاسرار را شامل میباشد ، با کمال ظرافت نقاشی و میناکاری گردیده ، میان سطر های دو صفحهٔ بعد از این دو صفحه و هر صفحه ایکه مقابل یکی از مجالس نقاشی میباشد و دو صفحهٔ اول هر یك از کتابهای خسرو شیرین تااقبال نامه که نیز دارای سرلوح های (پنج سرلوح) زیبائی است ، طلا اندازی و نقاشی شده و دو صفحه آخر نسخه بطرز جالب توجه و نظر میناکاری و طلا اندازی و نقاشی گردیده و گذشته از اینها دو صفحه آخر خسرو شیرین و یك ورق ازمیان لیلی و مجنون و دو صفحهٔ آخر آن و دو صفحهٔ آخر هفت پیکر میناکاریهای ظریف دارد .

تمام صفحات باکمال استادی و مهارت متن و حاشیه گردیده و بجدول بطلا و لاجورد و شنجرف وغیره میباشد ، عناوین مطالب کتابهای پنجگانه برسر سوره هائیکه از طلا پوشیده شده باسفیدآب نگارش یافته و اطراف آن نگارش هم برگ و گل نقاشی شده است .

برحسب یادداشتیکه پشت نخستین برگ نسخه گردیده بسال ۱۲۸٤ مرحوم اعتضاد السلطنه مالك این نسخه بوده و دیگری بسال ۱۲۹۲ نوشته : در این کتاب سی و یك صفحه مجلس سازی شده . ولی باشمارهٔ دقیق مکرر اینجانب سی مجلس بیشتر ندارد و در دفاتر کهنه کتابخانه هم سی مجلس قید گردیده است . دو یادداشت دیگر دراین صفحه بوده آنها را محو کرده اند ، بوسائل دقیق شاید بتوان از آثار آن بدست آورد که موضوع نگارش چه بوده است و وقف نامه نسخه درحاشیهٔ صفحه سوم مخزن الاسرار نوشته شده است .

جلد سوخته دورو بسیار اعلی . کاغذ متن خان بالغ حاشیه بخارائی . واقف سپهسالار قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (٤۱۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۳۳ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۰۰) .

(۱۱۴۳)

خمسه نظامی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب . . . . . (۱)شیرازی بسال‌احد . . . . .(۲) تسعمائه نوشته ، پیش ازشروع بنگارش کتاب دو مجلس نقاشی که هر یك تمام صفحه را شامل میباشد، موجود و اندکی ریختگی دارد ، سی‌وپنج مجلس نقاشی چینی ظریف دارد که هر یك نصف صفحه را فرا گرفته وبخوبی ظاهر و هویداست که در اوائل عصر صفوی کشیده‌شده و برخی از آنها کمال نفاست را دارد ، برچند مجلس نقاشی آن جمله : **السلطان العادل** . نوشته‌شده و یکی از آنها راکه درخسروشیرین‌است‌اندکی‌دست زده شده وقسمتی ازآنرا محو کرده اند ، اطراف‌دو صفحهٔ نخستین کتاب که هر یك‌هفت‌بیت در آن نوشته شده ، بـا کمال لطافت و ظرافت نقاشی شده ، دارای پنج سر لوح زیباست که بسیار بایکدیگر شبیه‌اند و نام کتاب های پنجگانه بـا سفیداب برآن نکاشته شده ، پشت صفحه‌اول نسخه ترنجی ظریف میباشد که وسط آن ازطلا پوشیده شده و باسفید آب این بیت برآن نگارش یافته :

طبع نظامی و دلش را ستند   عـالم ازآن راستی آراستند .

تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورد و همه عناوین باطلا نوشته شده است

جلد تیماجی‌مذهب. کاغذ سمرقنـدی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۰۶) . صفحه ای (۲۱) سطر. طول (½ ۳۳سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۳۷۵).

(۱۱۴۴)

خمسه نظامی این‌نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، دست حوادث برگهای آنرا ضایع و قسمتی ازابیات آن‌را هم ازمیان برده ، درحاشیه آخرین صفحه محمد علی بن محمد رضی بسال۱۲۲۱ نوشته: بسعی میرزا

---

(۱) باز هم بی وجدانی نام نویسنده و بخشی از تاریخ کتابت را محو کرده ولی احتمال قوی دارد که نویسنده همان مرشدبن‌میرك شیرازی باشد وبقرین اینکه شاه‌طهماسب **عادل** تخلص میکرده و بر مجالس‌جندی‌از آن‌جملهٔ « السلطان‌العادل » نگارش یافته بایستی برای آن پادشاه نگارش یافته باشد ولی خط‌آن‌بپایه نسخهٔ پیشین‌نمیرسد .

(۲)میان این دو کلمه نیز محو کرده‌شده وبایستی **وثلثین** یا**واربعین** باشد .

محمد هادی طبیب پسر میرزا ابوالفضل طبیب این نسخه که در اثر موریانه منهدم و اوراق شده بود اتمام واختتام پذیرفت.

راستی بحدی خوب و وصالی و ابیات آن تکمیل شده که فقط با دقت توان آنها را از اصل تمیز داد، در آخر هفت پیکر تاریخ اتمام نگارش نسخه ذیقعده سنهٔ ۹۹۷ نوشته شده و قسمتی از عبارات بالای تاریخ محو گردیده، کتابهای آن بترتیب معمولی نیست وبدینگونه در این مجلد گذارده شده: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، هفت گنبد، خسرو شیرین، اسکندرنامه (شرف نامه و اقبال نامه)، کتاب اوّل و دوّم و چهارم دارای سر سورهٔ ظریفی است که مسلماً از نقاشیهای قرن دهم میباشد و درآغاز کتاب سوّم و پنجم در هنگام صحافی مذکور تذهیب مختصری شده، اشعار درمتن و حاشیه نوشته شده وعموماً عناوین مطالب‌نگارش نیافته، بسال ۱۳۵٦ نیزدراین کتابخانه صحافی گردیده وصفحات آن مجدول است.

جلد تیماجی. کاغذ متن خان بالـغ، حاشیه فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۷٦). صفحه ای (۳٤ بیت در متن ۱۹ در حاشیه). طول (۳۰ سانتیمتر). (عرض ۲۰ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۰۵).

(۱۱٤۵)

خمسه نظامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش اثری نگذارده، ظاهراً در قرن یازدهم هجری نگاشته‌شده، پنج سرلوح دارد، اول و آخر آنها تازه وظاهراً ازکارهای قرن سیزدهم هجری میباشد ولی سه سرلوح دیگر از همان قرن یازدهم و بسبك هندی است، عناوین باشنجرف و صفحات مجدول بطلاست.

جلد ساغری مذهب. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۲۰۵) صفحه‌ای (متن ۲۰ حاشیه ۲۹ بیت شعر). (طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۷۱).

(۱۱٤٦)

خمسه نظامی این نسخه‌را بخط شکسته نستعلیق محمد رضا بن حاج بیگلر بسال ۱۲٦۲ درقزوین (در آخر خسرو شیرین و لیلی مجنون

و اقبال نامه تصریح باین مطالب شده) بانجام رسانیده ، ابیات الحاقی در آن زیاد دیده میشود ، در متن و حاشیه نوشته شده و صفحات مجدول به جوهر سرخ و آبی‌است ، پس ازدخول در این کتابخانه پسر کتابدارِ آن هنگام پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بسال ۱۳۱۲ نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع‌رحلی . شمارهٔ‌اوراق (۳۷۴) . صفحه ای (درمتن ۲۰ درحاشیه۱۸)بیت. طول(۳۲ سانتیمتر) .عرض(۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه(۳۵۶) .

(۱۱۴۷)

خمسه نظامی این‌نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نگارش یافته ، مخزن‌الاسرار رادرصحافی، آخر کتاب قرارداده اند از آخر خسرو شیرین و اسکندرنامه هریك درحدود ۴۰۰ بیت افتاده‌و آخرین بیت از خسرو شیرین اینست :

پس آنگه کردشان در پهلوی یاد   که احسنت ای جهان پهلودوهمزاد

و آخرین بیت ازشرفنامه این :

کس از خاصگان پیش دارا نماند   از او در دل کس مدارا نماند

(دراین نسخه این بیت چنین ضبط گردیده ودرنسخ دیگر بطرز دیگری است)، لیلی و مجنون وهفت پیکررا هم بدون نقص دارد ولی اقبال نامه اصلاً دراین‌نسخه نیست ، میان صفحات قسمتهای چندی برای ترسیم مجالس نقاشی باز گذارده شده ولی توفیق کشیدن را نیافته اند .

بنام منتخبی ازخمسه نظامی وقف گردیده وبهمین نام دردفاتر کتابخانه ثبت‌شده ولی‌مسلّماً منتخب نیست وخمسه‌ای‌ناقص میباشد . بسال۱۲۴۱متعلق به محمد محسن نام‌موسوی بوده وپشت صفحهٔ نخستین بخط خود یادداشت کرده ومهر اسم وی در چندین‌صفحه زده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۴) صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳) .

(۱۱۴۸)

خمسهٔ نظامی (هفت پیکر)

این نسخه فقط هفت پیکر از خمسهٔ نظامی میباشد ، برگ آخر آن که شامل ۱۴ بیت بوده افتاده و آخرین بیت نسخه اینست :

تا در آری بحسن او نظری جلوهٔ دادمش بهر هنری .

نویسندهٔ آن ظاهراً هندی و در اواخر قرن نهم هجری بوده ، در آغاز نسخه سرلوحی بسبك هندی است که باسفیدآب نام کتاب بروسط آن نگاشته شده ، و میان سطرهای دو صفحهٔ اول نسخه طلااندازی شده و همه عناوین مطالب برسر سوره هائیکه از طلا پوشیده شده نیز باسفیدآب نگارش یافته و تمام صفحات جدول بطلا ولاجورد وغیره است ، پشت صفحهٔ اول یادداشتی بوده محو گردیده و یادداشت اعتضادالسلطنه مورخ بسال ۱۲۹۱ نیز در اینجاست .

جلد ضربی وسوخته (مستعمل دور گرفته) . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۳۰) . صفحه ای (۱۴ بیت در متن و ۵ در حاشیه) . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۲) .

[۵۰۶] خمسه نوائی (ترکی)

امیرعلیشیرنوائی (علی شیربن کجکنه (درخوشگو ثبت شده) ۸۴۴-۹۰۶)(۱) از مشاهیر درباریان سلطان حسین میرزای بایقرا میباشد و بنابر نوشته وی در مجالس العشاق از روزگار بچگی در مکتب باوی دوستی و مودت داشته ، چون بسلطنت رسید اورا از ماوراءالنهر که مسکن امیر شده بود بهراة خواست و کارهای بزرگی را بتدریج بوی برگذار فرمود .

---

(۱) دولتشاه درزمان خود امیر درآخر تذکرهٔ خویش شرحی ازحالات اورا نگاشته و سلطانحسین بایقرا درمجلس ۷۴ مجالس العشاق بسیارمی گوی باخاطرهیادی اوزامعرفی کرده و گوید بسال ۹۰۶ وفات یافت وسام میرزا درتحفه سامی شرحی نیکو درحالات و آثار ومؤلفات امیرنگارش داده ، و تصریح کرده که تولد وی بسال ۸۴۴ بوده و گوید مولانا صاحب دارا قصیده ای در مرثیهٔ امیر گفته که یکی از مصرعهای آن سال تولد را مشخص ساخته و دیگری سال وفات را چند بیت ازآن را هم نقل نموده ومطلع آن اینست :

ای فلك بیداد و بی رحمی بدینسان کرده ای ای اجل ملك جهان را باز ویران کرده ای

ولی چنانکه دیده میشود مصرع دوم سال ۹۰۶ را که مسلما امیر درآن سال وفات یافته نمیرساند ودیگر ابیات هم که محاسبه شد درست درنمی آید این اختلاف شاید درا ثر تحریف یا تصحیف ابیات باشد .

مقام فضل و دانش و علم دوستی امیرعلیشیر بپایه ایست که هر کس در این موضوع چیزی نگارش دهد چنانست که بخواهد آفتاب را بشناساند، بنابراین جز توضیح واضح چیز دیگر نخواهد بود، در این مؤلفهٔ ناچیز و فهرست های دیگر (۱) و کتب سیر و تواریخ بسیاری از مؤلفات که در عصر وزمان و تشویق و ترغیب این راد مرد بزرگ تألیف شده، معرّفی گردیده و خواهد گردید و نیز مؤلفین و شعراء و علماء نامداریکه از یمن تربیت این بزرگ، عالم علم و ادب را روشن کرده، مستقلاً یا بمناسبت در اینجا نام برده شده و میشوند، این امیر دانشمند، پس از انجام وظائف اجتماعی بمطالعه و تألیف کتب زیادی پرداخته، و بزبان ترکی و فارسی اشعاری انشاء نموده و تخلّص وی در ترکی **نوائی** و در فارسی **فانی** میباشد و کتابهائی تألیف نموده، و چهار دیوان ترکی (۱- غرائب الصغر ۲- نوادر الشباب. ۳- بدائع الوسط. ٤ - فوائد الکبر) و یك دیوان فارسی دارد (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه مجلس موجود خصوصیات آنرا بفهرست آنجا تألیف نگارنده مراجعه نمائید) و مؤلفات دیگر چون: خمسة المتحیّرین، اربعین منظوم، قصهٔ شیخ صنعان، منشآت، تاریخ ملوك عجم (۲) بترکی، مفردات در فن معمّا و عروض بترکی، محبوب القلوب، تاریخ انبیا، فارسی نثر اللآلی (۳)، خمسه ای در تقلید نظامی بترکی (همین کتاب)، نسائم المحبه و غیر از اینها از قلم توانایش ریخته شده است.

---

(۱) در صفحات ٤۰ و ۱۳۹ و ۳۲۲ و ۳۳۲ و ۳٦۰ و ۳۷۰ و ۳۷۳ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس کتابهائی استکه بنام امیرعلیشیر تألیف گردیده است.

(۲) امیر علیشیر در ابتداء سد سکندری پس از حمد خدا و نعت رسول صم و تعریف نظامی و جامی و سلطان حسین میرزا و فرزند وی بدیع الزمان تاریخ ایران را مختصراً درچهارطبقه (۱ - پیشدادیان ۲ - کیان. ۳ اشکانیان ٤ - ساسانیان) بنظم درآورده و مسلماً تألیف تاریخ ملوك عجم که در سیره وی نوشته اند غیر از این میباشد که پیش از داستان اسکندر در این کتاب گذارده، چرا که میرزا مهدیخان درمقدمه سنگلاخ این کتاب را در ذیل مؤلفات نثری امیرعلیشیر معرفی کرده است.

(۳) در نسخه خطی تحفهٔ سامی متعلق باین کتابخانه و نسخه چاپ آقای وحید نظم الجواهر وفارسی نثر اللآلی بدون واو عطف و چنان نوشته شده که تصور میشود فارسی صفت نظم الجواهر است و نگارنده در ص ۱۰۳ زیر معرفی از نثر اللآلی تذکر داده ام که نظم الجواهر ترجمه ترکی نثر اللآلی میباشد بنا براین ترجمه فارسی نثر اللآلی نیز از امیر است و در آن صفحه متوجه این معنی نگردیده بودم و تصور شده بود که بنام نثر اللآلی امیر کتابی داشته است.

بنابرادعای دولتشاه در تذکرهٔ خویش پیش از این امیر کسی بانشاء خمسه ای بترکی(۱) درجواب نظامی مبادرت ننموده وکتابهای این خمسه عبارتند از :
۱ ـ حیرت‌الابرار . ۲ ـ لیلی ومجنون . ۳ ـ شیرین وفرهاد . ٤ ـ سبعهٔ سیاره . ۵ ـ سد سکندری . وخود امیرتاریخ‌انجام حیرت‌الابرار را بسال ۸۸۸ وسبعهٔ سیاره و فرهاد و شیرین را بسال ۸۸۹ معین کرده وبرحسب شمارهٔ این جانب در حدود (۲۵۸۰۲) بیت اشعار این خمسه میباشد وتذکره نویسان ودانشمندان ترك نژاد از لطافت مضامین این کتاب در حیرت و درمقابل آن خاضع اند وتاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز حیرت‌الابرار : بسم الله الرحمن الرحیم رشته غه چکتی پنجه دریتیم
در (۳۹۸٤) بیت .

آغاز لیلی ومجنون : ای یخشی آتنیك بیله تورآغاز انجام میغه کم تیارهر آغاز
در (۳۶۵۰) بیت .

آغاز فرهادوشیرین : بحمدك فتح ابواب المعانی نصیب ایت کونکلوما فتح اولماغ آنی
در (۵۸۱۶) بیت .

آغاز سبعهٔ سیاره: ای سپاسینك دیماکدمل ابنای لال ایلکاتین سوردین اولدی بیلکامقال
در (۵۰۰۰) بیت .

آغاز سد سکندری : خدایا مسلم خدالیق سنکا براوشه کم تابی کدالیق سنکا
در (۷۳۵۲) بیت .

(۱۱٤۹)

خمسه نوائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اوائل قرن دهم نگاشته شده ،

---

(۱) جامی درآخر روضهٔ هفتم از بهارستان که بذکر ووصف وستایش امیر پرداخته در وصف خمسهٔ وی گوید : مثنویات که درمقابل خمسهٔ نظامی وقوع یافته بسه هزار نزدیکست (مسلما این شماره غلط نساخ است و شاید سی هزار و تعیین تقریبی نه تحقیقی بوده است) همانا بآن زبان بیش از وی به از وی بیش از وی کسی شعر نگفته است . ونیز گوید که بهردونوع فارسی وترکی شعر میگفته ولی میل طبع وی بترکی ازفارسی بیشتر است وغزلیات از ده هزار زیادت خواهد بود .

برگ نخستین و یك برگ از اواخر نسخه نونویس میباشد، در آخر فرهاد وشیرین مهر گردیکه بدین سجع میباشد: (محترمه سلطان بیگم بنت السلطان الغازی سلیمان.) و اطراف آن در دوازده کنگره دوازده اسم از اسماء الله نوشته شده ومیرساند که نسخه متعلق بکتابخانه دختر سلطان سلیمان بن سلطان سلیم (۹۲۶ - ۹۷٤) عثمانی بوده موجود وبر مجلدات دیگر این کتاب هم همین مهر بوده ولی آنهارا کرده اند.

برخی از برگهای نسخه وصالی گردیده و عناوین مطالب باشنجرف نگاشته محو شده است.

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شمارهٔ برگها (۳۲۵). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (½ ۲٤ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳٦۹).

(۱۱۵۰)

خمسه نوائی این نسخه را بسال ۱۰۱۲ و ۱۰٦۵ و ۱۰۷۷ (در آخر کتاب این تاریخ اخیر است) بخط نستعلیق نوشته اند، در آخر سبعهٔ ستاره نویسنده اینکه ظاهراً این نویسنده همه پنج کتاب میباشد خود را **صالحی خراسانی** معرفی نموده ودر اینجا مهر بادامی که بدین سجع میباشد زده شده : غلام شاه عباس است مرجان. ومیرساند که متعلق بیکی از امراء آنعصر که **مرجان** نام داشته بوده است.

عناوین مطالب باشنجرف میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شمارهٔ اوراق (۲۷٤). صفحه‌ای (۲۵) سطر. طول (½ ۳۲ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳٦٦).

(۱۱۵۱)

خمسه نوائی (سدسکندری) این نسخه که در این کتابخانه بنام « اشعار ترکی » معرفی شده «سدسکندری» یا پنجمین کتاب خمسه نوائی است ولی ۱۸۰ بیت از اوّل و ۲۷۸ بیت از آخر آن افتاده، ظاهراً درقرن دهم هجری نگارش یافته و برگهائی از آن وصالی شده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شمارهٔ اوراق (۹۸). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (½ ۱۸ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۷۲).

[۵۰۷] خمسه هاتفی (فارسی)

(لیلی ومجنون ، هفت منظر ، تمرنامه یا ظفرنامه هاتفی)

یکی ازشعرائیکه خمسه نظامی‌را جواب گفته‌اند هاتفی‌است (ملاّ عبدالله هاتفی خبوشانی جامی متوفی بسال ۹۲۷)(۱) که ازنزدیکان(۲) عبدالرحمن جامی بوده وگویند مبادرت باین کار را از جامی اجازه گرفته ، وی برای امتحان قدرت طبع وی جواب گفتن شعر فردوسی : درختیکه تلخ است وی را سرشت الخ . را از او خواست ، هاتفی گفت :

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت	نهی زیر طاوس باغ بهشت
دهی آبش از چشمهٔ سلسبیل	در آن بیضه دم دردمد جبرئیل
بهنگام آن بیضه پروردنش	ز انجیر جنت دهی ارزنش
شود عاقبت بیضهٔ زاغ زاغ	کشد رنج بیهوده طاوس باغ .

جامی طبع او را شایسته این کار دید وبدو اجازه داد و مشهوراستکه بوی گفته است بد نگفتی ای ولی چهارجا تخم گذارده‌ی ، هاتفی استدعا نمود که افتتاح لیلی ومجنون را جامی‌نماید وی این‌درخواست‌را اجابت نمود بنابراین بیت‌نخستین از جامی است .

از خمسهٔ هاتفی فقط این چهار کتاب انشاد گردیده : (لیلی مجنون ، شیرین

(۱) درحبیب‌السیر جزء سیم ازمجلدسیم ص ۳۴۶ ، تحفه سامی ص ۹۴-۹۷ [illegible] ، هفت اقلیم ص ۵۷۲ ، تذکره‌خوشگو ، ترجمه تاریخ ادبیات ادواردبراون ص ۱۵۲-۱۵۳ ، هاتفی [illegible] ومراجعه گردیده ودرحبیب‌السیر است که درماه محرم وفات یافته وتاریخ فوت او [illegible] گوید :

تاریخ فوت او طلبیدم ز عقل گفت	ازشاه شهان وشه شاعران طلب .

وجملهٔ جامی ثانی را نیزماده تاریخ وفات وی یافته‌اند .

(۲) دراوائل هفت منظر گوید :

نیست این دعوی که خویش [illegible]	یا ز پیران [illegible]
عمرها شد که از سگان دره	[illegible]
دارم امید آنکه آخر کار	[illegible]

وخسرو ، هفت منظر وتمرنامه یاظفرنامه (۱)) و از کتاب پنجم وی نامی درجائی واثری در کتابی نیست ، شاید توفیق بمبادرت جواب مخزن‌الاسرار را نیافته باشد ، سام میرزا درتحفهٔ سامی گوید بسال ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از فتح بلاد خراسان متوجه‌عراق بودنددرحوالی‌قصبه خرجرد‌جام جهت‌زیارت‌تربت‌شاه‌قاسم‌انوارنزول فرموده بودند ، برسبیل گشت بدر باغ هاتفی رسیدند مولانا خبردارشد وباستقبال شتافت ، مورد عنایت واقع شد و طالب چند بیت از اشعار او شدند مطلوب شد و مورد تحسین واقع گردید و مأمور به نظم فتوحات شاهی شد ، درحدود هزار بیت از آنرا بنظم آورد اما توفیق اتمام نیافت و چند بیت از این مثنوی نیز در تحفه سامی نقل گردیده است .

گذشته از این پنج مثنوی آثار دیگری از هاتفی در دست نیست و تذکره نویسان تذکر نداده اند که جزمثنوی هم شعر داشته ولی دیوان قصائد و غزلیات داشته وخود وی درتمرنامه پیش از شروع بداستان گوید :

نگوئی همی در فن مثنوی — سخن را دهم زینت خسروی
بهر شیوه گر نظم کردم علم — ستانم ز دست عطارد قلم
بلند آستانی اگر همچو میغ — بدامن گهر ریزدم بی دریغ
دهم در قصائد بدانسان ندا — که خاقانی آنجا کند جان فدا
بجلوه درآید گر آن دلفریب — که ازدل برد هوش‌ازجان‌شکیب
طریق غزل را بداند که چیست — کدامست خسرو حسن نیز کیست

(۱) درآخر تمرنامه گوید :

من آنروز کز طبع گنجینه سنج — نشستم بصرافی پنج گنج
گرفتم ز لیلی و مجنون نخست — وزان صورت دعویم شد درست
شد آن نقش نغز چو گیتی پسند — ز شیرین و خسرو شدم بهره مند
چو آن گلستان را بیاراستم — ازآن خوشتر آمد که میخواستم
چو باز آمدم زان همایون سفر — سوی هفت منظر فکندم نظر
تماشا گهی کرده آراسته — که شد چرخ از رشك آن کاسته
شدم چون ز افسانه گفتن خموش — هوای سکندر ز دل برد هوش

* * *

شدند آن حریفان فرخنده رای — بسوی تمرنامه ام رهنمای .

وخود دراینجا تصریح نموده که عین ظفرنامه شرف الدین علی یزدی راکه تاریخ صحیح است نه افسانه وخیالی بنظم کشیده .

بود بحروکان سخن ملك من | درو لعل ریزد سرکاك من

یکی از مختصات هاتفی اینستکه در این کتابهای چهارگانه خویش بمدح کسی نپرداخته واشاره ای بزمان وعصرخود نکرده وتاریخ نظم هیچیك ازکتابهای چهارگانه را معیّن ننموده وپس ازحمد وثنا ونعت وبیان معراج حضرت رسالت پناه ص ع ومنقبت حضرت مولی علی بن ابی طالب ع شروع بمطلب نموده ، درتحفه سامی است که تمر نامه را در چل سال بنظم آورده و در کشف الظنون نیز همین مطلب نگارش یافته ولی این قول را نگارنده ازقرائن موجوده درکتاب منکر است، ارادت خودرا به سید قاسم انوار درلیلی و مجنون تصریح نموده و این مثنویات را از برکات آن مرشد کامل دانسته ودرهمین کتاب تشیع خود را اظهار داشته ودراینجاست :

یارب که کنی خجسته نامم | در دین دوازده امامم
بخشای بهاتفی ز کوثر | یك جرعه بحق آل حیدر
گردد چو زبان بگفت گویم | مدّاح علی و آل اویم .

آغاز لیلی ومجنون : این نامه که خامه کرد بنیاد توقیع قبول روزیش باد (درحدود ۲۰۰۰ بیت است) (۱) .

آغاز شیرین وخسرو : خداوندا بعشقم زندگی ده بفرقم تاج عزّ بندگی ده (درحدود ۱۷۰۰ بیت است) (۲) .

آغاز هفت منظر : ای نگارندهٔ صحیفهٔ غیب نام تو صدر صفحهٔ لاریب (درحدود ۲٤٦٦ بیت است) .

آغاز تمرنامه : بنام خدائی که فکرخرد نیارد که تا کنه او پی برد (درحدود ٤٦٥٦ بیت است) (۳) .

---

(۱) لیلی مجنون هاتفی بسال ۱۷۸۸ م در کلکته چاپ شده .

(۲) نسخهٔ شیرین خسرو هاتفی زیر شمرهٔ ۳۳۲ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی بنام خسروشیرین هاتفی موجود درصورتیکه خود این کتاب را شیرین و خسرو نام گذارده .

(۳) تمرنامه بسال ۱۸٦۹ م درلکنهو چاپ شده وبرحسب تصریح ناشر نام حقیقی آن نامه تیموری است.

(١١٥٢)

خمسه هاتفی
لیلی و مجنون
هفت منظر و تمر نامه

این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهراً در اواسط قرن دهم هجری) نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، دو صفحه نخستین لیلی مجنون نقاشی و میناکاری و تذهیب ظریفی گردیده ، درابتداء دو کتاب دیگر دوسرلوح ظریف کوچك میباشد ، صفحات جدول بطلاولاجورداست،پشت برگ نخستین مرحوم رضاقلیخان هدایت شرحی درمعرّفی از نسخه و مؤلف آن بسال ١٢٨٣ در تبریز نوشته و یادداشت ورود بکتابخانه اعتضادالسلطنه نیز درهمین صفحه است .

درآخر نسخه آثار محو چندین سطر وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٣١٤) . صفحهای (١٥) سطر . طول (٢٢ ½ سانتیمتر) . عرض (١٢ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٨٠) .

(١١٥٣)

خمسه هاتفی
(تمرنامه)

این نسخه نیز بخط نستعلیق خوب (ظاهرا در اواسط قرن دهم هجری) نوشته شده ، دارای یك سرلوح زیباست ، صفحات جدول بطلا ولاجورد ، عناوین باشنجرف میباشد ، بخشی ازورق نخستین پاره و وصّالی گردیده ، سطرهائی ازصفحهٔ دوم محو شده ، ١٣٢ بیت از آخر کتاب افتاده و آخرین بیت نسخه که جمله ای از اول مصرع دوم آن نیز محو گردیده اینست :

ستایند در پیشگه بنده وار ...... ی خداوند گار

جلد تیماجی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (١٣١) . صفحه ای (١٥) سطر . طول (٢٢ سانتیمتر) . عرض (١٥ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٩٤) .

(١١٥٤)

خمسه هاتفی
(تمر نامه)

این نسخه را بسال ٩٨٠ زین العباد شریف بخط نستعلیق نوشته، بسال ١٠٣٥ ادریس ابن حاج سلیمان مشهور به ابن البهلوان آنرا خریده ودرآخرنسخه خود یادداشت کرده ، دو برگ از ابتداء نسخه که شامل ٥٠ بیت بوده افتاده و نخستین بیت موجود اینست :

مغنی بیاران نو آئین نوا دل درد مند مراده نوا .

وعناوین باسرخی نوشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شمارهٔ اوراق (۹۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۱سانتیمتر) . عرض (۱۳سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۵۰۱) .

[۵۰۸] دیوان ابن التعاویذی (عربی)

ابن التعاویذی(۱) (ابوالفتح محمدبن عبیدالله (۲)بن عبدالله ۵۱۹ ـ ۵۸۳/۵۸۴)(۳) از نویسندگان وشعرای قرن ششم هجری بوده ومعاصر وی عماد کاتب اصفهانی در جلد اول خریدةالقصر زیرعنوان : مناقب برخی ازمعاصرین . اورا باتجلیلی زیاد نام برده و اشعاری که بسال ۵۶۱ ازوشنیده دراین کتاب آورده و نیز کاغذیکه باکمال بلاغت و فصاحت از بغداد بشام فرستاده و ازو پوستین خواسته (٤) دراینجا است .

در دیوان مقاطعات بغداد نویسنده بوده ، ابن خلکان مینویسد احدیکه من میدانم تادویست سال پیش ازوی کسیکه مانند وی فصیح وبلیغ باشد وجودنداشته ، وبسال ۵۷۹ که شصت سال از عمر وی گذشته بود ازهردو چشم نابینا شده و در رثاء چشم خویش وتأسف از رفتن جوانی اشعاری فصیح دارد .

پیش از این مصیبت بجمع دیوان خود مبادرت کرده و آنرا بچهار فصل بدین تفصیل که زیر این سطرها نگارش مییابد منقسم نموده و دیباچه ای ظریف وزیبا بنثر بر آن نگاشته و آنچه پس از این ترتیب ازسنخ هریك از فصول انشاء نموده بنام زیادات بر آن اضافه کرده وازاین رو دربار‌ه ای ازنسخ دیوان اینگونه اشعار نیست وفصول چهارگانه این دیوان اینست : **فصل اول** درمدح خلفاء عباسی است

(۱) بمعنی دعاوطلسم وبمعنی است ، گویاجد ابن‌شاعردارای این پیشه بوده وازاین جهت بدان‌مشهور شده و این شاعر بدان نسبت داده شده است .

(۲) در نسخه خطی خریدةالقصر این کتابخانه و شذرات الذهب نام این شاعر عبدالله ولی در وفیات‌الاعیان و معجم‌المطبوعات عبیدالله ثبت گردیده است .

(۳) خریدةالقصر (نسخه خطی‌این کتابخانه) ورق ۱٤۸ـ۱۵۲ ، وفیات‌الاعیان ج ۲ ص ۱۹ـ۲۲ معجم‌المطبوعات ص ۵۱ مراجعه شود .

(٤) در وفیات‌الاعیان ، این کاغذ از خریدةالقصر نقل گردیده است .

وابتداء بقصیده ای نموده که درمدح الناصرلدین‌الله عباسی درسال ٥٧٥ درهنگام خلافت وی انشاء گردیده. **فصل دوم** درمدائح وزراء وبزرگان واماثل واقران ودیگر از معاصرین. **فصل سوم** درمدائح بنی‌المظفر میباشد که شاعر خود وجدّ مادریش **ابو محمد بن التعاویذی** (بنابرتصریح خود وی) در تحت تربیت این خاندان بوده و از نوال احسان آنها روزگار میگذرانیده وبمدح وثنای ایشان مشغول بوده اند. **فصل چهارم** دراقسام شعر ازقبیل مرثیه وغزل وهجا و نصایح وقصاید ومقطعات وغیراز اینهاست.

این دیوان بسال ١٩٠٣ در بیروت تحت نظر مرکلیوث مستشرق چاپ شده ولی ترتیب آن موافق تقسیمیکه شاعر خود نموده نیست و تمام اشعار را موافق حروف قوافی آنها ازالف تایاء مرتب نموده است.

آغاز: خطبه بسمله قال ابوالفتح .... **اما بعد** حمدالله علی نعمائه‌السابغه الخ.

آغاز دیوان موافق نسخهٔ اصل:

طاف یسعی بها علی الجلاس   کقضیب الاراکة المیاس(١) الخ.

(١١٥٥)

دیوان ابن‌التعاویذی

این نسخه ظاهراً دراواخر قرن هفتم نگاشته یافته، اوراقی از اول وآخر آن افتاده. ٦٠ برگ آخر آن نونویس و ظاهراً ازخطوط اوائل قرن سیزدهم هجری ونویسندهٔ آن سیّد عمران بن سیّد عزیز میباشد، این نویسنده درتمام بودن دیوان تردید کرده، اشعار این قسمت اخیرموافق تقسیم مذکور بالا ازفصل چهارم میباشد ولی شاید تمام آن فصل را شامل نباشد و گذشته ازاین احتمال دارد ازمیان فصول پیشین هم اوراقی افتاده باشد واین نسخه موافق همان ترتیبی‌است که ناظم خود دیوان را بدانگونه ترتیب داده وشامل اشعاریکه پس‌ازکوری انشاء نموده نیز میباشد واین نسخه بنام «دیوان ابن‌التعاویذی وقصائد بعضی ازشعراء عرب وتذکرة‌الشعرا» داخل کتابخانه گردیده

(١) این آغاز قصیده ایست که در ابتداء خلافت‌الناصرلدین الله درآخرسال ٥٧٥ انشا نموده است.

و بر کنار نخستین برگ یادداشت گردیده ولی مسلماً شامل غیر از دیوان نام برده نیست .

ازمقدّمهٔ نثری شاعربخشی (ظاهراً یك صفحه) افتاده ونخستین سطر آن اینست : الاسن المتناسیه وعطفت علیها القلوب القاسیه وشملنی من برها المتواتر الخ .
و قسمتی از اشعار اصل نسخه در اثر پوسیدگی اوراق از میان رفته و وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ختائی و فرنگی . واقف سپهسالار . وضع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۴۳) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۲۷۱۹) .

| ۵۰۹ | دیوان ابن خفاجه (عربی)

ابن خفاجه (ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن عبدالله بن خفاجه . ۴۵۰-۵۳۳) (۱) از شعرای اندلس میباشد ، فتح بن خاقان گوید : در عید فطر سال ۵۱۰ اورا در شاطبه دیده‌ام واز آثار او نقلهائی نموده ، دیوانی بسیار نیکو دارد ، درجزیره شقر که ازتوابع بلنسیه است متولّد شده واز پادشاهان معاصر خویش که از دریای بی پایان آنها ادبا بهره‌مند میشدند هرگز چیزی نخواسته است وابن خلکان گوید : شقر بضم شین وسکون قاف وراء مهمله شهر کوچکی است میان شاطبه وبلنسیه وآنرا بدین سبب جزیره گویند که اطراف آنرا آب فرا گرفته و بلنسیه بفتح باء موحده وفتح لام وسکون نون وکسر سین مهمله وفتح یاء مثناة است والاندلسی بفتح همزه وسکون نون وفتح دال وضم لام وسین مهمله واین (اندلس) جزیره ایست که متصل است به برالطویل ومرّ طویل ... قسطنطنیه ... است واورا جزیره گویند چرا که دریا از اطراف بر آن احاطه دارد ... شمال ومثلث شکل است ورکن شرقی آن متصل بکوهی است که راه فرنگ از آنجاست وهرگاه نبود دو دریا بیکدیگر متصل میشدند . وگویند نخستین کسی که اینجا را آباد کرده اندلس بن نوح علیه السلام بوده است (تمام شد بیانات ابن خلکان) .

---

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۴ ، قلائد العقیان ص ۲۳۰-۲۴۱ ، معجم البلدان ج ۱ ص ۳۷۵-۳۸۸ و معجم المطبوعات ص ۹۵ مراجعه شده است .

(اندلس جزء کشور اسپانیا میباشد و کوه نام برده « پیرنه » است که میان فرانسه واسپانیا میباشد) .

ابن خفاجه در مقدّمهٔ ادیبانه ایکه خود براین دیوان نوشته گوید : در آغاز جوانی عشقی بخواندن دیوان سیّد رضی موسوی و مهیار دیلمی و عبدالمحسن صوری داشتم و از مطالعهٔ آنها رقّتی که مناسب روزگار جوانی بود نصیب گردید ، در اقتدای ایشان بنظم اشعار مشغول شدم ، چون روزگار جوانی سپری شد و صبح پیری دمید از این کار دست کشیده و روزگار درازی بگفتن شعر مبادرت ننمودم ، در این روزگار که عمرم نزدیك بتمامی بود امیر اجل ابواسحق زمامدار جزیرهٔ اندلس گردید و مقرر شد برای تهنیت امارت شرفیاب حضورش گردم ، الطاف و مراحم و عطایا و احسان پیاپی امیر مذکور طبع خمول و افسرده امرا بانشاء نظم و نثر وادار نمود ،

دوستان گردآوری آثارم را خواستار شدند با آنکه پیری مانع بزرگی بود وبسیاری از گفته های پیشینم نوسید و برخی فقط جز در سینهای اشخاص یافت نمیشد ، چون آنهارا بررسی کردم پاره ای را شایستهٔ محو و برخی را باندك اصلاح و تصرفی لایق اثبات یافتم ، برای آنکه مطالعه کننده از یك نواخت بودن آن خسته نشود قسمتهای نثری را که آثارم همراه داشت دراینجا نیز گذاردم الخ » .

دراین دیوان چند تاریخ یافت میشود که نزدیکترین آنها بماه سنهٔ ٥١٤ را که شاعر در آن هنگام ٦٤ سال داشته معیّن نموده و گذشته از مکاتیب و عناوین مطالب و مقدّمات آنها شامل قصائد و غزلیّات و مراثی و غیره میباشد و ترتیب صحیحی ندارد ، در مقدّمه وعده داده اگر عمر بپایان نرسد خود وی این دیوان را بترتیب قوافی مرتب نماید ولی معلوم نیست که موفق شده یانه .

این دیوان بسال ١٢٨٦ در چاپخانه جمعیةالمعارف در مصر چاپ شده و در حدود (٣٧٠٠) بیت از نظم و نثر است .

آغاز : بسمله قال الوزیر (١) ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن خفاجه . . . . .

---

(١) در اول و آخر این نسخه ویرا بعنوان وزیر نام برده ولی درمآخذ نام برده این مقام برای وی مذکور داده نشده است .

دیوان وی بهترین گواه برمراتب فضل وادب وسیروسلوك او میباشد ، تائیّه وی بسیار مشهور میباشد وشروح زیاد بر آن نوشته شده ، این قصیده موجب شد که جمعی ظاهر بینان درعقائد وی شبهه ناك شوند وبعضی بی باکانه او را تکفیر وتفسیق کردند ولی گروهی دراین قصیده بادقت وامعان نظر نگاه کردند وبیشتر بوی گرویدند وبرخی هم میانه را گرفته ودرنفی واثبات وی چیزی نگاشتند وچنانکه ازاشعاراو استفاده میشود امامی مذهب بوده و قاضی در مجالس اورا بدین وصف معرّفی کرده است .

سبط ایشان که علی نام داشته مقدمه‌ای بردیوان ابن فارض بنام «عنوان الدیوان» نوشته ودرآن بشرح حال ومقامات جدّ خویش پرداخته وچند مکاشفهٔ اورا نقل نموده وازتاریخیکه دراین مقدّمه بمناسبت یاد شده معلوم میشود که انشاء آن مقدّمه پس ازسال ۷۱۰ بوده و در اینجاست که نسخه بردازندگان ازدیوان تصحیف وتحریفهای زیاد کرده اند ومن این دیوان را ازروی نسخه ایکه بخط ابن فارض پیش خودم بود ونزد پدرم شیخ کمال الدین محمد آنرا یاد گرفته وباکمال دقت در تصحیح ویاد گرفتن مطالب آن کوشش نمودم وایشان از پدرش این دیوان را (مگر یك قصیده که در مکّه انشاء فرموده) شنیده وبروی خوانده بود واین دیوان را خود وی (ابن فارض) پس از ایام تجرید خویش درمصر مرتّب کرده است .

شیخ بهائی ره درجلد سوم کشکول تائیه ای بنام تائیه صغری ازابن فارض نقل نموده است .

براین دیوان شروح چندی نوشته شده و بعضی ازآنها چاپ شده و دراین کتابخانه شرحی است که معرّفی از آن خواهد شد و خود این دیوان مکرّر در مصر وبیروت واروپا باترجمهٔ لاتینی وآلمانی چاپ گردیده است .

آغاز مقدمه (عنوان الدیوان) : بسمله الحمدلله الّذی اختص حبیبه الاسنی بمقام قاب قوسین اوادنی الخ .

آغاز دیوان : سائق الاظعان یطوی البید طی   منعما عرّج علی کثبان طی .

(۱۱۵۷)

دیوان ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۵۹ مخلوق بن عبدالله بن سلام نوشته ، پس از اتمام نیز همین نویسنده دو قصیده که نیز بوی نسبت داده شده نگاشته و پشت صفحهٔ نخستین مهر معتمدالدوله که مسلماً از فرهاد میرزا نیست زده شده و مقدمه ای را که بعضی وی نگاشته شامل میباشد .

جلد تیماجی ، کاغذ کشمیری ، واقف سپهسالار ، قطع ربعی ، شمارهٔ برگها (۱۱۹) ، صفحه‌ای (۱۳) سطر ، طول (۱۹ سانتیمتر) ، عرض (۱۲ ½ سانتیمتر) ، شمارهٔ کتابخانه (۳۱۲) .

(۱۱۵۸)

دیوان ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ [illegible] نوشته ، چهارده بیت در آخر از نسخهٔ بالا بیشتر دارد و مقدمهٔ نام برده را نیز داراست ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی میباشد ونیز پشت آخرین صفحه یادداشتی شیرین مبنی بر [illegible] بسیار کمی است .

جلد میشن نیم ضربی ، کاغذ سمرقندی ، واقف سپهسالار ، قطع [illegible] ، شمارهٔ اوراق (۱۰۵) صفحه‌ای (۱۳) سطر ، طول (۲۰ ½ سانتیمتر) ، عرض (۱۴ ½ سانتیمتر) ، شمارهٔ کتابخانه (۳۱۰).

| ۵۱۱ | دیوان ابو تمام طائی (عربی)

ابو تمام طائی (۱) (حبیب بن اوس بن الحارث الطائی ۱۹۰ (۲) ـ ۲۳۱ (۳)) از مشاهیر شعرای عرب میباشد از قبیلهٔ طی ابو تمام در شعر و حاتم طائی در سخاوت و داود بن نصیر طائی در زهد شهرهٔ آفاق میباشند و قاضی نور الله در مجالس المؤمنین از [illegible] کتاب الحیوان جاحظ تتبع و بر اقل نموده و گوید قصیده‌ای در مدح [illegible] السلام از حضرت علی بن ابی طالب ع تا حضرت ابو جعفر محمد بن علی بن موسی الرضا علیهم السّلام

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۲۱ ـ ۱۲۳ ، شذرات الذهب ج ۲ ص ۷۲ ـ ۷۴ ، مجالس المؤمنین ص ۴۷۸ ـ ۴۷۹ ، کشف الظنون ج ۱ ص ۵۰۱ و معجم المطبوعات ص ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، در هنگام نوشتن این شرح مراجعه گردیده است .

(۲) ابن خلکان تولد وی را نیز از سال مذکور بسال ۱۸۸ و ۱۷۲ ، ۱۹۲ نیز نقل نموده است .

(۳) ابن خلکان وفات وی را نیز از سال مذکور بسال ۲۲۸ ، ۲۲۹ و ۲۳۲ نیز نقل نموده است .

که امام زمان وی بوده انشاء نموده ، در شذرات الذهب شرح مفصّلی درشرح حال ومعرّفی مقامات علمی وادبی ابوتمام ومقایسهٔ او بامتنبّی وبحتری بنقل از **المثل السائر** و بیانات ابن الاهدل نگارش یافته ، برای شناختن این شاعر مطالعه آن بسیارسودمند وابن خلّکان در بارهٔ وی پیش از صاحب شذرات شرحی مفصّل نگاشته ، گویند که چهارده هزار ارجوزه غیراز قصائد وقطعات در حافظه خویش جا داده و در آغاز جوانی دریکی ازمساجد شام سقائی مینموده و پدرش نصرانی بوده است .

ازابوتمام چهار کتاب بیادگار مانده که هریك شامل نفایسی میباشد : ۱ ـ دیوان حماسه (درهمین فصل زیریکی ازشروح آن (شرح ابن فارس) **معرّفی خواهد شد**) ، ۲ ـ فحول الشعر (دراین کتاب جمعی ازشعراء جاهلیّین ومخضرمین(۱) واسلامیّین را ذکر نموده) ، ۳ ـ الاختیارات من شعرالشعراء و ٤ ـ دیوان اشعارخود وی .

ابوتمام دیوان خود را جمع نکرده و پس از وی دو نفر بدین کار مبادرت کرده اند : ۱ ـ ابوبکرصولی (ابوبکرمحمدبن یحیی بن عبدالله معروف بشطرنجی مؤلف « ادب الکتّاب » متوفی بسال ۳۳۵ یا۳۳٦(۲) .

۲ ـ علی بن حمزه اصفهانی(۳) است و اوّلی آنرا درهشت باب (٤) بتفصیل زیرین بترتیب حروف تهجی موافق قوانی اشعار مرتب نموده :

---

(۱) مخضرمین شعرائی را گویند که درك زمان جاهلیت و اسلام را کرده اند .

(۲) این تاریخ از ص ۱۲۱۸ معجم المطبوعات نقل گردیده است .

(۳) در کتب سیر و رجال بشرح حال و زمان این دانشمند دست نیافتم فقط در ص ٤۸۰ روضات در ذیل ابونعیم بصری (علی بن حمزه) گوید: واین شخص غیر از علی بن حمزه بن عمارة بن حمزه اصفهانی است که صفدی او را نام برده وگوید از ادباء مشهور و مؤلف « کتاب الشعر و فقرالبلغاء و قلائد الشرف » میباشد. ودر کشف الظنون این سه کتاب نام برده نشده است .

(٤) در وفیات الاعیان وکشف الظنون مذکور است که ابوبکر صولی این دیوان را مرتب بترتیب حروف نموده و علی بن حمزهٔ اصفهانی آنرا بحروف مرتب نکرده ولی به انواع تقسیم کرده ولی در ابتداء ابواب نسخهٔ این کتابخانه که مرتب به انواع هشتگانه موافق تقسیم بالا میباشد تصریح گردیده که ابوبکرصولی مرتب این دیوان بدین ابواب میباشد بنابراین وجه جمع میان دواینست که گوئیم ابوبکر صولی آنرا مرتب بابواب مرتبهٔ بحروف چنانکه نسخه این کتابخانه است نموده ولی علی بن حمزه مرتب بانواع و ابواب کرده و ترتیب قوافی را موافق ترتیب حروف تهجی منظورنداشته و اختلاف تنظیم مطالب ابواب در نسخهٔ چاپی با آنچه پشت صفحه نخستین آن تذکر داده شده و نسخهٔ این کتابخانه ، مؤید مرتب بودن هر دو به انواع است .

۱ ـ مدیح . ۲ ـ هجا . ۳ ـ مراثی . ٤ ـ غزل . ٥ ـ معاتبات . ٦ ـ اوصاف .
۷ ـ افتخارات . ۸ ـ زهد . (این ترتیب موافق نسخهٔ زیرین است) .

این دیوان‌را شروحی چند میباشد که در کشف‌الظنون زیر نام این دیوان‌نام برده شده‌اندو ابوالعلاءمعرّی‌از آن‌انتخابی‌نموده و آنرا «ذکری حبیب» نام‌نهاده واصل دیوان‌مکرّر در بیروت‌ومصر چاپ گردیده‌و باب‌اول آن‌تقریباً‌دو ثلث تمام‌دیوان‌است.

آغاز: بسمله (۱) یاموضع‌الشدنیّةالوجناء ومصارع‌الادلاج والاسراء

(۱۱٥۹)

دیوان ابو تمام طائی

این نسخه را بخط نسخ اسمعیل بن حسن [illegible] بسال ۱۲۷۱ نوشته ، وعناوین باشنجرف میباشد ، در ابتدا هر قسمتی از اقسام ابواب ، ابوبکر صولی نگاشته که این قصیده یاقطعه در چه موضع وموضوع انشاء گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع [illegible] . شمارهٔ اوراق (۲۹٥) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٥ سانتیمتر) . شمارهٔ [illegible] (۲٤۳) .

|٥۱۲| دیوان ادیب صابر (فارسی)

ادیب‌صابر (۲) ، شهاب‌الدین (۳) احمد بن اسمعیل [illegible] متوفی بسال ٥٤٦ یا ٥٤۷ (٤) میباشد که ازمشاهیر شعرای فارسی زبان بوده و از [illegible] وی فضائل و کمالات او ظاهر وهویداست ، به دیوانهای شعرای عرب [illegible] در [illegible] اشاره وتصریح کرده واز آنها استفاده نموده ، معاصر رشیدوطواط و [illegible] معزی ،

(۱) پس‌ازسروح [illegible] از [illegible] طالبین یزیدالشیبانی و هذا [illegible] ابوبکر الصولی [illegible] .
(۲) اگرچه تخلص [illegible] صابر [illegible] در [illegible] معرفی گردیده وشرح حال ایشان درلباب‌الالباب (ج ۲ ص ۱۱۷ ـ ۱۲٥) [illegible] ص ۲۳۰ ، تذکره دولتشاه (حاشیه) ص ۹۲ ـ ۹۳ ، [illegible] ص ٤۹٦ ـ ٥۰۰ ، مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۱٤ ـ ۳۲٥ ، طرائق‌الحقائق ج ۲ ص ۳٦٥ و [illegible] سخنوران ج ۱ ص ۲٥۰ ـ ۲٦۰ [illegible] شده‌است .
(۳) لقب مشهور ادیب **شهاب‌الدین** میباشد ولی [illegible] ویکی از نسخ انتخابیه مجلس که [illegible] از [illegible] غزالی [illegible] شده و در اینجا لقب وی جلال‌الدین ضبط گردیده و [illegible] .
(٤) درتذکره دولتشاه ومجمع‌الفصحاء وسخنوران وفات ادیب بسال ٥٤٦ و در [illegible] بسال ٥٤۷ ثبت گردیده است .

نظامی عروضی ، مسعود سعد سلمان و معاصرین اینها بوده و مربّی وی ابوالقاسم مجدالدّین علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی بوده که اورا **رئیس خراسان** مینوشته اند و ادیب بدین نام و کنیه ولقب از وی نام برده :

حمایت و کنف دین مجد مجدالدّین ز شرم عادت او دین مجد را مأمن

جلال آل پیمبر علی بن جعفر که ذات کامل او چون علی است در هرفن

....

ابو القاسم علی تاج المعالی که چرخ فضل و خورشید و تبار است

و در غزلی است

از مجلس رئیس خراسان کند همی ابر سخن حدیث و حکایت به بحر و بر

نزد سلطان سنجر (۵۱۱ - ۵۵۲) تقرب و احترام داشته ، گویند صابر را بنام رسالت پیش اتسز خوارزمشاه (۵۲۱ - ۵۵۱) فرستاد ، اتسز او را در خوارزم نگاه داشت ، چون ادیب صابر مستحضر گردید که برای کشتن سنجر دو نفر را اتسز بمرو فرستاد ، سنجر را آگاهی داد ، بدین واسطه از کشتن رهائی یافت و آن دو نفر را کشت ، اتسز چون بدین کار ادیب آگاهی یافت فرمان داد تااورا درشب بجیحون انداخته و غرق کردند .

تخلص ادیب چون نامش صابر میباشد (وگرچه در حوادث صبر بهتر ٭ نیم بی تو چو نام خویش صابر) ولی عموما در قصائد و غزلیات تخلص خود را نیاورده و بیشتر از اشعار وی در مدح ابوالقاسم موسوی و محمدبن طاهرالحسینی (اجل محمدبن طاهرالحسینی کوست بحسن و حمد و جلالت زمانه را منهاج) بوده وبحدی دراظهار انتسابات این دو بزرگ بحضرت حیدر کرّار (۱) علیه السلام

---

(۱) در مسند سیادت و در محفل هنر کوئی درست حیدر کرار دیگری

خیبرهای کفر و کرفتن دشمنان خواری زعزّ تو جو جهودان خیبری

....

خداوندی که اندر علم و در حلم ز حیدر از پیمبر یادگار است

ونیز این ابیات دالّ بر تتبع ادیب است :

مهدی بود که دفع کند ظلم را بعدل مهدی توئی بدین صفت اندر دیار خویش

ودر یکی ازترکیب بندهاست :

هم مصطفی نسب بود و مرتضی حسب جز مرتضی حسب نبود مصطفی نسب

ونیز درترکیب بند دیگری است : ای رفعت و علو علی مرتضی تورا علم و وفا و فضل علی الرّضا تورا .

بی اختیار بوده که بدین سبب توان جزم داشت که امامی مذهب بوده و در این بیت هم تصریح به تشیع خویش نموده :

زروزگار بدردم زدوستان محروم چو مرتضی بامامت چو فاطمه زفدك (۱)

از آنکه معتقد مرتضی و فاطمه ام کزین حصول درج باشدم خلاص درك

چندین مدیحه دربارهٔ اتسز خوارزمشاه دارد و سلطان سنجر را هم مدح گفته و قصیده ای غرّا در ستایش وی سروده و از اینکه سنجر خود را برادر مرشد و مقتدای ادیب (ابوالقاسم علی بن جعفر) خوانده او را تحسین و تمجید کرده است .

در مقدّمهٔ نسخهٔ زیرین تذکر داده که ادیب صابر را دیوان بزرگی است و این قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات افتاد (ظاهرا کلمهٔ بدست از قلم نویسنده افتاده است) و برحسب شمارهٔ نگارنده نسخهٔ این کتابخانه در حدود (۵۲۰۰) بیت شعر میباشد در لباب الالباب (۹٤) و در هفت اقلیم (٥٦) و در مجمع الفصحاء (۷۰۰) و در سخن و سخنوران (۱۷۲) بیت (بعضی ابیات هم در دو کتاب تکرار شده) از این ادیب انتخاب و چاپ گردیده است .

قصائد ادیب صابر موافق قوافی مرتب بحروف تهجی میباشد ولی غزلیات و قطعات و رباعیات وی مرتب نیست و نسخه ایکه از این دیوان سردار معظم خراسانی (خصوصیات آن در فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی خواهد بود) تهیه نموده شامل ٥٣٣٤ بیت و تمام مباحث آن مرتب بحروف تهجی موافق قوافی است و نسخهٔ دیگر آن کتابخانه که ٥٢ سال پیش تر از آن نوشته شده شامل ٤٩١٤ بیت میباشد .

آغاز : (۲) نوبهار بدیع بی همتا همتی بذل کرد در صحرا

(۱) در ص ۱۲۳ ج ۲ لباب کلمه امامت در این بیت خلافت میباشد ولی در سخنوران امامت است .
(۲) بسمله ملك الشعرا جلال الدین ادیب صابر شاعری است مشهور از افاضل عهد مرشد و در تاریخ غزالی خواندم که چون الخ .

(۱۱۶۰)

دیوان ادیب صابر

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۶۰(۱) نوشته شده ، پیش از شروع بنوشتن دیوان ، شرح حال مختصری از ادیب که آغاز آن در حاشیه صفحهٔ پیشین نقل گردید ، (در ۱٤ بیت) نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۸۷) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۸) .

[۵۱۳] دیوان ازرقی (فارسی)

ابوبکر بن اسمعیل ورّاق هروی متخلص به **ازرقی**(۲) یکی از شعرای مشهور ایران میباشد ، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده لقب او را افضل الدین و هدایت در مجمع الفصحاء زین الدین ثبت کرده اند وعوفی وامین احمد رازی او را بدین عنوان : الاجل الحکیم شرف الزمان ابوالمحاسن الازرقی الهروی معرّفی نموده و او را از خصوصان طغان شاه خوانده و زمان اورا برمعزّی سابق دانسته وگویند : « دیوان او خود بتمامت غریب وعجیب است وتشبیهات ونوادر او دل فریب »

گذشته از دیوان دو کتاب منظوم دیگر به ازرقی نسبت داده شده یکی الفیه و شلفیه (۳) و دیگری سند باد میباشد(٤) و خود بدین مؤلفه خویش در این بیت
(هر که بیند شهریارا پند های سند باد نیك داند کاندراودشوار باشد شاعری)

---

(۱) تاریخ نگارش این نسخه مسلّماً در این سال میباشد ونویسنده بعبارت عربی غلط نوشته وسال دیگر از آن استفاده میشود .

(۲) ازاین شاعر درص۸٦-۱۰٤ ج۲ لباب الباب و۳۱۸ و۳۱۹(حواشی)آن وص۴۳ و٤٤ چهار مقاله و۱۷۱-۱۷۸ (حواشی آن) وتاریخ گزیده ص ۸۱٤ (عکسی) وص۱۳۹ ج ۱ مجمع الفصحا وص۵۳٦-۵٤۲ هفت اقلیم معرفی گردید ودرنگارش این شرح بدانها مراجعه شده است .

(۳) الفیه و شلفیه و سندباد گویند دو کتاب از کتابهای باستانی میباشند درص ۸۱۱و۸٤٤ تاریخ گزیده (چاپ عکسی) نیز ازسندباد وترجمه ترکی آن یاد شده وآقای قزوینی درمعرفی از آنها وترجمه های نثری ونظمی که ازاین دوکردیده درص ۳۱۸ و۳۱۹ جلد اول لباب الالباب (قسمت حواشی) و در ص ۱۷۱-۱۷٤ چهار مقاله نظامی عروضی (در تعلیقات) شرح مفصل ومفیدی نگاشته اند .

اشاره نموده است وفات ازرقی در مجمع الفصحا بسال ۵۲٦ و در فهرست کتابخانهٔ مجلس (ج ۱ خطی) سال ۵۲٦ یا ۵۲۷ ضبط گردیده ولی علامهٔ نحریر آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله وفات ازرقی را پیش ازسال ٤٦۵ که سال جلوس ملکشاه است دانسته اند ودراینجا نیز تذکرداده اند که طغانشاه ابن ارسلان ازطرف الب ارسلان حاکم هرات بوده ولی کاملاً مجهول است وبعضی که ممدوح ویرا طغانشاه ابن مؤید دانسته وبهمین جهت بیت اوراکه شامل مدح آن پادشاه بوده بنام این پادشاه کرده اند راه غلط پیموده اند واین پادشاه اخیرازسال ۵٦۹ تا ۵۸۱ سلطنت داشته وپدرازرقی **اسمعیل وراق** است که فردوسی را درهنگام فرار از سلطان محمود شش ماه جای داده وبرحسب عادت مشکل است پسر او تا زمان این طغانشاه زندگانی کرده باشد.

دیوان ازرقی که شامل قصائد ورباعیات میباشد ، موافق نسخه اینکه در کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود (۲٤۰٦) بیت شعر (قصائد و ۳۱ قطعه شامل ۱۵۲ بیت و ۷۷ رباعی) میباشد ، ۷٦۲ بیت از آن در مجمع الفصحا و ۲٤ بیت در لباب الالباب چاپ گردیده ولی تمام آن تاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز : بسمله ، چه جرمست این که هر ساعت زموج نیلگون دریا
زمین را سایبان بندد به پیش گنبد خضرا الخ .

(۱۱٦۱)

دیوان ازرقی هروی

این نسخه فقط شامل قصائد ازرقی میباشد و در ۱۷۹ بیت میباشد ، بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲٦۱ نوشته شده و در حاشیه صفحات معانی برخی ازواژه های مشکل انرا یادداشت گردیده است .

جلد مقوائی ، کاغذ فرنگی ، واقف سپهسالار ، قطع وزیری ، [illegible] (۵۵) . صفحه‌ای (۱۷) سطر ، طول (۲٤ سانتیمتر) ، عرض (۱۵ سانتیمتر) ، [illegible] (۳۷٦).

|۵۱٤| دیوان اسیری (فارسی)

شیخ شمس الدین محمد بن یحیی (۱) بن علی لاهیجی متوفی بسال ۹۱۲ (۲) که یکی ازخلفای سید محمد نوربخش (۷۹۵-۸٦۹) (۳) مؤسس سلسله نوربخشیه است که

(۱) در سنه ۹۵۹ هفت اقلیم درذیل لاهیجان زیر عنوان ماشی [illegible] [illegible] مفتی عبدالله
[illegible]

شرح گلشن راز و مثنوی اسرارالشهود وی (درهمین فصل ازاین دو کتاب معرّفی میشود) حاکی ازمراتب فضل و کمال علم و ادب و عرفان ایشان میباشد، پس‌از مراد خویش در شیراز رحل اقامت انداخته و بدستگیری مشغول و خانقاهی بنام نوریه ساخت ودرهمانجا بخاك سپرده شد.

گذشته ازادله ای که قاضی نورالله برتشیع وی نقل کرده در دیوان وی‌ابیات زیادی میباشد و از آنها این بیت: (مرتضی آن منبع صدق وصفا☆آن وصیّ و جانشین مصطفی) صریح درتشیع اوست.

دیوان لاهیجی (اسیری) شامل‌غزلیات ورباعیاتیست که بترتیب قوافی مرتب بحروف تهجی بوده وغزلیات نسخه این کتابخانه اوراق آن جابجا گردیده چندورقی هم از آن افتاده وتمام دیوان موافق نسخه ایکه دریکی ازمجموعات کتابخانهٔ مجلس موجود است درحدود(۴۳۹۰)بیت میباشد و نسخهٔ این کتابخانه درحدود(۳۰۰۰) بیت است وقاضی نورالله گفته‌اند که «دیوان او مشهور وشطری از اشعار ایشان درشرح گلشن راز موجود است».

درآخر نسخهٔ (دیوان) این کتابخانه دو رسالهٔ کوچك کـه یکی در شرح این رباعی: از پنجهٔ پنج ششدرشش بـدرآی وز کش مکش سپهر سرکش بدرآی
خواهی که چشی ذوق خوشیهای عدم ازناخوشی وجودخوش‌خوش‌بدرآی.

وآغازآن اینست: بسمله... حمدوسپاس و ثنای بیقیاس حضرت واجب‌الوجودی راکه اعیان ممکنات الخ (در۷۷ بیت)

ودیگری که ناقص‌است وازآن۸۹ بیت مانده درشرح این بیت است:
زدریای شهادت‌چون‌نهنگ‌لا برآردهو تیمم‌فرض گردد نوح‌را دروقت طوفانش
(نسخهٔ کامل‌این رساله درکتابخانهٔ مجلس موجود است)

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۵۸)
یقینی (بیش ازاین یقینی را نام برده و گوید از جانب پدر بسلسله نوربخشیه می‌پیوسته) است و گذشته ازشاعری بزی اهل‌تصوف درآمد وریاضات‌زیاد کشید. وظاهرااین‌قاضی بدراسیری‌است

۲) شرح حال این‌مرد را درص۳۱۶و۳۱۹ مجالس‌المؤمنین ودرص ۱۴۳ ج۲ طرائق وص۴۰ ریاض‌العارفین (چاپ اول) ومختصری درص دانشمندان آذربایجان نگاه کنید.

۳) ازص ۳۰ ج۳ طرائق وص۳۱۲ و۳۱۵ مجالس‌المؤمنین که شامل شرح حال‌آنجناب‌میباشد این تاریخ نقل کردیده.

و آغاز آن اینست بسمله . . . . . حمد و سپاس بیحد بر حضرت احد صمد و درود و ثنای بی عدد بر پیغمبر ما محمد ص متواتر و متوالیاً الی الابد الخ . و در مجموعهٔ کتابخانهٔ مجلس رساله ای (درحدود ۱۲۰ بیت) درشرح دوبیت ازمولوی: چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد الخ بفارسی موجود و آغاز آن اینست: بسمله الحمدلله الذی کان احادیته الخ .

گذشته از طرز عبارت این رساله و تصریح بر ارادت به سید محمد نوربخش در آن، که دلیل بر نسبت به اسیریست ، بر نسخهٔ مجلس صریحاً این دو رساله به اسیری نسبت داده شده است .

(۱۱۶۲)

دیوان اسیری این نسخه بخط نستعلیق (در اوائل قرن یازدهم هجری نوشته شده (در آخر مثنوی اسرار الشهود تاریخ اتمام سال ۱۱۸۲ یادداشت گردیده ولی این تاریخ اصل کتاب نیست بلکه هنگام تکمیل نقص و افتاد های آن کتاب میباشد و طرز کاغذ و نگارش مؤید است) ، مثنوی اسیری که آنرا « اسرارالشهود » نامیده و درهمین فصل از آن نام خواهیم برد بیش از غزلیات گذارده شده و دو رساله که درمعنی یك رباعی و یك بیت میباشد و مختصر معرّفی از آن گردید پس از رباعیات اسیری است ، اوراق غزلیات جابجاشده و برخی از آنها افتاده و دو مکتوب دوستانه درحاشیه چند صفحهٔ آن نگارش یافته و رسالهٔ دوم ناقص و آخرین سطر آن اینست: عرم مراد قات حضرت الهی خواهد بود بیت:

ز من جان پدر این پند بپذیر   برو دامان صاحب دولتی گیر
که قطره تا صدف را در نیابد   نگردد گوهر روشن نتابد .

آغاز نسخه : ای اسیری چون گرفتاری شدی   دائما خون دل از دیده ببار
انجام نسخه: ما مست شراب وصل یاریم   از هردو جهان خبر نداریم .

پشت صفحه نخستین رسالهٔ اولی گلی بامضاء ترسیم شده و ظاهرا اثر فضلعلی قاجار است که در آخر اسرار الشهود نیز گلی بسال ۱۲۲۳ ترسیم کرده و در آنجا رقم کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق نسخه (۱۸۹) دیوان (۹۱) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۱/۲ ۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۴۶) .

[۵۱۵] دیوان اظهری (فارسی)

اظهری یکی ازشعرای بسیارعالیجناب عصرصفوی میباشد ، در کتب تذکره وسائر مآخذ که در دست نگارنده میباشد نام واثری از وی نیافته ام ، در آخر این دیوان خود تصریح نموده که نامش بوداق بوده (دریکی ازابیات دیوان نیز تصریح باین نام کرده) و تولدش را بسال ۹۹۱ اشاره نموده قصائد، وغزلیات و مقطعات ومثنوی ورباعیات وی هریك دارای روحی لطیف و عباراتی دلنشین میباشد و در ابتداء دیوان بسال ۱۰۳۰ دیباچه ای بنثر ، چون آب زلال انشا نموده و در آغاز غزلیات نیز دیباچهٔ دیگری دارد وازمندرجات درمتن وحواشی نسخهٔ زیرین که نخستین نسخهٔ دیوان این شاعر میباشد بدست می آید که تا سال ۱۰۶۱ زنده بوده و پس از این سال که شاعر هفتاد سال داشته از او خبری ندارم و اشعاریکه در حاشیهٔ صفحات ازانواع نام بردهٔ بالانوشته شده، پس ازاتمام نسخه میباشد که بسال ۱۰۵۴ نگارش یافته است .

اظهری ازاینکه دیگری دراصفهان تخلص ویرا برداشته شکایت نموده و گوید :

قریب پنجه سال‌است کین تخلص من	به اظهری شده در روزگار افسانه
ز حال غره بی دانشی ابوجهلی	که در فرائض اسلام هست بیگانه
بخود تخلّص من بسته از تهی مغزی	که تابگویند او نیزهست فرزانه الخ

ودر این دیوان نظمی بتاریخ سال ۱۰۱۲ که شاعر ۲۱ سال داشته وجود دارد، ودراین دوبیت تصریح نموده که اصلش ازشیرازاست:

گر نیم یونانی امـا اصلم از شیراز بس	کوحکیمی تا زفضلم مایهٔ حکمت برد
شدمزاجم منقلب باآنکه دراین روزگار	ارطیون‌طبعم‌ازیك نسخه‌صدجان‌پرورد

برای هریك ازقصائدخویش نامی بدین گونه گذارده ،وردالابرار ،ضیاءالقلوب ، منتخب النفائس ، تحفة الخیال ، امواج العباد ، فخرالسالکین ، افتخار الملوك ، تحفةالاغنیاء وانوارالعیون .

و چون نام و آثاری از این شاعر در تذکره ای نیست خواستم از اشعار وی انتخابی نموده ونمونه ای از آثار این شاعر را بنظر خوانندگان گرام برساند، بهر

قسم از اقسام اشعاروی توجه نموده نقل آنرا ترجیح بلا مرجح یافته برای رفع تردید بخود دیوان تفأل زدم

این قصیده که آنرا «سویداءالضمیر» نامیده آشکارا شد :

هر چند که شایسته شمشیر بلایم — یکباره مدارای فلک این ظلم روایم
در پای میفکن که گرانمایه متاعم — در دام میازار که فرخنده همایم
بر تخت فراغت گهر افسر شاهم — در کنج قناعت دُرّ گوش گدایم
در زیر لب خسته دلان نکهه مهرم — بر لوح دل سیمبران حرف وفایم
چون کلک قضا چهره گل گشته نگارم — چون باد سحر طره شبرنگ گشایم
در محفل نازک بدنان نو گل حسنم — بر مشهد خونین کفنان مهر گیایم
ذوق دل اطفال گلستان چو نسیمم — زان رخ گذر از نکوئی چو حبابم
در ناصیه کینه وران عقده گذارم — از آینه تیره دلان زنگ زدایم
در زیب گلستان گهرآمیز سمایم — در بزم ریاحین طرب انگیز صبایم
چون یاد رخ شمعوشان شعله فروزم — چون درد دل غمزدگان ناله فزایم
چون پیک غم ماهرخان سینه نوردم — چون دست دل دردکشان جیب گشایم
افلاک برد فیض ز سیارهٔ فکرم — خورشید کشد شیر ز آئینهٔ رایم
طوطی رود ازهوش زشیرینی نطقم — بلبل شد از ناله ز کلبانگ نوایم
طاوس اره برتن خود جامه زند چاک — از غیرت این خرقه صد رنگ نمایم
ازبال طبیعت بوده جلوه که آن موج — از جان ملایک نرود ذوق هوایم
آنم که باقلیم تخیل قدم سحر — چون سایه دود روح عطارد زقفایم
برخاک نهادست ازان پرتو خورشید — تا عارض خود سوده کند در ته پایم
ای چرخ نکوئی که به آن گرمی بازار — با این گهر طبع چه دادی به بهایم
یکبار بنه گوش رضا بر سخن من — بی مصلحتی نیست اگر هرزه سرایم
از سستی آیین تو شد ورزه نمودی — گنج دو جهان بخشش ایام ندایم
من سا بده مرگ برای تو دویده — عمر کای تو برقی سر موئی برضایم
ای سنگدل آخر چو توئی راحه سرایت — گیرم که بسر نزند از جیب دعایم
م و سپر اندازی رزم تو ازین بس — دیگر نیست تو دانی و خدایم

قصائد وی مرتبا درتوحیدونعت پیغمبراکرم صلعم ومناقب ائمهٔ اثنی عشرع ومدح شاه عباس کبیر وشاه صفی وشاه عباس ثانی وامراء آن عصر ودیگر مطالب عرفانی ووصف فصول وغیره است .

ودر این دیوان ماده تاریخهای زیاد موجود وازاشعار وی برمی آید که تاآخر عمرجوانی را ترك نگفته وخود مکرّر اظهارخجلت نموده ، از آنهاست :

کار تو اظهری همه لهو و لعب بود آسوده دل ززلف پریشان نمیشوی
مویت سفید گشت ازین کار های بد رویت سیاه باد پشیمان نمیشوی

برای اینکه نمونه ای از نثر این شاعر را هم نشان داده باشیم بنقل این بخش که در آخر دیوان (نسخهٔ زیرین) نوشته مبادرت گردید :

ناظمه وکاتبه العبد العاصی بوداق اظهری

خود بعصیان خود ازشرم گواهی دارم تکیه بر مرحمت عفو الهی دارم

لله الحمد که در سن شصت و سه سالگی بهوا داری عینك که معاون دیده روزگار دیدگانست بترتیب وتحریر این نسخه مبادرت نمود وآنچه ازحوادث دوران وتطاول زمان ازحمله دوشیزگان طبیعت بازمانده بود بقلم شکسته رقم خود بصورت ترقیم درآورد وبعضی اشعارمقطعات ومثنویات و غیره که زیاده از ترهات نسخه مرقومه به کسوت رسوائی ملبس و بعبارات هذیان ملوث بود و موافق گفتگوی این سن و نوشتن این روزگار نبود از دیوان اخراج نمود با وجود مهر پدر فرزندی طبیعت لائق ندانست و بجهة اضافه ونقصان کلك کاتبان بنوشتن ایشان قائل نشده مابقی ذخیره مردم دیده را بدین صحیفه مصروف ساخت فرموده قدوةالمحققین مصلح‌الدین سعدی شیراز را بکار آورد

کهن جامه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن

چون ببعضی ترددات و اشغال اشتغال داشت اگرسهوی وخطائی بدین جهت رو داده باشد بلبلان گلشن بلاغت و طوطیان شکرستان فصاحت بنکته عیب او مترنم ومترنم نگردند و بدین عجز عذر خواهی معذور فرمایند در مقام زکم قرا باغ بتاریخ هفدهم شهر ربیع الاول سنه پیچی ایل ۱۰۵۴ قلمی شد .

این دیوان در حدود (۱۱۰۰) بیت شعر میباشد وتاکنون نسخهٔ دیگری از آنرا در کتابخانه ای سراغ نیافته ام .

آغاز : بسمله ای زیور رخساره جان از کرمت سرمایهٔ گردش زبان از کرمت
آرایش دیوان بیان از کرمت احیای زمین و آسمان از کرمت

از افتتاح ابواب خزائن سخن بمفتاح دلگشای ثنای یگانهٔ که شیرازهٔ بند مجموعهٔ کاینات وچمن پیرای سرابستان حیاتست وانجلای ابصارشواهد معانی بمصباح جهان آرای انوار عنایت الخ .

(۱۱٦۳)

دیوان اظهری

این نسخه بخط نستعلیق خوب **اظهری** شاعر ومنشی آنست وگذشته ازتصریح درآخر دیوان (۷ برگ بآخر نسخه مانده) طرزنگارش واشعاریکه پس از این تاریخ انشاء گردیده و درحاشیه نگارش یافته وتصریح در چندین جای از عناوین مطالب به اینکه: بنده اظهری در جواب این قطعه گفته‌ام. ونظائراینها، مؤید این ادعاست، میان برگ اوّل ودوّم کنونی نسخه، برگهائی‌افتاده وکنار بعضی از اوراق که بقرینه اوراق بعد معلوم میشود بر آنها نیز ابیاتی بوده پاره شده و وصالی گردیده و قسمت بیشتر از برگ آخر پاره شده واز میان رفته است، ۷ برگ آخر نسخهٔ رباعیاتی‌استکه پس از تنظیم دیوان درمسودات مؤلف یافت شده وپیش ازنگارش آنها خودوی نیزنوشته اند:

«بعدازتحریر نسخه بعضی رباعیات که درمیان سیاهیهای اشعار پیدا شدوصورت تنظیم یافت همچنین مرقوم شد».

جلد مرغش. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (۳٤۳) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲٤سانتیمتر). عرض (۱۵سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۷۷).

[۵۱٦] دیوان انوری (فارسی)

انوری (اوحدالدین محمدبن محمد(۱) ابیوردی(۲) خاورانی متوفی بسال ۵۸۳(۳)) (٤) ازشعرای قصیده سرا وغزل گوی قرن ششم هجری میباشد، قصائد

---

(۱) عوفی نام وی وپدرش را محمد ثبت نموده ولی صاحب مجمع الفصحا بنام علی‌بن اسحق معرفی کرده وخود وی جد خود را اسحق نامیده

زنده اسلاف تو بنو حو بین — جد اسحق رجمت سمعیل است

(۲) ابیورد یا **باورد** شهری است ازخراسان میان سرخس ونسا (معجم البلدان ج ۱ ص ٤۸۰) میباشد، در تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا و سخن و سخنوران انوری ابیوردی و در آثار البلاد و تاریخ گزیده و هفت اقلیم خاورانی (وگویند که خاوران ناحیه ایست از خراسان) معرفی گردیده است.

(۳) درتذکره دولتشاه وفات انوری بسال ۵٤۷ ودر هفت اقلیم بسال ۵۸۳ ودرمجمع الفصحا بسال ۵۷۵ ثبت گردیده وچون درتاریخ گزیده وهفت اقلیم قران کواکب سیاره بسال ۵۸۱ ودرکامل التواریخ در ذیل حوادث سال ۵۸۲ ثبت گردیده بنا براین و شهرت نسبت این استخراج نجومی بانوری وشهادت اشارات تاریخی در اشعار انوری که مسلما پس از سال ۵٤۷ بوده تاریخ آخر که

(بقیه حاشیه در صفحه ۵٦۵)

ومقطعات وی بسیار مشهور و گذشته ازنگارش تذکره نویسان ازاشعاروی ظاهر و هویداست که سالها درراه کسب فضائل وعلوم معقول و منقول رنج برده و در نجوم و هندسه و حساب دستی قوی داشته و دولتشاه گوید چند رساله در نجوم نوشته (۱) ومعاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و بمداحی وی ووزراء و امراء او پرداخته وزبانش بهجو باز بوده وحتی گفته اند که انوری خود ومادرش را نیز هجا گفته وبهمین جهت بدزبانی بلخیان قصد آزارش کرده وقاضی حمیدالدین صاحب مقامات اورانجات داده (۲) وبدین سبب حمیدالدین را مدح ها کرده است

درنخستین نسخه ذیل که نسخه ای کهن سال ازدیوان انوری میباشد پیش از مثنوی در هجو قاضی عمزاده بلخی، شرحی نوشته وظاهراً نویسنده این شرح معاصر شاعر بوده وچون شامل بخشی ازشرح حال انوری است دراینجا عیناً آورده میشود:

« حکیم اوحدالدین انوری درانج (کذا) هنوزدراوان شباب بود واکتساب علم وحکمت میکرد پدراو **وحیدالدین محمد** بجوار رحمت حق پیوست ومال واسباب بسیار گذاشت ، انوری دست بدان مال دراز کرد وپای در خرابات نهاد و بمدت اندك آن میراث بشراب و شاهد آخر رسانید چون مفلس شد هیچ نماند شعر وشیوه مدح بگزید و بوقت حاجت قصیده میگفت و بدان روزگار نامرادی بسر میبرد ناگاه تاج الدین (درنسخهٔ دیگر - تاج الدین عم زاده بلخی) اورا تشنیع

(بقیه حاشیه از صفحه ٥٦٤)

قول صاحب هفت اقلیم باشد براقوال دیگر ترجیح داردو حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده (ص ٤٧٤) عکسی و نزهت القلوب محاسبه انوری و اثر قران را درست دانسته و گوید این سال مطابق با سالی است که جنگیز خان به سرداری برقرار و شروع به بیشرفت در خرابی جهان نموده است . (نه تولد وی که بعضی نوشته اند)

(٤) لباب الالباب ج ٢ ص ١٢٥-١٣٨ ، حواشی ج ١ لباب الالباب ازآقای قزوینی ص ٣٤٣ ، آثارالبلاد درذیل خاوران(ص ٢٠٧ نسخه مدرسه) ، تاریخ گزیده ص ٤٧٤،٤٨٨،٨١٣و٨١٥، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ٨٣-٨٦ ، هفت اقلیم ص٢٤٩-٢٥٢ ، مجمع الفصحا ج ١ ص ١٥٢-١٦٧ و سخن وسخنوران ج ١ ص ٣٥٦-٣٨٦ مختصرا ومفصلاً از انوری بحث کرده‌اند واین شرح با مراجعه بآنها نگارش یافت .

(١) تا کنون به نسخه ای ازاین رسائل دست نیافته ام .

(٢) در ص ٦٥ همین مجلد از فهرست درذیل معرفی از حمیدالدین بلخی نگاهداری اوازانوری‌را در اثرعدم وقوع اثر قران دانسته‌ام واین غلط است وعلت این بود که بلخیها چون شنیده بودند انوری آنهارا هجا گفته در غضب شده و در خیال آزار وی بوده اند .

کرده و بی رمثینت (کذا) معائب او را (بروی او ـ در نسخه دیگر) گفتن گرفت انوری را این نوع دشوار نمود وبربدیهه آغاز نهاد و آن اینست »

دیوان انوری که درحدود (۱۰۰۰۰) بیت شعر دارد وبسال ۱۲٦٦ درتبریز چاپ گردیده و چون مشتمل براصطلاحات حکمی وفلسفی وریاضی ونجومی میباشد وفهمیدن آنها مشکل بوده بعضی بحل مشکلات وی پرداخته اند و در این فصل دوشرح آنرا معرفی خواهم نمود .

آغاز هریك از نسخ را درجای خود نقل مینمائیم .

(۱۱٦۰)

دیوان انوری این نسخه ایست کهنه وشاید از خطوط اوائل قرن هفتم هجری باشد ، صفحهٔ نخستین و اوراقی از آخر کتاب افتاده ، چند بیت صفحهٔ نخستین را برورقی نوشته وبه نسخه پیوسته اند ، شامل قصائد وغزلیات و مقطعات ومثنوی هجوقاضی بلخ (۱٦۲ بیت) و رباعیات (۳۰٥ رباعی) میباشد ، اطراف صفحه دوم تذهیب و نقاشی کهنه ایست واین برگ وصالی شده و نسخه درحدود (۱۳۱۰۰) بیت دارد وبقصیده ای شروع شده که آغاز آن اینست :

مقدری نه بآلت بقدرة مطلق　　　　کند بشکل بخاری چوگنبد ازرق .

جلد میشن دور گرفته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۳٥۹). صفحه ای(۱۹) سطر . طول (۲٥ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه(۲۰۹).

(۱۱٦٥)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب خفی در قرن یازدهم هجری نوشته شده ، سه سرلوح زیبا دارد و صفحه ایکه شامل آنست ودیگری که مقابل آن میباشد تذهیب و نقاشی گردیده ، لوح اول پس از نوشتن نسخه بصفحهٔ اول پیوسته شده و گذشته از اینکه بر آن نوشته شده : مقطعات مولانا انوری برگ اول وبرگ شامل مقطعات گواهی میدهند که سرلوح های آنها جابجا شده ، تمام فاصله های میان دو قصیده یا قطعه یاغزل یا رباعی تذهیب و نقاشی شده وصفحات مجدول بطلا وزنگار وشنگرف میباشد و اوراق متن وحاشیه است واز آخر نسخه اوراقی افتاده ومطلع اولین قصیده اینست :

ای قاعده تازه ز دست تو کرم را وی مرتبه تو ز بنان تو قلم را

وشعر آخر نسخه اینست :

ایٔ محنت هجر بردلم سرنائی وی دولت وصل از درم درنائی

در پشت جلد دست چپ شرحی بسال ۱۲۵۷ بخط شکسته نستعلیق خوب درمعرّفی ازنسخه نگارش یافته ونسخهٔ نفیسی است عبارت نثری که درنسخهٔ کهن سال موجود است وبالای این سطرها در ص۵۱۵ و۵٦٦ نقل گردیده با تصحیف واسقاط برخی‌ازکلمات دراین نسخه نیزنگاشته شده واین‌نسخه‌درحدود(۱۱۳۵۰) بیت را شامل است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ متن خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۲٦) بیت درمتن و حاشیه . طول (۲۴ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۱۱) .

(۱۱٦٦)

دیوان انوری این‌نسخه را بسال ۱۰۰۵ علیجان بن حیدرعلی بخط نستعلیق نوشته ، دارای دو سرلوح کوچك (یکی در اول نسخه ودیگری دراول بخش‌غزلیات) میباشد ودرابتداء مقطعات ورباعیات سرسوره های میناکاری ظریفی است ، صفحات بجدول بطلاولاجورد وعناوین باشنجرف است ، پشت صفحه نخستین جلال‌الدین محمد منجم مالك بودن خود را تذکرداده ، در حواشی‌چند صفحه از صفحاتیکه‌شامل‌مقطعات میباشد، ابیاتی‌ازمنجم مذکوربخطوی نوشته شده ، تمام اوراق باکمال‌استادی متن وحاشیه گردیده واین نسخه درحدود (۱٤۰۰۰) بیت شعردارد و آغاز آن اینست :

صبا بسبزه بیاراست داردنیی را نمونه گشت زمین مرغزارعقبی را

جلد میشن .کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق(۳٤۲). صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲٤ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۱۲) .

(۱۱٦۷)

دیوان انوری این‌نسخه بخط نستعلیق نویسندهٔ بدخطی که‌ازخودوسال کتابت نام‌نبرده، نگارش‌یافته(ظاهراً درقرن‌دهم‌نوشته‌شده)،دوبرگ

از اول نسخه افتاده بوده اخیراً نگاشته اند ، برگهائی هم از میان نسخه افتاده وبرخی ازآنهاهم جابجا شده ، قصائد وغزلیات آن مرتب بحروف تهجی برحسب ردیف ها وشامل مقطعات ورباعیات نیزمیباشد، درحدود (۷۹۰۰) بیت شعراست ، بعضی ازصفحات آن مجدول بسرخی وزنگار گردیده‌وبیت اول آن اینست :

بازاین چه جوانی و جمال است جهانرا وین حال که نوگشت زمین راو زمان را

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۹٤) . صفحه‌ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۲۰۷) .

(۱۱۶۸)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً دراوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، شامل قصائد و مقطعات و رباعیات و غزلیات میباشد و در حدود (۸۳۰۰) بیت دارد وبدین بیت شروع شده است :

ای ملك تورا عرصهٔ عالم سرکوئی با حجت عدل توستم بیهده گوئی .

یك سرلوح کوچك ظریف دارد و صفحات مجدول بطلااست .

جلد ساغری نیم‌ضربی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۳۲) . صفحه‌ای (۱۸) سطر. طول (۲۳ ½ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۱۰) .

(۱۱۶۹)

دیوان انوری این نسخه را بسال ۱۲۳۰ محمد رضی بن محمد رحیم آشتیانی قمی بخط شکسته نستعلیق نوشته و شامل قصائد و مقطعات ومثنوی هجو قاضی وغزلیات ورباعیات میباشد . درمتن وحاشیه نوشته شده ودر حدود (۱۲۰۰۰) بیت شعر است ونخستین بیت آن اینست :

مقدری نه بآلت بقدرت مطلق کند ز تکل بخاری چو گنبد ازرق.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۳۸) . صفحه‌ای (۱۸) سطر درمتن (۸) درحاشیه . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۸) .

(۱۱۷۰)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم) ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده، شامل قصائدو مقطعات و غزلیات و در حدود (۹۸۵۰) بیت میباشد و بدین شعر شروع گردیده :

صبا بسبزه بیاراست دار دنیی را نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را

یك سرلوح دراول کتاب موجود ، صفحات مجدول به اکلیل میباشد ، وقفنامه مدرسه را که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده اند ، یادداشتی مورخ بسال ۱۲۳۰ محمد حسین طباطبائی نائینی دراین صفحه نوشته و براین صفحه وبرگ پیش از آن بسال ۱۳۱۵ نیز یادداشتهائی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۳۱٤) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۱۳) .

(۱۱۷۱)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ،(ظاهراً در قرن سیزدهم)، شرح حال انوری ازتذکرهٔ آتشکده در دو صفحه پیش از دیوان نقل گردیده وشامل قصائد ومقطعات مثنوی ورباعیات میباشد و در حدود (۱۲٤۰۰) بیت شعر دارد وبدین بیت شروع شده :

بازاین چه جوانی وجمال است جهانرا وین حال که نو گشت زمین را وزمان را

وبرگ نخستین وصالی گردیده است .

جلد تیماجی‌مستعمل . کاغذفرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔاوراق (۲۵۷) . صفحه‌ای (۲۳) سطر . طول (۱/۲ ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۰۵) .

[۵۱۷] دیوان اهلی خراسانی (فارسی)

اهلی‌خراسانی ازاهالی ترشیز ومعاصراهلی شیرازی است وبنابرتصریح ادوارد براون(۱) بسال ۹۳٦ درتبریز وفات یافته مردی عاشق پیشه وعاشق فریدون حسین میرزا (۲) پسرسلطانحسین بایقرا گردید ودرعشق وی از پا درافتاده ومجنون‌وار

(۱) ترجمه . ج ٤ تاریخ ادبیات ص ۱۵۵-۱۵٦ .

(۲) در ص ۱۳و۱٤ تحفه سامی‌چاپی معرفی گردیده وگوید بسال ۹۲۵ درجنگ با ازبکها کشته شده است .

موی شولیده برسر گذاشته غزلیّات زیاد انشاء نمود واین مطلع یکی از آنهااست:

موی ژولیده که برسر من ابتر دارم سایهٔ دولت عشق است که برسر دارم

شاهزاده ازاین دلبستگی آگاهی یافت وبرخلاف سیرهٔ دیرینه دلبران،دوستدار را دلجوئیها مینمود پس از انقراض آن دودمان بتبریز رفته وتاآخرعمر در آنجا گذرانید ، درشمع انجمن شمارهٔ ابیات وی بیست هزارمعین گردیده ومعاصروی سام میرزا در تحفه سامی(۱) وامین احمد رازی در هفت اقلیم(۲) و خوشگو در تذکره(۳) خود ابیاتی ازغزلهای وی نقل کرده اند وجز غزل ساقی‌نامه ،آثارشعری دیگری از اونشنیده ودرجائی ندیده ام و این دیوان وی‌همه غزلیات وساقی‌نامه ای در مدح ائمّه اثنی عشر شیعه علیهم السلام در ۸۵ بیت است که صریح در تشیع وی میباشد (٤) و غزلیات آن که بحسب ردیف ها مرتب بحروف تهجی است بنا برشماره (۳١٤۸) بیت شعر است .

آغاز : دوچشمم فرش آن منزل که سازد (سازی) جلوه گاه آنجا
بهرجا پانهی خواهم که گردم خاک راه آنجا
چو خوش بزمیست رنگین صحبت جانان چه سود امّا
که نتوان شد سفید ازشومی بخت سیاه آنجا (۵)

---

(۱) در ص ۱۰۷ تحفه سامی‌جائی معرفی از اهلی ترشیزی خراسانی‌شده و سطرین ست از چندین غزل او را هم نقل نموده است .

(۲) درص ٦۵٦ نسخه خطی کامل این مدرسه نام برده شده وچند بیت از او را هم آورده است .

(۳) صاحب این تذکره در حرف همزه دو اهلی را نام برده یکی **اهلی نوائی** و گوید بسال ۹۰۲ بدرود زندگانی گفته ودیگری اهلی شیرازی و گوید این‌همین اهلی ترشیزی‌است وحالات این دو را با یکدیگر مخلوط و ابیاتی از این دو نقل‌نموده وتصور نموده که دونفر متخلص به اهلی آنهم در یك عصرنمیشود درصورتیکه معاصرین ایندو هریك را با خصوصیت مخصّه بخود معرفی کرده اند .

(٤) این بیت از ساقی‌نامهٔ اهلی خراسانی :

الهی توئی واقف از حال من	عیان است پیش تو احوال من
بحق محمد رسول انام	علیه الصلوة و علیه السلام
علی ولی سرور اولیا	محیط کرم گوهر لا فتی
باعزاز سلطان دنیا و دین	علی الرضا [illegible] هشتمین

(بقیه حاشیه درصفحهٔ ۵۷۱)

(۱۱۷۲)

دیوان اهلی خراسانی

این نسخه در مجموعه ایست که شامل پنج دیوان و بخط نستعلیق میباشد: ۱- دیوان کاتبی ، ۲- دیوان شاهی ، ۳- دیوان همایون ، ٤ - دیوان اهلی خراسانی و ٥ - دیوان لسانی. و همهٔ آنهارا دراین فصل معرفی کامل خواهم نمود و این دیوان ازص ۲٦۱-٤۰۰ مجموعه را شامل میباشد و در ابتدای هر یك از دیوانهـای پنجگانه یك سرلوح بسیارظریف است ومیان سطرهای صفحه سرلوح‌دار وصفحهٔ مقابل آن طلاأندازی و نقاشی ظریف شده و کاتب در هیچ‌جا از خود و سال کتابت نام نبرده و ظاهراً درنیمه اول قرن دهم هجری نگارش یافته وتمام صفحات مجدول و در اثر همین کار بسیار از آنها بریده شده است .

جلد میشن . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۳٤۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۳سانتیمتر) . عرض (۱۲-$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۹) .

[۵۱۸] دیوان بیدل (فارسی)

میرزا عبدالقادر متخلص به **بیدل** از شعرا ومربیان قرن یازدهم و دوازدهم هجری وپسر میرزا عبدالخالق میباشد ، بسال ۱۰۵٤ متولد وبسال ۱۱۳۰(۱)وفات یافته ، در سرودن انواع اشعار طبع وی توانا و در انشاء نظم برنا بود ، در سیر و سلوك وعرفان قدمها زده و مراتبی یافته ، کلیات وی که شامل قصائد و غزلیات و مثنویات و رباعیات وترکیب بند ونثرهای متعدد چون **نکات** ومراسلات وغیره

(بقیه حاشیه ازصفحه ۵۷۰)

بمهدی هـادی امام انـام که یابد ازو ملك وملت نظام

(٥) درتحفه سامی گوید : روزی شاهزاده بباغی فرموده ومیرزا بخت نام غلام سیاهیرا بر در باغ گذاشته تا کس‌را آنجا نگذارد ، مولانا بامید دیدار بدر باغ شتافته موکل مذکور مانع دخول شده مولانا در بدیهه غزلی گفته کهاین‌دو بیت از آنست (همین دوبیت‌را که اول غزل این‌دیوانست نقل‌نموده) درکاغذ نوشته ودرمیان‌موم‌پاسیب کرد وازممرّ آب باندرون فرستاد ، بعد ازاطلاع‌میرزا اورا طلب کرده و در لطف برویش گشاد . (ای‌کاش همه معشوقها این رویهٔ پسندیده را داشتند تا این بلبلان درمقابل گل رویشان هزار دستان خوانند) .

(۱) در مقدمه کلیات چاپی وفات بیدل بسال ۱۱۳۳ و در تذکره خوشگو بسال ۱۱۳۰ ضبط گردیده وچون خوشگو معاصر ومستفید از بیدل بوده قول او مقدّم‌است .

ودرحدود (۷۲۰۰۰) بیت کتابت‌دارد بسال۱۲۹۹درهند چاپ گردیده ودرمقدمهٔ آن شرح حال بیدل نگارش یافته وخوشگو درتذکرهٔ خویش دراوائل حرف باء شرح بسیار مفصلی در بیان حالات و نمونه‌ای از آثار وی نگاشته و شاگردی و ملازمت خود را درمجلس افادهٔ ایشان صریحاً اظهارنموده واصل این‌جنابرا مغولی و تورانی وموطن ایشانرا اکبرآباد معیّن کرده ودر مقدّمه کلیّات وفات بیدل در دهلی ثبت گردیده است .

نسخه زیرین برحسب شماره تقریباً شامل ۱۶۰۰۰ بیت میباشد وغزلیات بیدل را مرتب بحروف تهجی از الف تا یاء ومثنوی مختصری بنام « قسم‌نامه » و چندین رباعی‌را نیز در بر دارد .

آغاز : بسمله

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا

سر موئی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

(۱۱۷۳)

دیوان بیدل

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده و بیشتر کلمات‌را بی‌نقطه نگاشته ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ازقرائن احتمال قوی دارد که برای خود مؤلف نوشته شده و اضافاتی که درحواشی نگاشته شده بخط بیدل باشد ودرحاشیهٔ برگ ۲۳۵-۲۸۷ « نکات بیدل » که یکی از منشآت نثری وی میباشد کاتب نسخه بخط نستعلیق نوشته ، و بر سه برگی که در آخر نسخه نوشته بوده یك نو مکتوب و مطالب متفرقه نظم و نثر موجود که‌ظاهرا نیزبخط **بیدل** وانشاء اوست‌ودربعضی‌ازجاها کلمه **بلغ** که‌حاکی از مقابله گردیدن نسخه است دیده میشود .

جلد روغنی گل وبوته ظریف کار هند . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۴۰۷) . صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (½ ۲۳ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۰۳) .

[۵۱۹] دیوان (کلیات) تأثیر (فارسی)

میرزا محسن(۱) تأثیر تخلص از تبریزیهای متولد شده در اصفهانست که شاه عباس خانواده آنهارا باصفهان آورده وچنانکه از این رباعی وی :

(در پنجه و پنج عمر درباختنی   یك گوهرم افتاد و نشد ساختنی
تاریخ بجا خالی دندان آمد   انداختمی یکی ز انداختنی)

بدست می آید ، بسال ۱۰۶۰ متولدشده وبنابرتصریح درتذکرهٔ خوشگوبسال ۱۱۲۹ وفات یافته .

این شاعر چنانکه ازمندرجات این دیوان ظاهراست چندی از مستوفیان دربار صفوی وهنگامی رئیس یك قسمت ازتحویلخانه بوده و چند سال وزیر یزد گردیده و در سال ۱۱۲۰ چنانکه خود دراین‌قطعه تصریح کرده :

چون خلاص از عمل یزد شدم   گشتم آسوده فتادم به بهشت
پی تاریخ یکی زاهل سخن   قلم آورد و **تخلص** بنوشت

از این مقام معزول و در تذکرة المعاصرین است « در آخر عمر مدتی دست از مهمات دنیا بازداشت بعزت و احترام در اصفهان معتکف منزل خویش بود تابجوار ملك علام رحلت نمود » .

این دیوان شامل ۱ـ قصائد درتوحید ومناقب پیغمبر اکرم وائمّه مکرّم علیهم صلواةالله ومرثیه حضرت سیدالشهداء ع، ومدح شاه سلیمان وتاریخورود عبدالعزیز پادشاه بخارا بهایران وورود محمدخان وزیرسابقووزارت وحیدوترکیب بندی بنام « رموزالعاشقین » مزیل به منقبت حضرت امام زمان علیه‌السلام وتمام اینها برحسب شمارهٔ دقیق (۱۶۰۰) بیت است. ۲ ـ مقطعات وتواریخ در۲۱۶ بیت . ۳ ـ مثنوی دربیان معراج حضرت پیغمبر ص ببحر تقارب در(۴۳۹) بیت وبنام «منهاج المعراج» میباشد **آغاز :** ستایش همان حد فرزانه ایست   که از سبحه اش نه فلك دانه ایست .

---

(۱) تأثیر در آخر غزلی بنام خود تصریح نموده و گوید :

چند به‌بستر افکنی محسن مستمند خود   هیچ حذر نمیکنی از دم واپسین او

و آقای تربیت هم در دانشمندان آذربایجان (ص ۷۷ـ۸۱) که شرح مفصلی در معرفی از این شاعر و آثار وی نگاشته اند نیز نام ویرا محسن ثبت نموده ، در تذکره خوشگو بنام محمد محسن ودرتاریخ یزدآیتی محمد حسن ثبت گردیده است .

۴ ـ مثنوی ببحر مخزن‌الاسرار بنام « جهان نما » در (۶۸۹) بیت

آغاز: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نیزه خطیست بقصد غنیم

۵ ـ « دعوة‌العاشقین » ببحر خسرو شیرین در (۲۶۷) بیت

آغاز: بیا ای بلبل فرخ پرو بال که از گل گشتهٔ شوریده احوال

۶ ـ مثنوی در تعریف باغات و عمارات قصر سعادت آباد اصفهان بنام « گلزار سعادت » در (۵۲۷) بیت

آغاز: بسر دارد هوای خامه دولت ز وصف گلشن باغ سعادت

۷ ـ مثنوی درمقابل هفت پیکر بنام « ثمرة‌الحجاب » در (۱۴۸) بیت

آغاز: شبی‌ازهمدمان ایمانی شغلی گرم بود روحانی

۸ ـ مثنوی برای مقدمه رساله درمعما در (۲۴) بیت

آغاز: بنام آنکه دراجمال‌و تفصیل خرد ها رفت از کنهش بتحلیل

۹ ـ مثنوی در وصف تفت یزد و شکرگذاری ازوزارت یزد وثنای پادشاه بنام « حسن اتّفاق » در (۲۸۵) بیت

آغاز: تفتست و فرشته بلبل او چون آتش تفته هر گل او

۱۰ ـ مثنوی در راستی و درستی واخلاق بنام « میمنت نامه » در (۲۹۳) بیت

آغاز: بنام خداوند فرد قدیم که بنموده مارا ره مستقیم

۱۱ ـ غزلیات مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (۱۰۲۴۰) بیت

آغاز: ای در کف حمد تو سررشته عنوانها دارند سرافرازی ازنام تو دیوانها

۱۲ ـ فردها وابیات متفرقه مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (۱۰۰۰) بیت .

۱۳ ـ رباعیات (۱۳۰ رباعی) .

۱۴ ـ قصائد و غزلیات و قطعات که بترکی انشاء کرده در (۴۴۷) بیت .

بنابر تعیین تحقیقی بالا این دیوان یا کلیات شامل (۱۶۴۳۵) بیت میباشد ولی از خلاصة‌الافکار ، آقای تربیت نقل کرده اند که دیوانش ده هزار بیت خواهد بود و بنابر شمارهٔ بالا مرادش فقط غزلیات بوده است و خوشگو نوشته که تأثیر دیوان خود را خدمت حکیم‌الممالك شیخ حسین شهرت بهند فرستاد و منظور نظر همه شعرا گردید و منهم از آن بهره ها گرفتم .

(۱۱۷٤)

دیوان تاثیر این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ازقرائن بدست می آید که درزمان حیوة شاعرنوشته شده وبنظراو رسیده ودرچند جا کلمهٔ **بلغ** دیده میشود و از حاشیه ایکه نویسنده درکنار صفحهٔ اول اشعار ترکی نوشته اند این احتمال تأیید میشود ، برگ اول نسخه را چون سرلوح داشته بریده و برده اند وبهمین صورت وقف گردیده ، سه سرلوح مذهب دراوائل قسمت ۲ و ۵ و ۱۱ موجود وصفحات بجدول بطلا میباشد وپاره ای از اوراق وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤۵۵) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲٤ سانتیمتر) . عرض (۱۵$\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۳) .

[۵۲۰] دیوان ثنائی (فارسی)

خواجه حسین متخلص به ثنائی(۱) پسر غیاث الدین محمد مشهدیست و از شعرای اواخر قرن دهم هجری و مداح ائمه اثنی عشر علیهم السلام میباشدو بنا بر ضبط در تذکره خوشگو بسال ۹۹٦ در لاهور بسرای آخرت شتافته وخالوزادهٔ وی میرمحمد باقربن میرعربشاه مشهدی جنازهٔ اورا بمشهد برده و در آن آستان مقدس دفن نموده ، بعضی از شعرای معاصر ، اورا خاقانی وقت وحسّان زمان یاد میکنند اگرچه بعضی ازشعرای وقت چون میرزا قلی میلی(۲) وولی دشت بیاضی با وی می پیچیدند واو را به خامی طبع و نقصان فطرت منسوب میساختندو مباحثهٔ ایشان مشهوراست ، درج ۱ تاریخ عالم آرای عباسی نام برده شده و در بارهٔ وی گوید : شاعر قصیده گوئیست معانی بلند دارد واما درشعر قصیده پیچیده میگوید که طبع اکثرسخن سنجان روزگار ازدرك معنی آن قاصر است . و آذر در آتشکده در بارهٔ ثنائی گوید : دیوانش ملاحظه شد بزعم فقیر یا کسی فهم معنی کلام ایشان ندارد یا کلام ایشان معنی ندارد .(۳)

(۱) درتذکره خوشگوشاعریرا که نیز متخلص به ثنائی ومعاصر اکبرشاه بوده نام برده شده و از او سه بیت نقل نموده است .
(۲) میرزاقلی میلی درتذکره خوشگو معرفی شده وگوید بسال ۹۸٤ میل گل کشت عالم بالا نمود .
(۳) آتشکده آذرص ۹۰ چاپی

در تذکره حسینی است که با فیضی وعرفی مشاعره نموده و از پهلوانان عرصهٔ سخنوری است ودیوانش تخمیناً پنجهزار (۱) بیت بوده است.

در مقدمهٔ دیوان دیباچه‌ای به نثر خود وی نگاشته و بنام و نسب و تخلص و وطن خویش تصریح نموده و خود را ندیم (همزبان) ابراهیم میرزای صفوی حاکم خراسان معرفی ودرمدح وثنای وی قصائد واشعار متعدد دارد و دیوان او مرکّب ازقصائد وغزلیات وقطعات ورباعیات و ساقی‌نامه است.

آغاز دیباچه : حمدی که متکلمان سخن‌گذار فصاحت شعار و نادره گویان بلاغت دثار الخ.

آغاز دیوان :

در روش حسن و نازهست کسی خوش‌نما
غمزه بطرز ستم عشوه برنگ جفا.

(۱۱۷۵)

دیوان ثنائی مشهدی

این نسخه را بسال ۱۰۱٤ محمد حسین مشهدی بخط نستعلیق نوشته، در ابتداء قصائد و قطعات و غیره باز گذارده شده که تاریخ انشاء و مورد آن که در دیباچه تذکر داده شده نگارش‌شود، «دیوان ولی‌دشت بیاضی» که درهمین‌فصل معرفی خواهد شد بخط همین نویسنده بسال ۱۰۲٥ نوشته شده و پیوسته به این دیوانست، پشت صفحه نخستین نسخه ودرآخر دیوان ولی یادداشتهائی گردیده است.

جلد میشن. کاغذ تاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری ابوحث. شمارهٔ اوراق دو سه (۲۳۳). این دیوان (۱۱۰). صفحه ای (١٤) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (١٥ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۸٤).

(۱۱۷٦)

دیوان ثنائی مشهدی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، دیوان نظام استرابادی (قصائد) پیوسته بآنست، پشت صفحهٔ نخستین محمد شریف ابن صفی قلی تملک خویش را یادداشت نموده و در یادداشت

(۱) نسخهٔ اول دیوان نامبرده در این فهرست شماره ۲۸٥۸ ... شماره ۳۱٤۲ ... است.

دیگر تولد خودرا بسال ۱۰۵۱ درماه ربیع‌الاول نیز ذکرنموده بنابراین و شهادت کاغذ ومرکب بایستی‌نسخه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته باشد ، دیباچه‌ایکه خود ثنائی براین دیوان نوشته (در پنج‌ورق) این‌نسخه شامل ، سه برك اول نسخه وصّالی‌شده وازآخرآن اوراقی‌افتاده وآثارآبدیدگی‌دربرگها ظاهرولی‌خطوط آن‌ضایع‌نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذبخارائی . واقف‌سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق‌کلیه (۱۵۹). این دیوان (۱۰۵) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲-۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۷۵) .

[۵۲۱] دیوان جامی (فارسی)

عبدالرحمن جامی ازمشاهیر علما و شعرا ومتصوّفه نقشبندّیه است و در ص ۳۵۷-۳۵۹ شرح حال ومؤلفاتی ازایشان را نگاشته ایم ، خود وی درمقدمه نفیس این‌دیوان نگاشته که پیش ازاین دیوان خودرا برنهج ترتیب حروف‌تهجّی‌مرتب کرده بودم واکنون برآن شدم که آنرا بترتیبی که شایسته است مرتب نمایم وقصائدرا بدین ترتیب : حمد وثناء الّهی ، نعت حضرت‌رسالت پناهی‌ص وحضرت مولی‌الموالی‌ع‌وائمّه‌هدی‌ع ، مدح پادشاه عصر (سلطان حسین) ، نصائح ومواعظ بدون رعایت قوافی منظّم نموده و در تاریخ این ترتیت گوید :

« وشروع دراین ترتیب درتاریخی بودکه واقفان قواعد معمّا از این رباعی استخراج‌توانند نمود:

رباعی

بادل گفتم کای بصفا گشته سمر — هستی‌صدف‌پر از گهر چیست‌خبر
از گوهر سال نظم این عقد درر — برروی صدف نهاد یکدانه گهر »

بنابراین بسال ۸۸۴ که چهارده سال پیش از مرگ وی باشد این کار انجام یافته است .

این‌دیوان جامی گذشته ازقصائد شامل‌غزلیّات مرتّبهٔ بحروف تهجی برحسب قوافی‌ومقطعات ورباعیات میباشد ودرحدود (۸۷۵۰) بیت‌شعردارد وقطعاً پس‌از این‌تاریخ هم شاعر بیکارننشسته وازاینگونه اشعار سروده ودرذیل « هفت‌اورنگ » دراین باب سخنی خواهیم راند .

آغاز دیباچه : بسم الله الرحمن الرحیم هست صلای سرخوان کریم
خوان کرم کرده کریم آشکار گوید بسم الله دستی بیار
پاکا پروردگاری که زبان سخن گذار در دهان سخن وران شیرین کار شکر گفتار الخ .

آغاز غزلیات : بسم الله الرحمن الرحیم اعظم اسماء علیم حکیم
محترمان حرم انس را تازه حدیثیست ز عهد قدیم
....
یامن بدا جمالك فی کلّ مابدا باداهزار روح مقدس ترافدا

(۱۱۷۷)

دیوان جامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، شامل قصائد و غزلیات و مقطّعات و رباعیات است ، اطراف دو صفحهٔ نخستین تذهیب و میناکاری و نقاشی بسیار ظریف گردیده و آیات کریمه‌ای که در دیباچه بآنها تمثل جسته باطلا نگارش یافته ، ابیاتی از قصائد و یک برگ از غزلیات و هشت رباعی از آخر آن افتاده ، چهار برگ از قصائد در ردیف الف از غزلیات صحافی شده ، و در اوّل غزلیات سرلوح ظریفی دارد ، پشت برگ اوّل ترنجی مینا شده و مذهّب میباشد و این برگ وصالی گردیده ، و پیش از شروع به دیباچه دو صفحه نقاشی چینی بسیار ظریف که عکس بزم سلطان را مجسّم مینماید و هریك تمام صفحه را گرفته موجود ، طرز خط و تذهیب و نقاشی حاکی است که نسخه در اواخر قرن نهم و شاید در زمان خود جامی برای سلطان حسین میرزا نگارش یافته ابیاتیکه از قصیده اول دیوان افتاده در حاشیهٔ آخرین برگ دیباچه نوشته شده و تمام برگها جدول بطلاست .

جلد تیماجی ، کاغذ بخارائی ، واقف سپهسالار ، قطع وزیری ، شمارهٔ اوراق (۲۵۶) ، صفحه‌ای (۱۷) سطر ، طول (۲۳ سانتیمتر) ، عرض (۱۵ سانتیمتر) ، شمارهٔ بر دفتر (۳۳٤) .

(۱۱۷۸)

دیوان جامی این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۵۰ ه مقصود تربتی نوشته و شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات ، برگ اوّل دارای

سرلوحی ظریف و صفحات بجدول بطلا و لاجورد ، پشت برگ اوّل و آخر یادداشتهائی موجود و برخی ازاوراق وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار ، قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۶۱). صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۳) .

(۱۱۷۹)

دیوان جامی (ترکیب بند) این نسخه را میر(۱)علی کاتب مشهور ، بخط نستعلیق بسیار خوب بسال ۹۳۵ در بخارا نوشته و شامل ترکیب بند جامی است که آغاز آن اینست :

صبحدم باده شبانه زدیم ساغرعیش جاودانه زدیم

و از نسخ بسیار نفیس کتابخانه شمرده میشود و نگارش این ترکیب بند که هشتاد و هفت بیت میباشد بامرکب وطلا وسفیدآب و مرکب الوان گردیده وسرلوح بسیارظریف کوچکی دارد ، پشت برگیکه پیش ازبرگ نخستین است یادداشتهائی بوده محوگردیده وآثارآن میرساند کـه درکتابخانه سلاطین صفویه بوده و ازیادداشتهای پشت آخرین صفحه استفاده میشودکه چندیهم این نسخه درهند بوده و در آن هنگام دومجلس نقاشی هم در جلو آن بوده و لیکن اکنون نیست مهر های مختلفی هم در اول و آخر کتاب بوده محوگردیده یك برگ که گلهائی بر آن‌رسم شده و یك برگ زر افشان در اول وآخرنسخه است .

جلد روغنی دورو ومیناکاری . کاغذ متن الوان حاشیه افشان . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۶) . صفحه‌ای (۶) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۴۸) .

[۵۲۲] دیوان حافظ شیرازی (فارسی)

شمس‌الدین‌محمدبن کمال‌الدین متخلص به **حافظ** ومشهور به **خواجه** مطلق (در زبان ادبا) وخواجه‌حافظ ، ازمشاهیر شعرا ومعاریف‌سخنوران ایران‌میباشد ، از آثارموجودهٔ او کمال‌نفسانی واطلاعات حکمی وعرفانی وی‌هویدا وبنابرتصریح

(۱) درآخرصفحه نویسنده رقم نموده و پیش‌ازنام وی (علی) کلمه‌ای بوده محوگردیده پشت‌ورق اول وآخر تصریح گردیده‌که خطّ اسناد خط میرعلی است . و میر علی هروی در سنکلاخ وخط و خطاطان ص ۱۷۷ معرفی شده .

خود وی قرآن کریم را با چهارده قرائت در حفظ داشته و آنچه نصیبش گردیده همه را از دولت قرآن دانسته و بدین مناسبت تخلص خود را حافظ قرار داده ومدّعی شده که چون وی کسی لطائف حکمی را بانکات قرآنی جمع ننموده ، خداوندگار نگارنده حضرت آقای حاج شیخ یوسف حدائق ادام‌الله ظله‌العالی که شصت سال ازشصت وشش سال عمرخویش را درتعلّم وتعلیم اخبار مأثوره ازاهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و تفسیرقرآن کریم و فقه و اصول و حکمت صرف نموده وبااصول ومبانی و آثارعرفا همواره سروکار داشته چندیست که بمطالعهٔ این دیوان اشتغال وادّعای این بزرگ را تصدیق وطالبین را بشرح ابیات ومقالات این لسان‌الغیب وتطبیق آنها باآیات واخبار و قواعد حکمی مستفید میفرمایند .

بنابر مقدمه ایکه معاصروی **محمد گل اندام** که از نگارش وی ظاهرست در مجلس درس قوام‌الدّین عبدالله با خواجه شریك در استفاده بوده ، خواجه بنظم وترتیب اشعار خود نپرداخته واستاد مکرر دستور فرموده که گل اندام بدین‌کار مبادرت نماید ولی تاپس از مرگ استاد وخواجه موفق بدین کار نگردیده وپس از آن بجمع وترتیب آن پرداخته عین عبارت مقدمه اینست : «محافظت درس قرآن وملازمت شغل سلطان وتحشیهٔ کشاف ومصباح ومطالعهٔ مطالع و مفتاح(۱) وتحصیل قوانین ادب وتحسین دواوین عرب ازجمع ابیات و غزلیاتش مانع آمدی وازتدوین واثبات ابیاتش وازع گشتی الخ .»

بنابراین نسبت تألیف تفسیری بخواجه درست خواهد بود ولی بدبختانه تاکنون نسخه‌ای از آن بدست نیامده است و از جملهٔ : «ملازمت شغل سلطان» که درمقدمه است معلوم میشود که در دستگاه شیخ ابواسحق و آل مظفر مقام دبیری داشته ونگارنده مجموعه ای که شامل چند رساله و چندین مکتوب مرکب از نظم و نثر میباشدوبسال۷۸۶نگاشته شده در کتب‌خطی مجلس شورای ملّی ایران یافته وباادلّه‌ای که در فهرست آنجا خواهد نوشت آنرا از خواجه میداند و مؤید کامل بر صحت

(۱) مفتاح تألیف سکاکی متوفی بسال ۶۲۶ وبنام مطالع کتابهای بسیار است ودرص۴۵۲ـ۴۵۴ ج ۲ کشف الظنون نامبرده شده اند ظاهراً مراد مطالع الانوار سراج الدین ارموی متوفی بسال ۶۸۹ میباشدکه در حکمت ومنطق میباشد .

قول گل‌اندام خواهد بود .

تولد خواجه مسلماً بسال ۷۲۸ بوده چرا که درکاغذیکه بپادشاه هند نوشته ومعذرت ازرفتن خود خواسته شمار عمرخود را پنجاه و پنج معین نموده ومرحوم فرصت‌الدوله در «دریای کبیر» دعوت شاه محمود بهمنی پادشاه دکن را ازخواجه وقصد رفتن وعدم موفقیت او را بسال ۷۸۳ معین نموده (این‌قسمت راشاعرشهیر ودانشمند نحریروخطاط کم نظیرمعاصر محمدحسینی متخلص به **قدسی** که ازشعرای معمّر و بزرگوار کنونی‌شیراز اند از کتاب مذکور در مقدمه دیوان‌حافظ که بخط ایشان‌دربمبئی چاپ گردیده‌نگاشته‌اند) وسال وفات ایشانرا شعرا «**خاک مصلی**» که سال ۷۹۱ را میرساند یافته اند ولی جامی درنفحات‌الانس وسلطان حسین بایقرا در مجالس و هدایت درریاض‌العارفین بسال ۷۹۲ نوشته‌اند و این اختلاف ناشی از اینست که قطعه ایراکه‌گل اندام دراواخر مقدمه خود بردیوان نوشته :

(بسال ذال و صاد و حرف اول ز دور هجرت میمون احمد
بسوی جنت اعلی روان شد فرید عهد شمس‌الدین محمد
بخاك پاك او چون برگذشتم نگه کردم صفا و نور مرقد)

وبرخی آنرا **بسال باوصادوذال‌ابجد** ثبت کرده‌اند ، بنابراین ۷۹۲ میشود چنانکه بنابرروایت اوّل ۷۹۱ خواهد بود و مرحوم اعتصام در ص ۲۱۳ فهرست کتب خطی مجلس بنقل ازتذکره نویسان سال ۷۹٤ و ۷۹٥ را نیز در وفات خواجه نقل کرده اند ولی در مآخذیکه(۱)نگارنده در این هنگام بآنها مراجعه نموده این دوسال اخیرثبت نگردیده‌است .

معاصرین‌خواجه شاه داعی‌الله ، شاه نعمت الله ، سید ابوالوفا ، شیخ علی کلا ، شیخ زین‌الدین خوافی ، کمال خجندی و شاه ابو اسحق وشاه منصور وشاه شجاع و شاه محمود پادشاه دکن بوده و در دیوان وی بنام بعضی از ایشان اشعار و مدایحی ثبت گردیده است .

---

(۱) تذکره‌دولتشاه‌سمرقندی‌چاپ‌اروپاص۳۰۲-۳۰۸ ، نفحات‌الانس‌خطی کتابخانه‌ص ۷۲٥ مجالس‌العشاق‌مجلس‌چهلم ، مجالس‌المؤمنین ص۳۰۳-۳۰٤ ، هفت‌اقلیم‌ص۱۸۰-۱۸۳ ، ریاض العارفین(چاپ اول) ص۱٦۷-۱۸٥ ، مجمع‌الفصحا ج ۲ ص۱۱-۱٤ ، فارسنامه ناصری ص۱٤٤ و ۱٤٥ گفتاردوم ، آثار عجم فرصت‌الدوله ص ۱٦۹-۱۷۳ ، طرائق الحقائق ص ۳۰٥-۳۰۷ ج ۲ ، مقدمه دیوان چاپ قدسی ومقدمه چاپ آقای پژمان .

اشعار خواجه از همان عصر و اوان انشاء مطلوب عام و خاص گردیده و خواجه را هم شهره آفاق کرده ، گروهی از معاصرین هم به وی رشک برده و خود وی در مقطع غزلی گفته :

حسد چه میبری ای سست نظم بر حافظ　　قبول خاطر و لطف سخن خدا داداست

و همین مطلوبیت و زیادی نسخه برداشتن از آن باعث تحریف و تصحیف بسیار در آن گردیده و اشعار دیگران هم که اندک شباهتی باشعار حافظ داشته (در بعضی از موارد هم بسیار مبائن باسبك و روش اوست) در دیوان او داخل شده و تشخیص آن بسیار کاری دشوار و جز ادیب بارع و سخن شناس ماهر میتواند غث را از سمین و اصل را از بدل تشخیص دهد ، خوشبختانه در این عصر فرخنده جناب آقای محمد علی فروغی (ذکاء الملك) که آثار فاضلی و ادبی ایشان چون آفتاب درخشنده در آسمان ، بدانشمندان ایران جان بخش میکند انتخابیکه در مدت سی سال از دیوان حافظ نموده و ذوق سلیم ایشان حاکم بر صحت نسبت آنها بدان شاعر آسمانی بوده ، چاپ و نشر داده اند .

محمد مؤمن در فائدهٔ چهارم از مقدمه عروض خود گوید : مجموع اشعار که از خواجه بنظر رسیده دربیست و سه بحر زیاده نیست .

خواجه اگرچه درفن غزل مهارت کامل داشته ولی قصائد و مقطعات و رباعیات و مخمسات و ترجیع بند و ساقی نامه (مثنوی) و غیره نیز دارد ، دیوان وی مکرر چاپ شده و بزبانهای زنده ترجمه گردیده و چندین شرح(۱) بر آن نگارش یافته است .

(۱۱۸۰)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه را منعم الدین اوحدی شیرازی که مشهور به صحیح نویسی میباشد ، بخط نستعلیق خوب بسال ۹۱۷ نوشته ، اطراف دو صفحهٔ نخستین با بهترین طرز نقاشی و تذهیب و مینا کاری شده ، درفاصلهٔ غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات و ساقی نامه ها ۲۷۰ رباعی از خیام را که تناسب معنوی بامطالب حافظ داشته باطلا نوشته و خود دیوان درحدود (۹،٤۵۰) بیت است .

پنج مجلس نقاشی دارد (یکی از آنها چینی و ظریف است) که مطالب و معانی

(۱) دوشرح از دیوان حافظ در کتابخانه مجلس موجود ودر فهرست آینده معرفی خواهد شد .

پنج غزل را که در ذیل آنها کشیده شده اند مجسم مینمایند ، نسخه در قرن دوازدهم متعلق بدانشمندانی ترك نژاد بوده و یادداشتها و مهرهای اسم آنها پشت صفحهٔ نخستین و اطراف صفحات دیده میشود .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٢٢٧). صفحه‌ای (١٢) سطر . طول (١٩ سانتیمتر) . عرض (١٠ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (١٩٩) .

(١١٨١)

دیوان حافظ و دیوان قاسم انوار

این نسخه بسال ١٠٠٥ بامر علی بن نظام در شهر لار (از توابع فارس است) بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده صفحه دست راست را اشعار حافظ (در حدود ٥٠٠٠ بیت است) ودست چپ را دیوان قاسم انوار (قاسمی) (نیز در همان حدود از ابیات است) نوشته وتا پنج برگ بآخر مانده همین کار را کرده وچون دیوان خواجه بآخر رسیده تمام پنج ورق را از اشعار قاسمی پر کرده وملتزم شده که در آخر صفحه غزل هریك را تمام کند ، دو صفحه اول هریك دارای سرلوحی زیبا واطراف آنها تذهیب ونقاشی گردیده ومیان سطرهای آنها طلا اندازی ونقاشی شده ، چندین برگ ازاول وآخر وصّالی شده ونام کاتب ازمیان رفته است .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٣١٠) صفحه ای (٢٠) سطر . طول (٢٨ ½ سانتیمتر) . عرض (١٤ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٠٢) .

(١١٨٢)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب عرشاه بن محمد حسینی الاستادی (کذا) بسال ١٠٤٧ نوشته ، در آغاز دیباچه وقصائد وغزلیات هر یك یك سرلوح زیباست و اطراف دو صفحهٔ اول هر کدام تذهیب برگ موی اعلا گردیده ومیان سطر هـای آنها طلا اندازی شده وابتداء غزلها نیز تذهیب گردیده وصفحات بجدول بطلا ولاجورد و زنگار میباشد ، شمارهٔ غزلیات این نسخـه از دو نسخهٔ پیشین کمتر و در حدود (٤١٥٠) بیت میباشد ، چند برگ از آخر نسخه باکمال مهارت واستادی وصّالی

شده ، دو برگ از دیباچه میان قصائد صحافی شده ، پشت صفحه اول نسخه و
آخر صفحهٔ آخر یادداشتهائی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱٤) .

(۱۱۸۳)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه بخط نستعلیق (خوب ظاهرا در قرن دهم) نوشته شده ، مالك نسخه در مقابل بسیاری از غزلها تاریخ تفأل وقصد خود را ذکر نموده وقدیمترین تاریخیکه‌در آن واضح است بسال ۱۰۸۸ ودرمقابل این غزل است : دیدم بخواب خوش که بدستم پیاله بود الخ . اوراقی ازاول وآخر آن افتاده ، صفحه اول وآخر نسخه نونویس و بخشی از دیباچهٔ محمدگل اندام و رباعیات براین دو نگارش یافته ، پاره ای از برگها وصالی شده ، برخی هم نیازمند میباشد ، پیش‌از شروع غزلیات قصائد و ترکیب بند ومخمس حافظ نوشته شده ودراوّل‌غزلیات سرلوحی موجود واطراف ومیان سطرهای دو صفحه اول‌غزلیات تذهیب گردیده ، ابیات افتاده ونسخه‌بدلهائی درحاشیه نگارش یافته ودرحدود (۷۱۵۰) بیت است .

جلد روغنی گل وبوته وظرف داخل‌ترکس . کاغذ ختائی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۲۲۷) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱/۲ ۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۱۳) .

(۱۱۸٤)

دیوان حافظ شیرازی

این نسخه‌را بخط نستعلیق نوشته اند ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهرا درنیمه اول قرن سیزدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات ومقطعات وساقی نامه ها ورباعیات است و در حدود (٤۷۰۰) بیت میباشد ، یك سرلوح دارد وتمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۹۸) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۸) .

[۵۲۳] دیوان حسان بن ثابت (عربی)

حسّان بن ثابت بن المنذر بن حزام انصاری مدنی متوفی بسال ۵۴ (۱) شاعر و مدّاح حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله میباشد ، مورخین اتفاق دارند که یکصد و بیست سال چون پدران خویش زندگانی نمود ، نیمی از آنرا در جاهلیت گذرانیده بود و نیم دگررا در اسلام بپایان رساند ، نابغه جعدی و اعشی را دریافته و شعر خود را بآنها عرضه داشته و هر دو اعتراف بخوبی آن نموده اند .

گویند که چند نفر از قریش چون ابن الزبعری ، ابی سفیان ، نوفل بن حرث ، عمرو بن العاص و ضرار بن الخطاب پیغمبر اکرم را هجا میگفتند ، حسان مقابله به مثل نمود و آنهارا هجاها گفت (در دیوان وی بسیار هجای این اشخاص دیده میشود) ، آنها پس از این ترك هجا کردند و این چند بیت از قصیده‌ایستکه در فتح مکه و هجاء کفّار سروده است :

الا ابلغ اباسُفیان عنّی فاَنت مجوف نخب هواء
بانّ سیوفنا ترکتك عبداً و عبدُ الدّار سادتها الإماء
هجوتَ محمّداً ص فاجبتُ عنه و عندالله فی ذاك الجزاء
اتهجوه ولستَ لهُ بِكُفوءٍ فشرّ كما لخیر كما الفداء

در دیوان وی مدائح و هجاها و مراثی ثبت شده ، صاحب روضات از شیخ مفید نقل نموده که حسان پس از پیغمبر ص از حضرت علی بن ابی طالب بسیار انحراف داشت و از تابعین عثمان بن عفان بود و مردم را از آنحضرت برمی گردانید و بمعاویه میخواند .

در دیوان وی رثاهای متعدد درباره خلیفه سوم دیده میشود اگرچه تصریحی

(۱) در معجم المطبوعات س ۷۵۲ بنقل از اغانی و خزانة الادب و جمهره وفات حسّان بسال ۵۴ ثبت گردیده و در شذرات الذهب (ج ۱ ص ۶۰) و روضات الجنات (ص ۳۹ ج ۲) نیز در همین سال ضبط گردیده ولی در این کتاب اخیر گوید که وفات ویرا بسال ۴۰ نیز نوشته‌اند .

بر آن معنی که نقل گردید در مطالعه مختصر خویش نیافتم ولی توجه کامل و اعتقاد زیاد وی از رثاهای متعدد بخوبی واضح و آشکار است .

این دیوان شامل از اقسام شعر مذکور میباشد و مکرر در اروپا و تونس و بمبئی و مصر و لاهور چاپ گردیده است .

آغاز : قال حسان رضی‌الله‌عنه یوم فتح مکّه

عَفَتْ ذاتُ الاَصابعِ فالْجِواء   اِلٰي عَذْراء مَنْزِلُها خلاء

(۱۱۸۵)

دیوان حسان‌بن‌ثابت این نسخه بخط نستعلیق خوب بدون تاریخ نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین بسال ۱۲۸۴ ورود آن به کتابخانه اعتضادالسلطنه یادداشت شده ، از طرز کتابت و کاغذ بایستی درهمین سال یا کمی پیش از آن نگاشته شده باشد ، درحاشیهٔ برخی از صفحات معانی بعضی از لغات مشکلهٔ اشعار از کتب لغت نقل گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شمارهٔ اوراق (۹۰) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۶) .

|۵۲۴| دیوان حسن دهلوی (فارسی)

نجم‌الدین حسن‌بن علی سنجری دهلوی معاصر با امیرخسرو دهلوی است و هر دو دست ارادت به نظام‌الدین اولیا داده اند ، در شرح حال این دو شاعر سخن سنج مذکور است که روزی امیرخسرو با نظام‌الدین اولیا میگذشت بر در دکان نانوائی حسن را دید که در منتهی درجه لطافت و حسن صورت نشسته و نان میفروشد ، پیش رفت و پرسید نان چگونه میفروشی حسن گفت : نان در ترازو میکنیم و خریدار را میفرمائیم تا مقابل آن زر می‌نهند هرگاه زر گران تر می آید مشتری را روان میکنیم خواجه خسرو گفت اگر خریدار مفلس باشد مصلحت چیست گفت درد و یار را بوجه برمیگیریم خسرو از این گونه سخنان موزون حسن حیران ماند و کیفیت بشیخ عرضه کرد . خواجه حسن را درد طلب دامن گیر شد و بخانقاه شیخ در آمده ترک دکان داری نمود ، آتش عشق حسن در امیرخسرو شعله ور گردید ، حسن نیز او را

دوست داشت چون دو مغز دریك پوست و یك جان در دو قالب شدند ، داستان عشق آنها زبان زد مردم گردید ، بگوش پادشاه زمان علاءالدین فیروزشاه رسید ، حسن را که مقام ملازمت پیدا کرده بود از رفتن بخانه امیرخسرو بازداشت ، ولی سودی نه‌بخشید و باز با خسرو آمد و شد داشت و شهرت این عاشقی روزافزون میگشت پادشاه روزی برای نافرمانی بردست حسن تازیانه زد ، پس از آن از همان راه بخانه امیرخسرو در آمد ، چون این خبر بپادشاه رسید عشق مجازی را بزیور حقیقت آراسته یافت خسرو را طلبید و حسن را نیز بحضور خواست و تحقیق نمود که عشق آنها شایبهٔ هوا و هوس دارد یا از این نقص بری است از بوته امتحان چون زر خالص و ناب پاك بدر آمدند باوجود این از خسرو برهان و دلیل خواست ، گفت دوئی از میان ما برخواسته و دست از آستین بیرون آورده که «گواه عاشق صادق در آستین باشد» و نمود که اثر تازیانه که بر بدن حسن زده شده بر بدن وی ظاهر گردیده و این رباعی از شیخ عراقی خواند :

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست تا کرد زمن تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت نامیست زمن برمن و باقی همه اوست

در تذکره دولتشاه (ص ۲۴۷-۲۴۹) و مجالس العشاق (مجلس ۳۴) و مجمع الفصحا (ج ۱ ص ۱۹۶-۱۹۷) و تذکرهٔ خوشگو و هفت اقلیم ص ۳۰۰-۳۰۲ که در هنگام نگارش این شرح مراجعه گردیده از تاریخ حیات و زمان مرگ و دیوان وی معرفی نشده ، در تاریخ مفصل ایران آقای اقبال شرحی در باره این شاعر عارف نوشته و مرگ اورا بسال ۷۲۷ در دولت آباد هند معین نموده و در هفت اقلیم وفات او در دیوگیر ثبت شده است نسخه این کتابخانه در حدود (۶۴۰۰) بیت شعر و شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و چند مثنوی و رباعیات این شاعر میباشد و قصائد و غزلیات در مدح سلطان علاءالدین محمد بسیار دارد و در غزلی علاقه خود را باهل بیت پیغمبر اکرم ص آشکار کرده و گوید:

آزاد شد دل حسن از بند هرغمی کوبندهٔ محمد و آل محمد است

دربارهٔ خط خوب خود گوید :

بنده حسن زخط خوشش نسخهٔ کند   هر که که عرضه داشت کند پادشاه را .

حسن دهلوی را سعدی هندوستان گویند وخود وی هم خواسته که چنین باشد و در مقطع غزلی گوید :

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری   جلد سخنش دارد شیرازهٔ شیرازی .

وچنانکه در ص ۵۱۷ نقل گردید امیر خسرو هم نظیر این بیت را دربساره خود گفته بود .

آغاز : ای حاکم جهان وجهان داور حکیم   محدث همه بدایع و تو مبدع قدیم .

(۱۱۸۶)

دیوان حسن دهلوی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگ آخر نسخه که ظاهرا شامل تاریخ نگارش و نام نویسنده بوده برداشته‌اند ، پشت صفحه نخستین یادداشتهائی باتاریخ میباشد که بیشتر از همه آنها آنست که بسال ۱۰۵ (کذا) که ظاهرا مراد از آن ۱۰۰۵ بوده نگاشته شده وتصور میکنم که از خطوط اوائل قرن دهم هجری باشد . دو صفحهٔ اول کتاب تذهیب و نقاشی بسیار ظریفی دارد و صفحات نسخه مجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . نظم وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۶۸) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۰) .

[۵۲۵] دیوان حسن غزنوی (فارسی)

سید حسن بن ناصر علوی ملقب به اشرف الدین از شعرا و عرفای عصر بهرامشاه غزنوی ومعاصر حکیم سنائی بوده و در مقام سیر وسلوک مقاماتی یافته ، پادشاه هم نسبت بوی لطف ومحبت داشته ، چون دید که پای منبر ارشاد وافادهٔ وی هرروز درحدود هفتاد هزار کس می‌نشیند وبیشتر آنها ازمریدان وپیروان وی اند صلاح کشورداری خود ندید که درغزنین باشد ، سید هم چون این معنی را دریافت بعزم زیارت کعبه از آنجا رخت بربست ، چون بمدینه طیبه رسید ترجیع بندی در نعت

حضرت رسالت‌صعم انشاء و این یك بیت‌را درتاریخ گزیده حمدالله‌مستوفی از آن نقل نموده :

لاف‌فرزندی‌نیارم‌زددرین‌حضرت‌ولی خدمتی‌گفتم زحضرت‌خلعتی‌بیرون‌فرست.

دیوان وی شامل مدائح بسیار از بهرامشاه میباشد ودر قصیده ایکه این بیت مطلع آنست :

چون ز غزنین کردم آهنگ ره هندوستان

از سپاه روم و خیل زنگ می بستد جهان

تشریح نموده که در این سفر بهرامشاه نیز باو در یك کشتی بوده و او را مدح بسیار نموده و گوید :

اینچنین راهی مرا خوشتر زبرگشتن بود

در پناه رایت منصور سلطان جهان

هدایت درریاض‌العارفین (ص۱۸۵-۱۸۶) که معرفی‌ازاین‌عارف شاعرنموده وفات ویرا بسال ۵۳۵ پس‌ازبرگشتن ازحج وتکریماتی که ازطرف سلاطین‌عصر نسبت بوی شده در جوین اسفرائین ثبت نموده وهمودرص ۲۹۲ ج ۱ مجمع‌الفصحا که‌دوباره بمعرفی‌وی‌پرداخته‌گوید‌بسال۵٦۵وفات‌یافته‌ودیوانش‌پنجهزاربیت‌است و درحاشیهٔ ص ۲۲۰ ج ۲ سخن و سخنوران وفات سید حسن غزنوی مطابق مجمع-الفصحا ثبت‌گردیده وبطلان قول اول‌را این‌بیت‌که درص ٤ نسخه زیرین دیوان اوست ثابت میکند :

از بعد پانصد و چهل و پنج گوبیا در من نگرکه معجزهٔ جد خود منم

و در آتشکده چاپی (ص۱۰٦) وهفت اقلیم ص ۲٦۱-۲٦٦ و تذکره دولتشاه ص ۱۰٤-۱۰٦ تاریخ وفات وی ثبت نگردیده است .

(۱۱۸۷)

دیوان حسن غزنوی

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، ظاهراً از خطوط نیمه اول قرن سیزدهم هجری است ، دیوان مختاری بدین نسخه پیوسته است و در

همین فصل معرفی خواهد شد ، و این دیوان که بدین بیت شروع شد :

داند جهان که قره عین پیمبرم   شایسته میوهٔ دل زهرا و حیدرم

برحسب شمارهٔ دقیق (۱۲۸۰) بیت از قصیده و غزل و ترجیع بند میباشد و بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده است .

جلد تیماج . کاغذ نرمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق دو دیوان (۱۱۸) . این نسخه (۳۷). صفحهٔ (۱۹) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۱۸۵) .

[۵۲۶] دیوان خاقانی شروانی (فارسی)

خاقانی را در ص ۴۶۳ - ۴۶۶ معرّفی کرده‌ایم ، دیوان وی شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات میباشد چنانکه در ص ۴۶۶ نقل کردیده شمارهٔ ابیات دیوان وی را (۲۲۰۰۰) نوشته‌اند ، دیوان وی بنام کلیات سه بار که آخرین آنها بسال ۱۳۲۵ بوده درهند چاپ گردیده و شامل (۲۲۰۰۰) بیت عربی و فارسی میباشد ، در سخن و سخنوران (بخش اول از جلد دوم ح ص ۳۲۲) تذکر داده شده که در نسخه چاپ هند اشعار دیگران نیز مندرج گردیده و نیز بسال ۱۳۱۷ خورشیدی بتصحیح دانشمند معاصر آقای عبدالرسولی استاد ادبیات دانشگاه دیوانی از خاقانی در حدود (۱۷۰۰۰) بیت در طهران چاپ ممتازی گردیده است.

در اشعار خاقانی مشکلاتی از حیث لغت و معنی وجود دارد دانشمندانی بشرح آنها پرداخته‌اند و در این فصل و در فهرست کتابخانه شوش چند شرح بر این دیوان را معرّفی خواهیم نمود .

آغاز :

دل من پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش   دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش
نه مردی این دبستانست مرکز جنبش در دی   بهر دم چار طوفانیست در بنیاد ارکانش (۱)

(۱۱۸۸)

دیوان خاقانی شروانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۰۲ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، برگهائی از اول آن افتاده ، برخی از برگهای کنونی در اول نسخه نویس و پاره ای از

(۱) در نسخهٔ این کتابخانه بیت دوم بدین نحو نوشته شده و نویسنده در تصحیف و تحریف آن اعجاز کرده است .

برگها وصّالی شده ، برحواشی نیمه اوّل برگهای دیوان تعلیقات وحواشی نگاشته شده ، بر برگ نتوشته‌ای که پیش از نسخه بوده و وقفنامه مدرسه بر آن نوشته شده یادداشتی بوده محو گردیده و برحسب شمارهٔ دقیق در این نسخه از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات در حدود (۱٤۲۰۰) بیت میباشد و ابیاتی چند از معاصرین که موجب انشاء قصائد یا قطعه هائی بوده نیز در این نسخه از دیوان وجود دارد .

جلدتیماجی مذهّب . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۷ ½ سانتیمتر) . عرض (۱٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۳) .

(۱۱۸۹)

دیوان خاقانی شروانی

این نسخه بخط ستعلیق خوب بسال ۱۰۱۳ نوشته شده پیش از شروع بهنگارش دیوان ، تحفةالعراقین خاقانی نوشته شده و خصوصیات آن در ص ٤٦۷ گذشت ، این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و در حدود (۱۳۷۵۰) بیت میباشد ، دو سرلوح زیبا یکی در ابتداء قصائد و دیگری در آغاز غزلیات دارد نسخه زیر شمارهٔ (٤۱۰) در کتابخانه ثبت گردیده ودر ص ٤٦۷ خصوصیات دیگر آن زیر معرّفی تحفة العراقین زیرشمارهٔ (۱۱۰٦) نگاشته شده است .

[۵۲۷] دیوان امیرخسرو دهلوی تحفةالصغر (فارسی)

شرح حال و آثار امیرخسرودهلوی را درص۵۱٦-۵۲۰ نگاشته‌ام و در آنجا تذکر داده شد که چهاردیوان داشته ، نسخه های زیرین «تحفةالصغر» یا نخستین دیوان وی میباشد و در حدود (۱٤۰۰۰) بیت از غزل (مرتب بحروف تهجی بحسب ردیف ها میباشد) و قطعه و رباعی میباشد و خود بر آن دیباچه‌ای نیز نگاشته ولی نسخ این کتابخانه فاقد آنست .

آغاز : حمد رانم بر زبان لله رب العالمین

آنك جان بخشید در قرآن هدی للمتقین الخ .

(۱۱۹۰)

دیوان امیرخسرو دهلی تحفة الصغر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، در میان اوراق غزلیات ردیف واو یك صفحه مجلس نقاشی چینی بسیارظریف که مجلس بزم پادشاه و رقص دائره ای را مجسم مینماید و از بالا تا پائین صفحه را فرا گرفته موجود و در قسمت بالای آن، این جمله بخط ثلث بسیارخوب نگارش یافته :

باشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظّم ابو الغازی سلطان حسین بهادر خلد ملکه فی شهور سنة ست وثمانین وثمان مائه .

دو صفحهٔ نخستین نسخه دارای دو سرلوح و اطراف آن تذهیب ونقاشی‌های بسیارممتاز ومینا کاریهای ظریف گردیده ، دست حوادث چون بسیاری از صفحات این دو صفحه را ناقص کرده ولی با کمال مهارت و استادی وصّالی گردیده و با دقت کامل تشخیص داده میشود ، عناوین غزلها و قطعات با لاجورد و طلا نوشته شده وظاهراً نگارش آن بسال ۸۸۶ که تاریخ مجلس نقاشی مذکور میباشد، بوده است .

چند غزل اول سائر نسخ دراین نسخه نیست وبدین بیت شروع گردیده :

ای بدر ماندگی پناه همه — رحمتست عذرخواه همه

از رباعیات هم بخشی افتاده و آخرین رباعی که در آخر نسخه کنونی میباشد کلماتی از آن محو شده و نواقص آن درست تکمیل نشده و در نسخهٔ زیرین صحیح آن نگاشته شده ، تمام صفحات جدول بطلا ولاجورد و اطراف عناوین غزلیات وغیره تذهیب گردیده و بسیاری از صفحات وصّالی گردیده است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۴۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۶۱) .

(۱۱۹۱)

دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة الصغر

این نسخه دراواخر قرن نهم هجری بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از شمارهٔ سال تاریخ ۸۹ باقی مانده و آحاد آن محو گردیده ، برگ نخستین نونویس و پاره از برگهاو صّالی گردیده رطوبت بعضی از سطرها را خراب نموده و شامل غزلیات و مقطعات ورباعیات وفردهاست ، دیباچه نثری را نیزندارد ، عناوین بالاجورد وطلا نوشته شده و صفحات بجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها (۳۶۰) . صفحه‌ای (۱۴)سطر. طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۱۷۱).

(۱۱۹۲)

دیوان امیرخسرو دهلوی تحفة الصغر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، اطراف دو صفحهٔ نخستین باطرزی خوش وظریف تذهیب و نقاشی ومینا کاری گردیده ومیان سطرها طلااندازی شده ، اطراف چند صفحه دراوائل نسخه تذهیب گردیده ، صفحات بجدول بطلا وعناوین نیز باطلاست ، برگهائی از آخر نسخه افتاده وبعضی ازاوراق هم وصّالی گردیده وظاهراً دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۵۳۱) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۴ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۶۸) .

[۵۲۸] دیوان امیرخسرو - غرة الکمال (فارسی)

غرّة الکمال سوّمین دیوان امیر خسرو دهلوی است که در ص ۵۱۶ - ۵۲۰ بشرح حال او پرداخته ایم ، چنانکه خود در دیباچه این دیوان نوشته اشعاری که ازسال ۶۸۵-۶۹۳ که ازسال ۳۴ تا ۴۰(۱) عمرخود سروده در یك مجلّد گذارده

(۱) تاریخ سنهٔ خمس وثمانین وستمائه که سی وچهار سال بودم که تا غایت شهور سنه ثلث و تسعین و ستمائه که چهل سال‌شدم هرنقدی که محرران در دیوان کارخانه خرج شود انشاءالله درین دیوان کارخانه‌خرج شود آنانکه طغرای بی‌مثال دارد اگر بیشتر توقعات کالبدیست (عین عبارات ورق ۳۶ نسخه است و چنانکه دیده میشود اغلاطی در تاریخ مذکور و عبارات یافت میشود) .

و آنرا «غرة الکمال» نام‌نهاده چنانکه دو دیوان انشائی پیش ازاین را «تحفة الصغر» و «وسط الحیات» نامیده است این دیوان شامل چند بخش میباشد که زیر این سطر نگاشته میشود :

۱ ـ دیباچه ای بنثر ونظم که در آن ابیات عربی امیرخسرو دیده میشود وخود اعتراف نموده که ازعهده شعر عربی گفتن برنیامده ومعذرت خواسته است واطلاعات سودمندی ازحالات خود و خانواده اش دراینجا یافت میشود واین بخش درچهل برگ درمتن و حاشیه نوشته شده ودرحدود (۱۹۰۰) بیت میشود .

۲ ـ قصائد و چند قطعه است که از برگ ٤۱ تا ۱۰٦ را شامل و در حدود (۳۷۰۰) بیت است .

۳ ـ قطعات شامل مطالب توحیدی ونعت و منقبت و عرفان و تصوّف وغیره ازبرگ ۱۰٦ تا ۱۱۵ درحدود (۵۰۰) بیت .

٤ ـ درمتفرقات ازقبیل هزل وذم واستهزاء ومطایبات وشکایات وغیره ازبرگ ۱۱۵ تا ۱۱۸ در حدود (۱۷۰) بیت .

۵ ـ فتحنامه یا « مفتاح الفتوح » که به وزن مثنوی وبسال ٦۹۰ انشاء آن خاتمه یافته ازص ۱۱۸ تا ۱۳۲ ودرحدود (۸۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست .

سخن برنام شاهی کردم آغاز — که مرشاهان در دولت کند باز

٦ ـ نامه‌ایست که به‌برادرخود تاج‌الدین‌زاهد بیزبوزن مثنوی انشا و از برگ ۱۳۳ تا ۱۳۷ را فراگرفته و درحدود (۲۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

عنوان این‌نامه که جان دروسرشتم — هرحرف بخون دل نبشتم

درخدمت مکرم گرامی — زاهد بهمه هنر تمامی

توحید سرنامه بنام ایزد پاك — کاورد پدیدمردم ازخاك .

آغازنامه مخدوم برادر گرامی — چون خود بهمه هنرتمامی

۷ ـ چند مثنوی کوچك دروصف اسب و عمارات شاهی است در (۳۳۰) بیت ازبرگ ۱۳۷ تا ۱٤۳ .

۸ ـ مثنوی بنام « بازنامه » است که در برگ ۱٤٤ تا ۱٤۸ نسخه نوشته شده و درآن بمدح و اندرز پادشاه وقت پرداخته و درحدود (۲۲۰) بیت میباشد .

۹ ـ غزلیات است که ازبرگ ۱٤۷ تا ۱۸۰ میباشد ودر حدود (۱۸۵۰) بیت میباشد ومرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیفها نیست و بدین بیت شروع میشود :

ای زخیال ما برون درتو خیال کی رسد   با صفت توعقل را لاف کمال کی رسد

۱۰ ـ رباعیات امیرخسرو است و چند ورق آخر نسخه جای آن پیشتراست وازمیان رباعیات یك یاچند برگ افتاده واین بخش از برگ ۱۸۰ تا ۱۹۳ نسخه میباشد ودرحدود (۲۸۰) بیت است .

وبنا برمحاسبهٔ نام برده این دیوان درحدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد .

(۱۱۹۳)

دیوان امیرخسرو دهلوی غرة الکمال

این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ازاسلوب آن بدست می آید که نویسندهٔ آن هندی و یك سرلوح ظریف بسبك هندی دارد ، ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته ، صفحات بجدول بطلا ولاجورد وعناوین باشنجرف نگارش یافته بدبختانه اغلاط زیاد داردوبرخی ازبرگهاوصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۹۳) . صفحه‌ای (۱۷ سطر درمتن ۲٦ درحاشیه) . طول (۲۸ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۷۰) .

[۵۲۹]   دیوان داود   (فارسی)

محمد **داود** فرزند میرزا **عبدالله** است که از اجلّه سادات عالی‌درجات اصفهان بوده وعشق(۱) تخلص میکرده . چنانکه خود محمدداود در قطعه‌ای ازقطعه‌های این

(۱) در این بیت :

(زاده عشق مصرعی حواند برسم تعمیه   قصر جهان‌نما شده آئینه جهان نما)

که درآخر قطعه‌ایست اشاره به تخلص پدر کرده است .

دیوان تصریح نموده بسال ۱۰۶۵ در اصفهان متولد شده ، واز مثنوی وی که در شرح مسافرت بخراسان بعنوان تولیت آن آستان سروده شده و در این دیوان موجود است مسلّم میشود که این‌مقام را دارا شده ودر ص۳۲۷ ج۲ مطلع‌الشمس نوشته شده که بسال ۱۱۰۹ دارای این مقام گردیده ودر آتشکده آذر (ص۱۸۰) ثبت شده که در همانجا وفات یافته ولی دراین دو مآخذ که نام ونشانی از این‌شاعر یافتم معلوم نشد که تا چه سال در اینجهان بوده ولی از قطعه‌ای که در تاریخ فوت میرزا محسن نام سروده و جمله «آه ازتأثیر آه» را که سال ۱۱۳۱ معیّن میکند ماده تاریخ وفات وی یافته بدست آمد که ۶۶ سال مسلّماً دراین جهان بوده ودرحاشیهٔ ص۱۵۵ نسخهٔ تذکرهٔ دولتشاه شمارهٔ ۲۷۲۷ این کتابخانه این‌ماده تاریخ‌موجود: ذیحجه فغان (۱۱۳۱) بودومحرم (۱۱۳۲) افغان . بهاین‌شاعر متولی‌مشهدنسبت‌داده شده است . و پس ازاین‌معلوم نیست که چند سال زندگانی کرده وچنانکه خود و دیباچه نویس بدیوانش تصریح کرده‌اند نام وی **محمد داود** (۱) است .

محمد رضی‌بن‌محمد شفیع (دریکی از ابیات‌مثنوی موسوم به «نمکدان دین» که در وصف مجلس خصوصی شاه سلطانحسین و افراد این محفل میباشد از میرزا رضی نام‌برده و گوید : گرمی هنگامه بزم شهی بود ز گرمی حضرت میرزارضی) برحسب خواست شاعر دیباچه ای باکمال پیچیدگی که اسامی بسیاری از شعرای پیشین تامعاصرین در آن گنجانیده شده بر این دیوان نگاشته ودر آن اشاره بلکه تصریح گردیده که‌این‌دیوان شامل قصائدوغزلیات‌ومثنوی‌ها و مقطعات‌وترکیب‌بند و ترجیع ها و رباعیات میباشد و تاریخ این نگارش را در آخر چنین نگاشته :

«درصفحه روزی که راقم دیوان روزگار بقلم زرّین خورشید در ورق اول جزو چهارم مجلد دهم دفتر اول کتاب دوم زمانه سطر چهاردهم را می‌نگاشت صورت تسوید یافت» . بنا براین صبح چهاردهم محرم سال ۱۰۹۴ به انشاء این دیباچه مبادرت نموده و با بردانستن سال تولد وی واین‌تاریخ ، شاعر در اینسال ۲۹ سال داشته ومندرجات دیوان که حاکی از موی سفید و پیری و ناتوانی شاعر میباشد و ماده تاریخهای متعدده که همه از سال هزاروصد بالاتر است و مثنوی

(۱) بیت اول قطعه اینست : ظالم شده سر کشته محمد داود عاصی رو سیه بامید عفو وغفران

مسافرت نامه وی به خراسان که بنابر ضبط درمطلع الشمس بسال ۱۱۰۹ بوده منافات با این تاریخ دارد بنابراین یا این عبارات معنی دیگری را میرساند که فهم نگارنده بدان نرسیده و یا اینکه در ایام جوانی و آغاز شاعری که شاعر شور جوانی و انتساب به سلاطین صفویه هم داشته محمد رضی را وادار بر دیباچه نویسی کرده و آنچه پس از آن بر دیوان اضافه شده نیز بران دیوان پیشین افزوده است

و از این بیت : «بود ببزم شه خورشید شان بنده بیقدر هم از حاضران» که در مثنوی «نمکدان دین» میباشد معلوم میشود که از مقربان پادشاه بوده، آذر در آتشکده هجو ملیحی از وی کرده و گوید : « در اکثر اوقات بصحبت فضلای شعرا مشغول و خود نیز صاحب دیوان بوده دیوانش مطالعه شد این یك شعر از تمامی دیوان وی انتخاب گشت و باسم تخلص میکند ازوست :

نگوید آنکه بداند چگوید آنکه نداند بحیرتم که سراغ وصالت از که بگیرم

و این شعر نیز از قصیدهٔ اوست که در مذمت دنیا گفته بد نگفته :

دارد برخ این دخترك از پارهٔ دلها بزك

اشك یتیمانش زرك خون شهیدانش حنا(۱) »

شمارهٔ ابیات این دیوان موافق مندرجات نسخهٔ زیرین در حدود (۸۰۰۰) بیت است .

آغاز دیباچه : لوامع حمد و ثنائی که چون کوکبهٔ تباشیر در مطلع بندگی ظهور نماید الخ .

آغاز غزلیات :

نیست با عفو تو پرواز کند کردنها مدّ غفران تو گردیده رگ گردنها

(۱۱۹٤)

دیوان داود

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش و اینکه در برخی از جاها بخشهائی ننوشته و بخش بعد را

(۱) بیت اول را در دیوانش پیدا نکردم و بیت دوم از قصیده‌ایست که ۱۹۵ بیت میباشد و مطلع آن اینست :

شد مو بر خسارت سفید ای خواجه همدانی چرا یعنی که باید رو نهی زین جاده تا شهر فنا

نگاشته اند استفاده میشود که از روی نسخه اصل که هنوز کامل نشده نوشته شده و پس از دیباچه شامل چند قصیده ، غزلیات مرتب بحروف تهجّی بر حسب ردیفها ، مثنوی مسافرت نامه از اصفهان تا مشهد مقدس (این مثنوی گذشته از اینکه ابیاتی لطیف دارد نام یك بیك منازل میان این دو شهر نامی ایران را در آن زمان معیّن مینماید و بسیاری از امثال را در آن مندرج ساخته) ، زبور العاشقین این نیز مثنوی است و شامل تعریف سراپای محبوب میباشد و خود وی در انجام آن گوید :

چو تعریف سراپا یافت اتمام زبور العاشقینش ساختم نام) ، مقطعات در تاریخ بناهای شاهی و وفیات اشخاص ، مثنوی « نمکدان » در بیان مجلس خاص پادشاه و افراد آن و نقل مطالب دینی که در آن مجلس گردیده است ، ترجیع بند و ترکیب بند (فقط این قسمت به ترکی است) .

دارای هفت سرلوح زیباست و اطراف صفحه ایکه سرلوح نخستین میباشد و صفحهٔ مقابل آن تذهیب و نقاشی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد . جلد میشن ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قلم وزیری . شمارهٔ برگها (۳۱۹) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۶) .

| ۵۳۰ | دیوان ذوالرّمه (عربی)

ابوالحرث(۱) غیلان بن عقبة بن مسعود بن حارثة بن عمرو بن ربیعه عدوی (۷۷-۱۱۷)(۲) مشهور به **ذوالرّمه**(۳) از مشاهیر شعرای عرب بوده و گوینده وی شاعرترین عرب میباشد و شعر به امرؤ القیس آغاز و به ذوالرّمه با نجام رسیده است در ص ۱۷۸ فهرست ابن الندیم کتابی بنام « اخبار ذی الرمه » به هارون بن موسی بن

(۱) در فهرست دارالکتب کنیه ذوالرّمه ابوالحسن تصحیف گردیده در صورتیکه در همهٔ مآخذ ابوالحرث ثبت شده است .
(۲) در ص ۴۰۴-۴۰۶ ج ۱ وفیات الاعیان و ص ۱۷۱ ج ۳ روضات و ص ۹۱۳ معجم المطبوعات ازین شاعر معرّفی گردیده و سال تولّد و وفات بدین گونه که در پیوست ثبت گردیده است .
(۳) در روضات نقل از شرح شواهد سیوطی نگارش یافته که این شاعر را بمناسبت اینکه روزی بندی بردوش داشت و زن خود را که میّه نام داشته و بر او آب خواسته آب داده و بدو گفته : **اشرب یاذاالرمه** این لقب داده شده و برخی گویند بمناسبت این مصراع وی **اشعث باقی رمة التقليد** او را ذوالرمه گفته‌اند و رمه بضم اوّل و تشدید و تخفیف دوم ضبط گردیده است .

عبدالملک که یکی از رواة وجامعین اخبار بوده و از آنهائی است که ابن ندیم بدون واسطه رسائل اورا نقل نموده ، نسبت داده شده است .

اصمعی گفته که ذوالرّمه به‌تشنگی جان داد و آخرین حرفی که زد این بیت بود :

یا مُخْرِجَ الرّوح مِنْ نَفْسی اذ اِحْتَضَرَتْ
وَ فارِجَ الکَرْبِ زَحْزِحْني مِنَ النّار

پشت نسخهٔ زیرین زیر عنوان **الجزء الثانی من شعر ذی‌الرمه** (۱) نوشته شده **عن الاصمعی** و در ذیل ابیات بشرح لغات وتوضیح مطالب و مراد آنها پرداخته شده و بدین سبب آنرا شرح این دیوان توان خواند ولی در فهرست ابن‌الندیم (ص۸۲) وبغیة‌الوعاة (ذیل عبدالملک) که بشرح حال اصمعی وذکر آثار او پرداخته شده ، شرح یا توضیح مشکلات این دیوان بدو نسبت داده نشده واین‌دیوان بسال ۱۹۱۹ م. درلندن درچاپخانه دانشگاه کمبریج چاپ گردیده است .

نسخه زیرین زیر ابیات کلمات مشکلهٔ آنها شرح و بیان گردیده و چنانکه از مطالب مندرجهٔ درفهرست دارالکتب‌العربیه (ج ۳ ص ۱۲۹) برمیآید نسخهٔ چاپی هم با این تقیدات است و استاد کارلیل انگلیسی حواشی برمتن و این تعلیقات و مقدّمه‌ای براین‌دیوان به انگلیسی نگاشته و درهمین صفحه تذکر داده‌شده که یکی از دو نسخهٔ خطی آن کتابخانه شامل قسمتهائی است که مانند شرح میباشد و منشی آنها ابوالفتح حسین بن علی بن ابی‌منصور عائذی (۲) است .

نسخهٔ زیرین بخش دوم ازاین دیوان میباشد و با تعلیقات در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد وبدین بیت شروع شده و بیان عائذی (ظاهراً) که در ذیل آن نگارش یافته اینست :

آغاز : بسمله عونَكَ اللّهم وقال ذوالرّمه ایضاً :

اَمِنْ دِمْنَةٍ جَرَّت بِها ذَیْلَها الصّبا لِصَیْداءَ مَهْلاً ماءُ عَیْنِكَ سافِحٌ

(۱) پس ازین کلمه بوده زیروصله رفته ومحو گردیده است .
(۲) در وفیات‌الاعیان وشذرات‌الذهب وبغیة‌الوعاة و روضات بنام وزمان وشرح حال‌این دانشمند دست نیافته‌ام ، وجود تعلیقات دراین نسخه ثابت میکند که پیش‌ازقرن هفتم برآن نگاشته شده است .

يُريدُ ماءُ عَيْنِكَ سافِحٍ اى سائِلٌ مِنْ اجل دَمْنَةٍ لِصَيْدآءِ ثُمَّ قالَ مَهْلًا آیْ كُفَّ و ذيل الرّيح ماءِ خيرها .

(۱۱۹۵)

دیوان ذوالرمّه

این نسخه بخط نسخ خوب نگارش یافته ، پشت صفحهٔ نخستین نوشته شده : کتبه جعفر بن شمس الخلافه .(۱) و در همین صفحه محمد مهدی عبدالرب آبادی که از دانشمندان قرن سیزدهم هجری و یکی از مؤلفین نامه دانشوران بوده شرحی درمعرفی از نویسنده نامبرده ، بنقل از وفیات الاعیان نوشته و یکی از مالکین نسخه تملک خودرا بسال ششصدوهشتاد واندی (مرتبه آحاد تاریخ سوراخ شده و بجای آن وصله زده شده است) نوشته و یادداشتهای دیگری نیز در این صفحه موجود است .

جلد جرمی ضربی بسیار ظریف . کاغذ ختائی . واقف سپهسالار . وضع خشنی . شمارهٔ اوراق (۱٤٦) . صفحه‌ای (۱٥) سطر . (طول ½ ۲۳ سانتیمتر) . عرض ½ ۱۷ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۳۳۷) .

| ٥۳۱ | دیوان رشید وطواط (فارسی)

رشید وطواط در ص ۳۳۹ - ٤٤٠ معرفی کرده ام و این دیوان شامل قصیده و غزل و قطعه و ترکیب بند ورباعی اوست نسخه زرین در حدود (٥۳۰۰) بیت میباشد و بیت هائی عربی ازرشید دراین دیوان هست و از ابتدا قصیده ایکه در برگ هفتم نوشته شده (۲۷) بیت افتاده و از حسن اتفاق ابیات درص ۲۲۳ ج ۱ مجمع الفصحا آن ابیات چاپ شده است .

آغاز : ای جاه توافروخته اعلام کبریا   جاه‌ست اعتقادتواز کبر و از ریا

(۱۱۹٦)

دیوان رشید وطواط

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در قرن دوازدهم نگارش یافته ، صفحات جدول به اکلیل و عناوین باشنجرف است .

---

(۱) در ص ۱۱۳-۲۱٤ ج ۱ وفیات الاعیان گوید وی ازدانشمندان و خوش‌خط بود و کتابهای بسیار نوشته وچون خوب وصحیح نوشته مرغوب است و دیوانی اطلس دارد . سال ۵٤۳ متولد وسال ٦۲۲ وفات یافته است .

جلد مقوائی ، کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۶۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٤۲) .

[۵۳۲] دیوان سید رضی (عربی)

درص ۱٤۹-۱۵۵ بشرح حال ومؤلفات سیّد رضی جامع نهج‌البلاغه پرداخته شد و درحاشیهٔ ص ۱۵۳ ازابن خلّکان نقل گردید که جمعی بجمع دیوان سیدرضی مبادرت کرده‌اند وبهتر ازهمه آنستکه ابوالحکیم خبری فارسی متوفی بسال ٤۷۶(۱) (درچهار مجلّد) گردآورده است .

درص ۵۱۳ ج ۱ کشف‌الظنون نگارش یافته که یکی از ادبا دیوان سیّدرضی را مختصر نموده وآنرا « انشراح‌الصدر » نامیده است .

این دیوان بسال ۱۳۰۶ در بمبئی و بسال ۱۳۰۷ در بیروت در دوجلد چاپ گردیده و درحاشیهٔ ص ۱۵۳ و۱۵٤ راجع باین دیوان مطالبی است .

آغاز :

(۱۱۹۷)

دیوان سید رضی این‌نسخه بخط نسخ نوشته‌شده ، نویسنده ازخود وسال‌نگارش نام نبرده ، ظاهراً درقرن سیزدهم نگاشته شده ، مرتب بترتیب حروف هجا برحسب ردیف های ابیات میباشد ودرآغاز آن بنام « جزء اول ازدیوان » نویسنده نسخه آنرا معرّفی کرده وتاقوافی حرف عین‌را شامل وبدین بیت نگارش نسخه خاتمه می‌یابد :

کَالنّصْلِ رَاقٍ عیوناً وراعا یُهابُ ویُرْجي لِرَیبِ الزّمان

جلد روغنی گل و بوته وازطرف درون نرگس (نیازمند تعمیراست) . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۲۰۰) . صفحه‌ای (۲۰) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷٤۷) .

---

(۱) درحاشیه ص ۱۵۳ و ۱۵٤ معرفی از این دانشمند گردیده است .
(۲) بحاشهٔ ص ۱۵٤ مراجعه گردد .

[۵۳۳] دیوان رودکی (فارسی)

رودکی از مشاهیر شعرای بزرگ ایران و به زیادی اشعار مشهور ، رشیدی شاعر گوید اشعار اورا شماره کردم یك میلیون وسیصد هزار بشمار آمد :

«گرسری یابد بعالم کس بنیکو شاعری رودکی را برسر آن شاعران زیبد سری
شعر اورا من شمردم سیزده ره صد هزار هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری »

ولی بدبختانه از آنهمه اشعار جز اندکی در دست ما نیست در تاریخ گزیده مؤلفه درحدود سال ۷۳۰ نوشته شده که اشعار بسیار داشته و اما اندکی مشهور است ولی اهمیت و مقام شعری رودکی را از بیانات شعرای مشهور معاصر و متأخر او میتوان دریافت :

دقیقی گوید :

کرا رودکی گفته باشد مدیح امام فنون سخن بود ور
دقیقی مدیح آورد نزد او چو خرما بود برده سوی هجر

سوزنی گوید :

رودکی وار یکی بیت زمن بشنودست بلعمی وار بدو بخشد صله فرمودست

عنصری گوید :

غزل رودکی وار نیکو بود غزلهای من رودکی وار نیست
اگرچه بکوشم بباریك وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست

نظامی عروضی گوید :

ای آنکه طعن کردی در شعر رودکی
این طعن کردن تو ز جهلست و کودکیست
کآن کس که شعر داند داند که در جهان
صاحب قران شاعری استاد رودکیست

از عبارت عوفی که در دهٔ دوم قرن هفتم هجری تألیف شده استفاده میشود که در آنزمان اشعار وی زیاد مشهور و دیوانش در دست بوده است .

برحسب تحقیق آقای نفیسی اینك درحدود ۸٤۰ بیت از رودکی بدین تفصیل :

قصائد و مقطعات ۳۶۲ بیت ، رباعیات ۶۴ ، ابیات پراکنده از قصائد و غیره ۲۲۴ ، مثنوی ۱۴۵ بدست آمده ودیوانی شامل ۱۱۵۴ بیت بسال ۱۳۱۵ هجری قمری بنام رودکی در طهران چاپ گردیده که برحسب تحقیق دانشمند بزرگوار آقای دهخدا و یادداشت درحواشی نسخه ای از آن که اینك دردست نگارنده میباشد کمتر از نصف این ابیات در کتب بیهقی وغیره به رودکی نسبت داده شده است .

از ابیات مسلمۀ رودکی نام و کنیه و لقب وی بدست نمی آید و عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به او بوده وی را زیر عنوان ابوعبدالله جعفر محمدالرودکی السمرقندی : معرّفی و گوید او را **سلطان شعرا** گفتندی و در تأیید خویش از **معروف بلخی** این بیت را نقل نموده :

از رودکی شنیدم سلطان شاعران کاندر جهان بکس مگرو جز بفاطمی

ودرچهارمقاله نظامی عروضی (ص ۳۱ و ۳۲ و ۳۳) که درحدود سال ۵۵۰ تألیف گردیده بعنوان رودکی و ابوعبدالله الرودکی نامیده شده و سمعانی (۵۰۶-۵۶۲) درالانساب اورا بدینگونه : ابوعبدالله جعفربن محمدبن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم الرودکی الشاعر السمرقندی نـام برده و گوید دیوان او درایران موجود و رواج میباشد ووفات او بسال ۵۲۹(۱) بوده وبلعمی وزیر گوید که مانندرودکی را درعرب وعجم نظیری نیست .

در تواریخ ثبت گردیده که رودکی بفرمان نصر بن احمد سامانی کلیله ودمنه را بنظم درآورده ولی بدبختانه جز ابیاتی چند از آن که درفرهنگ های فارسی باستشهاد آورده شده از آن اثری نیست آقای نفیسی در « احوال واشعار رودکی » برحسب محاسبه ای احتمال داده اند که این کتاب درحدود دهیجده هزار بیت بوده است .

رودك که رودکی بدانجا منسوب است در معجم البلدان (ص۸۳۳ ج ۲) بضم

---

(۱) در تاریخ وفات رودکی اقوال چندیست سال ۳۲۹ را سمعانی و شیخ متبنی اختیار و نردید میان ۳۲۹ و ۳۳۰ قول صاحب سخن و سخنوران و سال ۳۰۴ درمجمع الفصحا ودر هفت آسمان از مفتاح التواریخ سال ۳۴۳ نقل گردیده و گوید که در سلم السموات است که نظم کلیله را بسال ۳۲۰ نموده و از واله داغستانی نقل نموده : کتابی را بسال ۳۳۰ تمام کرده. وشاید مراد واله داغستانی همان کلیله ودمنه باشد ودرمقدمه دیوان جاپ طهران سال ۳۴۳ ترجیح داده شده است .

اول وسکون دوم وذال معجمه مفتوحه و آخر آنکاف ثبت گردیده و گوید از دهات سمرقنداست .

در لباب الالباب باکاف فارسی تشکیل گردیده ودلیل آنرا ندانستم .

آقای سعید نفسی بسال ۱۳۰۹و۱۳۱۰ خورشیدی کتابی در ۷۸۸ صفحه بنام «احوال واشعار رودکی» بامراجعهٔ به ۷۱ کتاب تألیف و در اطراف این شاعر مفصلاً بحث نموده اند و گذشته از مراجعه به این کتاب لباب الالباب ج ۲ ص ٦-۹ و حواشی آقای قزوینی بر ج ۱ لباب ص ۲۹۱ و چهار مقاله نظامی ص ۳۱-۳۳ و حواشی و تعلیقات آن (ص ۱۲۵ و ۱۲٦) و تاریخ گزیده (ورق ۱۸۰ نسخهٔ مدرسه) و تذکره دولتشاه (ص ۳۱-۳۳ چاپی و هفت اقلیم ص ۱۱۱۵-۱۱۲۲ و آتشکده آذر ص ۳۳۵-۳۳٦ و مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۳٦-۲٤۰ و هفت آسمان ص ٦ - ۱۳ و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۳ - ۱۰ مراجعه گردیده است .

(۱۱۹۸)

دیوان رودکی این نسخه را در ۳ رمضان المبارک بسال ۱۲۸۳ بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته اند و در محرم الحرام ۱۲۸٤ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشت شده : ترتیب آن چون دیوان چاپ سال ۱۳۱۵ میباشد ولی تمام ابیات این نسخه ۸۰٤ و ابیاتی چند در اینجاست که در آن نسخه نیست و آن نسخه در حدود ... این دیوان ابیات بیشتر دارد که برخی از آنها از قطران و دیگر شاعران میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۹) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱٤ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۳۸٦) .

| ۵۳٤ | دیوان سحاب (فارسی)

سید محمد حسینی متخلص به **سحاب** متوفی بسال ۱۲۲۲(۱) پسر سید احمد **هاتف** اصفهانی است که از مشاهیر شعرای متأخر بوده و در این فصل بمعرفی ایشان

(۱) شرح حال این شاعر در انجمن خاقان و ص ۲۰۷ ، ۲۱۲ ج ۲ مجمع الفصحا درج گردیده است .

خواهیم پرداخت، سحاب پیش پدر بتحصیل کمالات اشتغال داشته وازفن عروض و قوافی و شعر خصوصاً بهره‌ای یافته و از فن طب که پدر وی بدان مشهور و معروف بوده نیزبهره ای داشته ، دراوائل جوانی بمقتضیات آن میپرداخته، در اواسط عمر بمکه معظمه و مدینه طیبه مشرف گردیده و پس از برگشتن از آن آستان مقدس بمعرفی فتحعلی‌خان‌صبا ملک‌الشعرا قصائد وغزلیات وی بنظر پادشاه وقت فتحعلیشاه قاجار رسید مورد قبول یافت وملقب به مجتهد الشعراء گردید وبه مقام داروغگی دفتر خانه سر افراز گردیده وپس از ملک الشعرا صبا کس بپایه ومنزلت وی نبوده، دراواخر عمراز کارهای جوانی پشیمان شده ودرانجام طاعات وعبادات ساعی گشته و پس ازمرگ جسد اورا به نجف اشرف برده‌اند .

مشغول نوشتن تذکرهٔ شعرا بنام « رشحات سحاب » بوده ولی بآخر نرسانده رشتهٔ زندگانیش بآخر رسید ، رساله‌ای بنام « سحاب‌البکاء » در مراثی و جنگ‌های حضرت سیدالشهداء ع بنظم و نثر تألیف و راوی گروسی شهادت داده که پاکیزه انشا گردیده و دیوان شعر وی درمیان خاص وعام شهرت کامل دارد .

شمارهٔ ابیات سحاب را راوی در انجمن خاقان در حدود هشت هزار بیت و هدایت در مجمع الفصحا قریب پنجهزار بیت دانسته‌اند و دو نسخه زیرین که نظیر یکدیگراند هریك شامل درحدود (۴۰۰۰) بیت میباشد و ۲۰۰بیت ازاشعارسحاب درمجمع الفصحا چاپ گردیده است .

آغاز :

زهی طغرای نام نامیت عنوان دیوانها — نیابد زیب بی نام همایون تو عنوانها

(۱۱۹۹)

دیوان سحاب این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۰ نوشته شده ، دیوان هاتف راکه در همین فصل‌ازآن معرفی خواهدشدهمین نویسنده بسال ۱۲۳۱نوشته و پیوسته بدین نسخه میباشد ، در آخر این نسخه اخیر کلمه ضیائی نوشته شده وظاهراً نویسنده دونسخه بوده است .

جلد ساغری مرغش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق کلیه (۲۰۵) . این نسخه (۱۵۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۱) .

(۱۲۰۰)

دیوان سحاب این نسخه بسال ۱۲۴۷ بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده و چون نسخهٔ پیشین شامل غزلیات و قصائد وقطعات میباشد وصفحه نخستین مختصر تذهیبی دارد و صفحات مجدول به اکلیل و پشت صفحهٔ نخستین کلمات بچگانه نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ برگها (۱۸۳) صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۴ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۲) .

|۵۳۵| دیوان سلمان ساوجی (فارسی)

جمال‌الدین سلمان بن علاء‌الدین محمد ساوجی (۱) از شعرای مشهور قرن هشتم هجری است (۲) و بنام تخلص میکند ، مدّاح شیخ‌حسن ایلکانی و پسر و زنش سلطان اویس و دلشاد خاتون و مدّاح سلطان حسین (۳) و علاء‌الدین علی (۴) و شاه محمود (۵)

---

(۱) تذکرهٔ دولتشاه ص ۲۵۸ ـ ۲۶۳ چاپی ، هفت اقلیم ص ۸۱۷ ـ ۸۲۰ ، مجالس المؤمنین ص ۵۲۳ ـ ۵۲۵ ، آتشکدهٔ آذر ص ۲۲۳ـ۲۲۶ چاپی ومجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۱۹ـ۲۰ مراجعه شده است .

(۲) هدایت وفات وی را بسال ۶۶۹ دولتشاه بسال ۷۶۹ ثبت کرده‌اند و در دیگر مآخذ نام برده تاریخ نگارش نیافته ولی مسلما این دو تاریخ غلط است و در دیوان وی تاریخ سال ۷۷۵ موجود است :

بسال هفتصد وهفتاد و پنج گشت خراب ‎ ‎ ‎ ‎ باب خطهٔ بغداد خاک بر سر آب

وگذشته از این مرثیهٔ سلطان اویس متوفی بسال ۷۷۶ در دیوان وی نیز بدین مطلع ثبت است :

ای سپهر آهسته رو کاری نه آسان کردهٔ ‎ ‎ ‎ ‎ ملک ایران را به مرگ شاه ویران کردهٔ

بنابراین و مندرجات دیگر دیوان وی ثابت میشود که تا مقداری پس ازین تاریخ (۷۷۶) زندگانی میکرده وشاید اصل دو تاریخ نام برده ۷۷۹ بوده ونویسندگان غلط نوشته ونقل کرده‌اند ودرآخر بحث راجع بسلمان درتذکرهٔ دولتشاه وجود وی درهنگام مرگ سلطان اویس تصریح گردیده است .

(۳) در دیوان است :

باد باقی بر سریر سلطنت سلطان حسین ‎ ‎ ‎ ‎ آنکه او آمد سواد مملکت را نور عین .

(۴) نیز درآنجاست :

خسرو عادل علاء‌الدین والدنیا علی ‎ ‎ ‎ ‎ ای که گردن طوق مهر تو عقد گردن کرده‌است .

(۵) این بیت در مدح اوست :

قطب‌دین شاه نشان نبیه محمود که او ست ‎ ‎ ‎ ‎ همه سیرت محمود محامد مذکور .

و امرای معاصر خویش بوده ، دولتشاه سمرقندی از علاءالدوله سمنانی نقل نموده که گوید « همچون انار سمنان وشعر سلمان درهیچ جا نیست » ، از اشعار خواجه سلمان محبت اهل بیت کاملاً ظاهر و هویداست و برخی از آنها در مجالس المؤمنین نقل گردیده ، گذشته از دیوان قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب و ترجیع بند دو مثنوی بنام « جمشید و خورشید » و « فراق نامه » از سلمان بیادگار مانده و نسخه ای از این دومثنوی در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی خواهم گردید .

سلطان اویس نسبت بوی محبت زیاد داشت واز یمن تربیت این شاه و مادر و پدرش شهره آفاق گردید و در اواخر عمر ازخدمت کناره گرفته واز پادشاه دهی که ایرن نام داشت ودرحوالی ری بود درخواست کرد پادشاه بر کنار عریضه وی این بیت را نوشت :

ده ایرن که از حدود ری است بدهیدش که التماس وی است .

(۱۲۰۱)

دیوان سلمان ساوجی

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً درقرن نهم نوشته شده ، شامل قصائد ومقطعات وغزلیات و رباعیات و ترکیب بند و ترجیع بند میباشد ودرحدود (۱۱۵۰۰) بیت است ، پاره‌ای ازبرگها وصالی گردیده و اوراقی از اول وآخر آن افتاده ونخستین بیت نسخهٔ اینست :

از طبع تو زاده است دریا وز نسبت تست گوهر پاك .

وآخرین بیت نسخه اینست :

در راه هوا بسر همی پوید شمع پروانه هم از حسن تومیجوید شمع .

جلد تیماجی .کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۲۹۵) . صفحه‌ای (۲۰) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه(۲۷۸).

(۱۲۰۲)

دیوان سلمان ساوجی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگهائی از آخر آن افتاده ، ظاهراً درقرن دهم نگارش یافته وشامل اقسام اشعار نام برده درشمارهٔ پیش میباشد ، ودرحدود (۶۹۰۰) بیت است .

برگهائی از آن وصّالی گردیده و بدین بیت شروع شده :

آسمان‌ساخت در آفاق یکی سور چه سور که از آن سور شد اطراف ممالک مسرور .

و آخرین بیت نسخه اینست :

خواهم شبکی چنانکه تو دانی و من بزمی که در آن بزم تو و مانی و من .

در اول نسخه پشیمانی ظریفی میباشد ولی اندکی خوشدگی دارد و پشت صفحهٔ نخستین ابیاتی نگارش یافته است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ دولت‌آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۴۰) صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ صفحه (۳۰۳) .

[۵۳۶] دیوان سنائی (فارسی)

حکیم سنائی را در ص ۴۹۲ – ۴۹۹ مفصلاً معرّفی کرده‌ام ، این دیوان که شامل قصائد و غزلیات وقطعات و رباعیات میباشد ودرحدود (۷۵۰۰) بیت میباشد از آثار آنحکیم بزرگ و شاعر عالیمقام است ، قصائد وغزلیات آن برحسب قوافی مرتب بحروف تهجی است ، سنائی براین دیوان مقدّمه ای نثر نوشته و فهرست قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات آنرا نیز در آخر آن دیباچه مندرج ساخته و نسخه از این دیوان که شامل این دیباچه نفیس میباشد در کتابخانه ملی ملک در طهران موجود ، طرز خط و کاغذ حاکم است که نزدیک بعصر سنائی نگارش یافته است .

این دیوان بسال ۱۲۷۴ درطهران چاپ گردیده .

(۱۲۰۳)

دیوان سنائی این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً درقرن دوازدهم هجری نوشته شده ، از خط برمیآید که دونفر آنرا نگاشته‌اند ، بسال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده ، یك برگ ازاول ویك برگ از آخر آن افتاده و بیت نخستین کنونی این :

مر زمین و آسمانرا نیست جزتو خالقی خلق مخلوقند وتو خالق وهم لا یخلقون

و دو بیت آخر نسخه اینست :

ای قامت سرو گشته کوتاه بتو   درشب مرو ای خجل شده ماه بتو

گر رنج رسد مباد ناگاه بتو   آن رنج بمن رسد پس آنگاه بتو

جلد میشن‌دور گرفته . کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوجك . شمارهٔ اوراق (٢٥٦) . صفحه‌ای (١٤) سطر. طول (٢١سانتیمتر) . عرض (١٣سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٤٦) .

[٥٣٧] دیوان سوزنی (فارسی)

حکیم سوزنی از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری بوده و قصائد غرّا دارد ، نصف دیوان وی مشتمل بر اهاجی‌رکیکه میباشد ، ولی دراواخرعمر پشیمان شده وتوبه نموده ودر قصیده‌ایکه بدین مطلع است :

ای خداوندی که اکرام تو جاه آورده‌ام   زانکه تو دستم گرفتی پایگاه آورده‌ام

گوید :

پنج ره روزی بدرگه خواندیم پنجاه سال

رو بسوی درگه تو گاه گاه آورده ام

توبه کردم توبه کردم فضل کن رحمت نمای

چون بدرگاه تو خود را در پناه آورده ام

بنابراین در ٦٥ سالگی توبه نموده ودر اشعار خود مکرّر به هفتاد سالگی(١) و به هشتاد سالگی خود تصریح نموده گذشته از اینکه در بسیاری از ابیات اشاره به پیری وموی سفید خود کرده است .

نام سوزنی چنانکه ازاین بیت وی :

(نام‌من مسعود و القابم بخوانی‌سوزنی   نیك نامستم گنه کارم پناه‌آورده ام).

که در قصیده توحیدی او میباشد مسعود(٢) پدر او بنا بر ضبط در تاریخ گزیده

---

(١) هفتاد ساله گشتی‌توحید وزهد گوی   کم خای ژاژ وبیش مدوجون خران عنك

و نیز گوید : درباغ عمرسوزنی ای صدر روزبه   هفتاد شد خزان و تموز و دی و بهار

(٢) درتاریخ گزیده (ص٨٢٠ چاپی) سوزنی بنام ابوبکر بدون نام پدر ولی درنسخه کهن‌سال این کتابخانه ونسخه خطی‌مجلس ابوبکر بن السلانی معرفی‌شده و در لباب‌الالباب (ص١٩١-١٩٨ ج٢) وهفت اقلیم (ص١١٥٨) بنام محمد بن‌علی وآذر اورا (ص ٣٤٨) شمس الدین محمد و از اولاد های

(بقیه حاشیه در صفحه ٦٨٠)

السلانی است و ممدوحین او طمغاج خان مسعود (۱) بن حسین و وزراء او [و یژه سعدالملك مسعود بن اسعد (۲)] و سلطان سنجر سلجوقی و طغانشاه (۳) و افتخار الدین و حمیدالدین جوهری مستوفی (٤) و غیر از اینهاست .

(بقیه حاشیه از صفحه ۶۰۷)

سلمان فارسی دانسته خود وی نیز باین انتساب تصریح کرده و گوید :

اگر به نسبت سلمانیم زروی هنر   که تا بصورت سلمان شوم دعائی گوی

ودرجای دیگر گوید :

بزهد سلمان اندر رسمان صیا هندا   چو یافم ز هنر گر نژاد سلمانم

(۱) عوفی در ص ٤۲ ج ۱ طمغاج خان را جلال الدین ابراهیم بن حسین معرفی نموده و عین این شرح را که عوفی نوشته درهفت اقلیم می بینم ولی سوزنی مکرر نام طمغاج خان را مسعود و پدرش را حسین گفته از آنهاست :

قبح طمغاج خان مسعود شاهنشاه مشرق را ،

طمغاج خان اعظم مسعود رکن دین ،   قبح طمغاج خان مسعود رکن الدین والدنیا ،

شهنشاه مسعود ابن الحسین ،

خدایگانا بخت کسی که نام تو گفت   شود چو نام تو مسعود هم در آن گفتن

شاه جهان رکن الدین ودنیا (کذا) مسعود . و غیر از اینهاست .

آقای قزوینی درحواشی لباب الباب (ص ۳۰۰ – ۳۰۱) گوید : قبح طمغاج خان ما قبل آخرین ازملوك خانیه ماوراءالنهر است که ایشان را خاقانیه و ایلك خانیه و آل افراسیاب نیز گویند و مدت سلطنت ایشان در ماوراءالنهر بعد از سامانیه وقبل ازمغول قریب ۲۳۰ سال است ازحدود سنهٔ ۳۸۰ تا سنهٔ ۶۰۹ . . . . ووفات قبح طمغاج خان درحدود ۶۰۰ بوده است .

(۲) درقصیده اینکه مطلع آن اینست .

رسید ماه محرم بسال پانصد و شصت   بیار کامور بی غم اکنون نشست

گوید : سرِ وزیران صدر بزرگ سعدالملك   که سعد اسعد بن اعظمی بوی پیوست

ودرجای دگر گوید :

وزیر شاه سعدالملك مسعود بن اسعد را   که مجلس گوهر زبیر عدب گفتارد .

(۳) دردیوان سوزنی در دوجا نام طغان خان را بنام پادشاهی یکی :

تیغ قدر طغان خان راست همانقدر   کش در دماغ وسوسهٔ انتقام نیست

ودیگری این :

شه انجم به پیروزی شه شاه   محبوب شد پسین آموره خرگاه

طغان خاقان سر شاهان مغرب   خداوند کلاه و خطبه و گاه

آقای قزوینی درص ۳۶۱ ج ۱ لباب (بخش حواشی) سلطنت طغانشاه بن مؤید را ازسال ۵۶۹ – ۵۸۱ دانسته اند و درص ۱۵۲ – ۱۵۳ ج ۱۱ تعلیقاً وتاریخ سال ۵۶۸ – ۵۸۲ نوشته شده است .

دولتشاه سمرقندی و تقی‌الدین کاشی(۱) و آذر وفات سوزنی‌را بسال۵۶۹ نقل کرده‌اند ودرتاریخ گزیده سوزنی را از **کلاش** توابع سمرقند شناسانده و آذر گوید عمر او از هشتاد گذشته بود وچنانکه گفتیم خود وی هشتاد سالگی خود را یاد نموده بنابراین پیش از سال ۴۸۹ متوّلد شده است .

دیوان حکیم سوزنی را آذر قریب ده هزار بیت و صاحب مجمع‌الفصحا (ج ۱ ص ۲۴۹ - ۲۵۲) دوازده هزار بیت دانسته و نسخه زیرین در حدود (۸۲۰۰) بیت است .

آغاز :

در هر گناه سخره دیوم بخیر خیر یارب مرا خلاص ده از دیو سخره گیر

(۱۲۰۴)

دیوان سوزنی

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال۱۰۳۳نوشته شده ، پیش از شروع بنگارش نسخه دو مجلس نقاشی ظریف که مجلس بزم شاه عباس را مجسم مینماید موجود و در آخر نسخه هم شکارگاه شاه عباس و هنگام شکار در دو صفحه بوده ، پیش از ورود نسخه به کتابخانه اعتضادالسلطنه یك صفحهٔ آن برداشته شده ، اطراف این سه مجلس صورت سازی که تمام صفحه را فرا گرفته تذهیب بسیار ظریف و نقاشی ممتاز گردیده،دارای‌سه سرلوح بسیار زیباست،اطراف‌صفحه‌ایکه سرلوح‌دار دو صفحهٔمقابل آن‌نقاشی بسیار ظریفی گردیده و نسخه سه بخش است : ۱ - مدائح . ۲ - هجویات . ۳ - رباعیات . تمام برگها متن وحاشیه ومجدول بطلا ولاجورد و شنجرف وغیره و زرافشان واطراف‌مطالع آن و میان مصرعها تذهیب ظریف گردیده و از قرائن موجودهٔ در نسخه بدست می‌آید که مخصوص کتابخانه شاه عباس تهیه‌شده وچند یادداشت ازاشخاص‌پشت برگ نخستین نسخه است .

جلد ساغری ضربی مینا شده و طرف اندرون سوخته . کاغذ **متن** خان بالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار . قطع‌وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۸۵) . صفحه‌ای (۱۵) سطر. طول(۲۵ $\frac{1}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۱۸) .

[۵۳۸] دیوان سیف اسفرنگ (فارسی)

سیف‌الدین اعرج اسفرنگی (اسفرنگ که آنرا اسفره نیز گویند بنا بر نوشته یاقوت در معجم‌البلدان (ج ۱ ص ۲۴۸) از توابع سغد سمرقند است و امین‌احمد نوشته که تا مرغنان نه فرسنگ است) از شعرای قصیده سرای قرن هفتم هجری است و چنانکه خود وی تصریح نموده (۱) بسال ۵۸۱ متولد شده و درمآخذ نگارش این مختصر (۲) هشتاد و پنج سال عمر برای وی معین گردیده بنابراین بسال ۶۶۶ (۳) وفات یافته در شمع انجمن نوشته که صدسال عمر کرد و بسال ۶۵۲ وفات یافت. و بطلان این قول واضح است.

این دیوان شامل مدائح خوارزمشاهیان از سلطان علاءالدین محمد (۴) بن تکش بن

---

(۱) در ورق ۳۰۲ نسخه شمارهٔ (۲۸۲) این کتابخانه است:

مرا مادر پس از تاریخ هجرت	بسال پانصد و هشتاد و یک زاد
نهال عمر من هفتاد و نه سال	چو طوبی هر زمانی نوبری داد
اگر فرزند جسمانی نبودم	که گیرد درجهان از نام من یاد
مرا فرزند روحانی بسی هست	که جان غمزده زیشان شود شاد
تن من گر بمیرد تا قیامت	بقای جان فرزندان من باد

(۲) تذکره دولتشاه ص ۱۲۶–۱۲۸ هفت اقلیم ۱۲۰۵–۱۲۰۹، آتشکدهٔ آذر ص ۲۳۲–۲۳۳ مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۲۵۲–۲۵۴، مقدمهٔ دیوان سیف (اولین نسخهٔ این فهرست) از هدایت، شمع انجمن ص ۲۱۳ و تاریخ مفصل ایران (مغول) آقای اقبال ص ۵۳۴. شامل شرح حال این شاعر میباشند.

(۳) در آتشکده (فقط درنسخه خطی شمارهٔ (۲۶۸۲) این کتابخانه تاریخ فوت را دارد و در نسخ دیگر خطی ونسخه چاپی سال وفات نوشته نشده است) وتاریخ ایران (مغول) وفات سیف‌الدین بسال ۶۶۶ ثبت گردیده و درمقدمهٔ این دیوان ومجمع‌الفصحا هدایت با آنکه عمر اورا ۸۵ سال تصریح نموده وخود او تولدش را نیز بسال ۵۸۱ نقل نموده، گوید بسال ۶۷۲ وفات یافته واین مسلما اشتباه است.

(۴) سلطان محمدبن تکش بن ایل‌ارسلان که پیش از سلطنت ملقب به قطب‌الدین بوده و پس از آن علاءالدین گردید از سال ۵۹۶ تا ۶۱۷ چنانکه در ص ۱۷۷ جزء چهارم مجلد دوم حبیب‌السیر و تاریخ گزیده ۴۹۴–۴۹۸ عکسی ص ۸–۹ تاریخ مغول آقای اقبال تصریح گردیده، سلطنت داشته وبواسطه فتحهای پی در پی اورا سنجر واسکندر ثانی خوانده‌اند واینکه درمقدمهٔ مذکور نام برده وی را مداح ایل‌ارسلان (متوفی بسال ۵۵۸ بنابرضبط تاریخ گزیده ص ۴۹۲ وبسال ۵۶۷ بنابرقول حبیب‌السیر وبسال ۵۶۸ بنا برنوشته تاریخ ابوالفدا) معرفی کرده و نوشته است که بامر آن پادشاه قصیده‌ای از خاقانی را جواب گفت، مسلما اشتباه است چرا که بنابر تصریح خود وی سیف‌الدین ۲۳ سال یا ۱۳ سال پس ازمرگ آن پادشاه متولد شده و دردیوان وی نامی از او وحتی از پسرش تکش که از سال $\frac{۵۵۸}{۵۶۸}$ تا ۵۹۶ سلطنت داشته نیست.

البارسلان (۵۹۶-۶۱۷) که او را سلطان سنجر و اسکندر ثانی خوانده اند تا سلطان جلال‌الدین آخرین پادشاه این دودمان و درباریان و دانشمندان این عصر و سلطان تاج‌الدین محمود پادشاه کرمان(۱) و امیرعمید قطب‌الدین حبش که ازامراء مغول واز طرف جغتای و جانشینان او اداره ماوراءالنهر بدو برگذار بوده و غزلیات ومقطعات و رباعیات و ترکیب بند وغیره میباشد و دولتشاه شمارهٔ ابیات آنرا دوازده هزار وهدایت ده هزار معین‌نموده اند ونخستین نسخهٔ زیرین تقریباً شامل ۱۱۰۰۰ بیت میباشد با اینکه برگهائی‌هم ازآن افتاده وابیاتی در نسخ دیگر ازاین دیوان یافت میشود که دراین نسخه نیست .

سیف الدین بیشتر بطرز خاقانی و ظهیر فاریابی راغب بوده و اشعار حماسی زیاد دارد در تمام دیوان او تخلصی نیست و از طرفداران و دوستان اهل بیت پیغمبراکرم ص بوده ودراین‌باب ابیاتی‌چند دراین‌دیوان موجودست وازآنهاست :

تو دانی که براهل دین سخت باشد بجای علی دیدن آل مروان
زانکه در باب امامت ز پیمبر بیقین هست بر جملهٔ اولاد علی نص علی

آغاز :(۲)

(۱۲۰۵)

دیوان سیف اسفرنگ

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، برگهائی ازاول ومیان وآخر آن افتاده ، بسال۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وبر کنار برگ ۱۱ یادداشت شده ، پس‌از آن بدست رضاقلیخان هدایت داده شده ، بخط خود شرح حال سیف‌الدین را درپنجاه بیت دردو صفحه نوشته واول کتاب گذارده ویك صفحه هم پس از آن ابیاتی از سیف‌الدین نوشته

(۱) دراین دیوان قصائدی چند درمدح این پادشاه دیده میشود ازآنهاست :

تاج دین محمود شاه سندو کرمان آنکه هست ملك و ملت را معین و دین ودولت را نصیر

و درجای دیگر ازتوقف سمرقند که موطن وی بوده وبسیار ازآن نام برده قصد کرمان کرده و گوید :

من و خدمت شاه کرمان ازین بس که شب گاه کاشان نبرزد بکاهی

(کاشان یکی ازشهرهای اسفرنگ است) .

(۲) دونسخهٔ این کتابخانه ونسخهٔ کتابخانه مجلس هریك بطرزی غیرازطرزدیگری تنظیم شده وهریك بقصیده‌ای شروع گردیده است .

شده و متصل به ابیات صفحهٔ کهنه گردیده و برگ ١٩٥ و چند بیت آخر نسخه (برگ ٧٣٨) نیز بخط هدایت است برگ ٩٠ و ٧٦ و ١٣٩ و ٢٤١ کنونی نسخه نوشته است.

کتابت نسخه بشهادت کاغذ و مرکب در قرن دهم بوده و در اواخر سیزدهم هدایت (پس از تألیف مجمع الفصحا) در این نسخه نظر و آنرا تکمیل کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچک. شمارهٔ برگها ٣٧٨. صفحه‌ای (١٥) سطر. طول (٢٠ ½ سانتیمتر) عرض (١٢ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (٢٨٢).

(١٢٠٦)

دیوان سیف اسفرنگ — این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و برگ اول و بخشی از آخر آن افتاده، ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته و بسال ١٢٦١ داخل کتابخانه اعتضادیه شده، میان سطرهای نخستین صفحهٔ کنونی طلااندازی شده و تمام صفحات جدول بطلا و زنگار و لاجورد میباشد و بیت نخستین نسخه اینست:

عندلیب خوش نوایم گرجهان سردی کند
لوح اسرار معانی بس بود گلزار من

وچنانکه از هفت اقلیم بدست می آید هشت بیت پیش از این بوده و مطلع این قصیده اینست:

شب چوبردارد نقاب از هودج اسرار من
خفته گیرد صبح را راه دل بیدار من

و آخر نسخه این رباعی است:

پیوسته درپی آنم که بمانم از خود ... خود را بحیل باز رهانم از خود
از چشم خیال خویشتن بینی خویش ... چون مردمک دیده نهانم از خود

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شمارهٔ اوراق (٢٥٥). صفحه‌ای (١٧) سطر. طول (٢٤ ½ سانتیمتر). عرض (١٤ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (٢٨١).

|٥٣٩| دیوان شادان (فارسی)

مهراج (١) شادان تخلص که گذشته از تصریح نویسندهٔ نسخه در اول دیوان از

(١) در ص ٤ دیوانست: ... از طفل ... قدس او ... شد مشهور ... من مهراج.

اشعار او برمی آید که وزیر(١) یکی از پادشاهان هند که از او شاه اسکندر تعبیر میکند وظاهراً نام وی **مهاراجهٔ چندولعل** بوده غزلیات و ترکیب بند و غیره درحدود (٢٠٠٠) بیت انشاء نموده که ازنقل ابیاتی از آن پایهٔ شاعری او بدست می آید، در غزلیات بیشتر معاشقهٔ او باخالق است و با مخلوق سروکاری ندارد و میخواسته که قدم دروادی عرفان گذارده باشد و دریکی از رباعیات خود گوید :

شادان تو محققی می عرفان خور .

در کتب رجال وسیرنامی و آثاری از شادان نیافتم ازماده تاریخیکه برای تعمیر پل ساخته وزیر این سطر نگاشته میشود معلوم میگردد که درنیمهٔ اول قرن سیزدهم زندگانی مینموده وآن اینست :

بعهد شاه اسکندر بشد تعمیر پل یکسر

ز سعی راجه چند و لعل از سابق بود بهتر

بشادان شد ندا **جای غریبی** بهر تاریخش

زسیل اینك بود محفوظ چون اندر صدف گوهر

وجای غریبی سال ١٢٣٦ را میرساند .

و دراین دیوان بمدح حضرت پیغمبر ص وحضرت علی بن ابیطالب ع پرداخته وازآنها این دوبیت است :

سرور کائنات فخر رسل	از طفیلش باو شده معراج
هم زفضلش علی عالیقدر	مقتدا گشته ازعلو مزاج

آغاز : بسمله

ناصیهٔ خود ز عجز بردرجانان بسا	شرط غلامی بود بندگی باوفا

(١٢٠٧)

دیوان شادان این نسخه را بخط نستعلیق خوب نوشته‌اند (ظاهراً درزمان خود شاعر و برای پادشاه تهیه شده باشد) ؛ عناوین با طلا و

---

(١) درحاشیهٔ ص ٤ گوید :

تا بصد سال زالطاف شه اسکندر　　　گفت امروز بشادان که وزارت فرما

ودر عنوان صفحه نخستین دیوانست : دیوان وزیر ارسطو دبیرمهاراج راجه چندولعل بهادر .

و حواشی و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه تذهیب گردیده ، و تمام صفحات بجدول بطلاست ، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۳) . صفحه‌ای درمتن وحاشیه (۳۶) بیت . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۸۹) .

[۵۴۰] دیوان شاهی سبزواری (فارسی)

امیرشاهی (آقا ملك(۱) بن جمال‌الدین فیروزکوهی متوفی بسال ۸۵۷)(۲) از اولاد سربداران میباشد ، پس از آنکه سربداران را شاهزاده بایسنقر بر انداخت امیرشاهی بمنادمت بایسنقر رسید و املاك آنهارا که ضبط کرده بودند بدو برگردانند ، پس از چندی ترك ملازمت نمود و در سبزوار بترتیب و نظم املاك خود پرداخت و در هنگامیکه از هفتاد سال بیشتر داشت در استرآباد وفات یافت و جسد او را به سبزوار آورده در خانقاهی که از بناهای اجداد او در بیرون دروازه بود بخاك سپردند .

دیوان شاهی را امین احمد رازی هزار بیت دانسته و نسخ این کتابخانه کمتر از این اندازه را شامل میباشند ، دولتشاه گوید : فضلا متفقند که شور **خسروی** و لطافت **حسن** و نازکیهای **کمال** و صفای سخن **خواجه** در کلام امیرشاهی جمع است .

و در تذکره خود غزلی که در دیوان او نیست و از اشعار غزلیات جدید او معرفی کرده نقل نموده و در اصل اشعار او اضافات و حشو دارد و **شاهی** تخلص او میباشد و این دیوان شامل غزلیات و قطعات و رباعیات است .

آغاز : ای نقش بسته نام خطت بر سرشت ما — این حرف شد ز روز ازل سرنوشت ما

(۱۲۰۸)

دیوان شاهی سبزواری

این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب و از خطوط ممتاز میرعلی هروی(۳) و دارای یك سرلوح بسیار ظریف و در ابتداء هرغزل و قطعه سر سوره های میناکاری میباشد ، صفحات مجدول ،

---

(۱) نام امیرشاهی در تذکرهٔ آتشکده و در [illegible] دولتشاه [illegible] بن [illegible] جمال‌الدین ضبط گردیده است .

اوراق متن وحاشیه گردیده وحواشی زرافشان شده و موریانه برخی از اوراق را سوراخ کرده وبعضی ازمیناهای سرسوره ها هم ریخته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (٤٣) صفحه(١٠) سطر . طول (٢٠ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٤ ١/٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٢١) .

(١٢٠٩)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، پشت صفحهٔ نخستین وجلد کتاب بنام خط میرعلی معرّفی شده ، بی شباهت بخط نسخه پیشین نیست ولی بآن استحکام وظرافت هم نیست اگر این نسبت درست باشد از خطوط متوسط میرعلی است ، دارای یك سرلوح زیباست و اوائل غزلیات و قطعه ها سرسوره های مینائی ظریف دارد وصفحات متن وحاشیه وجدول بطلا ولاجورد وغیره است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ متن خان بالغ وحاشیه افشان زده . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٥١) . صفحه‌ای (٩) سطر . طول (١٩ سانتیمتر) . عرض (١٣ ١/٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٥٧) .

(١٢١٠)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ٩٨٣ نوشته شده نویسنده نامی ازخود نبرده ، شاید که آنرا کـه خط میرعماد خطّاط معروف بدانیم ، برگها آبدیده وبرخی وصّالی شده ، یك سرلوح کوچك دارد وصفحات مجدول بطلا ولاجورد وغیره است .

جلد ساغری ضربی . کاغذمتن خان بالغ وحواشی الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٤١) . صفحه ای (١٠) سطر . طول (٢١ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٨٨) .

(بقیه حاشیه ازصفحه ٦١٦)

(٢) امیر شاهی در تذکره دولتشاه و ص ٦٤٢ ـ ٦٤٣ هفت اقلیم و ص ٨٤ آتشکده معرفی و بدانها مراجعه شده است .

(٣) میرعلی از مشاهیر نستعلیق نویسان میباشد و در امتحان الفضلاء (سنگلاخ) ج ١ شرح حال مفصل ایشان مندرج و درآنجاست که بسال ٩٧٦ وفات یافته است .

(۱۲۱۱)

دیوان شاهی سبزواری این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً درقرن دهم هجری) نوشته شده ، دارای یك سرلوح زیباست ، صفحات مجدول به رنگهای گوناگون میباشد ، باچهار دیوان دیگر دریك مجلّد است که بشمارهٔ (۲۷۹) در کتابخانه ثبت گردیده ، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ نگاشته ام .

[۵٤۱] دیوان شریف (فارسی)

شریف تبریزی(۱) از شعرای معروف آذربایجان و در زمان شاه طهماسب صفوی میزیسته ، سام میرزا گوید بسال ۹۵٦ به اردبیل آمد و در مرض وباء که در آنجا واقع شد از پای درآمد ، شاگرد لسانی شیرازی بوده گویند کتابی بنام **سهوالّلسان** (۲) در ابیاتیکه از **لسانی** بنظر او بی معنی رسیده و یاخود از زبان لسانی ساخته ، نوشته و پس از آن از استاد عذرخواسته ، **آذر** گوید تخلص باسم میکند و در دیگر مآخذ ذکری ازنام وی و پدرش نیست ، در هفت اقلیم ترکیب بندیکه در هجو غیاث کچهره که ازمستوفیان شاهی بوده مندرج وقصیده ایکه پس از ترکیب بند نام برده درمدح غیاث مذکور انشانموده و چندین بیت از غزلیات او نیز در این تذکره موجود است .

در دانشمندان آذربایجان شرح مفصلی در شرح حال شریف نگارش یافته ودر آنجا نیز از دیوان وی چند بیت انتخاب گردیده و در آنجاست که دیوان غزلیات او را مؤلف آن کتاب دارند و تقریبا ۱۲۰۰ بیت میباشد و دیوان قصائد واشعار او مشهور است .

آغاز : ای نخل تمنّا قدرعنای تومارا از پای در آورد تمنّای تو مارا

(۱) در تحفهٔ سامی ص ۱۲۱ حبیبی هفت اقلیم ص ۱۲۰۸-۱۰۳۱ ، سفینهٔ خوشگو و آتشکدهٔ آذر ص ۳۳-۳٤ ودانشمندان آذربایجان ص ۱۹۲-۱۹۷ از این شاعر بعبارت یاد او معرفی گردیده وبیت ابیاتی از او انتخاب کرده اند .
(۲) دردانشمندان آذربایجان دربارهٔ این کتاب ورده‌هائیکه بر آن نوشته شده شرحی مفصل نگارش یافته است .

(١٢١٢)

دیوان شریف تبریزی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب زینب دختر مقصودعلی نوشته ، تاریخ ندارد ولی نسخه گواهی میدهد که در اواخر قرن دهم نگارش یافته ، سرلوح ظریفی دارد ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد ، سلیمان بن محمد خان قاجار پشت صفحهٔ نخستین تملك خودرا یادداشت و پس از آن یادداشتی مورخ بسال ١٢٨٥ از طرف اعتضادالسلطنه و پس از آن وقفنامه نسخه نگاشته شده و مهریکه در پایان آخرین صفحه بوده محو گردیده است .

جلد روغنی دورو گل و بوته دار وتصویر حیوانات برجسته . کاغذ کشمیری رنگارنگ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (٤٤) . صفحه ای (١٠ و ١١) بیت . طول (½ ٢٠ سانتیمتر). عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٧) .

[٥٤٢] دیوان شهاب اصفهانی (فارسی)

میرزا نصرالله اصفهانی **شهاب** تخلص از شعرای نامدار میباشد ، بسال ١٢٥٤ بطهران آمده ، مورد لطف و عنایت حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدراعظم وقت گردید وملقب به **تاج الشعرا** شد ، درزمان ناصرالدین شاه تهنیتها گفته وانعامها گرفته ومأمور نظم مراثی حضرت سیدالشهدا ع گردیده و انجام داده و هدایت گوید(١) : « از شعرای معین کثیرالفضل بدیع النظم ایدولت همایونست ، اشعار بسیار بوزن تقارب وقطعات و قصائد منظوم نموده که همه در نهایت متانت است وکمال رزانت اگر چه دیوانش حاضر نیست این اشعارش در این کتاب مرقوم میشود (درحدود ٣٠٠ بیت ازقصائد ومسمطات وی را نقل نموده) » .

آغاز :

ای نام همایونت دیباچهٔ دیوانها بی نام تو نامی نیست نه نامه نه عنوانها(٢)

(١) در ص ٢١٩ـ٢٢٤ ج٢ مجمع الفصحا معرفی مختصری ازاین شاعر گردیده وجمل نقل شده مختصری از عبارات آن کتاب است ودر ص ٢٤٤ ـ ٣٢٤ گنج شایگان شرح حال مفصل و انتخاب زیادی نیز از اشعار اوشده است .

(٢) این آغاز نسخهٔ این کتابخانه است که شامل قسمتی ازقصائد شهاب میباشد ودیوان کامل او را تا ... [illegible]

(۱۲۱۳)

دیوان شهاب اصفهانی این نسخه بسال ۱۲۷۲ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، شامل قصائدیستکه شهاب در مدح صدراعظم نظام‌الملك(۱) سروده ومرتب بترتیب حروف تهجی از الف تا یاء برحسب قوافی میباشد و پیش از شروع بقصائد در مدح صدر اعظم سه قصیده درتوحید و نعت که نیز مذیّل بمدح پادشاه و صدراعظم میباشد گذارده شده و این دیوان قصائد درحدود (۸۰۰۰) بیت است و طرز تذهیب و جدول کشی‌ها و اینکه نام پادشاه عصر وصدراعظم درهربیت که بوده باطلا نوشته شده حاکی است که نسخه برای صدراعظم مذکورتهیه شده واعتضادالسلطنه پشت صفحهٔ نخستین یادداشت نموده که ازورثه میرزا داودخان پسرمیرزا آقاخان صدراعظم نوری خریداری شده واین نیزمؤید احتمال مذکوراست،دارای یك‌سرلوح ظریف میباشد وحواشی‌دو صفحهٔ‌نخستین تذهیب گردیده‌وتمام‌صفحات جدول‌بطلا ولاجورد وشنجرف است .

جلد روغنی گل وبوته یکرو ، کاغذ [illegible] ، واقف [illegible] ، قطع وزیری ، شمارهٔ اوراق(۳۳۹). صفحه‌ای (۱۲) سطر ، طول (۲۴ ۱/۲ سانتیمتر) ، عرض (۱۵ [illegible]) ، شمارهٔ [illegible] (۲۵۷) .

| ۵۴۳ | دیوان سید صالح قزوینی الدرر الغرویه (عربی)

ناظم و شاعر این دیوان چنانکه درمقدمه تصریح شده سیدصالح‌بن سیدمهدی بن رضا حسینی قزوینی است که از شعرای قرن سیزدهم هجری ودر نجف اشرف متوطن بوده در کتب سیر ورجال بنام این دانشمند برنخورده‌ام ، جز در ص ۶۵ ج ۲ احسن‌الودیعه در ذیل شاگردان شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۲) گوید : نزد این جناب گروهی از اهل ادب وکمال استفاده کرده‌اند از آنها سید صالح قزوینی متوفی بسال ۱۲۹۷ (چنین نوشته شده) میباشد . وجز این چند کلمه دربارهٔ وی چیزی دراین کتاب نگارش نیافته است .

این دیوان که آنرا «الدّرر الغروّیه فی العترة المصطفویّه» نامیده شامل چهارده قصیده در مداح و مناقب و رثاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلّم و حضرت فاطمه زهرا ع و حضرت امیرالمؤمنین علی و یازده فرزندش علیهم صلوات الله در (۳۰۰۰) بیت میباشد و مقدمه‌ای مرکب از نثر و نظم بر آن نگاشته و این سه بیت را برای نشان دادن قریحه و نمودار اشعار وی در اینجا می آورم:

وَاللهُ جَادَ عَلَيْكُمْ مُتَفَضِّلا ... بِوَلِيِّه وَهُوَ الْجَوادُ الْمُوسِعُ

وَلَطالَ ما اَوْصى بِحِفْظِ وِلائِهِ ... خَيْرُ الاَنامِ فَخالَفُوه وَضَيَّعُوا

يامَنْ تُسَبِّحُ بِاسْمِهِ الْاَمْلاكُ في ... اَفْلاكِها وَاِذا دَعاها تُسْرِعُ

(۱۲۱٤)

دیوان سید صالح (الدرر الغرویه)

این نسخه را بسال ۱۲۶۸(۱) بخط نسخ خوب ناجی بن محمد قفطانی نوشته ، قصیدهٔ دیگری (٤۹ بیت) که ناظم این کتاب در هنگام مسافرت شیخ مشکور بآستان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بسال ۱۲۶۹ انشاء نموده بردو صفحه‌ایکه پیش از دیوان ننوشته بوده نیز همین نویسنده نوشته ، ۱۵ سرلوح زیبا که طرز هریك با دیگری مخالف در ابتداء مقدمه وچهارده قصیده گذارده شده و حواشی صفحه سرلوح‌دار و صفحه مقابل آن تذهیب و نقاشی گردیده و پشت نخستین صفحه بسال ۱۲۹۷ یادداشت اعتضادالسلطنه و وقفنامه نسخه موجود و تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین قصائد با جوهر قرمز نوشته شده است .

جلد روغنی گل وبوته دورو . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۲۵) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۳۹) .

---

(۱) نویسنده در آخر نسخه نوشته : تاسع ذی‌الحجه من‌السنة الثامنه من‌المائة الثالثه من‌الالف الثانی من‌الهجرة النبویه ص . و تاریخ قصیده‌ایکه بخط همین نویسنده و بشهادت مرکب و طرز نگارش نزدیك بزمان نگارش اصل نسخه است پیش از مقدمه کتاب بسال ۱۲۶۹ نوشته شده بنابر این جملهٔ من العشر السابع از عبارت آخر نسخه مسلّماً افتاده است .

[٥٤٤] دیوان صائب (فارسی)

میرزا محمد علی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی متخلص به صائب متولد به سال ۱۰۱۶ و متوفی بسال ۱۰۸۱ (۱) یکی از سخن‌سرایان معروف قرن یازدهم هجری است ، اشعار وی در هندوستان و عثمانی (ترکیه کنونی) بیشتر از وطن خویش شهرت دارد ، اگرچه آرزوی این را داشته که چون سعدی باشد چنانکه خود گفته :

صائب ازخاك پاك تبریز است هست سعدی گر از گل شیراز

شمارهٔ اشعار اورا دویست هزار بیت نوشته‌اند و گویند هفت دفتر و دیوان ترتیب داده و فتح نامه قندهار وی که بوزن مثنوی است ۱۳۵ (۲) بیت میباشد و گذشته از این قصیده‌ای در همان هنگام فتح (شاه عباس ثانی فاتح است) سروده و این بیت از آن تاریخ فتح را میرساند : (از دل زدود زنگ الم فتح قندهار ۱۰۵۹) و مثنوی در معاشقه محمود و ایاز دارد ، مجموعه از انتخاب اشعار خود و شعرای معاصر و پیشین در حدود ۲۵۰۰۰ بیت ترتیب داده که بگفته شبلی نعمان اینك در حیدرآباد دکن موجود است و خوشگو دیدن آنرا در تذکره خود تذکر داده .

صائب در فن غزل سرائی از دیگر فنون شعر برتری دارد و از اشعار خود انتخاباتی نموده و هریك را نامی گذارده : ۱ ـ **واجب الحفظ** بخیه‌ای از مطالع غزلیات اوست و نسخهٔ از آن بیوسته به نسخهٔ زیرین میباشد و با دقت و مراجعهٔ این نگارنده معلوم شد که این انتخاب از غزلیات غیر این دیوان حاضر اوست و شامل ۳۹۰ بیت مطلع است . ۲ ـ **مرآت الخیال** در وصف اوصاف سراپای محبوب است و نسخی از آن درمجموعات این کتابخانه و کتابخانه خواص میباشد . ۳ ـ **آرایش نگار** مشتمل بر ابیاتی است که در آنها آینه و شانه آورده شده . ٤ ـ **میخانه** ابیات راجعهٔ به می و میخانه را از اشعار خود گرد آورده و بدین نام نامیده است .

---

(۱) این تاریخ وفات دو ماده تاریخ که در دانشمندان آذربایجان نقل گردیده مؤید دارد و در ص ۱۷۶ـ۱۸۱ ترجمهٔ ادبیات ادوارد براون ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۸ نوشته شده وغیر از این دو کتاب تذکره خوشگو و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۳ و ۲٤ و آتشکده ص ۳٤ و ۳۵ در هنگام نگارش این شرح دیده شده است .

(۲) در تذکرهٔ خوشگو شمارهٔ ابیات این فتحنامه ۱۳۵ بیت و در دانشمندان آذربایجان صد و سی و پنجهزار ضبط گردیده است .

۵ - **متفرقات** زیر این عنوان درحدود ۲۳۰۰ بیت از اشعار خویش انتخاب نموده و نسخه‌ای از آن پیوسته به‌نسخه زیرین دیوان اوست و با مراجعه و دقت معلوم شد که اینها را نیز از دیوان دیگر خود انتخاب کرده است .

ازسال ۱۲۶٤ تاکنون درحدود ٤۰۰۰۰ بیت ازصائب درهندوستان چاپ شده و منتخبی ازاشعاراو دراین اواخردرطهران واسلامبول نیزبچاپ رسیده و نگارنده نسخه ای ازدیوان صائب‌راکه خط ان عیناً نسخهٔ زیرین وبسیارشبیه نمونه‌ایست که از خط صائب در تاریخ ادبیات برون و دانشمندان آذربایجان گراور شده ، در کتابخانه دانشمند محترم آقای محمد جواد ارگانی نماینده خوزستان درمجلس‌شورای ملّی ایراندیده و در حدود (۸۵۰۰) بیت میباشد .

دانشمند محترم آقای تربیت شرح حال مفصّلی از صائب درص ۲۱۷ - ۲۲۶ دانشمندان آذربایجان (باگراورنمونهٔ خط وی) نگاشته اندویکی ازمآخذنگارنده‌در نگارش‌این شرح‌بوده و۲۵ کتاب‌را برای‌مراجعه بشرح‌حال‌این‌شاعرنشان‌داده اند .

این دیوان که زیر این سطرها خصوصیات آن نگاشته میشود جزضمائم آن درحدود (۱۷۰۰۰) وبا آنها تقریباً (۱۹۶۹۰) بیت است .

آغاز :

اگرنه مدّ بسم‌الله بودی تاج‌عنوانها نگشتی‌تاقیامت نوخط شیرازه‌دیوانها(۱)

(۱۲۱۵)

دیوان صائب تبریزی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، بسیار شبیه خط صائب نگارش یافته ولی‌غزلهائی که درحاشیهٔ برگ هفتم ودیگربرگهای نسخه زیرعنوان : **لراقمه‌صائب** نگارش یافته و عیناً نمونه ایستکه از خط صائب گراور شده ثابت میکندکه اصل دیوان خط شاعرنیست ومیدانیم که عارف تبریزی اصفهانی نویسندهٔ دیوان صائب بوده ومسلّماً این نسخه خطّاوست

(۱) خوشگو درتذکرهٔ خودگوید : این بیت آغاز یکی از دیوانهای صائب است و شمارهٔ ابیات صائب را سیصد هزار نوشته وازنصرآبادی یکصد وبیست هزارنقل‌نموده ونیز گویدکه فقط دوازده قصیده‌ویك‌مثنوی‌در فتح‌نامه قندهاردارد و باقی‌اشعاراو غزلیات است و در دانشمندان غزلیات ترکی بوی نسبت داده‌شده وقول بیشتر ازیك‌لك (صدهزار)درشمارهٔابیات‌صائب‌از حسینی‌نقل گردیده‌است .

وپس از اتمام غزلیات که موافق قوافی از الف تا یا مرتب گردیده، **واجب الحفظ** و متفرقات اشعار صائب که معرفی از آن دو گردید نگارش یافته ، نسخه بدست بچه افتاده و در آخر هر بخشی کلماتی نوشته از آنجمله مکرر سنه ۱۲۲۲ و ۱۲۳۵ را رقم نموده وطرز خط ومرکب این یادداشتها در اینکه نسخه از نظر خود شاعر گذشته وحواشی آن بخط اوست ، تردیدی ایجاد نمیکند .

یادداشتهائیکه بسال ۱۱۱۷ و ۱۲۱۴ نوشته شده اند پشت برگ آخر نسخه موجود وچندین برگ از اول وآخر وصالی گردیده وبسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده وپشت برگ اول یادداشت شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۴۲۵). صفحه‌ای (۱۷) سطر، طول (۲۴ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۷۷) .

[۵۴۵] دیوان صاحب علی آبادی (فارسی)

میرزا محمد تقی ابن میرزا زکی مازندرانی متوفی بسال ۱۲۵۶(۱) از درباریان فتحعلیشاه قاجار بوده ، درقصائد وغزلیات گاهی **صاحب** و هنگامی **صاحب دیوان** تخلص میکرده ، دراوائل جوانی ده سال وزارت عبدالله میرزا حاکم وفرمانفرمای خمسه وسهرورد وسجاس را داشته بسال ۱۲۳۴ بطهران احضار گردیده و مقام منشی‌الممالکی را پادشاه عصر بوی برگذار نمود ، در شیراز رضاقلیخان هدایت را دیده و میخواسته او را بطهران آورد بعللی معذرت خواسته ، قصائد غرّا وغزلیات شیوا دارد ، راوی گروسی ۵۵ بیت از چند قصیده وی درمؤلفهٔ خود نقل وهدایت درحدود ۱۰۰۰ بیت از قصائد وی که در نعت حضرت پیغمبر ص وحضرت علی بن ابی طالب ع و پادشاهان معاصر و امرا میباشد واز رباعیات او انتخاب ودر مجمع الفصحا چاپ کرده است .

دیوان صاحب شامل قصائد و قطعات و غزلیات و رباعیات ومثنویات میباشد وباشمارهٔ دقیق نسخ زیرین درحدود (۵۰۰۰) بیت است ، ماده تاریخهائیکه بسال ۱۲۰۵ گفته در اینجا موجود وپیش از شروع به اشعار منشآت نثری صاحب دیوان که عبارت

(۱) انجمن سوم انجمن خاقان و ص ۲۹۸ـ۳۱۶ ج ۲ مجمع الفصحا مراجعه گردیده است .

ازشرح حالی ازفتحعلیشاه واجداد وی وطائفه قاجاربانشاء فتحعلیشاه وقلم صاحب وحکایاتی بطرز گلستان و مراسلات دوستانه و قباله نکاح اردشیر میرزا وغیر از اینهاست واین بخش درحدود (۱۰۰۰) بیت میشود.

این شاعرهمت وهوس این راداشته که سعدی ثانی باشد وتاحدی هم شایستگی آنرا دارد ولی **همه گویند سخن گفته سعدی دگراست** ودراین معنی گوید:

باقبال دارای یزدان پرست	به نظم و به نثر آمدم چیر دست
چنین ساحری شیخ شیراز کرد	که بانظم خوش نثر انباز کرد
بدوران صاحبقران آن منم	که گویم درین هردوفن یك فنم

آغاز:

کرا شاید ثنازان پس که زیبد آل یاسین را   جهان مجدو تمکین آسمان دانش ودین را

(۱۲۱۶)

دیوان صاحب علی آبادی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، ۲۳ برگ ازاوّل آن شامل نثریات علی آبادی است، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده مسلّماً در نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش یافته و عناوین باشنجرف نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۹۱). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۲سانتیمتر). عرض (۱۵سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۵۹).

(۱۲۱۷)

دیوان صاحب علی آبادی این نسخه نیز بخط نستعلیق بدون ذکر نام نویسنده و سال نگارش نوشته شده، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت نخستین صفحه یادداشت گردیده، بخشی ازنثریات درآخرنسخه میباشد وشرح حال‌فتحعلیشاه‌راکه‌به انشاء خود وی‌نگاشته‌ودرنسخهٔ پیشین نیست درآغاز نسخه موجود وبخشی ازنثریات نسخه بالا را ندارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (۱۸۲). صفحه ای (۱۵)سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۴ ½ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۲۶۰).

[۵٤۶] دیوان صبا (فارسی)

فتحعلی خان ملك الشعرا متخلص به صبا از مشاهیر شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد ، گذشته ازمقام ملك الشعرائی چندی حکومت کاشان که وطن اصلی وی بوده وحکومت قم ومقام احتساب الممالکی رادارابوده ووقایع سلطنت فتحعلیشاه قاجار ومختصری ازتاریخ نیاکان اورا بنام «شاهنشاه نامه» در چهل هزار بیت در مدت سه سال برشته نظم آورده و **راوی گروسی** شرحی در ترجیح این کتاب بر شاهنامه فردوسی نوشته و گوید در جوانی مثنوی **لیلی ومجنون** گفته که درمیان است و **هفت پیکری** که دریکی از سفرها ازمیان رفته و **خداوند نامه** که شامل اخبار صحیحه درمعجزات احمدی وغزوات حیدری است ودر حدود سی هزار بیت میباشد و آنرا در مدت سه سال بانجام رسانیده ومثنوی **عبرت نامه** ودیوان قصائد و مقطعات ورباعیات وغیره از آثار آن جناب بیادگار مانده و بنا برضبط در مجمع الفصحا بسال ۱۲۳۸ جهانرا بدرود گفته و ، کلامش فصیح و مطبوع و زیبا ومتین است ، اشعارش بلیغ وجزیل ومصنوع و رنگین ، کمال قدرت را داشته وآن تخم سخن را درین روزگار او کاشته ، تجدید شیوه وقانون استادان قدیم را کرده .

نسخه زیرین از دیوان او شامل در حدود (۱۲۰۰۰) بیت میباشد و هدایت گذشته ازمثنویهای وی پانزده هزار بیت شعر بوی نسبت داده است .

آغاز :

تعالی الله خداوند جهاندار جهان آرا

کزو شد آشکارا گل ز خار و گوهر از خارا

(۱۲۱۸)

دیوان صبا این نسخه شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و مثنویات پندنامه و خلاصةالحکم و عبرت نامه صبا میباشد و ظاهراً درزمان خود شاعر نگارش یافته نام نویسنده و سال نگارش نوشته نشده و برصفحهٔ نخستین نویسنده‌ای آنرا خداوند نامه معرفی کرده ولی مسلماً آن کتاب نیست .

جلد روغنی گل و بوته دار وطرف داخل نرگس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (٣٩١) صفحه‌ای (١٦) سطر . طول (٢٧ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٩ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠٤) .

[٥٤٧] دیوان صهبا (فارسی)

صهبا محمد تقی (آقاتقی) بن ملایدالله از معاصرین آذر وهر دو در تحت تربیت سیّد علی مشتاق بوده وشاگردی اورا داشته‌اند ، این تخلص راهم استاد بوی داده، اجداد صهبا از دماوند بقم مهاجرت کرده وصهبا دراین‌شهر متولّد و نشو و نما یافته در اواخر عمر باصفهان رفته و بیست سال در آنجا بوده و بسال ١١٩١ در شیراز وفات یافته و بیشتر بغزل‌سرائی و رباعی گوئی مایل بوده ودرانجمن خاقان است که «دوسه هزار بیت شعر گفته و در شاعری نیز (کذا فی‌النسخ) بطرزخوش میسروده» وهدایت‌نوشته‌اند که سه هزار بیت دیوان شعر جمع کرده وشاعری غزل سرای بوده است .

نسخهٔ زیرین شامل غزلیات (١٠٥٠ بیت) و رباعیات (١٦٠ رباعی) میباشد بنابراین درحدود ١٤٠٠ بیت است .

آغاز :

نه تنها روشن است از پرتو روی تو محفلها
کزین شمع‌است روشن بزم جانها محفل دلها

(١٢١٩)

دیوان صهبا نسخهٔ این دیوان ودیوان هاتف ودیوان عبدالمجید درویش را که با یکدگر پیوسته اند بخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ١٢٣١ نوشته و در آخر دیوان هاتف بدین تاریخ تصریح کرده ، در ابتداء هریك از دیوانها سرلوحی ظریف میباشد و میان سطرهای دوصفحه اول هریك طلااندازی شده وصفحات مجدول به اکلیل است .

برگ ٣٩ ـ ٨٨ شامل این دیوان میباشد .

جلد روغنی گل و بلبل وطرف درون نرگس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی‌نازك . شمارهٔ اوراق‌کلیه (١٣٠) . صفحه‌ای (١٥) سطر . طول (٢٠ ١/٢ سانتیمتر) . عرض (١٣ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٠١) .

---

(١) شرح حال ومعرفی ازصهبا بامراجعه به ص ٤١١ـ٤١٢ آتشکده آذر انجمن‌پنجم‌انجمن خاقان‌و ص ٣٣٠ ج ٢ مجمع‌الفصحا وبعضی از ابیات وی خود وی‌نگارش یافته است .

[٥٤٨] دیوان طالب آملی (فارسی)

طالب آملی(۱) از شعرای مازندران است که بهندوستان رفته ودر آنجا بسال ۱۰۲۸ بمقام ملك‌الشعرائی شاه‌جهان رسیده ودرعنفوان جوانی بسال ۱۰۳۶ وفات یافته است .

مدعی است که درعلوم هندسه ومنطق وهیئت وحکمت وعرفان وخط وشعر سرآمد زمان میباشد ، ودرشعر سبکی مخصوص بخود دارد ودر هند بسیار مطلوب شده ولی درایران چندان‌پسند نیامده وبهمین سبب در اشعار بسیار خودراسیاه‌بخت خوانده ورخت خویش بهندوستان کشیده و گوید :

هندو نبرد تحفه کسی جانب هند بخت سیه خویش بایران بگذار

بزرگتر نسخه‌ای از دیوان طالب را که نگارنده دیده ، متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملّی است شامل (۱۷۰۰۰) بیت از قصیده و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی است .

آغاز : غزلیات

خدایا بر سر ناز آر با ما کج کلاهان را بسحر غمزه در مالفته کن جادو نگاهان را

(۱۲۳۰)

دیوان طالب آملی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نامی نبرده ، ظاهراً در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات ومقطعات ویك مثنوی ورباعیات میباشد و در حدود (۳۵۰۰) بیت میباشد . در ابتداء هریك از بخشها برمربعی که از طلا پوشیده شده نام موضوع آن بخش نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۵۲) صفحه‌ای (۱٤) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتاب (۱۳۷) .

---

(۱) درعنوان نسخهٔ زیرین تصریح شده که طالب آملی است ودر آخر صفحه‌ای (سنه ۱۰٤۲ نوشته) ازدیوان طالب ... آتشکده اورا از شعرای آمل مازندران معرفی کرده و ص ۳۷۲-۳۷٤ ... در تاریخ ادبیات ادوارد براون (ج٤ ص۱۶۹-۱۷۱) ... گردیده است .

[۵۴۹] دیوان طوفان هزارجریبی (فارسی)

طوفان هزارجریبی (۱) نامش میرزا طیّب و از اهالی مازندران متوفی بسال ۱۱۹۰ (۲) میباشد ، معاصر آذر مؤلف آتشکده بوده ودر باره وی گوید « جوانی غیور باستغنای طبع و شکفتگی خاطر مشهور مکرر ملاقاتش اتفاق افتاد » ، این مؤلف وهدایت هردو تذکر داده‌اند که آهاجی رکیکه گفته ولی در آخر عمر توبه نمود ودر نجف اشرف مجاور و درهمانجا بسرای آخرت شتافت و آذر در تاریخ وفات او یك رباعی گفته و این مصراع آن (طوفان در دریای نجف شد زصفا) تاریخ وفات او را میرساند .

هدایت نوشته اند که دیوان او شامل هفت هزار بیت؟ و بیشتر آن غزلیات میباشد عبدالله نامی که از دوستان معاصر طوفان درنجف اشرف بوده مقدمه ای بردیوان او نوشته ودر آنجا پس از معرفی وشرح حال مختصری ازمؤلف تذکر داده که طوفان امید این داشت که‌دیوان متفرق‌وی جمع گرددبوی گفتم کسی‌دراین‌روزگار که بازارعلم وادب نارواست‌بدینکار مبادرت‌نخواهد نمود بهتر آنست که خوداین کاررا انجام‌دهی ، بنابراین‌دراواخر ماه‌شوال‌سال۱۱۷۵ بجمع آنهاپرداخت‌ونیز گوید: «این‌دیوان‌شامل‌قصائد وغزلیات ومثنوی‌ورباعیات‌وشکرپاره‌وجنگ‌نامه‌وهجویات بنوعی که متقدمین ترتیب بنانهاده‌اند اقتدا بایشان‌نمود وچون تمام کلیات او هنوز بزیور جمع آوری مزین نگشته بود بتوضیح بعضی مراتب ازفهرست نپرداخت » ودراین مقدمه مراسله ایکه میرزا مهدیخان منشی نادرشاه بوی نوشته و نظم او را ستوده مندرج گردیده است .

نسخهٔ‌زیرین درحدود ۳۳۰۰بیت میباشد .

آغاز دیباچه : بسمله جواهرحمدی که صیرفیان بازارنقود معانی و ناظمان سلسلهٔ عقود ولآلی الخ .

---

(۱) در دیباچه نسخهٔ زیرین هزار جریب را از توابع استراباد معرفی کرده ولی اینك از توابع مازندران میباشد وشاید که سهو قلم دیباچه نویس باشد ویاپیش ازاین‌جزءآنجابوده‌است.

(۲) در ص۴۱۳ آتشکده‌آذر وانجمن خاقان و ص ۳۴۱-۳۴۳ ج ۲ مجمع‌الفصحا شرح‌حال طوفان نگارش‌یافته‌وانتخابی‌از ابیات وی گردیده است .

نیز دردست‌است ۱ ـ مکتوبیکه به فیضی (۱۰۰۴ مرده) نوشته و دیگری درشکوه ازاهل کرم و این هردو نیز پیش از دیوان وی (نسخهٔ زیرین) نگارش یافته و پنج مکتوب‌او باسه دیباچه‌های نام‌برده درزیر شمارهٔ ۲۸۸ درکتابخانه مجلس موجود است.

دیوان قصائد وغزلیات ظهوری موافق نسخهٔ زیرین درحدود (۱۰۴۰۰) بیت میباشد وباساقی نامه (۱۴۵۰۰) بیت خواهد بود و دراین دیوان مدح وثنای ائمه اثنی عشرعلیهم‌السلام و عادلشاه ابیات بسیاری است.

آغاز غزلیات:

آنکه خواهد داشت فردارحمتش دیوان ما گشته وصفش آفتاب مطلع دیوان ما

(۱۲۲۲)

دیوان ظهوری ترشیزی

این‌نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، نامی ازنویسنده وسال نگارش درنسخه نیست، درعبارات دیباچه های سه گانه: (دیباچه نورس ـ خوان خلیل ـ گلزار ابراهیم) وبعضی از ابیات دیوان اصلاحی بقلم غیرازنویسندهٔ نسخه دیده میشود شاید بنظرخود ظهوری رسیده وباصلاح آن‌پرداخته ، کهنه بودن‌نسخه‌این احتمال‌راتأییدمینمایدوگذشته از دیباچه های نام‌برده ودو مکتوب مذکور شامل ساقی نامه وقصائد (غیر مرتب است) وغزلیات ویك صفحه شامل‌چند رباعی ازشاعر میباشد واسلوب خط هندی است ودراثرصحافی‌ایرانی از آن ازمیان رفته وچند برگ آنهم وصّالی شده است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت‌آبادی. واقف سپهسالار. قطع خشتی نازك. شمارهٔ اوراق (۲۹۲). صفحه ای (۲۸) بیت در متن وحاشیه. (طول ۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه (۳۸۲).

[۵۵۱] دیوان ظهیرفاریابی (فارسی)

ظهیرفاریابی (ظهیرالدین طاهربن محمدالفاریابی (۱) متخلص به **ظهیر** متوفی

(۱) فاریاب چنانکه در ص ۸۴۰ ج ۳ معجم‌البلدان ثبت شده بکسر راء و یاء حطّی و درآخرآن باء است و از شهرهای خراسان در نزدیکی جوزجان ونزدیك بلخ میباشد وازآنجا تابلخ شش‌روز راه و از فاراب تا طالقان سه روز راه است و ظهیرالدین بدانجا منسوب میباشد و فاراب که حکیم معروف ابونصر از آنجاست نیز در ص ۸۳۳ ج ۳ معجم معرفی گردیده وگوید آنطرف سیحون در اواسط بلاد ترك واقع و از شاش دورتر است و جوهری و ابوابراهیم صاحب دیوان‌الادب از آنجا میباشند.

بسال ۵۹۸(۱)) ازمشاهیرشعرای قرن ششم هجری میباشد، بمداحی سلاطین معاصر خود: طغانشاه پادشاه نیشابور واتابك قزل ارسلان وابوبکر ونصرةالدین وپدراو محمدبن ایلدگزپرداخته ومعاصرخاقانی وجمال‌الدین اصفهانی وشرف‌الدین شفروه بوده وبه نیشابور واصفهان وآذربایجان مسافرت نموده ودرهرهنگام طبع آزمائی کرده، گروهی وی را برانوری ترجیح داده، برخی ازامامی هروی(۲) دربارهٔ وی استفتا کرده‌اند سؤال وجواب ایشان اینست:

ای عالم زمانه که بر آسمان فضل — ماه خجسته پیکر خورشید منظری
قومی ز ناقدان سخن گفتهٔ ظهیر — ترجیح مینهند بر اشعار انوری
قوم دگر برین سخن انکارمیکنند — فی‌الجمله در محل نزاعند و داوری
ترجیح یکطرف تو بدیشان نما که هست — زیر نگین حکم تو ملك سخن وری

امامی درجواب گوید:

ای سالك مسالك فکرت درین سؤال — معذور نیستی بحقیقت چو بنگری
تمیز را ز بعد تناسب درین دو طور — هیچ احتیاج نیست بدین شرح پروری
کین معجزست و آن سحر، این نور و آن چراغ — این ماه و آن ستاره، این حور و آن پری

ودیگری(۳) گفته:

هرمبتدی که بیهده ترجیح میدهد — شعر ظهیر بر سخن پاك انوری
ماند بدان گروه که نشناختند باز — اعجاز موسوی را از سحر سامری

دولتشاه گوید درباره دیوان ظهیرفضلا گفته‌اند:

دیوان ظهیر فاریابی — در کعبه بدزد اگر بیابی

(۱) تاریخ گزیده در فصل شعرای فارسی زبان ص ۸۳۲ (چاپ عکسی)، تذکره دولتشاه ص ۱۰۹–۱۱۴، هفت اقلیم در ذیل شهر [illegible] در اقلیم چهارم ص ۴۹۰–۴۹۳، آتشکده آذر ص ۳۲۷ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۳۳۰–۳۳۶ ودرهفت اقلیم وفات وی بسال ۵۹۲ میباشد.
(۲) درهفت اقلیم امامی نوشته شده ولی درتذکره دولتشاه مجدالدین همگر است واین ابیات درهفت اقلیم نقل گردیده است.
(۳) دولتشاه گوید این داوری را پیش مجد همگر شیرازی بردند [illegible] این دو بیت را که گوینده آن معین نگردیده از او باشد.

هدایت گوید این بیت که در ضمن شرح حال ظهیر نویسند از قطعهٔ یکی از متأخرین است که درهجو عبدالرحمن جامی معاصرخود گفته و ابیات دیگر اورا هم نقل نموده است .

ازمقدمهٔ نثری که نخستین نسخهٔ زیرین دارد معلوم میشود که نویسندهٔ آن که ازخود نام نبرده ، شاعری معاصر ظهیر بوده ، شهرت او را شنیده ، ازوطن خود بقصد دیدار این استاد حرکت کرده ، چون بآذربایجان رسیده استاد را در این جهان نیافته ، بران شده که آثاراورا جمع آوری کند ، چون این کاررا بانجام رسانید گوید بران شدم که آنرا تقدیم بصاحب هنری نمایم که شایسته این در های یتیم باشد دراکناف واطراف هرچه نظرانداختم کسی راشایسته ندیدم تااینجا که میگوید :

« تا عاقبت عزم کرد که این دفتر که مستودع چندین گوهر ست و مستجمع چندین درر بخزانهٔ صدر روزگارصاحب مطلق ولی الانعام بحق عالم عادل مؤید مظفر منصور مجدالدولة والدین عمادالاسلام والمسلمین اختیار الملوك والسلاطین ملك الصدور فی العالمین کهف ائمةالمهتدین نظام الملوك باسط العدل والنعم ناشر الجود والکرم قاصم الاعادی قاسم الایادی ملاذالفقراء والزّهاد وملجاء العلماء والعباد حمید الاخلاق کریم الاعراق ملك رؤساء الافاق مدالله ظلاله وضاعف اقباله فرستد چه جوهر را جوهری داند و گوهررا گوهری شناسد ـ

قدرسخن در زمانه طبع تو داند قیمت درّ ثمین بنزد کرامت .

هدایت نوشته اند که دیوان ظهیرتخمیناً چهارهزاربیت میباشدو کهنه ترین نسخ درین کتابخانه وبزرگترین آنها دارای ۳۵۰۰ بیت ازقصائد فارسی وعربی وقطعه و غزل و ترکیب بند ورباعی میباشد و این دو بیت عربی ازو در تاریخ گزیده نقل گردیده :

اَعْرِفِ الفَرْقَ بَیْنَ دال وذال وهي اصل فن الفارسي معظم
کُلُّ ماقَبْلَ سُکون بلا وای فذال فما سواه معجم

آغاز :

چوزهره وقت صبوح ازافق بسازدچنگ زمانه تیزکند نالهٔ مرا آهنگ(۱)

(۱) این آغاز دیوانی است که در اول بار گردآوری شده ولی دیگری قصائد وغزلیات آنرا موافق حروف اوآخر مرتب نموده ونسخهٔ این کتابخانه موافق این ترتیب اخیر است .

(۱۲۲۳)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۸۹۵ نوشته اند ، نویسنده از خود نام نبرده ولی خط نسخه بسیار شبیه بخط منعم‌الدین اوحدی شیرازی نویسنده دیوان حافظ بسال ۹۱۷ میباشد که درص ۵۸۲ و ۵۸۳ خصوصیات آن نگارش یافت ، دیباچهٔ جامع را فقط این نسخه دارا است ودرابتداء آن سرلوح ظریفی میباشد ، درابتداء قصائد سرسوره ایست که وسط آن ازطلا پوشیده شده وبر آن باسفید آب « دیوان ظهیر فاریابی » نوشته شده و تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . دفتر وقفی بدون [illegible] . شماره اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۰ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۸) .

(۱۲۲٤)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهراً در نیمهٔ اول قرن سیزدهم) طرز آن چون نسخهٔ پیشین است ولی دیباچه را ندارد ، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده ، نویسنده کتاب انیس العشاق شرف را نیز بخط نستعلیق نوشته [illegible] ، این دو کتاب بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده ، از انیس العشاق در وصف [illegible] سخن خواهد شد واین نسخه از دیوان ظهیر درحدود (۳۵۰۰) بیت [illegible] .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . دفتر [illegible] . [illegible] (۱۲۵) . ضمیمه (٤۷) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۲ [illegible]) . عرض (۱۳ [illegible]) . شماره کتابخانه (۳۸۱) .

(۱۲۲۵)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه را بخط نستعلیق [illegible] تفرشی بسال ۱۲۵۷ نوشته ، قصائد آن [illegible] حروف آخر آنها بر حسب ترتیب حروف هجاء [illegible] آغاز این نسخه آن اینست :

سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را [illegible] جهان [illegible] را

و درحدود(۳۵۰۰)بیت را شامل است ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ اوراق (۱۱۷) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۹) .

(۱۲۲۶)

دیوان ظهیر فاریابی

این نسخه ظاهراً درقرن دوازدهم نگاشته شده ، اوراقی ازاول وآخر آن افتاده ، نویسنده‌ای برچند برگ چندین قصیدهٔ ظهیر را نوشته به اول نسخه پیوسته وابیاتی چند هم درآخر آن نوشته وطرز اصل نسخه چون نسخه اصلی غیرمرتب است ولی اینك آغاز آن موافق دیوان مرتب شده ظهیر میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۲۰) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($9\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۰)

[۵۵۲] دیوان عبدالمجید درویش (فارسی)

عبدالمجید مشهور به **درویش** ازخطّاطین معروف میباشد و خط شکسته را بپایه ای رسانیده که تاکنون کسی بدان نتوانست رسید و رونق خط شفیعا و میرزا حسن را که در بارهٔ آنها گفته اند **اثنان لاثالث لهما** برانداخته ، حاجب شیرازی درباره وی گفته :

«ای گشته مثل بخوش نویسی زنخست مفتاح خزائن هنرخامهٔ تست
تاکرده خدا لوح قلم را ایجاد ننوشت کسی شکسته راچون تودرست»

دراشعار مجید تخلص دارد ، راوی گروسی شماره ابیات دیوان او را هزارو پانصد بیت ضبط کرده ونسخهٔ زیرین در حدود (۱۲۳۰) بیت را شامل میباشد ، بسال ۱۱۸۵ وفات یافته و آذر ، **شده ایوان جنان منزل درویش مجید** را ماده تاریخ وی یافته وچند شعر ازدیوان وی انتخاب نموده وهدایت و راوی نیزچند بیت ازودر کتاب خود آورده‌اند(۱) .

---

(۱) آتشکدهٔ آذر ص ۴۲۴ ، انجمن خاقان در انجمن چهارم و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۴۴۵ دیده شود .

آغاز :

نبود باورت‌ای آنکه(کذا)زخم کاری ما کنون بیا بتماشای جان سپاری ما
شب فراق روا نیست منع زاری ما چرا که زاری ما نیست اختیاری ما .

(۱۲۲۷)

دیوان عبدالمجید درویش این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و بادیوان صهبا و دیوان هاتف بشمارهٔ(۴۰۱)دراین کتابخانه ثبت گردیده(بر گ ۸۹-۱۳۰) خصوصیات دیگر آن درص ۶۲۷ نگاشته شد .

[۵۵۳] دیوان عبدالواسع جبلی (فارسی)

عبدالواسع جبلی تخلص از شعرای مشهور قرن ششم هجری میباشد(۱) بنابر ضبط درهفت اقلیم لقب وی بدیع الزمان بوده و هدایت پدر او را عبدالجامع بن عمران بن ربیع نامیده و گوید جبلی بسال ۵۵۵ جهانرا بدرود گفته و خودوی بسیادت و انتساب خویش بحضرت پیغمبر اکرم ص اشاره موده :

نکرد باید بامن بقصد جباری که من بنسبی رسول خدای جبارم

درتاریخ گزیده آمده که عبدالواسع جوانی برزگر بوده روزی سلطان سنجر گذرش برپنبه زاری افتاده که عبدالواسع در آن بود و بدین بیت مترنم :

اشتر دراز گردنا دانم چه خواهی کردنا
گردن درازی میکنی پنبه خواهی خوردنا

سلطان دراو بوی لطف یافت او را ملازم کرد و تربیت کرد و تا بدان مرتبه رسید که طرز شعر او تاغایت چون او نگفته اند .

آقای بدیع الزمان درسخن و سخنوران این قول را با استدلال و شواهد تاریخی رد کرده اند .

دراشعار جبلی جنبه حسن الفاظ و صنایع بدیعیه زیاد مراعات گردیده و باوجود این تقید لطافت خود را ازدست نداده و سلطان سنجر ۵۱۱ - ۵۵۲ و بهرامشاه بن

(۱) لباب الالباب ج ۱ ص ۱۰۸-۱۰۹ ، تاریخ گزیده ص ۶۴۰-۶۴۱ (نسخه خطی) ، تذکره دولتشاه ص ۷۳-۷۶ ، هفت اقلیم ۵۲۲-۵۲۳ ، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۱۸۵-۱۹۲ ، و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۳۲۷-۳۳۴ مراجعه گردیده است .

مسعود غزنوی ۵۱۲-۵۴۴ (در تاریخ سلطنت این پادشاه دولتشاه و حمدالله و بدیع الزمان اختلاف دارند) وارسلان شاه بن کرمانشاه ازسلاجقهٔ کرمان ۴۹۴-۵۳۶ را مدح گفته واین بیت عبدالواسع زبان زد همه است :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا　　وزهردو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

وبدین مناسبت تخلص خود را جبلی قرار داده که از اهالی غرجستان میباشد که ازطرف مغرب بهرات وازمشرق بغوروازجنوب به غزنه وازشمال بمرو محدود میگردد وغرج بمعنی کوه وغرجستان کوهستانست .

نسخهٔ زیرین که شامل قصائد ومقطعات وغزلیات جبلی است درحدود (۴۷۰۰) بیت میباشد .

آغاز :

که دارد چون تومعشوق و نگار وچابك ودلبر
بنفشه زلف ونرگس چشم ولاله روی ونسرین بر

(۱۲۲۸)

دیوان عبدالواسع جبلی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، آخر آن افتاده ، ظاهراً دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته ، یك سرلوحی ظریف که باسفیداب برقسمت طلائی وسط آن نوشته شده : (دیوان افصح المتکلمین عبدالواسع جبلی) درآغازنسخه میباشد وصفحات بجدول بطلا ولاجورد است وآخرین بیت نسخه کامل اینست :

فخردارد برهمه سادات گیتی ازشرف　　فضل دارد برهمه اشراف عالم درمحل

چندین برگ ازاول وآخرنسخه وصالی گردیده وپشت برگ اول یادداشتهائی باتاریخ وبی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۵۱) . صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۲۲سانتیمتر) . عرض (۱۴سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۳) .

[۵۵۴] دیوان (کلیات) عرفی (فارسی)

سیّد محمد ابن خواجه زین‌الدین **علی بن جمال‌الدین** شیرازی متخلص به

عرفی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده (متولد بسال ۹۶۳ متوفی بسال ۹۹۹ (۱)) پدرش مقام داروغه گی شیراز را داشته؛ عرفی پس از اینکه بسن رشد رسید و کسب فضائل نمود علم شاعری برافراخت و بامعاصرین خود چون غیرتی شیرازی و دیگر پهلوانان، سخن پردازیها و کشتی گیریها کرده و همه از وحساب میبرده اند، چون آوازهٔ شعر دوستی و شاعرپروری خان خانان سپهسالار (عبدالرحیم) را شنید رو بهند آورد و بوسیله حکیم ابوالفتح گیلانی که او را نیز مدائح بسیار گفته به خان مذکور شناسانده شد و بدان آستان راه یافت و منظور نظر او گردید و کار او در دوستی خان خانان بجائی رسید که در هنگام ملازمت از آداب و رسومیکه بجای سلام هندیان و دیگران بجا میآورند معاف گردید، داستان ملاقات و جواب و سؤال بافیضی شاعر هندی را درص ۵۲۴ نگاشتیم.

عرفی بسال ۹۹۶ نخستین دیوان خود را مرتب نموده و مصراع: **اول دیوان عرفی شیرازی** تاریخ این جمع را میرساند و گذشته از این صنعتی که در آن بکار برده اینست: بشمارهٔ حروف آحاد این مصراع (۲۷) قصائد و عشرات آن (۲۷۰) غزل و مآت آن (۷۰۰) رباعی و مقطعات در آنست.

عبدالباقی نهاوندی در مقدمه دیوان کامل عرفی که شامل چهارده هزار بیت میباشد و در کتابخانه مجلس موجود است گوید:

«چون عرفی دچار ناخوشی اسهال شد و خود را نزدیک به بدرود کردن جهان دید مسوّدات اشعار خود را بکتابخانه خان خانان فرستاد، چون از جهان رفت خان خان هم محمد قاسم ابن خواجه محمد علی اصفهانی مشهور و متخلص به **سراجا** را که از شعرا و دانشمندان و سرحلقه مستعدان بود مأمور جمع و ترتیب و تدوین اشعار عرفی فرمود، سراجا یکسال و نیم پس از مشقت بسیار این دیوان که شامل قصائد و غزلیات و ترکیب و ترجیع بند و قطعه و رباعی و مثنوی میباشد ترتیب داد و نویسنده مقدمه گوید در پاره ای از اوقات در هنگام جمع این دیوان حضور داشتم و میدیدم که بیرون آوردن و مرتب کردن آنها از مسوّدات عرفی تاچه

(۱) تذکره خوشگو حرف عین و مقدمه نسخه دیوان متعلق بمجلس شورای ملی بقلم عبدالباقی نهاوندی معاصر عرفی و ص ۲۰۰-۲۰۵ هفت اقلیم و ص ۲۴-۳۵ ج ۲ شعرالعجم که مختصری از آنها ترجمه شده است.

حد زحمت داشت در آخر مقدمه قطعه ایکه سراجا درتاریخ این جمع و ترتیب انشا نموده ، گذارده شده و بیت آخر آن که سال نظم را میرساند اینست :

از خرد خواستم چو تاریخش گفت **ترتیب داده** تا دانی = ۱۰۲۶

طبع عرفی در انشاء قصائد و غزلیات ید بیضاء داشته و دو مثنوی که برابر مخزن الاسرار (مجمع الابکار) و خسرو شیرین نظامی ساخته بسیار سلیس و متین میباشد و اول دیوان وی با مجمع الابکار که در حدود ۵٦۰۰ بیت میباشد دوبار (بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۳۳) در بمبئی و کانپور هندوستان چاپ گردیده ولی تمام دیوان او چاپ نشده ورسالهٔ نفیسهٔ وی که درعرفان (در ۲۵۰ بیت) نوشته قدرت کامل نثر نویسی ویرا نیز میرساند : و آغاز آن اینست : بسمله حمدیکه از غایت شایستگی منزّه از شایبهٔ تعیّن وتخصیص آمده الخ .

عرفی در قصیده ایکه خود آنرا « ترجمة الشوق » نامیده اظهار نموده :

بکاوش مژه از گور تا نجف بروم اگر بهند بخاکم کنند یا بتتار

پس ازسی سال از وفات عرفی بسال ۱۰۲۸ استخوانهای او بوسیلهٔ درویشی بنجف فرستاده شد، دوسال هم دربین راه استخوانها درمشهد مقدس حضرت رضا ع بود، چون بنجف رسید در بیرون دروازه بجائیکه آنرا **بحیره** گویند دفن نمودند و **رونقی همدانی** قطعه ای درتاریخ آن گفت وماده تاریخ آن اینست :

رقم زد از پی تاریخ رونقی کاکم بکاوش مژه از هند تا نجف آمد

(در دو نسخه ازتذکره خوشگو در مصرع ماده تاریخ «از گور» نوشته شده وبرحسب محاسبه مسلماً غلط وصحیح «ازهند» میباشد)

(۱۲۲۹)

دیوان عرفی شیرازی این نسخه از دیوان بدون تاریخ نوشته شده ، پشت صفحهٔ نخستین تاریخ هائی دارد که ازهمه بیشتر بسال ۱۰۷۷ میباشد که نسخه در این تاریخ از کتابخانهٔ دولتخانه بیرون آورده شده ومُسلّماً خود دیوان درنیمهٔ اول قرن یازدهم نگارش یافته و گذشته ازمندرجات «اول دیوان عرفی» «رساله نفیسه عرفی» و مجمع الابکار وبخشی از «خسروشیرین» عرفی

وبرگهائی میان برگ اوّل و دوم آن افتاده ، این قسمت موجود که شامل بخشی ازغزلیات وقصائد ومقطعات ورباعیات میباشد درحدود ۴۲۰۰ بیت میباشد واشعاریکه عرفی پس از دیوان اول خود ، سروده دراین نسخه موجود وازآنها این قطعه است .

یکتا گهر محیط اخلاص — از بحر محیط پادشا زاد

تاریخ تولدش چه پرسی — « آرایش روزگار مازاد »

واین مصراع چهارم موافق حساب ابجد سال ۹۹۹ را معین میکند ، برگهائی ازنسخه وصّالی‌شده وابیاتی هم درحواشی نگارش یافته واگردرزمان حیات شاعر نگاشته نشده باشد مسلّماً درسال های اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۴۲) . صفحه‌ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۶) .

(۱۲۳۲)

دیوان عرفی شیرازی

این نسخه فقط مجمع‌الابکار وخسروشیرین عرفی میباشد بخط نستعلیق بسیارخوب نورالدین محمد لاهیجی بسال ۱۰۱۴ نگارش یافته ، درآغازهریك ازدوکتاب یك سرلوح زیبارسم شده ، چهار مجلس صورت سازی بسیارقشنگ که هریك نصف صفحه رافراگرفته دارا ، برخی از صفحات مختصر وصّالی شده و بنام « منظومه نورالدین لاهیجی » داخل کتابخانه اعتضادیه واین کتابخانه گردیده ومسلّماً غلط است .

جلد روغنی دورو ، درون مجلس حضرت یوسف ع وزلیخا وزنان مصروکاردوترنج وبرون آن گل و بلبل . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (٦۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (½ ۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤٦۲) .

[٥٥٥] دیوان علی نقی (فارسی)

زین‌الدین شیخ علی نقی کمره ای متولّد بسال ۹۵۸(۱) و متوفی بسال

---

(۱) در اواخر بخش قصائد ومقطعات درتاریخ ولادت‌خود اززبان پدر گوید :

فرزند علی نقی گزین درّ ثمین — آمد بوجود و حظّ وافر بیقین

ازدانش‌ودین ودولتش‌هست که هست — تاریخ « امام دانش و دولت و دین » .

۱۰۶۰ (۱) از علمای امامیّه قرن دهم و یازدهم هجری میباشد و مؤلفاتی در فقه و حکمت و کلام و اخبار دارند و درص ۳۰۴-۳۰۶ و ص ۳۴۷-۳۵۰ ج ۱ فهرست در مؤلفهٔ ایشان را معرّفی کامل کرده ام .

این عالم چندی قاضی شیراز بوده و بهمین جهت صاحب امل الآمل (ج ۲ ص ٥٦) ایشان را شیرازی معرفی کرده و پس از آن شیخ الاسلام اصفهان گردیده و کتاب مفصّلیکه دررد برنوح آفندی درمبحث امامت فارسی نوشته اخیراً داخل در این کتابخانه گردیده و در مجلّد بعد معرّفی خواهد گردید .

این عالم نقی تخلّص است و دیوان وی شامل غزلیات ، رباعیات ، قصائد ، مقطعات ، معمّیات ، ترکیب بند ، مراثی ، تواریخ میباشد و نسخهٔ حاضر در حدود (٥۳۰۰) بیت شعر میباشد .

آغاز (غزلیات) :

ای نام همایونت طغراچهٔ فرمانها خورشید صفت [illegible] دیوانها

آغاز (قصائد) :

چو خفتگان لحد را صباح روز نشور ز خواب مرگ [illegible] نفخهٔ صور .

(۱۲۳۳)

دیوان علی نقی کمره ای

این نسخه را بخط [illegible] بن عنایت الله شیرازی بسال ۱۰۴۹ نوشته [illegible] در آغاز قصائد و غزلیات میباشد [illegible] صفحهٔ اول آنها طلا اندازی و نقاشی گردیده و صفحات [illegible] حاشیه [illegible] اول و آخر و [illegible] گردیده است .

جلد [illegible] . شمارهٔ اوراق (۲۱۷) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول ([illegible] ۲۵ [illegible] ۱٤ [illegible]) . شمارهٔ کتابخانه (۱۸٤) .

(۱) در ص ۴۰۹-۴۱۱ روضات [illegible] ص ۲۱۳-۲۱٤ آتشکده آذر و ص ۴۹-۵۰ ج ۲ مجمع الفصحا [illegible] ایشان شده است .

[۵۵۶] دیوان عماد فقیه کرمانی (فارسی)

عماد فقیه چنانکه در آخر نخستین نسخه زیر تصریح گردیده علی نام و عمادالدین لقب داشته ، تخلّص او عماد است از عرفا و علمای معاصر آل مظفر میباشد در کرمان که وطن او بوده خانقاهی داشته و بسال ۷۷۳(۱) در همانجا وفات یافته است ، داستان گربه وی مشهور و معارضه خواجه حافظ در اشعار باصوفی ظاهراً باوی بوده و تصور میکنم که عبید زاکانی هم موش و گربه خود را در اشارهٔ بکار همین عماد ساخته باشد ، دولتشاه در تذکره خود از جواهرالاسرار شیخ آذری نقل نموده : « فضلا بر آنند که در سخن متقدمان و متأخران احیاناً حشوی واقع شده الاّ سخن خواجه فقیه کرمانی که اکابر اتفاق کرده اند که در آن سخن اصلاً فتوری واقع نیست نه در لفظ و نه در معنی » . و باچنین شهادتی نیازمندی دیگر بر معرفی ندارد و این دیوان وی که شامل دو قصیده در توحید و نعت و غزلیات و مقطعات و رباعیات و فردهای شیوا میباشد در حدود (۵۰۰۰) بیت است .

آغاز :

ای هردم از عطای تو کامی دگر مرا   وز شکر نعمت تو دهن پر شکر مرا .

(۱۲۳۴)

دیوان عماد فقیه

این نسخه در زمان حیوة شاعر بسال ۷۶۳ بخط نسخ خوب نوشته شده ، مرتب بترتیبی نیست ، در اینجا عین عبارت نویسنده که در آخر نسخه نوشته نقل مینمائیم :

تمّت کتابة الغزلیات المجموعة في هذا المجلد من مقولات شیخ الاسلام الاعظم قدوة اکابر مشایخ العالم مرشد اعاظم السلاطین عماد الملّة و الشریعة والدین علی الفقیه ادام الله میامن انفاسه الشریفه باشارة الصاحب الاعظم سلطان الحاج و الحرمین افتخار اکابر الخافقین جمال الدولة و الدین مقبول

(۱) تذکره دولتشاه ص ۲۵۴-۲۵۶ چاپی ، هفت اقلیم ص ۲۲۷-۲۲۹ و آتشکده آذر ص ۱۲۵ مراجعه شده است .

وعسجدی وغضائری ومنجیك واسدی طوسی ومنوچهری وزینتی‌سکزی وابوحنیفه اسکافی وراشدی وابوالفرج سکزی وغیرازاینها امیر بوده و برتری داشته و ازراه مدح وثنای پادشاه تموّل‌ودارائی بی‌نهایت یافته وسلطنت سلطان مسعودبن محمود را ده سال درك کرد وباعزت در اثر حسن خلق وکرامت زندگانی نمود و پیش پادشاه ومردم معززومحترم بود ، گویند سی‌هزار بیت انشا نموده ولی اشعار او در دست نیست ، بزرگترین نسخه‌ای که نگارند دیده متعلق به کتابخانهٔ مجلس میباشد که درحدود ۵۰۰۰ بیت است‌وهدایت دیوان‌سه‌هزاربیتی آنراپیش‌خودداشته

عنصری گذشته از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات چند مثنوی بنام وامق و عذرا ، « شاد بهرو عین الحیوة » ، « سرخ بت و خنگ بت » نسبت میدهند ولی نسخهٔ آنها در دست نیست ، آقای تربیت در ص ۳۱۹ شمارهٔ ٤ مجله مهرسال پنجم (۱۳۱٦ خورشیدی) نوشته اند که ابیاتی ازمثنویات عنصری را ازجاهای مختلف گرد آورده‌اند وازعبارت عوفی درذیل‌شرح حال‌نظامی(۱) نگارنده استفاده میکند که اورا کتابی بنام خسروشیرین ویا بدان وزن وبحر بوده ولی بدین نام کتابی بدو نسبت نداده اند .

(۱۲۳٦)

دیوان عنصری این‌نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، بسال۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادیه گردیده ، ظاهراً چند سالی پیش از این تاریخ نوشته شده ، دیوان منوچهری بخط همان نویسنده بدان پیوسته میباشد واعتضادالسلطنه درحاشیه بعضی از صفحات دیوان دوم یادداشتهائی بسال ۱۲۸۳ نموده واین نسخه ازدیوان عنصری که شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیاتی چند میباشد درحدود (۲۰۰۰) بیت است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۵٤) . این دیوان (۷۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($\frac{1}{2}$-۲۱سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۹) .

(۱) عبارت لباب اینست : « قصهٔ خسرو شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد » .

[٥٥٨ و ٥٥٩] دیوان فضولی بنگ و باده (ترکی)

محمدبن سلیمان بغدادی متوفی بسال ٩٧١ (١) متخلص به فضولی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده ، بعربی وترکی وفارسی شعر میسروده و مثنوی « بنگ و باده » وی که بترکی و درمعارضهٔ این دو برانداز ند اساس آدمیت و عفت در (٣٥٠) بیت میباشد نیز از آثار اوست ، در هفت اقلیم و آتشکدهٔ آذر چند بیت فارسی از او نقل گردیده وما برای نشان دادن طرز فکر و طبع وی آنها و چند بیتیکه در دیباچهٔ این دیوان گذارده درانیجا می آوریم :

آسودهٔ کربلا بهر حال که هست — گر خاک شود نمیشود قدرش پست
بر میدارند و سبحه اش میسازند — [illegible]

تا در دلت اندیشه بیداد نیاید — هرگز ز من دلشده ات یاد نیاید

یارمارا به ازین زارو حزین میخواهد — به ازین چیست که مارا به ازین میخواهد

ز بیم دشمنیم ای رقیب ایمن باش — [illegible]

طبیب عشق علاجی بغیر مرگ نکرد — ولی کشنده تر از مرگ بود درمانش

اگر عمرها مردم بد سرشت — [illegible] بهشت
در آن محفل پر صفا روز و شب — [illegible] ادب
بآن اعتقادند سر انجام کار — [illegible]
اگر سالها گوهر تابناک — [illegible] خاک
بر آنم که کمتر نشیند غبار — [illegible] اعتبار
چو از خاک خیزد همان گوهر است — [illegible] است .

فضولی دیباچه ای بترکی براین دیوان نوشته و خود دیوان که شامل غزلیات وقطعات و مخمسات و رباعیات میباشد در حدود (٣١٥٠) بیت میباشد و بسال ١٢٦٦ در تبریز ونیز در تاشکند چاپ گردیده است .

(١) در ص ٢٠٣ و ٢٠٨ ج ١ [illegible] و ص ٩٣ [illegible] ص ١٢٣ [illegible] مراجعه گردیده است .

علاقمندی فضولی باهل بیت و تشیّع وی از آثارش ظاهر و گذشته از قصائدی که درمدح حضرت مولی علی بن ابی طالب علیه السلام دارددر اوائل بنگ و باده (نسخه دوم این فهرست) گوید :

اولدر آئینه درارصورت حق — نه وصی نفس مصطفی مطلق
ناظم شرع ساقی کوثر — باب شبیرو والد شبّر
ربنا لاتعسر و اولسی — ربّنا شربت بکف علی
یار سلمان و خواجهٔ قنبر — والی روضه ساقی کوثر

آغاز (دیباچه): بسمله حمد بیحد اول متکلم نطق آفرینه که سفینه امید سکان بحار بحور نظمی الخ .

آغاز (دیوان):

قدانار العشق للعشاق منهاج الهدی — سالك راه حقیقت عشقه ایلر اقتدا .

آغاز (بنگ وباده): ای ویون بزم کایناته نسق — براقن جام عشق شاه حق .

(١٢٣٧و١٢٣٨)

دیوان فضولی و بنگ و باده

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش وتذهیب احتمال میدهم که درقرن دهم وزمان حیات فضولی نگاشته شده باشد ، سه سرلوح ظریف که طرز آنها بایکدگر مختلف میباشد دراول دیباچه ودیوان وبنگ و باده میباشد ، میان سطرهای دوصفحه اول دیباچه ودیوان طلااندازی شده وتمام صفحات باطلا وغیره جدول کشی شده وتذهیب ونقاشی گردیده ، ومهرهائی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده اند ، بامقابله به نسخه دیگرمعلوم شد که دوبرگ از آخر نسخه هم برداشته شده وبرخی ازاوراق وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (١٥١) . صفحه ای (١٢) سطر . طول ($26\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٦ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٠٧) .

(١٢٣٩و١٢٤٠)

دیوان فضولی و بنگ و باده

این نسخه را بسال ١٠٦٩ بر حسب امر زال بیك یوزباشی ، رجب بن محب علی شاملو بخط نستعلیق نوشته وشامل قصیده‌ای در مدح حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و قصائد

دیگر میباشد وبنگ وباده آن تمام است ، دو سرلوح زیبا در اول دیباچهٔ دیوان وبنگ وباده دارد ، دو صفحهٔ نخستین دیوان اطراف آن تذهیب ونقاشی گردیده در پایان صفحه آخر و پشت آخرین برگ یاد داشتهائی شده و برگ نخستین مختصر وصّالی گردیده ومهرزال بیك در چند جا زده شده است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۴۲) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۳۰۵).

(۱۲۴۱)

دیوان فضولی — این نسخه بخط نستعلیق خوب (سدهٔ [illegible] یازدهم) نوشته شده ، نویسنده از خود [illegible] دیباچهٔ در اواخر کتاب ولی ناقص وبرگهای آن متفرق [illegible] صفحهٔ دیوان هم نونویس میباشد ، برگ اول که شامل غزل نخستین بوده [illegible] از آخر نسخه افتاده ، عناوین غزلها وسر فصل ردیف ها بطلا نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی [illegible] شمارهٔ اوراق (۱۱۳) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۳۰۶).

(۱۲۴۲)

دیوان فضولی — این نسخه بخط نستعلیق (سدهٔ [illegible] دهم) نوشته شده ، شامل غزلیات ورباعیات فضولی [illegible] ورق از دیباچه آن افتاده وبر ورق اول آن کتابخانه یادداشتهائی [illegible] شده که پیشترین آنها بسال ۱۰۹۸ بوده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع [illegible] شمارهٔ اوراق (۸۵) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شمارهٔ ثبت (۳۰۸).

[۵۶۰] دیوان فغانی شیرازی (فارسی)

شاعر شیرین سخن بابا فغانی شیرازی متوفی بسال ۹۲۵ (۱) مردی صاحب ذوق وشاعری ظریف بوده ، ظاهراً در شیراز شغل [illegible] داشته و در آن هنگام

(۱) تحفهٔ سامی ص ۱۰۲ – ۱۰۳ [illegible] آتشکده ص ۵۳۹ – ۵۴۰ ، هفت اقلیم ص ۱۸۷–۱۹۰ مراجعه شود .

سکاکی تخلص داشته، چون صیت شعردوستی وشاعر پروری سلطان یعقوب از تبریز بلند شد، فغانی بدانجا رفته وسالها در آن خطه مانده وخوش بوده وچون بواسطه مرگ آن پادشاه آن رشته ذوق و معرفت پاشیده شد بشیراز برگشته، پس از چندی بخراسان رفته و در اواخر عمر ازشرب باده و گذرانیدن عمر بدانگونه که رویه وی بود پشیمان شده وتوبه نموده و این حالات وی از آثار وی هویدا و در مدح حضرت امام هشتم علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌التحیه والثناء قصائدی انشاء وبیشتر ازاشعار او غزل و گاهی قصیده وقطعه ورباعی و ترجیع بند نیزساخته است و روش فغانی درنظم معانی وتلفیق الفاظ روشی خاص میباشد وغزل بلکه بیتی از دیوان او نیست که سوز و گدازعاشقی نداشته باشد.

دیوان وی بسال ۱۳۱۵ خورشیدی بتصحیح جوان دانشمند آقای سهیلی خونساری ومقدمه ای درشرح حال وی درطهران چاپ گردیده وشامل غزلیات (۵۸۲ غزل) وغیره میباشد ودرحدود (۴۰۰۰) بیت شعر است.

آغاز: ای‌سرنامه نام توعقل گره گشای را ذکر تو مطلع غزل طبع سخن سرای را

(۱۲۴۳)

دیوان فغانی شیرازی

این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب عبدالرشید (۱) بدون تاریخ نوشته شده، شامل غزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد و درحدود (۳۸۰۰) بیت شعر است، غزلیات تمام وابیاتی ازغزلهای نسخه چاپی بیشتر دارد، سرلوحی کهنه و ظریف دارد وپشت صفحهٔ نخستین اعتضادالسلطنه درمعرفی نسخه ونویسنده آن وسال دخول آن بکتابخانه ایشان شرحی نگاشته‌اند، صفحات مجدول وتمام اوراق متن وحاشیه است. جلد میشن ضربی طلاپوش. کاغذ متن خانبالغ حاشیه فرنگی آبی‌رنگ. واقف سپهسالار. قطع

(۱) نویسنده درآخر نسخه فقط عبدالرشید امضاء کرده واعتضادالسلطنه اورادیلمی معرفی کرده و در صفحهٔ ۱۹۵ پیدایش خط وخطاطان قطعه‌ای بخط این نویسنده گراورشده و درص ۱۹۴ گوید بشرح حال وی دست نیافتم.

درتذکرةالخطاطین (اواخر ج ۱) گوید: میرزا رشیدا خواهرزاده میرعماد مالک افسر و دیهیم سلطنت ممالک خط گشت . . . . و بسال ۱۰۴۸ در کشمیر وفات یافت. (بایستی مراد همین عبدالرشید باشد).

وزیری . شمارهٔ برگها (۱۷۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ ½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۹۱) .

(۱۲۴۴)

دیوان فغانی شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب میر حسین صفوی بی تاریخ نوشته ، ظاهراً در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، چنانکه در دیباچه نسخه نوشته شده انتخابی از دیوان فغانی میباشد که باشاره امیرخان(۱) نام گردیده ودر آخر دیباچه مختصر قطعه ای درمدح امیرخان مذکور گذارده شده بیت آخر آن که اندکی کلمات آن محو گردیده چنین خوانده میشود :

رسد ای کاش به رازی شرف تربیتت که بود باد گرت دولت فرخنده مآل

بنابراینکه کلمه درمصراع اول رازی باشد بایستی مقدمه نویس وانتخاب کننده رازی شاعر باشد واین دیوان منتخب درحدود (۱۸۰۰) بیت میباشد و پیش از شروع بغزلیات دو صفحهٔ اول نسخه نقاشی بسیار شریف شده ودر میان ترنجی که درمیان صفحه است چند سطری از دیباچه نوشته شده و پس از دیباچه وقطعه نام برده ، ترجیع بند چاپ شدهٔ در دیوان و قصیده ای بردیف آفتاب نیز در مدح حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که مطلع آن اینست :

ای صورت بدیع تو را مظهر آفتاب آئینه ایست روی ترا درخور آفتاب

نیز گذارده شده ، درابتداء دیوان سرلوح شریفی میباشد ومیان سطرهای دو صفحهٔ اول آن طلا اندازی شده ، فواصل غزلها تذهیب گردیده وحواشی بیشتر از اوراق باطلا نقاشی گل وبرگ ومرغ وآهو وغیره گردیده وصفحات جدول بطلا ولاجورد دو پشت آخرین صفحه دخول آن بکتابخانه محمود میرزا بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق خیلی خوب یادداشت گردیده ودرپایین آخرین صفحه محمد امین نام (ظاهرا کتابدار شاهزاده بوده) نوشته که بسال نامبرده ضبط کتابخانه گردیده وبرخی از اوراق حواشی آنها وصالی شده است وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بنقل از [illegible] قلیخان واله راجع به

(۱) باجستجو بشرح حال وعمل و زمان وقوف این شخص دست نیافتیم .

فغانی نقل گردیده وهم دراینجااستکه بسال ١١٦٠ داخل درعرض شد .
جلدها روغنی گل وبوته دار دورو . کاغذ خانبالغ . واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها (٩٣) . صفحه‌ای (١٢) سطر . طول (٢٣ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٧٤١) .

[٥٦١] دیوان فیض (فارسی)

ملا محسن فیض کاشانی ره (محمدبن مرتضی بن شاه محمود ١٠٠٧-١٠٩١) یکی ازمعاریف علما و عرفای قرن یازدهم هجری بوده و مؤلفات مهمی در فنون فقه واخبار وعرفان وغیره ازایشان بفارسی وعربی بیادگار مانده وما درص ٢٤ وص ٥٤٩ - ٥٥١ ج ١ فهرست بمعرفی ایشان پرداخته‌ایم و درصفحات ٢٤و٨٠و١٣٤ و٣٢٣و٣٣١و٣٣٣و٣٣٥ و٣٥١ و٥٢٥ و٥٤٩ آن مجلّد ده مؤلفه ایشان را معرّفی کرده ایم و دراشعار فیض تخلص دارد و دونسخه زیرین شامل قصائد و مثنویها وغزلیات ورباعیات عالمانه وعارفانه ایشان میباشد وچنانکه از آخر نخستین نسخه معلوم میشود جمع وترتیب دیوان غزلیات فیض بسال ١١٠٢ یعنی ١١ سال پس از مرگ وی انجام گرفته است .

آغاز غزلیات : ای درهوای وصل تو ، جانها گشوده بالها
تو در دل ما بودهٔ ، درجستجوها سالها

(١٢٤٥)

دیوان فیض کاشانی این نسخه مشتمل برچند قصیده وچندین مثنوی ازفیض کاشانی میباشد ، بخط نستعلیق ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته شده ، بسال ١٢٧٧ در دست **رضاقلیخان هدایت** بوده و پشت برگیکه پیش از برگ نخستین بوده یادداشت نموده ویکی ازمثنوی ها را خود فیض «آب زلال» نامیده و دیباچه مختصری بنظم برآن نگاشته وآنرا به دو جرعه تقسیم کرده اول درخطاب به حضرت حق ودوم درخطاب بنفس و این نسخهٔ از دیوان شامل (١٣٥٠) بیت شعرمیباشد و بدین شعر شروع گردیده :

کتاب آفرینش را بچشم سر اگر خوانی   به‌بینی حق‌تعالی را دراین آیات نورانی

(۱۲۴۷)

دیوان فیضی

این نسخه شامل قطعات و ماده تاریخ‌ها و رباعیات فیضی است چنانکه در ص ۵۲۴ زیرعنوان خمسه فیضی که پیوسته به این نسخه میباشد نگارش یافت ، در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، خصوصیات دیگر نسخه را در آن صفحه زیر شمارهٔ (۱۱۴۱) نگاه کنید وشمارهٔ این کتاب در این کتابخانه (۳۲۰) است .

[۵۶۳] دیوان (یا کلیات) قاسمی یاقاسم انوار (فارسی)

علی بن‌نصیر بن هارون بن ابی‌القاسم حسینی مشهور به قاسمی (۱) و ملقّب به معین‌الدین (۲) و متخلص به قاسم وقاسمی از مشاهیر شعرا و عرفای ایران میباشد ، در بدو سلوك دست ارادت به شیخ صفی‌الدین اردبیلی داده وپس از آن به‌صحبت شیخ صدرالدین علی یمنی رسیده و چنانکه قاضی نورالله نوشته در اثر اینکه در خواب دیده نور قسمت میکند شیخ صدرالدین اورا **قاسم‌انوار** نامیده و بدین نام مشهور گشت ، پس از تکمیل کمالات صوری و معنوی از آذربایجان به‌گیلان و از آنجا به‌خراسان رفته ودرهرات رحل اقامت انداخته و مردم نسبت بوی ارادت ورزیده‌اند ، شاهرخ صلاح پادشاهی‌را دراین‌دید که سیّد با این‌مطلوبیت و محبوبیت در آنشهر نماند ، سیّد انوار از آنجا بسمرقند رفت و الغ بیك نسبت بوی کمال همراهی را نشان داد ، پس از چند سالی دوباره به‌هرات برگشته و از آنجا به خرجردجام رهسپار گردید ودر آنجا بسال ۸۳۷ بسرای جاویدان شتافت ودرهمان باغی که منزل داشت به‌خاك سپرده شد و امیرنافذالامر امیرعلی‌شیرنوائی دراواخر قرن نهم عمارتی زیبا بر سر قبر وی بنا نموده ودولتشاه گوید «گردون بهزار چشم بزیبائی آن ندیده است» هدایت تولّد این‌عارف را بسال ۷۷ وعمر اورا نود سال

(۱) دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۴ ، تذکره دولتشاه ص ۳۴۶-۳۵۲ ، مجمع‌الفصحا ج ۲ ص ۲۷-۲۸ ومجالس‌المؤمنین ص ۳۷۳-۳۷۵ مراجعه گردیده است .

(۲) در دانشمندان و مجالس‌المؤمنین لقب وی معین‌الدین ولی در تذکره دولتشاه صفی‌الدین ثبت گردیده ودرمقدمه انیس‌العارفین قاسم انوارخود را حسینی ومشهور به قاسمی معرفی کرده است .

نوشته ولی با تعیین سال تولد و وفات که عین آنرا نقل نمودیم هشتاد سال میشود نه نود سال و دولتشاه وفات اورا بسال ۸۳۵ ثبت کرده است .

کلیات یا دیوان قاسم انوار عبارتست از دیوان غزلیات و رباعیات و قطعات و مثنوی « انیس العارفین » و تذکرة الاولیا یا « مقامات العارفین » .

چنانکه در تذکره‌ها نوشته‌شده این شاعر عارف نسبت بخواجه حافظ کمال ارادت داشته وهماره دیوان اورا نزد خود داشته وبه آن مراجعه مینموده وبیشتر غزلیات وی موافق غزلیات خواجه از حیث معنی و وزن و بحر میباشد و صاحب ذوقی دیوان غزلیات این دو شاعر را در یك نسخه گرد آورده بدین معنی که صفحهٔ راست را باشعار حافظ وچپ را باشعار قاسم انوار اختصاص داده و [illegible] خصوصیات آن زیر دوّمین نسخهٔ زیر و درص ۵۸۳ مراجعه شود .

مثنوی انیس العارفین را بمقدمهٔ نثری مختصر شروع نموده و در حدود (۶۰۰) بیت شعر میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله منت خدایرا جلّت عظمته و عمّت کلمته که بشعشعهٔ انوار اسرار شموس ارواح . . . .

یامغیث المذنبین معطی المقال یا انیس العارفین یا ذالجلال

و تسمیه این مثنوی بدین نام ظاهراً مصرع اخیر این بیت میباشد و در مقدمه و خاتمه وجای دیگر از کتاب [illegible] این [illegible] .

« مقامات العارفین » یا تذکرة الاولیا نیز به مقدمهٔ کوچك نثری شروع شده و ۱۰۷ بیت شعر میباشد و خود در این مثنوی گوید :

بشنو ای طالب ره توفیق در طریق خدا علی التحقیق

صد مقامست پیش اهل مزید اولش یقظه آخرش توحید

گرچه زین بیشتر توان گفتن در معنی بصد بیان سفتن

لیك این صد بود اصول همه [illegible] بود وصول همه

هست این صد مقام در ده قسم هر ده از هم تمیز کرده باسم

آغاز : (مقامات العارفین) [illegible] باد و بر صفا وافانا

رسیده از دنیامر و ادبالنبی و آله الامجاد روزی چندست که سلطان جمال معشوق حقیقی از افق دل ...... باتو رمزی بگویم.

الای شاه باز ملك لاهوت مقید ماندهٔ در دام ناسوت

دیوان غزلیات و رباعیات و مقطعات وغیره انوار درحدود (۶۰۰۰) بیت میباشد.

آغاز: من بیچارهٔ سودا زده سرگردانم
که باوصاف خداوند سخن چون رانم

(۱۲۴۸)

دیوان قاسم انوار

این نسخه ازدیوان که گذشته ازغزلیات و مقطعات و رباعیات شامل دو مثنوی « مقامات العارفین » و « انیس العارفین » میباشد در حاشیهٔ دیوان کمال خجندی از اول تا بآخر نوشته شده (مقامات العارفین ۲۷ برگ بآخر مانده شروع و ۲۰ برگ مانده خاتمه می یابد و بخش اول آنهم مکرر نوشته شده وانیس العارفین از ۲۰ برگ بآخر مانده تاصفحه آخر دیوان نگاشته شده و حواشی آخرین صفحه که شامل اواخراین مثنوی اخیر بوده اندکی محوگردیده است) نویسنده دیوان خود را علی دامغانی و سال نگارش را ۸۲۱ معین نموده وبخط نستعلیق خوب میباشد، درکتابخانه زیر شمارهٔ (۲۶۶) ثبت گردیده و خصوصیات دیگر آنرا زیر عنوان دیوان کمال خجندی ذکر خواهم نمود.

(۱۲۴۹)

دیوان قاسم انوار

این نسخه که بسال ۱۰۰۵ نوشته شده، شامل غزلیات و مقطعات ورباعیات قاسم انوار میباشد و نویسنده نسخه ملتزم شده که صفحه راست را شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات حافظ قرار دهد وصفحهٔ چپ را ازقاسم انوار وتابآخر پیش رفته و شش ورق بآخرمانده دیوان حافظ بآخر رسیده واین دیوان درحدود ۵۳۰۰ بیت است، ودرآنجا سال نگارش موجود وتمام این اوراق آخرشامل اشعارقاسم انوار است هردونسخه در کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۰۲) ثبت گردیده و در ص ۵۸۳ خصوصیات دیگرآنرا نگاشته ام.

اساس هستی حیدر بمی خراب اولی   که این‌خرابه ندارد بنامگر بر آب خراب

این دیوان که بترتیب حروف تهجی موافق ردیف های غزلیات مرتب گردیده درحدود ۲۷۰ بیت شعر میباشد .

آغاز :   بیارب یاربم تاروز بی ماه رخت شبها
شب و روز از خدا وصل تومیخواهم بیاربها

(۱۲۵۰)

دیوان قطب‌الدین حیدر این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگ آخر افتاده ، ظاهراً از خطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد ، چندین برگ از اول نسخه هم پاره شده و وصّالی گردیده ، یادداشتهائی که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده ، شاهزاده اعتضادالسلطنه بنام دیوان قطب‌الدین حیدر آنرا معرفی نموده وبهمین نام وقف گردیده ، یك سرلوح بسیار ظریف دراول نسخه میباشد وتمام صفحات تذهیب ونقاشی وجدول کشی بسیار ممتاز گردیده است .

جلد تیماجی ظریف طلائی . کاغذ **متن** خانبالغ **حاشیه** بخارائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی. شمارهٔ اوراق (۳۱) . صفحه‌ای (۹) سطر . طول (۱۸سانتیمتر) . عرض ($\frac{1}{2}$ ۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۴۸) .

[۵۶۵]   دیوان قطران تبریزی   (فارسی)

حکیم قطران ازشعرای قصیده سرای معروف قرن پنجم هجری میباشد ، هدایت وفات اورابسال ۴۶۵ ثبت نموده وشواهد تاریخی بر وجود اوتا اینسال موجود ، نام اوراتذکره نویسان ازعوفی تاکنون (۱) کسی ثبت ننموده شاید قطران تخلّص ونام وی بوده ، پدراورا درهفت‌اقلیم منصور واورا اجلی معرفی ، ناصرخسرو اورا درتبریز ملاقات(۲) وگوید که دیوان منجیك و دقیقی را پیش من آورد و خواند ومشکلات آنهارا حل نمود وزبان فارسی نیکو نمیدانست واشعارخود برمن خواند .

(۱) لباب الالباب ج ۲ ص ۲۱۴ ، تذکره دولتشاه ص۶۷-۶۹ چاپی ، هفت اقلیم ص ۱۰۱۷ - ۱۰۲۱ ، آتشکدهٔ آذر ص ۳۶ - ۳۷ ، مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۴۶۶ - ۴۷۶ ، سخن وسخنوران ص ۱۳۰ - ۱۶۰ بخش اول ج ۲ ودانشمندان آذربایجان ص ۳۰۷-۳۰۹ .

(۲) ص ۸ سفرنامهٔ ناصرخسرو چاپ برلن .

بهر حال قطران شاعری قصیده سرا و دارای صنایع لفظی و لطائف معنویست و دیوان وی گذشته از قصائد شامل ترکیب بند و تغزلات میباشد و آقای تربیت در دانشمندان نگاشته اند که دیوان او را تا دوازده هزار بیت دیده ام و هدایت از هشت هزار تاده هزار و دولتشاه قطران صاحب ترکیب بند ذو قافیتین را که نزد سائر تذکره نویسان تبریزی است ترمذی و استاد انوری معرفی کرده و آذرهم در آتشکده اشاره باین اختلاف کرده و تبریزی بودن اورا ترجیح داده و برخی تصور کرده اند که دو نفر شاعر قطران نام و تخلص بوده یکی ترمذی و دیگری تبریزی و بگفته امین احمد قطران تبریزی چند مثنوی نیز انشا نموده و یکی از آنها « قوس نامه » میباشد که بنام امیر محمد بن امیر قماج والی بلخ انشا کرده است .

نسخه ای از دیوان قطران که شامل ده هزار بیت میباشد جناب آقای تقوی رئیس محترم این دانشکده مرتب فرموده و در کتابخانه شخصی ایشان موجود و تذکر دیگر که سابقین نیز نگاشته اند اینکه اشعار قطران با رودکی بسیار شبیه و دیوانیکه بنام رودکی بسال ۱۳۱۵ در طهران چاپ شده بیشتر آن از قطران میباشد.

نسخه زیرین درحدود ۳۰۰۰ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

تا بپوشید بلؤلؤی ثمین باغ سمن بگل سرخ بیاقوت بیاراست چمن.

(۱۲۵۱)

دیوان قطران تبریزی

این نسخه را بسال ۱۲۵۰ محمد علی ابن حاجی محمد باقر تنکابنی برحسب امر محمد حسین میرزا ... بخط نستعلیق نوشته و شاهزاده پشت صفحهٔ ... را ملا باشی خود معرفی کرده و مهر خود را هم زده ... و بسال ۱۳۸۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و برخی از ... تصحیح گردیده و از ترکیب بند مشهور بخشی ... گذارده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شماره اوراق (۱۰٤) . صفحه‌ای (۱٦) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره ترتیب (۲۵۰) .

[۵۶۶] دیوان کاتبی (فارسی)

محمدبن عبدالله متخلص به **کاتبی** (۱) از ترشیز خراسان میباشد وچون به نیشابور آمده ودرخط شاگردی نسیمی راکرده مشهور به نیشابوری شده ، چندی ملازم بایسنقربن شاهرخ را نموده وقصیده ردیف نرگس را حسب الامروی تتبع نموده ولی چنانکه باید در اثر حسد معاصرین مورد قبول نیافته و کار باستهزا کشیده ، پس از آن ازخدمت استعفا کرده و رو به شروان کرده ، و امیرابراهیم که مربای بتربیت دانشمندان بوده اورا پذیرائی کرده ، کاتبی قصیده ای بردیف گل درمدح وی ساخته وانعام بسیار یافته ودرهنگام مراجعت بمرض طاعون دراستراباد در گذشته وصاحب مجمع الفصحا وفات اورابسال ۸۳۸ ثبت نموده و گوید دومثنوی یکی بنام « مجمع البحرین » و دیگری بنام « محب ومحبوب » دارد وهمین مجمع البحرین وی میباشد که ذوقافیتین است واهلی شیرازی « سحرحلال » خود را درمقابل آن ساخته است .

آغاز : آفاق پرصداست زکوه گناه ما کوه گناه چند بود سنگ راه ما .

(۱۲۵۲)

دیوان کاتبی نیشابوری این نسخه درابتداء نسخه شمارهٔ (۲۷۹) این کتابخانه میباشد (ص ۱ - ۹۵) ، وخصوصیات دیگر آن در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) نگارش یافت ، شامل غزلیات مرتب بحروف تهجی ومقطعات ورباعیاتی چند است وتمام آن درحدود ۱۰۰۰ بیت شعراست .

[۵۶۷] دیوان کلیم کاشانی (فارسی)

ابوطالب کلیم ازشعرای قرن یازدهم هجری بوده ، باصائب تبریزی ومیرمعصوم کمال الفت و دوستی داشته ، و صائب در این معنی که دوستی و صمیمیّت سه نفرگوینده معاصرباشد بااظهار تعجب ازاین توافق گفته :

---

(۱) هفت اقلیم ص ۶۲۸-۶۳۱ ، آتشکدهٔ آذرص ۷۵ ومجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۸-۲۹ مراجعه شده است .

بغیرصائب و معصوم نکته سنج و کلیم دگر که زاهل سخن مهربان یکدگرند
و چنانکه خود کلیم تصریح کرده
(در دامن الوند اگر غنچه شود گل زنهار مگوئید کلیم ازهمدانیست)

اصلاً همدانی است ولی در کاشان تربیت شده ازاینرو کاشانی مشهور گردیدو چنانکه خوشگو در تذکره خود گفته « ظفرنامه شاه جهانی » نظم اوست .

ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود (ص ۱۷۳ – ۱۷۵ ترجمه ج ٤) وفات کلیم را بسال ۱۰۶۱ مطابق ۱۶۵۱ م معین نموده وهمین تاریخ را خوشگو در سفینه خود ذکر نموده و در بعضی از تذکره هاست که کلیم مقام ملک الشعرائی شاه جهان را یافته و چنانکه از چندقطعه انشائی وی که در دیوان او موجود است بر می آید چندی باتهام جاسوسی در قلعه شاهدرک زندانی بوده و اشعار او مشتمل بر ترکیب بند و ترجیع بند و غزل وقطعه و رباعی است و محبت اهل بیت علیهم السلام از آنها ظاهر و این نسخه از دیوان او که زیر این سطرها معرفی میشود در حدود ۸۰۰۰ بیت از اشعار او را شامل میباشد و خوشگو کلیات کلیم را (بامثنویات او) سی هزار بیت (۳۰۰۰۰) معین نموده است .

(۱۳۵۳)

دیوان کلیم کاشانی

این نسخه ظاهراً در زمان خود کلیم نوشته شده و بر کنار بخش غزلیات ، غزلیاتی در [illegible] بخط خود شاعر [illegible] نوشته شده و [illegible] نسخه مقولیت دارد ، برگهائی از اول دیوان که شامل بخشی از قصائد بوده [illegible] که شامل برخی از رباعیات بوده ، افتاده و نخستین بیت صفحه اول نسخه این است :

زبس که شوق [illegible] بحرف [illegible] [illegible] کویاست

چند برگ کاغذ جدول کشی شده [illegible] گذارده شده و در صفحهٔ اول آنها [illegible] کشیده شده [illegible] این صفحه یادداشت اعتضاد السلطنه [illegible] ۱۳ [illegible] .

جلد تیماجی [illegible] (۲۵۶) ، صفحه ای (۱۷) [illegible] ۱۹ [illegible] ۱۱ [illegible] ۱۳٤۷ .

[٥٦٨] دیوان کمال‌الدین اصفهانی (فارسی)

کمال‌الدین اسمعیل پسر جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی ازمشاهیرسخن‌سرایان قرن ششم واوائل هفتم هجری میباشد ، بمداحی خوارزمشاهیان و صاعدیه(۱) که مربی این شاعربوده‌اند وملك نصرةالدین ورشیدالدین وشهاب‌الدین وفخرالدین احمد وصدرالدین عمرخجندی (که از همه صدر تعبیر کرده) و عمیدالدین فارسی پرداخته ، چون درشعر وشاعری مرتبه ای عالی یافت اورا « خلاق‌المعانی » لقب دادند ، برخلاف دانشمندان ثروتی بسزا داشته و ظاهراً پدر یاجدش اززرگری وکسب درطریق تحصیل علوم و فضائل پانهاده و در عالم علم و ادب زرافشان شده ودراواخرعمردست ارادت بشهاب‌الدین سهروردی داده(۲) وبسال ٦٣٥در اصفهان مغولان اورا شهید کرده اند(۳) .

عمر کمال‌الدین را ازروی تحقیق بدست نیاوردم ولی دریکی ازقصائد که شکایت از پیری کرده گوید :

دریغ وغم که پس ازشصت واند سال‌زعمر   بناگهان بسفر میروم نه برگ ونه ساز

---

(۱) دردیوان کمال‌الدین مدائحی بسیارازصاعدیه موجودوتاریخ یکی ازقصائد که درمدح رکن‌الدین صاعدی میباشد وازاو صدر تعبیرشده وبدین مطلع میباشد :

خفتهٔ بیدار بودم دوش کزدارالسلام   مسرع باد صبا آورد سوی من پیام .

اینست : برتومیمون باد این تحویل فرخ کاوفتاد   در سنهٔ خمس ثمانین غره ماه صیام

وهمین رکن الدین مسعود صاعدی را مراثی متعدی گفته ودر دیوان وی موجود است . وابوالعلاء صاعدی را نیز بقصیده ای مدح نموده است .

(۲) درقصیده ای که بدین مطلع میباشد :

دلا بکوش که باقی عمردریابی   که عمرباقی ازین‌عمربه گذریابی .

علاقمندی خود را به سیروسلوك و تهذب وتربیت نفس بیان وبمدح شیخ سهروردی پرداخته وگوید :

ازین بزرگان امروز درزمانه یکست   که مثل او نه همانا ببحرو بریابی

شهاب دین عمرسهروردی آن ره رو   که از مسالك او دیو برحذر یابی

و از ابیات آخر قصیده معلوم میشود که بخدمت شیخ مشرف نشده واز دور مشتاق گردیده است .

(۳) تاریخ گزیده (ورق ۳۲۲ نسخه کهنه خطی) ، تذکره دولتشاه١٨٤-١٥٤چاپی‌هفت اقلیم ص ٧١٠ - ٧٢٠ ، آتشکدهٔ آذر ص١٩١ - ٢٠١ ومجمع‌الفصحا ج ١ ص٤٨٩ - ٤٩٤ مراجعه شده وفقط درتذکرهٔ دولتشاه تصریح بسال وفات وی شده است .

در آخر مکتوبی از شاعر نیز نگارش یافته ولی از آخر آن افتاده ، برحسب محاسبهٔ نگارنده درحدود ١٢٨٠٠ بیت شعر میباشد ودوبیت اول نسخه اینست :

دست از طلب بدار گرت برگ این رهست کانرا که راه توشه نه فقر است بینواست
نه فقر صورتی که بود همعنان کفر بل فقر معنوی که بدو فخر انبیاست.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شمارهٔ اوراق (٤١٥) . صفحه ای (١٧) بیت . طول (٢١ سانتیمتر) . عرض (١١ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٦٥) .

(١٢٥٦)

دیوان کمال الدین اصفهانی

از این نسخه نیز اول و آخر افتاده و چون نسخه پیشین بی ترتیب نگارش یافته وظاهراً در قرن دهم نوشته شده و برحسب شمارهٔ نگارنده درحدود ٥٠٠٠ بیت میباشد و بیت اول نسخه اینست :

دردمندان غمت را دربیابان بلا مرغ شوقت مغز خورده استخوان انداخته .

بربرگ ننوشته ای که دراول نسخه بوده نگارنده مطلع این قصیده را از روی نسخه دیگر این کتابخانه نقل وتذکر داده ام که در توحید باریتعالی است و بعضی از برگهای نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری باریک . شمارهٔ اوراق (١٥١) . صفحه ای (١٨) بیت . طول (٢٤ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (١٢ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٢٦٣) .

[٥٦٩] دیوان کمال خجندی (فارسی)

کمال الدین خجندی از معاریف عرفا وسالکین وشعرای این سرزمین میباشد ، در آتشکده ومجمع الفصحا نام وی مسعود ثبت گردیده ولی درمآخذ دیگر نام وی ذکر نگردیده وفات او درنفحات (ص ٧٢٣-٧٢٤ خطی) وهفت اقلیم (ص ١٢١٠) بسال ٨٠٣ ودرمجالس العشاق (مجلس ٤٤) بسال ٨٠٨ ودولتشاه (ص ٣٢٥-٣٣١) وآتشکده (ص ٣٤٦-٣٤٧) ومجمع الفصحا (ج ٢ ص ٢٩) بسال ٧٩٢ نوشته اند واین تاریخ اخیر مسلماً غلط است چراکه درمقدمهٔ دیوان وی که یکی ازمعاصرین خجندی نوشته تصریح کرده که بسال ٧٩٨ از شهر سرای ودشت قپچاق به تبریز برگشته وسابقین بردولتشاه وآذروهدایت هم بسال ٨٠٣ و٨٠٨ نوشته اند وبایستی یکی ازاین دوقول صحیح باشد .

که داشته پس از مرگ درمسکن او جزبوریائی وخشتی که زیرسرداشته چیزی نبوده است .

چنانکه گفته شد این دیوان شیخ کمال پس‌ازسال ۷۹۸ مرتب گردیده وشامل غزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها میباشد و درحدود (۳۴۰۰) بیت است وتخلص وی درتمام غزلیات **کمال** میباشد و وفات وی بنابر تصریح تذکره نویسان پیش ازآذروهدایت درتبریزاست واین دو در دارالعباد یزد نوشته اند.

آغاز : افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال بثنای ملك‌الملك خدای‌متعال.

(۱۲۵۷)

دیوان کمال خجندی

این نسخه بسال ۸۲۱ بخط نستعلیق نوشته شده و بخشی از مقدمه ایکه بر آن نوشته شده در سه برگ پس از سه برگ اول نسخه میباشد و میان برگ اول و دوم کنونی هم افتاده دارد، چنانکه در ص ۶۵۵ گذشت دیوان قصائد وغزلیات قاسمی تبریزی‌درحاشیهٔ این نسخه نگارش‌یافته وخصوصیات دیگرآن نسخه را در آنصفحه یاد نمودیم .

جلد روغنی گل وبرگ یك‌رو است ابیاتی در اطراف آن نوشته شده ومیرساند که پیش‌ازاین کتاب جلد قرآن بوده . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع‌ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۴۳) . صفحه‌ای (۱۴) بیت درمتن و ۱۴ درحاشیه. طول (۱۶ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۶).

(۱۲۵۸)

دیوان کمال خجندی

این نسخه بسال ۸۵۹ بخط نستعلیق **محمد جامی** نوشته ، شامل غزلیات ورباعیات وقطعات وفردهای کمال میباشد ودر حدود ۲۸۵۰ بیت است ، یك پیشانی‌مذهبی است که بسم‌الله باخط کوفی بر آن نوشته شده درآغازنسخه وپشت صفحهٔ نخستین برترنج ظریف مذهبی این‌عبارت‌بخط ثلث نوشته‌شده : برسم خزانة‌الکتب‌السلطان‌الاعظم‌ابوالقاسم بابربهادرخان‌خلدالله‌ملکه وسلطانه‌بسعی‌العبدالضعیف شیخ حاجی حسن حاندار(کذا) وجود داردواین نسخه گذشته ازقدمت وخط وتذهیب ازاین‌لحاظ نفاست دارد .

(۱۲۵۹)

دیوان لسانی شیرازی این نسخه ازدیوان درص ۴۰۳ - ۵۰۷ نسخهٔ شمارهٔ (۲۷۹) کتابخانه میباشد ، شامل غزلیات و قطعاتی از لسانی است ، خصوصیات دیگر آنـرا در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) نگاشته شده مراجعه نمائید .

[۵۷۱] دیوان لطفی (ترکی)

این دیوان که خصوصیات آن زیر این سطرها نگارش خواهد یافت غزلیات ترکی **لطفی** میباشد ، در کتب تذکره بشرح حال و آثاراین شاعر دست نیافتم ، از قصیده ای که پس ازحمد و ثنای الٰهی ونعت حضرت رسالت پناهی درمدح شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان(۱) سروده زمان و عصراو معلوم شد و در این قصیده به مرض شاهرخ وبهبودی او وشکراین نعمت ازطرف خود و عموم مردم ، اشاره نموده واظهار داشته که محمد جوکی میرزا ومیرزا عبداللطیف وعلاءالدوله(۲) از این کسالت بی نهایت متألم و متأثر بوده اند .

درص ۴۵ ج ۳ طرائق‌الحقائق گوید :

« **مولانالطفی** از سخنوران روزگار ودر نظم اشعار فارسی وترکی با اقتدار درسن نود ونه‌سالگی قصیدهٔ ردیف آفتاب را درسلك نظم کشیده ومطلعش اینست:

ای زلف شب مثالت سایه پرور آفتاب — شام زلفت را بجای ماه دربر آفتاب.

ومولانا درجوانی نخست بتحصیل علوم قیام نمود بعدازآن روی سلوك بطریق درویشان درآورد و درآن روش ثابت قدم میبود تا وقتیکه از این عالم رحلت

(۱) شاهرخ پسر امیرتیمور گورگان بوده و ۷۸ سال زندگانی کرده و ۴۲ سال سلطنت نموده و بسال ۸۵۰ در شهر ری بدان سرای رهسپار شده و این دو بیت راجع به تاریخ مختصرحیات او درجلد ششم روضةالصفا مندرج است :

سلطان جهان شاهرخ آن مظهرنور — در هفصدو هفتاد و دوآمد بظهور

درهشتصد و هشت شد بشاهی‌مشهور — درهشتصد وپنجاه شد ازدار غرور .

(۲) محمد جوکی پسر شاهرخ بوده کـه در زمان حیات وی بدرود زندگانی گفته و عبداللطیف پسر الغ بیك بن شاهرخ وعلاءالدوله پسر بایسنقربن شاهرخ بوده اند .

کرده و حاکم حمص که لؤلؤنام داشته براو تاخته و تابعینش را متفرق کرده وخود اورا چندی زندانی نموده و پس ازتوبه دادن رها کرده است .

گویند پدر متنبّی مردی سقّابود که باشترخویش مردمان بغداد را آب می آورده وابوالطیّب در محلّه کنده آنشهربااین جهان پاگذارده ،ازآنجا با پدر بشام آمده و بتحصیل علوم پرداخته ، حافظه‌ای غرّا داشته ،درشعر وشاعری درجه‌ای عالی یافته ، برخی اورا برابی تمام وپاره ای ابوتمام را بروی ترجیح میدهند ، مدّاح سیف الدوله آل حمدان وعضدالدوله دیلمی وکافوراخشیدی بوده وازایشان جائزه ها گرفته در هنگامیکه ازفارس به بغداد می آمده خود وفرزند وهمراهانش را در راه کشته‌اند

دیوان متنبّی بیش ازچهل شرح شده وتاکنون چهار یاپانزده بار درشهرهای هندوستان و مصر و بیروت واروپا چاپ گردیده و در ص ٥٢٠ - ٥٢٢ ج ١ کشف الظنون وص ٦١-٦٤ روضات گروهی که بشرح این‌دیوان‌پرداخته اندنام برده شده وچنانکه در معجم‌المطبوعات تذکر داده‌شده چاپ سال ١٢٦١ کلکته دیوان متنبّی‌شامل‌شرح فارسی آن میباشد.

آغاز :

آمِنْ اِزْدِيارِكَ فِي الدَّجيٰ الرُّقباءُ اِذْحَيْثُ كُنْتِ مِنَ الظَّلامِ ضِياءُ.

(١٢٦١)

دیوان متنبی خط نیمه نخستین این نسخه ظاهراً ازقرن دهم ونیمه دوم ظاهراً درقرن دوازدهم نوشته‌شده، تقریباً شامل ٤١٥٠ بیت شعر میباشد ، پشت صفحه نخستین دویادداشت که یکی بتاریخ ١١١٧ و دیگری ١١٣٤ نوشته شده ، موجود وبرگ اول دیوان نیازمند وصّالی وتمام دیوان مرتب بترتیب قوافی موافق حروف تهجی میباشد ، پشت صفحه‌اول وآخر یادداشتهائی موجود وعناوین نیمه اول باشنجرف است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی. شمارهٔ اوراق (١٨٣) . صفحه ای (١٥) بیت . طول (٢٠ سانتیمتر) . عرض (١٤ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٣٣٢٥) .

نموده و۱۸۶ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

باما بتابهل زسر این پس عتابرا   برعاشقان مخواه زهجران عذابرا

دارای یك سرلوح زیباست و میان سطر های تمام صفحات طلا اندازی شده وفاصله غزلیات تذهیب ظریفی گردیده و پشت صفحهٔ نخستین دخول آن بکتابخانهٔ اعتضادیه بسال ۱۲۹۳ یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ متن خان بالغ وحاشیه الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری. شمارهٔ برگها (۸). صفحه‌ای (۱۴) بیت . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۶۶) .

[۵۷۴]   دیوان مجمر   (فارسی)

سید حسین طباطبائی زواری متخلص به **مجمر** از شعرای معاصر فتحعلیشاه قاجار میباشد ، راوی گروسی درانجمن سوم انجمن خاقان اورا نام برده و گوید : بسال۱۲۱۸ که برای انجام مهمی باصفهان رفته بودم در مجلس صاحب کافی معتمدالدوله این سید جلیل را ملاقات و در همان مجلس عقد الفت چنان استحکام یافت که گسستن نپذیرد وبکرّات درحجره **مدرسه کاسه گران** که منزل سید بود دریافت فیض صحبت کرده ازاخلاق مهذّب و اوراق مذّهب(پیش ازاین‌هم تصریح کرده که گاهی بشغل تذهیب مشغولی داشت) ایشان دل و دیده را مسرت میداد .

راوی تصریح نموده که معتمدالدوله برسم منادمت این سید جلیل را باخود بطهران واز آنجا به ایروان که در آن هنگام پادشاه در آنجا بود ، بردوبوسیله ملك‌الشعرا بپیشگاه پادشاه معرفی‌شد و مورد تفقد گردید و لقب مجتهدالشعرائی یافت وبمنادمت شاهزاده حسنعلی میرزا برقراروددرعین جوانی بسال۱۲۲۵ جهانرا وداع گفت ودرخاك پاك قم دفن گردید و دیوان وی درحدود پنج ششهزار بیت است و ۵۹۰ بیت از قصائد وغزلیات و ترکیب بند او را انتخاب و دراین کتاب جا داده است .

در ص ۴۶۵ ج ۲ مجمع‌الفصحا نیز مختصری از شرح حال مجمرنگارش یافته و۳۹۵ بیت از دیوان او انتخاب گردیده و ص ۴۶۵ - ۴۷۳ شامل این منتخبات است .

معاصر امیرمعزّی و مسعود سعد سلمان وسنائی بوده ومدّاحی سلطان معزّالدین ارسلان ازسلاجقهٔ کرمان (۴۹۴ - ۵۳۶) و ابوالملوك ارسلان بن مسعود غزنوی که ازسال ۵۰۹ تا ۵۱۱ سلطنت داشته و عضدالدوله (۱) وعلاءالدوله محمدخان (۲) وبهرامشاه غزنوی (ازسال ۵۱۱-۵۵۲ سلطنت داشته) وطغانشاه (۳) را کرده است.

دیوان مختاری شامل قصائد وترکیب و ترجیع بند وغزلیات ورباعیات ومثنوی (۴) میباشد وهدایت شمارهٔ ابیات آنرا درحدود ۸۰۰۰ هشت هزارمعین نموده ونسخه‌ای

(۱) دردیوان مختاری قصائد وابیاتی درمدح عضدالدوله موجود ، هدایت این ممدوح را عضدالدوله دیلمی دانسته واین سهوی ظاهر است چرا که وی بسال ۳۷۲ وفات یافته و شاعر که در اواخر نیمهٔ اول قرن ششم زندگانی را بدرود گفته نمیشود مداح این پادشاه باشد وعلامه مفضال آقای قزوینی درحواشی چهارمقاله (ص ۱۵۱) نوشته اند ، معلوم نشد عضدالدوله کیست ، نگارنده احتمال‌قوی میدهد که این ممدوح عضدالدوله شیرزاد ابن‌مسعود غزنوی است که بسال ۵۰۸-۵۰۹ (یکسال) پس‌ازپدر سلطنت کرده ومختاری ازاو بفنا خسرو ، تعبیر کرده وچنانکه آقای قزوینی تصور کرده اند این تصرف (این شاه را فناخسرو خواندن) ازهدایت نیست واین چند بیت ازدیوان او در این موضوع است .

شاهنشه نوبین عضدالدوله عالی | شاهی که جهانرا براوهیچ خطر نیست
گفتم که بهای تو بشعر ازکه ستانم | رخ سوی سرای عضد دولت ودین کرد
گوئی خرد ونقش ونجوم وفلك وطبع | شاهنشه بی مثل فنا خسرو غازیست

(۲) مختاری گوید :

تا جهان باشد محمد خان علاءالدوله باد | بزمخواه و باده نوش و رزمجوی وفتحیاب

وآقای قزوینی ارسلان‌خان محمدبن سلیمان بن‌داود بغراخان‌ابن ابراهیم طفغاج‌خان بن ایلك نصرارسلان‌بن علی‌بن موسی‌بن سنق ازملوك ترك خانیه ماوراءالنهر راکه از سال ۴۹۵ - ۵۲۴ سلطنت کرده ازممدوحین مختاری معرفی کرده‌اند .

(۳) درنسخه‌ای ازدیوان مختاری که درمجلس شورای ملی میباشدچند قصیده درمدح طغانشه موجود واین دوبیت ازقصائد اوست :

سخی شمس دولت گزین کهف ملت | ملك بوالفوارس طغانشاه صفدر
خجسته شمس دولت را همایون زین ملت را | مبارك کهف امت را طغانشاه است مفخر

(۴) دراین مثنوی گوید :

پیش تخت معز دولت و دین | ارسلان شاه پادشاه زمین
سال من چون بسی وهفت رسید | بر دلم آفتی بتفت رسید

ومیدانم که معزالدین لقب ارسلان بن کرمانشاهان سلجوقی است (۴۹۴-۵۳۶) .

[۵۷۶] دیوان مخمور (فارسی)

مخمور تخلص شاعری از شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد(۱)، در کتب تذکره های این عصر بنام و آثار او دست نیافتم، ازقصیده ایکه درشکر گذاری ازحکومت اسدالله خان برتویسرکان وملایر انشاء نموده ودرورق ۶ نسخه میباشد استفاده میشود کـه ملائری یا تویسرکانی است، آثار زیرین چند قصیده ایستکه در مدح شاهزاده اعتضادالسلطنه گفته و تخلّص مخمور در همه آنها موجود، و ۲۵۰ بیت میباشد، برای نشان دادن طرزفکر وطبع وی چند بیت ازاول وآخر نسخه را در اینجا می آورم :

آغاز :

بردرت ایدوست روی اضطرار آورده‌ام
فقر و مسکینی و عجز و انکسار آورده ام
لنگ‌لنگان‌دست بسته‌دل‌شکسته‌سر نگون
چشم خونین جان غمگین جسم زار آورده‌ام
آه حیرت اشك حسرت تاب محنت سوزغم
سینهٔ محزون درونی سوگوار آورده ام

انجام:

کزین‌سپس پس مدح علی‌و آل‌علی — بود دعـای شه و پادشاه تبیانم
بود بود همه تـا دل بسینهٔ تنگم — بود بود همه تا جان بجسم نالانم
مدائح علی و آل او انیس دلم — دعای پادشه و شاه مونس جانم

(۱۲۶۶)

دیوان مخمور این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود و سال نگـارش نام نبرده، بسال ۱۲۹۳ داخل کتابخانه

---

(۱) درص ۳۳۹ـ۳۴۰ دانشمندان آذربایجان میرزا لطف الدین شکرالله تبریزی (۱۰۹۵ـ۱۱۶۴) مخمور تخلص ازشعرای قرن دوازدهم نام برده شده واین دوبیت را ازاو نقل کرده اند :

تعجب نیست بد طینت اگرحاجت روا گردد — که زخم کهنه را خاکستر عقرب دوا گردد
زدونان کی‌بخود درماندگان را کار بگشاید — گره امکان ندارد باز با انگشت پا گردد.

حواشی چهار مقاله (١٧٨-١٨٢) در بارهٔ این شاعر شهیر نگاشته اند] مقاله ای در شرح حال مسعود سعد مرقوم و شادروان ادوارد برون خاورشناس مشهور انگلیسی آنرا به انگلیسی ترجمه و بسال ١٩٠٥ م در مجله آسیائی درج و بسال ١٩٠٦ م نیز آن ترجمه را جداگانه منتشر کرده است و بسال ١٣١٧ خورشیدی جوان دانش پژوه آقای سهیلی خونساری بنام «حصار نای» شرح حال مفصلی از این شاعر باذکر معاصرین و ممدوحین و قصائد حبسیّات وی تألیف و منتشر کرده اند و این سه نگارش ما را بی‌نیاز از بحث درحالات وی مینماید .

مسعود سعد سلمان گاهی ازخود دراشعار بهمین سه جمله و گاهی مسعود سعد و هنگامی مسعود تنها تعبیر نموده و آقای سهیلی تولد وی‌را در حدود سال ٤٣٥ دانسته‌اند و وفات اورا صاحبان تذکره ها بسال ٥١٥ و ٥٢٥ ثبت نموده‌اند و برخی سال ٥١٥ راکه شاعر هشتاد سال داشته ترجیح داده اند ، درمقدار حبس مسعود سعد هم اختلاف است در یکی از اشعار خود وی نوزده سال آن تصریح شده

(مرترا هیچ باك نامد از آنك   نوزده سال بوده ام بندی)

تاسی‌سال هم نوشته‌اند ، بیشتر از ربع اشعار دیوان وی ظاهراً درزمان ابوالملوك ارسلان بن مسعود غزنوی میباشد که بنابرتصریح خود مسعود سعد بسال ٥٠٩ بسلطنت‌نشسته و بنابرضبط مورخین بسال ٥١١ بدان سرا شتافته .

حکیم سنائی بجمع و ترتیب دیوان مسعود سعد سلمان درزمان حیواة وی پرداخته و ثقةالملك طاهربن علی بدو تذکرداده که اشعاری ازدیگران را نیز در دیوان وی گذارده وسنائی درضمن قطعه ای که خطاب به مسعود سعد میباشد ازاین‌غفلت عذرخواهی‌نموده و (در ص ١٤٩ حواشی چهار مقاله این قطعه نقل گردیده) و مندرجات این دیوان عبارتست از :

١ ـ قصائد و مقطعات بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی ، ٢ ـ مثنوی در وصف امرا و درباریان و حواشی سلطان مسعود ، ٣ ـ ایضاً مقطعات در مدائح

[۵۷۸] دیوان مشتاق (فارسی)

سید علی حسینی اصفهانی **مشتاق** تخلص ازشعرای قرن دوازدهم هجری بوده وشعرای معروف معاصروی چون آذروعاشق وهاتف وصهباباستادی وی معترف اند، بیشتر به غزل سرائی ورباعی سازی رغبت داشته ، آذر گوید « پس ازمرگ سیّد مرحوم برفاقت هاتف وصهبادیوان اذکاراورا مرتب ساخته » وراوی گروسی گوید « قریب به ششهزار بیت دیوان مرتب داشته اند مکرر بنظر رسیده(۱) درسنهٔ یکهزار و یکصدوهفتاد ویك از شهراصفهان بروضهٔ رضوان رفت ومصراع این بیت ، در تاریخ وفات اوست :

بهر تاریخ او نوشت رفیق جای مشتاق درجنان بادا = ۱۱۷۱ ».

(۱۲۶۹)

دیوان مشتاق اصفهانی این نسخه را بسال ۱۲۰۱ محمد هادی قزوینی بخط نستعلیق نوشته وشامل غزلیات مشتاق میباشد ، پس ازغزلیات قصیده ای و چند غزل دیگرو ترجیع بند شاعر را دیگری بخط شکسته نستعلیق نوشته است وتمام این نسخه ازدیوان درحدود ۳۰۰۰ بیت میباشد .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بیاضی . شماره اوراق (۹۱) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (½ ۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۴) .

(۱۲۷۰)

دیوان مشتاق اصفهانی این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۵ نوشته شده ، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و ترجیع و ترکیب بند ورباعیات مشتاق میباشد ودرحدود ۳۳۰۰ بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۲۸) . صفحه ای (۱۳) بیت . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (½ ۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۵۵) .

---

(۱) در ص ۴۲۵ـ۴۲۸ آتشکده ۱۳۱ بیت انتخاب وچاپ گردیده و ۶۶ بیت درانجمن خاقان نیزانتخاب گردیده است .

معاصرین ومتأخرین ، به استادی امیرمعزّی اعتراف داشته وسنائی اورا مرثیه گفته وانوری ومختاری ابیاتی ازاورا تضمین کرده اند وهمه اعتراف به استادی وفصاحت او دارند وآثار وی شاهدی بزرگ بر مقام استادی وی میباشد .

دیوان امیرمعزّی تاکنون چاپ نشده ومرتب بترتیب حروف تهجی است وامین احمد رازی گوید دیوان او پانزده هزار بیت میباشد و نگارنده بزرگترین نسخه ای از آنرا که دیده در کتابخانه مجلس و در حدود (۱۳۳۰۰) بیت است .

آغاز : ستاره سجده برد طلعت منیرتورا   زمانه بوسه دهدپایهٔ سریرتورا .

(۱۲۷۱)

دیوان امیرمعزی

این نسخه رابخط شکسته نستعلیق خوب محمد هادی ابن حاجی عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۵۲ نوشته ، شامل قصائد ومقطعات و چند ترجیع و ترکیب بند میباشد و در حدود (۸٤۰۰) بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۸۵) . صفحه‌ای (۲۳) بیت . طول (($\frac{۱}{۲}$ ۲۱ سانتیمتر) . عرض(۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹٤) .

(۱۲۷۲)

دیوان امیرمعزی

این نسخه را بخط نستعلیق اسدالله بن میرزا خلیل بسال ۱۲۶۶ نوشته ، نظیرنسخهٔ پیش است مرتب بترتیب حروف تهجی است ترجیع و ترکیب بند آخر آن نسخه و قصائد و مقطعات آنرا این نسخه ندارد ، برگ نخستین به جلد چسبانیده شده وبرحسب شماره (۵۰۰۰) بیت دراین نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۱۷۳) . صفحه‌ای (۱۵) بیت . طول ($\frac{۱}{۲}$ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۱۹۵) .

[۵۸۰]   دیوان مغربی   (فارسی وعربی)

محمدبن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی مشهور به محمدشیرین ومتخلص به

میان ترجیع بند مغربی برگی نیزافتاده وبجای آن برگ نوشته ای اخیراً گذارده اند ، تمام این نسخه درحدود (۲۸۰۰) بیت میباشد که درحدود (۲۳٤) بیت آن عربی است .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق (۱۰۱) . صفحه ای (۱٤) بیت . طول (۱۸½ سانتیمتر) . عرض (۱۱½ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۸۵) .

[۵۸۱] دیوان ملك قمی (فارسی)

ملك قمی ازمعاصرین امین احمد رازی بوده ، وی با احترامی زیاد در هفت اقلیم اورا زیرعنوان : مولانا ملك نام برده و گوید :

« دراوان جوانی غبار حرص از رخسارهٔ خاطر و لوح پیشانی بآب بی تعلقی شسته و گرد ازچهرهٔ صفحه بدستارچه نیازرفته امروز در ملك دکن ، ملك فلك ریاضت وملك ملك قناعت است **نظم** :

دارد بجعد طره خوبان مشابهت کاندرشکسته گی بودش قیمت وبها

وبااین نسبت درفضیلت شاعری بخشی تمام ونصیبی وافردارد وشعرش عموماً در جودت چون صورت شاهدان آراسته و چون معانی خردمندان پیراسته است آنچه نوشته میشود فصلی از آن کتاب وسطری از آن باب است الخ »

امین احمد ابیاتی ازغزلیات ورباعیات ومثنوی «ساقی نامه» ملك انتخاب ، ابیات غزلیات منتخبه اورا درنسخهٔ زیرین یافتم وآذر در آتشکده (ص ۲٤۱) نیزذیل شهرقم این ملك را نام برده و گویددیوانش ملاحظه شد وبعد از زحمت بسیار این چند بیت (۸ بیت) ازدیوانش پیدا کرده در اینجا ثبت شد .

نگارنده معتقداست که هردو نویسنده جنبهٔ افراط وتفریط را دربارهٔ این شاعر اختیار کرده اند ، اشعار ملك نه آن اندازه ستایش امین احمد رازی را درخورو نه این قدر سرزنش را شایسته است ، مضامین لطیف درمیان غزلیات او یافت میشود وبنابر نگارش امین احمد در سال ۱۰۰۲ که هفت اقلیم تألیف شده ملك دردکن متوطن بوده و مقام ومرتبهٔ ارشاد و عرفان داشته است .

هدایت گوید شنیده‌ام که سی هزار بیت شعر داشته ولی جز سه هزار از آنرا (ازقصائد ومقطعات ومسمطات ورباعیات وغزل) بدست نیاورده ودیوانیکه از منوچهری اینك متداول ونسخ خطی وچاپی آن در دسترس میباشد همان گرد آورده وترتیب داده هدایت میباشد ودراین دیوان قصائدی ازدیگران نیزمندرج ازآنجمله قصیده ایستکه نیز درلغزشمع ومدح وزیر بدین مطلع :

(چیست آنشخص چوزرّین سرو چون سیمین بدن

خویشتن سوزان و گریان و گدازان همچو من)

موجود وخود هدایت درحاشیهٔ ص ٥٤٤ ج ۱ مجمع‌الفصحا چنین نوشته :

این قصیده بدان ماند که ازرافعی نیشابوری است چه لغزشمع بیك وزن وقافیه ازیك شاعر عجیب نماید . ودرحاشیه نسخه ای ازدیوان منوچهری که درکتابخانه مجلس موجود است با ادلّه‌ای قصیده ای که بدین مطلع میباشد :

ای پیکر منوّر مغرور خوی چکان ثعبان آتشین دم روئینه استخوان

از خواجو دانسته شده و در ص ۲۰۰-۲٦۰ تذکره کاظم (نسخه کتابخانه مجلس) اشعاری از منوچهری میباشد که‌دراین نسخه ازدیوان اونیست . منوچهری مخصوصاً در انشاء مسمط دستی قوی‌داشته ومضامین بسیار عالی درآن بکار برده است .

دیوان منوچهری گرد آوردهٔ هدایت‌دوبار بسال ۱۲۸٥ وبی‌تاریخ درطهران و بسال ۱۸۸٦م در پاریس چاپ شده ودر مجمع‌الفصحا در حدود ۱۷۰۰ بیت از منوچهری انتخاب شده است .

(۱۲۷٥)

دیوان منوچهری دامغانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود و سال نگارش نامی نبرده ، بسال ۱۲۹٥ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و نگارش آن‌ظاهراً ده‌پانزده‌سال‌پیش‌از تاریخ مذکور میباشد وهمان دیوان گردآورده هدایت است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۸٥) . صفحه ای (۱٤) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۹۱) .

۱۳۱٤ درطهران وبسال ۱۳٤۰ دربرلن چاپ شده ودیگری زادالمسافرین (آقای تقی زاده معتقداند که نام اصل کتاب « زادالمسافر » است) میباشد که موافق عقاید اسمعیلیّه از روی قواعد حکمی وفلسفی تألیف شده و بسال ۱۳٤۰ نیز در برلن چاپ گردیده ودیگری منظومه « روشنائی نامه » و « سعادت نامه » و « وجه دین » وغیرازاینهاست(۱).

ناصرخسرو « حجت » تخلّص میکرده وتا کنون اشعار عربی وغزلیات وی یافت نشده و جامع ترین دیوانهای این شاعر نسخه ایست که جناب آقای حاج سید نصرالله تقوی رئیس محترم این دانشکده ورئیس دیوان کشور (دیوان عالی تمیز) بسال ۱۳۳۹ مشتمل بر (۱۱۰٤۷) بیت گردآورده (آقای تقی زاده تذکر داده اند جزابیاتی که دراین دیوان ضبط گردیده اشعاری از ناصرخسرو دردست هست) وبایست نسخه مقابله وتصحیح فرموده‌اند وهمین نسخه است که مأخذ چاپ اخیر این دیوان بوده ودیوان‌ناصر پیش ازاین سه بار: نخست درتبریزوبسال۱۳۱٤ قمری درتهران وبی تاریخ درهندوستان (ظاهراً) چاپ‌شده. ولی هریك از آنها درحدودنصف این دیوان اخیر ازحیث ابیات میباشند.

این دیوان جامع با مقدمه آقای تقی زاده و آقای مینوی و تعلیقات وحواشی فاضلانه و محققانه آقای علی اکبر دهخدا ، به ضمیمه روشنائی نامه و سعادت نامه ورساله حکیم ناصرخسرو به نثر درجواب نود و نه سؤال فلسفی ومنطقی وطبیعی ولغوی و دینی و تأویلی و غیره بسال ۱۳۰٤ - ۱۳۰٦ خورشیدی درتهران چاپ گردیده است.

(۱۲۷۷)

دیوان ناصرخسرو علوی

این نسخه رابخط نستعلیق خوب بسال۱۲۵۸ یعقوب‌بن‌ابوالحسن درآشتیان نوشته ، رساله ای که درشرح حالات‌ناصرخسرو میباشد و انشاء این رساله یا اصل عربی آن بخود وی نسبت

(۱) راجع به این مؤلفات ومعرفی ازمندرجات آنها ومؤلفات دیگر این حکیم به مقدمه آقای تقی زاده بردیوان ناصرخسرو چاپ طهران ص نب - سج مراجعه شود.

کمترشعر گفته، در اوائل به فنّ معمّا رغبتی داشته و بدین صنعت معروف شده و سام میرزا او را زیر عنوان « نظام معمّائی » معرفی نموده و گوید بسال ۹۲۱ (۱) وفات یافته و یك مثنوی بنام « بلقیس و سلیمان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه ای از این کتاب را سراغ نیافته ، آذر و هدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند و هدایت گوید نسخهٔ آن دیده نشده .

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرّفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد .

(۱۲۷۹)

دیوان نظام استرابادی

این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شمارهٔ (۱۱۷۶) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شمارهٔ (۳۷۵) ثبت شده ، فقط شامل قصائد نظام میباشد ، خصوصیّات دیگر نسخه را در ص ۵۷۶-۵۷۷ نگاه کنید و آغاز نسخه این بیت است :

الحمد للقدیم له العزّ و الجلال — شاه سریر لم یزلی حی لایزال

[۵۸۵] دیوان نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری از شعرای قرن دهم هجری و نام وی **محمد حسین** (۲) میباشد ، از وطن خویش نیشابور به هندوستان رفته ، گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته و از امراء شعر دوست هند محبت دیده و بمدح و ثنای آنها خصوصاً خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (درقرن یازدهم هجری مرده است) پرداخته و غزلیات دلنشین ساخته ، پس از مراجعت از زیارت مکّه معظمه و مدینهٔ طیّبه در گجرات احمد آباد توطن اختیار کرده و چنانکه از هفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش از سال ۱۰۰۲

---

(۱) درهفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام‌الدین پس از مرگ پدرقطعه ای درطلب سنگ قبر پدر انشا نموده و برای سلطان حسین میرزا فرستاد وچون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته ووفات نظام‌الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که انشا شده باشد ودرآتشکده نوشته شده یکی ازبرادران وی قطعه ای موزون و بخواجه سیف‌الدین فرستاد وقطعهٔ مذکوردرهردو مآخذ نگارش یافته است .

(۲) تذکره خوشگو ، هفت اقلیم ص ۶۳۷ - ۶۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مآخذ نگارش این شرح حال میباشد .

داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در ابتداء این دیوان گذارده شده ، مصرعها وکلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینکه درنسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یاخوانا نبوده در این نسخه نگارش نیافته وجای آنها سفید گذارده شده .

و این نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این شاعر میباشد در حدود ۷۴۰۰ بیت میباشد وبیت نخستین آن اینست :

دربند مدا را کن دربند میازرا　　　دربند مکن خیره مطلب ملکت دارا.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۱۷۲) . صفحه‌ای (۲۳) بیت . طول (½ ۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ شبخانه (۱۹۲) .

(۱۲۷۸)

دیوان ناصرخسرو علوی

این نسخه بخط نستعلیق مخلوط باکلمات شکسته نوشته شده، ظاهراً دراواخر نیمهٔ دوم قرن سیزدهم نگارش یافته وبسال ۱۲۹۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحهٔ اول یادداشت شده ، ترتیب تنظیم آن چون نسخه پیشین میباشد و در حدود ۵۰۰ بیت از آخر آن نوشته نشده و آخرین بیت را که نویسنده نوشته و دیگر توفیق نیافته اینست :

« پیمبر سردین حق است و ما　　　ازین نامور تن همه چون سریم »

و این بیت از قصیده ایستکه مطلع آن این بیت میباشد :

اگر باخرد جفت و انبار خوریم　　　غم خور چو خر چند تا کی خوریم،

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه‌ای (۱۹) بیت .طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ شبخانه (۱۹۱) .

[۵۸۴] دیوان نظام استرابادی (فارسی)

نظام‌الدین استرابادی ازشعرای قصیده سرای قرن دهم هجری بوده(۱) وبیشتر قصائداو درمدح حضرت پیغمبر اکرم ص و ائمه اثنی عشر ع بوده ودرجزاین موضوع

(۱) تحفه سامی (چاپی) ص ۱۰۰ و ۱۰۱ ، هفت اقلیم ص ۹۳۲-۹۳۳ مجالس المؤمنین ص ۵۳۶-۵۳۸ آتشکده ص ۱۵۹ ومجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۰ ، ایراد شده است .

کمترشعر گفته، دراوائل به فنّ معمّار غبتی داشته وبدین صنعت معروف شده وسام میرزااورازیرعنوان « نظام معمّائی » معرفی نموده و گوید بسال ۹۲۱(۱) وفات یافته و یك مثنوی بنام « بلقیس وسلیمان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه ای ازاین کتاب را سراغ نیافته ، آذروهدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند وهدایت گوید نسخهٔ آن دیده نشده .

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرّفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد .

(۱۲۷۹)

دیوان نظام استرابادی

این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیرشمارهٔ (۱۱۷۶) معرفی گردید ودر کتابخانه با آن دیوان زیر شمارهٔ (۳۷۵) ثبت شده،فقط شامل قصائد نظام میباشد،خصوصیّات دیگر نسخه را در ص ۵۷۶-۵۷۷ نگاه کنید وآغازنسخه این بیت است :

الحمد للقدیم لهالعزّ والجلال   شاه سریر لم یزلی حی‌لایزال

[۵۸۵]   دیوان نظیری نیشابوری   (فارسی)

نظیری ازشعرای قرن دهم هجری ونام وی محمدحسین (۲) میباشد ، ازوطن خویش نیشابور به هندوستان رفته ، گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته وازامراء شعردوست هند محبت دیده وبمدح وثنای آنها مخصوصاً خان‌خانان عبدالرحیم سپهسالار (درقرن‌یازدهم هجری‌مرده است) پرداخته وغزلیات دلنشین ساخته، پس‌ازمراجعت اززیارت مکّه معظمه و مدینهٔ‌طیّبه در گجرات احمدآبادتوطن اختیار کرده وچنانکه ازهفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش‌ازسال۱۰۰۲

---

(۱) درهفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام‌الدین پس از مرگ پدرقطعه ای درطلب سنگ قبر پدر انشا نموده وبرای سلطان حسین میرزا فرستاد وچون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته ووفات نظام‌الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که انشاشده باشد ودرآتشکده نوشته شده یکی‌ازبرادران وی‌قطعه ای موزون وبخواجه سیف‌الدین فرستاد وقطعهٔ مذکوردرهردو مأخذ نگارش یافته است .

(۲) تذکره خوشگو ، هفت اقلیم ص ۶۳۷ - ۶۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد .

بوده و دراین تاریخ اشعار وی مطلوب و متداول بوده و پس از مراجعت گوشه نشینی اختیار و بخود پرداخته واز آثاراین بخش اززندگانی وی بوی زهد وتصوف آشکار و بمدح و ثنای نبیّ مختار و ائمّهٔ اطهار علیهم صلوات‌الله پرداخته وعلم حدیث وتفسیر را ازمولانا حسین جوهری آموخته وباخواجه حسین ثنائی دوستی کامل داشته واورامرثیه گفته وچنانکه درشمع انجمن ثبت شده بسال ۱۰۲۳ بخلوتکدهٔ عدم آرامیده وازدیوان وی چنین معلوم میشود که خود شاعر آنرا مرتب کرده‌است.

نسخی که ازدیوان نظیری نگارنده دیده شامل‌قصائد وغزلیات مرّتبهٔ بحروف تهجی وترجیع بند وغزلیات وترکیب بند (دوازده بند) در مدح ائمّه اثنی عشرع وغیرازایشان ورباعیات میباشد وتمام دیوان او درحدود (۱۰۰۰۰) بیت است .

غزلیات مرّتبهٔ نظیری که درحدود ۵۰۰۰ بیت میباشد بسال ۱۹۲۸ م درلاهور هند چاپ شده وپشت جلد نسخهٔ چاپی تذکر داده شده که این غزلیات به اردو ترجمه وچاپ گردیده است .

آغاز قصائد :

ای جلالت خلوت از اغیارتنها ساخته حکمت تو از کرم دی کارفرداساخته

آغاز غزلیات مرتبه :

اذاماشِئْتَ اَنْ تُحْيِي حَيوةً حُلْوةَ ٱلْمَحْيا برسوائی برآور سرزمستوری برون نه پا

آغاز ترکیب بند درمدح ائمّهع:

وقتی که شکل دائرهٔ کن فکان نبود جز نقطه حقیقت حق در میان نبود

(۱۲۸۰)

دیوان نظیری نیشابوری

این نسخه‌رابخط نستعلیق بسال ۱۰۸۵ درحیدرآبادهندنوشته‌اند، شامل قصائد وغزلیات مرتبه وترکیب وترجیع بند ورباعیات میباشد ودرحدود (۸۴۰۰) بیت است ، پشت صفحهٔ آخر چند سطری که نگاشته بوده اند محو گردیده ولی آثاری از آن باقی میباشد و چند برگ ازاول وآخرنسخه وصّالی شده وصفحات مجدول بطلاست .

جلد تیماجی مذهب گل و بوته قدیمی ، رنگ روغن رفته وطرف درون نیم ضربی طلا کشیده . **کاغذ** دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق(۲۴۸) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۴) .

(۱۲۸۱)

دیوان نظیری نیشابوری این نسخه ظاهراً دراوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، ۲۸ بیت از اول نسخه و ۲۶ رباعی و یك بیت از آخر آن افتاده ودر حدود (۷۰۰۰) بیت میباشد ، اوراقی از اول و آخر نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۲۶۲) . صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۸۳) .

[۵۸۶] دیوان نوائی = نوادرالشباب (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی که در ص ۵۳۸ - ۵۴۰ بمعرّفی ایشان پرداخته ایم چنانکه در « تحفه سامی » تذکر داده شده چهاردیوان ترکی داشته وهریك را بنامی نامیده (غرائب‌الصغر ، نوادرالشباب ، بدایع الوسط ، فوائدالکبر(۱)) و نسخ زیرین بنابرآنچه درآخرنسخه شمارهٔ ۱۲۸۴ این فهرست نویسنده تصریح نموده **نوادرالشباب** میباشد ومقدمه‌ای بنثرترکی خود امیربراین دیوان نوشته وبنام سلطان حسین میرزا موشح گردیده ودراینجا تذکر داده که مقتضیات جوانی را در هنگام فراغت از کارها به انشاء ونظم جلوگیری مینموده واین دیوان مشتمل برغزلیات مرّتبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها ، مستزاد ، مخمس ، مسدس ، ساقی نامه ، ترجیع بند ، مثنوی ، مقطعات ورباعیات میباشد و درحدود (۵۷۰۰) بیت است ودیباچه آن هم درحدود (۳۵۰) بیت میباشد .

آغاز دیباچه : حمد آنکا کلام خیرمآل قیلدی ایلکارسولدین ارسال. . .(۲)

(۱) درتحفه سامی چاپی نام این چهاردیوان غلط وتصحف چاپ گردیده واین نام ها از روی نسخه خطی این کتابخانه نقل شد ودرحاشیه نسخه اول این فهرست ودیباچه سنگلاخ نیز بهمین نحو ثبت گردیده .

(۲) دریکی ازنسخه های زیرین (سومین نسخه از دیوان) دیباچه به پنج شعر شروع گردیده که این بیت یکی ازآنهامیباشد ولی درنسخ دیگرنیست .

فصاحت دیوانك غزل سرالاری طبع غزنی دین شوریده حال عاشق لارخرمن الخ .

آغاز دیوان :

اشرقت من عکس شمس الکاس انوار الهدی

یار عکسین می دا کوردیب جام دین چتقی صدا

(۱۲۸۲)

دیوان نوائی (نوادر الشباب) این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده چون برگ آخر آن افتاده معلوم نشد ، برگ ۴۷ دارای یك مجلس نقاشی چینی ظریف میباشد که شکارگاه وحالت شکار یکی از بزرگانرا میرساند و برگ ۱۱۰ نیز بطرز چینی تصویر شیرین وخسرو را درحال گردش وسواراسب وتماشای فرهاد دارد وهردو تصویر تقریباً بعرض وطول صفحه‌اند ، تمام دوصفحهٔ اول نسخه که شامل چند سطری از دیباچه میباشد که باطلا نوشته شده ، تذهیب ونقاشی بسیارخوب ظریفی گردیده درآغاز غزلیات و سائر بخشها پیشانی (مربع مستطیل) بسیار ظریف تذهیب شده وسر سوره هائی ظریف موجود وپاصفحه های برخی ازبرگها بابرگ بعد مطابقه نمیکند ومیرساند که اوراقی ازمیان نسخه افتاده وازیادداشتی که پشت نسخه شامل شمارهٔ میباشد باشمارهٔ کنونی آنها ، بدست می آید که ۱۹ برگ ازنسخه افتاده است .

پشت صفحه نخستین یادداشتهای زیادی بوده ومیباشد برخی را محو کرده‌اند از آثار محوشده ها برمی آید که نسخه در کتابخانه سلاطین صفویه بوده ودر کناربیشتر ازبرگهای برگ ۱۲۵ تا آخر نسخه مطالب زیرین نگارش یافته وازاینکه ازسام میرزا به « اعلیحضرت سام میرزا » تعبیر کرده چنین استفاده میشود که این مطالب پیش از سال ۹۷۵ که سام میرزا مرده ، نگارش یافته واصل نسخه ظاهراً دراوائل قرن دهم نوشته شده است .

مندرجات حواشی برگ ۱۲۵ تا آخر عبارت است از- ۱- مکتوب ترکی امیر علیشیر بسلطان حسین میرزا او اجازه تشرف به مکه معظمه خواستن ، ۲- جواب پادشاه بوی ، ۳- فرمان پادشاه به راه داران در هنگام حرکت امیر مذکور بمکه ، ۴ - حالات امیر

علیشیر به نقل از تحفه سامی ، ۵ - دلیلی بر تشیّع امیر علیشیر از ابیات وی و ۶- صورت عهدنامه محمد شاه پادشاه هند بانادرشاه افشار . وبراین اوراق و بعضی از برگهای پیشین ابیاتی فارسی و ترکی بخط نویسنده همین مطالب نگارش یافته است .

تمام صفحات بجدول بطلا و عناوین بخشها باسفیداب و عباراتیکه درفواصل غزلیات وغیره نوشته شده بترتیب یکی بالاجورد ودیگری باطلاست .

جلد مرغش مذهب دورو . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۴۸) صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۳۶۸) .

(۱۲۸۳)

دیوان نوائی (نوادر الشباب) این نسخه را بسال ۹۲۴ بخط نستعلیق خیلی خوب درقسطنطنیه نوشته اند ، دیباچه را در آغاز نیز دارد ، یك سرلوح بسیار ظریف دراول دیباچه ودیگری که نیز باکمال ظرافت تذهیب ونقاشی شده دراول غزلیات موجود وپشت برگ نخستین ترنج مثمّنی که باکمال استادی تذهیب ونقاشی گردیده موجود ودردائره ایکه در وسط آن میباشد وطلا اندازی شده این بیت باسفیداب نوشته شده :

دیدانکه دراین دیوان اوصاف پری رویان

دیوان سلیمان گفت دیوان نوائی را .

تمام صفحات بجدول بطلا و عناوینی که در فاصلهٔ غزلیات وغیره نوشته شده نیز باطلاست .

جلد ساغری ضربی داخل سوخته معرق بسیار ظریف . کاغذ بخارائی . واقف مشیرالسلطنه ، قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۸۹) . صفحه‌ای (۱۳) بیت . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($15 \frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ (۵۱۷) . قفسه مدرسه مشیرالسلطنه .

(۱۲۸٤)

دیوان نوائی (نوادر الشباب) این نسخه را بسال ۱۱۱۲(۱) علی اکبر تبریزی متخلص به مسکین نوشته ، دیباچه را هم داراست ، پس از اتمام کتاب قصیده ای بترکی نگارش یافته وپس از آن رساله ای بترکی

(۱) درآخر دیوان بحروف سال نگارش را دراین سال نوشته ولی درآخر رساله پیوسته باعدد سال ۱۱۱۰ را معین کرده ومسلماً نگارش رساله پس ازدیوان بوده بنابراین نویسنده دریکی از دومورد اشتباه کرده است .

دربیان معانی لغات مستعمله در ابیات امیرعلیشیر میباشد و مرتب بترتیب بحروف تهجی باملاحظه مفتوح ومضموم ومکسوربودن آنها که باالف وواو ویا موافق رسم وانشاء امیرنگارش یافته ونام مؤلف درمقدمه وآخراین رساله نیست و این رساله بایستی یکی از آن رساله هائی باشدکه در معانی لغات امیر علیشیر تألیف گردیده و میرزا مهدی خان در مقدمه سنگلاخ بدانها اشاره نموده ، این رساله در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست : بسمله عشق ومحبت پیمانه سی نیك رند قدح پیمائی وشعر وبلاغت کاشانه الخ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف‌سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۹۷) . صفحه‌ای (۱۷) بیت . طول (۲۹ ½ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۶۷).

(۱۲۸۵)

دیوان نوائی (نوادرالشباب) این‌نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، درآغاز دیوان یك سرلوح ظریف‌دارد ، ظاهرآدرقرن‌یازدهم‌هجری نگارش‌یافته ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف میباشد ، دیباچه را ندارد وبرخی ازبرگها وصّالی گردیده است .

جلد میشن‌مستعمل ، طرف داخل معرق سوخته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ‌اوراق(۱۳۹)صفحه‌ای(۱۱)بیت . طول(۲۳ ½ سانتیمتر) . عرض (۱۷ ½ سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه (۱۹۷) .

[۵۸۷] دیوان نوائی (ترکی)

چنانکه گفته شدامیرعلیشیرنوائی که درص۵۳۸-۵۴۰بمعرّفی وی پرداخته‌ایم چهاردیوان‌داشته‌ونام آنهارانقل کرده‌ایم‌ازمندرجات‌فهرست‌ترکی کتابخانه‌خدیویه (ص۱۲۶-۱۲۷) معلوم میشود که چهاردیوان وی موجود میباشد وآغازهرکدام را هم نقل نموده وآن نقل شده ها چون ازمقدمه نثری دیوان های مذکور میباشد واین نسخهٔ زیرین چون دیباچه را ندارد ندانم مطابق کدام یك از شماره های دیوانهای نام برده میباشد و در صورت دانستن هم چون نام دیوانها درفهرست مذکور نیست معلوم نمیشود این نسخهٔ زیرین کدام یك از آن دیوانهاست .

این دیوان که شامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی ومخمسات ورباعیات میباشد درحدود (۳۸۰۰) بیت است .

آغاز: یارب اولغان چاغدا جانیم جسم ویرا بدن جدا

اوبولوب موندین جداسین بولماغیل اندین جدا .

(۱۲۸۶)

دیوان نوائی این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، تاریخ نگارش ندارد ولی ظاهراً در اوائل قرن دهم هجری نگاشته شده ، در زیر آخر صفحه و حاشیهٔ آن یادداشتی با تاریخ بوده محو گردیده یادداشتی که بسال ۱۱۴۱ نوشته شده پشت صفحهٔ نخستین موجود ، اطراف دوصفحهٔ نخستین که شامل پنج بیت از اولین غزل این دیوان میباشد بابهترین طرزی نقاشی وتذهیب گردیده وتمام صفحات بجدول بطلا وزنگار میباشد و برگ اول وآخر وصالی گردیده است .

جلد سوخته و طرف درون سوخته معرق طلا پوش ظریف . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۱۶۸) . صفحه ای (۱۲) بیت . طول (۲۴ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۳۷۰) .

[۵۸۸] دیوان نورعلیشاه (فارسی)

نورعلیشاه یکی ازمشاهیرمتأخرین صفویه نعمت‌اللهی است ودرص ۴۸۹-۴۹۱ همین مجلد معرفی ایشان گردید ، و دیوان وی شامل غزلیات و رباعیات و قصائد ومقطعات وترجیع بند وساقی‌نامه ومثنوی هائیکه درجواب سؤال مظفرعلیشاه انشا کرده وغیر از اینها میباشد ونسخهٔ زیرین که شامل غزلیات قدیم و جدید بحروف تهجی است باسائر ابیات وی درحدو (۴۰۰۰) بیت است .

(۱۲۸۷)

دیوان نورعلیشاه . این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵۶ نوشته شده ، پیش از شروع به غزلیات قدیم ، ترجمه خطبة‌البیان از نورعلیشاه نگارش یافته و بر ابتداء آن بخط نستعلیق در شت نوشته اند :

کلیات نورعلیشاه ولی این نسخه را نمیتوان بدین نام نامیدو از آخر ترجمه خطبة البیان واول غزلیات افتاده دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی رنگا رنگ . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شمارهٔ اوراق (۱۶۶) صفحه‌ای (۱۴) سطر. طول (۱/۲-۱۵ سانتیمتر) . عرض (۱/۲-۱۰ سانتیمتر). شمارهٔ کتابخانه(۱۳۸).

[۵۸۹] دیوان واله اصفهانی (فارسی)

آقا محمد کاظم اصفهانی متخلص به **واله** چنانکه معاصروی « راوی » گروسی در انجمن چهارم ، انجمن خاقان نوشته (عین عبارات و معانی او را با اندك اسقاطی هدایت در مجمع الفصحا (ج ۲ ص ۵۵۹) آورده) ، از اعیان اصفهان بوده چندی برای تجارت وزیارت باعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شده چون از آنجا بوطن خود بر گشته درمدرسه جدّه حجره ای اختیار ودر آنجا مسکن گزیده ، مرجع اصحاب حال ومجمع ارباب کمال گردید ، اسباب ولوازم حجره را از بهترین امتعه وپاکیزه ترین اوانی تهیه نموده ، راوی گروسی که خود آن وضعیت را مشاهده کرده گوید : « در آن پاکیزه مقام از صحب مجرّبه مهذّبه و کتب مصحّحه مذهّبه وصحف محشّا وفرش موشّا چندان یافتم که در کمتر جای عالم نشان توان داد وخود آدمی متمکن وشیخی متعیّن بنظافت جامه وقبول عامه فرید اصفهان بل وحید زمان بود الخ » :

حاج محمد حسین خان نظام الدوله صدر اصفهانی (متوفی بسال ۱۲۳۸) که در آنعصر حاکم اصفهان بوده واز مردان خیّر ومتدیّن وسخی الطبع روزگار بشمار است نسبت به واله کمال رعایت ومبالغه دراحترام مینموده که خسوداقران گردید وتکیه‌ای بنام « **الهیه** » برای وی بساخت که درظرافت وقشنگی کم نظیر بود وچون بسال ۱۲۲۹ واله به آنجهان خرامید درهمانجا بخاك سپرده شده واینك مزار دانشمندان است .

نسخه زیرین ازدیوان وی ازقرائن موجوده در آن درزمان حیات شاعر نوشته شده وشامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیات ویك مثنوی میباشد و در حدود (۵۲۰۰) بیت شعر است .

آغاز قصائد : مرا دست فراق دلبری افکنده است ازپا
که گر برپا فلك اندازدش سرنبودش پروا .
آغاز غزلیات: سرکوئی که هربیگانه را باشد پناه آنجا
چه میبود آشنائی را اگر میبود راه آنجا

(۱۲۸۸)

دیوان واله اصفهانی

چنانکه گفته شد ازقرائن بدست می آید که این نسخه درزمان حیات **واله** نوشته شده ، در حاشیهٔ چندین برگ غزلیات وابیات دیگری ازوی بخط خوب نوشته شده ،هدایت نوشته واله **خطی نیکو داشته** و علم عروض نیکو میدانسته بنابراین احتمال قوی میدهم که حواشی خط خود ایشان باشد ، سه سرلوح زیبا در آغاز قصائد و غزلیات ومثنوی مختصروی رسم شده و صفحات بجدول بطلا ولاجورد میباشد و میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده است .

در پایان آخرین صفحه دخول آن بسال ۱۲٤۷ بکتابخانه دارائی (شاهزاده دارا) و پشت صفحهٔ نخستین دخول آن بسال ۱۲۷۰ در کتابخانه اعتضادیه و پس از آن بسال ۱۲۹۷ وقف شدن آن یاد داشت گردیده و دو برگ بجدول ننوشته در آخر نسخه است .

جلد روغنی دورو ، گل و بوته ونرگس . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق (۲۷۷) . صفحه‌ای (۹) بیت . طول($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (٤۲۰) .

[۵۹۰] دیوان وحشی کرمانی (فارسی)

وحشی کرمانی ازشعرای عاشق پیشه پرسوزو گداز نیمهٔ دوم قرن دهم هجری بوده و چنانکه تقی‌الدین اوحدی مؤلف « تذکرهٔ عرفات » گفته بسال ۹۹۱(۱)

(۱) درتحفه سامی که بسال ۹۵۶ تألیف شده از این شاعرنام برده نشده بنابراین معلوم میشود که در آن سال هنوزشهرت نداشته ولی درص۱۳۶-۱۳۷ هفت اقلیم ، تذکره خوشگودرحرف واو ، ص ۱۲۶-۱۳۵ آتشکده ، ص۵۱ ج ۲ مجمع الفصحاوترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون (۱۵۹ ج ٤) وهفت آسمان ۱۰۹ - ۱۱۱ شرح حال این شاعر نگارش یافته ومراجعه شده است .

وفات یافته ونگارنده دردیوان وی ماده تاریخ فوت خان قلی راکه بسال ۹۹۰(۱) بوده یافتم ، درهیچ یك از تذکره ها ومآخذ نام وحشی وپدروی ثبت نشده وهمه اورا درزیرعنوان **وحشی** که تخلص شاعرمیباشد ذکر کرده اند ، اصل وی از کرمان ولی چندی دریزد زندگانی کرده و شاگرد شرف‌الدین علی یزدی بوده ، دراوائل سلطنت اکبرشاه (۲) بهندوستان رفته ودرآنجا مشهور شده ، چنانکه تقی‌الدین اوحدی ادّعا نموده دیوان وحشی را وی جمع وتدوین کرده ودرحدود نه هزاربیت میباشدولی‌کاملترین‌نسخه‌ایکه‌نگارنده دیده‌نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملّی میباشدکه درحدود ۸۰۰۰ بیت وبدین تفصیل است :

۱ ـ غزلیات مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف ها درحدود ۲۲۵۰ بیت ، ۲ ـ قصائد ومقطعات درحدود ۲۲۰۰ بیت ، ۳ ـ ترکیب بند ومسمط در حدود ۱۰۰ بیت ، ٤ ـ رباعیات در حدود ۱۰۰ ، ٥ ـ مثنوی ببحر خسرو شیرین بنام « ناظر و منظور » در حدود ۱۵۰۰ بیت ، ٦ ـ خلد برین بوزن مخزن‌الاسرار درحدود ۵۳۰ بیت ، ۷ ـ مثنوی مشتمل برمدح غیاث‌الدین وغیره درحدود ۲٤۰ بیت ، ۸ ـ فرهاد وشیرین که ناتمام مانده (۳) درحدود ۱۰۰۰ بیت است وخوددر قطعه ای که پس‌ازنسخهٔ ناظرومنظور متعلّق به‌مجلس شورای‌ملّی (جزءکلیات وحشی است)گذارده انشاءآنرا بسال ۹٦٦ معین نموده است .

بسال۱۳٤۷دیوان غزلیات وقصائد ورباعیات وناظرمنظوروخلد برین وفرهاد و شیرین وحشی درحدود ۷۰۰۰ بیت چاپ سنگی شده و دانشمندی بنام اسمعیل وملقب به « حمیدالملك » مقدمه‌ای درشرح حال وحشی باتحقیق شایسته ای درسبك

(۱) درمقطعات دیوان خطی وحشی (ص ۳۳۱ نسخه مجلس) است :

طلب کردم چوتاریخش فروگفت « شهید دشنه جور زمانه » =۹۹۰ .

(۲) اکبرشاه پادشاه هند که تاریخ اکبری را ابوالفضل بن مبارك بنام وی نوشته چنانکه درتذکره خوشگو تصریح شده بسال ۹۰۲ متولد شده وبسال۹٦٤ پادشاه شدوبسال ۱۰۱٤ رخت بسرای دیگر بست .

(۳) درص ۵۲۸ ج ۲ مجمع‌الفصحا ذکرشده که میرزا کوچك متخلص به وصال که ازشعرای قرن سیزدهم هجری بوده وبسال ۱۲٦۲ وفات یافته نقص این کتاب را تکمیل کرده است .

وروش این شاعر بامراجعهٔ به تذکره هائی فارسی وفهرست های فرنگی نوشته ومآخذ نگارش این بنده نگارش ایشان نیز بوده است .

آغاز غزلیات : ازکاه کهربا بگریزد به بخت ما
خنجر بجای برگ برآرد درخت ما

(۱۲۸۹)

دیوان وحشی کرمانی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده ذکرنشده ، ظاهراً نویسنده هندی و در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات وقصائد وحشی میباشد و« فرهاد و شیرین » را هم نیز دربردارد ، یك پیشانی (مربع مستطیل) مذهب در اول غزلیات ویکی دراول « فرهاد وشیرین » رسم شده وصفحات بجدول بطلاولاجورد میباشد وتمام برگها وصّالی شده ومتن وحاشیه است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریك . شمارهٔ اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ ۱/۲ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲٦۸۰) .

[۵۹۱] دیوان وحید قزوینی (فارسی)

میرزا محمد طاهر متخلّص به **وحید** منشی ومورخ عصر شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۸) بوده ، تاریخ و وقایع سلطنت این پادشاه را نوشته(۱) مثنوی هائی مفصّل و مختصر بنام : فتحنامه قندهار(۲)، خلوت راز ، ناز و نیاز ، گلزار عباسی ، ساغر سرشار، مثنوی دروصف همایون تپه(۳)، ایضاً درتعریف نرد ، ایضاً درذکر و معرفی یك به یك ازادوات جنگ و مثنوی عاشق ومعشوق (درآخراین مثنوی بوصف اصفهان وذکر یك به یك ازاصناف آنشهر وتعریف آنها پرداخته است)انشا نموده و نسخی ازآنها در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا ذیل «کلیات وحید» معرفی کامل خواهد شد ، بنا برضبط رضا قلیخان هدایت در جلد هشتم روضة الصفا

(۱) نسخه‌ای ازاین تاریخ در کتابخانه آقای ملك‌الشعراء (بهار) موجود است .
(۲) درتتمه روضةالصفا (جلد هشتم) این فتح بسال ۱۰۵۸ معین گردیده است .
(۳) درتتمهٔ روضةالصفا عمارت همایون تپه بسال ۱۰٦٤ معین گردیده‌است .

(متمّم روضة الصفا) «پس از اینکه بسال ۱۱۰۱ شیخعلیخان زنگنه وزیر شاه سلیمان بن شاه عباس شاه (۱۰۷۸-۱۱۰۵) بدرود زندگانی گفت میرزا طاهر قزوینی متخلّص به وحید که مخذول و منکوب و خانه نشین بود بر مسند وزارت تکیه نمود ، مرجع امرا وسفرا ومطبوع عرب وعجم وترك ودیلم گردید ، چون او از اصحاب وارباب افضال بوده دیوانی مشحون بنظم و نثر ترکیّه و عربیّه وفارسیّه قریب بنود هزار بیت باتمام رسانیده ودرهنگام تذکره نگاری مکرر دیده شد » ادوارد برون در تاریخ ادبیات (۱) بمعرفی وی پرداخته وگوید در حدود سال ۱۱۲۰ وفات یافته و بنقل از اته خاور شناس معروف مؤلف فهرست کتب فارسی «ایندیاافیس» ، نقل نموده که وحید ازدوستان صائب بوده وخوشگو در تذکرهٔ خود چندین بیت از وحید را بنام اینکه انتخاب کردهٔ صائب میباشد نقل نموده و آقای جواهرالکلام درص ۱۰۰ جزء چهارم آثارالشیعة الامامیّه وحید را معرفی وگوید که صد سال عمر کرده و دراواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفا داد وخوشگو وفات وحید را بسال ۱۰۸۲ ثبت کرده و بنابر آنچه گذشت مسلّماً این تاریخ اصلی ندارد .

ومؤلف شمع انجمن (ص۵۱۳) وحید را نام برده وگوید « درفنون وعلوم ونظم ونثر گوی ازهمعصران می برد . . . . دیوان غزل قریب سی هزار بیت از وی بنظر رسیده » وابیاتی چند از آن انتخاب کرده است .

و نویسندگان نام برده تألیف رساله هائی در علوم مختلفه به وحید نسبت داده اند وتاکنون نگارنده ازنثر ونظم عربی ونثر ونظم ترکی وحید چیزی نیافته جز مکتوبی عربی که درآخر یکی از نسخ کلیات وی درمجلس وجود دارد .

آغاز دیوان غزلیات :

کرامت کن عیاری یارب این ناقص عیاران را
بده دستی که گیرم دامن پرهیزکاران را

---

(۱) ترجمهٔ تاریخ ادبیات ادواردبرون ص ۱۳۵ .

(۱۲۹۰)

دیوان وحید قزوینی

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، ازطرز نگارش بدست می آید که برای خود شاعر نوشته شده ، ودر برگها تتمهٔ برخی ازردیف ها سفید گذارده شده که پس از انشا در آنجاها نوشته شود ودر پاره‌ای از موارد هم غزلیاتی نگارش یافته و در حاشیهٔ دو برگ اول نسخه غزلیاتی بخط غیر کاتب متن بردیف الف نوشته شده ، گذشته ازغزلیات ، فردها ورباعیات وغزلیات ناتمام وحید نیز پس ازغزلها وردیف های خود مندرج گردیده وتقریباًدرحدود(۳۶۰۰۰) بیت میباشد ، برگ آخر کنونی شامل غزلیات ردیف خاء معجمه میباشد وبرای اینکه نسخه بدون‌نقص نشان داده شود در آخر گذارده شده و شش برگ پیش ازآنهم بایستی پیشتر از اینجائیکه اکنون صحافی شده گذارده شود واز ردیف یاء هم بایستی برگهائی افتاده باشد .

صفحهٔ نخستین دارای یک سرلوح و تمام اوراق مجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ اوراق (۴۳۷) . صفحه‌ای(۴۴) بیت . طول (۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر).شمارهٔ کتابخانه(۱۶۲) .

(۱۲۹۱)

دیوان وحید قزوینی

این‌نسخه تقریباًشامل(۲۲۰۰۰) بیت غزل وقطعه وفردورباعی میباشد (در حدود ۲۰۰ بیت مثنوی نیز شامل است) بخشی از غزلها (از اول غزل ردیف الف تا اواسط حرف تاء در آخرنسخه گذارده شده و اوائل نسخه جز سه ورق که شامل ابیاتی از یک مثنوی میباشد ازغزلیات به ردیف دال شروع وتاحرف نون خاتمه میبابد و میان این دو بخش مقطعات وماده تاریخ هاست وفرد ها ورباعیات هم درمیان غزلها موافق ردیف هاست ، برگهائی از نسخه وصّالی شده و بنام « جنگ اشعار » داخل کتابخانهٔ اعتضادالسلطنه شده‌وبهمین نام وقف‌ودردفاترمدرسه ثبت گردیده‌است .

جلد تیماجی نیم ضربی(۱) . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ ؛ شمارهٔ اوراق (۲۷۵) . صفحه ای (۸۰) بیت . طول (۳٦ سانتیمتر) . عرض (۲۵ سانتیمتر) شمارهٔ کتابخانه (۱٦۳) .

[۵۹۲] دیوان ولی دشت بیاضی (فارسی)

ولی دشت بیاضی ازشعرای شاه طهماسب صفوی تااوائل شاه عباس اول بوده وچنانکه درسفینه خوشگو ثبت شده دیوان قصائد وغزلیات او درحدود پنجهزار(۲) بیت میباشد وبسال ۱۰۰۱(۳) غنیم(٤) بیك اوزبك بجرم تشیّع اورا شهید کرده است **دشت بیاض** ازتوابع قائن خراسان میباشد ودراثرسفیدی خاك بدین نام نامیده شده است این رباعی درهفت اقلیم ازولی نقل شده ودردیوان وی (نسخهٔ زیرین) باکمی تغییر نیز موجود است :

امی لقبی کزانبیا اعلم بود — احمد نامی که سرور عالم بود
زان سایه بدو نبود همراه که بود — محرم جائی که سایه نامحرم بود .

آغاز : ای حریمت کعبهٔ حاجت روای جبرئیل
نقش نعلین تومحراب دعای جبرئیل .

(۱۲۹۲)

دیوان ولی دشت بیاضی این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیرشمارهٔ (۱۱۷۵) معرفی گردید ودرکتابخانه باآن دیوان زیر شمارهٔ (۲۸٤) بنام « دیوان اثیرالدین اومانی» ثبت ووقف گردیده ،

---

(۱) پشت جلد باشنجرف ابیاتیکه مطلع آنهانوشته میشود وآنچه روی یکی ازجدولها بوده تراشیده شده است اینست : این چه شور است که در دور قمر میبینم الخ .

(۲) درص ۱۲۲ آتشکدهٔ آذرمعرفی مختصری ازولی گردیده و گوید : دیوانش دو هزاربیت بنظر رسیده اشعار دیوانش یکدست است .

(۳) درص ٦٦۹ ــ ٦۷۰ هفت اقلیم معرفی ودر باره وی پس از تعریف وتوصیف زیاد گوید : « روزگاری مهناداشت نالوای عالم مخلد برافراشت » وچون هفت اقلیم بسال ۱۰۰۲ تالیف شده بایستی درهمین سال وفات یافته باشد وپیش ازین نخواهد بود چرا که دردیوان وی مرثیه از اصلان علی که از او مکرر سلطان علی خلیفه تعبیر گرده موجود واین مرد چنانکه در عالم آرا است بسال ۱۰۰۲ کشته شده است ؛

(٤) درتذکره یاسفینهٔ خوشگو غنیم ثبت شده ولی در تاریخ عالم آرا (نسخه خطی مدرسه) یکجا تلیم وجای دیگر تمیم نگاشته شده است .

شامل قصائد وغزلیات ومقطعات و رباعیات میباشد و برحسب شمارهٔ نگارنده ۳۰٤۸ بیت میباشد ، بسال ۱۰۲۵ نوشته شده وخصوصیات دیگر نسخه را به ص ۵۷٦ نگاه کنید .

[۵۹۳] دیوان هاتف اصفهانی (فارسی)

سیّد احمد اصفهانی متخلّص به هاتف پدر سید محمد سحاب میباشد که در ص ٦۰۵ - ٦۰٦ معرّفی گردید ، هاتف بگفته راوی گروسی(۱) در فنون حکمی و علوم ریاضی مسلّم زمان ووحید دوران بوده وبحسن اخلاق شهرهٔ آفاق » ودراثر رفاقت ودوستی با آذر وصباحی متوطن در کاشان شده وبسال ۱۱۹۸ درقم بجوار رحمت الهی رهسپار گردید وراوی درذیل شرح حال سحاب طبیب بودن این شاعر را نیزتذ کرداده ، آذر وهدایت قدرت هاتف را برنظم و نثرعربی تذکرداده اند ولی نگارنده تاکنون به نظم ونثر تازی وی ونثرفارسیش دست نیافته است .

دیوان هاتف شامل قصائد وغزلیات ومقطعات ورباعیات و ترجیع بند میباشد وشهرت هاتف بیشتر بواسطه ترجیع بند معروف وی میباشد که دراین بخش هیچیك ازمتقدمین ومتأخرین بپایه هاتف نرسیده وهدایت گوید که دیوان مختصری دارد شمارهٔ ابیات دونسخه زیرین را درذیل معرّفی هریك خواهیم نگاشت .

آغاز : سحر ازکوه خاور تیغ اسکندر چوشد پیدا
عیان شد رشحهٔ خون از شکاف جوشن دارا.

(۱۲۹۳)

دیوان هاتف اصفهانی این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته وبادیوان صهبا ودیوان عبد المجید درویش که بدان پیوسته است زیرشمارهٔ (٤۰۱) دراین کتابخانه ثبت گردیده وبرگ ۱-۳۸ نسخه این دیوانست وخصوصیات دیگر آنرا درص ٦۲۷

(۱) انجمن خاقان درانجمن چهارم وآتشکدهٔ آذرص ٤۳٦-٤٤۵ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵٦۷-۵۷۲ وترجمهٔ تاریخ ادبیات ادواردبرون ص ۱۸۷-۱۹۱ شامل شرح حال ومنتخبی ازاشعار هاتف میباشد .

نگاشته ام و این نسخه در حدود (۱۱۵۰) بیت از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات وترجیع بند میباشد .

(۱۲۹٤)

دیوان هاتف اصفهانی این نسخه پیوسته به دیوان سحاب میباشد که درص۶۰۵-۶۰۶ معرفی گردید ودراین کتابخانه هردو نسخه زیرشمارهٔ (۲۶۱) ثبت گردیده اند ، خصوصیات دیگررا به صفحهٔ نام برده در سطربالا مراجعه نمائید وتقریباً شامل ۱۵۰۰ بیت ازقصیده وغزل و قطعه و رباعی وترجیع بند میباشد .

[۵۹٤] دیوان همایون اسفراینی (فارسی)

امیرهمایون(۱) ازنیکو طبعان اسفرائن بوده وامین احمد رازی در وصف وی گوید : « درشعرازشعری گذشته ودرنثر نسرین را بازپس گذاشته » و آذرنوشته « دراوائل شباب ازاسفرائن حرکت وبه‌تبریزرفته ودرآنجا بجوانی شیخ ولی بیك نام ازملازمان سلطان یعقوب(۲) فریفته شده ومیل بگفتن شعر برده . . . . . وبعد ازفوت سلطان وقتل قاضی عیسی که حضرات ارباب دانش ناچار ازتبریز حرکت کردند چون شیخ ولی بیك درقریه ازملك من‌اعمال قم ساکن ودرآن اوان باصوفی خلیل دم ازمخالفت زده امیرمشارالیه خودرا بآنجا رسانید ازحضرت معشوق نهایت مراعات یافته وسه سال درآنجا بوده هم درآنجا سنهٔ ۹۰۲ جان بجان آفرین تسلیم کرد الخ » .

این نسخه از دیوان همایون که شامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف هاست درحدود ۹۰۰ بیت میباشد واشعاری لطیف دارد ودرآن تبریزیان را برخراسانیان که هموطنان او بوده اند ترجیح داده و گوید :

---

(۱) درص ۶۵۱ هفت اقلیم ، آتشکده آذر ص ۷۱ ، تذکره خوشگو درحرف هاء ومجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۵ شامل شرح حال این شاعر میباشد ومراجعه شده است .

(۲) سلطان یعقوب بسال ۸۹۶ وفات یافته ودرتحفه سامی ودانشمندان آذربایجان نام برده شده است .

همایون باسگان کوی تبریز آنچنان گشتم که دردل هم نیاید یاد یاران خراسانم.

واین بیت رادرهنگام حبس، که دراثرعشق به ولی بیك متهم به جنون شده ودرزنجیرش کرده اند گفته وبسیارلطیف میباشد :

بزنجیرم چو کرداز بی قراری دلستان من دل زنجیرشد سوراخ سوراخ ازفغان من

آغاز : بی ترجائی که شود خاك دل چاك آنجا

تاابد ناله برآید زدل خاك آنجا

(۱۲۹۵)

دیوان همایون اسفرائنی این نسخه با چهار دیوان دیگر در این کتابخانه زیر شمارهٔ (۲۷۹) ثبت شده، و ص۱۷۷-۲۶۰ شامل این دیوان است، خصوصیات دیگرنسخه را در ص ۵۷۱ زیر شمارهٔ (۱۱۷۲) معرفی کرده ایم بدآنجا مراجعه شود.

سپاس وستایش فراوان مرخداوند راکه این نگارندهٔ ناتوان را توانائی دادتا بخش دوّم ازفهرست را بپایان رساند وازوی نیز امیدوارم که درچشم دانشمندان آنرا بخوبی جلوه دهد.

واین کاردرروز شنبه سی و یکم شهریورماه یکهزاروسیصدوهیجده خورشیدی که برابر باهشتم ماه شعبان سال ۱۳۵۸ هجری قمری است انجام پذیرفت.

طهران ـ ابن یوسف شیرازی

فهرست اماکن

شماره های سیاه که برابر نامها گذارده شده میرسانند که در آن صفحه آن شهر یا محل معرّفی گردیده است

فهرست کتب متفرقه

کتابهائیکه بمناسبت در این مجلّد از فهرست نام برده شده در اینجا بترتیب حروف تهجی با قید صفحات مرتب گردید وچون اندك معرّفی از آنها شده باشد شمارهٔ صفحات را با شماره های سیاه معین کرده ایم .

ج

ح

ص

ض

ط

ق

ک

و

ه

ی

فهرست اعلام

در این مجلّد چون مجلّد پیشین نامهای کسانیکه مؤلف کتابی و یا نویسندهٔ نسخه ای بوده اند و یا بمناسبت از آنها نام برده شده بترتیب حروف تهجی مرتب گردید و برای اینکه نگاه کنندگان بزودی مطلوب خویش را بیابند اصطلاحاتی را که بکار برده ایم یاد آور میشویم :

۱ - نامی که باحروف سیاه نوشته بشرح حال وی پرداخته شده وصفحه ایکه شامل شرح حال اوست دراین علامت[ ]گذارده‌ایم وچون مؤلفهٔ دیگری نیز ازوی دراین فهرست معرفی‌شده‌باشدشمارهٔ صفحهٔ آن در این‌علامت( ) قرار داده شده وشماره هائیکه در یکی از این دو علامت نباشد میرساند که فقط نام آن شخص در آن صفحات یادگردیده است .

۲ - چون کسی دارای لقب و کنیه ونام وشهرت باشد درذیل نام مشهوروی معرفی‌کامل ودر ذیل‌دیگرنامها نیز معرفی ویاحواله بنام مشهوروی گردیده‌است .
۳ - کسیکه مؤلفه ای ازاو دراین مجلد نبوده ولی بمناسبت مختصر معرفی گردیده باشد شمارهٔ صفحه‌ایکه شامل آنست باشمارهٔ سیاه نمایانده شده .

٤ - چون کسی را در حاشیهٔ صفحه‌ای نام برده باشیم پس از شمارهٔ صفحه حرف ح گذاره ایم .

٥ - پس از نام یاشماره‌ای چون حرف « ك » بوده باشد میرساند که آنشخص نویسنده نسخه است .

فهرست اعلام

ب

چ

ح

فهرست کتب این مجلد

کتابهائی راکه در این مجلّد از فهرست در شش فصل معرّفی کرده‌ایم اینك بترتیب حروف تهجّی در اینجا مرتّب نموده وعربی بودن کتابی را بدین نشانه (+) وترکی بودن آنرا بدین(×)علامت وفارسی بودن هریك را بهنداشتن چیزی نشان داده‌ایم وچون نسخه ای پیوستهٔ یکی از این کتابها باشد ودر این مجلّدجای معرّفی از آن نبوده باحروف سیاه نگاشته شده است .

ث

ج

ح

خ

ر

ز

س

ص

ض

ف

ق

ك

گ

ل

ن

٭٭٭

در روز شنبه اول مهرماه سال یکهزار وسیصد وهیجده خورشیدی برابر یازدهم ذیقعدة الحرام یکهزار وسیصد وپنجاه وهشت هجری قمری درچاپخانه مجلس شورای ملی ایران چاپ گردید .